

PRINCETON UNIV



PRINCETON UNIVERSITY LIBRARY

This book is due on the latest date stamped below. Please return or renew by this date.

XXXXXXXXXXXXX
DUE OCT 23 1984
RETURNED OCT 24 1984

Koran. Arabic and Persian.
111

قرآن کریم

با ترجمه و تفسیر فارسی با حواشی و سوره و آیات جدید

بخط نویسنده مشهور طاهر خوشنویس (تبریزی) از روی قرآن
سلطانی نوشته و عکس برداری شده

دعا قبل از تلاوت قرآن مأثور از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَشْهَدُ اَنَّ هٰذا کِتابُکَ الْمُنْزَلُ مِنْ عِنْدِکَ عَلی رَسُولِکَ مُحَمَّدِ بْنِ
عَبْدِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَکَلامُکَ النّاطِقُ عَلی لِسانِ نَبِیِّکَ جَعَلْتَهُ
هادِیاً مِنْکَ اِلی خَلْقِکَ وَحَبْلاً مُتَّصِلاً فیما بَیْنَکَ وَبَیْنَ عِبادِکَ اَللّٰهُمَّ
اِنّی نَشَرْتُ عَهْدَکَ وَکِتابَکَ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَظَری فیهِ عِبادَةً وَقِرائَتی فیهِ
فِکْراً وَفِکْری فیهِ اِعْتِباراً وَاجْعَلْنی مِمَّنِ اتَّعَظَ بِبَیانِ مَواعِظِکَ فیهِ وَاجْتَنَبَ
مَعاصیکَ وَلا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرائَتی عَلی سَمْعی وَلا تَجْعَلْ عَلی بَصَری غِشاوَةً وَلا
تَجْعَلْ قِرائَتی قِرائَةً لا تَدَبُّرَ فیها بَلِ اجْعَلْنی اَتَدَبَّرُ آیاتِهِ وَاَحْکامَهُ وَاَخُذُ بِشَرائِعِ
دینِکَ وَلا تَجْعَلْ نَظَری فیهِ غَفْلَةً وَلا قِرائَتی هَذّاً اِنَّکَ اَنْتَ الرَّؤُفُ الرَّحیمُ

بسرمایه جناب آقای حاج سید محمود کتابچی مدیر

کتابفروشی علمیه اسلامیه

تهران - خیابان ناصرخسرو - تلفن ۵۰۳۰۰

چاپخانه عکس داری و روتوگراور نسخه

شهر جمادی الاخری ۱۳۷۷

گراور و چاپ گردید

حقوق این نسخه محفوظ و مخصوص کتابفروشی است

هذا بيان تلاوة القرآن ومخارج ولقاب محمد علي حسين محمد الحسيني الحنفي الله مقامه

(بسم الله الرحمن الرحيم ونستعين)

الحمد لله الذي هدانا للإيمان ووفقنا لجادة بيانه وتلاوة القرآن والصلوة على نبيه الذي أرسله بالدلائل والحجج وأنزل عليه قرآنا عربيا غير ذي عوج صلى الله عليه وعلى خاتم النبيين وآله وأولاده والطاهرين أما بعد فيقول العبد الفقير إلى الله الغني محمد بن علي بن محمد الحسيني كان الله له ورحمه هذه رسالة لطيفة مختصرة في بيان تجويد القرآن وما يتعلق به مرتبة على مقدمة وعشرة أبواب وخاتمة أما المقدمة فتشتمل على بحث واحد وهو بحث اللفظ وفيه مطلبان المطلب الأول في تعريف اللفظ وتقسيمه اعلم أن اللفظ هو الصوت المشتمل على بعض الحروف كزيد وعمرو وبكر وخالد فخرج بقولنا الصوت الكتابة لأنها ليست بصوت ولا حرف وخرج بقولنا على بعض الحروف الصوت الذي ليس فيه حرف أصلا كالآه والأنين والتأفف ونحو ذلك وخرج بقولنا بعض الحروف الصوت المشتمل على جميع الحروف كقولك في زيد ألف باء تاء ثاء جيم حاء خاء دال ذال راء زاي سين شين صاد ضاد طاء ظاء عين غين فاء قاف كاف لام ميم نون واو هاء لام ألف ياء فإن هذا الصوت لا يسمى لفظا بل يسمى كلاما ومنطقا وقولا ونحو ذلك والحروف التي في هذا الصوت هي الحروف التي في أول حروف التهجي وهي التي يسميها النحاة حروف المعجم وهي ثمانية وعشرون حرفا على ترتيب حروف التهجي المذكورة وهي مرتبة على حسب مخارجها من أقصى الحلق إلى الشفة وهي الهمزة فالهاء فالعين فالحاء فالغين فالخاء فالقاف فالكاف فالجيم فالشين فالياء فاللام فالراء فالنون فالطاء فالدال فالتاء فالصاد فالزاي فالسين فالظاء فالذال فالثاء فالفاء فالواو فالباء فالميم فالألف اللينة وهي التي قبلها فتحة وبعدها ألف ساكنة نحو قال وباع وخاف وسميت هذه الحروف حروف المد واللين لأن المد واللين لا يكونان إلا فيها وسميت أيضا حروف الجوف لأن مخرجها من الجوف وسميت أيضا حروف الهواء لأن مخرجها من الهواء وسميت أيضا الحروف الهوائية لأن مخرجها من الهواء وسميت أيضا الحروف الهاوية لأن مخرجها من الهاوية وهي الجوف وسميت أيضا الحروف الزوائد لأنها تزاد في الكلام لغير معنى وسميت أيضا حروف الذلاقة لأن أكثر مخارجها من ذلق اللسان وهو طرفه وسميت أيضا حروف الشفوية لأن مخرجها من الشفة وسميت أيضا حروف الصفير لأن فيها صفيرا وسميت أيضا حروف القلقلة لأن فيها قلقلة وسميت أيضا حروف اللين لأن فيها لينا وسميت أيضا حروف المد لأن فيها مدا وسميت أيضا حروف العلة لأن فيها علة وسميت أيضا حروف الخفاء لأن فيها خفاء وسميت أيضا حروف الهجاء لأن الهجاء لا يكون إلا بها وسميت أيضا حروف المعجم لأن المعجم لا يكون إلا بها وسميت أيضا حروف التهجي لأن التهجي لا يكون إلا بها وسميت أيضا حروف المبسوطة لأن الصوت يجري فيها ولا ينقطع وسميت أيضا حروف الرخوة لأن الصوت يجري فيها ولا ينقطع وسميت أيضا حروف الحلقية لأن مخرج بعضها من الحلق وسميت أيضا حروف الشجرية لأن مخرجها من الشجر وهو مبدأ مجرى النفس

مخرج میم ساکن و نون ساکن بود که از حرف فروعند و تنوین همان نون ساکن است الا آنکه او را در کتابت صورتی نیست و در وقف ساقط است و نباشد
الا در آخر کلمه و این حروف را غنوی گویند زیرا که غنه آوازیست که از خیشوم بیرون آید و این معنی ظاهر گردد در گفتن حروف مذکوره در حالت اخفا یا ادغام
مخرج هفدهم جوفست که الف و واو ساکن ما قبل مضموم و یاء ساکن ما قبل مکسور از آن بیرون آیند و از این جهة آنها را جوفیه گویند و حروف مد و
لین هوائیه نیز باشند زیرا که آواز بآنها کشیده میشود بی مشقتی و لیکن الف و یاء مذکور از هوای دهن بیرون آیند و واو از هوای لب و ارتفاع صوت
در الف بیشتر باشد پس معلوم شد که مخارج حروف هفده است و بعضی شانزده گفته اند و مخرج هفدهم را اعتبار نکرده اند **فصل دوم**
در صفات حروف و مشتملست بر سه بحث **بحث اول** در صفات لازمی مشهوره و حروف را وان نوزده است اگرچه صاحب شاطبی هیجده گفته بنا بر آنکه
حروف مد و لین را یکی اعتبار کرده است و آن اینست جهر و همس شدت و رخاوه میان شدت و رخاوه اطباق و انفتاح استعلاء استفال مد و لین
اعتلال صفیر تفشی انحراف تکریر استطاله قلقله و غنه اما جهر برداشتن آواز بود و حروف آن هیجده است بقول اول و نوزده است بقول دوم
و مجموع این است ظِلُّ قُوٍّ رَبَضٌ اِذْ غَزَا جُنْدٌ مُطِيعٌ و این حروف را مجهوره گویند زیرا که در تلفظ آنها آواز برداشته میشود بحدیکه نفس بسته میشود
و همس فرو داشتن آواز بود و حروف وی ده بود مجتمع در این قول حثت کسف شخصه و این حروف را مهموسه گویند جهة آنکه در ادای آنها آواز بنرمی
بیرون میآید و بستگی در نفس پیدا نمیشود و همس و جهر ضد یکدیگرند **و شدت** عبارتست از قوة آواز و امتناع آن در جریان و حروف وی هشت است
مجتمع در قول اَجَدْتَ کَقُطْبٍ و این حروف را شدید و مشدد گویند زیرا که در مخرج خود سخت شوند چنانکه در گفتن از غایت قوت آواز کشیده
نمیشود تا بحدیکه اگر ساکن باشند در مخرج مشدد میشوند مثل اج **و رخاوه** سستی است و جریان آواز در حروف او بآسانی شود و حروف وی پانزده
است بر قول اول و شانزده است بقول دوم مجتمع در این قول در این سه حرف وای اختلافست حِسُّ شَخْصٍ هَزَّ فَظَّ غَذْ ثَذِي و این حروف را رخوه
و رخاوه گویند زیرا که در تلفظ آنها آواز بسستی بیرون آید و توان کشیدن و نفس تنگی نکند و میان شدت و رخاوه نه چنان قوی که شدید شود
نه اینچنین که رخوه گویند و این پنج حرفست مجتمع در این قول لَنْ عُمَرُ **و اطباق** پوشیدن است و حروف وی چهار است مجتمع در این قول صض طظ و
این حروف را مطبقه و منطبقه نیز خوانند از جهة آنکه در تلفظ بآنها زبان چون طبقی شود و کام بالا که برابر او است میپوشد **و انفتاح** گشاده شدن است
ضد اطباق و حروف وی غیر حروف اطباق است و این حروف بیست و چهار است بقول اول و این حروف را منفتحه گویند زیرا که در تلفظ بآنها زبان از کام
گشاده میشود و کام بالا را نمیپوشاند **و استعلاء** طلب بلندی کردن است و حروف وی هفت است مجتمع در این قول قظ خص ضغط و این حروف
را مستعلیه گویند از جهة آنکه در تلفظ بآنها زبان ببالا میل میکند **و استفال** میل بپایین کردن است ضد استعلا و حروف وی غیر حروف استعلاء
است و آن بیست و یک حرف است بقول اول و این حروف را مستفله گویند از جهة آنکه در تلفظ بآنها زبان بپایین میل میکند و مد کشیدن
است و حروف وی سه است واو ساکن ما قبل مضموم و یاء ساکن ما قبل مکسور و الف مطلق و آنها را حروف مد گویند زیرا که در تلفظ بآنها کشیدن
صوت لازم بود و لین نرمی است و حروف وی دو است واو و یاء ساکن باشند و ما قبل مفتوح و این هر دو حرف را حرف لین گویند از جهة آنکه در
تلفظ بآنها آواز بنرمی حاصل شود **و اعتلال** تغییر دادن است و تصرف کردن تا آنکه بدرجه صحت رسد و حروف وی مجتمعند در ترکیب
اَوَیَ و این حروف را حروف علت گویند زیرا که در آنها تصرف بسیار باید کرد تا بدرجه مقصود برسند مثل حذف و قلب و تسهیل چنانکه بیمار را
معالجه گوناگون باید کرد تا صحت یابد **و صفیر** پست کردن صوت و آواز جانور است و در اصطلاح عبارت از صوتی بود که از میان دندان
شنوده شود و آن سه حرفست زای و سین و صاد و این حروف را صفیر از جهة آن گویند که از تلفظ بآنها آوازی بیرون میآید از میان دندان و سر زبان
و تفشی از هم پاشیدن و پهن شدن است و حروف وی شین است و بس و بعضی بر آنند که حروف تفشی چهارند مجتمع در قول مشرف و شین را حرف
تفشی خوانند از جهة آنکه در مخرج پراکنده و پهن میشود تا غایتی که بمخرج ظا میرسد از جهة آنکه در تلفظ بآن در میان کام و زبان بادی پراکنده
میشود **و انحراف** میل کردن است و راء و لام حرف او است و ایشان را منحرف گویند از جهة آنکه در تلفظ بآنها زبان بجانب درون کام میل
میکند یا آنکه از مخرج خود میل بکناره زبان میکند و بصریان بر آنند که لام منحرف است و بس **و تکریر** دو بار گفتن است و حروف وی را است
و بس و آنرا باین صفت خوانند از بهر آنکه در تلفظ دو بار گفته شود **و استطالت** طلب درازی کردن است و کشیدن و حرف وی ضاد است
و بس موصوفست باین صفت زیرا که بزودی رام همه کس نشود و تلفظ بآن نتوان کرد الا بعد از مشقت بسیار و دیگر آنکه در مخرج دراز میشود تا غایتی
که بمخرج لام میرسد یا آنکه در گفتن درازی دارد **و قلقله** جنبانیدن است و حروف وی پنج است مجتمع در این ترکیب قطب جد و این
حروف را حروف قلقله از جهة آن گویند که در حال سکون در مخرج بجنبد و الا ظاهر نمیگردد **و غنه** آوازیست که از خیشوم بیرون آید و میم
و نون ساکن را حروف غنه نامند چنانچه معلوم شد **بحث دوم** در صفات لازمی غیر مشهوره مثل ضغط که فشردنست و حروف قلقله
را مضغوطه خوانند زیرا در حالت وقف بر آنها فشردن لازم بود چنانکه آوازی حاصل شود و غیر حروف مضغوطه را ساکنه گویند **و**
ذلق کنار هر چیزیست و حروف وی شش است ر ن ل ب ف م و آنها را مذلقه گویند که سه حرف اول از کناره زبان است و سه حرف آخر
فَرَّ مِنْ لُبٍّ
از کناره لب چنانچه معلوم شد و ضد مذلقه را مصمته گویند **و خفا** پوشیدن است و حروف وی چهار است هـ و ای آنها را

آنها را خفیه از آن سبب گویند که از غایت سبکی و همان میشود که در وقت تلفظ پوشیده گردند و از این جهة ها را بصله خوانند و حروف مد را بزیادتی مد خوانند نزد همزه و سکون **و نفث** بیرون کردن است و ثا را منفوثه گویند زیرا که در گفتن آن بادی از مخرج آن بیرون میآید **و بحه** فشردن است و حاء مهمله را مبحوحه میخوانند زیرا که در ادا کردن فشردگی در حلق پیدا میشود که اگر فشردگی را بردارند ها شود **و خریر** گرفتگی است و خاء معجمه را مخروره خوانند زیرا که در تلفظ بآن مسموع میشود آوازی مثل آواز کسیکه حلقش گرفته باشد **و نفخ** دمیدن است و فا را منفوخه گویند زیرا که در وقت تلفظ بادی دمیده شود **و نبر** تیزی است و همزه را منبوره گویند بنا بر حدتی که دارد و از این جهة جماعتی آنرا تسهیل میکنند و بعضی بر آنند که نبر بلندی است و همزه بلندترین حروفست و در ادا کردن قوتی تمام باید کردن پس بجهة تخفیف تسهیل میکنند **و هوی** بمعنی صعود است

2273 .1957 .2

است بمنزلهٔ الف بنا الا والف زاها و بے نامند بجهة انکه از تلفظ بآن اواز بلا برمیاید پس حرکت عضوی **بحث سیم** در صفات غارضه مثل ترقیق و تفخیم و مدّ و قصر و کسر و اشباع و وقف و روم و اشمام و اسکان و تخفیف و ترقیق و اخلاس و اخفا و مدّ و قصر و توسط و تحقیق و تسهیل و ابدال و حذف و ادغام و اظهار و اخفا و قلب **فصل یکم** در انکه هریک از حروف تهجی چند صفت دارد از صفات لازمه مذکوره **بدانکه** همزه را هشت صفت است جهر شدت انفتاح استفال اعتدال صمت سکون **ب** را هفت صفت است جهر شدت انفتاح استفال قلقله ضغط ذلق **ت** را شش صفت است همس شدت انفتاح استفال صمت سکون **ث** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال صمت سکون نفث **ج** را پنج صفت است جهر شدت انفتاح استفال قلقله ضغط صمت **ح** را پنج صفت است همس رخاوه انفتاح استفال سکون صمت **خ** را پنج صفت است همس رخاوه انفتاح استعلاء سکون صمت **د** را پنج صفت است جهر شدت انفتاح استفال قلقله ضغط صمت **ذ** را شش صفت است جهر رخاوه انفتاح استفال سکون صمت **ر** را هفت صفت است جهر بین الشدة والرخاوة انفتاح استفال انحراف تکریر ذلق سکون **ز** را هفت صفت است جهر رخاوه انفتاح استفال صفیر صمت سکون **س** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال صفیر صمت سکون **ش** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال تفشی سکون صمت **ص** را هفت صفت است همس رخاوه اطباق استعلاء صفیر صمت سکون **ض** را هفت صفت است جهر اطباق رخاوه استعلاء استطالة سکون صمت **ط** را هفت صفت است جهر اطباق شدت استعلاء قلقله ضغط صمت **ظ** را شش صفت است جهر رخاوه اطباق استعلاء سکون صمت **عین** را شش صفت است جهر بین الشدة والرخاوة انفتاح استفال سکون صمت **غین** را شش صفت است جهر رخاوه انفتاح استعلاء سکون صمت **ف** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال نفع سکون ذلق **ق** را هفت صفت است جهر شدت انفتاح استعلاء قلقله صمت ضغط **ک** را شش صفت است همس شدت انفتاح استفال سکون صمت **لام** را هفت صفت است جهر بین الشدة والرخاوة انفتاح استفال انحراف سکون ذلق **میم** را پنج صفت است جهر بین الشدة والرخاوة انفتاح استفال غنه سکون ذلق **نون** را پنج صفت است بغنه **واو** را ده صفت است جهر بین الشدة والرخاوة انفتاح استفال مدّ لین اعتلال سکون صمت خفا **ها** را هفت صفت است همس رخاوه انفتاح استفال سکون صمت خفا **یا** را ده صفت است جهر رخاوه انفتاح استفال صمت خفا مدّ لین اعتلال سکون **باب دوم** در بیان مدّ و قصر بدانکه مدّ در لغت کشیدن است و قصر ضد آن و در اصطلاح کشیدن حروف مدّ و لین است زیادتر از کشیدن که طبعی ایشان است بنا بر سببی از اسباب آن و مدّ فرعی و غارضی خوانند و قصر ترک آن زیادتی است که عبارت از مدّ طبعی و ذاتی است و آن بقدر یک الف باشد و این باب مشتمل است بر دو فصل **فصل اوّل** در بیان مدّ که در حرف مدّ واقع است بدانکه حرف مدّ سه است الف و واو ساکن ما قبل مضموم و یاء ساکن ما قبل مکسور چنانکه گذشت و سبب مدّ همزه است یا سکون که بعد از حروف مدّ واقع شود و همزه یا در همان مدّ متصل باشد و یا کلمهٔ دیگر و همزه یا همزه و یا کلمه باشد یا انکه حرف مدّ در اول کلمه باشد و همزه در اول کلمهٔ دوم و اگر همزه در اول کلمهٔ دوم نباشد سکون لازم باشد بعضی جایز خوانند بعضی نه پس مدّ خوانند و بعضی بقصر **اما** قسم اوّل که همزه در همان مدّ متصل باشد جایز خوانند بمدّ مثل ضآءَ و خَافُوا و قُرُوٓءٍ و سوء **اما** قسم دوم که حرف مدّ در اول کلمه باشد و همزه در اول کلمهٔ دوم مثل یٰٓاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا و فِیْٓ اَنْفُسِهِمْ و این قسم را مدّ منفصل جایز خوانند بعضی قصر بمدّ خوانند و بعضی بقصر **اما** قسم سیم که سبب مدّ سکون لازم است ادغام باغیر مدغم مثل ضَآخَّةٌ و خَآجَّوْكَ و وَالْقُرْاٰنِ و مُحْیِ الْمَوْتٰی همچنین حرفی که در اول سوره واقعشده و در تلفظ بسه حرف ادا میشود و ما قبل حرف اخر حرف مدّ باشد و این قسم را مدّ لازم خوانند و جمیع بمدّ خوانند بتفاوت و اتارنز بعضی در سکون مدغم زیاده تر باید کشیدن **اما** قسم چهارم که سبب مدّ سکون است بسبب وقف یا ادغام غارض مثل اَلْکِتَابْ و یُؤْمِنُوْنْ و نَسْتَعِیْنْ و قال لهم و یقول ربنا و غیر هم مدّ تقرأ بعضی مثل سوم بدین قسم را مدّ غارض نامند و در این و جه سه قسم جایز باشد طول و قصر و توسط پس اگر حرف ساکن در اول مفتوح بوده باشد مثل یؤمنون و در آن سه وجه بیشتر جایز نباشد اگر مکسور بوده باشد مثل یَوْمِ الدِّیْنِ چهار وجه جایز باشد سه مدّ و چهارم روم با قصر و در روم مدّ جایز نباشد الا قصر زیرا که وقت بروم در حکم وصل است و اگر حرف ساکن در اول مضموم باشد مثل نستعین و در آن هفت وجه جایز باشد سه در وجه روم و سه وجه شمام و اشمام در حکم سکون است چنانکه روم حکم اعراب است **فصل دوم** در بیان مدّیکه در حروف لین مبنا شد در آن واو ساکن است یا یاء ساکن که ما قبل الفا مفتوح بوده باشد و سبب همزه است یا سکون چنانکه معلوم شد و همزه یا در همان کلمه است یا اخر کلمه پس اگر همزه در همان کلمه باشد مثل سُوْٓءَ و کَیْٓئَةَ و

پس لفظ کردن باین دو حرف بر وجهی که بکبوبت کفته شود مشدد و غرض از ادغام تخفیف است زیرا که زبان چون نطق بحرف نماید باز مایحتاج باشد که زبان را بمحل آید و مقارنت باین تا نوبت دیگر نطق نماید و همچنین کسیکه یلین بخون را بکوبت بگوید باز اعاده کند و این تفصیل بهمان وقت پیش از ادغام ممکنست نا زبانش پیش از بکوبت مرتفع نشود از جهت نطق بحرف واظهار مقارب است و اخفاء میان ادغام واظهار است یعنی بنهان نه بحد بکبار جنس ان دیگر شود و مشدد نکردد **فصل اول** در بیان ادغام واظهار حروف متماثلین و متقاربین بدانکه حروف متماثل یعنی متحد در مخرج و در صفات یا متحد در مخرج و متقارب در صفات متصل شوند باهم در یک کلمه خواه در دو کلمه حرف اول ساکن باشد خواه متحرک مدغم حرف اول در حرف دوم واجب باشد نزد جمیع قراء مثل یوجهه والنبیل و قصته ثم والم نخلقکم علیه وقد دخلوا قد تبین وقالوا اثقلت دعوا الله ربهما وا ظلم امّا در مثل لحظ و فرط و بسطت ادغام تمام نباشد بلکه اطیان و مجرکها در صفات طاء باید کذاشتن نه بحدی که خود بعضی زبان بکلام یا لامنطبق باید کردانید پس زبان اما بلفظ یا بدکردن و امّا در مد مثل ناوا و اقبلوا و فی یوسف ادغام مقدم یا جایز نباشد زیرا که مدتها نزد جمهور ساکن و متحرک است امّا حرف اول متحرک مدغم و ساکن در حرف متماثلین و متقاربین مثل هل لکم لکم و قد تبین و قال لهم و قال ربکم سوسی زاید عمرو و یعقوب و حمزه بروایت خلف بفتحه ادغام خوانند و باقه قرآنه باظهار لاجرم در ادا بیان ملاحظه تمام باید کرد تا از یکدیگر ممتاز شوند بتخصیص وقتی حلق و شفه و حروف علت مثل لا اربح خطّ و من یتبع غیر و وقع علیهم و ترجع عرّ النار و یعلم ما یسرّون و یعلم ما یعلنون و علم یمن فیها و قذف فی قلوبهم و هو وجوده و من خیر یوده **فصل دوم** در بیان احکام نون ساکن و تنوین بدانکه نون ساکن و صل و وقف در لفظ و خط ثابت است و در غیر اخر کلمه ثابت نشود چنانچه معلوم شد و اظهار او ادغام در حرفی که بهمی حکم است اظهار او ادغام اخفا و قلب تا اظهار او قلبی است بعد از ان اشکال حرف حلقی که همزه و ها و عین و حا و غین و خا واقع شود خواه در یک کلمه و از برای هر حرفی سه مثال نمود میشود **مثال همزه** بَلْ آمَنَّا وَمَنْ اَمَنَ عَذَابٌ اَلِيمٌ **مثال هاء** بَلْ هُمْ قَوْمٌ هَادٍ **مثال عین** اَنْعَمْتَ مَنْ عَمِلَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ **مثال حاء** وَاَحْرَمَ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ **مثال غین** فَسَيَنْغِضُونَ وَاِنْ يَكُنْ غَيّاً اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ **مثال خاء** اَلْمُخَفَّقَةُ مَنْ خَفَّفَ اَمْ مَعَهُمْ خَالِدِينَ مکرا بوجعفر کرد رغین وخاء اخفا میکنند الا در ان یکن غیّاً و رسوه نساء فَسَيُنْغِضُونَ در بنی اسرائیل و اَلْمُخَفَّقَةُ در مائده کذا در نشر و بین کلمات اظهار میکند **امّا** ادغام و قطع اث کلمه باشد و بعد از ان اظهار یکی از حروف یرملون و اقعسود امّا در واء و لام ادغام بلا غنه باشد و در باقی مع الغنه مکر خلف از حمزه کرد و او و ثانیه غنه نمیکند و بعضی نقل کرده اند که از ابوجعفر در واء و لام سر وجه ادغام بلا غنه و مع الغنه و اظهار و ازبرای هر یک از حروف ستّه در وصل نمونه میشود **یا** وَمَنْ يَقْتُلْ يُؤْمِنٌ يَصَّدَّقُوا **واء** مِنْ رَبِّكُمْ غَفُورٌ رَاحِمٌ **میم** مِنْ مَالِ اللهِ مَثَلاً مَا بَعُوضَةً **لام** مِنْ لَدُنْهُ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ **واو** مِنْ وَالٍ رَعْدٌ وَبَرْقٌ **نون** مِنْ نَاصِرِينَ حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ بلا تکرار نون و واو و یا نون و یا در کلمه واحده و اقعسوند مثل صنوان و قنوان و الدنیا و بنیا نه الشه اظهار باید کردن تا مشبه بضاعف نشود مثل صنوان و بنیان **امّا** قلب یعنی بدل کردن حرف بحرف دیگر و ان قلب است که بعد از الف اباء و اقعسود در یک کلمه یا دو کلمه قلب نمودن پس اخفاء بهیم با بدکردن پس اخفاء بهیم مع الغنه مثل انبئهم و من بأس الله و صمّ بکم **وامّا** اخفاء کردن کبکی زبان نزدیک حروف باقی بعد از الف اباء و اقعسود و اخفا نباشد الا مع الغنه و ازبرای هر یک سر مثال نموده میشود **تا** اَنْتُمْ مَنْ ثَابَ جَنَّاتٍ تَجْرِي **ثا** عَلَى الْحَيِّ الْعَظِيمِ مِنْ ثَمَرٍ صِبَاتٌ ثُمَّ **جیم** نَجِّي مَنْ جَاءَ غَثَاءً جَزَاءً **دال** اَنْدَادًا مَنْ دَانَ فِي كَادَ هَادَا **ذال** وَاَنْذِرْهُمْ مِنْ ذَلِكَ حَكِيمٍ ذَلِكَ زَاجِرٌ لاَ مَنْ ذَكَّاهَا مُبَارَكَةٌ **سین** مَسَاكِنَ مِنْ سَبَإٍ خَالِصَاتًا سَفَاً **شین** اَشَاناً مِنْ شَجَرَةٍ صِيَاحٌ شَكُورٌ صِدَاعٌ يَصْدُرُ مِنْ صَلْصَالٍ رِيحًا صَرْصَرًا **ضاد** مَنْضُودٍ مَنْ ضَلَّ مُسَفِّرَةٌ ضَاحِكَةٌ **طا** اَلْمُقَطَّرَةِ مِنْ طِينٍ صَعِيداً طَيِّباً **ظا** اَنْظَرْنَا مِنْ ظَنِّ ظِلاًّ ظَلِيلاً **فا** اَنْفُسَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ خَالِدًا فِيهَا **قاف** بِثَقْلٍ مِنْ قَرَارٍ سَمِيعٌ قَرِيبٌ **کاف** مِنْكُمْ مِنْ كِتَابٍ كَرِيمٍ

فصل سیم در بیان احکام میم ساکن زا نزد حروف بدانکه میم ساکن است **اوّل** ادغام باغنه نزد میم خود در یک کلمه یا دو در دو کلمه مثل ادغام نون ساکن در میم است مکر انکه غنه در میم بیشتر است و در جمیع مهات مشدد و این حکم جاریست مادامیکه بعد وقف و وصل چنانکه در مهات معلوم شد و ادغام مثلین **دوم** اخفاء باغنه نزد با مثل و من یعتصم بالله و ان دیتهم بهم و اظهار نزد جمیع حروف اما مختار در جیم و کاف اوّلست نزد با و صاحب طیبه **سیم** اظهار نزد با قرّی خواه در یک کلمه یا دو کلمه مثل الحمد لله انعمت و لهم عذاب متّصل انما بتخصیص نزد فاء و او کد اظهار بیشتر باید کردن چون بهمدّهم فی طغیانهم و علیهم و لا الضالین اما ملاحظه تمام باید کرد تا متحرک نشود **باب چهارم** در ترقیق و تفخیم و ترقیق این مشتمل است بر یک اصل و سه فصل **اصل** در تعریف انها بدانکه ترقیق عبارت است از ضعیف کردانیدن حرف و تفخیم فربه کردانیدن حرف یعنی اکد کردن زبان بطرف کام بالاحرف دهند در تلفظ بواء یا الام چنانکه در ادای ب یک غلیظ شود لاجرم زبان کفته اند که تفخیم و تغلیظ هر دو یک معنی اند مکر اینکه تفخیم را بیشتر در استعمال کنند تغلیظ را در لام و اصل در راء تفخیم است و ترقیق یا ب یک بسته یا یا ء ساکن بدلیل انکه جون کسره زا بل شود بسبب تفخیم کسره ترقیق نمی زایل میشود مثل اصحاب النار کذا در وقف یکون تفخیم باید کردن و اصل در لام ترقیق است و تفخیم بنا بر انستکه در الله فا قبل مفتوح یا مضموم واقعسوند نزد جمیع قراء یا انکه لام مفتوح بعد از ضاد یا طاء یا ظاء

حرف ساکن باشد یا متحرک مگر آنکه حرف ساکن استعلاء باشد غیر خاء مثل فطر او فضرّه الله و مصوّر اگر در اینصورت اونیز تفخیم کند امّا اگر کسره لازم نباشد مثل برسوطم و لرقیک یا آنکه را قبل از حرف استعلاء باشد مثل فران و الاشران و الصراط و اعراضهم یا آنکه را مکرر باشد مثل ضراً و فراً و مدراً یا آنکه در لفظ اعجمی باشد مثل ابراهیم و اسرائیل و اره و علی الاصح از وی تفخیم کند و نیز از وی تفخیم کند در راء مدکوره و متحرکه مانند ان یاساکن باشد مثل الخبار و قدیراً و بصیراً مگر لفظ خبران و سوءٌ انعام که در آن ترقیق و تفخیم هر دو جایز باشد و در لفظ عشر یکم در سوءٌ تو هر دو کسره آن نیز هر وجه جایز باشد تنوّل شیخ حزیم **بدانکه** راء یا آن از وی در وقف منوّن مفتوح ما قبل آن مکسور باشد یا یاء ساکن مثل شاکراً و مصوّراً مهاجراً و نفیراً و نصیراً و خبیراً و قواریراً و زمهریراً و سلسلاً در تفخیم و ترقیق خلاف است فکرّه الله مضعف مطرّق کرّه الله مثل الی الطاهر من غلبون امّا جهور مثل الی عمر و الذی و صاحب شاطبی تخصیص کرده اند تفخیم را بآنکه فاصله باشد میان راء و کسره صحیح ساکن و این شرط کلیست ذکراً و وستراً و وزراً و حجراً و امراً و صهراً بدانکه حرف وقف بسکون یا باشمام و روم اگر حرکه ما قبل آن مکسور باشد مثل السلم و بعیره یا ساکن بعد مکسور باشد مثل التحریر و یکریاء یا ساکن باشد مثل قدیر و بصیر یا الف ماله مثل الناد الابرار ترقیق باید کردن اگرچه در وصل مضموم یا مفتوح شود و اگر ما قبل آن یکی از اینها نباشد ذکر شد نباید تفخیم یا باید کردن اگرچه وصل مکسور باشد و وقف بر حکم وصل اراده نظر کند هر وصل ترقیق کرده شد در حالت دوم نیز ترقیق کنند **فصل دوم** در بیان ترقیق و تغلیظ لامات است بدانکه اصل در لام ترقیق است و تغلیظ بنا بر سببیست مثل مجاوره حرف استعلاء و لکن باید دانست که مصر تون تغلیظ لام نقل کرده اند از وی و تنبیه ما قبل آن تا بعد آن تا هر حرف تا حنش حرف استعلاء باشد مثل بلنطف صلوة و خلطوا امّا جهور مثل الی عمر و الذی و صاحب شاطبی تغلیظ نمیکنند تنبیه لام مفتوح باشد مشدد یا غیر مشدد و ما قبل آن یا ظا باشد مفتوحه یا ساکنه باشد مثل ضاد مفتوح الصّاوه و صلوة بصّلبوا و ساکنه تصّلی و بصّلبها و اصلوها امّا مثال ظاء مفتوحه اطلاق و تغلیظ و بطلان ساکنه مطلقاً لفحی مثال ظاء مفتوحه ظلّوا و ظلّمنا هم و ظل ذی و ساکنه من ظلم و اذا اظلم و یظلمون و لکن در مثل یوصل و یطل و ظل کلام در حالت وقف خواهد آمد و جایز است امّا تغلیظ و الف لکن ترقیق اصح است چنانچه در شاطبیه مذکور است مصحّبین اگر در یاء لام مفتوحه حرف مفتوح ظاء مذکوره الف و غنّه و ترقیق و تغلیظ هر دو جایز باشد در حالین و لیکن تغلیظ اشهر است مثال فضا لاً و ربوه و ران یصلحا در نساء انظال در ظه و ظال در طه و یحسبن در و لا اصل در قیامه و فصل در یتیم اسم ربّک و اذا صلّی و تصلی لاتخر که در حالین و در مصلّی در بقره در حالت وقف در یصلّها و اصلی و اللیل و یصلی در انشقاق و تصلی در غاشیه سیصلی و نصلی در حالین در دو جایز داشته اند و لیکن در آن سکته کرده اند از خراب اند ترقیق اولی است و در این شش کلمه دیگر تغلیظ و در مصلی قید وقف کرده شد زیرا که در وقف تغلیظ نقطه باشد و مبنا بدانست که در دو حالت بناء تغلیظ لام نافع آن باشد و ترقیق با اما له بین بین مسئله بدانکه جمیع ائمه قراء اتفاق کرده اند بر تغلیظ لام الله و تنبیه ما قبل آن مفتوح باشد یا مضموم مثل قال الله و رسول الله و اگر ما قبل آن مکسور باشد باتفاق ترقیق کنند مثل الحمد لله و بسم الله

فصل سیم در بیان تفخیم و ترقیق الفاست بدانکه اصل در الف ترقیق است تفخیم از اغراض میشود بنا بر انکه بعد از حروف استعلاء واقع شود و به تبعیت حروف استعلاء از تفخیم کنند مر او را از تفخیم اینجا نام گفتن است باشیاع فتحه ما قبل مثل قال و ظاهر و خالصه و صالحا و صاله الصلوة و طال امّا اگر ما قبلش حرف ساکن صحیح مستقل باشد البته ترقیق باید کردن مثل امّن و ساءَ و جاءَ و ناءَ و غیر ذلک و مراد از ترقیق در اینجا عدم اشباع فتحه ما قبل الف است یعنی قریب باماله بین بین چنانچه از زعیران مشهود میشود و حق آنست که تفخیم و ترقیق هر دو الف از اغراض میشوند تفهیم به تبعیت حروف استعلاء و ترقیق به تبعیت حروف استفال و وقف نادر هر دو میرا است

باب پنجم در بیان هاء کنایت اسکان وی بدانکه هاء کنایه ضمیریست کنایه از واحد مذکر غایب مضمونا یا مکسوراً مع الاشباع مثل یره و بلا اشباع مثل علیه و مرادا از اشباع سه حرکت است چنانکه در وصل واو گفته شود و در کسره یا و از اشباع تعبیر بصله نیز کنند و عدم اشباع را بخلاس یعنی استعجال کردن بحرکه بحیثیتی که چیزی از حرکت فوت نشود امّا در اینجا ضد اشباع است امّا مضموم مع الاشباع و قبل از ما قبل او مفتوح باشد یا مضموم و ما بعد او متحرک باشد مثل ما لهُ و لهُ و انه حکیم و مکسوم مع الاشباع و قبل از ما قبل او مکسور باشد و ما بعد او متحرک مثل علی سمعه و بصره و مضموم بلا اشباع در دو قسم است متفق علیه و مختلف فیه متفق علیه آنست که بعد از هاء ضمیر هاء ما کن واقع شود خواه ما قبل ساکن باشد یا متحرک مثل یرهُ الله و یعلمهُ الله و مختلف فیه آنست ما قبل هاء ضمیر ساکن باشد و ما بعد آن متحرک مثل فنسیهُ زیرا که اصل در ضمیر ها است و ها را بیان حرکت و ضمه و واو را بیان حرکت مثل فنسیتهُ و زیادت بیان را بشیوع حکما حمدوه و فعلوه زیرا که جمیع قراء ضمه هاء مگر ابن کثیر که ضمه شبیه خوانده بیضوا و مکسوم بلا اشباع نیز در دو قسم است متفق علیه و مختلف فیه متفق علیه آنست که بعد از هاء کنایه ساکن واقع شود و ما قبلش ساکن باشد مثل یرهُ الذین و علیهُ الله و مختلف فیه آنست که ما قبل آن یاء ساکن باشد و ما بعد آن متحرک باشد مثل فیهُ هدیً که جمیع قراء بکسره مختلسه خوانند مگر ابن کثیر که بکسره مشبعه خوانده بیضه یاءً ما و در فیهُ مهانا که در فرقان حفص بصله خوانده بیضه یاء بدانکه بعضی از احکام مذکوره در بعضی الفاظ مخصوص جاری خواهد بود مثل وُ و ره و آرجه و رضه چنانکه در کتب قرائت مذکور است **باب ششم** در بیان وقف آن با مشتملست بر سه فصل **فصل اوّل** در بیان وقف در اواخر کلمات بدانکه وقف در لغت حبس کلمه است در آخر بنیت قطع کلمات از ما بعد و شرع اصطلاح در تعریف کلمات از ما بعد و ساکن گردانند یا روم کنند یا اشمام و روم در لغت حبس کلمه است در اصطلاح ضعیف گردانیدن آخر کلمات بحیثیکه شنونده گمان برد که ساکن باشد بشنود

نخود
ناشام در لفظ
است بعد از
و در اینجا
که در
ضمیر
تلاشها
مگر در
ضمیر
جهاد
داشته
وقف
اشام
مصلی
وقف
چه
باتفاق
وصل
یعنی در

اگر خانهٔ بعد از وے ساکن بناید باتفاق متحرک خواهد شد بحرکت غارض بجهت رفع التقاء ساکنین اما در هاء ضمیر مثل انّهٗ وبهٖ وابنآءهٗ و
علیه خلاف کرده اند مثل ابو عمرو دال کرده اند در هاء ضمیر و ام اشام نزد او مطلقا جایز است بعضے گفته اند که مطلقا جایز نیست و بعضے تفصیل کرده اند
بالفکر در هاء مضموکه ماقبلش مضموم یا ساکن باشد بادا و ساکن مثل علیهُ وآتوهُ و نصروهُ و در هاء مکسوره کهٔ ماقبلش مکسور یا ساکن باشد یا یاء ساکن مثل
بهٖ و فیهِ علیهِ و لهُم اشام هر دو جایز نباشد و در غیر انها جایز باشد و بعضے مثل بسط خاط تفصیل کرده اند بالفکر اگر ماقبل هاء ضمیر ساکن نیست
و روم و اشمام جایز است مثل منهُ و عنهُ و الیهِ و اگر متحرک نیست جایز نیست مثل لدیهِ و صاحب شاطبی قول اول و سوم را اورده است **فصل دوم**
در بیان وقف بر میم خط بالفکر چون فارغ شوند کلمات قرآن از جهت استراحت نفس یا اخبار و اطلاع بر قواعد خط قرآن اگر
بران کلمه وقف نباشد باید که بر میم مصحف وقف کند مگر بعد هبه جاعة مثل ابن کثیر و ابی عمرو و کسائی و یعقوب که وقف بالسکون بر میم نیست لیکن
باید که اثر نفس بر میم مصحف از اثناء ناپیدا و مقطوع موصول و این بحث مشتمل است بر دو مبحث **بحث اول** در تاء ثابت بالفکر اسمائے که اظهار در مصحف
بتاء دراز نوشته است بیست و پنج لفظ است بکی رحمت در وهف موضع یرجون رحمت الله در بقره و ان رحمت الله قریب در اعراف و رحمت الله و
برکاته در هود و ذکر رحمت ربک در مریم الا ان رحمت الله در روم و هم یقسمون رحمت ربک و رحمت ربک خیر هر دو در سوره زخرف و دم نعمت در
پانزده موضع نعمت الله علیکم و ما انزل در بقره نعمت الله علیکم اذ کنتم در آل عمران نعمت الله علیکم اذ هم در مائده نعمت الله کفرا و
نعمت الله لا تحصوها هر دو در ابراهیم و بنعمت الله هم یکفرون و یعرفون نعمت الله و اشکروا نعمت الله هر سه در نحل و فی البحر بنعمت الله
لفلک و اذکروا نعمت الله علیکم و بنعمت ربک در طور سه امرأت در هود حاکه مضاف بضمیر شود و ان هفت موضع است امرأت عمران در آل عمران
و امرأت العزیز تراودُ و امرأت العزیز الان هر دو در یوسف و امرأت فرعون در قصص و امرأت نوح و امرأت لوط و امرأت فرعون هر سه در تحریم چهار
کلمت در پنج موضع کلمت ربک صدقا در انعام و تمت کلمت ربک الحسنی در اعراف و کلمت ربک علی الذین و کلمت ربک لاملئن هر دو در
یونس و حقت کلمت ربک در غافر و لیکن در دو موضع دیگر یونس و غافر خلاف کرده اند بتحت در پنج موضع سنت الاولین در انفال الا سنت الاولین
و لن تجد لسنت الله تبدیلا و لن تجد لسنت الله تحویلا هر سه در غافر شم لعنت در دو موضع لعنت الله علی الکاذبین در آل عمران
و ان لعنت الله علیه در نور هفتم معصیت نبرد در دو موضع معصیت الرسول و اذا جاؤک و معصیت الرسول و تنازعوا هر دو در قد سمع الله
هشم نعمت الله در یکموضع بنعمت الله هم کفرا در هود نهم فرت نبرد در یکموضع فرت عین در قصص دهم فطرت نبرد در یکموضع فطرت الله در روم
یازدهم شجرت نبرد در یکموضع شجرت الزقوم در دخان دوازدهم جنت نبرد در یکموضع جنت نعیم در واقعه سیزدهم بیعت نبرد در یکموضع ان بعت
عمران در نور چهاردهم اباك در دو موضع اباك للناس آن من در یوسف اباك من در بقره و عشیرتکم باشرزدهم بالب در هر چار کاه واقع شود شانزدهم
ذات در هر چار کاه واقع شود ذات بهجة در نمل و ذات الشوکة و بذات الصدور و ذات البروج هفدهم بیت در یکموضع فهم علی بیتهن در فاطر
هیجدهم غرفات در یکموضع فی الغرفات امنون در سبا نوزدهم ثمرت در یکموضع من ثمرت من اکمامها در فصلت بیستم جالت نبرد در یک موضع
جالت صفرا در والمرسلات بیست و یکم اللات و العزی در یکموضع افرءیتم اللات و العزی در النجم بیست و دوم فیهنات در دو موضع فیهن لما تواعدون در دو موضع بیست و سوم غیابت در دو موضع و اجمعوا فی غیابت الجب و ان کانوا من قبله در یوسف بیست
چهارم لات در یکموضع لات حین مناص در ص بیست و پنجم مهات در چهار موضع نفسه ابتغاء مرضات الله و اموالهم ابتغاء مرضات
الله هر دو در بقره و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله در نساء و یبتغون فضلا از راحلی در حشر بحث دوم در مقطوع موصول بدانکه
هر کلمه که در حرف تاء ثابت نبود اصل انست که منفصل بود از کلمهٔ که بعد از انست خواه آن کلمه حرف بود یا اسم یا فعل مگر الف لام تعریف و یاء ندا و هاء
تنبیه ضمیر منفصل و حرف و مقطعات مثل الا ارض یا آدم و هؤلاء و ضمیر بنا و الف مکسر جمع که در مصحف نام نوشته اند که در این شش قسم موصول
نویسند هر یکرا بسبیل مقطوعات الخ ذکر کرده اند بیست و سه است اول ابن ما هر جا که واقع شود مقطوع است مگر اینما تولوا فثم وجه الله
در بقره و اینما یوجهه در نحل که ابن هر دو باتفاق موصول اند مادام اینما تکونوا یدرککم الموت در نساء و اینما تکونوا تعبدون در شعراء
و اینما تثقفوا در احزاب خلاف کرده اند بکی در نساء در بیست و مصاحف مقطوع است دوم حیث ما هر جا که واقع شود مقطوع است باتفاق
سیم لیس ما مقطوعست در پنج موضع لیس ما تشرکوا در بقره و لبئس ما کانوا یفعلون و لبئس ما کانوا یصنعون و لبئس ما کانوا
یفعلون و لبئس ما قدمت هر چهار در مائده چهارم لبئس ما هر جا که واقع شود موصول است مگر قل بئس ما یأمرکم در بقره که در اکثر مصاحف
مقطوعست پنجم فبئس ما مقطوع است در یکموضع فبئس ما یشترون در دال عمران مگر بقول ضعیف ششم کلما مقطوعست پنج
موضع کلما ساء لهم در ابراهیم و کلما رأوا در نساء و کلما دخل در اعراف و کلما جاءت امة در مؤمنون و کلما القی در ملک
و لیکن در سوره ابراهیم بلا خلاف و در باقی مع الخلاف ما مشهور و در ابن چهار وصل است هفتم ان ما هر سه مکسوره نون مثله
مقطوعست در دو موضع ان ما توعدون لآت و ان ما عند الله هو خیر لکم در نحل در بعضے مصاحف موصول است
هشتم آن ما هر سه مفتوحه و نون مشدده مقطوعست در سه موضع آن ما توعدون در حجر و لقمان و آن ما تدعون من در انفال

اشکال
در کلمات مصاحف
معروف بکه موصول و نون ساکنه
همچنین مکسور و نون بیفتد
اسکه در رسم خط مقطوع
و در بعضے مصاحف موصول
مگر در یکموضع قل بئس ما
یأمرکم بکفرکم
و در بعضے مصاحف مقطوع
ارءیتکم ان اتاکم در انعام
و ارءیتکم ان اتاکم در نحل
و ارءیتکم ان اتتکم در انعام
و ارءیتکم ان اخذ در انعام
و ارءیتکم ان کان در اعراف
و ارءیتکم ان کذبتم در حم سجده
و ارءیتکم ان کان در احقاف
و ارءیتکم ان اهلکنی در ملک
و ارءیتکم ان اصبح در ملک
و ارءیتکم ان کان در ملک
و ارءیتکم ان اتاکم در انعام
و ارءیتکم ان اتتکم در انعام
و ارءیتکم ان اخذ در انعام
و ارءیتکم ان کان در اعراف
و ارءیتکم ان کذبتم در حم سجده
و ارءیتکم ان کان در احقاف
و ارءیتکم ان اهلکنی در ملک
و ارءیتکم ان اصبح در ملک
و ارءیتکم ان کان در ملک
خلاف مقطوعست در دو موضع
کلما دخل در اعراف
و کلما جاءت امة در مؤمنون
و در رعد موضع
و ان ما نرینک در رعد
و در یونس موضع
و ان ما نرینک در یونس
و در مؤمن موضع
و ان ما نرینک در مؤمن
و در زخرف موضع
و ان ما نرینک در زخرف
و در محمد موضع
و ان ما نرینک در محمد
و در فتح موضع
و ان ما نرینک در فتح
و در صافات موضع
و ان ما نرینک در صافات
و در ص موضع
و ان ما نرینک در ص
و در زمر موضع
و ان ما نرینک در زمر
و در غافر موضع
و ان ما نرینک در غافر
و در شوری موضع
و ان ما نرینک در شوری
و در زخرف موضع
و ان ما نرینک در زخرف
و در دخان موضع
و ان ما نرینک در دخان
و در جاثیه موضع
و ان ما نرینک در جاثیه
و در احقاف موضع
و ان ما نرینک در احقاف
و در ذاریات موضع
و ان ما نرینک در ذاریات
و در طور موضع
و ان ما نرینک در طور
و در نجم موضع
و ان ما نرینک در نجم
و در قمر موضع
و ان ما نرینک در قمر
و در رحمن موضع
و ان ما نرینک در رحمن
و در واقعه موضع
و ان ما نرینک در واقعه
و در حدید موضع
و ان ما نرینک در حدید
و در مجادله موضع
و ان ما نرینک در مجادله
و در حشر موضع
و ان ما نرینک در حشر
و در ممتحنه موضع
و ان ما نرینک در ممتحنه
و در صف موضع
و ان ما نرینک در صف
و در جمعه موضع
و ان ما نرینک در جمعه
و در منافقون موضع
و ان ما نرینک در منافقون
و در تغابن موضع
و ان ما نرینک در تغابن
و در طلاق موضع
و ان ما نرینک در طلاق
و در تحریم موضع
و ان ما نرینک در تحریم
و در ملک موضع
و ان ما نرینک در ملک
و در قلم موضع
و ان ما نرینک در قلم
و در حاقه موضع
و ان ما نرینک در حاقه
و در معارج موضع
و ان ما نرینک در معارج
و در نوح موضع
و ان ما نرینک در نوح
و در جن موضع
و ان ما نرینک در جن
و در مزمل موضع
و ان ما نرینک در مزمل
و در مدثر موضع
و ان ما نرینک در مدثر
و در قیامه موضع
و ان ما نرینک در قیامه
و در انسان موضع
و ان ما نرینک در انسان
و در مرسلات موضع
و ان ما نرینک در مرسلات
و در نبا موضع
و ان ما نرینک در نبا
و در نازعات موضع
و ان ما نرینک در نازعات
و در عبس موضع
و ان ما نرینک در عبس
و در تکویر موضع
و ان ما نرینک در تکویر
و در انفطار موضع
و ان ما نرینک در انفطار
و در مطففین موضع
و ان ما نرینک در مطففین
و در انشقاق موضع
و ان ما نرینک در انشقاق
و در بروج موضع
و ان ما نرینک در بروج
و در طارق موضع
و ان ما نرینک در طارق
و در اعلی موضع
و ان ما نرینک در اعلی
و در غاشیه موضع
و ان ما نرینک در غاشیه
و در فجر موضع
و ان ما نرینک در فجر
و در بلد موضع
و ان ما نرینک در بلد
و در شمس موضع
و ان ما نرینک در شمس
و در لیل موضع
و ان ما نرینک در لیل
و در ضحی موضع
و ان ما نرینک در ضحی
و در الم نشرح موضع
و ان ما نرینک در الم نشرح
و در تین موضع
و ان ما نرینک در تین
و در علق موضع
و ان ما نرینک در علق
و در قدر موضع
و ان ما نرینک در قدر
و در بینه موضع
و ان ما نرینک در بینه
و در زلزال موضع
و ان ما نرینک در زلزال
و در عادیات موضع
و ان ما نرینک در عادیات
و در قارعه موضع
و ان ما نرینک در قارعه
و در تکاثر موضع
و ان ما نرینک در تکاثر
و در عصر موضع
و ان ما نرینک در عصر
و در همزه موضع
و ان ما نرینک در همزه
و در فیل موضع
و ان ما نرینک در فیل
و در قریش موضع
و ان ما نرینک در قریش
و در ماعون موضع
و ان ما نرینک در ماعون
و در کوثر موضع
و ان ما نرینک در کوثر
و در کافرون موضع
و ان ما نرینک در کافرون
و در نصر موضع
و ان ما نرینک در نصر
و در مسد موضع
و ان ما نرینک در مسد
و در اخلاص موضع
و ان ما نرینک در اخلاص
و در فلق موضع
و ان ما نرینک در فلق
و در ناس موضع
و ان ما نرینک در ناس

وعن من تولی در والنجم نازدهم ان لا یهمز ممنوحه و نون ناکده در باز دهم موضع مقطوعت خفی علی ان لا اقول و ان لا یهمز و اعلم الله الا الحق هر دو را عراض و ان لا ملجا در توبه و ان لا الا الله هو و ان لا تعبدوا الا الله اتی اخاف هر دو را در هود و ان لا تزلل بی شیئا در حج و ان لا تعبدوا الشیطان در یس و ان لا تعلوا علی الله در دخان و ان لا تشرکن بالله در ممتحنه و ان لا یدخلنها الیوم علیکم در ن و ان لا الا انت در انبیاء و لکن در انبیاء خلافت اما در اکثر مصاحف مقطوعت شازدهم ان لن در جمیع قرآن بنون مکتوبت مگر در آن نجعل لکم موعدا در کهف و آن نجمع عظامه در قیامه که این هر دو بی نون مکتوبت باتفاق هفده ان لم یهمز مکتوه در جمیع قرآن بنون مکتوبت مگر در آن تضحیوا لکم در هود بی نون مکتوبت باتفاق و فی آن تضحیوا در قصص لکن اکثر مصاحف بنون مکتوبت هجدهم ان لم یهمز مفتوحه در جمیع قرآن بنون مکتوبت مثل ان لم یکن آن لم یروها احد نوزدهم لکی لا در جمیع قرآن مقطوع است مگر در هجده موضع که موصولست لئلا تقنطوا و اعلم انکم در آل عمران و لئلا یعلم در حج و لئلا یکون علیک حرج در احزاب و لئلا تاسوا در حدید لیکن در آل عمران در بعضی مصاحف بقطع نوشته اند بیستم ویهم در جمیع قرآن موصولست مگر در دو موضع که مقطوع است هم بارزون در غافر و هم علی النار یفتنون در والذاریات بیت و یکم ابن ام در قول تعالی قال ابن ام در اعراف مقطوع است و در ظه موصولست بعد بیاء ندا و همزه ام بصورت واو است بینوم بیت و دوم مال بدانکه لام جاره و ما در هجده موضع مقطوع است مثل مالی لا اعبد الذی فطرنی و مالی هذا الکتاب در کهف و مالی هذا الرسول در فرقان مالی الذین کفروا در معارج در باقی موصولست بیت و سوم و لات حین مناص در ص در اکثر مصاحف مقطوع است و در بعضی موصول بعد تاء لات بجای حین متصل است و آنا در انا ان مقطوع و موصول انند در وقف توان کردن و در آخر هر کلمه وقفی در موصول یاء بدانکه در آنچه مذکور شده است همه موصول نویسند مثل مجی و عمّ و ربکان آگر چه کسانی وقف بر یاء میکنند ابو عمرو بر کاف و الا بتجدد و ادر تمل آگر چه کسانی وقف بر یاء میکنند ابتداء یا تجدد و اذر اکه باء حرف ندا است **فصل سیم** در بیان احکام وقف و ابتدا بدانکه وقف نباشد که قصه تمام شود یا سؤ ابیک نفس قواند خواند که اجر او را اختیار وقف یا بدکردن از براء تنفس است لحظه و بقدر حبس ابتداء بعد از آن تا معانی و اعجاز قرآن از خلل و نقصان محفوظ ماند و خواننده و شنونده از آن محفوظ گردند اتمه اقسام وقف پنج اند اختیاری و اضطراری و کافی و حسن و قبیح اختیاری آنست که وقف بر وقف تمام کلام تمام است یا ناقص اول اختیاری دوم اضطراری اما اختیاری آنکه کلام تمام باشد خالی نیست که تعلق بما بعد دارد یا نه اگر تعلق بما بعد ندارد دلیل آنست که یا کلام مستأنف گویند یا بعد ندارد از تمام گویند یا کلام سخن تمام شده است و بعد از وقف در رؤس آیه میباشد مثل وقف بر مالک یوم الدین و ابتداء ایاک نعبد و وقف بر اولئک هم المفلحون و ابتداء ان الذین کفروا و کاء هک که در میان آیه نیز میباشد مثل وقف بر لقد اضلنی عن الذکر بعد اذ جاءنی و ابتداء از وکان الشیطان خذولا و اگر کلام تعلق بما بعد دارد از جهت معنی انرا وقف کافی خوانند زیرا که وقف در آن بسنده است و ابتداء از ما بعد و تمامتر آنست و این وقت نیز بر رؤس آیه میباشد غیر از سه مثل وقف بر یتمارّون و ابتداء از والذین یؤمنون و وقف بر من قبلک و ابتداء از و بالآخرة هم یوقنون و اگر تعلق بما بعد دارد کلام از جهت لفظ انرا وقف حسن گویند زیرا که در نفس الامر وقف در آن حسن و مفید است تا مادام که از بیت ابتداء از ما بعد آن میل وقف بر الحمد لله و ابتداء از رب العالمین مگر آنکه آیه باشد زیرا که اگر چه کلام بما بعد دارد لیکن اهل ادا اختیار وقف کرده اند بلکه وقف بر رؤس آیه مطلقا سنت سید المرسلین است هم آما از ام سلمه منقولست که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله در قرائت قطع آیه میکرد و میگفت بسم الله الرحمن الرحیم و وقف میکرد پس ابتداء الحمد لله رب العالمین میکرد و وقف میفرمود و بر این قیاس تا آخر سوره **و اما** اضطراری آنست که وقف قبیح کویند جهت عدم فایده و این وقف جایز نباشد مگر بضرورة قطع نفس انجا مثل وقف بر الحمد لله و وقف بر یوم در یومهم یا یدرؤن در غافر و یومهم علی النار در والذاریات و وقف در عن در عن ما ظهر در اعراف اما آنچه شیخ ابو عبد الله السجاوندی در باب وقف آورده و در رموز وضع کرده شش است م ط ج ز ص لا **اما** بیم علامت وقف لازم است بیفتد اگر وقف بر و نکند بوصل خوانند و هم انست که در بعضی نسخ بغیر واو نقطه نوشته اند و وصل آنهم اصحاب النار الذین یحاولون الفرق **و اما** ط علامت وقف مطلق است و وقف بر و ابتداء از ما بعد و مطلوبست نزد جمیع ائمه مثل وقف بر کلا یؤتون و ابتداء از انا کل شیء **و اما** ج علامت وقف جایز است که هم وقف هم وصل بر دو نوع و ابتداء از ما بعد و جایز و لیکن وقف بعد است مثل وقف بر لا ریب فیه و ابتداء از فیه **لئلا** یتوهم **و اما** ز علامت وقف مجوز است بعضی اصل بر دو وصل است و لیکن وقف بر ج جایز است و ابتداء از ما بعد و مثل وقف بر الحیوة الدنیا بالآخرة و ابتداء از فلا یخفف **و اما** ص علامت رخصت وقف رخصتیست بضرورت طول کلام مثل وقف بر من کل دابة در ابراهیم که در ایران قی خلق السموات و الارض و اقع است **و اما** لا علامت آنست که وقف بر ج جایز نیست چون وقف میان مبتدا و خبر مثل وقف بر و الذین اووا و نصروا و ابتداء از اولئک و وقف میان مستثنی و مستثنی منه مثل وقف بر فسجد الملائکة کلهم اجمعون و ابتداء از الا ابلیس و علی هذا القیاس مگر در رؤس آیه چنانکه گذشت **و اما** ما تاخر چون این رموز در هشت

در موقع تهیه پاسخ بحروف
ممیزه نیز اشاره فرمائید

اداره .....
شماره ۱۰۷۳۶
تاریخ ۳۶/۱۲/۸
ضمیمه .....

وزارت فرهنگ

بموجب تقاضای مورخ ۳۶/۱۲/۵ آقای حاج سید محمود کتابچی حق چاپ ونشر کتاب قران کریم که دارای مشخصات زیر است =

۱ـ قطع کتاب ۱۴٫۵ × ۲۲

۲ـ شماره صفحات ۳۷۴

۳ـ شماره سطرهای هر صفحه ۱۶

۴ـ نوع چاپ کلیشه

۵ـ محل چاپ ـ تهران

۶ ـ نام چاپخانه‌ای که در آن بچاپ رسیده (چاپخانه حیدری)

۷ـ تاریخ چاپ جمادی الاخر ۱۳۷۷

در دفتر انحصار تصنیف وتالیف وترجمه وچاپ ونشر کتب اداره مطبوعات وتالیف وترجمه بشماره ۳۳ به ثبت رسیده متعلق بایشان است درصورتیکه دیگری در صدد تقلید وهرنوع استفاده غیر مجاز ازآن برآید قابل تعقیب خواهد بود .

رئیس اداره مطبوعات وتالیف وترجمه ـ خلیلی فر

صورة شجرة السيد الجليل الحاج سيد محمود الكتابچي البانی لطبع هذا الكتاب وسائر كتب الاسلامية





الأمام الهمام مولينا ابي ابرهيم موسى ابن جعفر الكاظم عليهما السلام

(بسمه تعالی)

(مزایای این مصحف کریم)

مزایائی که این مصحف بر سایر مصاحف دارد از اینقرار است :

زیرنویس فارسی آن جامع است بین سلاست سبک و ترجمهٔ تحت اللفظ که هم معنی هر کلمه زیر آن دیده میشود و هم جملهٔ فارسی از شیوائی و نظام نیافتد .

تفسیری مختصر در حاشیهٔ آنست محتوی بر شأن نزول آیات و شرح جملات و توضیح کلمات مشکله متخذ از مجمع البیان علامه طبرسی علیه الرحمه

شماره های آیات که در سایر مصاحف منطبعهٔ ایران غلط و بیهوده بود در این قرآن با تفاسیر علماء امامیه شکر الله سعیهم تطبیق و اصلاح شده و در تعیین اوائل اجزاء و احزاب و مواضع سجدات مندوبه و واجبه نیز دقت کافی بکار رفته و بوسیلهٔ رسم دوائر و رموز مشخص گردیده .

عناوین صفحات چنان تنظیم شده که عدد جزء بر فراز صفحهٔ راست و نام سوره و شمارهٔ آن بر فراز صفحهٔ چپ قرار گرفته است . و سعی شده است که اوائل و اواخر صفحات با اوائل و اواخر آیات منطبق گردد چنانکه اول هر صفحه اول آیه و آخر آن آخر آیه باشد .

در تصحیح متن مصحف نهایهٔ بذل وسع و افراغ جهد بعمل آمده بطوریکه ظن متاخم علم و یقین بصحت آن حاصل است الی غیر ذلک از دقائقی که ضمن کار منظور داشته و رعایت شده و اکنون مدنظر نیست مجملا متجاوز از شش سال است پیرامون تهیهٔ این مصحف بمجاهدت و مثابرت پرداخته و بیشتر اوقات نگارنده بدین کار مصروف گردیده است ، رجاء واثق آنکه از هر لغزش بر کنار مقبول درگاه خداوند منان و موجب اجر جزیل و ثواب جمیل برای کاتب و ناشر و این کمترین باشد . انه ولی التوفیق وهو حسبنا ونعم الوکیل

وحق طبع و نشر این نسخه از قرآن را با تصحیح و ترجمه و تفسیر از جناب واگذار نمودم بجناب جلالتمآب آقای حاج سید محمود کتابچی زید مجده العالی .

تهران - محمد کاظم معزی . دهم شهر رجب ۱۳۷۲ - مطابق یازدهم بهمن ماه ۱۳۳۶ .

قرآن کریم

با ترجمه و تفسیر فارسی و خواص سور و آیات و تجوید

بخط نویسنده مشهور طاهر خوشنویس (تبریزی) از روی قرآن سلطانی نوشته و عکس برداری شده

دعاء قبل از تلاوت قرآن مأثور از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَشْهَدُ اَنَّ هٰذا کِتابُکَ الْمُنْزَلُ مِنْ عِنْدِکَ عَلیٰ رَسُولِکَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ کَلامُکَ النّاطِقُ عَلیٰ لِسانِ نَبِیِّکَ جَعَلْتَهُ هادِیاً مِنْکَ اِلیٰ خَلْقِکَ وَ حَبْلاً مُتَّصِلاً فیما بَیْنَکَ وَ بَیْنَ عِبادِکَ اَللّٰهُمَّ اِنّی نَشَرْتُ عَهْدَکَ وَ کِتابَکَ اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ نَظَری فیهِ عِبادَةً وَ قِرائَتی فیهِ فِکْراً وَ فِکْری فیهِ اِعْتِباراً وَ اجْعَلْنی مِمَّنِ اتَّعَظَ بِبَیانِ مَواعِظِکَ فیهِ وَ اجْتَنَبَ مَعاصیکَ وَ لا تَطْبَعْ عِنْدَ قِرائَتی عَلیٰ سَمْعی وَ لا تَجْعَلْ عَلیٰ بَصَری غِشاوَةً وَ لا تَجْعَلْ قِرائَتی قِرائَةً لا تَدَبُّرَ فیها بَلِ اجْعَلْنی اَتَدَبَّرُ آیاتِهِ وَ اَحْکامَهُ آخِذاً بِشَرائِعِ دینِکَ وَ لا تَجْعَلْ نَظَری فیهِ غَفْلَةً وَ لا قِرائَتی هَذَراً اِنَّکَ اَنْتَ الرَّؤُفُ الرَّحیمُ

بسرمایه جناب آقای حاج سید محمود کتابچی مدیر

کتابفروشی علمیه اسلامیه

تهران - خیابان ناصرخسرو - تلفن ۵۰۳۰۰

گراور و چاپ گردید

شهر جمادی الاخری ۱۳۷۷

حق چاپ و عکس برداری از روی این نسخه و متعلقات آن محفوظ و مخصوص ناشر است

چاپخانه حیدری


سورة الفاتحة مكية وهي سبع آيات
سورة ١ حروفها ١٣٢ كلماتها ٢٥
١ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان
٢ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٣ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
سپاس خدایرا پروردگار جهانیان بخشاینده مهربان
٤ مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ ٤ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ
فرمانروای روز رستاخیزنیت خدایا ترا پرستش کنیم وازتو
٥ نَسْتَعِينُ ٥ اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ٦
یاری خواهیم ما را براه راست هدایت فرما
صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ
راه آنانکه برانشان روزی فرستادی نه راه
الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ٧
غضب شدگان وند راه گمگشتگان



لا يمسه الا المطهرون

سورة البقرة مدنية وهي مائتان وثمانون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

سورة (٢) حروفها ٢٥٥٠٠ كلماتها ٦١٢١

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓمٓ ١ ذٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى

این نامه که تردیدی در آن نیست راهنمای

لِلْمُتَّقِينَ ٢ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ

پرهیزکاران است که بنادیده ایمان آورند و نماز را برپای

الصَّلٰوةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ٣

دارند و از آنچه بدانان داده ایم ببخشند

وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا

و آن کسانیکه بدانچه بر تو و پیش از تو نازل

أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ٤

شده است ایمان آورند و بآخرت یقین دارند

تنزيل من رب العالمين

أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ
آنانند بر هدایتی از پروردگار خویش و آنانند رستگاران همانا گروه کفار یکسان است

عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٦﴾ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ
بر ایشان بترسانیشان یا نترسانیشان ایمان نیاورند مهر نهاد خدا بر دلهاشان و بر گوش ایشان

وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ
و بر دیدگان ایشانست پرده و برای ایشان است شکنجه بزرگ و از مردمند گروهی که گویند ایمان آوردیم بخدا

وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُم بِمُؤْمِنِينَ ﴿٨﴾ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ
و بروز بازپسین حالیکه نیستند مؤمنان نیرنگ با خدا و مؤمنان میبازند حالیکه فریب نمیدهند

إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿٩﴾ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ
جز خویشتن را و در نمییابند در دلهای آنانست مرضی و خدا بیفزود ایشان را مرضی و ایشانراست عذابی

أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ
دردناک بدانچه بودند دروغ میگفتند و اگر گفته شود بدیشان فساد مکنید در زمین گویند نیستیم ما جز

مُصْلِحُونَ ﴿١١﴾ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ ﴿١٢﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا
اصلاح کنندگان همانا آنانند مفسدان ولیکن در نمییابند و هرگاه گفته شود بدیشان ایمان آرید

كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِن لَّا يَعْلَمُونَ
چنانکه ایمان آوردند مردم گویند آیا ایمان آریم چنانکه ایمان آوردند بیخردان همانا ایشانند بیخردان ولیکن نمیدانند

﴿١٣﴾ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا
و هرگاه ملاقات کنند مؤمنان را گویند ایمان آوردیم و چون خلوت کنند با شیاطین خود گویند همانا ما با شمائیم نیستیم

نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ ﴿١٤﴾ اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿١٥﴾ أُولَٰئِكَ
ما جز مسخره کنندگان خدا مسخره کند بدیشان و مهلتشان دهد در سرکشی خود فرو روند آنانند

الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَارَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿١٦﴾
که خریدند گمراهی را بهدایت پس نه سودمند شد سوداگریشان و نبودند راه یافتگان

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ
مثل ایشان مثل آنست که افروخت آتشی تا گاهی که روشن کرد پیرامونش را ببرد خدا نور ایشان را و بگذارد شان

فِي ظُلُمَاتٍ لَّا يُبْصِرُونَ ﴿١٧﴾ صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿١٨﴾ أَوْ كَصَيِّبٍ مِّنَ السَّمَاءِ
در تاریکیهائی که نمی بینند کرانند گنگانند کورانند پس باز نمیگردند یا مانند بارانی از آسمان

فِيهِ ظُلُمَاتٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِم مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ
که در آنست تاریکیهائی و رعد و برقی می نهند انگشتان خویش را در گوشهاشان از صاعقه ها از ترس مرگ

وَاللَّهُ مُحِيطٌ بِالْكَافِرِينَ ﴿١٩﴾ يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُم مَّشَوْا فِيهِ
و خداوند فراگیرنده است بکافران نزدیک است برق برباید دیدگان ایشان را هرگاه روشنائیشان دهد روان شوند در آن

وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٠﴾
و گاهی که تاریکی افکند بر ایشان بایستند و اگر میخواست خدا میبرد گوش و دیدگان ایشان را همانا خداوند است بر همه چیز توانا

وَالْحِجَارَةُ شاید بتان مردم است که از سنگ بود و شاید گفته شود تهویل چه آتشی که سنگ بسوزاند بس هراسناک و مهمل باشد و شاید مقصود خاکستر نگردیدن پیکرهای ایشان است در دوزخ مانند سنگ که بسوزد لیکن بخاکستر نشود چنانکه قوله تعالی كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُم بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا مُتَشَابِهًا همانند دیگر سوره بهشت بدانکه نیست یکی بر رنگ و گوناگون بمزه یکسانند همه بخوبی یا بیموی دنیا همانند است با تشابه بمعنی تناسب و یکنسق بودن آنها است با سایر مرافق بهشت و شاید از آن روست که میوه بهشت چون چیده و خورده شود باز آنها را بر جای خود بیند ازواج مطهرة حور عینند یا زنان خویش که در دنیا بودشان و آنجا از پلیدی و آلودگی پاک گردند چنانکه نزایند و نه خون بینند و نه پلیدی کنند بعوضة از امام ابی عبدالله صادق است که خدا در پشه بدین خردی و ناچیزی بیافرید همه آنچه در فیل آفرید و ذو عضو فزونتر تنبیه را بر شگفتی آفرینش و توانائی او یضل به شاید این نیز تتمه سخن کافران باشد و شاید اضلال بمعنی کیفر گناهان باشد یا چون نابخردانش

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢١﴾ الَّذِي

ای مردم پرستش کنید پروردگار خویش را آنکه بیافرید شما و پیشینیان را شاید که شما پرهیزکاری کنید آنکه

جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ

گردانید برای شما زمین را فرش و بستری و آسمان را سازمانی و پوششی و فرو ریخت از آسمان آبی پس برون آورد بدان از میوه ها

رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى

روزیی برای شما پس قرار ندهید برای خدا همتایانی و خود میدانید و اگر در شکی هستید بدانچه فرستادیم بر

عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِنْ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

بندهٔ خود پس بیارید سوره‌ای همانند آن و بخوانید گواهان خویش را جز خدا اگر هستید راستگویان

﴿٢٣﴾ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ

پس اگر نکردید و هرگز نمیکنید پس بپرهیزید آتشی را که سوختش مردم است و سنگ آماده شده است

لِلْكَافِرِينَ ﴿٢٤﴾ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

برای کافران و مژده ده آنانرا که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند که ایشانراست باغهائی که روان است از زیر آنها

الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ

نهرها هرگاه روزیمند شوند از آن میوه گویند اینست همانکه روزیمند بودیم از پیش و آورده شدندش

مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ

همانند و ایشانراست در آن زنانی پاکشده و ایشانند در آن جاودانان همانا پروا ندارد خدا که

يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ

مثلی زند پشه تا برتر از آن پس آنانکه ایمان آوردند آنرا حق از نزد پروردگار خود دانند

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا

و آنانکه کفر ورزیدند گویند آیا خدا را از این مثل غرض چه باشد که گروهی را بدان گمراه و گروهی را بدان هدایت کند

وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ

حالیکه گمراه نمیکند بدان مگر فاسقان را آنانکه پیمان خدا را پس از بستنش بشکنند و ببرند

مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿٢٧﴾ كَيْفَ

آنچه را که خدا دستور پیوندش داده و فساد کنند در زمین همانا آنانند زیانکاران چگونه

تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٨﴾

کافر شوید بخدا با آنکه مردگانی بودید که زنده کرد شما را پس میمیراند و سپس زنده کند شما را پس بسوی او بازگردانیده شوید

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ

اوست آنکه آفرید برای شما هرچه در زمین است و سپس باسمان پرداخت و آنرا هفت آسمان ساخت

وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٩﴾ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ

و اوست بهر چیز دانا و هنگامیکه گفت پروردگار تو بفرشتگان که خواهم قرار داد در زمین جانشینی گفتند آیا قرار دهی

فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾

در زمین آنرا که فساد جوید در آن و خون ریزد حالی که ما ستایش و سپاس تو گوئیم و تورا تقدیس کنیم گفت من میدانم آنچه را که نمیدانید

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣١﴾

وآموخت بآدم نامهارا همگی پس عرضشان کرد بر ملائکه وگفت خبر دهید مرا از نامهای ایشان اگر هستید راستگویان

قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٣٢﴾ قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ

گفتند منزهی تو نیست مارا دانشی جز آنچه تو آموختی همانا توئی دانشمند حکیم گفت ای آدم آگهیشان ده

بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

بنامهای آنان وگاهی که آگهیشان داد بنامهای آنان گفت آیا نگفتم شمارا که من میدانم غیب آسمانها وزمین را

وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ﴿٣٣﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا

ومیدانم آنچه را که فاش و پنهان سازید وهنگامیکه گفتیم بفرشتگان بآدم سجده کنید پس سجده کردند همه

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٣٤﴾ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ

جز ابلیس که سر پیچید وبزرگی طلبید وبود از گروه کافران بآدم گفتیم که با همسر خویش در بهشت بیارام

الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣٥﴾

وبخورید آنچه خواهید از آن گوارا ونزدیک نشوید بدین درخت که میشوید از ستمگران

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ

پس بلغزانیدشان شیطان و برون راندشان از آنچه بودند در آن وگفتیم فرود شوید گروهی از شما دشمن گروهی وشمارا است

فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ ﴿٣٦﴾ فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ

در زمین آرامشگاه و بهره تازمانی پس دریافت آدم از پروردگار خود سخنانی که توبه اش پذیرفت همانا اوست

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٣٧﴾ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ

پس توبه پذیرنده مهربان گفتیم فرود شوید از آن همگی هرگاه شمارا راهنمائی از جانب من آید پس آنانکه راهنمائی مرا پیروی کنند

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا

نه برایشان است ترسی ونه اندوهگین شوند وآنانکه کفر ورزیدند وتکذیب آیتهای ما کردند ایشانند یاران آتش در آنند

خَالِدُونَ ﴿٣٩﴾ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ

جاودانان ای بنی اسرائیل یاد آورید نعمتی را که بشما ارزانی فرمودم ووفا کنید بعهد من وفا کنم بعهد شما

وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ﴿٤٠﴾ وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا

ومرا پس بترسید و ایمان آرید بدانچه فرستادم که مصدق آنچه با شماست ونباشید نخستین کس که بدان کفر ورزد

تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ﴿٤١﴾ وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا

ونفروشید آیتهای مرا ببهائی کم واز من پس بترسید ونپوشانید حق را بباطل وکتمان نکنید

الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٤٢﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ

حق را وشما میدانید وبپای دارید نمازرا وبدهید زکوة را ورکوع گذارید (نماز گذارید) با رکوع گذاران

﴿٤٣﴾ أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا

آیا مردم را به نیکی خوانید وخود را فراموش کنید حالیکه میخوانید کتاب را آیا

تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ ﴿٤٥﴾

بخرد نمی یابید وکمک جوئید از صبر ونماز وهمانا گران است آن جز بر فروتنان

الاسماء از ام اسمعیل الله صادق علیه السلام پرسیده شد گفت نامها کوهها ودرها وبساطی که زیرش گسترده بود نگریست وگفت واین فرش نیز از آنها بود که بیاموختش ﴿٣٠﴾ عرضهم بالضمیر عقلاء وذکور از بهر تغلیب وگرنه اسماء غیر شاعر است ومسمیات اعم است وخاصه آنکه بآدم آموخت خواص اشیاء را همگی وتعبیر شد از خواص باسماء چرا که موسوم ومشخص بود وهر آینه اعیان اشیاء بر فرشتگان عرض شد وچون اسماء یعنی خواص آن نیارستند گفت وآدم آنها را بدانست راز آفریدن وی هویدا گشت ﴿٣١﴾ ان کنتم صادقین یعنی آگهی دهید اگر توانید سخن براستی آوردن ﴿٣٢﴾ الا ابلیس استثناء منقطع است چرا که وی پیکر فرشته بود وبسرشت آهرمن چنانکه قوله تعالی کان من الجن ففسق من امر ربه وشیخ ابو جعفر طوسی قدس سره ابلیس را از فرشتگان دانست نه جن لیکن وی در این سخن متفرد است ﴿٣٣﴾ لا تقربا نهی ارشادی ونهی تنزیهی بود نه تحریمی تا در مخالفتش عصیان باشد



الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٤٦﴾ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا

آنانکه ملاقات پروردگار خویش را گمان دارند وآنکه ایشانند بسوی او بازگشت کنندگان ای بنی اسرائیل یاد آرید

نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا تَجْزِي نَفْسٌ

نعمتم را که بشما ارزانی داشتم وآنکه برتری دادم شمارا برجهانیان وبترسید ازروزیکه انجام ندهد کسی

عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٨﴾

برای کسی چیزی را ونه از کسی شفاعتی پذیرفته شود ونه بدلی ازاو قبول کردد ونه ازایشان یاری شوند

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ

وزمانیکه نجات دادیم شمارا ازآل فرعون که روامیداشتند برشما شکنجه زشت را میکشتند بعضی پسران شمارا وزنده میگذاشتند

نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ

زنان شمارا ودرآنان بود آزمایشی از پروردگار شما بزرگ وهنگامیکه بشکافتیم برای شما دریارا پس نجات دادیم شمارا وغرق نمودیم

فِرْعَوْنَ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ﴿٥٠﴾ وَإِذْ وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ

آل فرعون را حالیکه بودید نگران وهنگامیکه بمیعاد نهادیم باموسی چهل شب سپس برگرفتید گوساله را

مِن بَعْدِهِ وَأَنتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنكُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٢﴾

ازآن پس وبودید ستمکاران پس بخشودیم برشما پس ازآن باشد که شما شکر گذارید

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿٥٣﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ

وهنگامیکه دادیم بموسی کتاب وفرقانرا شاید راهبری شوید وهنگامیکه گفت موسی بقوم خود

يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُم بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ

ای قوم من شما ستم برخود کردید بگرفتن شما گوسالرا پس بازگردید بآفریدکار خود وبکشید نفوس خویشرا

ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِندَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿٥٤﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ

آن بهتراست ازبرای شما نزد پروردگارتان پس پذیرفت توبه شمارا که اوست توبه پذیرنده مهربان وهنگامیکه گفتید ای موسی

لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنتُمْ تَنظُرُونَ ﴿٥٥﴾ ثُمَّ بَعَثْنَاكُم

ایمان نیاریم بتو تا ببینیم خدارا آشکارا پس برگرفت شمارا صاعقه حالیکه بودید نگران سپس زنده کردیم شمارا

مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٥٦﴾ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ

پس ازمرگتان شاید که شکر گذارید وسایبان کردیم بر شما ابررا وفرود آوردیم برشما منّ

وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٥٧﴾

وسلوی را بخورید از پاکیهای آنچه روزیتان دادیم وستم نکردند مارا لیکن بودند نفوس خویش را ستم کنند کان

وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا

وهنگامیکه گفتیم درآیید این قریه را بخورید ازآن هرجا که خواهید گوارا ودرآیید درها سجده کنان

وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا

وبگوئید کاهشی تا بیامرزیم برای شما گناهان شمارا بزودی بیفزائیم نیکوکاران پس تبدیل کردند ستمکاران

غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٥٩﴾

بغیرازآنچه بایشان گفته شد پس فرستادیم برستمکاران عذابرا از آسمان بدانچه بودند نافرمانی کنند کان

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ ۖ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا

وہنگامی کہ آب خواست موسی برای قوم خود پس گفتیم بزن عصایت را بسنگ پس بشکافت از آن دوازدہ چشمہ

قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ ۖ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

گردانست ہر گروہی آبشخور خود را بخورید و بنوشید از روزی خدا و مکنید در زمین فساد کنندگان

﴿٦٠﴾ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَن نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنبِتُ

وہنگامیکہ گفتید ای موسی ہرگز شکیبا نشویم بر یک خوراک پس بخوان برای ما پروردگار خود را تا بیرون آرد برای ما از

الْأَرْضُ مِن بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصَلِهَا ۖ قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ

رستنیہای زمین از سبزیش و خیارش و سیرش و عدسش و پیازش گفت آیا بدل کنید آنرا کہ بہتر است

أَدْنَىٰ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ ۚ اهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ ۗ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ

پست تر بشہر در آیید (فرود آیید) کہ شما را است آنچہ خواہید و زدہ شد بر ایشان خواری و بیچارگی

وَبَاءُو بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ

وبازگشتند بخشمی از خدا این بدانکہ بودند کہ کفر میورزیدند بآیہای خدا و میکشتند پیغمبران را

بِغَيْرِ الْحَقِّ ۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوا وَّكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٦١﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا

بناحق این بدانکہ کہ نافرمانی کردند و بودند متجاوز گنندگان ہمانا آنانکہ ایمان آوردند و آنانکہ جہود شدند

وَالنَّصَارَىٰ وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ

و ترسایان و صابیان ہرکس ایمان آورد بخدا و روز باز پسین و کردار نیک کند آنانراست

أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ

پاداششان نزد پروردگارشان نه ترسی است بر ایشان و نه اندوہگین شوند و ہنگامیکہ گرفتیم پیمان شما را

وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ ۖ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُم بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾

و برافراشتیم فراز شما طور را بگیرید آنچہ را بشما دادیم بنیرومندی و یاد آرید آنچہ را در آنست شاید پرہیزکاری کنید

ثُمَّ تَوَلَّيْتُم مِّن بَعْدِ ذَٰلِكَ ۖ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنتُم مِّنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٤﴾

پس بپشت کردید پس از آن کہ اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمتش ہر آینہ میشدید از زیانکاران

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿٦٥﴾

و ہمانا دانستید آنانرا کہ تجاوز کردند از شما در روز شنبہ کہ گفتیم آن را باشید بوزینہ ہائی سرافکندگان

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٦٦﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ

پس قرار دادیم آنرا عبرتی برای پیشروی آن و پشت سر آن و اندرزی برای پرہیزکاران و ہنگامیکہ گفت موسی

لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تَذْبَحُوا بَقَرَةً ۖ قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا ۖ قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ

بقوم خود کہ خدا فرمانتان دہد کہ بکشید گاوی گفتند ما را بمسخره گیری گفت پناه ببرم بخدا

أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ ۚ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ

کہ باشم از نادانان گفتند بخوان پروردگارت را بیان کند برای ما چیست آن گفت او گوید

إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ ۖ عَوَانٌ بَيْنَ ذَٰلِكَ ۖ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ ﴿٦٨﴾

ہمانا آن گاویست نہ پیر و نہ جوان میانہ بین آن پس بکنید آنچہ را مامور میشوید

قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما لونها قال انه يقول انها بقرة صفراء فاقع لونها تسر

گفتند بخوان پروردگار خود را بیان کند برای ما چیست رنگش گفت او گوید همانا آن گاوی است بسختی زرد فام که رنگش سرور آورد

الناظرين ٦٩ قالوا ادع لنا ربك يبين لنا ما هي ان البقر تشابه علينا وانا ان

برای بینندگان گفتند بخوان پروردگار خود را بیان کند برای ما چیست آن همانا گاو بر ما مشتبه شده است و همانا ما نیم اگر

شاء الله لمهتدون ٧٠ قال انه يقول انها بقرة لا ذلول تثير الارض ولا تسقي

خدا خواهد هدایت یافتگان گفت او گوید همانا آن گاویست نه رام تا زمین را شیار کند و نه کشت را

الحرث مسلمة لا شية فيها قالوا الان جئت بالحق فذبحوها وما كادوا يفعلون

آب دهد تندرست است نیست لکه در آن گفتند اکنون حق را آوردی پس سر بریدندش و نزدیک نبودند آنرا کنندگان

٧١ واذ قتلتم نفسا فادارأتم فيها والله مخرج ما كنتم تكتمون ٧٢ فقلنا اضربوه

و هنگامیکه کشتید تنی را پس بیزاری جستید در آن و خدا است بیرون آرنده آنچه بودید نهان کنندگان پس گفتیم بزنیدش

ببعضها كذلك يحيي الله الموتى ويريكم اياته لعلكم تعقلون ٧٣ ثم قست قلوبكم

با پاره از آن چنین زنده کند خدا مردگان را و بنمایاند بشما آیتهای خویش را شاید بخرد آئید سپس سخت شد دلهای شما

من بعد ذلك فهي كالحجارة او اشد قسوة وان من الحجارة لما يتفجر

پس از آن که مانند سنگ است یا سنگین تر و همانا از سنگها است آنچه روان گردد

منه الانهار وان منها لما يشقق فيخرج منه الماء وان منها لما يهبط من

از آن جویها و از آنها است آنچه بشکافد پس بیرون آید از آن آب و از آنها است آنچه فرود آید از

خشية الله وما الله بغافل عما تعملون ٧٤ افتطمعون ان يؤمنوا لكم

ترس خدا و نیست خدا غافل از آنچه میکنید آیا طمع دارید که ایمان آرند بشما

وقد كان فريق منهم يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما عقلوه

حالیکه بودند گروهی از ایشان می شنیدند سخن خدا را پس دگرگونش میکردند از پس آنکه می یافتندش بخرد

وهم يعلمون ٧٥ واذا لقوا الذين امنوا قالوا امنا واذا خلا بعضهم الى

و ایشان میدانستند و هرگاه ملاقات کنند مؤمنان را گویند ایمان آوردیم و چون خلوت کنند بعضی از ایشان با

بعض قالوا اتحدثونهم بما فتح الله عليكم ليحاجوكم به عند ربكم افلا

بعضی گویند آیا حدیث کنید ایشان را بدانچه خدا بر شما بگشود است تا بدان بستیزند با شما نزد پروردگارتان آیا

تعقلون ٧٦ اولا يعلمون ان الله يعلم ما يسرون وما يعلنون ٧٧ ومنهم

بخرد نمییابید آیا نمیدانند که خدا میداند آنچه را نهان میکنند و آنچه را آشکار میکنند و از ایشانند

اميون لا يعلمون الكتاب الا اماني وان هم الا يظنون ٧٨ فويل للذين

گروهی امی و مادرزاد که نمیدانند کتاب را جز آرزو و افسانه هائی و نیستند جز پندارندگان پس وای بر آنانکه

يكتبون الكتاب بايديهم ثم يقولون هذا من عند الله ليشتروا به

مینویسند کتاب را با دستهای خود و سپس گویند که آن از نزد خدا است تا بخرند بدان

ثمنا قليلا فويل لهم مما كتبت ايديهم وويل لهم مما يكسبون ٧٩

بهائی اندک را پس وای بر آنان از آنچه بنوشت دستهای ایشان و وای بر آنان از آنچه فراهم میکنند

وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً ۚ قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ

گفتند هرگز نرسد ما را آتش جز روز کی چند بگو آیا گرفتید نزد خدا پیمانی که هرگز نشکند

اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٠﴾ بَلَى مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ

خدا پیمان خود را یا گویید بر خدا آنچه را نمیدانید بلکه آنکس که بدی را فراهم کرد و فرا گرفتش

بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

گناه او آنانند یاران آتش ایشانند در آن جاودانان و آنانکه ایمان آوردند و کرداری

الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٨٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي

نیک کردند آنانند یاران بهشت ایشانند در آن جاودانان و هنگامیکه گرفتیم پیمان بنی

إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ

اسرائیل را که پرستش نکنید جز خدا را و به والدین نیکی را و بنزدیکان و بیتیمان

وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا

و بینوایان و بگوئید با مردم گفتاری نیک و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را سپس پشت کردید جز

قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٨٣﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا

کمی از شما حالیکه بودید روی گردانان و هنگامیکه گرفتیم پیمان شما را که نریزید خونهای خودرا و

تُخْرِجُونَ أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿٨٤﴾ ثُمَّ أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ

بیرون نرانید همدیگر را از دیارخویش پس اقرار کردید حالیکه بودید گواهان پس اینک شمائید که میکشید

أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ

همدیگر را و بیرون میرانید گروهی از شما از خانهای ایشان پشتیبانی میکنید بر ایشان بگناه و بستم

وَإِنْ يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ ۚ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ

واگر بیایند شما را اسیران فدیه از ایشان را بدهید حالیکه حرام است بر شما بران راندن ایشان آیا بایمان آرید ببعض کتاب

وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ ۚ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَيَوْمَ

و کفر ورزید ببعض پس چیست کیفر آنکه این کار را کند از شما جز خواری در زندگانی دنیا و روز

الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٨٥﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

قیامت برگردانیده شوند بسوی اشد عذاب و نیست خدا غافل از آنچه میکنید آنانند که

اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ

خریدند زندگانی دنیا را بآخرت پس سبک نشود از ایشان عذاب و نه یاری شوند همانا

آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ ۖ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ

دادیم بموسی کتاب را و پی درپی آوردیم پس از وی بپیمبران را و دادیم عیسی ابن مریم را بینات

وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۗ أَفَكُلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ

و مؤیدش داشتیم بروح القدس آیا هرگاه پیامد شما را پیمبری بدانچه نمیپسندد نفوسشان سرکشی کردید پس تکذیب کردید

وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ﴿٨٧﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۚ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

گروهی را میکشید و گفتند دلهای ما نهان در پرده است بلکه لعنت کرد خدا ایشانرا بکفرشان پس کمی ایمان آرند

وَلَمَّا جَآءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا مِنْ قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى

وهنگامیکه بیامدشان کتابی از نزد خدا که مصدق بود آنچه را با ایشان است وبودند از پیش پیروزی میجستند بر

الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَآءَهُمْ مَّا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٨٩﴾ بِئْسَمَا اشْتَرَوْا

آنانکه کفر ورزیدند تا گاهی که بیامدشان آنچه بشناختند کافر شدند بدان پس لعنت خدا باد بر کافران چه زشت است آنچه بدان

بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللّٰهُ بَغْيًا أَنْ يُنَزِّلَ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَآءُ

فروختند نفوس خود را که کفر ورزند بدانچه خدا فرستاده است بستمگری که چرا نفرستد از فضلش بر هر که از بندگانش که خواهد

مِنْ عِبَادِهِ فَبَآءُوا بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٩٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ

پس جلب کردند بر خود غضبی را بر غضبی وکافرانراست عذابی خوار کننده وهرگاه گفته شود بدانان

آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَآءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ

ایمان آرید بدانچه خدا فرستاده است گویند ایمان آوریم بدانچه بر ما فرو شده است وکفر ورزند بما ورای آن حالیکه آنست حق

مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَآءَ اللّٰهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٩١﴾ وَلَقَدْ جَآءَكُمْ

تصدیق کننده آنچه با ایشان بگو پس چرا میکشتید پیمبران خدا را از پیش اگر هستید مؤمنان وهمانا بیامد شما را

مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ ﴿٩٢﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ

موسی با بینات پس برگرفتید گوساله را پس از او حالیکه بودید ستمگران وهنگامیکه گرفتیم پیمان شما را

وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا

وبرافراشتیم برفراز شما طور را بگیرید آنچه را بشما دادیم به نیرومندی وبشنوید گفتند شنیدیم ونافرمانی کردیم ونوشانیده شدند

فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿٩٣﴾ قُلْ إِنْ كَانَتْ

در دلهای خود گوساله را (دوستی گوساله با ایشان آمیخته شد) بکفرشان بگو چه زشت است آنچه فرمانتان دهد ایمانتان اگر هستید مؤمنان بگو اگر برای شما است

لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللّٰهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٤﴾

خانه آخرت نزد خدا مختص شما جز مردم پس آرزوی مرگ کنید اگر هستید راستگویان

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٩٥﴾ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى

وارزو نکنندش هیچگاه بدانچه پیش آورده است دستهای ایشان وخدا عالم است بظالمان وهمانا یابیشان حریصترین مردم بر

حَيٰوةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ

زندگی واز مشرکانند آنانکه دوست دارد هر کدام که عمر داده شود هزار سال ونیستش دور کننده از

الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللّٰهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى

عذاب که سالمند باشد وخدا بیناست بدانچه میکنند بگو هر کس دشمن جبرئیل باشد همانا او فرود آوردش بر

قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللّٰهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَنْ كَانَ

دلت با دستوری از خدا مصدق آنچه پیش روی آنست وهدایت وبشارتی از برای مؤمنان کسیکه

عَدُوًّا لِّلّٰهِ وَمَلَآئِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللّٰهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾

دشمن خدا و فرشتگان او وپیمبرانش وجبرئیل ومیکائیل باشد همانا خداوند است دشمن کافران

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ﴿٩٩﴾

وهمانا فرستادیم بسوی تو نشانیهائی تابناک وکفر نورزند بدانها جز فاسقان

أَوَكُلَّمَا عَٰهَدُوا۟ عَهْدًا نَّبَذَهُۥ فَرِيقٌ مِّنْهُم ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠٠﴾ وَلَمَّا جَآءَهُمْ

آیا هرگاه پیمانی بستند دور افکند شان گروهی از ایشان بلکه بیشتر ایشان ایمان نیاورند وهنگامیکه بیامد شان

رَسُولٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ

پیغمبر از نزد خدا تصدیق کننده آنچه بایشان انگلیسند گروهی از آنانکه داده شدند کتاب را

كِتَٰبَ ٱللَّهِ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٠١﴾ وَٱتَّبَعُوا۟ مَا تَتْلُوا۟ ٱلشَّيَٰطِينُ عَلَىٰ

کتاب خدارا پشت سر خود چنانکه گوئی نمیدانند وپیروی کردند آنچه می خواندند شیاطین بر

مُلْكِ سُلَيْمَٰنَ ۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَٰنُ وَلَٰكِنَّ ٱلشَّيَٰطِينَ كَفَرُوا۟ يُعَلِّمُونَ ٱلنَّاسَ ٱلسِّحْرَ

پادشاهی (کشور) سلیمان وکافر نشد سلیمان ولکن شیاطین کافر شدند میاموختند بمردم جادو را

وَمَآ أُنزِلَ عَلَى ٱلْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَٰرُوتَ وَمَٰرُوتَ ۚ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ

وآنچه فرستاده شد بر دو فرشته در بابل هاروت وماروت ونمیاموختند کسیرا تا

يَقُولَآ إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِۦ بَيْنَ ٱلْمَرْءِ وَزَوْجِهِۦ ۚ وَمَا هُم

بگفتند جز این نیست که ما آزمایشیم زنهار کافر مشو پس بیاموختند از آنان آنچه جدائی بدان میافکندند میان مرد وزنش و زیان

بِضَآرِّينَ بِهِۦ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۚ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنفَعُهُمْ ۚ وَلَقَدْ عَلِمُوا۟

نمیرساندند بدان کس را جز باذن خدا وبیاموختند آنچه زیانشان داشت وسودشان نمیرساند وهمانا دانسته بودند

لَمَنِ ٱشْتَرَىٰهُ مَا لَهُۥ فِى ٱلْءَاخِرَةِ مِنْ خَلَٰقٍ ۚ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا۟ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمْ ۚ لَوْ كَانُوا۟

که هرکس ازا بخرید بهره در آخرت فروختند بدان خویشتن را اگر بودند

يَعْلَمُونَ ﴿١٠٢﴾ وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا۟ وَٱتَّقَوْا۟ لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ خَيْرٌ ۚ لَّوْ كَانُوا۟

میدانستند واگر ایمان میاوردند وپرهیزکاری میکردند هماناثوابی از نزد خدا بهتراست اگر بودند

يَعْلَمُونَ ﴿١٠٣﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ لَا تَقُولُوا۟ رَٰعِنَا وَقُولُوا۟ ٱنظُرْنَا وَٱسْمَعُوا۟ ۗ

میدانستند ای مؤمنان مگوئید راعنا (رعایت کن مارا) وبگوئید انظرنا (منظر دار ما) وبشنوید

وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٠٤﴾ مَّا يَوَدُّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ مِنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ وَلَا ٱلْمُشْرِكِينَ

وکافران راست عذابی دردناک دوست ندارند آنانکه کافر شدند از اهل کتاب ونه مشرکان

أَن يُنَزَّلَ عَلَيْكُم مِّنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۚ وَٱللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِۦ مَن يَشَآءُ ۚ وَٱللَّهُ

که فرود شود برشما چیزی از پروردگارشما وخدا مخصوص میکند برحمت خود هرکرا خواهد وخدا است

ذُو ٱلْفَضْلِ ٱلْعَظِيمِ ﴿١٠٥﴾ مَا نَنسَخْ مِنْ ءَايَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَآ أَوْ مِثْلِهَآ ۗ أَلَمْ

دارنده فضلی بزرگ آنچه برانداریم از آیتها یا بازپس بریم بیاریم بهتر از آن یا مانند آنرا آیا

تَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٦﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ ٱللَّهَ لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَمَا

ندانی که خدا بر همه چیز توانا است آیا ندانی که خداراست پادشاهی آسمانها وزمین ونیست

لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿١٠٧﴾ أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْـَٔلُوا۟ رَسُولَكُمْ كَمَا

شمارا جز خدا دوست ونه یاوری یا میخواهید پرسید پیمبر خود را بدانسان

سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ ۗ وَمَن يَتَبَدَّلِ ٱلْكُفْرَ بِٱلْإِيمَٰنِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ﴿١٠٨﴾

که پرسیده شد موسی از پیش وآنکه تبدیل کند کفررا بایمان همانا گم کرده است راه راست را

جزء (۱۲)

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُم مِّن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنفُسِهِم

دوست داشتند بسیاری از اهل کتاب که برگردانند شمارا پس از ایمان شما کافران برشکی از نزد خود

مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

از پس آنکه آشکار شد برای ایشان حق پس درگذرید و گذشت کنید تا بیارد خدا امر خویش را همانا خدا بر همه چیز

قَدِيرٌ ﴿۱۰۹﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ

است توانا و بپایدارید نماز را و بدهید زکوة را و آنچه پیش فرستید برای خود از خوبی یابیدش

عِندَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۱۱۰﴾ وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ

نزد خدا همانا خدا است بدانچه میکنید بینا و گفتند به بهشت در نیاید جز آنکو

هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۱۱﴾ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ

جهود است یا ترسا اینست آرزوهای ایشان بگو بیارید دستاویز خویش را اگر هستید راستگویان بلکه هر که

وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِندَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۱۲﴾

رویش را بخدا آورد و نیکوکار باشد او راست پاداش او نزد خدا و نه بیمی برایشان است و نه اندوهگین شوند

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ

و گفتند جهودان نیستند ترسایان بر چیزی و گفتند ترسایان نیستند جهودان بر چیزی

وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ

و ایشان همیخوانند کتاب را بدینسان گفتند آنانکه نمیدانند همانند گفتار ایشان پس خدا حکم کند میان ایشان

يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿۱۱۳﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَن

روز قیامت در آنچه بودند در آن اختلاف کنندگان و کیست ستمگرتر از آنکه بازداشت مساجد خدا را از آنکه

يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَن يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ

برده شود در آنها نامش و بکوشید در ویرانی آنها آنانرا نرسد که در آنها درآیند مگر هراسان

لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۱۴﴾ وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ

ایشانراست در دنیا خواری و ایشانراست در آخرت عذابی بزرگ و از آن خدا است مشرق و مغرب

فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۱۵﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ

بهر سو که روی آرید همانجاست روی خدا همانا خدا است گشایشمند دانا و گفتند برگرفت خدا فرزندی منزه است او

بَل لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَّهُ قَانِتُونَ ﴿۱۱۶﴾ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا

بلکه او راست آنچه در آسمانهاست و زمین همگی برای اویند فروتنان پدید آرنده آسمانها و زمین و هرگاه

قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ﴿۱۱۷﴾ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا

بگذراند امری را جز این نیست که گویدش بشو پس بشود و گفتند آنانکه نمیدانند چرا سخن نگوید با ما خدا یا نیاید ما را

آيَةٌ كَذَٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ

آیتی بدینسان گفتند آنانکه پیش از ایشان بودند همانند گفتار ایشان مانند شد دلهای آنان همانا بیان کردیم آیتها را برای گروهی

يُوقِنُونَ ﴿۱۱۸﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ﴿۱۱۹﴾

که یقین دارند همانا فرستادیمت بحق بشارت دهنده و ترساننده و پرسیده نمیشوی تو از دوزخیان

وَلَنْ تَرْضٰى عَنْكَ الْيَهُوْدُ وَلَا النَّصٰرٰى حَتّٰى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ اِنَّ هُدَى اللّٰهِ هُوَ الْهُدٰى

وهرگز راضی نشوند ازتو جهودان ونه ترسایان تا پیروی کنی آیین ایشان را بگو ایشان هدایت خدایست هدایت

وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ اَهْوَآءَهُمْ بَعْدَ الَّذِيْ جَآءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ

واگر پیروی کنی هوسهای ایشان را پس ازآنچه بیامدت ازدانش نباشد ترا از خدا دوست ونه یاوری

(۱۲۰) اَلَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يَتْلُوْنَهٗ حَقَّ تِلَاوَتِهٖٓ اُولٰٓئِكَ يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ وَمَنْ يَّكْفُرْ

آنانکه کتاب را بدیشان دادیم تلاوتش کنند حق تلاوت آن آنان ایمانی آرند بدان وکسیکه کفر ورزد

بِهٖ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ (۱۲۱) يٰبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ اذْكُرُوْا نِعْمَتِيَ الَّتِيْٓ اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاَنِّيْ

بدان ایشانند زیانکاران ای بنی اسرائیل یادآرید نعمت مرا که بشما دادم وآنکه

فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ (۱۲۲) وَاتَّقُوْا يَوْمًا لَّا تَجْزِيْ نَفْسٌ عَنْ نَّفْسٍ شَيْـًٔا وَّلَا يُقْبَلُ مِنْهَا

برتری دادم شمارا بر جهانیان وبترسید روزی را که کفایت نکند کسی از کسی چیزیرا ونه پذیرفته شود ازاو

عَدْلٌ وَّلَا تَنْفَعُهَا شَفَاعَةٌ وَّلَا هُمْ يُنْصَرُوْنَ (۱۲۳) وَاِذِ ابْتَلٰٓى اِبْرٰهِيْمَ رَبُّهٗ بِكَلِمٰتٍ

بدل ونه سودی دهدش شفاعتی ونه یاری شوند وهنگامی که بیازمود ابراهیم را پروردگارش باکلماتی

فَاَتَمَّهُنَّ قَالَ اِنِّيْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِيْ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظّٰلِمِيْنَ (۱۲۴)

پس بانجام رسانید آنها را گفت بدانا گردانندهٔ توام ترا برای مردم پیشوائی گفت واز نژادمن گفت نرسد عهدمن بستمکاران

وَاِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَاَمْنًا وَاتَّخِذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهِيْمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَآ اِلٰٓى

وهنگامیکه گردانیدیم خانه را بازگشتگاهی برای مردم وایمنی وبگیرید از مقام ابراهیم نمازگاهی وسپردیم

اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْمٰعِيْلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّآئِفِيْنَ وَالْعٰكِفِيْنَ وَالرُّكَّعِ السُّجُوْدِ (۱۲۵) وَاِذْ قَالَ

بابراهیم واسماعیل که پاک دارید خانه مرا برای طواف کنندگان ومنکفان ورکوع گذاران سجده کنان وهنگامیکه گفت

اِبْرٰهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا اٰمِنًا وَّارْزُقْ اَهْلَهٗ مِنَ الثَّمَرٰتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ

ابراهیم پروردگارا بگردان این شهر ستانی امن وروزی ده اهلش را از ثمرات آنکه ایمان آورد ازایشان بخدا وروز بازپسین

قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَاُمَتِّعُهٗ قَلِيْلًا ثُمَّ اَضْطَرُّهٗٓ اِلٰى عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ (۱۲۶) وَاِذْ يَرْفَعُ اِبْرٰهِيْمُ

گفت وهرکس که کفر ورزد هم بهره مندش کنم اندکی وسپس کنمش بسوی عذاب آتش وچه زشت سرانجامگاه وهنگامیکه برمیداشت ابراهیم

الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَاِسْمٰعِيْلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ (۱۲۷) رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا

ستونهای خانه را واسماعیل پروردگارا بپذیر ازما همانا تو توئی شنوندهٔ دانا پروردگارا مگردان ما

مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَآ اُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ وَاَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا اِنَّكَ اَنْتَ

اسلام آرندگانی برای تو واز نژاد ما مردمی اسلام آورنده برای تو ونمودنهای ما جایگاههای ما را وتوبه کن برما که توئی

التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ (۱۲۸) رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيْهِمْ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ يَتْلُوْا عَلَيْهِمْ اٰيٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتٰبَ

توبه پذیرنده مهربان پروردگارا وبرانگیز درایشان پیمبری ازایشان که تلاوت کند برایشان آیتهای ترا ویاموزدشان کتاب

وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيْهِمْ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ (۱۲۹) وَمَنْ يَّرْغَبُ عَنْ مِّلَّةِ اِبْرٰهِيْمَ

وحکمت را وپاکشان سازد که توئی عزتمند حکیم وکیست که روی بگرداند ازآیین ابراهیم

اِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهٗ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنٰهُ فِي الدُّنْيَا وَاِنَّهٗ فِي الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصّٰلِحِيْنَ (۱۳۰)

جز آنکس که نباه گرداند خویشتن را وهمانا برگزیدیمش در دنیا واو بهشت در آخرت از شایستگان

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٣١﴾ وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَٰهِـۧمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ

ہنگامیکہ بدوگفت پروردگارش اسلام آور گفت اسلام آوردم برای پروردگار جہانیان ووصیت کرد بدان ابراہیم فرزندان خویش را ویعقوب

يَٰبَنِيَّ إِنَّ ٱللَّهَ ٱصْطَفَىٰ لَكُمُ ٱلدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسْلِمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمْ كُنتُمْ شُهَدَآءَ

ای فرزندان من ہمانا برگزید خدا برای شما دین را پس نمیرید جز آنگہ باشید مسلمانان یا بودید گواہان

إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ ٱلْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنۢ بَعْدِى قَالُوا۟ نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ

ہنگامیکہ رسید یعقوب را مرگ گاہی کہ گفت بفرزندان خود چہرا میپرستید پس از من گفتند میپرستیم خدای تو

وَإِلَٰهَ ءَابَآئِكَ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ إِلَٰهًا وَٰحِدًا وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٣﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ

وخدای پدرانت ابراہیم واسمعیل واسحق را خداوندی یگانہ ومائیم برای او اسلام آورندگان امتیست کہ

قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْـَٔلُونَ عَمَّا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٣٤﴾ وَقَالُوا۟ كُونُوا۟

گذشت ویراست وشماراست دسترنج شما وپرسش نشوید ازآنچہ بودند میکردند وگفتند

هُودًا أَوْ نَصَٰرَىٰ تَهْتَدُوا۟ قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَٰهِـۧمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ ﴿١٣٥﴾ قُولُوٓا۟ ءَامَنَّا

ہود شوید یا ترسا تا ہدایت یابید بگو بلکہ ملت ابراہیم یکتاپرست ونبود از شرک ورزندگان بگویید ایمان آوردیم

بِٱللَّهِ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَآ أُنزِلَ إِلَىٰٓ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ وَٱلْأَسْبَاطِ

بخدا وبدانچہ فرستادہ شد بسوی ما وبدانچہ فرستادہ شد بسوی ابراہیم واسماعیل واسحق ویعقوب واسباط

وَمَآ أُوتِىَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَآ أُوتِىَ ٱلنَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ

وبدانچہ دادہ شدند موسی وعیسی وآنچہ آوردہ شدند پیمبران از پروردگارشان جدائی نکنیم میان ہیچکدام ازآنان

وَنَحْنُ لَهُۥ مُسْلِمُونَ ﴿١٣٦﴾ فَإِنْ ءَامَنُوا۟ بِمِثْلِ مَآ ءَامَنتُم بِهِۦ فَقَدِ ٱهْتَدَوا۟ وَّإِن تَوَلَّوْا۟ فَإِنَّمَا هُمْ فِى

ومائیم ازبرای او اسلام آورندگان پس اگر ایمان آورند بمثل آنچہ ایمان آوردید بہانا ہدایت یافتند واگر روی گردانند جز این نیست کہ ایشانند در

شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ ٱللَّهُ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلْعَلِيمُ ﴿١٣٧﴾ صِبْغَةَ ٱللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ ٱللَّهِ

خلافی بزودی کفایت کند شمارا ازایشان خدا واوست شنوای دانا رنگ خدا وکیست نکوتر از خدا

صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُۥ عَٰبِدُونَ ﴿١٣٨﴾ قُلْ أَتُحَآجُّونَنَا فِى ٱللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَآ أَعْمَٰلُنَا

در رنگ ومائیم برای او پرستندگان بگو آیا در خدا با ما ستیزید واوست پروردگار ما وشما وماراست کردار ما

وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ وَنَحْنُ لَهُۥ مُخْلِصُونَ ﴿١٣٩﴾ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَٰهِـۧمَ وَإِسْمَٰعِيلَ وَإِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ

وشماراست کردار شما ومائیم برای او اخلاص آورندگان یا میگویید

وَٱلْأَسْبَاطَ كَانُوا۟ هُودًا أَوْ نَصَٰرَىٰ قُلْ ءَأَنتُمْ أَعْلَمُ أَمِ ٱللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَٰدَةً

واسباط بودند جہودان یا ترسایان بگو آیا شما دانا ترید یا خدا وکیست ستمکارتر ازآنکہ نہان کرد گواہی را کہ

عِندَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ وَمَا ٱللَّهُ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٠﴾ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم

نزد اوست از خدا ونیست خدا غافل ازآنچہ میکنید امتیست گذشتہ ایشانراست ودسترنجشان وشماراست

مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْـَٔلُونَ عَمَّا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿١٤١﴾ سَيَقُولُ ٱلسُّفَهَآءُ مِنَ ٱلنَّاسِ مَا وَلَّىٰهُمْ عَن

دسترنج شما وپرسش نشوید ازآنچہ بودند میکردند بزودی گویند نابخردان از مردم کہ چہ چیز برگردانیدشان را از

قِبْلَتِهِمُ ٱلَّتِى كَانُوا۟ عَلَيْهَا قُل لِّلَّهِ ٱلْمَشْرِقُ وَٱلْمَغْرِبُ يَهْدِى مَن يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿١٤٢﴾

قبلہ کہ برآن بودند بگو ازآن خداست مشرق ومغرب ہدایت کند ہرکرا خواہد براہ راست

وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ اُمَّةً وَسَطًا لِّتَكُونُوا شُهَدَآءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ

و بدینسان گردانیدیم شمارا امتی میانه تا باشید گواهانی بر مردم و باشد پیمبر گواهی

عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَآ اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ

بر شما و نهادیم قبله را که بر آن بودی مگر تا بشناسیم آنرا که پیروی کند پیمبر را از آنکه

يَنْقَلِبُ عَلٰى عَقِبَيْهِ ؕ وَاِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً اِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللّٰهُ ؕ وَمَا كَانَ اللّٰهُ

بر پاشنه پای خود برگردد و همانا گران است آن مگر بر آنانکه خدا هدایت کرده است و نیست خدا

لِيُضِيعَ اِيمَانَكُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤٣﴾ قَدْ نَرٰى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَآءِ ۚ

تباه کننده ایمان شما همانا خداوند است بمردم روف مهربان هر آینه دیدیم گردش (بی تابی) روی تورا بسوی آسمان

فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضٰىهَا ۖ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ؕ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا

همانا خواهیم گردانید ترا بسوی (یا ارزانی داشت بتو) قبله که راضی از آن باشی پس بگردان رویت را بسوی مسجد حرام و هر جا باشید بگردانید

وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ؕ وَاِنَّ الَّذِينَ اُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ اَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ؕ وَمَا اللّٰهُ

رویهای خود را بسوی آن و آنانکه داده شدند کتاب را هر آینه دانند که آنست حق از پروردگارشان و نیست خدا

بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٤﴾ وَلَئِنْ اَتَيْتَ الَّذِينَ اُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ اٰيَةٍ مَّا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ ۚ

غافل از آنچه میکنند و اگر بیاری آنانرا که کتاب را داده شدند هر آیتی هر آینه پیروی نکنند قبله ترا

وَمَآ اَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ ۚ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ ؕ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ اَهْوَآءَهُمْ مِّنْ

و نه تو نی پیروی کننده قبله آنان و نه بعضی از ایشان است پیرو قبله بعضی و اگر پیروی کنی هوسهای آنانرا

بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۙ اِنَّكَ اِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٤٥﴾ اَلَّذِينَ اٰتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا

پس از آنچه بیامده است ترا از دانش همانا باشی از ستمگران آنانکه کتاب را بدیشان دادیم بشناسندش چنانکه

يَعْرِفُونَ اَبْنَآءَهُمْ ؕ وَاِنَّ فَرِيقًا مِّنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤٦﴾ اَلْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ

بشناسند فرزندان خویش را و همانا گروهی از ایشان فرو پوشند حق را حالیکه میدانند حق از پروردگار تو است

فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١٤٧﴾ وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ؕ اَيْنَمَا تَكُونُوا

پس نباش از شک کنندگان و هر کدام را وجهه (سوئی) است که بدانست روی آورنده پس مسابقه کنید بسوی خیرات هر جا باشید

يَاْتِ بِكُمُ اللّٰهُ جَمِيعًا ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٤٨﴾ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ

بیارد شمارا همگی خدا زیرا خداست بر همه چیز توانا و هرگاه (یا هر جا) برون رفتی پس بگردان روی خود را

شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ؕ وَاِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ ؕ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٤٩﴾ وَمِنْ حَيْثُ

بسوی مسجد حرام و همانا آن است حق از پروردگار تو و نیست خدا غافل از آنچه میکنید و هرگاه (یا هر جا)

خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ؕ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ

برون رفتی پس بگردان روی خود را بسوی مسجد حرام و هر جا باشید بگردانید رویهای خود را

شَطْرَهُ ۙ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ اِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا

بسوی آن تا نباشد مردم را بر شما دستاویزی مگر آنانکه ستم کردند از ایشان پس

تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلِاُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٥٠﴾

نترسید از ایشان و مرا بترسید و تا تمام کنم نعمتم را بر شما و شاید هدایت یابید

كَمَآ أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ ٱلْكِتَٰبَ

چنانکه فرستادیم در شما فرستاده از شما که بخواند بر شما آیتهای ما را و پاکیزه بدارد شما را و بیاموزد شما را

وَٱلْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا۟ تَعْلَمُونَ ﴿١٥١﴾ فَٱذْكُرُونِىٓ أَذْكُرْكُمْ وَٱشْكُرُوا۟ لِى وَلَا تَكْفُرُونِ ﴿١٥٢﴾

و حکمت را و بیاموزد شما را آنچه نبودید بر آنید پس یاد کنید مرا یاد کنم شما را و شکر گزارید مرا و شکر من و بمن کفر نورزید

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ٱسْتَعِينُوا۟ بِٱلصَّبْرِ وَٱلصَّلَوٰةِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٣﴾ وَلَا تَقُولُوا۟

ای آنانکه ایمان آوردید کمک جویید از صبر و نماز همانا خداوند است با صبر کنندگان و نگویید

لِمَن يُقْتَلُ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أَمْوَٰتٌ ۚ بَلْ أَحْيَآءٌ وَلَٰكِن لَّا تَشْعُرُونَ ﴿١٥٤﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَىْءٍ

برانانکه کشته شدند در راه خدا مردگان بلکه زندگانند ولیکن در نمیابید و هر آینه بیازمائیم شما را بچیزی

مِّنَ ٱلْخَوْفِ وَٱلْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ ٱلْأَمْوَٰلِ وَٱلْأَنفُسِ وَٱلثَّمَرَٰتِ ۗ وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ ﴿١٥٥﴾

از ترس و گرسنگی و کاهشی از مالها و جانها و میوه ها و مژده ده بصبر کنندگان

ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُوٓا۟ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيْهِ رَٰجِعُونَ ﴿١٥٦﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَٰتٌ

آنانکه هرگاه بیشامدی بدیشان رسد گویند ما از خدائیم و ما بسوی او باز گردندگان آنانند که بر ایشانست

مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُهْتَدُونَ ﴿١٥٧﴾ إِنَّ ٱلصَّفَا وَٱلْمَرْوَةَ مِن شَعَآئِرِ ٱللَّهِ ۖ فَمَنْ حَجَّ

درودها از پروردگارشان و رحمتی و آنانند راه یافتگان همانا صفا و مروه از شعارهای (پرستشگاههای) خداست پس کسی که حج

ٱلْبَيْتَ أَوِ ٱعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَن يَطَّوَّفَ بِهِمَا ۚ وَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ ٱللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٥٨﴾

بیت کند یا عمره بجا آورد نیست بر او باکی که طواف کند بر آنها و کسیکه خوشنود کردنی شود همانا خداست سپاسگذار دانا

إِنَّ ٱلَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَآ أَنزَلْنَا مِنَ ٱلْبَيِّنَٰتِ وَٱلْهُدَىٰ مِنۢ بَعْدِ مَا بَيَّنَّٰهُ لِلنَّاسِ فِى ٱلْكِتَٰبِ

همانا آنانکه کتمان میکنند آنچه را فرستادیم از نشانها و راه نمائی پس از آنکه بیانش کردیم برای مردم در کتاب

أُو۟لَٰٓئِكَ يَلْعَنُهُمُ ٱللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ ٱللَّٰعِنُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا ٱلَّذِينَ تَابُوا۟ وَأَصْلَحُوا۟ وَبَيَّنُوا۟ فَأُو۟لَٰٓئِكَ

آنانرا لعنت کند خدا و لعنت کنندگان مگر آنانکه بازگشتند و درستی کردند و بیان کردند کار ایشان

أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا ٱلتَّوَّابُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٦٠﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَمَاتُوا۟ وَهُمْ كُفَّارٌ أُو۟لَٰٓئِكَ عَلَيْهِمْ

باز گشت کنم و منم بازگشت کننده مهربان همانا آنانکه کفر ورزیدند و مردند حالیکه کافرند بر ایشان است

لَعْنَةُ ٱللَّهِ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةِ وَٱلنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿١٦١﴾ خَٰلِدِينَ فِيهَا ۖ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ ٱلْعَذَابُ وَلَا هُمْ

لعنت خدا و فرشتگان و مردم همگی جاودانان در آن نگاشته شود از ایشان عذاب و نه مهلت

يُنظَرُونَ ﴿١٦٢﴾ وَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ ۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ٱلرَّحْمَٰنُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٦٣﴾ إِنَّ فِى خَلْقِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ

داده شوند و خدای شما خداوند یکتاست نیست خدائی جز او بخشنده مهربان همانا در آفرینش آسمانها

وَٱلْأَرْضِ وَٱخْتِلَٰفِ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱلْفُلْكِ ٱلَّتِى تَجْرِى فِى ٱلْبَحْرِ بِمَا يَنفَعُ ٱلنَّاسَ وَمَآ

و زمین و گردش شب و روز و کشتی که روان شود در دریا بآنچه سود دهد مردم را و آنچه

أَنزَلَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مِن مَّآءٍ فَأَحْيَا بِهِ ٱلْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٍ وَتَصْرِيفِ

فرو فرستاده است خدا از آسمان از آبی که زنده کرد بآن زمین را پس از مردنش و پراکند در آن از هر جنبنده و گردانیدن

ٱلرِّيَٰحِ وَٱلسَّحَابِ ٱلْمُسَخَّرِ بَيْنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٦٤﴾

باد و ابری که مسخر است میان آسمان و زمین همانا آیتهائی است برای قومی که بخرد بندند

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ اَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللّٰهِ وَالَّذِينَ اٰمَنُوٓا اَشَدُّ حُبًّا لِلّٰهِ

واز مردمند گروهی که برگیرند جز خدا همتایانی دوستشان دارند مانند دوستی خدا وآنانکه ایمان آوردند سخت ترند در دوستی خدا

وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوٓا اِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ اَنَّ الْقُوَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا وَاَنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ﴿١٦٥﴾

واگر میدیدند آنانکه ستم ورزیدند گاهی که عذاب را ببینند آنکه نیرو از آن خداست همگی وآنکه خداست سخت شکنجه

اِذْ تَبَرَّاَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَاَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْاَسْبَابُ ﴿١٦٦﴾ وَقَالَ

هنگامیکه بیزاری جستند آنانکه پیروی شدند از آنانکه پیروی کردند ونگریستند عذاب را وگسیخته شد از ایشان رشته ها وگویند

الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ اَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّاَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّؤُا مِنَّا كَذٰلِكَ يُرِيهِمُ اللّٰهُ اَعْمَالَهُمْ

آنانکه پیروی کردند کاش مارا بازگشتی میبود تا بیزاری میجستیم از ایشان بدانسان که بیزاری جستند از ما بدینگونه بنماید شان خدا کردارهای ایشان را

حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ ﴿١٦٧﴾ يَٓا اَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْاَرْضِ

حسرتهائی برایشان ونیستند برون روندگان از آتش ای مردم بخورید از آنچه در زمین است

حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ اِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٦٨﴾ اِنَّمَا

حلال پاک وپیروی نکنید گامهای شیطان را که او شمارا دشمنی است آشکار جز این نیست

يَاْمُرُكُمْ بِالسُّوٓءِ وَالْفَحْشَٓاءِ وَاَنْ تَقُولُوا عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٦٩﴾ وَاِذَا قِيلَ لَهُمُ

که شمارا امر کند ببدی وفحشاء واینکه گوئید بر خدا آنچه را نمیدانید واگر گفته شود بدیشان

اتَّبِعُوا مَٓا اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَٓا اَلْفَيْنَا عَلَيْهِ اٰبَٓاءَنَا اَوَلَوْ كَانَ اٰبَٓاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

پیروی کنید آنچه را خدا فرستاده گویند بلکه پیروی کنیم آنچه را یافتیم بر آن پدران خویش را واگرچه باشند پدرانشان نه چیزی را تعقل کنند

شَيْـًٔا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿١٧٠﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ اِلَّا

ونه هدایت یابند ومثل آنانکه کفر ورزیدند مثل آنکس است که بانگ زند بر حیوانی که نمیشنود جز فرا

دُعَٓاءً وَنِدَٓاءً صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٧١﴾ يَٓا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ

خواندن وبانگ زدن را کرانند گنگانند کورانند که تعقل نمیکنند ای آنانکه ایمان آوردید بخورید از پاکهای آنچه روزی دادیم بشما

وَاشْكُرُوا لِلّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ اِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿١٧٢﴾ اِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ

وسپاسگذارید برای خدا اگر هستید اورا پرستش کنندگان جز این نیست که حرام کرد بر شما مردار وخون وگوشت خوک

وَمَٓا اُهِلَّ بِهِ لِغَيْرِ اللّٰهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَٓا اِثْمَ عَلَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

وآنچه را نام جز خدا بر آن برده شد پس اگر کسی ناچار شود نه ستم کننده ونه تجاوز کننده نیست گناهی براو همانا خداوند است آمرزنده مهربان

﴿١٧٣﴾ اِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَٓا اَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا اُولٰٓئِكَ مَا يَاْكُلُونَ

همانا آنانکه کتمان کنند آنچه را خدا فرستاده است از کتاب وبفروشندش ببهائی کم آنان نمیخورند

فِي بُطُونِهِمْ اِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ﴿١٧٤﴾ اُولٰٓئِكَ

در شکمهای خویش جز آتشی ونه سخن گوید با ایشان خدا روز قیامت ونه پاک سازد شان وایشان راست عذابی دردناک آنانند

الَّذِينَ اشْتَرَوُا الضَّلَالَةَ بِالْهُدٰى وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَٓا اَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ ﴿١٧٥﴾ ذٰلِكَ

که خریدند گمراهی را بهدایت وعذاب را بمغفرت شگفتا چه بردبارند بر آتش این

بِاَنَّ اللّٰهَ نَزَّلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَاِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿١٧٦﴾

بدان است که فرستاد خدا کتاب را بحق وآنانکه اختلاف کردند در کتاب همانا ایشانند در ستیزشی دور

وچون بر مروه شد اینبار سراب از سوی صفا ویرا بفریفت و بدانسوی کشانید واو تا هفت بار چنین کرد ومیان صفا ومروه بدوید وهفتمین بار چون بر مروه شد زیر پای کودک نگریست که آب همی جوشد شتابان فرود آمد ومشتی خاک گرد آن بینباشت واین همان بئر زمزم است پس پرندگان را بوی آب بدانسوی کشانید وگرد آمدن پرندگان قبیله جرهم را که در آنحوالی بودند بدان داشت که بدانجای شدند زنی با کودکی نگریستند بخار بنی پناه آورده وکنار شان چشمه آبی است چگونگی را باز پرسیدند وسپس با دستوری ابراهیم بنزد ایشان فرود آمدند وسکونت گزیدند واز ایشان عمران مکه وکار معیشت اسمعیل ومادرش بساز آمد فلا جناح علیه از اینروی نفی جناح شد که مردم سعی صفا ومروه را از مبتدعات جاهلیت می پنداشتند ١٧٧ لیس البر چنانکه گفتیم داستان تحویل قبله بحث پر آشوبی بین مردم بپای کرد وجهودان ابهت وعظمت آنرا بیش از آنچه بود باز مینمودند واین آیه بپاسخ آنان ونیز انصراف مردم را از آن سخن وواداشتنشان بر دیگر فرایض



لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ
نیکی آن نیست که رویهای خود را بسوی مشرق و مغرب گردانید لیکن نکوکار آنست که ایمان آورده است

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَىٰ حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ
بخدا و بروز بازپسین و فرشتگان و کتاب و پیمبران و داده است مال را با همه دوستی آن بنزدیکان

وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلٰوةَ
و یتیمان و بینوایان و درماندگان و دریوزگان و در راه آزاد کردن بندگان و بپا داشته است نماز را

وَآتَى الزَّكٰوةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ
و داده است زکوة را و آنانکه وفا به پیمان کنند هرگاه پیمان بندند و بردباران در پریشانی و رنجوری

وَحِينَ الْبَأْسِ أُولٰئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ﴿١٧٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
و هنگام ترس جنگ بلا اشباع آنانند که راست گفته اند و آنانند پرهیزکاران ای گروه مؤمنان

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَىٰ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ
نوشته شده است بر شما قصاص (خونخواهی) در کشتگان آزاد بآزاد و بنده به بنده و زن به زن و آنکس که

عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذٰلِكَ تَخْفِيفٌ
بخشیده شده است بدو از برادرش چیزی پس پیروی کردن خوبی و پرداختنی بدو بنیکوئی این کاهشی است

مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٨﴾ وَلَكُمْ
از پروردگار شما و رحمتی پس آنکه تعدی کند پس از این او راست عذابی دردناک و شما راست

فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٧٩﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ
در قصاص (خون خواستن) زندگانی ای خردمندان شاید پرهیزکاری کنید نوشته شده است بر شما گاهی که برسد

أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى
یکی از شما را مرگ اگر مالی باز گذاشته است وصیت برای والدین و نزدیکان بخوبی حقی است بر

الْمُتَّقِينَ ﴿١٨٠﴾ فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ إِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ
پرهیزکاران پس آنکو بگرداندش پس از شنیدنش همانا گناه آن بر آنان است که بگردانندش همانا خدا شنوای

عَلِيمٌ ﴿١٨١﴾ فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوصٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللّٰهَ
داناست و کسیکه بترسید از وصیت کننده ستم یا گنهی را پس اصلاح افکنده است میان ایشان نیست بر او گناهی همانا خدا است

غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٨٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ
آمرزنده مهربان ای گروه مؤمنان نوشته شده است بر شما روزه بدانسان که نوشته شده است بر آنانکه پیش از

قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿١٨٣﴾ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ
شما بودند شاید پرهیزکاری کنید روزگی چند و هرکس از شما بیمار یا در سفری باشد

فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ
پس چند روز از روزهای دیگر و بر آنانکه نتوانندش فدیه است خوراک بینوائی و آنکس که خواستار

خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٤﴾
نکوئی شود بهتر است او را و روزه بگیرید بهتر است از برای شما اگر بدانید

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ

ماه رمضان که فرود شد در آن قرآن راهنمائی برای مردم و تابشهائی یا نشانیها از هدایت و فرقان

فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ۖ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ ۗ

پس هرکس بشهر باشد از شما در اینماه روزه بگیردش و آنکس که بیمار یا در سفری باشد چند روز از روزهای دیگر

يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ

خدا بر شما آسانی خواهد و نخواهد برای شما سختی را و تا بانجام رسانید شمار را و تا بزرگ شمرید خدا را بدانچه رهبریتان کرد

وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٨٥﴾ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ۖ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ

و شاید شکر گذارید و هرگاه پرسندت بندگان من از من همانا منم نزدیک اجابت کنم دعای آنکه

إِذَا دَعَانِ ۖ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾ أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ

مرا خواند پس بپذیرند از من و ایمان آرند بمن شاید رهبری شوند حلال شد برای شما شب روزه

الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ ۚ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ ۗ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ

درآمیختن با زنان خود آنانند پوشاک شما و شمائید پوشاک آنان دانست خدا که بودید شما

تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ ۖ فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ

خیانت میورزیدید با خویشتن پس توبه کرد بر شما و ببخشود بر شما اکنون درآمیزید با آنان و بخواهید آنچه را

اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ

خدا برای شما نوشت و بخورید و بنوشید تا پدیدار شود برای شما رشتهٔ سفید از رشتهٔ سیاه

الْفَجْرِ ۖ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ ۗ

در بامدادگاه سپس بانجام رسانید روزه را تا شب و در نیامیزید با آنان حالیکه معتکفید در مساجد

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا ۗ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿١٨٧﴾

اینست حدود خدا زنهار بدانها نزدیک نشوید بدینسان بیان کند خدا آیتهای خویش را برای مردم شاید پرهیزکاری کنند

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِنْ أَمْوَالِ

و نخورید مالهای خویش را میان خویش به بیهوده و نیفکنید آنها را بسوی فرمانداران تا بخورند پاره از اموال

النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿١٨٨﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهِلَّةِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ ۗ

مردم را بگناه حالیکه خود میدانید پرسندت از ماههای نو بگو آنها گاهنماهاست برای مردم و حج

وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ ۗ وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا ۖ

و نیست نکوئی که درآئید بخانه‌ها از پشت آنها بلکه نکوکار آنست که پرهیزکاری کند و بخانه‌ها درآئید از درگاههای آنها

وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٨٩﴾ وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ

و بترسید خدا را باشد رستگار شوید و پیکار کنید در راه خدا آنانرا که پیکارتان کنند و تجاوز نکنید که خدا

لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿١٩٠﴾ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ

دوست ندارد تجاوزگرانرا و بکشیدشان هرجا که یابیدشان و بیرون کنیدشان بدانسان که بیرون کردندتان و آشوب و نیرنگ سخت‌تر است

الْقَتْلِ ۚ وَلَا تُقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ ۖ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ﴿١٩١﴾

از کشتن و پیکارشان نکنید نزد مسجد حرام تا پیکارتان کنند در آن پس اگر کشتند شما را بکشید ایشانرا چنین است کیفر کافران

تختانون ۱۸۷ از امام ابی عبدالله صادق ع است که آغاز فرض روزه شبها پس از خوابیدن افطار روا نبودی تا شامگاه دیگر تا چنان افتاد که مطعم بن جبیر شبی بخانه آمد و فطور مهیا نشد خوابش بربود و او پیری ناتوان و سست گشته بود و بر همان حال بخفت و فردا هنگامی که بهمراه یاران دست بکار حفر خندق بود سستی بر او چیره گشت و از هوش برفت و دیگر آنکه جوانان شبانه تاب نیاوردندی و با زنان خویش بیامیختندی لاجرم این آیت فرود آمد. من ظهورها ۱۸۹ عرب را آئین چنان بود که محرم را نشایستی از در بخانه درون شدن بلکه او را بایستی بر نردبان شدن و از بام بخانه رفتن و نیز توانستی از پشت خانه سوراخ کردن و از نقب بدرون رفتن تا این آیت بیامد و از امام ابوجعفر باقر ع است که مقصود ارجاع کارها بغیر اهل است و نیز از او است که فرمود آل محمد ند ابواب خدای و وسیلت سوی داعیان و رهبران و راهنمایان بسوی بهشت تا روز قیامت و از این گفتار گهربار پیوستگی و نظام آیات راست آید چه نخست بپرسش جهودان از هلالها پاسخ گفت و سپس از پرسش جز دانشمندان و کارشناسان نهی فرمود

فَاِنِ انْتَهَوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٩٢﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتّٰى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلّٰهِ فَاِنِ

واگر دست کشیدند همانا خداوند است آمرزنده مهربان ونبرد کنید با ایشان تا نماند آشوبی و بشود دین از آن خدا پس اگر

انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ اِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٩٣﴾ اَلشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ

دست برداشتند همانا نیست ستمی مگر بر ستمگران ماه ارجمند (یا حرام) بماه ارجمند وارجمندیها (حرمتها) برابر است

فَمَنِ اعْتَدٰى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدٰى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ مَعَ

پس آنکس که تجاوز کند بر شما تجاوز کنید براو برابر آنچه بر شما تجاوز کرده است وبترسید خدارا وبدانید که خداست با

الْمُتَّقِينَ ﴿١٩٤﴾ وَاَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَلَا تُلْقُوا بِاَيْدِيكُمْ اِلَى التَّهْلُكَةِ وَاَحْسِنُوا اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ

پرهیزکاران وببخشید در راه خدا وخود را بادست خود بپرتگاه نیفکنید ونکوئی کنید که خدا دوست دارد

الْمُحْسِنِينَ ﴿١٩٥﴾ وَاَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلّٰهِ فَاِنْ اُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا

نکوکاران را بانجام رسانید حج وعمره را برای خدا واگر بازداشته شدید پس آنچه فراهم شود از قربانی ونتراشید

رُؤُسَكُمْ حَتّٰى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا اَوْ بِهِ اَذًى مِنْ رَاْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ

سرهای خویش را تا برسد قربانی بجایگاه خود وآنکس از شما که بیمار یا باو آزاری از سرش باشد پس فدیه از

صِيَامٍ اَوْ صَدَقَةٍ اَوْ نُسُكٍ فَاِذَا اَمِنْتُمْ فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ اِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ

روزه یا صدقه یا قربانی تا گاهی که ایمن شدید پس هرکس متمتع شده است عمره را بسوی حج پس آنچه فراهم شود از قربانی

فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلٰثَةِ اَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ اِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذٰلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ

وآنکس که نیابد پس روزه سه روز در حج وهفت روز گاهیکه بازگردید اینک ده روز کامل این برای آنکس است که نیستند

اَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿١٩٦﴾ اَلْحَجُّ اَشْهُرٌ

خاندان او نزدیک مسجد حرام وبترسید خدارا وبدانید که خداوند است سخت شکنجه حج ماههائیست

مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ

دانسته پس آنکه حج در آنها کند نه آمیزش نه نافرمانی ونه ستیزه کردنی است در حج وآنچه خوبی کنید

خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللّٰهُ وَتَزَوَّدُوا فَاِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوٰى وَاتَّقُونِ يَا اُولِي الْاَلْبَابِ ﴿١٩٧﴾ لَيْسَ عَلَيْكُمْ

میداندش خدا وتوشه برگیرید که بهترین توشه ها تقوی است وبترسید مرا ای خردمندان نیست بر شما

جُنَاحٌ اَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ فَاِذَا اَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ

باکی که بخواهید فزونی از پروردگار خود سپس گاهیکه کوچ کردید از عرفات پس یاد خدا کنید نزد مشعر حرام

وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدٰيكُمْ وَاِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ ﴿١٩٨﴾ ثُمَّ اَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ اَفَاضَ النَّاسُ

ویاد او کنید بدانسان که راهبری کرد شما را واگرچه بودید پیش از آن همانا از گمراهان سپس کوچ کنید بدانسان که کوچ کردند مردم

وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٩٩﴾ فَاِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَذِكْرِكُمْ

واستغفار کنید خدارا که خداست آمرزنده مهربان وهنگامیکه جای آوردید عبادات خویش را پس یاد کنید خدارا مانند یاد کردن

اٰبَاءَكُمْ اَوْ اَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْاٰخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ﴿٢٠٠﴾

پدران خویش یا سخت تر واز مردم است کسیکه گوید پروردگارا بده مارا در دنیا ونیستش در آخرت بهره

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا اٰتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿٢٠١﴾

واز آنان است آنکه گوید پروردگارا بده مارا در دنیا نکوئی ودر آخرت نکوئی ونگهدار مارا از عذاب آتش



اُولٰٓئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا ۗ وَاللّٰهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿٢٠٢﴾ وَاذْكُرُوا اللّٰهَ فِيٓ اَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ ۗ فَمَنْ تَعَجَّلَ

آنانراست بهره از آنچه فراهم کردند وخداست شتابنده در حساب ویاد کنید خدارا روزهائی چند پس آنکس که بشتابد

فِي يَوْمَيْنِ فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ ۚ وَمَنْ تَاَخَّرَ فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ ۙ لِمَنِ اتَّقٰى ۗ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوٓا اَنَّكُمْ اِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

در دو روز نیست براو گناهی وآنکس که دیر کند نیست براو گناهی برای آنکس که پرهیز کرده است وبترسید خدارا وبدانید که بسوی او گرد آورده شوید

﴿٢٠٣﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيُشْهِدُ اللّٰهَ عَلٰى مَا فِي قَلْبِهِ ۙ وَهُوَ اَلَدُّ الْخِصَامِ

واز مردم است آنکه شگفت آورد ترا سخنش در زندگانی دنیا وگواه گیرد خدارا بر آنچه در دل اوست واوست سخت‌ترین دشمنان

﴿٢٠٤﴾ وَاِذَا تَوَلّٰى سَعٰى فِي الْاَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ ۗ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ ﴿٢٠٥﴾ وَاِذَا

وهرگاه پشت کند بکوشد در زمین تا فساد کند در آن ونابود کند کشت ونژاد را وخدارا خوش نیاید فساد وهرگاه

قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللّٰهَ اَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْاِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ ۗ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٢٠٦﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي

بدو گفته شود بترس از خدا بگیردش تکبر بگناه بس است ویرا دوزخ وچه زشت است آرامشگاه واز مردم است آنکه بفروشد

نَفْسَهُ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠٧﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ

خودرا در پی خوشنودی خدا وخداوند است مهربان ببندگان ای گروه مؤمنان بصلح اندر آئید

كَآفَّةً ۖ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ اِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٢٠٨﴾ فَاِنْ زَلَلْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا

همگی وپیروی نکنید گامهای شیطانرا که اوست برای شما دشمنی آشکار واگر لغزیدید از پس آنکه

جَآءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوٓا اَنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٠٩﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ اِلَّآ اَنْ يَاْتِيَهُمُ اللّٰهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ

بیامد است شمارا نشانیها پس بدانید که خداست عزتمند حکیم آیا انتظار دارند جز آنکه بیاید شان خدا وفرشتگان در سایبانهای

وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَقُضِيَ الْاَمْرُ ۗ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُورُ ﴿٢١٠﴾ سَلْ بَنِيٓ اِسْرَآئِيلَ كَمْ اٰتَيْنَاهُمْ مِّنْ اٰيَةٍ بَيِّنَةٍ ۗ وَمَنْ

از ابر وبگذرد کار وبسوی خدا بازگردانیده شوند کارها بپرس بنی اسرائیل را چند آوردیمشان از آیتهای پدیدار وکسیکه

يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢١١﴾ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا

تبدیل کند نعمت خدارا پس از آنکه بیامدستش همانا خداست سخت شکنجه آراسته شد برای کافران زندگانی دنیا

وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ اٰمَنُوا ۘ وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٢١٢﴾ كَانَ

ومسخره کنند بمؤمنان وآنانکه پرهیزکاری کرده‌اند برتر از ایشانند روز قیامت وخدا روزی دهد هرکه را که خواهد بیحساب بودند

النَّاسُ اُمَّةً وَاحِدَةً ۖ فَبَعَثَ اللّٰهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ ۖ وَاَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ

مردم یک امت پس برانگیخت خدا پیمبران را بشارت دهندگان وترسانندگان وفرستاد با ایشان کتاب را بحق تا حکم کند میان مردم

فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ اِلَّا الَّذِينَ اُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۚ فَهَدَى

در آنچه اختلاف کردند در آن واختلاف نکردند در آن مگر آنانکه داده شدندش پس از رسیدن نشانیها بدیشان بستمی میان خویش پس هدایت کرد

اللّٰهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِاِذْنِهِ ۗ وَاللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢١٣﴾

خدا مؤمنانرا بدانچه اختلاف کردند در آن از حق باذن خود وخدا هدایت کند هرکه را خواهد براه راست

اَمْ حَسِبْتُمْ اَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَاْتِكُمْ مَّثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ۖ مَسَّتْهُمُ الْبَاْسَآءُ وَالضَّرَّآءُ

یا گمان کردید که ببهشت در آئید وهنوز نیامده است شمارا نمونه آنانکه پیش از شما بودند که بدیشان رسید پریشانی ورنجوری

وَزُلْزِلُوا حَتّٰى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا مَعَهُ مَتٰى نَصْرُ اللّٰهِ ۗ اَلَآ اِنَّ نَصْرَ اللّٰهِ قَرِيبٌ ﴿٢١٤﴾

وبرخود لرزیدند تا گفت پیمبر وآنانکه ایمان آورده با او بودند چه وقت است یاری خدا همانا یاری خدا است نزدیک

يَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ قُلْ مَآ أَنفَقْتُم مِّنْ خَيْرٍ فَلِلْوَٰلِدَيْنِ وَٱلْأَقْرَبِينَ وَٱلْيَتَٰمَىٰ وَٱلْمَسَٰكِينِ

پرسندت چه را انفاق کنند بگو آنچه انفاق کنید از مال پس برای والدین و نزدیکان و یتیمان و بینوایان

وَٱبْنِ ٱلسَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا۟ مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ ﴿٢١٥﴾ كُتِبَ عَلَيْكُمُ ٱلْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ

و درماندگان راه است و آنچه نیکی کنید همانا خداوند است بدان دانا نوشته شد بر شما جنگ و آن ناپسند شماست

وَعَسَىٰٓ أَن تَكْرَهُوا۟ شَيْـًٔا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ وَعَسَىٰٓ أَن تُحِبُّوا۟ شَيْـًٔا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ ۗ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ

وچه بسا ناخوش دارید چیزی را و آنست خوب برای شما وچه بسا دوست دارید چیزی را و آنست بد برای شما و خدا میداند

وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلشَّهْرِ ٱلْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ ۖ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ۖ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ

و شما نمیدانید پرسندت از ماه حرام جنگ کردن در آن بگو جنگ کردن در آن گران است و باز داشتن از راه

ٱللَّهِ وَكُفْرٌۢ بِهِۦ وَٱلْمَسْجِدِ ٱلْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِۦ مِنْهُ أَكْبَرُ عِندَ ٱللَّهِ ۚ وَٱلْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ ٱلْقَتْلِ ۗ

خدا و کفر است بدو و مسجد حرام و برون راندن مردمش از آن بزرگتر است نزد خدا و فتنه بزرگتر است از کشتن

وَلَا يَزَالُونَ يُقَٰتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ ٱسْتَطَٰعُوا۟ ۚ وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِۦ

و پیوسته همی جنگ کنند با شما تا باز گردانند شما را از کیشتان اگر بتوانند و کسیکه باز گردد از کیش خود

فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُو۟لَٰٓئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَٰلُهُمْ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْـَٔاخِرَةِ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا

پس بمیرد حالیکه او است کافر آنان تباه شد کردارشان در دنیا و آخرت و آنانند یاران آتش و در آنند

خَٰلِدُونَ ﴿٢١٧﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَٱلَّذِينَ هَاجَرُوا۟ وَجَٰهَدُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ أُو۟لَٰٓئِكَ يَرْجُونَ

جاودانان همانا آنانکه ایمان آوردند و آنانکه هجرت کردند و جهاد کردند در راه خدا امیدوارند

رَحْمَتَ ٱللَّهِ ۚ وَٱللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢١٨﴾ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلْخَمْرِ وَٱلْمَيْسِرِ ۖ قُلْ فِيهِمَآ إِثْمٌ كَبِيرٌ

رحمت خدا را و خدا است آمرزنده مهربان پرسندت از باده و قمار بگو در آنها نیست گناهی بزرگ

وَمَنَٰفِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَآ أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا ۗ وَيَسْـَٔلُونَكَ مَاذَا يُنفِقُونَ ۖ قُلِ ٱلْعَفْوَ ۗ

و سودهائی برای مردم و گناه آنها بزرگتر است از سود آنها و پرسندت چه چیز انفاق کنند بگو گذشت فزونی

كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ ٱللَّهُ لَكُمُ ٱلْـَٔايَٰتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾ فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْـَٔاخِرَةِ ۗ وَيَسْـَٔلُونَكَ

چنین بیان کند خدا برای شما آیات را شاید بیندیشید در دنیا و آخرت و پرسندت

عَنِ ٱلْيَتَٰمَىٰ ۖ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ ۖ وَإِن تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَٰنُكُمْ ۚ وَٱللَّهُ يَعْلَمُ ٱلْمُفْسِدَ مِنَ

از یتیمان بگو کارسازی ایشان بهتر است و اگر با آنان اختلاط کنید پس برادران شمایند و خدا میداند تبهکار را از

ٱلْمُصْلِحِ ۚ وَلَوْ شَآءَ ٱللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٠﴾ وَلَا تَنكِحُوا۟ ٱلْمُشْرِكَٰتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ ۚ

کارساز و اگر بخواست خدا بسته میآورد شما را و خدا است عزتمند حکیم و همسر نگیرید زنان مشرک را تا ایمان آرند

وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ ۗ وَلَا تُنكِحُوا۟ ٱلْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا۟ ۚ

و همانا کنیزک مؤمنه بهتر است از زنی مشرک اگرچه شیفته سازد شما را و همسر نگیرید مردان مشرک را تا ایمان آرند

وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّن مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ ۗ أُو۟لَٰٓئِكَ يَدْعُونَ إِلَى ٱلنَّارِ ۖ وَٱللَّهُ يَدْعُوٓا۟ إِلَى

و همانا بنده مؤمن بهتر است از مشرک و اگرچه شگفت آورد شما را آنان دعوت کنند بسوی آتش و خدا دعوت کند

ٱلْجَنَّةِ وَٱلْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِۦ ۖ وَيُبَيِّنُ ءَايَٰتِهِۦ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٢١﴾

بسوی بهشت و آمرزش بفرمان او و بیان کند آیتهای خویش را برای مردم شاید یاد آور شوند

وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ

پرسندت از حیض (خون زنان) بگو آن آزاری است پس کناره گیرید زنان را در حیض و نزدیکی نکنید با ایشان تا پاک شوند

فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿٢٢٢﴾

سپس گاهی که پاک شدند نزدیکی کنید با ایشان بدانسان که خدا دستورتان داد است همانا خدا دوست دارد توبه کنندگان و دوست دارد پاکیزگی جویان را

نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ

زنان شما کشت زار شمایند پس بکشت زار خویش درآیید هرجا خواهید و پیش فرستید برای خود و بترسید خدا را و بدانید شمایید

مُلَاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٢٣﴾ وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصْلِحُوا

ملاقات کننده او و بشارت ده بمؤمنان. نگردانید خدا را آماج سوگندهای خویش که نکوکاری کنید و پرهیزکاری کنید و کارسازی کنید

بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٤﴾ لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا

میان مردم و خداست شنوای دانا نگیرد شما را خدا بیاده گوئی در سوگندهای شما ولیکن بگیرد تان بدانچه

كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٢٢٥﴾ لِلَّذِينَ يُؤْلُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ

فراهم کرد است دلهای شما و خداست آمرزنده بردبار برای آنانکه بسوگند از زنان خود کناره گیری کنند انتظار چهار ماه است

فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٢٦﴾ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٢٧﴾

پس اگر بازگشتند همانا خداست آمرزنده مهربان و اگر خواستار طلاق شدند همانا خداست شنوای دانا

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ

و زنان طلاق گرفته در انتظار نگهدارند خویشتن را مدت سه پاک شدن و روا نیست آنانرا که نهان دارند آنچه بیافریده است

اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي

خدا در رحمهای ایشان اگر ایمان دارند بخدا و روز آخر و شوهران ایشان سزاوارترند بباز گردانیدشان در

ذَٰلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ

آن اگر خواستار آشتی شدند و برای آن زنان است مثل آنچه بر آنان است بمتعارف و مردانراست

عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٢٨﴾ الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ

برفراز ایشان پایه و خداست عزتمند حکیم طلاق دوبار است پس نگهداشتنی بخوبی یا رها ساختنی

بِإِحْسَانٍ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا

با نیکی و روا نیست شما را که باز ستانید از آنچه بدانان داده اید چیزی را مگر آنکه بترسند که بپای ندارند

حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ تِلْكَ

حدود خدا را و اگر ترسیدید که بپای ندارند حدود خدا را نیست باکی بر آنان در آنچه زن بفدیه دهد (کابین بخشد و جان آزاد سازد)

حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٢٩﴾

اینست حدود خدا پس تجاوز نکنید آنها را و هر که تجاوز کند حدود خدا را آنانند ستمکاران

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدُ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ

و اگر طلاقش داد پس ویرا روا نیست از آن پس تا درآمیزد با شوهری جز او سپس اگر طلاقش داد نیست باکی

عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٣٠﴾

بر آنان که بازگردند بهمدیگر اگر پنداشتند که بپای میکنند حدود خدا را اینست حدود خدا بیان سازدش برای قومی که میدانند

وَاِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ فَبَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَاَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ اَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ

واگر طلاق دادید زنانرا ورسیدند بسرآمد خویش پس نگهدارید شان بخوبی یا رها شان کنید بخوبی ونگهداری نکنید آنانرا

ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا اٰيَاتِ اللّٰهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا

بآزار تا ستم کنید وآنکه این کار را کند ستم کرده است خویشتن را ونگیرید آیتهای خدارا بمسخره ویاد آرید

نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَمَا اَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوا

نعمت خدارا برشما وآنچه فرستاده است برشما از کتاب وحکمت که اندرز دهد شمارا بدان وبترسید خدارا وبدانید

اَنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۲۳۱﴾ وَاِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَآءَ فَبَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ اَنْ يَنْكِحْنَ

که خداست بهر چیزی دانا وهنگامیکه طلاق دادید زنان را ورسیدند بسرآمد شان پس باز ندارید آنانرا از آنکه همسر شوند

اَزْوَاجَهُنَّ اِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذٰلِكَ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ

با شوهران خویش اگر تراضی کنند فیمابین خویش بخوبی بدین اندرز داده شود آنکس از شما که ایمان دارد بخدا وروز

الْاٰخِرِ ذٰلِكُمْ اَزْكٰى لَكُمْ وَاَطْهَرُ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۳۲﴾ وَالْوَالِدَاتُ

بازپسین این پاکتر است برای شما وپاکیزه تر وخدا میداند وشما نمیدانید ومادران

يُرْضِعْنَ اَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ اَرَادَ اَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ

شیر دهند کودکان خویش را دو سال کامل برای کسی که بخواهد تمام کند شیر دادن را وبر مولود له (پدر کودک) است خوراک

وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ اِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَآرَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُ

وپوشاک آنان بمتعارف تکلیف نشود کسی جز باندازه توانائیش آزار نشود مادر بکودکش ونه مولود له (پدر)

بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذٰلِكَ فَاِنْ اَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ

بفرزندش وبر وارث است مانند این پس اگر خواستند از شیر باز گرفتن را با تراضی ومشاورت هردو باکی بر آنان نیست

عَلَيْهِمَا وَاِنْ اَرَدْتُمْ اَنْ تَسْتَرْضِعُوا اَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اِذَا سَلَّمْتُمْ مَّا اٰتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ

واگر برای کودکان خود شیر ده خواستید باکی برشما نیست اگر بپردازید آنچه را دهید بخوبی

وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۲۳۳﴾ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ

وبترسید خدارا وبدانید که خدا بدانچه میکنید بیناست وآنانکه بمیرند از شما وباز میگذارند

اَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِاَنْفُسِهِنَّ اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَاِذَا بَلَغْنَ اَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

زنانی در انتظار بگذارند آن زنان خویشتن را چهار ماه وده روز تا گاهی که بسرآمد خود رسیدند باکی نیست برشما

فِيمَا فَعَلْنَ فِي اَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۲۳۴﴾ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا

در آنچه درباره خود کنند بنیکی وخدا بدانچه میکنید داناست ونیست باکی برشما در آنچه

عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَآءِ اَوْ اَكْنَنْتُمْ فِي اَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللّٰهُ اَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلٰكِنْ

بدان اشارت کرده اید بخواستگاری زنان یا نهان داشته اید نزد خویشتن (در دل خویش) دانست خدا که خواهید سخن گفت با آنان ولیکن

لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا اِلَّا اَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَّعْرُوفًا وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتّٰى يَبْلُغَ

وعده ندهید ایشانرا در خلوت (بنهانی) مگر آنکه بگوئید گفتاری متعارف ونبندید گره نکاح را (زناشوئیرا) تا برسد

الْكِتَابُ اَجَلَهُ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي اَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿۲۳۵﴾

نامه بسر رسید خود وبدانید که خدا میداند آنچه را در دلهای شماست پس بترسیدش وبدانید که خداست آمرزنده بردبار

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى

نیست باکی بر شما اگر طلاق دهید زنانرا مادامیکه دست بدیشان نرسانیده یا چیزی برای ایشان معین نکرده باشید و بهره‌مندشان (برخوردارشان) کنید

الْمُوسِعِ قَدَرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ ﴿٢٣٦﴾ وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ

بر توانگر بمقدار توانائیش و بر تنگدست بهمت باندازهٔ قدرتش بهرهٔ بخوبی حقی است بر نکوکاران و اگر طلاقشان دادید

مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ

پیش از آنکه دست بدانان رسانید حالیکه فریضهٔ برای آنان فرض کرده باشید (کابینی بسته باشید) پس نیمی از آنچه فرض کرده‌اید مگر آنکه ببخشند یا

يَعْفُوَ الَّذِي بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ

ببخشد آنکه بدست اوست گره زناشوئی و ببخشید نزدیکتر است بتقوی و فراموش نکنید نکوکاری را میان خود

إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٣٧﴾ حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ

همانا خدا بدانچه میکنید بیناست مواظبت کنید بر نمازها و نماز میانه و بپای ایستید برای خدا فروتنان

﴿٢٣٨﴾ فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣٩﴾

و اگر ترسیدید پس پیادگان یا سواران تا گاهی که ایمن شدید یاد کنید خدا را بدانچه بیاموخت شما را آنچه نمیدانستید

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ

و آنانکه میمیرند از شما و باز میگذارند زنانی وصیتی است برای زنانشان بهرهٔ تا یکسال بی

إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

برون کردن پس اگر برون شدند نیست باکی بر شما در آنچه در بارهٔ خویش کرده‌اند بمتعارف و خداست عزتمند حکیم

﴿٢٤٠﴾ وَلِلْمُطَلَّقَاتِ مَتَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ ﴿٢٤١﴾ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ

و برای زنان طلاق گرفته است بهره بمتعارف حقی است بر پرهیزکاران چنین بیان کند خدا آیتهای خود را برای شما شاید

تَعْقِلُونَ ﴿٢٤٢﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ

تعقل کنید آیا ندیدی آنانرا که برون شدند از کشور خود حالیکه هزاران بودند از ترس مرگ پس بدیشان گفت خدا

مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٢٤٣﴾ وَقَاتِلُوا

بمیرید سپس زنده کردشان و همانا خداست خداوند افزایش و بخشایش بر مردم لیکن بیشتر مردم سپاس نمیگذارند و جنگ کنید

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٤٤﴾ مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا

در راه خدا و بدانید که خداست شنوای دانا کیست آنکه وام دهد خدا را وامی نیکو

فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٤٥﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَإِ

تا بیفزایدش برای او چندین برابر و خدا تنگی و گشایش دهد و بسوی او باز گردانیده شوید آیا ننگری بدانگروه

مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيٍّ لَهُمُ ابْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

از بنی اسرائیل پس از موسی هنگامیکه گفتند به پیغمبری که ایشانرا بود برانگیز برای ما پادشاهی (فرماندهی) تا جنگ کنیم در راه خدا

قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

گفت آیا چنین نیستید که اگر جنگ بر شما نوشته شود نکنید گفتند چه شود ما را که پیکار نکنیم در راه خدا

وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٢٤٦﴾

و بیرون رانده شدیم از خانمان و فرزندان خویش اما گاهی که نوشته شد بر ایشان جنگ پشت کردند جز کمی از ایشان و خدا داناست بستمگران

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ۚ قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ

وگفت بدیشان پیغمبرشان همانا خدا برانگیخت برای شما طالوت را پادشاهی گفتند چگونه ویرا بر ما فرمانروائی باشد و ما

أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ ۚ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً

سزاوارتریم از او بپادشاهی و داده نشده است گشایشی در مال گفت همانا خدا برگزیدش بر شما و بیفزودش عظمتی

فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ۖ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۲۴۷﴾ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ

در دانش و پیکر و خدا دهد پادشاهیش را بهر که خواهد و خداست گشایشمند دانا و گفت بدیشان پیغمبرشان همانا نشانی

مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ

پادشاهی او آنست که بیاید شما را تابوت در آن آرامشی از پروردگار شما و باز مانده از آنچه باز گذاردند خاندان موسی و هرون

تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۲۴۸﴾ فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ

که حمل کنندش فرشتگان همانا در اینست نشانی برای شما اگر هستید مؤمنان و هنگامیکه سان داد و براند طالوت

بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ

سپاه را گفت هر آینه خداوند است آزماینده شما بجوئی تا هر کس بنوشد از آن نباشد از من و آنکس که نچشدش

مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ ۚ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ

از من باشد مگر آنکه با دست خویش کفی از آن برگیرد پس نوشیدند از آن جز کمی از ایشان سپس گاهیکه بگذشت از آن او و آنانکه

آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ ۚ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو

ایمان آورده بودند با او گفتند نیست ما را نیروئی امروز برابر جالوت و لشکرش گفتند آنانکه می پنداشتند که ایشانند ملاقات کننده

اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۲۴۹﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ

خدا چه بسا گروهی کم پیروز شدند بر گروهی بسیار باذن خدا و خداست با شکیبایان و هنگامیکه برابر شدند با جالوت

وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۲۵۰﴾

و سپاهش گفتند پروردگارا بریز بر ما شکیبائی را و استوار ساز پایهای ما را و یاری کن ما را بر گروه کافران

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ ۗ وَلَوْلَا

پس شکستشان دادند باذن خدا و کشت داود جالوت را و داد خدا بدو پادشاهی و حکمت را و بیاموختش از آنچه میخواست و اگر نبود

دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۲۵۱﴾

برکنار کردن خدا مردم را بعضی را با بعضی هر آینه تباه میشد زمین و لیکن خدا دارای فضل است بر جهانیان

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۚ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۲۵۲﴾ تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ

اینست آیتهای خدا که میخوانیمش بر تو بحق و همانا توئی از فرستادگان اینک پیمبران برتری دادیم بعضیشان را

عَلَىٰ بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهُ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ۚ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ

بر بعضی از آنانست آنکه سخن گفت با او خدا و بالا برد بعضی را از ایشان پایه‌هائی و دادیم بعیسی ابن مریم نشانیها را و مؤیدش داشتیم بروح

الْقُدُسِ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَٰكِنِ اخْتَلَفُوا

القدس و اگر میخواست خدا هر آینه کارزار نمیکردند آنانکه پس از ایشانند از پس آنچه بیامدشان نشانیها و لکن اختلاف کردند

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلُوا وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿۲۵۳﴾

پس بعضی از ایشان ایمان آوردند و بعضی کفر ورزیدند و اگر میخواست خدا کارزار نمیکردند و لیکن خدا میکند آنچه را میخواهد

الجزء (۳)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ

ای آنانکه ایمان آوردید انفاق کنید از آنچه نثار روزی دادیم شما را پیش از آنکه بیاید روزی که نیست در آن خرید و فروشی و نه دوستی و نه شفاعتی

وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢٥٤﴾ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ لَّهُ مَا فِي

و کافران ستمکاران خدا که نیست خداوندی جز او زنده پاینده نگیرد او را خار و نه خوابی (بیهوشی) خواب او

السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِندَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین کیست که شفاعت کند نزد او جز باذن او میداند آنچه در پیش روی ایشان و آنچه در پشت سر ایشان است

وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ

و احاطه نمیکنند بچیزی از دانش او جز بآنچه خواهد فراگرفت است کرسی او آسمانها و زمین را و نگران نیاید

حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿٢٥٥﴾ لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَد تَّبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَن يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ

نگهداری آنها و اوست برتر بزرگوار نیست باخواهد و اجبار شناختن درست راهبری از گمراهی پس آنکه کفر ورزد بشیطان

وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥٦﴾ اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ

و ایمان آرد بخدا بچنگ زد بدست آویزی استوار که بگسستن نیست و خدا شنوای داناست خدا دوست آنانست که

آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى

ایمان آوردند بیرون آرد ایشان را از تاریکیها بسوی روشنائی و آنانکه کفر ورزیدند دوستداران ایشان شیطانند که بیرون راندند ایشان را از روشنائی

الظُّلُمَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٥٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ

بسوی تاریکیها آنانند یاران آتش در آنند جاودانان آیا ندیدی آنرا که ستیزه کرد با ابراهیم در باره پروردگارش نیز از آنکه

الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ

داد او پادشاهی (ملک) هنگامیکه گفت ابراهیم پروردگار من آنست که زنده کند و بمیراند گفت من زنده کنم و بمیرانم ابراهیم گفت همانا خدا بیاورد خورشید را

مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥٨﴾ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ

از خاور پس بیار بر آن از باختر پس سرا سیمه شد آنکه کفر ورزید و خدا هدایت نکند گروه ستمکاران را یا مانند آنکه بگذشت بر

قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ

شهری که فرو افتاده بود بر ستونهای (یا بر سقفهای) خود گفت کی (چگونه) خواهد زنده کند اینرا خدا پس از مردنش پس بمیراند او را خدا صد سال سپس برانگیخت

قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ

گفت چند مانده گفت مانده ام روزی یا پاره از روز گفت بلکه مانده صد سال پس بنگر بخوراک

وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ وَانظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ

و نوشابه خویش که بوی بگندیده و بنگر بدراز خر خود و تا بگردانیم آنرا برای مردم و بنگر باستخوانها چگونه بپیوندیم پس

نَكْسُوهَا لَحْمًا فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٥٩﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي

آنها را بگوشت بپوشانیم پس آنگاه که آشکار شد برای او گفت میدانم که خدا بهر چیز است توانا و آنگاه که گفت ابراهیم پروردگارا بنما بمن چگونه زنده

الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوَلَمْ تُؤْمِن قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ

کنی مردگان را گفت مگر ایمان نیاوردی گفت بلی ولیکن تا آرام گیرد دلم گفت پس بگیر چهار مرغ را و بپرور گردان آنها را بنزد خود

ثُمَّ اجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِينَكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾

پس بگذار بر هر کوهی از آنها پاره را پس فراخوان آنان بیایند بدویدن و بدان که خدا است عزیز حکیم

مَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ
مثل آنانکه بخشند مال خودرا در راه خدا مانند دانه‌ست که بروياند هفت خوشه در هر خوشه
مِّائَةُ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦١﴾ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
صد دانه وخدا چندبرابر کند برای هرکه خواهد وخدایت گنایشند دانا آنانکه بخشند مال خودرا درراه خدا
ثُمَّ لَا يُتْبِعُونَ مَا أَنفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذًى لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ
و در پی نیارند آنچه را بخشیدند منتی وند آزاری اشارتست باداش ایشان نزد پروردگارخویش وند ترسی بر ایشان هست وند
يَحْزَنُونَ ﴿٢٦٢﴾ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ ﴿٢٦٣﴾
اندوهگین شوند گفتاری نیک و آمرزش گناهی بهتر ست از صدقتی که درپیش آزاری باشد وخدایت بنیاز بردبار
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُم بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ
ای آنانکه ایمان آوردید تباه نکنید صدقتهای خودرا بمنت و آزار مانند آنکه انفاق کند مال خویش را برای ریای (خودنمای) مردم
وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا
و ایمان نیارد بخدا و روز جزا پس مثل او مانند سنگی صاف ست که بر آن اندکی خاک باشد باران سخت بر او رسید و خاک را از روی او برد و سنگ را
لَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿٢٦٤﴾ وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ
قدرت ندارند بر چیزی از آنچه فراهم آورده‌اند وخدا هدایت نکند گروه کافران را ومثل آنانکه مینخشند مال خویش
ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا
را در جستن خشنودی خدا و برای استوار ساختن نفوس خود مانند باغی ست بر پشته که رسیده باشد بر آن باران سخت پس داده باشد میوه خود را
ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾ أَيَوَدُّ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ
چهار برابر واگر نرسیده باشد بر آن باران درشت پس باران خرد وخدا بهرچه میکنید بیناست آیا دوست دارد یکی از شما که
لَهُ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ
باغی باشد از نخلستان و تاکستان روان باشد زیر آن جویها وبرای او در آن از هر نام میوه‌ها باشد ورسیده باشد بر او
الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ
پیری واورا فرزندانی بیتوانند پس برسدش بادی که در آن باشد آتشی پس بسوخته باشد چنین بیان کند خدا برای شما
الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا
آیتها تا شاید اندیشه کنید ای گروه مؤمنان ببخشید از پاکیزه‌های آنچه فراهم کرده‌اید واز آنچه
أَخْرَجْنَا لَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنفِقُونَ وَلَسْتُم بِآخِذِيهِ إِلَّا أَن تُغْمِضُوا
برون آوردیم از زمین و آهنگ بلید نکنید که از آن انفاق کنید ونمیخواهید ستاندن آن جز با فرو خواباندن چشم
فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ
در آن و بدانید که خدایست بینیاز ستوده شیطان بشما وعده فقر دهد وفرمان بیحیائی دهد وخدا
يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٦٨﴾ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ
بشما آمرزشی از خویش وفزونی وخدایست گنایشنده دانا دهد حکمت را هرکه خواهد وآنکس که
الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾
حکمت را داده شد نعمتی بسیار داده آمد و پند نگیرند جز خردمندان

وَمَآ أَنفَقْتُم مِّن نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُم مِّن نَّذْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ يَعْلَمُهُۥ ۗ وَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ ﴿٢٧٠﴾ إِن

و آنچه انفاق کرده‌اید از نفقه یا نذر کرده‌اید از نذر همانا میداند حق خدا و نیست ستمگاران یاران اگر

تُبْدُوا۟ ٱلصَّدَقَٰتِ فَنِعِمَّا هِىَ ۖ وَإِن تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا ٱلْفُقَرَآءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۚ وَيُكَفِّرُ عَنكُم

آشکارا دهید نفقه‌ها را چه خوب و اگر پنهان دارید و بفقراء دهید بهتر باشد برای شما و هجران کند

مِّن سَيِّـَٔاتِكُمْ ۗ وَٱللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٢٧١﴾ لَّيْسَ عَلَيْكَ هُدَىٰهُمْ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهْدِى مَن يَشَآءُ ۗ

از گناهان شما و خدا بدانچه میکنید و آگاه است نیست بر تو هدایت ایشان ولیکن خدا هدایت کند هر که را خواهد

وَمَا تُنفِقُوا۟ مِنْ خَيْرٍ فَلِأَنفُسِكُمْ ۚ وَمَا تُنفِقُونَ إِلَّا ٱبْتِغَآءَ وَجْهِ ٱللَّهِ ۚ وَمَا تُنفِقُوا۟ مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ

و آنچه انفاق کنید از مال برای خود شماست و انفاق نمیکنید جز در پی‌جوئی روی خدا و آنچه انفاق کنید از مال داده میشود

إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٢﴾ لِلْفُقَرَآءِ ٱلَّذِينَ أُحْصِرُوا۟ فِى سَبِيلِ ٱللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِى

بشما و ستم کرده نمیشود برای بینوایانی که در راه خدا دچار تنگی شده‌اند نتوانند گشتن را در

ٱلْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ ٱلْجَاهِلُ أَغْنِيَآءَ مِنَ ٱلتَّعَفُّفِ ۚ تَعْرِفُهُم بِسِيمَٰهُمْ ۖ لَا يَسْـَٔلُونَ ٱلنَّاسَ إِلْحَافًا ۗ

زمین از فروتنی پندارد ایشان را نادان تو آنگاهی از عفت نمائی ایشان بسیمای ایشان درپوزگی نکنند از مردم بلجاجت

وَمَا تُنفِقُوا۟ مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ ٱللَّهَ بِهِۦ عَلِيمٌ ﴿٢٧٣﴾ ٱلَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَٰلَهُم بِٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ سِرًّا

و آنچه انفاق کنید از مال همانا خداوند بدان دانا آنانکه انفاق کنند مال خود را در شب و روز نهان

وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٤﴾ ٱلَّذِينَ يَأْكُلُونَ ٱلرِّبَوٰا۟

و آشکارا ایشانرا است پاداش ایشان نزد پروردگارشان و نه ترسی بر ایشانست و نه اندوهگین شوند آنانکه ربوا (سود) میخورند

لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ ٱلَّذِى يَتَخَبَّطُهُ ٱلشَّيْطَٰنُ مِنَ ٱلْمَسِّ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوٓا۟ إِنَّمَا ٱلْبَيْعُ مِثْلُ

برنخیزند جز مانند برخاستن آنکه آشفته سازد وی را شیطان از دیوانگی این بدانست که گفتند همانا سود داگری مانند

ٱلرِّبَوٰا۟ ۗ وَأَحَلَّ ٱللَّهُ ٱلْبَيْعَ وَحَرَّمَ ٱلرِّبَوٰا۟ ۚ فَمَن جَآءَهُۥ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّهِۦ فَٱنتَهَىٰ فَلَهُۥ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُۥٓ

ربوا است حالانکه حلال کرد خدا سوداگری را و حرام کرد داد و ستد ربوی را و هر که پند رسید بوی از پروردگارش پس باز ایستد و او است آنچه گذشت و کار او

إِلَى ٱللَّهِ ۖ وَمَنْ عَادَ فَأُو۟لَٰٓئِكَ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَٰلِدُونَ ﴿٢٧٥﴾ يَمْحَقُ ٱللَّهُ ٱلرِّبَوٰا۟ وَيُرْبِى

باخدا است و آنکس که باز گردد پس آنانند یاران آتش در آنند جاودانان نابود کند خدا ربوا را و برکت دهد

ٱلصَّدَقَٰتِ ۗ وَٱللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ ﴿٢٧٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ

بصدقات و خدا دوست ندارد هر ناسپاس بزهکار را همانا آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند و برپا کردند نمازرا

وَءَاتَوُا۟ ٱلزَّكَوٰةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِندَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٧٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ

و دهند زکوة را ایشانرا است پاداشان نزد پروردگارشان نه ترسی بر ایشان است و نه اندوهگین شوند ای آنانکه

ءَامَنُوا۟ ٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ وَذَرُوا۟ مَا بَقِىَ مِنَ ٱلرِّبَوٰٓا۟ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٧٨﴾ فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا۟ فَأْذَنُوا۟ بِحَرْبٍ

ایمان آوردید بترسید خدارا و رها کنید آنچه از ربا بجای مانده است از ربا اگر هستید مؤمنان و اگر نکردید پس اعلام کنید جنگی را

مِّنَ ٱللَّهِ وَرَسُولِهِۦ ۖ وَإِن تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُءُوسُ أَمْوَٰلِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ ﴿٢٧٩﴾ وَإِن كَانَ

باخدا و پیغمبر وی و اگر توبه کردید شماراست سرمایه‌های شما نه ستم کنید و نه ستم کرده شوید و اگر

ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ ۚ وَأَن تَصَدَّقُوا۟ خَيْرٌ لَّكُمْ ۖ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٨٠﴾

تنگدست باشد پس مهلتی تا گشایش و تصدق کنید بهتراست شمارا اگر

ﷺ

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٨١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

و بترسید روزی را که باز گردانیده شوید در آن بسوی خدا پس داده شود بهر کس آنچه را فراهم کرده است و ستم نشوند ای آنانکه

آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ

ایمان آوردید هرگاه وام دهید یا گیرید تا سرآمدی نامبرده پس بنویسیدش و باید نویسد میان شما نویسنده بداد و نباید خودداری کند

كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ

نویسنده از آنکه بنویسد بدانسان که خدا بیاموخته است او را پس بنویسد و املاء کند بر او آنکس که بر او است حق و بترسد خدا را پروردگار خویش و نکاهد

مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ

از آن چیزی و اگر آنکس که بر او است حق کم خرد بود یا ناتوان یا نتوانست املاء کند پس املاء کند

وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ

ولی او بداد و گواه گیرید دو گواه از مردان خویش را و اگر نبود دو مرد پس یک مرد و دو زن

مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ

از آنانکه پسند کنید از گواهان تا چون فراموش کند یکی بیاد آردش دیگری و خودداری نکنند گواهان

إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ

هرگاه خوانده شدند و خسته نشوید از نوشتن آن خرد یا کلان تا سرآمدش اینست دادگرانه تر نزد خدا و استوارتر

لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ

برای گواهی و نزدیکتر بدانکه شک نیارید مگر آنکه باشد دادستدی جاری که میگردانیدش میان خویش که نیست

جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ

باکی بر شما ننوشتن آن و گواه گیرید گاهیکه دادستد کنید و آزار نشود نویسنده و نه گواهی و اگر بکنید همانا آن

فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٢٨٢﴾ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا

نافرمانی است از شما و بترسید خدا را و میآموزدتان خدا و خدا است بهر چیز دانا و اگر بر سفری باشید و نیابید

كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ

نویسنده پس گروگانی بدست و اگر بسپرد یکی از شما بدیگری پس باید بپردازد آنکس که سپرده شده است سپرده خویش را و باید بترسد خدا را

رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿٢٨٣﴾ لِلَّهِ

پروردگار خود و کتمان نکنید گواهی را و هر کس کتمان کند آنرا همانا گنهکار است دلش و خدا بدانچه میکنید دانا است خدا راست

مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ

آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین و اگر آشکار کنید آنچه را در دلهای شما است یا نهان دارید حساب کند شما را بدان خدا پس بیامرزد

لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٢٨٤﴾ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ

هر که را خواهد و عذاب کند هر که را خواهد و خدا بر هر چیزی توانا است ایمان آورد پیمبر بدانچه فرستاده شد بسوی او

مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ

از پروردگار خویش و مؤمنان هر کدام ایمان آوردند بخدا و فرشتگان او و کتابهای او و پیمبران او فرق نگذاریم

بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾

بین احدی از پیمبرانش و گفتند شنیدیم و فرمان بردیم آمرزشی از تو پروردگارا و بسوی تو است بازگشت

لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا ؕ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا اِنْ

تکلیف نکند خدا کسیرا جز بقدر طاقت او برای اوست آنچه دست آورد او برای اوست آنچه دست آورد پروردگارا مگیر برما اگر

نَسِيْنَا اَوْ اَخْطَاْنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهٗ عَلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا

فراموش کردیم یا خطا کردیم پروردگارا بار مکن مارا گرانی چنانکه بار کردی آنرا بر آنانکه پیش از ما بودند پروردگارا و نه تحمیل کن برما آنچه

لَا طَاقَةَ لَنَا بِهٖ ۚ وَاعْفُ عَنَّا وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا اَنْتَ مَوْلٰينَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ ﴿٢٨٦﴾

مارا بدان طاقتی نیست و ببخش برما و بیامرز مارا و رحم کن مارا توئی سرپرست ما پس یاری کن مارا بر گروه کافران

سُوْرَةُ اٰلِ عِمْرَانَ مَدَنِيَّةٌ وَهِيَ مِائَتَا اٰيَةٍ

سوره ٣ — حروفها ١٤٥٢٠ — کلماتها ٤٤٨

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓمّٓ ﴿١﴾ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ ؕ ﴿٢﴾ نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

خدا که نیست خدائی جز او زنده پاینده فرستاد است بر تو نامه را بحق حالیکه تصدیق کننده آنچه پیش روی آنست

وَاَنْزَلَ التَّوْرٰيةَ وَالْاِنْجِيْلَ ۙ مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَاَنْزَلَ الْفُرْقَانَ ؕ ﴿٣﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

و فرستاد است توریة و انجیل را از پیش حالیکه هدایتی است برای مردم و فرستاد است فرقان را همانا آنانکه کفر ورزیدند

بِاٰيَاتِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيْدٌ ؕ وَاللّٰهُ عَزِيْزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٤﴾ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَخْفٰى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي

بآیتهای خدا ایشانراست شکنجه سخت و خداست عزتمند انتقام جوی همانا خدا مخفی نیست براو چیزی در

الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ؕ ﴿٥﴾ هُوَ الَّذِيْ يُصَوِّرُكُمْ فِي الْاَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

زمین و نه در آسمان اوست که صورتگری کند شمارا در رحمها هرگونه که خواهد نیست خدائی جز او

الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ﴿٦﴾ هُوَ الَّذِيْ اَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ اٰيَاتٌ مُّحْكَمَاتٌ هُنَّ اُمُّ الْكِتَابِ وَاُخَرُ

عزتمند حکیم اوست آنکه فرستاد است بر تو نامه را از آن است آیتهای استواری که آنهاست مادر کتاب و بخش دیگر

مُتَشَابِهَاتٌ ؕ فَاَمَّا الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُوْنَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ

متشابهات (ناهویدا) پس آنانکه در دلهاشان کجی است پیروی کنند آنچه را متشابه است از آن برای فتنه جوئی و از پی

تَاْوِيْلِهٖ وَمَا يَعْلَمُ تَاْوِيْلَهٗ اِلَّا اللّٰهُ ۘ وَالرَّاسِخُوْنَ فِي الْعِلْمِ يَقُوْلُوْنَ اٰمَنَّا بِهٖ ۙ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا ۚ وَمَا يَذَّكَّرُ

تاویل آن حالیکه نمیداند تاویل آنرا جز خدا و خرد رفتگان در علم گویند ایمان آوردیم بدان هریک از نزد پروردگار ماست و یاد آور

اِلَّا اُولُوا الْاَلْبَابِ ﴿٧﴾ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوْبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَّدُنْكَ رَحْمَةً ۚ اِنَّكَ اَنْتَ

نشوند جز خردمندان پروردگارا طغیان دلهای مارا پس از آنکه هدایت کردی مارا و ببخش مارا از نزد خود رحمتی که توئی

الْوَهَّابُ ﴿٨﴾ رَبَّنَا اِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيْهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيْعَادَ ﴿٩﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

بسیار بخشنده پروردگارا همانا توئی گردآورنده مردم برای روزیکه نیست در آن شکی همانا خدا خلف نکند وعده را آنانکه کفر ورزیدند

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَا اَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْئًا ؕ وَاُولٰٓئِكَ هُمْ وَقُوْدُ النَّارِ ۙ ﴿١٠﴾ كَدَاْبِ اٰلِ فِرْعَوْنَ

بی نیاز نکند شان اموالشان و نه فرزندانشان از خدا بچیزی و ایشانند سوخت آتش همچون شیوه آل فرعون

وَالَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ؕ كَذَّبُوْا بِاٰيَاتِنَا ۚ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوْبِهِمْ وَاللّٰهُ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ﴿١١﴾

و آنانکه پیش از ایشان بودند تکذیب کردند آیتهای مارا پس گرفت خدا ایشانرا بگناهانشان و خداست سخت شکنجه

در صفحه پیش آمن الرسول از پیغمبر است هر که دو آیه آخر بقره را شامگاه برخواند بس باشدش از نماز شب و آنگاه که مرا بسدرة المنتهی بردند سه پیشکشم آوردند نمازهای پنجگانه و اواخر سوره بقره و آمرزش شرک نادرزان از امتم مگر فرو روندگان و هم در حدیث است که پیغمبر صلی الله علیه و آله خروشی شنید و چون باز نگریست فرشته بیافت که ویرا بدو نور مژده آورده بود که هیچ پیغمبر را پیش از وی نبوده فاتحة الکتاب و اواخر بقره که نخواند آنرا کسی جز حاجتش برآید و نیز از اوست بیاموزید دو سوره بقره و آل عمران را که دو نور است و بردارنده خود در قیامت سایه افکند بمانند دو پاره میغ (ابر) یا دو گروه از پرندگان

سورة آل عمران

شصت تن از ترسایان نجران بنزد پیغمبر آمدند و سران ایشان سه کس بودند نخست عاقب مستشار آنان بنام عبد المسیح دوم سید سرپرست گروه بنام ایهم سیم ابو حارثه سرکشیشان و رئیس مدرسه ها با طیلسانها و جبه های گرانبها در بر و آنگاه در آمدند که پیغمبر بمسجد بود و نماز پسین بگذارده پس بمسجد شدند و بماندند تا هنگام نمازشان فرا رسید پس ناقوسها بنواختند و روی بسوی مشرق نماز بگذاردند

قُلْ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ ۚ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿١٢﴾ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ

بگو بدانانکه کفر ورزیدند بزودی سرکوب شوید و گرد آورده شوید بسوی دوزخ و چه زشت است آرامشگاه همانا شما راست آیتی در دو سپاه

الْتَقَتَا ۖ فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ ۚ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ

که تلاقی کردند سپاهی که نبرد میکرد در راه خدا و دیگری که کافر بود میدیدند شان دو برابر خویش بدیدن چشم و خداست آنکه کمک کند بیاری خود

مَن يَشَاءُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ﴿١٣﴾ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ

هرکه را خواهد همانا در این است پندی از برای خردمندان یا بینایان آراسته شد برای مردم دوستی شهوتها از زنان و فرزندان

وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ۗ ذَٰلِكَ مَتَاعُ

و پوستهای گاو آکنده از زر و سیم و اسبان داغ دار و دامها و کشت این است بهره

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ وَاللَّهُ عِندَهُ حُسْنُ الْمَآبِ ﴿١٤﴾ قُلْ أَؤُنَبِّئُكُم بِخَيْرٍ مِّن ذَٰلِكُمْ ۚ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِندَ

زندگانی دنیا و خداست نزد او نکو بازگشتنگاه بگو آیا آگهیتان دهم ببهتر از این آنانرا که پرهیزکارند نزد

رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ

پروردگارشان باغهائی است روان زیر آنها جویها جاودانند در آنها و زنانی پاکشده و خوشنودی از خدا و خدا

بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿١٥﴾ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿١٦﴾

بندگان است بینا آنانکه گویند پروردگارا ایمان آوردیم پس بیامرز برای ما گناهان ما را و نگهدار ما را از عذاب آتش

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ ﴿١٧﴾ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ

آن شکیبایان و راستگویان و فروتنان و بخشایندگان و استغفار کنندگان در سحرها گواهی داد خدا که

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ ۚ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١٨﴾ إِنَّ الدِّينَ

نیست خدائی جز او و فرشتگان و دانشمندان قیام کننده بداد نیست خداوندی جز او عزتمند حکیم همانا دین

عِندَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ ۗ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِن بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۗ

نزد خدا اسلام است و اختلاف نکردند آنانکه داده شدند کتاب را مگر پس از آنکه بیامدشان علم بستمگری میان خویش

وَمَن يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿١٩﴾ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ ۗ

و کسیکه کفر ورزد بآیتهای خدا همانا خداست شتابنده در حساب پس اگر با تو در ستیزند بگو روی آوردم بسوی خدا و آنکه مرا پیروی کرد

وَقُل لِّلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَأَسْلَمْتُمْ ۚ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوا ۖ وَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا

و بگو بدانانکه داده شدند کتاب را و امیون (مادرزادگان یا ناخوانایان) آیا اسلام آوردید پس اگر اسلام آوردند همانا هدایت یافتند و اگر پشت کردند نیست

عَلَيْكَ الْبَلَاغُ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ﴿٢٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ

بر تو جز رساندن و خدا ببندگان است بینا همانا آنانکه کفر ورزند بآیتهای خدا و بکشند پیمبران را

حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢١﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

بناحق و بکشند آنانرا که امر کنند بدادگری از مردم پس آگهیشان ده بعذابی دردناک آنانند که

حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّاصِرِينَ ﴿٢٢﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا

تباه شد کارهای ایشان در دنیا و آخرت و نیستشان یارانی آیا ندیدی آنانرا که داده شدند بهره را

مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُم مُّعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾

از کتاب خوانده میشوند بکتاب خدا تا حکم کند میانشان پس پشت کنند گروهی از ایشان حالیکه روگردانند

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ اِلَّآ اَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۖ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۲۴﴾

این بدانست که گفتند نرسد مارا آتش جز روزکی چند وبفریفتشان در دینشان آنچه دروغ می بستند

فَكَيْفَ اِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۲۵﴾ قُلِ اللّٰهُمَّ

پس چگونه است هنگامی که گرد آوریمشان برای روزی که نیست شکی در آن وداده شود بهرکس هرآنچه دست آورده است وستم نشوند بگو بارخدایا

مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَآءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَآءُ ۖ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَآءُ وَتُذِلُّ مَنْ

دارندهٔ پادشاهی (فرمانروائی) دهی پادشاهی را بهرکه خواهی وبستانیش از هرکه خواهی وعزیز گردانی هرکه را خواهی وخوار کنی هرکه را

تَشَآءُ ۖ بِيَدِكَ الْخَيْرُ ۖ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۶﴾ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي

خواهی بدست تو است خیر همانا توئی بر همه چیز توانا فرو بری شب را در روز وفرو بری روز را در

اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ۖ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۲۷﴾ لَا يَتَّخِذِ

شب وبیرون آری زنده را از مرده وبیرون آوری مرده را از زنده وروزی دهی هرکه را خواهی بیشمار نگیرند

الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللّٰهِ فِي شَيْءٍ اِلَّآ

مؤمنان کافرانرا دوستانی جز مؤمنان وآنکس که بکند اینکار را نیست از خدا در چیزی مگر

اَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقٰىةً ۖ وَيُحَذِّرُكُمُ اللّٰهُ نَفْسَهُ ۖ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ ﴿۲۸﴾ قُلْ اِنْ تُخْفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ اَوْ تُبْدُوهُ

آنکه پرهیز کنید از ایشان پرهیزی وبیم دهد شمارا خدا از خویشتن وبسوی خداست بازگشت بگو اگر پنهان سازید آنچه را در سینه های شماست یا آشکار

يَعْلَمْهُ اللّٰهُ ۖ وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۖ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۹﴾ يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ

کنید بداندش خدا ومیداند آنچه را در آسمانهاست وآنچه در زمین وخدا بر هر چیزی تواناست روزی که بیابد هرکس آنچه را کرده است از خوبی

مُّحْضَرًا ۚ وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوٓءٍ ۚ تَوَدُّ لَوْ اَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ اَمَدًا بَعِيدًا ۖ وَيُحَذِّرُكُمُ اللّٰهُ نَفْسَهُ ۖ وَاللّٰهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

آماده وهرچه کرده است از بدی آرزو کند کاش میان او ومیان آن مسافت دوری میبود وبیم دهد شمارا خدا از خویش وخداوند است ببندگان مهربان

﴿۳۰﴾ قُلْ اِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللّٰهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللّٰهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۖ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۳۱﴾ قُلْ اَطِيعُوا اللّٰهَ

بگو اگر دوستدار خدائید مرا پیروی کنید تا دوست دارد شمارا خدا وبیامرزد از گناهان شما وخداست آمرزنده مهربان بگو فرمان برید خدا

وَالرَّسُولَ ۚ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿۳۲﴾ اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفٰٓى اٰدَمَ وَنُوحًا وَاٰلَ اِبْرٰهِيمَ وَاٰلَ عِمْرَانَ عَلَى

ورسول را پس اگر پشت کردند همانا خدا دوست ندارد کافرانرا همانا برگزید خدا آدم ونوح وخاندان ابراهیم وخاندان عمرانرا بر

الْعَالَمِينَ ﴿۳۳﴾ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ ۖ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۴﴾ اِذْ قَالَتِ امْرَاَتُ عِمْرَانَ رَبِّ اِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي

جهانیان نژادیکه بعضیشان از بعضی است وخدا شنوای داناست هنگامیکه گفت زن عمران پروردگارا نذر کردم برای تو آنچه را در شکم دارم

مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي ۚ اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۳۵﴾ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ اِنِّي وَضَعْتُهَآ اُنْثٰى ۖ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا

آزاد پس بپذیر از من همانا توئی شنوای دانا وهنگامیکه بنهادش گفت پروردگارا همانا بنهادمش مادینه وخدا داناتر است بدانچه

وَضَعَتْ ۖ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْاُنْثٰى ۚ وَاِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَاِنِّي اُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿۳۶﴾

بنهاد ونیست نرینه مانند مادینه وهمانا نامیدمش مریم وپناه دادمش بتو خود وفرزندانشرا از شیطان رانده شده

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَاَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا ۙ وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا ۖ كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ ۙ وَجَدَ

پس پذیرفتش خدا پذیرفتنی نکو ورویانیدش روئیدنی نکو وکفیلش ساخت زکریا را هرگاه درآمدی براو زکریا در محراب یافتی

عِنْدَهَا رِزْقًا ۚ قَالَ يَا مَرْيَمُ اَنّٰى لَكِ هٰذَا ۖ قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ۖ اِنَّ اللّٰهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿۳۷﴾

نزدش روزیی گفتی ای مریم از کجاست ترا این گفتی آن از نزد خداست همانا خداوند روزی دهد هرکه را خواهد بیشمار

۲۶ قل اللهم پیمبر ص در جنگ احزاب گرد شهر مدینه خطی کشید وآن را بر صحابه هر ده تن چهل ذراع بهر کرد وبحفر خندق فرمود وسلمان را از خاندان خویش بشمرد ودر بهره آنان درآورد وچنان افتاد که در بهره سلمان ویارانش گودالی بنام جب ذی ناب که در آن صخره بسیار سختی بود پدید آمد که کلنگها را نوک بشکستی وخراش بر آن نیارستی آوردن وگردیدن از خط پیمبر ص خوش نداشتند لاجرم سلمان برآمد ونزد او شد وداستان بگفت پیمبر ص بیامد وبا وی بدرون شد وآن نه تن دیگر برکنار گودال بایستادند پس کلنگ از سلمان بستد وبدان سنگ بنواخت وآنرا بشکافت همگان بانگ تکبیر برآوردند بار دویم وسیم کلنگ برزد تا آن صخره از هم بپاشید ودر هر بار برقی بجست که آفاق را مانند فروغ تابان در شب تار روشن ساخت سلمان راز آن تابشها بپرسید پیمبر ص فرمود در جهش نخستین کاخهای حیره ومداین آشکارا چون دندان سگان بدیدم وبار دویم وسیم قصور حمیر بسرزمین روم وقصور صنعا باز دیدم وجبرئیل بفتح آن کشورها سروش آورد منافقان گفتند این پیغمبر که از ترس گرد خویش

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿۳۸﴾ فَنَادَتْهُ

اینجا خواند زکریا پروردگار خویش را گفت پروردگارا ببخش مرا از نزد خود نسلی پاکیزه که توئی همانا شنونده دعا پس بانگ زدندش

الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا

فرشتگان واو ایستاده بود بنماز در پرستشگاه که خدایت مژده دهد بیحیی تصدیق کننده بکلمه از خدا و بزرگواری (مهتری) و خویشتن

وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۳۹﴾ قَالَ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَٰلِكَ

نگهدار و پیمبری از شایستگان گفت پروردگارا چگونه مرا پسری شود و رسیده است مرا پیری و زنم نازا است گفت بدینگونه

اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ﴿۴۰﴾ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَاذْكُرْ

خدا میکند هرچه را خواهد گفت پروردگارا قرار ده برای من آیتی گفت آیت تو آنست که سخن نگوئی با مردم سه روز جز برمز و یاد کن

رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ﴿۴۱﴾ وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ

پروردگار خویش را بسیار و سپاسگذار بشامگاهان و بامداد و هنگامیکه گفتند فرشتگان ای مریم همانا خداوندت برگزید و پاک ساخت

وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ﴿۴۲﴾ يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿۴۳﴾

و اختیار کرد ترا بر زنان جهانیان ای مریم فروتن شو برای پروردگار خویش و سجود کن و رکوع کن با رکوع گذاران

ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا

این از اخبار نهان است که وحی فرستیمش بسوی تو و نبودی نزد آنان گاهی که می افکندند قلمهای خویش را که کدامین کفیل شوند مریم را و

كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿۴۴﴾ إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ

نبودی نزد ایشان گاهی که ستیزه میکردند هنگامیکه گفتند فرشتگان ای مریم همانا خدایت بشارت دهد بکلمه از خود نامش مسیح

عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿۴۵﴾ وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ

عیسی فرزند مریم آبرومندی در دنیا و آخرت و از مقربان و سخن گوید مردم را در گهواره و در پیری و از

الصَّالِحِينَ ﴿۴۶﴾ قَالَتْ رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ قَالَ كَذَٰلِكِ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا

شایستگان گفت پروردگارا چگونه باشدم فرزندی و بمن نزدیک نشده است بشری گفت بدینسان خدا بیافرد هرچه را خواهد چون

قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۴۷﴾ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ ﴿۴۸﴾ وَرَسُولًا

بگذراند کاری را جز این نیست که گویدش بشو پس بشود و بیاموزدش کتاب و حکمت و توراة و انجیل را و فرستاده

إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ

بسوی بنی اسرائیل که آوردم شما را آیتی از پروردگار شما که میآفرم برای شما از گل مانند پیکر پرنده و میدمم در آن پس میشود

طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا

پرنده باذن خدا و بهبودی دهم کور مادرزاد و پیس را و زنده کنم مردگان را باذن خدا و آگهی دهم شما را از آنچه میخورید و آنچه

تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۴۹﴾ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ

در خانه های خود نگهدارید همانا در این است آیتی برای شما اگر هستید مؤمنان و تصدیق کننده آنچه پیش روی من است

مِنَ التَّوْرَاةِ وَلِأُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ

از توریة و تا حلال کنم برای شما بعض آنچه حرام بود است بر شما و آوردم شما را آیتی از پروردگار شما پس بترسید خدا را

وَأَطِيعُونِ ﴿۵۰﴾ إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿۵۱﴾

و مرا فرمان برید همانا خداست پروردگار من و شما پس بپرستیدش این است راهی راست



فَلَمَّآ اَحَسَّ عِيسٰى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ اَنْصَارِيٓ اِلَى اللّٰهِ ؕ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ ۚ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ ۚ

و هنگامیکه احساس کرد عیسی از ایشان کفر را گفت کیستند یاران من بسوی خدا گفتند حواریون مائیم یاران خدا ایمان آوردیم بخدا

وَاشْهَدْ بِاَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٥٢﴾ رَبَّنَآ اٰمَنَّا بِمَآ اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٣﴾ وَمَكَرُوا

و گواه باش که مائیم مسلمانان پروردگارا ایمان آوردیم بدانچه فرستادی و پیروی کردیم پیمبر را پس بنویس ما را با گواهان و مکر کردند

وَمَكَرَ اللّٰهُ وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٥٤﴾ اِذْ قَالَ اللّٰهُ يَا عِيسٰٓى اِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ اِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ

و مکر کرد خدا و خداست بهترین مکر کنندگان هنگامیکه گفت خدا ای عیسی همانا بازگیرنده ام تورا و بالا برنده ام تورا بسوی خود و پاک کننده ام تورا

مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوٓا اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ ۚ ثُمَّ اِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ

از آنانکه کفر ورزیدند و گرداننده ام آنانرا که پیروی کردند برتر از آنانکه کفر ورزیدند تا روز قیامت سپس بسوی من است بازگشت شما

فَاَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٥٥﴾ فَاَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَاُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا

پس حکم کنم میان شما در آنچه بودید در آن اختلاف میکردید پس آنانکه کفر ورزیدند عذابشان کنم عذابی سخت در دنیا

وَالْاٰخِرَةِ ۖ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٥٦﴾ وَاَمَّا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ اُجُورَهُمْ ؕ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ

و آخرت و نیستشان یارانی و اما آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند پس سراسر دهد بدیشان پاداششان را و خدا نیست دوستدار

الظَّالِمِينَ ﴿٥٧﴾ ذٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْاٰيَاتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ ﴿٥٨﴾ اِنَّ مَثَلَ عِيسٰى عِنْدَ اللّٰهِ كَمَثَلِ

ستمگران این را همیخوانیمش بر تو از آیتها و یادداشت حکمت آمیز (استوار) همانا مثل عیسی نزد خدا مانند

اٰدَمَ ؕ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿٥٩﴾ اَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٦٠﴾

آدم است بیافریدش از خاک پس بدو گفت بشو پس شد حق از پروردگار تو است پس نباش از شک کنندگان

فَمَنْ حَآجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَآءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ اَبْنَآءَنَا وَاَبْنَآءَكُمْ

پس هر که بستیزد با تو در آن از پس آنچه بیامده است ترا از دانش بگو بیائید بخوانیم فرزندان ما و فرزندان شما را

وَنِسَآءَنَا وَنِسَآءَكُمْ وَاَنْفُسَنَا وَاَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللّٰهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿٦١﴾

و زنان ما و زنان شما را و ما خود و شما خویش را سپس نفرین کنیم پس بگردانیم لعنت خدا را بر دروغگویان

اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ ۚ وَمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّا اللّٰهُ ؕ وَاِنَّ اللّٰهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٦٢﴾ فَاِنْ

همانا این است داستانهای حق و نیست خدائی جز خدا و همانا خداست عزتمند حکیم پس اگر

تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ ﴿٦٣﴾ قُلْ يَآ اَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا اِلٰى كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنَنَا

روی برگردانیدند همانا خدا داناست بتبهکاران بگو ای اهل کتاب بیائید بسوی سخنی یکسان میان ما

وَبَيْنَكُمْ اَلَّا نَعْبُدَ اِلَّا اللّٰهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا اَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللّٰهِ ؕ

و شما که نپرستیم جز خدا را و انباز وی نگردانیم چیزی را و نگیرد بعضی از ما بعضی را خدایانی جز خدا

فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِاَنَّا مُسْلِمُونَ ﴿٦٤﴾ يَآ اَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَآجُّونَ فِي

پس اگر پشت کردند بگوئید گواه باشید که مائیم مسلمانان ای اهل کتاب چرا ستیزه کنید در

اِبْرٰهِيمَ وَمَآ اُنْزِلَتِ التَّوْرٰيةُ وَالْاِنْجِيلُ اِلَّا مِنْ بَعْدِهِ ؕ اَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٥﴾ هَآ اَنْتُمْ هٰٓؤُلَآءِ

ابراهیم حالیکه فرستاده نشده است توریة و انجیل مگر پس از او آیا تعقل نمیکنید اینک شما

حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَآجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ ؕ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾

ستیزه کردید در آنچه شما راست علمی بدان پس چرا ستیزه کنید در آنچه نیستتان علمی بدان و خدا میداند و شما نمیدانید

مَا كَانَ اِبْرٰهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلٰكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا ۚ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۶۷﴾

نبود ابراهیم جهود و نه ترسائی ولیکن بود یکتاپرستی مسلمان و نبود از شرک ورزندگان

اِنَّ اَوْلَى النَّاسِ بِاِبْرٰهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهٰذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا ۗ وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۶۸﴾

همانا سزاوارترین مردم بابراهیم آنانند که پیرویش کردند و این پیمبر و آنانکه ایمان آوردند و خداست سرپرست مؤمنان

وَدَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ ۚ وَمَا يُضِلُّونَ اِلَّا اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿۶۹﴾

دوست داشتند گروهی از اهل کتاب کاش گمراه میکردند شما را و گمراه نکنند جز خویشتن را و در نمیابند

يَا اَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَاَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ﴿۷۰﴾ يَا اَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ

ای اهل کتاب چرا کفر میورزید بآیتهای خدا و شما خود گواهید ای اهل کتاب چگونه میپوشانید حق را

بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۷۱﴾ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي اُنْزِلَ

بباطل و نهان میدارید حق را و خود میدانید و گفتند گروهی از اهل کتاب ایمان آرید بدانچه فرستاده شد

عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۷۲﴾ وَلَا تُؤْمِنُوا اِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ ۗ

بر آنانکه ایمان آوردند آغاز روز و کفر ورزید آخر آن شاید بازگردند و ایمان نیارید جز برای آنکه پیروی کرد کیش شما را

قُلْ اِنَّ الْهُدَىٰ هُدَى اللّٰهِ اَنْ يُؤْتَىٰ اَحَدٌ مِثْلَ مَا اُوتِيتُمْ اَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ ۗ قُلْ اِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ

بگو همانا هدایت خداست هدایت تا بنا داده شود کسی مانند آنچه داده شدید یا بستیزند با شما نزد پروردگارتان بگو همانا فزونی بدست

اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۷۳﴾ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿۷۴﴾

خداست دهدش بهر که خواهد و خداست گشایشمند دانا مخصوص گرداند برحمت خود هر که را خواهد و خداست دارنده فضلی بزرگ

وَمِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ اِنْ تَأْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُؤَدِّهِ اِلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ اِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ اِلَيْكَ

و از اهل کتاب است آنکه اگر بسپری بدو پوست گاوی آگنده از زر بازگرداندش بتو و از ایشان است آنکه اگر دیناری بدو سپری بازش نگرداند بتو

اِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَائِمًا ۚ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْاُمِّيِّينَ سَبِيلٌ ۚ وَيَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ

مگر آنچه پیوسته بران ایستاده باشی این بدانست که گفتند نیست برما در امیین (مادرزادگان یا ناخوانایان) راهی و گویند بر خدا

الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۷۵﴾ بَلَىٰ مَنْ اَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَاِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿۷۶﴾ اِنَّ الَّذِينَ

دروغ را و خود میدانند بلکه آنکس که وفا کند بعهد خود و بپرهیزد همانا خداست دوستدار پرهیزکاران همانا آنانکه

يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللّٰهِ وَاَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا اُولٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللّٰهُ وَلَا

بفروشند پیمان خدا و سوگندهای خویش را ببهائی اندک آنانرا نیست بهره در آخرت و سخن نگوید با ایشان خدا و

يَنْظُرُ اِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ﴿۷۷﴾ وَاِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ اَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ

ننگرد بدیشان روز قیامت و نه پاکسازدشان و برای ایشانست عذابی دردناک و همانا از ایشانست گروهی که گردانند زبانهای خویش را بکتاب تا پنداریدش

مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ ۚ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ۚ وَيَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ

از کتاب و نیست آن از کتاب و گویند آن از نزد خداست و نیست آن از نزد خدا و گویند بر خدا

الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۷۸﴾ مَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُؤْتِيَهُ اللّٰهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا

دروغ را و خود میدانند نبوده است برای بشری که بدهدش خدا کتاب و حکم و پیمبری را سپس بمردم گوید باشید

عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ ﴿۷۹﴾

بندگان من جز خدا ولیکن باشید خدایگان (یا دانشمندان دین یا پرورش دهندگان) بدانچه آموزید کتاب را و بدانچه درس فرا گیرید

وَلَا يَأْمُرَكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلٰٓئِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا ۗ أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿٨٠﴾ وَإِذْ

ونفرماید شمارا که برگیرید فرشتگان و پیمبران را خدایانی آیا فرمان دهد شمارا بکفر پس از آنکه هستید مسلمانان و هنگامیکه

أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ

برگرفت خدا پیمان پیمبران را که آنچه آوردم شمارا از کتاب و حکمت پس آمد شمارا فرستاده تصدیق کننده آنچه با شماست

لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ ۗ قَالَ ءَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي ۖ قَالُوا أَقْرَرْنَا ۗ قَالَ فَاشْهَدُوا

البته بدو ایمان آرید و البته یاریش کنید گفت آیا اقرار کردید و گرفتید بر این پیمان مرا گفتند اقرار کردیم گفت پس گواه باشید

وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٨١﴾ فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٨٢﴾ أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ

و منم با شما از گواهان و آنکس که روی گرداند پس از این آنانند نافرمانان پس آیا جز دین خدارا

يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾ قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا

خواهند و برای او اسلام آورده است هرکه در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه و بسوی او باز گردانیده میشوند بگو ایمان آوردیم بخدا و آنچه

أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ

بر ما فرود آمد و آنچه فرود آمد بر ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و اسباط و آنچه داده شدند موسی

وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ ۖ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ ۖ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ

و عیسی و پیمبران از پروردگارشان فرق نگذاریم میان هیچکدام از ایشان و مائیم برای او اسلام آرندگان و هرکس بخواهد جز

الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ ۖ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٨٥﴾ كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا

اسلام دینی را هرگز پذیرفته نشود از او و او است در آخرت از زیانکاران چگونه هدایت کند خدا قومی را که کافر شدند

بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾

پس از ایمانشان و گواهی دادند که پیمبر است حق و بیامدشان نشانیها و خدا نیست هدایت کننده گروه ستمکاران

أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ

آنانرا پاداش آنست که برایشانست لعنت خدا و فرشتگان و مردم همگی جاودانند در آن کاسته نشود

عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

از ایشان عذاب و نه مهلت داده شوند مگر آنانکه توبه کردند پس از این و اصلاح کردند که خداوند است آمرزنده

رَحِيمٌ ﴿٨٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ

مهربان همانا آنانکه کفر ورزیدند پس از ایمانشان سپس فزونی گرفتند در کفر هرگز پذیرفته نشود توبه ایشان و آنانند گمراهان

﴿٩٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوِ افْتَدَىٰ

همانا آنانکه کفر ورزیدند و مردند حالیکه کافرند هرگز قبول نشود از یکی از ایشان سراسر زمین آکنده از زر و گرچه فدیه دهد

بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٩١﴾ لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۗ

آنرا بجای خویش آنانراست عذابی دردناک و نیست برای ایشان یارانی هرگز به نیکی نرسید تا بدهید از آنچه دوست دارید

وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٢﴾ كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلًّا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ

و آنچه میدهید همانا خداوند است بدان دانا همه خوراکها حلال بود برای بنی اسرائیل جز آنچه حرام کرد اسرائیل

عَلَىٰ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَاةُ ۗ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَاةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٩٣﴾

بر خویشتن پیش از آنکه نازل شود توریة بگو بیارید توریة را پس بخوانیدش اگر هستید راستگویان

الجزء (۴)

کفروا بعد ایمانهم ۸۶ حارث بن سوید تنی بغدر و غیله بکشت و بمکه گریخت و از اسلام برگشت چون چندی گذشت از کرده پشیمان شد و کس بضراعت و لابه نزد پیمبر فرستاد پس این آیات فرود آمد و یکی از کسان وی برنوشت و بدو فرستاد تا بمدینه باز آمد و نکو اسلام بیاورد

تنفقوا مما تحبون ۹۲ ابوذر را مهمانی در رسید و در آن ساعت سخت بکاری مشغول بود پس بمهمان گفت اکنون دستم بکاری اندر است و نیارم خویشتن بکار مهمانداری پرداختن چنان خواهم بر من منت نهی و قدم رنجه داری و یکی از بهترین اشترانم برگیری و از بهر نحر بیاری آن مرد برفت و اشتری لاغر و نزار بیاورد و گفت میان اشتران از این بهتر جز اشتر فحل نیافتم و آن برای روز نیازمندی تو باز گذاردم ابوذر برآشفت و گفت همانا روز نیازمندی من آن روز است که در گورم خوابانند و این آیت برخواند و سپس گفت همانا در مال

فَمَنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُونَ ﴿۹۴﴾ قُلْ صَدَقَ اللّٰهُ فَاتَّبِعُوا

پس آنکس که دروغ بندد بر خدا پس از این آنانند ستمکاران بگو راست گفت خدا پس پیروی کنید

مِلَّةَ اِبْرٰهِيمَ حَنِيفًا ۭ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۹۵﴾ اِنَّ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا

ملت ابراهیم یکتاپرست را و نبود است از شرک ورزان همانا نخست خانه که بباشد برای مردم آنست که در مکه است فرخنده

وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ ﴿۹۶﴾ فِيهِ اٰيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ اِبْرٰهِيمَ ۚ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ اٰمِنًا ۭ وَلِلّٰهِ عَلَى

و هدایتی برای جهانیان در آنست آیتهای تابناک مقام ابراهیم و کسیکه در آیدش ایمن باشد و خدا راست بر

النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيلًا ۭ وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿۹۷﴾

مردم حج خانه آنکس که بتواند بسویش راهی و آنکس که کفر ورزد همانا خدا بی‌نیاز است از جهانیان

قُلْ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِاٰيَاتِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ شَهِيدٌ عَلٰى مَا تَعْمَلُونَ ﴿۹۸﴾ قُلْ يٰٓاَهْلَ

بگو ای اهل کتاب چرا کفر میورزید بآیتهای خدا و خدا گواه است بر آنچه میکنید بگو ای اهل

الْكِتٰبِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ مَنْ اٰمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاَنْتُمْ شُهَدَاۗءُ ۭ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ

کتاب چرا باز میدارید از راه خدا آنرا که ایمان آورده است خواهیدش کج و شما خود گواهید و نیست خدا غافل

عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿۹۹﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوٓا اِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ اُوتُوا الْكِتٰبَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ

از آنچه میکنید ای گروه مؤمنان اگر فرمان برید گروهی را از آنانکه داده شده‌اند کتاب را برگردانند شما را پس

اِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ﴿۱۰۰﴾ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَاَنْتُمْ تُتْلٰى عَلَيْكُمْ اٰيَاتُ اللّٰهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۭ وَمَنْ يَّعْتَصِمْ

ایمانتان کافران و چگونه کفر ورزید و بر شما خوانده میشود آیتهای خدا و در میان شماست فرستاده او و آنکس که نگهداری

بِاللّٰهِ فَقَدْ هُدِيَ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۱۰۱﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ

از خدا خواهد همانا هدایت شده است بسوی راهی راست ای گروه مؤمنان بترسید خدا را حق ترسیدنش و نمیرید

اِلَّا وَاَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ ﴿۱۰۲﴾ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّٰهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۠ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ

جز آنکه باشید مسلمانان و چنگ زنید برشته خدا همگی و پراکنده نشوید و یاد آرید نعمت خدا را بر شما

اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاۗءً فَاَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهٖٓ اِخْوَانًا ۚ وَكُنْتُمْ عَلٰى شَفَا حُفْرَةٍ

هنگامیکه بودید دشمنان پس الفت افکند میان دلهای شما تا شدید بنعمت او برادران و بودید بر کنار گودالی

مِّنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا ۭ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۰۳﴾ وَلْتَكُنْ مِّنْكُمْ اُمَّةٌ

از آتش پس رهانید شما را از آن چنین بیان کند خدا برای شما آیتهای خویش را شاید هدایت یابید و باید باشد از شما گروهی

يَدْعُونَ اِلَى الْخَيْرِ وَيَاْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۭ وَاُولٰۗئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۰۴﴾ وَلَا تَكُونُوا

که دعوت کنند به نیکی و امر کنند بخوبی و نهی کنند از بدی و آنانند رستگاران و نباشید

كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَاۗءَهُمُ الْبَيِّنٰتُ ۭ وَاُولٰۗئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰۵﴾ يَوْمَ تَبْيَضُّ

مانند آنانکه پراکنده شدند و اختلاف کردند پس از آنکه بیامدشان نشانیها و از برای آنانست عذابی سخت روزی که سفید شوند

وُجُوهٌ وَّتَسْوَدُّ وُجُوهٌ ۚ فَاَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ ۣ اَكَفَرْتُمْ بَعْدَ اِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ

رویهائی و سیاه شوند رویهائی پس آنانکه سیاه شده است رویهای ایشان آیا کفر ورزیدید پس از ایمان خود پس بچشید عذاب را

بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿۱۰۶﴾ وَاَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللّٰهِ ۭ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۱۰۷﴾

بدانچه بودید کفر میورزیدید و اما آنانکه سفید شده است رویهای ایشان پس در رحمت خداوندند ایشانند در آن جاودانان

تِلْكَ اٰيٰتُ اللّٰهِ نَتْلُوْهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَمَا اللّٰهُ يُرِيْدُ ظُلْمًا لِّلْعٰلَمِيْنَ ﴿۱۰۸﴾ وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ

اینست آیتهای خدا که میخوانیم بر تو بحق و نیست خدا خواهان ستمی بر جهانیان و برای خداست آنچه در آسمانها

وَمَا فِي الْاَرْضِ ۭ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ﴿۱۰۹﴾ كُنْتُمْ خَيْرَ اُمَّةٍ اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَاْمُرُوْنَ بِالْمَعْرُوْفِ

و آنچه در زمین است و بسوی خدا باز گردانیده شوند امور بودید بهترین امتی که برون آورده شده برای مردم امر میکنید بنیکی

وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ ۭ وَلَوْ اٰمَنَ اَهْلُ الْكِتٰبِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ۭ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُوْنَ

و نهی میکنید از زشتی و ایمان میآورید بخدا و اگر ایمان میآوردند اهل کتاب همانا بهتر بود ایشانرا از ایشانند ایمان آرندگانی

وَاَكْثَرُهُمُ الْفٰسِقُوْنَ ﴿۱۱۰﴾ لَنْ يَّضُرُّوْكُمْ اِلَّآ اَذًى ۭ وَاِنْ يُّقَاتِلُوْكُمْ يُوَلُّوْكُمُ الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا

و بیشتر ایشانند نافرمانان هرگز بشما آسیبی نرسانند جز آزاری و اگر جنگ کنند با شما پشت بسوی شما کنند و سپس

يُنْصَرُوْنَ ﴿۱۱۱﴾ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ اَيْنَ مَا ثُقِفُوْٓا اِلَّا بِحَبْلٍ مِّنَ اللّٰهِ وَحَبْلٍ مِّنَ النَّاسِ وَبَآءُوْ

یاری نشوند زده شد برایشان خواری هرکجا یافت شوند مگر بامانتی از خدا و رشتهٔ از مردم و گرفتار شدند

بِغَضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ۭ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَانُوْا يَكْفُرُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَيَقْتُلُوْنَ

بخشمی از خدا و آورده شد بر ایشان پریشانی این بدان بود که کفر میورزیدند بآیتهای خدا و می کشتند

الْاَنْۢبِيَاۗءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ۭ ذٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَّكَانُوْا يَعْتَدُوْنَ ﴿۱۱۲﴾ لَيْسُوْا سَوَاۗءً ۭ مِنْ اَهْلِ الْكِتٰبِ اُمَّةٌ

پیمبرانرا بناحق این بدانست که عصیان ورزیدند و بودند تجاوز کنندگان نیستند یکسان از اهل کتاب گروهی

قَاۗىِٕمَةٌ يَّتْلُوْنَ اٰيٰتِ اللّٰهِ اٰنَاۗءَ الَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُوْنَ ﴿۱۱۳﴾ يُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَيَاْمُرُوْنَ

ایستاده (نماز گزار) میخوانند آیتهای خدارا اناء شب و ایشانند سجده کنندگان ایمان آورند بخدا و روز آخر و امر میکنند

بِالْمَعْرُوْفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُوْنَ فِي الْخَيْرٰتِ ۭ وَاُولٰۗىِٕكَ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿۱۱۴﴾ وَمَا يَفْعَلُوْا

بمعروف و نهی میکنند از منکر و میشتابند بسوی خوبیها و آنانند از شایستگان و آنچه کنند

مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُّكْفَرُوْهُ ۭ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِالْمُتَّقِيْنَ ﴿۱۱۵﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ اَمْوَالُهُمْ وَلَآ

از نیکی ناسپاس نمانند جان و خدا داناست بپرهیزکاران همانا آنانکه کفر ورزیدند بی نیاز شان نکند اموالشان و نه

اَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللّٰهِ شَيْـــًٔا ۭ وَاُولٰۗىِٕكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ﴿۱۱۶﴾ مَثَلُ مَا يُنْفِقُوْنَ فِيْ هٰذِهِ

اولادشان از خدا چیزی و آنانند یاران آتش در آنند جاودانان مثل آنچه انفاق کنند در این

الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيْحٍ فِيْهَا صِرٌّ اَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوْٓا اَنْفُسَهُمْ فَاَهْلَكَتْهُ ۭ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللّٰهُ

زندگانی دنیا مانند بادیست که در آنست سرمائی سخت و زند بکشت زار گروهی که خویشتن را ستم کردند پس نابودش کرد و خدا ستم بر ایشان نکرد

وَلٰكِنْ اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ ﴿۱۱۷﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا بِطَانَةً مِّنْ دُوْنِكُمْ لَا يَاْلُوْنَكُمْ خَبَالًا ۭ

و لیکن بر خویشتن ستم کنندگان ای گروه مؤمنان نگیرید همدستانی جز از خویش (از ایمان و غیر از خویشتنی که کفر و شک دارد)

وَدُّوْا مَا عَنِتُّمْ ۚ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاۗءُ مِنْ اَفْوَاهِهِمْ ۚ وَمَا تُخْفِيْ صُدُوْرُهُمْ اَكْبَرُ ۭ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰيٰتِ اِنْ كُنْتُمْ

دوست دارند آنان دوچندان رنج شما را همانا کینه از دهانهای آنان هویداست و آنچه نهان کنند سینه های ایشان بزرگتر است همانا بیان کردیم آیتها را برای شما اگر

تَعْقِلُوْنَ ﴿۱۱۸﴾ هٰٓاَنْتُمْ اُولَاۗءِ تُحِبُّوْنَهُمْ وَلَا يُحِبُّوْنَكُمْ وَتُؤْمِنُوْنَ بِالْكِتٰبِ كُلِّهٖ ۚ وَاِذَا لَقُوْكُمْ قَالُوْٓا اٰمَنَّا ۖ وَاِذَا

تعقل کنید اینک شما دوست دارید اینانرا و دوست ندارند شما را و ایمان میآورید بکتاب همه آن و چون دیدار کنند شما را گویند ایمان آوردیم و چون

خَلَوْا عَضُّوْا عَلَيْكُمُ الْاَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ ۭ قُلْ مُوْتُوْا بِغَيْظِكُمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿۱۱۹﴾

خلوت روند سر انگشت حسرت برخا بدندان گزند بگو بمیرید بخشم خود همانا خدا داناست بدانچه در سینه هاست

خوبی خوبی خوبی

اِنْ تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَاِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَاِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ

اگر بشما خوبی رسد ناخوش دارندش واگر بدی بشما رسد شاد شوند بدان واگر شکیبا شوید و پرهیزکاری کنید زیان نرساند نیرنگ ایشان

شَيْئًا اِنَّ اللّٰهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿۱۲۰﴾ وَاِذْ غَدَوْتَ مِنْ اَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ

شما را بچیزی همانا خداست بدانچه کنند فراگیرنده وهنگامیکه بامداد کردی از نزد خاندان خویش (برون شدی) ومؤمنان را در مواضع خود جای میدادی برای جنگ

وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱۲۱﴾ اِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ اَنْ تَفْشَلَا وَاللّٰهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

وخداست شنوای دانا هنگامیکه آهنگ کردند دو گروه از شما که سست شوند وخداست سرپرست آنان وبرخدا باید توکل کنند

الْمُؤْمِنُونَ ﴿۱۲۲﴾ وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ بِبَدْرٍ وَاَنْتُمْ اَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۲۳﴾ اِذْ تَقُولُ

مؤمنان وهمانا یاری کرد شما را خدا در بدر حالیکه خوار بودید پس بترسید خدا را شاید شکر گذارید هنگامیکه میگفتی

لِلْمُؤْمِنِينَ اَلَنْ يَكْفِيَكُمْ اَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ اٰلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ ﴿۱۲۴﴾ بَلٰى اِنْ

بمؤمنان آیا بس نیست شما را که کمک فرستد شما را پروردگار شما بسه هزار فرشته فرود آوردگان بلکه اگر

تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ اٰلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ

بردباری گزینید وپرهیزکاری کنید وبرشما درآیند بزودی هم اکنون کمک فرستد شما را پروردگار شما به پنجهزار تن از فرشتگان نشان دارندگان

﴿۱۲۵﴾ وَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اِلَّا بُشْرٰى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ

ونگردانید آنرا خدا جز بشارتی برای شما وتا آرام گیرد دلهای شما بدان حالیکه نیست یاری (پیروزی) جز از نزد پروردگار

الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۱۲۶﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا اَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ﴿۱۲۷﴾ لَيْسَ لَكَ مِنَ

عزتمند حکیم تا ببرد دنباله آنانرا که کفر ورزیدند یا سرکوبشان سازد تا باز گردند زیانکاران نیست ترا از

الْاَمْرِ شَيْءٌ اَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ اَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَاِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ﴿۱۲۸﴾ وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ

امر چیزی یا بپذیرد توبه آنانرا یا عذابشان کند آنانند ستمگران خدایراست آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمین

يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۲۹﴾ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَأْكُلُوا

بیامرزد هرکه را خواهد وعذاب کند هرکه را خواهد وخداست آمرزنده مهربان ای آنانکه ایمان آوردید نخورید

الرِّبٰوا اَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۳۰﴾ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي اُعِدَّتْ

ربا را سودهائی چند برابر وبترسید خدا را شاید رستگار شوید وبترسید آتشی را که آماده شده است

لِلْكَافِرِينَ ﴿۱۳۱﴾ وَاَطِيعُوا اللّٰهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۱۳۲﴾ وَسَارِعُوا اِلٰى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ

برای کافران وفرمان برید خدا ورسول را شاید رحم شوید وبشتابید بسوی آمرزشی از پروردگار خود

وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ اُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۱۳۳﴾ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ

وبهشتی که فراخیش پهنای آسمانها وزمین است آماده است برای پرهیزکاران آنانکه انفاق میکنند مال خود را بهنگام گشایش وتنگدستی

وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۳۴﴾ وَالَّذِينَ اِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً اَوْ ظَلَمُوا

وخشم فرو خورندگان وگذشت کنندگان از مردم وخدا دوست دارد نکوکاران را وآنانکه هرگاه فحشائی کنند یا برخود ستم کنند

اَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللّٰهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلٰى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ

یاد خدا کنند وآمرزش گناهان خویش خواهند وکیست که بیامرزد گناهان را جز خدا واصرار نکنند بر آنچه کرده اند وخود میدانند

﴿۱۳۵﴾ اُولٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ اَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿۱۳۶﴾

آنانرا پاداش آمرزشی است از پروردگارشان وباغهائی که روان است زیر آنها جویها جاودانند در آنها وچه نیکو است پاداش عمل کنندگان

حزب (۲)

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿۱۳۷﴾ هَٰذَا بَيَانٌ

همانا بگذشت پیش از شما شیوه‌ها پس بگردید در زمین و بنگرید چگونه بود فرجام ناباوران (تکذیب کنندگان) این بیانی است

لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۱۳۸﴾ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۹﴾

برای مردم و راهنمائی و اندرزی برای پرهیزکاران سست نشوید و اندوهگین نباشید و شما برترید اگر هستید مؤمنان

إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ

اگر بسمارد شما را گزندی رسید همانا دشمن را رسیده است گزندی همانند آن و این روزگار یکبار را میان مردم و تا خدا بداند آنان را که

آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ﴿۱۴۰﴾ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ

ایمان آوردند و بگیرد از شما گواهانی و خدا دوست ندارد ستمکارانرا و تا پاک سازد خدا مؤمنانرا و تباه گرداند

الْكَافِرِينَ ﴿۱۴۱﴾ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ

کافرانرا یا پنداشتید اید که بهشت در یابید و هنوز ندانست است خدا آنانرا که کوشیدند (جهاد کردند) از شما و نشناخت است

الصَّابِرِينَ ﴿۱۴۲﴾ وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ﴿۱۴۳﴾

بردباران را و همانا شما بودید که آرزوی مرگ میکردید پیش از آنکه بدان رسید اکنون دیده بدآنرا و شما دیدید نگران

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ ۚ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ

و نیست محمد (صلی الله علیه وآله) مگر پیمبری که بگذشت است پیش ازو پیمبرانی پس او اگر بمیرد یا کشته شود بازگردید بر پاشنه‌های خویش

وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا ۗ وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ﴿۱۴۴﴾ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ

و آنکس که برگردد بر پاشنه‌های خود هرگز زیان نرساند خدارا و بزودی پاداش دهد خدا شکرگزاران و نیست است کسیرا که

تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا ۗ وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ

بمیرد مگر باذن خدا نامه سرآمدار و هرکس پاداشش دنیا خواهد دهیمش از آن و هرکه پاداشش

الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿۱۴۵﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ

آخرت خواهد دهیمش از آن و زود دهد پاداش دهیم شکرگزاران و چه بسا پیمبری که همراهش کارزار کردند گروهان گروه بسیار

فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

پس نه سست شدند از آنچه بدیشان رسید در راه خدا و نه ناتوان شدند و نه سر فکندند و خدا دوست دارد پایداری کنان

﴿۱۴۶﴾ وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَ

و نبود سخن ایشان جز آنکه گفتند پروردگارا بیامرز ما را برای ما گناهان ما و فزون رفتن ما را در کارخویش و

ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿۱۴۷﴾ فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ

استوار دار پاهای ما را و یاری کن ما را بر گروه کافران پس بدیشان داد خدا اجر دنیا و پاداش

ثَوَابِ الْآخِرَةِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۴۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ

نکوی آخرت را و خدا دوست دارد نیکوکاران ای گروه مؤمنان اگر طاعت کنید آنانرا که کفرورزیدند برگردانند شما را

عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿۱۴۹﴾ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ ﴿۱۵۰﴾ سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ

بر پاشنه‌های شما پس بازگردید زیانکاران بلکه خدا سرپرست شما و او بهترین یاری کنندگان بزودی افکنیم در دلهای

الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا ۖ وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ ۖ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ ﴿۱۵۱﴾

آنانکه کفرورزیدند هراس را بدانچه شریک گردانیدند باخدا آنرا که فرو نفرستاده است بدان فرمانروائی و جایگاه ایشان آتش است و چه زشت جایگاه ستمکاران

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللّٰهُ وَعْدَهٗٓ اِذْ تَحُسُّوْنَهُمْ بِاِذْنِهٖ ۚ حَتّٰٓى اِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِى الْاَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْۢ بَعْدِ مَآ اَرٰىكُمْ مَّا تُحِبُّوْنَ

و همانا راست آورد بر شما خدا وعده خویش را هنگامیکه بسختی میکشتید آنانرا باذن او تا گاهیکه از هم گسیختید و باهم ستیزه کردید در کار و نافرمانی کردید پس از آنکه بنمود بشما آنچه دوست میداشتید

مِنْكُمْ مَّنْ يُّرِيْدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّنْ يُّرِيْدُ الْاٰخِرَةَ ۚ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۚ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ ۚ وَاللّٰهُ ذُوْ فَضْلٍ

از شما گروهی خواهان دنیا بودند و گروهی خواهان آخرت سپس منصرف ساخت شمارا از ایشان تا بیازماید تان و هرآینه بخشود بر شما و خداست دارنده فضلی

عَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿۱۵۲﴾ اِذْ تُصْعِدُوْنَ وَلَا تَلْوٗنَ عَلٰٓى اَحَدٍ وَّالرَّسُوْلُ يَدْعُوْكُمْ فِىْٓ اُخْرٰىكُمْ فَاَثَابَكُمْ غَمًّۢا بِغَمٍّ لِّكَيْلَا

بر مؤمنان هنگامیکه بالا میرفتید و برنمیگشتید بسوی کسی و پیمبر میخواند شمارا از پشت سرتان پس رسانید بشما اندوهی براندوهی تا

تَحْزَنُوْا عَلٰى مَا فَاتَكُمْ وَلَا مَآ اَصَابَكُمْ ۗ وَاللّٰهُ خَبِيْرٌۢ بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿۱۵۳﴾ ثُمَّ اَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْۢ بَعْدِ الْغَمِّ اَمَنَةً نُّعَاسًا

اندوهگین نشوید بر آنچه از شما فوت شده است و نه بدانچه بشما رسیده است و خدا داناست بدانچه میکنید سپس فرود آورد بر شما پس از اندوه برای آرامش خماری را (گیجی را)

يَّغْشٰى طَآئِفَةً مِّنْكُمْ ۙ وَطَآئِفَةٌ قَدْ اَهَمَّتْهُمْ اَنْفُسُهُمْ يَظُنُّوْنَ بِاللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ ۗ يَقُوْلُوْنَ هَلْ

که فرا میگرفت گروهی از شمارا و گروهی دیگر را سرگرم داشته بود جانهای ایشان گمان میبردند بخدا ناروا را گمان جاهلیت میگفتند آیا

لَّنَا مِنَ الْاَمْرِ مِنْ شَيْءٍ ۗ قُلْ اِنَّ الْاَمْرَ كُلَّهٗ لِلّٰهِ ۗ يُخْفُوْنَ فِىْٓ اَنْفُسِهِمْ مَّا لَا يُبْدُوْنَ لَكَ ۗ يَقُوْلُوْنَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ

ماراست از امر چیزی بگو همانا امر همه آن از آن خداست نهان میداشتند در دلهای خود آنچه را آشکار نمیکردند برای تو میگفتند اگر مارا از امر چیزی

الْاَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هٰهُنَا ۗ قُلْ لَّوْ كُنْتُمْ فِىْ بُيُوْتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِيْنَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ اِلٰى مَضَاجِعِهِمْ ۚ وَلِيَبْتَلِيَ

می بود کشته نمیشدیم در اینجا بگو اگر در خانه های خویش میبودید همانا برون میآمدند آنانکه نوشته شده بود بر ایشان کشته شدن بسوی آرامگاههای خود و تا بیازماید

اللّٰهُ مَا فِىْ صُدُوْرِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِىْ قُلُوْبِكُمْ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌۢ بِذَاتِ الصُّدُوْرِ ﴿۱۵۴﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ

خدا آنچه را در سینه های شماست و تا پاک کند آنچه را در دلهای شماست و خدا داناست بدانچه در سینه هاست همانا آنانکه پشت کردند از شما

يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ ۙ اِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوْا ۚ وَلَقَدْ عَفَا اللّٰهُ عَنْهُمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ

روز تلاقی دو سپاه نلغزانیدشان شیطان جز بپاره آنچه خود فراهم کردند و هرآینه بخشود خدا بر ایشان همانا خداست

غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ ﴿۱۵۵﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَكُوْنُوْا كَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَقَالُوْا لِاِخْوَانِهِمْ اِذَا ضَرَبُوْا

آمرزنده بردبار ای گروه مؤمنان نباشید مانند آنانکه کفر ورزیدند و گفتند ببرادران خویش هنگامیکه بسفر

فِى الْاَرْضِ اَوْ كَانُوْا غُزًّى لَّوْ كَانُوْا عِنْدَنَا مَا مَاتُوْا وَمَا قُتِلُوْا ۚ لِيَجْعَلَ اللّٰهُ ذٰلِكَ حَسْرَةً فِىْ قُلُوْبِهِمْ ۗ

میرفتند یا بجنگ میشدند که اگر میماندند نزد ما نمیمردند و نه کشته میشدند تا قرار دهد خدا آنرا حسرتی در دلهای ایشان

وَاللّٰهُ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ۗ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ﴿۱۵۶﴾ وَلَئِنْ قُتِلْتُمْ فِىْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ

و خدا زنده میکند و میمیراند و خدا بدانچه میکنید بیناست و اگر کشته شوید در راه خدا یا بمیرید همانا آمرزشی از

اللّٰهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُوْنَ ﴿۱۵۷﴾ وَلَئِنْ مُّتُّمْ اَوْ قُتِلْتُمْ لَاِلَى اللّٰهِ تُحْشَرُوْنَ ﴿۱۵۸﴾ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللّٰهِ

خدا و رحمتی بهتر است از آنچه گرد میآورند و اگر بمیرید یا کشته شوید همانا بسوی خدا گرد آورده میشوید و هرآینه با مهری از خدا

لِنْتَ لَهُمْ ۚ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيْظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوْا مِنْ حَوْلِكَ ۖ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ

نرم گشته برای ایشان و اگر تند خوئی سنگین دل میبودی همانا پراکنده میشدند از پیرامونت پس ببخش بر ایشان و آمرزش خواه برای ایشان

وَشَاوِرْهُمْ فِى الْاَمْرِ ۚ فَاِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ ۗ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِيْنَ ﴿۱۵۹﴾ اِنْ يَّنْصُرْكُمُ اللّٰهُ

و مشورت کن با ایشان در کار سپس گاهی که آهنگ کردی پس توکل کن بر خدا که خداست دوستدار توکل کنندگان اگر یاری کند شمارا خدا

فَلَا غَالِبَ لَكُمْ ۚ وَاِنْ يَّخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِىْ يَنْصُرُكُمْ مِّنْۢ بَعْدِهٖ ۗ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿۱۶۰﴾

نیست چیره شونده بر شما و اگر خوارتان دارد پس کیست که یاری کند شمارا پس از او و بر خدا باید توکل کنند مؤمنان

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ ۚ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ

ونرسد (بدیوه ای) پیغمبر را که خیانت کند و رد در پیرهای دزدی کند پیاده یا هر چه خیانت کرده است روز قیامت پس سر بسر داده شود هر کس آنچه را اندوخته است و آنان

لَا يُظْلَمُونَ ﴿۱۶۱﴾ أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۱۶۲﴾

ستم نشوند آیا کسی که پیرو خوشنودی خدا است مانند کسیست که بخشم خدا را و جایش دوزخ است و چه بد بازگشتگاهی است

هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿۱۶۳﴾ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ

آنان درجاتی نزد خدا و خدا بینا است بآنچه میکنند همانا منت نهاد خدا بر مؤمنان هنگامیکه برانگیخت در میان

رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ ۚ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ

فرستاده ای (پیمبری) از خودایشان تا بخواند برایشان آیتهای او را و پاک سازد ایشانرا و بیاموزدشان کتاب و حکمت را و اگر چه بودند پیش از آن

لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿۱۶۴﴾ أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا ۙ قُلْتُمْ أَنَّىٰ هَٰذَا ۖ قُلْ هُوَ مِنْ

در گمراهی آشکار آیا چنین است که هرگاه برسد شما را پیش آمدی که شمار رسانده باشید دو برابر آنرا گوئید از کجا است این؟ بگو آن از

عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱۶۵﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ

نزد خودشماست همانا خدا بر همه چیز بتوانا است و آنچه بشما رسید روز تلاقی دو سپاه همانا باذن خدا بود و تا بشناسد

الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۶۶﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا ۖ وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوِ ادْفَعُوا ۖ قَالُوا لَوْ

مؤمنان را و بشناسد آنانرا که نفاق ورزیدند و چون بدیشان گفته شد کارزار کنید در راه خدا یا دفاع کنید گفتند اگر

نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَّبَعْنَاكُمْ ۖ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ ۚ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ

پیکاری بدانستیم پیروی میکردیم شما را آنان بکفر نزدیکترند در آن روز از ایمان گویند بدهانهای خویش آنچه نیست

فِي قُلُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ﴿۱۶۷﴾ الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا ۗ

در دلهاشان و خدا داناتر است بآنچه نهان میدارند آنانکه گفتند ببرادران شان و باز نشستند که اگر

قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۶۸﴾ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ

بگو پس دور کنید از خویشتن مرگ را اگر هستید راستگویان و پندارید آنانرا که در راه خدا کشته

اللَّهِ أَمْوَاتًا ۚ بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ﴿۱۶۹﴾ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ

شدند مردگان بلکه زندگانند نزد پروردگارخویش روزی بندگان شادند بدیچه خدا از فضل خود بدیشان ارزانی داشته و بخود مژده دهند

بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۱۷۰﴾ يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ

بآنانکه هنوز بدیشان نپیوسته اند از پس شان که نه بیمی برایشان است و نه اندوهگین شوند شادمانی کنند بنعمتی از

اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۷۱﴾ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا

خدا و فضلی و آنکه خدا تباه میکند پاداش مؤمنان را آنانکه دعوت خدا و رسولرا اجابت کردند از پس آنکه

أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ ۚ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿۱۷۲﴾ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ

زخم بدیشان رسید برای آنانکه نکوکاری و پرهیزکاری کردند از ایشان است پاداشی بزرگ آنانکه گفتند بدیشان مردم که

النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿۱۷۳﴾ فَانْقَلَبُوا

مردم بسیج کرده اند بهلی شما پس بترسید شان پس بیفزود آنانرا ایمان و گفتند بس است ما را خدا و چه خوب کارگذاریست پس باز گشتند

بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ ۚ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ﴿۱۷۴﴾

بنعمتی از خدا و فضلی نرسید شان گزندی و پیروی کردند خوشنودی خدا را و خداوند دارای فضلی بزرگ

إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾ وَلَا يَحْزُنكَ

نیست آن جز شیطان که میترساند دوستان خویش را پس نترسید اورا و مرا بترسید اگر هستید مؤمنان اندوهگینت نکنند

الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حَظًّا فِي الْآخِرَةِ

آنانکه میشتابند در کفر هرگز زیان نرسانند خدارا بچیزی خدا خواهد که نگذارد برای ایشان بهره در آخرت

وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ

و برای ایشان است عذابی بزرگ همانا آنانکه خریدند کفر را بایمان زیان نرسانند خدارا بچیزی و ایشانراست

عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٧﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ لِيَزْدَادُوا

عذابی دردناک و نپندارند آنانکه کفر ورزیدند مهلت دادن ما را بدانان نکوئی برای ایشان جز این نیست که مهلت دهیمشان تا

إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿١٧٨﴾ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ

بیفزایند در گناه و ایشانراست عذابی خوار کننده نیست خدا که باز گذارد مؤمنان را بر آنچه شما برآنید تا جدا گرداند پلیدرا از

الطَّيِّبِ ۗ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَآمِنُوا

پاکیزه (زشت از زیبا) و نه بوده است خدا که آگاه سازد شمارا بر ناپیدا ولکن خدا انتخاب میکند از فرستادگان خویش هر کرا خواهد پس ایمان آرید

بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٩﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ

بخدا و فرستادگانش و اگر ایمان آرید و پرهیزکاری کنید شمارا است پاداشی بزرگ و نپندارند آنانکه بخل ورزیدند بدانچه

اللَّهُ مِن فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُم بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ

خدا از فضل خویش بدیشان ارزانی داشته آنرا بهتر برای ایشان بلکه آن بدتر است برای ایشان بزودی گردن بندشان شود آنچه خودداری از دادن آن کردند روز قیامت و خدا راست

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١٨٠﴾ لَّقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ

میراث آسمانها و زمین و خدا بدانچه میکنید داناست همانا شنید خدا گفتار آنانرا که گفتند خدا نیازمند است

وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ ۘ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿١٨١﴾ ذَٰلِكَ

و ما بی نیاز بزودی بنویسیم آنچه را که گفتند و کشتار ایشان پیمبرانرا بناحق و گوئیم بچشید عذاب سوزان را این

بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿١٨٢﴾ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهِدَ إِلَيْنَا أَلَّا

بدانست که پیش فرستاد دستهای شما و نیست خدا ستم کننده بر بندگان آنانکه گفتند همانا خدا با ما پیمان بست که

نُؤْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ ۗ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ

ایمان نیاریم برای پیمبری تا بیاورد ما را بقربانی که بخوردش آتش بگو همانا آمد شمارا پیمبرانی پیش از من بنشانیها

وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٨٣﴾ فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ

و بدانچه گفتید پس چرا کشتید ایشانرا اگر هستید راستگویان پس اگر باورت نداشتند همانا باور نداشتند فرستادگانی را پیش از تو که آمدند بنشانیها

وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿١٨٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ

و نوشته‌ها و نامه درخشان همه کس چشنده مرگ است و جز این نیست که بشما پرداخته شود مزدهای شما روز قیامت پس کسیکه برکنار شد از آتش و برده شد

الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿١٨٥﴾ لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ

بهشت همانا رستگار شد و نیست زندگانی دنیا جز کالای فریب (سرگرمی) همانا خواهید آزموده شد در مالها و جانهای خویش و خواهید شنید از آنانکه

أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذًى كَثِيرًا ۚ وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ﴿١٨٦﴾

داده شدند کتاب را پیش از شما و از شرک ورزان آزار فراوانی و اگر شکیبا شوید و پرهیزکاری کنید همانا آن است از عزیمت کارها

وَاِذْ اَخَذَ اللّٰهُ مِيْثَاقَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهٗ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُوْنَهٗ فَنَبَذُوْهُ وَرَآءَ

و هنگامیکه گرفت خدا پیمان آنانکه داده شدند کتاب را که بیان کنندش برای مردم و کتمانش نکنند پس افکندند آنرا پشت

ظُهُوْرِهِمْ وَاشْتَرَوْا بِهٖ ثَمَنًا قَلِيْلًا ؕ فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُوْنَ ﴿۱۸۷﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِيْنَ يَفْرَحُوْنَ بِمَآ اَتَوْا

سر خویش و فروختندش ببهائی کم و چه بد است آنچه بها ستانند (یا بفروشند) مپندار آنانرا که شاد شوند بدانچه آوردند

وَّيُحِبُّوْنَ اَنْ يُّحْمَدُوْا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوْا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ ۚ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۱۸۸﴾ وَلِلّٰهِ

و دوست دارند که ستوده شوند بدانچه نکردند مپندار ایشانرا برستنگاهی از عذاب و آنانراست عذابی دردناک و خدا راست

مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ﴿۱۸۹﴾ اِنَّ فِيْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافِ

فرمانروائی آسمانها و زمین و خدا بر هر چیز تواناست همانا در آفرینش آسمانها و زمین و گردش

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَاٰيَاتٍ لِّاُولِي الْاَلْبَابِ ۚ ﴿۱۹۰﴾ اَلَّذِيْنَ يَذْكُرُوْنَ اللّٰهَ قِيَامًا وَّقُعُوْدًا وَّعَلٰى

شب و روز نشانیهائی است برای خردمندان آنانکه یاد خدا کنند ایستادگان و نشستگان و بر

جُنُوْبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُوْنَ فِيْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هٰذَا بَاطِلًا ۚ سُبْحَانَكَ

پهلوهای خویش و میاندیشند در آفرینش آسمانها و زمین پروردگارا نیافریدی این را بباطل (بیهوده) دور از تو

فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۹۱﴾ رَبَّنَآ اِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ اَخْزَيْتَهٗ ؕ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ

(منزهی تو) نگهدار ما را از عذاب آتش پروردگارا هر که را در آتش بری همانا خوارش کرده و نیست ستمگرانرا یارانی

﴿۱۹۲﴾ رَبَّنَآ اِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُّنَادِيْ لِلْاِيْمَانِ اَنْ اٰمِنُوْا بِرَبِّكُمْ فَاٰمَنَّا ۚ رَبَّنَا فَاغْفِرْ

پروردگارا همانا ما شنیدیم بانگ دهنده را که بانگ میداد برای ایمان که ایمان آرید بپروردگار خویش پس ایمان آوردیم پروردگارا بیامرز

لَنَا ذُنُوْبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْاَبْرَارِ ۚ ﴿۱۹۳﴾ رَبَّنَا وَاٰتِنَا مَا وَعَدْتَّنَا عَلٰى رُسُلِكَ

برای ما گناهان ما را و بزدای از ما زشتیهای ما را و دریاب ما را با نیکان پروردگارا و ارزانی دار بما آنچه بر زبان فرستادگانت بما نوید دادی

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ؕ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيْعَادَ ﴿۱۹۴﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ اَنِّيْ لَآ اُضِيْعُ عَمَلَ

و خوار مکن ما را روز قیامت که نیستی تو شکننده پیمان پس پذیرفت از ایشان پروردگارشان که تباه ننمایم کار هر

عَامِلٍ مِّنْكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى ۚ بَعْضُكُمْ مِّنْ بَعْضٍ ؕ فَالَّذِيْنَ هَاجَرُوْا وَاُخْرِجُوْا مِنْ دِيَارِهِمْ

عمل کننده را از شما مرد یا زن بعضیتان از بعضی پس آنانکه هجرت کردند و برون (رانده شدند) از خانه‌های خویش

وَاُوْذُوْا فِيْ سَبِيْلِيْ وَقَاتَلُوْا وَقُتِلُوْا لَاُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَاُدْخِلَنَّهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ

و آزار شدند در راه من و جنگ کردند و کشته شدند همانا بزدایم از ایشان زشتیهای ایشانرا و در آرمشان باغهائی که روان است

مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ ؕ وَاللّٰهُ عِنْدَهٗ حُسْنُ الثَّوَابِ ﴿۱۹۵﴾ لَا

از زیر آنها جویها پاداشی از نزد خدا و خدا نزد اوست پاداش نیکو

يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فِي الْبِلَادِ ؕ ﴿۱۹۶﴾ مَتَاعٌ قَلِيْلٌ ثُمَّ مَاْوٰىهُمْ

فریفته‌ات نکند گردش آنانکه کفر ورزیدند در شهرها بهره است اندک و سپس جایگاه ایشان

جَهَنَّمُ ؕ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿۱۹۷﴾ لٰكِنِ الَّذِيْنَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنّٰتٌ تَجْرِيْ مِنْ

دوزخ است و چه زشت آرامشگاهی است لیکن آنانکه پروردگار خود را ترسیدند برای ایشان است باغهائی که جاری است از

تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِيْنَ فِيْهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ ؕ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ لِّلْاَبْرَارِ ﴿۱۹۸﴾

زیر آنها جویها جاودانان در آنها پیشکشی از نزد خدا و آنچه نزد خداست بهتر است برای نیکان

۱۹۹ اهل الکتاب پیغمبر صلعم اصحاب را فرمود هان برخیزید تا بر برادری از آن شما که نه در این مرز و بوم بمرد است نماز گذاریم و او نجاشی فرمانروای حبشه است و با اصحاب بقیع شدند و بر جنازه نجاشی که نه در آن سرزمین بود نماز بگذاردند منافقان سخن در انداختند که اینک بر ترسائی در شتخوی که هرگز ش نادیده و نه بر کیش او بود نماز گذارد پس این آیت بپاسخ آنان بیامد اصبروا وصابروا از امام ابی جعفر باقر علیه السلام است یعنی شکیبا شوید بر مصائب و پایداری گزینید برابر دشمن و آماده جنگ باشید با دشمنان و از پیغمبر صلعم است بهترین اعمال آب فراوان ریختن در وضو و گام برداشتن برای نماز جماعت و آماده بودن است برای نمازی پس از نماز دیگر و این است معنی رباط * (سورة النساء) * از علی علیه السلام است هر که این سوره را روز آدینه بخواند برآساید از فشار قبر * وان خفتم الا تقسطوا یعنی اگر بترسید بر آمد خترانِ یتیم که در دامان تربیت شما است ستم کنید (که با کابینی کمتر از آن همسران ایشان بزناشوئی گیرید یا از خواسته که ایشانراست برخوردار شوید) پس روا است اگر آنان بهلید و آتش شهوت و آز

وَاِنَّ مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَمَآ اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ وَمَآ اُنْزِلَ اِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلّٰهِ

همانا از اهل کتاب است آنکه ایمان آورد بخدا و آنچه فرود آورده شد بر شما و آنچه فرود آورده شد بر ایشان فروتنی کنان برای خدا

لَا يَشْتَرُونَ بِاٰيَاتِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۗ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ

نفروشند آیتهای خدا را ببهائی کم آنانراست پاداش ایشان نزد پروردگار شان همانا خداست شتابنده

الْحِسَابِ ﴿۱۹۹﴾ يَآ اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۲۰۰﴾

در حساب ای آنانکه ایمان آوردید بردبار باشید و شکیبائی ورزید و خویشرا آماده جنگ نگهدارید و بترسید خدا را شاید رستگار شوید

سورة النساء مدنية وهي مائة وست وسبعون آية

سورة ۴ — حروفها ۱۶۵۳۰ — كلماتها ۳۷۴۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَآ اَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ

ای مردم بترسید پروردگار خود را که آفریدتان از یکتن و آفرید از او جفتش را و گسترانید

مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَآءً ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِي تَسَآءَلُونَ بِهِ وَالْاَرْحَامَ ۗ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ

از آنان مردانی بسیار و زنانی و بترسید خداوندی را که از او پرسش شوید و رحمها همانا خداوند است

عَلَيْكُمْ رَقِيبًا ﴿۱﴾ وَاٰتُوا الْيَتَامٰٓى اَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ ۖ وَلَا تَاْكُلُوٓا

بر شما نگهبان بپردازید بیتیمان اموال ایشانرا و زشت را بجای زیبا ندهید و نخورید

اَمْوَالَهُمْ اِلٰٓى اَمْوَالِكُمْ اِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا ﴿۲﴾ وَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا تُقْسِطُوا فِي

اموال آنانرا با اموال خویش که آنست همانا گناهی بزرگ و اگر بترسید که دادگری نکنید در

الْيَتَامٰى فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَآءِ مَثْنٰى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ ۚ فَاِنْ خِفْتُمْ اَلَّا

یتیمان پس کابین بندید بر آنچه خوش آید شما را (یا پاک باشد برای شما) از زنان دوتا و سه تا و چهارتا و اگر ترسیدید که

تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ ۗ ذٰلِكَ اَدْنٰٓى اَلَّا تَعُولُوا ۗ ﴿۳﴾ وَاٰتُوا النِّسَآءَ صَدُقَاتِهِنَّ

دادگری نکنید پس یکی را یا آنچه ملک یمین شما باشد اینست نزدیکتر بدانکه ستم نکنید (یا کجروی نکنید) و بزنان دهید تصدقهای (کابینهای) آنانرا

نِحْلَةً ۗ فَاِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا ﴿۴﴾ وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَآءَ اَمْوَالَكُمُ

بخششی و اگر بدلخواه خویش گذشتند از چیزی از آن برای شما پس بخوریدش گوارا نوش باد و ندهید بکم خردان اموالتان را

الَّتِي جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿۵﴾ وَابْتَلُوا

که آنرا خدا پایداری شما گردانیده است ولیکن خوراک و پوشاک دهیدشان از آن و بگوئید بدیشان گفتاری نیک و بیازمائید

الْيَتَامٰى حَتّٰٓى اِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ ۚ فَاِنْ اٰنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوٓا اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ ۚ وَلَا

یتیمان را تا گاهی که بزناشوئی رسیدند پس اگر یافتید از ایشان خردمندی پس بپردازید بدیشان اموال ایشانرا و

تَاْكُلُوهَآ اِسْرَافًا وَبِدَارًا اَنْ يَكْبَرُوا ۗ وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۚ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا

نخورید آنها را باسراف (بیهوده و گزاف در هزینه) و پیشی جستن که نباید بزرگ شوند و آنکو بی نیاز است خودداری کند و آنکه نیازمند است

فَلْيَاْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ ۗ فَاِذَا دَفَعْتُمْ اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ فَاَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ ۗ وَكَفٰى بِاللّٰهِ حَسِيبًا ﴿۶﴾

باید بخورد بمتعارف و هرگاه دادید بدیشان اموالشانرا پس گواه گیرید برایشان و بس است خدا حسابداری

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

مردانراست بهره از آنچه بازگذارند پدر و مادر و نزدیکان و زنانراست بهره از آنچه بازگذارند پدر و مادر

وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿٧﴾ وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ

و نزدیکان از کم یا بیش آن بهره بایسته و مشخص و اگر حاضر شدند قسمت را نزدیکان

وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٨﴾ وَلْيَخْشَ الَّذِينَ

و یتیمان و بینوایان پس بخورانید شان از آن و بگوئید بدیشان گفتاری نکو و باید بترسند آنانکه

لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿٩﴾

اگر بازگذارند پس از خود فرزندان ناتوانی میترسند برایشان پس بترسند خدارا و بگویند سخنی استوار

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ

همانا آنانکه میخورند اموال یتیمان را بستم جز این نیست که میخورند در شکمهای خویش آتش را و بزودی در آیند

سَعِيرًا ﴿١٠﴾ يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُنَّ نِسَاءً

در آتش افروخته دستور دهد شمارا خدا در باره فرزندان شما که برای نرینه است مانند بهره دو مادینه پس اگر زنانی باشند

فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ

بیش از دو تن برای ایشان است دو ثلث آنچه بازگذارده و اگر یکزن باشد پس برای او است نیم و برای پدر و مادرش هر کدام

وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُن لَّهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ

از آنان است شش یک از آنچه بازگذارده اگر ویرا فرزندی باشد و اگر ویرا فرزندی نباشد وارث برد از او پدر و مادرش

فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ

پس برای مادرش سه یکست و اگر ویرا برادرانی باشند پس مادرش را شش یک است پس از وصیتی که کرده باشد یا

دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ

وامی پدران شما و فرزندان شما ندانید کدامین نزدیکترند بشما در سودمندی بایسته است از خدا همانا خداوند است

كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١١﴾ وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّهُنَّ وَلَدٌ فَإِن كَانَ

دانای حکیم و شمارا است نیمی از آنچه بازگذارند همسران شما اگر نباشد ایشانرا فرزندی و اگر بود

لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا

ایشانرا فرزندی پس برای شما است چهار یک از آنچه بازگذارند پس از وصیتی که کرده باشند یا وامی و ایشانرا است چهار یک از آنچه

تَرَكْتُمْ إِن لَّمْ يَكُن لَّكُمْ وَلَدٌ فَإِن كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُم مِّن

باز گذاردید اگر نباشد شمارا فرزندی و اگر شمارا فرزند باشد پس ایشانرا است هشت یک از آنچه باز گذارید

بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِن كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ وَلَهُ

پس از وصیتی که کنید یا وامی و اگر مردی باشد که ارث برده شود بکلاله (برادران و خواهران) یا زنی باشد که ویرا

أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ فَإِن كَانُوا أَكْثَرَ مِن ذَٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي

برادر یا خواهری باشد پس برای هر کدام است شش یک و اگر باشند بیشتر از این پس آنانند شریکانی در

الثُّلُثِ مِن بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿١٢﴾

ثلث پس از وصیتی که کرده شود و یا وامی نازیان آورنده دستوری است از خدا و خدا است دانای بردبار

تِلْكَ حُدُوْدُ اللّٰهِ ۭ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ يُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ
اینست مرزهای خدا و آنکس که اطاعت کند خدا و پیغمبرش را در آورد ش بباغهائی که جاری است از زیر آنها جویها

خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۭ وَذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۱۳ وَمَنْ يَّعْصِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ وَيَتَعَدَّ حُدُوْدَهٗ
جاودانان در آن و اینست کامیابی بزرگ و آنکس که نافرمانی خدا و پیغمبرش کند و بگذرد از مرزهای او

يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيْهَا وَلَهٗ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ۱۴ وَالّٰتِيْ يَاْتِيْنَ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِّسَآىِٕكُمْ
فرو برد ش در آتشی جاودان ماند در آن و برای او ست عذابی خوار کننده و آنانکه بخشائی آرند از زنان شما

فَاسْتَشْهِدُوْا عَلَيْهِنَّ اَرْبَعَةً مِّنْكُمْ ۚ فَاِنْ شَهِدُوْا فَاَمْسِكُوْهُنَّ فِي الْبُيُوْتِ حَتّٰى يَتَوَفّٰىهُنَّ
پس گواه گیرید بر آنان چهارتن از خودتان پس اگر گواهی دادند نگهدارید ایشانرا (باز دشت کنید شان) در خانها تا برسد شان

الْمَوْتُ اَوْ يَجْعَلَ اللّٰهُ لَهُنَّ سَبِيْلًا ۱۵ وَالَّذٰنِ يَاْتِيٰنِهَا مِنْكُمْ فَاٰذُوْهُمَا ۚ فَاِنْ تَابَا
مرگ یا بگذارد خدا برای ایشان راهی و آن دو مرد از شما را بخشائی آرند آزار شان کنید پس اگر توبه کردند

وَاَصْلَحَا فَاَعْرِضُوْا عَنْهُمَا ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيْمًا ۱۶ اِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللّٰهِ لِلَّذِيْنَ
و بصلاح آیند بگذرید از ایشان اما خداست بسی توبه پذیرنده مهربان جز این نیست که بر خدا پذیرفتن توبه آنانرا ست

يَعْمَلُوْنَ السُّوْۗءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوْبُوْنَ مِنْ قَرِيْبٍ فَاُولٰۗىِٕكَ يَتُوْبُ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ
که بنادانی کردار زشت کنند و سپس بزودی توبه کنند ـ آنانند که بپذیرد خدا توبه ایشانرا و خداست

عَلِيْمًا حَكِيْمًا ۱۷ وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ السَّيِّاٰتِ ۚ حَتّٰٓى اِذَا حَضَرَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ
دانای حکیم و نیست توبه برای آنانکه کردار زشت کنند تا گاهی که بیاید از ایشانرا مرگ فرا رسد

قَالَ اِنِّىْ تُبْتُ الْاٰنَ وَلَا الَّذِيْنَ يَمُوْتُوْنَ وَهُمْ كُفَّارٌ ۭ اُولٰۗىِٕكَ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا
گوید توبه کردم اکنون و نه آنانکه بمیرند و ایشانند کافران آنانرا آماده کردیم برای ایشان عذابی

اَلِيْمًا ۱۸ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا يَحِلُّ لَكُمْ اَنْ تَرِثُوا النِّسَآءَ كَرْهًا ۭ وَلَا
دردناک ای آنانکه ایمان آورده روا نیست شمارا که ارث برید زنان را بناخواه و بازشان

تَعْضُلُوْهُنَّ لِتَذْهَبُوْا بِبَعْضِ مَآ اٰتَيْتُمُوْهُنَّ اِلَّآ اَنْ يَّاْتِيْنَ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ ۚ وَعَاشِرُوْهُنَّ
مدارید ایشانرا از ناشوئی که ببرید پاره آنچه را بدیشان داده‌اید مگر آنکه بیارند بخشائی آشکار و زندگانی کنید

بِالْمَعْرُوْفِ ۚ فَاِنْ كَرِهْتُمُوْهُنَّ فَعَسٰٓى اَنْ تَكْرَهُوْا شَيْـــًٔا وَّيَجْعَلَ اللّٰهُ فِيْهِ خَيْرًا كَثِيْرًا ۱۹
با ایشان بخوبی و اگر خوش نمیدانید آنانرا چه بسا چیزیرا ناخوش دارید و خدا نهد در آن خیری بسیار

وَاِنْ اَرَدْتُّمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ ۙ وَّاٰتَيْتُمْ اِحْدٰىهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَاْخُذُوْا
و اگر خواهید همسری بجای همسری گزینید و داده‌اید یکی از ایشانرا پوست کاوی گنده از زر بایشان نگیرید

مِنْهُ شَيْـــًٔا ۭ اَتَاْخُذُوْنَهٗ بُهْتَانًا وَّاِثْمًا مُّبِيْنًا ۲۰ وَكَيْفَ تَاْخُذُوْنَهٗ وَقَدْ اَفْضٰى
از او چیزی آیا بگیرید بدروغ بستن و گناهی آشکار و چگونه ی گیرید ش و حالیکه رسانده اند

بَعْضُكُمْ اِلٰى بَعْضٍ وَّاَخَذْنَ مِنْكُمْ مِّيْثَاقًا غَلِيْظًا ۲۱ وَلَا تَنْكِحُوْا مَا نَكَحَ اٰبَاۗؤُكُمْ
بعضی از شما ببعضی و گرفته اند از شما پیمانی سخت و همسر نگیرید آنانرا که پدران شما همسر کردند

مِّنَ النِّسَآءِ اِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۭ اِنَّهٗ كَانَ فَاحِشَةً وَّمَقْتًا ۭ وَسَاۗءَ سَبِيْلًا ۲۲ ✳
از زنان مگر آنچه گذشت است که آنست بخشائی و خشم و چه زشت راهی است

حاشیه: جلد اللہ ان جنگیان کہ در دیار ... / آزمان حق جلت عظمتہ کہ ... / بنیاد خیر کردن ... / حدیث کہ ... / ترجمہ ... / ... / ... /

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ اُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَاَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ

حرام شده است بر شما مادران شما و دختران شما و خواهران شما و عمه های شما و خاله های شما

وَبَنَاتُ الْاَخِ وَبَنَاتُ الْاُخْتِ وَاُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي اَرْضَعْنَكُمْ وَاَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَاُمَّهَاتُ

و دختران برادر و دختران خواهر و مادران شما آنانکه شیرتان دادند و خواهران شما در شیر و مادران

نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَاِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ

زنان شما و دخترانی که در دامان شما هستند از زنانی که همبستر شده اید با آنان پس اگر هم بستر نشده باشید

بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ اَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ اَصْلَابِكُمْ وَاَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ

با آنان نیست باکی بر شما و همسران فرزندان شما آنانکه از صلبهای (کمرهای) شما هستند و آنکه جمع کنید میان

الْاُخْتَيْنِ اِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ اِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۲۳﴾ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ اِلَّا

دو خواهر جز آنچه گذشت است همانا خداوند است آمرزنده مهربان و زنان شوهردار مگر

مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَاُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكُمْ اَنْ تَبْتَغُوا بِاَمْوَالِكُمْ

آنچه از آن شماست بملک یمین کتاب خداست بر شما و حلال شد برای شما جز اینان که بمالهای خویش خواستگاری کنید

مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ اُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ

حالیکه شوهران باشید نه زناکاران پس هرچند کامیاب شدید از ایشان بدهید بدیشان مزدهای ایشانرا بواجب و نیست باکی

عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ اِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۲۴﴾ وَمَنْ لَمْ

بر شما در آنچه تراضی کنید بدان پس از واجب همانا خداست دانای حکیم و آنکس که

يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا اَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ

توانائی مالی ندارد از شما که کابین کند زنان آزاد با ایمان را پس از آنچه در ملک یمین شماست

مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ اَعْلَمُ بِاِيمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَانْكِحُوهُنَّ

از کنیزکان با ایمان و خدا داناتر است بایمان شما یک بیک (یا بعضی از شما از بعضی است) پس ازدواج کنید با آنان

بِاِذْنِ اَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ اُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ

باذن خانواده های آنان و بدیشان دهید مزدهای ایشانرا بخوبی حالیکه خویشتن نگهدارندگانند نه زناکاران و نه یار گیرندگان

اَخْدَانٍ فَاِذَا اُحْصِنَّ فَاِنْ اَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ

پس گاهی که شوی کردند اگر فحشائی آوردند بر ایشان است نصف آنچه بر زنان آزاد است

مِنَ الْعَذَابِ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ وَاَنْ تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ

از شکنجه این برای کسی است از شما که رنج عذوبت را ترسد و صبر کردن بهتر است برای شما و خداست آمرزنده

رَحِيمٌ ﴿۲۵﴾ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ

مهربان خدا خواهد بیان کند برای شما و هدایت کند شما را براههای آنانکه پیش از شما بودند و بگذرد از شما و خداست

عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۲۶﴾ وَاللَّهُ يُرِيدُ اَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ اَنْ تَمِيلُوا

دانای حکیم خدا خواهد که بپذیرد توبه شما را و خواهند آنانکه پیروی شهوات کنند که منحرف شوید

مَيْلًا عَظِيمًا ﴿۲۷﴾ يُرِيدُ اللَّهُ اَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخُلِقَ الْاِنْسَانُ ضَعِيفًا ﴿۲۸﴾

انحرافی بزرگ خدا خواهد سبک کند از شما و آفریده شده است انسان ناتوان

الجزء (۵)

والمحصنات را بیشتر مفسران بزنان شوی کرده تفسیر کردند لیکن استثناء بملک یمین از آن مشکل شود چرا که زن شوهردار مطلقا حرام است خواه بنکاح و خواه بملک یمین مگر آنکه شوی کافر ماند و زن اسلام گزیند چنانکه در اسیران اوطاس پیش آمد

مسلمانان زنان فراوانی بغنیمت گرفتند و آنانرا شوهران بدار الحرب بودی پس پیغمبر فرمود بانگ دادند کس با آبستنان نیامیزد تا بار نهند و نه با دیگری از آن زنان مگر با استبراء یعنی آزمودن رحم بیک حیضه فما استمتعتم شکی نیست در دلالت این آیه بر جواز نکاح موجل که متعه نیز نامیده شود و گروهی از صحابه چون ابی بن کعب و عبد الله عباس و عبد الله مسعود و سعید بن جبیر این آیه را بافزودن الی اجل مسمی پس از منهن میخواندند و ثعلبی در تفسیر خویش باسناد از شعبة بن الحکم آورده که از نکاح موقت پرسیده شد و در پاسخ گفت حق همان است که علی علیه السلام گفت لولا نهی عمر عن المتعة ما زنی الا شقی یعنی اگر نبودی نهی

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ

ای آنانکه ایمان آوردید نخورید اموال خویش را میان خویش بناحق مگر آنکه داد و ستدی باشد بر تراضی

مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿۲۹﴾ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ عُدْوَانًا

شما و نکشید همدیگر را همانا خداوند است بشما مهربان و آنکس که این کار را کند به بیداد

وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿۳۰﴾ إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ

و ستم بزودی چشانیمش آتش را و آن است بر خدا آسان اگر دوری کنید از گرانهای آنچه نهی شوید

عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا ﴿۳۱﴾ وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ

از آن بستریم از شما گناهان شما را و در آریمتان جایگاهی ارجمند و آرزو نکنید آنچه را خداوند فزونی داد (برتری داد) است

بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا اكْتَسَبْنَ وَسْئَلُوا

بدان بعضی از شما را بر بعضی مردان راست بهره از آنچه کسب کردند و زنان راست بهره از آنچه کسب کردند و بخواهید

اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿۳۲﴾ وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ

خدا را از فضلش همانا خداست بهمه چیز دانا و برای هر کدام قرار دادیم نزدیکانی که ارث برند از آنچه بجای

الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ عَقَدَتْ أَيْمَانُكُمْ فَآتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

گذارند پدر و مادر و خویشاوندان و آنان را که پیمان بست است سوگندهای شما پس بدهید ایشان را بهره ایشان همانا خداست

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿۳۳﴾ الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا

بر همه چیز گواه مردان ایستادگانند (سرپرستند) بر زنان بدانچه برتری داد خدا بعضی از ایشان را بر بعضی و بدانچه

أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَاللَّاتِي تَخَافُونَ

داده اند از اموال خویش پس زنان شایسته فرمانبردارانند (فروتنانند) خویشتن نگهدارندگانند در نهان بدانچه خدا نگهداشت است و آنان را که بیم

نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ

سرکشیشان دارید اندرز دهید و دوری گزینید از ایشان در بسترها و بزنیدشان پس اگر فرمانبرداری کردند شما را نجویید بر ایشان

سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا ﴿۳۴﴾ وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ

راهی همانا خداوند است برتر بزرگوار و اگر بیم داشتید خلافی میان آنان (زن و شوهر) پس برانگیزید داوری از خاندان مرد

وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا ﴿۳۵﴾ وَاعْبُدُوا

و داوری از خاندان زن تا اگر سازآوردنی خواهند بسازآورد خدا میان ایشان همانا خداست دانای کارآگاه و پرستش کنید

اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ

خدا را و همتا قرار ندهید برای او چیزی و با پدر و مادر نکوئی کنید و با نزدیکان و یتیمان و بینوایان

وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

و همسایه خویشاوند و همسایه بیگانه و یار هم پهلو و راهگذر نیازمند و آنکو شما راست بملک یمین

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا ﴿۳۶﴾ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ

همانا خدا دوست ندارد آنرا که اوست گردنفراز خودخواه (خودستای) آنانکه بخل ورزند و مردم را ببخل ورزی فرمان دهند

وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿۳۷﴾

و پنهان کنند آنچه را خدا بدیشان داده است از فضل خویش و آماده کردیم برای کافران عذابی خوار کننده

وَالَّذِينَ يُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ ۖ وَمَن

وآنانکه دهند اموال خود را برای خودنمائی بمردم وایمان نیارند بخدا وروز بازپسین وآنکس

يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ﴿٣٨﴾ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ

که شیطانش همنشین باشد چه زشتست همنشینی وچه چیز برایشان بود اگر ایمان میاوردند بخدا وروز بازپسین

وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ ۚ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا ﴿٣٩﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ

وببخشیدند از آنچه روزی داده است ایشانرا خدا وخدا بدیشان است دانا همانا خدا ستم نکند بسنگینی ذره ای

وَإِن تَكُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِن لَّدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِن كُلِّ أُمَّةٍ

واگر کردار خوبی باشد دوبرابرش کند وبیارد از نزد خویش پاداشی بزرگ پس چگونه است هنگامی که بیاریم از هر گروهی

بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ شَهِيدًا ﴿٤١﴾ يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ

گواهی وبیاریم ترا بر اینان گواه درآنروز دوست دارند آنانکه کفر ورزیدند ونافرمانی کردند پیمبر را

لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ ۚ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا ﴿٤٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ

کاش یکسان میشدند بازمین ونهان نمیدارند از خدا داستانی را ای آنانکه ایمان آوردید نزدیک نشوید بنماز

وَأَنتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا ۚ وَإِن

حالیکه مست هستید تاآنگاه که بدانید چه میگوئید ونه جنب مگر راهگذری تاآنگاه که غسل کنید واگر

كُنتُم مَّرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا

بیمار باشید یا در سفری یا یکی از شما از آبریز برون آید یا بازنان نزدیکی کنید ونیابید

مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا غَفُورًا

آبی پس آهنگ زمینی پاکیزه کنید وبمالید رویها ودستهای خود را همانا خداست بخشنده آمرزگار

﴿٤٣﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا

آیا ننگریستی بدانان که داده شدند بهره از کتاب را میخرند گمراهی را وخواهند که گم کنید

السَّبِيلَ ﴿٤٤﴾ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا ﴿٤٥﴾ مِّنَ الَّذِينَ

راه را وخدا داناتر است بدشمنان شما وبس است خدا سرپرستی وبس است خدا یاوری از آنانکه

هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَرَاعِنَا

جهودند گروهی برمی گردانند سخنان را از جایهایش وگویند شنیدیم ونافرمانی کردیم وبشنوان ناشنوائی را ورعایت کن ما را

لَيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِي الدِّينِ ۚ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاسْمَعْ وَانظُرْنَا لَكَانَ

بگردانیدن زبانهای خویش وستیزگی در دین واگر آنان میگفتند شنیدیم وفرمان بردیم وبشنوان ومهلت ده ما را هرآینه

خَيْرًا لَّهُمْ وَأَقْوَمَ ۙ وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٤٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

بهتر بود ایشانرا ودرست تر لیکن دورشان کرد خدا بکفرشان پس ایمان نیارند جز اندکی ای آنانکه

أُوتُوا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُم مِّن قَبْلِ أَن نَّطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا

داده شدید کتاب را ایمان آرید بدانچه فرستادیم تصدیق کننده آنچه با شما پیش از آن که باژگون کنیم رویها را پس بازگردانیمشان

عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ ۚ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ﴿٤٧﴾

بسوی پشت یا دور سازیم آنانرا چنانکه دور ساختیم یاران شنبه را وبوده است کار خدا شدنی

لیکن چون آهنگ باز شدن کردند چند گامی نرفته پیمبر آنانرا از پشت سر فرا خواند واین آیت که در همان دم جبرئیل بیاورده بود برایشان برخواند وگفت همانا ما کاری خواستیم وخدای کاری ونکو آن است که خدای بخواست وسپس برفع قصاص فرمود ﴿۴۰﴾ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ ذره مورچه ایست خرد که از خردی بچشم نیاید ونیز گفتند ذرات اجزاء شناوریست که بهنگام تابیدن خورشید از روزن بدرون خانه دیده شود ﴿۴۱﴾ شَهِيدًا چون عبدالله مسعود این آیه بر پیمبر بخواند دیدگانش پر از اشک شد ﴿۴۸﴾ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ وحشی را پاداش قتل حمزه وعده آزاد کردن داده بودند وچون نگریست که با او وفا نکردند از کردار خود پشیمان گشت واو با چند کس دیگر از بزهکاران نامه به پیمبر نوشتند که ما باز نمیدارد از اسلام مگر آنکه میشنیدیمت آنگاه که بمکه بودی آیه وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ میخواندی وما هم با خدا دیگری خواندیم وهم نفس محترمه بکشتیم وهم زنا کردیم پس پیمبر در پاسخ ایشان آیه إِلَّا مَن تَابَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ

همانا خدا نمیامرزد که شرک بدو ورزیده شود و میآمرزد هرچه کمتر از آن باشد برای هرکس که خواهد و هرکه شرک ورزد بخدا همانا

افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ﴿۴۸﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنْفُسَهُمْ ۚ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ

دروغ بست است گناهی بزرگ را آیا ندیدی آنانرا که خویشتن را ستایند (پاک شمرند) بلکه خدا ستوده دارد (پاک کند) هرکه را خواهد و ستم نشوند

فَتِيلًا ﴿۴۹﴾ انْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ ۖ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُبِينًا ﴿۵۰﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا

باندازه رشته که میان هسته خرماست بنگر چگونه بر خدا دروغ می بندند و بس است آن گناهی آشکار آیا نه بینی آنانرا که داده شدند

نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَٰؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ

بهره را از کتاب ایمان آرند بجبت و طاغوت و گویند بدانانکه کفر ورزیدند که اینان رهبرنده ترند از

الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا ﴿۵۱﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ ۖ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ﴿۵۲﴾

آنانکه ایمان آوردند راه را آنانند که دور گردشان خدا و کسیکه دور سازدش خدا نیابی برای او یاوری را

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذًا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا ﴿۵۳﴾ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ

یا ایشانراست بهره از فرمانروائی که در آن هنگام ندهند بمردم پشیزی را یا رشک برند مردم را بدانچه

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۖ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴿۵۴﴾

خدا از فضل خویش بدانان داده است همانا دادیم بخاندان ابراهیم کتاب و حکمت را و دادیم بدیشان پادشاهی بزرگ را

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ ۚ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ﴿۵۵﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا

پس از ایشانست آنکه ایمان بدان آورده است و از ایشان است آنکه باز داشته است از آن و بس است دوزخ آتشی سوزان همانا آنانکه کفر ورزیدند بآیتهای ما

سَوْفَ نُصْلِيهِمْ نَارًا ۚ كُلَّمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَّلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا

بزودی چشانیمشان آتشی که هرگاه پخته شود پوستهای ایشان جایگزین گردانیمشان پوستهای دیگری تا بچشند

الْعَذَابَ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۵۶﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

عذاب را همانا خداوند است عزتمند حکیم و آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند

سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ

بزودی در آریمشان باغهائی که جاری است از زیر آنها جویها جاودانان در آنها همیشه برای ایشان است در آنها همسرانی پاکیزه

وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ﴿۵۷﴾ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا

و در آریمشان در سایه سایه افکن همانا خدا فرمانتان دهد که باز گردانید سپرده ها را باهل آنها و اگر

حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۚ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

داوری کنید میان مردم آنکه داوری کنید بداد چه خوب است آنچه خدا اندرز دهد شما را بدان همانا خداوند است

سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿۵۸﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ

شنونده بینا ای آنانکه ایمان آوردید فرمانبرید خدا و رسول را و اولیاء امر (کارداران) را

مِنْكُمْ ۖ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ

از شما و اگر در چیزی باهم ستیزه کردید بخدا و رسولش باز گردانید اگر هستید

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿۵۹﴾

ایمان آورنده بخدا و روز آخر این بهتر است و نکوتر در فرجام

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا

آیا ندیدی کسانی را که پندارند آنکه ایمان آوردند بآنچه بسوی تو فرستاده شد و آنچه پیش از تو فرستاده شد خواهند داوری برند

إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا

بسوی سنگر و حالیکه امر شدند که کفر ورزند بدو وخواهد شیطان که گمراهشان سازد گمراهی

بَعِيدًا ﴿۶۰﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ

دور و اگر گفته شود بدیشان که بیائید بسوی آنچه خدا فرستاده است وبسوی رسول بینی منافقان را

يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ﴿۶۱﴾ فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ

که باز میدارند از تو باز دشمنی پس چگونه تابند اگر پیش آمدی بدیشان رسد بواسطه آنچه دستهاشان پیش فرستاده است

ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا إِحْسَانًا وَتَوْفِيقًا ﴿۶۲﴾ أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ

آیند نزد تو سوگند خورند که نخواستیم ما جز نکوکاری و کارسازآوردن را آنانند که خدا میداند

مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا ﴿۶۳﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا

آنچه در دلهای ایشان است پس روی گردان از ایشان واندرز ده ایشان را وبگو بایشان بدلهای ایشان گفتاری رسا و نفرستادیم

مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ

پیمبری را مگر تا اطاعت شود باذن خدا و اگر ایشان گاهی که بخود ستم روا میدانند میآمدند نزد تو و آمرزش میجستند از خدا

وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا ﴿۶۴﴾ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ

و آمرزش میجست برای ایشان پیمبر هماینا یافتند خدا را بسی توبه پذیر و مهربان نه چنین است پیمبر و در کار نمی کنند ایمان ندارند مگر تو را داور

فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿۶۵﴾

در آنچه سرزده است میانشان و پس یابند در دلهای خویش چاره از آنچه تو قضاوت کرده و تسلیم شوند تسلیم شدنی

وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنِ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوِ اخْرُجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ

و اگر ما مینوشتیم بر ایشان که بکشید همدیگر را یا بروید از شهرهای خود نمیکردند نمیکردند جز کمی از ایشان

وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا ﴿۶۶﴾ وَإِذًا لَآتَيْنَاهُمْ

و اگر میکردند آنچه را پند داده میشدند هرآینه برای آنان بهتر بود و سخت استوارتر و در آنهنگام میدادیشان

مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا ﴿۶۷﴾ وَلَهَدَيْنَاهُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿۶۸﴾ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ

از نزد خویش مزدی بزرگ و هرآینه مینمودیم بدیشان براهی راست و آنکس که اطاعت کند خدا و پیمبر را

فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ

هماناآنان با کسانند که خدا نعمت بدیشان داده است از پیمبران و راستگویان و کشتگان راه خدا

وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا ﴿۶۹﴾ ذَلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا ﴿۷۰﴾

و شایستگان و چه نیکو رفیقانند این است فزونی از خدا و بس است خدا دانا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوِ انْفِرُوا جَمِيعًا ﴿۷۱﴾ وَإِنَّ مِنْكُمْ

ای آنانکه ایمان آوردید برگیرید اسلحه خویش را پس کوچ کنید دسته دسته یا کوچ کنید باهم و هماناازشما

لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ فَإِنْ أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالَ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا ﴿۷۲﴾

آنکه بسستی ورزد کارکند پس اگر بمیشادی بشارسد گوید خدا این نعمت داد که نشدم باایشان گشته

وَلَئِنْ اَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللّٰهِ لَيَقُولَنَّ كَاَنْ لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَا لَيْتَنِي

واگر فضلی از خدا بشما رسد بگوید چنانکه تو گوئی هرگز بین تو واو دوستی نبوده کاش

كُنْتُ مَعَهُمْ فَاَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ﴿۷۳﴾ فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا

باشما بودم تا بهره‌مند میشدم ببهرهٔ بزرگ پس باید نبرد کند در راه خدا آنان را که میفروشند زندگانی دنیا را

بِالْاٰخِرَةِ ؕ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَيُقْتَلْ اَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ اَجْرًا عَظِيمًا ﴿۷۴﴾ وَمَا لَكُمْ

بآخرت وکسیکه پیکار کند در راه خدا پس کشته شود یا پیروز گردد بزودی دهیمش پاداشی گران وچیست شما را

لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ

که پیکار نمیکنید در راه خدا و ناتوانان از مردان و زنان و کودکانی که گویند

رَبَّنَا اَخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اَهْلُهَا ۚ وَاجْعَلْ لَّنَا مِنْ لَّدُنْكَ وَلِيًّا ۚ وَاجْعَلْ لَّنَا

پروردگارا برون کن ما را از این شهری که ستمکرند مردمش وقرار ده برای ما از نزد خود سرپرستی وقرار ده برای ما

مِنْ لَّدُنْكَ نَصِيرًا ؕ ﴿۷۵﴾ اَلَّذِينَ اٰمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي

از نزد خود یاوری آنانکه ایمان آورده‌اند پیکار کنند در راه خدا وآنانکه کفر ورزیده‌اند پیکار کنند در

سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا اَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ ۚ اِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ﴿۷۶﴾ اَلَمْ تَرَ

راه ستمگر پس پیکار کنید با یاران شیطان همانا نیرنگ شیطان است ناتوان آیا ننگریستی

اِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا اَيْدِيَكُمْ وَاَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ ۚ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ اِذَا

بدانان که بدیشان گفته شد باز دارید دستهای خود را و بپا دارید نماز را و بدهید زکوة را تا گاهیکه برایشان جنگ نوشته شد ناگهان

فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللّٰهِ اَوْ اَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ

گروهی از ایشان ترسند مردم را مانند ترسیدن خدا یا سخت تر و گفتند پروردگارا چرا جنگ

عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا اَخَّرْتَنَا اِلٰى اَجَلٍ قَرِيبٍ ؕ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ ۚ وَالْاٰخِرَةُ خَيْرٌ

برما نوشتی کاش ما را مهلت میدادی تا سرآمدی نزدیک بگو کامیابی دنیا است اندک وآخرت بهتر است

لِّمَنِ اتَّقٰى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿۷۷﴾ اَيْنَ مَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي

برای آنکه پرهیزکاری کند وستم بر شما نشود بمقدار تاری که در هستهٔ خرماست هرجا باشید دریابد شما را مرگ واگرچه در دژهای

بُرُوجٍ مُّشَيَّدَةٍ ؕ وَاِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هٰذِهِ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ۚ وَاِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ

استوار باشید واگر بدیشان خوشی رسد گویند این از نزد خداست واگر بدی بدیشان رسد

يَقُولُوا هٰذِهِ مِنْ عِنْدِكَ ؕ قُلْ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ فَمَالِ هٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا يَكَادُونَ

گویند این از نزد تو است بگو همه از نزد خداست پس چه شود این گروه را نزدیک نیستند

يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ﴿۷۸﴾ مَا اَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ ۖ وَمَا اَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ

دریابند سخنی را آنچه ترا از نکوئی رسد همانا از نزد خداست وآنچه از بدی رسدت از

نَّفْسِكَ ؕ وَاَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيدًا ﴿۷۹﴾ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ

خویشتن است وفرستادیم ترا برای مردم پیمبری وبس است خداوند گواه آنکس که اطاعت پیمبر کند

فَقَدْ اَطَاعَ اللّٰهَ ۚ وَمَنْ تَوَلّٰى فَمَا اَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ؕ ﴿۸۰﴾

خدا را اطاعت کرده است وآنکس که پشت کند همانا نفرستادیمت برایشان نگهبان

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ

گویند اطاعت ولی گاهی که برون روند از نزد تو درون پرورانند گروهی از ایشان غیر آنچه را که گویند و خدا

يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٨١﴾ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ

مینویسد آنچه را نهان میدارند پس روی گردان از ایشان و توکل کن بر خدا و بس است خداوند وکیل آیا تدبر (بررسی) نمیکنند

الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ﴿٨٢﴾ وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ

قرآن را و اگر میبود از نزد غیر از خدا همانا مییافتند در آن اختلافی بسیار و هرگاه برسد شان امری در بارهٔ امنیت

أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ

یا ترس فاش کنندش و اگر باز میگردانیدند آنرا بسوی پیمبر و بسوی اولیاء امر (کارداران) خویش همانا میدانستندش آنانکه استخراجش میکردند

مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٣﴾ فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ

از ایشان و اگر نبود فضل خدا و رحمت او بر شما همانا پیروی میکردید شیطان را مگر کمی پس نبرد کن در راه

اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا

خدا تکلیف نشود جز خودت و برانگیز مؤمنان را امید است خدا باز دارد نیروی آنانرا که کفر ورزیدند

وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا ﴿٨٤﴾ مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ

و خدا است سخت نیروتر و سخت تر بشکنجه کسیکه شفاعت نیکی کند او راست بهره

مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا ﴿٨٥﴾ وَإِذَا

از آن و کسیکه شفاعت بدی کند او راست بهره از آن و خدا است بر همه چیز نگهبان و هرگاه

حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ﴿٨٦﴾ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ

بشما درود گفته شود درود گوئید بهتر از آن یا همانرا برگردانید همانا خداوند است بر همه چیز حسابگر خدا نیست خداوندی

إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا ﴿٨٧﴾ فَمَا لَكُمْ

جز او گرد آورندهٔ شما است بروز قیامت نیست شکی در آن و کیست راستگوتر از خدا در سخن چیست شما را

فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ

که در بارهٔ منافقین بر دو گروهید حالیکه خدا برگردانیدستشان بدانچه دست آوردند آیا خواهید هدایت کنید آنرا که گمراه کرده است خدا و آنکس

يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿٨٨﴾ وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا

که گمراهش کند خدا نیابی برای او راهی دوست داشتند شما نیز مانند ایشان کافر شوید تا باهم همانند گردید پس نگیرید

مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ

از ایشان دوستانی تا هجرت کنند در راه خدا و اگر روی گردانیدند بگیرید شان و بکشید شان هر کجا بیابید شان

وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿٨٩﴾ إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ

و نگیرید از ایشان دوست و نه یاوری مگر آنانکه بپیوندند با گروهی که میان شما و ایشان است پیمانی یا

جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ

بیایند شما را حالیکه تنگ آمده باشد سینه های ایشان از آنکه نبرد کنند با شما یا نبرد کنند با قوم خود و اگر میخواست خدا همانا مسلط میساختشان بر شما

فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ﴿٩٠﴾

تا جنگ کنند با شما ولی اگر کناره گیری کردند از شما و نبرد نکردند با شما و دست صلح بسوی شما دراز کردند همانا قرار نداده است خدا برای شما بر ایشان راهی

لا تکلف الا نفسک ۸۴ ابوسفیان چون از جنگ احد باز میگشت با کاروانی پیغمبر پیام داد که میعاد جنگ آینده موسم بدر صغری است و آن بازاری بود که در ماه ذوالقعدة بپای شدی و چون موعد فرا رسید پیغمبر در برانگیختن مردم سخت بکوشید لیکن جز سرگرانی و سنگینی از ایشان ندید تا این آیت فرود آمد پس خویش با هفتاد سوار که اجابتش کردند بمیعادگاه شد و بماند تا موعد سپری گشت و ابوسفیان نیامد و او با یاران بازگشتند ۸۵ من یشفع مقصود کسی است که مردم را بکارزار برانگیزاند چه هر کس دیگری را بر سرفرازی و رستگاری

حزب (۳)

بیانگیزاند و بجهاد فرستد بدو نیز بهره از ثواب رسد و آنکو دیگری را از آن باز دارد همانا در ننگ و گناه او شریک و سهیم باشد ۸۶ بتحیة شیوهٔ برخورد با کسان باز نمود تا خوشروئی را بهانهٔ نزدیکی بدشمنان نسازند و نه آداب معاشرت را از بهر اختلاف مسلک فرو گذارند و بترشروئی و تلخی خو نگیرند و نیز تا بدانند که خوشخوئی و مردم داشتن از چاپلوسی

سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّمَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا
بزودی یابید دیگرانی را که خواهند ایمن باشند از شما و ایمن باشند از قوم خویش هرگاه خوانده شوند بسوی آشوبی بیفتند

فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ
در آن پس اگر دور نشوند از شما و آشتی نکنند و باز ندارند دستهای خود را پس بگیرید ایشان را و بکشید شان

حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿۹۱﴾ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ
هرجا یابید شان و آنانرا قرار دادیم برای شما بر ایشان فرمانروائی آشکار ونیست برای مؤمنی

أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ
که بکشد مؤمنی را مگر بخطا و کسیکه بکشد مؤمنی را بخطا بکشد براو است آزاد کردن بنده مؤمنی ودوبهائی که پرداخت شود

إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ
بخانواده اش مگر آنکه تصدق کنند واگر از گروهی باشد که دشمن شما هستند واو مؤمن باشد پس آزاد کردن بنده مؤمنی

وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ
واگر از گروهی باشد که میان شما و ایشان است پیمانی پس دیتی پرداخت شده بخویشان او وآزاد ساختن بنده

مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۹۲﴾
مؤمن وآنکس که ندارد پس روزه دو ماه پی درپی توبه است از نزد خدا وخداست دانای حکیم

وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ
وکسیکه بکشد مؤمنی را دانسته وخواسته پس کیفرش دوزخست جاودان در آن وخشم آورد خدا براو ودور کند وآماده کند برای او

عَذَابًا عَظِيمًا ﴿۹۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى
عذابی بزرگ ای آنانکه ایمان آوردید هرگاه در راه خدا سفر کردید رسیدگی کنید وگوئید بدانکس که از در

إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ
آشتی باشما در آمد طلب نیستی مؤمن خواهید بهره زندگانی دنیارا ونزد خداست خواسته های فراوان چنین بودید

كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿۹۴﴾ لَا يَسْتَوِي
پیش از این پس منت نهاد خدا برشما پس رسیدگی کنید که خداوند است بدانچه میکنید آگاه یکسان نیستند

الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ
بازنشستگان از مؤمنان که زمردیج دارند باکوشش گران در راه خدا بمالها و جانهای خویش

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى
برتری داد خدا کوشش کنندگان را بمالها وجانهای خود برنشستگان از جنگ درپایه وهرکدام را نویده نکوئی داد است

وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿۹۵﴾ دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ
وفزونی داد خدا لازم دهندگان را برخانه نشینان پاداشی گران پایه هائی از نزد خود وآمرزش ورحمتی

اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۹۶﴾ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ
وخداوند است آمرزنده مهربان همانا آنانکه دریابند شان فرشتگان ستمکنندگان برخویشتن گویند در چه بودید گویند بودیم ناتوانانی

فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿۹۷﴾
در زمین گویند آیا نبود زمین خدا پهناور تا مهاجرت کنید در آن آنان جایگاهشان دوزخست چه بد بازگشتگاهی است

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ
مگر ناتوانان از مردان وزنان وکودکانی که نه چاره توانند و نه راه بجائی
سَبِيلًا ﴿٩٨﴾ فَأُولَٰئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا ﴿٩٩﴾ وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي
برند که ایشانرا امید است خدا درگذرد ازایشان و خداست بخشنده آمرزگار وکسیکه هجرت کند در
سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ
راه خدا بیابد درزمین هجرتگاهی بسیار وگشایشی وکسیکه برون آید ازخانه خویش هجرت کننده بسوی خدا ورسول
ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٠٠﴾ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ
پس دریابدش مرگ هانا مزدش برخدا افتاد و خداست آمرزنده مهربان و هرگاه سفر کنید
فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ
باکی نیست برشما که کوتاه کنید نمازرا اگر بترسید که بتابند برشما آنانکه کفر ورزیدند زیرا
الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا ﴿١٠١﴾ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ
کافرند برای شما دشمنی آشکار واگر میان ایشان بودی وبپایه داشتی برای ایشان نمازرا پس بایستد گروهی
مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَىٰ
ازایشان باتو وبرگیرند اسلحه خودرا تاهرگاه بسجود روند باشند پشت سرشما وبیایند گروهی دیگر
لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ
که نماز نگذارده اند پس نماز بگذارند باتو وبردارند باخود اسلحه و آمادگی خویش را دوست داشتند آنانکه کفر ورزیدند کاش غفلت میکردید از
أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ
از خواسته ها واسلحه خود تاتاخت آرند برشما یک تاختن وباکی نیست برشما اگر
أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ
آزاری از باران باشد یا بیمار باشید که بگذارید سلاحهای خودرا وبرگیرید بیمناکی وآمادگی خویش را همانا خدا آماده کرده است
لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿١٠٢﴾ فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَاذْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ
برای کافران عذابی خوارکننده پس گاهی که بجای آوردید نمازرا یادکنید خدارا ایستادگان ونشستگان وبرپهلوهای خویش
فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا ﴿١٠٣﴾ وَلَا تَهِنُوا
سپس گاهی که دل آسوده شدید بپایه دارید نمازرا همانا نماز بر مؤمنان نوشته بایسته سستی
فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ
درجستجوی دشمن اگر رنج میکشید همانا رنج میبرند ایشان چنانکه رنج میبرید شما وامید دارید از خدا آنچرا امید ندارند
وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١٠٤﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا
و خداست دانای حکیم همانا فرستادیم کتابرا بسوی تو بحق تاحکومت کنی میان مردم بدانچه
أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا ﴿١٠٥﴾ وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿١٠٦﴾
نمایاند ترا خدا و نباش برای خیانتکاران ستیزه گری واز مرزش خواه ازخدا که خداست آمرزنده مهربان
وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا ﴿١٠٧﴾
وستیزه مکن ازآنانکه باخود خیانت میورزند زیرا خدا دوست ندارد آنرا که خیانت کننده گنهکار است

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ

نهفتگی جویند از مردم و نهفتگی نمیجویند از خدا و حال آنکه او با ایشان است هنگامی که درون میپرورانند آنچه را خوش ندارد از گفتار

وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ﴿۱۰۸﴾ هَا أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَمَنْ يُجَادِلُ

و خدا است بدانچه میکنید فراگیرنده اینک شما از ایشان دفاع کردید در زندگانی دنیا پس کیست تا خدا را دفاع

اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ﴿۱۰۹﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ

کند از ایشان روز قیامت یا کیست که باشد بر ایشان وکیل و کسیکه بکاری زشت بپردازد یا ستم کند بر خویشتن

ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۱۱۰﴾ وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَكَانَ

و سپس از خدا آمرزش خواهد بیابد خداوند را آمرزنده مهربان و کسیکه گنهی فراهم آرد همانا بر خویشتن آورده است

اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿۱۱۱﴾ وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا

و خدا است دانای حکیم و کسیکه فراهم کند لغزش یا گنهی را سپس بسوی کسیکه بیزار باشد افکندش همانا بار کرده است بر خود تهمتی

وَإِثْمًا مُبِينًا ﴿۱۱۲﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ

و گناهی آشکار را و اگر نبود فضل خدا و رحمتش بر تو همانا آهنگ کردند گروهی از ایشان که گمراهت کنند

وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

و گمراه نکنند جز خویشتن را و زیانت نرسانند بچیزی و فرستاد خدا بر تو کتاب و حکمت را

وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿۱۱۳﴾ لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ

و بیاموخت آنچه را ندانستی و همانا فضل خدا است بر تو بزرگ نیست نیکی در بسیاری از

نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ

رازگوئیشان جز آنکه امر کند بصدقه یا نیکی یا کارسازی میان مردم و آنکس که این کار را کند

ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿۱۱۴﴾ وَمَنْ يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا

از پی خوشنودی خدا بزودی دهیمش پاداشی بزرگ و آنکس که مخالفت کند با پیمبر پس از آنکه

تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ

پدید آرشد برایش هدایت و پیروی کند غیر از راه مؤمنان را رسانیمش بدانچه دوست دارد و افکنیمش در دوزخ و چه بد

مَصِيرًا ﴿۱۱۵﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ

بازگشتگاهی است همانا خدا نمیآمرزد آنکه شرک ورزیده شود بدو و میآمرزد جز آنرا برای هر کس خواهد و کسیکه شرک ورزد

بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿۱۱۶﴾ إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا

بخدا همانا گمراه شده است گمراهی دور نمی خوانند جز او مگر مادگانی را و نمی خوانند جز

شَيْطَانًا مَرِيدًا ﴿۱۱۷﴾ لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ﴿۱۱۸﴾ وَلَأُضِلَّنَّهُمْ

شیطانی گردنکش را که دورش کرده است خدا و گفت هر آینه بگیرم از بندگان تو بهره معین را و همانا گمراهشان کنم

وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ

و بآرزوشان افکنم و بفرمایمشان که بشکافند گوشهای چهارپایان را و بفرمایمشان که برگردانند آفرینش

اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا ﴿۱۱۹﴾

خدا را و کسیکه شیطان را بدوستی گزیند جز خدا همانا زیان کرده است زیانی آشکار



يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ ۖ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢٠﴾ أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ

نوید شان دهد و بآرزو شان افکند و نوید شان ندهد شیطان مگر فریب (سرگرمی) آنان جایگاهشان دوزخ است

وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا ﴿١٢١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ

و نیابند از آن چاره‌ای و آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند بزودی در آریشان باغهائی

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا ۖ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا ﴿١٢٢﴾

که جاری است در آنها جویها جاودانان در آن همیشه وعدهٔ خدا بدرست و کیست راستگوتر از خدا در سخن

لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِيِّ أَهْلِ الْكِتَابِ ۗ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ

نیست بدلخواه شما و نه بدلخواه اهل کتاب هر کس کردار زشت کند کیفر شود بدان و نیابد برای خویشتن از

اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٢٣﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ

خدا یار و نه یاوری و آنکس که کردارهای شایسته کند مرد یا زن و او مؤمن باشد آنان

يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا ﴿١٢٤﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ

بهشت در آیند و ستم بر ایشان نشود باندازهٔ منقار گاهی و کیست بهدین تر (نکوتر دین) از آنکس که روی بخدا آورد و او نکوکار باشد

وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۗ وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا ﴿١٢٥﴾ وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ

و پیروی کند آئین ابراهیم یکتا پرست را و برگرفت خدا ابراهیم را دوستی و خدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است

وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا ﴿١٢٦﴾ وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ ۖ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ

و خداوند است بهمه چیز فراگیرنده پرسندت در بارهٔ زنان بگو خدا دستور دهد شما را در بارهٔ ایشان و آنچه خوانده شود

عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتَامَى النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ

بر شما در کتاب در بارهٔ یتیمان زنانی که نمیدهید شان آنچه نوشته شده است برای ایشان و خوش ندارید که

تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الْوِلْدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا

زناشوئی کنید با ایشان و ناتوانان از کودکان و آنکه قیام کنید در بارهٔ یتیمان بداد و هرچه

تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ﴿١٢٧﴾ وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا

کنید از نیکی همانا خداوند است بدان دانا و اگر زنی ترسید از شوی خویش

نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا ۚ وَالصُّلْحُ خَيْرٌ ۗ

ناسازگاری یا روی گردانی را پس باکی بر آنان نیست که آشتی افکنند میان خویش آشتی و آشتی بهتر است

وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ ۚ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ

و جانها را فرا آورده شد بخل و اگر نکوکاری و پرهیزکاری کنید همانا خدا بدانچه کنید

خَبِيرًا ﴿١٢٨﴾ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ

دانا است و هرگز نتوانید دادگری کنید میان زنان و گرچه آرزومند آن باشید پس کج نشوید با همه خواست

الْمَيْلِ فَتَذَرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ ۚ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا

خود بیکسوی تا او را باز گذارید مانند آویخته و اگر اصلاح کنید و پرهیزکاری کنید همانا خداوند است آمرزنده

رَحِيمًا ﴿١٢٩﴾ وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ﴿١٣٠﴾

مهربان و اگر جدا شوند (زن و شوهر از همدیگر) خدا بی‌نیاز کند هر کدام را از گشایش خویش و خدا است گشایشمند حکیم

واتخذ الله ابراهیم خلیلا ابراهیم که در میهمان نوازی و اطعام درویشان بی مواجب و چنان افتاد که خشکسالی پدید آمد و وی بسوی مصر رفت تا از دوستی که او را بود طعامی بستاند ولی از آن دست بهره مند نشد و نومید باز گشت در راه بریگستانی رسید و با خود اندیشید بهتر است از این ریگها بارها بیاگنم و با خود ببرم باشد از نکوهش مردم و شرمساری نزد اهل در آغاز و در دو پرهم پس چنان کرد و بخانه باز شد و بار بنهاد و لختی از کوفتگی و ماندگی بیاسود و بخفت و چون بیدار گشت خوردنی بنزد او آوردند از آن پرسید گفتند از بارهای تو است که از نزد دوست مصری همراه آوردی برگشتیم و این طعام بساختیم ابراهیم در دم راز بیافت و بدانست و گفت راست است که آن بار از نزد دوستم بیاوردم ولیکن نه دوست مصری

یستفتونک در بارهٔ دختران یتیم است که در حجر تربیت کسان باشند و چون زیبائی ندارند بزنان شوهر نگیرند لیکن از بهر خواسته که آنان را است هم در سر ایشان نگه میدارند تا چون مرد ندارند ایشان را نشوزا رخت محمد بن مسلمه جفت رافع بن

وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ؕ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ

و برای خداست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین و همانا اندرز دادیم آنانرا که داده شدند کتاب را پیش از شما

وَاِيَّاكُمْ اَنِ اتَّقُوا اللّٰهَ ؕ وَاِنْ تَكْفُرُوْا فَاِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ غَنِيًّا

و شما که بترسید خدارا و اگر کفر ورزید همانا برای خداست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین و خداست بی‌نیاز

حَمِيْدًا ﴿۱۳۱﴾ وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ؕ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَكِيْلًا ﴿۱۳۲﴾ اِنْ يَّشَاْ

ستوده و خداراست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین و بس است خداوند وکیل (کارگذار) اگر بخواهد

يُذْهِبْكُمْ اَيُّهَا النَّاسُ وَيَاْتِ بِاٰخَرِيْنَ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى ذٰلِكَ قَدِيْرًا ﴿۱۳۳﴾ مَنْ كَانَ

ببرد شما را ای مردم و میآورد دیگرانرا و خداوند است بر آن توانا کسیکه

يُرِيْدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ ؕ وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيْعًا بَصِيْرًا

بخواهد پاداش دنیا را همانا نزد خداست پاداش دنیا و آخرت و خداست شنونده بینا

﴿۱۳۴﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُوْنُوْا قَوّٰمِيْنَ بِالْقِسْطِ شُهَدَآءَ لِلّٰهِ وَلَوْ عَلٰۤى اَنْفُسِكُمْ

ای آنانکه ایمان آوردید باشید قیام کنندگان بداد (یا نگهبانان برداد) گواهانی برای خدا هرچند بر خویشتن

اَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ ۚ اِنْ يَّكُنْ غَنِيًّا اَوْ فَقِيْرًا فَاللّٰهُ اَوْلٰى بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا

یا پدر و مادر و نزدیکان اگر بی‌نیاز یا نیازمند باشد همانا خدا سزاوارتر است بدانان پس پیروی

الْهَوٰۤى اَنْ تَعْدِلُوْا ۚ وَاِنْ تَلْوٗۤا اَوْ تُعْرِضُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا ﴿۱۳۵﴾

هوس نکنید تا کج شوید و اگر سرپیچید یا روی گردانید همانا خداست بدانچه میکنید آگاه

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَالْكِتٰبِ الَّذِيْ نَزَّلَ عَلٰى رَسُوْلِهٖ وَالْكِتٰبِ

ای آنانکه ایمان آوردید ایمان آرید بخدا و پیمبرش و کتابی که فرستاد بر پیمبرش و کتابی

الَّذِيْۤ اَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ ؕ وَمَنْ يَّكْفُرْ بِاللّٰهِ وَمَلٰٓئِكَتِهٖ وَكُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ

که فرستاده است از پیش و کسیکه کفر ورزد بخدا و فرشتگان و کتابهایش و پیمبرانش و بروز بازپسین

فَقَدْ ضَلَّ ضَلٰلًۢا بَعِيْدًا ﴿۱۳۶﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا ثُمَّ اٰمَنُوْا ثُمَّ كَفَرُوْا ثُمَّ

همانا گمراه شده است گمراهی دور همانا آنانکه ایمان آوردند پس کافر شدند و سپس ایمان آوردند و پس کافر شدند پس

ازْدَادُوْا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللّٰهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيْلًا ؕ ﴿۱۳۷﴾ بَشِّرِ الْمُنٰفِقِيْنَ

فزونی یافتند در کفر نیست خدا آمرزنده ایشان و نه راهنمایشان کند براهی مژده ده منافقان (مردم دوروی)

بِاَنَّ لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ۙ ﴿۱۳۸﴾ الَّذِيْنَ يَتَّخِذُوْنَ الْكٰفِرِيْنَ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ ؕ اَيَبْتَغُوْنَ

را که برای آنان است شکنجه دردناک آنانکه میگیرند کافران را دوستانی جز مؤمنان آیا

عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَاِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيْعًا ؕ ﴿۱۳۹﴾ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتٰبِ اَنْ اِذَا

نزد آنان عزت را جویند همانا عزت از آن خداست همگی و همانا فرود آورده است بر شما در کتاب که اگر

سَمِعْتُمْ اٰيٰتِ اللّٰهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَاُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوْا مَعَهُمْ حَتّٰى يَخُوْضُوْا فِيْ حَدِيْثٍ غَيْرِهٖۤ

شنیدید بآیتهای خدا کفر ورزی میشود یا استهزاء میشود بدانها نه نشینید با ایشان تا فرو روند در سخنی غیر از آن

اِنَّكُمْ اِذًا مِّثْلُهُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ جَامِعُ الْمُنٰفِقِيْنَ وَالْكٰفِرِيْنَ فِيْ جَهَنَّمَ جَمِيْعًا ۙ ﴿۱۴۰﴾ ✻

که شمایید در آنهنگام مانند ایشان همانا خداست گرد آورنده منافقان و کافران در دوزخ همگی

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ
آنانکه انتظار بشما می‌کشند تا اگر شما را پیروزی (گشایشی) از خدا باشد گویند آیا نبودیم با شما و اگر

لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ
کافران را بهره بود گویند آیا چیرگی نورزیدیم بر شما و نگاهداری نکردیم شما را از مؤمنان پس خدا حکم کند بین شما

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا ﴿۱۴۱﴾ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ
روز رستاخیز و هرگز قرار ندهد خدا برای کافران بر مؤمنان راهی همانا منافقان نیرنگ ورزند

اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ
با خدا و او است فریب دهنده ایشان و هرگاه برخیزند بسوی نماز برخیزند سرگران خودنمائی کنند بمردم و یاد نکنند خدا را

إِلَّا قَلِيلًا ﴿۱۴۲﴾ مُذَبْذَبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَنْ
جز اندکی سرگردانند میان این نه بسوی آنانند و نه بسوی اینان و کسیرا که خدا گمراه کند

تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا ﴿۱۴۳﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ
نیابی برای او راهی ای آنانکه ایمان آوردید نگیرید کافران را دوستانی جز مؤمنان

أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ﴿۱۴۴﴾ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ
آیا خواهید قرار دهید برای خدا بر خویشتن دستاویزی آشکار همانا منافقان در پایه فرودینند

مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا ﴿۱۴۵﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا
از آتش و نیابی برای ایشان یاوری مگر آنانکه توبه کردند و اصلاح نمودند و بخدا چنگ زدند (نگهداری از خدا خواستند) و پاک

دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿۱۴۶﴾ مَا يَفْعَلُ
کردند دین خود را برای خدا پس آنانند با مؤمنان و بزودی میدهد خدا مؤمنان را پاداشی بزرگ چه میکند

اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا ﴿۱۴۷﴾ لَا يُحِبُّ اللَّهُ
خدا بعذاب شما اگر سپاسگذارید و ایمان آرید و خدا است شکر پذیرنده دانا دوست ندارد خدا

الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظُلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ﴿۱۴۸﴾ إِنْ تُبْدُوا خَيْرًا
بلند سخن گفتن را بگفتار زشت جز آنکس که ستم بر او شده است و خدا است شنونده دانا اگر آشکار کنید نیکی را

أَوْ تُخْفُوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ﴿۱۴۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ
یا نهان دارید یا گذشت کنید از زشتی همانا خدا است گذشت کننده توانا همانا آنانکه کفر ورزیدند بخدا

وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ
و پیمبرانش و خواهند جدائی افکنند میان خدا و پیمبرانش و گویند ایمان آریم ببعضی و کفر ورزیم

بِبَعْضٍ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ﴿۱۵۰﴾ أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا
ببعضی و خواهند که برگیرند میان این راهی آنانند کافران براستی و آماده کردیم

لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا ﴿۱۵۱﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ
برای کافران عذابی خوار کننده را و آنانکه ایمان آوردند بخدا و پیمبرانش و جدائی نیفکندند میان هیچیک از ایشان

أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۱۵۲﴾
آنانرا بزودی دهد بدیشان پاداشهای ایشانرا و خدا است آمرزنده مهربان

الجزء (۶)

يَسْـَٔلُكَ أَهْلُ الْكِتَٰبِ أَن تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتَٰبًا مِّنَ السَّمَآءِ ۚ فَقَدْ سَأَلُوا۟ مُوسَىٰٓ أَكْبَرَ مِن ذَٰلِكَ
میخواهند از تو اهل کتاب که فرو فرستی برایشان نامه از آسمان پس هانا خواستند از موسی بزرگتر از این را

فَقَالُوٓا۟ أَرِنَا ٱللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ ٱلصَّٰعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ۚ ثُمَّ ٱتَّخَذُوا۟ ٱلْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ
گفتند ما بنمایان خدا را آشکار پس فراگرفتشان صاعقه (آتش آسمانی) بستمکاریشان پس برگرفتند گوساله را پس از آنکه بیامدشان

ٱلْبَيِّنَٰتُ فَعَفَوْنَا عَن ذَٰلِكَ ۚ وَءَاتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَٰنًا مُّبِينًا ﴿١٥٣﴾ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ ٱلطُّورَ
نشانیها پس درگذشتیم از آن و دادیم بموسی فرمانروائی آشکار و برافراشتیم بر فراز ایشان طور را

بِمِيثَٰقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمُ ٱدْخُلُوا۟ ٱلْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا۟ فِى ٱلسَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُم
بپیمانشان و گفتیم بایشان در آیید در را سجده کنان و گفتیم بدیشان که تجاوز نکنید در شنبه و گرفتیم از ایشان

مِّيثَٰقًا غَلِيظًا ﴿١٥٤﴾ فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَٰقَهُمْ وَكُفْرِهِم بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَقَتْلِهِمُ ٱلْأَنۢبِيَآءَ بِغَيْرِ حَقٍّ
پیمانی سخت پس بشکستن ایشان پیمان خویش را و کفر ورزیدن ایشان بآیتهای خدا و کشتن ایشان پیمبران را بناحق

وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌۢ ۚ بَلْ طَبَعَ ٱللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٥٥﴾ وَبِكُفْرِهِمْ
و گفتن ایشان که دلهای ما نهان در پرده بلکه مهر نهاد خدا بر آنها بکفرشان پس ایمان نیارند مگر اندکی و بکفرشان

وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَٰنًا عَظِيمًا ﴿١٥٦﴾ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا ٱلْمَسِيحَ عِيسَى ٱبْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ ٱللَّهِ ۖ
و گفتارشان بر بارهٔ مریم تهمتی بزرگ و گفتارشان که ما کشتیم مسیح عیسی ابن مریم پیمبر خدا را

وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ ۚ وَإِنَّ ٱلَّذِينَ ٱخْتَلَفُوا۟ فِيهِ لَفِى شَكٍّ مِّنْهُ ۚ
و نکشتندش و بدارش آویختند بلکه مشتبه شد برایشان و هانا آنانکه در او اختلاف کردند در شکی از او هستند

مَا لَهُم بِهِۦ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا ٱتِّبَاعَ ٱلظَّنِّ ۚ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًۢا ﴿١٥٧﴾ بَل رَّفَعَهُ ٱللَّهُ إِلَيْهِ ۚ
بایشان بدان دانائی جز پیروی پندار حالیکه نکشتند او را بیقین بلکه بالا برد ش خدا بسوی خود

وَكَانَ ٱللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٥٨﴾ وَإِن مِّنْ أَهْلِ ٱلْكِتَٰبِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِۦ
و خداست عزتمند حکیم و نیست از اهل کتاب جز آنکه ایمان آورد بدو

قَبْلَ مَوْتِهِۦ ۖ وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا ﴿١٥٩﴾ فَبِظُلْمٍ مِّنَ ٱلَّذِينَ
پیش از مرگش و روز رستاخیز بپا شود بر ایشان گواه پس بستمی از آنانکه

هَادُوا۟ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَٰتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ كَثِيرًا ﴿١٦٠﴾
جهود شدند حرام کردیم بر ایشان پاکیهائی را که حلال بود برای ایشان و بباز داشتن ایشان از راه خدا بسیاری را

وَأَخْذِهِمُ ٱلرِّبَوٰا۟ وَقَدْ نُهُوا۟ عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَٰلَ ٱلنَّاسِ بِٱلْبَٰطِلِ ۚ وَأَعْتَدْنَا
و گرفتن ایشان ربا را حالیکه نهی شدند از آن و خوردن ایشان اموال مردم را بناحق و آماده کردیم

لِلْكَٰفِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٦١﴾ لَّٰكِنِ ٱلرَّٰسِخُونَ فِى ٱلْعِلْمِ مِنْهُمْ وَٱلْمُؤْمِنُونَ
برای کافران از ایشان عذابی دردناک لیکن پایدارشگان فرورفتگان از ایشان و مؤمنان

يُؤْمِنُونَ بِمَآ أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَآ أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَٱلْمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَ وَٱلْمُؤْتُونَ
ایمان آورند بدانچه فرستاده شد بسوی تو و بدانچه فرستاده شد پیش از تو و بپادارندگان نماز و دهندگان

ٱلزَّكَوٰةَ وَٱلْمُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْـَٔاخِرِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١٦٢﴾
زکوة و ایمان آورندگان بخدا و روز بازپسین آنانرا بزودی دهیم پاداشی بزرگ

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ ۚ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ
ہمانا وحی فرستادیم بسوی تو چنانکہ وحی فرستادیم بسوی نوح و پیمبران پس ازاو و وحی فرستادیم بسوی ابراہیم

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ ۚ
واسماعیل واسحق ویعقوب واسباط وعیسی وایوب ویونس وہارون وسلیمان

وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ﴿١٦٣﴾ وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَّمْ نَقْصُصْهُمْ
و دادیم داود زبور را و پیمبرانی کہ خواندیم داستانشان را بر تو پیش ازاین و پیمبرانی کہ نخواندیم داستانشان را

عَلَيْكَ ۚ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا ﴿١٦٤﴾ رُسُلًا مُّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ
بر تو وسخن گفت خدا باموسی سخن گفتنی پیمبرانی نوید دہندگان وترساندگان تا نباشد برای مردم بر خدا

حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٦٥﴾ لَّٰكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنزَلَ إِلَيْكَ
بہانۂ پس از پیمبران وخدا است عزتمند حکیم لیکن خدا گواہی دہد بانچہ فرستاد آنرا بسوی تو

أَنزَلَهُ بِعِلْمِهِ ۖ وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿١٦٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
فرستاد آنرا بعلم خود و فرشتگان گواہی دہند وبس است خداوند گواہ ہمانا آنانکہ کفر ورزیدند

وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٦٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ
وباز داشتند از راہ خدا ہرآینہ گمراہ شدند گمراہی دور ہمانا آنانکہ کفر ورزیدند وستم کردند نیست

اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا ﴿١٦٨﴾ إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۚ وَكَانَ
خدا کہ بیامرزد شان ونہ رہبر باشد شان کند براہی مگر براہ دوزخ جاودانند درآن ہمیشہ وہمانا

ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٦٩﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِن رَّبِّكُمْ
آنست بر خدا آسان ای مردم ہمانا بیامد شمارا فرستادۂ بحق از پروردگار شما

فَآمِنُوا خَيْرًا لَّكُمْ ۚ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا
پس ایمان آرید بہتراست برای شما واگر کفر ورزید ہمانا برای خداست آنچہ در آسمانہا ہاست وزمین وخداست دانای

حَكِيمًا ﴿١٧٠﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ ۚ إِنَّمَا
حکیم ای اہل کتاب فزون نروید در کیش خود ونگویید بر خدا مگر حق جز این نیست

الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ ۚ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ ۖ فَآمِنُوا بِاللَّهِ
کہ مسیح عیسی ابن مریم فرستادۂ خدا است وسخن او کہ افگندش بسوی مریم وروحی است از او پس ایمان آرید بخدا

وَرُسُلِهِ ۖ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ ۚ انتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ ۚ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۖ سُبْحَانَهُ أَن
وپیمبرانش ونگویید سہ تا بس کنید بہتراست شمارا جز این نیست کہ خداوند خدای یکی است منزہ است واز آنکہ

يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ ۘ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿١٧١﴾
فرزندی باشد او راست آنچہ در آسمانہاست وزمین وبس است خداوند کارساز

لَّن يَسْتَنكِفَ الْمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبْدًا لِّلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ ۚ وَ
ہرگز سر نپیچد مسیح از آنکہ بندہ از برای خدا باشد ونہ فرشتگان مقرب و

مَن يَسْتَنكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا ﴿١٧٢﴾ *
آنکس کہ سر نپیچد از پرستش او وگردن فرازد بزودی گرد آورد آنانرا بسوی خود ہمگی

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا
پس آنانکه ایمان آوردند وکردار شایسته کردند بپردازد بدیشان مزدایشان را و بیفزاید ایشان را از فضل خویش و
الَّذِينَ اسْتَنْكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ
آنانکه استنکاف ورزیدند وسرکشی کردند عذاب کند ایشانرا عذابی دردناک ونیابند برای خویش جز
اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧٣﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا
خدا دوست ونه یاوری ای مردم هانا بیامد شمارا برهانی از پروردگار شما وفرستادیم
إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا ﴿١٧٤﴾ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ
بسوی شما پرتوی آشکار پس آنانکه ایمان آوردند بخدا وچنگ زدند بدو بزودی درآورد ایشان برحمتی
مِنْهُ وَفَضْلٍ وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ﴿١٧٥﴾ يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي
وفضلی از خویش وراه برشان کند بسوی خود براهی راست فتوی از تو خواهند بگو خدا فتوا دهد شمارا در
الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌا هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ
کلاله (خواهران وبرادران) اگر مردی بمیرد ونباشد وی فرزندی و دارد او را خواهری باشد پس برای آن خواهر است نصف آنچه بجای گذارد از دارائی او وارث میبرد از آنکه او
لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً
اگر نباشد وی را فرزندی واگر دو خواهر باشند پس ایشانرا است دو ثلث آنچه بجای گذارده است واگر باشند برادرانی
رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٧٦﴾
مردان وزنان پس برای مرد است مانند بهره دو زن بیان میکند خدا برای شما نباورا گمراه شوید وخدا بهمه چیز دانا

سُورَةُ المَائِدَةِ مَدَنِيَّةٌ إِلَّا آيَةً كَلَّمَ نَبَّتَكُمْ فِي الْوَضُوءِ وَهِيَ مِائَةٌ وَسَبْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً

سورة ٥ حروفها ١١٢٣٢ کلماتها ٢٨٠٤

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ
ای آنانکه ایمان آوردید وفا کنید بپیمانها حلال شد است برای شما دامهای چهارپا مگر آنچه سرود ه شود
عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا
برشما حلال ناشمرندگان شکار حالیکه هستید دراحرام هانا خدا حکم میکند بر آنچه بخواهد ای
الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّينَ
آنانکه ایمان آوردید روا ندارید شعارهای خدا ونه ماه حرام را ونه قربانی ونه شتران قلاده دار ونه پویندگان
الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا
خانه حرام را که بجویند فضلی از پروردگار رخود وخوشنودی وچنگامیکه برون شدید از احرام پس شکار کنید و
يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ
وادارد شمارا کینه گروهی که بازداشتند شمارا از مسجد حرام برآنکه ستم کنید ویاری کنید بهمدیگر را بر نیکوکاری
وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢﴾
وپرهیزکاری ویاری نکنید برگناه وستم وبترسید خدارا هانا خدا است سخت شکنجه

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ

حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه نام غیر از خدا بران برده شود و گلو برشده و کوبیده

وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا

و بتاب شده و شاخ زده و آنچه دوان خورده گر آنچه بان کنید و آنچه نزد بتان کشته شود و آنکه بخش کنید

بِالْأَزْلَامِ ذَٰلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ

بانیرها این است بردن بر قمار از روی خدا امروز نومید شدند آنها که کافر ورزیدند از دین شما پس مترسید ایشان را و مترسید

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا

امروز باتمام رسانیدم برای شما دین شما را و تمام کردم برشما نعمت را و پسندیدم برای شما اسلام را کیشی

فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣﴾ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا

پس آنکس که ناچار شود در گرسنگی نا کرده بسوی گناهی همانا خدا است آمرزنده مهربان ﴿٣﴾ پرسند چه چیز

أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا

حلال شد ایشان را بگو حلال شد برای شما پاکیزه‌ها و آنچه آموختید از دندان جنبانی جانورانی که بگیرند آنها باشید که آموزید آنها را از آنچه

عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ

خدا آموخت شما پس بخورید از آنچه نگهداشتند برشما و یاد کنید نام خدا را بر آن و بترسید خدا را که خدا سخت شتاب کننده

الْحِسَابِ ﴿٤﴾ الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ

در حساب ﴿٤﴾ امروز حلال شد برای شما پاکیزه‌ها و خوراک آنانکه داده شدند کتاب را حلالست برای شما

وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ

و خوراک شما حلالست برای آنان و زنان پارسا از ایمان آورندگان و زنان پارسا از آنانکه داده شدند کتاب را پیش از شما

إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ

هرگاه دهید بدیشان مزدهای ایشان را حالیکه بارسا باشید نه زنا کاران و نه گیرندگان یار و آنکه کافر شود بایمان همانا

حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ

تباه شد کردار او و او در آخرت از زیانکاران ﴿٥﴾ ای آنانکه ایمان آوردید گاهیکه برخاستید بسوی نماز بشویید روهای

وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا

و دستهای خویش را تا مرفقها (آرنجها) و بمالید سرها و پاهای خودرا تا دو قاب (بند پا) و اگر جنب شدید پس پاک کنید خودرا

وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً

و اگر بیمار بودید یا در سفری یا بیرون آمد یکی از شما از آب ریز یا با زنان در آمیختید و آب نیافتید

فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ

پس آهنگ زمینی پاکن کنید پس بمالید بر روهای و دستهای خود از آن نخواهد خدا که سخت برشما گیرد

وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٦﴾ وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

لیکن خواهد که شما را پاک سازد و تمام کند بر شما نعمتش را و شاید شکر گزارید ﴿٦﴾ و یاد آرید نعمت خدا را بر شما

وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾

و پیمان او را که با شما بست آنگاه که گفتید شنیدیم و فرمان بردیم و بترسید خدا را که خدا داناست بآنچه در سینه‌هاست

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا

ای آنانکه ایمان آوردید باشید نگهبانان یا قیام کنندگان برای خدا گواهانی بداد و وا ندارد شمارا کین قومی بر آنکه

تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ

داد نکنید دادگری کنید که آن نزدیکتر است بپرهیزکاری و بترسید خدارا که خدا آگاه است بدانچه میکنید نوید داد خدا آنانرا که

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٩﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ

ایمان آوردند و کردار شایسته کردند ایشانراست آمرزشی و پاداشی بزرگ و آنانکه کفر ورزیدند و دروغ پنداشتند آیتهای مارا آنانند

أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هَمَّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا

یاران دوزخ ای آنانکه ایمان آوردید یاد آرید نعمت خدارا بر شما هنگامیکه آهنگ نمودند گروهی که دست

إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ

بسوی شما دراز کنند پس باز داشت دستهای ایشانرا از شما و بترسید خدارا و بر خدا باید توکل کنند مؤمنان همانا برگرفت خدا

مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ

پیمان بنی اسرائیل را و برانگیختیم از ایشان دوازده سردار و گفت خدا منم با شما اگر بپا داشتید نمازرا و دادید

الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

زکوة را و ایمان آوردید بفرستگان من و احترام گذاردید آنانرا و وام دادید خدارا وامی نکو همانا بسترم از شما زشتیهای شمارا

وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَٰلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١٢﴾

و در آرم شمارا باغهائی که جاری است زیر آنها جویها پس آنکس که کفر ورزد پس از این از شما هر آینه گم کرد است راه راست را

فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا

پس بشکستن ایشان پیمان خویش را لعنشان کردیم و گردانیدیم دلهای ایشانرا سنگین که برگردانند (جابجا کنند) سخنانرا از جایهای خود و فراموش کردند بخشی را از آنچه

ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

یادآوری شدند بدان و گاهی نیست که آگاه نشوی بر خیانتی از آنان مگر کمی از آنان پس درگذر از ایشان و چشم پوشی کن که خدا دوست دارد نکوکارانرا

﴿١٣﴾ وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ

و از آنانکه گفتند مائیم ترسایان گرفتیم پیمان ایشانرا پس فراموش کردند بخشی را از آنچه یادآوری شدند بدان و برانگیختیم میان آنان دشمنی

وَالْبَغْضَاءَ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿١٤﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ

و کینه را تا روز قیامت و بزودی آگهیشان دهد خدا بدانچه بودند میساختند ای اهل کتاب همانا بیامد شمارا فرستاده که بیان میکند

لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ﴿١٥﴾ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ

برای شما بیشی را از آنچه بودید نهان میداشتید از کتاب و درمیگذرد از بیشی همانا بیامد شمارا از خدا پرتوی و نامه آشکارا هدایت میکند خدا بدان

مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿١٦﴾ لَقَدْ كَفَرَ

هر که را پیرو خوشنودی او باشد براههای آشتی (و آرامش) و برون میبرد ایشانرا از تاریکیها بسوی روشنائی باذن خود و رهبریشان میکند براهی راست همانا کفر ورزیدند

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ

آنانکه گفتند خدا او مسیح فرزند مریم است بگو که را دستی بر خدا است اگر خواهد نابود کند مسیح فرزند مریم و

أُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٧﴾

مادرش را و هر که در زمین است همگی و خدا راست فرمانروائی آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست میآفرد هر چه خواهد و خدا است بر هر چیز توانا

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ ۚ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُم بِذُنُوبِكُم
گفتند جهودان و ترسایان مائیم فرزندان خدا و دوستان او بگو پس چرا عذاب کند شمارا بگناهانتان

بَلْ أَنتُم بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ ۚ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ ۚ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ
بلکه شمائید بشری از آنکه بیافرید بیامرزد برای هرکه خواهد و عذاب کند هرکه را خواهد و از آن خداست پادشاهی آسمانها و

الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٨﴾ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ
زمین و آنچه میان آنهاست و بسوی اوست بازگشت ای اهل کتاب همانا بیامد شمارا فرستاده ما بیان میکند

لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرُّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ ۖ فَقَدْ جَاءَكُم
برای شما پس از فترتی از پیمبران تا نگوئید نیامد مارا امید دهنده و بیم دهنده همانا آمد شمارا

بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ
نوید دهنده و ترساننده و خداست بر همه چیز توانا و هنگامیکه گفت موسی بقوم خود ای قوم من یاد آرید نعمت

اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنبِيَاءَ وَجَعَلَكُم مُّلُوكًا وَآتَاكُم مَّا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ
خدا را بر شما هنگامیکه قرار داد در شما پیمبرانی و گردانید شمارا پادشاهانی و ارزانی داشت بشما آنچه را نداد بکسی از

الْعَالَمِينَ ﴿٢٠﴾ يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنقَلِبُوا
جهانیان ای قوم من اندر آئید سرزمین مقدسی را که خدا برای شما نوشت و برنگردید بر پشتهای خود تا باز گردید

خَاسِرِينَ ﴿٢١﴾ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ ۖ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا ۖ فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا
زیانکاران گفتند ای موسی همانا در آنند گروهی سرکش و هرگز ما در آن نرویم تا برون آیند از آن سپس گاهیکه برون آمدند از آن

فَإِنَّا دَاخِلُونَ ﴿٢٢﴾ قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ ۖ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ
مائیم در آیندگان گفتند دو تن از آنانکه میترسیدند و خدا برایشان انعام کرده بود و ز آئید برایشان درگاه را که هرگاه درون شدید

فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿٢٣﴾ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا أَبَدًا مَّا
همانا شمائید پیروزمندان و بر خدا تکیه کنید اگر هستید مؤمنان گفتند ای موسی هرگز در آن نشویم هیچگاه تا

دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا
آنان در آنند پس برو تو و پروردگار خود و نبرد کنید که مائیم در اینجا نشستگان گفت پروردگارا مالک نیستم من جز

نَفْسِي وَأَخِي فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً ۖ
خود و برادرم را پس جدائی افکن میان ما و گروه نافرمانان گفت همانا آن حرامست برایشان چهل سال

يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ ۚ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿٢٦﴾ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا
سرگردان مانند در زمین پس دریغ نخور بر گروه نافرمانان و بخوان برایشان داستان فرزندان آدم را بحق هنگامیکه

قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ ۚ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۖ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٢٧﴾
قربان کردند پس پذیرفته شد از یکیشان و پذیرفته نشد از دیگری گفت همانا میکشمت گفت جز این نیست که میپذیرد خدا از پرهیزکاران

لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ ۖ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ
اگر دست فرا سوی من آری که بکشی مرا دراز نکنم دستم را بتو تا ترا بکشم همانا میترسم من خداوند را پروردگار جهانیان

﴿٢٨﴾ إِنِّي أُرِيدُ أَن تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۚ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾ ✱
همانا من خواهم که برگیری گناه من و گناه خویش را تا شوی از یاران آتش و این است پاداش ستمگران

یا قوم ادخلوا
پس از غرق شدن فرعون موسی بنی اسرائیل را کنار رود اردن فرود آورد و دستور داد تا دوازده تن از هر تیره یکتن برگزیدند و بارض مقدس که مسکن عمالقه بود بسفارت فرستادند نقباء دوازده گانه بدان سرزمین رفتند و چون بازگشتند از فزونی نیروی دشمن آنچه دیده بودند بموسی بگفتند و موسی آنرا پوشیده داشت و ایشان را پنهان داشتن آن راز بفرمود اما آنان نافرمانی کردند همگان بجز یوشع و کالب آنچه دیده بودند فاش کردند مردم را هراس بگرفت و تاب جنگ نماند و سر از فرمان بتافتند و بر آن شدند تا آن دو را که خموشی گزیده و افشاء سر نکرده بودند سنگسار کنند و موسی بستوه آمد و خداوند ایشان را بکیفر خیرگیشان گرفتار ساخت و در بیابانی بمساحت شانزده فرسخ ششصد هزار مرد رزمنده و جنگجو را در مدت چهل سال

حزب (۳)

سرگردان گرد چندانکه موسی و هرون در سرزمین تیه بمردند و پس از چهل سال که از سرگردانی برستند بسپهسالاری یوشع بجنگ اریحا شدند و اینجای بود که برای یوشع

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٣٠﴾ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي

پس بیاراست برای او دلش کشتن برادر خویش را پس کشت اورا گردانید زیانکاران پس برانگیخت خدا کلاغی که میکاوید در

الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوْأَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَىٰ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَٰذَا

زمین تا بنهاید مر خویش چگونه نهان سازد پیکر برادر خویش را گفت ای وای بر من آیا عاجز شدم از آنکه مانند این

الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ﴿٣١﴾ مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ

غراب باشم که نهان کنم پیکر برادر خویش را پس گشت از پشیمانان برای این نوشتیم بر بنی اسرائیل

أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا

که هرکس بکشد تنی را نه در برابر تنی یا بتبهکاری در زمین مانند آنست که بکشد مردم را همگی و آنکس که زنده سازدش

فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا

گویا زنده ساخته است مردم را همگی و هماناً بیامدشان فرستادگان ما بنشانها سپس بسیاری

مِنْهُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ ﴿٣٢﴾ إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

از ایشانند پس از این در زمین اسراف کنندگان همانا پاداششان آنانکه باخدا و رسولش بستیزند

وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ

وراه بتبهکاری در زمین پویند (بتبهکاری در زمین کوشند) آنست که کشته شوند یا بدار آویخته شوند یا ببریده شود دستها و پاهای ایشان از

خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٣٣﴾

برابر یکدیگر یا رانده شوند از زمین این است برای ایشان خواری در دنیا و ایشانراست در آخرت عذابی سخت

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٤﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

مگر آنانکه توبه کردند پیش از آنکه برایشان دست یابید پس بدانید که خداوند آمرزنده مهربان است ای آنانکه

آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٣٥﴾

ایمان آورده اید بترسید خدارا و بجویید سوی او وسیلتی و کوشش کنید (جهاد کنید) در راه او شاید رستگار شوید

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ

هماناً آنانکه کفر ورزیدند اگر برای ایشان باشد آنچه در زمین است همگی و مانند آن با آن تا عوض خود دهند از عذاب

يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٣٦﴾ يُرِيدُونَ أَنْ يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا

روز قیامت پذیرفته نشود از ایشان و ایشانراست عذابی دردناک خواهند برون روند از آتش و نیستند

هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٣٧﴾ وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا

برون روندگان از آن و ایشانراست عذابی پاینده مرد دزد و زن دزد را ببرید دستهای آنانرا

جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٣٨﴾ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ

کیفری به آنچه خود فراهم کردند شکنجه از نزد خدا و خداست عزیز حکیم ولی هرکس که توبه کند پس از ستمکاریش و شایستگی گزیند

فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

بپذیرد خدا توبه اورا و خداست آمرزنده مهربان آیا ندانستی که خدا براست پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٠﴾

و زمین عذاب کند هرکرا خواهد و بیامرزد هرکرا خواهد و خداوند است بر هر چیز توانا

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا

ای پیمبر اندوهگین نکند آنانکه میشتابند در کفر از آنانکه گویند ایمان آوردیم

بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ

با دهانهای خود ولی ایمان نیاورد دلهای ایشان واز آنانکه جهودند شنوندگانند دروغ را شنوانندگانند

لِقَوْمٍ آخَرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ

برای گروهی دیگر که نیامدند ترا برمیگردانند کلمات را پس از جایگاههای آن گویند اگر

أُوتِيتُمْ هَٰذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ

داده شدید اینرا بگیرید واگر داده نشدید پس بترسید وکسیکه خدا خواهد آزمایش ویرا هرگز مالک نیستی

لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ

برای او از خدا چیزی را آنانند که نخواست خدا پاک ساختن دلهای ایشانرا آنانراست در دنیا خواری

وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۴۱﴾ سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ

وآنانراست در آخرت عذابی بزرگ شنوندگانند دروغ را خورندگانند رشوت را اگر

جَاءُوكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ

آمدند ترا پس حکم کن میان ایشان یا روی گردان از ایشان واگر روی گردانی از ایشان همانا آسیبت نرسانند بچیزی وهرگاه

حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿۴۲﴾ وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ

حکم کنی پس حکم کن میان ایشان بداد همانا خدا دوست دارد دادگران را چگونه ترا بداوری گزینند

وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَاةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَمَا أُولَٰئِكَ

حالیکه نزد ایشان است توریة که در آنست حکم خدا سپس پشت میکنند پس از آن ونیستند آنان

بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿۴۳﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَاةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ

مؤمنان همانا فرستادیم توراة را در آن رهبری وروشنائی حکم میکنند بدان پیمبرانی که

أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ

اسلام آوردند برای آنانکه جهود شدند و علماء عاملین ودانشمندان بدانچه نگهبان آن شدند از کتاب خدا

وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي

وبودند گواهانی بر آن پس نترسید مردم را وبترسید مرا ونفروشید آیتهای مرا

ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ

ببهائی اندک وکسیکه حکم نکند بدانچه خدا فرستاده است آنانند کافران

﴿۴۴﴾ وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ

ونوشتیم برایشان در آن که جان برابر جان وچشم برابر چشم وبینی برابر بینی

وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ

وگوش برابر گوش ودندان برابر دندان وزخمها برابر است پس کسیکه تصدق کند بدان همانا آن

كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۴۵﴾

زداینده گناهان اوست وآنکس که حکم نکند بدانچه خدا فرستاده است آنانند ستمگران

واو نیز بدید چنان کرد و پس بسر زمین عدن شد و آتش بپرستید و از او نژادی هوسران و بهنگام که باد گسار و خیانتگری کردندی بجای آن و طوفان نوح همگی آنان را بگذاشت و حوا بیحال پس از کشتن هابیل شیث را بزاد و او ویعهد پدر گردید ۴۱ لا یحزنک شان نزول این آیات داستان تعطیل جهودان خیبر بود حد زنا را بر مرد و زنی که زنا محصن کردند و چون داوری نزد پیغمبر آوردند او سنگسار فرمود این صورت را گواهی داد که در توریة نیز حکم چنان بود لیکن با نخست آنرا از اشراف و پس از دیگران نیز بگردانیدیم و بجایش چهل تازیانه زدن و رخسار سیاه کردن و بر دراز گوش باژگونه نشاندن و گرد شهر گردانیدن برنهادیم والجروح قصاص قصاص جاری است در همه جرحها مادام که باعث تلف نشود چون موضحه که استخوان نمودار شود و هاشمه که قشر استخوان بشکافد و بپاشد و منقله که استخوان بشکند اما مأمومه و آن جرحی است که به ام راس و دماغ رسد و جائفه که بجوف شکم رسد و در آنها قصاص نشاید چرا که آن بیم تلف باشد فهو

وَقَفَّيْنَا عَلٰٓى اٰثَارِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَاٰتَيْنَاهُ

و از پی ایشان فرستادیم عیسی بن مریم را تصدیق کننده آنچه پیشروی اوست از توریة و بدو دادیم

الْاِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

انجیل را که در آن بود راهنمائی و روشنائی و تصدیق کننده آنچه پیشروی اوست از توراة و رهبری و اندرزی برای مؤمنان

(۴۶) وَلْيَحْكُمْ اَهْلُ الْاِنْجِيلِ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ فِيهِ ۚ وَمَنْ لَّمْ يَحْكُمْ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ

و باید حکم کنند انجیلیان بدانچه فرستاده است خدا در آن و آنکس که حکم نکند بدانچه خدا فرستاده است آنانند

هُمُ الْفَاسِقُونَ (۴۷) وَاَنْزَلْنَآ اِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

تبهکاران فرستادیم بر تو کتاب را بحق تصدیق کننده آنچه پیشروی اوست

مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآئَهُمْ

از کتاب و نگهبانی بر آن پس حکم کن میان ایشان بدانچه خدا فرستاد و پیروی مکن آرزوهای ایشان را

عَمَّا جَآءَكَ مِنَ الْحَقِّ ۚ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَجَعَلَكُمْ

که متجاوز است از آنچه بیامده است ترا از حق برای هر کدام قرار دادیم راه و روشی و اگر میخواست خدا میگردانید شما را

اُمَّةً وَاحِدَةً وَلٰكِنْ لِّيَبْلُوَكُمْ فِيمَآ اٰتٰىكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ اِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ

یک ملت لیکن تا بیازماید شما را در آنچه بشما داده است پس بشتابید بسوی نیکیها بسوی خدا است بازگشت شما

جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۴۸) وَاَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَآ اَنْزَلَ

همگی سپس آگهی دهد شما را بدانچه بودید در آن اختلاف کنندگان و آنکه حکم کن میان ایشان بدانچه فرستاد

اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآئَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ اَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ اِلَيْكَ ۚ فَاِنْ

خدا و پیروی منما هوسهای ایشان را و بترس از ایشان که نباد بفریبندت از پاره آنچه خدا فرستاده است بسوی تو پس اگر

تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ اَنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ اَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۚ وَاِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ

پشت کردند بدانکه میخواهد خدا آنکه بگیرد ایشان را بپاره از گناهانشان و همانا بسیاری از مردمند

لَفَاسِقُونَ (۴۹) اَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ اَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

نافرمانان آیا دستور جاهلیت را خواهند و کیست نکوتر از خدا در دستور برای گروهی که یقین دارند

(۵۰) يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارٰٓى اَوْلِيَآءَ ۘ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۚ

ای آنانکه ایمان آوردید نگیرید جهودان و ترسایان را دوستانی برخی از ایشانند دوستان برخی

وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِّنْكُمْ فَاِنَّهُ مِنْهُمْ ۚ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۵۱) فَتَرَى

و کسیکه دوستی با آنان کند از شما هر آینه او از آنان است و همانا خدا هدایت نکند گروه ستمگران را بینی

الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشٰٓى اَنْ تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ ۚ فَعَسَى اللّٰهُ اَنْ يَّاْتِيَ

آنانرا که در دلهاشان بیماری است میشتابند در ایشان گویند ترسیم بما رسد پیشامدی امید است خدا بیارد

بِالْفَتْحِ اَوْ اَمْرٍ مِّنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلٰى مَآ اَسَرُّوا فِيٓ اَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ ۚ (۵۲) وَيَقُولُ الَّذِينَ اٰمَنُوٓا

پیروزی یا امری را از نزد خویش چنانکه بکردند از آنچه در دلهای خود نهان میداشتند پشیمان گویند کسانی که ایمان آوردند

اَهٰٓؤُلَآءِ الَّذِينَ اَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ ۙ اِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ ۚ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فَاَصْبَحُوا خَاسِرِينَ (۵۳)

آیا اینانند آنانکه سوگند یاد نمودند بسوگندهای سخت خویش که ایشانند با شما تباه شد کارهای ایشان و شدند زیانکاران

حزب (۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ ط

ای آنانکه ایمان آوردید هرکس بازگردد از شما از دین خود بزودی بیارد خدا قومی را که دوستش دارند و دوستشان دارد

أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ

فروتنان برابر مؤمنان گردن فرازان بر کافران بکوشند در راه خدا و نترسند سرزنش

لَائِمٍ ط ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ط وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۵۴﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ

سرزنشگری را این است فضل خدا که دهدش بهرکه خواهد و خداست گشایشمند دانا جز این نیست که دوست شما خداست و رسول او

وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿۵۵﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ

و آنانکه ایمان آوردند آنانکه بپای دارند نماز را و بدهند زکوة را حالیکه ایشانند رکوع گذاران و آنکس که دوستی کند با خدا

وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ﴿۵۶﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا

و پیمبرش و آنانکه ایمان آوردند همانا حزب خداست پیروزمندان ای آنانکه ایمان آوردید نگیرید آنانرا که

دِينَكُمْ هُزُوًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ

دین شما را ریشخند و بازیچه گرفتند از آنانکه داده شدند کتاب را پیش از شما و کافران دوستانی و بترسید خدا را اگر هستید

مُؤْمِنِينَ ﴿۵۷﴾ وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوًا وَلَعِبًا ط ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ﴿۵۸﴾

مؤمنان و هنگامیکه بانگ برآرید برای نماز گیرندش مسخره و بازیچه این بدانست که آنانند گروهی نابخردان

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلُ وَأَنَّ

بگو ای اهل کتاب آیا کینه جوئید از ما جز آنکه ایمان آوردیم بخدا و آنچه بر ما فرستاده شد و آنچه فرستاده شده است از پیش و همانا

أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ ﴿۵۹﴾ قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ ط مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ

بیشتر شمائید نافرمانان بگو آیا خبر دهم شما را ببدتر از این پاداشی از نزد خدا آنکس که دور کردش خدا و خشم بر او گرفت

وَجَعَلَ مِنْهُمُ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ ط أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ

و قرار داد از ایشان میمونان و خوکان و پرستندگان سرکش آنانند بدترین در جایگاه و گمراهتر از راه راست

﴿۶۰﴾ وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ ط وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ ﴿۶۱﴾

و هرگاه شما را آیند گویند ایمان آوردیم حالیکه با کفر درون رفتند و با آن بیرون آمدند و خداست داناتر بدانچه نهان میسازند

وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ ط لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۶۲﴾ لَوْلَا

بینی بسیاری را از ایشان پیشی میگیرند بر همدیگر در شتافتن بسوی گناه و ستمگری و خوردنشان رشوت را چه زشت است آنچه بودند میکردند چرا

يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿۶۳﴾

نهیشان نمیکنند خداپرستان و دانشمندان از گفتنشان گناه را و خوردنشان رشوت را چه زشت است آنچه بودند میساختند

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ ط غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنْفِقُ كَيْفَ

گفتند جهودان دست خدا بسته بزنجیر است بزنجیر بسته باد دستهای آنان و لعنت بر آنان باد بدانچه گفتند بلکه دستهای اوست باز میبخشد هرگونه

يَشَاءُ ط وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ط وَأَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ

خواهد و همانا بیفزاید بسیاری از آنانرا آنچه فرستاده شد بسوی تو از پروردگارت سرکشی و کفر و افکندیم میان ایشان دشمنی و کینه را

إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ط كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا ط وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿۶۴﴾

تا روز قیامت هرگاه بیفروزند آتشی را برای جنگ فرونشاندش خدا و بکوشند به تبهکاری در زمین و خدا دوست ندارد تبهکاران را

با جهودان نیست چرا که از پیش آمدها نگرانم و گریزی از دوستی کردن با ایشان نباشد پیمبر گفت ای ابا حباب آنچه بر عباده دریغ داشتی از دوستی جهودان همانا از آن تو باشد تنها جز او ابن ابی گفت پذیرفتم و قبول کردم و سپس این آیت هم در این باره فرود آمد * بقوم یحبهم و یحبونه از پیمبر این آیت پرسیدند او در پاسخ دستی بپشت سلمان فارسی زد و فرمود این دیارانش باشند که اگر دین آویخته بپروین باشد هر آینه بدان رسند مردانی از فارس و از امامین صادقین علیهما السلام است که مقصود از این آیت علی است که پیمبرش در جنگ خیبر بدین اوصاف بستود آنگاه که پرچم بدست هر که میداد و نامزد جنگش میفرمود هراسان و سرافکنده باز میگشت تا آنکه گفت همانا بامداد پرچم را بدست کسی دهم که هم او خدا و پیمبرش را دوست دارد و هم آنان او را و هر آینه باز نگردد تا خدای بر دست او بگشاید و آنکس علی بود * انما ولیکم الله روزی عبد الله عباس کنار زمزم نشسته بود و زبان بقال الرسول بگشاده مردی که چهره خویش چنانکه شیوه تازیان است

وَلَوْ اَنَّ اَهْلَ الْكِتٰبِ اٰمَنُوْا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ سَيِّاٰتِهِمْ وَلَاَدْخَلْنٰهُمْ جَنّٰتِ النَّعِيْمِ ﴿۶۵﴾
واگر آنکه اهل کتاب ایمان میآوردند و پرهیزگاری میکردند هرآینه میستردیم از ایشان گناهان ایشانرا و درمیآوردیشان بهشتان نعمت

وَلَوْ اَنَّهُمْ اَقَامُوا التَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيْلَ وَمَآ اُنْزِلَ اِلَيْهِمْ مِّنْ رَّبِّهِمْ لَاَكَلُوْا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ
واگر بپای میداشتند توراة و انجیل و آنچه فرستاده شد بسوی ایشان از پروردگارشان هرآینه بخوردند از بالای سر و از زیر

اَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ اُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيْرٌ مِّنْهُمْ سَآءَ مَا يَعْمَلُوْنَ ﴿۶۶﴾ يٰٓاَيُّهَا الرَّسُوْلُ بَلِّغْ مَآ اُنْزِلَ
پایهای خود ایشانند گروهی میانه رو و بسیاری از ایشان زشت است آنچه میکنند ای پیمبر ابلاغ کن آنچه فرو فرستاده شد

اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ وَاِنْ لَّمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهٗ وَاللّٰهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِى
بسوی تو از پروردگارت واگر نکنی نرسانده باشی پیام او را و خدا نگهمیدارت از مردم هرآینه خدا هدایت نکند

الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ﴿۶۷﴾ قُلْ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ لَسْتُمْ عَلٰى شَىْءٍ حَتّٰى تُقِيْمُوا التَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِيْلَ وَمَآ اُنْزِلَ
گروه کافران را بگو ای اهل کتاب نیستید بر چیزی تا بپادارید توراة و انجیل را و آنچه فرود آمد

اِلَيْكُمْ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَلَيَزِيْدَنَّ كَثِيْرًا مِّنْهُمْ مَّآ اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَّكُفْرًا فَلَا تَاْسَ عَلَى
بسوی شما از پروردگارتان و هرآینه بیفزاید بسیاری از ایشانرا آنچه فرود آمد بسوی تو از پروردگارت سرکشی و کفر پس اندوهگین مباش بر

الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ ﴿۶۸﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ هَادُوْا وَالصّٰبِـُٔوْنَ وَالنَّصٰرٰى مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ
گروه کافران هانا آنانکه ایمان آوردند و آنانکه جهود شدند و صابیان و ترسایان هرکس ایمان آرد بخدا

وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ ﴿۶۹﴾ لَقَدْ اَخَذْنَا مِيْثَاقَ بَنِىْٓ
و روز بازپسین و کردار شایسته کند نیست برایشان بیمی و نه اندوهگین شوند هانا گرفتیم پیمان بنی

اِسْرَآءِيْلَ وَاَرْسَلْنَآ اِلَيْهِمْ رُسُلًا كُلَّمَا جَآءَهُمْ رَسُوْلٌ بِمَا لَا تَهْوٰٓى اَنْفُسُهُمْ فَرِيْقًا كَذَّبُوْا وَفَرِيْقًا
اسرائیل را و فرستادیم بسوی آنان پیغمبرانی هرگاه بیامد بدیشان پیغمبری بدانچه هوس نمیکرد دلهای ایشان گروهی را دروغگو شمردند و

يَقْتُلُوْنَ ﴿۷۰﴾ وَحَسِبُوْٓا اَلَّا تَكُوْنَ فِتْنَةٌ فَعَمُوْا وَصَمُّوْا ثُمَّ تَابَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوْا وَصَمُّوْا كَثِيْرٌ
گشتند گروهی را بندیشتند نخواهد بود آزمایشی پس کور شدند و کر شدند سپس بذیرفت توبه ایشانرا خدا پس کور شدند و کر گردیدند بسیاری

مِّنْهُمْ وَاللّٰهُ بَصِيْرٌ بِمَا يَعْمَلُوْنَ ﴿۷۱﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْمَسِيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ
از ایشان و خدا بینا بدانچه میکنند هانا کفر ورزیدند آنانکه گفتند خدا مسیح فرزند مریم است حالیکه گفت

الْمَسِيْحُ يٰبَنِىْٓ اِسْرَآءِيْلَ اعْبُدُوا اللّٰهَ رَبِّىْ وَرَبَّكُمْ اِنَّهٗ مَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَاْوٰىهُ
مسیح ای بنی اسرائیل پرستش کنید پروردگار من و پروردگار شما را هانا کسیکه شرک ورزد بخدا حرام کرد است براو بهشت را و جایگاه او

النَّارُ وَمَا لِلظّٰلِمِيْنَ مِنْ اَنْصَارٍ ﴿۷۲﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اِنَّ اللّٰهَ ثَالِثُ ثَلٰثَةٍ وَمَا مِنْ اِلٰهٍ اِلَّآ اِلٰهٌ
آتش و نیست ستمکاران را یارانی هانا کفر ورزیدند آنانکه گفتند خدا سومین سه تاست حالیکه نیست خدائی هرگز خدائی

وَّاحِدٌ وَاِنْ لَّمْ يَنْتَهُوْا عَمَّا يَقُوْلُوْنَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۷۳﴾ اَفَلَا يَتُوْبُوْنَ اِلَى اللّٰهِ
یکی و اگر دست برندارند از آنچه میگویند هرآینه برسد آنانرا که کفر ورزیدند ازایشان عذابی دردناک چرا بازنگردند بسوی خدا

وَيَسْتَغْفِرُوْنَهٗ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۷۴﴾ مَا الْمَسِيْحُ ابْنُ مَرْيَمَ اِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَاُمُّهٗ
و آمرزش خواهند و خدا است آمرزنده مهربان نیست مسیح پسر مریم مگر پیمبری که بگذشت پیش از او و مادر او

صِدِّيْقَةٌ كَانَا يَاْكُلٰنِ الطَّعَامَ اُنْظُرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْاٰيٰتِ ثُمَّ انْظُرْ اَنّٰى يُؤْفَكُوْنَ ﴿۷۵﴾
زنیست راستگو بودند میخوردند خوراک را بنگر چگونه برای ایشان بیان آیتها را سپس بنگر کجا بدروغ برانده میشوند

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ۚ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٧٦﴾ قُلْ يَا أَهْلَ

بگو آیا پرستش کنید جز خدا آنچه را ندارد برای شما زیان و نه سودی و خداست شنونده دانا بگو ای اهل

الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا

کتاب فزون نروید در دین خود بناحق و پیروی نکنید خواستهای گروهی را که گمراه شدند از پیش و گمراه کردند بسیاری را

وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ﴿٧٧﴾ لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى

و گم شدند از راه راست لعنت شدند آنانکه کفر ورزیدند از بنی اسرائیل بر زبان داود و عیسی

ابْنِ مَرْيَمَ ۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ﴿٧٨﴾ كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ ۚ لَبِئْسَ مَا

ابن مریم این بدانست که نافرمانی کردند و بودند تجاوز کنندگان بودند دست بر نمیداشتند از زشتی که میکردند چه زشت است آنچه

كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٧٩﴾ تَرَىٰ كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ

بودند میکردند بینی بسیاری از ایشان را دوستی میکنند با آنانکه کفر ورزیدند چه زشت است آنچه پیش آورده است برای ایشان نفوسشان

أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿٨٠﴾ وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ

که خشم گرفت خدا بر ایشان و در عذابند جاودانان و اگر ایشان ایمان میآوردند

بِاللَّهِ وَالنَّبِيِّ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَا اتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ

بخدا و پیمبر و آنچه فرستاده شده است بسوی او نمیگرفتند شان دوستانی لیکن بسیاری از ایشانند

فَاسِقُونَ ﴿٨١﴾ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا ۖ

نافرمانان همانا بیابی سخت ترین مردم را در دشمنی با آنانکه ایمان آوردند جهودان و آنانکه مشرک شدند

وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ

و همی یابی هر آینه نزدیکترین مردم را در دوستی با آنانکه ایمان آوردند کسانی که گویند مائیم ترسایان این بدانست که از ایشانند

قِسِّيسِينَ وَرُهْبَانًا وَأَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٨٢﴾ وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ

کشیشان و صومعه نشینانی و آنکه ایشان کبر نمیورزند و گاهی که بشنوند آنچه را فرود آمده است بر پیمبر

تَرَىٰ أَعْيُنَهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ ۖ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

بینی دیدگانشان را اشک ریزد بدانچه شناخته اند از حق گویند پروردگارا همانا ایمان آوردیم پس بنویس ما را با گواهان

﴿٨٣﴾ وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ

و چه شود ما را ایمان نیاریم بخدا و آنچه بیامد ما را از حق حالیکه طمع داریم که در آرد ما را پروردگار ما با گروه شایستگان

﴿٨٤﴾ فَأَثَابَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

پس پاداششان داد خدا بدانچه گفتند باغهائی که روان است زیر آنها جویها جاودانان در آن و اینست پاداش نکوکاران

﴿٨٥﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿٨٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

و آنانکه کفر ورزیدند و دروغ پنداشتند آیتهای ما را آنانند یاران دوزخ ای آنانکه ایمان آوردید

لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿٨٧﴾

حرام نکنید پاکهای آنچه را حلال کرده است خدا برای شما و تجاوز نکنید که دوست ندارد خدا تجاوز کنندگان را

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

و بخورید از آنچه روزی داد شما را خدا حلال پاکیزه و بترسید خداوندی را که شمائید بدو ایمان آورندگان

الجزء (۷)

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللّٰهُ بِاللَّغْوِ فِيٓ اَيْمَانِكُمْ وَلٰكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْاَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهٗٓ اِطْعَامُ

نگیرد شمارا خدا بیاوه در سوگندهای شما ولیکن بگیرد شمارا به بستن سوگندها پس کفارهٔ آن خوراک

عَشَرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ اَوْسَطِ مَا تُطْعِمُونَ اَهْلِيكُمْ اَوْ كِسْوَتُهُمْ اَوْ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ

ده تن بینوا است از میانهٔ آنچه خوراک دهید خانوادهٔ خودرا یا پوشاک آنان یا آزاد کردن یک بنده و آنکس که ندارد پس روزه

ثَلَاثَةِ اَيَّامٍ ذٰلِكَ كَفَّارَةُ اَيْمَانِكُمْ اِذَا حَلَفْتُمْ وَاحْفَظُوٓا اَيْمَانَكُمْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ

سه روز اینست کفارهٔ سوگندهای شما هرگاه سوگند خوردید و نگهدارید سوگندهای خویش را چنین بیان کند خدا

لَكُمْ اٰيَاتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۸۹﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوٓا اِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْاَنْصَابُ

برای شما آیتهای خودرا شاید شکر گذارید ای آنانکه ایمان آوردید جز این نیست که باده و قمار و بتان

وَالْاَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۹۰﴾ اِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ

و تیرها پلیدی است از کردار شیطان پس دوری گزینید از آن شاید رستگار شوید جز این نیست که خواهد شیطان

اَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَعَنِ

آنکه بیفکند میان شما دشمنی و کینه را در باده و قمار و باز دارد شمارا از یاد خدا و از

الصَّلٰوةِ فَهَلْ اَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿۹۱﴾ وَاَطِيعُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ

نماز پس آیا هستید دست بردارندگان فرمان برید خدارا و فرمان برید پیمبر را و بترسید پس اگر پشت کردید

فَاعْلَمُوٓا اَنَّمَا عَلٰى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿۹۲﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ

بدانید که بر فرستادهٔ ماست همانا رساندن آشکار نیست بر آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند باکی

فِيمَا طَعِمُوٓا اِذَا مَا اتَّقَوْا وَّاٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَّاٰمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَّاَحْسَنُوا وَاللّٰهُ

در آنچه بخورند اگر پرهیزکاری کنند و ایمان آرند و کردار شایسته کنند پس پرهیز کنند و ایمان آورند سپس پرهیز کنند و نیکی کنند و خدا

يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿۹۳﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللّٰهُ بِشَيْءٍ مِنَ الصَّيْدِ تَنَالُهٗٓ اَيْدِيكُمْ

دوست دارد نکوکارانرا ای آنانکه ایمان آوردید همانا بیازماید شمارا خدا بچیزی از شکار که دریابدش دستهای شما

وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللّٰهُ مَنْ يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ اَلِيمٌ ﴿۹۴﴾

و نیزه های شما تا بداند خدا آنرا که میترسدش در نهان پس هرکس تجاوز کند پس از این او راست عذابی دردناک

يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَاَنْتُمْ حُرُمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ

ای آنانکه ایمان آوردید نکشید شکار را حالیکه در جامهٔ احرامید و آنکس که بکشد آنرا از شما دانسته و خواسته پس کیفری

مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهٖ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ اَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ

مانند آنچه کشته است از دامهای چهارپا که داوری بدان کند دو تن دادگر از شما قربانی رسیده بکعبه یا کفارهٔ خوراک

مَسَاكِينَ اَوْ عَدْلُ ذٰلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ اَمْرِهٖ عَفَا اللّٰهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ

بینوایان یا برابر آن روزه تا بچشد کیفر کار خودرا درگذشت خدا از آنچه گذشت و آنکس که باز گردد انتقام کشد

اللّٰهُ مِنْهُ وَاللّٰهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿۹۵﴾ اُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ

از او خدا و خدا است عزتمند انتقام جوی حلال است برای شما شکار دریا و خوراک آن بهره برای شما

وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِيٓ اِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿۹۶﴾

و کاروان و حرام است بر شما شکار دشت مادامیکه در لباس احرامید و بترسید خداوندی را که بسوی او گرد آورده شوید

جَعَلَ اللّٰهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيٰمًا لِّلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَآئِدَ ذٰلِكَ

گردانید خدا کعبه آنخانه محترم را ایستادنی برای مردم وماه محترم وقربانی وآلهای قلاده بگردن را این

لِتَعْلَمُوٓا اَنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَاَنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿۹۷﴾ اِعْلَمُوٓا

تا بدانید خدا میداند آنچه ودر آسمانها وآنچه درزمین است وآنکه خداست بهر چیز دانا بدانید که

اَنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ وَاَنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۹۸﴾ مَا عَلَى الرَّسُوْلِ اِلَّا الْبَلٰغُ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا

خداست سخت شکنجه واینکه خداست آمرزنده مهربان نیست بر پیمبر جز رساندن وخدا میداند آنچه

تُبْدُوْنَ وَمَا تَكْتُمُوْنَ ﴿۹۹﴾ قُلْ لَّا يَسْتَوِي الْخَبِيْثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ اَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيْثِ

آشکار وآنچه نهان میکنید بگو یکسان نیستند بد وپاکیزه اگرچه ترا شگفت آید فراوانی بد

فَاتَّقُوا اللّٰهَ يٰٓاُولِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿۱۰۰﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَسْـَٔلُوْا عَنْ اَشْيَآءَ

پس بترسید خدارا ای خردمندان شاید رستگار شوید ای آنانکه ایمان آوردید نپرسید از چیزهائیکه

اِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَاِنْ تَسْـَٔلُوْا عَنْهَا حِيْنَ يُنَزَّلُ الْقُرْاٰنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللّٰهُ عَنْهَا وَاللّٰهُ

اگر فاش شود برای شما بدآید شمارا واگر بپرسید از آنها هنگامیکه فرود آید قرآن فاش شود برای شما درگذشت خدا از آنها وخداست

غَفُوْرٌ حَلِيْمٌ ﴿۱۰۱﴾ قَدْ سَاَلَهَا قَوْمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ اَصْبَحُوْا بِهَا كٰفِرِيْنَ ﴿۱۰۲﴾ مَا جَعَلَ اللّٰهُ مِنْ بَحِيْرَةٍ

آمرزنده بردبار همانا پرسیدند آنرا گروهی پیش از شما پس گردیدند بدانها کافران قرار نداد خدا بحیره

وَّلَا سَآئِبَةٍ وَّلَا وَصِيْلَةٍ وَّلَا حَامٍ وَّلٰكِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَاَكْثَرُهُمْ

ونه سائبه ونه وصیله ونه حامی (برای معانی این الفاظ بپاسخ موضوع شود) لیکن آنانکه کفر ورزیدند می بندند بر خدا دروغ را وبیشترشان

لَا يَعْقِلُوْنَ ﴿۱۰۳﴾ وَاِذَا قِيْلَ لَهُمْ تَعَالَوْا اِلٰى مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ وَاِلَى الرَّسُوْلِ قَالُوْا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا

نجرد درنیابند واگر گفته شود بدیشان بیائید بسوی آنچه خدا فرستاده است وبسوی پیمبر گویند بس است ما را آنچه یافتیم

عَلَيْهِ اٰبَآءَنَا اَوَلَوْ كَانَ اٰبَآؤُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ شَيْـًٔا وَّلَا يَهْتَدُوْنَ ﴿۱۰۴﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا عَلَيْكُمْ

برآن پدران خویش را اگرچه پدران ایشان نه دانستند چیزی را ونه راه بردند ای آنانکه ایمان آوردید برشما باد

اَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَّنْ ضَلَّ اِذَا اهْتَدَيْتُمْ اِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيْعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿۱۰۵﴾

خود شما زیان نرساند شمارا آنکه گمراه شد چون شما هدایت یافته اید بسوی خداست بازگشت شما همگی پس آگاهتان دهد بدانچه بودید میکردید

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ اِذَا حَضَرَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِيْنَ الْوَصِيَّةِ اثْنٰنِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ اَوْ

ای آنانکه ایمان آوردید گواهی میان شما گاهی که برسد یکی از شمارا مرگ هنگام وصیت دو عدل ازشما یا

اٰخَرٰنِ مِنْ غَيْرِكُمْ اِنْ اَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْاَرْضِ فَاَصَابَتْكُمْ مُّصِيْبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُوْنَهُمَا مِنْ بَعْدِ

دوتن دیگر از غیر شما اگر سفر کردید درزمین پس رسید شمارا پیشامد مرگ بازدارید آنانرا پس از

الصَّلٰوةِ فَيُقْسِمٰنِ بِاللّٰهِ اِنِ ارْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِيْ بِهٖ ثَمَنًا وَّلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللّٰهِ اِنَّآ

نماز تا سوگند یاد کنند بخدا اگر گمان بردید که نفروشیم بهیچ بهائی اگرچه باشد خویشاوند ونپنهان نمائیم شهادت خدارا همانا

اِذًا لَّمِنَ الْاٰثِمِيْنَ ﴿۱۰۶﴾ فَاِنْ عُثِرَ عَلٰٓى اَنَّهُمَا اسْتَحَقَّآ اِثْمًا فَاٰخَرٰنِ يَقُوْمٰنِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِيْنَ اسْتَحَقَّ

در آنهنگام ازگناهکاران واگر اطلاع حاصل شد گناهان ستوجب گناهی شدند پس دو دیگر جانشین آنان شوند از آنانکه مستوجب شدند

عَلَيْهِمُ الْاَوْلَيٰنِ فَيُقْسِمٰنِ بِاللّٰهِ لَشَهَادَتُنَآ اَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا اعْتَدَيْنَآ اِنَّآ اِذًا لَّمِنَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۱۰۷﴾

برایشان آن دو نخستین (یا آن دو سزاوارتر آن) پس سوگند یاد کنند بخدا اگر گواهی دروغ تر است ازگواهی آنان وتجاوز نکردیم که مائیم در آنهنگام از ستمکاران

ذٰلِكَ اَدْنٰى اَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلٰى وَجْهِهَا اَوْ يَخَافُوا اَنْ تُرَدَّ اَيْمَانٌ بَعْدَ اَيْمَانِهِمْ ؕ وَاتَّقُوا اللّٰهَ

این است نزدیکتر که بیارند گواهی را بر گونهٔ آن یا بترسند که رد شود سوگندهائی پس از سوگندهای ایشان و بترسید خدا را

وَاسْمَعُوا ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝۱۰۸ يَوْمَ يَجْمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا اُجِبْتُمْ ؕ

و بشنوید و خدا هدایت نکند گروه نافرمانان را روزی که گرد آرد خدا پیمبران را پس گوید چه چیز پاسخ داده شدید

قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا ؕ اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝۱۰۹ اِذْ قَالَ اللّٰهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ

گویند نیست ما را علمی همانا توئی تو داننده نهانها هنگامیکه گفت خدا ای عیسی ابن مریم بیاد آر نعمت مرا بر تو

وَعَلٰى وَالِدَتِكَ اِذْ اَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا ۚ وَاِذْ عَلَّمْتُكَ

و بر مادر تو گاهی که تأییدت نمودم بروح القدس سخن گوئی با مردم در گهواره و هنگام سالخوردگی و گاهی که آموختمت

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرٰيةَ وَالْاِنْجِيلَ ۚ وَاِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِاِذْنِي فَتَنْفُخُ

کتاب و حکمت و توراة و انجیل را و هنگامیکه میآفریدی از گل مانند پیکر پرنده باذن من پس میدمیدی

فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِاِذْنِي وَتُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْرَصَ بِاِذْنِي ۚ وَاِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتٰى بِاِذْنِي ۚ وَاِذْ

در آن پس میشد مرغی باذن من و بهبودی میدادی کور و پیس را باذن من و هنگامی که برون میآوردی مردگان را باذن من و هنگامیکه

كَفَفْتُ بَنِي اِسْرَائِيلَ عَنْكَ اِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ اِنْ هٰذَا اِلَّا سِحْرٌ

باز داشتم بنی اسرائیل را از تو گاهی که بیامدی ایشان را با نشانیها پس گفتند آنانکه کفر ورزیدند از ایشان نیست این جز جادوئی

مُبِينٌ ۝۱۱۰ وَاِذْ اَوْحَيْتُ اِلَى الْحَوَارِيِّينَ اَنْ اٰمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي ۚ قَالُوا اٰمَنَّا وَاشْهَدْ بِاَنَّنَا

آشکار و هنگامی که وحی فرستادم بسوی حواریون که ایمان آرید بمن و بفرستادهٔ من گفتند ایمان آوردیم و گواه باش که مائیم

مُسْلِمُونَ ۝۱۱۱ اِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ اَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا

مسلمانان هنگامیکه گفتند حواریون ای عیسی ابن مریم آیا تواند پروردگار تو بفرستد بر ما

مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ ؕ قَالَ اتَّقُوا اللّٰهَ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝۱۱۲ قَالُوا نُرِيدُ اَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ

سفرهٔ خوراکی از آسمان گفت بترسید خدا را اگر هستید مؤمنان گفتند خواهیم از آن خوریم و مطمئن گردد

قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ اَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ ۝۱۱۳ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللّٰهُمَّ

دلهای ما و بدانیم که راست گفته ای با ما و باشیم بر آن از گواهان گفت عیسی ابن مریم بار خدایا

رَبَّنَا اَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِاَوَّلِنَا وَاٰخِرِنَا وَاٰيَةً مِنْكَ ۚ وَارْزُقْنَا

پروردگارا بفرست بر ما خوان خوراکی از آسمان که عیدی باشد برای آغاز ما و انجام ما و آیتی از تو و روزی ده بما

وَاَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ۝۱۱۴ قَالَ اللّٰهُ اِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ ۖ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَاِنِّي اُعَذِّبُهُ

و توئی بهترین روزی دهندگان گفت خدا هر آینه فرستنده ام آنرا بر شما تا هر کس کفر ورزد پس از آن از شما عذابش کنم

عَذَابًا لَا اُعَذِّبُهُ اَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ۝۱۱۵ وَاِذْ قَالَ اللّٰهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ ءَاَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ

بدانسان که عذاب نکنم بدان هیچکس را از جهانیان و هنگامیکه گفت خدا ای عیسی ابن مریم آیا تو گفتی بمردم

اتَّخِذُونِي وَاُمِّيَ اِلٰهَيْنِ مِنْ دُونِ اللّٰهِ ؕ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي اَنْ اَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ ؕ اِنْ

که بگیرید من و مادرم را خدایانی جز خداوند گفت منزهی تو نرسد مرا که گویم آنچه را سزاوار من نیست اگر

كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ ؕ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا اَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ ؕ اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝۱۱۶

میگفتمش همانا میدانستیش میدانی آنچه را در نهاد من است و ندانم آنچه را در نهان تو است همانا توئی تو دانای نهانها

مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَآ أَمَرْتَنِي بِهِۦٓ أَنِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ رَبِّى وَرَبَّكُمْ ۚ وَكُنتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُمْتُ

گفتم ایشان جز آنچه مرا فرمودی که پرستش کنید خدا را پروردگار من و پروردگار شما و بودم گواه بر ایشان مادام که بودم

فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِى كُنتَ أَنتَ ٱلرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ ۚ وَأَنتَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿١١٧﴾ إِن تُعَذِّبْهُمْ

در ایشان تا همگامی که مرا برگرفتی تو نگهبان بودی بر ایشان و تو بر همه چیز گواه اگر عذاب کنی ایشان را

فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ ۖ وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنتَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿١١٨﴾ قَالَ ٱللَّهُ

ایشان بندگان تو و اگر بیامرزی ایشان را همانا تویی عزیز حکیم گفت خدا

هَٰذَا يَوْمُ يَنفَعُ ٱلصَّٰدِقِينَ صِدْقُهُمْ ۚ لَهُمْ جَنَّٰتٌ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ

این است روزی که سود دهد راستگویان را راستی ایشان آنان را است باغهائی که جاری است زیر آنها جویها

خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدًا ۖ رَّضِىَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا۟ عَنْهُ ۚ ذَٰلِكَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ﴿١١٩﴾ لِلَّهِ

جاودانند در آن همیشه خوشنود شد خدا از ایشان و خوشنودند از او این است رستگاری بزرگ خدای را

مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٢٠﴾

پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه است در آنهاست و او است بر همه چیز توانا

سورة الأنعام مائة وخمس وسبعون آية وهي مكية

سورة الانعام صد و پنج و هفتاد آیه است و مکی است

سورة ۱ — ورقها ۲۴۲۲ — كلماتها ۳۵۲

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ﴿١﴾

بنام خداوند بخشاینده مهربان

ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَجَعَلَ ٱلظُّلُمَٰتِ وَٱلنُّورَ ۖ ثُمَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِرَبِّهِمْ

سپاس خداوندی را که آفرید آسمانها و زمین را و قرار داد تاریکیها و روشنائی را پس آنانکه کفر ورزیدند بپروردگار خود

يَعْدِلُونَ ﴿١﴾ هُوَ ٱلَّذِى خَلَقَكُم مِّن طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰٓ أَجَلًا ۖ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِندَهُۥ ثُمَّ أَنتُمْ

شریک همی سازند اوست آنکه آفرید شما را از گل پس گذارد برآمدنی نامبرده نزد او است پس شما

تَمْتَرُونَ ﴿٢﴾ وَهُوَ ٱللَّهُ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَفِى ٱلْأَرْضِ ۖ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ ۖ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ

تردید میکنید او است خدا در آسمانها و در زمین میداند نهان و آشکار شما را و میداند آنچه را فراهم آرید

﴿٣﴾ وَمَا تَأْتِيهِم مِّنْ ءَايَةٍ مِّنْ ءَايَٰتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا۟ عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٤﴾ فَقَدْ كَذَّبُوا۟ بِٱلْحَقِّ

و نمیآید ایشان آیتی از آیتهای پروردگارشان هستند از آن روی گردانان همانا دروغ پنداشتند حق را

لَمَّا جَآءَهُمْ ۖ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنۢبَٰٓؤُا۟ مَا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَرَوْا۟ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم

چون آمد بایشان پس بزودی بیایدشان خبرهای آنچه بودند بدان استهزا کنندگان آیا نبینند بسا هلاک کردیم پیش از آنان

مِّن قَرْنٍ مَّكَّنَّٰهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّن لَّكُمْ وَأَرْسَلْنَا ٱلسَّمَآءَ عَلَيْهِم مِّدْرَارًا وَجَعَلْنَا

از نسلهائی که توانائیشان دادیم در زمین آنچه نتوانائیشان ندادیم و فرستادیم آسمان را برایشان ریزان و گردانیدیم

ٱلْأَنْهَٰرَ تَجْرِى مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَٰهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنشَأْنَا مِنۢ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءَاخَرِينَ ﴿٦﴾ وَلَوْ

جویها روان از زیر ایشان پس نابودشان کردیم بگناهانشان و آوردیم از نو پس از ایشان نسلهائی دیگران و اگر

نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَٰبًا فِى قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٧﴾

بفرستادیم تو را نامه‌ای در کاغذی که بسودندش بدستهای خویش هرآینه میگفتند آنانکه کفر ورزیدند نیست این جز جادوئی آشکار

داستان امت‌های گذشته
روایت است که ایشان نام‌های خود را
که چه کسی از فرزندان او باشد
نام‌ها را بر ورق‌ها می‌نوشتند
و بر آب می‌انداختند
دعایش مستجاب نمی‌شود
سفره نوح از آسمان بر ایشان
فرو فرستاده شد
نخست نوح آن را برداشت
و پیش روی او بر زمین
گسترده شد
بر زمین گسترده شد
و بر آن سیر شدند
و بر آن سفره
هر گونه خوراکی بود
و هر گونه نوشیدنی
و بر آن سفره
گوشت بریان بود
و نان
و ماهی
و شیر
و سرکه
و روغن
و پنیر
و خرما
و انار
و انگور
و انجیر
و هر گونه میوه‌ای
و بر آن سفره
هفت نان بود
و هفت ماهی
و هفت کاسه
و هفت قدح
و هفت کارد
و هفت چنگال
و هفت قاشق
و هفت چراغ
و هفت شمع
و هفت شمشیر
و هفت سپر
و هفت نیزه
و هفت کمان
و هفت تیر
و هفت زره
و هفت خود
و هفت جوشن
و هفت ساعد
و هفت بازو
و هفت ران
و هفت ساق
و هفت پا
و هفت انگشت
و هفت ناخن
و هفت مو
و هفت چشم
و هفت گوش
و هفت بینی
و هفت دهان
و هفت لب
و هفت دندان
و هفت زبان
و هفت گلو
و هفت شکم
و هفت روده
و هفت مثانه
و هفت آلت
و هفت بیضه
و هفت سرین
و هفت پشت
و هفت سینه
و هفت دل
و هفت جگر
و هفت طحال
و هفت کلیه
و هفت ریه
و هفت گرده
و هفت ناف
و هفت پهلو
و هفت دست

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ۖ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنْظَرُونَ ﴿٨﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ

وگفتند چرا براو فرو نیامده است فرشته ای واگر میفرستادیم فرشته هر آینه میگذشت کار پس مهلت داده نمیشدند واگر میگردانیدیمش

مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ ﴿٩﴾ وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ

فرشته همانا میگردانیدمش مردی وهمی پوشانیدیم براو آنچه را میپوشند وهمانا استهزاء شد به پیمبرانی که پیش از تو بودند پس فرود آمد

بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿١٠﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

بدانانکه مسخره کردند از ایشان آنچه بودند بدان استهزاء کنندگان بگو بگردید در زمین پس بنگرید چگونه بود است فرجام

الْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾ قُلْ لِمَنْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۚ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ

تکذیب کنندگان بگو از آن کیست آنچه در آسمانهاست وزمین بگو از آن خدا نوشت بر خویشتن رحمت را که گرد آورد شما را بسوی

يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۚ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢﴾ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ

روز رستاخیز نیست تردیدی در آن آنانکه زیانمند کردند خویشتن را ایمان نمیاورند واز آن وی است آنچه آرمیده است در شب

وَالنَّهَارِ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿١٣﴾ قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ

وروز واو است شنوای دانا بگو آیا جز خدا را برگیرم دوستی آفریننده آسمانها وزمین واو میخوراند

وَلَا يُطْعَمُ ۗ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٤﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ

و خورانده نشود بگو همانا مامور شدم که نخستین اسلام آورنده باشم ونباش البته از شرک آورندگان بگو همانا میترسم

إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٥﴾ مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ ۚ وَذَٰلِكَ الْفَوْزُ

اگر نافرمانی کنم پروردگار خود را از عذاب روزی بزرگ آنکس که گردانیده شود از او در آن روز همانا رحم بدو کرده وآنست رستگاری

الْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ ۖ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

آشکار واگر برساندت خدا رنجی پس نیست بازگیرنده آن جز او واگر رساندت بخیری پس او است بر همه چیز

قَدِيرٌ ﴿١٧﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿١٨﴾ قُلْ أَيُّ شَيْءٍ أَكْبَرُ شَهَادَةً ۖ قُلِ اللَّهُ

توانا واو است نیرومند برفراز بندگان خویش واو است حکیم دانا بگو چه چیز بزرگتر است در گواهی بگو خدا

شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَأُوحِيَ إِلَيَّ هَٰذَا الْقُرْآنُ لِأُنْذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ ۚ أَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ

گواه است میان من وشما ووحی شده است بسوی من این قرآن تا بترسانم بدان شما را وهر که را برسد آیا گواهی دهید که

مَعَ اللَّهِ آلِهَةً أُخْرَىٰ ۚ قُلْ لَا أَشْهَدُ ۚ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَإِنَّنِي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ ﴿١٩﴾ الَّذِينَ

با خدا است خدایان دیگری بگو گواهی ندهم بگو جز این نیست که او است خداوند یکتا وهمانا بیزارم از آنچه شرک میورزید آنانکه

آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ ۘ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠﴾ وَمَنْ

دادیمشان کتاب را بشناسندش چنانکه بشناسند فرزندان خود را آنانکه زیانمند کردند خویشتن را ایمان نیارند وکیست

أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ﴿٢١﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا

ستمگرتر از آنکه ببندد بر خدا دروغی یا دروغ پندارد آیتهای او را همانا رستگار نشوند ستمگران وروزی که گردشان آریم همگی

ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاؤُكُمُ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٢٢﴾ ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ

پس گوئیم بدانانکه شرک ورزیدند کجاست شریکان شما آنانکه بودید میپنداشتید پس نبود نیرنگ آنان جز آنکه

قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ ﴿٢٣﴾ انْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢٤﴾

گفتند بخدا سوگند پروردگار ما که نبودیم شرک ورزندگان بنگر چگونه دروغ گفتند بر خویشتن وگمشد از ایشان آنچه بودند دروغ می بستند

وَمِنْهُمْ مَّنْ يَسْتَمِعُ اِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلٰى قُلُوبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِيٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا ؕ وَاِنْ يَرَوْا كُلَّ

واز ایشان است آنکه گوش فرا میدهد بسوی تو و قرار دادیم بر دلهای ایشان پرده هائی از آنکه دریابندش و در گوشهای ایشان سنگینی و اگر بینند هر

اٰيَةٍ لَّا يُؤْمِنُوا بِهَا ؕ حَتّٰٓى اِذَا جَآؤُكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوٓا اِنْ هٰذَآ اِلَّآ اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ

آیتی را ایمان نیارند بدان تا گاهی که آیندت ستیزه گنان با تو گویند آنانکه کفر ورزیدند نیست این جز افسانه های پیشینیان

(٢٥) وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْـَٔوْنَ عَنْهُ وَاِنْ يُهْلِكُونَ اِلَّآ اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ (٢٦) وَلَوْ تَرٰٓى اِذْ

و ایشان نهی کنند از آن و دوری گزینند از آن و نابود نکنند جز خویشتن را و نمیدانند و ایکاش میدیدی گاهی را

وُقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبَ بِاٰيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (٢٧) بَلْ بَدَا

که باز داشت شدند بر آتش گفتند کاش برگردانیده میشدیم و دروغ نمیشمردیم آیتهای پروردگار خود را و میشدیم از مؤمنان بلکه آشکار شد

لَهُمْ مَّا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ ؕ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَاِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ (٢٨) وَقَالُوٓا اِنْ هِيَ

برای ایشان آنچه پنهان کرده بودند از پیش و اگر باز گردانیده شوند همانا برگردند بدانچه نهی شدند از آن و هر آینه آنانند دروغگویان گفتند نیست آن

اِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ (٢٩) وَلَوْ تَرٰٓى اِذْ وُقِفُوا عَلٰى رَبِّهِمْ ؕ قَالَ اَلَيْسَ هٰذَا بِالْحَقِّ ؕ قَالُوا

جز زندگانی دنیای ما و نیستیم ما برانگیختگان و کاش میدیدی گاهی را که باز داشت شدند پیشگاه پروردگارشان گوید آیا نیست این بحق گویند

بَلٰى وَرَبِّنَا ؕ قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (٣٠) قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَآءِ اللّٰهِ ؕ

بلی سوگند بپروردگار ما گوید پس بچشید عذاب را بدانچه بودید کفر میورزیدید همانا زیان کردند آنانکه دروغ شمردند ملاقات خدا را

حَتّٰٓى اِذَا جَآءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلٰى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا ۙ وَهُمْ يَحْمِلُونَ اَوْزَارَهُمْ

تا گاهی که بیامدشان قیامت ناگهان گفتند دریغ ما را بدانچه کوتاهی کردیم در آن و حمل کنند بارهای خود را

عَلٰى ظُهُورِهِمْ اَلَا سَآءَ مَا يَزِرُونَ (٣١) وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَآ اِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ ؕ وَلَلدَّارُ الْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ

بر پشتهای خویش چه زشت است آنچه بار بر میدارند و نیست زندگانی دنیا جز بازیچه و هوسرانی و همانا خانهٔ آخرت است بهتر برای آنانکه

يَتَّقُونَ ؕ اَفَلَا تَعْقِلُونَ (٣٢) قَدْ نَعْلَمُ اِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَاِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلٰكِنَّ

پرهیزکاری کنند آیا بخرد نمی‌یابید همانا دانیم که اندوهگین کند آنچه گویند و هر آینه تکذیب نمیکنند ترا ولیکن

الظَّالِمِينَ بِاٰيَاتِ اللّٰهِ يَجْحَدُونَ (٣٣) وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلٰى مَا كُذِّبُوا

ستمگران بآیتهای خدا انکار می ورزند و همانا تکذیب شدند پیمبرانی پیش از تو پس شکیبا شدند بر آنچه تکذیب شدند

وَاُوذُوا حَتّٰٓى اَتٰيهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللّٰهِ ۚ وَلَقَدْ جَآءَكَ مِنْ نَّبَاِي الْمُرْسَلِينَ

و آزار کشیدند تا رسیدشان یاری ما و نیست برگرداننده برای سخنان خدا و همانا رسیده است ترا از داستان پیمبران

(٣٤) وَاِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ اِعْرَاضُهُمْ فَاِنِ اسْتَطَعْتَ اَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْاَرْضِ اَوْ سُلَّمًا فِي

و اگر گران آید بر تو پشت کردن ایشان پس اگر توانی بیابی سوراخی در زمین یا نردبانی

السَّمَآءِ فَتَاْتِيَهُمْ بِاٰيَةٍ ؕ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدٰى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ (٣٥) اِنَّمَا

باسمان پس بیاریشان آیتی و اگر میخواست خدا هر آینه گردشان میآورد بر هدایت پس نباش از نادانان جز این

يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتٰى يَبْعَثُهُمُ اللّٰهُ ثُمَّ اِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (٣٦) وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ

نیست که بپذیرند از تو آنانکه میشنوند و مردگان را خدا برانگیزند سپس بسوی او باز گردانیده شوند گفتند چرا فرود نیامده است بر او

اٰيَةٌ مِّنْ رَّبِّهِ ؕ قُلْ اِنَّ اللّٰهَ قَادِرٌ عَلٰٓى اَنْ يُنَزِّلَ اٰيَةً وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (٣٧)

آیتی از پروردگارش بگو همانا خدا تواناست که فرستد آیتی را لیکن بیشتر ایشان نمیدانند

واز در زاری و زبونی در آمدند لیکن چه سود که کار از کار گذشته و خشم خدای فرود آمده بود و پس از سه روز آن سوخان همگی هلاک شدند و بسزای ناسپاسی و هرزه درائی خویش رسیدند.

٢٦ وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ و مقاتل و عطا نزول این آیت درباره ابوطالب پنداشتند و ضمیر به پیمبر راجع دانستند و آن زعمی فاسد است چه با آیات پیشین و پسین راست نیاید و متناسق نیفتد چنانکه خود آشکار است و نیازی بتوضیح نیست و دیگر آنکه ایمان ابوطالب اجماع اهل بیت و ائمه و پیروانشان قائم است و قصص و تواریخ بر آن بهترین گواه و شاهد و اگر نباشد بجز ابیات و قصاید یکه وی درباره پیمبر سروده است که خود دیوانی مستقل و جداگانه بشمار است هر آینه بر اثبات مدعی کافی و وافی خواهد بود چنانکه در مبلغ حمایت خویش از پیمبر ضمن ابیاتی چنین گوید: اذود واحمی رسول الملیک حمایة حام علیه شفیق و در جای دیگر تصریح بنبوت پیمبر صلی الله علیه و آله کرده ضمن ابیاتی چنین گوید: الم

حزب (٣)

وَمَا مِنْ دَآبَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَآئِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّآ أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ ۚ مَّا فَرَّطْنَا فِي

نیست جنبنده‌ای در زمین و نه پرنده پرواز کننده با بالهای خود جز ملتهائی همانند شما فروگذار نکردیم در

الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ ﴿۳۸﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمٌّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ ۚ

کتاب از چیزی سپس بسوی پروردگارشان گرد آورده شوند و آنانکه تکذیب کردند آیتهای ما را کران و گنگانند در تاریکیها

مَنْ يَشَإِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ ۖ وَمَنْ يَشَأْ يَجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۳۹﴾ قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ

هرکه را خدا خواهد گمراه کند و هرکه را خواهد بگرداندش بر راهی راست بگو آیا دیدید که اگر بیاید شما را عذاب خدا یا بیاید شما را

السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ ۖ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۴۰﴾ بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ

قیامت آیا جز خدا را خوانید اگر هستید راستگویان بلکه او را میخوانید پس بگرداند از شما آنچه را بسوی آن خوانیدش

إِنْ شَآءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ ﴿۴۱﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَآ إِلَىٰ أُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَآءِ

اگر خواهد و فراموش میکنید آنچه را شرک میورزید و همانا فرستادیم بسوی ملتی پیش از تو پس گرفتیمشان بپریشانی

وَالضَّرَّآءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ ﴿۴۲﴾ فَلَوْلَآ إِذْ جَآءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ

و رنجوری شاید زاری کنند چرا هنگامیکه بیامدشان خشم ما زاری نکردند لیکن سنگین شد دلهای آنان

وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۴۳﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ

و آراست برای ایشان شیطان آنچه را بودند عمل میکردند پس هنگامیکه فراموش کردند آنچه را تذکر بدان داده شدند بگشودیم برایشان درهای

كُلِّ شَيْءٍ ۖ حَتَّىٰٓ إِذَا فَرِحُوا بِمَآ أُوتُوٓا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُّبْلِسُونَ ﴿۴۴﴾ فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ

همه چیز را تا گاهیکه شاد شدند بدانچه داده شدند گرفتیمشان ناگهان ناگاه ایشانند سرافکندگان پس بریده شد دنباله گروهی

الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۵﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ

که ستم کردند و سپاس خدا را پروردگار جهانیان بگو آیا نگریسته‌اید که اگر خدای بگیرد گوش و دیدگان شما را

وَخَتَمَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ مَّنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ ۗ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ

و مهر زند بر دلهای شما کیست خدائی جز خداوند که برگرداند آنها را بشما بنگر چگونه میگردانیم آیتها را سپس ایشان

يَصْدِفُونَ ﴿۴۶﴾ قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ

روی برمیگردانند بگو آیا دیدستید اگر بیاید شما را عذاب خدا ناگهان یا آشکارا آیا نابود میشوند

إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ ﴿۴۷﴾ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ ۖ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ

جز گروه ستمکاران و نمیفرستیم فرستادگان را جز نوید دهندگان و ترسانندگان پس آنانکه ایمان آورند و اصلاح کنند

فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿۴۸﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا

نیست بر ایشان بیمی و نه اندوهگین شوند و آنانکه تکذیب کنند آیتهای ما را برسد بدیشان عذاب بدانچه بودند

يَفْسُقُونَ ﴿۴۹﴾ قُلْ لَّآ أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَآئِنُ اللَّهِ وَلَآ أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَآ أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ ۖ

نافرمانی میکردند بگو نمیگویم برای شما که نزد من است گنجهای خدا و نه ناپیدا را دانم و نمیگویم برای شما منم فرشته

إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰٓ إِلَيَّ ۚ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ۚ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ﴿۵۰﴾ وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ

پیروی نمیکنم جز آنچه را بمن وحی شود بگو آیا یکسان است کور و بینا آیا نمی اندیشید و بیم ده بدان آنانرا که

يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوٓا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِّنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۵۱﴾

میترسند گرد آورده شوند بسوی پروردگار خود نیستشان دوست و نه شفاعتگری جز او شاید ایشان پرهیز کنند

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدٰوةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ

واز خود نران آنانرا که میخوانند پروردگار خودرا بامدادان و شامگاه خواهان روی اویند نیست برتو از حساب ایشان

مِّنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِّنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۵۲﴾ وَكَذٰلِكَ فَتَنَّا

چیزی ونه از حساب تو است برایشان چیزی که برانی آنانرا پس بشوی از ستمگران وبدینگونه آزمودیم

بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهٰؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِّنْ بَيْنِنَا ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ﴿۵۳﴾

برخی از ایشانرا ببرخی تا بگویند آیا اینانند که خدا منت نهاده است برایشان از میان ما آیا نیست خدا داناتر بسپاسگذاران

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ

وهرگاه درآیند برتو آنانکه ایمان آورند بآیتهای ما بگو سلام برشما نوشت پروردگار شما برخویشتن رحمت را

أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۵۴﴾ وَكَذٰلِكَ

که هرکس انجام دهد از شما بدی را بنادانی سپس بازگردد پس از آن واصلاح کند همانا اوست آمرزنده مهربان چنین

نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ ﴿۵۵﴾ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ

تفصیل دهیم آیتهارا وتا پدیدار شود راه گنهکاران بگو همانا نهی شدم از آنکه پرستش کنم آنانرا که میخوانید

دُونِ اللَّهِ ۚ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ ۖ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ﴿۵۶﴾ قُلْ إِنِّي عَلَىٰ

جز خدا بگو پیروی نکنم خواسته های شمارا که گمراه شوم در آنهنگام ونباشم از هدایت یافتگان بگو همانا من بر

بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ ۚ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ۖ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ

نشانه ای از پروردگار خویشم وشما تکذیب آن کردید نیست نزد من آنچه شتاب دارید بدان نیست حکم جز از آن خدا میسراید حق را واوست بهتر

الْفَاصِلِينَ ﴿۵۷﴾ قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ وَاللَّهُ أَعْلَمُ

جدا سازندگان بگو اگر نزد من بود آنچه بدان شتاب میکنید همانا میگذشت کار میان من وشما وخدا داناتر است

بِالظَّالِمِينَ ﴿۵۸﴾ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا

بستمگران ونزد اوست کلیدهای ناپیدا که نداند آنهارا جز او ومیداند آنچه را در دشت ودریاست و

تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي

نیفتد برگی جز آنکه بداندش ونه دانه ای در تاریکیهای زمین ونه تری ونه خشکی مگر در

كِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿۵۹﴾ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ

کتابیست آشکار واوست آنکه دریابد (بمیراند) شمارا در شب ومیداند آنچه فراآورید در روز سپس برانگیزاند شمارا در آن تا بگذرد

أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۶۰﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ

سرآمدی معین سپس بسوی اوست بازگشت شما پس آگهی دهد شمارا بدانچه بودید عمل میکردید واوست نیرومند بر فراز بندگان خود

وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ﴿۶۱﴾ ثُمَّ

ومیفرستد برشما نگهبانانی تا گاهی که برسد یکی از شمارا مرگ دریابندش فرستادگان ما وآنان فروگذار نمیکنند سپس

رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ ۚ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ﴿۶۲﴾ قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ

بازگردانیده شوند بسوی خدا سرپرست ایشان حق همانا از آن ویست حکم واوست شتابنده ترین حسابگران بگو که شمارا رهائی دهد از تاریکیهای

الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۖ لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿۶۳﴾

دشت ودریا خوانیدش بزاری ونهان که اگر رها ساختی مارا ازاین باشیم البته از سپاسگذاران

فی نصر احمد دون الناس اتراسا

۵۲ ولا تطرد الذین گروهی از مؤلفة قلوبهم بر پیمبر ص درآمدند وگرد او مشتی درویش وبینوا چون بلال وعمار نگریستند پسند نداشتند در آن انجمن شوند وبا پیمبر ص گفتند بسا سفرا وشهان وسران برتو درآیند وما را بشناسند وچون با این جمع تهیدست وگدا همنشین بینند شرمنده شویم بفرمای تا ما در انجمن هستیم اینان لختی دور شوند وآنگاه که ما برون شویم باهر که خواهی نشینی پیمبر ص آهنگ آن کرد که این سخن بپذیرد وعلی ع را فرمود پیمانی بدانچه خواستند بنوشت ناگهان جبرئیل بیامد واین آیت بدو بیاورد پس آن نوشته بدور افکند وروی بیاران خویش کرد وبسی در تقریب آنان بکوشید وچندانشان نزدیک خویشتن نشانید که زانویش بزانوهای ایشان سودی وچون آیه واصبر نفسک بیامد همیشه با آنان نشستی وآنگاهش که کاری بایسته رسیدی تا از نزدش نرفتندی برنخاستی وبی انکار نشدی

۵۹ ولا حبة فی ظلمات الارض بتقدیر ولا تسقط من حبة است بقرینه ما تقدم الا فی کتاب مبین بتقدیر الا هو فی کتاب مبین است وجوبا وقطعا وگرنه معنی راست نیاید

قُلِ اللّٰهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ اَنْتُمْ تُشْرِكُونَ ﴿۶۴﴾ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلٰٓى اَنْ يَبْعَثَ

بگو خدا رهائی دهد شما را از آن و از هر اندوهی سپس شما بدو شرک همی ورزید بگو اوست توانا بر آنکه بیانگیزاند

عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِكُمْ اَوْ مِنْ تَحْتِ اَرْجُلِكُمْ اَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ

بر شما عذابی از فراز شما یا از زیر پایهای شما یا بهم اندازد شما را گروههائی و بچشاند بعضی را از شما

بَأْسَ بَعْضٍ ؕ اُنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْاٰيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ﴿۶۵﴾ وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ

زیان بعضی بنگر چگونه میگردانیم آیتها را شاید دریابند ایشان و دروغش شمردند قوم تو و آن است

الْحَقُّ ؕ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ؕ ﴿۶۶﴾ لِكُلِّ نَبَاٍ مُسْتَقَرٌّ ۙ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿۶۷﴾ وَاِذَا رَاَيْتَ

حق بگو نیستم بر شما وکیل برای هر خبری است قرارگاهی و بزودی میدانید و هرگاه ببینی

الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي اٰيَاتِنَا فَاَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتّٰى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَاِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ

آنانرا که فرو روند در آیتهای ما پس رو گردان از ایشان تا فرو روند در داستانی دیگر و اگر فراموشی آردت شیطان

فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرٰى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۶۸﴾ وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ

پس منشین پس از یاد آوردن با گروه ستمگران و نیست بر آنانکه پرهیز میکنند از حساب ایشان

مِنْ شَيْءٍ وَلٰكِنْ ذِكْرٰى لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۶۹﴾ وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ

چیزی ولیکن یاد آوردنی است شاید بترسند ایشان و بگذارید آنانرا که گرفتند دین خود را بازی و هوسرانی و بفریفت ایشانرا

الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ اَنْ تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ ۖ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ

زندگانی دنیا و تذکر ده بدان تا سرافکنده نشود کسی بدانچه دست آورد است نیستش جز خدا دوست و نه شفاعتگری

وَاِنْ تَعْدِلْ كُلَّ عَدْلٍ لَا يُؤْخَذْ مِنْهَا ؕ اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ اُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا ۚ لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ

و اگر بجای خود دهد هر بدلی پذیرفته نشود از او آنانند که سرافکنده شدند بدانچه دست آوردند ایشانراست نوشابه از آب

حَمِيمٍ وَعَذَابٌ اَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿۷۰﴾ قُلْ اَنَدْعُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا

جوشان و شکنجه سخت بدانچه بودند کفر میورزیدند بگو آیا خوانیم جز خدا آنچه را نه سود دهد ما را و نه

يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلٰٓى اَعْقَابِنَا بَعْدَ اِذْ هَدٰينَا اللّٰهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْاَرْضِ

زیان رساند و برگردیم بر پاشنه های خود پس از آنکه راهنمائی کرد ما را خدا مانند آنکه فریفتندش شیاطین در زمین

حَيْرَانَ ۖ لَهُ اَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ اِلَى الْهُدَى ائْتِنَا ؕ قُلْ اِنَّ هُدَى اللّٰهِ هُوَ الْهُدٰى ؕ وَاُمِرْنَا لِنُسْلِمَ

سراسیمه ویرا یارانی است که خوانندش بسوی هدایت بنزد ما بیا بگو همانا هدایت خداست هدایت و امر شدیم که گردن نهیم

لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۷۱﴾ وَاَنْ اَقِيمُوا الصَّلٰوةَ وَاتَّقُوهُ ؕ وَهُوَ الَّذِي اِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿۷۲﴾ وَهُوَ الَّذِي

برای پروردگار جهانیان و آنکه بپا دارید نماز را و بترسیدش و اوست آنکه بسوی او گرد آورده شوید و اوست آنکه

خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ ؕ وَيَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ ؕ وَلَهُ الْمُلْكُ

آفرید آسمانها و زمین را بحق و روزیکه گوید بشو پس بشود گفتار اوست حق و از آن ویست پادشاهی

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ؕ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ؕ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ﴿۷۳﴾ وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِيمُ

روزیکه دمیده شود در صور دانای نهان و پدیدار و اوست حکیم دانا و هنگامیکه گفت ابراهیم

لِاَبِيهِ اٰزَرَ اَتَتَّخِذُ اَصْنَامًا اٰلِهَةً ۚ اِنِّي اَرٰيكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿۷۴﴾

بپدر خود آزر آیا میگیری بتان را خدایانی همانا می بینم تو و قومت را در گمراهی آشکار

حزب (۴)

وَكَذٰلِكَ نُرِيٓ اِبْرٰهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ ﴿۷۵﴾ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ

و بدینسان بنمایانیم بابراهیم پادشاهیهای آسمانها و زمین را و تا بگردد از یقین دارندگان آنگاه که فراگرفتش تاریکی

اللَّيْلُ رَءَا كَوْكَبًا قَالَ هٰذَا رَبِّي فَلَمَّآ اَفَلَ قَالَ لَآ اُحِبُّ الْاٰفِلِينَ ﴿۷۶﴾ فَلَمَّا رَءَا الْقَمَرَ

شب دید ستاره را گفت اینست پروردگار من و هنگامیکه فرونشست گفت دوست ندارم فرو روندگان را و هنگامیکه دید ماه را

بَازِغًا قَالَ هٰذَا رَبِّي فَلَمَّآ اَفَلَ قَالَ لَئِنْ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَاَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّآلِّينَ ﴿۷۷﴾

تابنده گفت اینست پروردگار من و گاهیکه درون شد گفت اگر رهبریم نکند پروردگارم همانا میشوم از گروه گمراهان

فَلَمَّا رَءَا الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هٰذَا رَبِّي هٰذَآ اَكْبَرُ فَلَمَّآ اَفَلَتْ قَالَ يَا قَوْمِ اِنِّي بَرِيٓءٌ مِمَّا

تا گاهیکه دید خورشید را درخشان گفت اینست پروردگار من این بزرگتر است سپس هنگامیکه ناپدید شد گفت ای قوم همانا بیزارم از آنچه

تُشْرِكُونَ ﴿۷۸﴾ اِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ حَنِيفًا وَمَآ اَنَا مِنَ

شما شرک میورزید همانا برگرداندم روی خود را بسوی آنکه آفرید آسمانها و زمین را یکتاپرست و نیستم از

الْمُشْرِكِينَ ﴿۷۹﴾ وَحَآجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ اَتُحَآجُّونِّي فِي اللّٰهِ وَقَدْ هَدٰينِ وَلَآ اَخَافُ مَا

شرک ورزندگان و ستیزه کردند با وی قومش گفت آیا با من ستیزه کنید در خدا حالیکه هدایتم کرد است و نترسم آنچه را

تُشْرِكُونَ بِهِ اِلَّآ اَنْ يَشَآءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا اَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿۸۰﴾

شرک بدان ورزید جز آنکه بخواهد پروردگار من چیزی را فراگرفت است پروردگارم همه چیز را بدانش آیا یاد نمیآورید

وَكَيْفَ اَخَافُ مَآ اَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ اَنَّكُمْ اَشْرَكْتُمْ بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ

و چگونه ترسم آنچه را شرک ورزیدید و نترسید از آنکه شرک ورزیدید بخدا آنرا که نفرستاده است بدان بر شما

سُلْطَانًا فَاَيُّ الْفَرِيقَيْنِ اَحَقُّ بِالْاَمْنِ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۸۱﴾ اَلَّذِينَ اٰمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوٓا

فرمانروایی پس کدام یک از دو گروه سزاوارترند بایمن شدن اگر میدانید آنانکه ایمان آوردند و نیالودند

اِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ اُولٰٓئِكَ لَهُمُ الْاَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿۸۲﴾ وَتِلْكَ حُجَّتُنَآ اٰتَيْنَاهَآ اِبْرٰهِيمَ

ایمان خویش را بستم برای آنان است ایمنی و ایشانند هدایت شدگان و اینست حجت ما که دادیمش بابراهیم

عَلٰى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَآءُ اِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿۸۳﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ

بر قوم او بالا بریم پایه های هر که را خواهیم همانا پروردگار تو است حکیم دانا و ارزانی داشتیم بدو اسحق و یعقوب را

كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَاَيُّوبَ وَيُوسُفَ

هر کدام هدایت کردیم و نوح را هدایت کردیم از پیش و از نژاد او داود و سلیمان و ایوب و یوسف

وَمُوسٰى وَهٰرُونَ وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿۸۴﴾ وَزَكَرِيَّا وَيَحْيٰى وَعِيسٰى وَاِلْيَاسَ كُلٌّ

و موسی و هرون را و بدینسان پاداش دهیم نیکوکاران را و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را هر کدام

مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۸۵﴾ وَاِسْمٰعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۸۶﴾

از شایستگان و اسمعیل و الیسع و یونس و لوط و هر کدام را برتری دادیم بر جهانیان

وَمِنْ اٰبَآئِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَاِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۸۷﴾

و از پدران ایشان و فرزندان ایشان و برادران ایشان و برگزیدیمشان و رهبریشان نمودیم بسوی راهی راست

ذٰلِكَ هُدَى اللّٰهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَآءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ اَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۸۸﴾

اینست هدایت خدا که رهبری کند بدان هر که را خواهد از بندگان خویش و اگر شرک میورزیدند هر آینه سترده میشد از ایشان آنچه بودند میکردند.

اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ اٰتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَاِنْ يَكْفُرْ بِهَا هٰٓؤُلَآءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا

آنانند که بدیشان دادیم کتاب و حکم و پیمبری را پس اگر بدان کفر ورزند آنان همانا نگهبان کردیم بر آن

قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ ﴿۸۹﴾ اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللّٰهُ فَبِهُدٰيهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لَّآ اَسْئَلُكُمْ

گروهی را که نیستند بدان کفر ورزندگان آنانند که رهبریشان نمود خدا پس برهبریشان پیروی جوی بگو نخواهم از شما

عَلَيْهِ اَجْرًا اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٰى لِلْعَالَمِينَ ﴿۹۰﴾ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖٓ اِذْ قَالُوا مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ

بر آن پاداشی نیست آن جز یادآوری برای جهانیان و ارج ننهادند خدا را شایان ارجمندیش هنگامیکه گفتند نفرستاد است خدا

عَلٰى بَشَرٍ مِّنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ اَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَآءَ بِهِ مُوسٰى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ

بر بشری چیزی را بگو که فرستاد است کتابی را که بیاورد موسی روشنائی و هدایتی برای مردم که میگردانیدش

قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَّا لَمْ تَعْلَمُوٓا اَنْتُمْ وَلَآ اٰبَآؤُكُمْ قُلِ اللّٰهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ

کاغذهائی که آنها را آشکار کنید و نهان کنید بسیاری را و آموخته شدید آنچه را نمیدانستید نه شما و نه پدران شما بگو خدا سپس بگذارشان

فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ ﴿۹۱﴾ وَهٰذَا كِتَابٌ اَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ

در فرو رفتگی (سرگرمی) خویش بازی کنند و اینست کتابی فرستادیمش فرخنده تصدیق کننده آنچه پیشروی اوست

وَلِتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرٰى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ

و تا بترسانی مادر شهرها و آنانرا که پیرامون آنند و آنانکه ایمان آرند بآخرت ایمان آرند بدان حالیکه

عَلٰى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۹۲﴾ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ قَالَ اُوحِيَ اِلَيَّ

بر نماز خویشند مواظبت کنندگان و کیست ستمگرتر از آنکه ببندد بر خدا دروغی یا گوید وحی رسیده است بمن

وَلَمْ يُوحَ اِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَاُنْزِلُ مِثْلَ مَآ اَنْزَلَ اللّٰهُ وَلَوْ تَرٰٓى اِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ

حالیکه وحی نشده است بسوی او چیزی و کسیکه گوید بزودی میفرستم همانند آنچه خدا فرستاد است و اگر (کاش) میدیدی هنگامی را که ستمگران در گردابهای

الْمَوْتِ وَالْمَلَآئِكَةُ بَاسِطُوٓا اَيْدِيهِمْ اَخْرِجُوٓا اَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ

مرگند و فرشتگان گشاینده اند دستهای خویش را برون دهید جانهای خود را امروز کیفر شوید بعذاب خواری

بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ اٰيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿۹۳﴾ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا

بدانچه میگفتید بر خدا نادرست را و بودید از آیتهای او سرکشی میکردید و همانا آمدید ما را

فُرَادٰى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَّا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَآءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرٰى مَعَكُمْ

تنها چنانکه آفریدیمتان نخستین بار و باز گذاشتید آنچه را بشما دادیم پشت سر خویش و نه بینیم با شما

شُفَعَآءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ اَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكٰٓؤُا لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَّا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿۹۴﴾

شفیعان شما را آنانکه پنداشتید شان در شما شریکان همانا بگسیخت میان شما و گم شد از شما آنچه بودید میپنداشتید

اِنَّ اللّٰهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوٰى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ فَاَنّٰى تُؤْفَكُونَ ﴿۹۵﴾

همانا خداست شکافنده دانه و هسته برون آرد زنده را از مرده و برون آرنده است مرده را از زنده این است پروردگار شما پس کجا بدروغ رانده شوید

فَالِقُ الْاِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿۹۶﴾

شکافنده صبح و گردانید شب را آرامشی و مهر و ماه را شمارگرانی این است تقدیر خداوند عزیز دانا

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا الْاٰيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۹۷﴾

و او است آنکه نهاد برای شما ستارگان را تا هدایت شوید در تاریکیهای دشت و دریا همانا تفصیل دادیم آیتها را برای گروهی که میدانند

وَهُوَ الَّذِيٓ اَنْشَاَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَّمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْاٰيَاتِ لِقَوْمٍ يَّفْقَهُوْنَ

واوست آنکه آفرید شمارا از یکتن پس پایدار و ناپایداری همانا تفصیل دادیم آیتهارا برای گروهی که درمی یابند

(۹۸) وَهُوَ الَّذِيٓ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَخْرَجْنَا بِهٖ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَاَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا

واوست آنکه فرستاد از آسمان آبی پس برون آوردیم با آن روئیدنی همه چیزرا پس برون آوردیم از آن سبزه ای که

نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنّٰتٍ مِّنْ اَعْنَابٍ وَّالزَّيْتُوْنَ

برون آریم از آن دانه ای انبوه واز خرمابن از شکوفه آن خوشه نزدیک (فرود) و باغستانی از انگورها و زیتون

وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ اُنْظُرُوْٓا اِلٰى ثَمَرِهٖٓ اِذَآ اَثْمَرَ وَيَنْعِهٖ اِنَّ فِيْ ذٰلِكُمْ

وانار همانند وگوناگون بنگرید بمیوه آن گاهیکه بار دهد و رسیدن آن همانا در این است

لَاٰيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ (۹۹) وَجَعَلُوْا لِلّٰهِ شُرَكَآءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوْا لَهٗ بَنِيْنَ وَبَنٰتٍ

آیتهائی برای گروهی که ایمان آورند و قرار دادند برای خدا شریکانی جنی که آفریدستشان و بهم بافتند برایش پسران و دخترانی

بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهٗ وَتَعَالٰى عَمَّا يَصِفُوْنَ (۱۰۰) بَدِيْعُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَنّٰى يَكُوْنُ لَهٗ وَلَدٌ وَّلَمْ

بنادانی منزه و برتر است خدا از آنچه میستایند پدید آرنده آسمانها و زمین چگونه ویرا فرزندی باشد و

تَكُنْ لَّهٗ صَاحِبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ (۱۰۱) ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ

نبوده است برای او همسری و آفریده است همه چیزرا واوست بهر چیزی دانا این است خدا پروردگار شما نیست خدائی جز او

خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوْهُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَّكِيْلٌ (۱۰۲) لَا تُدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ

آفریننده همه چیز پس بپرستیدش واوست بر همه چیز نگهبان در نیابندش دیدگان واو دریابد

الْاَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيْفُ الْخَبِيْرُ (۱۰۳) قَدْ جَآءَكُمْ بَصَآئِرُ مِنْ رَّبِّكُمْ فَمَنْ اَبْصَرَ فَلِنَفْسِهٖ وَمَنْ عَمِيَ

دیدگانرا واوست بخشنده آگاه همانا بیامد شمارا بینشهائی از پروردگار شما پس آنکه بینا شود برای خویشتن است و آنکه نابینا

فَعَلَيْهَا وَمَآ اَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيْظٍ (۱۰۴) وَكَذٰلِكَ نُصَرِّفُ الْاٰيَاتِ وَلِيَقُوْلُوْا دَرَسْتَ

شود برخویشتن است و نیستم من بر شما نگهبان و بدینسان بگردانیم آیتهارا و تا گویند درس خوانده

وَلِنُبَيِّنَهٗ لِقَوْمٍ يَّعْلَمُوْنَ (۱۰۵) اِتَّبِعْ مَآ اُوْحِيَ اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَاَعْرِضْ

و تا بیان کنیمش برای گروهی که میدانند پیروی کن آنچه را وحی شده است بسوی تو از پروردگارت نیست خدائی جز او و روی گردان

عَنِ الْمُشْرِكِيْنَ (۱۰۶) وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَآ اَشْرَكُوْا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيْظًا وَمَآ اَنْتَ

از شرک ورزان واگر میخواست خدا شرک نمیورزیدند و نگردانیدیمت بر آنان نگهبان و نیستی تو

عَلَيْهِمْ بِوَكِيْلٍ (۱۰۷) وَلَا تَسُبُّوا الَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ فَيَسُبُّوا اللّٰهَ عَدْوًا

برایشان وکیل و دشنام ندهید آنانرا که جز خدا میخوانند تا دشنام دهند خدارا ستمگرانه

بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذٰلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ اُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ اِلٰى رَبِّهِمْ مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا

بنادانی بدینگونه آراستیم برای هر گروهی کردار ایشانرا سپس بسوی پروردگار ایشانست بازگشتشان تا آگهیشان دهد بدانچه

كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ (۱۰۸) وَاَقْسَمُوْا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَآءَتْهُمْ اٰيَةٌ لَّيُؤْمِنُنَّ بِهَا

بودند میکردند و سوگند یاد نمودند بخدا سخت ترین سوگندهای خودرا که اگر بیایدشان آیتی هرآینه ایمان آرند بدان

قُلْ اِنَّمَا الْاٰيَاتُ عِنْدَ اللّٰهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ اَنَّهَآ اِذَا جَآءَتْ لَا يُؤْمِنُوْنَ (۱۰۹)

بگو جز این نیست که آیتها نزد خداست و چه دانید (یا چه آگهیتان دهد) گاهیکه آنها آیند ایمان نیارند ایشان

لا تدرکه الابصار دیدگان او را در نیابند و او بیابد بینندگانرا وهو اللطیف گفتند لطیف آنکس است که چون بخوانیش اجابت کند و چون بدو پناه آری پناهت دهد و هرگاه دوستیش ورزی نزدیکت گرداند و چون فرمانش بری پاداشت دهد و اگر نافرمانیش کنی بر تو ببخشد و چون روی از او بگردانی فراخواندت و چون بدو روی آری رهبریت کند و هم گفتند لطیف آنکس است که یکافی الوافی و یعفو عن الجافی یعنی وفادار را پاداش نکو دهد و بر جفاکار ببخشد و نیز گفتند اللطیف من عطاؤه خیره و منعه ذخیره و جز این در معنی لطف سخن فراوان گفتند و گوناگونش بستودند و همه درست گفتند چرا که سخن هر یک اگرچه حاصر و ضابط نباشد لیکن هم در آن نهفته و اندر باشد و حق آنست که خدای متعال در تمام اوصاف کمال از قدرت و آفرینش و روزی دادن و بخشایش و دادرسی و جز اینها همه یکنوع شگفت آوری و ریزه کاری است که بدو اختصاص دارد و کس دریافتن و ستودن آن نیز نیارد و از آن بلطف تعبیر کنند.



وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ع

وباژگون سازیم دلها و دیدگان ایشانرا چنانکه ایمان نیاوردند بدان نخستین بار وبگذاریمشان در سرکشی خود فروروند

(۱۱۰) وَلَوْ أَنَّنَا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَىٰ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا

واگر فرستیم بسوی ایشان فرشتگان را وسخن گویند با ایشان مردگان وگرد آریم برایشان همه چیز را روبروی نیستند

كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ (۱۱۱) وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ

که ایمان آرند جز آنکه بخواهد خدا ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند وبدینسان قرار دادیم برای هر پیمبری

عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ

دشمنی شیاطین آدمی وپری که وحی فرستند بعضی از ایشان بسوی بعضی سخنان بیهوده را بفریب واگر میخواست

رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ (۱۱۲) وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

پروردگار تو نمیکردندش پس بگذارشان با آنچه دروغ می بندند وتا بشنوندش دلهای آنانکه ایمان نمیآورند

بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ (۱۱۳) أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي

بآخرت وتا پسندش دارند وتا فراهم آرند از گناه آنچه ایشانند فراهم کنندگان آیا جز خدا داوری جویم واوست آنکه

أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا ۚ وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ

فرستاد بسوی شما کتاب را بتفصیل وآنانکه دادیمشان کتاب را دانند که آنست فرود آمده

مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ (۱۱۴) وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا ۚ

از پروردگار تو بحق پس نباش از شک کنندگان وانجام یافت سخن پروردگار تو براستی وداد

لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۱۵) وَإِنْ تُطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ

نیست برگرداننده برای سخنان او واوست شنونده دانا واگر فرمانبری بیشتر آنانرا که در زمینند

يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ (۱۱۶) إِنَّ رَبَّكَ

گمراهت کنند از راه خدا پیروی نمیکنند جز گمان را ونیستند جز پندارندگان همانا پروردگار تو

هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يُضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ ۖ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۱۱۷) فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ

داناترست بدانکه گمراه شود از راه او واوست داناتر بهدایت شدگان پس بخورید از آنچه برده شده است نام خدا

عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ (۱۱۸) وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ

برآن اگر هستید بآیتهای او ایمان آورندگان وچه شود شمارا نخورید از آنچه نام خدا برآن برده شده است

وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ

حالیکه تفصیل داده است برای شما آنچه را حرام کرده است بر شما جز آنچه ناگزیر شوید بدان وهمانا بسیاری گمراه میکنند بهوسهای خود

بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ (۱۱۹) وَذَرُوا ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ

بنادانی وهرآینه پروردگار تو داناترست بتجاوز کنندگان ورها کنید آشکار گناه ونهانش (یا بردن گناه ودرونش) همانا آنانکه فراهم آورند

الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ (۱۲۰) وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ ۗ

گناه را بزودی کیفر شوند بدانچه بودند فراهم میآوردند ونخورید از آنچه برده نشده است نام خدا برآن وهرآینه آنست نافرمانی

وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ ۖ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ ع (۱۲۱)

وهمانا شیاطین وحی کنند بسوی دوستان خود تا درستیزند با شما واگر فرمان برید ایشانرا هرآینه باشید شرک ورزندگان

أَوَمَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ

آیا آنکہ مردار بود پس زندہ اش کردیم وقرار دادیم برای او روشنائی کہ راہ رود بدان در مردم مانند آنست کہ در تاریکیہا نیست بیرون آیندہ

مِّنْهَا كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٢﴾ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَابِرَ

از آنہا بدینسان آراستہ شد برای کافران آنچہ بودند میکردند وبدینسان نہادیم در ہر شہر سران

مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ﴿١٢٣﴾ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ

گنہکار انش را تا بزنگ آرند دران وبزنگ نیاورند جز برخویشتن ودر نمی یابند وہرگاہ بیاید شان

آيَةٌ قَالُوا لَن نُّؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ ۘ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ ۗ سَيُصِيبُ

آیتی گویند ایمان نیاریم تا آوردہ شویم مانند آنچہ آوردہ شدند فرستادگان خدا خدا داناتر است کجا نہد پیمبری خویش را بزودی رسد

الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِندَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ﴿١٢٤﴾ فَمَن يُرِدِ اللَّهُ

آنانرا کہ گناہ کردند خواری نزد خدا وعذابی سخت بدانچہ بودند نیرنگ میہمانند آنرا کہ خواہد خدا

أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ ۖ وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا

ہدایت کند بگشاید سینہ اورا برای اسلام وآنرا کہ خواہد گمراہ سازد بگرداند سینہ اش را تنگ فشردہ چنانکہ گویا

يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ ۚ كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٢٥﴾ وَهَٰذَا صِرَاطُ

سخت باسمان میرود بدینسان نہد خدا پلید را بر آنانکہ ایمان نیاورند وہدایت راہ

رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٢٦﴾ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِندَ رَبِّهِمْ وَهُوَ

پروردگار تو راست ہمانا تفصیل دادیم آیتہا را برای گروہی کہ یاد آور شوند آنانراست خانۂ آرامش نزد پروردگارشان خویش وار

وَلِيُّهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢٧﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُم

دوست ایشان بدانچہ بودند میکردند وروز یکہ گردشان آرد ہمگی ای گروہ پری ہمانا فراوان گرفتید

مِّنَ الْإِنسِ ۖ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُم مِّنَ الْإِنسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا

از آدمی وگفتند دوستان ایشان از آدمیان پروردگارا بہرہ مند شدند بعضی از ما ببعضی ورسیدیم سرآمدی را

الَّذِي أَجَّلْتَ لَنَا ۚ قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۗ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ

کہ برای ما نہادی گفت آتش است جایگاہ شما جاودانان درآن جز آنچہ خدا خواہد ہمانا پروردگار تو ہست حکیم

عَلِيمٌ ﴿١٢٨﴾ وَكَذَٰلِكَ نُوَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٢٩﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ

دانا وبدینسان دوست گردانیم بعضی ستمگران را ببعضی بدانچہ بودند فراہم میکردند ای گروہ پری

وَالْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ

وآدمی آیا نیامد شمارا فرستادگانی از شما کہ بیرایند برشما آیتہای مرا وبترسانند شمارا از رسیدن تان

يَوْمِكُمْ هَٰذَا ۚ قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ

بدین روز گفتند گواہی دادیم بر خویشتن وفریفتشان زندگانی دنیا وگواہی دادند بر خویش

أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿١٣٠﴾ ذَٰلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ

کہ بودند کافران این بدانست کہ پروردگار تو نابود کنندۂ شہرہا بستم حالیکہ باشندگانش مردم آنہا بیخبران

﴿١٣١﴾ وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ﴿١٣٢﴾

وہر کدام را پایہ ہائی است از آنچہ کردند وہست پروردگار تو غافل از آنچہ میکنند

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ ۚ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ

و پروردگار تو است بی نیاز مهربان اگر خواهد ببرد شما را و جانشین سازد پس از شما هر چه را خواهد چنانکه پدید آورد شما را

مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ ﴿۱۳۳﴾ إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ ۙ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿۱۳۴﴾ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ

از نژاد گروه دیگران همانا وعده های شما است آینده و نیستید شما بعجز آرندگان بگو ای قوم بکنید هر

مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۙ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

آنچه توانید که منم کننده زود است بدانید کراست پایان خانه همانا رستگار نشوند ستمگران

﴿۱۳۵﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَٰذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَٰذَا لِشُرَكَائِنَا

و قرار دادند برای خدا از آنچه بیافرید است از کشت و دامها بهره ای پس گفتند این برای خدا بر پندار ایشان و این برای شریکان ما

فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ ۖ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ ۚ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

پس آنچه برای شریکان ایشان است نرسد بخدا و آنچه برای خدا است برسد بشریکان ایشان چه زشت است آنچه حکم میکنند

﴿۱۳۶﴾ وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ

و بدینسان آراستند برای بسیاری از مشرکان کشتن فرزندانشان را شریکان ایشان تا بلغزانند شان

وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ﴿۱۳۷﴾ وَقَالُوا

و تا آشفته سازند برایشان دینشان را و اگر میخواست خدا نمیکردندش پس بگذار ایشان را با آنچه دروغ می بندند و گفتند

هَٰذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ

اینست دامها و کشتی بازداشت شده نچشدش جز آنکه خواهیم بپندار ایشان و دامهائی که حرام است پشتهای آنها و دامهائیکه

لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ ۚ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۱۳۸﴾ وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ

نبرند نام خدا را بر آنها بدروغ بستن بر او بزودی کیفرشان دهد بدانچه بودند دروغ می بستند و گفتند آنچه در شکمهای

هَٰذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا ۖ وَإِنْ يَكُنْ مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ

این دامهاست مختص مردان ماست و حرام است بر همسران ما و اگر مرداری باشد پس ایشانند در آن

شُرَكَاءُ ۚ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ ۚ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿۱۳۹﴾ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا

شریکان بزودی کیفرشان دهد ستودن ایشان را همانا او است حکیم دانا همانا زیان کردند آنانکه کشتند فرزندان خود را بیخردانه

بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ ۚ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿۱۴۰﴾ وَهُوَ

بنادانی و حرام کردند آنچه را خدا روزیشان داد است بدروغ بستن بر خدا همانا گمراه شدند و نبودند از هدایت شدگان و او است

الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ

آنکه پدید آورد است باغهای افراشته و نا افراشته و خرما بن و کشت زار حالیکه گوناگون است میوه (یا مزه) آن

وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ

و زیتون و نار را همانند و نا همانند بخورید از میوه آن هنگامیکه میوه دهد و بپردازید بهره آنرا روز

حَصَادِهِ ۖ وَلَا تُسْرِفُوا ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿۱۴۱﴾ وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا ۚ

درویدنش و اسراف نکنید که او دوست ندارد اسراف کنندگان را و از دامها باربرنده و بستری را

كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿۱۴۲﴾

بخورید از آنچه روزی داد است شما را خداوند و پیروی نکنید گامهای شیطان را که او است برای شما دشمنی آشکار

ثَمٰنِيَةَ اَزْوَاجٍ مِنَ الضَّاْنِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ اَمِ الْاُنْثَيَيْنِ اَمَّا
هشت جفت از میش دو واز بزغاله دو بگو آیا دو نر حرام کرده است یا دو ماده را یا آنچه

اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ اَرْحَامُ الْاُنْثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿۱۴۳﴾ وَمِنَ الْاِبِلِ اثْنَيْنِ
فراگرفت است بزهانهای دو ماده آگهی دهید مرا بدانائی اگر هستید راستگویان واز شتر دو

وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ اَمِ الْاُنْثَيَيْنِ اَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ اَرْحَامُ الْاُنْثَيَيْنِ اَمْ
واز گاو دو بگو آیا دو نر حرام کرد یا دو ماده را یا آنچه فراگرفت بزهانهای دو ماده یا

كُنْتُمْ شُهَدَآءَ اِذْ وَصّٰىكُمُ اللّٰهُ بِهٰذَا فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ
بودید شما گواهان آنگاه که اندرز داد شما را خدا بدین پس کیست ستمگرتر از آنکه ببندد بر خدا دروغی را تا گمراه کند مردم را بنادانی

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۱۴۴﴾ قُلْ لَّآ اَجِدُ فِي مَآ اُوْحِيَ اِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلٰى طَاعِمٍ يَّطْعَمُهٗٓ اِلَّآ
آنا خدا هدایت نکند گروه ستمکاران را بگو نمیابم در آنچه بمن وحی شده است حرامی را بر خورنده ای که بچشد وش جز

اَنْ يَّكُوْنَ مَيْتَةً اَوْ دَمًا مَّسْفُوْحًا اَوْ لَحْمَ خِنْزِيْرٍ فَاِنَّهٗ رِجْسٌ اَوْ فِسْقًا اُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهٖ
آنکه مردار باشد یا خونی ریخته یا گوشت خوک که آلوده است پلید یا ناپاکی که نام جز خدا بر آن برده شده

فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَّلَا عَادٍ فَاِنَّ رَبَّكَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿۱۴۵﴾ وَعَلَى الَّذِيْنَ هَادُوْا
پس آنکه ناچار شود نه ستمکار و نه تجاوزکننده بهمانا پروردگار تو آمرزنده مهربان و بر آنانکه جهود شدند

حَرَّمْنَا كُلَّ ذِيْ ظُفُرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُوْمَهُمَآ اِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُوْرُهُمَا
حرام کردیم هر ناخن داری را واز گاو و گوسفند حرام کردیم بر ایشان پیه ای آنها را جز آنچه برگرفت است پشتهای آنها

اَوِ الْحَوَايَآ اَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذٰلِكَ جَزَيْنٰهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَاِنَّا لَصٰدِقُوْنَ
یا پیکله انها یا آنچه آمیخته است باستخوان این را کیفر دادیم ایشان را بستمگریشان و بدرآینه ما بهم راستگویان

﴿۱۴۶﴾ فَاِنْ كَذَّبُوْكَ فَقُلْ رَّبُّكُمْ ذُوْ رَحْمَةٍ وَّاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَاْسُهٗ عَنِ الْقَوْمِ
پس اگر تکذیب کردند بگو بهانا پروردگار شما صاحب رحمتی پهناور و برنگردد خشمش از گروه

الْمُجْرِمِيْنَ ﴿۱۴۷﴾ سَيَقُوْلُ الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا لَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَآ اَشْرَكْنَا وَلَآ اٰبَآؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا
گنهکاران زودا که گویند آنانکه شرک ورزیدند اگر میخواست خدا شرک نمیاوردیم ما و نه پدران ما و نه حرام میکردیم

مِنْ شَيْءٍ كَذٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ حَتّٰى ذَاقُوْا بَاْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِّنْ عِلْمٍ
چیزی را همینان تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند تا چشیدند خشم ما را بگو آیا نزد شما دانشی هست

فَتُخْرِجُوْهُ لَنَا اِنْ تَتَّبِعُوْنَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنْ اَنْتُمْ اِلَّا تَخْرُصُوْنَ ﴿۱۴۸﴾ قُلْ فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ
که برون آرید پیش ما را پیروی نمیکنید جز گمان و نیستید شما جز گمان آوران بگو خداراست حجت

الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَآءَ لَهَدٰىكُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿۱۴۹﴾ قُلْ هَلُمَّ شُهَدَآءَكُمُ الَّذِيْنَ يَشْهَدُوْنَ
رسا واگر بخواست هرآینه رهبری میکرد شما را همگی بگو بیارید گواهان خویش را که گواهی میدهند

اَنَّ اللّٰهَ حَرَّمَ هٰذَا فَاِنْ شَهِدُوْا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَ الَّذِيْنَ
آنکه خدا حرام کرد این را پس اگر گواهی دادند تو گواهی نده با ایشان و پیروی مکن هوسهای آنانرا که

كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُوْنَ ﴿۱۵۰﴾
تکذیب نمودند آیتهای ما را و آنانکه ایمان نمیاورند بآخرت و ایشانند بپروردگارشان شرک ورزان

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

بگو بیایید بخوانم برشما آنچه را که حرام کرده است پروردگار شما بر شما که شرک نورزید بدو چیزی را و بپدر و مادر نکوئی کنید

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ

و نکشید فرزندان خویش را از تنگدستی ما روزی دهیم شما و ایشان را و نزدیک نشوید بکارهای زشت (فواحش) نگردید

مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ

آنچه آشکار است از آنها و آنچه نهان و نکشید تنی را که خدا حرام کرده است جز بحق این است آنچه خدا بشما سفارش

بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۱۵۱﴾ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ

داده است شاید بخود آیید و نزدیک نشوید بدارائی یتیم جز بدانچه نکوتر است تا برسد

أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ

ببلوغ (بجوانی) خویش و بپیمانه و سنجش را بداد تکلیف نکنیم کسی را جز بمقدار توانائیش و هرگاه سخن گفتید

فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

دادگری کنید اگرچه باشد خویشاوند و بپیمان خدا وفا کنید این است آنچه توصیه کرده است شما را بدان شاید یادآور شوید

﴿۱۵۲﴾ وَأَنَّ هَٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ

و آنکه اینست راه من راست پس پیروی کنید و بپیروی نکنید راههارا که پراکنده تان کند از راه او

ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۵۳﴾ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي

بدین توصیه کرده است شما را شاید پرهیزکاری کنید سپس دادیم بموسی کتاب را تمامی بر آنکه

أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿۱۵۴﴾

نکوکاری کرد (یا نکوکار شود) و تفصیلی برای همه چیز و هدایت و رحمتی شاید بملاقات پروردگارخود ایمان آرند

وَهَٰذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۱۵۵﴾ أَنْ تَقُولُوا

واینست کتابی فرستادیش فرخنده پس پیروی کنید و پرهیزکاری کنید شاید رحم آورده شوید تا نگوئید

إِنَّمَا أُنْزِلَ الْكِتَابُ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ ﴿۱۵۶﴾ أَوْ

جز این نیست که فرود آورده شد کتاب بر دو گروه پیش از ما و بودیم از درس گرفتن شان بیخبران یا

تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ

گوئید اگر برما فرستاده میشد کتاب هرآینه بودیم هدایت یافته تر از ایشان اینک بیامد شما را گفتاری از پروردگارتان

وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ

و هدایت و رحمتی پس کیست ستمگرتر از آنکه دروغ پندارد آیتهای خدارا و باز دارد از آنها بزودی باز میدهیم آنانرا که

يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ ﴿۱۵۷﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ

باز میدارند از آیتهای ما عذاب زشت را بدانچه بودند باز میداشتند آیا انتظار دارند جز آنکه بیایند شان

الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا

فرشتگان یا بیاید پروردگارتو یا بیاید بعضی از آیتهای پروردگارتو روزی که بیاید بعضی از آیتهای پروردگارتو سودمند نیفتد کسی را

إِيمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ ﴿۱۵۸﴾

ایمان آوردنش اگر ایمان نیاورده است از پیش یا نیندوخته است در ایمان خود خیرها بگو پس منتظر باشید که ما نیز منتظرانیم

إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا لَّسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم
هما کا آنکه پراکنده ساختند دین خود را و شدند گروهها ئی نیستی تو از ایشان در چیزی جز این نیست کار کردار ایشان با خدا است پس آگهیشان دهد
بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿١٥٩﴾ مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَن جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ
بدانچه بودند میکردند آنکس که نکوئی آورد ده برابر آن وآنکس که زشتی آورد کیفر نشود
إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦٠﴾ قُلْ إِنَّنِي هَدَانِي رَبِّي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا
جز همانند آن ایشان ستم نشوند بگو هما نا مرا هدایت کرد است پروردگارم بسوی راهی است ودینی استوار
مِّلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٦١﴾ قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ
آئین ابراهیم یکتا پرست و نبود است از مشرکان ورزان بگو هما نا نمازمن وپرستش من وزندگیم
وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَٰلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٦٣﴾
ومرگم از آن خداوند است پروردگار جهانیان نیست انبازی برای او وبدان ماموریم وهستم نخستین اسلام آورندگان
قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ
بگو آیا جز خدا پروردگاری جویم واوست پروردگار همه چیز ونیندوزد هر کسی جز برخویشتن وبرندارد
وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ
بار بری دگری را پس بسوی پروردگارشماست بازگشت شما تا آگهیشان دهد بدانچه بودید در آن اختلاف میکردید
﴿١٦٤﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ
واوست آنکه گردانید شما را جانشینان زمین وبرتری داد گروهی از شما را برگروهی پایه پایه
لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٦٥﴾
تا بیازماید شما را در آنچه بشما داد است هما نا پروردگار تو زود شکنجه (شایندهٔ عقوبت) وهما نا او است آمرزنده مهربان

سورة الاعراف مكية الا نهايتها وفانا ايه

سورهٔ اعراف مکیه الا نهایتها وفانا ایه

سوره	حروفها	کلمانها
۷	۱۴۳۱۰	۳۳۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
نام خداوند بخشاینده مهربان
الٓمٓصٓ ﴿١﴾ كِتَابٌ أُنزِلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُن فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ بِهِ وَذِكْرَىٰ
کتابی است فرستاده شده بسوی تو پس نباشد در سینه ات تنگی از آن تا بترسانی بدان وپادآوری
لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ اتَّبِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا
برای مؤمنان پیروی کنید آنچه را فرستاده شده است بسوی شما از پروردگارتان وپیروی نکنید جز آن دوستانی را چه کم
تَذَكَّرُونَ ﴿٣﴾ وَكَم مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيَاتًا أَوْهُمْ قَائِلُونَ ﴿٤﴾ فَمَا
پادآور میشوید ویا شهری که نابودش ساختیم پس بیامدش شبهنگاه یا بخواب نیمروز بودند پس
كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُم بَأْسُنَا إِلَّا أَن قَالُوا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٥﴾ فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ
نبود سخن ایشان هنگامی که بیامد ایشان خشم ما جز آنکه گفتند هما نا بودیم ستمگران بس خواهیم پرسید آنانرا
أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦﴾ فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِم بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ ﴿٧﴾
که بسوی ایشان فرستاده شدند وخواهیم پرسید از فرستادگان سپس هر آینه قصه بیان میکنیم بر ایشان به دانش
و نبودیم ما غائبان

وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٨﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

و سنجش در آن روز حق است پس آنکه سنگین شود ترازوهایش آنانند رستگاران و آنکه سبک گردد ترازوهایش

فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ﴿٩﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ

آنانند که زیان کردند خویشتن را بدانچه بودند بآیتهای ما ستم میکردند همانا جایگزین ساختیم شما را در زمین

وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ﴿١٠﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ

و نهادیم در آن روزیهائی برای شما چه کم شکر گذارید و همانا آفریدیمتان پس صورتگریتان کردیم و سپس

قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿١١﴾ قَالَ

گفتیم بفرشتگان سجده کنید برای آدم پس سجده کردند جز ابلیس که نشد از سجده کنندگان گفت

مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ

چه چیز بازداشت که سجده نیاوردی گاهیکه فرمودیمت گفت که من بهترم از او مرا از آتش آفریدی و او را از گل

﴿١٢﴾ قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ

گفت فرود شو از آن نرسد ترا که کبر ورزی در آن پس برون شو که توئی از سرافکندگان

﴿١٣﴾ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤﴾ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿١٥﴾ قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي

گفت مهلتم ده تا روزیکه برانگیخته شوند گفت همانا توئی از مهلت دادگان گفت پس بدانکه مرا گمراه کردی

لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ

همانا در کمینشان نشینم بر راه راست تو سپس برایشان درآیم از پیشرویشان و از پشت سرشان

وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ﴿١٧﴾ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَدْحُورًا

و از راستها و چپهای ایشان و نیابی بیشتر ایشان را شکرگذاران گفت برون شو از آن نکوهیده سرافکنده

لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٨﴾ وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا

هر آنکه تو را پیروی کند از ایشان همانا پر سازم دوزخ را از شما همگی و ای آدم بیارام تو و همسرت در بهشت پس بخورید

مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ

از هر جا خواهید و نزدیک نشوید بدین درخت که میشوید از ستمگران پس بفریفتشان شیطان

لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَٰذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا

تا بنمایاند بدیشان آنچه را نهان بود از ایشان از عورتهای ایشان و گفت همانا نهی نکرده است شما را پروردگارتان از این درخت مگر تا نباشید

مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿٢٠﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ﴿٢١﴾ فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ

دو فرشته یا باشید از جاودانان و سوگند آوردشان که منم برای شما از اندرز دهندگان پس سرنگونشان ساخت بفریب

فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا

تا گاهی که چشیدند از آن درخت پدیدار شد برای ایشان عورتهاشان و آغاز کردند گرد میآوردند بر خود از برگهای بهشت و بانگ زد بدیشان

رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿٢٢﴾

پروردگارشان که آیا نهی نکردم شما را از این درخت و نگفتم بشما که شیطان برای شما دشمنی است آشکار

قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾

گفتند بار پروردگارا ستم کردیم خویش را و اگر نیامرزی ما را و رحم نکنی بر ما هر آینه باشیم از زیانکاران

قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ ۚ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ﴿۲۴﴾ قَالَ فِيهَا

گفت فرود شوید گروهی از شما دشمن گروهی و شما راست در زمین قرارگاه و بهره تا زمانی گفت در آن

تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ﴿۲۵﴾ يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُوَارِي سَوْآتِكُمْ

زندگی میکنید و در آن میمیرید و از آن بیرون آورده شوید ای فرزندان آدم همانا فرستادیم بر شما جامه که بپوشد عورتهای شما را

وَرِيشًا ۖ وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ۚ ذَٰلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿۲۶﴾ يَا بَنِي آدَمَ

و ساز و برگی و لباس پرهیزکاری بهتر است اینست از آیتهای خدا شاید یاد آور شوید ای فرزندان آدم

لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْآتِهِمَا ۗ

نفریبد شما را شیطان چنانکه برون کرد پدر و مادر شما را از بهشت برمیکند از ایشان رخت ایشان را تا بنماید بدیشان عورتهای ایشان را

إِنَّهُ يَرَاكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ۗ إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

همانا بینند شما را او و کسانش چنانکه نه بینید شان همانا گردانیدیم شیاطین را دوستانی برای آنانکه ایمان نمیآورند

﴿۲۷﴾ وَإِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا بِهَا ۗ قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ

و هرگاه فحشائی (ناشایسته) مرتکب شوند گویند یافتیم بر آن پدران خویش را و خدا ایمان بدان فرمود بگو همانا خدا امر نکند

بِالْفَحْشَاءِ ۗ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۲۸﴾ قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ ۖ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ

بفحشاء آیا بر خدا گوئید آنچه را نمیدانید بگو پروردگارم امر کرده است بدادگری و راست کنید رویهای خود را

كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۚ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ ﴿۲۹﴾ فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ

نزد هر پرستشگاهی و بخوانیدش پاک دارندگان برای او دین را بدانسان که آغازتان کرد است برگردید گروهی را هدایت کرد و بر گروهی بیفتاد

الضَّلَالَةُ ۚ إِنَّهُمُ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ ﴿۳۰﴾ يَا بَنِي

گمراهی همانا ایشان برگرفتند شیاطین را دوستانی جز خدا و پنداشتند که ایشانند هدایت یابندگان ای فرزندان

آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿۳۱﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ

آدم برگیرید زینت خود را نزد هر پرستشگاهی و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا دوست ندارد اسراف کنان را بگو که حرام کرد

زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ ۚ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً

است زینت خدا آنرا که برون آورد برای بندگان خویش و پاکیزه‌ها را از روزی بگو آنها از آن کسانی است که ایمان آوردند در زندگانی دنیا مخصوص

يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۳۲﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا

بدیشان در روز رستاخیز چنین تفصیل دهیم آیتها را برای گروهی که میدانند بگو جز این نیست که حرام کرد است پروردگار من فواحش را آنچه آشکار است از آنها

وَمَا بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ

و آنچه نهان و گناه و ستمگری را بناحق و آنکه شریک برای خدا گردانید آنرا که نفرستاده است بدان فرمانروائی و آنکه گوئید بر خدا

مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿۳۳﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿۳۴﴾

آنچه را نمیدانید و برای هر ملتی است سرآمدی که هرگاه رسد شان سرآمدشان نه دیر کنند ساعتی و نه پیشی گیرند

يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي ۙ فَمَنِ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

ای فرزندان آدم اگر بیاید شما را فرستادگانی از شما که فرو خوانند بر شما آیتهای مرا پس آنکه پرهیزکاری کند و اصلاح کند نیست بیمی بر ایشان و نه

يَحْزَنُونَ ﴿۳۵﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۳۶﴾

اندوهگین شوند و آنانکه تکذیب کنند آیتهای ما را و سرپیچند از آنها آنانند یاران آتش ایشانند در آن جاودانان

فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِاٰيَاتِهٖ ؕ اُولٰٓئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِّنَ الْكِتَابِ ؕ حَتّٰٓى اِذَا

پس کیست ستمکرتر از آنکه دروغ بندد بر خدا یا دروغ پندارد آیتهای اورا اینانرا رسد بهرهٔ ایشان از کتاب تا گاهیکه

جَآءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوٓا اَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ ؕ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلٰٓى

درآیند برایشان فرستادگان ما یا بندشان گویند کجاست آنکه بودید میخواندید جز خدا گویند گمشدند از ما وگواهی دادند بر

اَنْفُسِهِمْ اَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿۳۷﴾ قَالَ ادْخُلُوا فِٓى اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ فِى النَّارِ ؕ

برخویشتن که ایشانند کافران گفتند درآئید در ملتهائیکه گذشتند پیش از شما از پری وآدمی در آتش

كُلَّمَا دَخَلَتْ اُمَّةٌ لَّعَنَتْ اُخْتَهَا ؕ حَتّٰٓى اِذَا ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا ۙ قَالَتْ اُخْرٰىهُمْ لِاُولٰىهُمْ رَبَّنَا هٰٓؤُلَآءِ

هرگاه درآید ملتی لعن کند دیگریرا تا گاهیکه گردآیند همگی در آن گوید آخرینشان برای اولین پروردگارا اینان

اَضَلُّونَا فَاٰتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِّنَ النَّارِ ؕ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلٰكِنْ لَّا تَعْلَمُونَ ﴿۳۸﴾ وَقَالَتْ اُولٰىهُمْ لِاُخْرٰىهُمْ

گمراهان کردند پس بده ایشانرا عذابی دوبرابر در آتش گوید برای هرکدام است دوبرابر لیکن نمیدانید وگوید اولینشان برای آخرینشان

فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿۳۹﴾ اِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِنَا

نبود شمارا برتری برما پس بچشید عذابرا بدانچه بودید فراهم میکردید همانا آنانکه تکذیب کردند آیتهای مارا

وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ اَبْوَابُ السَّمَآءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتّٰى يَلِجَ الْجَمَلُ فِى سَمِّ الْخِيَاطِ ؕ

وسرپیچیدند از آنها گشوده نشود برای ایشان درهای آسمان وبهشت درنیایند تا برود اشتر در سوراخ سوزن

وَكَذٰلِكَ نَجْزِى الْمُجْرِمِينَ ﴿۴۰﴾ لَهُمْ مِّنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ ؕ وَكَذٰلِكَ نَجْزِى الظَّالِمِينَ

بدینسان کیفر دهیم بگنهکاران ایشانراست در دوزخ آرامگاههائی واز فرازشان پوشهائی وچنین کیفر دهیم ستمکارانرا

﴿۴۱﴾ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا ۙ اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۚ

وآنانکه ایمان آوردند وکردار شایسته کردند تکلیف نکنیم کسرا جز باندازهٔ توانائیش آنانند یاران بهشت

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۴۲﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ تَجْرِى مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهَارُ ۚ وَقَالُوا الْحَمْدُ

ایشانند در آن جاودانان وبرانداختیم آنچه در سینه های ایشان است از کینه روان شود از زیر ایشان جویها وگویند سپاس

لِلّٰهِ الَّذِى هَدٰىنَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِىَ لَوْلَآ اَنْ هَدٰىنَا اللّٰهُ ۚ لَقَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ ؕ

خداوندیرا که مارا بدین هدایت نمود ونبودیم هدایت یابیم اگر نه هدایت میکرد مارا خدا همانا آمدند فرستادگان پروردگار ما بحق

وَنُودُوٓا اَنْ تِلْكُمُ الْجَنَّةُ اُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۴۳﴾ وَنَادٰٓى اَصْحَابُ الْجَنَّةِ اَصْحَابَ

وخوانده شدند که اینک بهشت ارث داده شدیدش بدانچه بودید میکردید وبانگ برآوردند یاران بهشت بیاران

النَّارِ اَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا وَعَدَنَا رَبُّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُّمْ مَّا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا ؕ قَالُوا نَعَمْ ۚ

آتش که همانا یافتیم آنچه وعده داد بما پروردگار ما حق آیا یافتید آنچه وعده داد بشما پروردگارتان حق گفتند بلی

فَاَذَّنَ مُؤَذِّنٌۢ بَيْنَهُمْ اَنْ لَّعْنَةُ اللّٰهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿۴۴﴾ اَلَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ

پس بانگ داد بانگ دهنده ای میان ایشان که لعنت خدا باد بر ستمگران آنانکه بازدارند از راه خدا

وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا ۚ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ كَافِرُونَ ؕ ﴿۴۵﴾ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ ۚ وَعَلَى الْاَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ

وخواهندش کج وایشانند بآخرت کافران ومیان ایشان است حجابی وبر اعرافند مردانی که بشناسند

كُلًّا بِسِيمٰىهُمْ وَنَادَوْا اَصْحَابَ الْجَنَّةِ اَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ ﴿۴۶﴾

هرکدام را بسیمای ایشان وندا کردند یاران بهشت را که سلام برشما درون نشدندش حالیکه طمع داشتند



وَاِذَا صُرِفَتْ اَبْصَارُهُمْ تِلْقَآءَ اَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿۴۷﴾ وَنَادَىٰ

وهرگاه گردانیده شود رویهای ایشان بسوی یاران آتش گویند پروردگارا نگردان مارا با گروه ستمکاران وبانگ دهند

اَصْحَابُ الْاَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَاهُمْ قَالُوا مَا اَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ

یاران اعراف مردمیرا که بشناسند شان بسیماشان گویند بی‌نیازتان نکرد گردآوردنتان وآنچه بودید کبر میورزیدید

﴿۴۸﴾ اَهٰؤُلَآءِ الَّذِينَ اَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللّٰهُ بِرَحْمَةٍ اُدْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا اَنْتُمْ تَحْزَنُونَ

آیا اینانند آنانکه سوگند آوردید که نرساندشان خدا برحمتی درآیید بهشت را نیست برشما بیمی ونه اندوهگین شوید

﴿۴۹﴾ وَنَادَىٰ اَصْحَابُ النَّارِ اَصْحَابَ الْجَنَّةِ اَنْ اَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَآءِ اَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ

وخواندند یاران آتش یاران بهشت را که بریزید برما از آب یا از آنچه روزیتان داده است خدا

قَالُوا اِنَّ اللّٰهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۵۰﴾ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيٰوةُ

گویند همانا حرام کرده است خدا آنهارا بر کافران آنانکه گرفتند دین خودرا هوسرانی وبازیچه وبفریفتشان زندگی

الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ نَنْسٰهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَآءَ يَوْمِهِمْ هٰذَا وَمَا كَانُوا بِاٰيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿۵۱﴾ وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ

دنیا پس امروز فراموششان کنیم بدانسان که فراموش کردند رسیدنشان را بدین روز وآنکه بودند آیتهای مارا انکار میکردند وهمانا آوردیمشان

بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۵۲﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ اِلَّا تَاْوِيلَهُ يَوْمَ يَاْتِي

بکتابی که تفصیلش دادیم بروانش هدایت ورحمتی برای قومی که ایمان آرند آیا انتظاری جز تاویل آن دارند روزی که رسد

تَاْوِيلُهُ يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شُفَعَآءَ فَيَشْفَعُوا

تاویلش گویند آنانکه فراموشش نمودند از پیش همانا بیامد فرستادگان پروردگار ما بحق آیا ماراست شفیعانی که شفاعت کنند

لَنَا اَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ قَدْ خَسِرُوا اَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۵۳﴾

برای ما یا باز گردانیده شویم تا بکنیم جز آنچه را بودیم میکردیم همانا زیان کردند خویشتن را وگمشد از ایشان آنچه بودند دروغ می‌بستند

اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي

همانا پروردگار شما خداوندی است که آفرید آسمانها وزمین را در شش روز سپس پرداخت بعرش میپوشاند

اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِاَمْرِهِ اَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْاَمْرُ

(فرا میگیرد) شب را بروز که در پی آنست بشتاب ومهر وماه وستارگان مسخرند بفرمانش همانا اوراست آفرینش وامر

تَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿۵۴﴾ اُدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً اِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ﴿۵۵﴾ وَلَا

بزرگ است خداوند پروردگار جهانیان بخوانید پروردگار خویش را بزاری ونهان که او دوست ندارد تجاوزگران را و

تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا اِنَّ رَحْمَتَ اللّٰهِ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۵۶﴾

فساد نکنید در زمین پس از اصلاحش وبخوانیدش از راه بیم وامید همانا رحمت خدا نزدیکست به نیکوکاران

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ اِذَا اَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَاَنْزَلْنَا

واو است آنکه فرستد بادها را مژده پیشروی رحمتش تا گاهیکه بردارند ابرهای سنگین براهیمش بسوی شهری مرده تا فرود آریم

بِهِ الْمَآءَ فَاَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۵۷﴾ وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ

بدان آب را پس برون آوریم بدان از هر میوه بدینسان برون آوریم مردگان را شاید یادآور شوید وشهر پاک برون آید

نَبَاتُهُ بِاِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ اِلَّا نَكِدًا كَذٰلِكَ نُصَرِّفُ الْاٰيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ﴿۵۸﴾

رستنیش باذن پروردگارش وآنی که پلید است برون نیاید جز ناچیزی پست بدینسان بگردانیم آیتهارا برای قومی که شکر گذارند

در او خیره شدند و گفتند ای فرزند عباس در آنمیان که بهترین مردم است دانستیم ناگاه ترا با جامه و مرکب ستمگران یافتیم ابن عباس در پاسخ همین آیت برخواند پس بر تو باد که خویشتن با جامه زیبا بیارائی چه خدا زیبا است و زیبائی دوست دارد ولی زنهار تا از حلال فراهم باشد اصحاب الاعراف اعراف دیواری است میان بهشت و دوزخ یا کنگره آن دیوار است یا صراط است و از امام ابی عبدالله جعفر بن محمد الصادق است که اعراف پشته‌ها باشد میان بهشت و دوزخ بایستد بر آن هر پیمبر و جانشین پیمبری با گنهکاران امت خویش بدانسان که سپهسالار با ناتوانان سپاه و چون نکوکاران بسوی بهشت برده شوند آن جانشین بدان گنهکاران گوید بنگرید اینک برادران نکوکار شما ببهشت رانده شوند پس سلام کنند بر ایشان و اینست قوله تعالی: وَنَادَوْا اَصْحَابَ الْجَنَّةِ اَنْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ و خدای از اینان نیز آگهی داد که لَمْ يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ یعنی گنهکاران

لَقَدْ اَرْسَلْنَا نُوحًا اِلٰى قَوْمِهٖ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ؕ اِنِّىْٓ اَخَافُ عَلَيْكُمْ

همانا فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم پرستش کنید خدا را نیست شما را خدائی جز او همانا بیمناکم بر شما از

عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ﴿۵۹﴾ قَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِهٖٓ اِنَّا لَنَرٰىكَ فِىْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿۶۰﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِىْ

عذاب روزی بزرگ گفتند توده قومش هر آینه می بینیمت در گمراهی آشکار گفت ای قوم نیست بمن

ضَلٰلَةٌ وَّلٰكِنِّىْ رَسُوْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۶۱﴾ اُبَلِّغُكُمْ رِسٰلٰتِ رَبِّىْ وَاَنْصَحُ لَكُمْ وَاَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ

گمراهی لیکن منم فرستاده از پروردگار جهانیان که میرسانم بشما پیامهای پروردگار خویش را و اندرز گویم شما را و میدانم از خدا

مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿۶۲﴾ اَوَعَجِبْتُمْ اَنْ جَآءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَلٰى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوْا

آنچه نمیدانید و آیا شگفت ماندید که بیامدتان یادآوری از پروردگارتان بر مردی از شما که بیم دهد شما را و تا پرهیزکاری کنید

وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ ﴿۶۳﴾ فَكَذَّبُوْهُ فَاَنْجَيْنٰهُ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗ فِى الْفُلْكِ وَاَغْرَقْنَا الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا

و شاید رحم آورده شوید پس دروغگویش شمردند پس نجاتش دادیم و آنان را که با وی بودند در کشتی و غرق کردیم آنان را که تکذیب کردند

بِاٰيٰتِنَا ؕ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا عَمِيْنَ ﴿۶۴﴾ وَاِلٰى عَادٍ اَخَاهُمْ هُوْدًا ؕ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ؕ

آیتهای ما را چه همانا بودند گروهی کوران و بسوی عاد برادرشان هود را گفت ای قوم پرستش کنید خدا را نیستتان خدائی جز او

اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿۶۵﴾ قَالَ الْمَلَاُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَوْمِهٖٓ اِنَّا لَنَرٰىكَ فِىْ سَفَاهَةٍ وَّاِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ

آیا نمیترسید گفتند گروهی که کفر ورزیدند از قومش مینگریمت همانا در بیخردی و پنداریمت هر آینه از

الْكٰذِبِيْنَ ﴿۶۶﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِىْ سَفَاهَةٌ وَّلٰكِنِّىْ رَسُوْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿۶۷﴾ اُبَلِّغُكُمْ رِسٰلٰتِ

دروغگویان گفت ای قوم نیست بمن بیخردی و لیکن منم فرستاده از پروردگار جهانیان که میرسانم بشما پیامهای

رَبِّىْ وَاَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ اَمِيْنٌ ﴿۶۸﴾ اَوَعَجِبْتُمْ اَنْ جَآءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَلٰى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ ؕ

پروردگار خود را و منم برای شما اندرزگوئی امین و آیا شگفت ماندید که آمد شما را یادآوری از پروردگارتان بر مردی از شما تا بیمتان دهد

وَاذْكُرُوْٓا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنْۢ بَعْدِ قَوْمِ نُوْحٍ وَّزَادَكُمْ فِى الْخَلْقِ بَصْطَةً فَاذْكُرُوْٓا اٰلَآءَ اللّٰهِ

و یاد بیاورید گاهی را که گردانیدتان جانشینانی پس از قوم نوح و بیفزودتان سطبری در آفرینش پس یاد آرید نعمتهای خدا را

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ﴿۶۹﴾ قَالُوْٓا اَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللّٰهَ وَحْدَهٗ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ اٰبَآؤُنَا فَاْتِنَا بِمَا

شاید رستگار شوید گفتند آیا ما را آمدی که پرستش کنیم خدا را تنها و رها کنیم آنچه را میپرستیدند پدران ما پس بیاور ما را آنچه

تَعِدُنَآ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ﴿۷۰﴾ قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّنْ رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَّغَضَبٌ اَتُجَادِلُوْنَنِىْ فِىْٓ

بما وعده دهی اگر هستی از راستگویان گفت همانا افتاد بر شما از پروردگارتان چرک و خشم آیا با من میستیزید در

اَسْمَآءٍ سَمَّيْتُمُوْهَآ اَنْتُمْ وَاٰبَآؤُكُمْ مَّا نَزَّلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ؕ فَانْتَظِرُوْٓا اِنِّىْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ﴿۷۱﴾

نامهائی که نامیدید آنها را شما و پدران شما نفرستاده است خدا بدانها فرمانروائی پس منتظر باشید که منم با شما از منتظران

فَاَنْجَيْنٰهُ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَمَا كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ﴿۷۲﴾

پس نجات دادیم او و آنان را که با وی بودند برحمتی از ما و بریدیم دنباله آنان را که تکذیب کردند آیتهای ما را و نبودند مؤمنان

وَاِلٰى ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ؕ قَدْ جَآءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ ؕ

و بسوی ثمود برادرشان صالح را گفت ای قوم من پرستش کنید خدا را نیست شما را خدائی جز او همانا بیامدتان نشانی از پروردگار شما

هٰذِهٖ نَاقَةُ اللّٰهِ لَكُمْ اٰيَةً فَذَرُوْهَا تَاْكُلْ فِىْٓ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْٓءٍ فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۷۳﴾

اینک اشتر خدا آیتی برای شما پس بگذاریدش بچرد در زمین خدا و گردش ببدی نگردید که میگیرد شما را عذابی دردناک

وَاذْكُرُوٓا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنْۢ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّاَكُمْ فِي الْاَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا

و یاد آرید هنگامی را که گردانیدتان جانشینانی پس از عاد و جایگزینتان کرد در زمین که میگرفتید از هموارهای آن کاخهائی

وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوٓا اٰلَآءَ اللّٰهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ ﴿۷۴﴾ قَالَ الْمَلَاُ الَّذِينَ

و میبریدید از کوهها خانه‌هائی پس یاد آرید نعمتهای خدا را و نکوشید در زمین تبهکاران گفتند آنگروه که

اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ اَتَعْلَمُونَ اَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ قَالُوٓا

کبر ورزیدند از قومش بدانانکه ناتوان شمرده شدند بدانانکه ایمان آوردند از ایشان آیا دانید که صالح است فرستاده از پروردگار خود گفتند

اِنَّا بِمَآ اُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ ﴿۷۵﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوٓا اِنَّا بِالَّذِي اٰمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿۷۶﴾ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ

مائیم بدانچه او فرستاده شده است بدان ایمان آرندگان گفتند آنانکه کبر ورزیدند مائیم بدانچه شما ایمان آوردید بدان کافران پس پی کردند شتر را

وَعَتَوْا عَنْ اَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَآ اِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿۷۷﴾ فَاَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ

و سرکشی نمودند از فرمان پروردگار خود و گفتند ای صالح بیار ما را آنچه وعده دهی بما اگر هستی از فرستادگان پس بگرفتشان زمین لرزشی

فَاَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿۷۸﴾ فَتَوَلّٰى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ اَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ

که گردیدند در خانه خود مردگان پس پشت کرد بدیشان و گفت ای قوم همانا ابلاغ کردم بشما پیام پروردگار خود را و اندرزتان

لَكُمْ وَلٰكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ ﴿۷۹﴾ وَلُوطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اَتَاْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا

گفتم لیکن نیستید دوستدار اندرزگویان و لوط را هنگامی که گفت بقوم خود آیا فحشاء (ننگ) آورید که پیشی نگرفت شما را بدان

مِنْ اَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿۸۰﴾ اِنَّكُمْ لَتَاْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَآءِ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ

کسی از جهانیان همانا شما بر مردان بشهوت درآئید نه زنان بلکه شمائید گروهی اسراف کنندگان

﴿۸۱﴾ وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ اِلَّآ اَنْ قَالُوٓا اَخْرِجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ اِنَّهُمْ اُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿۸۲﴾

و نه بود پاسخ قومش جز آنکه گفتند برون رانیدشان از شهر خود که اینانند مردمی پاکیزگی جویان

فَاَنْجَيْنَاهُ وَاَهْلَهُ اِلَّا امْرَاَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿۸۳﴾ وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَانْظُرْ كَيْفَ

پس نجات دادیم او و خاندانش را مگر همسرش که شد از گذشتگان و باریدیم بر آنان بارانی پس بنگر چگونه

كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿۸۴﴾ وَاِلٰى مَدْيَنَ اَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ

شد فرجام گنهکاران و بسوی مدین برادرشان شعیب را گفت ای قوم پرستش کنید خدا را نیستتان خداوندی

غَيْرُهُ قَدْ جَآءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَاَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَآءَهُمْ وَلَا

جز او همانا بیامد شما را نشانی از پروردگار شما پس تمام دهید پیمانه و سنجش را و کم ندهید بمردم چیزهای ایشان را و

تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ بَعْدَ اِصْلَاحِهَا ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۸۵﴾ وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ

تبهکاری نکنید در زمین پس از اصلاحش این بهتر است برای شما اگر هستید مؤمنان و ننشینید بر هر

صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ مَنْ اٰمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوٓا اِذْ كُنْتُمْ

راهی تا بترسانید و باز دارید از راه خدا هر که را ایمان بدان آورده است و بخواهیدش کج و یاد آرید هنگامی را که

قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿۸۶﴾ وَاِنْ كَانَ طَآئِفَةٌ مِنْكُمْ اٰمَنُوا

کم بودید پس بیفزودتان و بنگرید چگونه بود فرجام تبهکاران و اگر باشند گروهی از شما ایمان آورده

بِالَّذِي اُرْسِلْتُ بِهِ وَطَآئِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتّٰى يَحْكُمَ اللّٰهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿۸۷﴾

بدانچه فرستاده شدم بدان و گروهی ایمان نیاورده باشند پس صبر کنید تا حکم کند خدا میان ما و او است بهترین حکم کنندگان

اذ جعلکم خلفاء پس از انقراض عاد قوم دیگری از عرب بنام ثمود جایگزین ایشان گردید و صالح که از اوساط مردم بود بسن شانزده سالگی پیغمبری بر ایشان مبعوث گشت و او در مدت یکصد و بیست سال هر چند در هدایت ایشان بیشتر کوشید کمتر بنتیجه رسید از او خواستند که بر سبیل معجزت از کوه خارا ماده اشتری بختی چنانکه گفتند عشراء و بزاء جرفاء برای ایشان برون آرد صالح خدا را خواند تا سنگ بشکافت و کوه بسان زن آبستن بهنگام زائیدن بخود بپیچید و بلرزید و بیفشرد و ماده اشتری کوه پیکر و سهمگین از آن برون آمد ✻ حسن بن محبوب از مردی از صحابه خویش روایت کرد که گفت همانا بسرزمین ثمود شدم و جایگاه خروج دو پهلوی آن شتر را که در کوه اثرش بجا و هویداست اندازه گرفتم بالغ بر هشتاد ذراع بود گویند عظمت جثه او بقدری بود که چون با بشخور شدی باز گشتن و گردیدن نیارستی لاجرم از یکسو بدرون رفتی و از دگر سوی برون آمدی و روزانه چندان شیر بدادی که همه بنوشیدندی و باز

الجزء ۹

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ
گفتند گروهی که بزرگ بودند از قومش هرآینه بیرون رانیم ای شعیب و آنانرا که ایمان آوردند با تو از شهر خود مگر
لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا ۚ قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ ﴿۸۸﴾ قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ
برگردید در ملت ما گفت آیا اگرچند باشیم ناخوش دارندگان همانا بسته‌ایم بر خدا دروغی را اگر بازگردیم در ملت شما پس از
إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا ۚ وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا ۚ وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۗ عَلَى
آنکه نجاتمان داد خدا ازان و نرسد ما را که بازگردیم درآن مگر بخواهد خدا پروردگار ما فراگرفت پروردگار ما هر چیزرا بدانش بر
اللَّهِ تَوَكَّلْنَا ۚ رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ﴿۸۹﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا
خدا توکل کردیم پروردگار ما بگشای میان ما و قوم ما بحق و تو توئی بهترین گشایندگان و گفتند آنگروه که کافر شدند
مِنْ قَوْمِهِ لَئِنِ اتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ ﴿۹۰﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿۹۱﴾
از قومش اگر پیروی کنید شعیب را همانا شما آنگاه زیانکاران پس گرفتشان زمین لرزش که گردیدند در خانه‌های خود مردگان
الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۚ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ ﴿۹۲﴾ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ
آنانکه تکذیب کردند شعیب را گویا نشمین نگزیدند در آن آنانکه تکذیب کردند شعیب را بودند زیانکاران پس روی گردانید از ایشان
وَقَالَ يَا قَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ ۖ فَكَيْفَ آسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿۹۳﴾ وَمَا
و گفت ای قوم همانا ابلاغ نمودم شما را پیامهای پروردگار خود را و اندرز گفتم شما را پس چگونه افسوس خورم بر گروه کافران و
أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ ﴿۹۴﴾ ثُمَّ بَدَّلْنَا
نفرستادیم در شهری پیمبری را جز آنکه گرفتیم مردمش را بسختی و رنج شاید بزاری آیند پس تبدیل کردیم
مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ
بجای بدی نیکی را تا برآمودند و گفتند همانا رسیده است پدران ما رنج و سختی پس گرفتیم ایشان
بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۹۵﴾ وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ
ناگهان حالیکه نمیدانستند و اگر مردم شهرها ایمان میاوردند و پرهیزگاری مینمودند هرآینه میگشودیم بر ایشان برکتها از آسمان
وَالْأَرْضِ وَلَٰكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۹۶﴾ أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ
و زمین لیکن تکذیب نمودند پس گرفتیم ایشان را بآنچه بودند دست میآوردند آیا ایمن شدند مردم شهرها که بیاید ایشان
بَأْسُنَا بَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿۹۷﴾ أَوَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَنْ يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ ﴿۹۸﴾
عذاب ما شبانه حالیکه ایشان بخواب اندران یا ایمن شدند مردم شهرها که بیاید ایشان عذاب ما روزانه حالیکه آنانند بازی کنان
أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ ۚ فَلَا يَأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۹۹﴾ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ
پس آیا ایمن شدند که خدارا که ایمن نشود مگر خدارا جز گروه زیانکاران آیا راهبری نکند برای آنانکه ارث میبرند زمین را
مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ ۚ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿۱۰۰﴾ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ
پس از اهلش که اگر بخواهیم هرآینه بگیریمشان بگناهان ایشان و مهر میزنیم بر دلهای ایشان پس ایشان نشنوند این شهرها میشمریم
عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَائِهَا ۚ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ ۚ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ
برتو از داستانهای آنها و همانا بیامدند شان فرستادگان ایشان بنشانیها پس نبودند که ایمان آرند بدانچه تکذیب کردند از پیش چنگونه مهر میزند
اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ ﴿۱۰۱﴾ وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ ۖ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ لَفَاسِقِينَ ﴿۱۰۲﴾
خدا بر دلهای کافران و ما نیافتیم برای بیشترشان عهدی و نیافتیم بیشترشان را نافرمانان

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا ۖ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

سپس برانگیختیم پس از ایشان موسی را بآیتهای ما بسوی فرعون و قومش پس ستم نمودند بدانها بنگر تا چگونه شد فرجام

الْمُفْسِدِينَ ﴿١٠٣﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾ حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى

تبهکاران و گفت موسی ای فرعون همانا منم فرستاده از پروردگار جهانیان سزاوارم بر آنکه نگویم بر

اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ ۚ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿١٠٥﴾ قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ

خدا جز حق را همانا آوردم شما را نشانی از پروردگار شما پس بفرست با من بنی اسرائیل را گفت اگر آیتی آوردی

بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٠٦﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ ﴿١٠٧﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا

پس بیارش اگر هستی از راستگویان پس بیفکند عصایش را ناگاه آن اژدهائی است آشکار و برآورد دستش را ناگهان

هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ﴿١٠٨﴾ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٩﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ

آن پرتوی است برای بینندگان گفتند توده از قوم فرعون اینست جادوگری دانشمند که خواهد برون راند شما را از

أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿١١٠﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿١١١﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ

سرزمینتان تا چه امر کنید گفتند بگذار او و برادرش را و بفرست در شهرها گردآورندگان تا آرندت بهر جادوگری

عَلِيمٍ ﴿١١٢﴾ وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٣﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ

دانا و بر فرعون درآمدند جادوگران گفتند همانا ما راست پاداشی اگر شدیم پیروزمندان گفت آری و همانا شمائید از

الْمُقَرَّبِينَ ﴿١١٤﴾ قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ﴿١١٥﴾ قَالَ أَلْقُوا ۖ فَلَمَّا أَلْقَوْا

مقربان گفتند ای موسی یا تو افکن و یا ما باشیم افکنندگان گفت بیفکنید پس گاهیکه افکندند

سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ ﴿١١٦﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ

افسون نمودند (بستند) دیدگان مردم را و بترساندند شان و آوردند جادوئی گران و وحی نمودیم بموسی که بیفکن عصای خویش را

فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿١١٧﴾ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٨﴾ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا

ناگهان فرو برد آنچه را دروغ آورند پس بیامد حق و باطل شد آنچه بودند میکردند پس شکست خوردند در آنهنگام و بازگشتند

صَاغِرِينَ ﴿١١٩﴾ وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿١٢٠﴾ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٢١﴾ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٢﴾ قَالَ

سرافکندگان و بیفتادند جادوگران سجده کنندگان گفتند ایمان آوردیم بپروردگار جهانیان پروردگار موسی و هرون گفت

فِرْعَوْنُ آمَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ ۖ إِنَّ هَٰذَا لَمَكْرٌ مَكَرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا

فرعون آیا ایمان آوردید بدو پیش از آنکه اذنتان دهم همانا آن نیرنگی است که شما در شهر باختید تا برون رانید از آن مردمش را

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿١٢٣﴾ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿١٢٤﴾ قَالُوا إِنَّا

زود است بدانید همانا سخت ببرم دستها و پاهای شما را از برابر (دست راست و پای چپ) سپس بدارتان کشم همگی گفتند همانا مائیم

إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿١٢٥﴾ وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ آمَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا ۚ رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا

بسوی پروردگار خود بازگشت کنان و کین نورزی با ما جز بدانکه ایمان آوردیم بآیتهای پروردگار ما گاهی که بیامدند ما را پروردگارا بریز بر ما شکیبائی را

وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ ﴿١٢٦﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَذَرُ مُوسَىٰ وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ

و دریاب ما را مسلمانان و گفتند توده از قوم فرعون آیا میگذاری موسی و قومش را تا فساد کنند در زمین

وَيَذَرَكَ وَآلِهَتَكَ ۚ قَالَ سَنُقَتِّلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ ۖ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ﴿١٢٧﴾

و بگذاردت تو و خدایانت را گفت بزودی زار بکشیم فرزندان ایشان را و بگذاریم زنانشان را و همانا مائیم بر فراز ایشان نیرومندان

فالقی عصاه ١٠٢ این چوبدست بروایتی از درخت مورد بهشت بود که آدم علیه السلام با خود بزمین آورد و در دستها بگردید تا بدست شعیب رسید و چون وی موسی را بمزدوری گرفت بفرمودش بخانه‌ای که در آن چوبدستهای چند بود درآید و یکی از آنها برگیرد موسی چشم فرو هشت و تا سه بار دست یازید و این چوبدست بگرفت پس آنرا بدو باز گذارد و چون پیشگاه فرعون شد و آن عصا بیفکند اژدهائی دمان گردید که کاخ پادشاهی با ارتفاع هشتاد ذراع در کامش فرو همیرفتی و چون دهان بگشادی فک فرازینش بر کنگره ایوان رسیدی. فارسلنا علیهم ١٠٣ پس از شکست جادوان و گردیدن شان بموسی فرعون فرمان راند تا پیروان موسی را همگان بزندان کردند خداوند توانا سیل و طوفان را فرمود تا بسوی مساکن فرعونیان سرازیر گشت چندانکه آب خانه‌ها و مزارع ایشان را دستخوش غرقه ساخت شهرها بهشتند و بهامون سراپرده کشیدند و بزاری بنزد موسی شدند و با وی پیمان نهادند که مدد بگردند و سبطیان رها کنند موسی بپذیرفت و خدای را خواند تا آب فرو نشست و بشهر باز آمدند و زمین شیار کردند و تخم افشاندند

قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا ۚ إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ

گفت موسی بقوم خود کمک جوئید از خدا و شکیبا شوید همانا زمین از آن خداست ارث دهدش بهر که از بندگان خود که خواهد و پایان است

لِلْمُتَّقِينَ ﴿۱۲۸﴾ قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا ۚ قَالَ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ

برای پرهیزکاران گفتند آزرده شدیم پیش از آنکه بیائی ما را و پس از آنکه بیامدی ما را گفت امید است پروردگار شما نابود کند دشمن شما را

وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿۱۲۹﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ

و جانشینتان سازد در زمین تا بنگرد چگونه میکنید و هر آینه بگرفتیم خاندان فرعون را بقحطی و کاهشی

مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿۱۳۰﴾ فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَٰذِهِ ۖ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ

از میوه ها شاید یادآور شوند پس گاهی که بیامدشان خوشی گفتند از آن ماست این و اگر میرسیدشان بدی شوم

يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ ۗ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱۳۱﴾ وَقَالُوا مَهْمَا

میگرفتند موسی را و آنانرا که با وی بودند همانا شومی ایشان نزد خداست لیکن بیشترشان نمیدانند و گفتند هرچند

تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿۱۳۲﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ

بیاری ما را آیتی که ما را بدان افسون کنی نباشیم بتو ایمان آرندگان پس فرستادیم برایشان طوفان و ملخ

وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ ﴿۱۳۳﴾ وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ

و شپشه (آفتی که در گندم بهم رسد) و غوک و خون را آیتهائی جدا جدا پس کبر ورزیدند و شدند قومی گنهکاران و هنگامیکه افتاد برایشان

الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ ۖ لَئِنْ كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ

چرک گفتند ای موسی بخوان برای ما پروردگار خویش را بدانچه بنزد تو سپرده است که اگر برداری از ما چرک را هر آینه ایمان آریم بتو و با تو

مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۱۳۴﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿۱۳۵﴾

فرستیم بنی اسرائیل را و هنگامیکه برداشتیم از ایشان چرک را تا سر آمدی که ایشانند بدان رسنده ناگهان ایشانند پیمان شکنان

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿۱۳۶﴾ وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ

پس کین کشیدیم از ایشان و غرقشان نمودیم در دریا بدانچه تکذیب کردند آیتهای ما را و بودند از آنها غفلت کنان و ارث دادیم بگروهی

الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ۚ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ

که ناتوان شمرده میشدند خاورها و باخترهای زمین را که در آنها برکت نهادیم و انجام گرفت سخن نکوی پروردگارت

عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا ۖ وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ﴿۱۳۷﴾

بر بنی اسرائیل بدانچه شکیبا شدند و واژگون ساختیم آنچه را میساختند فرعون و قومش و آنچه میافراشتند

وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ ۚ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا

و گذراندیم بنی اسرائیل را از دریا تا رسیدند بقومی که گرد میآمدند بر بتانی از آن خود گفتند ای موسی قرار ده برای ما

إِلَٰهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ ۚ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿۱۳۸﴾ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ مُتَبَّرٌ مَا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

خدائی چنانکه برای اینانست خدایانی گفت هر آینه شمائید گروهی نادانان همانا اینان تباه است آنچه در آن اندرند و باطل است آنچه میکنند

﴿۱۳۹﴾ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَٰهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۱۴۰﴾ وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ

گفت آیا جز خدا برای شما خدائی جویم و او برتری داد شما را بر جهانیان و هنگامیکه نجات دادیم شما را از خاندان فرعون

يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۚ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ﴿۱۴۱﴾

که روا میداشتند بر شما عذاب زشت را بسختی میکشتند فرزندان شما را و میگذاشتند زنان شما را و در این بود بلائی از پروردگار شما گران



وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَٰثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ۚ وَقَالَ مُوسَىٰ

و وعده نهادیم با موسی سی شب و تکمیل آن کردم به ده تا تا تمام شد میعاد پروردگار او چهل شب و گفت موسی

لِأَخِيهِ هَٰرُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤٢﴾ وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا

ببرادرش هرون جانشینم باش در قومم و اصلاح کن و پیروی مکن از راه فسادکاران و هنگامیکه آمد موسی بوعده گاه ما

وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ ۙ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ ۚ قَالَ لَنْ تَرَانِي وَلَٰكِنِ انْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ

و سخن گفت با او پروردگارش گفت پروردگارا مرا بنمایان که بنگرم بسوی تو گفت هرگز نخواهی مرا دید ولیکن بنگر بسوی کوه تا اگر آرام گرفت برجای خود

فَسَوْفَ تَرَانِي ۚ فَلَمَّا تَجَلَّىٰ رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ

بزودی مرا بینی پس گاهی که تابید پروردگار او بکوه گردانیدش هموار (پست) و بیفتاد موسی بیهوش و هنگامی که بهوش آمد گفت منزهی تو

تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٤٣﴾ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَاتِي وَبِكَلَامِي ۖ

بازگشتم بسوی تو و منم نخستین ایمان آرندگان گفت ای موسی همانا برگزیدمت بر مردم به پیامهای خود و بسخن خود

فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٤﴾ وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا

پس برگیر آنچه را بتو دادم و باش از شکرگذاران و نوشتیم برایش در الواح از هر چیزی اندرز و تفصیلی

لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا ۚ سَأُورِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ ﴿١٤٥﴾ سَأَصْرِفُ

برای همه چیز پس برگیر آنرا به نیرو و بفرمای قومت را تا گیرند بهترین آنرا بزودی بنمایانم شما را خانهٔ فاسقان بزودی بازگردانم

عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۚ وَإِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا ۖ وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ

از آیتهای خود آنانرا که تکبر کنند در زمین بناحق و اگر ببینند هر آیتی ایمان نیارند بدان و اگر ببینند راه

الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ۖ وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

رهبری را نگیرندش راه و اگر ببینند راه گمراهی را گیرندش راه این بدانست که تکذیب کردند آیتهای ما را

وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ﴿١٤٦﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا

و بودند از آنها غافلان و آنانکه تکذیب کردند بآیتهای ما و رسیدن آخرت تباه شد است اعمال ایشان آیا پاداش داده میشوند جز

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤٧﴾ وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ ۚ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ

آنچه را بودند میکردند و برگرفتند قوم موسی پس از او از زیور خود گوساله را کالبدی که او راست بانگی آیا ندیدند که سخن نگوید با ایشان

وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا ۘ اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظَالِمِينَ ﴿١٤٨﴾ وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا ۙ

و نه رهبریشان کند براهی برگرفتندش و بودند ستمگران و هنگامیکه افتاد در دست ایشان و دیدند که گمراه شدند

قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾ وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ

گفتند اگر رحم نکند بر ما پروردگار ما و نیامرزد ما را همانا باشیم از زیانکاران و هنگامیکه برگشت موسی بسوی قوم خود خشمگین

أَسِفًا ۙ قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي ۖ أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ ۖ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ

اسفناک گفت چه زشت است آنچه جانشینم ساختید (بجای آوردید) پس از من آیا شتاب گرفتید امر پروردگار خود را و افکند الواح را و بگرفت سر برادر خویش را میکشیدش

إِلَيْهِ ۚ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي ۖ فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي

بسوی خود گفت ای فرزند مادر همانا قومم ناتوانم گرفتند و نزدیک شد بکشندم پس شادکام نگردان بمن دشمنانرا و نگردانم

مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١٥٠﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ ۖ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٥١﴾

با گروه ستمکاران گفت پروردگارا بیامرز برای من و برادرم و درآور ما را برحمت خود و توئی مهربانترین مهربانان

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُفْتَرِينَ

همانا آنانکه برگرفتند گوساله را بزودی رسدشان خشمی از پروردگارشان و خواری در زندگانی دنیا و چنین کیفر دهیم بدروغ آوران

(۱۵۲) وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَآمَنُوا إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۵۳) وَلَمَّا

و آنانکه بدیها کرده اند پس توبه کردند از آن پس و ایمان آوردند همانا پروردگار تو است پس از آن آمرزنده مهربان و هنگامی که

سَكَتَ عَن مُّوسَى الْغَضَبُ أَخَذَ الْأَلْوَاحَ ۖ وَفِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ (۱۵۴)

فرونشست از موسی خشم بگرفت الواح را و در نسخهٔ آنها هدایت و رحمتی است برای آنانکه از پروردگار خویشند هراسان

وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم

و برگزید موسی قومش را هفتاد مرد برای وعده گاه ما و هنگامی که بگرفتشان لرزش گفت پروردگارا اگر میخواستی نابود میکردی ایشان را

مِّن قَبْلُ وَإِيَّايَ ۚ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا ۖ إِنْ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ ۖ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي

و مرا از پیش آیا ما را نابود کنی بدانچه بیخردان از ما کردند نیست این جز فتنهٔ تو (آزمایش تو) گمراه کنی بدان هر که را خواهی و هدایت کنی

مَن تَشَاءُ ۚ أَنتَ وَلِيُّنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ (۱۵۵) وَاكْتُبْ لَنَا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا

هر که را خواهی توئی سرپرست ما پس بیامرز ما را و رحم کن بر ما و توئی بهترین آمرزندگان و بنویس برای ما در این دنیا

حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا إِلَيْكَ ۚ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ ۖ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ۚ

نیکی و در آخرت نیکی همانا هدایت شدیم بسوی تو گفت عذاب من رسانم بدان هر که را خواهم و رحمتم فراگرفت است همه چیز را

فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (۱۵۶) الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ

زود است بنویسمش برای آنانکه پرهیزکاری کنند و بدهند زکوة را و آنانکه بآیتهای ما ایمان آرند آنانکه پیروی کنند پیمبر فرستاده

الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِندَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنجِيلِ ۖ يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنكَرِ وَيُحِلُّ

درس ناخوانده ای که میابندش نوشته نزد ایشان در توریة و انجیل امرشان کند به نیکی و نهیشان کند از بدی و حلال کند

لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ ۚ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ

برای ایشان پاکها را و حرام کند بر ایشان پلیدها را و بنهد از ایشان بارشان و آن زنجیرهائی را که بر ایشان بود است پس آنانکه ایمان بدو آوردند و ارجمندش

وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (۱۵۷) قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ

(گرامیش) داشتند و یاریش کردند و پیروی کردند روشنائی را که با او فرستاده شده است آنانند رستگاران بگو ای مردم منم فرستاده خدا بسوی شما

جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۖ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي

همگی آنچنان خدائی که ویراست پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدائی جز او زنده کند و بمیراند پس ایمان آرید بخدا و فرستادهٔ او آن پیمبر درس ناخوانده که

يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ (۱۵۸) وَمِن قَوْمِ مُوسَىٰ أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ (۱۵۹)

ایمان میآورد بخدا و سخنان او و پیروی کنید شاید هدایت یابید و از قوم موسی امتی است که هدایت کنند بحق و بدان دادگری کنند

وَقَطَّعْنَاهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا ۚ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ

و بخش کردیم آنان را دوازده سبط (نبیرگان) امتهائی و وحی نمودیم بموسی هنگامی که آب از او خواستند قومش که بنواز عصای خویش را بسنگ

فَانبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا ۖ قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنزَلْنَا عَلَيْهِمُ

پس برجهید از آن دوازده چشمه دانستند هر مردمی آبشخور خود را و سایه افکندیم بر ایشان بابر و فرود آوردیم بر ایشان

الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (۱۶۰)

من و سلوی (نان و مرغ بریان) بخورید از پاکهای آنچه بشما روزی دادیم و ستم نکردند بر ما لیکن بودند خویشتن را ستم کنندگان

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَٰذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا

وہنگامی کہ گفتہ شد بدیشان سکونت کنید دراین شہر وبخورید ازآن ہرجا خواہید وبگویید حطۃ (کاہش) درآیید . درا سجدہ کنان

نَّغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ ۚ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۶۱﴾ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ

بیامرزیم برای شما گناہان شمارا وبزودی فزونی دہیم نیکوکاران پس تبدیل کردند آنانکہ ستم کردند ازایشان سخن را بجز آنچہ بدیشان گفتہ شد

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ ﴿۱۶۲﴾ وَسْئَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ

پس فرستادیم برایشان عذابی از آسمان بواسطہ آنچہ بودند ستم میکردند وبپرس ایشان از شہری کہ کنار دریا بود

إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ ۙ لَا تَأْتِيهِمْ ۚ كَذَٰلِكَ

کاہیکہ تجاوز میکردند در روز شنبہ چراکہ میآمد ماہیان ایشان روز شنبہ ایشان برروی آب وروزی کہ جز شنبہ بود نمیآمدند ایشان بدینگونہ

نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿۱۶۳﴾ وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا ۙ اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ

آزمودیشان بواسطہ بودند نافرمانی میکردند وہنگامی کہ گفتند گروہی ازایشان چرا اندرز میکنید قومی راکہ خداوند نابود کننده آنانست یا عذاب کننده ایشان

عَذَابًا شَدِيدًا ۖ قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿۱۶۴﴾ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ

عذابی سخت گفتند برای عذری بسوی پروردگار شما وشاید پرہیزگاری کنند تاگاہیکہ فراموش کردند آنچہ را یاد آوری شدند بآنچہ دادیم آنانرا نجات

يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿۱۶۵﴾

نہی میکردند از بدی وگرفتیم آنانرا کہ ستم کردند بعذابی زشت بواسطہ آنچہ بودند نافرمانی میکردند

فَلَمَّا عَتَوْا عَمَّا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ﴿۱۶۶﴾ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ

پس گاہیکہ سرکشیدند از آنچہ نہی شدند ازآن گفتیم بدیشان بشوید بوزینگانی راندگان وہنگامی کہ اعلام کرد پروردگارتو

لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۗ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ

کہ برانگیزند برایشان تا روز قیامت آنرا کہ بچشانند ایشان سختی بد ہمانا پروردگارتو شتابنده بود

الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۶۷﴾ وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَمًا ۖ مِنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ

درعقوبت وہمرآینده البتہ آمرزنده مہربان وبخش کردیشان در زمین فرقہائی ازایشانند شایستگان وازایشانند

دُونَ ذَٰلِكَ ۖ وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۱۶۸﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ

جز آن وآزمودیشان بنیکوہا وبدہا شاید باز گردند پس جانشین شد پس ازایشان

خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَٰذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا ۚ وَإِنْ يَأْتِهِمْ

جانشینانی کہ ارث بردند کتاب را میگیرند بہرہ این ادنی (پست بارزیکی) را وگویند بزودی آمرزش شود برای ما واگر بیاید بشان

عَرَضٌ مِثْلُهُ يَأْخُذُوهُ ۚ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ

بہرہ ہمانند آن برگیرند مگر گرفتہ نشد برایشان پیمان کتاب کہ نگویند بر خدا جز حق را

وَدَرَسُوا مَا فِيهِ ۗ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۱۶۹﴾ وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ

وخواندند آنچہ دران بود وخانۂ آخرت بہتر است برای آنانکہ پرہیزگاری کنند آیا بخرد نمی یابید وآنانکہ میگیرند

بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ۚ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ﴿۱۷۰﴾ وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ

کتاب را (بمعنی بزرنند) بکتاب ویپا میدارند نمازرا ہمانا نباہ نمیدہیم پاداش اصلاح کنندگانرا وہنگامی کہ برداشتیم کوہ را فراز ایشان مانند سایبانی

وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ ۖ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۷۱﴾

وپنداشتند شان فرود آینده برخویش بگیرید آنچہ دادیم شما را بقوت وبیاد آرید آنچہ در آنست شاید پرہیزگاری کنید

وَاِذْ اَخَذَ رَبُّكَ مِنْۢ بَنِيْٓ اٰدَمَ مِنْ ظُهُوْرِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَاَشْهَدَهُمْ عَلٰٓى اَنْفُسِهِمْ ۚ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ ؕ

و هنگامیکه بگرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان نژاد ایشانرا و گواهشان گرفت بر خویشتن آیا نیستم پروردگار شما

قَالُوْا بَلٰى ۚ شَهِدْنَا ۚ اَنْ تَقُوْلُوْا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّا كُنَّا عَنْ هٰذَا غٰفِلِيْنَ ۙ ﴿۱۷۲﴾ اَوْ تَقُوْلُوْٓا اِنَّمَآ اَشْرَكَ

گفتند بلی گواهی دادیم تا نگوئید روز قیامت بودیم ما از این ناآگاهان یا گوئید جز این نیست که شرک ورزیدند

اٰبَآؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْۢ بَعْدِهِمْ ۚ اَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُوْنَ ﴿۱۷۳﴾ وَكَذٰلِكَ نُفَصِّلُ

پدران ما از پیش و بودیم نژادی پس از ایشان آیا تباه کنی ما را بدانچه کردند نادرستان و بدینسان تفصیل دهیم

الْاٰيٰتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ﴿۱۷۴﴾ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَاَ الَّذِيْٓ اٰتَيْنٰهُ اٰيٰتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاَتْبَعَهُ

آیتها را و شاید ایشان بازگردند و بخوان بر ایشان داستان آنرا که دادیمش آیتهای خود را پس برهنه گشت (برون شد) از آنها سپس شیطان

الشَّيْطٰنُ فَكَانَ مِنَ الْغٰوِيْنَ ﴿۱۷۵﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنٰهُ بِهَا وَلٰكِنَّهٗٓ اَخْلَدَ اِلَى الْاَرْضِ وَاتَّبَعَ

پیروش گرفت و شد از گمراهان و اگر میخواستیم هر آینه بالا میبردیمش بدانها لیکن او بسوی زمین گرائید و پیروی کرد

هَوٰىهُ ۚ فَمَثَلُهٗ كَمَثَلِ الْكَلْبِ ۚ اِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ اَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ؕ ذٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ

هوس خود را پس مثل او مانند سگ است که اگر آهنگش کنی زبان از کام درآرد و اگر بگذاریش زبان از کام درآرد (فرو هلد) این است مثل گروهی که

كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا ۚ فَاقْصُصِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُوْنَ ﴿۱۷۶﴾ سَآءَ مَثَلًا ۨ الْقَوْمُ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا

تکذیب نمودند آیتهای ما را پس بخوان داستانها را شاید اندیشه کنند چه زشت است مثل قومی که تکذیب کردند

بِاٰيٰتِنَا وَاَنْفُسَهُمْ كَانُوْا يَظْلِمُوْنَ ﴿۱۷۷﴾ مَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِيْ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ

آیتهای ما را و بودند خویشتن را ستم میکردند آنرا که خدا هدایت کند او است هدایت شده و آنانرا که گمراه کند آنانند

الْخٰسِرُوْنَ ﴿۱۷۸﴾ وَلَقَدْ ذَرَاْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيْرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ ۫ لَهُمْ قُلُوْبٌ لَّا يَفْقَهُوْنَ بِهَا ۫

زیانکاران و همانا بیافریدیم برای دوزخ بسیاری از پری و آدمی را آنانراست دلهائی که در نیابند بدانها

وَلَهُمْ اَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُوْنَ بِهَا ۫ وَلَهُمْ اٰذَانٌ لَّا يَسْمَعُوْنَ بِهَا ؕ اُولٰٓئِكَ كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ

و آنانراست دیدگانی که نبینند بدانها و آنانراست گوشهائی که نشنوند بدانها آنانند مانند دامها بلکه

اَضَلُّ ؕ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْغٰفِلُوْنَ ﴿۱۷۹﴾ وَلِلّٰهِ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى فَادْعُوْهُ بِهَا ۪ وَذَرُوا الَّذِيْنَ يُلْحِدُوْنَ

گمراه تر آنانند ناآگاهان و خدا راست نامهای نکو پس بخوانیدش بدانها و بگذارید آنانرا که کجروی کنند

فِيْٓ اَسْمَآئِهٖ ؕ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿۱۸۰﴾ وَمِمَّنْ خَلَقْنَآ اُمَّةٌ يَّهْدُوْنَ بِالْحَقِّ وَبِهٖ

در نامهای او بزودی پاداش داده شوند آنچه را بودند میکردند و از آنانکه آفریدیم ملتی است که هدایت کنند بحق و بدان

يَعْدِلُوْنَ ﴿۱۸۱﴾ وَالَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُوْنَ ۚ ﴿۱۸۲﴾

دادگری کنند و آنانکه دروغ پنداشتند آیتهای ما را زود است باستدراج (بآهستگی ناگهان) گیریمشان از آنجا که ندانند

وَاُمْلِيْ لَهُمْ اِنَّ كَيْدِيْ مَتِيْنٌ ﴿۱۸۳﴾ اَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوْا ۫ مَا بِصَاحِبِهِمْ مِّنْ جِنَّةٍ ؕ اِنْ هُوَ

و مهلتشان دهیم که همانا نیرنگ من است استوار آیا نیندیشیدند که نیست بر رفیقشان دیوانگی نیست او

اِلَّا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿۱۸۴﴾ اَوَلَمْ يَنْظُرُوْا فِيْ مَلَكُوْتِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ وَّاَنْ

جز ترساننده آشکار آیا ننگریستند در پادشاهیهای آسمانها و زمین و آنچه بیافریده است خدا از چیزها و آنکه

عَسٰٓى اَنْ يَّكُوْنَ قَدِ اقْتَرَبَ اَجَلُهُمْ ۚ فَبِاَيِّ حَدِيْثٍۭ بَعْدَهٗ يُؤْمِنُوْنَ ﴿۱۸۵﴾

شاید نزدیک شده باشد سرآمد ایشان پس بکدام سخن پس از این ایمان میآورند

مَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَلَا هَادِيَ لَهٗ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ﴿۱۸۶﴾ يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ السَّاعَةِ
آنرا که گمراه کند خدا نیست راهنمائی او و بگذارد ایشان را در سرکشی خود فرو روند بر سندت از ساعت

اَيَّانَ مُرْسٰهَا قُلْ اِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّيْ لَا يُجَلِّيْهَا لِوَقْتِهَآ اِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمٰوٰتِ
چه وقت است لنگر گاه آن بگو جز این نیست که علم آن نزد پروردگار من است پدید آرد آنرا هنگام خود جز او سنگین است در آسمانها

وَالْاَرْضِ لَا تَاْتِيْكُمْ اِلَّا بَغْتَةً يَسْـَٔلُوْنَكَ كَاَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ اِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ
و زمین نیاید تا شما مگر ناگهان بر سندت چنانکه کوئی تو آگاهی از آن بگو جز این نیست که علش نزد خداست

وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۱۸۷﴾ قُلْ لَّآ اَمْلِكُ لِنَفْسِيْ نَفْعًا وَّلَا ضَرًّا اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ وَلَوْ
لیکن بیشتر مردم نمیدانند بگو دارا نیستم برای خویشتن سود و نه زیانی جز آنچه خدا خواهد واگر

كُنْتُ اَعْلَمُ الْغَيْبَ لَاسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ السُّوْٓءُ اِنْ اَنَا اِلَّا نَذِيْرٌ وَّبَشِيْرٌ
دانای ناپیدا بودم هر آینه فراوان میگرفتم از خوبی و من نمیرسید بدی نیستم من مگر بیم دهنده و نوید دهنده

لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿۱۸۸﴾ هُوَ الَّذِيْ خَلَقَكُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَّاحِدَةٍ وَّجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ اِلَيْهَا
برای گروهی که ایمان آرند او است آنکه آفرید شما را از یکتن و قرار داد از او جفتش را تا آرام گیرد بدو

فَلَمَّا تَغَشّٰهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيْفًا فَمَرَّتْ بِهٖ فَلَمَّآ اَثْقَلَتْ دَّعَوَا اللّٰهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ اٰتَيْتَنَا
پس چون بپوشید او را برداشت باری سبک پس بگذشت بر آن تا گاهیکه سنگین شد خواندند پروردگار خویش را که اگر

صَالِحًا لَّنَكُوْنَنَّ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ ﴿۱۸۹﴾ فَلَمَّآ اٰتٰىهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهٗ شُرَكَآءَ فِيْمَآ اٰتٰىهُمَا فَتَعٰلَى
صالحی (شایسته) دهی بگذاریم از شکر گزاران ولی چون بگذاد بدیشان صالحی (شایسته) قرار دادند برای او شریکانی در آنچه بدیشان داد جدا بر تر است

اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿۱۹۰﴾ اَيُشْرِكُوْنَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْـًٔا وَّهُمْ يُخْلَقُوْنَ ﴿۱۹۱﴾ وَلَا يَسْتَطِيْعُوْنَ
خدا از آنچه شرک میورزند آیا شریک کنند آنرا که نیافریند چیزی را و خود آفریده شوند و نتوانند

لَهُمْ نَصْرًا وَّلَآ اَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُوْنَ ﴿۱۹۲﴾ وَاِنْ تَدْعُوْهُمْ اِلَى الْهُدٰى لَا يَتَّبِعُوْكُمْ سَوَآءٌ عَلَيْكُمْ
یاری دهی و نه خویشتن را یاری کنند و اگر بسوی هدایشان خوانید پیروی نکنند یکسان است برشما

اَدَعَوْتُمُوْهُمْ اَمْ اَنْتُمْ صَامِتُوْنَ ﴿۱۹۳﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ عِبَادٌ اَمْثَالُكُمْ
بخوانید ایشانرا یا باشید خموشان همانا آنانرا که جز خدا بخوانید بندگانید مانند شما

فَادْعُوْهُمْ فَلْيَسْتَجِيْبُوْا لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿۱۹۴﴾ اَلَهُمْ اَرْجُلٌ يَّمْشُوْنَ بِهَآ اَمْ لَهُمْ
پس بخوانید شان تا اجابت کنند شما را اگر هستید راستگویان آیا آنرا پاهائی که روان گردند بدانها یا آنرا نیست

اَيْدٍ يَّبْطِشُوْنَ بِهَآ اَمْ لَهُمْ اَعْيُنٌ يُّبْصِرُوْنَ بِهَآ اَمْ لَهُمْ اٰذَانٌ يَّسْمَعُوْنَ بِهَا قُلِ ادْعُوْا
دستهائی که آهنگ کنند بدانها یا آنرا نیست دیدگانی که ببینند بدانها یا آنرا نیست گوشهائی که بشنوند بدانها بگو بخوانید

شُرَكَآءَكُمْ ثُمَّ كِيْدُوْنِ فَلَا تُنْظِرُوْنِ ﴿۱۹۵﴾ اِنَّ وَلِيِّيَ اللّٰهُ الَّذِيْ نَزَّلَ الْكِتٰبَ وَهُوَ يَتَوَلَّى
شریکان خویش را پس نیرنگ بمن کنید و مهلتم ندهید همانا یار من خدا وندی است که فرستاد کتاب را و او است سرپرست

الصّٰلِحِيْنَ ﴿۱۹۶﴾ وَالَّذِيْنَ تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ نَصْرَكُمْ وَلَآ اَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُوْنَ ﴿۱۹۷﴾
شایستگان و آنان را که جز او خوانید نتوانند شما را یاری کردن و نه خویشتن را یاری کنند

وَاِنْ تَدْعُوْهُمْ اِلَى الْهُدٰى لَا يَسْمَعُوْا وَتَرٰىهُمْ يَنْظُرُوْنَ اِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُوْنَ ﴿۱۹۸﴾
واگر خوانیشان بسوی هدایت نشنوند و بینیشان می نگرند بسوی تو و لیکن نمی بینند

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿١٩٩﴾ وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ

بگیر گذشت را وامر کن بخوبی وروی بگردان از نادانان واگر برانگیزدت از شیطان انگیزشی پس پناهنده شو

بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا

بخدا همانا اوست شنوای دانا همانا آنانکه پرهیزکاری کردند هرگاه آهنگشان کند رهگذری از شیطان یادآور شوند

فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ ﴿٢٠٢﴾ وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ

ناگاه ایشانند بینایان وبرادران شیاطین را فرو برند شیاطین در گمراهی سپس کوتاه نمی آیند وهرگاه نیاوریشان

بِآيَةٍ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي هَٰذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ

آیتی گویند چرا آیتی نساختی بگو پیروی نکنم جز آنچه را وحی شود بمن از پروردگار من اینک بینشهائی از پروردگارتان

وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠٣﴾ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ

وهدایت ورحمتی برای گروهی که ایمان آرند وگاهیکه خوانده شود قرآن گوش دهید بدان وخموشی گزینید شاید

تُرْحَمُونَ ﴿٢٠٤﴾ وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ

رحم کرده شوید ویاد کن پروردگار خویش را درون خود بزاری وترس وپست تر از گفتار بلند بامدادان

وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

وشبانگاه وبناش از غافلان همانا آنانکه نزد پروردگار تواند کبر نورزند

عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿٢٠٦﴾

از پرستش او ومیستایندش وبرای او سجده میکنند

سورة الأنفال خمس وسبعون آية وهي نزلت بالمدينة

سورة (٨) حروفها ٥٢٩٤ كلماتها ١٢٣١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ

پرسندت از بهره های جنگ بگو آنها از آن خدا وپیمبر است پس بترسید خدا را واصلاح کنید میانه خویش را

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ

وفرمانبرید خدا وپیمبرش را اگر هستید مؤمنان جز این نیست که مؤمنان آنانند که هرگاه یاد خدا شود

وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

بهراسد دلهاشان وهرگاه خوانده شود برایشان آیتهای او بیفزایدشان ایمان وبر پروردگار خویش توکل کنند

﴿٢﴾ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ

آنانکه بپایمیدارند نماز را وازآنچه روزیشان داده ایم ببخشند آنانند مؤمنان

حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٤﴾ كَمَا

بدرست ایشانراست پایه هائی نزد پروردگارشان وآمرزشی وروزیی گرامی بدانسان

أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ لَكَارِهُونَ ﴿٥﴾

که برون آورد ترا پروردگار تو از خانه ات بحق حالیکه گروهی از مؤمنانند ناخوش دارندگان

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٦﴾

می ستیزند با تو در حق پس از آنکه پدیدار شد گوئیا رانده میشوند بسوی مرگ وآنانند نگران

وَاِذْ يَعِدُكُمُ اللّٰهُ اِحْدَى الطَّآئِفَتَيْنِ اَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّوْنَ اَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ

وہنگامیکہ وعدہ میداد شمارا خدا یکی از دو گروہ را کہ آن از آن شماست وودوست میدیدید کہ جز شوکتمند

تَكُوْنُ لَكُمْ وَيُرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يُّحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمٰتِهٖ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكٰفِرِيْنَ ۷ لِيُحِقَّ

شمارا باشد وخدا میخواست جابگزین کند حق را بکلمات خود وببرد ودنبالہ کافران را تا بپلید اورد

الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُوْنَ ۸ اِذْ تَسْتَغِيْثُوْنَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ

حق را وتباہ کند باطل را واگرچہ ناخوش دارند گنہکاران ہنگامیکہ بنالیدید (الکہ مرا بیاید) بپروردگار خود پس اجابت کرد برای شما

اَنِّيْ مُمِدُّكُمْ بِاَلْفٍ مِّنَ الْمَلٰٓئِكَةِ مُرْدِفِيْنَ ۹ وَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ اِلَّا بُشْرٰى وَلِتَطْمَئِنَّ بِهٖ

کہ کمک کنندہ ام شمارا بہزار تن از فرشتگان دوش بدوش وننگردانید آنرا خدا جز بشارتی وتا آرام گیرد بدان

قُلُوْبُكُمْ ۚ وَمَا النَّصْرُ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ۚ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ ۱۰ اِذْ يُغَشِّيْكُمُ النُّعَاسَ

دلہای شما حالیکہ نیست یاری جز از نزد خدا ہمانا خداوند است عزتمند حکیم ہنگامیکہ انگیزند بشما خمار خواب

اَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ مَآءً لِّيُطَهِّرَكُمْ بِهٖ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ

تا آرامشی باشد ازاو وفرستاد برشما از آسمان آبی تا پاکتان سازد بدان وتا دور کند از شما

رِجْزَ الشَّيْطٰنِ وَلِيَرْبِطَ عَلٰى قُلُوْبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْاَقْدَامَ ۱۱ اِذْ يُوْحِيْ رَبُّكَ اِلَى

چرکت شیطان را وتا ببندد بر دلہای شما وبستوار سازد بدان قدمہارا ہنگامی کہ وحی میفرستاد پروردگار

الْمَلٰٓئِكَةِ اَنِّيْ مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۚ سَاُلْقِيْ فِيْ قُلُوْبِ الَّذِيْنَ كَفَرُوا الرُّعْبَ

بسوی فرشتگان کہ من باشما استم پس استوار دارید آنانرا کہ ایمان آوردند زود است افگنم در دلہای آنانکہ کفر ورزیدند ہراس را

فَاضْرِبُوْا فَوْقَ الْاَعْنَاقِ وَاضْرِبُوْا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ۱۲ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ شَآقُّوا اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ

پس بزنید فراز گردنہارا وبزنید از ایشان ہر سرانگشتی را این بدانست کہ دراافتادند باخدا ورسولش

وَمَنْ يُّشَاقِقِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَاِنَّ اللّٰهَ شَدِيْدُ الْعِقَابِ ۱۳ ذٰلِكُمْ فَذُوْقُوْهُ وَاَنَّ لِلْكٰفِرِيْنَ

و ہرکہ باخدا ورسول او درافتد ہمانا خداوند است سخت عقوبت اینک بچشیدش وہمانا کافرانراست

عَذَابَ النَّارِ ۱۴ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا لَقِيْتُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوْهُمُ الْاَدْبَارَ ۱۵

عذاب آتش ای آنانکہ ایمان آوردید ہرگاہ ملاقی گردید باآنانکہ کفر ورزیدند درجنگ پس برنگردانید بسوی آنان پشتہارا

وَمَنْ يُّوَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهٗٓ اِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ اَوْ مُتَحَيِّزًا اِلٰى فِئَةٍ فَقَدْ بَآءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللّٰهِ

وانکس کہ بگرداند پشتش را بسوی آنان جز گراینده برای جنگی یا ملحق شونده بگروہی ہمانا بازگشت بہ خشمی از خدا

وَمَاْوٰىهُ جَهَنَّمُ ۚ وَبِئْسَ الْمَصِيْرُ ۱۶ فَلَمْ تَقْتُلُوْهُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ قَتَلَهُمْ ۚ وَمَا رَمَيْتَ اِذْ رَمَيْتَ

وجایگاه او است دوزخ وبدجزرسیدنگاہی جایگاه پس نکشتید ایشانرا شما ولیکن خداوند کشتشان ونه تو انداختی ہنگامیکہ تو انداختی

وَلٰكِنَّ اللّٰهَ رَمٰى ۚ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِيْنَ مِنْهُ بَلَآءً حَسَنًا ۚ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ۱۷ ذٰلِكُمْ وَاَنَّ اللّٰهَ

ولیکن خدا بیفگند ونا بیازماید مؤمنان را ازخود آزمایشی نکو ہمانا خداوند است شنوای دانا اینست وآنکہ خداوند

مُوْهِنُ كَيْدِ الْكٰفِرِيْنَ ۱۸ اِنْ تَسْتَفْتِحُوْا فَقَدْ جَآءَكُمُ الْفَتْحُ ۚ وَاِنْ تَنْتَهُوْا فَهُوَ خَيْرًا لَّكُمْ ۚ وَاِنْ

سست کنندهٔ نیرنگ کافران اگر پیروزی جوئید ہمانا بیامدتان پیروزی واگرفرنام آیید (دست بردارید) پس آن بہتر است برای شما

تَعُوْدُوْا نَعُدْ ۚ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْـًٔا وَّلَوْ كَثُرَتْ ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُؤْمِنِيْنَ ۱۹

واگر بازگردید بازگردیم ویاری نکند جمعیت شما بچیزی وہرچند فزون باشد واگنہ خداوند با مؤمنان

فہارس ابواب پارہ
فہرست سورہ ہا و رکوعہا و صفحہا
جائیکہ شان نزول دارد
آیات یا سورہ ہا کہ سجدہ دارد
آیات یا سورہ ہا کہ سجدہ ندارد

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَا تَكُونُوا

ای آنانکه ایمان آوردید فرمانبرید خدا و پیغمبرش را و برنگردید از او و شما بشنوید و مباشید

كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا

مانند آنانکه گفتند شنیدیم و نمیشنوند ایشان هماناً بدترین جنبندگان نزد خدا کران گنگانند که

يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٣﴾

نافرمندند و اگر بیدانست خدا در ایشان خیری هرآینه بشنوانیدشان و اگر بشنوانید ایشانرا هرآینه پشت بگردند و بگردانند روی گردانان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ

ای آنانکه ایمان آوردید اجابت کنید خدا و رسولش را گاهی که بخواند شما را بدانچه زنده تان سازد و بدانید که خدا حایل میشود

بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ

میان مرد و دلش و آنکه بسوی او گردآورده میشوید و بپرهیزید فتنه (آزمایشی) را که نرسد بدانانکه ستم کردند از شما

خَاصَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٥﴾ وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي

تنها و بدانید که خداوند سخت شکنجه و یاد آرید هنگامی را که بودید گروه اندکی ناتوان شمرده گان در

الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ

زمین بیم داشتید که بربایند شمارا مردم پس پناهتان داد و کمک کرد شمارا بیاری خود و روزی داد شمارا از پاکیزه ها

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٢٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ

شاید شکر گذارید ای آنانکه ایمان آوردید خیانت نکنید خدا و رسول را و خیانت نکنید سپرده های خودرا

وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٧﴾ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

و شما میدانید و بدانید که مالهای شما و فرزندان شما فتنه است و هماناً خدا نزد اوست پاداشی بزرگ

﴿٢٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

ای آنانکه ایمان آوردید اگر بترسید خدارا بنهد برای شما جدا کننده و بپوشاند از شما گناهان شمارا

وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾ وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا

و بیامرزد شمارا و خداست دارای فضلی بزرگ و هنگامیکه میاندیشیدند برای تو آنانکه کفر ورزیدند

لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ﴿٣٠﴾

که بازدارندت یا بکشندت یا بیرون کنندت و مکر کردند و مکر کرد خدا و خداست بهترین مکر آوران

وَإِذَا تُتْلَى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا

و هنگامیکه خوانده شود برایشان آیتهای ما گویند هماناً شنیدیم اگر میخواستیم میگفتیم همانند این نیست این جز

أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣١﴾ وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ

افسانه های باستان و هنگامیکه گفتند بارخدایا اگر این است حق از نزد تو

فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوِ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَا كَانَ

پس ببار برما سنگی از آسمان یا بیاور ما را عذابی دردناک و نبوده است

اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ﴿٣٣﴾

خدا عذاب کننده آنان حالیکه تو در آنان و نبوده است عذاب کننده ایشان و ایشانند استغفار کنندگان

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ إِنْ
وچیست ایشانرا (مرا) عذاب ایشان نکند خدا حالیکه باز میدارند از مسجد حرام و نیستند یاران آن همانا نیستند
أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٤﴾ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ
یاران آن مگر پرهیزگاران ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند ﴿٣٤﴾ و نبود نمازشان نزد
الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٣٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ
خانه جز صفیر و دستک زدن پس بچشید عذاب را بدانچه بودید کفر میورزیدید ﴿٣٥﴾ همانا آنانکه
كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً
کافر شدند میدهند مالهای خودرا تا باز دارند از راه خدا زود است بدهند آنها را سپس حسرتی بر ایشان شود
ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ ﴿٣٦﴾ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ
پس شکست خورند و آنانکه کفر ورزیدند بسوی دوزخ گرد آورده شوند ﴿٣٦﴾ تا جدا سازد خدا پلید را از پاک
وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ
و بنهد پلید را پاره از آن بر پاره پس انباشته سازدش باهم پس بگرداندش در دوزخ آنانند زیانکاران
﴿٣٧﴾ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ
﴿٣٧﴾ بگو بدانانکه کفر ورزیدند اگر دست بردارند آمرزیده شود برای ایشان آنچه گذشت است و اگر باز گردند همانا گذشت
سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾ وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ
شیوه پیشینیان ﴿٣٨﴾ و نبرد کنید با ایشان تا نشود فتنه و بشود دین همه آن برای خدا
فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣٩﴾ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ
پس اگر دست بردارند همانا خدا بدانچه میکنند بیناست ﴿٣٩﴾ و اگر روی گردانند پس بدانید که خداست سرپرست شما
نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٤٠﴾ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ
چه خوب سرپرست و چه خوب یاوری است ﴿٤٠﴾ و بدانید که آنچه در جنگ بدست آورده اید همانا برای خداست پنجمکشان و برای پیمبر
وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا
و برای نزدیکان و یتیمان و بینوایان و درماندگان راه اگر ایمان آورده اید بخدا و بآنچه فرو فرستادیم
عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤١﴾ إِذْ أَنْتُمْ
بر بنده خود روز جدا شدن روزیکه دو سپاه روبرو شدند و خداست بر هر چیزی توانا ﴿٤١﴾ هنگامیکه بودید
بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنْكُمْ ۚ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ
بر کنار فرودین دره و ایشان بر کنار فرازین آن و کاروان فرودتر از شما و اگر وعده میکذاردید
لَاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ ۙ وَلَٰكِنْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ
هرآینه اختلاف میکردید در وعده گاه لیکن تا بگذراند خدا کاری را که بوده شدنی تا هلاک شود آنکه هلاک شود از
بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ إِذْ يُرِيكَهُمُ اللَّهُ فِي مَنَامِكَ قَلِيلًا
روی بینش و زنده شود آنکه زنده شد از روی بینش و همانا خدا شنوا و داناست ﴿٤٢﴾ هنگامیکه مینمایاند شمارا خدا در خواب تو اندکی
وَلَوْ أَرَاكَهُمْ كَثِيرًا لَفَشِلْتُمْ وَلَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ ۗ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٤٣﴾
و اگر مینمایاند شمارا بسیار فزون هرآینه سست میشدید و اختلاف میکردید در کار لیکن خدا نگهداشت همانا اوست دانا بدانچه در سینه هاست

الجزء (۱۰)

وَاِذْ يُرِيكُمُوهُمْ اِذِ الْتَقَيْتُمْ فِي اَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ فِي اَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللّٰهُ

گاهیکه می نمایاند ایشان را بشما هنگام تلاقی شما با ایشان در دیدگانتان اندک و اندک نمود شما را در دیدگان ایشان تا بگذراند خدا

اَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۚ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُورُ ﴿۴۴﴾ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً

کاری را که بوده است شدنی و بسوی خدا باز گردانیده شوند کارها ای آنانکه ایمان آوردید هرگاه ملاقات کردید گروهی را در جنگ

فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۴۵﴾ وَاَطِيعُوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَلَا

پس پایداری کنید و یاد کنید خدا را فراوان شاید رستگار شوید و اطاعت کنید خدا و پیمبرش را و در

تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا ۚ اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۴۶﴾ وَلَا

نستیزید باهم که سست شوید و برود نیروی شما و شکیبا شوید همانا خداست با صبر کنندگان و

تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطَرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ ۚ

نباشید مانند آنانکه برون رفتند از خانه های خود بسستی و خودنمائی بمردم و باز میداشتند از راه خدا

وَاللّٰهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿۴۷﴾ وَاِذْ زَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ اَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ

و خداست بدانچه کنند فراگیرنده و هنگامیکه آراست برای ایشان شیطان کردار ایشان را و گفت نیست چیره شونده

لَكُمُ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَاِنِّي جَارٌ لَكُمْ ۖ فَلَمَّا تَرَاءَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقِبَيْهِ

شما را امروز از مردم و منم پشتیبان شما تا گاهی که دیدار کردند دو سپاه همدیگر را برگشت بر پاشنه های خود

وَقَالَ اِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ اِنِّي اَرَى مَا لَا تَرَوْنَ اِنِّي اَخَافُ اللّٰهَ ۚ وَاللّٰهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

و گفت همانا بیزارم از شما چه می بینم آنچه را نمی بینید و همانا می ترسم خدا را و خداست سخت شکنجه

﴿۴۸﴾ اِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ غَرَّ هٰؤُلَاءِ دِينُهُمْ ۚ وَمَنْ

هنگامیکه میگفتند دورویان و آنانکه در دلهاشان بیماری است فریب داد اینان را دینشان و هرکه

يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَاِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۴۹﴾ وَلَوْ تَرَى اِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا

بر خدا توکل کند همانا خداوند است عزتمند حکیم و اگر (کاش) میدیدی هنگامی را که دریابند گروه کافران را

الْمَلٰئِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَاَدْبَارَهُمْ ۖ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿۵۰﴾ ذٰلِكَ بِمَا

فرشتگان زنند رویهاشان و پشتهاشان را و بچشید عذاب سوزان را این بدانست

قَدَّمَتْ اَيْدِيكُمْ وَاَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿۵۱﴾ كَدَاْبِ اٰلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ

که پیش آورد دستهای شما و آنکه نیست خدا ستم کننده بر بندگان مانند شیوه خاندان فرعون و آنانکه

قَبْلِهِمْ ۚ كَفَرُوا بِاٰيَاتِ اللّٰهِ فَاَخَذَهُمُ اللّٰهُ بِذُنُوبِهِمْ ۚ اِنَّ اللّٰهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۵۲﴾

پیش از ایشان بودند کفر ورزیدند بآیتهای خدا پس گرفتشان خدا بگناهانشان همانا خدا نیرومندی است سخت شکنجه

ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً اَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِاَنْفُسِهِمْ

این بدانست که نیست خدا تغییر دهنده نعمتی که بقومی ارزانی داشت است تا تغییر دهند آنچه را که در خود ایشان است

وَاَنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۵۳﴾ كَدَاْبِ اٰلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِ

و آنکه خداست شنونده دانا مانند شیوه خاندان فرعون و آنانکه پیش از ایشان بودند تکذیب کردند آیتهای

رَبِّهِمْ فَاَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَاَغْرَقْنَا اٰلَ فِرْعَوْنَ ۖ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿۵۴﴾

پروردگار خود را پس نابودشان کردیم بگناهانشان و غرق ساختیم خاندان فرعون را و هر کدام بودند ستمگران

إِنَّ شَرَّ الدَّوَآبِّ عِندَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۵۵﴾ الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ

هما بدترین دابها نزد خدا آنانند که کفر ورزیدند پس ایمان نیاوردند آنانکه پیمان بستی بایشان وسپس

يَنقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿۵۶﴾ فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِم

میشکنند عهد خویش را در هر بار وایشان نمیپرهیزند پس هرگاه دست برایشان یافتی در جنگ پراکنده ساز بدیشان

مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿۵۷﴾ وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَانبِذْ إِلَيْهِمْ

آنانرا که پشت سرایشانند (جماعتی را بایشان گماشته بودند تا مراقب ایشان باشند) شاید یاد آورشوند واگر بیم دشمنی از قومی خیانتی را پس بیفکن بسوی ایشان

عَلَىٰ سَوَآءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَآئِنِينَ ﴿۵۸﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ

برابر همانا خدا دوست ندارد خیانتکاران را ونپندارند آنانکه کفر ورزیدند که پیشی جستند همانا بعجز آرندگان خدایرا ایشان

﴿۵۹﴾ وَأَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ

وآماده کنید برای ایشان هرچه توانید از نیرو واز اسبان بسته که بترسانید بدان دشمن خدا

وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ

ودشمن خویش را ودیگران را از غیر ایشان که نمیدانید شان خدا میداند شان وآنچه دهید

فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿۶۰﴾ وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ

در راه خدا بدرخت شود بشما تمام وشما ستم نمیشوید واگر بصلح گرایند پس بدان گرای وتوکل کن

عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۶۱﴾ وَإِن يُرِيدُوا أَن يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ

بر خدای که اوست شنونده دانا واگر خواهند باتو نیرنگ کنند همانا بس است ترا خدا

هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ﴿۶۲﴾ وَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي

اوست آنکه کمک کرد ترا بیاری خویش وبمؤمنان والفت افکند میان دلهای آنان که اگر میدادی هرچه در

الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۶۳﴾

زمین است نمیتوانستی الفت افکنی میان دلهای آنان ولیکن خدا الفت افکند میان ایشان همانا اوست عزتمند حکیم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۶۴﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ

ای پیمبر بس است ترا خدا وآنانکه پیروی کردند از مؤمنان ای پیمبر برانگیز مؤمنان را

عَلَى الْقِتَالِ إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِن يَكُن مِّنكُم

بر جنگ اگر باشند از شما بیست تن بردبار چیره شوند دویست تن را واگر باشند از شما

مِّائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ ﴿۶۵﴾ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنكُمْ

صد تن چیره شوند یکهزار از آنانکه کفر ورزیدند این بدانست که ایشان گروهی درنیابند اکنون کاست خدا (سبک کرد) از شما

وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِن يَكُن

ودانست که در شماست ناتوانی پس اگر باشد از شما صد تن بردبار چیره شوند دویست تن را واگر باشد

مِّنكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۶۶﴾ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُ

از شما هزار تن چیره آیند بر دو هزار باذن خدا وخدا با صبر کنندگان بنوده است پیمبری را که باشد مر او

أَسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۶۷﴾

پرده گانی تا بسیار کند در زمین خواهید بهره دنیا وخدا آخرت را خواهد وخدا عزتمند حکیم

لَوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللّٰهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَآ اَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۶۸﴾ فَكُلُوا

اگر نبود سرنوشتی که از خدا پیشی گرفت است همانا میرسید شمارا در آنچه گرفتید عذابی بزرگ پس بخورید

مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا ۖ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۚ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۶۹﴾ يَآ اَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّمَنْ

از آنچه بغنیمت گرفتید (در جنگ) حلال پاکیزه و بترسید خدارا که خداست آمرزنده مهربان ای پیمبر بگو بدآنانکه

فِيٓ اَيْدِيكُمْ مِّنَ الْاَسْرٰىٓ ۙ اِنْ يَعْلَمِ اللّٰهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّآ

در دست شمایند از برده گان اگر بداند خدا در دلهای شما خیری بدهد شمارا بهتر از آنچه

اُخِذَ مِنْكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۷۰﴾ وَاِنْ يُرِيدُوٓا خِيَانَتَكَ فَقَدْ

گرفته شده است از شما و بیامرزد شمارا و خداست آمرزنده مهربان و اگر خواهند خیانت ورزیدن باتو همانا

خَانُوا اللّٰهَ مِنْ قَبْلُ فَاَمْكَنَ مِنْهُمْ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۷۱﴾ اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا

خیانت ورزیدند خدارا پیش از این پس دستیابی داد برایشان و خداست دانشمند حکیم همانا آنانکه ایمان آوردند

وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَالَّذِينَ اٰوَوْا وَّنَصَرُوٓا

و مهاجرت کردند (از وطن آواره شدند) و جهاد کردند (کوشیدند) با مالها و جانهای خود در راه خدا و آنانکه پناه دادند و یاری کردند

اُولٰٓئِكَ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَايَتِهِمْ

همانا گروهی از ایشانند دوستان گروهی و آنانکه ایمان آوردند و مهاجرت ننمودند (از خانمان خود آواره نشدند) نیست شمارا از دوستی ایشان

مِّنْ شَيْءٍ حَتّٰى يُهَاجِرُوا ۚ وَاِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ اِلَّا عَلٰى قَوْمٍ

چیزی تا ترک خانمان کنند (هجرت کنند) و اگر یاری خواستند از شما در دین پس بر شماست یاری کردن مگر بر قومی که

بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ ۗ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۷۲﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ

میان شما و ایشانست پیمانی و خدا بدانچه میکنید بیناست و آنانکه کفر ورزیدند بعضی از ایشانند

اَوْلِيَآءُ بَعْضٍ ۗ اِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْاَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ﴿۷۳﴾ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا

دوستان بعضی اگر نکنید اینرا میشود فتنه در زمین و فسادی بزرگ و آنانکه ایمان آوردند

وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَالَّذِينَ اٰوَوْا وَّنَصَرُوٓا اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ

و هجرت کردند و جهاد نمودند در راه خدا و آنانکه پناه دادند و یاری کردند آنانند مؤمنان

حَقًّا ۗ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿۷۴﴾ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا

بدرست ایشانراست آمرزش و روزی گرامی و آنانکه ایمان آوردند از این پس و هجرت نمودند و جهاد کردند

مَعَكُمْ فَاُولٰٓئِكَ مِنْكُمْ ۗ وَاُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللّٰهِ ۗ

همراه شما پس ایشانند از شما و خویشاوندان بعضی از ایشانند سزاوارتر ببعضی در کتاب خدا

اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۷۵﴾

همانا خداوند است بهمه چیز دانا

سورة التوبة مائة وتسع وعشرون آية وهي نزلت بالمدينة

(حروفها ۱۰۱۸۷) (کلماتها ۲۴۹۷)

بَرَآءَةٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ اِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱﴾ فَسِيحُوا فِي الْاَرْضِ

بیزاری از خدا و پیمبرش بسوی آنانکه پیمان بستید از مشرکان پس بگردید در زمین

اَرْبَعَةَ اَشْهُرٍ وَاعْلَمُوٓا اَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللّٰهِ ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ ﴿۲﴾

چهار ماه و بدانید که نیستید ناتوان کننده خدا و آنکه خداست خوار کننده کافران

حزب (۲)

اعوذ بالله من النار ومن غضب الجبار ومن شر الكفار العزة لله الواحد القهار ولرسوله

وَاَذَانٌ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُولِهٖٓ اِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْاَكْبَرِ اَنَّ اللّٰهَ بَرِيٓءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ۙ

و اعلانی است از خدا و پیمبرش بمردم در روز حج اکبر که خدا بیزار است از مشرکان

وَرَسُولُهٗ ؕ فَاِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ ۚ وَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوٓا اَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللّٰهِ وَبَشِّرِ

و پیمبرش پس اگر توبه کنید بهتر است برای شما و اگر پشت کردید بدانید که نیستید عاجز کننده خدا و بشارت ده

الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ اَلِيمٍ ۙ ﴿۳﴾ اِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُّمْ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْـًٔا وَلَمْ

کافرانرا بعذابی دردناک مگر آنانرا که پیمان بستید از مشرکان پس نکاستند شمارا چیزی

يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ اَحَدًا فَاَتِمُّوٓا اِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ اِلٰى مُدَّتِهِمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿۴﴾

و پشتیبانی نکردند بر شما کسیرا پس بپایان رسانید بدیشان پیمانشان را تا سر آمدشان و خدا دوست دارد پرهیزکارانرا

فَاِذَا انْسَلَخَ الْاَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُّمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ

تا گاهی که بپایان رسید ماههای حرام پس بکشید مشرکانرا هرکجا بیابیدشان و دستگیرشان کنید و تنگ برایشان گیرید

وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ ۚ فَاِنْ تَابُوا وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ؕ اِنَّ

و بنشینید برای ایشان بهر کمینگاهی پس اگر توبه کردند و بپای داشتند نمازرا و دادند زکوة را رها کنید راه ایشانرا همانا

اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۵﴾ وَاِنْ اَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَاَجِرْهُ حَتّٰى يَسْمَعَ كَلَامَ اللّٰهِ

خداست آمرزنده مهربان و اگر یکی از مشرکان بتو پناهنده شد پس پناهش ده تا بشنود گفتار خدارا

ثُمَّ اَبْلِغْهُ مَاْمَنَهُ ؕ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَعْلَمُونَ ﴿۶﴾ كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ

سپس برسانش بمأمن خویش این بدانست که آنانند گروهی که نمیدانند چگونه باشد برای مشرکان پیمانی

عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ رَسُولِهٖٓ اِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُّمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ فَمَا اسْتَقَامُوا لَكُمْ

نزد خدا و نزد پیمبرش جز آنانکه پیمان بستید نزد مسجد حرام پس مادام که پایدارند برای شما

فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ﴿۷﴾ كَيْفَ وَاِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ

پایدار باشید برای آنان همانا خدا دوست دارد پرهیزکارانرا چگونه و اگر چیره آیند بر شما رعایت نکنند در شما

اِلًّا وَلَا ذِمَّةً ؕ يُرْضُونَكُمْ بِاَفْوَاهِهِمْ وَتَاْبٰى قُلُوبُهُمْ ۚ وَاَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ﴿۸﴾ اِشْتَرَوْا

خویشاوندی و نه پیمانی را خوشنودتان سازند بادهانهای خود و نمیخواهد دلهای ایشان و بیشتر ایشانند نافرمانان فروختند

بِاٰيَاتِ اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهٖ ؕ اِنَّهُمْ سَاۤءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۹﴾ لَا يَرْقُبُونَ فِي

آیتهای خدارا ببهائی کم پس باز داشتند از راه او چه زشتست آنچه بودند میکردند رعایت نمیکنند در

مُؤْمِنٍ اِلًّا وَلَا ذِمَّةً ؕ وَاُولٰۤئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ ﴿۱۰﴾ فَاِنْ تَابُوا وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ فَاِخْوَانُكُمْ

مؤمنی خویشاوندی و نه پیمانی را و ایشانند تجاوزگران پس اگر توبه کردند و بپای داشتند نمازرا و دادند زکوة را پس برادرانند شمارا

فِي الدِّينِ ؕ وَنُفَصِّلُ الْاٰيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۱۱﴾ وَاِنْ نَّكَثُوٓا اَيْمَانَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ

در دین و تفصیل دهیم آیتهارا برای قومیکه میدانند و اگر شکستند سوگندهای خویشرا پس از پیمانشان و بدسگالیدند در دین شما

فَقَاتِلُوٓا اَئِمَّةَ الْكُفْرِ ۙ اِنَّهُمْ لَآ اَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ﴿۱۲﴾ اَلَا تُقَاتِلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوٓا اَيْمَانَهُمْ

پس بکشید پیشوایان کفررا که نیست سوگندهائی برای ایشان شاید دست بردارند چرا پیکار نکنید با قومی که شکستند سوگندهای خودرا

وَهَمُّوا بِاِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ ؕ اَتَخْشَوْنَهُمْ ۚ فَاللّٰهُ اَحَقُّ اَنْ تَخْشَوْهُ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۱۳﴾

و آهنگ آن کردند که پیمبررا بیرون کنند و ایشان آغاز (جنگ) کردند با شما نخستین بار آیا همیترسیدشان پس خدا سزاوارتر است که بترسیدش اگر هستید مؤمنان

و پس بر اشتری سرخ فام نشست و میان دو سپاه همی لشکر را از جنگ پرهیز میداد و چون پیمبر ص او را دید گفت مگر خیر نزد خداوند اشتر سرخ باشد و هم عتبه آغاز سخن کرد و چنین خطبه گفت ای گروه قریش امروز فرمانم برید و سراسر روزگار نافرمانیم کنید همانا محمد را ذمت و پیمانی با شماست و پسر عم شما پس او را با عرب باز گذارید تا اگر راستگو باشد بدو توانید سرفرازی کردن و گردن کشیدن و اگر دروغ گوید گرگان عربش از هم درند و شترش از شما کفایت کنند اینجا ابوجهل برآشفت و ویرا ترسو و مفسد برشمرد او نیز در خشم شد و درشتی کرد و دشنام گفت و در دم زره بر تن راست کرد و خود با فرزندش ولید و برادرش شیبه یکجا بسوی ناوردگاه تاخته و هماورد خویش طلبیدند سه تن از انصار پیشی جستند و بجنگ ایشان آمدند آنان جنگ با انصار پسنده نداشتند و همال خویش از قریش خواستند پیمبر عبید بن حرث بن عبد المطلب را در سن هفتاد سالگی با حمزه و علی که از همه کوچکتر بود نامزد نبرد ایشان کرد چنانکه عبیده برابر عتبه و حمزه برابر شیبه و علی برابر ولید افتاد و پس از لختی کارزار

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللّٰهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ

بکشید شان عذابشان کند خدا بدست شما وخوارشان کرداند ویاریتان کند برایشان وشفا بخشد سینه های قومی

مُؤْمِنِينَ ﴿۱۴﴾ وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ ۗ وَيَتُوبُ اللّٰهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۵﴾

مؤمنان را وبردارد خشم را از دلهای ایشان وتوبه پذیرد خدا از هرکه خواهد وخداست دانای حکیم

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ

یا پنداشتید که که رها شوید حالیکه هنوز نمیداند خدا آنانرا که کوشیدند (جهاد کردند) از شما ونگرفتند جز

اللّٰهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً ۗ وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿۱۶﴾ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ

خدا وپیمبرش و مؤمنان همرازی وخدا آگاه است بدانچه کنید نرسد مشرکانرا

أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللّٰهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ ۚ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ

که آباد کنند مساجد خدارا حالیکه گواهی دهندگانند برخویشتن بکفر آنان تباه شده است کردارشان

وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ ﴿۱۷﴾ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللّٰهِ مَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ

ودر آتشند جاودانان جز این نیست که آباد میکند مساجد خدارا آنکه ایمان آورده است بخدا وروز بازپسین وبپا داشته است

الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللّٰهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

نماز را وبداده است زکوة را ونترسیده است جز خدارا پس امید است آنان که باشند از هدایت شدگان

﴿۱۸﴾ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ

آیا قرار دادید آب دادن حاجیان وآبادی مسجد حرام را مانند آنکه ایمان آورده است بخدا وروز آخر وبکوشیده است

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ۚ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّٰهِ ۗ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۹﴾ الَّذِينَ آمَنُوا

در راه خدا یکسان نیستند نزد خدا وخدا هدایت نکند گروه ستمگران را آنانکه ایمان آوردند

وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ

وهجرت کردند وبکوشیدند در راه خدا بمالها وجانهای خود بزرگتر است پایه آنان نزد خدا

وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿۲۰﴾ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ

وآنانند رستگاران نوید دهد شان پروردگارشان برحمتی از خود وخوشنودی وباغستانی که ایشانراست در آن نعمتی

مُقِيمٌ ﴿۲۱﴾ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۚ إِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿۲۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ

پایدار جاودانند در آن همیشه همانا خداوند است نزد او پاداشی گران ای آنانکه ایمان آوردید نگیرید پدران خود

وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

وبرادران خودرا دوستانی اگر برگزیدند کفررا بر ایمان وآنکه دوستی کند باایشان از شما پس آنانند ستمگران

﴿۲۳﴾ قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ

بگو اگر هستند پدران شما وفرزندان شما وبرادران شما وهمسران شما وبستگان شما

وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللّٰهِ

ومالهائی که اندوخته اید وسوداگریی که از کسادش ترسید وخانه هائیکه خوش دارید دوستتر بسوی شما از خدا

وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللّٰهُ بِأَمْرِهِ ۗ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ﴿۲۴﴾

وپیمبرش وجهادی در راهش پس منتظر باشید تا بیارد خدا امر خویش را وهدایت نکند خدا قوم نافرمانان را

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ ۙ اِذْ اَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ

همانا یاریتان کرد خدا در جایهائی فراوان وروز حنین هنگامیکه بشگفت آورد شمارا فزونیتان پس بینیاز نکرد

عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْاَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُّدْبِرِينَ ۝۲۵ ثُمَّ اَنْزَلَ اللّٰهُ

شمارا بچیزی وتنگ شد برشما زمین بافراخیش سپس برگشتید پشت کنندگان پس فرستاد خدا

سَكِينَتَهُ عَلٰى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَاَنْزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا ؕ

آرامش خودرا بر پیمبرش وبر مؤمنان وفرستاد لشکرهائی که ندیدید آنهارا وعذاب کرد آنانرا که کفر ورزیدند

وَذٰلِكَ جَزَآءُ الْكَافِرِينَ ۝۲۶ ثُمَّ يَتُوبُ اللّٰهُ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ عَلٰى مَنْ يَشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ غَفُورٌ

واین است پاداش کافران سپس توبه کند خدا پس از آن بر هرکه خواهد وخداست آمرزنده

رَّحِيمٌ ۝۲۷ يَآ اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوٓا اِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ

مهربان ای آنانکه ایمان آوردید جز این نیست که مشرکان پلیدند پس نزدیک نشوند مسجد حرام را پس از سالشان این

هٰذَا ۚ وَاِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ اِنْ شَآءَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

(امسال) واگر ترسیدید از سنگینی هزینه بزودی بینیازتان گرداند خدا از فضل خود اگر خواهد همانا خداوندست دانای حکیم

۝۲۸ قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَلَا

بکشید آنانرا که ایمان نیارند بخدا و روز آخر وحرام ندارند آنچه را که حرام کرده است خدا ورسولش و

يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ اُوتُوا الْكِتَابَ حَتّٰى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ۝

نمیگروند بکیش حق از آنانکه داده شدند کتاب را تا جزیه پردازند از دسترنج خود (یا دست خود یا بجای خود) وایشانند

۝۲۹ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللّٰهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللّٰهِ ؕ ذٰلِكَ قَوْلُهُمْ بِاَفْوَاهِهِمْ

سرافکندگان وگفتند جهودان عزیر فرزند خداست وگفتند ترسایان مسیح است فرزند خدا این است گفتارشان بادهانهاشان

يُضَاهِئُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ ؕ قَاتَلَهُمُ اللّٰهُ ۚ اَنّٰى يُؤْفَكُونَ ۝۳۰ اِتَّخَذُوٓا اَحْبَارَهُمْ

هم آهنگ شوند سخن آنانرا که کفر ورزیدند از پیش بکشدشان خدا کجا بدروغ رانده میشوند گرفتند کشیشان

وَرُهْبَانَهُمْ اَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللّٰهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ ۚ وَمَآ اُمِرُوٓا اِلَّا لِيَعْبُدُوٓا اِلٰهًا وَاحِدًا ۚ لَآ اِلٰهَ

ودیرنشینان خودرا خدایانی جز خدا ومسیح را فرزند مریم حالیکه فرمان نشدند جز آنکه پرستش کنند خدائی یگانه را نیست خدائی

اِلَّا هُوَ ؕ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝۳۱ يُرِيدُونَ اَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللّٰهِ بِاَفْوَاهِهِمْ وَيَاْبَى اللّٰهُ اِلَّآ اَنْ

جز او منزه است از آنچه شرک ورزند خواهند فرونشانند پرتو خدارا بادهانهای خود ونخواهد خدا مگر بانجام

يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۝۳۲ هُوَ الَّذِيٓ اَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدٰى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ

رساند پرتو خویش را واگرچه ناخوش دارند کافران اوست آنکه فرستاد رسولش را بهدایت ودین حق تا چیره گرداندش

عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ۝۳۳ يَآ اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوٓا اِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْاَحْبَارِ

برکیشها همگی وهرچند نپسندند مشرکان ای آنانکه ایمان آوردید همانا بسی از کشیشان

وَالرُّهْبَانِ لَيَاْكُلُونَ اَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ ؕ وَالَّذِينَ

ودیرنشینان میخورند اموال مردم را بناروا وبازمیدارند از راه خدا وآنانکه

يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ۙ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيمٍ ۝۳۴

میاندوزند زر و سیم را ونمیدهندش در راه خدا نویدشان ده بعذابی دردناک

علی علیه السلام گفت همانا شمارا پیشگاه من بسی جای شرمساری وسرافکندگی است که من با همه خردیم پیوسته شمشیر بر خرطوم شما زدم تا اقرار بخدا و پیمبرش کردید آنان سخت برنجیدند و شکایت بنزد پیمبر آوردند علی علیه السلام گفت ای پیمبر من سخنی ناحق بر زبان نرانده‌ام هرکه را خواهد خوش آید یا ناخوش پس این آیت در اینباره فرود آمد ویوم حنین در آخر رمضان یا اول شوال از سال هشتم هجرت پس از فتح مکه سران و مهتران قبیله هوازن گرد مالک بن عوف فراهم شدند واورا بسرکردگی خویش برگزیدند و جنگ پیمبر و مسلمین را بسیج نمودند و در سرزمینی بنام اوطاس سراپرده زدند پیمبر نیز پانزده روز بیش در مکه نمانده بآهنگ برابر شدن با ایشان برون آمد و فرمود تا هرکه را پرچمی در دست بود هم آنرا بدست دارد و پرچم بزرگ را بدست علی سپرد و از صفوان بن امیه چند زره بعنوان عاریه مضمونه

حزب (۳)

بستد و صفوان خود نیز با دو هزار کس از تازه مسلمانان روز فتح برون آمد چنانکه سپاه پیمبر هنگام ورود مکه

يَوْمَ يُحْمٰى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوٰى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هٰذَا مَا

روزیکه تفتیده شوند در آتش دوزخ پس داغ شود بدانها پیشانیهاشان و پهلوهاشان و پشتهاشان اینست آنچه

كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ﴿۳۵﴾ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللّٰهِ اثْنَا عَشَرَ

اندوختید برای خویشتن پس بچشید آنچه را بودید میاندوختید همانا شماره ماهها نزد خدا دوازده

شَهْرًا فِي كِتَابِ اللّٰهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ

ماه است در کتاب خدا روزیکه آفرید آسمانها و زمین را از آنهاست چهار ماه حرام این است آئین استوار

فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا

پس ستم نکنید در آنها خویش را و پیکار کنید مشرکان را همگی چنانکه پیکارتان کنند همگی و بدانید

أَنَّ اللّٰهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿۳۶﴾ إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا

که خداست با پرهیزکاران جز این نیست که نسیء (فراموشی) افزایش است در کفر گمراه شوند بدان آنانکه کفر ورزیدند حلالش شمرند سالی

وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللّٰهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللّٰهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللّٰهُ

و حرام شمرندش سالی تا پایمال کنند شمار آنچه را حرام کرد خدا پس حلال کنند آنچه را حرام کرد خدا آراسته برای ایشان زشتی کردارشان و خدا

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿۳۷﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمُ انْفِرُوا فِي

هدایت نمیکند گروه کافران را ای آنانکه ایمان آوردید چیست شما را که هرگاه گفته شود بشما بسیج کنید در

سَبِيلِ اللّٰهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُمْ بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

راه خدا سرگرانی کنید بسوی زمین آیا خشنود شدید بزندگانی دنیا بجای آخرت همانا نیست بهره زندگانی دنیا

فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿۳۸﴾ إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ

در آخرت مگر اندک اگر نکوچید عذاب کند شما را عذابی دردناک و برگیرد بجای شما گروهی را جز شما

وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۳۹﴾ إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللّٰهُ إِذْ أَخْرَجَهُ

و هرگز زیانش نرسانید بچیزی و خداست بر هر چیز توانا اگر یاریش نکنید همانا خدا یاریش کرد هنگامیکه برونش کردند

الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللّٰهَ مَعَنَا

آنانکه کفر ورزیدند حالیکه دومین دو تن بود کاهیکه بودند هر دو در غار هنگامیکه میگفت بیار خود اندوهگین نباش که خدا با ماست

فَأَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا

پس فرستاد خدا آرامش خویش را براو و یاریش کرد بلشکرهائی که ندیدیدشان و گردانید سخن آنانرا که کفر ورزیدند

السُّفْلٰى وَكَلِمَةُ اللّٰهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۴۰﴾ انْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا

فرودین و سخن خداست فرازین و خداست عزتمند حکیم بکوچید سبک و سنگین و پیکار کنید

بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۴۱﴾ لَوْ كَانَ

با مالها و جانهای خود در راه خدا این بهتر است برای شما اگر بدانید اگر میبود

عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلٰكِنْ بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ

بهره نزدیک یا سفری هموار همانا پیرویت میکردند (از پیت میآمدند) لیکن گران آمد برایشان رنج و بزودی سوگند یاد کنند

بِاللّٰهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۴۲﴾

بخدا که اگر میتوانستیم میآمدیم با شما خویشتن را تباه کنند و خدا میداند که ایشانند دروغگویان

عَفَا اللّٰهُ عَنْكَ لِمَ اَذِنْتَ لَهُمْ حَتّٰى يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ

بگذرد خدا از تو چرا بدانان اذن دادی تا پدیدار شود برایت آنانکه راست گفتند و بدانی دروغگویان را

(۴۳) لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ اَنْ يُجَاهِدُوا بِاَمْوَالِهِمْ

اذن نخواهند از تو آنانکه ایمان آرند بخدا و روز آخر که جهاد کنند با مالها

وَاَنْفُسِهِمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ (۴۴) اِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ

و جانهای خود و خداست دانا بپرهیزکاران جز این نیست که اذن از تو خواهند آنانکه ایمان نیارند بخدا و روز

الْاٰخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ (۴۵) وَلَوْ اَرَادُوا الْخُرُوجَ

آخر و شک دارد دلهای ایشان پس ایشانند در شک خویش متردّدان و اگر میخواستند برون آمدن را

لَاَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلٰكِنْ كَرِهَ اللّٰهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ

هر آینه مهیا میکردند برایش تهیه ولیکن خوش نداشت خدا جنبش آنانرا پس باز نشاندشان و گفته شد باز نشینید با بازنشستگان

(۴۶) لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ اِلَّا خَبَالًا وَلَاَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ

اگر برون میآمدند در شما نمیافزودند شما را جز گسیختگی و همانا میگشتند میان شما تا فتنه برای شما

الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ لَهُمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ (۴۷) لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ

جویند و در شماست شنوگانی برای آنان و خدا داناست بستمگران همانا فتنه جوئی نمودند از پیش

وَقَلَّبُوا لَكَ الْاُمُورَ حَتّٰى جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ اَمْرُ اللّٰهِ وَهُمْ كَارِهُونَ (۴۸) وَمِنْهُمْ مَنْ

و دگرگون کردند برای تو کارها را تا بیامد حق و نمودار شد (پیروز شد) امر خدا و ایشانند ناخوش دارندگان و از ایشان است آنکه

يَقُولُ ائْذَنْ لِي وَلَا تَفْتِنِّي اَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ (۴۹)

گوید رخصتم ده و دچار فتنه ام نکن همانا در فتنه افتادند و هر آینه دوزخست فراگیرنده بکافران

اِنْ تُصِبْكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَاِنْ تُصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ اَخَذْنَا اَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ

اگر خوشی رسدت ناخوش آیدشان و اگر بدی رسدت گویند همانا گرفتیم کار خود را از پیش

وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ (۵۰) قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا اِلَّا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَنَا هُوَ مَوْلٰينَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

و بر میگردند حالیکه ایشانند شادی کنان بگو هرگز نرسد بما جز آنچه خدا برای ما نوشت است او است سرپرست ما و بر خدا باید توکل کنند

الْمُؤْمِنُونَ (۵۱) قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا اِلَّا اِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ

مؤمنان بگو آیا انتظار دارید بما جز یکی از دو خوشی را و ما انتظار داریم بشما

اَنْ يُصِيبَكُمُ اللّٰهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ اَوْ بِاَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا اِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ

که رساندتان خدا بعذابی از نزد خویش یا بدست ما پس منتظر باشید که مائیم با شما منتظران

(۵۲) قُلْ اَنْفِقُوا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَّلَ مِنْكُمْ اِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ (۵۳)

بگو انفاق کنید خواه یا ناخواه هرگز پذیرفته نشود از شما که هستید گروهی نافرمانان

وَمَا مَنَعَهُمْ اَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَاتُهُمْ اِلَّا اَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللّٰهِ وَبِرَسُولِهِ

و بازشان نداشت از آنکه پذیرفته شود بخششهاشان جز آنکه آنان کفر ورزیدند بخدا و به پیمبرش

وَلَا يَأْتُونَ الصَّلٰوةَ اِلَّا وَهُمْ كُسَالٰى وَلَا يُنْفِقُونَ اِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ (۵۴)

و نیایند نماز را جز آنکه آنانند فسردگان و نه بخشش کنند جز آنکه ایشانند ناخواستاران

انا ابن عبد المطلب و پس دیگران نیز در رسیدند و با یک حمله هوازن را شکست فاحش دادند چنانکه یکصد تن کشته و تمام زنان و فرزندان را که همراه داشتند اسیر دادند و خود در قلعه طایف متحصن گشتند پیمبر ص فرمود تا اسیران و غنایم بسوی جعرانه بردند و منادی فرمود که کس با زنان آبستن نیامیزد تا بار نهند و نه با زنان دیگر تا با یک حیض استبراء شوند و چون پیک هوازن درباره اسیران بیامد و با پیمبر ص سخن گفت پیمبر ص سهم خود و بنو هاشم بدیشان بخشید و از مسلمین خواست تا ببخشند و یا فدیه از او یعنی پیمبر ص ستانند و همه بخشیدند مگر اندکی که فدیه خواستند انصار را چیزی از غنایم نرسید سعد بن عباده شکایت آورد پیمبرش گفت آیا بدین راضی نباشید که دیگران خواسته و برده بارمغان برند و شما پیمبر خدا را با خویش گفتند بلی و خوشدل شدند پیمبر ص ایشان را دعا کرد و گفت لولا الهجرة لکنت من الانصار ۵۸ یلمزک فی الصدقات بروایت ابن عباس پیمبر ص غنایم حنین را بر مردم بخش میکرد که ابن ابی ذی الخویصره یعنی حرقوص بن زهیر آنکس که تاسیس خوارج کرد گستاخانه گفت ای پیمبر ص بسوی عدالت

فَلَا تُعْجِبْكَ اَمْوَالُهُمْ وَلَآ اَوْلَادُهُمْ ؕ اِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ

پس شگفتت نیارد مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان جز این نیست که خدا خواهد تا عذابشان کند بدانها در زندگی دنیا و برون رود

اَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿۵۵﴾ وَيَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ اِنَّهُمْ لَمِنْكُمْ ؕ وَمَا هُمْ مِنْكُمْ وَلٰكِنَّهُمْ

جانهای ایشان حالیکه هستند کافران و سوگند یاد کنند بخدا که ایشانند از شما و نیستند از شما ولیکن آنانند

قَوْمٌ يَفْرَقُونَ ﴿۵۶﴾ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَاً اَوْ مَغَارَاتٍ اَوْ مُدَّخَلًا لَوَلَّوْا اِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ

گروهی هراسان اگر بیابند پناهگاهی یا غارهائی یا نهانگاهی هرآینه بسوی آن گرایند و ایشانند شتابان

﴿۵۷﴾ وَمِنْهُمْ مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ ۚ فَاِنْ اُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَاِنْ لَمْ يُعْطَوْا مِنْهَآ اِذَا

و از ایشان است آنکه خرده بر تو گیرد در صدقات تا اگر داده شوند از آنها خوشنود شوند و اگر داده نشوند از آنها ناگهان

هُمْ يَسْخَطُونَ ﴿۵۸﴾ وَلَوْ اَنَّهُمْ رَضُوا مَآ اٰتٰىهُمُ اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللّٰهُ سَيُؤْتِينَا

ایشانند خشم آوران و اگر که ایشان خوشنود میشدند بدانچه خدا و پیمبرش بدیشان داده و میگفتند بس است ما را خدا زود است بدهد بما

اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ ۙ اِنَّآ اِلَى اللّٰهِ رَاغِبُونَ ﴿۵۹﴾ اِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَآءِ وَالْمَسَاكِينِ

خدا از فضل خویش و پیمبرش همانا مائیم بسوی خدا گروندگان جز این نیست که صدقات برای بینوایان و دریوزگان

وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَابْنِ السَّبِيلِ ؕ

و کارگران بر آنها و دل بدست آوردگان و در آزاد کردن بندگان و وامداران و در راه خدا و درماندگان راه است

فَرِيضَةً مِنَ اللّٰهِ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۶۰﴾ وَمِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ

بایسته است از خدا و خداست دانای حکیم و از ایشانند آنانکه بیازارند پیمبر را و گویند او است

اُذُنٌ ؕ قُلْ اُذُنُ خَيْرٍ لَكُمْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ ۙ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ اٰمَنُوا مِنْكُمْ ؕ

گوش (سخن شنو) بگو گوش خیری است برای شما ایمان آورد بخدا و ایمان آورد برای مؤمنان و رحمتی است برای آنانکه ایمان آوردند از شما

وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ﴿۶۱﴾ يَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ لَكُمْ لِيُرْضُوكُمْ ۚ وَاللّٰهُ

و آنانکه میآزارند پیمبر خدا را ایشانراست عذابی دردناک سوگند خورند بخدا برای شما تا خوشنودتان کنند و خدا

وَرَسُولُهُ اَحَقُّ اَنْ يُرْضُوهُ اِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ ﴿۶۲﴾ اَلَمْ يَعْلَمُوا اَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ

و پیمبرش سزاوارتر است که خوشنود کنندش اگر هستند مؤمنان آیا ندانستید که هر که با خدا و پیمبرش در افتد

فَاَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا ؕ ذٰلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ ﴿۶۳﴾ يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ اَنْ تُنَزَّلَ

همانا ویراست آتش دوزخ جاودان در آن اینست خواری بزرگ ترسند منافقان که فرستاده شود

عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ ؕ قُلِ اسْتَهْزِءُوا ۚ اِنَّ اللّٰهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ

برایشان سورهای که آگهیشان دهد بآنچه در دلهای ایشان است بگو استهزاء کنید همانا خداست برون آورنده آنچه میترسید

﴿۶۴﴾ وَلَئِنْ سَئَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ اِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ ؕ قُلْ اَبِاللّٰهِ وَاٰيَاتِهِ

و اگر پرسیشان همانا گویند جز این نیست که فرو میرفتیم (سرگرمی داشتیم) و بازی میکردیم بگو آیا بخدا و آیتهای او

وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ ﴿۶۵﴾ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ اِيمَانِكُمْ ؕ

و پیمبرش استهزاء میکردید پوزش نخواهید همانا کافر شدید پس از ایمانتان

اِنْ نَعْفُ عَنْ طَآئِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةً بِاَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿۶۶﴾

اگر درگذریم از گروهی از شما عذاب کنیم گروهی را بدانکه بودند گنهکاران

اَلْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ

مردان دوروی و زنان دوروی برخیشان از آن برخی است فرمان دهند بزشتی و باز دارند از نیکی

وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۶۷﴾ وَعَدَ اللَّهُ

و بسته دارند دستهای خود را فراموش کردند خدا را پس فراموششان کرد همانا دورویانند نافرمانان وعده داد خدا

الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعَنَهُمُ

مردان دوروی و زنان دوروی و کافران را آتش دوزخ جاودانان در آن بس است ایشان را و براندشان

اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿۶۸﴾ كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ

خدا و ایشان را است عذابی پاینده مانند آنانکه پیش از شما بودند سخت تر از شما در نیرو و بیشتر

أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ

درخواسته ها و فرزندان پس کامیاب شدند از بهره خویش سپس شما کامیاب شدید از بهره خود چنانکه کامیاب شدند آنانکه

مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا

پیش از شما بودند از بهره خود و فرو رفتید چنانکه فرو رفتند (سرگرم شدید) آنان تباه شد کردارشان در دنیا

وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۶۹﴾ أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ

و آخرت و ایشانند زیانکاران آیا نرسیدشان داستان آنانکه پیش از ایشان بودند قوم نوح و عاد

وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا

و ثمود و قوم ابراهیم و یاران مدین و واژگون شدگان آمدندشان پیمبرانشان بنشانیها پس

كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿۷۰﴾ وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ

ستم نکرد بر ایشان خدا لیکن بودند خویشتن را ستم میکردند مردان مؤمن و زنان مؤمنه

بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

برخی از ایشانند دوستان برخی فرمان کنند به نیکی و باز دارند از بدی و بپای دارند نماز را و بدهند زکوة را

وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۷۱﴾ وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ

و فرمان برند خدا و پیمبرش را آنان را بزودی رحم کند خدا و هر آینه خداست عزتمند حکیم وعده داد خدا مردان مؤمن

وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ

و زنان مؤمنه را باغهائی که روان است زیر آنها جویها جاودانان در آن و نشیمنهای پاکیزه در باغستان جاودان و خوشنودی

مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۷۲﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ

از خداست بزرگتر این است آن رستگاری بزرگ ای پیمبر نبرد کن با کافران و منافقان و درشتی نمای

عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۷۳﴾ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا

بر ایشان و جایگاه ایشانست دوزخ و چه بد جایگاهی است سوگند خورند بخدا نگفتند و هر آینه گفتند سخن کفر را و کافر شدند

بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا

پس از اسلامشان و خواستند آنچه را بدان نرسیدند و کین ندارند مگر از آن رو که بی نیازشان کرد خدا و پیمبرش از فضل خود پس اگر توبه کنند

يَكُ خَيْرًا لَّهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۷۴﴾

بهتر باشد شان و اگر پشت کنند عذابشان کند خدا عذابی دردناک در دنیا و آخرت و نیستشان در زمین دوست و نه یاوری

گشته بدانسان که پیمبر ستوده بود نزدش بیاوردند و این روایت را ثعلبی در تفسیر خویش بیاورده است هوازن درباره جمعی از منافقان چون جلاس بن سوید و شماس بن قیس و نظراء ایشان بیامد که پشت سر ناسزا میگفتند و سخن در نزد پیمبر بازگونه مینمودند و او تصدیقشان همیکرد پس گفتند همانا او گوشی شنوا است. المنافقون این آیت پیش درباره دوازده تن بیامد که بر عقبه فراهم شدند که پیمبر را ناگهانی بکشند و این هنگام باز شدن وی از تبوک بود پس جبرئیل بوی آگهی داد و گفت کس پی ایشان فرستد تا بر صورت ستوران ایشان بزند و عمار ستور پیمبر را از پیش راهنمائی کردی و حذیفه اش از پس همی راندی پس حذیفه را فرمود تا چهره ستوران ایشان بزد چنانکه براندشان و دورشان ساخت و چون فرود آمد از او پرسید مگر ایشان را باز شناخته باشد گفت احدی از ایشان نتوانستم شناخت پیمبر خود یک یک ایشان را بنام برشمرد و کسی فرو نگذاشت حذیفه پرسید چرا کس بسراغ ایشان نفرستی تا ایشان را بکشد گفت خوش ندارم عرب گویند چون بر یاران خویش

وَمِنْهُمْ مَّنْ عَاهَدَ اللّٰهَ لَئِنْ اٰتٰىنَا مِنْ فَضْلِهٖ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُوْنَنَّ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ﴿۷۵﴾

واز ایشان است آنکه پیمان بندد باخدا که اگر داد بما از فضل خویش همانا صدقه دهیم و بشویم از شایستگان

فَلَمَّآ اٰتٰىهُمْ مِّنْ فَضْلِهٖ بَخِلُوْا بِهٖ وَتَوَلَّوْا وَّهُمْ مُّعْرِضُوْنَ ﴿۷۶﴾ فَاَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِيْ قُلُوْبِهِمْ اِلٰى

تا گاهی که داد بدیشان از فضلش بخل ورزیدند بدان و پشت کردند حالیکه ایشانند روی گردانان پس پیرو ایشان گردانید نفاقی را در دلهای ایشان تا

يَوْمِ يَلْقَوْنَهٗ بِمَآ اَخْلَفُوا اللّٰهَ مَا وَعَدُوْهُ وَبِمَا كَانُوْا يَكْذِبُوْنَ ﴿۷۷﴾ اَلَمْ يَعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ

روزیکه بدو رسند بدانچه شکستند آنچه را باخدا پیمان بستند و بدانچه بودند دروغ میگفتند آیا ندانستند که خدا

يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوٰىهُمْ وَاَنَّ اللّٰهَ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ ﴿۷۸﴾ الَّذِيْنَ يَلْمِزُوْنَ الْمُطَّوِّعِيْنَ مِنَ

میداند نهانشان و رازشان را و آنکه خداست دانای نهانها آنانکه نکوهش کنند داوطلبانرا از

الْمُؤْمِنِيْنَ فِي الصَّدَقٰتِ وَالَّذِيْنَ لَا يَجِدُوْنَ اِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُوْنَ مِنْهُمْ ؕ سَخِرَ اللّٰهُ

مؤمنان در صدقات و آنان را که ندارند جز تلاش خویش را پس مسخره کنند شان خدا آنانرا

مِنْهُمْ ۫ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۷۹﴾ اِسْتَغْفِرْ لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ ؕ اِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِيْنَ

مسخره کند و برای آنان است عذابی دردناک آمرزش بخواه برای آنان یا نخواه اگر هفتاد بار برای ایشان آمرزش خواهی

مَرَّةً فَلَنْ يَّغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ؕ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

نیامرزد شان خدا این بدانست که کفر ورزیدند بخدا و پیمبرش و خدا هدایت نکند گروه

الْفٰسِقِيْنَ ﴿۸۰﴾ فَرِحَ الْمُخَلَّفُوْنَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلٰفَ رَسُوْلِ اللّٰهِ وَكَرِهُوْٓا اَنْ يُّجَاهِدُوْا

نافرمانان را شاد شدند کنارگیرندگان بباز نشستن خود برزیان پیمبر خدا و ناخوش داشتند جهاد کردن را

بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَقَالُوْا لَا تَنْفِرُوْا فِي الْحَرِّ ؕ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ اَشَدُّ حَرًّا

بمالها و جانهای خود در راه خدا و گفتند نکوچید در گرما بگو آتش دوزخ سخت تر است بسوزش

لَّوْ كَانُوْا يَفْقَهُوْنَ ﴿۸۱﴾ فَلْيَضْحَكُوْا قَلِيْلًا وَّلْيَبْكُوْا كَثِيْرًا ۚ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوْا

اگر در می یافتند باید بخندند کم و بگریند بسیار پاداشی بدانچه بودند

يَكْسِبُوْنَ ﴿۸۲﴾ فَاِنْ رَّجَعَكَ اللّٰهُ اِلٰى طَآئِفَةٍ مِّنْهُمْ فَاسْتَاْذَنُوْكَ لِلْخُرُوْجِ فَقُلْ لَّنْ تَخْرُجُوْا

دست میآوردند پس اگر بازگردانیدت خدا بسوی گروهی از ایشان پس دستور خواستند از تو برای کوچ بگو هرگز با من برون

مَعِيَ اَبَدًا وَّلَنْ تُقَاتِلُوْا مَعِيَ عَدُوًّا ؕ اِنَّكُمْ رَضِيْتُمْ بِالْقُعُوْدِ اَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوْا مَعَ الْخٰلِفِيْنَ

نیایید هیچگاه و هرگز نبرد نکنید با من دشمنی را همانا خوشنود شدید بباز نشستن نخستین بار پس بنشینید با بازماندگان

﴿۸۳﴾ وَلَا تُصَلِّ عَلٰٓى اَحَدٍ مِّنْهُمْ مَّاتَ اَبَدًا وَّلَا تَقُمْ عَلٰى قَبْرِهٖ ؕ اِنَّهُمْ كَفَرُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَمَاتُوْا

و نماز نیار بر یکیشان که بمیرد هیچگاه و نه ایست بر قبرش همانا ایشان کفر ورزیدند بخدا و رسولش و مردند

وَهُمْ فٰسِقُوْنَ ﴿۸۴﴾ وَلَا تُعْجِبْكَ اَمْوَالُهُمْ وَاَوْلَادُهُمْ ؕ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ اَنْ يُّعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي

حالیکه آنانند نافرمانان شگفت نیاردت خواسته ها و فرزندان ایشان جز این نیست که خدا خواهد عذابشان کند بدانها در

الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ اَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كٰفِرُوْنَ ﴿۸۵﴾ وَاِذَآ اُنْزِلَتْ سُوْرَةٌ اَنْ اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَجَاهِدُوْا

دنیا و برون رود جانهاشان حالیکه ایشانند کافران و هرگاه فرود آید سوره‌ای که ایمان آرید بخدا و جهاد کنید

مَعَ رَسُوْلِهِ اسْتَاْذَنَكَ اُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوْا ذَرْنَا نَكُنْ مَّعَ الْقٰعِدِيْنَ ﴿۸۶﴾

همراه پیمبرش رخصت طلبند از تو توانگران ایشان و گویند بازگذار ما را باشیم با بازنشستگان

رَضُوا بِاَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلٰى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۸۷﴾ لٰكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ

خرسند شدند که با بازماندگان مانند و مهر نهاده شد بر دلهای ایشان چنانکه در نمی یابند لیکن پیمبر و آنانکه

اٰمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ ؕ وَاُولٰٓئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ ۫ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۸۸﴾

ایمان آوردند باوی جهاد کردند با مالها و جانهای خود و برای آنان است خوبیها و ایشانند رستگاران

اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَا ؕ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۸۹﴾

آماده کرد خدا برای ایشان باغهائی که روان است زیر آنها جویها جاودانان در آن اینست رستگاری بزرگ

وَجَآءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْاَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ

آمدند پوزش خواهان از اعراب (دشت نشینان) که اذن داده شود بدیشان و باز نشستند آنانکه دروغ گفتند با خدا و پیمبرش زود است رسد

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ﴿۹۰﴾ لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَآءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضٰى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ

آنانرا که کفر ورزیدند از ایشان عذابی دردناک نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر آنانکه ندارند

مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ اِذَا نَصَحُوا لِلّٰهِ وَرَسُولِهِ ؕ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ ؕ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۹۱﴾ وَلَا

چیزی که هزینه کنند پروائی اگر نکو اندیشند برای خدا و پیمبرش نیست بر نکوکاران راهی و خدا است آمرزنده مهربان و نه

عَلَى الَّذِينَ اِذَا مَا اَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا اَجِدُ مَا اَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ ۖ تَوَلَّوْا وَّاَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ

بر آنانکه گاهی که بیایندت تا سوارشان کنی گوئی ندارم آنچه بر آن سوارتان کنم برگردند حالیکه دیدگانشان اشکبار

مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا اَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ ؕ ﴿۹۲﴾ اِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَاْذِنُونَكَ وَهُمْ

است اندوهگینند چرا ندارند چیزی که هزینه کنند جز این نیست که راه بر آنانی است که از تو اذن میخواهند حالیکه ایشانند

اَغْنِيَآءُ ۚ رَضُوا بِاَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ ۙ وَطَبَعَ اللّٰهُ عَلٰى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۹۳﴾

توانگران خوشنودند که با بازماندگان مانند و مهر نهاد خدا بر دلهای آنان پس نمیدانند

يَعْتَذِرُونَ اِلَيْكُمْ اِذَا رَجَعْتُمْ اِلَيْهِمْ ؕ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّاَنَا اللّٰهُ

بهانه آرند برای شما گاهی که بازگردید بسوی ایشان بگو بهانه میآرید که باور نداریمتان همانا آگاه ساخت ما را خدا

مِنْ اَخْبَارِكُمْ ؕ وَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ اِلٰى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

از اخبار شما و زود است ببیند خدا کردار شما را و پیمبرش سپس بازگردانیده شوید بسوی دانای نهان و آشکار

فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۹۴﴾ سَيَحْلِفُونَ بِاللّٰهِ لَكُمْ اِذَا انْقَلَبْتُمْ اِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا

پس آگهیتان دهد بدانچه بودید میکردید زود است سوگند خورند بخدا برای شما گاهی که بازگردید بسوی ایشان که روی گردانید

عَنْهُمْ ؕ فَاَعْرِضُوا عَنْهُمْ ؕ اِنَّهُمْ رِجْسٌ ۫ وَمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۚ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۹۵﴾ يَحْلِفُونَ

از ایشان پس روی بگردانید از ایشان که ایشانند چرک و جایگاه ایشان است دوزخ پاداشی بدانچه بودند دست میآوردند سوگند یاد کنند

لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ ۚ فَاِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يَرْضٰى عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿۹۶﴾ اَلْاَعْرَابُ

برای شما تا خوشنود شوید از ایشان اگر شما خوشنود شوید از ایشان همانا خدا خوشنود نشود از گروه نافرمانان اعراب (دشت نشینان)

اَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَاَجْدَرُ اَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ عَلٰى رَسُولِهِ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۹۷﴾

سخت ترند در کفر ورزی و دورویی و سزاوارترند که ندانند مرزهای آنچه خدا فرستاده است بر پیمبرش و خدا است دانای حکیم

وَمِنَ الْاَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَآئِرَ ؕ عَلَيْهِمْ دَآئِرَةُ السَّوْءِ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۹۸﴾

و از اعراب (دشت نشینان) است آنکه میشمرد آنچه را انفاق کند زیانی و انتظار کشد بشما پیش آمدها را برایشان است پیش آمد بد و خدا است شنوای دانا

الجزء (۱۱)

قیض من الدمع آیت پیشین درباره عبدالله بن زائده یعنی همان ابن ام مکتوم بیامد که نابینا و کور بود بنزد پیمبر ص شد و گفت پیری فرتوت و کور هستم در پیکر زار و در روان سست و کسی ندارم که دستم گیرد آیا مرا رخصتی در تخلف از جنگ باشد پیمبر ص خموش بماند تا این آیت فرود آمد و اما این آیت در بکائین که هفت تن بودند بیامد از آنجمله عبدالرحمن بن کعب و علیة بن زید و عمرو بن ثعلبه و ابن غنمه از بنی نجار بودند و سالم بن عمیر و هرم بن عبدالله و چند تن دیگر از مزینه که چون بنزد پیمبر شدند و از او جهاز سفر خواستند تا بجنگ روند و او نداشت دیدگانشان از سرشک پر شد که نتوانند در رکاب پیمبر ص بجهاد شوند والسابقون الاولون مشهور بین علماء سنی و شیعه آنست که نخستین مردی که اسلام آورد علی ع بود و جز زهری و سلیمان بن یسار و عروة بن زبیر که اولین مرد را

وَمِنَ الْاَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرُبَاتٍ عِنْدَ اللّٰهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ

واز اعراب (دشت نشینان) است آنکه ایمان آرد بخدا وروز باز پسین وبرگیرد آنچه را انفاق کند نزدیکیهائی نزد خدا وآمرزشهائی از پیمبر

اَلَآ اِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ ؕ سَيُدْخِلُهُمُ اللّٰهُ فِي رَحْمَتِهٖ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٩٩﴾ وَالسَّابِقُونَ

همانا آنهاست نزدیک شدنی برای ایشان بزودی درآردشان خدا برحمتی از خود همانا خداست آمرزنده مهربان وپیشینیان

الْاَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْاَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِاِحْسَانٍ ۙ رَّضِيَ اللّٰهُ عَنْهُمْ

نخستین از مهاجرین (آوارگان) وانصار (پناه دهندگان) وآنانکه پیرویشان کردند بنکوکاری خوشنود است خدا از ایشان

وَرَضُوا عَنْهُ وَاَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْاَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا اَبَدًا ؕ ذٰلِكَ

وخوشنودند از او وآماده کرده است برای ایشان باغهائی که روان است زیر آنها جویها جاودانند در آن همیشه این است

الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٠٠﴾ وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِّنَ الْاَعْرَابِ مُنَافِقُونَ ؕ وَمِنْ اَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى

رستگاری بزرگ واز آنانکه پیرامون شمایند از اعراب (دشت نشینان) دورویانند واز مردم مدینه ورزیدگان در

النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ ؕ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ ؕ سَنُعَذِّبُهُمْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ اِلٰى عَذَابٍ عَظِيمٍ ۚ ﴿١٠١﴾

دورویی نشناسیشان ما شناسیمشان زود است عذابشان کنیم دوبار سپس برگردانیده شوند بسوی عذابی بزرگ

وَاٰخَرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَاٰخَرَ سَيِّئًا ؕ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ؕ

و دیگران که اقرار کردند بگناهان خویش بیامیختند کرداری شایسته بادیگری ناشایسته امید است خدا بپذیرد توبه ایشان را

اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠٢﴾ خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ ؕ

همانا خداوند است آمرزنده مهربان بگیر از اموالشان صدقه تا پاک سازیشان وپاکیزه گردانیشان بدان ونماز گذار برایشان

اِنَّ صَلٰوتَكَ سَكَنٌ لَّهُمْ ؕ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٠٣﴾ اَلَمْ يَعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ

که نماز تو آرامشی است برای ایشان وخداست شنوای دانا آیا ندانستید که خداست آنکه میپذیرد توبه را از

عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ

بندگان خویش ومیستاند صدقات را وآنکه خداست بسیار توبه پذیرنده مهربان بگو عمل کنید زود است ببیند خدا

عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ؕ وَسَتُرَدُّونَ اِلٰى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا

کردار شما را وپیمبرش ومؤمنان وبزودی بازگردانیده شوید بسوی دانای نهان وهویدا تا آگهیتان دهد بدانچه

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ ﴿١٠٥﴾ وَاٰخَرُونَ مُرْجَوْنَ لِاَمْرِ اللّٰهِ اِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَاِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ ؕ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ

بودید میکردید ودیگرانی که بامید خدایند یا عذابشان کند ویا توبه شان پذیرد وخداست دانای

حَكِيمٌ ﴿١٠٦﴾ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَاِرْصَادًا لِّمَنْ

حکیم وآنانکه برگرفتند مسجدی تا بیازارند وکفر ورزند وجدائی نهند میان مؤمنان وکمینگاهی برای آنانکه

حَارَبَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ ؕ وَلَيَحْلِفُنَّ اِنْ اَرَدْنَا اِلَّا الْحُسْنٰى ؕ وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّهُمْ

باخدا وپیمبرش نبرد نمودند از پیش وهمانا سوگند آورند که نخواستیم ما جز نکوکاری را وخدا گواهی دهد که آنانند

لَكَاذِبُونَ ﴿١٠٧﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ اَبَدًا ؕ لَّمَسْجِدٌ اُسِّسَ عَلَى التَّقْوٰى مِنْ اَوَّلِ يَوْمٍ اَحَقُّ

دروغگویان بپای نایست در آن هیچگاه همانا مسجدی که بنیاد شده است بر پرهیزکاری از نخستین روز سزاوارتر است

اَنْ تَقُومَ فِيهِ ؕ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ اَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُطَّهِّرِينَ ﴿١٠٨﴾

که بپای ایستی در آن در آنند مردانی که دوست دارند آنکه پاک شوند وخدا است دوستدار پاکیزگی جویان

أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ هَارٍ فَانْهَارَ

آیا آنکه بنیاد کرد است شالوده آنرا بر ترسی از خدا و خوشنودی بهتر است یا آنکه بنیاد نهاد است سازمانش را بر کنار پرتگاهی سراشیب که واژگونش

بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۱۰۹﴾ لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ

ساخت در آتش دوزخ و خدا هدایت نکند گروه ستمگران را بماند سازمانیکه ساختند همیشه ریوی در دلهای ایشان

إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۱۱۰﴾ إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ

مگر آنکه بگسلد از هم (پاره پاره شود) دلهای ایشان و خداست دانای حکیم همانا خدا خرید از مؤمنان جانها و

أَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ۚ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا

مالهای ایشانرا که برای ایشان است بهشت جنگ کنند در راه خدا پس بکشند و کشته شوند وعده ایست براو حق

فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي

در توریة و انجیل و قرآن و کیست وفادارتر بعهد خود از خدا پس شاد باشید بسوداگریی که

بَايَعْتُمْ بِهِ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿۱۱۱﴾ التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ

سودا نمودید و این است آن رستگاری بزرگ توبه کنندگان پرستشگران سپاسگذاران رهروان

الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ

رکوع گذاران سجده کنندگان امر کنندگان بنیکی و بازدارندگان از بدی و نگهبانان

لِحُدُودِ اللَّهِ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۱۱۲﴾ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ

مرزهای خدا و بشارت ده بمؤمنان نرسد پیمبر را و نه آنان را که ایمان آوردند اینکه آمرزش خواهند برای مشرکان

وَلَوْ كَانُوا أُولِي قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿۱۱۳﴾ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ

و اگرچه باشند خویشاوندان پس از آنکه آشکار شد برای ایشان که آنانند یاران دوزخ و نبود آمرزش خواستن

إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَهَا إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ ۚ

ابراهیم برای پدر خود جز از روی وعده که بدو داد سپس گاهیکه آشکار شد برای او آنکه وی دشمنی است برای خدا بیزاری جست از او

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ ﴿۱۱۴﴾ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ

و همانا ابراهیم است بسیار زاری کننده (بردبار) شکیبا و نیست خدا که گمراه سازد قومی را پس از آنکه راهبریشان کرد تا بنماید شان

مَا يَتَّقُونَ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿۱۱۵﴾ إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ وَمَا

که از چه چیز پرهیز کنند همانا خداوند است بهمه چیز دانا همانا خدا از آن وی است پادشاهی آسمانها و زمین زنده کند و بمیراند و نیست

لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۱۱۶﴾ لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ

شما را جز خدا دوست و نه یاوری همانا پذیرفت خدا توبه پیمبر و مهاجران و انصاری را که

اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ فَرِيقٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ

پیرویش نمودند بهنگام سختی پس از آنکه نزدیک بود بلغزد دلهای گروهی از ایشان پس توبه کرد برایشان همانا او است بدیشان نوازنده

رَحِيمٌ ﴿۱۱۷﴾ وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِّفُوا ۚ حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ

مهربان و بر آن سه تن که باز ماندند تا آنکه تنگ شد برایشان زمین با فراخیش و تنگ آمد برایشان

أَنْفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ۚ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ﴿۱۱۸﴾

جانهای ایشان و دانستند که نیست پناهگاهی از خدا جز بسوی او پس توبه کرد برایشان تا توبه کنند همانا خداست توبه پذیرنده مهربان

که بدو گرویده و پیرویش نموده اند و خدای داند که بر روی زمین کسی جز این سه تن بر این آئین نیست و عفیف کندی پس از اسلام آوردنش گفتی ایکاش چهارمین ایشان میبودم ریبة فی قلوبهم چون فرزندان عمرو بن عوف مسجد قبا ساختند و پیمبر ص بیامد و در آن نماز گذارد گروهی از فرزندان غنم بن عوف رشک ورزیدند و دوازده تن یا پانزده تن از ایشان که از آنجمله ثعلبة بن حاطب و معتب بن قشیر و نبتل بن حرث بودند مسجدی دیگر کنار مسجد قبا ساختند و بنزد پیمبر ص شدند در آنهنگام که تجهیز جنگ تبوک همیکرد و گفتند ای پیمبر خدای ما مسجدی ساختیم تا کسانیکه ناتوان و دردمندند یا در پی کار و حاجتی هستند یا دچار باران و یا شب سرد باشند و نیارند که در مساجد دیگر شوند هم در این مسجد نماز کنند ملتمس آنکه در آن نماز گذاری و دعای برکت کنی پیمبر ص بر جناح استعجال سفر بودن را بهانه آورد و نرفت و چون از تبوک باز گشت این آیات فرود آمد. لقد تاب الله این آیت در باره جنگ تبوک و شدتی که مسلمین کشیدند چنانکه بعضی مصمم بباز گشت شدند بیامد. بروایت حسن هر ده تن از مسلمین را بکند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿۱۱۹﴾ مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ

ای آنانکه ایمان آوردید بترسید خدارا و باشید با راستگویان نرسد مردم مدینه و آنانرا

حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَٰلِكَ

که پیرامون آنند از اعراب (دشت نشینان) که باز مانند از رسول خدا و نه برگزینند جان خویش را بر جانش این

بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ

بدانست که نمیرسد شان تشنگی و نه رنجی و نه گرسنگی در راه خدا و نه پای نهند در جائی که بخشم آرد

الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ

کافران را و نه ببرند بادشمنی کنند جز آنکه نوشته شود برای ایشان بدان عملی صالح همانا خدا تباه نکند پاداش

الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۲۰﴾ وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ

نکوکاران را و نه خرجی کنند خرد یا کلان و نه درّه برگذرند جز آنکه نوشته شود

لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۱۲۱﴾ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً

برای ایشان تا پاداش دهدشان خدا بهترین آنچه را بودند میکردند نرسد مؤمنان را که بیکچند آنگه

فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا

پس چرا نکوچند از هر گروهی ازایشان دسته‌ای تا دانش جویند در دین و تا بترسانند قوم خویش را گاهی که

رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴿۱۲۲﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ

بازگردند بسوی آنان شاید بترسند ایشان ای آنانکه ایمان آوردید پیکار کنید آنانرا که نزدیکند بشما

مِنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿۱۲۳﴾ وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ

از کافران و باید بیابند درشتخوئی و بدانید که خدا است با پرهیزکاران و هرگاه فرود شود

سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَٰذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا

سوره‌ای گویند گروهی ازایشان کدام یک را ازشما بیفزود این ایمان اما آنانکه ایمان آوردند بیفزودشان ایمان

وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿۱۲۴﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا

دلشاد شادی گمان و اما آنانکه در دلهاشان بیماری است پس بیفزودشان پلیدی بر پلیدشان و مردند

وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿۱۲۵﴾ أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ

حالیکه ایشان کافران آیا نه بینند که آزموده شوند همه ساله یکبار یا دوبار پس نه توبه کنند

وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ ﴿۱۲۶﴾ وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَاكُمْ مِنْ أَحَدٍ

نه یاد آور شوند و هرگاه فرود شود سوره‌ای بنگرد برخیشان به بعضی آیا می بیند شمارا کسی

ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ﴿۱۲۷﴾ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ

سپس برگردند برگرداند خدا دلهای ایشانرا به آنکه آنانند گروهی نادانند یابند گان همانا بیامد شمارا پیغمبری از

أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۱۲۸﴾ فَإِنْ

خود شما گران است بر او رنج بردن شما حریص است بر شما بمؤمنان است نوازنده مهربان پس اگر

تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿۱۲۹﴾

پشت کردند بگو بس است مرا خدا نیست خداوندی جز او بر او توکل کردم و اوست پروردگار عرش بزرگ

سورة يونس مكية وآياتها تسع ومائة آية

سورة ١٠ — حروفها ٧٥٦٧ — كلماتها ١٨٣٢

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓرٰ تِلْكَ اٰيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ اَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا اَنْ اَوْحَيْنَا اِلٰى رَجُلٍ مِّنْهُمْ

این است آیتهای کتاب حکیم (نامهٔ استوار) آیا شگفت آمیز شد برای مردم که وحی نمودیم بسوی مردی از ایشان

اَنْ اَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ اٰمَنُوٓا اَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ ؕ قَالَ الْكَافِرُونَ

که بترسان مردم را و بشارت ده بدانانکه ایمان آوردند که ایشانراست قدم راستی نزد پروردگارشان گفتند کافران

اِنَّ هٰذَا لَسَاحِرٌ مُّبِينٌ ﴿٢﴾ اِنَّ رَبَّكُمُ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ

همانا این است جادوگری آشکار همانا پروردگار شما خداوندی است که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز

ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْاَمْرَ ؕ مَا مِنْ شَفِيعٍ اِلَّا مِنْ بَعْدِ اِذْنِهِ ؕ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ

پس استوار شد بر عرش تدبیر کند کار را نیست شفاعت کننده مگر پس از رخصتش این است خدا پروردگار شما

فَاعْبُدُوهُ ؕ اَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٣﴾ اِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا ؕ وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا ؕ اِنَّهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ

پس پرستش کنیدش آیا یادآور نمیشوید بسوی اوست بازگشت شما همگی وعدهٔ خداست بدرست هرآینه آغاز کند آفرینش را

ثُمَّ يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ ؕ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ

و سپس برگرداندش تا پاداش دهد آنانرا که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند بداد و آنانرا که کفر ورزیدند ایشانراست

شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ اَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ﴿٤﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً

نوشابهٔ از آب جوشان و عذابی دردناک بدانچه بودند کفر میورزیدند اوست آنکه گردانید خورشید را درخشندگی

وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ؕ مَا خَلَقَ اللّٰهُ ذٰلِكَ اِلَّا

و ماه را پرتوی و گردانیدش منزلهائی تا بدانید شمار سالها و حساب را نیافریده است خدا اینرا جز

بِالْحَقِّ ۚ يُفَصِّلُ الْاٰيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥﴾ اِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللّٰهُ

بحق تفصیل دهد آیتها را برای گروهی که میدانند همانا در گردش شبانه روز و آنچه آفرید خدا

فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ لَاٰيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ ﴿٦﴾ اِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا

در آسمانها و زمین آیتهائیست برای گروهی که پرهیز کنند همانا آنانکه امید ندارند ملاقات ما را و خوشنود شدند

بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَاطْمَاَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ اٰيَاتِنَا غَافِلُونَ ﴿٧﴾ اُولٰٓئِكَ مَاْوٰيهُمُ

بزندگانی دنیا و دل بدان بستند و آنانکه از آیتهای ما غفلت دارند آنانرا جایگاه

النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨﴾ اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ

آتش است بدانچه بودند دست میآوردند همانا آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند راهبریشان کند

رَبُّهُمْ بِاِيمَانِهِمْ ۚ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْاَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٩﴾ دَعْوٰيهُمْ فِيهَا

پروردگارشان بایمانشان روان شود زیر آنان جویهائی در باغستان نعمتها گفتارشان در آن

سُبْحَانَكَ اللّٰهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۚ وَاٰخِرُ دَعْوٰيهُمْ اَنِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠﴾

منزهی تو بار خدایا و درود ایشانست در آن سلام و آخرین گفتارشان آنکه سپاس خدایرا پروردگار جهانیان

باشما هیچیک سخن نگویم و زیر سایه نروم تا با پیمبر ص ملحق گردم و در دم شتر بخوابانید و کمند آن بکشید و بار ببست و توشه برگرفت و پاسخ زنان خویش نگفت و برفت تا به پیمبر صلی الله علیه و آله رسید ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ بعضی ثُمَّ را بمعنی واو گرفتند و بعضی دخول آنرا از جهة تدبیر دانستند یعنی سپس مستولی بر ایجاد تدبیر از طرف عرش شد زیرا تدبیر امور همه از طرف عرش فرود آید و لذا برای دعا دستها بسوی او دراز شود. ائْتِ بِقُرْاٰنٍ غَيْرِ هٰذَا این آیت در بارهٔ پنج تن بیامد و آنان عبدالله بن امیه مخزومی و ولید بن مغیره و مکرز بن حفص و عمرو بن عبدالله بن ابی قیس عامری و عاص بن عامر بن هاشم بودند به پیمبر ص گفتند قرآنی بیاور که در آن بترک پرستش لات و عزی و هبل و منات دعوت شود و نه زشت سرائی اینان یا این قرآن تبدیل کن و از قبل خویشتن سخن میگوی وَمَا كَانَ النَّاسُ اِلَّا اُمَّةً وَاحِدَةً در این آیت اقوالی است یکی آنکه

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللّٰهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ اِلَيْهِمْ اَجَلُهُمْ ۭ فَنَذَرُ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ

واگر بشتابد خدا بسوی بدی برای مردم مانند شتافتن ایشان بسوی خوبی هرآینه گذرانده شود سرآمد ایشان پس میگذاریم آنانرا که امید ندارند

لِقَاۗءَنَا فِيْ طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ ۝۱۱ وَاِذَا مَسَّ الْاِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنْۢبِهٖٓ اَوْ قَاعِدًا اَوْ قَاۗىِٕمًا

ملاقات ما را در سرکشی خود فرو روند و هرگاه برسد انسانرا سختی بخواند ما را بر پهلو یا نشسته یا ایستاده

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهٗ مَرَّ كَاَنْ لَّمْ يَدْعُنَآ اِلٰى ضُرٍّ مَّسَّهٗ ۭ كَذٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِيْنَ مَا كَانُوْا

ناگاه یکبار بازکردیم (برگردانیدیم) ازو سختیش را درگذرد چنانکه گوئی نخوانده بود ما را بسوی سختی که بدو رسیده بدینسان بیاراست برای اسراف کنندگان آنچه بودند

يَعْمَلُوْنَ ۝۱۲ وَلَقَدْ اَهْلَكْنَا الْقُرُوْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوْا ۙ وَجَاۗءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ

میکردند و هرآینه نابود کردیم قرنهائی که پیش از شما بودند گاهی که ستم کردند و بیامدشان و پیمبرانشان بنشانها

وَمَا كَانُوْا لِيُؤْمِنُوْا ۭ كَذٰلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِيْنَ ۝۱۳ ثُمَّ جَعَلْنٰكُمْ خَلٰۗىِٕفَ فِي الْاَرْضِ

و نبودند که ایمان آرند بدینسان بکیفر دهیم گروه گنهکاران سپس گردانیدیم شما را جانشینانی در زمین

مِنْۢ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُوْنَ ۝۱۴ وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيَاتُنَا بَيِّنٰتٍ ۙ قَالَ الَّذِيْنَ لَا يَرْجُوْنَ

از پس ایشان تا بنگریم چگونه عمل میکنید و هرگاه خوانده شود بر ایشان آیتهای ما آشکار گویند آنانکه امید ندارند

لِقَاۗءَنَا ائْتِ بِقُرْاٰنٍ غَيْرِ هٰذَآ اَوْ بَدِّلْهُ ۭ قُلْ مَا يَكُوْنُ لِيْٓ اَنْ اُبَدِّلَهٗ مِنْ تِلْقَاۗئِ نَفْسِيْ ۚ اِنْ اَتَّبِعُ

ملاقات ما بیاور قرآنی غیر از این یا بدیلش کن بگو نرسد مرا که تبدیلش کنم از نزد خود پیروی نکنم

اِلَّا مَا يُوْحٰٓى اِلَيَّ ۚ اِنِّىْٓ اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّيْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ۝۱۵ قُلْ لَّوْ شَاۗءَ اللّٰهُ مَا

جز آنچه را وحی شود بسویم همانا بترسم اگر نافرمانی کنم پروردگارم را از عذاب روزی بزرگ بگو اگر بخواهد خدا

تَلَوْتُهٗ عَلَيْكُمْ وَلَآ اَدْرٰىكُمْ بِهٖ ۡ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيْكُمْ عُمُرًا مِّنْ قَبْلِهٖ ۭ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ

نمیبرد و نمیداشت بر شما و نه میاگاهتان میشد هرآینه درنگ کردم میان شما عمری را پیش از آن آیا در نمییابید

۝۱۶ فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَي اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِاٰيٰتِهٖ ۭ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُوْنَ ۝۱۷

پس کیست ستمکارتر از آنکه ببندد بر خدا دروغی را یا تکذیب کند آیتهای او را همانا رستگار نگردند گنهکاران

وَيَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُوْلُوْنَ هٰٓؤُلَاۗءِ شُفَعَاۗؤُنَا عِنْدَ اللّٰهِ

و پرستند جز خدا آنچه را نه زیانشان رساند و نه سودی و گویند اینانند شفیعان ما نزد خدا

قُلْ اَتُنَبِّـُٔوْنَ اللّٰهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْاَرْضِ ۭ سُبْحٰنَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ۝۱۸

بگو آیا آگهی دهید خدا را بآنچه خود نمیداند در آسمانها و نه در زمین منزه و برتر است او از آنچه شرک میورزند

وَمَا كَانَ النَّاسُ اِلَّآ اُمَّةً وَّاحِدَةً فَاخْتَلَفُوْا ۭ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ

و نبودند مردم جز یک ملت پس اختلاف کردند و اگر نبود سرنوشتی که پیش گرفت از پروردگارتو همانا داوری میشد میانشان

فِيْمَا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ۝۱۹ وَيَقُوْلُوْنَ لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ ۚ فَقُلْ اِنَّمَا الْغَيْبُ لِلّٰهِ

در آنچه بودند در آن اختلاف کنان گویند چرا فرود نیاید بر او آیتی از پروردگارش بگو جز این نیست که نهانها از آن خداست

فَانْتَظِرُوْا ۚ اِنِّىْ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ۝۲۰ وَاِذَآ اَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْۢ بَعْدِ ضَرَّاۗءَ مَسَّتْهُمْ

پس منتظر شوید که ما با شما از منتظران و هرگاه چشانیم مردم را رحمتی پس از سختی که بدانان رسیده

اِذَا لَهُمْ مَّكْرٌ فِيْٓ اٰيَاتِنَا ۭ قُلِ اللّٰهُ اَسْرَعُ مَكْرًا ۭ اِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُوْنَ مَا تَمْكُرُوْنَ ۝۲۱

ناگهان ایشانرا نیرنگی در آیتهای ما بگو خدا شتابنده‌تر است در نیرنگ همانا فرستادگان ما مینویسند آنچه را نیرنگ کنید

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا كُنتُمْ فِي الْفُلْكِ ۖ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا

اوست آنکه میبرد شمارا در دشت و دریا تا گاهیکه باشید در کشتی و روان شود بدیشان بابادی پاک (خوش) و شاد شوند

بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ ۙ دَعَوُا اللَّهَ

بدان بیایدشان بادی تند و بیایدشان موج از هر سوی و پندارند که فراگرفته شدند (فروماندند) بخوانند خدایرا

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۖ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ﴿٢٢﴾ فَلَمَّا أَنجَاهُمْ

پاک کنندگان دین برای او که اگر رهائیمان دادی از این هرآینه باشیم از شکرگذاران تاگاهی که رهائیشان داد

إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَىٰ أَنفُسِكُم ۙ مَّتَاعَ

ناگهان سرکشی کنند در زمین بناحق ای مردم جز این نیست که ستم شما بر خویش کامیابی

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٣﴾ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ

زندگانی دنیاست پس بسوی ماست بازگشت شما تا آگهیتان دهیم بدانچه بودید میکردید جز این نیست که مثل زندگانی

الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ ۖ

دنیا مانند آبی است که فرستادیمش از آسمان پس بیامیخت بدان روئیدنی زمین از آنچه میخورند مردم و چهارپایان

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا

تاگاهیکه برگرفت زمین زیور خویش را و بیاراست خودرا و پنداشتند اهلش که ایشانند توانایان بر آن بیامدش امر ما

لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ ۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾

شبی یا روزی پس تباهش ساختیم چنانکه گوئی مسکون نبوده است دیروز بدینسان تفصیل دهیم آیتهارا برای گروهی که تفکر کنند

وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ ۖ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٢٥﴾ لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا

و خدا میخواند بسوی خانهٔ آرامش و هدایت کند هرکه را خواهد بسوی راهی راست برای آنانکه نکوئی کردند

الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ ۖ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ

نکوئی است و فزونی و نه نشیند بر چهره‌های ایشان گرد پریشانی و نه خواری آنان یاران بهشتند

فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٦﴾ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ

و در آنند جاودانان و آنانکه بدیها کردند کیفر هر بدی همانند آنست و دستخوششان سازد

ذِلَّةٌ ۖ مَّا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ ۖ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطَعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا ۚ

خواری نیستشان از خدا نگهدارنده‌ای گوئیا پوشیده است رویهای آنان با پاره‌هائی از شب تار

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٧﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ

آنانند یاران آتش ایشانند در آن جاودانان و روزیکه گردشان آریم همگی پس گوئیم بدانانکه

أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنتُمْ وَشُرَكَاؤُكُمْ ۖ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَاؤُهُم مَّا كُنتُمْ إِيَّانَا

شرک ورزیدند برجای خود ایستید شما و شریکان شما سپس جدائی افکنیم میانشان و گویند شریکان ایشان نبودید شما مارا

تَعْبُدُونَ ﴿٢٨﴾ فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِن كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغَافِلِينَ ﴿٢٩﴾

پرستش کنندگان و بس است خداوند گواهی میان ما و میان شما که بودیم از پرستش شما بیخبران

هُنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٣٠﴾

اینجاست که میآزماید همه کس آنچه را پیش فرستاده است و بازگردانیده شوند بسوی خدا سرپرست ایشان بحق و گم شد از ایشان آنچه بودند دروغ می‌بستند

وجرین بهم از باب التفات است از مخاطب بغایب چنانکه عکس آن در سورهٔ فاتحه موجود است و التفات تنوعی است در کلام سائغ و بلکه مستحسن چنانکه در علم بلاغت مذکور میباشد و نیز التفات از حضور بغیاب در مقام توبیخ امری رایج و کثیر الدوران است و سببش استحیاء و اجتناب از مواجهه شخص است بلوم و توبیخ او کماء انزلناه من السماء در تعیین مشبه و مشبه به در این آیت سخنانی است نخست آنکه خدای تشبیه زندگانی دنیا کرده است بماء منزل از آن روی که با هر دو انتفاع باشد و نیز هر دو را انقطاع



است دوم آنکه مشبه به گیاههای زمین است و وجه شبه مغرور شدن بدان و سپس فناء و زوال آن است سیم آنکه حیوة دنیا تشبیه شده است بحیوتی که منزل بر این اوصاف باشد یعنی دارای آنچه که در بارهٔ آب منزل ذکر شده است از اوصاف دار السلام قولی است بر اینکه سلام ذات بیچون باریتعالی است و سرای او بهشت است و قولی بر اینکه بهشت از آن روی بدار سلام نامیده شد که سرای سلامت است

قُلْ مَنْ يَّرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ اَمَّنْ يَّمْلِكُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَمَنْ يُّخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ

بگو کہ روزی میدہد شمارا از آسمان و زمین یا کیست مالک گوش و دیدگان و کہ بیرون آرد زندہ را از

الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُّدَبِّرُ الْاَمْرَ ؕ فَسَيَقُوْلُوْنَ اللّٰهُ ۚ فَقُلْ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ﴿٣١﴾

مردہ و مردہ را از زندہ و کہ تدبیر کند کاررا بزودی گویند خدا بگو پس چرا پرہیز نمیکنید

فَذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ ۚ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ اِلَّا الضَّلٰلُ ۚ فَاَنّٰى تُصْرَفُوْنَ ﴿٣٢﴾ كَذٰلِكَ حَقَّتْ

این است خدا پروردگار شما بحق و چیست پس از حق جز گمراہی پس بکدام سوی گردانیدہ میشوید بدینسان استوار شد

كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِيْنَ فَسَقُوْٓا اَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿٣٣﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَآئِكُمْ مَّنْ يَّبْدَؤُا

سزنشت پروردگار تو بر آنانکہ نافرمانی کردند کہ ایشان ایمان نیاورند بگو آیا ہست از شریکان شما آنکہ آغاز کند

الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ ۚ قُلِ اللّٰهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهٗ فَاَنّٰى تُؤْفَكُوْنَ ﴿٣٤﴾ قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَآئِكُمْ

آفرینش را و سپس بازش گرداند بگو خدا است کہ آغاز کند آفرینش را و سپس بازش گرداند پس کجا بدروغ رانده میشوید بگو آیا ہست از شریکان شما

مَّنْ يَّهْدِيْٓ اِلَى الْحَقِّ ۚ قُلِ اللّٰهُ يَهْدِيْ لِلْحَقِّ ۚ اَفَمَنْ يَّهْدِيْٓ اِلَى الْحَقِّ اَحَقُّ اَنْ يُّتَّبَعَ اَمَّنْ لَّا يَهِدِّيْٓ

آنکہ ہدایت کند بسوی حق بگو خدا ہدایت کند بسوی حق آیا آنکہ ہدایت کند بسوی حق سزاوار تر است کہ پیروی شود یا آنکہ خود راہ نبرد

اِلَّآ اَنْ يُّهْدٰى ۚ فَمَا لَكُمْ ۫ كَيْفَ تَحْكُمُوْنَ ﴿٣٥﴾ وَمَا يَتَّبِعُ اَكْثَرُهُمْ اِلَّا ظَنًّا ۚ اِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِيْ

تا رہبریش کنند چہ شود شمارا چگونہ حکم کنید و پیروی نمیکنند بیشتر ایشان جز گمانرا و بدرستیکہ گمان بی نیاز نکند

مِنَ الْحَقِّ شَيْـًٔا ۚ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِمَا يَفْعَلُوْنَ ﴿٣٦﴾ وَمَا كَانَ هٰذَا الْقُرْاٰنُ اَنْ يُّفْتَرٰى مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ

از حق بچیزی ہمانا خدا دانا است بہ آنچہ میکنند و نیست این قرآن کہ دروغ آورده شود از غیر از خدا

وَلٰكِنْ تَصْدِيْقَ الَّذِيْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيْلَ الْكِتٰبِ لَا رَيْبَ فِيْهِ مِنْ رَّبِّ

ولیکن تصدیق آنچہ پیش روی اوست و تفصیل کتاب نیست شکی در آن از پروردگار

الْعٰلَمِيْنَ ﴿٣٧﴾ اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ ۚ قُلْ فَاْتُوْا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهٖ وَادْعُوْا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُوْنِ

جہانیان یا گویند دروغ بستہ است آنرا بگو پس بیارید یک سوره ہمانند آن و بخوانید ہر کرا توانید جز

اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ﴿٣٨﴾ بَلْ كَذَّبُوْا بِمَا لَمْ يُحِيْطُوْا بِعِلْمِهٖ وَلَمَّا يَاْتِهِمْ تَاْوِيْلُهٗ ۚ

خدا اگر ہستید راستگویان بلکہ دروغ پنداشتند آنچہ را فرا گرفتند بدانش آن و ہنوز نرسیده است بدانش آن

كَذٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٣٩﴾ وَمِنْهُمْ

بدینگونہ تکذیب کردند آنانکہ پیش از ایشان بودند پس بنگر چگونہ شد فرجام ستمکاران و از ایشانست

مَّنْ يُّؤْمِنُ بِهٖ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَّا يُؤْمِنُ بِهٖ ۚ وَرَبُّكَ اَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِيْنَ ﴿٤٠﴾ وَاِنْ كَذَّبُوْكَ

آنکہ ایمان آورد بدان و از ایشان است آنکہ ایمان نیاورد بدان و پروردگار تو دانا تر است بہ تبہکاران و اگر تکذیب نمودند

فَقُلْ لِّيْ عَمَلِيْ وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ ۚ اَنْتُمْ بَرِيْٓـُٔوْنَ مِمَّآ اَعْمَلُ وَاَنَا بَرِيْٓءٌ مِّمَّا تَعْمَلُوْنَ

بگو مراست کردارم و شمارا است کردار شما بیزارید از آنچہ من میکنم و بیزارم از آنچہ شما میکنید

﴿٤١﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّسْتَمِعُوْنَ اِلَيْكَ ۚ اَفَاَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوْا لَا يَعْقِلُوْنَ

و از ایشان است آنکہ گوش فرا دارد بسوی تو آیا تو میشنوانی کنگانرا و اگرچہ در نیابند

﴿٤٢﴾ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَّنْظُرُ اِلَيْكَ ۚ اَفَاَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوْا لَا يُبْصِرُوْنَ

و از ایشانست آنکہ بنگرد بسوی تو آیا تو راہبری کنی کوران را و اگرچہ نبینند

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَٰكِنَّ النَّاسَ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٤﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ كَأَن

هما خدا ستم نکند برمردم بچیزی ولیکن مردم خویشتن را ستم میکنند وروزی که گردشان آرد چنانکه

لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ ۚ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا

گویی درنگ نکردند جز ساعتی از روز شناسا خواهند باهم هما نا زیان کردند آنانکه بتکذیب لبودند ملاقات خدارا و

كَانُوا مُهْتَدِينَ ﴿٤٥﴾ وَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ

نبودند هدایت شدگان واگر بنمایانیم ترا پاره از انچه بدیشان وعده دهیم یا درمیانیم (بمیرانیم) پس بسوی ما بازگشت ایشان

ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ﴿٤٦﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ ۖ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم

سپس خدا گواه است بر انچه میکنند و هر امتی را پیغامبری است که هرگاه بیاید پیغامبر ایشان داوری شود میان ایشان

بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٤٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤٨﴾ قُل لَّا

بداد وستم نشوند وگویند کی است (چوق) این وعده اگر هستید راستگویان بگو

أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۗ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۚ إِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَلَا

دارا نیستم برای خویشتن زیان ونه سودی را جز انچه خدا خواهد برای هر امتی است هرآدمی که هرگاه بیاید سرآمد ایشان نه

يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ﴿٤٩﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا

دیر کنند ساعتی ونه پیشی گیرند بگو آیا دیده اید که اگر بیاید شمارا عذاب او شبانه

أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٠﴾ أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنتُم بِهِ ۚ آلْآنَ وَقَدْ كُنتُم

یا در روز چه چیزرا میشتابند از آن گنهکاران آیا پس ازانکه فرود آید ایمان آورید بدان اکنون حالیکه بودید

بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٥١﴾ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا

بدان شتابنده گان پس گفته شد بدانان که ستم کردند بچشید عذاب جاودانی را آیا پاداش داده میشوید جز بانچه

كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٥٢﴾ وَيَسْتَنبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ ۖ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ ۖ وَمَا أَنتُم بِمُعْجِزِينَ

بودید فرا هم میکردید پرسندت آیا حق است آن بگو آری سوگند بپروردگارم هما نا آن هست حق ونیستید شما بعجز آرندگان

﴿٥٣﴾ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۗ وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا

واگر باشد آنرا که ستم کرده است هرآنچه در زمین است هرآینه بدهش بجای خویش ونهان کردند پشیمانی را گاهیکه دیدند

الْعَذَابَ ۚ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٥٤﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

عذاب را وداوری شد میان ایشان بداد وستم نشوند ایشان نیست هما نا خداراست انچه در آسمانها وانچه در زمین است

أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٥﴾ هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٥٦﴾

هما نا وعده خداست حق ولیکن بیشترشان نمیدانند او زنده کند وبمیراند وبسوی او بازگردانده شوید

يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُم مَّوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ ۙ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ

ای مردم هما نا بیامد شمارا اندرزی از پروردگارشما ودرمانی برای انچه در سینه هاست وهدایت ورحمتی برای مومنان

﴿٥٧﴾ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا ۖ هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٥٨﴾ قُلْ أَرَأَيْتُم مَّا أَنزَلَ

بگو بفضل خدا وبرحمتش پس بدین باید شاد شوند آن بهتر است از انچه گرد میکنند بگو آیا دیده اید انچه را فرستاد

اللَّهُ لَكُم مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا ۗ قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ ۖ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ ﴿٥٩﴾

خدا برای شما از روزی پس قرار دادید از آن حرامی وحلالی بگو آیا خدا بشما اجازت داده است یا بر خدا دروغ میبندید

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ
وچیست پندار آنان که بندند بر خدا دروغ را روز قیامت همانا خدا دارای فضل است بر مردم

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٦٠﴾ وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ
ولیکن بیشترایشان سپاس نگذارند و باشی تو در کاری ونه برخوانی ازآن قرآنی (خواندنی را)

وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ ۚ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ
وتکنید کاررا جز آنکه باشیم برشما گواه هنگامیکه فرومیروید درآن وپوشیده نماند از پروردگارت

مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ
سنگینی ذرهای نه درزمین ونه درآسمان ونه کوچکتر ازآن ونه بزرگتر مگر در کتابیست

مُبِينٍ ﴿٦١﴾ أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦٢﴾ الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا
آشکار همانا دوستان خدا نیست برایشان بیمی ونه اندوهگین شوند آنانکه ایمان آوردند وبودند

يَتَّقُونَ ﴿٦٣﴾ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۚ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ
پرهیزمیکردند آنانراست بشارت درزندگانی دنیا ودر آخرت نیست تبدیلی برای سخنان خدا این است

هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٤﴾ وَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ ۘ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ۚ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٥﴾
آن رستگاری بزرگ واندوهگینت نکند گفتارشان همانا عزت ازآن خداست کلی اوست شنوای دانا

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ ۗ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
همانا خدایراست آنکه درآسمانها وآنکه در زمین است وپیروی نکنند آنانکه خوانند جز خدا

شُرَكَاءَ ۚ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٦٦﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
شریکانی پیروی نکنند جز پندارا ونیستند جز گمان آوران اوست آنکه نهاد برای شما

اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿٦٧﴾ قَالُوا اتَّخَذَ
شب را تا بیارامید درآن وروز را بینا همانا در اینست آیتهائی برای گروهی که بشنوند گفتند برگرفت

اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ ۖ هُوَ الْغَنِيُّ ۖ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ
خدا فرزندی منزه است او را اوست بینیاز ویراست آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است نیست نزد شما فرمانروائی

بِهَٰذَا ۚ أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ
بدان آیا گوئید بر خدا آنچه را نمیدانید بگو همانا آنانکه بندند بر خدا دروغ را

لَا يُفْلِحُونَ ﴿٦٩﴾ مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا
رستگار نشوند کامیابیست در دنیا وسپس بسوی ماست بازگشتشان پس بچشانیمشان عذاب سخت را بدانچه بودند

يَكْفُرُونَ ﴿٧٠﴾ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ ۘ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ
کفر میورزیدند وبخوان برایشان داستان نوح را گاهی که گفت بقومش خویش ای قوم من اگر

عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ
برشما ماندن من ویادآوردن من آیتهای خدا پس بر خدا توکل نمودم پس گردآورید کارخود

وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنْظِرُونِ ﴿٧١﴾
وشریکان خودرا نباشد کارشما برشما اندوهی سپس بگذرانید بسوی من ومهلتم ندهید

فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَاَلْتُكُمْ مِّنْ اَجْرٍ ؕ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ ۙ وَاُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ

پس اگر پشت کردید همانا نخواهم از شما پاداشی نیست پاداشم مگر بر خدا و مامور شدم که باشم از مسلمانان

(٧٢) فَكَذَّبُوْهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَمَنْ مَّعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَآئِفَ وَاَغْرَقْنَا الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا

پس تکذیبش کردند پس رهانیدیمش و هر که را با او بود در کشتی و گردانیدیم ایشانرا جانشینانی و غرق ساختیم آنانرا که تکذیب کردند

بِاٰيَاتِنَا ۚ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِيْنَ (٧٣) ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْۢ بَعْدِهٖ رُسُلًا اِلٰى قَوْمِهِمْ

آیتهای ما را پس بنگر چگونه شد فرجام بیمداده گان سپس برانگیختیم پس از او پیمبرانی بسوی قومشان

فَجَآءُوْهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوْا لِيُؤْمِنُوْا بِمَا كَذَّبُوْا بِهٖ مِنْ قَبْلُ ؕ كَذٰلِكَ نَطْبَعُ عَلٰى قُلُوْبِ

پس بیامدندشان بنشانیها پس نبودند که ایمان آرند بدانچه تکذیب کردند از پیش بدینسان مهر نهیم بر دلهای

الْمُعْتَدِيْنَ (٧٤) ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْۢ بَعْدِهِمْ مُّوْسٰى وَهٰرُوْنَ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ بِاٰيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوْا

تجاوز کنندگان سپس برانگیختیم پس از ایشان موسی و هرون را بسوی فرعون و قوم او بآیتهای ما پس کبر ورزیدند

وَكَانُوْا قَوْمًا مُّجْرِمِيْنَ (٧٥) فَلَمَّا جَآءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوْٓا اِنَّ هٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِيْنٌ (٧٦) قَالَ

و شدند قومی گنهکاران و هنگامیکه بیامدشان حق از نزد ما گفتند همانا اینست جادوئی آشکار گفت

مُوْسٰٓى اَتَقُوْلُوْنَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمْ ؕ اَسِحْرٌ هٰذَا ؕ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُوْنَ (٧٧) قَالُوْٓا اَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا

موسی آیا گوئید بحق گاهیکه بیامد شما را آیا جادو است این و رستگار نشوند جادوگران گفتند آیا آمدی ما را تا برگردانی ما را

عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ اٰبَآءَنَا وَتَكُوْنَ لَكُمَا الْكِبْرِيَآءُ فِي الْاَرْضِ ؕ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِيْنَ

از آنچه یافتیم بر آن پدران خویش را و باشد برای شما بزرگواری در زمین و نیستیم ما برای شما باور کنندگان

(٧٨) وَقَالَ فِرْعَوْنُ ائْتُوْنِيْ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيْمٍ (٧٩) فَلَمَّا جَآءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُمْ مُّوْسٰٓى اَلْقُوْا مَا

و گفت فرعون بیارید مرا بهر جادوگری دانشمند پس گاهیکه آمدند جادوگران گفت بدیشان موسی بیفکنید آنچه را

اَنْتُمْ مُّلْقُوْنَ (٨٠) فَلَمَّآ اَلْقَوْا قَالَ مُوْسٰى مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ ؕ اِنَّ اللّٰهَ سَيُبْطِلُهٗٓ اِنَّ اللّٰهَ لَا

هستید افکنندگان سپس هنگامیکه افکندند گفت موسی آنچه آوردید جادو است و خدا زود است تباه سازدش همانا خدا

يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِيْنَ (٨١) وَيُحِقُّ اللّٰهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهٖ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُوْنَ (٨٢) فَمَآ اٰمَنَ

راست نیارد کردار تبهکاران را و بپای میدارد خدا حق را بسخنان خویش و اگرچه خوش ندارند گنهکاران پس ایمان نیاورد

لِمُوْسٰٓى اِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّنْ قَوْمِهٖ عَلٰى خَوْفٍ مِّنْ فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهِمْ اَنْ يَّفْتِنَهُمْ ؕ وَاِنَّ فِرْعَوْنَ

برای موسی جز تیره از قومش با ترسی از فرعون و کسان او بنادا برآشوبند برایشان و همانا فرعون

لَعَالٍ فِي الْاَرْضِ ۚ وَاِنَّهٗ لَمِنَ الْمُسْرِفِيْنَ (٨٣) وَقَالَ مُوْسٰى يٰقَوْمِ اِنْ كُنْتُمْ اٰمَنْتُمْ بِاللّٰهِ فَعَلَيْهِ

برتری جوئی است در زمین و همانا او است از اسراف کنندگان و گفت موسی ای قوم اگر ایمان آوردید بخدا پس بر او

تَوَكَّلُوْٓا اِنْ كُنْتُمْ مُّسْلِمِيْنَ (٨٤) فَقَالُوْا عَلَى اللّٰهِ تَوَكَّلْنَا ۚ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ

توکل کنید اگر هستید مسلمانان (تسلیم شدگان) گفتند بر خدا توکل کردیم پروردگارا نگردان ما را دستخوش گروه

الظَّالِمِيْنَ ۙ (٨٥) وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِيْنَ (٨٦) وَاَوْحَيْنَآ اِلٰى مُوْسٰى وَاَخِيْهِ

ستمکاران و برهان ما را برحمت خود از گروه کافران و وحی نمودیم بموسی و برادرش

اَنْ تَبَوَّاٰ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوْتًا وَّاجْعَلُوْا بُيُوْتَكُمْ قِبْلَةً وَّاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ (٨٧)

که برگیرید برای قوم خویش در مصر (شهر) خانه هائی و بگردانید خانه های خویش را قبله و بپا دارید نماز را و بشارت ده بمؤمنان

واجعلوا بیوتکم قبلة گفتند چون موسی با بنی اسرائیل بمصر درآمدند فرمان رفت تا مساجد سازند و بنیاد آن بسوی قبله راست آرند یعنی بسوی کعبه و از ابن عباس است که چون فرعون مساجد بنی اسرائیل ویران ساخت فرمان رفت که در خانه های خویش نماز گذارند و معنی آیت نماز گذارید در خانه های خویش و از سعید بن جبیر است یعنی سرایهای خویش روبروی هم سازید الآن وقد عصیت قبل در آنکه این سخن گفتار کیست اقوالی است نخست آنکه قول خدای است که بر سبیل توبیخ بفرعون گفت دوم آنکه قول جبرئیل است و علی بن ابراهیم از امام ابی عبدالله صادق روایت نموده است که پیوسته جبرئیل علیه السلام اندوهگین و گرفته خاطر بر پیمبر فرود آمدی و این از آنگاه که خدای فرعون را غرق کرد آغاز شد و بدینسان میبود تا آنگاه که فرمان رفت این آیت بر پیمبر فرود آرد که چون بر او درآمد خندان و شادمان دیده شد و چون پیمبرش از چگونگی باز پرسید گفت در آنهنگام که فرعون در امواج دریا فرو رفتی گفت آمنت انه لا اله الا الذی آمنت به بنو اسرائیل و من وردم لختی گل برگرفتم و بر دهان او زدم و بدو گفتم الآن

وَقَالَ مُوسٰى رَبَّنَآ اِنَّكَ اٰتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَاَهُ زِينَةً وَاَمْوَالًا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا

وگفت موسی پروردگارا همانا دادی فرعون وکسانش را زیوری ومالهائی در زندگانی دنیا تا گمراه کنند

عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلٰٓى اَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلٰى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتّٰى يَرَوُا الْعَذَابَ

از راهت پروردگارا تباه ساز اموال آنانرا و ببند دلهای آنانرا که ایمان نیارند تا بنگرند عذاب

الْاَلِيمَ ﴿٨٨﴾ قَالَ قَدْ اُجِيبَتْ دَّعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَآنِّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا

دردناک را گفت همانا مستجاب شد دعای شما پس پایداری کنید و پیروی نکنید راه آنانرا که

يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾ وَجَاوَزْنَا بِبَنِيٓ اِسْرَآئِيلَ الْبَحْرَ فَاَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا حَتّٰٓى

نمیدانند وگذراندیم بنی اسرائیل را از دریا پس پیروی کرد ایشانرا فرعون وسپاه او بستم وسرکشی تا

اِذَآ اَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ اٰمَنْتُ اَنَّهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا الَّذِيٓ اٰمَنَتْ بِهِ بَنُوٓا اِسْرَآئِيلَ وَاَنَا مِنَ

گاهیکه دریافت اورا غرق گفت باور کردم که نیست خدائی جز آنکه ایمان بدو آوردند بنی اسرائیل ومنم از

الْمُسْلِمِينَ ﴿٩٠﴾ آٰلْـٰٔنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ ﴿٩١﴾ فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ

مسلمانان (تسلیم شدگان) آیا کنون حالیکه عصیان کردی پیش وبودی از تباهکاران پس امروز برهانیمت بکالبدت

لِتَكُونَ لِمَنْ خَلْفَكَ اٰيَةً وَاِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ اٰيَاتِنَا لَغَافِلُونَ ﴿٩٢﴾ وَلَقَدْ بَوَّاْنَا بَنِيٓ

تا باشی برای آنانکه پس از تو آیند نشانه (عبرت) وهمانا بسیاری از مردمند از آیتهای ما غافلان وهمانا جایدادیم بنی

اِسْرَآئِيلَ مُبَوَّاَ صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتّٰى جَآءَهُمُ الْعِلْمُ اِنَّ رَبَّكَ

اسرائیل را جایگاه راستین وروزیشان دادیم از پاکیزه‌ها پس اختلاف نکردند تا آنکه بیامدشان دانش همانا پروردگار تو

يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٩٣﴾ فَاِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّآ اَنْزَلْنَآ

داوری کند میان آنان روز قیامت درآنچه بودند درآن اختلاف کنان واگر هستی در شکی بدانچه فرستادیم

اِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يَقْرَؤُنَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَآءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ

بسویت پس بپرس آنانرا که میخوانند کتاب را پیش از تو همانا بیامد ترا حق از پروردگارت پس نباش

مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿٩٤﴾ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِ اللّٰهِ فَتَكُونَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٩٥﴾ اِنَّ الَّذِينَ

از شک کنندگان وابسته نباش از آنانکه دروغ پنداشتند آیتهای خدا را که میشوی از زیانکاران همانا آنانکه

حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَوْ جَآءَتْهُمْ كُلُّ اٰيَةٍ حَتّٰى يَرَوُا الْعَذَابَ الْاَلِيمَ

فرود آمد برایشان سخن پروردگار تو ایمان نیارند واگرچه بیامدشان هر آیتی تا ببینند عذاب دردناک را

﴿٩٧﴾ فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ اٰمَنَتْ فَنَفَعَهَآ اِيمَانُهَآ اِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّآ اٰمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ

پس چرا نبود شهری که ایمان آرد وسود دهدش ایمانش مگر قوم یونس هنگامی که ایمان آوردند برگشودیم از ایشان

عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ اِلٰى حِينٍ ﴿٩٨﴾ وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَاٰمَنَ

عذاب خواری را در زندگانی دنیا وکامیابیشان دادیم تا سرآمدی واگر میخواست پروردگار تو هرآینه ایمان

مَنْ فِي الْاَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا اَفَاَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتّٰى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٩٩﴾

میآوردند آنانکه در زمینند همگی باهم پس آیا تو وامیداری پناه خواه مردم را که باشند از مؤمنان

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ اَنْ تُؤْمِنَ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿١٠٠﴾

ونرسد تنی را که ایمان آرد مگر بدستور خدا ومیگرداند پلیدرا بر آنانکه درنمییابند

قُلِ انْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَمَا تُغْنِي الْاٰيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠١﴾

بگو بنگرید چیست در آسمانها و زمین و بی نیاز نگردانند آیتها و نه بیم دادنها از قومی که ایمان نمیآورند

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ اِلَّا مِثْلَ اَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ ؕ قُلْ فَانْتَظِرُوا اِنِّي مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴿١٠٢﴾

پس آیا انتظار میکشند جز همانند روزگار آنان را که گذشتند پیش از ایشان بگو پس منتظر باشید که منم با شما از منتظران

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ اٰمَنُوا كَذٰلِكَ ۚ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ قُلْ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اِنْ كُنْتُمْ

سپس برهانیم پیمبران خود و آنانرا که ایمان آوردند بدینسان حقی است بر ما که برهانیم مؤمنان را بگو ای مردم اگر هستید

فِي شَكٍّ مِّنْ دِينِي فَلَا اَعْبُدُ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ اَعْبُدُ اللّٰهَ الَّذِي يَتَوَفّٰيكُمْ ۚ

در شکی از آئینم پس نمیپرستم آنانرا که میپرستید جز خدا ولیکن پرستش کنم خداوندی را که دریابد (بمیراند)

وَاُمِرْتُ اَنْ اَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۙ ﴿١٠٤﴾ وَاَنْ اَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ۚ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٥﴾

شما را و مامور شدم که باشم از ایمان آورندگان و آنکه راست کن روی خود را بسوی دین یکتاپرست و نباش البته از شرک ورزندگان

وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۚ فَاِنْ فَعَلْتَ فَاِنَّكَ اِذًا مِّنَ الظَّالِمِينَ ﴿١٠٦﴾

و نخوان جز خدا آنچه را نه سودی دهدت و نه گزندت رساند که اگر کنی هر آینه باشی در آنهنگام از ستمکاران

وَاِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ اِلَّا هُوَ ۚ وَاِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ ؕ يُصِيبُ

و اگر برساندت خدا برنجی نیست گشاینده برای آن جز او و اگر اراده کند ترا بخیری نباشد برگرداننده برای فضلش رساندش

بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ؕ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٧﴾ قُلْ يَا اَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ ۚ

بهر که خواهد از بندگان خود و اوست آمرزنده مهربان بگو ای مردم همانا بیامد شما را حق از پروردگار شما

فَمَنِ اهْتَدٰى فَاِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يُضِلُّ عَلَيْهَا ۚ وَمَا اَنَا عَلَيْكُمْ

پس هر که هدایت شود جز این نیست که هدایت شود برای خویشتن و هر که گمراه شود گمراه نشود مگر بر خویش و نیستم من بر شما

بِوَكِيلٍ ؕ ﴿١٠٨﴾ وَاتَّبِعْ مَا يُوحٰى اِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتّٰى يَحْكُمَ اللّٰهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿١٠٩﴾

وکیل و پیروی کن آنچه را وحی میشود بسوی تو و صبر کن تا حکم کند خدا و اوست بهترین حکم کنندگان

سورة هود مكية وآياتها ثلث وعشرون ومائة آية

سورة ١١ — حروفها ٧٥٦٧ — كلماتها ١٩١٢

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓرٰ كِتَابٌ اُحْكِمَتْ اٰيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَّدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ۙ ﴿١﴾ اَلَّا تَعْبُدُوا اِلَّا اللّٰهَ ؕ

کتابی است که استوار شده است آیتهای آن و سپس تفصیل داده شده است از نزد حکیمی دانا که پرستش نکنید جز خدا را

اِنَّنِي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ ۙ ﴿٢﴾ وَاَنِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا اِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ

همانا منم برای شما از نزد او ترساننده و نوید دهنده و آنکه آمرزش خواهید از پروردگار خویش و سپس بازگشت کنید بسوی او تا بهره دهد شما را

مَّتَاعًا حَسَنًا اِلٰى اَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ ؕ وَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنِّي اَخَافُ عَلَيْكُمْ

بهره نکو تا سرآمدی نامبرده و بدهد بهر صاحب فضلی فضلش را و اگر پشت کردند همانا میترسم بر شما

عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ ﴿٣﴾ اِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ ۚ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤﴾

از عذاب روزی بزرگ بسوی خداست بازگشت شما و اوست بر هر چیز توانا

الا قوم یونس
مسکن قوم یونس سرزمین نینوی بود در موصل و چون فرمانش نپذیرفتند عذاب بر ایشان فرود آمد چندانکه شهر ایشان فرا گرفت و خانه های ایشان تیره و تار گشت هراسان و سراسیمه بسوی یونس بشتافتند و ویرا نیافتند لاجرم دل بر مرگ نهاده سر به بیابان نهادند کودکان از مادران جدا ساختند و پلاس کهن و خشن پوشیدند و با گریه و زاری و صدق نیت بدرگاه خدای مهربان بنالیدند و بیونس و سخنان او ایمان آوردند خدای دعای ایشان مستجاب داشت و عذاب از ایشان برداشت از ابن مسعود است که رد مظالم قوم یونس چنان بود که یکی از ایشان میآمد و سنگی را که بستم گرفته و خانه بر آن بنیاد نهاده بود از زیر سازمان درآوردی و خانه ویران کردی و بسوی صاحبش بازگردانیدی و اما یونس چون بر آن قوم نفرین کرد همچنان آزرده و خشمگین از میان ایشان بیرون آمد و بسوی دریا شد کنار دریا کشتی دید آماده حرکت از مردمش خواست تا ویرا با خویش بدرون کشتی بردند و چون کشتی برفت و بوسط دریا رسید ماهی سخت بزرگ سر برآورد و راه بر کشتی بگرفت لاجرم دفع شر او را قرعه زدند و بر یونس اصابت نمود

الجزء (١٢)

اَلَآ اِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ ؕ اَلَا حِينَ يَسْتَغْشُونَ ثِيَابَهُمْ ۙ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۚ

همانا ایشان برمیتابند سینه های خودرا تا پوشیده دارند از او همانا گاهیکه میپوشند جامه های خودرا میداند آنچه را نهان کنند و آنچه را آشکار سازند

اِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝٥ وَمَا مِنْ دَآبَّةٍ فِي الْاَرْضِ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا

که او داناست بدانچه در سینه هاست و نیست جنبنده ای در زمین مگر بر خداست روزی او و میداند آرامشگاه

وَمُسْتَوْدَعَهَا ؕ كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ ۝٦ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ فِي سِتَّةِ

و کوچگاه او را هرکدام است در کتابی آشکار و اوست آنکه آفرید آسمانها و زمین را در شش

اَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَآءِ لِيَبْلُوَكُمْ اَيُّكُمْ اَحْسَنُ عَمَلًا ؕ وَلَئِنْ قُلْتَ اِنَّكُمْ

روز و بود عرش او بر آب تا بیازماید شمارا کدام یک نکوترید در کردار و اگر گوئی شمائید

مَّبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوٓا اِنْ هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ۝٧ وَلَئِنْ اَخَّرْنَا عَنْهُمُ

برانگیختگان پس از مرگ هرآینه گویند آنانکه کفر ورزیدند نیست این جز جادوئی آشکار و اگر دور کنیم از ایشان

الْعَذَابَ اِلٰٓى اُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ ؕ اَلَا يَوْمَ يَاْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ

عذاب را تا امتی شمرده گویند چه بازدارد آنرا همانا روزیکه میآید ایشانرا نیست برگرداننده از ایشان و فرود آمد بر ایشان

مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ۝٨ وَلَئِنْ اَذَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ اِنَّهُ

آنچه بودند بدان استهزاء کنان و اگر چشانیم انسان را از خود رحمتی و سپس بگیریمش از او همانا اوست

لَيَئُوسٌ كَفُورٌ ۝٩ وَلَئِنْ اَذَقْنَاهُ نَعْمَآءَ بَعْدَ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ السَّيِّئَاتُ

نومید ناسپاس و اگر چشانیمش نعمتی بعد از رنجی که بدو رسیده است هرآینه گوید رفت بدیها

عَنِّيٓ ؕ اِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ ۝١٠ اِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ؕ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ

از من همانا اوست شادمان خودستای مگر آنانکه صبر کردند و عمل صالح نمودند که آنانراست آمرزش

وَاَجْرٌ كَبِيرٌ ۝١١ فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضَ مَا يُوحٰٓى اِلَيْكَ وَضَآئِقٌ بِهِ صَدْرُكَ اَنْ

و پاداشی بزرگ شاید توئی رها کننده پاره از آنچه وحی میشود بسوی تو و تنگ شود بدان سینه تو که

يَقُولُوا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ اَوْ جَآءَ مَعَهُ مَلَكٌ اِنَّمَآ اَنْتَ نَذِيرٌ ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ

گویند چرا بر او فرود نیامد گنجی یا نیامد با او فرشته جز این نیست که توئی بیم دهنده و خداست بر هر

شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝١٢ اَمْ يَقُولُونَ افْتَرٰيهُ ؕ قُلْ فَاْتُوا بِعَشْرِ سُوَرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرَيَاتٍ وَادْعُوا

چیزی وکیل یا گویند دروغ بسته است آنرا بگو بیاورید ده سوره همانند آن دروغ پرداخته و بخوانید

مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝١٣ فَاِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوٓا اَنَّمَآ اُنْزِلَ

هر آن را که بتوانید جز خدا اگر هستید راستگویان پس اگر نپذیرفتند از شما بدانید که آنچه فرستاده شده است

بِعِلْمِ اللّٰهِ وَاَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ فَهَلْ اَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ ۝١٤ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا

بعلم خداست و آنکه نیست خدائی جز او پس آیا هستید شما اسلام آورندگان آنانکه خواهان زندگانی دنیا

وَزِينَتَهَا نُوَفِّ اِلَيْهِمْ اَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ ۝١٥ اُولٰٓئِكَ

و زیور آنند تمام دهیم بدیشان کردار ایشانرا در آن و ایشان در آن کم داده نشوند آنانند

الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ اِلَّا النَّارُ ۚ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝١٦

که نیست ایشانرا در آخرت جز آتش و تباه است آنچه ساختند در آن و ناچیز است آنچه بودند میکردند

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِن قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً

آیا آنکه بر روشنائی است از پروردگار خود و از پیش آید گواهی از آن و پیش از آن است کتاب موسی پیشوا و رحمتی

أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۚ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ ۚ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ

ایشان ایمان آرند بدان و آنکه کفر ورزد بدان از احزاب آتش است وعده گاه او پس نباش در شکی از آن

إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٧﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى

همانا آنست حق از پروردگار تو لیکن بیشتر مردم ایمان نیاورند و کیست ستمگرتر از آنکه ببندد بر

اللَّهِ كَذِبًا ۚ أُولَٰئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ

خدا دروغی را آنان عرض شوند بر پروردگار خویش و گویند گواهان اینانند آنانکه دروغ گفتند بر

رَبِّهِمْ ۚ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴿١٨﴾ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا

پروردگار خویش همانا لعنت خدا باد بر ستمگران آنانکه بازدارند از راه خدا و خواهندش

عِوَجًا ۚ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿١٩﴾ أُولَٰئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا

کج و ایشانند بآخرت کافران آنان نیستند بعجز آرندگان در زمین و

كَانَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ۘ يُضَاعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ ۚ مَا كَانُوا يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ

نیستشان جز خدا دوستانی افزوده شود برای ایشان عذاب نبودند بتوانند شنیدن را

وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ ﴿٢٠﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٢١﴾

و نبودند که به بینند آنانند که زیان کردند خویشتن را و گم شد از ایشان آنچه بودند دروغ می بستند

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ ﴿٢٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

ناگزیر آنانند در آخرت زیانمندتران همانا آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند

وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ ۙ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢٣﴾ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ

و زاری کردند بسوی پروردگار خویش آنانند یاران بهشت ایشانند در آن جاودانان مثل دو گروه

كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ ۚ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٤﴾ وَلَقَدْ

مانند کور و کر و بینا و شنوا است آیا یکسانند در مثل آیا یاد آور نمیشوید و همانا

أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٢٥﴾ أَن لَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۖ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ

فرستادیم نوح را بسوی قومش که منم برای شما ترساننده آشکار که پرستش نکنید جز خدا را که میترسم بر شما

عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿٢٦﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا مِّثْلَنَا

از عذاب روزی دردناک پس گفتند گروهی که کفر ورزیدند از قومش نمی بینیمت جز بشری همانند خویش

وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ الرَّأْيِ ۖ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا

و نمی بینیم ترا که پیرویت کرده اند جز آنانکه فرومایگان ما هستند نخستین بار و نمی بینیم شما را بر ما

مِن فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن

برتری بلکه می پنداریم شما را دروغگویان گفت ای قوم من آیا دیده اید که اگر باشم من بر روشنائی از

رَّبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً مِّنْ عِندِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ ۚ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنتُمْ لَهَا كَارِهُونَ ﴿٢٨﴾

پروردگار خود و بداد مرا رحمتی از نزدش پس پوشیده شد بر شما آیا وا میدارم شما را بر آن حالیکه هستید آنرا ناخوش دارندگان

سورة هود تعلبی از ابی جحیفه آورده است که پیغمبر را گفتند همانا پیری شتاب کرد بسوی تو گفت پیر کرد مرا هود و خواهرهای آن و در روایت دیگر یعنی الحاقة و الواقعة و عم و غاشیه و یتلوه شاهد منه از امام شهید ابی عبد الله الحسین علیه السلام روایت است که مراد بشاهد محمد است و از امامین ابی جعفر باقر علیه السلام و علی بن موسی الرضا علیه السلام روایت است که مراد از آن علی بن ابیطالب علیه السلام است و نیز همین را جابر از علی علیه السلام روایت نموده است. ما کانوا یستطیعون السمع یعنی بدان سبب که نشنیدند با آنکه توانستند شنیدن را و ندیدند با آنکه توانستند دیدن را و این معنی با بودن ما مصدریه و تقدیر باء حرف جر بر سر آن است و همچنین در این صورت ممکن است نیز که ما مصدریه ظرفیه باشد و جمله کنایت است از زمان حیوة ایشان و شاید که ما نافیه باشد و نفی استطاعت سمع از آن رو شده است که چون نمیشنوند مانا تاب آن ندارند. بادی الرأی یعنی در ظاهر کار و بر آمد اندیشه چنانکه در سخن تو غوری نکرده و بازرسی ننموده بتو گرویدند و از زجاج است یعنی در ظاهر پیروی تو کردند و باطنشان بر خلاف آن بود و ممکن است بادی بهمزه باشد

وَيَا قَوْمِ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّهُمْ

وای قوم من نخواهم از شما بر آن مالی را نیست باداشم جز بر خدا و نیستم دور کننده آنانکه ایمان آورده اند هانا ایشانند

مُلَاقُو رَبِّهِمْ وَلَٰكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ﴿٢٩﴾ وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ

ملاقات کننده پروردگار خویش لیکن بینم شما را گروهی که نمیدانید ای قوم من که مرا یاری میکند از خدا اگر براندمشان

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٣٠﴾ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِنِّي

آیا پند آور نمیشوید و نمیگویم بشما که نزد من است گنجهای خدا و ندانم ناپیدا را و نگویم که منم

مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي

فرشته و نمیگویم بدانانکه بخواری مینگرد دیدگان شما هرگز ندهد خدا بدیشان خیری خدا داناتر است بدانچه در دلهای آنانست

إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿٣١﴾ قَالُوا يَا نُوحُ قَدْ جَادَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدَالَنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ

آنگاه من از ستمکاران گفتند ای نوح هانا با ما ستیزه کردی پس فزون کردی ستیزه ما را پس بیاور ما را آنچه بما وعده میدهی اگر هستی

مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا يَنْفَعُكُمْ

از راستگویان گفت جز این نیست که آورد شما را بدان خدا اگر خواهد و نیستید شما بعجز آرندگان و سود ندهد شما را

نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ

اندرز من اگر خواهم شما را اندرز دهم اگر خواهد خدا گمراهتان کند او است پروردگار شما

وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٣٤﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَيَّ إِجْرَامِي وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا

و بسوی او باز گردانده شوید یا گویند دروغ بسته است آنرا بگو اگر دروغش بسته باشم بر من است گناهم و بیزارم از آنچه

تُجْرِمُونَ ﴿٣٥﴾ وَأُوحِيَ إِلَى نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا

شما گناه میکنید و وحی شد بسوی نوح که هرگز ایمان نیاورند از قومت جز آنانکه ایمان آورده اند پس آزرده نشو از آنچه

كَانُوا يَفْعَلُونَ ﴿٣٦﴾ وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ

میکنند و بساز کشتی را بدیدگان ما و وحی ما و سخن نگوی با من در بارهٔ آنانکه ستم کردند هانا ایشانند

مُغْرَقُونَ ﴿٣٧﴾ وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأٌ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا

غرقه گان و بساخت کشتی را و هرگاه بر او گذشتی گروهی از قومش سخره بش کردندی گفت اگر ما را سخره

مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ ﴿٣٨﴾ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ

کنید هانا شما را سخره کنیم چنانکه بوده مشما سخره میکرید زود است بدانید کرا آید عذابی که خوار سازدش و فرود آید

عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ﴿٣٩﴾ حَتَّى إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ

بر او عذابی جاویدان تا گاهیکه بیاید امر ما و بجوشید تنور گفتیم بارکن در آن از هر گرام دو جفت را

وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ﴿٤٠﴾ وَقَالَ ارْكَبُوا

و خاندان خویش را مگر آنکه بر او پیشی گرفت است سخن و آنانرا که ایمان آورده اند و ایمان نیاورده بود با او جز اندکی گفت سوار شوید

فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرِيهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٤١﴾ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ

در آن بنام خدا روان شدنش و لنگر انداختنش هانا پروردگار من است آمرزنده مهربان و آن روان بود بدیشان در موجی چون کوهها

وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ ﴿٤٢﴾

و بر خواند نوح فرزند خود را و بود بر کناری ای پسر ک من سوار شو با ما و با کافران مباش

قَالَ سَاٰوِیْۤ اِلٰی جَبَلٍ یَّعْصِمُنِیْ مِنَ الْمَآءِ ؕ قَالَ لَا عَاصِمَ الْیَوْمَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ اِلَّا مَنْ رَّحِمَ ۚ وَحَالَ

گفت زود باشد پناه برم بکوهی که نگهدارد مرا از آب گفت نیست نگهدارندهٔ امروز از امر خدا مگر آنرا که رحم کرده باشد و حایل شد

بَیْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِیْنَ ﴿۴۳﴾ وَقِیْلَ یٰۤاَرْضُ ابْلَعِیْ مَآءَكِ وَیٰسَمَآءُ اَقْلِعِیْ وَغِیْضَ

میان ایشان موج پس شد از غرق شدگان وگفته شد ای زمین فرو خور آب خویش را وای آسمان بس کن وفرو نشست

الْمَآءُ وَقُضِیَ الْاَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَی الْجُوْدِیِّ وَقِیْلَ بُعْدًا لِّلْقَوْمِ الظّٰلِمِیْنَ ﴿۴۴﴾ وَنَادٰی نُوْحٌ

آب وگذشت کار وبایستاد بر جودی وگفته شد دور باد برای گروه ستمگران وبخواند نوح

رَّبَّهٗ فَقَالَ رَبِّ اِنَّ ابْنِیْ مِنْ اَهْلِیْ وَاِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَاَنْتَ اَحْكَمُ الْحٰكِمِیْنَ ﴿۴۵﴾

پروردگار خود را پس گفت پروردگارا همانا پسرم از خاندان من است وهر آینه وعدهٔ تو حق است وتوئی بهترین حکم کنندگان

قَالَ یٰنُوْحُ اِنَّهٗ لَیْسَ مِنْ اَهْلِكَ ۚ اِنَّهٗ عَمَلٌ غَیْرُ صَالِحٍ ۫ فَلَا تَسْـَٔلْنِ مَا لَیْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ ؕ

گفت ای نوح نیست او از خاندان تو وهمانا او کرداری ست ناشایست پس نپرس مرا آنچه نیستت بدان دانشی

اِنِّیْۤ اَعِظُكَ اَنْ تَكُوْنَ مِنَ الْجٰهِلِیْنَ ﴿۴۶﴾ قَالَ رَبِّ اِنِّیْۤ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَسْـَٔلَكَ مَا لَیْسَ

همانا اندرزت کویم تا نباشی از نادانان گفت پروردگارا پناه برم بتو که بپرسم آنچه را نباشد

لِیْ بِهٖ عِلْمٌ ؕ وَاِلَّا تَغْفِرْ لِیْ وَتَرْحَمْنِیْۤ اَكُنْ مِّنَ الْخٰسِرِیْنَ ﴿۴۷﴾ قِیْلَ یٰنُوْحُ اهْبِطْ بِسَلٰمٍ مِّنَّا

مرا دانشی بدان واگر نیامرزی مرا ورحم نکنی برمن باشم از زیانکاران گفته شد ای نوح فرود آی با آرامشی از ما

وَبَرَكٰتٍ عَلَیْكَ وَعَلٰۤی اُمَمٍ مِّمَّنْ مَّعَكَ ؕ وَاُمَمٌ سَنُمَتِّعُهُمْ ثُمَّ یَمَسُّهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ اَلِیْمٌ

وبرکتهائی بر تو وبر طوائفی از آنانکه با تو هستند وطوائفی که زود باشد بهره مندشان کردیم وسپس برسد بایشانرا از ما عذابی دردناک

﴿۴۸﴾ تِلْكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ الْغَیْبِ نُوْحِیْهَاۤ اِلَیْكَ ۚ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَاۤ اَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ

این از خبرهای ناپیداست که وحی میفرستیمش بسوی تو نبودهای که بدانی آنهارا تو ونه قومت پیش از

هٰذَا ۛ فَاصْبِرْ ؕ اِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِیْنَ ﴿۴۹﴾ وَاِلٰی عَادٍ اَخَاهُمْ هُوْدًا ؕ قَالَ یٰقَوْمِ اعْبُدُوا

این پس بردبار شو همانا فرجام ست از آن پرهیزکاران وبسوی عاد برادر ایشان هود را گفت ای قوم من پرستش کنید

اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَیْرُهٗ ؕ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا مُفْتَرُوْنَ ﴿۵۰﴾ یٰقَوْمِ لَاۤ اَسْـَٔلُكُمْ عَلَیْهِ اَجْرًا ؕ

خدارا نیست شمارا خداوندی جز او نیستید شما جز دروغ آوران ای قوم من نخواهم از شما بر آن مزدی را

اِنْ اَجْرِیَ اِلَّا عَلَی الَّذِیْ فَطَرَنِیْ ؕ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿۵۱﴾ وَیٰقَوْمِ اسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوْۤا

نیست مزدمن جز بر آنکه مرا آفریده است پس آیا نخواهید دانست وای قوم من آمرزش جوئید از پروردگار خود پس توبه کنید

اِلَیْهِ یُرْسِلِ السَّمَآءَ عَلَیْكُمْ مِّدْرَارًا وَّیَزِدْكُمْ قُوَّةً اِلٰی قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِیْنَ

بسوی او تا فرستد برشما آسمان را ریزان ریزان وبیفزاید شمارا نیروئی بر نیروتان ویشت نکنید گنهکاران

﴿۵۲﴾ قَالُوْا یٰهُوْدُ مَا جِئْتَنَا بِبَیِّنَةٍ وَّمَا نَحْنُ بِتَارِكِیْۤ اٰلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ وَمَا نَحْنُ لَكَ

گفتند ای هود بیاوردی مارا نشانی ونیستیم ما ترک کننده خدایان خود بگفتار تو ونیستیم ما بتو

بِمُؤْمِنِیْنَ ﴿۵۳﴾ اِنْ نَّقُوْلُ اِلَّا اعْتَرٰىكَ بَعْضُ اٰلِهَتِنَا بِسُوْٓءٍ ؕ قَالَ اِنِّیْۤ اُشْهِدُ اللّٰهَ

ایمان آورندگان نگوئیم جز آنکه گرفته است ترا برخی از خدایان ما ببدی گفت همانا گواه گیرم خدارا

وَاشْهَدُوْۤا اَنِّیْ بَرِیْٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُوْنَ ﴿۵۴﴾ مِنْ دُوْنِهٖ فَكِیْدُوْنِیْ جَمِیْعًا ثُمَّ لَا تُنْظِرُوْنِ ﴿۵۵﴾

وگواه باشید شما که بیزارم از آنچه شرک میورزید جز خدا پس آهنگ من کنید همگی وسپس مهلتم ندهید

اِنّی تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ رَبّی وَرَبِّکُمْ ؕ مَّا مِنْ دَآبَّةٍ اِلَّا هُوَ اٰخِذٌۢ بِنَاصِیَتِهَا ؕ اِنَّ رَبّی عَلٰی

همانا توکل کردم بر خدا پروردگار من و پروردگار شما نیست جنبنده‌ای جز آنکه اوست گیرنده پیشانیش همانا پروردگار من است بر

صِرَاطٍ مُّسْتَقِیمٍ ﴿۵۶﴾ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ اَبْلَغْتُکُمْ مَّا اُرْسِلْتُ بِهٖۤ اِلَیْکُمْ ؕ وَیَسْتَخْلِفُ رَبّی

راهی راست پس اگر پشت کردند همانا ابلاغ کردم بشما آنچه را بدان فرستاده شدم بسوی شما و برگیرد بجای شما پروردگار من

قَوْمًا غَیْرَکُمْ ۚ وَلَا تَضُرُّوْنَهٗ شَیْـًٔا ؕ اِنَّ رَبّی عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ حَفِیظٌ ﴿۵۷﴾ وَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّیْنَا

قومی را غیر از شما و گزندش نرسانید بچیزی همانا پروردگار من است بر همه چیز نگهبان تو هنگامیکه بیامد امر ما رهانیدیم

هُوْدًا وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا ۚ وَنَجَّیْنٰهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِیظٍ ﴿۵۸﴾ وَتِلْکَ عَادٌ جَحَدُوْا

هود را و آنانکه ایمان آوردند با او برحمتی از ما و رهائیشان دادیم از عذابی انبوه و اینک عاد انکار کردند

بِاٰیٰتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهٗ وَاتَّبَعُوْۤا اَمْرَ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ ﴿۵۹﴾ وَاُتْبِعُوْا فِیْ هٰذِهِ الدُّنْیَا

آیتهای پروردگار خود را و نافرمانی کردند پیمبران او را و پیروی کردند فرمان هر فرمانده خیره سری را و پیرو شدند در این دنیا

لَعْنَةً وَیَوْمَ الْقِیٰمَةِ ؕ اَلَاۤ اِنَّ عَادًا کَفَرُوْا رَبَّهُمْ ؕ اَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُوْدٍ ﴿۶۰﴾ وَاِلٰی

لعنتی را و در روز قیامت همانا عاد کفر ورزیدند بپروردگار خویش همانا دور باد برای عاد قوم هود و بسوی

ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا ۘ قَالَ یٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَکُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَیْرُهٗ ؕ هُوَ اَنْشَاَکُمْ مِّنَ الْاَرْضِ

ثمود برادر ایشان صالح را گفت ای قوم من پرستش کنید خدا را نیست شما را خدائی جز او او پدید آورد است شما را از زمین

وَاسْتَعْمَرَکُمْ فِیْهَا فَاسْتَغْفِرُوْهُ ثُمَّ تُوْبُوْۤا اِلَیْهِ ؕ اِنَّ رَبّی قَرِیْبٌ مُّجِیْبٌ ﴿۶۱﴾ قَالُوْا یٰصٰلِحُ قَدْ

و استعمار کرد است شما را در آن پس استغفار کنید او را سپس بازگشت کنید بسوی او که پروردگار من نزدیک است و پذیرنده گفتند ای صالح همانا

کُنْتَ فِیْنَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هٰذَاۤ اَتَنْهٰىنَاۤ اَنْ نَّعْبُدَ مَا یَعْبُدُ اٰبَآؤُنَا وَاِنَّنَا لَفِیْ شَکٍّ مِّمَّا تَدْعُوْنَاۤ اِلَیْهِ

امیدواری ما بودی پیش از این آیا نهی کنی ما را از آنکه پرستیم آنچه را میپرستند پدران ما و مائیم در شکی از آنچه خوانیمان بدان

مُرِیْبٍ ﴿۶۲﴾ قَالَ یٰقَوْمِ اَرَاَیْتُمْ اِنْ کُنْتُ عَلٰی بَیِّنَةٍ مِّنْ رَّبّی وَاٰتٰىنِیْ مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ یَّنْصُرُنِیْ

بریب افکننده گفت ای قوم من آیا دیده‌اید که اگر بر رهبری از پروردگار خود باشم و آمده باشد مرا از او رحمتی پس که مرا یاری دهد

مِنَ اللّٰهِ اِنْ عَصَیْتُهٗ فَمَا تَزِیْدُوْنَنِیْ غَیْرَ تَخْسِیْرٍ ﴿۶۳﴾ وَیٰقَوْمِ هٰذِهٖ نَاقَةُ اللّٰهِ لَکُمْ

از خدا اگر نافرمانیش کنم پس نیفزائید مرا جز زیانکاری و ای قوم من اینست اشتر خدا برای شما

اٰیَةً فَذَرُوْهَا تَاْکُلْ فِیْۤ اَرْضِ اللّٰهِ وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْٓءٍ فَیَاْخُذَکُمْ عَذَابٌ قَرِیْبٌ ﴿۶۴﴾

آیتی پس بگذاریدش بچرد در زمین خدا و گزندش نگردید ببدی که برگیرد شما را عذابی نزدیک

فَعَقَرُوْهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوْا فِیْ دَارِکُمْ ثَلٰثَةَ اَیَّامٍ ؕ ذٰلِکَ وَعْدٌ غَیْرُ مَکْذُوْبٍ ﴿۶۵﴾

پس پی کردند آنرا پس گفت کامیاب مانید در خانه خود سه روز این است وعده نادروغ

فَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّیْنَا صٰلِحًا وَالَّذِیْنَ اٰمَنُوْا مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْیِ یَوْمِئِذٍ ؕ اِنَّ

تا هنگامیکه بیامد امر ما رهانیدیم صالح را و آنانکه ایمان آوردند با او برحمتی از ما و از خواری آنروز همانا

رَبَّکَ هُوَ الْقَوِیُّ الْعَزِیْزُ ﴿۶۶﴾ وَاَخَذَ الَّذِیْنَ ظَلَمُوا الصَّیْحَةُ فَاَصْبَحُوْا فِیْ دِیَارِهِمْ

پروردگار تو است نیرومند دادستان و بگرفت آنانرا که ستم کردند خروشی پس شدند در خانه‌های خود

جٰثِمِیْنَ ﴿۶۷﴾ کَاَنْ لَّمْ یَغْنَوْا فِیْهَا ؕ اَلَاۤ اِنَّ ثَمُوْدَا کَفَرُوْا رَبَّهُمْ ؕ اَلَا بُعْدًا لِّثَمُوْدَا ﴿۶۸﴾

مردگان چنانکه گوئی هرگز سکونت نگزیده‌اند در آنها همانا ثمود کفر ورزیدند بپروردگار خویش همانا دور باد برای ثمود

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرٰهِيمَ بِالْبُشْرٰى قَالُوا سَلَامًا ۖ قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ

وهمانا آمدند فرستادگان ما ابراهیم را بمژده گفتند سلام گفت سلام پس درنگ ناکرده بیاورد گوساله بریان

(٦٩) فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ

وهنگامی که دید دستهاشان نمیرسد بسوی آن ناشناسشان گرفت و برداشت از ایشان بیمی گفتند نترس که ما فرستاده شدیم بسوی

قَوْمِ لُوطٍ ۖ (٧٠) وَامْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحٰقَ ۙ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحٰقَ يَعْقُوبَ (٧١) قَالَتْ

قوم لوط و زنش ایستاده بود پس خندید پس مژده دادیمش باسحق و از پس اسحق یعقوب گفت

يَا وَيْلَتَىٰ أَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهٰذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ (٧٢) قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ

ای وای آیا بزایم و منم پیری ناتوان و این است شوهر من پیری فرتوت همانا این است چیزی شگفت گفتند آیا شگفت مانی از کار

اللَّهِ رَحْمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ ۚ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ (٧٣) فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ

خدا رحمت خدا و برکتهای او بر شما خاندان است همانا او است ستوده ارجمند تا گاهیکه برفت از

إِبْرٰهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرٰى يُجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ۚ (٧٤) إِنَّ إِبْرٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ (٧٥)

ابراهیم ترس و بیامدش مژده میستیزد با ما در باره قوم لوط همانا ابراهیم بردباری است نالانیست زاری کنان

يَا إِبْرٰهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هٰذَا ۖ إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ ۖ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ (٧٦)

ای ابراهیم درگذر از این همانا بیامد امر پروردگار تو و همانا آینده است ایشانرا عذابی نا بازگردانیده

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هٰذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ (٧٧) وَجَاءَهُ

و هنگامی که آمد فرستادگان ما لوط را برنج شد از ایشان و تنگ آمدش بدیشان تاب و توان و گفت اینست روزی سخت (خشم آگین) و بیامدندش

قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ ۚ قَالَ يَا قَوْمِ هٰؤُلَاءِ بَنَاتِي

قومش میشتافتند بسوی او و از پیش بودند میکردند بدیها را گفت ای قوم اینک دخترانم

هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي ۖ أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ (٧٨) قَالُوا لَقَدْ

پاکیزه ترند برای شما پس بترسید خدا را و خوارم نسازید در میهمانانم آیا نیست در شما مردی خردمند گفتند

عَلِمْتَ مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ (٧٩) قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ

تو دانی نیست ما را در دختران تو کامی و هر آینه میدانی ما چه خواهیم گفت کاش مرا بر شما نیروئی میبود یا پناه میبردم بپایگاهی

شَدِيدٍ (٨٠) قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا

سخت گفتند ای لوط مائیم فرستادگان پروردگار تو هرگز نرسند بتو پس کوچ کن با خاندان خود در پاره از شب و روی

يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا امْرَأَتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ ۚ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ

برنگرداند از شما هیچکس جز زن تو که ویرا رسنده است آنچه ایشانرا رسد همانا وعده گاه آنان بامداد است آیا نیست بامداد

بِقَرِيبٍ (٨١) فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ مَنْضُودٍ (٨٢)

نزدیک تا گاهیکه بیامد امر ما گردانیدیم روی آنرا زیر آن و باریدیم بر آن سنگهائی از سجیل (سنگ گل) برشته کشیده

مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ (٨٣) وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا

نشاندارانی نزد پروردگار تو و نیست آن از ستمگران دور و بسوی مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم من پرستش کنید

اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلٰهٍ غَيْرُهُ ۖ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُحِيطٍ (٨٤)

خدا را نیست شما را خداوندی جز او و کم ندهید پیمانه و ترازو را همانا بینم شما را در خوشی و ترسم بر شما از عذاب روزی فرا گیرنده

الا ان ثمودا ٦٨ در اینجا ثمود منصرف است یا غیر منصرف اقوال و تفاصیل است و قرا بهر دو وجه قرائت کردند یعنی ثمودا با تنوین و ثمودا بی تنوین و لیکن اجماعی است که در خط باید با الف پس از آن نوشته شود از ابو علی فارسی است که مطلق اینگونه اسماء مانند عاد و ثمود و غیرها که بر قبایل و اقوام اطلاق میشود بر چهار گونه است نخست آنکه نام پدران حی یا قبیله باشد دوم آنکه نام خود قبیله باشد سیم آنکه غالبا اطلاق بر حی و اب و یا قبیله شود چهارم آنکه مساوی باشد اطلاق آن بر هر یک از دو وجه پس از آنچه بر حی اطلاق شده است ثقیف و قریش و هر چه را کلمه بنو در اولش در نیارند شمرده اند چه بنو قریش یا ثقیف گفته نمیشود و اما آنچه نام قبیله است مانند تمیم که بر آن گاهی لفظ بنت اطلاق کنند چنانکه سیبویه آورده است قیس ابنة غیلان و تمیم صاحبة ذلک یا گفته اند تغلب ابنة وائل و اما آنچه نام حی یا قبیله بر آن غالب شده است مانند باهله

حزب (٣)

که بابله بن اعصر گویند و چون مجوس نام قبیله دانستند

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ

و ای قوم تمام دهید پیمانه و ترازو را بداد و کم ندهید بمردم چیزهای ایشانرا و نکوشید (نتازید) در زمین

مُفْسِدِينَ ﴿۸۵﴾ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ ﴿۸۶﴾ قَالُوا يَا شُعَيْبُ

تباهکاران بازمانده خدا بهتر است برای شما اگر هستید مؤمنان و نیستم من بر شما نگهبان گفتند ای شعیب

أَصَلَوٰتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ

آیا نمازت فرمانت دهد که رها کنیم آنچه را میپرستیدند پدران ما یا آنکه کنیم در مالهای خود هر آنچه خواهیم همانا توئی بردبار

الرَّشِيدُ ﴿۸۷﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ

خردمند گفت ای قوم من آیا دیده اید که اگر باشم بر نشانی از پروردگارم و روزیم دهد از خویش روزی نیکو و نخواهم

أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ

مخالفت کنم شما را بسوی آنچه شما را از آن نهی میکنم نخواهم جز کار ساختن (درست کردن) را هرچه توانم نیست موفق داشتنم جز با خدا بر او

تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ﴿۸۸﴾ وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ أَوْ

تکیه نمودم و بسوی او زاری کنم و ای قوم بگناه نیندازد شما را مخالفت من تا برسد شما را مانند آنچه رسیده است قوم نوح را یا

قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ ﴿۸۹﴾ وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ

قوم هود را یا قوم صالح را و نیست ای قوم لوط از شما دور و استغفار کنید پروردگار خویش را پس توبه کنید بسوی او

إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ﴿۹۰﴾ قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا مِمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا

همانا پروردگار من است مهربانی دوست دار گفتند ای شعیب در نمی یابیم بسیاری از آنچه گوئی و همانا بینیمت میان ما ناتوان

وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ﴿۹۱﴾ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَهْطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ

و اگر نبودند کسان تو هر آینه سنگسارت میکردیم و نیستی تو بر ما برتر گفت ای قوم آیا کسان من عزیزترند نزد شما از خدا

وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظِهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿۹۲﴾ وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي

و برگرفتید او را از پس خویش بپشت افکنده همانا پروردگار من است بدانچه میکنید فراگیرنده و ای قوم عمل کنید با توانائی خویش که منم

عَامِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ وَارْتَقِبُوا إِنِّي مَعَكُمْ رَقِيبٌ ﴿۹۳﴾

عمل کننده زود است بدانید که را آید عذابی که خوار سازدش و کیست آنکه او است دروغگوی و چشم براه باشید که منم با شما چشم براه

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ

و هنگامیکه بیامد امر ما رهانیدیم شعیب را و آنانکه ایمان آوردند با او برحمتی از ما و بگرفت آنانرا که ستم کردند خروشی

فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿۹۴﴾ كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا أَلَا بُعْدًا لِمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ ثَمُودُ ﴿۹۵﴾ وَلَقَدْ

پس شدند در خانه های خویش مرده گان چنانکه گوئی نبوده اند در آن هرگز همانا دور باد برای مدین چنانکه دور شدند ثمود و همانا

أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿۹۶﴾ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ

فرستادیم موسی را بآیتهای ما و فرمانروائی آشکار بسوی فرعون و کسانش پس پیروی کردند امر فرعون را و نیست امر فرعون

بِرَشِيدٍ ﴿۹۷﴾ يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ ﴿۹۸﴾ وَأُتْبِعُوا فِي هَٰذِهِ لَعْنَةً

رهنمون پیشوا شود قوم خویش را روز قیامت پس در آوردشان در آتش و چه زشت آبشخوری است فرود آمده بر آن و پیرو شدند در این لعنتی را

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ ﴿۹۹﴾ ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْقُرَىٰ نَقُصُّهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ ﴿۱۰۰﴾

و روز قیامت چه زشت است میهمانان پذیرائی شده این از داستان شهرهاست که میسرائیم بر تو از آنهاست ایستاده و درویده

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلٰكِنْ ظَلَمُوٓا اَنْفُسَهُمْ فَمَآ اَغْنَتْ عَنْهُمْ اٰلِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ لَّمَّا

وستم نکردیم برایشان ولیکن ستم کردند خویش را پس بی نیاز نکرد از ایشان خدایانشان که میخواندند جز خدا بچیزی گاهی که

جَآءَ اَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ ﴿۱۰۱﴾ وَكَذٰلِكَ اَخْذُ رَبِّكَ اِذَآ اَخَذَ الْقُرٰى وَهِيَ ظَالِمَةٌ اِنَّ

بیامد امر پروردگار تو ونیفزودشان جز تباهی بدینسان است گرفتن پروردگار تو گاهی که گرفت شهرها را حالیکه ستمکار بودند همانا

اَخْذَهُ اَلِيمٌ شَدِيدٌ ﴿۱۰۲﴾ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّمَنْ خَافَ عَذَابَ الْاٰخِرَةِ ذٰلِكَ يَوْمٌ مَّجْمُوعٌ لَّهُ النَّاسُ

گرفتن اوست دردناک سخت همانا در این است آیتی برای آنکه بترسد عذاب آخرت را اینست روزی که گرد آورده شود برای آن مردم

وَذٰلِكَ يَوْمٌ مَّشْهُودٌ ﴿۱۰۳﴾ وَمَا نُؤَخِّرُهُ اِلَّا لِاَجَلٍ مَّعْدُودٍ ﴿۱۰۴﴾ يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ اِلَّا بِاِذْنِهِ فَمِنْهُمْ

واین است روزی گواهی شده وپس نیندازیمش مگر تا سرآمدی شمرده روزی که آید سخن نگوید کسی جز برخصت او پس از ایشان است

شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ ﴿۱۰۵﴾ فَاَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ﴿۱۰۶﴾ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ

بدبخت ونیکبخت پس آنانکه بدبخت شدند در آتش ایشان راست در آن آه وناله (آههائیکه برآید وفرو رود) جاودانند در آن مادامیکه

السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ اِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ اِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ﴿۱۰۷﴾ وَاَمَّا الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي

آسمانهاست وزمین جز آنچه خواهد پروردگار تو که پروردگار تو کننده است آنچه را خواهد واما آنانکه نیکبخت شدند پس در

الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوَاتُ وَالْاَرْضُ اِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ عَطَآءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ﴿۱۰۸﴾ فَلَا

بهشت جاودانند در آن مادامیکه آسمانها وزمین است جز آنچه خواهد پروردگار تو بخششی نابریده یا بیکران پس

تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هٰٓؤُلَآءِ مَا يَعْبُدُونَ اِلَّا كَمَا يَعْبُدُ اٰبَآؤُهُمْ مِّنْ قَبْلُ وَاِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ

نباش در تردیدی از آنچه میپرستند اینان نمیپرستند مگر چنانکه پرستیدند پدران ایشان از پیش وهمانا پردازنده ایم بدیشان

نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ ﴿۱۰۹﴾ وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ

بهره ایشان را ناکاسته وهمانا دادیم بموسی کتاب را پس اختلاف شد در آن واگر نبود سخنی که پیشی گرفت است از

رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَاِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ﴿۱۱۰﴾ وَاِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ اَعْمَالَهُمْ

پروردگار تو هرآینه قضاوت میشد میان ایشان وهمانا ایشانند در شکی از آن بریب افکننده وهرکدام را هرآینه بپردازد بدیشان پروردگار تو کردارهای ایشان را

اِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿۱۱۱﴾ فَاسْتَقِمْ كَمَآ اُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا اِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

همانا اوست بدانچه میکنند آگاه پس پایدار باش چنانکه مامور شدی وآنانکه توبه کردند با تو وسرکشی نکنید که او بدانچه میکنید بیناست

﴿۱۱۲﴾ وَلَا تَرْكَنُوٓا اِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ اَوْلِيَآءَ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ

ونگروید بسوی آنان که ستم کردند که میرسد شما را آتش ونباشد شما را جز خدا دوستانی وسپس یاری نمیشوید

﴿۱۱۳﴾ وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلَفًا مِّنَ اللَّيْلِ اِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذٰلِكَ

وبپای دار نماز را هردو سر روز وپاره هائی از شب همانا خوبیها میبرند بدیها را این است

ذِكْرٰى لِلذَّاكِرِينَ ﴿۱۱۴﴾ وَاصْبِرْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يُضِيعُ اَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۱۱۵﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ

یادآوردنی برای یادآرندگان وصبر کن که خدا تباه نکند پاداش نکوکاران را پس چرا نبود از قرنهای

قَبْلِكُمْ اُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْاَرْضِ اِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ اَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا

پیش از شما بازماندگانی که نهی کنند از تباه کاری در زمین مگر کمی از آنانکه نجات دادیم از ایشان وپیروی کردند ستمکاران

مَآ اُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿۱۱۶﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرٰى بِظُلْمٍ وَاَهْلُهَا مُصْلِحُونَ ﴿۱۱۷﴾

آنچه را کامرانی نمودند در آن وشدند بزه کاران ونیست پروردگار تو که بکشد شهرها را بستم ومردمان آنها اند اصلاح کنندگان (درستکاران)

وچون بدروازه شهر رسیدند باز آن سخن بگفت جبرئیل گفت این سیمین وچون بسرای او درآمدند وزنش زیبائی ایشان را بدید بربالای بام شد ودستها بهم بزد اما قوم نشنیدند پس آتش بیفروخت ودود کرد تا آنان دریافته وبشتاب تمام بسوی سرای لوط روی آوردند

خالدین فیها ما دامت السموات والارض این آیت یکی از مواضع مشکله قرآن است از دو جهت نخست آنکه خلود اهل جهنم محدود بدوام آسمان وزمین شده است دوم آنکه استثنا از مخلد بودن شده است ودر جواب از اول دو وجه است اول آنکه مراد آسمان وزمین آخرت است یعنی سماوات وارضیکه دوباره اعاده شود پس از افناء چه آنهم غیر فانی است دوم آنکه اینجمله کنایت است از دور شمردن وهمیشه بودن شیء چه عرب را برای دلالت بر تابید عباراتی است چون ما اختلف اللیل والنهار وما ذر شارق وما اختلف الحجرة والدرة واز این قبیل وجواب از اشکال دوم نیز بر چند وجه است نخست آنکه استثنا نه از اصل عذاب است بلکه از فزودن آن والا بمعنی سوی است چنانکه گوئی ترا نزد من هزار دینار است بغیر از آن دو هزار دیگر ومعنی آیه والله العالم مخلدند در دوزخ بغیر از آنچه خدا خواهد

وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ اُمَّةً وَّاحِدَةً وَّلَا يَزَالُوْنَ مُخْتَلِفِيْنَ ﴿١١٨﴾ اِلَّا مَنْ رَّحِمَ رَبُّكَ

واگر میخواست پروردگار تو هرآینه میگردانید مردم را یک ملت و پیوسته اختلاف کنندگان باشند مگر آنکه رحم کند پروردگار تو

وَلِذٰلِكَ خَلَقَهُمْ ؕ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ لَاَمْلَئَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ ﴿١١٩﴾ وَكُلًّا

وبرای این بیافریدستشان وتمام شد سخن پروردگار تو که همانا پر سازم دوزخ را از جنیان و مردم همگی وهرکدام را

نَّقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ اَنْۢبَآءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهٖ فُؤَادَكَ ۚ وَجَآءَكَ فِيْ هٰذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَّذِكْرٰى

خوانیم برتو از داستانهای پیمبران آنچه استوار داریم بدان دلت را وبیامد است ترا در این حق واندرزی ویادآوردنی

لِلْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١٢٠﴾ وَقُلْ لِّلَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ اعْمَلُوْا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ ؕ اِنَّا عَامِلُوْنَ ﴿١٢١﴾ وَانْتَظِرُوْٓا اِنَّا مُنْتَظِرُوْنَ

برای مؤمنان بگو بدانان که ایمان نمیآورند عمل کنید بر توانائی خویش که مائیم عمل کنندگان ومنتظر باشید که مائیم منتظران

﴿١٢٢﴾ وَلِلّٰهِ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِلَيْهِ يُرْجَعُ الْاَمْرُ كُلُّهٗ فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ﴿١٢٣﴾

وخدایراست ناپیدای آسمانها وزمین وبسوی او بازگردانیده شود امر همه آن پس اورا پرستش کن وبراو توکل کن ونیست پروردگار تو غافل از آنچه میکنید

سورة يوسف مكية وآياتها مائة واحدى عشر آية

سورة ١٢ — حروفها ٧١٦٦ — كلماتها ١٧٣٦

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓرٰ ۚ تِلْكَ اٰيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِيْنِ ﴿١﴾ اِنَّآ اَنْزَلْنَاهُ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ﴿٢﴾ نَحْنُ

این است آیتهای کتاب آشکارا همانا فرستادیمش خواندنی بزبان تازی شاید بخرد یابید ما

نَقُصُّ عَلَيْكَ اَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَآ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ هٰذَا الْقُرْاٰنَ ۖ وَاِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهٖ لَمِنَ

همیخوانیم برتو بهترین داستانها را بدانچه وحی فرستادیم بسوی تو این قرآن را وهرچند بوده‌ای پیش از آن از

الْغَافِلِيْنَ ﴿٣﴾ اِذْ قَالَ يُوْسُفُ لِاَبِيْهِ يٰٓاَبَتِ اِنِّيْ رَاَيْتُ اَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَّالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

غافلان هنگامیکه گفت یوسف بپدر خود ای پدر من همانا درخواب دیدم یازده ستاره ومهر وماه را

رَاَيْتُهُمْ لِيْ سَاجِدِيْنَ ﴿٤﴾ قَالَ يٰبُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلٰٓى اِخْوَتِكَ فَيَكِيْدُوْا لَكَ كَيْدًا ؕ

دیدمشان برایم سجده کنندگان گفت ای فرزند من فرو نخوان خواب خویش را بر برادرانت تا برایت نیرنگی کنند

اِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْاِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ﴿٥﴾ وَكَذٰلِكَ يَجْتَبِيْكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَاْوِيْلِ

همانا شیطانست برای انسان دشمنی آشکار وبدینسان برگزیند ترا پروردگار تو وبیاموزدت از تعبیر

الْاَحَادِيْثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكَ وَعَلٰٓى اٰلِ يَعْقُوْبَ كَمَآ اَتَمَّهَا عَلٰٓى اَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ اِبْرٰهِيْمَ

خوابها وتمام کند نعمتش را برتو وبرخاندان یعقوب چنانکه تمام کرد آنرا بر پدران تو از پیش ابراهیم

وَاِسْحٰقَ ؕ اِنَّ رَبَّكَ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ﴿٦﴾ لَقَدْ كَانَ فِيْ يُوْسُفَ وَاِخْوَتِهٖٓ اٰيَاتٌ لِّلسَّآئِلِيْنَ ﴿٧﴾ اِذْ قَالُوْا

واسحق همانا پروردگار تو است دانای حکیم همانا در یوسف وبرادرانش آیتهائی است برای پرسش کنندگان هنگامیکه گفتند

لَيُوْسُفُ وَاَخُوْهُ اَحَبُّ اِلٰٓى اَبِيْنَا مِنَّا وَنَحْنُ عُصْبَةٌ ؕ اِنَّ اَبَانَا لَفِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ﴿٨﴾ اُقْتُلُوْا

هرآینه یوسف وبرادرش محبوبترند بسوی پدر ما از ما حالیکه مائیم گروهی نیرومند همانا پدر ماست در گمراهی آشکار بکشید

يُوْسُفَ اَوِ اطْرَحُوْهُ اَرْضًا يَّخْلُ لَكُمْ وَجْهُ اَبِيْكُمْ وَتَكُوْنُوْا مِنْۢ بَعْدِهٖ قَوْمًا صَالِحِيْنَ ﴿٩﴾

یوسف را یا بیفکنیدش بسرزمینی که تنها ماند برای شما روی پدر شما وباشید پس از وی قومی شایستگان

حزب (٤)

قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَأَلْقُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِن كُنتُمْ فَاعِلِينَ

گفت گوینده‌ای از ایشان نکشید یوسف را و بیفکنیدش در تاریکی چاه تا برگیردش برخی از کاروانیان اگر هستید کنندگان

(۱۰) قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ (۱۱) أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ

گفتند ای پدر ما چه شود ترا که امین نشماری ما را بر یوسف حالیکه مائیم برای او اندرزگویان (نیک اندیشان) بفرستش با ما بامداد بچرد

وَيَلْعَبْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (۱۲) قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَن تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَن يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ

و بازی کند و همانا مائیم او را نگهدارندگان گفت هر آینه اندوهگینم سازد که بریدش و ترسم بخوردش گرگ

وَأَنتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ (۱۳) قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَّخَاسِرُونَ (۱۴) فَلَمَّا

حالیکه باشید شما از او غافلان گفتند اگر بخوردش گرگ حالیکه مائیم گروهی نیرومند همانا باشیم در آنهنگام از زیانکاران سپس هنگامیکه

ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَن يَجْعَلُوهُ فِي غَيَابَتِ الْجُبِّ وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمْرِهِمْ هَٰذَا

بردند او را و گرد آمدند بر آنکه نهندش در تک چاه و وحی فرستادیم بدو که همانا تو آگهیشان دهی بکارشان این

وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ (۱۵) وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ (۱۶) قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا

و آنان در نیابند و آمدند شبانگاه پدر خویش را گریان گفتند ای پدر ما رفتیم مسابقه کنیم و گذاشتیم

يُوسُفَ عِندَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ وَمَا أَنتَ بِمُؤْمِنٍ لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ (۱۷) وَجَاءُوا عَلَىٰ

یوسف را نزد کالای خویش پس خورد او را گرگ و نیستی تو باور کننده ما را هر چند باشیم راستگویان و آوردند بر

قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا

جامه وی خونی دروغین گفت بلکه بیاراست برای شما دلهای شما کاری را پس شکیبائی نکوست و خداست یاری خواسته بر آنچه

تَصِفُونَ (۱۸) وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَىٰ دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَىٰ هَٰذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّوهُ

میستائید و بیامد کاروانی پس فرود کردند آبگیرنده خویش را پس سرازیر کرد دلو خود را و گفت مژده باد اینک تازه پسری و نهانش داشتند

بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ (۱۹) وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ

کالائی برای سوداگری و خدا داناست بدانچه میکنند و فروختندش ببهائی کم درهمهائی چند و بودند در او از

الزَّاهِدِينَ (۲۰) وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِن مِّصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا

قناعت کنندگان و گفت آنکه خریدش در مصر بزن خود گرامی دار جایگاه او را شاید سودی بما دهد یا برگیریمش فرزندی

وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ

و بدینسان فرمانروائی دادیم بیوسف در زمین و تا بیاموزیمش از تعبیر خوابها و خدا چیره است بر کار او

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۲۱) وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي

و لیکن بیشتر مردم نمیدانند و هنگامی که رسید نیروهای خود را (جوانی خود را) دادیمش فرمانروائی و دانش را و بدینسان پاداش دهیم

الْمُحْسِنِينَ (۲۲) وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ

نیکوکاران و کام خواست زنی که در خانه‌اش بود از او و ببست درها را و گفت هان بشتاب

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ (۲۳) وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا

گفت پناه برم بخدا همانا او پروردگار من نکو داشت جایگاه مرا همانا رستگار نشوند ستمکاران و هر آینه آن زن آهنگ او کرد و او آهنگ آن زن کرد

لَوْلَا أَن رَّأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ (۲۴)

اگر نمیدید دستاویز پروردگار خویش را چنین تا برگردانیم از او زشتی و ناشایست را که او است از بندگان ما ناآلودگان

فی غیابت الجب غیابت بمعنی پوشش است و غیابة البئر را مجمع بمعنی آنچه آب چاه را پوشاند گرفته است و لیکن در معنی آیت بقعر چاه تفسیر کرده است و در آن چاه که کجا بوده است اختلاف است بعضی آنرا چاه بیت المقدس دانند و بعضی آنرا چاهی در سر زمین اردن دانند و قولی است که آن بین مدین و مصر بوده است و دیگری آنرا سه فرسخ دور از منزل یعقوب شمرده و از ابو حمزه ثمالی است که امام زین العابدین علیه السلام گفت که یعقوب را هر روز شیوه آن بودی که گوسفندی کشتی و گوشتش تصدق کردی و از آن خود و عیال همیخوردی تا چنان افتاد که مؤمنی صوام را بگذر بود و تنگدست شامگاه آدینه بهنگام افطار بدر سرای او آمده و چیزی خواست آوازش بگوش خاندان یعقوب رسید ولی راستگویش ندانستند و بسخنش گوش فرا ندادند تا نومید شد و اشک ریزان از در سرای برفت و شب را گرسنه بروز آورد حالیکه آل یعقوب را در آن شب شکم آکنده از طعام بود خدای وحی بدو فرستاد که آماده بلا میباش و در همان شب بود که یوسف آنخواب بدید ۱۸ بل سولت از شعبی است که سبب

وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ

وسبقت گرفتند بر همدیگر بسوی در وبشکافت آنزن جامهٔ او را از پشت ویافتند شوهرش را نزد در گفت آنزن چیست پاداش آنکه

بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲۵﴾ قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ

بخاندان تو بدی خواهد مگر آنکه زندانی شود یا شکنجهٔ دردناک گفت این زن کام جست از من وگواهی داد گواهی از

أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿۲۶﴾ وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ

از خاندان آنزن که اگر پیراهنش از پیش دریده باشد راست گوید آنزن واوست از دروغگویان واگر جامهٔ او

قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۲۷﴾ فَلَمَّا رَأَى قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ

از پشت بشکافته زن دروغ گوید واوست از راستگویان پس گاهیکه دید پیراهنش از پشت بشکافته گفت همانا این از نیرنگ شما زنان است

إِنَّ كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ ﴿۲۸﴾ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هَٰذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ﴿۲۹﴾

همانا نیرنگ شماست بزرگ ای یوسف درگذر از این وتو ای زن آمرزش خواه برای گناه خود که هستی تو از لغزشکاران

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ

وگفتند زنانی در شهر زن عزیز در پی جستن کام از بندهٔ خویش است همانا مهر او دلش را ربوده هر آینه بینیمش در گمراهی

مُبِينٍ ﴿۳۰﴾ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ

آشکار پس هنگامیکه بشنید آنزن نیرنگ آنانرا پی ایشان فرستاد وفراهم کرد برای هر یک بالشی وداد بهر کدام از ایشان

سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَٰذَا

کاردی وگفت برون آی برایشان پس گاهی که بدیدندش بزرگش شمردند وبریدند دستهای خویش را وگفتند هرگز بخدا نباشد این

بَشَرًا إِنْ هَٰذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿۳۱﴾ قَالَتْ فَذَٰلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ

بشری نیست او مگر فرشتهٔ گرامی گفت این است آنکه مرا بدو نکوهش میکردید وهمانا کام از او خواستم

فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ ﴿۳۲﴾ قَالَ رَبِّ السِّجْنُ

ولی خودداری کرد واگر نکند آنچه بفرمایمش همانا زندانی شود وهر آینه بگردد از زبونان گفت پروردگارا زندان

أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ

مرا خوشتر است از آنچه خوانندم بسوی آن واگر بازنگردانی از من نیرنگ ایشانرا آهنگشان کنم وبشوم از

الْجَاهِلِينَ ﴿۳۳﴾ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۳۴﴾ ثُمَّ بَدَا لَهُمْ

نادانان پس پذیرفت از او پروردگارش وبرگردانید از او نیرنگ آنانرا همانا اوست شنوای دانا پس نمایان شد برای ایشان

مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿۳۵﴾ وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا

پس از آنکه دیدند نشانیها را که هر آینه بزندانش افکنند تا زمانی ودرون شدند باوی زندانرا دو جوان گفت یکیشان

إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا

همانا بخواب دیدم خویش را که انگوری میفشارم ودیگری گفت دیدم بخواب خویش را که برگرفتم بر سر خود نانی که میخوردند پرندگان از آن آگهی ده مارا

بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۳۶﴾ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ

از تعبیر آن که بینیمت هر آینه از نکوکاران گفت نیاید شمارا خوراکی که روزیمند شویدش جز آنکه آگهیتان دهم پسر انجامش

قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿۳۷﴾

پیش از آنکه بیاید شمارا این از آنست که بیاموخت مرا پروردگارم همانا من رها کردم آئین گروهیرا که ایمان نیاورند بخدا وایشانند بآخرت کافران

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِيٓ إِبْرٰهِيمَ وَإِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ ۚ مَا كَانَ لَنَآ أَنْ نُّشْرِكَ بِاللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ ذٰلِكَ مِنْ

و پیروی کردم آئین پدرانم ابراهیم و اسحق و یعقوب را نرسد ما را که شرک ورزیم بخدا چیزی این از

فَضْلِ اللّٰهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿۳۸﴾ يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ ءَأَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ

فضل خداوند است بر ما و بر مردم لیکن بیشتر مردم سپاس نگذارند ای دو یار زندانم آیا پروردگارانی پراکنده

خَيْرٌ أَمِ اللّٰهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿۳۹﴾ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّآ أَسْمَآءً سَمَّيْتُمُوهَآ أَنْتُمْ وَآبَآؤُكُمْ مَّآ

بهترند یا خداوند یگانه سخت گیر نمیپرستید جز او مگر نامهائی که نامیدید شما و پدران شما

أَنْزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ ۚ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلّٰهِ ۚ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوٓا إِلَّآ إِيَّاهُ ۚ ذٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلٰكِنَّ

نفرستاد خدا بدانها فرمانی نیست فرمان جز برای خدا فرمود که نپرستید جز او را این است دین استوار ولیکن

أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۴۰﴾ يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ أَمَّآ أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ خَمْرًا ۖ وَأَمَّا الْآخَرُ فَيُصْلَبُ فَتَأْكُلُ

بیشتر مردم نمیدانند ای یاران زندان اما یکی از شما بنوشاند خداوند خویش را باده و اما دیگری بدار آویزان شود پس بخورند

الطَّيْرُ مِنْ رَّأْسِهِ ۚ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ ﴿۴۱﴾ وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ

پرندگان از سرش بگذشت کاری که در آن فتوی میخواستید و گفت بدانکه میپنداشتش نجات یابنده از آن دو یاد کن مرا نزد

رَبِّكَ ۖ فَأَنْسٰهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ ﴿۴۲﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّيٓ أَرٰى سَبْعَ

خداوند خویش پس فراموشش ساخت شیطان یاد آوری خداوندش را پس ماند در زندان چند سال و گفت پادشاه دیدم در خواب هفت

بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ ۚ يَآ أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي

گاو فربه که میخوردندشان هفت گاو لاغر و هفت خوشه سبز و دیگری خشک ای گروه فتوی دهیدم در

رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ ﴿۴۳﴾ قَالُوٓا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ ۖ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ ﴿۴۴﴾

خوابم اگر خوابرا تعبیر توانید گفتند پاره خوابهای بیهده است و نیستیم ما تعبیر خوابهای بیهده را دانایان

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ ﴿۴۵﴾ يُوسُفُ

و گفت آنکه نجات یافته بود از آن دو و یاد آمدش پس از نسلی من آگهیتان دهم بتعبیرش پس مرا بفرستید یوسف

أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ عِجَافٌ وَسَبْعِ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ

ای راستگو فتوی ده ما را در هفت گاو فربه که خوردندشان هفت لاغر و هفت خوشه سبز و دیگرانی

يَابِسَاتٍ لَّعَلِّيٓ أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿۴۶﴾ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا ۖ

خشک شاید بازگردم بسوی مردم شاید ایشان بدانند گفت کشت کنید هفت سال پیاپی

فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ ﴿۴۷﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ سَبْعٌ

پس آنچه را درویدید بگذاریدش در خوشه خود جز اندکی از آنچه میخورید پس بیاید پس از این هفت سال

شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ ﴿۴۸﴾ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ

سخت که میخورند آنچه آماده کردید برای آنها بجز اندکی از آنچه نگهمیدارید پس بیاید پس از آن سالی که در آن باران بارد

النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ﴿۴۹﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ ۖ فَلَمَّا جَآءَهُ الرَّسُولُ قَالَ ارْجِعْ إِلٰى رَبِّكَ

بر مردم و در آن رهائی یابند گفت شاه بیاوریدم بدو و هنگامی که آمدش فرستاده گفت برگرد بسوی خداوند خویش

فَسْئَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ ۚ إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ﴿۵۰﴾

پس بپرس از او چه بود آن زنان را که سخت بریدند دستهای خود را همانا پروردگار من به نیرنگ آنان است دانا

فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ۴۲ یعنی شیطان خدای را از یاد یوسف برد چنانکه از امام علی بن الحسین و امام ابی عبد الله صادق علیهما السلام روایت است یا شیطان از یاد رفیق زندان بدر برد که پس از استخلاص در باره یوسف با خداوند خویش سخن گوید ۵۰ فَسْئَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ گویند از آنجهت نام زلیخا نبرد و دیگر زنان بگفت که بزرگواریش باز میداشت از آنکه روزگاری با وی معاشرت داشتی و خدمت او بجان همیکردی و یا از آن روی که نخواستی دل عزیز را با ذکر نام او آزرده دارد ۵۴ اَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي گویند یوسف بر در زندان نوشت هنگامیکه برون آمدن خواست. اینست گور زندگان و خانه اندوه و آزمایشگاه دوستان و نکوهشگاه دشمنان و هم زندانیان را دعا گفت که بار خدایا دلهای نیکان برایشان مهربان کن و اخبار را برایشان پوشیده مدار و از این است که زندانیان بیش از همه بر اخبار و وقایع واقف شوند. ۵۶ وَكَذٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ از تفسیر علی بن ابراهیم است که در آن سالهای تنگی و قحطی عزیز مصر بمرد و زنش زلیخا را کار پریشان شد و بتنگدستی و بینوائی کشید چندانکه در یوزگی نمودی بود

قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَةُ الْعَزِيزِ

گفت چه شد شما را که کام جستید از یوسف گفتند هرگز خدا را ندانستیم بر او زشتی گفت زن عزیز

الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۵۱﴾ ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ

اکنون پدیدار گشت حق من کام خواستم از او و او است از راستگویان این تا بداند که من خیانتش نکردم بنهان

وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ﴿۵۲﴾ وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

و آنکه خدا نیست رهبری کننده نیرنگ خیانتکاران و تبرئه نکنم (بیزار نشمرم) خویشتن را همانا دل بسیار امر کننده است بزشتی مگر آنکه رحم کرد است پروردگار من

إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۵۳﴾ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ

همانا پروردگار من است آمرزنده مهربان گفت شاه بر من در آریدش تا بخود مخصوصش سازم سپس گاهیکه سخن گفت با او گفت همانا توئی امروز

لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ﴿۵۴﴾ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ﴿۵۵﴾ وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ

نزد ما فرمانروای امین گفت بگمار مرا بر گنجهای زمین که منم نگهبانی دانشمند بدینسان فرمانروائی دادیم یوسف را

فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿۵۶﴾ وَلَأَجْرُ

در زمین تا نشیمن گزیند از آن در هر جا که خواهد رسانیم برحمت خویش هر که را خواهیم و تباه نکنیم پاداش نکوکاران را و همانا پاداش

الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿۵۷﴾ وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ

آخرت بهتر است برای آنانکه ایمان آوردند و بودند پرهیز میکردند و آمدند برادران یوسف پس بر او در آمدند پس بشناخت آنانرا و بودند

لَهُ مُنْكِرُونَ ﴿۵۸﴾ وَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي

ایشان او را ناشناسندگان و هنگامی که بست بار ایشان را گفت بیارید مرا برادری که شما راست از پدر شما آیا نبینید که تمام میدهم

الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿۵۹﴾ فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ﴿۶۰﴾

پیمانه را و منم بهترین میزبانان (فرود آرندگان) پس اگر نیاوریدم بدو نه پیمایشی باشد شما را نزد من و نه بمن نزدیک شوید

قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ﴿۶۱﴾ وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ

گفتند زود است بفریبیم از او پدرش را همانا مائیم کنندگان و گفت بجوانان خود بگذارید کالای ایشان را در بارهای ایشان

لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۶۲﴾ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا

باشد بشناسندش گاهی که باز گردند بسوی خاندان خود شاید باز گردند ایشان و هنگامی که باز گشتند بسوی پدر خویش گفتند

يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۶۳﴾ قَالَ هَلْ آمَنُكُمْ

ای پدر باز داشته شد از ما پیمایش پس بفرست با ما برادر ما را تا بپیمائیم و همانا مائیم برای او نگهدارندگان گفت آیا امین شمرم شما را

عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴿۶۴﴾ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ

بر او جز بدانگونه که امین شمردم شما را بر برادرش از پیش پس خدا است بهترین نگاهدارنده و او است مهربانترین مهربانان و هنگامیکه برگشودند بار خویش را

وَجَدُوا بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَٰذِهِ بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا

دیدند کالای خود را که باز گردانیده شده است بسوی ایشان گفتند ای پدر چه میخواهیم اینک کالای ما برگردانیده شد بسوی ما و خوراک دهیم خاندان خویش را

وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَٰلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ﴿۶۵﴾ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا

و نگهداریم برادر خویش را و بیفزائیم پیمایش اشتری را این است پیمایشی اندک گفت نفرستمش با شما تا دهیدم گروگانی

مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿۶۶﴾

از خدا که بیاریدش بسوی من مگر آنکه فرا گرفته شوید و هنگامی که دادندش گروگان خود را گفت خدا است بر آنچه گوئیم وکیل

الجزء (۱۳)

وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ ۖ وَمَا أُغْنِي عَنكُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ ۚ

وگفت ای فرزندان من درون نشوید از یک در ودر آیید از درهای پراکنده ولی نیارم کردانم شما را از خدا هیچ چیزی

إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ۖ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ۖ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٦٧﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ

نیست حکم جز آن خدا براو توکل کردم وبراو توکل کنند توکل کنندگان وهنگامیکه درآمدند بدانسان که فرمود ایشانرا

أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُم مِّنَ اللَّهِ مِن شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا ۚ وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا

پدرشان نبود که بنیاز کند ایشان ازخدا چیزی مگر خواستهٔ در دل یعقوب که برآورد ودرستی وهانا او بهت دانشمندی بود بآنچه

عَلَّمْنَاهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦٨﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا

بیاموختیمش ولیکن بیشتر مردم نمیدانند وهنگامیکه درآمدند بر یوسف جای داد خود برادر خودرا گفت هانا منم

أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٩﴾ فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ

برادر تو پس اندوهگین بدانچه بودند میکردند وهنگامیکه بست بارهایشانرا گذارد جام را بیمان بار برادر خویش

ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ ﴿٧١﴾ قَالُوا

پس بانگ برآورد وبانگ دهنده گرای کاروان هانا شما بید دزدی کنندگان گفتند وبازگشتند بسوی گرای چه چیز گم کردید گفتند

نَفْقِدُ صُوَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ﴿٧٢﴾ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا

گم کردیم پیمانه (جام) شاه را وهرکه آنرا آورد برایش بار شتری است ومنم بدان ضامن گفتند بخدا سوگند شما میدانید ما نیامدیم

لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُ إِن كُنتُمْ كَاذِبِينَ ﴿٧٤﴾ قَالُوا جَزَاؤُهُ مَن

تا بتباهکاری کنیم در زمین وبوده ایم دزدان گفتند پس چیست کیفرداو اگر باشید دروغگویان گفتند کیفرداو هرکه

وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٧٥﴾ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ

یافت شود در بارداوست کیفرش بدینگونه کیفردهیم بستمکاران پس آغاز کرد بباره‌های آنان پیش از بار برادر خویش سپس

اسْتَخْرَجَهَا مِن وِعَاءِ أَخِيهِ ۚ كَذَٰلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ ۖ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَن

درآورد ازبار برادر خویش بدینگونه تدبیر کردیم برای یوسف نمیرسید اورا که برگیرد برادرش را درکیش شاه جز آنکه

يَشَاءَ اللَّهُ ۚ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ ۗ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾ قَالُوا إِن يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ

خدا خواهد بالا بریم پایه‌های هرکرا خواهیم وبرمایه‌ای هر دانشوری هست دانشمند گفتند اگر بدزدد هانا دزدیده بود برادرا

لَّهُ مِن قَبْلُ ۚ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ ۚ قَالَ أَنتُمْ شَرٌّ مَّكَانًا ۖ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا

اورا از پیش پس نهانش داشت یوسف ودردل خود وناشش ننمود برای ایشان گفت شما بدترید درجایگاه وخدا دانارست بدانچه

تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ ۖ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

میستایید گفتند ای عزیز هانا اورا پدری بهت پیری فرتوت پس برگیر یکی از ما بجای او که می بینیم ترا از نیکوکاران

﴿٧٨﴾ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَن نَّأْخُذَ إِلَّا مَن وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عِندَهُ ۖ إِنَّا إِذًا لَّظَالِمُونَ ﴿٧٩﴾ فَلَمَّا اسْتَيْأَسُوا

گفت پناه برم بخدا که بگیریم جز آنرا که یافتیم کالای خویش را نیزوش که ما بیم درآنهنگام ازستمکاران پس هنگامیکه نومید شدند

مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا ۖ قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُم مَّوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ وَمِن قَبْلُ

ازاو جداشدند رازگویان گفت بزرگ ایشان آیا نه دانستید که پدرشما گرفت برشما گروگانی از خدا واز پیش

مَا فَرَّطتُمْ فِي يُوسُفَ ۖ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي ۖ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ﴿٨٠﴾

چه کوتاهی کردید درباره یوسف پس ترک نگفتم زمین را هرگز تا رخصت دهد پدرم یا بحکم کند خدا برای من واوست بهترین حکمرانان

ارجعوا الى ابيكم فقولوا يا ابانا ان ابنك سرق وما شهدنا الا بما علمنا وما كنا للغيب حافظين ﴿۸۱﴾
بازگردید بسوی پدر خویش پس بگوئید ای پدر ما همانا فرزندت دزدید وگواهی ندهیم جز بآنچه دانستیم وبشما نداده ایم نگهبانان

واسئل القرية التي كنا فيها والعير التي اقبلنا فيها وانا لصادقون ﴿۸۲﴾ قال بل سولت لكم
وبپرس شهری را که در آن بودیم وکاروانیرا که در آن آمدیم وهمانا ما بیم راستگویان گفت بلکه آراسته است برای شما

انفسكم امرا فصبر جميل عسى الله ان ياتيني بهم جميعا انه هو العليم الحكيم ﴿۸۳﴾ وتولى عنهم
ولهای شما امری پس شکیبائی نکوست امید است خدا بیاورد بهردو باهم که اوست دانای حکیم وروی برتافت ازایشان

وقال يا اسفى على يوسف وابيضت عيناه من الحزن فهو كظيم ﴿۸۴﴾ قالوا تالله تفتؤا تذكر
وگفت دریغ بر یوسف وسفید شد دیدگان او از اندوه وبود باندوه گلوگیر گفتند بخدا ترک نکنی یادکردن

يوسف حتى تكون حرضا او تكون من الهالكين ﴿۸۵﴾ قال انما اشكوا بثي وحزني الى الله
یوسف را تا بیماری فرسوده گردی یا بنوعی از نابودشدگان گفت جزاین نیست که شکوه اندوه وغم دلی خویش را بخدا

واعلم من الله ما لا تعلمون ﴿۸۶﴾ يا بني اذهبوا فتحسسوا من يوسف واخيه ولا تايئسوا من روح
برم وبدانم از خدا آنچه ندانید ای فرزندان من بروید پس جستجو کنید از یوسف وبرادرش ونومید نشوید از روح

الله انه لا ييئس من روح الله الا القوم الكافرون ﴿۸۷﴾ فلما دخلوا عليه قالوا يا ايها
خدا همانا نومید نشوند از روح خدا جز گروه کافران پس هنگامیکه درآمدند براو گفتند ای

العزيز مسنا واهلنا الضر وجئنا ببضاعة مزجاة فاوف لنا الكيل وتصدق علينا
عزیز رسیدبما وخاندان ما رنج وآوردیم کالائی ناچیز پس پرکن برای ما پیمانه را وتصدق کن برما

ان الله يجزي المتصدقين ﴿۸۸﴾ قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف واخيه اذ انتم جاهلون ﴿۸۹﴾
که خدا پاداش دهد تصدق کنندگان گفت آیا دانستید چه کردید بیوسف وبرادرش هنگامیکه بودید نادانان

قالوا ءانك لانت يوسف قال انا يوسف وهذا اخي قد من الله علينا انه من يتق ويصبر
گفتند مگر توئی یوسف گفت من یوسفم واین است برادرم که خدا منت نهاد برما بدرستی هرکه پرهیزگاری کند وشکیبائی ورزد

فان الله لا يضيع اجر المحسنين ﴿۹۰﴾ قالوا تالله لقد اثرك الله علينا وان كنا لخاطئين ﴿۹۱﴾ قال
همانا خدا تباه نگرداند پاداش نکوکاران را گفتند بخدا برگزیدت خدا ترا برما وهمانا بودیم ما بتبهکاران گفت

لا تثريب عليكم اليوم يغفر الله لكم وهو ارحم الراحمين ﴿۹۲﴾ اذهبوا بقميصي هذا فالقوه على
نیست نکوهشی برشما امروز بیامرزد خدا شما را واوست مهربانترین مهربانان ببرید پیراهن مرا این پس بیفکنید بر

وجه ابي يات بصيرا واتوني باهلكم اجمعين ﴿۹۳﴾ ولما فصلت العير قال ابوهم اني لاجد ريح
روی پدرم تا بینا گردد وبیارید مرا بخاندانخود همگی وهنگامی که بارنهاد کاروان گفت پدرایشان همانا میابم بوی

يوسف لولا ان تفندون ﴿۹۴﴾ قالوا تالله انك لفي ضلالك القديم ﴿۹۵﴾ فلما ان جاء البشير
یوسف را اگرنه کم خردم خوانید گفتند بخدا توئی در گمراهی پیشین وهنگامیکه آمد مژده رسان

القيه على وجهه فارتد بصيرا قال الم اقل لكم اني اعلم من الله ما لا تعلمون ﴿۹۶﴾ قالوا يا ابانا
بیفکندش بر روی او پس برگشت بینا گفت آیا نگفتم بشما که میدانم از خدا آنچه را نمیدانید گفتند ای پدرما

استغفر لنا ذنوبنا انا كنا خاطئين ﴿۹۷﴾ قال سوف استغفر لكم ربي انه هو الغفور الرحيم ﴿۹۸﴾
آمرزش خواه برای ما گناهان ما را که بودیم لغزشکاران گفت بزودی آمرزش خواهم برای شما از پروردگار خود همانا اوست آمرزنده مهربان

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ﴿٩٩﴾ وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ
وهنگامیکه درآمدند بر یوسف کشید در بر خود پدر و مادر را و گفت بمصر درآیید اگر خدا خواهد آسوده گان و برآورد پدر و مادر را
عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا ۖ وَقَالَ يَا أَبَتِ هَٰذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِن قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا ۖ
بر تخت و بیفتادند برایش سجده کنان و گفت ای پدر این است تعبیر خوابم از پیش که گردانیدش پروردگارم راست
وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ مِن بَعْدِ أَن نَّزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ
وهما بن نکوئی کرد هنگامی که برون آورد از زندان و بیاورد شما را از بیابان پس از آنکه آشوب کرد شیطان میان من و
إِخْوَتِي ۚ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿١٠٠﴾ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِن
برادرانم همانا پروردگارمن لطیف (بخشنده) است آنچه را خواهد همانا اوست دانای حکیم پروردگارا همانا دادی مرا از پادشاهی و آموختی مرا از

ربما ۱۳

تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۚ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۖ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا
تعبیر خوابهای پدید آرنده آسمانها و زمین تولی دوست من در دنیا و آخرت دریاب مرا مسلمان
وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ﴿١٠١﴾ ذَٰلِكَ مِنْ أَنبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۖ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا
و بپیوسته دار مرا باشایستگان این از داستانهای ناپیداست که وحی فرستیم بسوی تو و نبودی نزد ایشان گاهی که گرد آوردند
أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ ﴿١٠٢﴾ وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ وَمَا تَسْأَلُهُمْ
کار خویش را حالیکه نیرنگ میساختند و بیشتر مردم و هرچند آرزومندی باور کنندگان و نه پرسیشان
عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾ وَكَأَيِّن مِّنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ
بر آن مزدی نیست آن مگر یادآوری برای جهانیان و بسا نشانهائی در آسمان و زمین که میگذرند
عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾ وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُم بِاللَّهِ إِلَّا وَهُم مُّشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾ أَفَأَمِنُوا
بر آنها و ایشانند از آن روی گردانان و ایمان نیارند بیشتر ایشان بخدا مگر آنکه ایشانند شرک ورزندگان پس آیا ایمن شدند
أَن تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾ قُلْ هَٰذِهِ
که بیاید شان فراگیرنده‌ای از شکنجهٔ خدا یا بیاید شان ساعت ناگهان حالیکه در نیابند ایشان بگو اینک
سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ ۚ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ۖ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾
راه من میخوانم بسوی خدا بر بینائی من و هرکه پیرو من کند و منزه است خدا و نیستم من از شرک ورزان
وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ ۗ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا
و نفرستادیم پیش از تو جز مردانی که وحی فرستادیم بسوی ایشان از اهل شهرها پس آیا نمیگردند در زمین تا بنگرند
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾
چگونه بود فرجام آنانکه پیش از ایشان بودند و همانا خانهٔ آخرت بهتر است برای آنانکه پرهیزگاری کنند آیا نمی‌اندیشید
حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَن نَّشَاءُ ۖ وَلَا يُرَدُّ
تا هنگامیکه نومید شدند فرستادگان و پنداشتند که دروغ گفته شدند یاری ما پس نجات دادیم هرکه را خواهیم و برگردد
بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۗ مَا كَانَ حَدِيثًا
خشم ما از گروه گنهکاران همانا بود در داستانهای ایشان عبرتی برای خردمندان نیست داستانی
يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾
دروغ پرداخته ولکن گواهی آنچه پیش روی اوست و تفصیل همه چیز و هدایت و رحمتی برای گروه ایمان آورندگان

البته در شهر ما هم از اول دنیا تا حالا هزارها نفر مثل یوسف و مثل ایوب و مثل موسی و مثل عیسی و مثل محمد و مثل علی و مثل حسین و مثل حسن و مثل همه پیغمبرها و امامها و اولیاء خدا بوده‌اند که همه‌شان مظلوم بوده‌اند و همه‌شان هم از دست ظالم‌ها و ستمگرها و جبارها و فرعون‌ها و نمرودها و یزیدها و شمرها و ابن‌زیادها و ابن‌سعدها و ابن‌ملجم‌ها و ابن‌آکله‌ها و ابن‌هند‌ها و ابن‌زیاد‌ها و ابن‌مرجانه‌ها و ابن‌عاص‌ها و ابن‌ابی‌سفیان‌ها و ابن‌ابی‌معیط‌ها و ابن‌ابی‌سرح‌ها و ابن‌ابی‌جهل‌ها و ابن‌ابی‌لهب‌ها و ابن‌ابی‌الحدید‌ها و ابن‌ابی‌الحسن‌ها و ابن‌ابی‌الحسین

سورة الرعد مكية وآياتها ثلاث واربعون آية

سورة ۱۳ — حروفها ۳۵۰۶ — كلماتها ۹۸۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓمٓرٰ تِلْكَ اٰيَاتُ الْكِتَابِ ؕ وَالَّذِيٓ اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ الْحَقُّ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

این است آیتهای کتاب و آنچه فرستاده شد بسوی تو از پروردگار تو حق است ولیکن بیشتر مردم باور ندارند

(۱) اَللّٰهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمٰوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ

خدا است آنکه بیافراشت آسمانها را بیستونی که بینیدش سپس استوار شد بر عرش و رام کرد مهر

وَالْقَمَرَ ؕ كُلٌّ يَجْرِي لِاَجَلٍ مُّسَمًّى ؕ يُدَبِّرُ الْاَمْرَ يُفَصِّلُ الْاٰيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاۤءِ رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ

و ماه را هر کدام روانند تا سرآمدی نامبرده میپردازد کار را تفصیل دهد آیتها را شاید شما بملاقات پروردگار خویش یقین آرید

(۲) وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْاَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَاَنْهَارًا ؕ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا

و او است آنکه گسترانید زمین را و نهاد در آن لنگرها و جویهائی و از همه میوه‌ها نهاد در آن

زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ ؕ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۳) وَفِي الْاَرْضِ

دو جفت میپوشاند شب را بروز همانا در این است آیتهائی برای گروهی که اندیشه کنند و در زمین است

قِطَعٌ مُّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِّنْ اَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقٰى بِمَاۤءٍ وَاحِدٍ ۫ وَنُفَضِّلُ

بخشهائی نزدیک بهم و باغهائی از انگورها و کشت زار و درختان خرما رسته از یک بن و نارسته از یک بن که آبیاری میشود بیک آب و برتری نهیم

بَعْضَهَا عَلٰى بَعْضٍ فِي الْاُكُلِ ؕ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (۴) وَاِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ

پاره‌ای از آنها را بر پاره‌ای در خوراک همانا در این است آیتهائی برای گروهی که بخرد دریابند و اگر شگفت مانی پس شگفت است گفتار ایشان

ءَاِذَا كُنَّا تُرَابًا اَئِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ؕ اُولٰۤئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ ۚ وَاُولٰۤئِكَ الْاَغْلَالُ فِي اَعْنَاقِهِمْ ۚ

که آیا گاهیکه خاک شویم آیا براستی مائیم در آفرینشی نوین آنانند که کفر ورزیدند بپروردگار خود و آنانند که زنجیرها بگردنهای ایشان است

وَاُولٰۤئِكَ اَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۵) وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ

و آنانند یاران آتش ایشانند در آن جاودانان و شتاب خواهند از تو ببدی پیش از خوبی

وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثُلَاتُ ؕ وَاِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِّلنَّاسِ عَلٰى ظُلْمِهِمْ ۚ

حالیکه گذشته است پیش از ایشان شکنجه‌ها و همانا پروردگار تو آمرزشگر است برای مردم بر ستمگریشان

وَاِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ (۶) وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَاۤ اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيَةٌ مِّنْ رَّبِّهِ ؕ

و همانا پروردگار تو است سخت شکنجه و گویند آنانکه کفر ورزیدند چرا فرود نیاید براو آیتی از پروردگارش

اِنَّمَاۤ اَنْتَ مُنْذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ع (۷) اَللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ اُنْثٰى وَمَا تَغِيضُ الْاَرْحَامُ

جز این نیست که توئی بیم دهنده و هر گروهی راست راهنمائی خدا داند آنچه بارور شود هر ماده و آنچه فرو برند زهدانها

وَمَا تَزْدَادُ ؕ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ (۸) عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ (۹)

و آنچه بیفزایند و هر چیزی است نزد او باندازه دانای نهان و آشکار آن بزرگ عالی جایگاه

سَوَاۤءٌ مِّنْكُمْ مَّنْ اَسَرَّ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ (۱۰)

یکسان است از شما آنکه نهان کند گفتار را و آنکه آشکار سازدش و آنکه نهان است در شب و بکار خویش اندر است در روز

لَهٗ مُعَقِّبٰتٌ مِّنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهٖ یَحْفَظُوْنَهٗ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا یُغَیِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتّٰی یُغَیِّرُوْا

او را است پیاپی آیندگانی از پیش رویش و از پشت سرش نگهبانی بفرمان خدا همانا خدا دگرگون نکند آنچه را بگروهی است تا دگرگون

مَا بِاَنْفُسِهِمْ ؕ وَاِذَآ اَرَادَ اللّٰهُ بِقَوْمٍ سُوْٓءًا فَلَا مَرَدَّ لَهٗ ۚ وَمَا لَهُمْ مِّنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَّالٍ ﴿۱۱﴾ هُوَ الَّذِیْ

سازنده آنچه را که در خود آنانست و هرگاه بخواهد خدا بر گروهی بدی پس نیست بازگشتنی برای آن و نیست آنان را بشارا جزاده است آنکه

یُرِیْكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَّطَمَعًا وَّیُنْشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ ﴿۱۲﴾ وَیُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهٖ وَالْمَلٰٓئِكَةُ

بنماید بشما برق را بیمی و امیدی و پدید آرد ابرهای سنگین و در ودلو چه رعد بسپاس او و فرشتگان

مِنْ خِیْفَتِهٖ ۚ وَیُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَیُصِیْبُ بِهَا مَنْ یَّشَآءُ وَهُمْ یُجَادِلُوْنَ فِی اللّٰهِ ۚ وَهُوَ شَدِیْدُ

از بیمش و بفرستد صاعقه‌ها تا برساند آنها را هرکه خواهد و بهستیزند در خدا و او است سخت

الْمِحَالِ ﴿۱۳﴾ لَهٗ دَعْوَةُ الْحَقِّ ؕ وَالَّذِیْنَ یَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِهٖ لَا یَسْتَجِیْبُوْنَ لَهُمْ بِشَیْءٍ اِلَّا كَبَاسِطِ

نیرو و سزاست دعوت حق و آنانرا که خوانند جز او اجابت نکنند ایشان بچیزی مگر مانند گشاینده

كَفَّیْهِ اِلَى الْمَآءِ لِیَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهٖ ؕ وَمَا دُعَآءُ الْكٰفِرِیْنَ اِلَّا فِیْ ضَلٰلٍ ﴿۱۴﴾ وَلِلّٰهِ

دستهای خویش بسوی آب تا برسد بدهانش و نیست رساننده آن و نیست دعوت کافران مگر در گمراهی و برای خدا

یَسْجُدُ مَنْ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَّكَرْهًا وَّظِلٰلُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ ﴿۱۵﴾ قُلْ

سجده کنند آنانکه در آسمانها و زمینند خواه و ناخواه و سایه‌های آنان در بامدادها و شامها بگو

مَنْ رَّبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ قُلِ اللّٰهُ ؕ قُلْ اَفَاتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُوْنِهٖۤ اَوْلِیَآءَ لَا یَمْلِكُوْنَ لِاَنْفُسِهِمْ

کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو خدا بگو پس آیا برگرفتید جز او دوستانی که دارا نیستند برای خویشتن

نَفْعًا وَّلَا ضَرًّا ؕ قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الْاَعْمٰى وَالْبَصِیْرُ ۙ اَمْ هَلْ تَسْتَوِی الظُّلُمٰتُ وَالنُّوْرُ ۚ اَمْ جَعَلُوْا

سود و نه زیانی را بگو آیا یکسانند کور و بینا یا آیا یکسانند تاریکیها و روشنائی یا قرار دادند

لِلّٰهِ شُرَكَآءَ خَلَقُوْا كَخَلْقِهٖ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَیْهِمْ ؕ قُلِ اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَیْءٍ وَّهُوَ

برای خدا شریکانی که بیافریدند همانند آفرینش او پس مشتبه شد آفرینش برایشان بگو خداست آفریننده همه چیز و او است

الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿۱۶﴾ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَسَالَتْ اَوْدِیَةٌۢ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّیْلُ

یکتای چیره‌گی جوی فرستاد از آسمان آبی پس روان شد وادیها باندازه خویش پس برداشت سیل

زَبَدًا رَّابِیًا ؕ وَمِمَّا یُوْقِدُوْنَ عَلَیْهِ فِی النَّارِ ابْتِغَآءَ حِلْیَةٍ اَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِّثْلُهٗ ؕ كَذٰلِكَ

کفی برآمده و از آنچه میافروزند برآن در آتش بطلب زیوری یا کالائی کفی مانند آن بدینگونه

یَضْرِبُ اللّٰهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ؕ فَاَمَّا الزَّبَدُ فَیَذْهَبُ جُفَآءً ۚ وَاَمَّا مَا یَنْفَعُ النَّاسَ فَیَمْكُثُ فِی الْاَرْضِ

میزند خدا حق و باطل را اما کف میرود کناری و اما آنچه سود دهد مردم را پس میماند در زمین

كَذٰلِكَ یَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ ؕ ﴿۱۷﴾ لِلَّذِیْنَ اسْتَجَابُوْا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنٰى ؕ وَالَّذِیْنَ لَمْ یَسْتَجِیْبُوْا لَهٗ لَوْ اَنَّ لَهُمْ

بدینگونه میزند خدا مثلها را آنانرا که پذیرفتند از پروردگارشان نکوئی است و آنانکه پذیرفتند اگر با نمانند اشارا

مَّا فِی الْاَرْضِ جَمِیْعًا وَّمِثْلَهٗ مَعَهٗ لَافْتَدَوْا بِهٖ ؕ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ سُوْٓءُ الْحِسَابِ ۙ وَمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ؕ وَبِئْسَ

آنچه در زمین است همگی و مانند آن با آن هر آینه بخای خویش فدیه دهند برای ایشان است بدی حساب و جایگاه ایشان است دوزخ و چه زشت است

الْمِهَادُ ﴿۱۸﴾ اَفَمَنْ یَّعْلَمُ اَنَّمَاۤ اُنْزِلَ اِلَیْكَ مِنْ رَّبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ اَعْمٰى ؕ اِنَّمَا یَتَذَكَّرُ اُولُوا الْاَلْبَابِ ﴿۱۹﴾

آرمیدگاه آیا آنکه میداند که آنچه فرستاده شد بسوی تو از پروردگارت حق است همچون آنکه او نابیناست کور است جز این نیست که پند پذیرند خردمندان

چون ایات بود در دست علی بگرفت و بر پیغمبر آمد گفت یا رسول الله آنها را نسخ کردند گفت نه ولکن علی بن ابی طالب را گفتند چه شد که ایات را با خود نیاوردی گفت ایات با کسی فرستاده میشود که او را بر آن ایمن دانند و من بر علی ایمن نیستم

لَهٗ مُعَقِّبٰتٌ بعضی گویند که رسم چنین بود که چون پادشاهی بر نشستی و بقصد سفری بیرون آمدی چهار هزار مرد مسلح گرد او بگشتندی تا از هر جانبی که حادثه‌ای بودی ایشان را خبر کردندی تا بر حذر باشند و بعضی گویند که مراد از معقبات فرشتگانند که بر بندگان موکل‌اند تا ایشان را از بلا نگاه دارند و بعضی گویند که مراد از معقبات ملائکه‌اند که بر اعمال بندگان موکل‌اند تا نیک و بد ایشان را ثبت کنند و بعضی گویند که مراد از معقبات امیر المؤمنین علی است علیه السلام و اولاد او که تا قیامت در دولت اسلام و دولت ایمان بر دشمنان دین ظفر یابند و بعضی گویند که مراد از معقبات محمد است صلی الله علیه و آله و اصحاب او که در دولت اسلام بر دشمنان ظفر یافتند و بعضی گویند که مراد از معقبات مؤمنان‌اند که در دولت اسلام بر دشمنان ظفر یابند و بعضی گویند که مراد از معقبات مؤمنان‌اند که در دولت اسلام بر دشمنان ظفر یابند و بعضی گویند که مراد از معقبات مؤمنان‌اند که در دولت اسلام بر دشمنان ظفر یابند

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنقُضُونَ الْمِيثَاقَ ﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ

آنانکه وفا کنند بعهد خدا و نشکنند پیمان را و آنانکه پیوند کنند آنچه را خدا فرمود بدست که پیوند شود

وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

و بترسند پروردگار خویش را و بترسند از زشتی حساب و آنانکه شکیبائی گزیدند برای روی پروردگار خود و بپا داشتند نماز را

وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى

و انفاق کردند از آنچه روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکار و دور کنند بخوبی بدی را آنانراست فرجام

الدَّارِ ﴿٢٢﴾ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَن صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ

آنسرای بهشتهای جاودان درآیند درآنها خود و آنانکه شایسته شدند از پدران ایشان و همسران ایشان و فرزندان ایشان و فرشتگان

يَدْخُلُونَ عَلَيْهِم مِّن كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَامٌ عَلَيْكُم بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾ وَالَّذِينَ

درآیند برایشان از هر دری سلام بر شما بدانچه صبر نمودید چه خوبست فرجام آنسرای و آنانکه

يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي

میشکنند پیمان خدا را پس از بستنش و میبرند آنچه را خدا فرمود که پیوند شود و تبهکاری کنند در

الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ

زمین آنانراست لعنت و برای ایشان است بدی آنسرای خدا فراخ گرداند روزی را برای هر که خواهد و تنگ گرداند

وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ ﴿٢٦﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا

و خرسند شدند بزندگی دنیا حالیکه زندگانی دنیا در آخرت مگر بهرهای و گویند آنانکه کفر ورزیدند

لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ ﴿٢٧﴾

چرا فرو نیاید براو آیتی از پروردگارش بگو همانا خدا گمراه کند هر که را خواهد و هدایت کند بسوی خود هر که را بازگشت (نیازش)

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُم بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾ الَّذِينَ آمَنُوا

آنانکه ایمان آوردند آرام گیرد دلهای ایشان بیاد خدا همانا بیاد خدا آرام گیرد دلها آنانکه ایمان آوردند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ ﴿٢٩﴾ كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ

و کردار شایسته کردند خوشی باد برای ایشان و نیکی بازگشتگاه بدینسان فرستادیم ترا در امتی که بگذشت است

مِن قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَٰنِ قُلْ هُوَ رَبِّي

پیش از آن امتهائی نا گوانی برایشان آنچه را وحی فرستادیم بسوی تو حالیکه کفر میورزند بخدای مهربان بگو او است پروردگار

لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ ﴿٣٠﴾ وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ

نیست خدائی جز او براو توکل کردم و بسوی او است بازگشتم و اگر میبود قرآنی که روان میشدند بدان کوهها یا پاشیده میشد

بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَايْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَن لَّوْ يَشَاءُ

بدان زمین یا سخن گفته میشدند بدان مردگان بلکه خدا را است کار همگی پس آیا نومید نشدند آنانکه ایمان آوردند که اگر میخواست

اللَّهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ

خدا هر آینه هدایت میکرد مردم را همگی و همیوسته میرسد آنانرا که کفر ورزیدند بدانچه ساختند سرکوبنده (گزندی)

أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ﴿٣١﴾

یا فرود میآید نزدیکی خانه ایشان تا برسد وعده خدا همانا خدا خلف نمیکند میعاد را

وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ ﴿۳۲﴾

وهمانا استهزاء شد بفرستادگانی پیش از تو پس مهلت دادم آنانرا که کفر ورزیدند سپس گرفتم ایشانرا پس چگونه بود مرا عقاب

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ

پس آیا آنکه اوست ایستاده بر هر کس بدانچه دست آورده است و قرار دادند برای خدا شریکانی بگو نام بریدشان یا آگهی میدهید اورا بدانچه نمیداند

فِي الْأَرْضِ أَمْ بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ

در زمین یا بظاهری از گفتار بلکه بیاراست برای آنانکه کفر ورزیدند نیرنگشان و بازداشته شدند از راه

وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿۳۳﴾ لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ

و آنرا که گمراه کند خدا نباشدش راهنمای آنانراست شکنجه در زندگی دنیا و همانا شکنجه آخرتست گرانتر

وَمَا لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ﴿۳۴﴾ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

و نیست ایشانرا از خدا نگهدارنده‌ای مثل بهشتی که نوید داده شدند پرهیزکاران روان است زیر آن جویها

أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ ﴿۳۵﴾ وَالَّذِينَ

خوراکیش همیشگی است و سایه‌اش این است فرجام آنانکه پرهیزکاری کردند و فرجام کافران است آتش و آنانرا که

آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ

کتاب دادیم شاد شوند بدانچه فرود آید بسوی تو و از احزاب است آنکه انکار کند پاره آنرا بگو جز این نیست مأمور شدم

أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُو وَإِلَيْهِ مَآبِ ﴿۳۶﴾ وَكَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا

پرستش کنم خدا را و شرک نورزم بدو بسوی او میخوانم و بسوی اوست بازگشتم و بدینسان فرستادیمش حکمی

عَرَبِيًّا وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ

عربی (فرمانی تازی) و اگر پیروی کنی هوسهای ایشانرا پس از آنچه بیامدت از دانش نباشدت از خدا دوست و نه نگهدارنده‌ای

﴿۳۷﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّنْ قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ

و همانا فرستادیم پیمبرانی را پیش از تو و قرار دادیم برای ایشان زنان و فرزندانی نبود است فرستاده را

أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابٌ ﴿۳۸﴾ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ

که بیارد آیتی جز باذن خدا برای هر سرآمدیست نامه‌ای بزداید خدا آنچه را خواهد و باز نهد (ثبت کند) و نزد اوست

أُمُّ الْكِتَابِ ﴿۳۹﴾ وَإِنْ مَا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا عَلَيْكَ

مادر کتاب و اگر بنمایانیمت پاره آنچه بدیشان وعده دهیم یا دریابیمت (بمیرانیمت) جز این نیست که بر تو است

الْبَلَاغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ ﴿۴۰﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ

رساندن و بر ماست حساب آیا ندیدند که ما میپردازیم بزمین میکاهیمش از همه سوی آن و خدا حکم کند

لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿۴۱﴾ وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ

نیست تبدیل کننده برای حکمش و اوست زود شمار و همانا نیرنگ ساختند آنانکه پیش از ایشان بودند پس خدایراست نیرنگ

جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفَّارُ لِمَنْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿۴۲﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ

همگی میداند آنچه را فراهم آرد هر کس و زود است بدانند کافران که برای کیست پایان آنسرای و گویند آنانکه

كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ ﴿۴۳﴾

کفر ورزیدند نیستی فرستاده بگو بس است خدا گواهی میان من و شما و آنکه نزد اوست علم کتاب

جنگ تو باشند پر سازم و همانا بر هر خرمابنی اسبی بندم پیمبر فرمود خدایت از اینکار باز خواهد داشت پس عامر برفت و بر سرای زنی سلولی درآمد و همانا دم بر کاسه‌های زانویش غده سطبر و بزرگ بردن آمد و همی گفتی غده چون غده اشتر و مرگی در سرای زنی سلولی تا بمرد

وَظِلُّهَا یعنی حال بهشت چون دنیا نیست که گاهی آفتاب و گاهی سایه باشد بلکه سایه او همیشگی است ﴿۳۹﴾ يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ در محو و اثبات اقوالی است یکی آنکه در تکالیف است که ناسخ و منسوخ باشد و دیگر آنکه در ذنوب عباد است که پاره از آن از راه فضل و کرم محو کند و پاره بر جای خویش گذارد سه دیگر آنکه در تمام اشیاء باشد چنانچه رزق و اجل و سعادت و شقاوت محو یا اثبات کند و عمران بن حصین از پیمبر آورد که آنها دو کتابند یکی ام الکتاب که دستخوش تبدیل نگردد و دیگری که خدای از آن بسترد و بر جای گذارد و نیز زراره از حمران آورد که امام ابو عبدالله صادق علیه السلام فرمود هما امران موقوف و محتوم یعنی خدایرا دو گونه امر است یکی معلق و موقوف الاجراء و دیگری بایسته و واجب و نخستین بسته بمشیت او و دوم مقرر و ممضی است

سورة ابرهيم مكية و آياتها اثنتان و خمسون آية

سورة ۱۴ — حروفها ۳۴۳۴ — كلماتها ۸۳۱

بسم الله الرحمن الرحيم

نام خداوند بخشاينده مهربان

الر كتاب انزلناه اليك لتخرج الناس من الظلمات الى النور باذن ربهم الى صراط

كتابيست فرستاديمش بسويت تا برون آرى مردم را از تاريكيها بسوى روشنائى باذن پروردگار ايشان بسوى راه خداوند

العزيز الحميد ۝۱ الله الذى له ما فى السموات و ما فى الارض و ويل للكافرين من

ارجمند ستوده خداست آنكه ويراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است و واى براى كافران از

عذاب شديد ۝۲ الذين يستحبون الحيوة الدنيا على الاخرة و يصدون عن سبيل الله

شكنجه سخت آنانكه برگزينند زندگانى دنيا را بر آخرت و باز دارند از راه خداوند

و يبغونها عوجا اولئك فى ضلال بعيد ۝۳ و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه ليبين

و خواهندش كج آنانند در گمراهى دور و نفرستاديم فرستاده‌اى جز بازبان قوم خود تا آشكار كند

لهم فيضل الله من يشاء و يهدى من يشاء و هو العزيز الحكيم ۝۴ و لقد ارسلنا

براى ايشان پس گمراه كند خدا هركه را خواهد و هدايت كند هركه را خواهد و اوست عزتمند حكيم و همانا فرستاديم

موسى بآياتنا ان اخرج قومك من الظلمات الى النور و ذكرهم بايام الله ان فى ذلك

موسى را بآيتهاى خود كه برون آور قوم خويش را از تاريكيها بسوى روشنائى و ياد آوريشان كن بروزهاى خدا همانا در اينست

لآيات لكل صبار شكور ۝۵ و اذ قال موسى لقومه اذكروا نعمة الله عليكم اذ انجيكم من آل فرعون

آيتهائى براى هر شكيبائى سپاسگذار و هنگاميكه گفت موسى بقوم خود ياد آريد نعمت خدا را بر خويشتن گاهيكه رهانيد شما را از خاندان فرعون

يسومونكم سوء العذاب و يذبحون ابناءكم و يستحيون نساءكم و فى ذلكم بلاء من ربكم عظيم

روا ميداشتند بر شما زشتى عذاب را و بسختى ميكشتند پسران شما را و بجاى ميگذاردند زنان شما را و در اين بود آزمايشى از پروردگار شما بزرگ

۝۶ و اذ تاذن ربكم لئن شكرتم لازيدنكم و لئن كفرتم ان عذابى لشديد ۝۷ و قال موسى ان

و هنگاميكه اعلام كرد پروردگار شما اگر سپاسگزاريد هر آينه بيفزايم شما را و اگر كفر ورزيديد همانا عذاب من است سخت و گفت موسى اگر

تكفروا انتم و من فى الارض جميعا فان الله لغنى حميد ۝۸ الم يأتكم نبؤا الذين من قبلكم قوم نوح

كفر ورزيد شما و هركه در زمين است همگى همانا خدا بى نيازيست ستوده آيا نرسيد بشما داستان آنانكه پيش از شما بودند قوم نوح

و عاد و ثمود و الذين من بعدهم لا يعلمهم الا الله جاءتهم رسلهم بالبينات فردوا ايديهم فى

و عاد و ثمود و آنانكه پس از ايشان بودند نداندشان جز خدا بيامدشان فرستادگان ايشان بنشانيها پس بازگردانيدند دستهاى خويش را در

افواههم و قالوا انا كفرنا بما ارسلتم به و انا لفى شك مما تدعوننا اليه مريب ۝۹ قالت رسلهم

دهانهاى خود و گفتند همانا كفر ورزيديم بدانچه فرستاده شده‌ايد بدان و همانا مائيم در شكى از آنچه ما را بدان خوانيد شك آورنده گفتند فرستادگان ايشان

افى الله شك فاطر السموات و الارض يدعوكم ليغفر لكم من ذنوبكم و يؤخركم الى اجل مسمى قالوا

آيا در خداست شكى پديد آرنده آسمانها و زمين ميخواند شما را تا بيامرزد براى شما از گناهان شما و پس اندازد شما را تا سرآمدى نامبرده گفتند

ان انتم الا بشر مثلنا تريدون ان تصدونا عما كان يعبد آباؤنا فأتونا بسلطان مبين ۝۱۰

نيستيد شما مگر بشرى همانند ما خواهيد كه بازداريد ما را از آنچه ميپرستيدند پدران ما پس بياوريد ما را بفرمانروائى آشكار

حزب (۴)

دچار تنگدستى و ديوانگى و بلا نشود هرگز

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ اِنْ نَّحْنُ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَمُنُّ عَلٰى مَنْ يَّشَآءُ

گفت بدیشان فرستادگان ایشان نیستیم ما جز بشری همانند شما ولیکن خدا منت نهد بر هرکه خواهد

مِنْ عِبَادِهٖ ؕ وَمَا كَانَ لَنَآ اَنْ نَّاْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ؕ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

از بندگان خویش ونرسد مارا که بیاریمتان فرمانروائی مگر باذن خدا وبر خدا پس باید توکل کنند

الْمُؤْمِنُوْنَ ﴿۱۱﴾ وَمَا لَنَآ اَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَى اللّٰهِ وَقَدْ هَدٰىنَا سُبُلَنَا ؕ وَلَنَصْبِرَنَّ عَلٰى مَآ اٰذَيْتُمُوْنَا ؕ

مؤمنان وچه شود مارا توکل نکنیم بر خدا حالیکه براستی هدایت کرد ما را براههای ما وهمانا شکیبا شویم برآنچه مارا بیازرده اید

وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُوْنَ ﴿۱۲﴾ وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ اَرْضِنَآ

وبر خدا پس باید توکل کنند توکل کنان وگفتند آنانکه کفر ورزیدند به پیمبران خود همانا برون رانیم شمارا از سرزمین خود

اَوْ لَتَعُوْدُنَّ فِيْ مِلَّتِنَا ؕ فَاَوْحٰٓى اِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظّٰلِمِيْنَ ﴿۱۳﴾ وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْاَرْضَ

یا که بازگردید در کیش ما پس وحی کرد بسوی ایشان پروردگارشان که البته هلاک کنیم ستمگرانرا والبته جای گزین سازیم شمارا در زمین

مِنْۢ بَعْدِهِمْ ؕ ذٰلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِيْ وَخَافَ وَعِيْدِ ﴿۱۴﴾ وَاسْتَفْتَحُوْا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ﴿۱۵﴾

پس از ایشان این برای آنکس است که بترسد جایگاه مرا وبترسد از تهدید من وپیروزی (یا گشایش) جستند ونومید شد هر گردنکش کینه ورزی

مِنْ وَّرَآئِهٖ جَهَنَّمُ وَيُسْقٰى مِنْ مَّآءٍ صَدِيْدٍ ﴿۱۶﴾ يَّتَجَرَّعُهٗ وَلَا يَكَادُ يُسِيْغُهٗ وَيَاْتِيْهِ الْمَوْتُ مِنْ

پشت سر او است دوزخ ونوشانیده شود از آب چرک خون آلود جرعه جرعه نوشدش ونیارد فرو بردش (گوارا شودش) وبپایدش مرگ از

كُلِّ مَكَانٍ وَّمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ؕ وَمِنْ وَّرَآئِهٖ عَذَابٌ غَلِيْظٌ ﴿۱۷﴾ مَثَلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

همه سوی ونیست او مرده واز پس او است عذابی انبوه مثل آنانکه کفر ورزیدند

بِرَبِّهِمْ اَعْمَالُهُمْ كَرَمَادِ ۨاشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيْحُ فِيْ يَوْمٍ عَاصِفٍ ؕ لَا يَقْدِرُوْنَ مِمَّا كَسَبُوْا

بپروردگار خویش کردار ایشان مانند خاکستری است که بوزد بدان باد در روزی تند قادر نباشند از آنچه فراهم کردند

عَلٰى شَيْءٍ ؕ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلُ الْبَعِيْدُ ﴿۱۸﴾ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ

بر چیزی این است آن گمراهی دور آیا نه بینی که خدا بیافرید آسمانها وزمین را

بِالْحَقِّ ؕ اِنْ يَّشَاْ يُذْهِبْكُمْ وَيَاْتِ بِخَلْقٍ جَدِيْدٍ ﴿۱۹﴾ وَمَا ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيْزٍ ﴿۲۰﴾

بحق اگر خواهد میبرد شمارا ومیآورد آفرینشی نوین ونیست آن بر خدا گران

وَبَرَزُوْا لِلّٰهِ جَمِيْعًا فَقَالَ الضُّعَفَآءُ لِلَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْٓا اِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ اَنْتُمْ مُّغْنُوْنَ

وبرون آمدند پیشگاه خدا همگی پس گفتند ناتوانان بدانانکه سرکشی ورزیدند که بودیم ما شمارا پیروانی آیا هستید بی نیاز کننده

عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ ؕ قَالُوْا لَوْ هَدٰىنَا اللّٰهُ لَهَدَيْنٰكُمْ ؕ سَوَآءٌ عَلَيْنَآ اَجَزِعْنَآ اَمْ صَبَرْنَا

ما از عذاب خدا بچیزی گفتند اگر رهبری میکرد مارا خدا هرآینه رهبریتان میکردیم یکسان است بر ما چه بیتابی کنیم وچه شکیبا شویم

مَا لَنَا مِنْ مَّحِيْصٍ ﴿۲۱﴾ وَقَالَ الشَّيْطٰنُ لَمَّا قُضِيَ الْاَمْرُ اِنَّ اللّٰهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدْتُّكُمْ

نیست مارا چاره ای وگفت شیطان هنگامیکه گذشت کار همانا خدا وعده داد شمارا وعده حق ووعده دادم شمارا

فَاَخْلَفْتُكُمْ ؕ وَمَا كَانَ لِيَ عَلَيْكُمْ مِّنْ سُلْطَانٍ اِلَّآ اَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِيْ فَلَا تَلُوْمُوْنِيْ وَلُوْمُوْٓا اَنْفُسَكُمْ ؕ

پس خلف کردم باشما ونبود مرا بر شما فرمانروائی جز آنکه خواندم شمارا پس اجابتم کردید پس سرزنش نکنید مرا وسرزنش کنید خویشتن را

مَآ اَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَآ اَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ ؕ اِنِّيْ كَفَرْتُ بِمَآ اَشْرَكْتُمُوْنِ مِنْ قَبْلُ ؕ اِنَّ الظّٰلِمِيْنَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ﴿۲۲﴾

نه من فریاد شما رسم ونه شمائید دادرس من همانا کفر ورزیدم بدانچه مرا شریک گردانیدید از پیش همانا ستمگرانراست عذابی دردناک

من ماء صدید یعنی نوشانیده شود از چرک وخونی که از فروج زنان زانیه برون آید چنانکه از امام صادق ابی عبدالله است وهم ابو امامه از پیمبر آورد که آن نوشانیده چون بدو نزدیک کنند قعر دریا آزرده سازد وچون فراتر شود چهره اش کباب گردد وپوست سرش کنده شود وچون از آن بنوشد روده اندرونش از راه دبر خارج شود خدای عز وجل فرماید وَسُقُوْا مَآءً حَمِيْمًا فَقَطَّعَ اَمْعَآءَهُمْ وهم گوید وَاِنْ يَّسْتَغِيْثُوْا يُغَاثُوْا بِمَآءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوْهَ ونیز از پیمبر است که هر که خمر نوشد نمازش تا چهل روز قبول نشود واگر بمیرد در حالیکه در شکمش چیزی از آن مانده باشد بر خداوند است که ویرا از طین خبال بنوشاند وآن صدید اهل آتش است وآنچه از فروج زنان روسپی برون آید که در دیگهای دوزخ فراهم شود واهل آتش آنرا بیاشامند فَيُصْهَرُ بِهٖ مَا فِيْ بُطُوْنِهِمْ وَالْجُلُوْدُ بِمَآ اَشْرَكْتُمُوْنِ مِنْ قَبْلُ یعنی از پیش ناسپاس کافر بودم نسبت بکار شما که مرا شریک خدای دانید وممکن است که مراد از بِمَآ اَشْرَكْتُمُوْنِ خدای تعالی باشد وکفر ابلیس بدو از پیش از آن هنگام شد که از سجود برای آدم سر پیچید ✻ كَلِمَةً طَيِّبَةً یعنی کلمه توحید وشهادت لا اله الا الله كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ ابن عقده از امام ابی جعفر باقر علیه السلام روایت کرد که همانا آن

وَأُدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

و درآورده شدند آنانکه ایمان آوردند وکردار شایسته کردند باغهائی که روان است زیر آنها جویها جاودانند

فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ﴿٢٣﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا

درآن باذن پروردگارخویش درودایشانست درآن سلام آیا ندیدی چگونه برزدهست خدا مثلی

كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ ﴿٢٤﴾ تُؤْتِي

سخنی پاکی مانند درختی است پاک بیخ وبنش برجا و شاخ وبرگش در آسمان بیدهد

أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

خوراک خود را هرگاه (همیشه) باذن پروردگارخویش ومیزند خدا مثلهارا برای مردم شاید یادآورشوند

﴿٢٥﴾ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِن فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا

ومثل سخنی پلید مانند درختی است پلید که برچیده است از روی زمین نیست

مِن قَرَارٍ ﴿٢٦﴾ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي

آرامشی استوارداردخدا آنان راکه ایمان آوردند بگفتار استوار درزندگانی دنیا و در

الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ﴿٢٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

آخرت وگمراه کند خدا ستمکاران را وبکند خدا هرچه خواهد آیا نگریستی بدانانکه

بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿٢٨﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَ

تبدیل کردند نعمت خدارا بناسپاسی ودرآوردند قوم خویش را بخانهٔ مرگ (نابودی) دوزخ بچشندش و

بِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٢٩﴾ وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَندَادًا لِّيُضِلُّوا عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ

چه زشت جایست آن آرامشگاه وقرار دادند برای خدا همتایانی تاگمراه کنند از راهش بگو کامیاب شوید که بازگشت شما

إِلَى النَّارِ ﴿٣٠﴾ قُل لِّعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

بسوی آتش بگو ببندگان من آنانکه ایمان آوردند بپایدارند نماز را وبدهند از آنچه روزیشان دادیم

سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ ﴿٣١﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ

نهان وآشکارا پیش ازآنکه بیاید روزی که نیست سودادگری درآن ونه دوستی خداست آنکه آفرید آسمانها

وَالْأَرْضَ وَأَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ

وزمین را وفرستاد از آسمان آبی پس برون آورد بدان ازمیوه‌ها روزیی برای شما ورام کرد برای شما کشتی را

لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ﴿٣٢﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ وَسَخَّرَ لَكُمُ

تاروان شود دردریا بفرمان او ورام کرد برای شما جویهارا ورام کرد برای شما مهر و ماه را ازپی هم درآیندگان ورام کرد برای شما

اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ﴿٣٣﴾ وَآتَاكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنسَانَ

شب وروزرا وداد بشما ازهرچه مسئلتش کردید واگر بشمرید نعمت خدارا شمارآن نتوانید هماناانسان هست

لَظَلُومٌ كَفَّارٌ ﴿٣٤﴾ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَٰذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَن نَّعْبُدَ الْأَصْنَامَ

ستمگرناسپاس وهنگامی که گفت ابراهیم پروردگارا بگردان این شهررا آسوده وبرکنار دار مرا وفرزندانم از پرستش بتها

﴿٣٥﴾ رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ فَمَن تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٣٦﴾

پروردگارا هاناآنها گمراه کردند بسیاری را از مردم پس هرکه پیروی کند هاناوازمن است وهرکه نافرمانیم کند هاناتوئی آمرزنده مهربان

رَبَّنَآ إِنِّيٓ أَسۡكَنتُ مِن ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيۡرِ ذِي زَرۡعٍ عِندَ بَيۡتِكَ ٱلۡمُحَرَّمِ رَبَّنَا

پروردگارا ما جا دادم از خاندانم (زادم) در وزدی بی کیاه (کشت) نزد خانهٔ محترم تو پروردگارا

لِيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ فَٱجۡعَلۡ أَفۡـِٔدَةٗ مِّنَ ٱلنَّاسِ تَهۡوِيٓ إِلَيۡهِمۡ وَٱرۡزُقۡهُم مِّنَ ٱلثَّمَرَٰتِ

تا بپای دارند نماز را پس بگردان دلهائی را از مردم بگروند بسوی آنان وروزیشان ده از میوه ها

لَعَلَّهُمۡ يَشۡكُرُونَ ٣٧ رَبَّنَآ إِنَّكَ تَعۡلَمُ مَا نُخۡفِي وَمَا نُعۡلِنُۗ وَمَا يَخۡفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِن شَيۡءٖ

شاید سپاس گذارند پروردگارا ما تو دانی آنچه را نهان کنیم وآنچه را آشکار سازیم وهیچ چیزی

فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِ ٣٨ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى ٱلۡكِبَرِ إِسۡمَٰعِيلَ وَإِسۡحَٰقَۚ

در زمین ونه در آسمان سپاس خدایرا که بخشید بمن در سالخوردگی اسمعیل واسحق را

إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ٣٩ رَبِّ ٱجۡعَلۡنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ وَمِن ذُرِّيَّتِيۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلۡ دُعَآءِ ٤٠

هانا پروردگارمن هست شنوندهٔ دعاء پروردگارا بگردانم مرا برپا کنندهٔ نماز واز فرزندانم پروردگارا وبپذیر درخواست مرا

رَبَّنَا ٱغۡفِرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ يَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡحِسَابُ ٤١ وَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱللَّهَ غَٰفِلًا

پروردگارا بیامرز برای من ومر پدر ومادرم وبرای مؤمنان روزیکه بپای شود حساب ونپندار البته خدارا غافل

عَمَّا يَعۡمَلُ ٱلظَّٰلِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمۡ لِيَوۡمٖ تَشۡخَصُ فِيهِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ ٤٢ مُهۡطِعِينَ مُقۡنِعِي

از آنچه میکنند ستمکران جز این نیست که پس انداز دشان برای روزیکه در آن باز ماند از گردش دیدگان شتابنده زدگان بالا گهدارندگان

رُءُوسِهِمۡ لَا يَرۡتَدُّ إِلَيۡهِمۡ طَرۡفُهُمۡۖ وَأَفۡـِٔدَتُهُمۡ هَوَآءٞ ٤٣ وَأَنذِرِ ٱلنَّاسَ يَوۡمَ يَأۡتِيهِمُ

سرهای خویش بازنگردد بسوی ایشان مژگان ایشان ودلهای ایشانست تهی وبترسان مردم را روزیکه بیاید بشان

ٱلۡعَذَابُ فَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ رَبَّنَآ أَخِّرۡنَآ إِلَىٰٓ أَجَلٖ قَرِيبٖ نُّجِبۡ دَعۡوَتَكَ وَنَتَّبِعِ ٱلرُّسُلَۗ

عذاب پس گویند آنانکه ستم کردند پروردگارا پس انداز ما را تا سر آمدی نزدیک بپذیریم دعوت را وپیروی کنیم پیغمبران را

أَوَلَمۡ تَكُونُوٓاْ أَقۡسَمۡتُم مِّن قَبۡلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٖ ٤٤ وَسَكَنتُمۡ فِي مَسَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ

آیا نبودید شما سوگند یاد کردید پیش ازاین که نیست شما را زوال (رانتدن) وقرار یدید در نشیمنهای آنانکه ستم کردند خویشرا

وَتَبَيَّنَ لَكُمۡ كَيۡفَ فَعَلۡنَا بِهِمۡ وَضَرَبۡنَا لَكُمُ ٱلۡأَمۡثَالَ ٤٥ وَقَدۡ مَكَرُواْ مَكۡرَهُمۡ وَعِندَ ٱللَّهِ

وآشکار شد برای شما چه کردیم باایشان وزدیم برای شما شلهارا وهانا آوردند نیرنگ خویش را ونزد خداست

مَكۡرُهُمۡ وَإِن كَانَ مَكۡرُهُمۡ لِتَزُولَ مِنۡهُ ٱلۡجِبَالُ ٤٦ فَلَا تَحۡسَبَنَّ ٱللَّهَ مُخۡلِفَ وَعۡدِهِۦ رُسُلَهُۥٓۚ

نیرنگ ایشان وهرچند باشد نیرنگ ایشان کزنابود شود ازآن کوهها پس گمان مبر خدارا شکننده وعدهٔ خویش بفرستادگان خود

إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٞ ذُو ٱنتِقَامٖ ٤٧ يَوۡمَ تُبَدَّلُ ٱلۡأَرۡضُ غَيۡرَ ٱلۡأَرۡضِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُۖ وَبَرَزُواْ لِلَّهِ ٱلۡوَٰحِدِ

هانا خدا عزتمندیست دارای انتقام روزیکه دگرگون شود زمین بغیر از زمین وآسمانها وبیایند بیشگاه خداوند یگانه

ٱلۡقَهَّارِ ٤٨ وَتَرَى ٱلۡمُجۡرِمِينَ يَوۡمَئِذٖ مُّقَرَّنِينَ فِي ٱلۡأَصۡفَادِ ٤٩ سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٖ وَتَغۡشَىٰ

چیره کی جوی وبینی گناهکاران را در آنروز بستگان بزنجیرها جامه های ایشانست از قطران وبپوشد

وُجُوهَهُمُ ٱلنَّارُ ٥٠ لِيَجۡزِيَ ٱللَّهُ كُلَّ نَفۡسٖ مَّا كَسَبَتۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ٥١ هَٰذَا

رویهای ایشان را آتش تا پاداش دهد خدا بهرکس آنچه فراهم آورد دست وهانا خداوند هست شتابنده در حساب اینست

بَلَٰغٞ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذَرُواْ بِهِۦ وَلِيَعۡلَمُوٓاْ أَنَّمَا هُوَ إِلَٰهٞ وَٰحِدٞ وَلِيَذَّكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٥٢

آگهیی برای مردم وتا بیم داده شوند بدان وتا بدانند هانا او خداوندی است یکتا وتا پاد آور شوند خداوندان خرد ها

الجزء (١٤)

سورة الحجر مكية وآياتها تسع وتسعون آية

سورة ١٥ — حروفها ٢٧٧١ — كلماتها ٦٥٤

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓرٰ تِلْكَ اٰيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْاٰنٍ مُّبِينٍ ﴿١﴾ رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٢﴾

این است آیتهای کتاب وقرآنی آشکار بسا دوست دارند آنانکه کفر ورزیدند کاش میبودند مسلمانان

ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْاَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ وَمَا اَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ اِلَّا وَلَهَا

بگذارشان بخورند وکام روا دارند وسرگرمشان سازد آرزو پس زود است بدانند ونابود نکردیم شهری را جز آنکه بود آنرا

كِتَابٌ مَّعْلُومٌ ﴿٤﴾ مَا تَسْبِقُ مِنْ اُمَّةٍ اَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿٥﴾ وَقَالُوا يَا اَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ

کتابی دانسته نه پیشی گیرد امتی سرآمد خویش را ونه پس افتد وگفتند ای آنکه فرود آورده شد

عَلَيْهِ الذِّكْرُ اِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ﴿٦﴾ لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلٰٓئِكَةِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٧﴾ مَا نُنَزِّلُ

براو قرآن همانا توئی دیوانه چرا نیاوری مارا بفرشتگان اگر هستی از راستگویان نمیفرستیم

الْمَلٰٓئِكَةَ اِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوٓا اِذًا مُّنْظَرِينَ ﴿٨﴾ اِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَاِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿٩﴾

فرشتگان را جز بحق ونیستند درآنهنگام مهلت دادگان همانا ما فرستادیم قرآن را وهمانا مائیم مرآنرا نگهدارندگان

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْاَوَّلِينَ ﴿١٠﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ رَّسُولٍ اِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

وهمانا فرستادیم پیش از تو در توده های پیشینیان ونیامدشان فرستاده ای جز آنکه بودند بدو استهزاء کنندگان

﴿١١﴾ كَذٰلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١٢﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْاَوَّلِينَ

بدینسان بمیرانیمش در دلهای گنهکاران ایمان نیارند بدان حالیکه گذشت آئین پیشینیان

﴿١٣﴾ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ ﴿١٤﴾ لَقَالُوٓا اِنَّمَا سُكِّرَتْ

واگر بگشائیم برایشان دری را از آسمان پس آغاز کنند درآن بالا روند هرآینه گویند جز این نیست که چشم بند

اَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَّسْحُورُونَ ﴿١٥﴾ وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ

شدیم بلکه مائیم گروهی جادو شدگان وهمانا نهادیم در آسمان برجهائی وآراستیم آنهارا برای بینندگان

﴿١٦﴾ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ ﴿١٧﴾ اِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ فَاَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُّبِينٌ ﴿١٨﴾

وحفظ کردیم آنهارا از هر شیطانی رانده شده مگر آنکه بدزدد شنیدنرا (دزدگی شنود) که در پیش افتد شهابی آشکار

وَالْاَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَاَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَاَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ ﴿١٩﴾ وَجَعَلْنَا

وزمین را گسترانیدیم وافکندیم درآن لنگرهائی ورویانیدیم درآن از هر چیزی زیبا وقرار دادیم

لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَمَنْ لَّسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ ﴿٢٠﴾ وَاِنْ مِّنْ شَيْءٍ اِلَّا عِنْدَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ اِلَّا بِقَدَرٍ

برای شما درآن روزیهائی (زندگیهائی) وآنکس که نیستید مراورا روزی دهندگان ونیست چیزی جز آنکه نزد ماست گنجهایش ونفرستیمش مگر باندازه

مَّعْلُومٍ ﴿٢١﴾ وَاَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا اَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿٢٢﴾

دانسته وفرستادیم بادهارا آبستن کنندگان پس فرود آوردیم از آسمان آبی پس نوشانیدیمش بشما ونبودید آنرا اندوزندگان

وَاِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ﴿٢٣﴾ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ﴿٢٤﴾

وهمانا ما زنده کنیم وبمیرانیم ومائیم ارث برندگان وهمانا دانستیم پیشینیان را از شما ودانستیم پس آیندگان را

وَاِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ ؕ اِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ

و همانا پروردگار تو برانگیزاند شان همانا اوست حکیم دانا و همانا آفریدیم انسان را از گل خشک از

حَمَاٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٦﴾ وَالْجَآنَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾ وَاِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ

گلی تیره ریخته شده و جن را بیافریدیم از پیش از آتشی که بوی اوست کشنده و هنگامی که گفت پروردگار تو بفرشتگان

اِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَاٍ مَّسْنُونٍ ﴿٢٨﴾ فَاِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي

که همانا منم آفریننده بشری از گل خشک از گلی تیره رنگ ریخته شده پس گاهی که آراستمش و دمیدم در او از روح خویش

فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٢٩﴾ فَسَجَدَ الْمَلٰٓئِكَةُ كُلُّهُمْ اَجْمَعُونَ ﴿٣٠﴾ اِلَّآ اِبْلِيسَ ؕ اَبٰٓى اَنْ يَكُونَ

پس بیفتید برایش سجده کنان پس سجده کردند فرشتگان همگی باهم جز ابلیس که سر پیچید از آنکه باشد

مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣١﴾ قَالَ يَآ اِبْلِيسُ مَا لَكَ اَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ لَمْ اَكُنْ لِّاَسْجُدَ

با سجده کنندگان گفت ای ابلیس چه شدت که نبودی با سجده کنندگان گفت نیستم من که سجده کنم

لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِّنْ حَمَاٍ مَّسْنُونٍ ﴿٣٣﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَاِنَّ

برای بشری که آفریدی او را از گلی خشک از گل تیره ریخته شده گفت پس برون شو از آن که توئی رانده شده و همانا

عَلَيْكَ اللَّعْنَةَ اِلٰى يَوْمِ الدِّينِ ﴿٣٥﴾ قَالَ رَبِّ فَاَنْظِرْنِيٓ اِلٰى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٣٦﴾ قَالَ فَاِنَّكَ مِنَ

بر تو است لعنت من تا روز دین گفت پروردگارا مهلتم ده تا روزی که برانگیخته شوند گفت همانا توئی از

الْمُنْظَرِينَ ﴿٣٧﴾ اِلٰى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ بِمَآ اَغْوَيْتَنِي لَاُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِي الْاَرْضِ

مهلت دادگان تا روز هنگام دانسته گفت پروردگارا بدانکه گمراهم کردی همانا آرایش دهم برای ایشان در زمین

وَلَاُغْوِيَنَّهُمْ اَجْمَعِينَ ﴿٣٩﴾ اِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾ قَالَ هٰذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ

و هر آینه گمراهشان کنم همگی جز بندگان تو از ایشان آن ناآلودگان (پاک بندگان) گفت اینست راهی بر من راست

﴿٤١﴾ اِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ اِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ ﴿٤٢﴾ وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ

که بندگانم را نباشدت برایشان فرمانروائی مگر آنکه پیرویت کند از گمراهان و همانا دوزخست وعده گاه آنان

اَجْمَعِينَ ﴿٤٣﴾ لَهَا سَبْعَةُ اَبْوَابٍ ؕ لِّكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ﴿٤٤﴾ اِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ

همگی برای آنست هفت در هر دری راست از ایشان بخشی جداگانه همانا پرهیزکارانند در باغها

وَعُيُونٍ ﴿٤٥﴾ اُدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ اٰمِنِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِّنْ غِلٍّ اِخْوَانًا عَلٰى سُرُرٍ

و چشمه سارهائی در آئیدش بسلامت بر آسودگان و برافکندیم آنچه در سینه های ایشان است از کینه برادرانند بر تختهائی

مُّتَقَابِلِينَ ﴿٤٧﴾ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ ﴿٤٨﴾ نَبِّئْ عِبَادِيٓ اَنِّيٓ اَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٤٩﴾

روی بروی نزدیک بدیشان نشود رنجی و نباشند از آن برون راندگان آگهی ده بندگانم را که منم آمرزنده مهربان

وَاَنَّ عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْاَلِيمُ ﴿٥٠﴾ وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ اِبْرٰهِيمَ ﴿٥١﴾ اِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا

و آنکه عذاب من است آن عذاب دردناک و آگهیشان ده از میهمانان ابراهیم هنگامی که در آمدند بر او پس گفتند

سَلَامًا ؕ قَالَ اِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا لَا تَوْجَلْ اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ﴿٥٣﴾ قَالَ اَبَشَّرْتُمُونِي

سلامی گفت همانا مائیم از شما هراسان گفتند بیم مدار همانا نویدت دهیم بفرزندی دانا گفت آیا نوید دهیدم

عَلٰٓى اَنْ مَّسَّنِيَ الْكِبَرُ فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ﴿٥٤﴾ قَالُوا بَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِّنَ الْقَانِطِينَ ﴿٥٥﴾

با آنکه مرا رسیده است پیری پس بچه نویدم دهید گفتند بشارت آوردیمت بحق پس نباش از نومیدان

مانند قرص نانی پاکیزه که هیچ نشانه برای کسی در آن نباشد ۲۶ مِنْ صَلْصَالٍ یعنی از گلی خشک که چون آنرا خواهی کاویدن صلصل یعنی آوازی از آن شنیده شود و گفته اند مراد گل خشک و سخت است که با خاک آمیخته باشد و بعضی گفته اند صلصال یعنی گل بدبوی و گندیده ۲۸ مِنْ حَمَاٍ یعنی از گل متغیر رنگ گردیده مَسْنُونٍ یعنی ریخته شده بدانسان که زر و سیم ریخته شود و از سیبویه است که مسنون یعنی مصور ۲۷ مِنْ نَارِ السَّمُومِ یعنی آتشی که آنرا وزش و شرری سوزان و کشنده است و بقولی بمعنی آتشی است که دود ندارد و صاعقه ها از آن بهم رسد ۴۴ فَاخْرُجْ مِنْهَا یعنی از بهشت یا آسمان برون شو و قولی است که ابلیس را از زمین براند و در دریاها باز داشت ۴۴ فَاِنَّكَ رَجِيمٌ یعنی رانده و لعنت شده و قولی است که رجیم یعنی شهاب بسوی او پرتاب شده و افکنده شده ۴۹ رَبِّ بِمَآ اَغْوَيْتَنِي اگرچه اغواء بظاهر بمعنی اضلال و گمراه ساختن است اما در اینجا صحیح نیست که بخدای تعالی نسبت داده شود از اینروی بعضی آنرا هم در اینجا و هم در ۴۹ لَاُغْوِيَنَّهُمْ هر دو بمعنی تخییب و نومید

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ﴿٥٦﴾ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٧﴾ قَالُوا

گفت کیست که نومید شود از رحمت پروردگار خویش مگر گمراهان گفت پس چیست کار شما ای فرستادگان گفتند

إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُجْرِمِينَ ﴿٥٨﴾ إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٩﴾ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَا إِنَّهَا

همانا فرستاده شدیم بسوی قومی گنهکار مگر خاندان لوط که نجات دهنده ایم ایشانرا همگی مگر زنش مقدر کردیم که اوست

لَمِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ﴿٦٢﴾ قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ

از گذشتگان پس گاهیکه آمدند خاندان لوط را فرستادگان گفت همانا شمائید گروهی ناشناختگان گفتند بلکه آوردیمت

بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿٦٣﴾ وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٦٤﴾ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ

بدانچه بودند در آن شک میآوردند و آوردیمت حق را و همانا مائیم راستگویان پس رهسپار شو با خاندان خویش در پاره از شب

وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ﴿٦٥﴾ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَٰلِكَ الْأَمْرَ

و پیروی کن پشتهای ایشانرا و برنگردد از شما کسی و بگذرید آنجا که فرمان داده شوید و بگذراندیم بسویش این امر را

أَنَّ دَابِرَ هَٰؤُلَاءِ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ ﴿٦٦﴾ وَجَاءَ أَهْلُ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٦٧﴾ قَالَ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ ضَيْفِي

که دنباله آنان است بریده ببامداد در آیندگان و آمدند مردم شهر شادمانی کنان گفت همانا اینان میهمانان منند

فَلَا تَفْضَحُونِ ﴿٦٨﴾ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ ﴿٦٩﴾ قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٧٠﴾ قَالَ هَٰؤُلَاءِ بَنَاتِي

پس رسوایم نکنید و بترسید خدا را و خوارم نسازید گفتند آیا نهی نکردیم ترا از جهانیان گفت اینک دختران من

إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿٧١﴾ لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٢﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُشْرِقِينَ ﴿٧٣﴾

اگر هستید کنندگان بجان تو اینانند در مستی خویش فرو روندگان پس بگرفتشان خروش حالیکه خورشید بود تابنده بر ایشان

فَجَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ ﴿٧٤﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِينَ ﴿٧٥﴾

پس گردانیدیم زیرش را رویش و باریدیم بر ایشان سنگی از سجیل همانا در این است آیتهائی برای هوشمندان

وَإِنَّهَا لَبِسَبِيلٍ مُقِيمٍ ﴿٧٦﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لَظَالِمِينَ ﴿٧٨﴾

و همانا آن براهی است استوار (پایدار) همانا در اینست آیتی برای مؤمنان و هرچند بودند یاران ایکه همانا ستمگران

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُبِينٍ ﴿٧٩﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ ﴿٨٠﴾ وَآتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا

پس کین کشیدیم از ایشان و همانا آنانند پیشوائی آشکار و همانا تکذیب کردند یاران حجر فرستادگانرا و آوردیمشان آیتهای خویش را پس بودند

عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿٨١﴾ وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا آمِنِينَ ﴿٨٢﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ مُصْبِحِينَ ﴿٨٣﴾

از آنها روی گردانان و بودند میتراشیدند از کوهها خانه هائی برآسودگان پس بگرفتشان خروش گاهی که بودند بامداد کنندگان

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٨٤﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ

پس بی نیاز نکرد از ایشان چیزی آنچه بودند فراهم میآوردند و نیافریدیم آسمانها و زمین را و آنچه میان آنهاست جز بحق و همانا

السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ﴿٨٥﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿٨٦﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا

ساعت است آینده پس بگذر گذشتی نکو همانا پروردگار تو است آفریننده دانا و همانا آوردیم ترا هفت تا

مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ ﴿٨٧﴾ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ

از بندها و قرآنی بزرگ باز مکن (برمکش) دیدگان خویش را بسوی آنچه بهره دادیم مردانی از ایشانرا و اندوهگین مباش بر آنان

وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ﴿٨٩﴾ كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ ﴿٩٠﴾

و بخوابان بال خویش را برای مؤمنان و بگو منم همانا آن بیم دهنده آشکار بدانسان که فرستادیم بر بخش کنندگان

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِينَ ﴿٩١﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَسْئَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩٢﴾ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

آنانکه گردانیدند قرآن را بخشهائی پس سوگند بپروردگارت همانا بپرسیمشان همگی از آنچه بودند میکردند

فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٤﴾ إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ﴿٩٥﴾ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ

پس بانگ در ده بدانچه مامور شوی و روی برگردان از شرک ورزان همانا ما نگهداشتیمت از استهزاء کنندگان آنانکه قرار دهند با خدا

إِلَٰهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٩٦﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ﴿٩٧﴾ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

خداوند دیگری پس زود است بدانند و همانا میدانیم ترا تنگ همی آید سینه بدانچه گویند پس تسبیح کن بسپاس پروردگار خویش

وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ﴿٩٨﴾ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ﴿٩٩﴾

و باش از سجده کنندگان و پرستش کن پروردگار خویش را تا بیاید ت یقین

سُورَةُ النَّحْلِ مِائَةٌ وَثَمَانٌ وَعِشْرُونَ آيَةً وَهِيَ نَزَلَتْ بِمَكَّةَ

سورة ١٦ — حروفها ٧٧٧ — كلماتها ١٨٤١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿١﴾ يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ

آمد امر خدا پس شتاب بجوئیدش منزه و برتر است او از آنچه شرک میورزند فرود آورد فرشتگان را با روح از امر خود

عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ ﴿٢﴾ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

بر هرکه خواهد از بندگان خویش که بترسانید آنکه نیست خدائی جز من پس پرهیزکاری کنید بیافرید آسمانها و زمین را

بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٣﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿٤﴾ وَالْأَنْعَامَ

بحق برتر است از آنچه شرک ورزند بیافرید انسان را از چکه آبی که ناگهان اوست دشمنی آشکار و دامها را

خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٥﴾ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ

بیافرید برای شما در آنها پوشاکی گرم سودهائی و از آنها میخورید و شما راست در آنها زیبی گاهی که شب کنید و گاهیکه سر دهید

﴿٦﴾ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَمْ تَكُونُوا بَالِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿٧﴾

و میکشند بارهای شما را بسوی شهری که نرسید بدان جز با رنج کسان همانا پروردگار شما است نوازنده مهربان

وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨﴾ وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ

و اسبان و استرها و خرها تا سوار آنها شوید و زیبی را و میآفرد آنچه را نمیدانید و بر خداست رهنمائی براه راست

وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٩﴾ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ

و از آنست کجرونده و اگر میخواست هدایت میکرد شما را همگی اوست آنکه فرستاد از آسمان آبی برای شما از آنست نوشابه

وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ﴿١٠﴾ يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ

و از آنست درختی که در آن میچرانید میرویاند برای شما بدان کشت و زیتون و خرمابنها و انگورها و از

كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿١١﴾ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ

همه میوه ها همانا در اینست آیتی برای گروهی که بیاندیشند و رام کرد برای شما شب و روز

وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿١٢﴾

و مهر و ماه را و ستارگان فرمانبردارند بفرمانش همانا در اینست آیتهائی برای گروهی که بخرد یابند

وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣﴾

و آنچه آفرید برای شما در زمین رنگارنگ همانا در اینست آیتی برای گروهی که یادآور شوند

حزب (٢)

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ استهزاء کنندگان پیغمبر پنج تن از قریش بودند عاص بن وائل و ولید بن مغیره و ابوزمعه که نامش اسود بن مطلب بود و اسود بن عبد یغوث و حرث بن قیس و بعضی آنان را شش تن شمرده و حارث بن طلاطله که نام مادرش عیطله است بیفزودند

گویند جبرئیل پیغمبر صلعم در آمد در حالیکه این کسان گرد خانه کعبه طواف همیکردند پس جبرئیل بایستاد حالیکه بر کنارش پیغمبر صلعم قرار گرفته بود و چون ولید بن مغیره مخزومی بگذشت جبرئیل اشارت بساق پای او نمود پس چنان افتاد که ولید بر مرد آهنگری از طایفه خزاعه گذشت و دامن جامه بر زمین همی کشانید و خاری آهنین در جامه او خلید و گردنکشی وی را باز داشت از آنکه سر فرود کند و آنرا برون آرد پس همی رفت و آن خار ساق پایش را زخم و مخدوش همی نمود و این سبب شد که بیمار گشت و بیماریش منجر بهلاکت وی شد و چون عاص بن وائل بگذشت جبرئیل بسوی پای وی اشارت نمود پس پای بر زبر خاری نهاد و آن در شست

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ

واو است آنکه رام کرد دریا را تا بخورید از آن گوشتی تازه و برون آرید از آن زیوری که بپوشیدش و بینی کشتیها را

مَوَاخِرَ فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۴﴾ وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ

در آن شکافندگان آب و بجوئید از فضلش و شاید شما سپاس گذارید و افکند در زمین لنگرهائی بنادا بجشود

بِكُمْ وَأَنْهَارًا وَسُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۵﴾ وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ ﴿۱۶﴾ أَفَمَنْ يَخْلُقُ

بشما و رودهائی و راههائی شاید هدایت یابید و نشانهائی و باستاره ایشان هدایت شوند پس آیا آنکه میآفرد

كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿۱۷﴾ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۸﴾ وَاللَّهُ يَعْلَمُ

مانند آن است که نمیآفرد پس آیا یاد آور نمیشوید و اگر بشمرید نعمت خدایرا شمار آن نتوانید همانا خداوند است آمرزنده مهربان و خدا میداند

مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿۱۹﴾ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ

آنچه نهان کنید و آنچه آشکار کنید و آنانرا که میخوانند جز خدا نیافرند چیزی را و خود آفریده شوند

﴿۲۰﴾ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿۲۱﴾ إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

مردگانند نه زندگان و در نیابند که چه وقت برانگیخته میشوند خداوند شما خدای یکتا است پس آنانکه ایمان ندارند

بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ﴿۲۲﴾ لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

بآخرت دلهای ایشانست انکار کننده و ایشانند کبر ورزندگان لاجرم خدا میداند آنچه را نهان کنند و آنچه را آشکار کنند

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ﴿۲۳﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿۲۴﴾ لِيَحْمِلُوا

همانا او دوست ندارد گردنکشان را و هرگاه گفته شود بدیشان چه فرستاد است پروردگار شما گویند داستانهای باستان تا بردارند

أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ﴿۲۵﴾

بارهای خویش را تمامی روز قیامت و از گناهان آنانکه گمراهشان کنند بنادانی چه زشت است آنچه گنهبار میشوند

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ

همانا مکر کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس واژگون ساخت خدا بنیاد ایشانرا از پایه ها پس فرود آمد بر ایشان بام از فراز ایشان

وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۲۶﴾ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ

و بیامدشان عذاب از آنجا که ندانستند سپس روز قیامت خوارشان سازد و گوید کجایند شریکان من

الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۲۷﴾

آنانکه بودید ستیزه میکردید در ایشان گویند آنانکه داده شدند دانش را همانا خواری در امروز و بدی است بر کافران

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوُا السَّلَمَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ

آنانکه دریابندشان فرشتگان ستمگران بر خویشتن پس بیفکندند آشتی را که ما نکردیم بدی نه چنین است بلکه خدا داناست بدانچه بودید

تَعْمَلُونَ ﴿۲۸﴾ فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿۲۹﴾ وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا

میکردید پس درآئید درهای دوزخرا جاودانان در آن پس چه زشت است جایگاه گردنکشان و گفته شد بدانانکه پرهیزکاری کردند

مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ

چه فرستاد است پروردگار شما گفتند نکو را آنانرا که نکوئی کردند در این دنیا است نکوئی و همانا خانه آخرتست بهتر و چه خوبست سرای پرهیزکاران

﴿۳۰﴾ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَٰلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ﴿۳۱﴾

بهشتهای جاودان درآیند در آنها روان است زیر آنها جویها ایشانراست در آنجا آنچه خواهند بدینسان پاداش دهد خدا بپرهیزکاران

الَّذِينَ تَتَوَفّٰيهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلٰمٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۳۲﴾ هَلْ

آنانکه یابندشان فرشتگان پاک گویند سلام برشما درآئید بهشت را بدانچه بودید میکردید آیا

يَنْظُرُونَ اِلَّآ اَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ اَوْ يَأْتِيَ اَمْرُ رَبِّكَ كَذٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ

چشم براهند جز آنکه بیایدشان فرشتگان یا بیاید امر پروردگار تو چنین کردند آنانکه پیش از ایشان بودند و ستم نکرد برایشان

اللّٰهُ وَلٰكِنْ كَانُوٓا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿۳۳﴾ فَاَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

خدا ولیکن بودند خویشتن را ستم میکردند پس رسید بدیشان بدیهای آنچه کردند و فرود آمد بدیشان آنچه بودند بدان استهزاء میکردند

﴿۳۴﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اَشْرَكُوا لَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَآ اٰبَآؤُنَا وَلَا حَرَّمْنَا

و گفتند آنانکه شرک ورزیدند اگر میخواست خدا همانا نمیپرستیدیم جز از وی چیزی را نه ما و نه پدران ما و نه حرام (محترم) میشمردیم

مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِينُ ﴿۳۵﴾ وَلَقَدْ

جز او چیزی را چنین کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس آیا است بر فرستادگان جز پیام آشکار و همانا

بَعَثْنَا فِي كُلِّ اُمَّةٍ رَسُولًا اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللّٰهُ وَمِنْهُمْ مَنْ

برانگیختیم در هر ملتی پیمبری را که پرستش کنید خدا را و دوری گزینید از سرکش پس از ایشان است آنکه رهبریش کرد خدا و از ایشانست آنکه

حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلٰلَةُ فَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿۳۶﴾ اِنْ تَحْرِصْ

فرود آمد براو گمراهی پس بگردید در زمین و بنگرید چگونه بود فرجام تکذیب کنندگان اگر حریص باشی

عَلٰى هُدٰيهُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ﴿۳۷﴾ وَاَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ

بر هدایت ایشان همانا خدا هدایت نکند آنرا که گمراه میکند و نیست ایشانرا یاورانی و سوگند آوردند بخدا سخت ترین سوگندهای خویش

لَا يَبْعَثُ اللّٰهُ مَنْ يَمُوتُ بَلٰى وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۸﴾ لِيُبَيِّنَ لَهُمُ

که نیانگیزد خدا آنرا که میمیرد چنین است بلکه وعده است براو حق ولیکن بیشتر مردم نمیدانند تا بیان کند برای ایشان

الَّذِي يَخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوٓا اَنَّهُمْ كَانُوا كَاذِبِينَ ﴿۳۹﴾ اِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ اِذَآ اَرَدْنَاهُ

آنچه را که اختلاف میکنند در آن و تا بدانند آنانکه کفر ورزیدند که بودند ایشان دروغگویان نیست گفتار ما برای چیزی گاهیکه بخواهیمش

اَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۴۰﴾ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظُلِمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا

جز آنکه گوئیمش بشو پس میشود و آنانکه هجرت کردند در راه خدا پس از آنکه ستم شدند البته جایشان دهیم در دنیا

حَسَنَةً وَلَاَجْرُ الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۴۱﴾ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿۴۲﴾ وَمَآ

جایگاهی نکو و هرآینه پاداش آخرتست بزرگتر اگر باشند که بدانند آنانکه شکیبا شدند و بر پروردگار خویش توکل کنند و

اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ اِلَّا رِجَالًا نُوحِي اِلَيْهِمْ فَسْئَلُوٓا اَهْلَ الذِّكْرِ اِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۴۳﴾ بِالْبَيِّنَاتِ

نفرستادیم پیش از تو مگر مردانی را که وحی میفرستادیم بدیشان پس بپرسید اهل کتاب را اگر شما نمیدانید با نشانیها

وَالزُّبُرِ وَاَنْزَلْنَآ اِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ اِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۴۴﴾ اَفَاَمِنَ

و نامه‌ها و فرستادیم بسوی تو نامه را تا بیان کنی برای مردم آنچه را فرستاده شد بسوی ایشان و شاید بیاندیشند آیا ایمن شدند

الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ اَنْ يَخْسِفَ اللّٰهُ بِهِمُ الْاَرْضَ اَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۴۵﴾

آنانکه مکر کردند بدیها را که فرو برد شان زمین یا بیایدشان عذاب از جائیکه نمیدانند

اَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقَلُّبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿۴۶﴾ اَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلٰى تَخَوُّفٍ فَاِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿۴۷﴾

یا بگیردشان در گردش (رفت و شد) ایشان پس نباشند بعجز آورندگان یا بگیردشان بر بیمناکی (یا آهسته و اندک اندک) همانا پروردگار تو است نوازنده مهربان

فرود مائیم علامات و اما ستاره رسول خدا است و هم او گفت که خداوند اختران را امانی برای اهل آسمان نهاد و اهلبیت مرا امانی از برای مردم زمین قرار داد

فَسْئَلُوٓا اَهْلَ الذِّكْرِ: در این آیت اقوالی است نخست آنکه مراد باهل ذکر علماء و دانایان باخبار گذشتگان و پیشینیان است خواه مؤمن باشند یا کافر دوم آنکه مراد اهل کتاب است سیم آنکه مراد اهل قرآن است و جابر و محمد بن مسلم هر دو از امام ابیجعفر باقر علیه السلام روایت کردند که گفت مائیم اهل ذکر و خدای تعالی پیمبر را بنام ذکر خوانده است آنجا که گفته است ذکرا رسولا و اما باء در بالبینات متعلق است به ارسلنا در ما ارسلنا و آیت پیشین یعنی قوله تعالی لنبوئنهم فی الدنیا حسنة الی آخر در باره آنان آمد که در مکه شکنجه همی شدند مانند بلال و عمار و صهیب و خباب و امثال ایشان و خداوند در مدینه ایشانرا مکنت داد و آورده اند که صهیب باهل مکه گفت همانا من مردی پیرم اگر با شما باشم سودتان ندهد و اگر بر شما باشم زیانتان نرساند اینک مال مرا برگیرید و خودم باز گذارید پس دارائی خویش بداد و خود بسوی پیمبر هجرت نمود و چون ابو بکر

سجدهٔ مندوبه

حزب (۳)

اَوَلَمْ يَرَوْا اِلٰى مَا خَلَقَ اللّٰهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّؤُا ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَآئِلِ سُجَّدًا لِلّٰهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ ﴿۴۸﴾

آیا ننگریستند بدانچه بیافرید خدا از چیزی که سایه افکن گردد سایه‌های آن از راست و چپ سجده کنان برای خدا حالیکه آنانند فروتنان

وَلِلّٰهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ مِنْ دَآبَّةٍ وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ﴿۴۹﴾ يَخَافُونَ

و برای خدا سجده کنند آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از جنبنده و فرشتگان و ایشان سر نه پیچند بترسند

رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿۵۰﴾ وَقَالَ اللّٰهُ لَا تَتَّخِذُوٓا اِلٰهَيْنِ اثْنَيْنِ اِنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ وَاحِدٌ

پروردگار خویش را از فراز خویش و کنند آنچه فرمان داده شوند و گفت خدا نگیرید خدایانی دوگانه جز این نیست که او است خداوند یگانه

فَاِيَّايَ فَارْهَبُونِ ﴿۵۱﴾ وَلَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا اَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَتَّقُونَ ﴿۵۲﴾ وَمَا

پس مرا بترسید و برای او است آنچه در آسمانها و زمین است و برای او است دین پیوسته پس آیا جز خدا را میپرهیزید و آنچه

بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ ثُمَّ اِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَاِلَيْهِ تَجْـَٔرُونَ ﴿۵۳﴾ ثُمَّ اِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ اِذَا فَرِيقٌ

بر شما است از نعمت از خدا است سپس گاهیکه میرسد شما را رنج پس بسوی او زاری کنید تا گاهیکه بگشاید از شما رنج را ناگاه گروهی

مِنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ﴿۵۴﴾ لِيَكْفُرُوا بِمَآ اٰتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿۵۵﴾ وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا

از شما بپروردگار خویش شرک ورزند تا ناسپاسی کنند بدانچه آوردیمشان پس کامیاب شوید که زود است بدانید و قرار دهند برای آنچه

يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللّٰهِ لَتُسْـَٔلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَفْتَرُونَ ﴿۵۶﴾ وَيَجْعَلُونَ لِلّٰهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ

نمیدانند بهره‌ای از آنچه روزیشان دادیم بخدا پرسش شوید البته از آنچه بودید دروغ می‌بستید و قرار دهند برای خدا دختران منزه است او

وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ ﴿۵۷﴾ وَاِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِالْاُنْثٰى ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿۵۸﴾ يَتَوَارٰى مِنَ الْقَوْمِ

و برای خویش آنچه هوس کنند و گاهی که مژده داده شود یکیشان بمادینه بگردد روی او سیاه حالیکه او است خشم خورنده نهان کند خویش را از قوم

مِنْ سُوٓءِ مَا بُشِّرَ بِهِ اَيُمْسِكُهُ عَلٰى هُونٍ اَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ اَلَا سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿۵۹﴾ لِلَّذِينَ لَا

از زشتی آنچه مژده داده شد بدان که آیا نگهدارد ش بر زبونی (خواری) یا فرو کندش در خاک همانا زشت است آنچه حکم کنند آنان را که

يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلّٰهِ الْمَثَلُ الْاَعْلٰى وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۶۰﴾ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللّٰهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ

ایمان نمیآورند بآخرت مثل زشت است و برای خدا است مثل برتر و او است عزتمند حکیم و اگر بگیرد خدا مردم را بستمگریشان

مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَآبَّةٍ وَلٰكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ اِلٰى اَجَلٍ مُسَمًّى فَاِذَا جَآءَ اَجَلُهُمْ لَا يَسْتَاْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا

نگذارد بران جنبنده‌ای ولیکن پس میاندازدشان تا سرآمدی نامبرده و گاهی که بیاید سرآمد ایشان نه پس افتند ساعتی و نه

يَسْتَقْدِمُونَ ﴿۶۱﴾ وَيَجْعَلُونَ لِلّٰهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ اَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ اَنَّ لَهُمُ الْحُسْنٰى لَا جَرَمَ اَنَّ لَهُمُ

پیش افتند و قرار دهند برای خدا آنچه را ناخوش دارند و میستاید زبانهای ایشان دروغ را که ایشان راست نیکی لاجرم ایشان راست

النَّارَ وَاَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ ﴿۶۲﴾ تَاللّٰهِ لَقَدْ اَرْسَلْنَآ اِلٰٓى اُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ اَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ

آتش و ایشانند پیش راندگان بخدا سوگند که فرستادیم بسوی مللی پیش از تو پس بیاراست برای ایشان شیطان کردار ایشان را پس او است دوست ایشان

الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ﴿۶۳﴾ وَمَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ اِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً

آنروز و برای ایشان است عذابی دردناک و نفرستادیم بر تو کتاب را مگر تا بیان کنی برای ایشان آنچه را اختلاف کردند در آن و هدایت و رحمتی

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۶۴﴾ وَاللّٰهُ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَآ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

برای گروهی که ایمان آرند و خدا فرستاد از آسمان آبی پس زنده ساخت بدان زمین را پس از مردنش همانا در اینست آیتی برای قومی که میشنوند

﴿۶۵﴾ وَاِنَّ لَكُمْ فِي الْاَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَآئِغًا لِلشَّارِبِينَ ﴿۶۶﴾

و همانا شما راست در دامها عبرتی بنوشانیمتان از آنچه در شکمهای آنهاست از میان سرگین و خون شیری نیالوده گوارا برای نوشندگان

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً

واز میوه های خرمابنها وتاکها برگیرید از آن شکری وروزیی نکو همانا در اینست آیتی

لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٦٧﴾ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا

برای قومی که بخرد یابند ووحی نمود پروردگار تو بسوی زنبور (مگس عسل) که برگیر از کوهها خانه هائی واز درخت واز آنچه

يَعْرِشُونَ ﴿٦٨﴾ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۚ يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ

برافرازند سپس بخور از همه میوه ها پس روان شو براههای پروردگار خویش هموار برون شود از شکمهای آنها نوشابه برنگهای

أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿٦٩﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ

گوناگون در آنست درمانی برای مردم همانا در اینست آیتی برای قومی که بیندیشند وخدا بیافریدتان وسپس

يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

بمیراند تان واز شماست آنکه گردانیده شود بسوی پست ترین عمر تا نداند پس از دانستن چیزی را همانا خداست دانای توانا

﴿٧٠﴾ وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ ۚ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا

وخدا برتری داد گروهی از شمارا بر گروهی در روزی پس نیستند آنانکه برتر شدند برگرداننده روزی خویش بر آنچه

مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ ۗ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ﴿٧١﴾ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ

داراست یمینهای ایشان (بندگانشان) که بمانند ایشان در آن یکسان پس آیا نعمت خدارا نادیده گیرند وخدا قرارداد برای شما از خود شما

أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ۚ أَفَبِالْبَاطِلِ

جفتهائی وقرارداد برای شما از جفتهای شما پسرانی ونبیرگانی وروزیتان داد از پاکیزه ها پس آیا بباطل

يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ ﴿٧٢﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا

ایمان آرند وبنعمت خدا کفر ورزند وبپرستند جز خدا آنچه را دارا نیست برای ایشان روزیی

مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٧٣﴾ فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ

از آسمانها وزمین چیزی را ونمیتوانند پس نزنید برای خدا مثلها را وهمانا خدا میداند

وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٧٤﴾ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا

وشما نمیدانید زده است خدا مثلی بنده مملوک که توانائی ندارد بر چیزی وآنکه روزیش دادیم از خود

رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا ۖ هَلْ يَسْتَوُونَ ۚ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٧٥﴾

روزیی نکو پس او انفاق میکند از آن نهان وآشکارا آیا یکسانند سپاس خدایرا بلکه بیشترشان نمیدانند

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَىٰ مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّهْهُ

وزده است خدا مثلی دو مرد که یکیشان گنگ است توانائی ندارد بر چیزی واوست باری بر مهتر خویش بهر سویش گرداند

لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ ۖ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٧٦﴾ وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ

نیارد بخیری آیا یکسان است او باآنکه امر کند بداد واوست بر راهی راست واز آن خداست ناپیدای آسمانها

وَالْأَرْضِ ۚ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمْحِ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٧٧﴾ وَاللَّهُ

وزمین ونیست امر ساعت جز مانند بهم زدن چشم یا نزدیکتر همانا خداست بر همه چیز توانا وخدا

أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾

برون آورد شمارا از شکمهای مادرهای خویش نمیدانستید چیزی را ونهاد برای شما گوش ودیدگان ودلها را شاید سپاس گذارید

همی ترسند واز آن روی گفت بر بالای ایشان که خداوند فوق کمال وجلال هر کامل وهر جلالتمندی است وبرخی گفتند ضمیر نخستین بملائکه وضمیر دوم ببنی آدم راجع است یعنی فرشتگان همی ترسند پروردگار خویش را حالیکه برفراز بنی آدم قرار دارند پس ایشان راست که بترسند بطریق اولی

٧٠ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ از علی علیه السلام روایت کردند که پست ترین عمرها هفتاد وپنج سال است ومانند این از پیغمبر صلعم روایت است ٧١ بِرَادِّي رِزْقِهِمْ یعنی اینان که هیچگاه بندگان وزیردستان خویش را با خود انباز ندانند ودر روزی خویش سهیم وشریک قرار ندهند چگونه است که بندگان مرا با من شریک همی خوانند وشاید معنی آن است که اینان از روزی خویش بزیردستان نمیدهند بلکه خداست که آنان را نیز روزی همیدهد ٩٠ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ یعنی بخویشاوندان بخشیدن واز امام ابیجعفر باقر علیه السلام مرویست که فرمود مائیم ذوی القربی ٩٠ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ از عثمان بن مظعون است که گفت در آغاز از شرم روی پیغمبر صلعم اسلام برگزیدم چراکه فراوان بر من عرض فرمودی اما بحقیقت در دلم جای گزین نشده بود تا روزی بنزد او بودم ونگریستم

اَلَمْ يَرَوْا اِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرٰتٍ فِي جَوِّ السَّمَآءِ ؕ مَا يُمْسِكُهُنَّ اِلَّا اللّٰهُ ؕ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ

آیا ننگریستید بسوی پرندگان که فرمانبردارانند در فضای (پهنهٔ) آسمان نگه ندارد شان جز خدا همانا در اینست آیتهائی

لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿۷۹﴾ وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْۢ بُيُوْتِكُمْ سَكَنًا وَّجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُوْدِ الْاَنْعَامِ بُيُوْتًا

برای قومی که ایمان آرند و خدا قرارداد برای شما از خانه‌های شما آرامشگاهی و قرارداد برای شما از پوست دامها خانه‌هائی

تَسْتَخِفُّوْنَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ اِقَامَتِكُمْ ۙ وَمِنْ اَصْوَافِهَا وَاَوْبَارِهَا وَاَشْعَارِهَآ اَثَاثًا وَّمَتَاعًا

که آسان برگیرید آنهارا روز کوچیدن شما و روز ماندن شما و از پشمهای آنها و از کرکهای آنها و مویهای آنها ابزار و کالائی (بهره)

اِلٰى حِيْنٍ ﴿۸۰﴾ وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّمَّا خَلَقَ ظِلٰلًا وَّجَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الْجِبَالِ اَكْنَانًا وَّجَعَلَ لَكُمْ

تا هنگامی و خدا قرارداد برای شما از آنچه بیافرید سایه‌هائی و قرارداد برای شما از کوهها پناهگاههائی و قرارداد برای شما

سَرَابِيْلَ تَقِيْكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيْلَ تَقِيْكُمْ بَاْسَكُمْ ؕ كَذٰلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهٗ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُوْنَ

جامه‌هائی که نگهدارد شمارا از گرما و جامه‌هائی که نگاهتان دارد از خشم خویش بدینسان انجام رساند نعمت خود را بر شما شاید اسلام آورید

﴿۸۱﴾ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ﴿۸۲﴾ يَعْرِفُوْنَ نِعْمَتَ اللّٰهِ ثُمَّ يُنْكِرُوْنَهَا وَاَكْثَرُهُمُ

و اگر پشت کردند پس جز این نیست که بر تست رسانیدن آشکار میشناسند نعمت خدارا پس انکارش میکنند و بیشتر ایشانند

الْكٰفِرُوْنَ ﴿۸۳﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ شَهِيْدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَلَا هُمْ

کافران و روزی که برانگیزیم از هر ملتی گواهی پس اذن داده نشود بکافران و نه

يُسْتَعْتَبُوْنَ ﴿۸۴﴾ وَاِذَا رَاَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُوْنَ ﴿۸۵﴾

عتاب از ایشان خواسته شود و هنگامی که ببینند ستمگران عذاب را پس نه از ایشان کاسته شود و نه مهلت داده شوند

وَاِذَا رَاَ الَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا شُرَكَآءَهُمْ قَالُوْا رَبَّنَا هٰٓؤُلَآءِ شُرَكَآؤُنَا الَّذِيْنَ كُنَّا نَدْعُوْا مِنْ دُوْنِكَ ۚ

و هنگامی که ببینند مشرکان شریکان خود را گویند پروردگارا اینانند شریکان ما که بودیم میخواندیم جز تو

فَاَلْقَوْا اِلَيْهِمُ الْقَوْلَ اِنَّكُمْ لَكٰذِبُوْنَ ۚ ﴿۸۶﴾ وَاَلْقَوْا اِلَى اللّٰهِ يَوْمَئِذِ ۨ السَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا

پس افکندند بسوی ایشان سخن را که شمائید همانا دروغگویان و افکندند بسوی خدا در آنروز آشتی را و گم شد از ایشان آنچه

كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ ﴿۸۷﴾ اَلَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ زِدْنٰهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ

بودند دروغ می‌بستند آنانکه کفر ورزیدند و بازداشتند از راه خدا بیفزودیمشان عذابی بر روی عذاب

بِمَا كَانُوْا يُفْسِدُوْنَ ﴿۸۸﴾ وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِيْ كُلِّ اُمَّةٍ شَهِيْدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ اَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ

بدانچه بودند فساد میکردند و روزی که برانگیزانیم از هر ملتی گواهی را برایشان از خود ایشان و بیاریم ترا

شَهِيْدًا عَلٰى هٰٓؤُلَآءِ ؕ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتٰبَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَّهُدًى وَّرَحْمَةً وَّبُشْرٰى

بر اینان گواه و فرستادیم بر تو کتاب را بیانی برای همه چیز و هدایت و رحمت و بشارتی

لِلْمُسْلِمِيْنَ ﴿۸۹﴾ اِنَّ اللّٰهَ يَاْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ وَاِيْتَآئِ ذِي الْقُرْبٰى وَيَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَآءِ وَالْمُنْكَرِ

برای مسلمین همانا خدا امر میکند بداد و نیکی و دادن خویشاوندان و نهی میکند از فحشاء و ناشایست

وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ﴿۹۰﴾ وَاَوْفُوْا بِعَهْدِ اللّٰهِ اِذَا عٰهَدْتُّمْ وَلَا تَنْقُضُوا

و ستم اندرز دهد شمارا شاید یادآور شوید و وفا کنید بعهد خدا گاهیکه عهد بندید و نشکنید

الْاَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيْدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللّٰهَ عَلَيْكُمْ كَفِيْلًا ؕ اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُوْنَ ﴿۹۱﴾

سوگندها را بعد از استوار کردن آنها حالیکه قرار دادید خدارا بر خویش نگهبان همانا خدا میداند آنچه را میکنید

حزب (۴)

و همانا آن سخن بشر و آدمی نیست

وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا ۚ تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ

و نباشید مانند آن زن که واتابید رشتهٔ خود را پس از استوار شدن تارهائی گسیخته که برگیرید سوگندهای خویش را نیرنگی میان خویش

أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ ۚ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۚ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ

تا بشود گروهی فزوده تر از گروهی جز این نیست که خدا بیازماید شما را بدان و بیان میکند برای شما روز قیامت آنچه را بودید در آن

تَخْتَلِفُونَ ﴿۹۲﴾ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ

اختلاف میکردید و اگر میخواست خدا هر آینه میگردانید شما را یک ملت ولیکن گمراه کند هر که را خواهد و رهبری کند هر که را

يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۹۳﴾ وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ

خواهد و هر آینه پرسیده شوید البته از آنچه بودید میکردید و نگیرید سوگندهای خود را نیرنگی میان خود تا بلغزد

قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۖ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۹۴﴾

قدمی پس از استواریش و بچشید زشتی را بدانچه بازداشتید از راه خدا و برای شماست عذابی بزرگ

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

و نفروشید پیمان خدا را ببهائی کم همانا آنچه نزد خداست بهتر است برای شما اگر باشید که بدانید

﴿۹۵﴾ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ۗ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا

آنچه نزد شماست پایان یابد و آنچه نزد خداست پاینده است و هر آینه پاداش دهیم آنان را که صبر ورزیدند مزدشان را بنکوترین چیزی که بودند

يَعْمَلُونَ ﴿۹۶﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً ۖ

میکردند آنکو کردار شایسته کند از نر یا ماده حالیکه مؤمن باشد هر آینه زنده داریمش زندگی پاکیزه

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۹۷﴾ فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

و همانا پاداششان دهیم مزدشان را ببهتر چیزیکه بودند میکردند و هنگامیکه میخوانی قرآن را پناه بر بخدا

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ﴿۹۸﴾ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿۹۹﴾

از شیطان رانده شده همانا نیست او را فرمانروائی بر آنانکه ایمان آورند و بر پروردگار خویش توکل کنند

إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿۱۰۰﴾ وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَكَانَ آيَةٍ

جز این نیست که فرمانروائی او بر آنانست که دوست دارندش و آنانکه بدو شرک میورزند و هرگاه تبدیل کنیم آیتی را بجای آیتی

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۱۰۱﴾ قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ

و خدا داناتر است بدانچه میفرستد گویند جز این نیست که توئی دروغ آورنده بلکه بیشتر ایشان نمیدانند بگو فرود آورد آنرا روح القدس (روان پاک)

مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿۱۰۲﴾ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ

از پروردگار تو بحق تا استوار گرداند آنان را که ایمان آوردند و هدایت و بشارتی برای مسلمانان و همانا دانیم که ایشان

يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ ۗ لِسَانُ الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ

گویند جز این نیست که میآموزدش بشری زبان آنکه بدو این سخن را بندند عجمی (نارسا) است و این زبانی است عربی (رسا)

مُبِينٌ ﴿۱۰۳﴾ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آشکار همانا آنانکه ایمان نیارند بآیتهای خدا رهبریشان نکند خدا و برای ایشانست عذابی دردناک

﴿۱۰۴﴾ إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿۱۰۵﴾

جز این نیست که دروغ را آنان بندند که ایمان نیارند بآیتهای خدا و ایشانند دروغگویان

۹۲ کالتی نقضت غزلها از کلبی است که نام این زن ریطه بنت عمرو بن کعب بن سعد بن تمیم بن مرة بود و او را خرقاء مکه همی نامیدند بجهت حمقی که داشت و عادتش این بودی که از بامداد تا بهنگام پیشین خود با کنیزکانش ریسمان ریشتی و تابیدی و چون نیمروز شدی هم خود و هم کنیزان را فرمودی تا آنچه ریشته و تابیده اند واتابند و از هم باز کنند و او ضرب المثل سفاهت و حماقت بود. ۹۴ دخلا بینکم یعنی خیانت و فریب و نیرنگی میان خویش هی اربی من امة یعنی پیمان نشکنید برای آنکه گروهی از شما فزون بهره تر و برتر و مهتر از گروه دیگر شود از امام ابو عبدالله صادق ع است که این آیات در بارهٔ ولایت علی علیه السلام بیامد که پیمبر ص فرمود بر علی علیه السلام بامارت مؤمنین درود گویند و سلام کنید. ۹۶ ما عندکم ینفد از ابن عباس است که مردی از اهل حضرموت بنام عبدان الاشرع بنزد پیمبر ص آمد که امرء القیس کندی همسایهٔ زمین و ملک من است و مقداری از زمین مرا باقطاع خویش کرده و از آن خود ساخته است و مردم بخوبی راستی و راستگوئی مرا در اینباره گواه و

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَٰكِنْ مَنْ شَرَحَ

آنکه کفر ورزد بخدا پس از ایمانش مگر آنکه وادار شود و ناخواه حالیکه دلش آرمیده است بایمان ولیکن آنکه گشاده باشد

بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰۶﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ

بکفر سینه او پس برایشان است خشمی از خدا و ایشانراست عذابی بزرگ این بدانست که ایشان برگزیدند زندگانی

الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ﴿۱۰۷﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ

دنیارا بر آخرت و آنکه خدا هدایت نکند گروه کافران را آنانند که مُهر نهاد خدا بر دلهاشان

وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ﴿۱۰۸﴾ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۱۰۹﴾

و گوشهاشان و دیده گانشان و آنانند ناآگاهان ناگزیر ایشانند در آخرت زیانکاران

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا

همانا پروردگار تو برای آنانکه هجرت کردند (از وطن) پس از آنکه آزرده شدند سپس جهاد کردند و شکیبا شدند همانا پروردگار تو پس از آن

لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۱۰﴾ يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

آمرزنده مهربان روزیکه آید هرکس بستیزد از جانب خویشتن و داده شود بهرکه آنچه کرده است و ستم نشوند

﴿۱۱۱﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ

و بر زد خدا مثلی شهری که بود آسوده و آرام میآمد مرش روزیش فراوان از هر سوی

فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ﴿۱۱۲﴾ وَلَقَدْ

پس کفر ورزید بنعمتهای خدا پس چشانیدش خدا وند جامهٔ گرسنگی و ترس را بدانچه بودند میکردند و بدرستیکه

جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿۱۱۳﴾ فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ

بیامدشان پیمبری از ایشان پس تکذیبش کردند پس گرفت ایشانرا عذاب حالیکه بودند ستمکاران پس بخورید از آنچه روزی داد شمارا

حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿۱۱۴﴾ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ

حلال پاکیزه و سپاس گذارید نعمت خدارا اگر هستید ویرا پرستندگان جز این نیست که حرام کرد بر شما مردار

وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

و خون و گوشت خوک و آنچه را نام جز خدا بآن برده شود پس آنکه ناچار گردد نه ستمکار و نه تجاوز کننده همانا خدا آمرزنده مهربان

﴿۱۱۵﴾ وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَٰذَا حَلَالٌ وَهَٰذَا حَرَامٌ لِتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ

و نگوئید بر آنچه میستاید زبانهای شما بدروغ این است حلال و این است حرام تا ببندید بر خدا دروغ را

إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ ﴿۱۱۶﴾ مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱۱۷﴾

همانا آنانکه ببندند بر خدا دروغ را رستگار نشوند کامیابیست اندک و ایشانراست عذابی دردناک

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ ۖ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ

و بر آنانکه جهود شدند حرام کردیم آنچه را فرو خواندیم بر تو از پیش و ستم نکردیم برایشان لیکن بودند خویش را

يَظْلِمُونَ ﴿۱۱۸﴾ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ

ستم میکردند سپس پروردگار تو برای آنانکه انجام دادند بیهوده نادانی پس توبه کردند پس از آن و شایستگی گزیدند همانا

رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۱۱۹﴾ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿۱۲۰﴾

پروردگار تو پس از پس آن آمرزنده مهربان همانا ابراهیم بود پیشوائی فروتن برای خدا یکتا پرست و نبود از مشرکان

شاكرا لانعمه اجتبيه وهديه الى صراط مستقيم ﴿١٢١﴾ وآتيناه في الدنيا حسنة وانه في
سپاسگذارنده نعمتهای او برگزیدش و رهبریش کرد بسوی راهی راست و دادیمش در دنیا نیکی و همانا اوست در

الآخرة لمن الصالحين ﴿١٢٢﴾ ثم اوحينا اليك ان اتبع ملة ابرهيم حنيفا وما كان من المشركين ﴿١٢٣﴾
آخرت از شایستگان سپس وحی کردیم بسوی تو که پیروی کن آئین ابراهیم یکتاپرست را و نبود از شرک ورزان

انما جعل السبت على الذين اختلفوا فيه وان ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه
جز این نیست که نهاده شد شنبه بر آنانکه اختلاف کردند در آن و همانا پروردگار تو حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند در آن

يختلفون ﴿١٢٤﴾ ادع الى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة وجادلهم بالتي هي احسن
اختلاف میکردند بخوان بسوی راه پروردگار خویش با حکمت و پند نیکو و درستیز با ایشان بدانچه آن است نکوتر

ان ربك هو اعلم بمن ضل عن سبيله وهو اعلم بالمهتدين ﴿١٢٥﴾ وان عاقبتم فعاقبوا بمثل
همانا پروردگار تو داناتر است بدانکه گم شده است از راه او و اوست داناتر بهدایت شدگان و اگر شکنجه کنید پس شکنجه کنید بمانند

ما عوقبتم به ولئن صبرتم لهو خير للصابرين ﴿١٢٦﴾ واصبر وما صبرك الا بالله ولا تحزن عليهم
آنچه شکنجه شدید و اگر بردباری گزینید همانا آن بهتر است برای بردباران و صبر کن و نیست صبرت جز بخدا و اندوهگین نباش بر ایشان

ولا تك في ضيق مما يمكرون ﴿١٢٧﴾ ان الله مع الذين اتقوا والذين هم محسنون ﴿١٢٨﴾
و نباش در تنگنائی از آنچه نیرنگ کنند همانا خدا با آنانی است که پرهیز میکنند و آنانکه ایشانند نکوکاران

سورة الاسراء مكية وآياتها مائة واحدى عشر آية

سورة ١٧ — حروفها ٦٠٤٦ — كلماتها ١٩٢٣

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

سبحان الذي اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام الى المسجد الاقصا الذي باركنا حوله لنريه
منزه است خداوندی که شبانه برد بنده خویش را از مسجد حرام بسوی مسجد اقصی آنی که برکت نهادیم پیرامونش تا بنمایانیمش

من آياتنا انه هو السميع البصير ﴿١﴾ وآتينا موسى الكتاب وجعلناه هدى
از آیتهای ما همانا اوست شنوای بینا و دادیم بموسی کتاب را و گردانیدیمش هدایتی

لبني اسرائيل الا تتخذوا من دوني وكيلا ﴿٢﴾ ذرية من حملنا مع نوح انه كان
برای بنی اسرائیل که نگیرید جز من سرپرستی نژاد آنانکه سوار کردیم با نوح همانا بود او

عبدا شكورا ﴿٣﴾ وقضينا الى بني اسرائيل في الكتاب لتفسدن في الارض
بنده سپاسگذار و بگذراندیم بسوی بنی اسرائیل در کتاب که البته فساد میکنید در زمین

مرتين ولتعلن علوا كبيرا ﴿٤﴾ فاذا جاء وعد اولیهما بعثنا عليكم عبادا لنا
دوبار و برتری میجوئید برتری بزرگ تا گاهیکه آید وعده نخستین آنها برانگیزیم بر شما بندگانی ما را

اولي بأس شديد فجاسوا خلال الديار وكان وعدا مفعولا ﴿٥﴾ ثم رددنا لكم
دارندگان نیروئی سخت پس بگردند میان شهرها و بوده است وعده شدنی پس باز آوردیم برای شما

الكرة عليهم وامددناكم باموال وبنين وجعلناكم اكثر نفيرا ﴿٦﴾
تاختن را بر ایشان و کمک دادیم شما را بمالهائی و پسرانی و گردانیدیم شما را فزونتر در گروه

الجزء (١٥)

اِنْ اَحْسَنْتُمْ اَحْسَنْتُمْ لِاَنْفُسِكُمْ وَاِنْ اَسَاْتُمْ فَلَهَا ؕ فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ لِيَسُوْٓءُوْا وُجُوْهَكُمْ

اگر نیکی کنید برای خویش نیکی کرده اید واگر بدی کنید پس برای آنست وهنگامی که بیاید وعده بار دوم ناخوش دارند وجوه شما را

وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوْهُ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوْا مَا عَلَوْا تَتْبِيْرًا ۝۷ عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ

و درآیند مسجد را چنانکه درآمدندش نخستین بار و نابود کنند آنچه را برتر آمده اند نابود کردنی شاید پروردگار شما

يَرْحَمَكُمْ ۚ وَاِنْ عُدْتُّمْ عُدْنَا ۘ وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِيْنَ حَصِيْرًا ۝۸ اِنَّ هٰذَا الْقُرْاٰنَ يَهْدِيْ لِلَّتِيْ هِيَ

رحم کند بر شما واگر بازگردید بازگردیم وگردانیدیم دوزخ را برای کافران تنگنائی (زندانی) همانا این قرآن رهبری میکند بدانچه آن

اَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِيْنَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ الصّٰلِحٰتِ اَنَّ لَهُمْ اَجْرًا كَبِيْرًا ۙ ۝۹ وَاَنَّ الَّذِيْنَ لَا

استوارتر است ومژده میدهد مؤمنانی را که کردار شایسته کنند که ایشان راست پاداشی بزرگ وآنکه آنانکه

يُؤْمِنُوْنَ بِالْاٰخِرَةِ اَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا ۝۱۰ وَيَدْعُ الْاِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَآءَهٗ بِالْخَيْرِ ؕ وَكَانَ

ایمان نمیآورند بآخرت آماده کردیم برای ایشان عذابی دردناک ومیخواند انسان ببدی همانند خواندنش بخوبی وبوده است

الْاِنْسَانُ عَجُوْلًا ۝۱۱ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ اٰيَتَيْنِ فَمَحَوْنَآ اٰيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَآ اٰيَةَ النَّهَارِ

انسان شتاب کننده وگردانیدیم شب وروز را دو آیت پس برانداختیم آیت شب را وگردانیدیم آیت روز را

مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوْا فَضْلًا مِّنْ رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوْا عَدَدَ السِّنِيْنَ وَالْحِسَابَ ؕ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنٰهُ

روشن تا بجوئید فضلی را از پروردگار خویش وتا بدانید شمار سالها وحساب را وهر چیز را تفصیل دادیم

تَفْصِيْلًا ۝۱۲ وَكُلَّ اِنْسَانٍ اَلْزَمْنٰهُ طٰٓئِرَهٗ فِيْ عُنُقِهٖ وَنُخْرِجُ لَهٗ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ كِتٰبًا يَّلْقٰىهُ

تفصیلی وهر انسانی را افکندیم نامه او را بگردنش وبرون آریم برایش روز قیامت نامه ای که بیابدش

مَنْشُوْرًا ۝۱۳ اِقْرَاْ كِتٰبَكَ ؕ كَفٰى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيْبًا ؕ ۝۱۴ مَنِ اهْتَدٰى فَاِنَّمَا

گشوده بخوان نامه خویش را تو خود بس باشی امروز برخویشتن حسابگر هرکس هدایت شود جز این نیست

يَهْتَدِيْ لِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ؕ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ؕ وَمَا كُنَّا

که هدایت شود برای خویشتن وهرکس گمراه شود جز این نیست که گمراه شود برخویشتن وبرندارد هیچ گنهباری بارگناه دیگری را ونیستیم ما

مُعَذِّبِيْنَ حَتّٰى نَبْعَثَ رَسُوْلًا ۝۱۵ وَاِذَآ اَرَدْنَآ اَنْ نُّهْلِكَ قَرْيَةً اَمَرْنَا مُتْرَفِيْهَا فَفَسَقُوْا

عذاب کننده تا برانگیزیم پیمبری را وهرگاه خواهیم نابود کنیم شهری را بفرمائیم کامرانان (هوسرانان) آنرا تا نافرمانی کنند

فِيْهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنٰهَا تَدْمِيْرًا ۝۱۶ وَكَمْ اَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُوْنِ مِنْۢ بَعْدِ

در آن پس فرود آید بر آن سخن پس نابود کنیمش نابود کردنی وبسا هلاک کردیم از قرنها پس از

نُوْحٍ ؕ وَكَفٰى بِرَبِّكَ بِذُنُوْبِ عِبَادِهٖ خَبِيْرًۢا بَصِيْرًا ۝۱۷ مَنْ كَانَ يُرِيْدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهٗ

نوح وبس است پروردگار تو بگناهان بندگان خود آگاهی بینا آنکو زندگانی شتابان را خواهد بشتابیم برایش

فِيْهَا مَا نَشَآءُ لِمَنْ نُّرِيْدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهٗ جَهَنَّمَ ۚ يَصْلٰىهَا مَذْمُوْمًا مَّدْحُوْرًا ۝۱۸ وَمَنْ اَرَادَ

در آن آنچه را خواهیم برای هرکه خواهیم سپس گذاریم برایش دوزخ را بچشدش نکوهیده رانده وآنکو خواهد

الْاٰخِرَةَ وَسَعٰى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰٓئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَّشْكُوْرًا ۝۱۹ كُلًّا

آخرت را وبکوشد برای آن کوشش آنرا حالیکه او است مؤمن پس آنان بوده است کوشش ایشان سپاس گذارده هریک را

نُّمِدُّ هٰٓؤُلَآءِ وَهٰٓؤُلَآءِ مِنْ عَطَآءِ رَبِّكَ ؕ وَمَا كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا ۝۲۰

کمک دهیم اینان وآنان را از بخشش پروردگار تو ونیست بخشش پروردگار تو بازداشته

انظر كيف فضلنا بعضهم على بعض وللآخرة اكبر درجات واكبر تفضيلا ﴿۲۱﴾

بنگر چگونه برتری دادیم برخی از ایشان را بر برخی و همانا آخرت بزرگتر است در پایه‌ها و بزرگتر است در برتری دادن

لا تجعل مع الله الها آخر فتقعد مذموما مخذولا ﴿۲۲﴾ وقضى ربك الا تعبدوا الا اياه

و قرار مده با خدا خدائی دیگر را که بنشینی نکوهیده خوار شده و حکم کرد پروردگار تو که پرستش نکنید جز او را

وبالوالدين احسانا اما يبلغن عندك الكبر احدهما او كلاهما فلا تقل لهما

و بپدر و مادر نیکی کنید اگر برسند نزدت پیری را یکی از آنان یا هر دو پس نگو بایشان

اف ولا تنهرهما وقل لهما قولا كريما ﴿۲۳﴾ واخفض لهما جناح الذل من الرحمة

اف و نهیب نزن برایشان و بگو بدیشان گفتاری گرامی و فرو خوابان برای آنان بال فروتنی را از مهر

وقل رب ارحمهما كما ربياني صغيرا ﴿۲۴﴾ ربكم اعلم بما في نفوسكم ان تكونوا

و بگو پروردگارا رحم کن بر آنان چنانکه مرا پروریدند در کودکی پروردگار شما داناتر است بدانچه در دلهای شما است اگر باشید

صالحين فانه كان للاوابين غفورا ﴿۲۵﴾ وآت ذا القربى حقه والمسكين وابن السبيل

شایستگان همانا او است برای بازگشت کنندگان آمرزنده و بده بخویشاوند حقش را و بینوا و درمانده راه

ولا تبذر تبذيرا ﴿۲۶﴾ ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين وكان الشيطان

و تبذیر مکن تبذیری (بیهده و فزون از اندازه دادن) که فزون دهندگانند برادران شیاطین و شیطان است

لربه كفورا ﴿۲۷﴾ واما تعرضن عنهم ابتغاء رحمة من ربك ترجوها فقل لهم قولا

پروردگار خویش را ناسپاس و اگر روی گردانی از ایشان در پی رحمتی از پروردگار خویش که امیدش داری پس بگو بدیشان گفتاری

ميسورا ﴿۲۸﴾ ولا تجعل يدك مغلولة الى عنقك ولا تبسطها كل البسط فتقعد ملوما

نرم و آرام و نگردان دستت را بسته بگردنت و بازش نکن تمام باز تا بنشینی نکوهیده

محسورا ﴿۲۹﴾ ان ربك يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر انه كان بعباده خبيرا بصيرا

اندوهگین همانا پروردگار تو فراخ گرداند روزی را برای هر که خواهد و تنگ گرداند همانا او است به بندگان خویش آگاهی بینا

﴿۳۰﴾ ولا تقتلوا اولادكم خشية املاق نحن نرزقهم واياكم ان قتلهم كان خطأ

و نکشید فرزندان خویش را از تنگدستی ما روزی دهیم ایشان را و شما را همانا کشتار آنان است لغزشی

كبيرا ﴿۳۱﴾ ولا تقربوا الزنى انه كان فاحشة وساء سبيلا ﴿۳۲﴾ ولا تقتلوا النفس التي

بزرگ و نزدیک نشوید زنا را که بوده است آن فحشائی (ناشایستی) و چه زشت است آن راه و نکشید تنی را که

حرم الله الا بالحق ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لوليه سلطانا فلا يسرف في القتل

حرام کرد (محترم داشت) خدا جز بحق و آنکه کشته شود بستم همانا قرار دادیم برای خونخواه او فرمانروائی پس فزون نرود در کشتار

انه كان منصورا ﴿۳۳﴾ ولا تقربوا مال اليتيم الا بالتي هي احسن حتى يبلغ

همانا او است یاری شده و نزدیک نشوید مال یتیم را جز بدانچه آنست نکوتر تا برسد

اشده واوفوا بالعهد ان العهد كان مسئولا ﴿۳۴﴾ واوفوا الكيل

نیروی خویش را و وفا کنید به پیمان که پیمان است همانا پرسیده شده و تمام دهید پیمانه را

اذا كلتم وزنوا بالقسطاس المستقيم ذلك خير واحسن تأويلا ﴿۳۵﴾

گاهیکه بپیمائید و بسنجید با ترازوی درست و راست این بهتر است و نکوتر در سرانجام

از خیر و شر در گردنش بستیم و بدو پیوستیم.

۲۳ فلا تقل لهما اف علی بن موسی الرضا ع از پدر از جد خود ابی عبد الله صادق ع روایت کرد که اگر خدای در ترک عقوق والدین کلمه از اف موجزتر و رساتر می‌یافت همانا می‌آورد و بعضی گفته‌اند اف و تف وسخ چرک انگشتان است که بمالیدن فتیله شود در مثل است ابر من النسر یعنی نکوکارتر از کرکس و داستانش آنکه هنگامی که کرکس را پیری رسد از پرواز باز ماند جوجه او بیاید و ویرا دانه و آب در حلقوم ریزد بدانسان که در آغاز او ویرا همی داد از امام ابی عبد الله صادق علیه السلام است که چشم خویش را از دیدار پدر و مادر پر مساز مگر با دیده مهربانی و رحمت و آواز بر بالای آواز ایشان بلند مگردان و هم دستها بر بالای دست ایشان فرا مبر و نیز از ایشان و بر ایشان پیشی مجوی و آمده است آنکه پیمبر ص سه بار گفت بینیش بخاک مالد و چون از او پرسیدند که را منظور دارد گفت آنکس که پدر و مادرش بنزد او بپیری رسند و کاری نکند که به بهشت درآید وآت ذا القربى حقه طبرسی علیه الرحمه روایت کند از سید ابو الحمد مهدی بن

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ ۚ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ

و پیروی نکن آنچه را نیستت بدان دانشی همانا گوش و دیده و دل هر کدام آنهاست از آن

مَسْئُولًا ﴿٣٦﴾ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾

پرسیده و راه مرو در زمین خرامان همانا تو نشکافی زمین را هرگز و نرسی کوهها را ببلندی

كُلُّ ذَٰلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾ ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ

همه اینهاست زشت آن نزد پروردگار تو ناپسند این است از آنچه که وحی فرستاد بسوی تو پروردگار تو از

الْحِكْمَةِ ۗ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا ﴿٣٩﴾ أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُمْ

حکمت و قرارنده با خدا خدائی دیگر را تا افکنده شوی در دوزخ نکوهیده رانده آیا برگزیده است شما را پروردگار شما

بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا ۚ إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ﴿٤٠﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا

به پسران و بگرفت است از فرشتگان مادگانی همانا شما میگوئید سخنی گران را و همانا گردانیدیم

فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِيَذَّكَّرُوا ۖ وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿٤١﴾ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ

در این قرآن تا یادآور شوند و نمیفزایدشان جز رمیدن بگو اگر میبود با او خدایانی چنانکه گوئید

إِذًا لَابْتَغَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ﴿٤٢﴾ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ﴿٤٣﴾

در آنهنگام میجستند بسوی خداوند عرش راهی را منزه است او و برتر از آنچه گویند برتری بزرگ

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ۚ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَٰكِنْ لَا

تسبیح کنند برای او آسمانهای هفتگانه و زمین و آنکه در آنهاست و نیست چیزی جز آنکه تسبیح گوید بسپاس او و لیکن

تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ۚ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿٤٤﴾ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ

در نمییابید ستایش ایشان را همانا اوست بردبار آمرزنده و هرگاه بخوانی قرآن را برنهیم میان تو و میان آنانکه

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا ﴿٤٥﴾ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ

ایمان نمیآورند بآخرت پرده پوشیده و نهیم بر دلهای آنان پرده هائی از آنکه دریابندش و در گوشهای ایشان

وَقْرًا ۚ وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ﴿٤٦﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا

سنگینی و هرگاه یاد کنی پروردگار خویش را در قرآن تنها بازگردند بر پشتهای خویش رمندگان ما داناتریم بدانچه

يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا

گوش میدهند بدان هنگامیکه گوش میدهند بتو و هنگامی که سخن بگوش همدیگر میگویند هنگامی که گویند ستمگران پیروی نمیکنید جز مردی

مَسْحُورًا ﴿٤٧﴾ انْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٤٨﴾ وَقَالُوا

جادو شده را بنگر چگونه زدند برایت مثلها را پس گمشدند پس نمیتوانند راهی را و گفتند

أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿٤٩﴾ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ﴿٥٠﴾

آیا گاهیکه شدیم ما استخوانهائی و خاکی آیا ما برانگیختگانیم در آفرینشی نوین بگو باشید سنگ یا آهن

أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ ۚ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا ۚ قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ

یا آفرینشی از آنچه بزرگ آید در سینه های شما زود است گویند که ما را برگرداند بگو آنکه آفریدتان نخستین بار

فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ ۚ قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾

زود است بجنبانند سرهای خویش را بسویت و گویند چه هنگام است آن بگو امید است که باشد نزدیک

حزب (۲)

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٥٢﴾ وَقُل لِّعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ

روزیکه خواند تان پس اجابت کنید باسپاس او وبندارید که نماندید جز اندکی و بگو بندگان من گویند آنچه آنست

أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنزَغُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿٥٣﴾

نکوتر همانا شیطان آشوب انگیزد میان آنان همانا شیطان است برای انسان دشمنی آشکار

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِن يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِن يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ

پروردگارشما داناتربشما اگر خواهد رحمت آورد برشما و اگر خواهد عذاب کند شمارا ونفرستادیم ترا برایشان

وَكِيلًا ﴿٥٤﴾ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ

نگهبان وپروردگارتو داناتربه انکه در آسمانهاست وزمین وهمانا برتری دادیم بعض پیمبران را بر

بَعْضٍ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ﴿٥٥﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُم مِّن دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ

بعض ودادیم بداود زبوررا بگو بخوانید آنانرا که جزاو پنداشتید دارا نیستند گشودن رنجرا

عَنكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ﴿٥٦﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ

ازشما ونه برگردانیدنی آنانند که میخوانند جویند بسوی پروردگارخویش دستاویز هرکدام ازایشان

أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا ﴿٥٧﴾ وَإِن مِّن

نزدیکتر وامیدوارند رحمتش را وبترسند عذابش را همانا عذاب پروردگارتو هست ترسناک ونیست

قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَٰلِكَ

شهری جزآنکه مانابودکنندگانیم آنرا پیش از روز قیامت یا عذاب کنندگانیم آنرا عذابی سخت بوده است این

فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٥٨﴾ وَمَا مَنَعَنَا أَن نُّرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَن كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ

در کتاب نوشته وبازنداشت مارا از آنکه نفرستیم آیتهارا جز آنکه تکذیب کردند بدانها پیشینیان

وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا تَخْوِيفًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ

ودادیم بثمود اشتررا بینا پس ستم کردند بران وفرستیم آیتهارا جز ترساندن را وهنگامی که گفتیم تراکه

رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِّلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ

پروردگارتو فراگرفت است بمردم ونکردانیدیم خوابی را که نمودیم جز آزمایش برای مردم وآن درخت لعنت شده را

فِي الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ﴿٦٠﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا

در قرآن وبترسانیمشان پس نیفزایدشان مگر سرکشی بزرگ وهنگامیکه گفتیم بفرشتگان سجده برید

لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ﴿٦١﴾ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَٰذَا الَّذِي كَرَّمْتَ

برای آدم پس سجده کردند جز ابلیس گفت آیا سجده کنم برای آنکه آفریدی گل گفت آیا دیده باشی این راکه فرمودی برتری دادی

عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ﴿٦٢﴾ قَالَ اذْهَبْ فَمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ

اگر مرا بگذاری تا روز قیامت هرآینه مهارکنم (بارانم) فرزندانرا مگر کمی را گفت برو که هرکه پیروت کند ازایشان

فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً مَّوْفُورًا ﴿٦٣﴾ وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُم بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم

همانا دوزخست پاداشتان تمام داده وبلغزان هرکرا توانستی ازایشان بآواز خود وتاخت آور برایشان

بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ﴿٦٤﴾

باسواره وپیاده خویش وشرکت کن بایشان در مالها وفرزندان ووعده بده ایشانرا ووعده نمیدهد بایشان شیطان مگر فریب

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ وَكِيلًا ﴿٦٥﴾ رَّبُّكُمُ الَّذِي يُزْجِي لَكُمُ

هاما بندگان من نیستند برایشان فرمانروائی وبس است پروردگارتو کارگذاری پروردگارشت آنکه میراند برای شما

الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ ۚ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿٦٦﴾ وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ

کشتی را دردریا تابجوئید از فضلش هماناوست بشما مهربان وهرگاه برسد شمارا رنجی در دریا گم گردد

مَن تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ ۖ فَلَمَّا نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ ۚ وَكَانَ الْإِنسَانُ كَفُورًا ﴿٦٧﴾ أَفَأَمِنتُمْ

آنکه بخوانیدش جز او ناگاهی که رهانیدان داد بسوی دشت روی گردانیدید وبود دست انسان بسیارناسپاس آیا ایمن شدید

أَن يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا ﴿٦٨﴾ أَمْ أَمِنتُمْ

که فروبرد شمارا درکسوی دشت یا بفرستد برشما طوفان سنگریزه پس نیابید برای خویش نگهبانی یا ایمن شدید

أَن يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا

که بازگرداند شمارا دران بار دیگری پس بفرستد برشما طوفان سنگریزه پس نیابید برای خویش نگهبانی

وَقُلْ جَآءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ ؕ اِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿۸۱﴾ وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْاٰنِ مَا هُوَ شِفَآءٌ

و بگو بیامد حق و نابود شد باطل همانا باطل است نابود شونده و میفرستیم از قرآن آنچه درمان

وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ۙ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ اِلَّا خَسَارًا ﴿۸۲﴾ وَاِذَآ اَنْعَمْنَا عَلَى الْاِنْسَانِ اَعْرَضَ وَنَاٰ

و رحمتی است برای مؤمنان و نیفزاید ستمگران را مگر زیان و هرگاه نعمت فرستیم بر انسان روی گرداند و دور کند

بِجَانِبِهٖ ۚ وَاِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَؤُسًا ﴿۸۳﴾ قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلٰى شَاكِلَتِهٖ ؕ فَرَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ

پهلوی خویش را و هرگاه برسدش بدی بوده است بسیار نومید شونده بگو هر کدام عمل میکند براه و روش خویش پس پروردگار شما داناتر است بدانکه او

اَهْدٰى سَبِيلًا ﴿۸۴﴾ وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ اَمْرِ رَبِّي وَمَآ اُوتِيتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ اِلَّا

رهبرنده تر است در راه و میپرسندت از روح (روان) بگو روح از امر پروردگار من است و داده نشده اید از دانش جز

قَلِيلًا ﴿۸۵﴾ وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ بِالَّذِيٓ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهٖ عَلَيْنَا وَكِيلًا ﴿۸۶﴾ اِلَّا

اندکی را و اگر خواهیم همانا میبریم آنچه را وحی فرستادیم بسویت پس نیابی برای خویش بدان بر ما نگهبانی را بجز

رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ ؕ اِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا ﴿۸۷﴾ قُلْ لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْاِنْسُ وَالْجِنُّ عَلٰٓى اَنْ يَّاْتُوا

رحمتی از پروردگارت که فضل او است همانا بر تو بزرگ بگو اگر گرد آیند آدمیان و پریان بر آنکه بیارند

بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لَا يَاْتُونَ بِمِثْلِهٖ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا ﴿۸۸﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا

مانند این قرآن را نیارند مانندش و اگرچه باشد برخیشان برای برخی پشتیبان و همانا گردانیدیم

لِلنَّاسِ فِي هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۫ فَاَبٰٓى اَكْثَرُ النَّاسِ اِلَّا كُفُورًا ﴿۸۹﴾ وَقَالُوا لَنْ نُّؤْمِنَ لَكَ

برای مردم در این قرآن از هر مثلی پس نخواستند بیشتر مردم جز ناسپاسی را و گفتند هرگز ایمان نیاریم برایت

حَتّٰى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْاَرْضِ يَنْۢبُوعًا ۙ ﴿۹۰﴾ اَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْاَنْهَارَ خِلَالَهَا

تا بشکافی برای ما از زمین چشمه ای یا باشدت باغی از خرمابنها و انگور پس بشکافی جویها را میان آن

تَفْجِيرًا ۙ ﴿۹۱﴾ اَوْ تُسْقِطَ السَّمَآءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا اَوْ تَاْتِيَ بِاللّٰهِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ قَبِيلًا ۙ ﴿۹۲﴾ اَوْ يَكُونَ

شکافتنی یا افکنی آسمان را چنانچه می پنداری بر ما پاره هائی یا بیاری خدا و فرشتگان را روی بروی یا باشدت

لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرُفٍ اَوْ تَرْقٰى فِي السَّمَآءِ ؕ وَلَنْ نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتّٰى تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرَؤُهٗ ؕ

خانه ای از زر یا بالا روی در آسمان و هرگز باور نکنیم بالا رفتنت را تا بفرستی بر ما نامه ای که بخوانیمش

قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ اِلَّا بَشَرًا رَّسُولًا ﴿۹۳﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ اَنْ يُّؤْمِنُوٓا اِذْ جَآءَهُمُ الْهُدٰٓى

بگو منزه است پروردگار من آیا هستم من جز بشری فرستاده شده و باز نداشت مردم را از آنکه ایمان آرند گاهی که بیامدشان رهبری

اِلَّآ اَنْ قَالُوٓا اَبَعَثَ اللّٰهُ بَشَرًا رَّسُولًا ﴿۹۴﴾ قُلْ لَّوْ كَانَ فِي الْاَرْضِ مَلٰٓئِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ

جز آنکه گفتند آیا برانگیخت است خدا بشری را پیمبر بگو اگر میبود در زمین فرشتگانی که راه میرفتند آرمیدگان

لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِّنَ السَّمَآءِ مَلَكًا رَّسُولًا ﴿۹۵﴾ قُلْ كَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ؕ اِنَّهُ كَانَ

هر آینه میفرستادیم بر ایشان از آسمان فرشته ای را پیامبر بگو بس است خدا گواهی میان من و شما همانا او است

بِعِبَادِهٖ خَبِيرًا بَصِيرًا ﴿۹۶﴾ وَمَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُونِهٖ

ببندگان خود آگاهی بینا و آنرا که خدا هدایت کند او است هدایت شده و آنرا که گم کند هرگز نیابی برای ایشان دوستانی جز او

وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَلٰى وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا ؕ مَّاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ؕ كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ﴿۹۷﴾

و گرد آریمشان روز قیامت بر چهره هاشان کوران و گنگان و کران جایگاه ایشان است دوزخ هرگاه خاموش شود (فرو نشیند) بیفزائیمشان آتش را

۸۵ يَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ آن روح که پیمبر را از آن پرسیدند چه بود اقوالی است نخست آنکه گروهی از جهودان ویرا از روح که در پیکر انسان است پرسیدند و او در پاسخ خموشی گزید چرا که پرسش ایشان نه از راه استفهام حقیقی بود بلکه بر سبیل تعنت و لجاج و گفته اند که این سؤال از آن کردند که در کتب خویش دیده و دانسته بودند که چون این سؤال کنند اگر خموشی گزیند پیمبر است و اگر پاسخ گوید دروغگوی باشد دوم آنکه پرسش ایشان از آن بود که آیا روح قدیم است یا محدث و مخلوق و پاسخ آنکه قُلِ الرُّوحُ مِنْ اَمْرِ رَبِّي یعنی از فعل و خلق او است سیم آنکه از قرآن پرسیدند و چگونگی نزول آن همی خواستند و خدای قرآن را بنام روح خواند در آنجا که فرمود وَكَذٰلِكَ اَرْسَلْنَآ اِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ اَمْرِنَا اما بین متکلمین در حقیقت روح اختلاف است بعضی آنرا جسم رقیق هوائی دانند که در مخارق حیوان تردد همی کند (و این سخن مختار علم الهدی سید مرتضی است) و شیخ مفید ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان روح را از مقوله اعراض شمرده و آنرا بحیوتی که مهیی محل است از برای وجود

ذٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ بِاَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاٰيَاتِنَا وَقَالُوٓا ءَاِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا ءَاِنَّا

این است پاداش ایشان بدانچه کفر ورزیدند بآیتهای ما وگفتند آیا هرگاه شدیم استخوانهائی و خاکی آیا مانیم

لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ﴿۹۸﴾ اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ قَادِرٌ

برانگیختگان در آفرینشی نوین آیا ندیدند که خداوندیکه آفرید آسمانها وزمین را تواناست

عَلٰٓى اَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ اَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ ۖ فَاَبَى الظَّالِمُونَ اِلَّا كُفُورًا ﴿۹۹﴾

بر آنکه بیافرد مانند ایشانرا ونهاد است برای ایشان سرآمدی را که نیست شکی در آن پس نخواستند ستمگران جز ناسپاسی را

قُلْ لَوْ اَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَآئِنَ رَحْمَةِ رَبِّي اِذًا لَاَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْاِنْفَاقِ وَكَانَ الْاِنْسَانُ

بگو اگر شما میداشتید گنجهای رحمت پروردگار مرا در آنهنگام خودداری میکردید از ترس بخشش وانسان است

قَتُورًا ﴿۱۰۰﴾ وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوسٰى تِسْعَ اٰيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسْئَلْ بَنِيٓ اِسْرَآئِيلَ اِذْ جَآءَهُمْ فَقَالَ

بسی خویشتن نگهدار وهمانا دادیم بموسی نه آیت روشن پس بپرس بنی اسرائیل را گاهیکه بیامدشان پس گفت

لَهُ فِرْعَوْنُ اِنِّي لَاَظُنُّكَ يَا مُوسٰى مَسْحُورًا ﴿۱۰۱﴾ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَآ اَنْزَلَ هٰٓؤُلَآءِ اِلَّا رَبُّ

بدو فرعون که میپندارمت ای موسی جادوشده گفت همانا دانستی که نفرستاده است آنهارا مگر پروردگار

السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ بَصَآئِرَ ۚ وَاِنِّي لَاَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ مَثْبُورًا ﴿۱۰۲﴾ فَاَرَادَ اَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ

آسمانها وزمین بینشهائی و همانا میپندارمت ای فرعون نابودشده پس خواست بلغزاندشان

مِّنَ الْاَرْضِ فَاَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَّعَهُ جَمِيعًا ﴿۱۰۳﴾ وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِيٓ اِسْرَآئِيلَ اسْكُنُوا الْاَرْضَ

از زمین پس غرقش نمودیم وآنانرا که با او بودند همگی وگفتیم پس از او ببنی اسرائیل جایگزین شوید در زمین

فَاِذَا جَآءَ وَعْدُ الْاٰخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ﴿۱۰۴﴾ وَبِالْحَقِّ اَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ ۗ وَمَآ اَرْسَلْنَاكَ

تا گاهی که بیاید وعدهٔ آخرت بیاریم شمارا پیچیده وبحق فرستادیمش وبحق فرود آمد ونفرستادیم ترا

اِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿۱۰۵﴾ وَقُرْاٰنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَاَهُ عَلَى النَّاسِ عَلٰى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا ﴿۱۰۶﴾

مگر نوید دهنده وترساننده وقرآنی که جدا ساختیمش تا بخوانیش بر مردم بر درنگی وفرستادیم آنرا فرستادنی

قُلْ اٰمِنُوا بِهِ اَوْ لَا تُؤْمِنُوا ۗ اِنَّ الَّذِينَ اُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ اِذَا يُتْلٰى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ

بگو ایمان آرید بدان یا نیارید همانا آنانکه داده شدند دانش را پیش از آن گاهیکه خوانده شود برایشان بیفتند

لِلْاَذْقَانِ سُجَّدًا ﴿۱۰۷﴾ وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَآ اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا ﴿۱۰۸﴾ وَيَخِرُّونَ

بر چانه‌ها سجده کنان وگویند منزه است پروردگار ما همانا وعدهٔ پروردگار ماست شدنی وبیفتند

لِلْاَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿۱۰۹﴾ قُلِ ادْعُوا اللّٰهَ اَوِ ادْعُوا الرَّحْمٰنَ ۖ اَيًّا مَّا

بر چانه‌ها گریه کنند وبیفزایدشان زاری (فروتنی) بگو بخوانید الله را یا بخوانید رحمن را هرکدام را

تَدْعُوا فَلَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى ۚ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا وَابْتَغِ بَيْنَ

بخوانید اوراست نامهای نکو ونه بلند گردان آواز را بنماز خویش ونه آهسته بیارش وبجوی میانه

ذٰلِكَ سَبِيلًا ﴿۱۱۰﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَّهُ شَرِيكٌ

این راهی را وبگو سپاس خداوندیرا که برنگرفت فرزندی ونبودش شریکی

فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَّهُ وَلِيٌّ مِّنَ الذُّلِّ وَكَبِّرْهُ تَكْبِيرًا ﴿۱۱۱﴾

در پادشاهی ونیستش سرپرستی از زبونی وبزرگ دار اورا بزرگ داشتنی

سورة الكهف مكية وآياتها مائة وعشر آيات

سورة ۱۸ — حروفها ۶۳۶۰ — كلماتها ۱۵۷۲

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا ۝١ قيما لينذر بأسا شديدا من لدنه

سپاس خدائی را که فرستاد بر بندهٔ خویش کتاب را و قرار نداد برای آن کجی را راست است تا بترساند نیروئی سخت را از نزدش

ويبشر المؤمنين الذين يعملون الصالحات أن لهم أجرا حسنا ۝٢ ماكثين فيه أبدا ۝٣ وينذر

و مژده دهد مؤمنان را که کردار شایسته کنند آنکه ایشانراست پاداشی نکو درنگ کنندگان در آن همیشه و بترساند

الذين قالوا اتخذ الله ولدا ۝٤ ما لهم به من علم ولا لآبائهم كبرت كلمة تخرج من أفواههم

آنانرا که گفتند برگرفت خدا فرزندی را نیستشان بدان علمی و نه پدران ایشانرا بزرگ سخنی است که برون آید از دهانهای ایشان

إن يقولون إلا كذبا ۝٥ فلعلك باخع نفسك على آثارهم إن لم يؤمنوا بهذا الحديث أسفا ۝٦

نمیگویند جز دروغی را شاید ببازی تو جان خود را از پی ایشان اگر ایمان نیاوردند بدین داستان بدریغ

إنا جعلنا ما على الأرض زينة لها لنبلوهم أيهم أحسن عملا ۝٧ وإنا لجاعلون ما عليها صعيدا

همانا گردانیدیم آنچه را بر زمین است آرایشی برای آن تا بیازمائیم ایشانرا کدامین نکوترند در کردار و همانا گرداننده ایم آنچه را بر آنست بیابانی

جرزا ۝٨ أم حسبت أن أصحاب الكهف والرقيم كانوا من آياتنا عجبا ۝٩ إذ أوى الفتية إلى الكهف

خشکزار یا پنداشتی که یاران کهف و رقیم بودند از آیتهای ما شگفت هنگامی که پناه بردند جوانان بغار

فقالوا ربنا آتنا من لدنك رحمة وهيئ لنا من أمرنا رشدا ۝١٠ فضربنا على آذانهم في الكهف سنين

پس گفتند پروردگارا بیاور ما را از نزد خویش رحمتی و آماده کن برای ما از کار ما رهبری را پس زدیم بر گوشهای آنان در غار سالیانی

عددا ۝١١ ثم بعثناهم لنعلم أي الحزبين أحصى لما لبثوا أمدا ۝١٢ نحن نقص عليك نبأهم

بشمار (یعنی خوابانیدیمشان) سپس برانگیختیمشان تا بدانیم کدام از دو گروه شمرنده ترند آنچه را درنگ کردند از مدت ما میخوانیم بر تو داستان ایشانرا

بالحق إنهم فتية آمنوا بربهم وزدناهم هدى ۝١٣ وربطنا على قلوبهم إذ قاموا فقالوا ربنا رب

بحق همانا آنانند جوانانی که ایمان آوردند بپروردگار خویش و بیفزودیمشان هدایت را و پیوند زدیم بر دلهای ایشان هنگامیکه برخاستند پس گفتند پروردگار ما پروردگار

السموات والأرض لن ندعوا من دونه إلها لقد قلنا إذا شططا ۝١٤ هؤلاء قومنا اتخذوا من دونه

آسمانها و زمین است نخوانیم جز او خدائی هر آینه گوئیم در آنهنگام بیهده را اینان قوم ما برگرفتند جز او

آلهة لولا يأتون عليهم بسلطان بين فمن أظلم ممن افترى على الله كذبا ۝١٥ وإذ اعتزلتموهم وما يعبدون

خدایانی چرا نمیآورند برایشان فرمانروائی آشکار پس کیست ستمگرتر از آنکه بست بر خدا دروغی را و هنگامیکه کنار گرفتید از ایشان و آنچه میپرستند

إلا الله فأووا إلى الكهف ينشر لكم ربكم من رحمته ويهيئ لكم من أمركم مرفقا ۝١٦ وترى الشمس

جز خدا پس پناه آرید بغار میگستراند برای شما پروردگار شما از رحمت خود و آماده کند برای شما از کار شما آسایشرا و بینی خورشید را

إذا طلعت تزاور عن كهفهم ذات اليمين وإذا غربت تقرضهم ذات الشمال وهم في فجوة منه

گاهی که برآید کج شود از غار ایشان بسوی راست و گاهیکه فرو رود میبردشان بسوی چپ و ایشانند در پهناوری از آن

ذلك من آيات الله من يهد الله فهو المهتد ومن يضلل فلن تجد له وليا مرشدا ۝١٧

این از آیتهای خداست آنرا که رهبری کند خدا اوست هدایت شده و آنرا که گمراه کند نیابی برایش دوستی راهنما

مال کردی بتو دهیم و اگر از برای شرف است هم ترا بر خود سروری و مهتری دهیم و اگر دردی بتو اندر است طبیب آریم پیغمبر ص فرمود نه هیچیک از اینها مگر آنکه خدای مرا بسوی شما فرستاده است آنانرا چون این پاسخ مسموع افتاد اقتراحهای ناهنجار آغاز کردند و آنچه در این آیت است خواستار شدند.

سورة الكهف ابی بن کعب از پیغمبر ص آورد که هر کس این سوره بخواند تا هشت روز از هر فتنه در امان باشد چنانکه اگر دجال در آن ایام خروج کند از فتنه او ایمن باشد. ان اصحاب الكهف از ابن عباس است که نضر بن حارث بن کلدة و عقبة بن ابی معیط را قریش بنزد احبار و دانشمندان جهودان بمدینه فرستادند و بدانان گفتند از برای دانشمندان یهود وصف محمد باز گویند و هم سخنانی که میگوید بشرح آرید چه آنان اهل کتابند و نزد ایشان علومی است که نزد ما نیست و آن دو پیک بیامدند و آنچه قریش گفته بودند بعلماء یهود گفتند احبار در پاسخ بدیشان فرمودند تا محمد ص را از سه چیز باز پرسند اگر پاسخ گوید دانسته شود که پیغمبر مرسل است و اگر پاسخ نیارد معلوم شود که بجز مردی مدعی و گزاف گوی نباشد و آنگاه توانند چاره او کردن.

وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ ۚ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ ۖ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ ۚ

و پنداریشان بیداران حالیکه خفتگانند و میگردانیمشان بسوی راست و چپ و سگ ایشان پهن کننده است بازوهای خود را در آستانه

لَوِ اطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ﴿١٨﴾ وَكَذَٰلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ ۚ

اگر سر میکشیدی بر آنان همانا پشت میکردی از ایشان گریزان و هر آینه پر میشدی از ایشان ترس را و بدینسان برانگیختیمشان تا بپرسند میان خویش (از همدیگر)

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ ۖ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۚ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا

گفت گوینده‌ای از ایشان چند ماندید گفتند ماندیم روزی یا پاره‌ای از روز گفتند پروردگار شما داناتر است بدانچه ماندید بفرستید

أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَٰذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَىٰ طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ

یکیتان را با برگ بهای خود این بسوی شهر تا ببیند کدامین پاکیزه‌تر است در خوراک پس بیارد شما را روزیی از آن و باید بنرمی رفتار کند

وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ﴿١٩﴾ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ

و آگاه نسازد بر شما کسی را همانا ایشان اگر دست یابند بر شما سنگسارتان کنند یا برگردانند شما را در کیش خود و هرگز

تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٢٠﴾ وَكَذَٰلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ

رستگار نشوید در آنهنگام هیچگاه و بدینسان آگاه ساختیم بر ایشان تا بدانند که وعده خداست حق و آنکه ساعت نیست شکی

فِيهَا ۚ إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُنْيَانًا ۖ رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ ۖ قَالَ الَّذِينَ

در آن هنگامیکه ستیزه میکردند با همدیگر در کار خویش پس گفتند بسازید بر ایشان سازمانی را پروردگار ایشان داناتر است بدیشان گفتند آنانکه

غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ﴿٢١﴾ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ ۚ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ

دست یافتند بر کار ایشان همانا برگیریم بر ایشان پرستشگاهی را بزودی گویند سه تنند چهارمیشان سگشان و گویند پنج تنند

سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ ۖ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ ۚ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ

ششمی ایشان سگشان انداختنی بناپیدا و گویند هفت تنند و هشتمینشان سگشان بگو پروردگار من داناتر است بشمارانان نداندشان مگر کمی

فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا ۖ وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ﴿٢٢﴾ وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ﴿٢٣﴾

پس نستیز در آنان مگر ستیزه بظاهر و نپرس در آنان از ایشان احدی را و نگوی بچیزی که منم کننده آن فردا

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۚ وَاذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا ﴿٢٤﴾

مگر آنکه بخواهد خدا و یاد کن پروردگار خویش را گاهی که فراموش کردی و بگو امید است آنکه هدایتم کند پروردگار من بنزدیکتر از این راه را

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا ﴿٢٥﴾ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا ۖ لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ

و ماندند در غار خود سیصد سال و بیفزودند نه را بگو خدا داناتر است بدانچه ماندند ویراست ناپیدای آسمانها

وَالْأَرْضِ ۖ أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ ۖ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ ۖ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ

و زمین چه بینا و چه شنواست نیستشان جز او دوستی و شریک نگرداند در حکم خویش کسی را و بخوان آنچه وحی شده است بسوی تو

مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ ۖ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٧﴾ وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ

از کتاب پروردگارت نیست برگرداننده‌ای برای سخنانش و هرگز نیابی جز او پناهگاهی را و شکیبا ساز خویش را با آنانکه

يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ ۖ تُرِيدُ زِينَةَ

میخوانند پروردگار خویش را بامداد و شب خواهند روی او را و تجاوز نکند (بازنگردان) دیدگان تو از ایشان که بخواهی زیور

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ﴿٢٨﴾

زندگانی دنیا را و فرمانبردار مشو آنرا که غافل کردیم دلش را از یاد ما و پیروی کرد هوس خویش را و شد کار او از دست رفته

وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ

و بگو حق از پروردگار شماست پس هرکه خواهد ایمان آرد و هرکه خواهد کافر شود همانا آماده کردیم برای ستمکاران آتشی که فراگرفت

بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ

بدیشان سراپرده آن واگر فریاد کنند فریادرسی شوند بآبی چون آهن گداخته بریان کند چهره‌ها را چه زشت نوشابه است و چه زشت

مُرْتَفَقًا ﴿۲۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ﴿۳۰﴾

آسایشگاهی همانا آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند ما تباه نسازیم پاداش آنکه نکو کرد کار را

أُولَٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ

ایشان راست بهشتهای جاودان جاری است زیر آنان جویها زیب داده شوند در آن با دستبندها (دستبرنجها) از زر و پوشند

ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ وَحَسُنَتْ

جامه‌های سبزی از سندس و استبرق تکیه کننده‌اند در آن بر تختها چه خوب پاداشی است و چه نکوست آن

مُرْتَفَقًا ﴿۳۱﴾ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ

آسایشگاه و بزن برای ایشان مثلی دو مرد را که قرار دادیم برای یکیشان دو باغ از انگورها و پیچیده داشتیم آنها را با درخت خرما

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا ﴿۳۲﴾ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا

و نهادیم میان آنها کشت زاری هر دو باغ دادند میوه خود را و ستم نکرد از آن چیزی را و شکافتیم میان آنها

﴿۳۳﴾ وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ﴿۳۴﴾ وَدَخَلَ

جوئی و بود او را میوه پس گفت بیار خویش حالیکه با او گفتگو میکرد من بیشترم از تو در مال و نیرومندتر در گروه و در آمد

جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَٰذِهِ أَبَدًا ﴿۳۵﴾ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ

بباغ خویش حالیکه ستم کننده بود خویشتن را گفت نپندارم نابود شود این هیچگاه و نپندارم ساعت را برپا شونده و اگر

رُدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ﴿۳۶﴾ قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ

باز گردم بسوی پروردگار خویش هر آینه بیابم بهتر از این جایگاه را گفت بدو یار او حالیکه با وی سخن میگفت آیا کافر شدی

بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا ﴿۳۷﴾ لَٰكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ

بدانکه بیافریدت از خاکی سپس از چکه آبی پس بیاراستت مردی لیکن من خداست پروردگارم و شرک نورزم

بِرَبِّي أَحَدًا ﴿۳۸﴾ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ أَنَا

بپروردگارم کسی را و چرا گاهی که در باغ خویش در آمدی نگفتی چه خواست است خدا نیست نیروئی جز با خدا اگر مرا بینی

أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ﴿۳۹﴾ فَعَسَىٰ رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا

کمترم از تو در خواسته و فرزند امید است پروردگار من بدهدم بهتر از باغ تو و بفرستد بر آن آفتی

مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ﴿۴۰﴾ أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ﴿۴۱﴾ وَأُحِيطَ

از آسمان تا بامداد کند خشکزاری لغزنده یا بامداد کند آب آن فرو رفته که هرگز نتوانی برای آن جستنی را و نابود شد

بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ

میوه آن پس بامداد گرد میگردانید دستهای خویش را بر آنچه هزینه کرده بود در آن و آن فرود آمده بود بر پایه‌ها (پاپوشها) خود و میگفت کاش

أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ﴿۴۲﴾ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنْتَصِرًا ﴿۴۳﴾

شرک نمیورزیدم بپروردگار خود کسی را و نبودش دسته که یاریش کنند جز خدا و نبود یاری شده (یا یاری جوینده)

حزب (۴)

واضرب لهم مثلا از ابن عباس است که مقصود پادشاهی است از ملوک بنی اسرائیل مردود و فرزند بر جای گذاشت و برای ایشان مکنت و مال فراوان بماند پس نخستین بهره خویش از ترکه پدر برگرفت و صرف خیرات و قربات نمود و دومین بهره بستد با آن ضیاع و عقاری چند مهیا ساخت که از آنجمله این دو باغ که در آیه مذکور است بود و در تفسیر علی بن ابراهیم است که مردی دو باغ بزرگ داشت هر کدام پر از ثمار گوناگون و او را همسایه بود تنگدست و پریشان پس آن توانگر بر همسایه بینوا مباهات و افتخار جست و بیشی مال خویش و توانائی کسان خود را برخ او کشید، از ابن عباس است که این دو تن همانانند که در سوره صافات یاد شده‌اند آنجا که گفته است انی کان لی قرین یقول ائنک لمن المصدقین الی آخر الآیة و هشام بن سالم و ابان بن عثمان از امام ابی عبدالله صادق علیه السلام آورده‌اند که گفت در شگفتم از کسیکه بیمتر سد چگونه پناه نمیبرد بگفته خدای تعالی حسبنا الله و نعم الوکیل زیرا شنیدم خداوند

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلّٰهِ الْحَقِّ ۚ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ﴿٤٤﴾ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ

در انجا فرمانروائی از آن خداست حق اوست بهتر بپاداش و بهتر در فرجام و بزن برای ایشان مثل زندگانی دنیا را مانند آبی که

اَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْاَرْضِ فَاَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ

فرستادیمش از آسمان پس بیامیخت با آن رستنی زمین پس گردید خرد که پراکنده میسازندش بادها و

اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا ﴿٤٥﴾ اَلْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ

خداست بر همه چیز توانا خواسته و فرزندان زیب زندگانی دنیاست و بازمانده های

الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ اَمَلًا ﴿٤٦﴾ وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْاَرْضَ

شایسته بهتر است نزد پروردگار تو بپاداش و بهتر است در آرزو و روزی که برانیم کوهها را و بینی زمین را

بَارِزَةً ۙ وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ اَحَدًا ۚ ﴿٤٧﴾ وَعُرِضُوا عَلٰى رَبِّكَ صَفًّا ۭ لَقَدْ جِئْتُمُونَا

نمودار (یا برآمده) و گردشان آوردیم پس بجای نگذاشتیم از ایشان کسی را و عرض شدند بر پروردگار تو صفی همانا آمدید ما را

كَمَا خَلَقْنَاكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ ۡ بَلْ زَعَمْتُمْ اَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ﴿٤٨﴾ وَوُضِعَ الْكِتَابُ

چنانکه آفریدیمتان نخستین بار بلکه پنداشتید که هرگز نگذاریم برای شما وعده گاهی را و نهاده شد کتاب

فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هٰذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ

پس بینی گنهکاران را شوریده از آنچه در آنست و گویند ای وای بر ما چه شود این کتاب را که نگذارد

صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً اِلَّا اَحْصٰيهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا ۭ وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ اَحَدًا ﴿٤٩﴾

کوچک و نه بزرگی را مگر آنکه برشمردش و یافتند آنچه را کردند حاضر و ستم نکند پروردگار تو کسی را

وَاِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوا لِاٰدَمَ فَسَجَدُوٓا اِلَّآ اِبْلِيسَ ۭ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ اَمْرِ رَبِّهٖ ۭ

و هنگامیکه گفتیم بفرشتگان سجده کنید برای آدم پس سجده کردند جز ابلیس بود از جن پس سر پیچید از فرمان پروردگار خویش

اَفَتَتَّخِذُونَهٗ وَذُرِّيَّتَهٗٓ اَوْلِيَاۗءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ ۭ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ﴿٥٠﴾

آیا گیریدش او و نژادش را دوستانی جز از من حالیکه ایشانند برای شما دشمن چه زشت است ستمگران را بدلی

مَآ اَشْهَدْتُّهُمْ خَلْقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَلَا خَلْقَ اَنْفُسِهِمْ ۠ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ

گواه نگرفتم ایشان را بر آفرینش آسمانها و زمین و نه آفرینش خودشان و نبودم هرگز گیرنده گمراهان

عَضُدًا ﴿٥١﴾ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَاۗئِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ

بازوئی و روزی که گوید بخوانید شریکانم را آنانکه میپنداشتید پس خواندندشان پس پاسخشان نگفتند

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ﴿٥٢﴾ وَرَاَ الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوٓا اَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا

و نهادیم میانشان پرتگاهی را و دیدند گنهکاران آتش را پس پنداشتند که افتادگانند در آن و نیافتند

عَنْهَا مَصْرِفًا ﴿٥٣﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هٰذَا الْقُرْاٰنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ

از آن کنارگاهی را و همانا گردانیدیم در این قرآن برای مردم از هر مثلی و

الْاِنْسَانُ اَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ﴿٥٤﴾ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ اَنْ يُؤْمِنُوٓا اِذْ جَاۗءَهُمُ الْهُدٰى

انسان بیشتر از هر چیز است ستیزه گری را و باز نداشت مردم را از آنکه ایمان آرند گاهیکه بیامدشان هدایت و از آنکه

وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ اِلَّآ اَنْ تَاْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْاَوَّلِينَ اَوْ يَاْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ﴿٥٥﴾

آمرزش خواهند از پروردگار خویش جز آنکه بیایدشان شیوه پیشینیان یا بیایدشان عذاب روی بروی

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ ۚ وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ
و نفرستیم پیمبران را مگر بشارت دهندگان و ترساندگان و ستیزند کافران باباطل تا باطل کنند بدان
الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَمَا أُنْذِرُوا هُزُوًا ﴿٥٦﴾ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ
حق را و برگرفتند آیتهای مرا و آنچه بیم داده شدند سخره و کیست ستمگرتر از آنکه یاد آوری شد بآیتهای خدا پس روی گرداند
عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ ۚ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۖ
از آنها و فراموش کرد آنچه پیش فرستاد دستهایش هانا نهادیم بر دلهای ایشان پوششهائی از آنکه دریابندش و در گوشهای ایشان سنگینی را
وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا أَبَدًا ﴿٥٧﴾ وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ ۖ لَوْ
واگر بخوانیشان بسوی راه یابیت هرگز راه نشوند آنگاه و پروردگارتو آمرزنده صاحب رحمت اگر
يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ ۚ بَل لَّهُم مَّوْعِدٌ لَّن يَجِدُوا مِن دُونِهِ مَوْئِلًا ﴿٥٨﴾
گرفتارشان کند بدانچه فراهم کردند هرآینه بشتابیدی برایشان در عذاب بلکه ایشانراست وعده گاهی که هرگز نیابند جز آن پناهگاهی را
وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا ﴿٥٩﴾ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ
و اینک شهرها نابود کردیمشان آنگاه که ستم کردند و نهادیم برای نابودیشان وعده گاهی را و بگاه گفت موسی بجوان خویش
لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا
نروم (دست برندارم) تا برسم بملتقای (رسیدنگاه) دو دریا یا راه سپرم هفتاد سال پس هنگامیکه رسیدند بهم (رسیدنگاه) آن دو را فراموش کردند ماهی خویشرا
فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ﴿٦١﴾ فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِن سَفَرِنَا
تا برگرفت راه خویش را در دریا شگافته پس هنگامیکه گذشتند گفت بجوان خود بیاور برای ما چاشت ما را هانا رسیدیم از سفر خویش
هَٰذَا نَصَبًا ﴿٦٢﴾ قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَنْسَانِيهُ إِلَّا
این رنجی را گفت آیا دیدی گاهیکه جای گرفتیم نزدیک آن سنگ هانا فراموش کردم ماهی را و فراموشم نکرد
الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ ۚ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ﴿٦٣﴾ قَالَ ذَٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ ۚ فَارْتَدَّا عَلَىٰ
شیطان از آنکه بیادآرمش و برگرفت راه خود را در دریا شگفت گفت اینست آنچه میجوئیم پس بازگشتند بر
آثَارِهِمَا قَصَصًا ﴿٦٤﴾ فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِندِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْمًا
جای پاهای خویش پیجوان تا بافتند بنده ای از بندگان ما را داده بودیمش رحمتی را از نزد خود و آموخته بودیمش از نزدخود دانشرا
﴿٦٥﴾ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ﴿٦٦﴾ قَالَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ
گفت بدو موسی آیا پیروی کنم ترا برآنکه بیاموزیم از آنچه آموخته شدی رهبری را گفت هانا تو نتوانی با من
صَبْرًا ﴿٦٧﴾ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿٦٨﴾ قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي
صبر کردن و چگونه صبر کنی بر آنچه فراگرفتی بر آن آگاهی را گفت زود بیابیم شکیبا اگر خدا خواهد و نافرمانی
لَكَ أَمْرًا ﴿٦٩﴾ قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَن شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا ﴿٧٠﴾ فَانطَلَقَا
گفت امری را گفت پس اگر پیرویم کردی پرسش مرا از چیزی تا بدید آرم برای تو از آن سخنی را پس برفتند
حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا ۖ قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ﴿٧١﴾ قَالَ أَلَمْ
تا گاهی که سوار شدند در کشتی بشکافتش گفت آیا سوراخ کردیش که غرق کنی مردمش را هانا بیاوردی چیزی زشت را گفت آیا
أَقُل لَّكَ إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ﴿٧٢﴾ قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا ﴿٧٣﴾
گفتم که تو نتوانی با من صبر کردن گفت مرا مگیر بدانچه فراموش کردم و فرمان من از کارم سختی را

فَانْطَلَقَا حَتّٰٓى اِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهٗ قَالَ اَقَتَلْتَ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا

پس برفتند تا گاهیکه بکودکی رسیدند بکشتش گفت آیا کشتی تنی پاک را نه در برابر تنی همانا آوردی چیزی ناپسند را

(۷۴) قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكَ اِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيْعَ مَعِيَ صَبْرًا (۷۵) قَالَ اِنْ سَاَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا

گفت آیا نگفتم بتو که نتوانی هرگز با من صبر کردن گفت اگر پرسیدمت از چیزی پس از این

تُصَاحِبْنِيْ قَدْ بَلَغْتَ مِنْ لَّدُنِّيْ عُذْرًا (۷۶) فَانْطَلَقَا حَتّٰٓى اِذَآ اَتَيَآ اَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطْعَمَآ اَهْلَهَا فَاَبَوْا اَنْ

همراهم نگیر بدرست رسیدی از نزدم بهانه را پس برفتند تا گاهی که رسیدند مردم شهری را خوراک خواستند از مردمش پس خودداری کردند

يُضَيِّفُوْهُمَا فَوَجَدَا فِيْهَا جِدَارًا يُّرِيْدُ اَنْ يَّنْقَضَّ فَاَقَامَهٗ قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ اَجْرًا (۷۷)

از آنکه مهمانشان کنند پس یافتند در آن دیواری را که میخواست فرو ریزد پس بپای داشتش گفت اگر میخواستی میگرفتی بر این مزدی را

قَالَ هٰذَا فِرَاقُ بَيْنِيْ وَبَيْنِكَ سَاُنَبِّئُكَ بِتَاْوِيْلِ مَا لَمْ تَسْتَطِعْ عَّلَيْهِ صَبْرًا (۷۸) اَمَّا السَّفِيْنَةُ

گفت این است جدائی میان من و تو بزودی آگهیت دهم بسرانجام آنچه نتوانستی بر آن صبر کردن را اما کشتی

فَكَانَتْ لِمَسَاكِيْنَ يَعْمَلُوْنَ فِي الْبَحْرِ فَاَرَدْتُّ اَنْ اَعِيْبَهَا وَكَانَ وَرَآءَهُمْ مَّلِكٌ يَّاْخُذُ كُلَّ

پس از آن بینوایانی بود که کار میکردند در دریا خواستم آسیبی بدان رسانم و بود پشت سر ایشان پادشاهی که میگرفت هر

سَفِيْنَةٍ غَصْبًا (۷۹) وَاَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ اَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِيْنَآ اَنْ يُّرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَّكُفْرًا

کشتی را بستم (بیگاری) و اما کودک بودند پدر و مادرش مؤمنان پس ترسیدیم که وادارد شان (یا بتنگ آرد شان) بسرکشی و ناسپاسی

(۸۰) فَاَرَدْنَآ اَنْ يُّبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكٰوةً وَّاَقْرَبَ رُحْمًا (۸۱) وَاَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ

پس خواستیم تا باز دهد ایشان را پروردگارشان بجای او بهتر از او را بپاکی و نزدیکتر برحم آوردن و اما دیوار پس از آن

لِغُلَامَيْنِ يَتِيْمَيْنِ فِي الْمَدِيْنَةِ وَكَانَ تَحْتَهٗ كَنْزٌ لَّهُمَا وَكَانَ اَبُوْهُمَا صَالِحًا فَاَرَادَ رَبُّكَ

دو کودک یتیم بود در شهر و بود زیر آن گنجی از برای ایشان و بود پدر ایشان شایسته پس خواست پروردگار تو

اَنْ يَّبْلُغَآ اَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهٗ عَنْ اَمْرِيْ ذٰلِكَ

که برسند نیروی (جوانی) خود را و برون آرند گنج خویش را مهربانی از پروردگار تو و من نکردمش بفرمان خود اینست

تَاْوِيْلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَّلَيْهِ صَبْرًا (۸۲) وَيَسْئَلُوْنَكَ عَنْ ذِي الْقَرْنَيْنِ قُلْ سَاَتْلُوْا عَلَيْكُمْ مِّنْهُ

سرانجام آنچه نتوانستی بر آن صبر کردن را و پرسندت از ذوالقرنین بگو زود است بخوانم بر شما از او

ذِكْرًا (۸۳) اِنَّا مَكَّنَّا لَهٗ فِي الْاَرْضِ وَاٰتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا (۸۴) فَاَتْبَعَ سَبَبًا (۸۵) حَتّٰٓى اِذَا

سخنی را همانا فرمانروایش ساختیم در زمین و دادیمش از هر چیز دستاویزی پس پیروی کرد دستاویزی را تا گاهی که

بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِيْ عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَّوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يٰذَا الْقَرْنَيْنِ اِمَّآ

رسید فرودگاه خورشید را یافتش فرو میرود در چشمه گل آلودی و یافت نزد آن گروهی را گفتیم ای ذوالقرنین یا

اَنْ تُعَذِّبَ وَاِمَّآ اَنْ تَتَّخِذَ فِيْهِمْ حُسْنًا (۸۶) قَالَ اَمَّا مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهٗ ثُمَّ يُرَدُّ اِلٰى رَبِّهٖ فَيُعَذِّبُهٗ

یا شکنجه میکنی و یا برمیگیری در ایشان نکوئی را گفت اما آنکه ستم کند زود است عذابش کنیم و سپس بازگردانیده شود بسوی پروردگار خویش پس عذابش کند

عَذَابًا نُّكْرًا (۸۷) وَاَمَّا مَنْ اٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهٗ جَزَآءً الْحُسْنٰى وَسَنَقُوْلُ لَهٗ مِنْ اَمْرِنَا يُسْرًا (۸۸)

عذابی زشت و اما آن کو ایمان آرد و کردار شایسته کند پس او راست پاداش نیک و زود است گوئیم برایش از امر خویش گشایش را

ثُمَّ اَتْبَعَ سَبَبًا (۸۹) حَتّٰٓى اِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطْلُعُ عَلٰى قَوْمٍ لَّمْ نَجْعَلْ لَّهُمْ مِّنْ دُوْنِهَا سِتْرًا (۹۰)

پس پیروی کرد وسیلتی را تا گاهی که رسید برآمدن گاه خورشید را یافتش برمیآید بر گروهی که نگذارده ایم برای ایشان جز آن پوششی را

كَذٰلِكَ ۚ وَقَدْ اَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ﴿۹۱﴾ ثُمَّ اَتْبَعَ سَبَبًا ﴿۹۲﴾ حَتّٰۤى اِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ

چنین و همانا فراگرفتیم بدانچه نزد اوست بدانش پس پیروی کرد وسیلتی را تا گاهیکه رسید میان دو بند را یافت

مِنْ دُوْنِهِمَا قَوْمًا ۙ لَّا يَكَادُوْنَ يَفْقَهُوْنَ قَوْلًا ﴿۹۳﴾ قَالُوْا يٰذَا الْقَرْنَيْنِ اِنَّ يَاْجُوْجَ وَمَاْجُوْجَ

نارسیده بدانها گروهی را که نیارند دریابند گفتاری را گفتند ای ذوالقرنین همانا یاجوج و ماجوج

مُفْسِدُوْنَ فِى الْاَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلٰۤى اَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ﴿۹۴﴾ قَالَ مَا

تبهکاری کنند در زمین آیا بگذاریم برای تو هزینهٔ بر آنکه بگذاری میان ما و آنان بندی را گفت آنچه

مَكَّنِّىْ فِيْهِ رَبِّىْ خَيْرٌ فَاَعِيْنُوْنِىْ بِقُوَّةٍ اَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ۙ ﴿۹۵﴾ اٰتُوْنِىْ زُبَرَ الْحَدِيْدِ ؕ

فرمانروا کرده است مرا در آن پروردگارم بهتر است پس کمک دهیدم به نیروئی تا بنهم میان شما و ایشان بندی انبوه را بیارید مرا خرده های آهن

حَتّٰۤى اِذَا سَاوٰى بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوْا ؕ حَتّٰۤى اِذَا جَعَلَهٗ نَارًا ۙ قَالَ اٰتُوْنِىْۤ اُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ؕ

تا گاهیکه یکسان شد میان دو کوه گفت بدمید تا گاهیکه گردانیدش آتش گفت بیارید مرا بریزم بر آن آهن (یا مس)

﴿۹۶﴾ فَمَا اسْطَاعُوْۤا اَنْ يَّظْهَرُوْهُ وَمَا اسْتَطَاعُوْا لَهٗ نَقْبًا ﴿۹۷﴾ قَالَ هٰذَا رَحْمَةٌ مِّنْ رَّبِّىْ ۚ فَاِذَا

گداخته را پس نتوانستند چیره شوند بر آن و نتوانستندش سوراخ کردن را گفت این است رحمتی از پروردگارم تا گاهی که

جَآءَ وَعْدُ رَبِّىْ جَعَلَهٗ دَكَّآءَ ۚ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّىْ حَقًّا ؕ ﴿۹۸﴾ وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَّمُوْجُ فِىْ بَعْضٍ

بیاید وعدهٔ پروردگارم بگرداندش خرد (کوبیده) و بوده است وعدهٔ پروردگارم درست و گذاردیم گروهی از ایشان را در آن روز موج زنند در گروهی

وَنُفِخَ فِى الصُّوْرِ فَجَمَعْنٰهُمْ جَمْعًا ۙ ﴿۹۹﴾ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكٰفِرِيْنَ عَرْضًا ۙ ﴿۱۰۰﴾ اَلَّذِيْنَ كَانَتْ

و دمیده شد در صور پس گردشان آوردیم گرد آوردنی و عرض کردیم دوزخ را آن روز بر کافران عرض کردنی آنانکه بود

اَعْيُنُهُمْ فِىْ غِطَآءٍ عَنْ ذِكْرِىْ وَكَانُوْا لَا يَسْتَطِيْعُوْنَ سَمْعًا ۚ ﴿۱۰۱﴾ اَفَحَسِبَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْۤا اَنْ

دیدگانشان در پرده از یاد من و بودند نمیتوانستند شنیدن را آیا پنداشتند آنانکه کفر ورزیدند که

يَّتَّخِذُوْا عِبَادِىْ مِنْ دُوْنِىْۤ اَوْلِيَآءَ ؕ اِنَّاۤ اَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكٰفِرِيْنَ نُزُلًا ﴿۱۰۲﴾ قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْاَخْسَرِيْنَ اَعْمَالًا ؕ

برگیرند بندگانم را جز من دوستانی همانا آماده کردیم دوزخ را برای کافران پیشکشی بگو آیا آگهیتان دهم بزیانکارتران در کردار

﴿۱۰۳﴾ اَلَّذِيْنَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُوْنَ اَنَّهُمْ يُحْسِنُوْنَ صُنْعًا ﴿۱۰۴﴾ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ

آنانکه تباه شده است کوشش ایشان در زندگانی دنیا و میپندارند که ایشان نکو میکنند عمل را آنانند که

كَفَرُوْا بِاٰيٰتِ رَبِّهِمْ وَلِقَآئِهٖ فَحَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيْمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَزْنًا ﴿۱۰۵﴾ ذٰلِكَ جَزَآؤُهُمْ

کفر ورزیدند بآیتهای پروردگار خویش و ملاقات او پس تباه شد اعمال ایشان پس بپای نداریم برای آنان روز قیامت وزنی (ترازوئی) را اینست پاداش ایشان

جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوْا وَاتَّخَذُوْۤا اٰيٰتِىْ وَرُسُلِىْ هُزُوًا ﴿۱۰۶﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ كَانَتْ

دوزخ بدانچه کفر ورزیدند و برگرفتند آیتهای مرا و پیمبران مرا ریشخند همانا آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند بوده است

لَهُمْ جَنّٰتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ؕ ﴿۱۰۷﴾ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا لَا يَبْغُوْنَ عَنْهَا حِوَلًا ﴿۱۰۸﴾ قُلْ لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمٰتِ

ایشان را باغهای بهشت پیشکشی جاودانند در آن نجویند از آن جابجا شدن را بگو اگر میشد دریا مدادی برای سخنان

رَبِّىْ لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ اَنْ تَنْفَدَ كَلِمٰتُ رَبِّىْ وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهٖ مَدَدًا ﴿۱۰۹﴾ قُلْ اِنَّمَاۤ اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوْحٰۤى

پروردگارم همانا پایان مییافت دریا پیش از آنکه پایان یابند سخنان پروردگارم و هرچند بیاریم همانند آن کمک را بگو جز این نیست که من بشری هستم مانند شما وحی میشود

اِلَىَّ اَنَّمَاۤ اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ ۚ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوْا لِقَآءَ رَبِّهٖ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَّلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهٖۤ اَحَدًا ﴿۱۱۰﴾

بسویم که خدای شماست خداوند یکتا پس آنکو امید دارد ملاقات پروردگار خویش را باید بکند کرداری شایسته و شریک نگرداند بپرستش پروردگار خویش کسی را

۹۴ اِنَّ یَاجُوْجَ وَمَاجُوْجَ از حذیفه است که روزی پیغمبر را از یاجوج و ماجوج پرسیدم و او در پاسخ فرمود که یاجوج امتی هستند و ماجوج امتی و هر امت از ایشان چهار صد امت است نمیرد کسی از ایشان مگر آنهنگام که یکهزار مرد جنگی از صلب خویش بنگرد که هر کدام سلاح برگرفته باشند گفتم ای رسول خدای ایشان را برای من توصیف فرمای گفت آنان بر سه گروهند گروهی مانند ارز باشند پرسیدم ارز چیست فرمود درختی است در شام بلند و بالا و دراز و گروهی از ایشان طول و عرض یکسان باشد و اینانند که هیچ سپاه و نه آهنی تواند با آنان برابری جستن و گروهی از ایشان یک گوش بزیر اندازند و گوش دیگر لحاف کنند و بفیل یا وحوش یا شتر و یا خوک نگذرند مگر آنرا بخورند و هر که از ایشان بمیرد پیکر و لاشه او را بخورند پیشاهنگ ایشان در شام و ساقهٔ ایشان در خراسان باشد و نهرهای مشرق و دریاچهٔ طبریه را همه بیاشامند

۹۷ لَهٗ نَقْبًا گویند این سد پشت دریای روم است بین دو کوه که در آنجا واقع و مؤخر آنها بر کرانهٔ بحر محیط است و قولی است که آن سد پشت دربند و خزران از ناحیت ارمنیه

سورة مريم مكية وآياتها ثمان وتسعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة ۱۹ — حروفها ۳۸۰۲ — كلماتها ۹۶۲

خداوند بخشاینده مهربان

بنام

كٓهٰيٰعٓصٓ ۝۱ ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا ۝۲ اِذْ نَادٰى رَبَّهُ نِدَآءً خَفِيًّا ۝۳ قَالَ رَبِّ

یاد از رحمت پروردگار تو ببندهٔ خویش زکریا هنگامیکه خواند پروردگار خود را خواندنی آهسته (نهانی) گفت پروردگارا

اِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ اَكُنْ بِدُعَآئِكَ رَبِّ شَقِيًّا ۝۴ وَاِنِّي

همانا سست شد استخوان از من و درخشید مرا سر به پیری و نبودم بخواندن تو پروردگارا تیره بخت و همانا

خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَآئِي وَكَانَتِ امْرَاَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ۝۵ يَرِثُنِي وَيَرِثُ

ترسیدم خویشاوندانم را پس از من و بوده است زنم نازا پس ببخش مرا از نزد خود سرپرستی (فرزندی) که ارث برد از من و ارث برد

مِنْ اٰلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا ۝۶ يَا زَكَرِيَّآ اِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيٰى لَمْ نَجْعَلْ

از خاندان یعقوب و بگردانش پروردگارا پسندیده ای زکریا همانا مژده دهیمت به پسری که نامش یحیی است قرار ندادیم

لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا ۝۷ قَالَ رَبِّ اَنّٰى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَاَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ

برایش پیش از این همنامی گفت پروردگارا چگونه باشدم پسری و بوده است زنم نازا و بدرست رسیده‌ام از پیری

عِتِيًّا ۝۸ قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا ۝۹

خشکیدگی را گفت بدینسان گفت پروردگار تو و آنست بر من آسان و همانا آفریدمت پیش از این و نبودی چیزی

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّيٓ اٰيَةً قَالَ اٰيَتُكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ۝۱۰ فَخَرَجَ عَلٰى

گفت پروردگارا بگذار برای من آیتی گفت آیت تو آنکه سخن نگوئی با مردم سه شب تمامی پس برون آمد بر

قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَاَوْحٰٓى اِلَيْهِمْ اَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۝۱۱ يَا يَحْيٰى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ

قوم خود از محراب پس رساند بدانان که تسبیح کنید بامداد و شب هنگام ای یحیی بگیر کتاب را بنیرومندی

وَاٰتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ۝۱۲ وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكٰوةً وَكَانَ تَقِيًّا ۝۱۳ وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ

و دادیمش حکم را بکودکی و مهربانی از نزد ما و پاکی و بود است پرهیزکاری و نکوکاری بپدر و مادر خویش و نبود

جَبَّارًا عَصِيًّا ۝۱۴ وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ۝۱۵ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ

گردنکشی تا بفرمان و درود بر او روزی که بزاد و روزیکه بمیرد و روزیکه برانگیخته شود زنده و یاد کن در کتاب

مَرْيَمَ اِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۝۱۶ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَاَرْسَلْنَآ اِلَيْهَا

مریم را گاهیکه برگرفت دور از خاندان خویش جایگاهی خاوری را پس برگرفت دور از آنان پوششی پس فرستادیم بسوی او

رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ۝۱۷ قَالَتْ اِنِّيٓ اَعُوذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ۝۱۸ قَالَ اِنَّمَآ اَنَا رَسُولُ

روح خود را تا نمایان شد برای او مردی درست گفت همانا پناه برم بخدای مهربان از تو اگر هستی پرهیزکار گفت همانا منم فرستاده

رَبِّكِ لِاَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ۝۱۹ قَالَتْ اَنّٰى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ وَلَمْ اَكُ بَغِيًّا ۝۲۰

پروردگار تو تا ببخشم بتو پسری پاک گفت چگونه باشدم پسری و بمن نزدیک نشده است بشری و نبوده‌ام بدکاره

قَالَ كَذٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَلِنَجْعَلَهُ اٰيَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا وَكَانَ اَمْرًا مَّقْضِيًّا ۝۲۱

گفت بدینسان گفت پروردگار تو آنست بر من آسان و تا بگردانیمش آیتی برای مردم و رحمتی از ما و بوده است کاری گذشته



فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ﴿۲۲﴾ فَأَجَاءَهَا الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ

پس بار در شد بدو و کناره گرفت بدو جایگاهی دور را پس بیاوردش درد زائیدن بسوی شاخهٔ خرما گفت کاش مرده بودم پیش

هَٰذَا وَكُنْتُ نَسْيًا مَنْسِيًّا ﴿۲۳﴾ فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا ﴿۲۴﴾ وَهُزِّي

از این و میشدم فراموشی فراموش شده پس بانگ بدو زد از زیرش که اندوهگین نباش همانا نهاد پروردگار تو زیر تو جوئی را و بجنبان

إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا ﴿۲۵﴾ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ

بسوی خود شاخهٔ خرما را میریزد بر تو رطبی تازه چیده را پس بخور و بیاشام و چشم روشن باش و اگر دیدی از بشر

الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا ﴿۲۶﴾ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ

کسی را بگو همانا نذر کردم برای خداوند مهربان روزه را و هرگز سخن نگویم امروز انسیی را پس بیاورد او را بنزد قومش حالیکه بدوش میکشیدش

قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ﴿۲۷﴾ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ

گفتند ای مریم هر آینه آوردی چیزی دروغ آمیز را ای خواهر هرون نبود پدر تو مردی زشت و نبود

أُمُّكِ بَغِيًّا ﴿۲۸﴾ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ﴿۲۹﴾ قَالَ إِنِّي عَبْدُ

مادرت بدکاره پس او را نشان داد گفتند چگونه سخن گوئیم آنرا که بوده است در گهواره کودکی گفت همانا منم بنده

اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا ﴿۳۰﴾ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا

خدا داد بمن کتاب را و گردانید مرا پیمبری و گردانید مرا فرخنده هر کجا باشم و توصیه کرد مرا بنماز و زکوة

دُمْتُ حَيًّا ﴿۳۱﴾ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا ﴿۳۲﴾ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ

مادامی که هستم زنده و نکوکاری بمادرم و نگردانیدم فرمانفرمائی تیره بخت و درود بر من روزیکه بزادم و روزیکه بمیرم

وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا ﴿۳۳﴾ ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ ﴿۳۴﴾ مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ

و روزیکه برانگیخته شوم زنده این است عیسی پسر مریم سخن حقی که در آن شک میکنند نبوده است خدا که برگیرد

وَلَدٍ سُبْحَانَهُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۳۵﴾ وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ

فرزندی منزه است او هرگاه بگذراند کاری را جز این نیست که گوید بدو بشو پس میشود و همانا خداست پروردگار من و پروردگار شما پس بپرستیدش اینست راه

مُسْتَقِيمٌ ﴿۳۶﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۳۷﴾ أَسْمِعْ بِهِمْ

راست پس اختلاف کردند گروهها از میان ایشان پس وای بر آنانکه کفر ورزیدند از دیدار روزی بزرگ چه شنوانید ایشان

وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَٰكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿۳۸﴾ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ

و چه بینا روزی که آیند ما را لیکن ستمگرانند در آن روز در گمراهی آشکار و بترسانشان روز دریغ (حسرت) را هنگامیکه گذشت کار

وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۳۹﴾ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿۴۰﴾ وَاذْكُرْ

و ایشانند در غفلتی و ایمان نمیآورند همانا ما خود میراث بریم زمین را و آنکه بر آنست و بسوی ما بازگردانیده شوند و یاد کن

فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿۴۱﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا

در کتاب ابراهیم را که بوده است او راستگوی پیمبری هنگامی که گفت بپدر خود ای پدر من چرا میپرستی آنچه را نمیشنود و نه

يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ﴿۴۲﴾ يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي

میبیند و نه بی نیاز میکند از تو بچیزی ای پدر من همانا بیامد است مرا از دانش آنچه نیامد است ترا پس پیروی کن

أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا ﴿۴۳﴾ يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ عَصِيًّا ﴿۴۴﴾

تا رهبریت کنم راهی راست را ای پدر من پرستش نکن شیطان را که شیطان است برای خدای مهربان نافرمان

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمٰنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ﴿۴۵﴾ قَالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي

ای پدر من همانا میترسم برسدت عذابی از خدای مهربان که بشوی برای شیطان دوستی گفت آیا روی گرداننده‌ای از خدایانم

يَا إِبْرٰهِيمُ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ﴿۴۶﴾ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ

ای ابراهیم اگر کوتاه نیائی هرآینه سنگسارت میکنم و دوری گزین از من روزگاری دراز گفت سلام بر تو زود است آمرزش خواهم برای تو از پروردگار خویش همانا او

كَانَ بِي حَفِيًّا ﴿۴۷﴾ وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا

بوده است بمن مهربان و دوری گزینم از شما و آنچه خوانید جز خدا و میخوانم پروردگار خود را شاید نباشم بخواندن پروردگارم تیره روز

﴿۴۸﴾ فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ﴿۴۹﴾ وَوَهَبْنَا

پس هنگامیکه دوری گزید از ایشان و آنچه میپرستیدند جز خدا بخشیدیم بدو اسحق و یعقوب را و هر کدام را گردانیدیم پیمبری و بخشیدیم

لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ﴿۵۰﴾ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ

بدیشان از رحمت خود و نهادیم برای ایشان زبان راستی فرازنده و یاد کن در کتاب موسی را که او است ناآلوده و بوده است

رَسُولًا نَبِيًّا ﴿۵۱﴾ وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ﴿۵۲﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ

پیمبری فرستاده شده و خواندیمش از کنار راست طور و نزدیک گردانیدیمش راز گویان و بخشیدیم بدو از رحمت خود برادرش

هٰرُونَ نَبِيًّا ﴿۵۳﴾ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمٰعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ﴿۵۴﴾

هرون را پیمبری و یاد کن در کتاب اسماعیل را که او بوده است راست وعده و بوده است فرستاده پیمبری

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ﴿۵۵﴾ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ

و بود میفرمود خاندان خود را بنماز و زکوة و بود نزد پروردگار خویش پسندیده و یاد کن در کتاب ادریس را که بوده است

صِدِّيقًا نَبِيًّا ﴿۵۶﴾ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿۵۷﴾ أُولٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ

راستگوی پیمبری و بالا بردیمش جایگاهی بلند اینانند که بخشید خدا بدیشان از پیمبران از فرزندان

آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرٰهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ

آدم و از آنانکه سوار کردیم با نوح و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از آنانکه هدایت کردیم و برگزیدیم که هرگاه خوانده شود بر ایشان

آيَاتُ الرَّحْمٰنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ﴿۵۸﴾ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلٰوةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ

آیتهای خدای مهربان بیفتند سجده کنان و گریان پس جانشین شد از پس ایشان پشتی که تباه کردند نماز را و پیروی کردند شهوتها را

فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ﴿۵۹﴾ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ

پس زود است برسند گمراهی را مگر آنکه توبه کرد و ایمان آورد و عمل صالح کرد که آنان درآیند بهشت را و ستم نشوند

شَيْئًا ﴿۶۰﴾ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمٰنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ﴿۶۱﴾ لَا يَسْمَعُونَ

چیزی را بهشتهای جاودانی که وعده داد خدای مهربان بندگان خویش را بنهانی همانا بوده است وعده او آورده نشنوند

فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿۶۲﴾ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ

در آن جز درودی و ایشان راست روزیشان در آن بامداد و شب هنگام این است آن بهشتی که آرد ایم بندگان خود را آنکو

كَانَ تَقِيًّا ﴿۶۳﴾ وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذٰلِكَ وَمَا كَانَ

بوده است پرهیزکار و فرود نیائیم مگر بدستور پروردگار تو ویراست آنچه پیشروی ما و آنچه پشت سر ما و آنچه میان آنست و نیست

رَبُّكَ نَسِيًّا ﴿۶۴﴾ رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ﴿۶۵﴾

پروردگار تو فراموش کننده پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست پس پرستش کن او را و شکیبائی گزین برای پرستش او آیا میدانی برای او همنامی را

وَيَقُولُ الْإِنسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا ﴿٦٦﴾ أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن قَبْلُ وَلَمْ
و گوید انسان آیا هرگاه بمردم هرآینه بزودی بیرون آورده شوم زنده آیا یاد نمیآورد انسان که ما آفریدیمش از پیش حالیکه
يَكُ شَيْئًا ﴿٦٧﴾ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ﴿٦٨﴾ ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ
نبود چیزی سوگند بپروردگار تو هرآینه گردآوریمشان البته با شیاطین پس البته حاضر سازیمشان گرداگرد جهنم بزانو افتادگان سپس البته بکشیم از
مِن كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَٰنِ عِتِيًّا ﴿٦٩﴾ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا ﴿٧٠﴾
از هر گروهی هرکدام از ایشان که سخت تر است بر خدای مهربان در سرکشی سپس ما البته دانا تریم بدانان که سزاوارترند بدان جشیدن را
وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ﴿٧١﴾ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوا وَّنَذَرُ الظَّالِمِينَ
و نیست از شما جز درآینده آن بوده است بر پروردگار تو بایستگه گذرانیده پس میرهانیم آنانرا که پرهیزگاری کردند و بگذاریم ستمکاران را
فِيهَا جِثِيًّا ﴿٧٢﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ
در آن بزانو افتادگان و هرگاه خوانده شود بر ایشان آیتهای ما بیانگر گویند آنانکه کفر ورزیدند مر آنانکه ایمان آوردند کدام از دو گرد بهتر
مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ﴿٧٣﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْيًا ﴿٧٤﴾ قُلْ مَن كَانَ
در جایگاه و نکوتر در انجمن و بسا نابود کردیم پیش از ایشان از قرنهائی که نکوتر بودند در ابزار (کالا) و در منظر بگو آنکه
فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَٰنُ مَدًّا ۚ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ
در گمراهی است پس باید مهلت دهد بدو خداوند مهربان مهلتی تا آنگاه که ببینند آنچه را وعده داده شوند یا شکنجه و یا ساعت را
فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضْعَفُ جُندًا ﴿٧٥﴾ وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى ۗ وَالْبَاقِيَاتُ
زود است بدانند کیست آنکه بدتر است در جایگاه و سست تر است در سپاه و میافزاید خدا آنانرا که رهیافتند راه هدایت را و بازماندهای
الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا ﴿٧٦﴾ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا
شایسته بهتر است نزد پروردگار تو در پاداش و بهتر است در بازگشت آیا دیدی آنرا که کفر ورزید بآیتهای ما و گفت هرآینه داده شوم مال و فرزند را
﴿٧٧﴾ أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَٰنِ عَهْدًا ﴿٧٨﴾ كَلَّا ۚ سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ﴿٧٩﴾
آیا آگهی یافت بر نهان یا برگرفت نزد خدای مهربان عهدی را چنین نیست زود است بنویسیم آنچه را گوید و کشش دهیم او را در عذاب برای او کششی
وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ﴿٨٠﴾ وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ﴿٨١﴾ كَلَّا ۚ
وارث بریم از او آنچه را گوید (یا ارث دهیمش آنچه را گوید) و بیاید نزد ما تنها و برگرفتند جز خدا خدایانی تا باشند برای آنان عزتی نه چنین است
سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ﴿٨٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ
زود است کفر ورزند بپرستش آنان و باشند برای آنان دشمنانی سپس شیاطین را بر کافران تا
تَؤُزُّهُمْ أَزًّا ﴿٨٣﴾ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ ۖ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ﴿٨٤﴾ يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَٰنِ وَفْدًا ﴿٨٥﴾ وَنَسُوقُ
بیازارند بازاری (یا برگزیده شان بخشم) پس شتاب مکن بر ایشان جز این نیست که بشمار میشماریم بر ایشان شماری روزیکه گردآوریم پرهیزکاران را بسوی خدای مهربان بهمانند و برانیم
الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وِرْدًا ﴿٨٦﴾ لَّا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمَٰنِ عَهْدًا ﴿٨٧﴾
گنهکاران را بسوی دوزخ تشنگانه دارای شفاعت نیستند جز آنکه برگرفت نزد خداوند مهربان پیمانی
وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَٰنُ وَلَدًا ﴿٨٨﴾ لَّقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا ﴿٨٩﴾ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ
و گفتند برگرفت خدا فرزندی همانا آوردید چیزی گران پایه نزدیک است آسمانها پاشیده شوند از آن
وَتَنشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا ﴿٩٠﴾ أَن دَعَوْا لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدًا ﴿٩١﴾ وَمَا يَنبَغِي لِلرَّحْمَٰنِ أَن يَتَّخِذَ وَلَدًا ﴿٩٢﴾
و از هم بشکافد زمین و بیفتند کوهها فرو ریخته هرا که خواندند برای خدای مهربان فرزندی بایست شایسته برای خداوند مهربان که گیرد فرزندی را

اِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمٰوٰاتِ وَالْاَرْضِ اِلَّآ اٰتِي الرَّحْمٰنِ عَبْدًا ﴿٩٣﴾ لَقَدْ اَحْصٰيهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا ﴿٩٤﴾ وَكُلُّهُمْ

نیست هرکدام از آنانکه در آسمانها و زمینند جز آینده است خداوند مهربانرا بنده همانا فراگرفتشان و بشمردشان شمردنی و همگیشان

اٰتِيهِ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فَرْدًا ﴿٩٥﴾ اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰالِحٰاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا ﴿٩٦﴾ فَاِنَّمَا

آینده اند او را روز قیامت تنها همانا آنانکه ایمان آوردند و عمل صالح کردند زود است بنهد برای ایشان خداوند مهربان دوستیرا جز این نیست

يَسَّرْنٰاهُ بِلِسٰانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنْذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا ﴿٩٧﴾ وَكَمْ اَهْلَكْنٰا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هَلْ

که روانش گردانیدیم بر زبان تو تا بشارت دهی بدان پرهیزکارانرا و بترسانی بدان قومی سرسخت را و بسا نابود کردیم پیش از ایشان قرنهائی آیا

تُحِسُّ مِنْهُمْ مِنْ اَحَدٍ

احساس میکنی از ایشان کسی را

سورة طه مائة وخمس وثلثون آية وهي نزلت بمكة

اَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا ﴿٩٨﴾

یا میشنوی برای ایشان آوازیرا

سورة ٢٠ — حروفها ٥٢٤٢ — كلماتها ١٣٤١

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

طٰهٰ ﴿١﴾ مَآ اَنْزَلْنٰا عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ لِتَشْقٰى ﴿٢﴾ اِلَّا تَذْكِرَةً لِمَنْ يَخْشٰى ﴿٣﴾ تَنْزِيلًا مِمَّنْ خَلَقَ الْاَرْضَ

نفرستادیم بر تو قرآن را تا رنج بری جز یادآوری برای آنکه میترسد فرستادنی از آنکه آفرید زمین

وَالسَّمٰوٰاتِ الْعُلٰى ﴿٤﴾ اَلرَّحْمٰنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوٰى ﴿٥﴾ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

و آسمانهای افراشته را خداوند مهربان بعرش پرداخت (یا بر عرش استیلا یافت) ویراست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و آنچه میان آنها

وَمَا تَحْتَ الثَّرٰى ﴿٦﴾ وَاِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَاِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَاَخْفٰى ﴿٧﴾ اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَآءُ

و آنچه زیر خاک است و اگر بلند گوئی سخن را همانا او میداند نهان و نهانتر را خدا نیست خدائی جز او ویراست نامهای

الْحُسْنٰى ﴿٨﴾ وَهَلْ اَتٰيكَ حَدِيثُ مُوسٰى ﴿٩﴾ اِذْ رَاٰ نَارًا فَقَالَ لِاَهْلِهِ امْكُثُوٓا اِنِّيٓ اٰنَسْتُ نَارًا لَعَلِّيٓ

نکو و آیا رسیده است بتو داستان موسی هنگامی که دید آتشی پس گفت بخاندان خویش درنگ کنید که من یافتم آتشی را شاید

اٰتِيكُمْ مِنْهَا بِقَبَسٍ اَوْ اَجِدُ عَلَى النَّارِ هُدًى ﴿١٠﴾ فَلَمَّآ اَتٰيهَا نُودِيَ يٰا مُوسٰى ﴿١١﴾ اِنِّيٓ اَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ

بیارم شما را از آن اخگری (گیرانه) یا بیابم بر آتش راهنمائی را پس هنگامی که بیامدش خوانده شد ای موسی همانا منم پروردگار تو پس در آور

نَعْلَيْكَ اِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ﴿١٢﴾ وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحٰى ﴿١٣﴾ اِنَّنِيٓ اَنَا اللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّآ

کفشهای خویش را که توئی بر دره مقدس طوی و منت برگزیدم پس گوش فرا ده بدانچه وحی شود همانا منم خدا نیست خداوندی جز

اَنَا فَاعْبُدْنِي وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِي ﴿١٤﴾ اِنَّ السَّاعَةَ اٰتِيَةٌ اَكَادُ اُخْفِيهَا لِتُجْزٰى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعٰى ﴿١٥﴾

من پس پرستش کن مرا و بپایدار نماز را برای یاد کردنم همانا ساعت است آینده خواهم نهان دارمش تا پاداش داده شود هر کسی بدانچه میکوشد

فَلَا يَصُدَّنَّكَ عَنْهَا مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوٰيهُ فَتَرْدٰى ﴿١٦﴾ وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يٰا مُوسٰى ﴿١٧﴾ قَالَ

پس باز ندارد ترا از آن آنکه ایمان نیارد بدان و پیروی کند هوس خویشرا تا نابود شوی و چیست این بدست راست تو ای موسی گفت

هِيَ عَصَايَ اَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا وَاَهُشُّ بِهَا عَلٰى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَاٰرِبُ اُخْرٰى ﴿١٨﴾ قَالَ اَلْقِهَا يٰا مُوسٰى ﴿١٩﴾

این است چو بدست من که بدان تکیه کنم و بریزم برگها را بدان بر گوسفندانم و مراست در آن حوائجی دیگر گفت بیفکنش ای موسی

فَاَلْقٰيهَا فَاِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعٰى ﴿٢٠﴾ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْاُولٰى ﴿٢١﴾ وَاضْمُمْ يَدَكَ

پس افکندش ناگهان آنست ماری شتابان گفت بگیرش و نترس زود است باز گردانیمش بشیوه نخستینش و بچسبان دست خود را

اِلٰى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوٓءٍ اٰيَةً اُخْرٰى ﴿٢٢﴾ لِنُرِيَكَ مِنْ اٰيَاتِنَا الْكُبْرٰى ﴿٢٣﴾

بپهلوی خود برون آید تابنده بی آزار آیتی دیگر تا بنمایانیمت از آیتهای ما بزرگها را

حزب (٣)

اِذْهَبْ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهٗ طَغٰى ﴿۲۴﴾ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِيْ صَدْرِيْ ﴿۲۵﴾ وَيَسِّرْ لِيْٓ اَمْرِيْ ﴿۲۶﴾ وَاحْلُلْ

برو بسوی فرعون که او سرکشی کرد گفت پروردگارا فراخ گردان برای من سینهٔ مرا و آسان کن برای من کار مرا و باز کن

عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِيْ ﴿۲۷﴾ يَفْقَهُوْا قَوْلِيْ ﴿۲۸﴾ وَاجْعَلْ لِّيْ وَزِيْرًا مِّنْ اَهْلِيْ ﴿۲۹﴾ هٰرُوْنَ اَخِيْ ﴿۳۰﴾ اُشْدُدْ

گرهی از زبانم تا دریابند گفتار مرا و قرار ده برای من وزیری از خاندانم هرون برادرم را استوار ساز

بِهٖٓ اَزْرِيْ ﴿۳۱﴾ وَاَشْرِكْهُ فِيْٓ اَمْرِيْ ﴿۳۲﴾ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيْرًا ﴿۳۳﴾ وَنَذْكُرَكَ كَثِيْرًا ﴿۳۴﴾ اِنَّكَ كُنْتَ بِنَا

بدو پشت مرا و شریکش گردان در کارم تا بستاییمت بسیار و یادت کنیم بسیار که همانا بودهٔ تو بما

بَصِيْرًا ﴿۳۵﴾ قَالَ قَدْ اُوْتِيْتَ سُؤْلَكَ يٰمُوْسٰى ﴿۳۶﴾ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ مَرَّةً اُخْرٰى ﴿۳۷﴾ اِذْ اَوْحَيْنَآ اِلٰٓى

بینا گفت همانا داده شدی خواست خود را ای موسی و همانا منت نهادیم بر تو باری دیگر هنگامیکه وحی کردیم بسوی

اُمِّكَ مَا يُوْحٰى ﴿۳۸﴾ اَنِ اقْذِفِيْهِ فِي التَّابُوْتِ فَاقْذِفِيْهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَاْخُذْهُ عَدُوٌّ

مادرت آنچه وحی میشود که بیفکنش در تابوت پس بیفکنش در دریا پس بیفکندش دریا بساحل تا گیردش دشمن

لِّيْ وَعَدُوٌّ لَّهٗ ؕ وَاَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّيْ ۚ وَلِتُصْنَعَ عَلٰى عَيْنِيْ ﴿۳۹﴾ اِذْ تَمْشِيْٓ اُخْتُكَ فَتَقُوْلُ هَلْ اَدُلُّكُمْ

من و دشمن او و افکندم بر تو مهری (دوستی) را از خویش و تا ساخته شوی برابر چشمم هنگامیکه میرفت خواهرت و میگفت آیا راهنمائی کنم

عَلٰى مَنْ يَّكْفُلُهٗ ؕ فَرَجَعْنٰكَ اِلٰٓى اُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ؕ وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنٰكَ مِنَ

شما را بر کسیکه پرستاریش کند پس باز گردانیدیمت بسوی مادرت تا روشن شود دیدهٔ او و اندوهگین نشود و بکشتی تنی را پس رها ساختیمت از

الْغَمِّ وَفَتَنّٰكَ فُتُوْنًا ۚ فَلَبِثْتَ سِنِيْنَ فِيْٓ اَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلٰى قَدَرٍ يٰمُوْسٰى ﴿۴۰﴾

اندوه و آزمودیمت آزمایشی پس ماندی سالیانی در مردم مدین سپس آمدی بر تقدیری ای موسی

وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِيْ ﴿۴۱﴾ اِذْهَبْ اَنْتَ وَاَخُوْكَ بِاٰيٰتِيْ وَلَا تَنِيَا فِيْ ذِكْرِيْ ﴿۴۲﴾ اِذْهَبَآ اِلٰى فِرْعَوْنَ

و برگزیدمت برای خویش برو تو و برادرت با آیتهایم و سستی نکنید در یادم بروید بسوی فرعون

اِنَّهٗ طَغٰى ﴿۴۳﴾ فَقُوْلَا لَهٗ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهٗ يَتَذَكَّرُ اَوْ يَخْشٰى ﴿۴۴﴾ قَالَا رَبَّنَآ اِنَّنَا نَخَافُ اَنْ يَّفْرُطَ عَلَيْنَآ

که سرکشی کرد پس بگوئید بدو گفتاری نرم شاید یادآور شود یا بترسد گفتند پروردگارا ترسیم که پیشدستی گیرد بر ما

اَوْ اَنْ يَّطْغٰى ﴿۴۵﴾ قَالَ لَا تَخَافَآ اِنَّنِيْ مَعَكُمَآ اَسْمَعُ وَاَرٰى ﴿۴۶﴾ فَاْتِيَاهُ فَقُوْلَآ اِنَّا رَسُوْلَا رَبِّكَ فَاَرْسِلْ

یا سرکشی کند گفت نترسید که منم با شما میشنوم و می بینم پس بیائید او را و بگوئید ما فرستادگان پروردگار توائیم پس بفرست

مَعَنَا بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ ؕ قَدْ جِئْنٰكَ بِاٰيَةٍ مِّنْ رَّبِّكَ ؕ وَالسَّلَامُ عَلٰى مَنِ اتَّبَعَ الْهُدٰى ﴿۴۷﴾

با ما بنی اسرائیل را و شکنجه نکن ایشان را همانا آوردیمت آیتی را از پروردگار تو و درود بر آنکه پیروی کند هدایت را

اِنَّا قَدْ اُوْحِيَ اِلَيْنَآ اَنَّ الْعَذَابَ عَلٰى مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ﴿۴۸﴾ قَالَ فَمَنْ رَّبُّكُمَا يٰمُوْسٰى ﴿۴۹﴾ قَالَ رَبُّنَا

همانا بما وحی شد که شکنجه بر آن است که تکذیب کند و روی برگرداند گفت کیست پروردگار شما ای موسی گفت پروردگار ما است

الَّذِيْٓ اَعْطٰى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهٗ ثُمَّ هَدٰى ﴿۵۰﴾ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُوْنِ الْاُوْلٰى ﴿۵۱﴾ قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّيْ

آنکه داد بهر چیزی آفرینش آنرا پس هدایت کرد گفت پس چیست حال قرنهای پیشین گفت علم آن نزد پروردگار من است

فِيْ كِتٰبٍ ۚ لَّا يَضِلُّ رَبِّيْ وَلَا يَنْسَى ﴿۵۲﴾ الَّذِيْ جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا وَّسَلَكَ لَكُمْ فِيْهَا سُبُلًا وَّاَنْزَلَ

در کتابی که نه گم کند پروردگار من و نه فراموش کند آنکه گردانید برای شما زمین را گسترده و بنهاد برای شما در آن راههائی و فرستاد

مِنَ السَّمَآءِ مَآءً ؕ فَاَخْرَجْنَا بِهٖٓ اَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتّٰى ﴿۵۳﴾ كُلُوْا وَارْعَوْا اَنْعَامَكُمْ ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِّاُولِي النُّهٰى ﴿۵۴﴾

از آسمان آبی پس برون آوردیم بدان جفتهائی از گیاهان گوناگون بخورید و بچرانید دامهای خود را که در آنست آیتهائی برای دارندگان خردها

۲۸ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِيْ در زبان موسی گفتنی بود که نیارستی سخن فصیح ادا کردن و در حروف او شبیه تمتمه همی بود و قولی است که سبب گرفتن زبان او آن شد که بهنگام کودکی روزی دست یازید و ریش فرعون گرفت و موی آن برکند فرعون خشمگین شد و آهنگ کشتن او کرد آسیه بنت مزاحم که زوجهٔ فرعون بود از اینکارش باز داشت که این جز کودکی نادان و غیر شاعر نیست و نشانی این آنست که فرمان ده تا ظرفی آکنده از گهرها و دیگری پر از اخگر بنزد او آورند چه او هرگز بین اخگر سوزان و گوهر درخشان فرق نخواهد گذاردن و چون چنین کردند و آن دو ظرف بیاوردند موسی خواست تا دست بسوی جواهر برد لیکن فرشتهٔ خداوند دستش فرا سوی اخگر سوزان برد تا آنرا برگرفت و بدهان فرو کرد و فرعون آرامش گرفت و از آنگاه باز سوختگی بر زبان موسی مانده بود و تلفظ درست نمیتوانست سُؤْلَكَ از امام ابی عبدالله صادق علیه السلام است از پدران خویش از جدش امیرالمؤمنین که گفت كُنْ لِمَا لَا تَرْجُوْ اَرْجٰى مِنْكَ لِمَا تَرْجُوْ یعنی بدانچه امیدش نداری بیشتر امیدوار باش

مِنْهَا خَلَقْنٰكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرٰى ﴿۵۵﴾ وَلَقَدْ أَرَيْنٰهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ

از آن آفریدیتان و در آن برگردانیدتان و از آن برونتان آوریم بار دیگر و همانا نمایانیدیم آیتهای خویش را همگی پس دروغ گرفت

وَأَبٰى ﴿۵۶﴾ قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يٰمُوسٰى ﴿۵۷﴾ فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِثْلِهِ فَاجْعَلْ

و سر پیچید گفت آیا ما را آمدی تا بیرون کنی ما را از زمین ما بجادوی خود ای موسی همانا ما بیاریم بجادوئی مانند آن پس بگمار

بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا نُخْلِفُهُ نَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سُوًى ﴿۵۸﴾ قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمُ الزِّينَةِ وَأَنْ

میان ما و تو وعده گاهی که تخلف نکنیم ازان ما و نه تو جایگاهی درست را گفت وعده گاه شما روز آرایش است و آنکه

يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحًى ﴿۵۹﴾ فَتَوَلّٰى فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتٰى ﴿۶۰﴾ قَالَ لَهُمْ مُوسٰى وَيْلَكُمْ لَا تَفْتَرُوا عَلَى

گرد آورده شوند مردم چاشتگاه پس برگشت فرعون پس گرد آورد نیرنگ خویش را پس بیامد گفت موسی وای بر شما بمبندید بر

اللّٰهِ كَذِبًا فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرٰى ﴿۶۱﴾ فَتَنَازَعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ وَأَسَرُّوا

خدا دروغی که کرناپودتان سازد بعذابی و همانا زیانمند شد آنکه دروغ بست پس بستیزه کردند کارشان را میان خود و نهان داشتند

النَّجْوٰى ﴿۶۲﴾ قَالُوا إِنْ هٰذٰنِ لَسٰحِرٰنِ يُرِيدٰنِ أَنْ يُخْرِجٰكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ

رازرا گفتند همانا اینان دو جادو گرند خواهند برون کنند شما را از زمین خود بجادوئیشان و ببرانند روش

الْمُثْلٰى ﴿۶۳﴾ فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ ائْتُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ اسْتَعْلٰى ﴿۶۴﴾ قَالُوا يٰمُوسٰى إِمَّا أَنْ

بهتر شما را پس گرد آرید بنرنگ خویش را و بیائید صف همرست رستگار گردد امروز آنکه برتری جست گفتند ای موسی یا

تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقٰى ﴿۶۵﴾ قَالَ بَلْ أَلْقُوا فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ

بیفکنی و یا باشیم نخستین کس که بیفکند گفت بلکه بیفکنید که ناگهان رسنها و عصاهای ایشان بگمان برآمد موسی از جادوی ایشان

أَنَّهَا تَسْعٰى ﴿۶۶﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسٰى ﴿۶۷﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلٰى ﴿۶۸﴾ وَأَلْقِ مَا فِي

که میدوند پس احساس کرد در خود ترسی را موسی گفتیم ترس همانا تو بر تری و بیفکن آنچه

يَمِينِكَ تَلْقَفْ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سٰحِرٍ وَلَا يُفْلِحُ السّٰحِرُ حَيْثُ أَتٰى ﴿۶۹﴾ فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سُجَّدًا

بدست راست تو فرو برد آنچه ساخته اند جز این نیست که آنچه ساخته اند فسون جادوگر است و جادوگر رستگار نشود هر جا آید پس بیفکندند جادوگران سجده کنان

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ هٰرُونَ وَمُوسٰى ﴿۷۰﴾ قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ

گفتند ایمان آوردیم بپروردگار هرون و موسی گفت آیا ایمان بوی آوردید پیش از آنکه بشما رخصت دهم همانا او است مهتر شما که بیاموخت

السِّحْرَ فَلَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا

جادو را همانا ببرم دستها و پایهای شما را از برابر و همانا بدارمان کشم بر شاخهای درخت خرما و بدانسته خواهید گرد

أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقٰى ﴿۷۱﴾ قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلٰى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنٰتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا

از ما سخت ترند در عذاب و پاینده تر گفتند هرگز نگزینیم ترا بر آنچه بیامد ما را از روشنائیها سوگند بدانکه ما را آفرید پس بفرمای آنچه را

أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هٰذِهِ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ﴿۷۲﴾ إِنَّا آمَنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا

بفرمائی جز این نیست که بفرمانی این زندگانی دنیا را همانا ما بایمان آوردیم بپروردگار خویش تا بیامرزد برای ما لغزشهای ما را و آنچه تو ما را درکردی ما را

عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللّٰهُ خَيْرٌ وَأَبْقٰى ﴿۷۳﴾ إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا

بر آن از جادو و خدا بهتر است و پاینده تر همانا آنکه بیاید بپروردگار خویش گنهکار همانا او راست دوزخ نه بمیرد در آن

وَلَا يَحْيٰى ﴿۷۴﴾ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصّٰلِحٰتِ فَأُولٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلٰى ﴿۷۵﴾

و نه زنده ماند و آنکه بیاید بخویش مؤمن که کرده باشد کارهای شایسته را پس آنانراست پایه‌ای برتر

جَنّٰتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَا ۚ وَذٰلِكَ جَزٰٓؤُا مَنْ تَزَكّٰى ﴿٧٦﴾ وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا

همیشه‌ای جاودان که روان است زیر آنها جویها جاودانند در آن و این بهشت پاداش آنکه پاکی جست و همانا وحی فرستادیم

إِلٰى مُوسٰٓى أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخٰفُ دَرَكًا وَلَا تَخْشٰى ﴿٧٧﴾

بموسی که شبانه ببر بندگان مرا پس بگیر برای ایشان راهی را در دریا خشک ترسی باز نافتن را و نه هراسان شدن

فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ ﴿٧٨﴾ وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدٰى

پس پی آمدشان فرعون با سپاهیان خود پس فراگرفت ایشان را از دریا آنچه فراگرفت و گمراه کرد فرعون قوم خویش را و راهبری نکرد

﴿٧٩﴾ يٰبَنِي إِسْرٰٓئِيلَ قَدْ أَنْجَيْنٰكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوٰعَدْنٰكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ

ای بنی اسرائیل همانا رهانیدیم شما را از دشمنان و وعده نهادیم با شما کنار راست طور را و فرستادیم بر شما

الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى ﴿٨٠﴾ كُلُوا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ

من و سلوی را بخورید از پاکیزه‌های آنچه روزیان دادیم و سرکشی نکنید در آن تا فرود آید بر شما خشم من و آنکه فرود آید

عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوٰى ﴿٨١﴾ وَإِنِّي لَغَفّٰارٌ لِمَنْ تٰابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صٰالِحًا ثُمَّ اهْتَدٰى ﴿٨٢﴾ وَمٰا

بر او خشم من همانا تباه گشت و همانا منم بسیار آمرزنده آنکه باز گشت نمود و ایمان آورد و کردار شایسته کرد پس راه یافت و نه شتابانی

أَعْجَلَكَ عَنْ قَوْمِكَ يٰمُوسٰى ﴿٨٣﴾ قَالَ هُمْ أُولَآءِ عَلٰٓى أَثَرِي وَعَجِلْتُ إِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضٰى ﴿٨٤﴾ قَالَ

(چه چیز ترا بشتاب آورد) از قوم خویش ای موسی گفت اینک ایشانند بشت سرم و شتافتم بسوی تو پروردگارا تا راضی شوی گفت

فَإِنَّا قَدْ فَتَنّٰا قَوْمَكَ مِنْ بَعْدِكَ وَأَضَلَّهُمُ السّٰامِرِيُّ ﴿٨٥﴾ فَرَجَعَ مُوسٰٓى إِلٰى قَوْمِهِ غَضْبٰنَ أَسِفًا ۚ قَالَ

همانا آزمودیم قوم ترا پس از تو و گمراهشان ساخت سامری پس باز گشت موسی بسوی قوم خود خشمگین افسوس خوران گفت

يٰقَوْمِ أَلَمْ يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعْدًا حَسَنًا ۚ أَفَطَالَ عَلَيْكُمُ الْعَهْدُ أَمْ أَرَدْتُمْ أَنْ يَحِلَّ عَلَيْكُمْ

ای قوم من آیا نوید نداد شما را پروردگار شما نویدی خوش آیا دراز کشید بر شما روزگار (مدت) یا خواستید فرود آید بر شما

غَضَبٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَخْلَفْتُمْ مَوْعِدِي ﴿٨٦﴾ قَالُوا مَا أَخْلَفْنَا مَوْعِدَكَ بِمَلْكِنَا وَلٰكِنَّا حُمِّلْنَا

خشمی از پروردگار شما که خلف کردید وعده گاه مرا گفتند خلف نکردیم وعده ترا به تیرگی خود ولیکن بار شدیم

أَوْزَارًا مِنْ زِينَةِ الْقَوْمِ فَقَذَفْنٰاهٰا فَكَذٰلِكَ أَلْقَى السّٰامِرِيُّ ﴿٨٧﴾ فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ

بارهائی را از زیور قوم پس افکندیم آنها را و بدینگونه افکند سامری پس برون آورد برای ایشان گوساله پیکری که از او

خُوٰارٌ فَقَالُوا هٰذَا إِلٰهُكُمْ وَإِلٰهُ مُوسٰى فَنَسِيَ ﴿٨٨﴾ أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ

بانگی گفتند این است خدای شما و خدای موسی پس فراموش کرد آیا نه بینند که برنگردانده بدیشان سخنی را و نه دارا است

لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا ﴿٨٩﴾ وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هٰرُونُ مِنْ قَبْلُ يٰقَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ ۖ وَإِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمٰنُ

برای ایشان زیان و نه سودی و همانا گفت بدیشان هرون پیش ازین ای قوم من جز این نیست که آزموده شدید بدان و همانا پروردگار شما خدای مهربان است

فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي ﴿٩٠﴾ قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عٰكِفِينَ حَتّٰى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسٰى ﴿٩١﴾ قَالَ يٰهٰرُونُ

پس پیروی کنید و فرمان برید امر مرا گفتند همیشه پیرامون آن بتها نخواهیم بازگردید بسوی ما موسی گفت ای هرون

مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا ﴿٩٢﴾ أَلَّا تَتَّبِعَنِ ۖ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ﴿٩٣﴾ قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي

چه باز داشت ترا هنگامی که دیدی ایشان گمراه شدند که پیروی نکردی آیا عصیان ورزیدی امر مرا گفت ای فرزند مادرم نگیر ریش

وَلَا بِرَأْسِي ۖ إِنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرٰٓئِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي ﴿٩٤﴾

و نه سر مرا همانا ترسیدم که گوئی جدائی افکندی میان بنی اسرائیل و چشم براه نماندی سخن مرا

سورة طٰهٰ مکیة
سورهٔ طه مکی است

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ ﴿٩٥﴾ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ

گفت پس چیست کار تو ای سامری گفت دیدم آنچه را ندیدندش پس برگرفتم مشتی از جای پای فرستاده را

فَنَبَذْتُهَا وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي ﴿٩٦﴾ قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَوٰةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ

پس افکندمش و بدینسان آراست برای من دلم گفت برو که تراست در زندگی آنکه گوئی نیست سودنی (دست بمن سوده نگردد)

وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تُخْلَفَهُ ۖ وَانْظُرْ إِلَىٰ إِلَٰهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا ۖ لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ

و همانا ترا وعده گاهی است که خلف کرده نشوی و بنگر بسوی خدایت آنکه پیوسته بر آن معتکفی که بسوزانیمش البته و سپس

لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ﴿٩٧﴾ إِنَّمَا إِلَٰهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿٩٨﴾ كَذَٰلِكَ نَقُصُّ

بپراکنیمش در دریا پراکندنی جز این نیست که خدای شما خداوندی است که نیست خدائی جز او فراگرفت همه چیز را بدانش بدینسان خوانیم

عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۖ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا ﴿٩٩﴾ مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ

بر تو از داستانهای آنچه بگذشت و همانا آوردیم ترا از نزد خویش یادآوری را آنکه روی برگرداند از آن همانا بردارد روز

الْقِيَامَةِ وِزْرًا ﴿١٠٠﴾ خَالِدِينَ فِيهِ ۖ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ﴿١٠١﴾ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ

قیامت گناهی را جاودانند در آن و بدلست ایشان را روز قیامت باری روزیکه دمیده شود در صور و گرد آریم گنهکاران را

يَوْمَئِذٍ زُرْقًا ﴿١٠٢﴾ يَتَخَافَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَّبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا ﴿١٠٣﴾ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ

در آن روز سبز چشمان (کور) آهسته گویند میان خود نماندید مگر ده روز ما داناتریم بدانچه گویند گاهیکه گوید

أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَّبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا ﴿١٠٤﴾ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا ﴿١٠٥﴾

بهترین ایشان در روش نماندید مگر یکروز بپرسندت از کوهها بگو بپراکندشان (برافشاندشان) پروردگار من پراکندنی (افشاندنی)

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا ﴿١٠٦﴾ لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا ﴿١٠٧﴾ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ

پس میگذارد آنها را زمینی هموار که نه بینی در آن کجی و نه بلندی را در آن روز پیروی کنند دعوت کننده را نیست کجی

لَهُ ۖ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَٰنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا ﴿١٠٨﴾ يَوْمَئِذٍ لَّا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ

برایش و پست شد آوازها برای خداوند مهربان پس نشنوی جز آهسته را در آن روز سود ندهد شفاعت مگر آنرا که اذن دادش

الرَّحْمَٰنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا ﴿١٠٩﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ﴿١١٠﴾ وَعَنَتِ الْوُجُوهُ

خدای مهربان و خوشنود شد برایش گفتار را میداند آنچه را پیش روی ایشان و آنچه پشت سر ایشانست و فرانگیرندش بدانش و خوار شدند چهره ها

لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۖ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا ﴿١١١﴾ وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا

برای خدای زنده پاینده و همانا زیانکار شد آنکه برداشت ستمی را و آنکه بکند از شایسته ها حالیکه مؤمن باشد پس نترسد ستمی را و نه

هَضْمًا ﴿١١٢﴾ وَكَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ

پایمال شدن را و بدینسان فرستادیمش قرآنی عربی و گردانیدیم در آن از تهدید شاید پرهیزکاری کنند یا پدید آرد برای ایشان

ذِكْرًا ﴿١١٣﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ ۖ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ ۖ وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي

یادآوری را پس برتر است خدا پادشاه حق و نشتاب بقرآن پیش از آنکه گذرانده شود بسوی تو وحیش و بگو پروردگارا بیفزای مرا

عِلْمًا ﴿١١٤﴾ وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْمًا ﴿١١٥﴾ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا

دانش و همانا پیمان بستیم با آدم (سپردیم بآدم) پیش از این پس فراموش کرد و نیافتیم برای او عزمی را و هنگامیکه گفتیم بفرشتگان سجده کنید برای آدم پس سجده کردند

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ ﴿١١٦﴾ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوٌّ لَّكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ ﴿١١٧﴾

جز ابلیس که سر پیچید پس گفتیم ای آدم همانا این است دشمنی برای تو و همسرت هان تا برون نکند شما را از بهشت که تیره بخت شوی

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ ﴿١١٨﴾ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَؤُا فِيهَا وَلَا تَضْحَىٰ ﴿١١٩﴾ فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ

همانا تراست که نه گرسنه شوی در آن و نه برهنه گردی و آنکه نه تشنه شوی در آن و نه در آفتاب مانی پس بر او افکندش شیطان

قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَا يَبْلَىٰ ﴿١٢٠﴾ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا

گفت ای آدم آیا راهبریت کنم بر درخت جاودانی و پادشاهی که کهنه نگردد پس خوردند از آن پس نمودار شد برای ایشان عورتهای ایشان

وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ﴿١٢١﴾ ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ

و آغاز کردند گرد آوردند بر خود از برگهای بهشت و نافرمانی کرد آدم پروردگار خویش را پس زیانکار شد سپس برگزید او را پروردگارش پس بازگشت

عَلَيْهِ وَهَدَىٰ ﴿١٢٢﴾ قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى

بر او و هدایت کرد گفت فرود شوید از آن همگی گروهی از شما گروهی را دشمن تا گاهی که بیاید شما را از من رهبری

فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ ﴿١٢٣﴾ وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا

پس آنکه پیروی کند [illegible] نه گمراه شود و نه رنج برد (یا بدبخت شود) و آنکه روی گرداند از یاد من همانا او راست زندگانی سخت

وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ ﴿١٢٤﴾ قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ﴿١٢٥﴾ قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتْكَ

و برون آریمش روز قیامت کور گوید پروردگارا چرا مرا برون آوردی کور حالیکه بودم بینا گفت چنین آمدت

آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ ﴿١٢٦﴾ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ وَلَعَذَابُ

آیتهای ما پس فراموش کردی آنها را و بدینگونه امروز فراموش شوی و چنین پاداش دهیم آنرا که اسراف کند و ایمان نیارد بآیتهای پروردگار خود و همانا عذاب

الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَىٰ ﴿١٢٧﴾ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي

آخرت سخت تر است و پایدارتر آیا هدایت نشد برای ایشان (یا آیا هدایت نکردشان) آنکه بسا نابود کردیم پیش از ایشان از قرنهائی که میروند در

مَسَاكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَىٰ ﴿١٢٨﴾ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ

نشیمنهای ایشان همانا در این است آیتهائی برای دارندگان خرد و اگر نبود سخنی که پیش گرفت از پروردگار تو و سرآمدی نامبرده همانا میگردید

مُسَمًّى ﴿١٢٩﴾ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ

لازم پس شکیبا شو بر آنچه گویند و تسبیح کن بستایش پروردگار خویش پیش از برآمدن خورشید و پیش از فرو رفتن آن و از

آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ﴿١٣٠﴾ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ

گاههای شب پس تسبیح کن و کنارهای روز شاید خوشنود شوی (یا خوشنود کنی) و نگشای دیدگان خود را بدانچه کامیابی دادیم بدان

أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ﴿١٣١﴾ وَأْمُرْ أَهْلَكَ

مردان و زنانی را از ایشان شکوفه زندگانی دنیا تا بیازمائیشان در آن و روزی پروردگار تو بهتر است و پاینده تر و امر کن خاندان خویش را

بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ ﴿١٣٢﴾ وَقَالُوا لَوْلَا

بنماز و شکیبائی گزین بر آن نخواهیم از تو روزی را ما روزی دهیمت و فرجام است از آن پرهیزکاری و گفتند چرا

يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةُ مَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ﴿١٣٣﴾ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ

نیارد ما را آیتی از پروردگار خویش آیا نیامدشان نشانی گواه آنچه در نامه های پیشین است و اگر نابودشان میساختیم

بِعَذَابٍ مِنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ

بشکنجه پیش از آن همانا میگفتند پروردگارا چرا نفرستادی بسوی ما پیمبری تا پیروی کنیم آیتهای ترا پیش از آنکه خوار شویم

وَنَخْزَىٰ ﴿١٣٤﴾ قُلْ كُلٌّ مُتَرَبِّصٌ فَتَرَبَّصُوا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحَابُ الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ ﴿١٣٥﴾

و رسوا گردیم بگو همگی چشم براهند پس چشم براه باشید زود است بدانید کیستند صاحبان راه راست و کیست آنکه هدایت یافت

وعصى آدم ربه ۱۲۱ جمهور مفسران عصیان را از امر ندبی دانستند و آنرا اعم از مخالفت امر وجوبی گرفتند و غوی را نیز بمعنی خبیث و خسران گرفتند معیشة ضنکا ۱۲۴ معیشت ضنک را بعضی بعذاب قبر تفسیر نمودند و بعضی گفتند آن عبارت است از سختی و خویش گرفتن که انفاق کند بمانند انفاق کسیکه یقین بخلف ندارد یعنی بدانکه خدای ویرا عوض خواهد داد اعمی ۱۲۴ از معاویة بن عمار است که امام ابی عبدالله صادق ع را پرسیدم درباره مردی که توانگر است و حج نمیگذارد گفت همانا از آنان است که خدای فرماید ونحشره یوم القیمة اعمی ۱۲۴ من از راه شگفتی پرسیدم سبحان الله، کور گفت خدایش از راه حق کور کرد ولا تمدن عینیک ۱۳۱ از امام ابی عبدالله صادق علیه السلام است که چون این آیت فرود آمد پیمبر ص راست برنشست و لب بسخن برگشود و چنین فرمود آنکس که با تسلیت خدای تسلی نیابد جانش بدریغ و فسوس بر دنیا پاره پاره شود و آنکس که چشم بدانچه بدست مردمان است دارد اندوهش بدراز کشد و خشمش فرو ننشیند و آنکس

سورة الأنبياء مكية وآياتها مائة واثنتا عشرة آية

سورة ٢١ — حروفها ٣٨٩٠ — كلماتها ١١٦٨

الجزء ١٧

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ ① مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ ذِكْرٍ مِنْ رَبِّهِمْ مُحْدَثٍ إِلَّا

نزديك شد براى مردم حساب ايشان وايشانند در غفلتى روگردانان ياد آورده نشد ازپروردگار ايشان نوين مگر

اسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ ② لَاهِيَةً قُلُوبُهُمْ وَأَسَرُّوا النَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَٰذَا إِلَّا

بشنوند مرآن را وايشانند بازى كنان سرگرم دلهاى ايشان ونهان كردند رازگويان آنانكه ستم كردند آيا اين

بَشَرٌ مِثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السِّحْرَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ③ قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

بشرى مانند شماست پس آيا مى آييد بجادو وشما مى بينيد گفت پروردگار من ميداند سخن در آسمان و در زمين

وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ④ بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ

و او شنواى داناست بلكه گفتند خوابهاى پريشان بلكه دروغ آورده است بلكه او شاعرى پس بيارد ما را آيتى چنانكه فرستاده شدند

الْأَوَّلُونَ ⑤ مَا آمَنَتْ قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ ⑥ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ

پيشينيان ايمان نياوردند پيش از ايشان شهرى كه نابود كرديم آنرا پس ايشان ايمان مى آورند ونفرستاديم پيش از تو

إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ⑦ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا

مگر مردانى كه وحى ميكرديم بسوى آنان پس بپرسيد اهل كتاب را اگر نميدانيد ونگردانيديم ايشان را

لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ ⑧ ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَشَاءُ

خورنده خوراك را ونبودند جاودانان پس راست آورديم ايشان را وعده را پس رهانيديم ايشان را وهركه خواستيم

وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ ⑨ لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ⑩ وَكَمْ

و هلاك كرديم اسرافكنندگان را وما فرستاديم بسوى شما نامه كه در آنست يادآورى شما پس آيا نميانديشيد وچند

قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ ⑪ فَلَمَّا أَحَسُّوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ

درهم شكستيم شهرى را كه بود ستمگر ونديديم آورديم پس از آن قومى ديگر را هنگاميكه احساس كردند عذاب ما را ناگاه

مِنْهَا يَرْكُضُونَ ⑫ لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسَاكِنِكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْئَلُونَ ⑬

از آن ميدويدند مدويد وبازگرديد بسوى آنچه خوشگذرانيد درو وخانهاى خويش شايد بپرسش شويد

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ⑭ فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَامِدِينَ ⑮ وَمَا

گفتند اى واى بر ما بدرستيكه ما بوديم ستمگران پس بود همين سخن ايشان تا كرديم ايشان را درو بدگانى خموش و

خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ⑯ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهْوًا لَاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا

نيافريديم آسمان وزمين وآنچه ميان آنهاست بازى كنان اگر بخواستيم بگيريم سرگرمى هر آينه بگيريمش از نزديكى

إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ ⑰ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَلَكُمُ الْوَيْلُ مِمَّا

اگر بوديم كنندگان بلكه مى افكنيم حق را بر باطل تا بشكند آنرا پس ناگاه او نابود شونده است وواى شما را از آنچه

تَصِفُونَ ⑱ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ

بيان ميكنيد و او راست آنكه در آسمانها وزمين است و آنانكه نزد او ند سر نميپيچند از پرستش او و خسته نشوند

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ﴿٢٠﴾ أَمِ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ ﴿٢١﴾ لَوْ كَانَ

تسبیح میکنند شب و روز و سستی نمیکنند یا برگرفتند خدایانی از زمین که ایشان زنده کنند اگر میبود

فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٢٢﴾ لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ

در آنها خدایانی جز خدا هر آینه فاسد میشدند پس منزه است خدا پروردگار عرش از آنچه میستایند پرسش نشود از آنچه کند

وَهُمْ يُسْأَلُونَ ﴿٢٣﴾ أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَٰذَا ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ

و ایشان پرسش شوند یا برگرفتند جزوی خدایانی بگو بیارید برهان خود را اینست یادآوری آنانکه با منند و یادآوری آنانکه

قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٢٤﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا

پیش از منند بلکه بیشترشان نمیدانند حق را پس ایشانند روی گردانان و نفرستادیم پیش از تو پیمبری مگر

نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ﴿٢٥﴾ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَٰنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ

وحی کردیم بدو که نیست خدائی جز من پس مرا پرستش کنید و گفتند برگرفت خداوند مهربان فرزندی منزه است او بلکه بندگانند

مُكْرَمُونَ ﴿٢٦﴾ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ

گرامی پیشی نگیرند براو بگفتار و ایشانند بفرمان او کارکنندگان میداند آنچه پیشروی ایشان و آنچه پشت سر ایشانست

وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَىٰ وَهُمْ مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ﴿٢٨﴾ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَٰهٌ

و شفاعت نکنند جز برای هرکه خواهد و ایشانند از بیم او هراسان و آنکه بگوید از ایشان منم خدائی

مِّنْ دُونِهِ فَذَٰلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ﴿٢٩﴾ أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ

جز او پس آنرا پاداش دهیم دوزخ بدینگونه کیفر دهیم ستمکارانرا آیا ندیدند آنانکه کفر ورزیدند که

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ

آسمانها و زمین بسته بودند پس شکافتیم آنهارا و گردانیدیم از آب هر چیزرا زنده پس آیا ایمان نمیآورند

﴿٣٠﴾ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

و نهادیم در زمین لنگرهائی بنادا کج شود بدیشان و نهادیم در آن شکافها و راههائی شاید رهبری شوند

﴿٣١﴾ وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ﴿٣٢﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ

و گردانیدیم آسمانرا پوششی نگاهداشته و ایشانند از آیتهای او روگردانان و اوست آنکه آفرید شب

وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿٣٣﴾ وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِّنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ

و روز و مهر و ماهرا هرکدامند در گردونه شناوری کنان و ننهادیم برای بشری پیش از تو جاودانیرا

أَفَإِنْ مِّتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ ﴿٣٤﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً

پس آیا اگر بمیری تو ایشانند جاودانان همه کس چشنده مرگ است و میآزمائیم شمارا ببدی و خوبی آزمودنی

وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ﴿٣٥﴾ وَإِذَا رَآكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهَٰذَا الَّذِي يَذْكُرُ

و بسوی ما بازگردانیده شوید و هرگاه بینندت آنانکه کفر ورزیدند نگیرندت جز باستهزاء آیا این است آنکه یاد میکند

آلِهَتَكُمْ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَٰنِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٣٦﴾ خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ

خدایان شمارا و آنانند بیاد خداوند مهربان کافران آفریده شد انسان از شتاب زود است بنمایانمتان

آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ﴿٣٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٨﴾

آیتهای خویشرا پس شتاب نکنید و گویند کی (چه هنگام) است این وعده اگر هستید راستگویان

لفسدتا ۲۲ این آیت اشارتست ببرهان مانع که متکلمین آنرا شالوده مبحث توحید دانند و تقریرش آنکه اگر بفرض با خدا خدائی دیگر باشد لازم افتد که هر دو قدیمین باشند و اگر هر دو قدیمین باشند لازم شود که هر دو متماثلین باشند چه هر دو در قدم شریک بودند و مقتضای اشتراک هر دو در قدم آنست که هر دو قادرین عالمین حیین مدرکین باشند و از شان قدرت است امکان اراده یکیشان ضد آنچه دیگری اراده کند از اماته و احیاء یا جنبانیدن و آرام ساختن یا درویش و توانگر کردن و غیر ذلک پس یا باید مراد هر دو حاصل گردد و آن اجتماع ضدین و محال است و یا مراد هیچکدام حاصل نشود و آن خلف است چه فرض قدرت هر دو شد و یا مراد یکی بدون دیگری پس قادر اوست نه بیمراد و اما فرض ایجاد مراد هر دو شکست سخن ما نیارد چرا که بحث ما در صحت تمانع است نه در وقوع آن چنانکه خود هویداست ففتقناهما از امامین ابی جعفر و ابی عبدالله صادقین علیهما السلام مرویست که آسمانها رتق بود یعنی باران نمیبارید و همچنین زمین نیز رتق بود یعنی گیاه نمیرویانید پس آسمان را بباران و زمین را برستنی فتق ساخته و بشکافت

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكُفُّونَ عَنْ وُجُوهِهِمُ النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ
اگر میدانستند آنانکه کفر ورزیدند گاهی را که باز ندارند از چهره‌های خویش آتش را و نه از پشتشان و نه ایشان
يُنْصَرُونَ ﴿٣٩﴾ بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿٤٠﴾
یاری میشوند بلکه میآید شان ناگهان پس سراسیمه سازد شان که نتوانند باز گردانیدنش را و نه مهلت داده شوند
وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿٤١﴾
وهانا استهزا شد بپیغمبرانی پیش از تو پس فرود آمد جانان که مسخره کردند از ایشان آنچه بودند بدان استهزا کنان
قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَٰنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ ﴿٤٢﴾
بگو کیست نگهدارد شمارا شب و روز از خداوند مهربان بلکه ایشانند از یاد پروردگار خویش روگردانان
أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِنْ دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِنَّا يُصْحَبُونَ ﴿٤٣﴾
یا ایشانراست خداهائی که باز دارند از ایشان جز ما نتوانند یاری کردن خویش را و نه ازما همراهی شوند
بَلْ مَتَّعْنَا هَٰؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا
بلکه کامیابی دادیم برایشان و پدرانشان تا دراز شد برایشان روزگار (عمر) آیا نمی بینند که میآئیم زمین را میکاهیم
مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾ قُلْ إِنَّمَا أُنْذِرُكُمْ بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا
از کنارهایش پس آیا ایشانند چیره شدگان بگو جز این نیست که میترسانم شما را بوحی و نمیشنوند کنگان بانگ را گاهیکه
مَا يُنْذَرُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَئِنْ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا
بیم داده شوند و اگر رسد شان دمی از عذاب پروردگارتو هرآینه گویند وای برما که ما بودیم
ظَالِمِينَ ﴿٤٦﴾ وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ
ستمگران و مینهیم ترازوهای دادرا برای روز قیامت پس ستم نشود کسی چیزی را و اگر باشد سنگینی
حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ ﴿٤٧﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ
دانهٔ خردلی بیاریمش و بس باشیم ما حسابگران وهانا دادیم بموسی وهرون جداکننده را
وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِلْمُتَّقِينَ ﴿٤٨﴾ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ
روشنائی و یاد آوری برای پرهیزکاران آنانکه بترسند پروردگارخویش بنهان وایشانند از قیامت هراسان
﴿٤٩﴾ وَهَٰذَا ذِكْرٌ مُبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ ﴿٥٠﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ
واینست یاد آوری فرخنده فرستادیمش آیا شما اینید آنرا ناشناسان وهانا دادیم بابراهیم
رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ ﴿٥١﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَٰذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي
رهبریش را از پیش و بودیم بدان دانایان هنگامیکه گفت بپدر خود و قوم خود چیست این پیکرهائی که
أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ﴿٥٢﴾ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ ﴿٥٣﴾ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ
شما بدید بر آنها گردآمدگان گفتند یافتیم پدران خویش آنهارا پرستش کنندگان گفت هانا بودوايد شما
وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٥٤﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ ﴿٥٥﴾ قَالَ
وپدرانتان در گمراهی آشکار گفتند آیا آوردهای مارا بحق یا توئی از بازی کنندگان گفت
بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٥٦﴾
بلکه پروردگار شما پروردگار آسمانها وزمین آنکه پدید آورد آنهارا ومنم بر این از گواهان

وَتَاللّٰهِ لَاَكِيدَنَّ اَصْنَامَكُمْ بَعْدَ اَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ ﴿۵۷﴾ فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا اِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ

و سوگند بخدا هر آینه بیاندیشم برای بتان شما پس از آنکه بروید پشت کنندگان پس گردانیدشان پاره هائی مگر بزرگی برای ایشان شاید

اِلَيْهِ يَرْجِعُونَ ﴿۵۸﴾ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هٰذَا بِاٰلِهَتِنَا اِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ﴿۵۹﴾ قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ

بسوی او باز گردند گفتند آنکه کرده است اینرا بخدایان ما همانا اوست از ستمگران گفتند شنیدیم جوانی یادشان میکرد

يُقَالُ لَهُ اِبْرٰهِيمُ ﴿۶۰﴾ قَالُوا فَأْتُوا بِهِ عَلٰى اَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ﴿۶۱﴾ قَالُوا ءَاَنْتَ

که گفته میشد بدو ابراهیم گفتند بیاریدش پیش چشم مردم شاید گواه باشند گفتند آیا تو

فَعَلْتَ هٰذَا بِاٰلِهَتِنَا يَا اِبْرٰهِيمُ ﴿۶۲﴾ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هٰذَا فَسْئَلُوهُمْ اِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ ﴿۶۳﴾

کردی این را بخدایان ما ای ابراهیم گفت بلکه کرد آنرا بزرگ ایشان این پس بپرسیدشان اگر هستند سخن گویان

فَرَجَعُوا اِلٰى اَنْفُسِهِمْ فَقَالُوا اِنَّكُمْ اَنْتُمُ الظَّالِمُونَ ﴿۶۴﴾ ثُمَّ نُكِسُوا عَلٰى رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا

پس بازگشتند بخود و گفتند همانا شمائید ستمگران پس سرافکنده آمدند که تو دانستی

هٰؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ ﴿۶۵﴾ قَالَ اَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ ﴿۶۶﴾

اینان سخن نگویند گفت آیا میپرستید جز خدا آنچه را سود ندهد بشما چیزی را و نه زیان رساند

اُفٍّ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ اَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۶۷﴾ قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانْصُرُوا اٰلِهَتَكُمْ

اُف بر شما و بر آنچه میپرستید جز خدا پس آیا بخرد نمیآیید گفتند سخت بسوزانیدش و یاری کنید خدایان خویشرا

اِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ ﴿۶۸﴾ قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلٰى اِبْرٰهِيمَ ﴿۶۹﴾ وَاَرَادُوا بِهِ كَيْدًا

اگر هستید کنندگان گفتیم ای آتش باش سرد و سلامت بر ابراهیم و خواستند بدو نیرنگی را

فَجَعَلْنَاهُمُ الْاَخْسَرِينَ ﴿۷۰﴾ وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا اِلَى الْاَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ ﴿۷۱﴾

پس گردانیدیم ایشانرا زیانکارتران و رهانیدیم او و لوط را بسوی سرزمینی که برکت نهادیم در آن برای جهانیان

وَوَهَبْنَا لَهُ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ ﴿۷۲﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ اَئِمَّةً يَهْدُونَ

و بخشیدیم بدو اسحق و یعقوب را فزونی و هر یک را گردانیدیم شایستگان و گردانیدیمشان پیشوایانی که رهبری کنند

بِاَمْرِنَا وَاَوْحَيْنَا اِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَاِقَامَ الصَّلٰوةِ وَاِيتَاءَ الزَّكٰوةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ

بفرمان ما و وحی کردیم بسوی ایشان بجای آوردن خوبیها را و بپایداشتن نماز و دادن زکوة را و بودند برای ما پرستندگان

﴿۷۳﴾ وَلُوطًا اٰتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبَائِثَ

و لوط را دادیم بدو حکم و دانش را و رهانیدیمش از شهری که بود همی میکرد پلیدیها را

اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ ﴿۷۴﴾ وَاَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا اِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۷۵﴾ وَنُوحًا

همانا بودند قومی زشت و نافرمانان و در آوردیمش برحمت خویش همانا اوست از شایستگان و نوح را

اِذْ نَادٰى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَاَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿۷۶﴾ وَنَصَرْنَاهُ مِنَ

هنگامیکه برخواند پیش از این پس پذیرفتیم خواستش را و رهائیش دادیم او و خاندانشرا از اندوه بزرگ و یاریش کردیم از

الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِنَا اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاَغْرَقْنَاهُمْ اَجْمَعِينَ ﴿۷۷﴾ وَدَاوُدَ

قومی که دروغ میپنداشتند آیتهای ما را همانا بودند قومی زشت پس غرقشان ساختیم همگان و داود

وَسُلَيْمَانَ اِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ اِذْ نَفَشَتْ فِيهِ غَنَمُ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ ﴿۷۸﴾

و سلیمان هنگامیکه حکومت میکردند در کشتزار گاهیکه پراکنده شدند در آن گوسفندان قوم و بودیم حکومت آنانرا گواهان

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمٰنَ ۚ وَكُلًّا اٰتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا ۙ وَسَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ

پس آموختیمش (فهماندیمش) بسلیمان و هریکرا دادیم حکمی و دانشی و فرمانبردار ساختیم با داود کوهها را

يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ ؕ وَكُنَّا فَاعِلِينَ ﴿٧٩﴾ وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِّنْ

که تسبیح کنند و مرغانرا و بودیم کنندگان و آموختیمش ساختن پوشاکی را برای شما تا نگهدارد تان از

بَأْسِكُمْ ۚ فَهَلْ اَنْتُمْ شَاكِرُونَ ﴿٨٠﴾ وَلِسُلَيْمٰنَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِاَمْرِهٖٓ اِلَى

خشم خویش پس آیا هستید سپاسگذاران و برای سلیمان بادرا سخت وزنده روان میشد بفرمان او بسوی

الْاَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ؕ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ ﴿٨١﴾ وَمِنَ الشَّيَاطِينِ مَنْ يَغُوصُونَ

سرزمینی که برکت نهادیم در آن و بودیم بهر چیزی دانایان و از شیاطین آنانرا که بدریا فرو میرفتند

لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذٰلِكَ ۚ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ۙ ﴿٨٢﴾ وَاَيُّوبَ اِذْ نَادٰى رَبَّهٗٓ اَنِّي

برایش و میکردند کاریرا جز آن و بودیم برای آنان نگهبانان و ایوب هنگامیکه خواند پروردگار خویشرا که مرا

مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۚ ﴿٨٣﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَاٰتَيْنَاهُ

رسید رنج و توئی مهربانترین مهربانان پس پذیرفتیم از او و بگشودیم آنچه بدو بود از رنج و دادیم بدو

اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرٰى لِلْعَابِدِينَ ﴿٨٤﴾ وَاِسْمٰعِيلَ

خاندانشرا و مانند آنان با آنان رحمتی از نزد ما و یادآوری برای پرستشگران و اسمعیل

وَاِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ ؕ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ ۚ ﴿٨٥﴾ وَاَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَآ اِنَّهُمْ مِّنَ

و ادریس و ذو الکفل هرکدام از صبر کنندگان و در آوردیمشان در رحمت خود همانا ایشانند از

الصَّالِحِينَ ﴿٨٦﴾ وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَّنْ نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادٰى فِي

شایستگان و صاحب ماهی (با خداوند ماهی) هنگامیکه رفت خشمگین پس پنداشت که هرگز بدو قدرت نیابیم پس بنالید در

الظُّلُمَاتِ اَنْ لَّآ اِلٰهَ اِلَّآ اَنْتَ سُبْحَانَكَ ق اِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ۚ ﴿٨٧﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ ۙ

تاریکیها که نیست خدائی جز تو منزهی تو همانا بودم من از ستمگران پس پذیرفتیم از او

وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ ؕ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨٨﴾ وَزَكَرِيَّآ اِذْ نَادٰى رَبَّهُ رَبِّ

و رهائیش دادیم از اندوه و بدینسان رهائی دهیم بمومنان و زکریا هنگامیکه برخواند پروردگار خویش را پروردگارا

لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَاَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ۚ ﴿٨٩﴾ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ ۙ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيٰى وَاَصْلَحْنَا

نگذار مرا تنها و توئی بهترین ارث برندگان پس پذیرفتیم از او و بخشیدیم بدو یحیی را و شایسته گردانیدیم

لَهُ زَوْجَهُ ؕ اِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا ۚ وَكَانُوا

برایش همسرش را همانا بودند ایشان شتاب گیرندگان در خوبیها و میخواندند مارا امیدی و بیمی و بودند

لَنَا خَاشِعِينَ ﴿٩٠﴾ وَالَّتِيٓ اَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُّوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا

برای ما فروتنان و آن زن که نگاه داشت فرجش را پس دمیدیم در آن از روح خویش و گردانیدیمش

وَابْنَهَآ اٰيَةً لِّلْعَالَمِينَ ﴿٩١﴾ اِنَّ هٰذِهٖٓ اُمَّتُكُمْ اُمَّةً وَّاحِدَةً ۚ وَاَنَا رَبُّكُمْ

و پسرش را آیتی برای جهانیان همانا این است ملت شما ملتی یگانه و منم پروردگار شما

فَاعْبُدُونِ ﴿٩٢﴾ وَتَقَطَّعُوٓا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ ؕ كُلٌّ اِلَيْنَا رَاجِعُونَ ع ﴿٩٣﴾

پس مرا بپرستید و بخش کردند کار خویش را میان خویش هرکدامند بسوی ما باز گردندگان

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ﴿٩٤﴾

پس آنکو بکند از کردارهای شایسته و او است مؤمن نباشد ناسپاسی کوشش او را و همانا مائیم برای آن نویسندگان

وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿٩٥﴾ حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ

و حرام است بر شهریکه نابودش کردیم که آنان باز نمیگردند تا گاهیکه گشوده شود یاجوج و ماجوج و ایشان

مِنْ كُلِّ حَدَبٍ يَنْسِلُونَ ﴿٩٦﴾ وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا يَا

از هر پشته سرازیر گردند (یا برون آیند) و نزدیک شد وعده حق که ناگهان باز است دیده آنانکه کفر ورزیدند

وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَٰذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٩٧﴾ إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ

ای وای بر ما همانا بودیم در غفلتی از این بلکه بودیم ما ستمکران همانا شما و آنچه میپرستید جز

اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا وَارِدُونَ ﴿٩٨﴾ لَوْ كَانَ هَٰؤُلَاءِ آلِهَةً مَا وَرَدُوهَا وَكُلٌّ فِيهَا

خدا سوخت دوزخید شمائید در آن در آیندگان اگر میبودند اینان خدایان در آن نمیرفتند حالیکه هر کدامند در آن

خَالِدُونَ ﴿٩٩﴾ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ﴿١٠٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُمْ

جاودان ایشان راست در آن آه کشیدنی و ایشان در آن نمی شنوند همانا آنانکه سبقت گرفت برای ایشان

مِنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ﴿١٠١﴾ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِيمَا اشْتَهَتْ

از ما نکوئی آنانند از آن دور شدگان نشنوند حسش را و ایشانند در آنچه هوس کند

أَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ ﴿١٠٢﴾ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَٰذَا

دلهای ایشان جاودانان اندوهگینشان نسازد آشوب بزرگتر و در آیند بر ایشان فرشتگان (یا پیشواز ایشان روند فرشتگان)

يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٠٣﴾ يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ

که اینک روز شما آنکه بودید وعده داده میشدید روزیکه بپیچیم آسمان را مانند پیچیدن نامه دان نامه ها را

كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٠٤﴾ وَلَقَدْ كَتَبْنَا

بدانسان که آغاز کردیم نخستین آفرینش را باز گردانیمش وعده است بر ما همانا هستیم ما کنندگان و هر آینه نوشتیم

فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ فِي هَٰذَا

در زبور پس از ذکر که زمین را ارث برند بندگان من شایستگان همانا در اینست

لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ ﴿١٠٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿١٠٧﴾ قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ

ابلاغی برای گروهی که پرستشگرند و نفرستادیمت مگر رحمتی برای جهانیان بگو جز این نیست که وحی شود

إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٠٨﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنْتُكُمْ

بسوی من همانا خداوند شماست خداوند یکتا پس آیا شمائید اسلام آرندگان پس اگر پشت کردند بگو آگهیتان دادم

عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَمْ بَعِيدٌ مَا تُوعَدُونَ ﴿١٠٩﴾ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ

یکسان و ندانم آیا نزدیکست یا دور آنچه وعده داده شوید همانا او میداند آشکار را از

الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿١١٠﴾ وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

سخن و میداند آنچه را نهان کنید و ندانم شاید آزمایشی باشد برای شما و بهره مندی تا زمانی

﴿١١١﴾ قَالَ رَبِّ احْكُمْ بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَٰنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ﴿١١٢﴾

گفت پروردگارا حکم کن بحق و پروردگار ما خدای مهربان است یاری جسته بر آنچه میستائید

سورة الحج مدنية وآياتها ثمان وسبعون آية

سورة ۲۳ — حروفها ۵۱۷۰ — كلماتها ۱۲۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حزب (۳)

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ﴿١﴾ يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ

ای مردم بترسید پروردگار خود را که لرزش قیامت چیزی است بزرگ روزیکه ببینیدش فراموش کند هر

مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَارَىٰ

شیر دهنده از آنچه شیر دهد و بگذارد هر زن بارداری بار خود را و ببینی مردم را مست و نیستند مستان

وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ﴿٢﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ

ولیکن عذاب خداست سخت و از مردم است آنکه میستیزد در خدا بی دانش و پیروی میکند هر

شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ﴿٣﴾ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ

شیطان سرکشی را نوشته شد براو که هرکه پیرویش کند همانا گمراهش سازد و رهبریش کند بسوی عذاب سوزان

﴿٤﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ

ای مردم اگر هستید در شکی از رستاخیز پس ما آفریدیم شما را از خاکی پس از

نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ

چکه آبی پس از خونی بسته پس از پاره گوشتی جویده تمام آفریده و تمام ناآفریده تا بیان کنیم برای شما و نهیم

فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ

در رحمها هرچه را خواهیم تا سرآمدی معین پس برون آریمتان کودکی پس تا رسید نیروهای خود را

وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ

و از شماست آنکه دریافت شود (بمیرد) و از شماست آنکه بازگردانیده شود بسوی پست ترین عمر (زندگانی) تا نداند پس از دانستن

شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ

چیزی را و ببینی زمین را فسرده پژمرده تا گاهیکه فرستیم بر آن آب را بجنبد و برآید و برویاند

مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ﴿٥﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ

از هر جفتی زیبا این بدانست که خداست حق و آنکه او زنده کند مردگان را و آنکه اوست بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٦﴾ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي

همه چیز توانا و آنکه ساعت است آینده نیست شکی در آن و آنکه خدا برانگیزد آنانرا که در

الْقُبُورِ ﴿٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ﴿٨﴾

گورند و از مردم است آنکه بستیزد در خدا بی دانش و نه راهنمائی و نه نامه‌ای تابناک

ثَانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

بر تابنده پهلوی خویش تا گمراه کند مردم را از راه خدا او راست در دنیا خواری و چشانیمش روز قیامت

عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٩﴾ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿١٠﴾

عذابی سوزان این بدانچه پیش فرستاده است دستهایت و نیست خدا ستمگر بر بندگان

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللّٰهَ عَلٰى حَرْفٍ فَاِنْ اَصَابَهٗ خَيْرٌ اطْمَاَنَّ بِهٖ وَاِنْ اَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ

واز مردم است آنکه می پرستد خدارا برنوکی یا کناری پس اگر رسدش خوشی برآساید بدان واگر رسدش آزمایشی باز گردد

عَلٰى وَجْهِهٖ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةَ ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِيْنُ ﴿١١﴾ يَدْعُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا

بر روی خویش زیانمند است در دنیا و آخرت اینست آن زیان آشکار میخواند جز خدا آنچه را نه

يَضُرُّهٗ وَمَا لَا يَنْفَعُهٗ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيْدُ ﴿١٢﴾ يَدْعُوْا لَمَنْ ضَرُّهٗ اَقْرَبُ مِنْ نَّفْعِهٖ لَبِئْسَ الْمَوْلٰى

زیانش رساند و نه سودش دهد اینست آن گمراهی دور میخواند آنرا که زیانش نزدیکتر است از سودش چه بد سرپرست

وَلَبِئْسَ الْعَشِيْرُ ﴿١٣﴾ اِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ

وچه بد همدمی است همانا خدا درآرد آنانرا که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند باغهائی که روان است زیر آنها جویها

اِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيْدُ ﴿١٤﴾ مَنْ كَانَ يَظُنُّ اَنْ لَّنْ يَّنْصُرَهُ اللّٰهُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ

همانا خدا میکند آنچه را میخواهد آنکو میپندارد که هرگز یاریش نمیکند خدا در دنیا و آخرت پس بکشد ریسمانی

اِلَى السَّمَآءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهٗ مَا يَغِيْظُ ﴿١٥﴾ وَكَذٰلِكَ اَنْزَلْنٰهُ اٰيٰتٍ

بسوی آسمان پس ببرد پس بنگرد آیا میبرد نیرنگ او آنچه را بخشم میآورد و بدینسان فرستادیمش آیتهائی

بَيِّنٰتٍ وَاَنَّ اللّٰهَ يَهْدِيْ مَنْ يُّرِيْدُ ﴿١٦﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ هَادُوْا وَالصّٰبِئِيْنَ

روشن و آنکه خدا هدایت میکند هرکرا خواهد همانا آنانکه ایمان آوردند و آنانکه جهود شدند و صابیان

وَالنَّصٰرٰى وَالْمَجُوْسَ وَالَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا اِنَّ اللّٰهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ

و ترسایان و مجوس و آنانکه شرک ورزیدند همانا خدا حکم میکند میان آنان روز قیامت همانا خداست بر همه چیز گواه

﴿١٧﴾ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يَسْجُدُ لَهٗ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْاَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُوْمُ

آیا ندیدی که خدا سجده میکند برایش آنکه در آسمانها و آنکه در زمین است و مهر و ماه و ستارگان

وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَآبُّ وَكَثِيْرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيْرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ

و کوهها و درخت و جنبندگان و بسیاری از مردم و بسیاری که فرود آمد (استوار شد) براو عذاب و آنرا که

يُّهِنِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ مُّكْرِمٍ اِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ ﴿١٨﴾ هٰذٰنِ خَصْمٰنِ اخْتَصَمُوْا فِيْ رَبِّهِمْ

خوار سازد خدا پس نیستش سرافرازنده ای همانا خدا میکند آنچه را میخواهد اینان دو دشمنند که ستیزه کردند در پروردگار خویش

فَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّنْ نَّارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوْسِهِمُ الْحَمِيْمُ ﴿١٩﴾ يُصْهَرُ بِهٖ مَا فِيْ

پس آنانکه کافر شدند بریده شد برای ایشان جامه هائی از آتش ریخته شود از فراز سرهای ایشان آب جوشان میگدازد بدان آنچه در

بُطُوْنِهِمْ وَالْجُلُوْدُ ﴿٢٠﴾ وَلَهُمْ مَّقَامِعُ مِنْ حَدِيْدٍ ﴿٢١﴾ كُلَّمَآ اَرَادُوْٓا اَنْ يَّخْرُجُوْا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ

شکمهای ایشان است و پوستها و ایشانراست گرزهائی از آهن هرگاه خواهند برون آیند از آن از اندوهی

اُعِيْدُوْا فِيْهَا وَذُوْقُوْا عَذَابَ الْحَرِيْقِ ﴿٢٢﴾ اِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ

بازگردانیده شوند در آن و بچشید عذاب سوزان را همانا خدا درآرد آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند

جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ يُحَلَّوْنَ فِيْهَا مِنْ اَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَّلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ

باغهائی که روان است زیر آنها جویها زیب داده شوند در آن بادست بندهائی از زر و مروارید و جامه ایشانست

فِيْهَا حَرِيْرٌ ﴿٢٣﴾ وَهُدُوْٓا اِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوْٓا اِلٰى صِرَاطِ الْحَمِيْدِ ﴿٢٤﴾

در آن حریر و رهبری شدند بسوی پاکیزه از سخن و رهبری شدند بسوی راه خداوند ستوده

على حرف کنایت است از ضعف و سستی بعضی در دین چه حرف طرف بند و ریسمان و مانند آن باشد و بعضی حرف را بمعنی شک دانستند و قولی است که آن بمعنی پرستش خدا است بزبان نه بقلب و از این رو است که گفته اند الدین حرفان احدهما اللسان والثانی القلب فمن اعترف بلسانه دون قلبه فهو على حرف ۞ ان لن ینصره الله ضمیر ینصره عاید است به پیمبر ص و معنی آنکه هرکس چنان پندارد که خدای پیمبر خویش را یاری نمیکند گردن خویش با ریسمان بسقف آویزد و خود را از شدت خشم بدینسان بکشد پس بنگرد که آیا نیرنگ او میبرد آنچه را ناخوش دارد و یا میبرد خشم و غضب او را و بعضی گفتند مراد از سماء آسمان است نه سقف و معنی آنکه هرکس پندارد که خدای نصرت پیمبر نمیکند راهی بسوی آسمان گیرد تا بدان دستاویز مگر تواند وحی را از پیمبر ص باز داشتن و گروهی ضمیر ینصره به من راجع دانستند و معنی آیت چنان کردند که هرکس پندارد خدای باو روزی نخواهد داد خویشتن را با بندی درآویزد و مختنق سازد تا بنگرد آیا بخودکشی تواند چاره این کار کردن (و این)

سجده مندوبه

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً
هانا آنانکه کفر ورزیدند وباز میدارند از راه خدا ومسجد حرام که گردانیدیم برای مردم یکسان

الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿٢٥﴾ وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ
المقيمين فيه (مانده) (در آن وبیابانی (دشت نشین) وآنکه خواهد در آن کجروی را بستم چشانیمش از عذابی دردناک وجای یکه جایگاه کردیم برای ابراهیم

مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ﴿٢٦﴾
جای خانه را که شرک نورز بمن چیزی را وپاک گردان خانه مرا برای طواف کنندگان وپیای ایستادگان ورکوع کنندگان سجده کنندگان

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ ﴿٢٧﴾ لِيَشْهَدُوا
وبانگ بزن در مردم بحج آیندت پیادگان وبر هر لاغری که میآیند از هر دره ژرف تا بشکرند

مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا
سودهائی برای خویش وببرند نام خدارا در روزهائی دانسته بر آنچه روزیشان داده است از داههای چهارپا پس بخورید

مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ﴿٢٨﴾ ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ
از آن وبخورانید بینوای دردیش پس نابگذارند چرک (آلودش) خویش ووفا کنند بندرهای خود وطواف کنند گرد خانه

الْعَتِيقِ ﴿٢٩﴾ ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا
کهن این وهرکه بزرگ شمرد حرمتهای خدارا پس آن بهتر است برای او نزد پروردگارش وحلال شد برای شما چهارپایان که

مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ﴿٣٠﴾ حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ
آنچه خوانده شود برشما پس دوری گزینید از پلیدی یعنی بتان ودوری گزینید از سخن ناروا یکدل شان برای خدا نه شرک ورزندگان

بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطَفُهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ
بدو وآنکه شرک ورزد بخدا پس گویا درافتاده است از آسمان تا برباید پرش پرنده یا ببرد گشدش باد بجائی دوردست

﴿٣١﴾ ذَٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ﴿٣٢﴾ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ
این وهرکه بزرگ شمرد شعارهای خدارا همانا هست از پرهیزکاری دلها برای شماست در آن سودها تا سرآمدی

مُسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٣٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا
نامبرده سپس فرودگاهش بسوی خانه است کهن ودرای هر قومی نهادیم پرستشی تا ببرند نام خدارا بر آنچه

رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ
روزیشان داد از داههای چهارپا وخدای شما خدائی است پس بر او تسلیم آرید ومژده ده فروتنان آنانکه هرگاه یاد شود

اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٣٥﴾
خدا بترسد دلهاشان وشکیبایان بر آنچه رسدشان وبپادارندگان نماز وازآنچه روزیشان دادیم ببخشند

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ
واشتران فربه کرده ایدیم آنهارا برای شما از شعارهای خدا شماراست در آنها خوبی پس ببرید نام خدارا برآنها صف آرندگان تا گاهی که بیفتند

جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَٰلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٣٦﴾ لَنْ يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا
پهلوهای آنها بخورید از آنها وبخورانید بینوا ودرمانده بینیاز ودر بیوزه ما رام کردیم آنهارا برای شما شاید شما سپاس کنید مر پروردگار خدارا گوشتها

وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَٰكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَٰلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ﴿٣٧﴾
ونه خونهای آنها ولیکن میرسد بدو پرهیزکاری از شما همچنین رام کردیم آنهارا برای شما تا بزرگ شمرید خدارا بر آنچه راهبریشان کرد وبشارت ده نیکوکاران

إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ ﴿۳۸﴾ أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ

همانا خدا دفاع کند از آنانکه ایمان آوردند همانا خدا دوست ندارد هر خیانتکار ناسپاسی را رخصت داده شد (یا اعلام شد) بدانانکه پیکار میشوند که

ظُلِمُوا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿۳۹﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ

ستم شدند و همانا خداست بر یاری آنان توانا آنانکه برون رانده شدند از خانه‌های خود بناحق جز آنکه

يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ

میگفتند پروردگار ما خداست و اگر نبود دور ساختن خدا مردم را گروهی با گروهی همانا ویران میشدند پرستشگاهها و کلیساها و نمازها

وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا ۗ وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿۴۰﴾

و مسجدهائی که برده شود در آنها نام خدا بسیار و البته یاری کند خدا هر که را یاریش کند همانا خداست توانای عزتمند

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ

آنانکه اگر فرمانروائیشان دهیم در زمین بپا دارند نماز را و بدهند زکوة را و فرمان رانند بخوبی و باز دارند از

الْمُنْكَرِ ۗ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ ﴿۴۱﴾ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ ﴿۴۲﴾

بدی و برای خداست فرجام کارها و اگر بدروغ گیرندت همانا بدروغ گرفتند پیش از ایشان قوم نوح و عاد و ثمود

وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ ﴿۴۳﴾ وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ ۖ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ

و قوم ابراهیم و قوم لوط و یاران مدین و دروغگو شمرده شد موسی پس مهلت دادم بکافران سپس

أَخَذْتُهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿۴۴﴾ فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ

گرفتم ایشان را پس چگونه بود برابری کردن و انتقام من و بسا شهری که نابودش کردیم و او است ستمگر پس آن است

خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ ﴿۴۵﴾ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ

فرود آمده بر پایه‌های خود و چاهی ویران و کاخی افراشته آیا نگشتند در زمین تا باشد شان

قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۖ فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَٰكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ

دلهائی که دریابند بدانها یا گوشهائی که بشنوند بدانها زیرا کور نشوند دیدگان ولیکن کور شوند دلهائی

الَّتِي فِي الصُّدُورِ ﴿۴۶﴾ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ ۚ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ

که درون سینه‌هاست و شتاب خواهند از تو در عذاب و هرگز نشکند خدا وعده خود را و همانا روزی نزد

رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ﴿۴۷﴾ وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَمْلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا

پروردگار تو مانند هزار سال است از آنچه میشمرند و بسا شهری که مهلت دادیم بدان حالیکه ستمکار بود و سپس گرفتیم آنرا

وَإِلَيَّ الْمَصِيرُ ﴿۴۸﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿۴۹﴾ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

و بسوی من است بازگشت بگو ای مردم جز این نیست که منم برای شما ترساننده آشکار پس آنانکه ایمان آوردند و کردار

الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿۵۰﴾ وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ

شایسته کردند برای ایشان است آمرزشی و روزی گرامی و آنانکه بشتافتند در آیتهای ما بعجز آرندگان آنانند

أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿۵۱﴾ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَنَّىٰ أَلْقَى الشَّيْطَانُ

یاران دوزخ و نفرستادیم پیش از تو فرستاده‌ای و نه پیمبری مگر هرگاه آرزو میکرد میافکند شیطان

فِي أُمْنِيَّتِهِ ۖ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ آيَاتِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۵۲﴾

در آرزوی او پس برمیانداخت خدا آنچه را شیطان میافکند سپس استوار میساخت خدا آیتهای خویش را و خداست دانای حکیم

۳۹ أُذِنَ لِلَّذِينَ از امام ابی جعفر باقر علیه السلام است که این آیت درباره مهاجران فرود آمد لیکن جاری گشت در حق آل محمد که برون رانده شدند از دیارشان و ترسانیده شدند صَوَامِعُ وَبِيَعٌ زجاج صوامع را پرستشگاه ترسایان و بیع را عبادتگاه جهودان و صلوات و مساجد را نمازگاههای مسلمین دانسته است اما بعضی بیع را پرستشگاههای ترسایان در دیه‌ها و شهرها دانسته اند و صوامع را عبادتگاههائی که در بیابانها و کوهستان سازند و ترسایان یا جهودان یا مسلمانان در آن نماز گذارند و مساجد نمازگاههای مسلمین و صلوات را کنایس و کلیسای جهودان شمرده و آنرا کلمه معربه از لغت جهود دانسته ۵۲ إِذَا تَمَنَّىٰ بقول سید مرتضی علیه الرحمة یا باید تمنی بمعنی تلی باشد یعنی سرودن قرآن چنانکه در شعر حسان است تَمَنَّىٰ كِتَابَ اللَّهِ یعنی خواند کتاب خدا را و یا بمعنی آرزو چنانکه ظاهر است باشد و القاء شیطان بمعنی وسوسه او باشد و اما آنچه بعضی بیخردان روا داشته اند که این آیت در آنهنگام بیامد که پیمبر معاذ الله از راه سهو و سبق لسان کلماتی چند در اثناء تلاوت آیات همیگفت از قبیل تلک الغرانیق الاولی منها الشفاعة ترتجی گزاف و بیهوده میباشد زیرا که نسیان از پیمبر صلی الله علیه و آله بنص قرآن

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِّلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ ۗ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ

تا بگرداند آنچه را میافکند شیطان آزمایشی برای آنانکه در دلهاشان بیماری است و سنگین دلان و همانا ستمگرانند

لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ ۗ

در دشمنی دور و دراز و تا بدانند آنانکه داده شدند دانش را که آنست حق از پروردگار تو پس ایمان آرند بدان پس نرم شود برای آن دلهاشان

وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٥٤﴾ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ

و همانا خدا راهنمای آنانی است که ایمان آوردند بسوی راهی راست و پیوسته باشند آنانکه کفر ورزیدند در شکی از آن

حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَقِيمٍ ﴿٥٥﴾ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ لِّلَّهِ ۖ يَحْكُمُ

تا بیایدشان ساعت ناگهان یا بیایدشان عذاب روزی نازاد (بیمانند) پادشاهی در آن روز از آن خداست حکم کند

بَيْنَهُمْ ۚ فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٥٦﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا

میان ایشان پس آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند در باغستان نعمتند و آنانکه کفر ورزیدند و تکذیب کردند

بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥٧﴾ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا

آیتهای ما را ایشانراست عذابی خوار کننده و آنانکه از خانمان آواره شدند در راه خدا سپس کشته شدند یا مردند

لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٥٨﴾ لَيُدْخِلَنَّهُم مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ ۗ

همانا خدا روزیشان دهد روزی نکو و همانا خداست بهترین روزی دهندگان هر آینه در آرد شان خدا جایگاهی که بپسندندش

وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ ﴿٥٩﴾ ذَٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنصُرَنَّهُ

و هر آینه خداست دانای بردبار این و هر که کیفر دهد مانند آنچه را شکنجه شده است پس ستم شود براو هر آینه یاریش کند

اللَّهُ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ﴿٦٠﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي

خدا و همانا خداست درگذرنده آمرزگار این بدانست که خدا فرو میبرد شب را در روز و فرو میبرد روز را در

اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٦١﴾ ذَٰلِكَ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ هُوَ

شب و آنکه خداست شنوای بینا این بدانست که خداست حق و آنچه میخوانند جز اوست

الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ﴿٦٢﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ۖ فَتُصْبِحُ

باطل و آنکه خداست برتر بزرگ آیا ندیدی که خدا فرستاد از آسمان آبی پس گردید

الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً ۚ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ﴿٦٣﴾ لَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ

زمین سرسبز همانا خداوند است نوازنده آگاه برای اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و همانا خداست بی‌نیاز

الْحَمِيدُ ﴿٦٤﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۚ وَيُمْسِكُ

ستوده آیا ندیدی که خدا رام کرد برای شما آنچه در زمین است و کشتی که میرود در دریا بفرمانش و نگاه میدارد

السَّمَاءَ أَن تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٥﴾ وَهُوَ الَّذِي

آسمان را که فرود آید بر زمین مگر با اذن او همانا خدا بمردم است نوازنده مهربان و اوست آنکه

أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۗ إِنَّ الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ ﴿٦٦﴾ لِّكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا

زنده کرد شما را پس بمیراندتان و سپس زنده سازدتان و همانا انسان است بسیار ناسپاس برای هر ملتی نهادیم

مَنسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ ۖ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُّسْتَقِيمٍ ﴿٦٧﴾

روشی که ایشانند رونده آن پس نستیزند با تو در کار و برخوان بسوی پروردگار خود که توئی همانا بر هدایتی راست

وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٦٨﴾ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا

واگر پرخاش کردند با تو بگو خدا داناتر است بدانچه میکنید خدا حکم کند میان شما روز قیامت در آنچه

كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ﴿٦٩﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي

بودید در آن اختلاف میکردید آیا ندانستی که خدا میداند آنچه در آسمان و زمین است همانا اینست در

كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿٧٠﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا

نامه همانا اینست بر خدا آسان و پرستش کنند جز خدا آنچه را نفرستاد بدان فرمانروائی

وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٧١﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ

و آنچه نیستشان بدان دانشی و نیست ستمکاران را یاوری و هرگاه خوانده شود برایشان آیتهای ما روشن شناسی

فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا

در چهرههای آنان که کفر ورزیدند بدی را نزدیکست بتازند بر آنانکه میخوانند برایشان آیتهای ما را

قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَٰلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

بگو آیا آگهیتان دهم بیدتر از این آتش وعده دادش خدا بدانانکه کفر ورزیدند و بد بازگشتگاهی است

﴿٧٢﴾ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ

ای مردم زده شد مثلی پس بشنویدش همانا آنانکه میخوانید جز خدا هرگز

يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ

نیافرند مگسی را و هر چند گرد آیند برای آن و اگر بربایدشان مگس چیزی را نستانندش از آن ناتوانند

الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ ﴿٧٣﴾ مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٧٤﴾ اللَّهُ

خواهنده و خواسته ارج نگذاشتند خدا را حق ارجمندیش همانا خداست توانای عزتمند خدا

يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿٧٥﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ

برگزیند از فرشتگان فرستادگانی و از مردم همانا خداست شنوای بینا داند آنچه پیشروی ایشان

وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ﴿٧٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا

و آنچه پشت سر ایشان است و بسوی خدا بازگردانیده شوند کارها ای آنانکه ایمان آوردید رکوع گذارید و سجده کنید و پرستش کنید

رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٧﴾ وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ

پروردگار خود را و بکنید خوبی را شاید رستگار شوید و بکوشید در راه خدا سزای کوشش او او برگزید شما را

وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ

و ننهاد بر شما در دین رنجی را ملت پدر شما ابراهیم او نامیدتان مسلمانان از

قَبْلُ وَفِي هَٰذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا

از پیش و در این (قرآن) تا باشد پیمبر گواهی بر شما و باشید گواهان بر مردم پس بپایدارید

الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ﴿٧٨﴾

نماز را و بدهید زکوة را و نگهداری از خدا جوئید او است سرپرست شما چه خوب سرپرست و چه خوب یاوری است

سورة المؤمنون مكية وآياتها مائة وثمان عشرة آية

ضرب مثل: اخفش گوید اگر کسی بپرسد که مردم دست آن مثلی که در اینجا زده شده است گفته میشود معنی آن نیست که خدای خواهد مثلی زدن بلکه معنی آن است که ای مردم بنگرید بدین اماثل و اقرانی که از برای خداوند ساخته و پرداخته و قسمی در این بیت مثلی پرسیده بدینسان که خدای آنان را که پرستش بتان میکنند بکسانی مثل زده است که عبادت میکنند آنرا که یارای آفریدن مگسی ندارد و این تعبیر و سرکوب بتان ایشان است و آنها سیصد و شصت بت بود پیرامون خانه کعبه بشمار ایام سال

(سورة المؤمنون) ابی بن کعب از پیمبر چنین نقل کرده است هر که سوره مؤمنون خواند خداوند در روز قیامت ویرا بروح و ریحان بشارت دهد و بهنگام فرود آمدن فرشته مرگ نویدش دهد بدانچه چشمش بدان روشن شود و از امام ابی عبدالله صادق علیه السلام است که هر کس سوره مؤمنون خواند خداوند خاتمت او را بسعادت مقرون گرداند بشرطی که هر روز آدینه بخواندن آن ایمان ورزد و ویرا منزلت پیمبران و مرسلین باشد در فردوس اعلی

فی صلوتهم خاشعون: حدیث است که پیمبر صلی الله علیه و آله مردی را دید در نماز با ریش خود بازی میکرد پس گفت

الجزء (١٨)

سورة ٢٣ | حروفها ٤٨٠٢ | كلماتها ١٠٤٥

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾

رستگار شدند مؤمنان آنانکه در نماز خویشند فروتنان وآنانکه از بیهوده (بیهده) اندرونی گردانان

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ ﴿٤﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿٥﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ

وآنانکه هستند زکوة را کنندگان وآنانکه برای فرجهای خویشند نگهدارندگان مگر بر همسران خود

أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿٦﴾ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

یا آنچه دارا است دستهای ایشان کابیشانند نا نکوهیدگان وآنکو خواهد ماورای اینرا پس آنانند تجاوز کنندگان

﴿٧﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿٨﴾ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

وآنانکه امانتها وعدهای خویش را نگهدارندگانند رعایت کنندگان وآنانکه بنمازهای خویشند نگهبانی کنندگان

﴿٩﴾ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١١﴾ وَلَقَدْ

آنانند ارث برندگان که ارث برند بهشت را ایشانند در آن جاودانان وهمانا

خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ ﴿١٢﴾ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿١٣﴾ ثُمَّ خَلَقْنَا

آفریدیم انسانرا از کشیدهٔ (یا چکیده) از گل پس گردانیدیش چکه آبی در آرامگاهی جایدار پس آفریدیم

النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ

نطفه (چکه) را خونی بسته پس آفریدیم خون را گوشتی چویده پس آفریدیم گوشت را استخوانهائی پس پوشانیدیم استخوانها را گوشتی

أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ ۚ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ﴿١٤﴾ ثُمَّ إِنَّكُم بَعْدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ

سپس پدید آوردیش آفرینشی دیگر پس خجسته باد خدا بهترین آفرینندگان سپس شائید پس از آن هر آینه مردگان

﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا

سپس همانا شما روز قیامت برانگیخته میشوید وهمانا آفریدیم فرازشما هفت راه ونبودیم

عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ﴿١٧﴾ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ فِي الْأَرْضِ ۖ وَإِنَّا عَلَىٰ

از آفرینش نا آگاهان وفرستادیم از آسمان آبی باندازه‌ای پس جایگزین ساختیمش در زمین وهمانا ما بر

ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ ﴿١٨﴾ فَأَنشَأْنَا لَكُم بِهِ جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ

بردن آن توانایان پس پدید آوردیم برای شما بدان باغهائی از خرما بنها وانگورها شمارا است در آن میوه‌ها ئی

كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِن طُورِ سَيْنَاءَ تَنبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ

فراوان واز آن میخورید ودر درختی که برون میاید از طور سیناء میروید بارودهن ورنگی برای خورندگان

لِّلْآكِلِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۖ نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا وَلَكُمْ فِيهَا

برای خورندگان وهمانا شمارا است در چهارپایان عبرتی بنوشانیمتان از آنچه در شکمهای آنهاست وبرای شما است در آنها

مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٢١﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ

سودهای فراوان واز آنها میخورید وبر آنها وبر کشتی بارمیشوید وهمانا

أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٢٣﴾

فرستادیم نوح را بسوی قومش گفت ای قوم من پرستش کنید خدارا نیست شما را خدائی جز او آیا نمیترسید

فَقَالَ الْمَلَؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ ۚ

پس گفتند گروهی که کفر ورزیدند از قوم او نیست این مگر بشری مانند شما خواهد که برتری جوید بر شما

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ ﴿٢٤﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ

واگر میخواست خدا هرآینه میفرستاد فرشتگانی نشنیدیم چنین در پدران پیشینیان نیست او جز مردی که بدوست

جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٢٦﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ

دیوانگی پس انتظار کشید بدو تا زمانی گفت پروردگارا یاریم کن برآنچه دروغ میشمارند پس وحی کردیم بدو که بساز

الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ

کشتی را بدیدهٔ گان ما و بوحی ما و ناگاهی که آید فرمان ما و بجوشد تنور پس جای ده در آن از هرگدام دو جفت

اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ ۖ وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا ۖ إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ﴿٢٧﴾

را و خاندان خویش را مگر آنکه پیشی گرفت براو سخن از ایشان و سخن نگوی با من در آنانکه ستم کردند که ایشانند غرق شدگان

فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

پس گاهی که راست نشستی تو وآنکه با تو هست در کشتی بگو سپاس خدائی را که رهانید ما را از گروه ستمگاران

﴿٢٨﴾ وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ

دیگر بار پروردگارا فرود آور مرا فرود گاهی فرخنده و توئی بهترین فرود آورندگان همانا در اینست نشانهای و همانا

كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ﴿٣١﴾ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ

هستیم آزمایش کنندگان سپس پدید آوردیم پس از ایشان قرنی دیگر را پس فرستادیم در ایشان فرستادهای از ایشان

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ

که پرستش کنید خدارا نیست شمارا خداوندی جز او آیا بترسید و گفتند آنگروه از قومش که

كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ

کفر ورزیدند و دروغ پنداشتند رسیدن را بآخرت و کامرانیشان دادیم در زندگانی دنیا نیست این جز بشری مانند شما

يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ ﴿٣٣﴾ وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ

میخورد از آنچه میخورید از آن و مینوشد از آنچه مینوشید و اگر فرمان برید بشری را مانند خویش شما شاید

إِذًا لَخَاسِرُونَ ﴿٣٤﴾ أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُمْ مُخْرَجُونَ ﴿٣٥﴾

در آنهنگام زیانکاران آیا وعده داده میشوید شما را گاهی که مردید و شدید خاکی و استخوانهائی آنگه شما بیرون آورده گان

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ﴿٣٦﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ

دور است دور آنچه وعده داده میشوید نیست آن جز زندگانی نزدیک ما میمیریم و زنده میشویم و نیستیم

بِمَبْعُوثِينَ ﴿٣٧﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ﴿٣٨﴾ قَالَ رَبِّ

برانگیخته گان نیست او مگر مردی که بربست بر خدا دروغی را و نیستیم ما بدو بایمان آرنده گان گفت پروردگارا

انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٣٩﴾ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ ﴿٤٠﴾ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ

یاریم کن بدانچه دروغ میشمارند گفت پس از اندکی هرآینه خواهند گردید پشیمان پس گرفتشان خروشی

فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً ۚ فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٤١﴾ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا آخَرِينَ ﴿٤٢﴾

وگردانیدیشان خاشاک رود پس دور باد برای گروه ستمگاران سپس پدید آوردیم پس از ایشان قرنهائی دیگران

مَا تَسْبِقُ مِنْ اُمَّةٍ اَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ﴿۴۳﴾ ثُمَّ اَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا كُلَّمَا جَاءَ اُمَّةً

سبقت نگیرند هیچ ملتی سرآمد خویش را ونه پس افتند سپس فرستادیم فرستادگان خود را پی در پی هرگاه میآمد ملتی را

رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاَتْبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ اَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

فرستاده اش تکذیبش میکردند پس پیرو گردانیدیم گروهی را از برای گروهی وگردانیدیمشان داستانهائی پس دور باد برای گروهی که ایمان نمیآرند

﴿۴۴﴾ ثُمَّ اَرْسَلْنَا مُوسَى وَاَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿۴۵﴾ اِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَائِهِ

پس فرستادیم موسی وبرادرش هارون را بآیتهای خویش وفرمانروائی آشکار بسوی فرعون وگروهش

فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ ﴿۴۶﴾ فَقَالُوا اَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ

پس سرکشیدند وشدند قومی برتری جویان پس گفتند آیا ایمان آریم برای دو بشر همانند ما وقوم آنانند برای ما پرستش کنندگان

﴿۴۷﴾ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ ﴿۴۸﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

پس تکذیبشان کردند پس شدند از هلاک شدگان وهمانا دادیم بموسی کتاب را شاید ایشان رهبری شوند

﴿۴۹﴾ وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَاُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا اِلَى رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ وَمَعِينٍ ﴿۵۰﴾ يَا اَيُّهَا

وگردانیدیم پسر مریم ومادرش را آیتی وپناهشان دادیم بسوی فرازی دارای آرامش وآبی گوارا ای

الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا اِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿۵۱﴾ وَاِنَّ هَذِهِ اُمَّتُكُمْ

پیمبران بخورید از پاکیزه ها وبکنید کاری شایسته همانا منم بدانچه میکنید دانا وهمانا این است ملت شما

اُمَّةً وَاحِدَةً وَاَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ ﴿۵۲﴾ فَتَقَطَّعُوا اَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا

ملتی یگانه ومنم پروردگار شما پس مرا بترسید پس پخش کردند کار خود را میان خود نامه هائی هر حزبی است بدانچه

لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ﴿۵۳﴾ فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّى حِينٍ ﴿۵۴﴾ اَيَحْسَبُونَ اَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَالٍ

نزد ایشان است شادمان پس بگذارشان در فرو رفتگیشان تا زمانی آیا پندارند که آنچه کمک دهیمشان بدان از مال

وَبَنِينَ ﴿۵۵﴾ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ بَلْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿۵۶﴾ اِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ

وفرزندان شتاب کنیم برای ایشان در خوبیها بلکه در نمییابند همانا آنانکه از ترس پروردگار خویشند

مُشْفِقُونَ ﴿۵۷﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ﴿۵۸﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ

هراسان وآنانکه بآیتهای پروردگار خویشند ایمان آرندگان وآنانکه بپروردگار خویش شرک نورزند

﴿۵۹﴾ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ اَنَّهُمْ اِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ﴿۶۰﴾ اُولَئِكَ

وآنانکه دهند آنچه را دهند ودلهاشان لرزان است که بسوی پروردگار خویشند بازگشت کنان آنان

يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ﴿۶۱﴾ وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ

میشتابند در خوبیها وایشانند آنها را پیشی گیرندگان وتکلیف نکنیم کس را جز باندازه گشایش او (تاب وتوانش) ونزد ماست نامه

يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۶۲﴾ بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِنْ هَذَا وَلَهُمْ اَعْمَالٌ مِنْ دُونِ ذَلِكَ

که سخن گوید بحق وایشان ستم نمیشوند بلکه دلهاشان در گردابی است از این وایشانراست کارهائی جز این

هُمْ لَهَا عَامِلُونَ ﴿۶۳﴾ حَتَّى اِذَا اَخَذْنَا مُتْرَفِيهِمْ بِالْعَذَابِ اِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ ﴿۶۴﴾ لَا تَجْأَرُوا الْيَوْمَ

که ایشانند آنها را کنندگان تا گاهی که گیریم هوسرانان (یا فرو رفتگان) ایشان را بعذاب ناگهان فغان برآرند ننالید امروز

اِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنْصَرُونَ ﴿۶۵﴾ قَدْ كَانَتْ آيَاتِي تُتْلَى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَى اَعْقَابِكُمْ تَنْكِصُونَ ﴿۶۶﴾

همانا شما از ما یاری نشوید بودند آیتهای ما خوانده میشدند بر شما پس بودید بر پاشنه های خویش برمیگشتید

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِۦ سَامِرًا تَهْجُرُونَ ﴿٦٧﴾ أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُم مَّا لَمْ يَأْتِ آبَاءَهُمُ

کبر ورزندگان بدان بشب نشینی بیهده گویان آیا تدبر نکردند سخن را یا بیامدشان آنچه نیامد پدرانشانرا آن

الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾ أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُ مُنكِرُونَ ﴿٦٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ بِهِ جِنَّةٌ ۚ بَلْ

پیشینیان یا نشناختند پیمبر خویش را پس ایشانند او را انکارکنان (ناشناسان) یا گویند بدو آشفتگی است بلکه

جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَوِ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَاوَاتُ

بیامدشان بحق وبیشتر ایشانند حق را ناخوش دارندگان واگر پیروی کند حق هوسهای آنانرا هرآینه فاسد شود آسمانها

وَالْأَرْضُ وَمَن فِيهِنَّ ۚ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَن ذِكْرِهِم مُّعْرِضُونَ ﴿٧١﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا

وزمین وهرکه در آنهاست بلکه آوردیمشان بذکر خود پس ایشانند از ذکر خود روی گردانان یا پرسیشان هزینه

فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ

پس هزینهٔ پروردگار تو بهتر است واو است بهترین روزی دهندگان وهمانا تو خوانیشان بسوی راهی راست وهمانا

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَاكِبُونَ ﴿٧٤﴾ وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِم مِّن ضُرٍّ

آنانکه ایمان نمیآرند بآخرت از راهند کناره گیران (کجروان) واگر رحم کنیم ایشانرا وبگشائیم آنچه بدیشان است از رنج

لَّلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ﴿٧٥﴾ وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ

همانا خیرگی کنند در سرکشی خود فرو روندگان وهمانا گرفتیمشان بعذاب پس فروتن نشدند برای پروردگار خویش ونه زاری کنند

﴿٧٦﴾ حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٧﴾ وَهُوَ الَّذِي

تا گاهیکه برگشودیم برایشان دری را دارای عذابی سخت ناگهان ایشانند در آن سراسیمه یا نومیدان واو است آنکه

أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۚ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ﴿٧٨﴾ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ

پدید آورد برای شما گوش ودیدگان ودلها را بکمی سپاس گذارید واو است آنکه آفرید شما را

فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٧٩﴾ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ۚ أَفَلَا

از زمین وبسوی او گرد آورده شوید واو است آنکه زنده کند وبمیراند وبرای او است گردش شبانه روز آیا

تَعْقِلُونَ ﴿٨٠﴾ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ ﴿٨١﴾ قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا

بخرد نمیابید بلکه گفتند همانند آنچه گفتند پیشینیان گفتند آیا گاهی که مردیم وشدیم خاکی واستخوانهائی آیا مائیم

لَمَبْعُوثُونَ ﴿٨٢﴾ لَقَدْ وُعِدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَٰذَا مِن قَبْلُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

برانگیختگان همانا وعده داده شدیم ما وپدران ما اینرا از پیش نیست این جز افسانه های پیشینیان

﴿٨٣﴾ قُل لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَن فِيهَا إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٨٤﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۚ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

بگو از آن کیست زمین وآنکه در آن است اگر هستید دانایان زود است گویند برای خدا بگو پس چرا یاد آور نمیشوید

﴿٨٥﴾ قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٨٦﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۚ قُلْ

بگو کیست پروردگار آسمانهای هفتگانه وپروردگار عرش بزرگ بزودی گویند از آن خدا بگو

أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٨٧﴾ قُلْ مَن بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ

پس چرا پرهیزکاری نکنید بگو کیست که بدست او است پادشاهیهای همه چیز واو پناه دهد وبر او پناه داده نشود اگر

تَعْلَمُونَ ﴿٨٨﴾ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ ۚ قُلْ فَأَنَّىٰ تُسْحَرُونَ ﴿٨٩﴾ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿٩٠﴾

میدانید زود است گویند برای خدا بگو پس بکجا افسون میشوید بلکه آوردیمشان بحق وهمانا ایشانند دروغگویان

حزب (٢)

مَا اتَّخَذَ اللّٰهُ مِنْ وَلَدٍ وَّمَا كَانَ مَعَهٗ مِنْ اِلٰهٍ اِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ اِلٰهٍۢ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ
برگرفت خدا فرزندی وبنود بادی خدائی جدا گانه میبرد هر خدائی آنچه را بیافریده بسوی برتری بحجت برخی از ایشان
عَلٰى بَعْضٍ ؕ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ﴿٩١﴾ عٰلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿٩٢﴾
بر برخی منزه است خدا از آنچه میستایند دانای نهان وپیدا پس برتر است از آنچه شرک ورزند
قُلْ رَّبِّ اِمَّا تُرِيَنِّيْ مَا يُوْعَدُوْنَ ﴿٩٣﴾ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِيْ فِى الْقَوْمِ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٩٤﴾ وَاِنَّا عَلٰٓى
بگو پروردگارا اگر بنمایانم آنچه را وعده داده شوند پروردگارا پس نگردان مرا در گروه ستمگران وهمانا ما بر
اَنْ نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقٰدِرُوْنَ ﴿٩٥﴾ اِدْفَعْ بِالَّتِىْ هِىَ اَحْسَنُ السَّيِّئَةَ ؕ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا
آنکه بنمایانیم آنچه را وعده بدشان دهیم توانا بان دور کن بآنچه آن بهتر است بدی را ما دانا تریم بآنچه
يَصِفُوْنَ ﴿٩٦﴾ وَقُلْ رَّبِّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هَمَزٰتِ الشَّيٰطِيْنِ ﴿٩٧﴾ وَاَعُوْذُ بِكَ رَبِّ اَنْ يَّحْضُرُوْنِ
میستایند وبگو پروردگارا پناه برم بتو از بریهای شیاطین وپناه برم بتو پروردگارا از آنکه حاضر آیند
﴿٩٨﴾ حَتّٰٓى اِذَا جَآءَ اَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُوْنِ ﴿٩٩﴾ لَعَلِّىْٓ اَعْمَلُ صَالِحًا فِيْمَا تَرَكْتُ
تا گاهی که بیاید یکیشان را مرگ گوید پروردگارا بازگردانیدم مرا شاید کرداری شایسته کنم در آنچه بازگذاردم
كَلَّا ؕ اِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَآئِلُهَا ؕ وَمِنْ وَّرَآئِهِمْ بَرْزَخٌ اِلٰى يَوْمِ يُبْعَثُوْنَ ﴿١٠٠﴾ فَاِذَا نُفِخَ فِى
چنین است همانا آن است سخنی که او است گوینده آن واز پشت سرآنان است برزخی (بازداری) تا روز یکه برانگیخته شوند هنگامیکه دمیده شود در
الصُّوْرِ فَلَآ اَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَّلَا يَتَسَآءَلُوْنَ ﴿١٠١﴾ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِيْنُهٗ فَاُولٰٓئِكَ
صور بناشد تبادی میانشان در آنروز ونه از احوال یکدیگر پرسند پس آنکه سنگین شود سنجشهایش آنانند
هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ ﴿١٠٢﴾ وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِيْنُهٗ فَاُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ خَسِرُوْٓا اَنْفُسَهُمْ فِىْ جَهَنَّمَ خٰلِدُوْنَ
رستگاران وآنکه سبک شود سنجشهایش پس آنانند که زیان کردند خویشتن را در دوزخ جاودانان
﴿١٠٣﴾ تَلْفَحُ وُجُوْهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيْهَا كٰلِحُوْنَ ﴿١٠٤﴾ اَلَمْ تَكُنْ اٰيٰتِىْ تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ
برمیان سازد روهایشانرا آتش وایشانند در آن چهره سوختگان (بادانشیر لبها جمع شود وناهنجار گردد دندانها پیدا گردد زشت) آیا نبود آیتهایم خوانده شده بر شما پس بودید
بِهَا تُكَذِّبُوْنَ ﴿١٠٥﴾ قَالُوْا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَآلِّيْنَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَآ اَخْرِجْنَا
بآنها تکذیب کنندگان گفتند پروردگارا چیره گشت بر ما شیره روزی ما ودیم گروهی گمراهان پروردگارا برون آر ما را
مِنْهَا فَاِنْ عُدْنَا فَاِنَّا ظٰلِمُوْنَ ﴿١٠٧﴾ قَالَ اخْسَـُٔوْا فِيْهَا وَلَا تُكَلِّمُوْنِ ﴿١٠٨﴾ اِنَّهٗ كَانَ فَرِيْقٌ
از آن پس اگر باز گشتیم همانا ما ایم ستمکاران گفت گم شوید (نهیبی بجنگ برندند) در آن ودیگر سخن نگوئید همانا بودند گروهی
مِّنْ عِبَادِىْ يَقُوْلُوْنَ رَبَّنَآ اٰمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَاَنْتَ خَيْرُ الرّٰحِمِيْنَ ﴿١٠٩﴾ فَاتَّخَذْتُمُوْهُمْ
از بندگانم میگفتند پروردگارا ایمان آوردیم پس بیامرز مارا ورحم کن برما وتوئی بهترین رحم کنندگان پس برگرفتیدشان
سِخْرِيًّا حَتّٰٓى اَنْسَوْكُمْ ذِكْرِىْ وَكُنْتُمْ مِّنْهُمْ تَضْحَكُوْنَ ﴿١١٠﴾ اِنِّىْ جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوْٓا
مسخره تا فراموشتان کردند یاد مرا وبودید بدیشان خنده زنان همانا پاداششان دادم امروز بدانچه شکیبا شدند
اَنَّهُمْ هُمُ الْفَآئِزُوْنَ ﴿١١١﴾ قٰلَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِى الْاَرْضِ عَدَدَ سِنِيْنَ ﴿١١٢﴾ قَالُوْا لَبِثْنَا
کامیابانند رستگاران گفت چند ماندید در زمین بشمار سالیان گفتند ماندیم
يَوْمًا اَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسْـَٔلِ الْعَآدِّيْنَ ﴿١١٣﴾ قٰلَ اِنْ لَّبِثْتُمْ اِلَّا قَلِيْلًا لَّوْ اَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿١١٤﴾
روزی یا پاره روزی پس پرس از شمارندگان گفت نماندید مگر اندکی اگر بودید میدانستید

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿١١٥﴾ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَٰهَ

پس آیا پندارید آنکه شما را آفریدیم بیهوده و آنکه شما بسوی ما باز نمیگردید پس برتر است خدا پادشاه حق نیست خدائی

إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾ وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا

جز او پروردگار عرش گرامی و آنکه بخواند با خدا خدائی دیگر را که نیست جز آن حجتی بر آن جز این نیست

حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿١١٧﴾ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١١٨﴾

که حسابش نزد پروردگار است هماناکه رستگار نشوند کافران و بگو پروردگارا بیامرز و رحم کن و تو ئی بهترین رحم کنندگان

سورة النور مدنية وآياتها اربع وستون آية

سورة ٢٤ — حروفها ٥٩٨٠ — كلماتها ١٣١٩

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿١﴾ الزَّانِيَةُ

سورتیست (بحکمیت) فرستادیم و بایسته داشتیمش و فرستادیم در آن آیتهائی روشن شاید بیاد آورید زن زناکار

وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ

و مرد زناکار بزنید هرکدام را از آنان صد ضربه (تازیانه) و نگیرد شما را بدانان رحمی در دین خدا اگر

كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابَهُمَا طَائِفَةٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ الزَّانِي

ایمان دارید بخدا و روز باز پسین و باید گواه باشند شکنجهٔ آنرا گروهی از مؤمنان مرد زناکار

لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحُرِّمَ ذَٰلِكَ

همسر نگیرد جز زناکاری یا مشرکی را و زن زناکار همسر نشود او را مگر زناکاری یا مشرکی و حرام است آن

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ ﴿٣﴾ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ

بر مؤمنان و آنانکه پرتاب کنند بسوی زنان پارسا و سپس نیارند چهار تن گواهان پس بزنید شان

ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٤﴾ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا

هشتاد تازیانه و نپذیرید برای ایشان گواهی هیچگاه و آنانند نافرمانان مگر آنانکه باز گشتند

مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٥﴾ وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ

از این پس و شایستگی گزیدند که خداوند آمرزنده مهربان و آنانکه بپرتاب کنند بسوی زنان آمرزنده (توبه پذیرند این حکم تا آخر سورت) و نباشد مر ایشان

شُهَدَاءُ إِلَّا أَنْفُسُهُمْ فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٦﴾ وَالْخَامِسَةُ

گواهانی جز خویشتن پس گواهی یکیشان چهار گواهی است سوگند بخدا که آنمرد است از راستگویان و پنجمین

أَنَّ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٧﴾ وَيَدْرَأُ عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ

آنکه لعنت خدا باد بر او اگر باشد از دروغگویان و دور میکند از زن شکنجه را که

تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٨﴾ وَالْخَامِسَةَ أَنَّ غَضَبَ اللَّهِ

گواهی دهد چهار گواهی سوگند بخدا که آنمرد است از دروغگویان و پنجمین آنکه خشم خدا

عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٩﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾

بر او باد اگر آنمرد است از راستگویان و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمتش و آنکه خداست توبه پذیرنده حکیم

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُو بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ
هانا آنانکه آوردند تهمت را گروهی بستند از شما مپندارید شرش بد برای شما بلکه آن خوبست برای شما
لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُم مَّا اكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّىٰ كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١١﴾ لَّوْلَا
هر مردی از ایشان راست آنچه دست آورد از گناه وآنکه برگرفت بیشتر از آن از ایشان برای اوست عذابی بزرگ چرا
إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَٰذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ ﴿١٢﴾ لَّوْلَا
آنگاه که شنیدید دروغ گمان نبردند مردان وزنان مؤمن بهمدیگر خوبی را وگفتند این است تهمتی آشکار چرا
جَاءُو عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَٰئِكَ عِندَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ
یاوردند بر آن چهارتن گواهان پس چون نیاوردند گواهان را آنانند نزد خدا دروغگویان
﴿١٣﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ
واگر نبود فضل خدا برشما ورحمتش در دنیا وآخرت هرآینه برسید شما را در آنچه فرو رفتید در آن عذابی
عَظِيمٌ ﴿١٤﴾ إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُم مَّا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا
بزرگ آنگاه که فرا گرفتید آن را بزبانهای خود وبگفتید بدهانهای خویش آنچه نبود دشان بدان علمی ومپنداشتید آن را آسان
وَهُوَ عِندَ اللَّهِ عَظِيمٌ ﴿١٥﴾ وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُم مَّا يَكُونُ لَنَا أَن نَّتَكَلَّمَ بِهَٰذَا سُبْحَانَكَ
حالیکه آنست نزد خدا بزرگ وچرا آنگاه که شنیدید آن را نگفتید نرسد ما را که سخن رانیم بدین منزهی تو خدایا
هَٰذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ ﴿١٦﴾ يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَن تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ﴿١٧﴾ وَيُبَيِّنُ
این است تهمتی بزرگ اندرز دهد شما را خدا بازگردید بمانند آن همیشه اگر هستید مؤمنان وآشکار سازد
اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٨﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَن تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ
خدا برای شما آیتها وخدا دانای حکیم هانا آنانکه دوست دارند که فراوان (وپنهان) شود فحشاء در آنانکه
آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿١٩﴾ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ
ایمان آورده اند عذابی دردناک در دنیا وآخرت وخدا میداند وشما نمیدانید واگر نبود فضل خدا
عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ
برشما ورحمتش وآنکه خدا رئوف رحیم است ای آنانکه ایمان آورده پیروی نکنید گامهای شیطان را
وَمَن يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
وهرکه پیروی کند گامهای شیطان را هانا او امر کند بفحشا وناپسند واگر نبود فضل خدا برشما
وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَىٰ مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢١﴾
ورحمتش پاک نمیشد از شما کسی هیچگاه ولیکن خدا پاک سازد هرکرا خواهد وخدا شنوای دانا
وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنكُمْ وَالسَّعَةِ أَن يُؤْتُوا أُولِي الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي
وگواهی نخواهند قرابتمندان از شما وداران مگان کسانیش که بدهند خویشاوندان وبینوایان وهجرت کنندگانرا در
سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ
راه خدا وباید عفو کنند ودرگذرند آیا نمیخواهید (دوست ندارید) که بیامرزد خدا برای شما وخداست آمرزنده مهربان هانا آنانکه
يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعِنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾
برنامه کنند بسوی زنان پارسای بیخبر (آنانرا که مقذوف واقع) لعنت شوند در دنیا وآخرت وایشانراست شکنجه بزرگ

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ اَلْسِنَتُهُمْ وَاَيْدِيهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۲۴﴾ يَوْمَئِذٍ يُوَفِّيهِمُ

روزیکه گواهی دهد برایشان زبانهاشان ودستهاشان وپاهاشان بدانچه بودند میکردند درآنروز بپردازدشان

اللّٰهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ اَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿۲۵﴾ اَلْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ

خدا دین ایشانرا حق وبدانند که خداوندست حق آشکار زنان پلید برای مردان پلیدند ومردان پلید برای زنان پلیدند

وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ اُولٰٓئِكَ مُبَرَّؤُنَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ

وزنان پارسا (پاک) برای مردان پاکند ومردان پاک برای زنان پاکند آنان بیزارند ازآنچه گویند ایشانراست آمرزشی وروزیی

كَرِيمٌ ﴿۲۶﴾ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتّٰى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا

گرامی ای آنانکه ایمان آوردید درون نشوید خانه‌هائیرا جز خانه‌های خویش تا آشنا شوید وسلام کنید

عَلٰٓى اَهْلِهَا ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿۲۷﴾ فَاِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا اَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا

بر اهلش این بهتراست برای شما شاید یاد آورید واگر نیافتید درآنها کسی را پس درنیائید درآنها

حَتّٰى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَاِنْ قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ اَزْكٰى لَكُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿۲۸﴾

تا اذن داده شوید واگر گفته شد بشما بازگردید پس بازگردید آن پاکتراست برای شما وخدا بدانچه کنید داناست

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا

نیست برشما باکی که درآئید بخانه‌های غیرمسکونی (تهی ازکسان) که درآنهاست کالا یا بهره برای شما وخدا میداند آنچه را

تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ﴿۲۹﴾ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذٰلِكَ

آشکار کنید وآنچه را نهان دارید بگو بمؤمنان بپوشند دیدگان خودرا ونگاهدارند فرجهای خودرا آن

اَزْكٰى لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿۳۰﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ

پاکتراست برای ایشان همانا خدا آگاه است بدانچه میسازند وبگو بزنان مؤمنه فروپوشند دیدگان خودرا ونگهدارند

فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ اِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلٰى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ

فرجهای خودرا وآشکار نسازند زیور خودرا مگر آنچه نمایان است (یا برآمده است) ازآن وباید بیفکنند مقنعه‌های خودرا برگریبانهای خود وپدیدار نکنند

زِينَتَهُنَّ اِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ اَوْ اٰبَائِهِنَّ اَوْ اٰبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ اَوْ اَبْنَائِهِنَّ اَوْ اَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ اَوْ اِخْوَانِهِنَّ

زیور خویش را مگر برای شوهران خود یا پدران خود یا پدران شوهران خود یا فرزندان خود یا فرزندان شوهران خود یا برادران خود

اَوْ بَنِي اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِي اَخَوَاتِهِنَّ اَوْ نِسَائِهِنَّ اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُنَّ اَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ اُولِي

یا برادرزادگان خود یا خواهرزادگان خود یا زنان خود یا آنچه مالک است دستهای ایشان یا پیروانی که ندارندگان

الْاِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ اَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلٰى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ

کامند (یا نیازند) از مردان یا کودکانی که چیره نشده‌اند بر عورتهای زنان ونکوبند زنان

بِاَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا اِلَى اللّٰهِ جَمِيعًا اَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ

پایهای خودرا تا دانسته شود آنچه نهان دارند از زیور خویش وبازگردید بسوی خدا همگی ای مؤمنان

لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۳۱﴾ وَاَنْكِحُوا الْاَيَامٰى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ

شاید رستگار شوید وهمسر گیرید زنان بی شوهررا ازشما وشایستگان از بندگان و

اِمَائِكُمْ اِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۲﴾

کنیزگان خویش را اگر باشند بینوایان بینیازشان سازد خدا از فضل خود وخداست گشایشمند دانا

وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ

و باید خویشتن داری کنند (عفت ورزند) آنانکه نمییابند آمیزشی یا همسری تا بی نیازشان گرداند خدا از فضل خویش و آنانکه خواستار مکاتبه هستند

مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۖ وَآتُوهُمْ مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ ۚ

از آنچه دستهای شما مالک است پس مکاتبه کنید با ایشان اگر دانستید در ایشان خوبی را و دهیدشان از مال خدا که بشما داده است

وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَنْ

و وادار نکنید بناخواه کنیزان خویش را بروسپی اگر خواهند خویشتن نگهداشتن را تا جوئید بهره زندگانی دنیا را و آنکو

يُكْرِهْهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ

وادارشان کند همانا خداوند است پس از واداشتن آنان آمرزنده مهربان و همانا فرستادیم بسوی شما آیتهائی روشن

وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٤﴾ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ

و نمونه از آنانکه گذشتند پیش از شما و اندرزی برای پرهیزکاران خداست نور آسمانها و زمین

مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ ۖ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۖ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ

مثل نور او مانند قندیلی است که در آنست چراغی که آنچراغ است در بلوری آن بلور مانند ستاره است درخشان

يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ

که افروخته شود از درخت خجسته زیتونی نه خاوری و نه باختری نزدیکست روغنش بتابد هرچند

تَمْسَسْهُ نَارٌ ۚ نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ ۚ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ ۗ وَاللَّهُ

نرسدش آتش فروغی است بر فروغی رهبری کند خدا بنور خویش هرکه را خواهد و بزند خدا مثلها را برای مردم و خداست

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٣٥﴾ فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ

بهمه چیز دانا در خانه هائی که رخصت داد خدا که افراشته شود و برده شود در آنها نامش تسبیح گویدش در آنها بامدادان

وَالْآصَالِ ﴿٣٦﴾ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ

و شامگاه مردانیکه سرگرمشان نسازد بازرگانی و نه سوداگری از یاد خدا و بپایداشتن نماز و دادن زکوة

يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ﴿٣٧﴾ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ

ترسند روزی را که میگردد در آن دلها و دیده ها تا پاداششان دهد خدا بهتر آنچه کردند و بیفزایدشان

مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ

از فضل خویش و خدا روزی دهد هرکه را خواهد بیشمار و آنانکه کفر ورزیدند کردارشان مانند سرابی است در خشکزاری که پنداردش

الظَّمْآنُ مَاءً ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ حِسَابَهُ ۗ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

تشنه لب آبی تا گاهی که بیایدش نیابدش چیزی و بیابد خدا را نزد آن پس بدو دهد حسابش را و خداست شتابنده در حساب

﴿٣٩﴾ أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ۚ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا

یا مانند تاریکیهائی در دریائی ژرف بپوشاندش موجی (فراگیردش) از فراز آنست موجی که از فراز آنست ابری تاریکیهائی است پاره ای از آنها

فَوْقَ بَعْضٍ ۚ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا ۗ وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ ﴿٤٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ

برفراز پاره ای گاهی که برون آرد دستش را نیارد که بیندش و آنکو ننهاده است خدا برایش نوری پس نباشدش نوری آیا ندیدی که خدا

يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرُ صَافَّاتٍ ۚ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٤١﴾

تسبیح گویدش آنکه در آسمانها و زمین است و مرغان بال گشادگان هرکدام دانست نماز و تسبیحش را و خدا داناست بدانچه کنند

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ ﴿٤٢﴾ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ

وبرای خداست پادشاهی آسمانها وزمین وبسوی خداست بازگشت آیا نه بینی که خدا براند ابری پس گرد آورد

بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا

میانش تا بگرداندش تودهٔ انباشته که بینی باران را برون آید از شکافهای آن وبفرستد از آسمان از کوههائی که در آنهاست

مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنْ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ يَذْهَبُ بِالْاَبْصَارِ

از تگرگ پس برساندش بهرکه خواهد وبازگرداندش از هرکه خواهد نزدیک است تابش برق آن ببرد دیدگان را

﴿٤٣﴾ يُقَلِّبُ اللّٰهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِاُولِي الْاَبْصَارِ ﴿٤٤﴾ وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ

میگرداند خدا شب وروز را همانا در این است عبرتی برای خداوندان دیده‌ها وخدا آفرید هر جنبنده را

مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى

از آب پس از ایشان است آنکه میرود بر شکم خود واز ایشان است آنکه میرود بر دو پا واز ایشان است آنکه میرود بر

اَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللّٰهُ مَا يَشَاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٤٥﴾ لَقَدْ اَنْزَلْنَا آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَاللّٰهُ

چهار بیافرد خدا هرچه خواهد همانا خداست بر همه چیز توانا همانا فرستادیم آیتهائی روشن وخدا

يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ اِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٤٦﴾ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَاَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى

هدایت کند هرکه را خواهد بسوی راهی راست وگویند ایمان آوردیم بخدا وبرسول وفرمانبردیم پس پشت کنند

فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ وَمَا اُولٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ وَاِذَا دُعُوا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُولِهِ

گروهی از ایشان پس از آن ونیستند مؤمنان وگاهی که خوانده شوند بسوی خدا وپیمبرش

لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ اِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ ﴿٤٨﴾ وَاِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا اِلَيْهِ

تا حکم راند میانشان ناگاه گروهی از ایشانند روی گردانان واگر باشد برای ایشان حق آیند بسوی او

مُذْعِنِينَ ﴿٤٩﴾ اَفِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ اَمِ ارْتَابُوا اَمْ يَخَافُونَ اَنْ يَحِيفَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ

سرسپردگان آیا در دلهای ایشان بیماری است یا شک دارند یا ترسند که ستم کند خدا بر ایشان وپیمبرش بلکه

اُولٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٥٠﴾ اِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ اِذَا دُعُوا اِلَى اللّٰهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ

خود آنانند ستمکاران جز این نیست که گفتار مؤمنان گاهی که خوانده شوند بسوی خدا وپیمبرش تا حکم راند

بَيْنَهُمْ اَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا وَاُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَنْ يُطِعِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ

میان ایشان آنست که گویند شنیدیم وفرمانبردیم و ایشانند رستگاران وآنکو فرمان برد خدا وپیمبرش را

وَيَخْشَ اللّٰهَ وَيَتَّقْهِ فَاُولٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٥٢﴾ وَاَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ

وبترسد خدا را وبپرهیزدش پس آنانند کامیابان وسوگند یاد کردند بخدا سخت ترین سوگندان خود

لَئِنْ اَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُلْ لَا تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

که اگر بفرمائیشان هرآینه برون روند بگو سوگند یاد نکنید فرمانبرداری است شناخته همانا خدا آگاه است بدانچه میکنید

﴿٥٣﴾ قُلْ اَطِيعُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُوا الرَّسُولَ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا

بگو فرمانبرید خدا را وفرمانبرید پیمبر را پس اگر پشت کردند جز این نیست که بر او است آنچه بار شد و بر شما است آنچه

حُمِّلْتُمْ وَاِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ اِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٥٤﴾

بار شدید واگر فرمانبریدش رهبری شوید ونیست بر پیمبر جز رساندن آشکار

تا از آنجنگ فارغ شد وروی بباز گشت آورد وروایت است که آن غزوهٔ بنی مصطلق از غزوه بود وچون بنزدیک مدینه رسیدیم در یکی از منازل بدانهنگام که کوچ سپاه اعلام شده بود در پی قضای حاجت شدم واز برای این کار از لشکر لختی دور شدم لیکن پس از انجام آنکار بشتافتم وبکجاوهٔ خویش رسیدم اما ناگهان دست بسینه نهادم ودریافتم که مگر عقد گوهری از گردن بند مروارید گسیخته شده پس در پی جستن آن بازگشتم واینکار چندان بدراز کشید که آنانکه بر حمل کجاوهٔ من گمارده بودند بیامدند وهودج را بپنداشتند که من در آنم حمل نمودند وهمانا زنان آنعهد هنوز گوشت سنگین وفربه نشده بود چه خوراکی جز لیسچهٔ اندک وناچیز دچار ایشان نمیشدی واز این رهگذر بود که در حمل سبک بودند لاجرم

حزب (٤)

سارابانان بدانگمان که در هودج اندرم آنرا برداشتند وبار کردند وبا سپاه برفتند وچون من عقد باز جستم وبرگشتم از داعی ومجیب اثری نیافتم پس بجایگاه خویش که نخست در آن بودم

وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْاَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ

وعده داد خدا آنانرا که ایمان آوردند از شما و کردار شایسته کردند که جای نشین گرداند شان در زمین چنانکه جای نشین گردانید

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضٰى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ

آنان را که پیش از ایشان بودند و هر آینه فرمانروا گرداند برای ایشان دینشانرا که پسندید برای ایشان و همانا بدیشان دهد پس از ترسشان

اَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿۵۵﴾ وَاَقِيمُوا

آسایشی بپرستندم و شرک نورزند بمن چیزی و آنکه کفر ورزد پس از این همانا آنانند نافرمانان و بپا دارید

الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۵۶﴾ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

نماز را و بدهید زکوة را و فرمانبرید پیمبر را شاید رحم شوید نپندار آنانرا که کفر ورزیدند

مُعْجِزِينَ فِي الْاَرْضِ وَمَاْوٰيهُمُ النَّارُ وَلَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۵۷﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لِيَسْتَاْذِنْكُمُ

بعجز آرندگان در زمین و جایگاه ایشان است آتش و چه زشت بازگشتگاهی است ای آنانکه ایمان آوردید باید دستور خواهند از شما

الَّذِينَ مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلٰثَ مَرّٰتٍ مِنْ قَبْلِ صَلٰوةِ

آنانکه مالک است دستهای شما و آنانکه نرسیدند مردی را از شما سه بار پیش از نماز

الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلٰوةِ الْعِشَاءِ ثَلٰثُ عَوْرٰتٍ

بامداد و گاهیکه بگذارید جامه های خود را بنیمروز و پس از نماز شام سه عورت است

لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوّٰفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلٰى

برای شما نیست بر شما و نه بر ایشان پروائی پس از آنها گردش کنندگان باشند بر شما برخی بر

بَعْضٍ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۵۸﴾ وَاِذَا بَلَغَ الْاَطْفَالُ مِنْكُمُ

برخی بدینسان بیان کند خدا برای شما آیتها را و خداست دانای حکیم و هنگامی که رسند کودکان از شما

الْحُلُمَ فَلْيَسْتَاْذِنُوا كَمَا اسْتَاْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهِ وَاللّٰهُ

مردی را پس باید دستوری خواهند چنانکه دستوری خواستند آنانکه پیش از ایشان بودند بدینسان بیان کند خدای برای شما آیتهای خویش را و خداست

عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۵۹﴾ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللّٰاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ

دانای حکیم و بازنشستگان از زنانی که امید آمیزش ندارند پس نیست بر ایشان پروائی

اَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجٰتٍ بِزِينَةٍ وَاَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللّٰهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۶۰﴾

که بگذارند جامه های خود را ناآشکار کنندگان زیوری و عفت جویند بهتر است برای ایشان و خداست شنوای دانا

لَيْسَ عَلَى الْاَعْمٰى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْاَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلٰٓى اَنْفُسِكُمْ اَنْ

نیست بر کور پروائی و نه بر لنگ پروائی و نه بر بیمار پروائی و نه بر شما که

تَاْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ اَوْ بُيُوتِ اٰبَآئِكُمْ اَوْ بُيُوتِ اُمَّهَاتِكُمْ اَوْ بُيُوتِ اِخْوَانِكُمْ اَوْ بُيُوتِ

بخورید از خانه های خود یا خانه های پدران خود یا خانه های مادران خود یا خانه های برادران خود یا خانه های

اَخَوَاتِكُمْ اَوْ بُيُوتِ اَعْمَامِكُمْ اَوْ بُيُوتِ عَمّٰتِكُمْ اَوْ بُيُوتِ اَخْوَالِكُمْ اَوْ بُيُوتِ

خواهران خود یا خانه های عمویان خود یا خانه های عمه های خود یا خانه های خالوهای خود یا خانه های

خٰلَاتِكُمْ اَوْ مَا مَلَكْتُمْ مَفَاتِحَهُ اَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَاْكُلُوا جَمِيعًا اَوْ اَشْتَاتًا ﴿۶۱﴾

خاله های خود یا آنچه دارید کلیدهای آنرا یا دوستان نیست بر شما پروائی که بخورید همگی یا جدا جدا

فَإِذَا دَخَلْتُم بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِندِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ

پس هنگامی که درآیید بخانهای سلام کنید بر خویشتن درودی از نزد خدا فرخنده پاکیزه بدینسان روشن کند

اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٦١﴾ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

خدا برای شما آیتها را شاید بخرد آنید جز این نیست که مؤمنان آنانند که ایمان آوردند بخدا و پیغمبرش

وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ

و چون با او باشند در کاری همگانی نروند تا دستوری از او نخواهند همانا آنانکه دستوری خواهند از تو

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ

آنانند که ایمان آرند بخدا و پیغمبرش پس هرگاه دستوری خواستند از تو برای بارهٔ کارشان پس دستوری ده بهر که خواهی

مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٦٢﴾ لَّا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ

از ایشان و آمرزش خواه برای ایشان از خدا که خدا است آمرزندهٔ مهربان مگردانید خواندن پیغمبر را میان شما مانند خواندن

بَعْضِكُم بَعْضًا ۚ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمْ لِوَاذًا ۚ فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ

برخی از شما را همانا داند خدا آنانرا که میخزند از شما پنهانی همگانی پس باید بترسند آنانکه سرپیچند

عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٦٣﴾ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ

از فرمانش که برسدشان آزمایشی یا برسدشان شکنجهٔ دردناک همانا خداراست آنچه در آسمانها و زمین است

قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ ۖ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٦٤﴾

بدرست میداند آنچه را شما در روزی که بازگردانیده شوند بسوی او پس آگهیشان دهد بدانچه کردند و خداست بهمه چیز دانا

سورة الفرقان مكية وآياتها سبع وسبعون آية

سورة ٢٥ — حروفها ٣٧٥٣ — كلماتها ٨٩٢

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ﴿١﴾ الَّذِي لَهُ مُلْكُ

خجسته باد آنکه فرستاد فرقان (جداکننده) را بر بندهٔ خویش تا باشد برای جهانیان ترساننده آنکه ویراست پادشاهی

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ

آسمانها و زمین و برنگرفت است فرزندی و نبود وی را شریکی در پادشاهی و آفرید هر چیزی را

فَقَدَّرَهُ تَقْدِيرًا ﴿٢﴾ وَاتَّخَذُوا مِن دُونِهِ آلِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ وَلَا

و اندازه داشت اندازه داشتنی جز وی خدایانی که نیافرینند چیزی را و خود آفریده شوند و

يَمْلِكُونَ لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا ﴿٣﴾ وَقَالَ الَّذِينَ

ندارند برای خویشتن زیان و نه سودی را و ندارند مرگ و نه زندگی و نه برانگیختنی را و گفتند آنانکه

كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ ۖ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا

کفر ورزیدند نیست این مگر دروغی که بدست آنرا و یاریش کردند بر آن گروهی دیگران همانا آوردند ستم

وَزُورًا ﴿٤﴾ وَقَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ اكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٥﴾

و دروغی را و گفتند افسانه‌های پیشینیان است بنویسانیده است آنها را پس خوانده میشود بر او بامداد و شب هنگام

قصهٔ اصحاب الرس و قرون بسیار میان عاد و ثمود و اصحاب الرس و اصحاب الایکه و قوم تبع

قُلْ أَنزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّهُ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿٦﴾ وَقَالُوا

بگو فرستاده آنرا آنکه میداند نهان را در آسمانها وزمین بیگانه دوست آمرزنده مهربان وگفتند

مَالِ هَٰذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ ۙ لَوْلَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُ

چه شود این پیمبررا که میخورد خوراک را ومیرود در بازارها چرا فرو آورده نشود براو فرشته تا باشد با وی

نَذِيرًا ﴿٧﴾ أَوْ يُلْقَىٰ إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا ۚ وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ

ترساننده یا افکنده شود بسویش گنجی یا باشد براو باغی که بخورد از آن وگفتند ستمگران پیروی نمیکنید

إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا ﴿٨﴾ انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ﴿٩﴾

جز مردی جادو شده را بنگر چگونه زدند برای تو مثلها را پس گمراه شدند پس نتوانند راهی را

تَبَارَكَ الَّذِي إِن شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّن ذَٰلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَل لَّكَ

بخجسته باد آنکه اگر خواهد بنهد برایت بهتر از این باغهائی که روان است زیر آنها جویها وبنهد برایت

قُصُورًا ﴿١٠﴾ بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لِمَن كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ﴿١١﴾ إِذَا رَأَتْهُم مِّن

کاخهائی را بلکه تکذیب کردند بساعت وآماده کردیم برای آنکه تکذیب کند بساعت آتش سوزنده گاهی بینند شان از

مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا ﴿١٢﴾ وَإِذَا أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقَرَّنِينَ دَعَوْا

جایگاهی دور بشنوند برایش خشمی وخروشی را وگاهیکه افکنده شوند از آن بجایگاهی تنگ بهم فشرده گان بخوانند

هُنَالِكَ ثُبُورًا ﴿١٣﴾ لَّا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ﴿١٤﴾ قُلْ أَذَٰلِكَ

در آنجا مرگ را نخوانید امروز یک مرگ را وبخوانید مرگ فراوان را بگو آیا این

خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ۚ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا ﴿١٥﴾ لَّهُمْ فِيهَا

بهتر است یا بهشت جاودانی که نوید داده شدند پرهیزکاران بودست ایشانرا پاداش وبازگشتگاهی برای ایشان است

مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ ۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْئُولًا ﴿١٦﴾ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ

آنچه خواهند جاودانان بودست آن بر پروردگارتو وعده پرسیده وروزیکه گرد آورد شان با آنچه پرستند

مِن دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ أَأَنتُمْ أَضْلَلْتُمْ عِبَادِي هَٰؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ﴿١٧﴾

جز خدا پس گوید آیا شما گمراه کردید بندگانم را ایشان یا خود گم کردند راه را

قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا كَانَ يَنبَغِي لَنَا أَن نَّتَّخِذَ مِن دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِن مَّتَّعْتَهُمْ

گویند منزهی تو نزد ما را که گیریم جز تو دوستانی ولیکن کامیابیشان دادی

وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ ۖ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ﴿١٨﴾ فَقَدْ كَذَّبُوكُم بِمَا تَقُولُونَ

و پدران ایشانرا تا فراموش کردند کتاب را وشدند گروهی تباه پس بدرست شما را تکذیب کردند بدانچه گوئید

فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا ۚ وَمَن يَظْلِم مِّنكُمْ نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ﴿١٩﴾

پس نتوانید گردانیدن نه یاری کردنرا وآنکه ستم کند از شما چشانیمش شکنجه بزرگ

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ ۗ

و نفرستادیم پیش از تو از پیمبران جز آنکه آنان میخورند خوراک را وراه میرفتند در بازارها

وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ﴿٢٠﴾

وگردانیدیم برخی از شما را برای برخی آزمایش آیا شکیبائید ویودست پروردگارتو بینا

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةُ أَوْ نَرَىٰ رَبَّنَا ۗ لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا

وگفتند آنانکه امید ندارند ملاقات ما را چرا فرود نشود بر ما فرشتگان یا ببینیم پروردگار خود را چرا نمی جنبند

فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا ﴿٢١﴾ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ

در دلهاشان و سرکشی کردند سرکشی بزرگ روزی که ببینند فرشتگان را باد مژده در آنروز برای گنهکاران

وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا ﴿٢٢﴾ وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا ﴿٢٣﴾

وگویند دور باشی دور و آمدیم بسوی آنچه کردند از کردار پس گردانیدیمش گردی پراکنده

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ﴿٢٤﴾ وَيَوْمَ تَشَقَّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ

یاران بهشت در آنروز بهترند در آرامگاه و نکوترند در آسودنگاه و روزی که بشکافد آسمان با ابر

وَنُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا ﴿٢٥﴾ الْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَٰنِ ۚ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ

و فرستاده شوند فرستنگان فرستادنی پادشاهی در آنروز حق از آن خدای مهربانست و بود بهت روزی بر کافران

عَسِيرًا ﴿٢٦﴾ وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا

سخت و روزی که بگزد ستمگر دستهای خود را گوید کاشکی گرفته بودم با پیمبر راهی

﴿٢٧﴾ يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ﴿٢٨﴾ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۗ وَكَانَ

ای وای بر من کاشکی نگرفتم فلانرا دوست امانا گمراه کرد از یاد آوری (یا کتاب) پس از آنکه بیامدم و بود

الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ﴿٢٩﴾ وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَٰذَا الْقُرْآنَ

شیطان انسانرا خوار سازنده و گفت پیمبر پروردگارا امانا قوم من برگرفتند این قرآنرا

مَهْجُورًا ﴿٣٠﴾ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ هَادِيًا

ترک شده و همچنان قرار دادیم برای هر پیمبری دشمنی از گنهکاران و بس است پروردگار تو راهنما

وَنَصِيرًا ﴿٣١﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً ۚ كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ

و یاوری و گفتند آنانکه کفر ورزیدند چرا فرود آورده نشد براو قرآن یکبار همچنان تا استوار سازیم

بِهِ فُؤَادَكَ ۖ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ﴿٣٢﴾ وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا

بدان دل را و بتدریج فرستادیش ترتیبی و نیارند مثلی جز آنکه بیاریم بحق و نکوتر تفسیری

﴿٣٣﴾ الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَأَضَلُّ سَبِيلًا

آنانکه گرد آورده شوند (برانگیخته شوند) بر رویهای خود بسوی دوزخ آنان بدترند در جایگاه و گمراه ترند در راه

﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ﴿٣٥﴾ فَقُلْنَا اذْهَبَا

و همانا دادیم بموسی کتاب را و گردانیدیم باو برادرش هارون را وزیری پس گفتیم بروید

إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا ۚ فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ﴿٣٦﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ

بسوی قومی که دروغ پنداشتند آیتهای ما را پس سرنگونشان گردانیدیم و قوم نوح هنگامی که تکذیب کردند فرستادگانرا غرقشان کردیم

وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣٧﴾ وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ

و گردانیدیشان برای مردم آیتی و آماده کردیم برای ستمکاران عذابی دردناک را و عاد و ثمود و یاران

الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَٰلِكَ كَثِيرًا ﴿٣٨﴾ وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ ۖ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ﴿٣٩﴾

رس و قرنهائی را میان آن بسیار و هرکدام زدیم برایش مثلها را و هرکدام را نابود کردیم نابود کردنی

وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ ۚ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا ۚ بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا

وهمانا آمدند بر شهری که باریده شد بارانی بد آیا نبودند که بینندش بلکه بودند امید نداشتند برانگیختنی را

(۴۰) وَإِذَا رَأَوْكَ إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا ۚ أَهَٰذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا (۴۱) إِنْ كَادَ

وهرگاه بینندت نگیرندت جز مسخره آیا اینست آنکه برانگیختش خدا پیمبری نزدیک بود

لِيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا ۚ وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا

که گمراه کند ما را از خدایان ما اگر نه شکیبا میشدیم بر آنها وزود است بدانند گاهی که بینند عذاب را کیست کمتر در راه

(۴۲) أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ ۚ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا (۴۳) أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ

آیا دیدی آنرا که بگرفت خدای خویش را هوس خویش پس آیا تو هستی بر او وکیل یا پنداری که بیشترشان

يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ ۚ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا (۴۴) أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ

میشنوند یا بخرد میابند نیستند جز مانند چهارپایان بلکه ایشانند کمتر در راه آیا ننگریستی بسوی پروردگار خویش چگونه

مَدَّ الظِّلَّ ۖ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ۖ ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا (۴۵) ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا

پهن کرد سایه را واگر میخواست هر آینه میگردانیدش مانده در یکجا پس گردانیدیم خورشید را بر آن راهنما پس بگرفتیمش بسوی ما

قَبْضًا يَسِيرًا (۴۶) وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا

گرفتنی آسان واو است آنکه گردانید برای شما شب را پوششی وخواب را آرامشی وگردانید روز را برانگیختنی

(۴۷) وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۖ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (۴۸)

واو است آنکه فرستاد بادها را مژده پیشروی رحمتش وفرستادیم از آسمان آبی پاک کننده

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا (۴۹) وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ

تا زنده سازیم بدان شهری مرده را وبنوشانیمش از آنچه آفریدیم بدامها ومردمی بسیار وهمانا گردانیدیمش

بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا ۖ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا (۵۰) وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ

میانشان تا یاد آور شوند پس نخواستند بیشتر مردم جز ناسپاسی را واگر میخواستیم هر آینه برمیانگیختیم در هر شهری

نَذِيرًا (۵۱) فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا (۵۲) وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ

ترساننده‌ای پس فرمانبرداری مکن کافران را وجهاد کن با ایشان بدان جهادی بزرگ واو است آنکه بهم آمیخت یا

الْبَحْرَيْنِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ ۖ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا (۵۳)

روان ساخت دو دریا را این گوارای پاکیزه وآن نمکی شور ونهاد میان آنها جداکننده ودیواری افراشته

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ۗ وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا (۵۴) وَيَعْبُدُونَ

واو است آنکه آفرید از آب بشری پس گردانیدش تباری وپیوندی وبود است پروردگار تو توانا ومیپرستند

مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا (۵۵) وَمَا أَرْسَلْنَاكَ

جز خدا آنچه را نه سودشان دهد ونه زیانشان رساند وبود است کافر بر پروردگار خویش پشتیبان ونفرستادیمت

إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا (۵۶) قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

مگر نوید دهنده وترساننده بگو نپرسم شما را بر آن مزدی مگر آنکه خواهد که گیرد بسوی پروردگار خویش راهی

(۵۷) وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ ۚ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا (۵۸)

وتوکل کن بر زنده‌ای که نمیرد وتسبیح کن بسپاسگذاریش وبس است او بگناهان بندگان خویش آگاه

الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ الرَّحْمٰنُ
آنکه آفرید آسمانها وزمین وآنچه میان آنهاست در شش روز سپس استوار شد بر عرش خداوند مهربان

فَسْئَلْ بِهِ خَبِيرًا ﴿٥٩﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمٰنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمٰنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ
پس پرس بدو آگهی را ودرگاه گفته شود بدیشان سجده کنید برای خدای مهربان گویند چیست خدای مهربان آیا سجده کنیم برای آنچه تو ما را فرمایی وبیفزاید ایشان

نُفُورًا ﴿٦٠﴾ تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ﴿٦١﴾ وَهُوَ
رمیدن بجسته باد آنکه نهاد در آسمان برجهائی ونهاد در آن چراغی وماهی تابان را واوست

الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا ﴿٦٢﴾ وَعِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِينَ
آنکه گردانید شب وروز را جایگزین همدیگر برای آنکه بخواهد یاد آور شود یا بخواهد سپاسگذاری را وبندگان خداوند مهربان آنانکه

يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا ﴿٦٣﴾ وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا
میروند بر زمین بهوار وبرگاه سخن گویند باایشان نادانان گویند سلامی وآنانکه شب رابروز آرند برای پروردگار خویش سجده

وَقِيَامًا ﴿٦٤﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ﴿٦٥﴾ إِنَّهَا سَاءَتْ
وبپایستادگان وآنانکه گویند پروردگارا بگردان ازما عذاب دوزخ را که عذابش رفت گیرنده همانا آن زشت است

مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٦٦﴾ وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذٰلِكَ قَوَامًا ﴿٦٧﴾
درآرامش وجایگاه وآنانکه گاهی که انفاق کنند نه فزون روند ونه سخت گیرند وباشد میان این اندازه ای

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلٰهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ
وآنانکه نخوانند با خدا خدائی دیگر ونکشند تنی را که حرام کرد خدا مگر بحق وزنا نکنند

وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ﴿٦٨﴾ يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا ﴿٦٩﴾ إِلَّا
وآنکه بکند چنین را بیابد کیفری را افزوده شود برایش عذاب روز قیامت وجاودان ماند در آن سرافکنده مگر

مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا
آنکو باز گردد وایمان آرد وکردار شایسته کند پس آنان بدیل کند خدا بدیهاشان بنیکیها وبود است خدا آمرزنده

رَحِيمًا ﴿٧٠﴾ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا ﴿٧١﴾ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ
مهربان وآنکه توبه کند وکردار نیک کند همانا باز گردد بسوی خدا بازگشتنی وآنانکه گواه نشوند

الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ﴿٧٢﴾ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ
ناروا را وگاهی که بگذرند بیهوده بگذرند بزرگواران وآنانکه هرگاه یاد آوری شوند آیتهای پروردگارشان خویش

يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا ﴿٧٣﴾ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا
بیفتند برآنها کران وکوران وآنانکه گویند پروردگارا بخشش مارا از همسران ما وفرزندان ما

قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ﴿٧٤﴾ أُولٰئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ
روشنی چشم وبگردان مارا برای پرهیزکاران پیشوائی آنان پاداش داده شوند جایگاه بلندرا بواسطه آنچه شکیبا شدند وپیشکش شوند

فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ﴿٧٥﴾ خَالِدِينَ فِيهَا حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ﴿٧٦﴾ قُلْ مَا يَعْبَؤُا بِكُمْ
در آن بدرود وسلامی جاودانان در آن نکو آرامگاه وجایگاهی است بگو چه رنج نهد (بال دارد) بشما

رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ﴿٧٧﴾
پروردگار من اگر نبود دعای شما همانا تکذیب کردید پس زود است بشود لازم (گیرنده)

سورة الشعراء مكية وآياتها مائتان وسبع وعشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة ۲۶ — حروفها ۵۵۳۲ — كلماتها ۱۲۹۶

نام — خداوند — بخشاینده — مهربان

طسم ① تلك آيات الكتاب المبين ② لعلك باخع نفسك ألا يكونوا مؤمنين ③ إن

این بهت آیتهای کتاب روشن شاید بیازاری تو جان خویش را چرا نیستند مؤمنان اگر

نشأ ننزل عليهم من السماء آية فظلت أعناقهم لها خاضعين ④ وما يأتيهم من

بخواهیم بفرستیم بر ایشان آبتی از آسمان پس بگردد گردنهاشان پیش آن فرومنان و نیاید بشان

ذكر من الرحمن محدث إلا كانوا عنه معرضين ⑤ فقد كذبوا فسيأتيهم أنبؤا ما كانوا

یاد کردی از خدای مهربان نو بیتی مگر آنکه باشند از آن روگردانان همانا تکذیب کردند پس زود است بیاید بایشان دستانهای آنچه بودند

به يستهزءون ⑥ أولم يروا إلى الأرض كم أنبتنا فيها من كل زوج كريم ⑦ إن في ذلك

بدان استهزا کنان آیا نگرند بسوی زمین چه فراوان رویانیدیم در آن از هر جفتی گرامی در اینست

لآية وما كان أكثرهم مؤمنين ⑧ وإن ربك لهو العزيز الرحيم ⑨ وإذ نادى ربك موسى

هر آینه آیتی و نیستند بیشترشان ایمان آرندگان و همانا پروردگار تو اوست عزتمند مهربان هنگامی که خواند پروردگار تو موسی

أن ائت القوم الظالمين ⑩ قوم فرعون ألا يتقون ⑪ قال رب إني أخاف أن يكذبون ⑫

که برو بنزد گروه ستمگران قوم فرعون چرا پرهیزگاری نکنند گفت پروردگارا ترسم تکذیب کنند

ويضيق صدري ولا ينطلق لساني فأرسل إلى هارون ⑬ ولهم علي ذنب فأخاف أن

و تنگ شود سینه ام و روان نگردد زبانم پس بفرست بسوی هرون و رایشان است بر من گناهی و ترسم

يقتلون ⑭ قال كلا فاذهبا بآياتنا إنا معكم مستمعون ⑮ فأتيا فرعون فقولا إنا رسول

مرا بکشند گفت چنین نیست بروید شما هر دو با نشانهای ما بدانیم با شما شنوندگان پس در آیید بر فرعون و بگویید ما ایم فرستاده

رب العالمين ⑯ أن أرسل معنا بني إسرائيل ⑰ قال ألم نربك فينا وليدا ولبثت فينا

پروردگار جهانیان که بفرست با ما بنی اسرائیل را گفت آیا نپروریدیم ترا در میان خود نوزادی و ماندی نزد ما

من عمرك سنين ⑱ وفعلت فعلتك التي فعلت وأنت من الكافرين ⑲ قال فعلتها إذا وأنا

از عمر خویش سالیانی و کردی کارت را آنرا که کردی و بودی از ناسپاسان گفت کردمش آنگاه و بودم من

من الضالين ⑳ ففررت منكم لما خفتكم فوهب لي ربي حكما وجعلني من المرسلين ㉑

از گمراهان پس گریختم از شما گاهیکه ترسیدتان پس بخشید مرا پروردگارم فرمانی و گردانیدم از پیغمبران

وتلك نعمة تمنها علي أن عبدت بني إسرائيل ㉒ قال فرعون وما رب العالمين ㉓

و این نعمتی است که منتش را بر من نهی که بنده گرفتی بنی اسرائیل را گفت فرعون و چیست پروردگار جهانیان

قال رب السموات والأرض وما بينهما إن كنتم موقنين ㉔ قال لمن حوله ألا تستمعون ㉕

گفت پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست اگر هستید یقین دارندگان گفت بدانان که گرد بیرامونش بودند آیا نمیشنوید

قال ربكم ورب آبائكم الأولين ㉖ قال إن رسولكم الذي أرسل إليكم لمجنون ㉗

گفت پروردگار شما و پروردگار پدران شما پیشینیان گفت همانا پیغمبرتان که فرستاده شده بسوی شما هر آینه اوست دیوانه

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَٰهًا غَيْرِي

گفت پروردگار خاور و باختر و آنچه میان آنهاست اگر هستید خردمندان گفت اگر بگرفتی خدائی جز من

لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُبِينٍ ﴿٣٠﴾ قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ

هرآینه بگردانمت از زندانیان گفت واگرچه بیارمت چیزی آشکار گفت پس بیارش اگر هستی از

الصَّادِقِينَ ﴿٣١﴾ فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُبِينٌ ﴿٣٢﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ

راستگویان پس افکند چوبدست خود را ناگهان آنست اژدری نمایان و برآورد دست خود را ناگهان آنست پرتوی برای بینندگان

﴿٣٣﴾ قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

گفت بدانگروه که گردش بودند همانا این است جادوگری دانشمند خواهد برون کند شما را از سرزمین شما بجادوی خویش تا چه فرمان دهید

﴿٣٥﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٣٦﴾ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ ﴿٣٧﴾ فَجُمِعَ

گفتند نگهدار او و برادرش را و بفرست در شهرستانها گردآورندگان تا بیارندت بهر جادوگری دانشمند پس گردآورده شد

السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ﴿٣٨﴾ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ﴿٣٩﴾ لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ

جادوگران برای وعده گاه روزی شناخته و گفته شد بمردم آیا شمائید گردآیندگان شاید پیروی کنیم جادوگران را اگر

كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿٤٠﴾ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ

بودند پیروزمندان پس هنگامیکه آمدند جادوگران گفتند بفرعون آیا ما راست مزدی اگر شدیم پیروزمندان

﴿٤١﴾ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذًا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ﴿٤٢﴾ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ﴿٤٣﴾ فَأَلْقَوْا

گفت آری و همانا شمائید در آنهنگام از نزدیکان گفت بدیشان موسی بیفکنید آنچه را شمائید افکنندگان پس بیفکندند

حِبَالَهُمْ وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ ﴿٤٤﴾ فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ

ریسمانها و چوبهای خود را و گفتند بفر فرعون مائیم همانا پیروزمندان پس افکند موسی چوبدست خویش را ناگهان

تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ﴿٤٥﴾ فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ﴿٤٦﴾ قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾ رَبِّ مُوسَىٰ

فرو برد آنچه را بدروغ آوردند پس بیفتادند جادوگران سجده کنان گفتند ایمان آوردیم بپروردگار جهانیان پروردگار موسی

وَهَارُونَ ﴿٤٨﴾ قَالَ آمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ

و هرون گفت ایمان آوردید بدو پیش از آنکه دستورتان دهم همانا او بزرگ شماست که آموخت بشما جادوگری را پس زود است

تَعْلَمُونَ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٤٩﴾ قَالُوا لَا

بدانید همانا سخت ببرم دستها و پایهای شما را از برابر و هرآینه بدارتان کشم همگی گفتند نیست

ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ﴿٥٠﴾ إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ

باکی مائیم بسوی پروردگار خویش بازگشتگان همانا امیدواریم بیامرزد برای ما پروردگار ما گناهان ما را که بودیم نخستین

الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥١﴾ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ ﴿٥٢﴾ فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ

ایمان آرندگان و وحی کردیم بموسی که شبانه بر بندگانم را همانا شمائید پیروی شدگان پس فرستاد فرعون

فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ ﴿٥٥﴾ وَإِنَّا لَجَمِيعٌ

در شهرستانها گردآرندگان که اینانند همانا گروهی اندک و همانا ایشانند بر ما خشم آرندگان و هرآینه مائیم همگی

حَاذِرُونَ ﴿٥٦﴾ فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٧﴾ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٥٨﴾

بیمناکان پس برون راندیمشان از باغها و چشمه سارها و گنجها و جایگاهی گرامی

ثعبان مبین یعنی ماری بزرگ و بقولی ثعبان اژدهای نر را گویند بعزة فرعون باء را بعضی از برای قسم گرفتند و شاید که از برای سبب باشد چون بحولک و قوتک و عزت بمعنی توانائی و نیرومندی است بدانسان که هیچ مسمی نتواند بدو رسیدن. من خلاف بریدن دست و پا از خلاف یکدیگر بدانگونه است که پای راست و دست چپ یا پای چپ و دست راست برند. لا ضیر ضرر و ضیر هر دو بیک معنی است اول المؤمنین شاید مقصود اولیت ایشان است پس از دیدن آیات یعنی آنکه ما اولین کسیم که پس از دیدن این آیات ایمان آوردیم یا مقصود از آل فرعون باشد یعنی ما اولین مؤمن آل فرعونیم و گرنه اولیت مطلقه راست نیاید چه آنکه بغرض بنی اسرائیل پیش از این بدو ایمان آورده بودند. لشرذمة قلیلون آورده اند که آن گروه را که فرعون اندک شمرد ششصد هزار کس بودند و از این مبلغ قدرت و کثرت نیروی وی دانسته شود. حاذرون بنا بر قرائت ذال معجمه معنی آن است که ما همه متیقظ و مستعدیم چه بیمناک پیوسته احتیاط خویش همیکند و یا آنکه

كَذٰلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ ﴿٥٩﴾ فَأَتْبَعُوهُم مُّشْرِقِينَ ﴿٦٠﴾ فَلَمَّا تَرَٰٓءَا الْجَمْعَانِ قَالَ أَصْحَٰبُ

بر نیسان وارث دادیش ۔ بنی اسرائیل پس از پی ایشان بیامدند ۔ چون هنگام خورشیدنان ۔ تا گاه یکدیگر را دیدند (دیدار کرد) دو گروه گفتند یاران

مُوسَىٰٓ إِنَّا لَمُدْرَكُونَ ﴿٦١﴾ قَالَ كَلَّآ إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٦٢﴾ فَأَوْحَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَىٰٓ أَنِ ٱضْرِب

موسی که ما بیم دریافتگان گفت چنین نیست هانا باس هست پروردگارم نزود هست راهنمیم کند پس وحی کردیم بموسی که بزن

بِّعَصَاكَ ٱلْبَحْرَ فَٱنفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَٱلطَّوْدِ ٱلْعَظِيمِ ﴿٦٣﴾ وَأَزْلَفْنَا ثَمَّ ٱلْءَاخَرِينَ ﴿٦٤﴾ وَأَنجَيْنَا

بچوبدست خود را بدریا پس بشکافت وشد هر دیواری چون کوهی بزرگ وجای دادیم در آنجا دیگران را ودر هانیدیم

مُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُۥٓ أَجْمَعِينَ ﴿٦٥﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا ٱلْءَاخَرِينَ ﴿٦٦﴾ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم

موسی وآنانرا که با او بودند همگی سپس بدریا فرو بردیم دیگرانرا هانا در دست آیتی ونیستند بیشترشان

مُّؤْمِنِينَ ﴿٦٧﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٦٨﴾ وَٱتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَٰهِيمَ ﴿٦٩﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ

ایمان آرندگان وهانا پروردگار تو هست هر آینه عزتمند مهربان ودیگران بر ایشان دهستان ابراهیم را همگی می گفت بپدر خویش

وَقَوْمِهِۦ مَا تَعْبُدُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا۟ نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ ﴿٧١﴾ قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ

وقومش چه می پرستید بتانی را پس میباشیم پیرامون آنها گرد آمدگان گفت آیا میشنوند شمارا

إِذْ تَدْعُونَ ﴿٧٢﴾ أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ﴿٧٣﴾ قَالُوا۟ بَلْ وَجَدْنَآ ءَابَآءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿٧٤﴾ قَالَ

گاهی که میخوانید یا سودتان بخشند یا زیان رسانند گفتند بلکه یافتیم پدران خودرا چنین میکردند گفت

أَفَرَءَيْتُم مَّا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٧٥﴾ أَنتُمْ وَءَابَآؤُكُمُ ٱلْأَقْدَمُونَ ﴿٧٦﴾ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّىٓ إِلَّا رَبَّ ٱلْعَٰلَمِينَ

آیا دیدید آنچیزرا بودید می پرستیدید شما ودیران شما پیشتران که ایشان مرا دشمنند مگر پروردگار جهانیان

ٱلَّذِى خَلَقَنِى فَهُوَ يَهْدِينِ ﴿٧٨﴾ وَٱلَّذِى هُوَ يُطْعِمُنِى وَيَسْقِينِ ﴿٧٩﴾ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ﴿٨٠﴾

آنکه مرا آفرید پس راهبرم کند وآنکه بخورانندم وبنوشاندم وگاهی که بیمار شوم پس او بهبودیم دهد

وَٱلَّذِى يُمِيتُنِى ثُمَّ يُحْيِينِ ﴿٨١﴾ وَٱلَّذِىٓ أَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لِى خَطِيٓـَٔتِى يَوْمَ ٱلدِّينِ ﴿٨٢﴾ رَبِّ هَبْ لِى

وآنکه بمیراندم سپس زنده سازدم وآنکه امیدوارم که بیامرزد بمانمن گناهم را روز دین پروردگارا ارزانی دارمرا

حُكْمًا وَأَلْحِقْنِى بِٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٨٣﴾ وَٱجْعَل لِّى لِسَانَ صِدْقٍ فِى ٱلْءَاخِرِينَ ﴿٨٤﴾ وَٱجْعَلْنِى مِن وَرَثَةِ

حکمی وبرسانم بشایستگان وقراردهبرای من زبان راستی در آخران ویگردانم از آنان بندگان

جَنَّةِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٨٥﴾ وَٱغْفِرْ لِأَبِىٓ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلضَّآلِّينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا تُخْزِنِى يَوْمَ يُبْعَثُونَ ﴿٨٧﴾ يَوْمَ لَا

بهشت نعمتها وبیامرز برای پدرم که او بود هانا از گمراهان و خوارم مکن روزیکه برانگیخته شوند روزیکه

يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ﴿٨٨﴾ إِلَّا مَنْ أَتَى ٱللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ﴿٨٩﴾ وَأُزْلِفَتِ ٱلْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٩٠﴾ وَبُرِّزَتِ

سود ندهد مال ونه فرزندان مگر آنکه بیاید خدارا بادلی درست وآماده شد بهشت برای پرهیزگاران وپدید آورده شد

ٱلْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ﴿٩١﴾ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تَعْبُدُونَ ﴿٩٢﴾ مِن دُونِ ٱللَّهِ هَلْ يَنصُرُونَكُمْ أَوْ

دوزخ برای گمراهان وگفته شود بدیشان کجا بودید می پرستیدید جز خدا را آیا یاری کنند شمارا یا

يَنتَصِرُونَ ﴿٩٣﴾ فَكُبْكِبُوا۟ فِيهَا هُمْ وَٱلْغَاوُۥنَ ﴿٩٤﴾ وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ﴿٩٥﴾ قَالُوا۟ وَهُمْ فِيهَا

یاری جویند پس بردی افکنده شوند درآن ایشان وگمراهان ولشکرهای ابلیس همگی گفتند وایشان درآنجا

يَخْتَصِمُونَ ﴿٩٦﴾ تَٱللَّهِ إِن كُنَّا لَفِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٩٧﴾ إِذْ نُسَوِّيكُم بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٩٨﴾ وَمَآ أَضَلَّنَآ إِلَّا ٱلْمُجْرِمُونَ ﴿٩٩﴾

بیکدیگر درآن سوگند بخدا هانا بودیم ما در گمراهی آشکار هنگامیکه یکسان دانستیم شمارا بپروردگار جهانیان وگمراه نکرد ما را مگر گنهکاران

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ﴿١٠٠﴾ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ﴿١٠١﴾ فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٢﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

پس نیست ما را شفاعت کنان و نه دوستی مهربان کاشکی ما را بازگشتی بودی تا میشدیم از مؤمنان هماناکه در راست

لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٠٤﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ

آیتی ونیستند بیشتر ایشان ایمان آرندگان و هماناکه پروردگار تو اوست غالب مهربان تکذیب کردند قوم نوح

الْمُرْسَلِينَ ﴿١٠٥﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٠٦﴾ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٠٧﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ

فرستادگان را هنگامی که گفت برادرشان نوح چرا پرهیزکاری نمیکنید هماناکه من برای شما فرستاده امینم پس بترسید خدارا و

أَطِيعُونِ ﴿١٠٨﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٠٩﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ

مرا فرمان برید ونمیخواهم بر آن مزدی نیست مزد من جز بر پروردگار جهانیان پس بترسید خدارا و

أَطِيعُونِ ﴿١١٠﴾ قَالُوا أَنُؤْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ ﴿١١١﴾ قَالَ وَمَا عِلْمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١١٢﴾

مرا فرمان برید گفتند آیا ایمان آریم ترا پیروی کردند فرومایگان گفت چه دانایی است مرا بآنچه بودند میکردند

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ ﴿١١٣﴾ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٤﴾ إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿١١٥﴾

نیست حسابشان جز بر پروردگار من اگر دریابید ونیستم من دور کننده مؤمنان نیستم من جز ترساننده آشکار

قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ ﴿١١٦﴾ قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ﴿١١٧﴾ فَافْتَحْ

گفتند اگر دست برنداری ای نوح هرآینه بباشی از سنگسارشدگان گفت پروردگارا هماناکه قومم تکذیبم کردند پس بگشای

بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١٨﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١١٩﴾

میان من وایشان گشایشی ورهانم مرا ومؤمنانی را که با منند از مؤمنان پس رهانیدیم او وآنانرا که با او بودند در کشتی پرشده

ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٢١﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ

سپس غرق کردیم پس ازین بازماندگان را هماناکه در راست آیتی ونیستند بیشترشان مؤمنان وهماناکه پروردگار تو

لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٢٢﴾ كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ إِنِّي لَكُمْ

غالب مهربان تکذیب کردند عاد فرستادگانرا هنگامیکه گفت بدیشان برادرشان هود چرا پرهیزکاری نمیکنید هماناکه من برای شما

رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٢٥﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٢٦﴾ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ

فرستاده امینم پس بترسید از خدا ومرا فرمان برید ونمیخواهم بر آن پاداشی نیست مزدم مگر بر پروردگار

الْعَالَمِينَ ﴿١٢٧﴾ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ﴿١٢٨﴾ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ﴿١٢٩﴾

جهانیان آیا بنا میسازید بهر پشته نشانی بیهوده بازی میکنید وبرمیگیرید کوشکهائی شاید شما جاودان مانید

وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ﴿١٣٠﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿١٣١﴾ وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا

وچون گیرید گیرید جبارانه پس بترسید خدارا ومرا فرمان برید وبترسید آنرا که یاری کرد شمارا بآنچه

تَعْلَمُونَ ﴿١٣٢﴾ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ﴿١٣٣﴾ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿١٣٤﴾ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ

میدانید کمک کرد شما را بچارپایان وفرزندان وباغها وچشمه سارها هماناکه من میترسم بر شما از عذاب روزی

عَظِيمٍ ﴿١٣٥﴾ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ ﴿١٣٦﴾ إِنْ هَٰذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣٧﴾

بزرگ گفتند یکسان است برما چه اندرز دهی یا نباشی از اندرزگویان نیست این مگر خوی پیشینیان

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿١٣٨﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٣٩﴾

ونیستیم ما عذاب شدگان پس تکذیبش کردند پس نابودشان ساختیم هماناکه در راست آیتی ونیستند بیشترشان مؤمنان

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۴۰﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۴۱﴾ اِذْ قَالَ لَهُمْ اَخُوهُمْ صَالِحٌ اَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۴۲﴾

و همانا پروردگار تو است عزتمند مهربان تکذیب کردند ثمود فرستادگان را هنگامی که گفت بدیشان برادرشان صالح چرا پرهیز نکنید

اِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ اَمِينٌ ﴿۱۴۳﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُونِ ﴿۱۴۴﴾ وَمَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِيَ

همانا منم برای شما فرستاده امین پس پرهیز کنید خدا را و مرا فرمان برید و پرسش نکنم شما را بر آن مزدی نیست مزد من

اِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۴۵﴾ اَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَاهُنَا آمِنِينَ ﴿۱۴۶﴾ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿۱۴۷﴾ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ

مگر بر پروردگار جهانیان آیا رها میشوید در آنچه اینجاست آرمیدگان در باغها و چشمه سارها و کشتزارها و نخلستانها

طَلْعُهَا هَضِيمٌ ﴿۱۴۸﴾ وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ ﴿۱۴۹﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُونِ ﴿۱۵۰﴾ وَلَا تُطِيعُوا

که شکوفه آنهاست رسیده (یا گوارا) و میتراشید از کوهها خانه‌های کامرانان پس بترسید خدا را و فرمانم برید و اطاعت نکنید

اَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ﴿۱۵۱﴾ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْاَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿۱۵۲﴾ قَالُوا اِنَّمَا اَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿۱۵۳﴾

از دستور اسراف کنندگان آنانکه تبهکاری کنند در زمین و درستکاری نکنند (اصلاح نکنند) گفتند جز این نیست که توئی از جادو شدگان

مَا اَنْتَ اِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۱۵۴﴾ قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ

نیستی تو جز بشری همانند ما پس بیاور آیتی اگر هستی از راستگویان گفت این است اشتری برای آن آبشخوری و برای شماست

شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ﴿۱۵۵﴾ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۱۵۶﴾ فَعَقَرُوهَا فَاَصْبَحُوا

آبشخور روزی دانسته و نگردید گردش ببدی که بگیرد شما را شکنجه روزی بزرگ پس پی کردندش پس بامداد کردند

نَادِمِينَ ﴿۱۵۷﴾ فَاَخَذَهُمُ الْعَذَابُ اِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۵۸﴾ وَاِنَّ رَبَّكَ

پشیمانان پس گرفت ایشان را عذاب همانا در اینست آیتی و نیستند بیشترشان ایمان آرندگان و همانا پروردگار تو

لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۵۹﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۶۰﴾ اِذْ قَالَ لَهُمْ اَخُوهُمْ لُوطٌ اَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۶۱﴾ اِنِّي

او است عزتمند مهربان تکذیب کردند قوم لوط فرستادگان را گاهی که گفت بدیشان برادرشان لوط چرا پرهیزکاری نکنید همانا منم

لَكُمْ رَسُولٌ اَمِينٌ ﴿۱۶۲﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُونِ ﴿۱۶۳﴾ وَمَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا

برای شما فرستاده امین پس بترسید خدا را و مرا فرمان برید و نپرسم شما را بر آن پاداشی نیست مزد من مگر

عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۶۴﴾ اَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ﴿۱۶۵﴾ وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ

بر پروردگار جهانیان آیا درآمیزید با نران از جهانیان و میگذارید آنچه را آفریده است برای شما پروردگار شما از

اَزْوَاجِكُمْ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ﴿۱۶۶﴾ قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ﴿۱۶۷﴾ قَالَ

همسران خویش بلکه شمائید گروهی تجاوزگران گفتند اگر بس نکنی ای لوط همانا شوی از برون راندگان گفت

اِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ ﴿۱۶۸﴾ رَبِّ نَجِّنِي وَاَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ﴿۱۶۹﴾ فَنَجَّيْنَاهُ وَاَهْلَهُ اَجْمَعِينَ ﴿۱۷۰﴾

همانا منم کار شما را از رهاکنندگان پروردگارا برهان مرا و خاندانم را از آنچه میکنند پس نجاتش دادیم و خاندانش را همگی

اِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿۱۷۱﴾ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿۱۷۲﴾ وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ﴿۱۷۳﴾

مگر پیرزنی در گذشتگان پس نگونسار کردیم دیگران را و باریدیم بر آنان بارانی پس چه زشت است باران بیم دادگان

اِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱۷۴﴾ وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿۱۷۵﴾ كَذَّبَ اَصْحَابُ لْئَيْكَةِ

همانا در اینست آیتی و نیستند بیشترشان ایمان آرندگان و همانا پروردگار تو است عزتمند مهربان تکذیب کردند یاران آیکه

الْمُرْسَلِينَ ﴿۱۷۶﴾ اِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ اَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۷۷﴾ اِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ اَمِينٌ ﴿۱۷۸﴾ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاَطِيعُونِ ﴿۱۷۹﴾

فرستادگان را هنگامیکه گفت بدیشان شعیب چرا پرهیزکاری نکنید همانا منم شما را فرستاده امین پس بترسید خدا را و فرمانم برید

وَمَآ اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ ۚ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلٰى رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٠﴾ اَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ

و نپرسم شمارا بر آن مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان تمام دهید پیمانه را و نباشید از

الْمُخْسِرِينَ ﴿١٨١﴾ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ﴿١٨٢﴾ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ اَشْيَآءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْاَرْضِ

کم دهندگان و بسنجید با سنگ (ترازوی) راست و کم ندهید بمردم چیزهای ایشانرا و نکوشید در زمین

مُفْسِدِينَ ﴿١٨٣﴾ وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْاَوَّلِينَ ﴿١٨٤﴾ قَالُوٓا اِنَّمَآ اَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ﴿١٨٥﴾

تباه کنندگان و بترسید آنرا که آفرید شمارا و آفریدگان پیشینیان گفتند جز این نیست که توئی از جادو شدگان

وَمَآ اَنْتَ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَاِنْ نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿١٨٦﴾ فَاَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِّنَ السَّمَآءِ

و نیستی تو مگر بشری مانند ما و همانا پنداریمت از دروغگویان پس بیفکن بر ما پاره‌هائی از آسمان

اِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿١٨٧﴾ قَالَ رَبِّيٓ اَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨٨﴾ فَكَذَّبُوهُ فَاَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ

اگر هستی از راستگویان گفت پروردگار من داناتر است بدانچه میکنید پس تکذیبش کردند پس بگرفتشان عذاب روز

الظُّلَّةِ ۚ اِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٨٩﴾ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً ۖ وَمَا كَانَ اَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿١٩٠﴾

ظلّه (سایبان) که بود است آن عذاب روزی بزرگ همانا در اینست آیتی و نیستند بیشتر ایشان مؤمنان

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ﴿١٩١﴾ وَاِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٩٢﴾ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْاَمِينُ ﴿١٩٣﴾

و همانا پروردگار تو است عزتمند مهربان و همانا آنست فرود آوردن پروردگار جهانیان فرود آوردش روح الامین

عَلٰى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ﴿١٩٤﴾ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ ﴿١٩٥﴾ وَاِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْاَوَّلِينَ ﴿١٩٦﴾

بر دل تو تا باشی از ترسانندگان بزبان عربی آشکار و همانا آنست در کتب پیشینیان

اَوَلَمْ يَكُنْ لَّهُمْ اٰيَةً اَنْ يَعْلَمَهُ عُلَمٰٓؤُا بَنِيٓ اِسْرَآئِيلَ ﴿١٩٧﴾ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلٰى بَعْضِ الْاَعْجَمِينَ ﴿١٩٨﴾

آیا نیست برای ایشان آیتی که بدانندش دانشمندان بنی اسرائیل و اگر میفرستادیمش بر یکی از گنگ زبانان

فَقَرَاَهُ عَلَيْهِمْ مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ﴿١٩٩﴾ كَذٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ﴿٢٠٠﴾ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ

پس میخواندش برایشان نبودند بدان ایمان آرندگان بدینسان راهش دادیم در دلهای گنهکاران که ایمان نیارند بدان

حَتّٰى يَرَوُا الْعَذَابَ الْاَلِيمَ ﴿٢٠١﴾ فَيَاْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٠٢﴾ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ

تا ببینند عذاب دردناک را که بیایدشان ناگاه و ایشان ندانند پس گویند آیا مائیم

مُنْظَرُونَ ﴿٢٠٣﴾ اَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿٢٠٤﴾ اَفَرَاَيْتَ اِنْ مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ﴿٢٠٥﴾ ثُمَّ جَآءَهُمْ مَّا

مهلت دادگان آیا بعذاب ما میشتابند آیا دیده باشی که اگر کامروا گردانیمشان سالیانی پس بیایدشان آنچه

كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿٢٠٦﴾ مَآ اَغْنٰى عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يُمَتَّعُونَ ﴿٢٠٧﴾ وَمَآ اَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ اِلَّا لَهَا

وعده داده میشوند بی نیاز نکند از ایشان آنچه بودند بهره ور میشدند و نابود نساختیم شهری را مگر برای آن بود

مُنْذِرُونَ ﴿٢٠٨﴾ ذِكْرٰى وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٠٩﴾ وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ ﴿٢١٠﴾ وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا

ترسانندگانی یادآوردنی است و نیستیم ما ستمکاران و فرود نیاوردندش شیاطین و نسزد ایشانرا و

يَسْتَطِيعُونَ ﴿٢١١﴾ اِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ﴿٢١٢﴾ فَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ﴿٢١٣﴾

نتوانند همانا ایشانند از شنیدن دور راندگان پس نخوان با خدا خدائی دیگر را که باشی از عذاب شدگان

وَاَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْاَقْرَبِينَ ﴿٢١٤﴾ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢١٥﴾

و بترسان خویشاوندان خویش را نزدیکان و فرود کن بال خود را برای هر که پیروی کند از مؤمنان

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيٓءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢١٦﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ﴿٢١٧﴾ الَّذِي يَرَىٰكَ حِينَ
پس اگر عصیان کردند تو بگو من بیزارم از آنچه میکنید و توکل کن بر خدای عزتمند مهربان آنکه می بیند تو را هی

تَقُومُ ﴿٢١٨﴾ وَتَقَلُّبَكَ فِي السَّاجِدِينَ ﴿٢١٩﴾ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٢٢٠﴾ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَن تَنَزَّلُ
که بپا میشوی و گردش ترا در سجده کنندگان که او هست همانا شنوای دانا آیا آگهی دهم شما را بر که فرود میآیند

الشَّيَاطِينُ ﴿٢٢١﴾ تَنَزَّلُ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿٢٢٢﴾ يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثَرُهُمْ كَاذِبُونَ ﴿٢٢٣﴾ وَالشُّعَرَاءُ
شیاطین فرود آیند بر هر دروغ پرداز گنهکاری که فرا دهند گوشها و بیشترشان دروغگویان و شاعران را

يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ ﴿٢٢٤﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ ﴿٢٢٥﴾ وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ ﴿٢٢٦﴾
پیروی کنند گمراهان آیا نه بینی که ایشانند در هر بیهوده سرگردان و آنکه گویند آنچه را نکنند

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانتَصَرُوا مِن بَعْدِ مَا ظُلِمُوا وَسَيَعْلَمُ
مگر آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند و یاد کردند خدا را بسیار و یاری جستند پس از آن که ستم شدند و زود دانند

الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنقَلَبٍ يَنقَلِبُونَ ﴿٢٢٧﴾
آنانکه ستم کردند چه بازگشتگاهی بازگردند

سُورَةُ النَّمْلِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ ثَلَاثٌ وَتِسْعُونَ آيَةً

سورة ٢٧ — حروفها ٣٧٩٩ — کلماتها ١١٤٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

طس تِلْكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ ﴿١﴾ هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٢﴾ الَّذِينَ
این است آیتهای قرآن و کتابی آشکار هدایت و بشارتی برای مؤمنان آنانکه

يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ
بپا میدارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشانند بآخرت ایشانند یقین دارندگان همانا

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ ﴿٤﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
آنانکه ایمان ندارند بآخرت آراستیم برای ایشان کارهای ایشانرا پس ایشانند سرگردانان آنانند که

لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْأَخْسَرُونَ ﴿٥﴾ وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْآنَ مِن
برای ایشانست زشتی عذاب و ایشانند در آخرت زیانمندان و همانا تو داده میشوی قرآن را از

لَّدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ﴿٦﴾ إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَآتِيكُم مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ
نزد حکیمی دانا هنگامی که گفت موسی بخاندانش که احساس کردم آتشی زود هست بیارم شما را از آن خبری یا

آتِيكُم بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٧﴾ فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَن بُورِكَ مَن فِي النَّارِ
بیارم شما را اخگری کیزانه شاید گرم شوید پس هنگامی که بیامد بدان خوانده شد که خجسته باد آنکه در آتش است

وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨﴾ يَا مُوسَىٰ إِنَّهُ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٩﴾
و آنکه پیرامون آنست و منزه است خدا پروردگار جهانیان ای موسی همانا منم خداوند عزتمند حکیم

وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَا مُوسَىٰ لَا تَخَفْ
و بیفکن عصای خویش را پس گاه که بدید که میجنبد گوئی ماری زبر و چکنیده است بازگشت پشت کننده و بر نگشت ای موسی نترس

إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُونَ ﴿١٠﴾ إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١١﴾
همانا نترسند نزد من فرستادگان مگر آنکه ستم کند پس جایگزین کرد خوبی را پس از بدی که منم همانا آمرزنده مهربان

وَاَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ اٰيَاتٍ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهٖ اِنَّهُمْ

و فرو بر دستت را در گریبان خود برون آید درخشنده بی آزاری در نه آیت بسوی فرعون و قومش که همانا

كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿١٢﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ اٰيَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿١٣﴾ وَجَحَدُوا بِهَا

بودند قومی فاسقان پس هنگامی که بیامدشان آیتهای ما روشن گفتند اینست جادوئی آشکار و انکار کردند آنها را

وَاسْتَيْقَنَتْهَا اَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ اٰتَيْنَا

حالیکه یقین بدانها داشت دلهای ایشان بستم و سرکشی پس بنگر چگونه بود فرجام تبهکاران و همانا ارزانی داشتیم

دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلٰى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٥﴾ وَ

بداود و سلیمان دانشی و گفتند سپاس خدایرا که برتری داد ما را بر بسیاری از بندگان او مؤمنان و

وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا اَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَاُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ اِنَّ هٰذَا

ارث برد سلیمان از داود و گفت ای مردم آموخته شدیم سخن مرغان را و داده شدیم از همه چیز همانا اینست

لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ﴿١٦﴾ وَحُشِرَ لِسُلَيْمٰنَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٧﴾

هر آینه فضلی آشکار و گرد آورده شد برای سلیمان سپاهیانش از پری و آدمی و مرغان پس ایشانند باز داشت شدگان

حَتّٰى اِذَا اَتَوْا عَلٰى وَادِ النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا اَيُّهَا النَّمْلُ ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ

تا گاهیکه آمدند بر درهٔ مورچگان گفت مورچه ای ای گروه مورچگان بنشیمنگاه خویش در آئید نبادا پایمالتان کنند

سُلَيْمٰنُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٨﴾ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِي اَنْ

سلیمان و سپاهیانش و ایشان در نیابند پس لبخندی زد خندان از گفتارش و گفت پروردگارا توفیقم ده که

اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضٰيهُ وَاَدْخِلْنِي

سپاسگذارم نعمتت را که ارزانی داشتی بر من و بر پدر و مادرم و آنکه شایسته کنم که تو را پسند آید و در آور مرا

بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ﴿١٩﴾ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا اَرَى الْهُدْهُدَ اَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ

برحمت خود در بندگان شایستهٔ خویش و جست مرغان را پس گفت چه شودم نه بینم هدهد را یا شده است از ناپیدایان

﴿٢٠﴾ لَاُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا اَوْ لَاَاذْبَحَنَّهُ اَوْ لَيَاْتِيَنِّي بِسُلْطَانٍ مُّبِينٍ ﴿٢١﴾ فَمَكَثَ غَيْرَ

همانا شکنجه کنمش شکنجهٔ سخت یا سرش را برم یا آنکه بیاردم فرمانی آشکار پس درنگ کرد نه

بَعِيدٍ فَقَالَ اَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَاٍ بِنَبَاٍ يَقِينٍ ﴿٢٢﴾ اِنِّي وَجَدْتُ امْرَاَةً

دور گفت فرا گرفتم آنچه فرا نگرفتی آنرا و آوردمت از سبا داستانی را یقین هر آینه یافتم زنی را که

تَمْلِكُهُمْ وَاُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ

پادشاه آنان بود و داده شده بود از همه چیز و بود او را تختی بزرگ یافتمش با کسان خود سجده میکردند

لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ اَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ

برای خورشید نه خدا و آراسته بود برای ایشان شیطان کردار ایشانرا پس باز داشته بودشان از راه پس

لَا يَهْتَدُونَ ﴿٢٤﴾ اَلَّا يَسْجُدُوا لِلّٰهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ

راه نمیبرند چرا سجده نکنند برای خداوندیکه برون آرد نهانها را در آسمانها و زمین

وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ﴿٢٥﴾ اَللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ﴿٢٦﴾

و میداند آنچه را نهان کنید و آنچه آشکار سازید خدا که نیست خدائی جز او پروردگار عرش بزرگ

سورة النمل

پیغمبر بروایت ابی بن کعب این سوره را طس سلیمان نامید و در فضیلتش گفت که خواننده آن برون شود از گور حالیکه بانگ بلند کلمه تهلیل میگوید بشهاب قبس هر آتشی که شعله آن بمانند عمود ممتد باشد شهاب خوانند و بروایت وهب موسی آتشی دید که از شاخسار درختی شاداب و سرسبز سر برآورده و آن آتش را نیفزودی مگر شعله کشیدن و درخت را نیفزودی مگر سرسبزی و طراوت و این منظره ویرا شگفت و بیمناک ساخت بیشتر از آن سبب که چون آهنگ آن آتش کردی او نیز آهنگ وی نمودی و بسوی او فرا پیش آمدی و این کار چندان مکرر شد تا آن ندای مبارک از آن خجسته درخت بشنید

وتفقد الطیر

عیاشی آورده است که ابو حنیفه از امام ابو عبدالله صادق علیه السلام پرسید چگونه سلیمان هدهد را از بین مرغان تفقد کرد و او در پاسخ گفت زیرا هدهد آب را در شکم زمین چنان می بیند که شما آب را در آبگینه ابو حنیفه چون این پاسخ شنید

سجدهٔ مندوبه

قَالَ سَنَنْظُرُ اَصَدَقْتَ اَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿۲۷﴾ اِذْهَبْ بِكِتَابِي هٰذَا فَاَلْقِهْ اِلَيْهِمْ

گفت زود است بنگریم آیا راست گفتی یا بودی از دروغگویان ببر نامهٔ مرا این و بیفکنش بسوی آنان

ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ﴿۲۸﴾ قَالَتْ يَا اَيُّهَا الْمَلَؤُا اِنِّي اُلْقِيَ اِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ

پس برگرد از ایشان و بنگر چه پاسخ گویند گفت آنزن ای گروه همانا بسویم افکنده شد نامهٔ گرامی

﴿۲۹﴾ اِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَاِنَّهُ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ﴿۳۰﴾ اَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَاْتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿۳۱﴾

همانا آن از سلیمان است و همانا آنست بنام خداوند بخشندهٔ مهربان که برتری نجویید بر من و بیائید مرا تسلیم شوندگان

قَالَتْ يَا اَيُّهَا الْمَلَؤُا اَفْتُونِي فِي اَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً اَمْرًا حَتّٰى تَشْهَدُونِ ﴿۳۲﴾ قَالُوا نَحْنُ

گفت آنزن ای گروه دستوری دهیدم در کارم نبوده ام برندهٔ کاری تا شما گواهی دهید گفتند مائیم

اُولُوا قُوَّةٍ وَاُولُوا بَأْسٍ شَدِيدٍ وَالْاَمْرُ اِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ ﴿۳۳﴾ قَالَتْ اِنَّ

خداوندان توانائی و دارندگان نیروئی سخت و کار با تو است پس بنگر تا چه فرمان دهی گفت آنزن همانا

الْمُلُوكَ اِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً اَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا اَعِزَّةَ اَهْلِهَا اَذِلَّةً وَكَذٰلِكَ يَفْعَلُونَ ﴿۳۴﴾

شهان هرگاه بکشوری درآیند تباهش کنند و بگردانند مهتران مردمش را کهتران و بدینسان کار کنند

وَاِنِّي مُرْسِلَةٌ اِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ ﴿۳۵﴾ فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ

و همانا من فرستنده ام بسوی ایشان پیشکشی پس نگرانم چه پاسخ آورند فرستادگان و هنگامی بیامد سلیمان را گفت

اَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا اٰتٰيَنِيَ اللّٰهُ خَيْرٌ مِمَّا اٰتٰيكُمْ بَلْ اَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ﴿۳۵﴾

آیا کمک کنیدم بمال همانا آنچه داد مرا خدا بهتر است از آنچه داد شما را بلکه شما خود به پیشکش خویشید شادمان

اِرْجِعْ اِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا اَذِلَّةً وَهُمْ

بازگرد بسوی ایشان که همانا بیاریم ایشان را لشکرهائی که تاب نباشدشان بدانان و همانا برون رانیمشان از آن خوار حالیکه ایشانند

صَاغِرُونَ ﴿۳۷﴾ قَالَ يَا اَيُّهَا الْمَلَؤُا اَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ اَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ ﴿۳۸﴾ قَالَ

سرافکندگان گفت ای گروه کدامین از شما آوردم تخت آنزن را پیش از آنکه بر من درآیند تسلیم شدگان گفت

عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ اَنَا اٰتِيكَ بِهِ قَبْلَ اَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَاِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ اَمِينٌ ﴿۳۹﴾

دیوی از پریان من آرمت بدان پیش از آنکه از جای خویش خیزی و منم هر آینه بر آن توانائی امین

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ اَنَا اٰتِيكَ بِهِ قَبْلَ اَنْ يَرْتَدَّ اِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَاٰهُ

گفت آنکه نزدش بود دانشی از کتاب من آرمت بدان پیش از آنکه بازگردد بسوی تو مژه ات پس هنگامیکه نگریستش

مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هٰذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي ءَاَشْكُرُ اَمْ اَكْفُرُ وَمَنْ

جایگزین نزد خویش گفت این از فضل پروردگارم باشد تا بیازمایدم آیا شکر میکنم یا کفران ورزم و آنکه

شَكَرَ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ﴿۴۰﴾ قَالَ

شکر کند جز این نیست که برای خویشتن سپاسگذارد و آنکه کفران کند همانا پروردگار من است بی نیازی گرامی گفت

نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنْظُرْ اَتَهْتَدِي اَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ﴿۴۱﴾ فَلَمَّا جَاءَتْ

ناشناس دارید برایش تختش را بنگریم آیا رهبری میشود یا میباشد از آنانکه رهبری نشوند پس گاهی که بیامد آنزن

قِيلَ اَهٰكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَاَنَّهُ هُوَ وَاُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ﴿۴۲﴾

گفته شد آیا چنین است تختت گفت گوئیا اینست آن و داده شدیم دانش را پیش از آن و بودیم تسلیم شدگان

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ ؕ اِنَّهَا كَانَتْ مِنْ قَوْمٍ كَافِرِينَ ﴿٤٣﴾ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ

وباز داشتش آنچه بود میپرستید جز خدا همانا بود او از گروهی کافران گفته شد بدو بکاخ اندر آی

فَلَمَّا رَاَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَنْ سَاقَيْهَا ؕ قَالَ اِنَّهُ صَرْحٌ مُمَرَّدٌ مِنْ قَوَارِيرَ قَالَتْ

پس گاهیکه نگریستش پنداشتش آبگیری و برهنه ساخت ساقهای خویشرا گفت همانا آن است کاخی لغزنده ساخته از بلور گفت آن زن

رَبِّ اِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَاَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٤٤﴾ وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلٰى ثَمُودَ

پروردگارا همانا ستم بخود کردم و اسلام آوردم با سلیمان برای خدا پروردگار جهانیان و همانا فرستادیم بسوی ثمود

اَخَاهُمْ صَالِحًا اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ فَاِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ

برادرشان صالح را که پرستش کنید خدارا ناگهان ایشان دو گروهند ستیزه کنان گفت ای قوم من چرا میشتابید

بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ ۚ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ

ببدی پیش از خوبی چرا آمرزش نمیجوئید از خدا شاید رحم آورده شوید گفتند بفال بد گرفتیم تو

وَبِمَنْ مَعَكَ ؕ قَالَ طَائِرُكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ بَلْ اَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ﴿٤٧﴾ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ

و آنانرا که با تو هستند گفت همانا فال بد شما نزد خداست بلکه شمائید گروهی گرفتار شدگان (یا آزمودگان) و بودند در شهر نه

رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْاَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ﴿٤٨﴾ قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللّٰهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَاَهْلَهُ

تیره که تبهکاری میکردند در زمین و اصلاح نمیکردند گفتند سوگند یاد کنید بخدا که شبیخون آریم براو و خاندانش

ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ اَهْلِهِ وَاِنَّا لَصَادِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا

و سپس گوئیم بولی او که ندیدیم (یا گواهی ندادیم) هلاک خویشاوندشرا (یا خاندانشرا) و هر آینه مائیم راستگویان و آوردند نیرنگی و آوردیم

مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٥٠﴾ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ ۙ اَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ

نیرنگی و آنان در نیافتند پس بنگر چگونه شد فرجام نیرنگشان که واژگون ساختیم ایشانرا با قومشان

اَجْمَعِينَ ﴿٥١﴾ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا ؕ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٥٢﴾

همگی پس اینک خانه‌های آنان فرود آمده بدانچه ستم کردند همانا در اینست نشانی برای گروهی که میدانند

وَاَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿٥٣﴾ وَلُوطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اَتَاْتُونَ الْفَاحِشَةَ

و نجات دادیم آنانرا که ایمان آوردند و پرهیزکاری میکردند و لوط را هنگامیکه گفت بقوم خود آیا مرتکب فحشا شوید (ناشایست آورید)

وَاَنْتُمْ تُبْصِرُونَ ﴿٥٤﴾ اَئِنَّكُمْ لَتَاْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ

و شمائید بینایان آیا شما با مردان گردائید بشهوت نه زنان بلکه

اَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ﴿٥٥﴾ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ اِلَّا اَنْ قَالُوا اَخْرِجُوا آلَ

شمائید گروهی نادانان پس نبود پاسخ قومش جز آنکه گفتند برون کنید خاندان

لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ ۚ اِنَّهُمْ اُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ﴿٥٦﴾ فَاَنْجَيْنَاهُ وَاَهْلَهُ اِلَّا امْرَاَتَهُ

لوط را از شهر خویش که ایشانند مردانی پاکیزگی جویان پس رهانیدیم او و خاندانش را مگر زنش

قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٥٧﴾ وَاَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا ۚ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ

که مقدر گردانیدیم اورا از گذشتگان و باریدیم بر آنان بارانی پس چه زشتست باران بیم دادگان

﴿٥٨﴾ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفٰى ؕ آللّٰهُ خَيْرٌ اَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٥٩﴾

بگو سپاس خدارا و سلام بر بندگان او که برگزیدست آیا خدا بهتر است یا آنچه شرک میورزند

الجزء (٢٠)

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَآئِقَ ذَاتَ

یا آنکه آفرید آسمانها و زمین را و فرستاد برای شما از آسمان آبی پس رویانیدیم بدان باغستانی

بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْۢبِتُوا شَجَرَهَا ۗ أَإِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَمَّنْ

خرم نرسد شما را که برویانید درختش را آیا خدائی هست با خدا بلکه ایشانند قومی کجروان یا آنکه

جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلٰلَهَا أَنْهٰرًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ

گردانید زمین را آرامشگاهی و گردانید میان آن جویهائی و گردانید برای آنها لنگرهائی و گردانید میان دو دریا فاصلی (دیواری)

ءَإِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٦١﴾ أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوٓءَ وَيَجْعَلُكُمْ

آیا خدائی هست با خدا بلکه بیشترشان نمیدانند یا آنکه اجابت کند بیچاره را گاهی که بخواندش و برطرف سازد رنج را و گرداند شما را

خُلَفَآءَ الْأَرْضِ ۗ أَإِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ ۚ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ﴿٦٢﴾ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

جانشینان زمین آیا خدائی هست با خدا بکمی یاد آور میشوید یا آنکه هدایت کند شما را در تاریکیهای دشت و دریا

وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًۢا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ أَإِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ ۚ تَعٰلَى اللّٰهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٣﴾

و آنکه بفرستد بادها را مژده پیشروی رحمتش آیا خدائی هست با خدا برتر است خدا از آنچه شرک ورزند

أَمَّنْ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۗ أَإِلٰهٌ مَعَ اللّٰهِ ۚ قُلْ هَاتُوا

یا آنکه آغاز کند آفرینش را سپس برگرداندش و آنکه روزیتان دهد از آسمان و زمین آیا خدائی هست با خدا بگو بیارید

بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦٤﴾ قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللّٰهُ ۚ

دستاویز خودرا اگر هستید راستگویان بگو نداند آنکه در آسمان و زمین است نهان را بجز خدا

وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ﴿٦٥﴾ بَلِ ادّٰرَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ ۖ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ

و در نیابند کی (چه هنگام) برانگیخته شوند بلکه رسید دانش ایشان در آخرت بلکه ایشانند در شکی

مِنْهَا ۖ بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ ﴿٦٦﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوٓا إِذَا كُنَّا تُرٰبًا وَآبَآؤُنَآ أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ

از آن بلکه ایشانند از آن کوران و گفتند آنانکه کفر ورزیدند آیا گاهی که شدیم خاک و پدران ما آیا بیم هر آینه برون آورده گان

﴿٦٧﴾ لَقَدْ وُعِدْنَا هٰذَا نَحْنُ وَآبَآؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هٰذَآ إِلَّآ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٦٨﴾

همانا وعده داده شدیم این را ما و پدران ما از پیش نیست این جز افسانه های پیشینیان

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ﴿٦٩﴾ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ

بگو بگردید در زمین پس بنگرید چگونه بود فرجام گنهکاران و اندوهگین نباش بر ایشان

وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ ﴿٧٠﴾ وَيَقُولُونَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و نباش در تنگنائی از آنچه نیرنگ آورند و گویند کی (چه هنگام) است این وعده اگر هستید راستگویان

﴿٧١﴾ قُلْ عَسٰى أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ﴿٧٢﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو

بگو امید است نزدیک باشد برای شما پاره از آنچه شتاب میجوئید و همانا پروردگارتو دارای

فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ

فضلی است بر مردم ولیکن بیشترشان سپاس نگذارند و هر آینه پروردگارتو میداند آنچه را نهان کند

صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٤﴾ وَمَا مِنْ غَآئِبَةٍ فِي السَّمَآءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتٰبٍ مُبِينٍ ﴿٧٥﴾

سینه های ایشان و آنچه آشکار کنند و نیست ناپیدائی در آسمان و زمین مگر در کتابی است هویدا

إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿٧٦﴾ وَإِنَّهُ لَهُدًى

همانا این قرآن میسراید بر بنی اسرائیل بیشتر آنچه را ایشانند در آن اختلاف کنندگان و همانا آن هدایت

وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٧٨﴾ فَتَوَكَّلْ عَلَى

و رحمتی است برای مؤمنان همانا پروردگار تو حکومت میکند میان ایشان بحکم خود و اوست عزتمند دانا پس توکل کن بر

اللَّهِ ۚ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ﴿٧٩﴾ إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ

خدا که توئی بر حق هویدا هرآینه نشنوانی تو مردگان را و نه بشنوانی بکران بانگ را گاهی که برگردند پشت کنان

﴿٨٠﴾ وَمَا أَنتَ بِهَادِي الْعُمْيِ عَن ضَلَالَتِهِمْ إِن تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ

و نیستی تو هدایت کننده کورانرا از گمراهی خود نشنوانی جز آنرا که ایمان آرد بآیتهای ما پس ایشانند تسلیم شدگان

﴿٨١﴾ وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ

و گاهی که فرود آید برایشان سخن برون آریم برای ایشان جنبنده‌ای را از زمین سخن گوید با ایشان که بودند مردم

كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ

بآیتهای ما یقین نمیآوردند و روزی که برانگیزیم از هر امتی گروهی را از آنانکه تکذیب کنند بآیتهای ما پس باز داشت شوند

﴿٨٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُم بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨٤﴾

تا گاهی که آیند گوید آیا تکذیب کردید آیتهای مرا و فرا نگرفتید آنها را بدانش یا چه بود آنچه میکردید

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنطِقُونَ ﴿٨٥﴾ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ

و فرود آمد برایشان سخن بدانچه ستم کردند پس ایشان سخن نگویند آیا نه بینند که ما نهادیم شب را تا آرامش کنند در آن

وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٦﴾ وَيَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَن فِي

و روز را روشن همانا در اینست آیتهائی برای گروهی که ایمان آرند و روزی که دمیده شود در صور پس بمیرند از هراس آنانکه در

السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ۚ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ ﴿٨٧﴾ وَتَرَى الْجِبَالَ

آسمانها و آنانکه در زمینند مگر آنکه خواهد خدا و همه بیایندش سرافکندگان و بینی کوهها را

تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ۚ صُنْعَ اللَّهِ الَّذِي أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍ ۚ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا

پنداریشان خشک برجای خود حالیکه میگذرند همانند گذشتن ابر ساخت خدائی که درست کرد همه چیز را همانا او آگاه است بدانچه

تَفْعَلُونَ ﴿٨٨﴾ مَن جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا ۖ وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ ﴿٨٩﴾ وَمَن

میکنید آنکو نکوئی آرد پس او راست بهتر از آن و ایشانند از هراس در آن روز ایمنان و آنکه

جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ ۚ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ

بدی آرد پس بروی افتد چهره‌های آنان در آتش آیا پاداش داده میشوید جز آنچه را بودید میکردید جز این نیست که فرمان داده شدم

أَعْبُدَ رَبَّ هَٰذِهِ الْبَلْدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٩٢﴾

که پرستش کنم پروردگار این شهر را آنکه حرامش گردانید و برای اوست همه چیز و دستور داده شدم که باشم از اسلام آرندگان

وَأَنْ أَتْلُوَ الْقُرْآنَ ۖ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۖ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ

و آنکه بخوانم قرآن را پس آنکه رهبری شود جز این نیست که رهبری شود برای خویشتن و آنکه گمراه شود بگو جز این نیست که منم از ترسانندگان

﴿٩٢﴾ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ فَتَعْرِفُونَهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

و بگو سپاس خدا را زود است بنمایاندتان آیتهای خویش را تا بشناسید آنها را و نیست پروردگار تو ناآگاه از آنچه میکنید

گفت چون برادرم علی بن محمد (نقی) درآمدم و این بدانهنگام بود که بین من و او پندها و اندرزهائی جریان یافته و من سر بفرمان او نهاده بودم پس بدو گفتم همانا یحیی ابن اکثم مرا از مسائلی پرسیده است و از من در آنها فتوی خواسته پس خندید و گفت آیا فتوی دادی وی را در آنها گفتم نه گفت چرا گفتم از آنرو که بدانها دانا نبودم پرسید چه بود آن مسائل گفتم یکی آنکه مرا آگهی ده از سلیمان که آیا او نیازمند بود بعلم آصف بن برخیا یا نه و سپس دیگر مسائل نیز برشمردم او در جواب گفت بنویس ای برادر بسم الله الرحمن الرحیم پرسش نمودی از قول خدای تعالی در کتابش: قال الذی عنده علم من الکتاب همانا او آصف بن برخیا است و سلیمان عاجز نبود از دانستن آنچه او میدانست لیکن خواست تا وی را بقومش از جن و انس بشناساند و بدیشان بنماید که چگونه آصف پس از وی حجت خداست تا مردم در امامت و رهبریش اختلاف نکنند و این چنان است که سلیمان در حیات داود آن قضا بدانست و بگفت تا امامت و پیشوائیش پس از پدر دانسته شود و حجت بر مردم بدان مؤکد گردد

سورة القصص مكية وآياتها ثمان وثمانون آية

سورة ۲۸ — حروفها ۵۸۰۰ — كلماتها ۱۴۴۱

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

طسم ۱ تلك آيات الكتاب المبين ۲ نتلوا عليك من نبأ موسى وفرعون

این است آیتهای کتاب هویدا میخوانیم برتو از داستان موسی و فرعون

بالحق لقوم يؤمنون ۳ إن فرعون علا في الأرض وجعل أهلها شيعا يستضعف طائفة

بحق برای گروهی که ایمان آرند همانا فرعون برتری جست در زمین و گردانید مردمش را گروههائی ناتوان میگرفت دسته‌ای

منهم يذبح أبناءهم ويستحيي نساءهم إنه كان من المفسدين ۴ ونريد أن

از آنان را سر میبرید فرزندان ایشانرا و میگذارد زنان ایشانرا و همانا او بود از تباهکاران و خواهیم

نمن على الذين استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمة ونجعلهم الوارثين ۵

منت نهیم بر آنانکه ناتوان شمرده شدند در زمین و بگردانیمشان پیشوایانی و بگردانیمشان ارث برندگان

ونمكن لهم في الأرض ونري فرعون وهامان وجنودهما منهم ما كانوا

و فرمانروایشان دهیم در زمین و بنمایانیم فرعون و هامان و سپاههای ایشانرا از آنان آنچه بودند

يحذرون ۶ وأوحينا إلى أم موسى أن أرضعيه فإذا خفت عليه فألقيه في اليم

میترسیدند و وحی کردیم بسوی مادر موسی که شیرش ده تا گاهی که بیمناک شدی براو بیفکنش در دریا

ولا تخافي ولا تحزني إنا رادوه إليك وجاعلوه من المرسلين ۷ فالتقطه آل

و نترس و نه اندوهگین باش که ما برگرداننده ایم اورا بسوی تو و گرداننده ایم اورا از پیمبران پس برداشتندش خاندان

فرعون ليكون لهم عدوا وحزنا إن فرعون وهامان وجنودهما كانوا خاطئين

فرعون تا بشود برای ایشان دشمنی و اندوهی همانا فرعون و هامان و سپاهیان ایشان بودند لغزشکاران

۸ وقالت امرأت فرعون قرت عين لي ولك لا تقتلوه عسى أن ينفعنا أو نتخذه

و گفت زن فرعون روشنی چشمی است برای تو و من مکش اورا باشد سودمند افتد مارا یا برگیریمش

ولدا وهم لا يشعرون ۹ وأصبح فؤاد أم موسى فارغا إن كادت لتبدي

فرزندی و ایشان در نمییافتند و بامداد کرد دل مادر موسی تهی نزدیک بود فاش سازدش

به لولا أن ربطنا على قلبها لتكون من المؤمنين ۱۰ وقالت لأخته قصيه

اگر نه بسته بودیم دلش را تا بشود از ایمان آرندگان و گفت بخواهر خود جستجویش کن

فبصرت به عن جنب وهم لا يشعرون ۱۱ وحرمنا عليه المراضع من قبل فقالت

پس نگریستش از دور و ایشان نمییافتند و حرام ساختیم براو شیرخوارگاهها را (پستانها را) از پیش پس گفت آن زن

هل أدلكم على أهل بيت يكفلونه لكم وهم له ناصحون ۱۲ فرددناه إلى

آیا راهنمائی نکنم شمارا بخاندانی که پرستاریش کنند برای شما و ایشانند برای او نیکخواهان پس بازگردانیدیمش بسوی

أمه كي تقر عينها ولا تحزن ولتعلم أن وعد الله حق ولكن أكثرهم لا يعلمون ۱۳

مادرش تا روشن شود چشمش بدو و اندوهگین نشود و تا بداند که وعده خداست حق ولیکن بیشترشان نمیدانند

حزب (۲)

وَلَمَّا بَلَغَ اَشُدَّهُ وَاسْتَوٰى اٰتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ؕ وَكَذٰلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾ وَدَخَلَ

و هنگامی که رسید نیروی خود را و استوار شد ارزانی داشتیمش حکم و دانش را و بدینسان پاداش دهیم نیکوکاران و در آمد

الْمَدِينَةَ عَلٰى حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ اَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَهٰذَا

بشهر هنگام غفلتی از مردمش پس یافت در آن دو مرد که کارزار میکردند این از دوستانش بود و آن

مِنْ عَدُوِّهِ ۚ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِى مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِى مِنْ عَدُوِّهِ ۙ فَوَكَزَهُ مُوسٰى فَقَضٰى

از دشمنانش پس یاری جست از او آنکه از پیروانش بود بر آنکه از دشمنانش بود پس مشتی نواخت بر او موسی که کارش را

عَلَيْهِ ۖ قَالَ هٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ ؕ اِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ قَالَ رَبِّ اِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى

ساخت گفت این از کار شیطان بود همانا او دشمنی است گمراه کننده آشکار گفت پروردگارا همانا ستم بخود نمودم

فَاغْفِرْ لِى فَغَفَرَ لَهُ ؕ اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿١٦﴾ قَالَ رَبِّ بِمَا اَنْعَمْتَ عَلَىَّ فَلَنْ اَكُونَ

پس بیامرز مرا پس امرزید او را که او است آمرزنده مهربان گفت پروردگارا بدانچه بمن ارزانی داشتی هرگز نشوم

ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾ فَاَصْبَحَ فِى الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَاِذَا الَّذِى اسْتَنْصَرَهُ بِالْاَمْسِ

پشتیبان گنهکاران پس بامداد کرد در شهر هراسانی چشم براه ناگهان آنی که یاریش کرده بود دیروز

يَسْتَصْرِخُهُ ؕ قَالَ لَهُ مُوسٰى اِنَّكَ لَغَوِىٌّ مُّبِينٌ ﴿١٨﴾ فَلَمَّا اَنْ اَرَادَ اَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِى هُوَ

بیاریش میطلبید گفت بدو موسی توئی همانا گمراهی آشکار پس گاهی که خواست خشم آرد بدانکه او

عَدُوٌّ لَّهُمَا ۙ قَالَ يَا مُوسٰى اَتُرِيدُ اَنْ تَقْتُلَنِى كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْاَمْسِ ۖ اِنْ تُرِيدُ اِلَّا

دشمن هر دو بود گفت ای موسی آیا خواهی مرا کشی چنانکه کشتی تنی را دیروز تو همانا نخواهی جز

اَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِى الْاَرْضِ وَمَا تُرِيدُ اَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ﴿١٩﴾ وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ اَقْصَا

آنکه ستمگری باشی در زمین و نخواهی که باشی از اصلاح کنندگان و آمد مردی از پایان

الْمَدِينَةِ يَسْعٰى ۖ قَالَ يَا مُوسٰى اِنَّ الْمَلَاَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ اِنِّى لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ

شهر میدوید گفت ای موسی همانا مردم در اندیشه تو اند که بکشندت پس برون شو همانا منم ترا از اندرز گویان

﴿٢٠﴾ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ ۖ قَالَ رَبِّ نَجِّنِى مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢١﴾ وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ

پس برون رفت از آن هراسانی چشم براه گفت پروردگارا نجاتم ده از گروه ستمگران و هنگامی که روی آورد بسوی

مَدْيَنَ قَالَ عَسٰى رَبِّىٓ اَنْ يَهْدِيَنِى سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿٢٢﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ اُمَّةً مِّنَ

مدین گفت امید است پروردگار من رهبریم کند براه راست و هنگامیکه وارد شد بر آب مدین یافت بر آن گروهی را از

النَّاسِ يَسْقُونَ ۖ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَاَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا ؕ قَالَتَا لَا نَسْقِى حَتّٰى يُصْدِرَ

مردم که آب میدادند و یافت نزدیک ایشان دو زن که باز میداشتند (گوسفندان را از گریختن) گفت چیست کار شما گفتند ما آب ندهیم تا باز آیند شبانان

الرِّعَاءُ وَاَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾ فَسَقٰى لَهُمَا ثُمَّ تَوَلّٰى اِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ اِنِّى لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَىَّ مِنْ

(سیراب کنند) و پدر ما پیری است فرتوت پس سیراب کرد برای ایشان سپس بازگشت بسوی سایه و گفت پروردگارا همانا منم بدانچه فرستی بسویم از

خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾ فَجَاءَتْهُ اِحْدٰيهُمَا تَمْشِى عَلَى اسْتِحْيَاءٍ ۖ قَالَتْ اِنَّ اَبِى يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ اَجْرَ مَا

خیر نیازمند پس بیامدش یکی از آن دو زن که میآمد (که روان بود) بر آزرمی گفت همانا پدرم ترا میخواند تا بپردازدت مزد آنچه را

سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ ۙ قَالَ لَا تَخَفْ ۖ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٥﴾

آب دادی برای ما پس گاهیکه بر او در آمد و خواند بر او داستانها را گفت بیم مدار رها شدی از گروه ستمگران

و در بعضی از پیمبر روایت کند طول آن شصت ذراع باشد نه کسی بدو تواند رسید و نه از وی تواند گریخت و چون بیرون آید مؤمن و کافر را مهر بر جبین نهد که باز شناخته شوند اما محمد بن کعب قرظی آورده است که علی را از دابة الارض پرسیدند در پاسخ فرمود اما والله ما لها ذنب و ان لها للحیة یعنی بخدای که او را دم نباشد بلکه وی را ریش یعنی موی زنخ همی باشد کنایت از آنکه از انسیان و آدمیان است و علی بن ابراهیم در تفسیر خویش آورده است که کسی عمار را گفت ای ابا یقظان همانا آیتی از قرآن قلبم را تباه کرده است و آن همین آیت دابه است چرا که ندانم که این جنبنده و جانور از آن مقصود است عمار بدو گفت بخدا سوگند نخورم و نیاشامم تا او را بتو ننمایانم و آن مرد را با خود بنزد علی علیه السلام آورد حالیکه بر نشسته خرما با کره همی خورد پس عمار با وی بخوردن نشست آن مرد بدو گفت مگر اکنون سوگند نیاوردی که نخوری و ننوشی تا دابة الارض بمن بنمایانی پس چگونه از یمین خود فراموش کردی و بخوردن بر نشستی عمار گفت همانا بتو باز نمودمش اگر خرد داشته باشی و غیاثی

قَالَتْ إِحْدٰىهُمَا يٰٓأَبَتِ اسْتَـْٔجِرْهُ ۖ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَـْٔجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴿٢٦﴾ قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ

گفت یکی از آن دو دختر ای پدر مزدور بگیر او را که بهترین آنان که مزدور گیری نیرومند امین است گفت همانا میخواهم که

أُنْكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلٰىٰٓ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمٰنِيَ حِجَجٍ ۖ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ ۖ

همسر تو گردانم یکی از دختران را این بر آنکه مزدور من باشی هشت سال و اگر ده سال را بجای آوردی پس از نزد تو است

وَمَا أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ ۚ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصّٰلِحِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ ذٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ۖ أَيَّمَا

و نخواهم سختی بر تو آرم زود است بیابی مرا اگر خدا خواهد از شایستگان گفت این میان من و تو است که هر کدام

الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ ۖ وَاللَّهُ عَلٰىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾ فَلَمَّا قَضٰى مُوسَى الْأَجَلَ

از دو سر آمد را بجای آوردم نباشد ستمی بر من و خدا بر آنچه گوئیم وکیل پس گاهیکه بایان آورد موسی سر آمد را

وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا ۖ قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ

و روان گشت با خاندان خویش دید از کنار طور آتشی را گفت بخاندان خویش درنگ کنید که من آتشی احساس کردم باشد بیاورم نزد شما

مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ ﴿٢٩﴾ فَلَمَّا أَتٰىهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ

از آن آگهی یا گیرانه انگیزی شاید شما گرم شوید پس گاهی که آمد آنرا خوانده شد از کنار

الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يٰمُوسٰىٰٓ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٠﴾ وَأَنْ

راست دره در سرزمین فرخنده از درخت که ای موسی همانا منم خدا پروردگار جهانیان و آنکه

أَلْقِ عَصَاكَ ۚ فَلَمَّا رَآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلّٰى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ ۚ يٰمُوسٰىٰٓ أَقْبِلْ وَلَا

بیفکن چوبدست خود را تا گاهی که نگریستش بجنبد مانند ماری سبک خیز برگشت روی گردان و پشت نکرد ای موسی بیا و

تَخَفْ ۖ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ﴿٣١﴾ اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ۖ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ

نترس که تو از ایمن شدگان فرو بر دست را در گریبان خویش تا برون آید سپید نه بی آزاری و باز گردان بسوی خود

جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ ۖ فَذٰنِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلٰىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَائِهِ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا

بال خود را از بیم پس اینها دو حجتند از پروردگار تو بسوی فرعون و کسانش که بودند ایشان همانا گروهی

فَاسِقِينَ ﴿٣٢﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ ﴿٣٣﴾ وَأَخِي هٰرُونُ

نافرمانان گفت پروردگارا کشتم از ایشان تنی را و ترسم که بکشندم و برادرم هرون

هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسِلْهُ مَعِيَ رِدْءًا يُصَدِّقُنِي ۖ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ ﴿٣٤﴾ قَالَ

او روانتر است از من در زبان پس بفرستش با من کمکی که تصدیقم کند زیرا بیمناکم که مرا تکذیب کنند گفت

سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا ۚ بِآيَاتِنَا ۚ أَنْتُمَا

زود دست بسته سازم بازوی ترا ببرادرت و بدهیم شما فرمانروائی تا نرسند بشما با آیتهای ما شما

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَا هَامَانُ عَلَى الطِّينِ

وگفت فرعون ای قوم ندانم برای شما خدائی جز خویش پس بیفروز برایم ای هامان بر گل

فَاجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَىٰ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿۳۸﴾ وَاسْتَكْبَرَ هُوَ

پس بساز برایم کوشکی شاید اطلاع یابم برخدای موسی و همانا میپندارمش من از دروغگویان و سرکشی کرد او

وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ﴿۳۹﴾ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ

ولشکرهای او در زمین بناروا و پنداشتند که ایشان بسوی ما بازگردانیده نمیشوند پس گرفتیم او و سپاهش را و افکندیمشان

فِي الْيَمِّ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ ﴿۴۰﴾ وَجَعَلْنَاهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ

بدریا پس بنگر چگونه بود فرجام ستمگران و گردانیدیمشان پیشوایانی که میخوانند بسوی آتش و روز

الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ ﴿۴۱﴾ وَأَتْبَعْنَاهُمْ فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ ﴿۴۲﴾

قیامت یاری نمیشوند و از پی آوردیمشان در این دنیا لعنتی و روز رستاخیز ایشانند از ناشایستگان (زشت شدگان)

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى

و هرآینه دادیم بموسی کتاب را پس از آنکه نابود ساختیم قرنهای پیشین را بینشهائی برای مردم و راهنمائی

وَرَحْمَةً لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿۴۳﴾ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَى الْأَمْرَ

و رحمتی شاید ایشان یادآور شوند و نبودی تو در کنار باختری هنگامی که گذراندیم بسوی موسی کار را

وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿۴۴﴾ وَلَٰكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ

و نبودی تو از گواهان لیکن ما پدید آوردیم قرنهائی پس دراز شد برایشان عمر (روزگار) و نبودی تو

ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَلَٰكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿۴۵﴾ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ

جایگزین در مردم مدین بخوانی برایشان آیتهای ما را ولیکن بودیم ما فرستندگان و نبودی تو در کنار طور

إِذْ نَادَيْنَا وَلَٰكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ

هنگامی که فراخواندیم ولیکن رحمتی از پروردگات تا بترسانی گروهی را که نیامد بشان بیم دهنده ای پیش از تو شاید

يَتَذَكَّرُونَ ﴿۴۶﴾ وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا

یادآور شوند و اگر نبود آنکه گاهیکه برسد شان پیش آمدی بد آنچه پیش فرستاده است دستهای ایشان گویند پروردگارا چرا

أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۴۷﴾ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا

نفرستادی بسوی ما فرستاده ای تا پیروی کنیم آیتهای تورا و باشیم از مؤمنان و هنگامیکه بیامدشان حق از نزد ما

قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ

گفتند چرا داده نشد مانند آنچه داده شد موسی آیا کفر نورزیدند بدانچه داده شد موسی از پیش گفتند دو جادویند

تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلٍّ كَافِرُونَ ﴿۴۸﴾ قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ

پشتیبان همدیگر و گفتند هرآینه مائیم بهرکدام کافران بگو پس بیارید کتابی از نزد خدا راهنماینده تر

مِنْهُمَا أَتَّبِعْهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۴۹﴾ فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ

از این دو تا پیرویش کنم اگر هستید راستگویان پس اگر نپذیرفتند از تو بدان که همانا پیروی کنند هوسهای خویش را

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿۵۰﴾

و کیست گمراهتر از آنکه پیروی کند هوس خود را بی رهبری از خدا همانا خدا هدایت نکند گروه ستمکاران را

آتش همیابم چون فردا بامداد شد بسوی فرعون رفت بخدا سوگند تو گوئی اکنون بدو همینگرم مردی دراز دست با موهای خاکی زنگ بر تنش جبه ای از پشم و در دستش عصای او بر کمرش کمربندی بسته گفتی در پایش از پوست دراز گوش بند آن از لیف پس بفرعون گفتند بر در جوانی است پندارد که او پیغمبر پروردگار جهان میباشد فرعون بمردی که شیر دارش بود گفت تا آنان را از زنجیر رها سازد و شیوه اش پیوسته آن بودی که چون بر کسی خشم گرفتی فرمودی تا زنجیر از آن درندگان برگرفتندی و در دم آن کس را پاره پاره ساختندی اما موسی چون درگاه نخستین کوبیدن گرفت همه درهای نهنگانه از برایش گشوده شد و او بدرون آمد و آن درندگان مانند سگ بچه سر بپایش سودندی و با وی فروتنی نمودندی فرعون روی بهمنشینان خویش کرد که آیا تاکنون چنین چیزی دیده باشید * (الی آخر الحدیث) * إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ جمعی نزول این آیه را درباره حضرت ابو طالب ع دانستند بدان



وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ

و همانا پیوسته داشتیم برای ایشان گفتار را شاید یاد آور شوند آنانکه دادیمشان کتاب را پیش از آن

هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا آمَنَّا بِهِ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ

ایشانند بدان ایمان آرندگان و هرگاه خوانده شود برایشان گویند ایمان آوردیم بدان همانا آنست حق از پروردگار ما همانا بودیم پیش

قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾ أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ

از آن اسلام آرندگان آنان داده شوند مزد خویش را دو بار بدانچه شکیبائی گزیدند و دور میکردند بخوبی بدی را

وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا

و از آنچه روزیشان دادیم میدادند و هرگاه میشنیدند بیهده (بده) را روی میگردانیدند از آن و گفتند ما راست کردار ما

وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ ﴿٥٥﴾ إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ

و شما راست کردار شما سلام بر شما نخواهیم نادانان را همانا تو رهبری نکنی آن را که

أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾ وَقَالُوا إِنْ نَتَّبِعِ الْهُدَىٰ

دوست داری ولیکن خدا رهبری کند هر که را که خواهد و اوست داناتر براه یافتگان و گفتند اگر پیروی کنیم هدایت را

مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَا أَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِزْقًا

با تو ربوده شویم از سرزمین خویش آیا فرمانروائیشان ندادیم در حرم امنی که آورده شود بسویش میوه های همه چیز روزی

مِنْ لَدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا

از نزد ما لیکن بیشترشان نمیدانند و بسا نابود کردیم شهری را که کامرانی گرفته بود زندگی خویش را

فَتِلْكَ مَسَاكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ ﴿٥٨﴾ وَمَا كَانَ

پس اینک نشیمنهای آنان که نشیمن نشدند پس از ایشان مگر اندکی و بودیم ما ارث برندگان و نیست

رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي

پروردگار تو نابود کننده شهرها تا برانگیزد در مادر آنها پیمبری که خواند برایشان آیتهای ما را و نیستیم ما نابود کننده

الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ ﴿٥٩﴾ وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا

شهرها مگر و مردم آنهایند ستمگران و آنچه داده شدید از چیزی پس بهره زندگانی دنیا و زیور آنست

وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٦٠﴾ أَفَمَنْ وَعَدْنَاهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ

و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است آیا بخرد نمییابید آیا آنرا که وعده دادیم وعده نیکی پس اوست بدان رسنده

كَمَنْ مَتَّعْنَاهُ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٦١﴾ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ

مانند آنست که کامیابیش دادیم کامیابی زندگانی دنیا سپس اوست روز قیامت از احضار شدگان و روزیکه خواندشان

فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٦٢﴾ قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا

پس گوید کجایند شریکان من آنانکه بودید میپنداشتید گفتند آنانکه فرود آمده بود برایشان سخن پروردگارا

هَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ ﴿٦٣﴾

اینانند که گمراه کردیم گمراهشان کردیم بدانسان که گمراه شدیم بیزاری جستیم بسویت نبودند ما را پرستندگان

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ﴿٦٤﴾

و گفته شد بخوانید شریکان خود را پس خواندند ایشان را پس پاسخ نگفتندشان و دیدند عذاب را اگر بودند هدایت میشدند

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ ﴿٦٥﴾ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ

و روزی که خواندشان پس گوید چه چیز پاسخ گفتید بفرستادگان پس کور شود برایشان آگهیها در آن روز پس از همدیگر

لَا يَتَسَاءَلُونَ ﴿٦٦﴾ فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُفْلِحِينَ ﴿٦٧﴾ وَرَبُّكَ

نپرسند اما آنکه توبه کند و ایمان آرد و کردار شایسته کند پس امید است آنکه باشد از رستگاران و پروردگارت

يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۗ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ ۚ سُبْحَانَ اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٨﴾

میآفرید هر آنچه خواهد و برگزیند نیستشان اختیاری منزه و برتر است خدا از آنچه شرک ورزند

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٦٩﴾ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ لَهُ

و پروردگار تو داند آنچه نهان میدارد سینه های ایشان و آنچه پدیدار کند و اوست خدا نیست خدائی جز او برای اوست

الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۖ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٧٠﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ

سپاس در آغاز و انجام و برای اوست حکم و بسویش بازگردانیده شوید بگو آیا دیده اید اگر بگرداند

اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ ۖ

خدا بر شما شب را پیوسته تا روز رستاخیز کدام خداست جز خدا که بیارد شما را پرتوی

أَفَلَا تَسْمَعُونَ ﴿٧١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ

آیا نمیشنوید بگو آیا دیده اید اگر گرداند خدا بر شما روز را همیشگی تا روز قیامت کدام

إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ ۖ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٧٢﴾ وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ

خداست جز خدا که آورد تان شبی که آرامش گیرید در آن آیا نمی بینید و از رحمتش نهاد برای شما

اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَيَوْمَ

شب و روز را تا بیارامید در آن و تا جوئید از فضلش و شاید سپاسگذارید و روزی که

يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ﴿٧٤﴾ وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا

بخواندشان پس گوید کجاست شریکانم آنانکه بودید میپنداشتید و گرفتیم از هر ملتی گواهی

فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿٧٥﴾ إِنَّ قَارُونَ كَانَ

و گفتیم بیارید دستاویز خویش را پس دانستند آنکه حق از آن خداست و گم شد از ایشان آنچه بودند دروغ می بستند همانا قارون بود

مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيْهِمْ ۖ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ

از قوم موسی پس سرکشی کرد برایشان و دادیمش از گنجها آنچه کلیدهایش گران میآمد بر گروه نیرومند

إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ ﴿٧٦﴾ وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا

هنگامیکه گفتند بدو قومش شادمانی مکن که خدا دوست ندارد شادمانان را و بجوی در آنچه خدا بتو داده است خانه آخرت را و

تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفَسَادَ فِي الْأَرْضِ ۖ إِنَّ اللَّهَ

فراموش مکن بهره خویش را از دنیا و نکوئی کن چنانکه نکوئی کرد بتو خدا و بجوی تباهی را در زمین همانا خدا

لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ ﴿٧٧﴾ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي ۚ أَوَلَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ

دوست ندارد تبهکاران را گفت جز این نیست که داده شدمش بر دانشی نزد من آیا نمیداند که خدا نابود کرد

مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرُ جَمْعًا ۚ وَلَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ ﴿٧٨﴾

پیش از او از قرنها آنکه سخت تر از او بود در نیرو و بیشتر در گروه و پرسش نشوند از گناهانشان گنهکاران

وربك يخلق ما يشاء ويختار در این آیت دو وجه است نخست آنکه بر يختار وقف شود و جمله ما كان لهم الخيرة مستانفه باشد این در صورتیست که ما نافیه باشد و معنی آنکه آفرینش و تدبیر و اختیار موجودات همه از آن خداست و ایشان را نسبت بامر خویش اختیاری نباشد و این در پاسخ مشرکین است که گفتند لولا نزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم و از برای پیمبری ولید بن مغیره در مکه و عروة بن مسعود ثقفی را در طایف انتخاب نمودند وجه دویم آنکه ما موصوله باشد و خود و ما بعد آن در حیز ما قبل بدینسان که مفعول يختار باشد و اگر چه فی الحقیقه معنی آیه در این فرض بسوی معنی نخستین باز گردد الا آنکه در اعراب و وقف و وصلش تفاوت بهم رسد * إن قارون بروایتی از امام ابی عبد الله صادق علیه السلام قارون خاله زاده موسی بود و از بس زیبا روی و نکو چهره بودی و را منور خواندندی و هیچکس بمثابه او در قرائت توریة نبودی اما چه سود که نفاق برگزید و مقصود از مفاتحه کنوز و گنجهای او میباشد چنانکه در قوله تعالی و عنده

وَكَذٰلِكَ اَنْزَلْنَآ اِلَيْكَ الْكِتٰبَ ؕ فَالَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ ۚ وَمِنْ هٰٓؤُلَآءِ مَنْ يُّؤْمِنُ

و چنین فرستادیم بسویت کتاب را پس آنانکه دادیمشان کتاب را ایمان آرند بدان و از ایشان است آنکه ایمان آرد

بِهٖ ؕ وَمَا يَجْحَدُ بِاٰيٰتِنَآ اِلَّا الْكٰفِرُوْنَ ﴿۴۷﴾ وَمَا كُنْتَ تَتْلُوْا مِنْ قَبْلِهٖ مِنْ كِتٰبٍ وَّلَا تَخُطُّهٗ بِيَمِيْنِكَ

بدان و خیرگی نکنند در آیتهای ما مگر کافران و نبودی تو بخوانی پیش از این کتابی و نه بنویسیش بادست راست

اِذًا لَّارْتَابَ الْمُبْطِلُوْنَ ﴿۴۸﴾ بَلْ هُوَ اٰيٰتٌۢ بَيِّنٰتٌ فِيْ صُدُوْرِ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ ؕ وَمَا يَجْحَدُ بِاٰيٰتِنَآ

آنهنگام هر آینه شک میآوردند نادرستان بلکه آن آیتهای آشکارائی است در سینه های آنان که داده شدند دانش را و برابری نکنند بآیتهای ما

اِلَّا الظّٰلِمُوْنَ ﴿۴۹﴾ وَقَالُوْا لَوْلَآ اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيٰتٌ مِّنْ رَّبِّهٖ ؕ قُلْ اِنَّمَا الْاٰيٰتُ عِنْدَ اللّٰهِ ؕ

مگر ستمکاران و گفتند چرا فرستاده نشد براو آیتهائی از پروردگارش بگو جز این نیست که آیتها نزد خداست

وَاِنَّمَآ اَنَا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿۵۰﴾ اَوَلَمْ يَكْفِهِمْ اَنَّآ اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتٰبَ يُتْلٰى عَلَيْهِمْ ؕ اِنَّ فِيْ

و جز این نیست که منم ترساننده آشکار آیا بس نشد ایشان را که فرستادیم بر تو کتاب را خوانده میشود برایشان همانا در

ذٰلِكَ لَرَحْمَةً وَّذِكْرٰى لِقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ﴿۵۱﴾ قُلْ كَفٰى بِاللّٰهِ بَيْنِيْ وَبَيْنَكُمْ شَهِيْدًا ۚ يَعْلَمُ مَا فِي

اینست رحمت و یادآوردنی برای گروهی که ایمان آرند بگو بس است خدا میان من و شما گواه داند آنچه را در

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ؕ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوْا بِاللّٰهِ ۙ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ﴿۵۲﴾ وَ

آسمانها و زمین است و آنانکه ایمان آرند بباطل و کفر ورزند بخدا آنانند زیانکاران و

يَسْتَعْجِلُوْنَكَ بِالْعَذَابِ ؕ وَلَوْلَآ اَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَآءَهُمُ الْعَذَابُ ؕ وَلَيَاْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَّهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ

شتاب خواهند از تو در عذاب و اگر نبود سرآمدی نامبرده هر آینه میآمدشان عذاب و همانا بیایدشان ناگهان و ایشان در نیابند

﴿۵۳﴾ يَسْتَعْجِلُوْنَكَ بِالْعَذَابِ ؕ وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيْطَةٌۢ بِالْكٰفِرِيْنَ ﴿۵۴﴾ يَوْمَ يَغْشٰىهُمُ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ

شتاب خواهند از تو در عذاب و همانا دوزخ است فراگیرنده بکافران روزیکه فراگیردشان عذاب از فرازشان

وَمِنْ تَحْتِ اَرْجُلِهِمْ وَيَقُوْلُ ذُوْقُوْا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿۵۵﴾ يٰعِبَادِيَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِنَّ اَرْضِيْ وَاسِعَةٌ

و از زیر پایهایشان و گوید بچشید آنچه را بودید میکردید ای بندگان من که ایمان آوردید همانا زمین من پهناور است

فَاِيَّايَ فَاعْبُدُوْنِ ﴿۵۶﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ اِلَيْنَا تُرْجَعُوْنَ ﴿۵۷﴾ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا

پس مرا پرستش کنید همه کس چشنده مرگ است سپس بسوی ما برگردانیده شوید و آنانکه ایمان آرند و کردار

الصّٰلِحٰتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِّنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ؕ نِعْمَ اَجْرُ الْعٰمِلِيْنَ ﴿۵۸﴾

شایسته کنند هر آینه جایگاه گردانیمشان از بهشت غرفه هائی که روان است زیر آنها جویها جاودانان در آن چه خوب است پاداش عمل کنندگان

الَّذِيْنَ صَبَرُوْا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ﴿۵۹﴾ وَكَاَيِّنْ مِّنْ دَآبَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا ۖ اَللّٰهُ يَرْزُقُهَا وَاِيَّاكُمْ وَهُوَ

آنانکه شکیبائی ورزیدند و بر پروردگار خویش توکل کنند و بسا جنبنده که برندارد روزی خویش را خدا روزی دهدش و شما را و اوست

السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ﴿۶۰﴾ وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُوْلُنَّ اللّٰهُ ۚ

شنوای دانا و اگر پرسیشان که آفرید آسمانها و زمین را و رام کرد مهر و ماه را هر آینه گویند خدا

فَاَنّٰى يُؤْفَكُوْنَ ﴿۶۱﴾ اَللّٰهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَيَقْدِرُ لَهٗ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ﴿۶۲﴾ وَلَئِنْ

پس کجا بدروغ رانده میشوند خدا فراخ گرداند روزی را برای هر که خواهد از بندگان خویش و تنگ گرداند برایش همانا خداوند است بهمه چیز دانا و اگر

سَاَلْتَهُمْ مَّنْ نَّزَّلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ مِنْۢ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُوْلُنَّ اللّٰهُ ۚ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُوْنَ ﴿۶۳﴾

پرسیشان که فرستاد از آسمان آبی تا زنده کرد بدان زمین را پس از مردنش هر آینه گویند خدا بگو سپاس خدا را بلکه بیشترشان بخرد در نمییابند

وَمَا هٰذِهِ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَآ اِلَّا لَهْوٌ وَّلَعِبٌ ۭ وَاِنَّ الدَّارَ الْاٰخِرَةَ لَهِىَ الْحَيَوَانُ ۘ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿۶۴﴾

وَنیست این زندگانی دنیا جز هوسرانی وبازی وهان خانهٔ بازپسین هست زندگانی اگر بدانند

فَاِذَا رَكِبُوْا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ ۚ فَلَمَّا نَجّٰىهُمْ اِلَى الْبَرِّ اِذَا هُمْ يُشْرِكُوْنَ ﴿۶۵﴾

پس گاهیکه سوار شوند در کشتی خوانند خدارا پاک کنندگان برای او دین را تا گاهیکه رهانیدشان بسوی دشت ناگهان ایشان شرک ورزند

لِيَكْفُرُوْا بِمَآ اٰتَيْنٰهُمْ ۣ وَلِيَتَمَتَّعُوْا ۣ فَسَوْفَ يَعْلَمُوْنَ ﴿۶۶﴾ اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا

تا کفر ورزند بدانچه دادیشان وتا کامیاب شوند پس زود دست بدارند آیا نمیبینند که ما نهادیم حرمی

اٰمِنًا وَّيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ ۭ اَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُوْنَ وَبِنِعْمَةِ اللّٰهِ يَكْفُرُوْنَ ﴿۶۷﴾

امن وربوده شوند مردم از پیرامونش آیا بباطل ایمان آرند وبنعمت خدا کفر ورزند

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهٗ ۭ اَلَيْسَ فِيْ جَهَنَّمَ مَثْوًى

وکیست ستمکارتر از آنکه بست بر خدا دروغی یا دروغ پنداشت حق را گاهی که آمدش آیا نیست در دوزخ جایگاهی

لِّلْكٰفِرِيْنَ ﴿۶۸﴾ وَالَّذِيْنَ جَاهَدُوْا فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ۭ وَاِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۶۹﴾

برای کافران وآنانکه بکوشند در راه ما هرآینه بنمایانیمشان راههای خویش را وهمانا خداست نیکوکاران

سورة الروم مكية وآياتها ستون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سورة ۳۰ — حروفها ۳۵۳۴ — كلماتها ۸۱۴

بنام خداوند بخشنده مهربان

الٓمّٓ ﴿۱﴾ غُلِبَتِ الرُّوْمُ ﴿۲﴾ فِيْٓ اَدْنَى الْاَرْضِ ۚ وَهُمْ مِّنْۢ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُوْنَ ﴿۳﴾ فِيْ بِضْعِ سِنِيْنَ ۭ لِلّٰهِ

شکست خوردند رومیان در نزدیکترین سرزمین وایشان پس از شکستشان زود دست پیروز شوند در چند سال برای خداست

الْاَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْۢ بَعْدُ ۭ وَيَوْمَىِٕذٍ يَّفْرَحُ الْمُؤْمِنُوْنَ ۙ ﴿۴﴾ بِنَصْرِ اللّٰهِ ۭ يَنْصُرُ مَنْ يَّشَآءُ ۭ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ

کار از پیش واز پس ودر آنروز خرسند شوند مؤمنان بیاری خدا یاری کند هرکرا خواهد وداوست عزتمند مهربان

﴿۵﴾ وَعْدَ اللّٰهِ ۭ لَا يُخْلِفُ اللّٰهُ وَعْدَهٗ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۶﴾ يَعْلَمُوْنَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

وعدهٔ خدا است نکند خدا وعدهٔ خویش را لیکن بیشتر مردم نمیدانند سیدانند روئی (ظاهری) را از زندگانی دنیا

وَهُمْ عَنِ الْاٰخِرَةِ هُمْ غٰفِلُوْنَ ﴿۷﴾ اَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوْا ۭ فِيْٓ اَنْفُسِهِمْ ۭ مَا خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ

وایشانند از آخرت ناآگهان آیا نیندیشند پیش خود کرنیافریده است خدا آسمانها وزمین وآنچه را میان آنهاست

اِلَّا بِالْحَقِّ وَاَجَلٍ مُّسَمًّى ۭ وَاِنَّ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَاۗءِ رَبِّهِمْ لَكٰفِرُوْنَ ﴿۸﴾ اَوَلَمْ يَسِيْرُوْا

جز بحق وسرآمدی نامبرده ودرآنه بسیاری از مردمند بملاقات پروردگارشان کافران آیا نمیگردند

فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۭ كَانُوْٓا اَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَّاَثَارُوا الْاَرْضَ

در زمین تا بنگرند چگونه بود فرجام آنانکه بودند پیش از ایشان بودند سخت تر از ایشان در نیرو وکاویدند زمین را (برای عمران)

وَعَمَرُوْهَآ اَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوْهَا وَجَاۗءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ ۭ فَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوْٓا اَنْفُسَهُمْ

وآبادان ساختندش بیشتر از آنچه ایشان آبادکردند وبیامدشان پیغمبرانشان بودند خدا ستم کننده بر ایشان نبود لیکن

يَظْلِمُوْنَ ﴿۹﴾ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِيْنَ اَسَاۗءُوا السُّوْٓآٰى اَنْ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَكَانُوْا بِهَا يَسْتَهْزِءُوْنَ ﴿۱۰﴾

ستم میکردند پس شد فرجام آنانکه بدی کردند آنکه دروغ پنداشتند آیتهای خدارا وبودند بدانها مسخره کنان

اَللّٰهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهٗ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۱۱﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ ﴿۱۲﴾

خدا آغاز کند آفرینش را پس بازگرداند آن را پس بسوی او بازگردانیده شوید و روزی که بپاشود ساعت سراسیمه شوند گنهکاران

وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ مِنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعٰٓؤُا وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كٰفِرِينَ ﴿۱۳﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ

و نبود ایشانرا از شریکان ایشان شفاعت کنندگانی و بودند بشریکان خویش کفرورزان و روز یکه بپاشود ساعت در آنروز

يَتَفَرَّقُونَ ﴿۱۴﴾ فَاَمَّا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ﴿۱۵﴾ وَاَمَّا الَّذِينَ

پراکنده شوند پس آنانکه ایمان آوردند وکردار شایسته کردند ایشانند در چمنزاری شادمان داشته و اما آنانکه

كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَا وَلِقَآءِ الْاٰخِرَةِ فَاُولٰٓئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿۱۶﴾ فَسُبْحَانَ اللّٰهِ حِينَ

کفرورزیدند و دروغ پنداشتند آیتهای ما را و دیدن را بآخرت آنانند در عذاب احضار شدگان پس منزه است (یا تنزیه میکنم) خدا را بهنگام

تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ ﴿۱۷﴾ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ ﴿۱۸﴾ يُخْرِجُ

گرشام کنید و بهنگامی که بامداد کنید و او راست سپاس در آسمانها و زمین و شامگاهان و گاهیکه نیمروز کنید بیرون آرد

الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿۱۹﴾ وَمِنْ

زنده را از مرده و بیرون آرد مرده را از زنده و زنده میکند زمین را پس از مردنش و همنسان بیرون آورده شوید و از

اٰيٰتِهٖٓ اَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ اِذَآ اَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ﴿۲۰﴾ وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ

آیتهای او آنست که آفرید شما را از خاکی ناگاه شما بشریند پراکنده گان و از آیتهای آن است که آفرید برای شما از

اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوٓا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

خودتان جفتهائی تا بیارامید بدانان و نهاد در میان شما دوستی و مهری را همانا در اینست آیتهائی برای گروهی که اندیشه کنند

﴿۲۱﴾ وَمِنْ اٰيٰتِهٖ خَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاخْتِلَافُ اَلْسِنَتِكُمْ وَاَلْوَانِكُمْ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ

و از آیتهایش آفرینش آسمانها و زمین و گوناگون بودن زبانهای شما و رنگهای شما همانا در این است آیتهائی

لِلْعٰلِمِينَ ﴿۲۲﴾ وَمِنْ اٰيٰتِهِ مَنَامُكُمْ بِالَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَآؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهٖ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ

برای دانایان و از آیتهایش خواب شما بشب و روز و روزی جستن شما از فضلش همانا در اینست آیتهائی

لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ﴿۲۳﴾ وَمِنْ اٰيٰتِهٖ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَيُحْيِي بِهِ الْاَرْضَ

برای گروهی که میشنوند و از آیتهایش بنمایدتان برق را بیمی و امیدی و فرستد از آسمان آبی که زنده سازد بدان زمین را

بَعْدَ مَوْتِهَا اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۲۴﴾ وَمِنْ اٰيٰتِهٖٓ اَنْ تَقُومَ السَّمَآءُ وَالْاَرْضُ بِاَمْرِهٖ

پس از مردنش همانا در اینست آیتهائی برای گروهی که بخرد بابند و از آیتهایش آنکه بپایستد آسمان و زمین بفرمانش

ثُمَّ اِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْاَرْضِ اِذَآ اَنْتُمْ تَخْرُجُونَ ﴿۲۵﴾ وَلَهٗ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلٌّ لَهٗ

ناگاهی که بخواند شما را خواندنی از زمین ناگاه بیرون آیید و او راست آنکه در آسمانها و زمین است همگنان برای او

قَانِتُونَ ﴿۲۶﴾ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهٗ وَهُوَ اَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْاَعْلٰى فِي السَّمٰوٰتِ

فرمانبان و او است آنکه آغاز کند آفرینش را پس بازگرداندش و آن آسانتر است براو و او راست مثل برتر است در آسمانها

وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲۷﴾ ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِنْ اَنْفُسِكُمْ هَلْ لَكُمْ مِنْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَآءَ

و زمین و او است عزتمند حکیم زد است برای شما مثلی از خودتان آیا شما راست از آنچه مالکت بیمینهای شما شریکانی

فِي مَا رَزَقْنٰكُمْ فَاَنْتُمْ فِيهِ سَوَآءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ اَنْفُسَكُمْ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْاٰيٰتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۲۸﴾

در آنچه روزیمان کردیم که شما با آن در آن یکسان هستید ترسان همانند ترسیدن شما از خویشتن بهمگونه تفصیل میدهیم آیتهارا برای گروهی که بخرد بابند

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۝ فَأَقِمْ وَجْهَكَ

بلکه پیروی کردند آنانکه ستم کردند هوسهای خویش را بنادانی پس که راهنمائی کند آنرا که گمراه ساخت خدا و نیست ایشانرا یاورانی پس راست کن روی خود را

لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ

بسوی دین یکتاپرست آفرینش خدائی که سرشت مردم را برآن نیست دگرگون شدنی برای آفرینش خدا این است دین استوار ولیکن

أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝٣٠ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝٣١

بیشتر مردم نمیدانند زاری کنندگان بسویش و بترسیدش و بپایدارید نماز را و نباشید از شرک ورزان

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيَعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ ۝٣٢ وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ

از آنانکه پراکنده ساختند دین خود را و گشتند گروههائی هر حزبی است بدانچه نزد خویش است شادمان و هرگاه رسد مردم را رنجی

دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ۝٣٣

خوانند پروردگار خود را زاری کنان بسویش تا آنگاه که چشاندشان از خویش رحمتی ناگهان گروهی از ایشانند بپروردگار خویش شرک ورزان

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝٣٤ أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا

تا کفر ورزند بدانچه آوردیمشان پس بهره مند باشید زود است بدانید یا فرستادیم برایشان فرمانی که سخن گوید بدانچه

كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ ۝٣٥ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ

بودند بدان شرک ورزان و هرگاه چشانیم مردم را رحمتی شادمان شوند بدان و اگر رسدشان بدی بدانچه پیش فرستاد

أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ ۝٣٦ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ

دستهاشان ناگاه ایشانند نومیدان آیا ندیدند که خدا فراخ گرداند روزی را برای هرکه خواهد و تنگ سازد همانا در اینست آیتهائی

لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝٣٧ فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ

برای گروهی که ایمان آرند پس بده بخویشاوندان بهره اشرا و بینوا و وامانده در راه این نکوتر است برای آنانکه خواهانند روی

اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝٣٨ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رِبًا لِيَرْبُوَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِنْدَ اللَّهِ وَمَا

خدا را و آنانند رستگاران و آنچه آرید از ربائی (سود) که بیفزاید در مالهای مردم پس فزونی نگیرد نزد خدا و آنچه

آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ۝٣٩ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ

آرید از زکوتی که خواهید بدان روی خدا را پس آنانند فزونی گیرندگان خداست آنکه آفرید شما را پس روزیتان داد

ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَٰلِكُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ

پس بمیراند شما را و سپس زنده سازدتان آیا هست از شریکان شما آنکه بکند از اینها چیزی را منزه و برتر است او

عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝٤٠ ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا

از آنچه شرک میورزند پدیدار شد تباهی در دشت و دریا بدانچه فراهم کرد دستهای مردم تا چشاندشان پاره از آنچه کردند

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝٤١ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ

شاید باز گردند بگو بگردید در زمین پس بنگرید چگونه بود فرجام آنانکه پیش بودند بودند

أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ۝٤٢ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ

بیشتر ایشان شرک ورزندگان پس راست کن روی خود را بسوی دین استوار پیش از آنکه بیاید روزی که نیستش بازگشتی از خدا آنروز

يَصَّدَّعُونَ ۝٤٣ مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ ۝٤٤

شکافته شوند از هم هرکه کفر ورزد پس بر او است کفرش و هرکه کار نکو کند پس برای خویش آماده میکنند

حزب (٢)

فَخَرَجَ عَلٰى قَوْمِهٖ فِىْ زِيْنَتِهٖ ؕ قَالَ الَّذِيْنَ يُرِيْدُوْنَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا يٰلَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا اُوْتِىَ

پس برون شد بر قومش در زیور خویش گفتند آنانکه خواهند زندگانی دنیارا کاش مارا میبود مانند آنچه داده شده است

قَارُوْنُ ۙ اِنَّهٗ لَذُوْ حَظٍّ عَظِيْمٍ ﴿۷۹﴾ وَقَالَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ وَيْلَكُمْ ثَوَابُ اللّٰهِ خَيْرٌ لِّمَنْ اٰمَنَ

قارون همانا اوست دارای بهره گران وگفتند آنانکه داده شدند دانشرا وای برشما پاداش خدا بهتر است برای آنکه ایمان آرد

وَعَمِلَ صَالِحًا ۚ وَلَا يُلَقّٰىهَآ اِلَّا الصّٰبِرُوْنَ ﴿۸۰﴾ فَخَسَفْنَا بِهٖ وَبِدَارِهِ الْاَرْضَ فَمَا كَانَ لَهٗ

وکردار شایسته کند وداده نشوند آنرا مگر شکیبایان پس فروبردیم او وخانهٔ اورا درزمین ونبود برایش

مِنْ فِئَةٍ يَّنْصُرُوْنَهٗ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ ۗ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِيْنَ ﴿۸۱﴾ وَاَصْبَحَ الَّذِيْنَ تَمَنَّوْا مَكَانَهٗ

دسته‌ای که یاریش کنند جز خدا ونبود از یاری شدگان وبامداد کردند آنانکه آرزو میکردند جای اورا

بِالْاَمْسِ يَقُوْلُوْنَ وَيْكَاَنَّ اللّٰهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَيَقْدِرُ ۚ لَوْلَآ اَنْ مَّنَّ اللّٰهُ

دیروز میگفتند وای! گوئیا خدا میگشاید روزی را برای هرکه خواهد از بندگانش وتنگ میگرداند اگر نه منت مینهاد خدا

عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا ؕ وَيْكَاَنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُوْنَ ﴿۸۲﴾ تِلْكَ الدَّارُ الْاٰخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِيْنَ لَا يُرِيْدُوْنَ

برما هرآینه فرو میبرد مارا وای! گوئیا رستگار نشوند کافران اینک خانهٔ آخرت نهیمش برای آنانکه نجویند

عُلُوًّا فِى الْاَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِيْنَ ﴿۸۳﴾ مَنْ جَآءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ خَيْرٌ مِّنْهَا ۚ وَمَنْ جَآءَ

برتری درزمین ونه تبهکاری وفرجام است ازآن پرهیزکاران آنکه خوبی را آرد ویراست بهتر ازآن وآنکه

بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِيْنَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ اِلَّا مَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿۸۴﴾ اِنَّ الَّذِىْ فَرَضَ

بدی را آرد پس کیفر نشوند آنانکه کردار زشت کنند مگر آنچه را بودند میکردند همانا آنکه بایسته داشت

عَلَيْكَ الْقُرْاٰنَ لَرَآدُّكَ اِلٰى مَعَادٍ ؕ قُلْ رَّبِّىْٓ اَعْلَمُ مَنْ جَآءَ بِالْهُدٰى وَمَنْ هُوَ فِىْ ضَلَالٍ مُّبِيْنٍ ﴿۸۵﴾

برتو قرآن را بازگرداننده است ترا بسوی بازگشتگاه بگو پروردگار من داناتر است که هدایت را آورده وکیست آنکه اوست در گمراهی آشکار

وَمَا كُنْتَ تَرْجُوْٓا اَنْ يُّلْقٰٓى اِلَيْكَ الْكِتٰبُ اِلَّا رَحْمَةً مِّنْ رَّبِّكَ فَلَا تَكُوْنَنَّ ظَهِيْرًا لِّلْكَافِرِيْنَ ﴿۸۶﴾

ونبودی تو امیدوار بدانکه افکنده شود بسویت کتاب مگر رحمتی از پروردگارت پس نباش البته پشتیبانی برای کافران

وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ اٰيَاتِ اللّٰهِ بَعْدَ اِذْ اُنْزِلَتْ اِلَيْكَ وَادْعُ اِلٰى رَبِّكَ وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ﴿۸۷﴾

وباز ندارندت از آیتهای خدا پس ازآنکه فرستاده شد بسویت وبخوان بسوی پروردگار خویش ونباش از شرک ورزان

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ ۘ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ كُلُّ شَىْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهٗ ؕ لَهُ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ﴿۸۸﴾

ونخوان با خدا خدای دیگری نیست خدائی جز او هر چیزی نابود است جز رویش اوراست حکم وبسویش بازگردانیده شوید

سورة العنكبوت مكية وآياتها تسع وستون آية

سورة ۲۹ — حروفها ۴۱۹۵ — كلماتها ۹۸۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓمّٓ ﴿۱﴾ اَحَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُّتْرَكُوْٓا اَنْ يَّقُوْلُوْٓا اٰمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُوْنَ ﴿۲﴾ وَلَقَدْ

آیا پنداشتند مردم که رها شوند آنکه گویند ایمان آوردیم وآزموده نگردند وهمانا

فَتَنَّا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِيْنَ ﴿۳﴾

آزمودیم آنانرا که پیش ازایشان بودند تابداند خدا آنانرا که راست گفتند وتابداند دروغگویان را

حزب (۴)

از موسی داد خواهد ویرا بآزردن خویش متهم ومنسوب دارد ودر دم دو بدره

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿۴﴾ مَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ

یا گمان دارند آنانکه بدیها کنند که بر ما سبقت گیرند زشت است آنچه حکم کنند آنکو امید دارد ملاقات

اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ ۚ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿۵﴾ وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ

خدا را همانا سرآمد خداست آینده و اوست شنوای دانا و آنکه میکوشد جز این نیست که میکوشد برای خویشتن همانا خدا

لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿۶﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَ

بی نیاز است از جهانیان و آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند همانا بستریم از ایشان بدیهای ایشانرا و

لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۷﴾ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ

هر آینه پاداششان دهیم بهتر آن را که بودند میکردند و اندرز دادیم انسانرا بپدر و مادرش نکوئی کردن و اگر

جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۚ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ

کوشیدند با تو که شرک ورزی با من آنچه را نیستت بدان دانش پس فرمانبرداریشان نکن بسوی من است بازگشت شما تا آگهیتان دهم بدانچه بودید

تَعْمَلُونَ ﴿۸﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ ﴿۹﴾ وَمِنَ النَّاسِ

میکردید و آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند هر آینه در آریمشان در شایستگان و از مردمند

مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ ۖ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ

آنانکه گویند ایمان آوردیم بخدا پس گاهیکه آزرده شود در راه خدا بگرداند آزار مردم را چون عذاب خدا و اگر بیاید یاری

مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ ﴿۱۰﴾ وَلَيَعْلَمَنَّ

از پروردگارت هر آینه گویند ما با شما بودیم آیا نیست خدا داناتر بدانچه هست در سینه‌های جهانیان و تا بداند

اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ ﴿۱۱﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا

خدا آنانرا که ایمان آوردند و تا بداند آنانرا که نفاق (دورویی) ورزیدند و گفتند آنانکه کفر ورزیدند بدانانکه ایمان آوردند پیروی کنید راه ما را

وَلْنَحْمِلْ خَطَايَاكُمْ ۖ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱۲﴾ وَلَيَحْمِلُنَّ

و باید بدوش کشیم گناهان شما را و نیستند حمل کنندگان گناهان ایشان بچیزی همانا ایشانند دروغگویان و هر آینه بدوش کشند

أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَعَ أَثْقَالِهِمْ ۖ وَلَيُسْأَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ﴿۱۳﴾ وَلَقَدْ

بارهای خود را و بارهائی با بارهای خود و هر آینه پرسش شوند روز قیامت از آنچه بودند دروغ می بستند و همانا

أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ

فرستادیم نوح را بسوی قومش پس ماند در ایشان هزار سال مگر پنجاه سال پس گرفت ایشانرا طوفان

وَهُمْ ظَالِمُونَ ﴿۱۴﴾ فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ ﴿۱۵﴾ وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ

حالیکه بودند ستمگران پس رهانیدیمش و یاران کشتی را و گردانیدیمش آیتی برای جهانیان و ابراهیم هنگامیکه گفت

لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۱۶﴾ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ

بقوم خود پرستش کنید خدا را و بترسیدش این بهتر است برای شما اگر بدانید جز این نیست که میپرستید

مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا ۚ إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ

جز خدا بتانی را و میآفرید دروغی را (میپردازید) همانا آنانکه میپرستید جز خدا دارا نیستند

لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۖ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۱۷﴾

برای شما روزی پس بجوئید نزد خدا روزی را و او را پرستش کنید و شکرش گذارید بسوی او بازگردانیده میشوید

سر بمهر بدو تسلیم نمود اما آن زن چون بخانه بازگشت با خود گفت همه تباهکاری و ناشایستی کردی اکنون بجا نمانده است جز آنکه بر پیمبر خدای تهمت زنی و فردا ببارگاه قارون بیامد و آن دو بدره بدر آورد که دوشم قارون این بداد تا پیمبر خدا را بناشایست منسوب دارم اما من هرگز چنین گستاخی نخواهم ورزیدن بنی اسرائیل مهر قارون بر آن صره‌ها بشناختند و راستی سخنش بدانستند و موسی بر قارون نفرین کرد تا زمین وی را بکام خویش فرو برد

(سورة العنكبوت) از امام ابی عبدالله صادق علیه السلام است بروایت ابی بصیر که هر کس سوره روم و عنکبوت را در ماه رمضان شب بیست و سیم آن تلاوت نماید از اهل بهشت است و بر این سوگند یاد نمود و گفت هیچ کس را از اینکه گفتم استثنا نمیکنم و نمیترسم که خدای بر سوگندم بر من گنهی بنویسد و همانا این دو سوره را نزد خدای مکانت و رتبتی گران باشد و در نزول آیت نخستین آن اختلاف است بعضی گفتند در باره عمار یاسر بیامد که در راه خدا شکنجه فراوان دیدی و قولی است که در باره مردمی بیامد که در مکه اسلام آوردند

وَاِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ اُمَمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ ؕ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ اِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿۱۸﴾ اَوَلَمْ

واگر تکذیب کنید همانا تکذیب کردند ملتهائی پیش از شما ونیست بر پیمبر مگر رساندن آشکار آیا

يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللّٰهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ؕ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ ﴿۱۹﴾ قُلْ سِيرُوا فِي الْاَرْضِ

نه بینند چگونه پدید آرد خدا آفرینش را وسپس بازگرداندش همانا آنست بر خدا آسان بگو بگردید در زمین

فَانْظُرُوا كَيْفَ بَدَاَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللّٰهُ يُنْشِئُ النَّشْاَةَ الْاٰخِرَةَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۲۰﴾ يُعَذِّبُ

پس بنگرید چگونه آغاز آفرینش کرد سپس خدا پدید آورد پیدایش باز پسین را همانا خدا بر همه چیزست توانا عذاب کند

مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ﴿۲۱﴾ وَمَا اَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْاَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۫

هرکه را خواهد وبیامرزد هرکه را خواهد وبسوی او بازگردانیده شوید ونیستید شما عاجز کنندگان در زمین ونه در آسمان

وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللّٰهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۲۲﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِاٰيَاتِ اللّٰهِ وَلِقَائِهِ اُولٰٓئِكَ

ونیستتان جز خدا دوست ونه یاوری وآنانکه کفر ورزیدند بآیتهای خدا وملاقات او آنان

يَئِسُوا مِنْ رَّحْمَتِي وَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ﴿۲۳﴾ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ اِلَّا اَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ اَوْ

نومیدند از رحمتم وآنانراست عذابی دردناک پس نبود پاسخ قومش جز آنکه گفتند بکشیدش یا

حَرِّقُوهُ فَاَنْجٰىهُ اللّٰهُ مِنَ النَّارِ ؕ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿۲۴﴾ وَقَالَ اِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ

بسوزانیدش پس رها ساختش خدا از آتش همانا در اینست آیتهائی برای قومی که ایمان آرند وگفت جز این نیست که برگرفتید

دُونِ اللّٰهِ اَوْثَانًا ۙ مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ وَ

جز خدا بتانی بدوستی میان خویش در زندگانی دنیا پس روز قیامت کفر ورزد برخی از شما ببرخی و

يَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ۫ وَمَاْوٰىكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نَاصِرِينَ ﴿۲۵﴾ فَاٰمَنَ لَهُ لُوطٌ ۘ وَقَالَ

لعن کند برخی از شما برخی را وجای شما آتش است ونیست شما را یارانی پس ایمان آورد برایش لوط وگفت

اِنِّي مُهَاجِرٌ اِلٰى رَبِّي ؕ اِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۲۶﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ

همانا منم هجرت کننده بسوی پروردگار خویش همانا اوست عزتمند حکیم وبخشیدیم بدو اسحق ویعقوب را ونهادیم در نژادش

النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَاٰتَيْنَاهُ اَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا ۚ وَاِنَّهُ فِي الْاٰخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ﴿۲۷﴾ وَلُوطًا اِذْ

پیمبری وکتاب را ودادیم بدو مزدش را در دنیا وهمانا اوست در آخرت از شایستگان ولوط گاهیکه

قَالَ لِقَوْمِهِ اِنَّكُمْ لَتَاْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ اَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ ﴿۲۸﴾ ءَاِنَّكُمْ لَتَاْتُونَ

گفت بقوم خود آیا میائید (یا آرید) فاحشه (ناشایست) را که پیشی نگرفت است شما را بدان کسی از جهانیان آیا شما درآئید

الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ وَتَاْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ اِلَّا اَنْ قَالُوا

بر مردان وببرید راه را وبیارید در انجمن خویش ناپسند را پس نبود پاسخ قومش جز آنکه گفتند

ائْتِنَا بِعَذَابِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۲۹﴾ قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ ﴿۳۰﴾ وَلَمَّا

بیاور ما را بعذاب خدا اگر هستی از راستگویان گفت پروردگارا یاریم کن بر گروه بدکاران وهنگامیکه

جَاءَتْ رُسُلُنَا اِبْرٰهِيمَ بِالْبُشْرٰى ۙ قَالُوا اِنَّا مُهْلِكُوا اَهْلِ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ ۚ اِنَّ اَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿۳۱﴾

آمدند فرستادگان ما ابراهیم را بمژده گفتند هرآینه نابود کننده‌ایم مردم این شهر را همانا مردمش بودند ستمگران

قَالَ اِنَّ فِيهَا لُوطًا ؕ قَالُوا نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا ۫ لَنُنَجِّيَنَّهُ وَاَهْلَهُ اِلَّا امْرَاَتَهُ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿۳۲﴾

گفت همانا در آن است لوط گفتند ما داناتریم بدانکه در آنست هرآینه نجاتش دهیم او وخاندانش را مگر زنش را که بود است از گذشتگان

وَلَمَّآ اَنْ جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ اِنَّا مُنَجُّوكَ

وهنگامیکه آمدند فرستادگان ما لوط را برنج شد از ایشان وتنگ شد بدیشان تاب وتوان او گفتند نترس واندوهگین مباش که مائیم نجات دهندگان تو

وَاَهْلَكَ اِلَّا امْرَاَتَكَ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ ﴿٣٣﴾ اِنَّا مُنْزِلُونَ عَلٰٓى اَهْلِ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ

وخاندانت مگر زن تو که اوست هرآینه از گذشتگان همانا مائیم فرستنده بر مردم این شهر چرکی را از

السَّمَآءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ﴿٣٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَآ اٰيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿٣٥﴾ وَاِلٰى مَدْيَنَ

آسمان بدانچه بودند نافرمانی میکردند وهمانا بازگذاردیم از آن نشانی آشکار برای گروهی که بخرد میابند وبسوی مدین

اَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَارْجُوا الْيَوْمَ الْاٰخِرَ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْاَرْضِ مُفْسِدِينَ

برادرشان شعیب را پس گفت ای قوم پرستش کنید خدا را وامید دارید روز بازپسین را ونکوشید در زمین تباه کاران

﴿٣٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَاَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَاَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَاثِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَعَادًا وَثَمُودَ وَقَدْ

پس تکذیبش کردند پس بگرفتشان لرزشی که بامداد کردند در خانهٔ خویش مردگان وعاد وثمود وبدرست

تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسَاكِنِهِمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ اَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ

پدیدار شد برای شما از نشیمنهای آنان وبیاراست برای ایشان شیطان کردارشان را پس بازداشتشان از راه

وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ ﴿٣٨﴾ وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَآءَهُمْ مُّوسٰى بِالْبَيِّنَاتِ

حالیکه بودند بینایان وقارون وفرعون وهامان وهمانا بیامدشان موسی بانشانیها

فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْاَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ ﴿٣٩﴾ فَكُلًّا اَخَذْنَا بِذَنْبِهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ

پس سرکشی ورزیدند در زمین ونبودند پیشی گیرندگان پس هرکدام را گرفتیم بگناهش پس از ایشان است آنکه

اَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُمْ مَّنْ اَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْاَرْضَ وَ

فرستادیم براو سنگریزه واز ایشان است آنکه بگرفتش خروش واز ایشان است آنکه فروبردیمش در زمین و

مِنْهُمْ مَّنْ اَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلٰكِنْ كَانُوٓا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٠﴾ مَثَلُ

از ایشان است آنکه غرق کردیم ونبود خدا ستم برایشان کند ولیکن بودند خویشتن را ستمکاران مثل

الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ اَوْلِيَآءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَاِنَّ اَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ

آنانکه گرفتند جز خدا دوستانی مانند عنکبوت است که برگرفت خانهٔ وهرآینه سست ترین خانها خانهٔ

الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٤١﴾ اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤٢﴾ وَ

عنکبوت است اگر بدانند همانا خدا میداند آنچه را خوانند جز وی از چیزی واوست عزتمند حکیم و

تِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَآ اِلَّا الْعَالِمُونَ ﴿٤٣﴾ خَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ اِنَّ

این مثلها را میزنیم برای مردم وبخرد نیابندش جز دانایان آفرید خدا آسمانها وزمین را بحق همانا

فِي ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٤﴾ اُتْلُ مَآ اُوحِيَ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ اِنَّ الصَّلٰوةَ تَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَآءِ

در این است آیتی برای مؤمنان بخوان آنچه را وحی شد بسویت از کتاب و بپای دار نماز را که همانا نماز بازدارد از فحشاء (ناشایست)

وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللّٰهِ اَكْبَرُ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿٤٥﴾ وَلَا تُجَادِلُوٓا اَهْلَ الْكِتَابِ اِلَّا بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ

ومنکر (ناپسند) وهرآینه یاد خدا بزرگتر است وخدا داند آنچه را میسازید ونستیزید با اهل کتاب مگر بدانچه آنست بهتر

اِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوٓا اٰمَنَّا بِالَّذِيٓ اُنْزِلَ اِلَيْنَا وَاُنْزِلَ اِلَيْكُمْ وَاِلٰهُنَا وَاِلٰهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ ﴿٤٦﴾

مگر آنانکه ستم کردند از ایشان وبگوئید ایمان آوردیم بدانچه فرستاده شد بسوی ما وفرستاده شد بسوی شما وخدای ما وخدای شما یکی است ومائیم برای او اسلام آرندگان

الجزء (٢١)

وَلَوْ تَرٰٓى اِذِ الْمُجْرِمُوْنَ نَاكِسُوْا رُءُوْسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ؕ رَبَّنَآ اَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ

واگر بینی هنگامی که گنهکاران سرافکندگانند نزد پروردگارشان پروردگارا دیدیم وشنیدیم پس برگردان مارا تا بکنیم

صَالِحًا اِنَّا مُوْقِنُوْنَ ﴿۱۲﴾ وَلَوْ شِئْنَا لَاٰتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدٰىهَا وَلٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّيْ

کاری شایسته همانا مائیم یقین دارندگان واگر میخواستیم هرآینه میدادیم بهر کس رهبریش را لیکن استوار گشت سخن از من که همانا

لَاَمْلَئَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِيْنَ ﴿۱۳﴾ فَذُوْقُوْا بِمَا نَسِيْتُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا ۚ اِنَّا

پرسازم دوزخ را از پریان ومردم همگی پس بچشید بدانچه فراموش کردید رسیدن را بروزتان این همانا

نَسِيْنَاكُمْ وَذُوْقُوْا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ﴿۱۴﴾ اِنَّمَا يُؤْمِنُ بِاٰيَاتِنَا الَّذِيْنَ اِذَا ذُكِّرُوْا

ما فراموشتان کردیم وبچشید عذاب دوزخرا بدانچه بودید میکردید جز این نیست که ایمان آرند بآیتهای ما آنانکه هرگاه یادآوری شوند

بِهَا خَرُّوْا سُجَّدًا وَسَبَّحُوْا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُوْنَ ﴿۱۵﴾ تَتَجَافٰى جُنُوْبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُوْنَ رَبَّهُمْ خَوْفًا

بدانها بیفتند سجده کنان وتسبیح گویند بسپاس پروردگار خویش وایشانند کبر نا ورزندگان دوری گزیند پهلوهای ایشان از خوابگاهها خوانند پروردگار خویش را بیمی

وَطَمَعًا ۖ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُوْنَ ﴿۱۶﴾ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّآ اُخْفِيَ لَهُمْ مِّنْ قُرَّةِ اَعْيُنٍ ۚ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوْا

وامیدی واز آنچه روزیشان دادیم ببخشند پس نمیداند کسی چه نهان شده است برای ایشان از روشنی چشم پاداشی بدانچه بودند

يَعْمَلُوْنَ ﴿۱۷﴾ اَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا ؕ لَا يَسْتَوُوْنَ ﴿۱۸﴾ اَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا

میکردند پس آیا آنکه مؤمن است مانند آنی است که نابفرمان است نیستند یکسان اما آنانکه ایمان آوردند وکردار

الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَاْوٰى ۖ نُزُلًا بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿۱۹﴾ وَاَمَّا الَّذِيْنَ فَسَقُوْا فَمَاْوٰىهُمُ النَّارُ ؕ

شایسته کردند پس ایشانراست باغستان جایگاه پیشکشی بدانچه بودند میکردند واما آنانکه نافرمانی کردند پس جایگاه ایشان است آتش

كُلَّمَآ اَرَادُوْٓا اَنْ يَّخْرُجُوْا مِنْهَآ اُعِيْدُوْا فِيْهَا وَقِيْلَ لَهُمْ ذُوْقُوْا عَذَابَ النَّارِ الَّذِيْ كُنْتُمْ بِهٖ تُكَذِّبُوْنَ

هرگاه خواهند برون آیند از آن بازگردانیده شوند در آن وگفته شود برای ایشان بچشید عذاب آتشی را که بودید بدان تکذیب میکردید

﴿۲۰﴾ وَلَنُذِيْقَنَّهُمْ مِّنَ الْعَذَابِ الْاَدْنٰى دُوْنَ الْعَذَابِ الْاَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ﴿۲۱﴾ وَمَنْ اَظْلَمُ

وهمانا بچشانیمشان از شکنجه نزدیک نارسیده بشکنجه بزرگ باشد ایشان بازگردند وکیست ستمگرتر

مِمَّنْ ذُكِّرَ بِاٰيَاتِ رَبِّهٖ ثُمَّ اَعْرَضَ عَنْهَا ؕ اِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِيْنَ مُنْتَقِمُوْنَ ﴿۲۲﴾ وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوْسَى الْكِتَابَ

از آنکه یادآوری شود بآیتهای پروردگار خویش پس روی برتابد از آنها همانا مائیم از گنهکاران کین کشندگان وهمانا دادیم بموسی کتاب را

فَلَا تَكُنْ فِيْ مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَآئِهٖ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ ۚ ﴿۲۳﴾ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ اَئِمَّةً يَّهْدُوْنَ

پس نباش در شکی از ملاقاتش وگردانیدیمش رهبری برای بنی اسرائیل وگردانیدیم از ایشان پیشوایانی که راهنمائی میکنند

بِاَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوْا ؕ وَكَانُوْا بِاٰيَاتِنَا يُوْقِنُوْنَ ﴿۲۴﴾ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا

بفرمان ما چنانکه شکیبائی کردند وبودند بآیتهای ما یقین دارندگان وهمانا پروردگارت جدائی افکند میانشان روز رستاخیز در آنچه بودند

فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿۲۵﴾ اَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ اَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْقُرُوْنِ يَمْشُوْنَ فِيْ مَسٰكِنِهِمْ ؕ اِنَّ فِيْ

در آن اختلاف میکردند آیا رهبریشان نکرد که بسا نابود ساختیم پیش از ایشان از قرنهائی که روانند در آرامگاههای آنان همانا در

ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ ؕ اَفَلَا يَسْمَعُوْنَ ﴿۲۶﴾ اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّا نَسُوْقُ الْمَآءَ اِلَى الْاَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهٖ زَرْعًا تَاْكُلُ

اینست آیتهائی آیا نمیشنوند آیا ندیدند که روان میسازیم آب را بسوی زمینی خشکزار پس برون آریم بدان کشتی را که میخورند

مِنْهُ اَنْعَامُهُمْ وَاَنْفُسُهُمْ ؕ اَفَلَا يُبْصِرُوْنَ ﴿۲۷﴾ وَيَقُوْلُوْنَ مَتٰى هٰذَا الْفَتْحُ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ ﴿۲۸﴾

از آن دامهای ایشان وایشان پس آیا نمی نگرند وگویند کی است این گشایش (یا پیروزی) اگر هستید راستگویان

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ إِنَّهُمْ مُنْتَظِرُونَ ﴿٣٠﴾

بگو روز پیروزی سودی ندهد آنانرا که کفر ورزیدند ایمانشان آنرا مهلت داده نشوند پس روی برتابان از آنان و منتظر باش که ایشان منتظرانند

سورة الأحزاب مدنية وآياتها ثلاث وسبعون آية

سورة ۳۳ — حزوفها ۵۸۹۶ — کلماتها ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿١﴾

ای پیمبر بترس خدارا و فرمانبردار مباش کافران و دورویان را همانا خداست دانشمند حکیم

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿٢﴾ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ

و پیروی کن آنچه وحی شود بسوی از پروردگارخویش همانا خداست بآنچه میکنید آگاه و توکل کن بر خدا وبس است

بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٣﴾ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ اللَّائِي

خداوند وکیل نهاد خدا برای مردی دو دل دراندرونش و نگردانید خدا همسران شمارا آنانکه

تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ

ظهار کنید از ایشان مادران شما و نگردانید بسرخواندگان شما فرزندان شما این گفتار شماست بادهانهای شما

وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ ﴿٤﴾ ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا

و خدا گوید حق را و او راست هدایت کننده براه بخوانید ایشانرا برای پدران ایشان آن داد گرانه تر است نزد خدا پس اگر ندانستید

آبَاءَهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَلَٰكِنْ

پدران ایشانرا پس برادران شمایند در دین و بندگان شما و نیست بر شما بروانی در آنچه خطا کردید بدان ولیکن

مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥﴾ النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ

آنچه خواست دلهای شما و خداست آمرزنده مهربان پیمبر سزاوارتر است بمؤمنان از خودایشان و

أَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ

زنان او مادران ایشانند و خویشاوندان برخیشان سزاوارترند ببرخی در کتاب خدا از مؤمنان و مهاجران

إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ﴿٦﴾ وَإِذْ أَخَذْنَا

مگر آنکه کنید درباره دوستانتان نکوئی بود دست آن در کتاب نوشته و هنگامی که بگرفتیم

مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ

از پیمبران پیمانشان را واز تو واز نوح وابراهیم وموسی وعیسی ابن مریم وگرفتیم ازایشان

مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿٧﴾ لِيَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ

پیمانی گران تا بپرسد راستگویان را از راستیشان وآماده کرد برای کافران

عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ

عذابی دردناک ای آنانکه ایمان آوردید یاد آرید نعمت خدارا بر خویش گاهیکه بیامد شمارا

جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾

لشکرهائی پس فرستادیم برآنان بادی ولشکرهائی که ندیدید و خداست بآنچه میکنید بینا

إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ
گاهیکه آمدند شمارا از فراز شما واز زیر شما وگاهیکه گردیدند دیدگان ورسید دلها گلوگاهارا

وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا ﴿١٠﴾ هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ﴿١١﴾ وَإِذْ يَقُولُ
وگمان میبردید بخدا گمانهارا آنجا (یا آنگاه) آزمایش شدند مؤمنان ولرزیدند لرزشی سخت وهنگامیکه میگفتند

الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ﴿١٢﴾ وَإِذْ قَالَتْ
مردان دوروی وآنانکه در دلهاشان بیماری است که وعده نداد ما را خدا وپیغمبرش مگر فریبی وهنگامی که گفتند

طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ
گروهی ازایشان ای مردم یثرب نیست جایگاهی برای شما پس بازگردید ودستوری میجوئند گروهی ازایشان از پیمبر میگفتند

إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا ﴿١٣﴾ وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا
همانا خانه‌های ما برهنه است ونیستند آنها برهنه ونخواهند جز گریزی را واگر وارد شود برایشان در آنها از هرسوی

ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ
سپس درخواست شوند فتنه (جنگ) را هرآینه آنرا دهند وزود نگردند بدان مگر اندکی وهمانا بودند پیمان بسته باخدا از پیش

لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ﴿١٥﴾ قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ
که برنگردند پشتهارا وهست پیمان خدا پرسش شده بگو سود ندهد شمارا گریز اگر بگریزید از

الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٦﴾ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ
مرگ یا کشتن وآنهنگام کامیاب نشوید مگر اندکی بگو کیست که نگهدارد شمارا از خدا اگر خواهد بشما

سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿١٧﴾ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ
بدی یا خواهد برای شما رحمتی ونیابند برای خویش جز خدا دوست ونه یاوری را بدانا خدا

الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَأْسَ إِلَّا قَلِيلًا ﴿١٨﴾ أَشِحَّةً
بازدارندگان از جنگ را وگویندگان برادران خویش بیائید بسوی ما ونیایند نبرد را جز اندکی بخیل ورزانند

عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ
برشما تاگاهی که بیاید ترس بینیشان بنگری در تو میگردد دیدگانشان مانند آنکه فراگرفته باشد مش

مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِأَلْسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا
مرگ تاگاهی که برود ترس آزارتان کنند باز بانهائی تیز خودرارانند از بخیلی آنان ایمان نیاوردند

فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿١٩﴾ يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ
پس تباه ساخت خدا کردارایشانرا وآن است بر خدا آسان پندارند احزاب را نرفتند واگر بیایند احزاب

يَوَدُّوا لَوْ أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا ﴿٢٠﴾
دوست دارند کاش برون بودند درمردم دشت نشین واز دور اخبار شمارا بپرسیدند واگر میبودند درشما پیکار نمیکردند جز اندکی

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾ وَلَمَّا
همانا شماراست در پیمبر خدا پیروئی نکو برای آن که امیدوار است خدا وروز بازپسین را ویاد کند خدارا بسیار ودنگامیکه

رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا ﴿٢٢﴾
دیدند مؤمنان احزاب را گفتند این است آنچه وعده داد ما خدا وپیغمبرش وراست گفت خدا وپیغمبرش وبیفزود ایشانرا مگر ایمان وتسلیمی

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ
از مؤمنان مردانی که راست گفتند آنچه را با خدا پیمان بر آن بستند پس از ایشان است آنکه گذرانده پیمان خویش را واز ایشان است آنکه
يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا ﴿٢٣﴾ لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ
انتظار کشد وتبدیل نکردند تبدیلی تا پاداش دهد خدا راستگویان را براستیشان وعذاب کند دورویان را
إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٢٤﴾ وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ
اگر خواهد یا توبه پذیرد ازایشان هانا خداست آمرزنده ٔ مهربان وباز گرداند خدا آنانرا که کفرورزیدند بخشمشان
لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا ۚ وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ ۚ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا ﴿٢٥﴾ وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ
نرسیدند بچیزی وکفایت کرد خدا مؤمنان را از جنگ وخداست نیرومند عزیز وفرود آورد آنانرا که پشتیبانیشان کردند
مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ
از اهل کتاب از کاخهای ایشان وافکند در دلهای آنان هراس را که گروهی را کشتید وبرده گرفتید
فَرِيقًا ﴿٢٦﴾ وَأَوْرَثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَئُوهَا ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
گروهی را وارث داد شمارا سرزمین ایشان وخانه ٔ های ایشان واموالشان وسرزمینی که تاخت نیاورده بودید بر آن (کنایه از بودید تاهم تسلط) وخداست بر همه
شَيْءٍ قَدِيرًا ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا
چیز توانا ای پیمبر بگو بزنان خویش اگر خواهان زندگانی دنیا وزیور آنید
فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴿٢٨﴾ وَإِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ
پس بیائید بهره مند سازم شمارا ورها سازم شمارا رهاکردنی نیکو واگر خواستار خدا وپیمبرش وخانه ٔ
الْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿٢٩﴾ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ
آخرت باشید پس خدا آماده کرده است برای نکوکاران ازشما پاداشی بزرگ را ای زنان پیمبر هرکس ازشما
بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ﴿٣٠﴾ وَمَنْ يَقْنُتْ
فحشی (نابایستی) آشکارآورد افزوده شود برایش شکنجه دوبرابر وهانا آنست بر خدا آسان وآنکه فروتنی کند
مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾ يَا نِسَاءَ
ازشما برای خدا وپیمبرش وکرداری شایسته کند ودهیمش مزدش دوبار وآماده کردیم برای او روزی گرامی را ای زنان
النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ ۚ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي
پیمبر نیستید مانند کسی از زنان اگر بترسید خدارا پس نرمی نشان ندهید درگفتار تا مبادا بندد آنکه در
قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ﴿٣٢﴾ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ
دلش بیماریست وبگوئید گفتاری نکو را وبیارمید در خانه ٔ های خویش (بمانید) وخودنمائی نکنید مانند خودنمائی
الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ إِنَّمَا
جاهلیت نخستین (پیکر خود را آشکار نیایند) وبپایدارید نماز را وبدهید زکوة را وفرمانبرداری کنید از خدا وپیمبرش جز این نیست
يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾ وَاذْكُرْنَ
که خواهد خدا دور کند ازشما چرک (پلیدی) را ای اهل خانه وپاک سازد شمارا پاک ساختنی ویاد آرید
مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٣٤﴾
آنچه را خوانده میشود در خانه ٔ های شما از آیتهای خدا وحکمت هانا خداوند است تیزبین کارآگاه

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿۴۵﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ

تا پاداش دهد آنانرا که ایمان آوردند و کارهای نکو کردند از فضلش همانا او دوست ندارد کافران را و از آیتهایش آنکه بفرستد

الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ

بادها را مژده دهندگان و تا چشاندتان از رحمتش و تا روان شود کشتی بفرمانش و تا جوئید روزی را از فضلش و شاید

تَشْكُرُونَ ﴿۴۶﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ

سپاسگذارید و هر آینه فرستادیم پیش از تو فرستادگانی بسوی قوم خویش پس بیامدندشان بروشنائیها پس انتقام گرفتیم از آنانکه

أَجْرَمُوا ۖ وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۴۷﴾ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي

گناه کردند و هست حقی بر ما یاری کردن مؤمنان خداست آنکه میفرستد بادها را پس برانگیزد ابری پس پهن سازدش در

السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ ۖ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ

آسمان هرگونه خواهد و بگرداندش پاره‌هائی و بینی باران را برون آید از شکافهایش تا گاهی که رساندش بهرکه خواهد از

عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿۴۸﴾ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ ﴿۴۹﴾ فَانْظُرْ

بندگان خویش ناگاه ایشانند شادمانی کنان و اگرچه بودند پیش از آنکه فرستاده شود برایشان پیش از آن پژمردگان پس بنگر

إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۵۰﴾

بسوی آثار رحمت خدا چسان زنده سازد زمین را پس از مرگش همانا آن است زنده سازنده مردگان و او است بر همه چیز توانا

وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ﴿۵۱﴾ فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا

و اگر بفرستیم بادی که نگرندش زرد فام همانا آغاز کنند پس از آن کفران کنندگان هر آینه تو نشنوانی مردگان را و

تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿۵۲﴾ وَمَا أَنْتَ بِهَادِ الْعُمْيِ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ ۚ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ

نشنوانی بکران بانگ را گاهی که بازگردند پشت کنندگان و نیستی تو راهنمای کوران از گمراهیشان نشنوانی مگر آن را

يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ ﴿۵۳﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ

که ایمان آورد بآیتهای ما پس آنانند اسلام آرندگان خداست آنکه آفرید شما را از سستی پس قرار داد پس از سستی توانائی پس

جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۖ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ ﴿۵۴﴾ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ

قرار داد پس از نیرومندی سستی و پیری را میآفرد هرچه خواهد و او است دانای توانا و روزی که بپا شود ساعت

يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ ۚ كَذَٰلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ﴿۵۵﴾ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ

سوگند یاد کنند گنهکاران نماندند جز ساعتی بدینسان بودند بدروغ رانده میشدند و گفتند آنانکه داده شدند دانش و ایمان را

لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَٰذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَٰكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۵۶﴾ فَيَوْمَئِذٍ

همانا شما درنگ کردید در کتاب خدا تا روز برانگیختن پس این است روز برانگیختن لیکن بودید شما نمیدانستید پس آن روز

لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿۵۷﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ

سود ندهد آنانرا که ستم کردند بهانه آوردنشان و نه بازخواست شوند و هر آینه زدیم برای مردم در این قرآن از هر

مَثَلٍ ۚ وَلَئِنْ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ ﴿۵۸﴾ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ

مثلی و اگر بیاریشان آیتی همانا گویند آنانکه کفر ورزیدند نیستید شما جز نادرستان چنین مهر نهد خدا بر

قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۹﴾ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ﴿۶۰﴾

دلهای آنانکه نمیدانند پس شکیبا شو که وعده خداست حق و سبکسارت نکنند آنانکه نیستند یقین دارندگان

سورة لقمان مكية وآياتها اربع وثلثون اية

سورة ۳۱ — حروفها ۲۱۱۰ — كلماتها ۵۴۸

بسم الله الرحمن الرحيم

نام — خداوند — بخشاينده — مهربان

الٓمٓ ① تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْحَكِيْمِ ② هُدًى وَّرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِيْنَ ③ الَّذِيْنَ يُقِيْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَ

الف لام ميم — اين آيتهاى كتاب استوار — راهنمائى ورحمتى — براى نكوكاران — آنانكه — بپاميدارند — نماز را — و

يُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ يُوْقِنُوْنَ ④ اُولٰٓئِكَ عَلٰى هُدًى مِّنْ رَّبِّهِمْ وَاُولٰٓئِكَ هُمُ

وبدهند — زكوة را — وايشانند — بآخرت — يقين دارندگان — آنانند — بر — راهيابى — از — پروردگارشان — وآنانند

الْمُفْلِحُوْنَ ⑤ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَّشْتَرِيْ لَهْوَ الْحَدِيْثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَّيَتَّخِذَهَا

رستگاران — و — از — مردم — است — آنكه — ميخرد — درسخنهاى بيهوده (سخنهاى ناسزا) را تا گمراه كند از راه — خدا — بنادانى — وبگيرد آنها را

هُزُوًا اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِيْنٌ ⑥ وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِ اٰيٰتُنَا وَلّٰى مُسْتَكْبِرًا كَاَنْ لَّمْ يَسْمَعْهَا

بمسخره — آنانراست — عذابى — خواركننده — وكسى كه — خوانده شود — بر او — آيتهاى ما — بشت كند — كبر ورزنده — چنانكه گوئى نشنيده است آنرا

كَاَنَّ فِيْٓ اُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ⑦ اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ جَنّٰتُ

گوئى كه — در گوشهايش — سنگينى است پس نويدش ده بعذابى دردناك — همانا — آنانكه — ايمان آوردند — وكارهاى شايسته كردند — ايشانراست — باغستان

النَّعِيْمِ ⑧ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ⑨ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا

نعمتها — جاودانان — در آن — وعدهٔ — خدا — بدرست — واوست — عزتمند — حكيم — آفريد — آسمانها را — بى ستونى كه — ببينيد ش

وَاَلْقٰى فِى الْاَرْضِ رَوَاسِيَ اَنْ تَمِيْدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيْهَا مِنْ كُلِّ دَآبَّةٍ وَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَنْۢبَتْنَا

وافكند — در زمين — لنگرهائى — بادا كج نشود — بشما — وپراكند — در آن — از — هر جنبنده‌اى — وفرستاديم — از آسمان — آبى — پس رويانيديم

فِيْهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيْمٍ ⑩ هٰذَا خَلْقُ اللّٰهِ فَاَرُوْنِيْ مَاذَا خَلَقَ الَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖ بَلِ الظّٰلِمُوْنَ

در آن — از — هر جفتى — گرامى — اين است آفرينش — خدا — پس بنمائيد مرا — چه چيز آفريدند — آنانكه — جز او ميبنند — بلكه — ستمكارانند

فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ⑪ وَلَقَدْ اٰتَيْنَا لُقْمٰنَ الْحِكْمَةَ اَنِ اشْكُرْ لِلّٰهِ وَمَنْ يَّشْكُرْ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهٖ

در گمراهى — آشكار — وهمانا — داديم — بلقمان — حكمت را — كه — سپاسگزار براى خدا — وآنكه — سپاس گذارد — وجز اين نيست كه سپاس گذارد — براى خويش

وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيْدٌ ⑫ وَاِذْ قَالَ لُقْمٰنُ لِابْنِهٖ وَهُوَ يَعِظُهٗ يٰبُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ اِنَّ الشِّرْكَ

وآنكه — ناسپاسى ورزد — همانا خدا — بى نياز ستوده — وگاهى كه گفت — لقمان — بفرزندش — واو — پندش ميداد — اى پسرك من — شرك نورز — بخدا — همانا — شرك است

لَظُلْمٌ عَظِيْمٌ ⑬ وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ اُمُّهٗ وَهْنًا عَلٰى وَهْنٍ وَّفِصٰلُهٗ فِيْ عَامَيْنِ اَنِ اشْكُرْ لِيْ

ستمى بزرگ — واندرز گفتيم — انسانرا — درباره پدر و مادرش — شرح داد مادرش — او را — سستى از سستى — بر — سستى — واز شير باز گرفتنش در دو سال — كه شكرگذار براى من

وَلِوَالِدَيْكَ اِلَيَّ الْمَصِيْرُ ⑭ وَاِنْ جَاهَدٰكَ عَلٰٓى اَنْ تُشْرِكَ بِيْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا فِي

وبراى پدر و مادر خويش — بسوى من است بازگشت — واگر كوشيدند بتو كه — شرك ورزى بمن آنچه را نيست تو را بدان — دانشى پس فرمانبر ايشان مكن — ودر همراهيشان كن در

الدُّنْيَا مَعْرُوْفًا وَّاتَّبِعْ سَبِيْلَ مَنْ اَنَابَ اِلَيَّ ثُمَّ اِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَاُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ⑮ يٰبُنَيَّ اِنَّهَآ اِنْ

دنيا — بخوشى — وپيرو مرا كن — راه — آنكه — بازگشت كند بسوى من — بسوى من است بازگشت شما — پس آگهيتان دهم بچه بوديد — ميكرديد — اى پسرك من همانا آن اگر — باشد

مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِيْ صَخْرَةٍ اَوْ فِي السَّمٰوٰتِ اَوْ فِي الْاَرْضِ يَاْتِ بِهَا اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ لَطِيْفٌ خَبِيْرٌ ⑯

سنگينى — دانه‌اى — از — خردل — پس باشد — در سنگى — يا در — آسمانها — يا در — زمين — بيارد آنرا — خدا — همانا خداست — بخشنده و آگاه

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلٰوةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلٰى مَا أَصَابَكَ ۖ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

ای پسرک من بپای دار نماز را وفرمان کن بنیکی وبازدار از بدی وشکیبا شو بر آنچه رسدت همانا این است از عزیمت کارها

(۱۷) وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۖ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ (۱۸) وَاقْصِدْ

ودرشم مدار روی خود را برای مردم و خرامان نرو در زمین همانا خدا دوست ندارد آنرا که خرامانی است خودپسند وبیاندرو باش

فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ (۱۹) أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ

در رفتارش خویش وفرو کش از آواز خویش همانا ناخوشترین آوازها آواز خران است آیا نه بینید که خدا رام کرد

لَكُمْ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً ۗ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ

برای شما آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است وفراوان کرد برشما روزیهای خویش را آشکارا ونهان واز مردم است آنکه بستیزد

فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ (۲۰) وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا

در خدا بی دانشی ونه راهبری ونه کتابی درخشان واگر گفته شود بدیشان پیروی کنید آنچه را فرستاد خدا گویند بلکه پیروی میکنیم آنچه

وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۚ أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلٰى عَذَابِ السَّعِيرِ (۲۱) وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى

یافتیم بر آن پدران خویش را واگر چه باشد شیطان بخواند شان بسوی عذاب سوزان وآنکه تسلیم کند روی خود را بسوی

اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى ۗ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ (۲۲) وَمَنْ كَفَرَ

خدا واو نیکوکار همانا پناه جست بستاویزی استوار وبسوی خدا است فرجام کارها وآنکه کفر ورزد

فَلَا يَحْزُنْكَ كُفْرُهُ ۚ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۳)

اندوهگین نسازدت کفرش بسوی ما است بازگشت ایشان تا آگهیشان دهیم بآنچه کردند همانا خدا داناست براز سینه ها

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلٰى عَذَابٍ غَلِيظٍ (۲۴) وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ

بهره مندشان سازیم اندکی وسپس ناگزیرشان سازیم بسوی عذابی ابنوه واگر پرسیدشان که آفریده آسمانها و زمین را

لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۚ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (۲۵) لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّ اللَّهَ هُوَ

هرآینه گویند خدا بگو سپاس خدارا بلکه بیشترایشان نمیدانند خدایراست آنچه در آسمانها و زمین است همانا خداست

الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (۲۶) وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ

بی نیاز ستوده واگر باشد آنچه درزمین است از درخت قلمهائی ودریا را کمک کند از پس آن هفت دریا پایان نپذیرد

كَلِمَاتُ اللَّهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (۲۷) مَا خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ إِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

سخنان خدا همانا خداست عزتمند حکیم نیست آفرینش شما ونه برانگیختن شما مگر چون یکتن همانا خداست شنوای بینا

(۲۸) أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِي

آیا نه بینی خدا فرو میبرد شب را در روز وفرو میبرد روز را در شب ورام کرد خورشید را وماه را هرکدام روان است

إِلٰى أَجَلٍ مُسَمًّى وَأَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲۹) ذٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا

بسوی سرآمدی نامبرده وآنکه خداست بآنچه میکنید آگاه این بدانست که خداست حق وهرچه

يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ ۙ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ (۳۰) أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي

خوانند جز او باطل است وآنکه خداست مهتر بزرگ آیا ندیدی که کشتی روان است در

الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ ۚ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ (۳۱)

دریا بنعمت خدا تا بنمایاند شمارا از آیتهایش همانا در این است آیتهائی برای هر شکیبای سپاسگذار

وَاِذَا غَشِيَهُمْ مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِيْنَ لَهُ الدِّيْنَ فَلَمَّا نَجّٰىهُمْ اِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ

و هرگاه فرا گیرد ایشان موجی چون قوده های ابر بخوانند خدارا باک دارنده برایش دین را و هنگامیکه رهانیدشان بسوی خشکی از ایشان هست میانه رو

وَمَا يَجْحَدُ بِاٰيٰتِنَآ اِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ كَفُوْرٍ ﴿٣٢﴾ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوْا رَبَّكُمْ وَاخْشَوْا يَوْمًا لَّا يَجْزِيْ

و نستیزد باآیتهای ما جز هر پیمانشکنی ناسپاس ای مردم بترسید پروردگار خودرا و بترسید از روزی که بنیازد نگواند

وَالِدٌ عَنْ وَلَدِهٖ وَلَا مَوْلُوْدٌ هُوَ جَازٍ عَنْ وَّالِدِهٖ شَيْـًٔا اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا

پدری از فرزند خویش و نه فرزندی که بینیازکند از پدرخود چیزی را همانا وعدهٔ خدا حق است پس نفریبد شمارا زندگانی دنیا

وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُوْرُ ﴿٣٣﴾ اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهٗ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْاَرْحَامِ وَمَا

و نفریبد شمارا بخدا فریبنده (سرکش) همانا خدا نزداوست علم ساعت و فرود آورد باران را و داند آنچه در رحمهاست و

تَدْرِيْ نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِيْ نَفْسٌ بِاَيِّ اَرْضٍ تَمُوْتُ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ خَبِيْرٌ ﴿٣٤﴾

نداند کسی چه چیز فردا بهاورد فردا و نداند کسی بکدام زمین بمیرد همانا خداست دانای آگاه

سورة السجدة مكية وآياتها ثلثون آية

سورة — حروفها — كلماتها

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓمّٓ ﴿١﴾ تَنْزِيْلُ الْكِتٰبِ لَا رَيْبَ فِيْهِ مِنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ ﴿٢﴾ اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ

فرود آوردن کتاب نیست شکی در آن از پروردگار جهانیان یا گویند دروغ بست آنرا بلکه اوست حق

مِنْ رَّبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّآ اَتٰىهُمْ مِّنْ نَّذِيْرٍ مِّنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُوْنَ ﴿٣﴾ اَللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ

از پروردگارت تا بترسانی گروهیرا که نیامد ایشان را بیم دهنده پیش از تو شاید ایشان راهبری شوند خداست آنکه آفرید

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِيْ سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِّنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَّلِيٍّ

آسمانها و زمین را و آنچه میان آنهاست در شش روز سپس استوار شد بر عرش نیست شمارا جز او دوست

وَّلَا شَفِيْعٍ اَفَلَا تَتَذَكَّرُوْنَ ﴿٤﴾ يُدَبِّرُ الْاَمْرَ مِنَ السَّمَآءِ اِلَى الْاَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ اِلَيْهِ فِيْ يَوْمٍ كَانَ

و نه شفاعتگری پس آیا پند نمیپذیرید بپردازد کار را از آسمان بسوی زمین سپس بالا رود بسویش در روزی که

مِقْدَارُهٗٓ اَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّوْنَ ﴿٥﴾ ذٰلِكَ عٰلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ﴿٦﴾ الَّذِيْٓ

اندازهٔ آن هزار سال است از آنچه میشمرید اینست دانای نهان و بهویدا آن عزتمند مهربان آنکه

اَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهٗ وَبَدَاَ خَلْقَ الْاِنْسَانِ مِنْ طِيْنٍ ﴿٧﴾ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهٗ مِنْ سُلٰلَةٍ مِّنْ مَّآءٍ

نکوکرد هر چیزی آفرینش آنرا و آغاز کرد آفرینش انسانرا از گل پس گردانید نژادش را از چکه از آبی

مَّهِيْنٍ ﴿٨﴾ ثُمَّ سَوّٰىهُ وَنَفَخَ فِيْهِ مِنْ رُّوْحِهٖ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـِٕدَةَ قَلِيْلًا

بست سپس آراستش و دمید در آن از روح خویش و گذاشت برای شما گوش و دیدگان و دلها را کمی

مَّا تَشْكُرُوْنَ ﴿٩﴾ وَقَالُوْٓا ءَاِذَا ضَلَلْنَا فِي الْاَرْضِ ءَاِنَّا لَفِيْ خَلْقٍ جَدِيْدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَآءِ

سپاس گذارید و گفتند آیا هرگاه گم شدیم در زمین آیا ما ایم در آفرینشی نوین بلکه ایشان بلقاء

رَبِّهِمْ كٰفِرُوْنَ ﴿١٠﴾ قُلْ يَتَوَفّٰىكُمْ مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِيْ وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُمْ تُرْجَعُوْنَ ﴿١١﴾

پروردگارشان کافرانند بگو دریابد شمارا فرشتهٔ مرگ که گمارده شده بر شما سپس بسوی پروردگارخویش بازگردانیده شوید

اِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَ

همانا مردان مسلمان وزنان مسلمان ومردان مؤمن وزنان مؤمن ومردان فروتن وزنان فروتن ومردان راستگو و

الصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ

زنان راست گو ومردان شکیبا وزنان شکیبا ومردان نرم دل وزنان نرم دل ومردان بخشنده وزنان بخشنده

وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللّٰهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ

ومردان روزه دار وزنان روزه دار ومردانی که فرجهای خود را نگهدارند وزنان نگهدارنده ومردانی که یاد خدا بسیار کنند وزنان یاد کننده

اَعَدَّ اللّٰهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَاَجْرًا عَظِيمًا ﴿۳۵﴾ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ اِذَا قَضَى اللّٰهُ وَرَسُولُهُ

آماده کرده است خدا برای ایشان آمرزشی وپاداشی بزرگ را ونرسد مرد مؤمن ونه زن مؤمنی را که هرگاه بگذراند خدا وپیمبرش

اَمْرًا اَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ اَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا ﴿۳۶﴾

کاری را آنکه باشد برای ایشان اختیاری در کار خویش وآنکه سر از فرمان خدا وپیمبرش برتابد همانا گمراه شده است گمراهی آشکار

وَاِذْ تَقُولُ لِلَّذِي اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاَنْعَمْتَ عَلَيْهِ اَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللّٰهَ وَتُخْفِي

وهنگامیکه میگفتی بدانکه نعمت داده بود خدا بدو ونعمت داده بودی تو بدو نگهدار نزد خویش همسر خود را وبترس خدا را ونهان میداشتی

فِي نَفْسِكَ مَا اللّٰهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ ۚ وَاللّٰهُ اَحَقُّ اَنْ تَخْشَاهُ ۗ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا

نزد خود آنچه خداست آشکار کننده آن ومیترسیدی مردم را وخدا سزاوارتر است که بترسیش تا گاهی که بگذرانید زید از آن زن حاجت را

زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي اَزْوَاجِ اَدْعِيَائِهِمْ اِذَا قَضَوْا

همسر تو گردانیدیمش تا نباشد بر مؤمنان سختگیری در زنان پسرخواندگانشان گاهیکه بگذرانند

مِنْهُنَّ وَطَرًا ۗ وَكَانَ اَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُولًا ﴿۳۷﴾ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللّٰهُ

از آنان حاجت را وبوده است کار خدا شدنی نیست بر پیمبر پروائی (سختگیری) در آنچه خدا برایش بایسته داشت

لَهُ ۗ سُنَّةَ اللّٰهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ۗ وَكَانَ اَمْرُ اللّٰهِ قَدَرًا مَقْدُورًا ﴿۳۸﴾ اَلَّذِينَ يُبَلِّغُونَ

شیوه خدا در آنانکه گذشتند از پیش وبوده است کار خدا اندازه گذارده آنانکه رسانند

رِسَالَاتِ اللّٰهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ اَحَدًا اِلَّا اللّٰهَ ۗ وَكَفَى بِاللّٰهِ حَسِيبًا ﴿۳۹﴾ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ

پیامهای خدا را وترسندش ونترسند کسی را جز خدا وبس است خدا حساب گیرنده نیست محمد (صلی الله علیه وآله)

اَبَا اَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلٰكِنْ رَسُولَ اللّٰهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ

پدر یکی از مردان شما ولیکن پیمبر خدا وسرآمد پیمبران وبوده است خدا بهمه چیز

عَلِيمًا ﴿۴۰﴾ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللّٰهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿۴۱﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَاَصِيلًا

دانا ای آنانکه ایمان آوردید یاد کنید خدا را یاد کردنی فراوان وتسبیحش گوئید بامدادان وشامگاهان

﴿۴۲﴾ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ ۗ وَكَانَ

اوست آنکه درود (آمرزش) فرستد بر شما او وفرشتگانش تا برون آرد شما را از تاریکیها بسوی روشنائی وبوده است

بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴿۴۳﴾ تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلَامٌ ۚ وَاَعَدَّ لَهُمْ اَجْرًا كَرِيمًا ﴿۴۴﴾ يَا اَيُّهَا النَّبِيُّ

بمؤمنان مهربان درودشان روزی که بدو رسند سلام است وآماده کرد برای ایشان پاداشی گرامی را ای پیمبر

اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿۴۵﴾ وَدَاعِيًا اِلَى اللّٰهِ بِاِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا ﴿۴۶﴾

همانا فرستادیمت گواهی ومژده رسانی وبیم دهنده وخواننده بسوی خدا بفرمانش وچراغی درخشان

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا ﴿٤٧﴾ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذَاهُمْ

ومژده ده مؤمنان را که ایشانرا ازنزد خدا فضلی بزرگ و فرا خبر دار کافران و منافقان را و دور و ریا مکن در باب آزار ایشان

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٤٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ

و توکل کن بر خدا و بس است خدا وکیلی ای آنانکه ایمان آوردید هرگاه که باین رسانید بزنان مؤمنه پس راشان ساختید

مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّونَهَا فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا

پیش از آنکه بدیشان نزدیکی کنید پس نیست شمارا برایشان سرآمدی که در انتظارش نشینند پس بهره بدیشان دهید و راشان کنید رهانیی

جَمِيلًا ﴿٤٩﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ اللَّاتِي آتَيْتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ

نیکو ای پیمبر ما حلال ساختیم برایت همسران تورا آنانکه مزد ایشان را بپرداختی و آنچه را مالکش هست

يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّاتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَاتِكَ

بیمین تو از آنچه خدا بهره جنگ بتو ارزانی داشت و دختران عمت را و دختران عمه‌ایت را و دختران خالت را و دختران خاله‌ایت را

اللَّاتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا

که هجرت کردند با تو و زنی مؤمنه را اگر ببخشد خویشتن را بپیمبر اگر خواهد پیمبر که همسر گیرد ویرا

خَالِصَةً لَكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۖ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ

تنها از آن تو هست این و نزد مؤمنان همانا دانستیم آنچه را بایسته کردیم برایشان در همسران شان و آنچه دارا است

أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿٥٠﴾ تُرْجِي مَنْ تَشَاءُ مِنْهُنَّ وَتُؤْوِي

دستهای ایشان تا نباشد بر تو سخت آمدنی و بود هست خدا آمرزنده مهربان برانی آنرا که خواهی ازآن زنان و نزد خویش

إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ ۖ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ۚ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ أَعْيُنُهُنَّ

جای دهی هرکرا خواهی ازایشان و هرکه را خواهی از آنانکه دور کردی پس نیست باکی بر تو این هست نزدیکتر بدانکه روشن شود دیدگانشان

وَلَا يَحْزَنَّ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا

واندوه نخورند و خرسند شوند بدانچه دادی ایشان همگی ایشان و خدا میداند آنچه را در دلهای شماست و خدا دانای

حَلِيمًا ﴿٥١﴾ لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ

بردبار حلال نیست برایت زنان از این پس و نه آنکه برگزینی بجای ایشان همسرانی و هرچند خوش آید ترا زیبائی آنان

إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا ﴿٥٢﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ

جز آنکه دارا شود دستت و خدا هست بر همه چیز نگهبان ای آنانکه ایمان آوردید در خانه‌های

النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَاظِرِينَ إِنَاهُ وَلَٰكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ

پیمبر جز آنکه دستور داده شود بشما بسوی خوراکی ناگزاران بهنگام آن ولیکن هرگاه خوانده شدید در آیید و هرگاه خوردید

فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ ۚ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ ۖ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي

پس پراکنده شوید و نه انس گیرندگان بسخنی همانا این آزار میداد پیمبر را و او شرم میداشت ازشما و خدا

مِنَ الْحَقِّ ۚ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ۚ ذَٰلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ

از حق و هرگاه خواستار کالائی باشید از ایشان پس بخواهید از ایشان از پشت پرده (پرسشی) این پاکتر است برای دلهای شما و دلهای ایشان

وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا ۚ إِنَّ ذَٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا ﴿٥٣﴾

و نرسد شما را که بیازارید پیمبر خدا را و نه آنکه همسر گیرید زنانش را از پس او همگاه همانا آن هست نزد خدا گران (بزرگ)

اِنْ تُبْدُوا شَيْئًا اَوْ تُخْفُوهُ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿۵۴﴾ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِي اٰبَآئِهِنَّ وَلَا

اگر آشکار سازید چیزی را یا نهان داریدش همانا خداست بهمه چیز دانا پروائی نیست بر آن زنان در پدران ایشان ونه

اَبْنَآئِهِنَّ وَلَآ اِخْوَانِهِنَّ وَلَآ اَبْنَآءِ اِخْوَانِهِنَّ وَلَآ اَبْنَآءِ اَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتْ

فرزندان ایشان ونه برادران ایشان ونه برادرزادگان ایشان ونه خواهرزادگان ایشان ونه زنان ایشان ونه آنچه دارا است

اَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِينَ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ﴿۵۵﴾ اِنَّ اللّٰهَ وَمَلٰٓئِكَتَهُ

دستهای ایشان وبترسید ای زنان خدارا که خداست بر همه چیز گواه همانا خدا و فرشتگانش

يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴿۵۶﴾ اِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ

درود (آمرزش) فرستند بر پیمبر ای آنانکه ایمان آوردید درود (آمرزش) فرستید براو وسلام کنید سلام کردنی (یا فرمانش را گردن نهید گردن نهادنی) همانا آنانکه بیازارند

اللّٰهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا ﴿۵۷﴾ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ

خدا وپیمبرش را لعن کرد ایشانرا خدا در دنیا وآخرت وآماده کرد برای ایشان عذابی خوارسازنده را وآنانکه بیازارند

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتَانًا وَاِثْمًا مُّبِينًا ﴿۵۸﴾ يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ

مردان وزنان مؤمن را بجز آنچه فراهم کردند همانا برداشتند تهمتی وگناهی آشکار را ای پیمبر

قُلْ لِّاَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذٰلِكَ اَدْنٰٓى اَنْ

بگو بزنان خویش ودختران خویش وزنان مؤمنین که فرو هلند برخویشتن از روپوششهای خویش این نزدیکتر است

يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَّحِيمًا ﴿۵۹﴾ لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ

بدانکه شناخته شوند پس آزار نشوند وخداست آمرزنده مهربان اگر کوتاه نیایند (بس نکنند) دورویان وآنانکه در دلهاشان

مَّرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ اِلَّا قَلِيلًا ﴿۶۰﴾ مَلْعُونِينَ

بیماری است وهرزه درآیان در شهر (اراجیف گویان) هرآینه بشورانیمت برآنان تا همسایگیت نکنند در آن مگر اندکی لعن شدگان (راندگان)

اَيْنَمَا ثُقِفُوٓا اُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا ﴿۶۱﴾ سُنَّةَ اللّٰهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ

هرکجا یافت شوند دستگیر شوند وسخت کشته شوند کشته شدنی شیوه خدا در آنانکه گذشتند از پیش وهرگز نیابی شیوه

اللّٰهِ تَبْدِيلًا ﴿۶۲﴾ يَسْئَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ اِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللّٰهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ

خدارا دگرگونی پرسندت مردم از ساعت بگو جز این نیست که علم آن نزد خداست وچه دانی تو (یا چه دانا سازدت) شاید

السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ﴿۶۳﴾ اِنَّ اللّٰهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَاَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ﴿۶۴﴾ خَالِدِينَ فِيهَآ اَبَدًا

ساعت است نزدیک همانا خدا لعن کرد کافران را وآماده کرد برای ایشان آتشی سوزان جاودانان در آن همیشه

لَّا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ﴿۶۵﴾ يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يٰلَيْتَنَآ اَطَعْنَا اللّٰهَ وَ

نیابند یاری ونه یاوری را روزیکه گردش داده شود رویهای ایشان در آتش گویند کاش فرمانبرداری میکردیم خدارا

اَطَعْنَا الرَّسُولَا ﴿۶۶﴾ وَقَالُوا رَبَّنَآ اِنَّآ اَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا فَاَضَلُّونَا السَّبِيلَا ﴿۶۷﴾ رَبَّنَآ اٰتِهِمْ ضِعْفَيْنِ

وفرمانبرداری میکردیم پیمبر را وگفتند پروردگارا همانا فرمان بردیم مهتران خویش وبزرگان خویش را پس گمراه ساختند مارا از راه پروردگارا بدیشان دو برابر

مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا ﴿۶۸﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ اٰذَوْا مُوسٰى فَبَرَّاَهُ اللّٰهُ

از عذاب ولعن کن ایشان را لعنی بزرگ ای آنانکه ایمان آوردید نباشید مانند آنانکه آزردند موسی را پس بیزار شمردش خدا

مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللّٰهِ وَجِيهًا ﴿۶۹﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ﴿۷۰﴾

از آنچه گفتند وبود نزد خدا آبرومند ای آنانکه ایمان آوردید بترسید خدارا وبگوئید گفتاری استوار

حزب (۲)

يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا

تا ساز آرد برای شما کارهای شما را و بیامرزد گناهان شما را و آنکه فرمان برد خدا و پیمبرش را همانا رستگار شد است رستگاری بزرگ

(٧١) إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَ

همانا ما عرض کردیم سپرده را بر آسمانها و زمین و کوهها پس نیارستند برداشتنش را و بیمناک شدند از آن و

حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۖ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا (٧٢) لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ

برداشتش انسان همانا او بود است ستمگری نادان تا عذاب کند خدا مردان دوروی و زنان دوروی را و مردان مشرک

وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (٧٣)

و زنان مشرک را و بازگشت کند خدا بر مردان و زنان مؤمن و بود است خدا آمرزنده مهربان

سورة سبأ مكية وآياتها اربع وخمسون آية

سورة ٣٤ — حروفها ٣٥١٢ — كلماتها ٨٨٣

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (١)

سپاس خدایرا که از آن وی است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او راست سپاس در آخرت و او است حکیم آگاه

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۚ وَهُوَ الرَّحِيمُ

داند آنچه را فرو میرود در زمین و آنچه برون آید از آن و آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن و او است مهربان

الْغَفُورُ (٢) وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ ۚ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ ۖ لَا

آمرزنده و گفتند آنانکه کفر ورزیدند نیاید ما را ساعت بگو بلی سوگند بپروردگارم هر آینه بیاید شما را دانای نهان است

يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَٰلِكَ وَلَا أَكْبَرُ

گم نشود از او سنگینی ذره‌ای در آسمانها و نه در زمین و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر

إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ (٣) لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۚ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ

مگر در کتابی است آشکار تا پاداش دهد آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند ایشان راست آمرزشی

وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (٤) وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ

و روزی گرامی و آنانکه کوشیدند در آیتهای ما بعجز آرندگان ایشان راست عذابی از پلید دردناک

(٥) وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقَّ ۙ وَيَهْدِي إِلَىٰ

و ببینند آنانکه داده شد دانش را که آنچه فرستاده شد بسویت از پروردگارت حق است و راهنمائی کند بسوی

صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ (٦) وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ

راه خدای عزتمند ستوده و گفتند آنانکه کفر ورزیدند آیا ننمایانیم بشما مردی را که آگهیتان دهد

إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ ۙ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ (٧) أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ

هرگاه پراکنده شدید منتهای پراکندگی را همانا شمائید در آفرینشی نوین آیا دروغی بر خدا بست است یا بدو

جِنَّةٌ ۗ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ (٨)

دیوانگی است بلکه آنانکه باور ندارند بازپسین را در شکنجه و گمراهی دورند

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنْ نَشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ

آیا ننگرند بدانچه پیشروی ایشان است وآنچه پشت سر ایشان است از آسمان وزمین که اگر خواهیم فرو بریمشان

الْأَرْضَ ۚ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ﴿٩﴾

در زمین یا افکنیم برایشان پاره‌هائی از آسمان همانا در اینست آیتی برای هر بندهٔ بازگشت کننده

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا ۖ يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ ۖ وَأَلَنَّا لَهُ الْحَدِيدَ ﴿١٠﴾ أَنِ اعْمَلْ

وهمانا دادیم داود را از خویش فضلی ای کوهها تسبیح گوئید با او و مرغان ونرم ساختیم برایش آهن را که بساز

سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ۖ إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١﴾ وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ

زره‌هائی آراسته واندازه بگذار در زره وبکنید شایسته که همانا منم بدانچه میکنید بینا وبرای سلیمان باد را

غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ ۖ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ ۖ وَمِنَ الْجِنِّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ

پیشینش یکماه وپسینش یکماه و روان (ذوب) ساختیم برایش چشمهٔ مس را واز پریان آنانرا که کار میکردند پیشرویش بدستور

رَبِّهِ ۖ وَمَنْ يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ ﴿١٢﴾ يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِيبَ

پروردگار او وآنکو کجروی میکرد از ایشان از فرمان ما میچشاندیمش از عذابی سوزان میساختند برایش هرچه میخواست از پرستشگاهها

وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَاسِيَاتٍ ۚ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا ۚ وَقَلِيلٌ مِنْ

وپیکرها وجامهائی همانند آبگیرها (حوضها) ودیگهائی برجای نشانده (در کوه یا سنگ) بکنید ای خاندان داود شکر را وکم است از

عِبَادِيَ الشَّكُورُ ﴿١٣﴾ فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ

بندگان من شکرگذار پس هنگامیکه گذراندیم براو مرگ را رهبریشان نکرد بر مرگش جز جنبندهٔ زمین که میخورد

مِنْسَأَتَهُ ۖ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿١٤﴾

چوبدستش را تا گاهی که بروی درافتاد دریافتند پریان که اگر میدانستند ناپیدا را نمیماندند در عذابی خوارکننده

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ ۖ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَشِمَالٍ ۖ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ

همانا بود سبا را در نشیمنشان آیتی دو باغ از راست وچپ بخورید از روزی پروردگار خویش

وَاشْكُرُوا لَهُ ۚ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَرَبٌّ غَفُورٌ ﴿١٥﴾ فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ

وسپاسگذارید برایش شهری پاکیزه وپروردگاری آمرزگار پس روی برتافتند پس فرستادیم برایشان سیل بیکران را

وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتَيْ أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثْلٍ وَشَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ ﴿١٦﴾ ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُمْ

وبدیشان دادیم جای دو باغ ایشان دو باغ دارندهٔ میوه (یا خوراکی) خمط واثل وچیزی از درخت سدر اندک این را پاداششان دادیم

بِمَا كَفَرُوا ۖ وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ ﴿١٧﴾ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا

بدانچه کفر ورزیدند وآیا کیفر همیدهیم جز بکفر ورزنده وگذاردیم میان ایشان ومیان شهرستانی که برکت نهاده بودیم در آنها

قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ ۖ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا آمِنِينَ ﴿١٨﴾ فَقَالُوا رَبَّنَا بَاعِدْ

شهرهائی پدیدار ومقرر کردیم در آنها راه پیمودن را بروید در آنها شبهائی وروزهائی ایمن شدگان پس گفتند پروردگارا دوری افکن

بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ

میان سفرهای ما وستم کردند خویش را پس گردانیدیمشان داستانهائی وپریشان (یا پراکنده) ساختیمشان منتهای پریشانی را همانا در اینست آیتهائی

لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿١٩﴾ وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٢٠﴾

برای هر شکیبائی سپاسگذار وهمانا راست آورد بر ایشان ابلیس پندار خویش را پس پیرویش کردند مگر گروهی از مؤمنان

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِمْ مِّنْ سُلْطَانٍ اِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يُّؤْمِنُ بِالْاٰخِرَةِ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ ؕ وَرَبُّكَ عَلٰى

و نیستش برایشان فرمانروائی مگر تا بشناسیم آنرا که ایمان آورد بآخرت از آنکه اوست در شکی از آن و پروردگار تو است بر

كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ﴿٢١﴾ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللّٰهِ ۚ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ فِي السَّمٰوَاتِ

همه چیز نگهبان بگو بخوانید آنانرا که پنداشتید جز خدا دارا نیستند سنگینی ذره در آسمانها

وَلَا فِي الْاَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهِمَا مِنْ شِرْكٍ وَمَا لَهُ مِنْهُمْ مِّنْ ظَهِيرٍ ﴿٢٢﴾ وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ عِنْدَهُ

و نه در زمین و نیستشان در آنها شرکتی و نیست اورا از ایشان پشتیبانی و سود ندهد شفاعت نزد او

اِلَّا لِمَنْ اَذِنَ لَهُ ؕ حَتّٰى اِذَا فُزِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا ۙ قَالَ رَبُّكُمْ ؕ قَالُوا الْحَقَّ ۚ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

جز برای آنکه دستور دهدش تا گاهیکه گرفته شود طپیدن (هراس) از دلهای ایشان گویند چه گفت پروردگار شما گویند حق را و اوست برتر بزرگوار

﴿٢٣﴾ قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ؕ قُلِ اللّٰهُ ۙ وَاِنَّا اَوْ اِيَّاكُمْ لَعَلٰى هُدًى اَوْ فِي ضَلَالٍ

بگو که روزیتان دهد از آسمانها و زمین بگو خدا و ما یا شمائیم هر آینه بر هدایتی یا در گمراهی

مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ قُلْ لَّا تُسْئَلُونَ عَمَّا اَجْرَمْنَا وَلَا نُسْئَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٥﴾ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ

آشکار بگو پرسش نشوید از آنچه ما کردیم و نه پرسش شویم از آنچه شما کنید بگو گرد آورد میان ما پروردگار ما سپس بگشاید

بَيْنَنَا بِالْحَقِّ ؕ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ﴿٢٦﴾ قُلْ اَرُونِيَ الَّذِينَ اَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا ۚ بَلْ هُوَ اللّٰهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

میان ما بحق و اوست گشاینده دانا بگو بنمایانیدیم آنانرا که پیوستش کردید شریکانی چنین است بلکه اوست خداوند عزتمند حکیم

﴿٢٧﴾ وَمَا اَرْسَلْنَاكَ اِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٨﴾

و نفرستادیم ترا مگر برای همه مردم مژده دهنده و ترساننده ولیکن بیشتر مردم نمیدانند

وَيَقُولُونَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٩﴾ قُلْ لَّكُمْ مِّيعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ

و گویند چه هنگام است این وعده اگر هستید راستگویان بگو شما راست وعده گاه روزی که نه دیر کنید از آن

سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُّؤْمِنَ بِهٰذَا الْقُرْاٰنِ وَلَا بِالَّذِي بَيْنَ

ساعتی و نه پیشی گیرید و گفتند آنانکه کفر ورزیدند هرگز ایمان نیاریم بدین قرآن و نه بدانچه پیش روی

يَدَيْهِ ؕ وَلَوْ تَرٰى اِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضٍ ۨ الْقَوْلَ ۚ يَقُولُ الَّذِينَ

آن است و کاش میدیدی گاهی که ستمگران بازداشت شدگانند نزد پروردگار خویش برگردانند برخی از ایشان ببرخی گفتار را گویند آنانکه

اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا اَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ﴿٣١﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا

ناتوان شمرده شدند بدانانکه برتری جستند اگر نبودید شما هر آینه میبودیم ما مؤمنان گفتند آنانکه برتری جستند بدانانکه ناتوان شمرده شدند

اَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ الْهُدٰى بَعْدَ اِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُّجْرِمِينَ ﴿٣٢﴾ وَقَالَ الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ

آیا ما بازداشتیم شما را از رهبری پس از آنکه بیامد شما را بلکه بودید شما گنهکاران و گفتند آنانکه ناتوان شمرده شدند بدانانکه

اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اِذْ تَأْمُرُونَنَا اَنْ نَّكْفُرَ بِاللّٰهِ وَنَجْعَلَ لَهُ اَنْدَادًا ؕ وَاَسَرُّوا النَّدَامَةَ

کبر ورزیدند بلکه نیرنگ شب و روز بود هنگامی که فرمان میدادید ما را که کفر ورزیم بخدا و قرار دهیم برایش همتایانی و نهان داشتند پشیمانی را

لَمَّا رَاَوُا الْعَذَابَ ؕ وَجَعَلْنَا الْاَغْلَالَ فِي اَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا ؕ هَلْ يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

گاهی که دیدند عذاب را و نهادیم زنجیرها را در گردنهای آنانکه کفر ورزیدند آیا پاداش داده شوند جز آنچه را بودند میکردند

﴿٣٣﴾ وَمَا اَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ اِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا ۙ اِنَّا بِمَا اُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٤﴾

و نفرستادیم در شهری ترساننده‌ای مگر گفتند هوسرانان آن که مائیم بدانچه فرستاده شدید بدان کافران

حزب ٣

وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿۳۵﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ

وگفتند ما بیشتریم در مالها و فرزندان و نیستیم ما عذاب شدگان بگو هرآینه پروردگار من فراخ گرداند روزی را برای هرکه خواهد

وَيَقْدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۶﴾ وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا

و تنگ کند ولیکن بیشتر مردم نمیدانند و نیستند مالهای شما و نه فرزندان شما که نزدیک گردانند شما را نزد ما

زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرُفَاتِ آمِنُونَ ﴿۳۷﴾

جایگاهی نزدیک مگر آنکه ایمان آورد و کردار شایسته کرد که آنانراست پاداش دو برابر بدانچه کردند و آنانند در کاخها آرمیدگان

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ ﴿۳۸﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ

و آنانکه میکوشند در آیتهای ما بعجز آرندگان آنانند در عذاب احضار شدگان بگو هرآینه پروردگار من گشایش دهد روزی را

لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿۳۹﴾ وَيَوْمَ

برای هرکه خواهد از بندگان خویش و تنگ گرداند براو و آنچه دهید از چیزی پس او جانشین (عوض) آردش و اوست بهترین روزی دهندگان و روزیکه

يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَٰؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿۴۰﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ

گرد آردشان همگی سپس گوید بفرشتگان آیا اینان بودند شما را میپرستیدند گفتند منزهی تو توئی

وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ ﴿۴۱﴾ فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ

دوست ما نه آنان بلکه بودند میپرستیدند پریان را بیشتر ایشانند بدانان گروندگان پس امروز دارا نیست برخی از شما

لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿۴۲﴾

برای برخی سود و نه زیانی و گوئیم بدانانکه ستم کردند بچشید عذاب آتشی را که بودید آنرا دروغ میپنداشتید

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ

و گاهی که خوانده شود برایشان آیتهای ما روشن گویند نیست این جز مردی که خواهد بازدارد شما را از آنچه بودند میپرستیدند

آبَاؤُكُمْ وَقَالُوا مَا هَٰذَا إِلَّا إِفْكٌ مُفْتَرًى وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ إِنْ هَٰذَا إِلَّا

پدران شما و گفتند نیست این جز دروغی پرداخته و گفتند آنانکه کفر ورزیدند بحق گاهی که آمدشان نیست این جز

سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿۴۳﴾ وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِنْ نَذِيرٍ ﴿۴۴﴾ وَكَذَّبَ

جادوئی آشکار و ندادیمشان کتابهائی که آنها را درس خوانند و نفرستادیم بسوی ایشان پیش از تو ترساننده‌ای و تکذیب کردند

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ فَكَذَّبُوا رُسُلِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿۴۵﴾ قُلْ إِنَّمَا

آنانکه پیش از ایشان بودند و نرسیدند ده یک آنچه را بدیشان دادیم و تکذیب کردند فرستادگانم را پس چسان است کین کشیدن من بگو همانا

أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ

اندرز دهم شما را بیکی که بپای ایستید برای خدا دو دو و یک یک سپس بیندیشید که نیست بر یار شما دیوانگی نیست او جز ترساننده

لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿۴۶﴾ قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ

برای شما پیشروی عذابی سخت بگو هرچه خواهم از شما از مزدی پس از آن شماست نیست مزدم جز بر خدا و اوست بر

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿۴۷﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ﴿۴۸﴾ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ

همه چیز گواه بگو همانا پروردگار من بیفکند حق را اوست دانای نهانها بگو بیامد حق نه آغاز کند باطل و نه باز گرداند

﴿۴۹﴾ قُلْ إِنْ ضَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ ﴿۵۰﴾

بگو اگر گمراه شوم همانا گمراه شوم بر خود و اگر هدایت یابم پس بدان چیز است که وحی فرستد بسویم پروردگارم همانا اوست شنوای نزدیک

وَلَوْ تَرٰىٓ اِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَاُخِذُوا مِنْ مَكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٥١﴾ وَقَالُوٓا اٰمَنَّا بِهٖ وَاَنّٰى لَهُمُ التَّنَاوُشُ

وکاش میدیدی گاهی را که هراسان شوند پس نیست گریزی (یا در رفتنی) و دستگیر شدند از جایگاهی نزدیک وگفتند ایمان آوردیم بدان و کجاست ایشانرا سودمند شدن

مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ وَقَدْ كَفَرُوا بِهٖ مِنْ قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٥٣﴾

از جایگاهی دور حالیکه کفر ورزیدند بدان از پیش و میافکنند بناپیدا از جایگاهی دور

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِاَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ ۭ اِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ ﴿٥٤﴾

وجدائی افکنده شد میان ایشان و میان آنچه هوس کردند بدانسان که شد بپیروانشان از پیش که ایشان بودند در شکی شک آورنده

سورة فاطر مكية وآياتها خمس واربعون آية

سورة ٣٥ — حروفها ٣١٣٠ — كلماتها ٧٧٧

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ جَاعِلِ الْمَلٰٓئِكَةِ رُسُلًا اُولِيٓ اَجْنِحَةٍ مَّثْنٰى وَثُلٰثَ وَرُبٰعَ ۭ يَزِيدُ فِي

سپاس خدارا آفریننده آسمانها و زمین گرداننده فرشتگان فرستادگانی دارندگان بالهائی دوتا و سه تا و چهارتا بیفزاید در

الْخَلْقِ مَا يَشَاۗءُ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ مَا يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا ۚ وَمَا

آفرینش آنچه خواهد همانا خداست بر همه چیز توانا آنچه بگشاید خدا برای مردم از رحمت نیستش بازدارنده و آنچه

يُمْسِكْ ۙ فَلَا مُرْسِلَ لَهٗ مِنْۢ بَعْدِهٖ ۭ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٢﴾ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ ۭ

باز دارد نیستش رها کننده پس از او و اوست عزتمند حکیم ای مردم یاد آرید نعمت خدارا بر شما

هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاۗءِ وَالْاَرْضِ ۭ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰى تُؤْفَكُونَ ﴿٣﴾ وَاِنْ يُّكَذِّبُوكَ

آیاست آفریننده‌ای جز خدا که روزی دهد شمارا از آسمان و زمین نیست خدائی جز او پس کجا بدروغ رانده میشوید و اگر تکذیب کنند

فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّنْ قَبْلِكَ ۭ وَاِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْاُمُورُ ﴿٤﴾ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَلَا

همانا تکذیب شدند فرستادگانی پیش از تو و بسوی خدا بازگردانیده شوند کارها ای مردم همانا وعده خداست حق پس

تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُورُ ﴿٥﴾ اِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ

نفریبد شمارا زندگانی دنیا و فریب ندهد شمارا بخدا فریب دهنده همانا شیطان شماراست

عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ۭ اِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهٗ لِيَكُونُوا مِنْ اَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٦﴾ اَلَّذِينَ كَفَرُوا

دشمنی پس برگیریدش دشمن جز این نیست که میخواند دسته خویش را تا شوند از یاران آتش سوزان آنانکه کفر ورزیدند

لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۙ وَالَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحَاتِ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَاَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾

برای ایشانست شکنجه سخت و آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند ایشانراست آمرزشی و مزدی بزرگ

اَفَمَنْ زُيِّنَ لَهٗ سُوْۗءُ عَمَلِهٖ فَرَاٰهُ حَسَنًا ۭ فَاِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَّشَاۗءُ وَيَهْدِي مَنْ يَّشَاۗءُ ۡ فَلَا

آیا کسیکه آراسته شود برایش بدی کارش پس آنرا نکو بیند همانا خدا گمراه سازد هرکه را خواهد و هدایت کند هرکه را خواهد پس

تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرَاتٍ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌۢ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٨﴾ وَاللّٰهُ الَّذِيٓ اَرْسَلَ الرِّيَاحَ

نرود جانت اندوههائی (دریغهائی) برایشان همانا خدا داناست بدانچه میسازند و خداست آنکه فرستاد بادها را

فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ اِلٰى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَاَحْيَيْنَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذٰلِكَ النُّشُورُ ﴿٩﴾

پس برانگیزند ابری پس راندیمش بسوی شهری مرده پس زنده سازیم بدان زمین را پس از مرگش چنین است برانگیختن (یا گرد آوردن)

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ۚ اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ ۚ

آنکو عزت جوید پس برای خداست عزت همگی بسویش بالا روند سخنان پاک وکردار نیک را او بالا برد

وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ اُولٰٓئِكَ هُوَ يَبُورُ ﴿۱۰﴾ وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ

وآنانکه نیرنگهای زشت آرند ایشانراست عذابی سخت ونیرنگ آنان است تباه ونابود وخدا بیافرید شمارا

مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ اَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ اُنْثٰى وَلَا تَضَعُ اِلَّا بِعِلْمِهِ ۚ وَمَا

از خاکی پس از چکهٔ آبی سپس گردانید شمارا جفتهائی وبارور نگردد مادهٔ ونه بنهد بارش را جز باعلم او

يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ اِلَّا فِي كِتَابٍ ۚ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ ﴿۱۱﴾ وَمَا يَسْتَوِي

وسالمند نشود سالمندی ونه کاسته شود از سالش مگر در کتابی است همانا آن است بر خدا آسان ویکسان نیستند

الْبَحْرَانِ هٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهٰذَا مِلْحٌ اُجَاجٌ ۚ وَمِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا

دو دریا این خوشکام شیرین که گوارا است نوشابهٔ آن وآن نمکی شور (یا تلخ) واز هریک خورید ماهی تازه

وَتَسْتَخْرِجُونَ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا ۚ وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ

وبرون آرید زیوری که پوشیدش وبینی کشتیهارا درآن رونده تا بجوئید از فضلش وشاید

تَشْكُرُونَ ﴿۱۲﴾ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِي

سپاسگذارید فروبرد شب را در روز وفروبرد روز را در شب ورام گرداند مهر و ماه را هرکدام روانند

لِاَجَلٍ مُسَمًّى ۚ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ ۚ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ مِنْ قِطْمِيرٍ ۚ

تا سرآمدی نامبرده اینست پروردگار شما ویراست پادشاهی وآنانکه خوانید جز او دارا نیستند پوست هستهٔ خرمائی

﴿۱۳﴾ اِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ ۖ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ۚ وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكْفُرُونَ

اگر بخوانیدشان نشنوند بانگ شمارا واگر میشنیدند پاسخ نمیگفتندتان وروز قیامت کفران ورزند

بِشِرْكِكُمْ ۚ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ﴿۱۴﴾ يَا اَيُّهَا النَّاسُ اَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ اِلَى اللّٰهِ ۖ وَاللّٰهُ هُوَ الْغَنِيُّ

بشرک ورزی شما وآگاه نسازدت همانند کاردان ای مردم شمائید نیازمندان بخدا وخداست بی نیاز

الْحَمِيدُ ﴿۱۵﴾ اِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿۱۶﴾ وَمَا ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيزٍ ﴿۱۷﴾ وَلَا تَزِرُ

ستوده اگر خواهد ببرد شمارا وبیارد آفرینشی نوین ونیست آن بر خدا گران وبر ندارد

وَازِرَةٌ وِزْرَ اُخْرٰى ۚ وَاِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ اِلٰى حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى ۚ اِنَّمَا تُنْذِرُ

گنهباری بار دیگری را واگر بخواند گرانباری بسوی بارش برداشته نشود از او چیزی واگرچه باشد خویشاوند جز این نیست که بیم دهی

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ ۚ وَمَنْ تَزَكّٰى فَاِنَّمَا يَتَزَكّٰى لِنَفْسِهِ ۚ وَاِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ ﴿۱۸﴾

آنانرا که میپرستند پروردگار خویش را بنهان وبپای دارند نماز را وآنکه پاکی جوید جز این نیست که برای خویش پاکی جوید وبسوی خداست بازگشت

وَمَا يَسْتَوِي الْاَعْمٰى وَالْبَصِيرُ ﴿۱۹﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ﴿۲۰﴾ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ ﴿۲۱﴾ وَمَا يَسْتَوِي

ویکسان نیستند کور وبینا ونه تاریکیها ونه روشنائی ونه سایه ونه سوزش گرما ویکسان نیستند

الْاَحْيَاءُ وَلَا الْاَمْوَاتُ ۚ اِنَّ اللّٰهَ يُسْمِعُ مَنْ يَشَاءُ ۖ وَمَا اَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ ﴿۲۲﴾ اِنْ اَنْتَ

زندگان ونه مردگان همانا خدا میشنواند هرکه را خواهد ونیستی تو شنوانندهٔ آنانکه در گورستانند نیستی تو

اِلَّا نَذِيرٌ ﴿۲۳﴾ اِنَّا اَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۚ وَاِنْ مِنْ اُمَّةٍ اِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ﴿۲۴﴾

جز بیم دهنده همانا فرستادیمت بحق نوید دهنده وترساننده ونیست ملتی جز آنکه بگذشت درآن ترسانندهای

وَاِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَآءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ

واگر تکذیبت کنند همانا تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند بیامدندشان پیمبرانشان بنشانیها وبکتابها وبنامه

الْمُنِيرِ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ اَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٢٦﴾ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً

درخشان سپس برگرفتیم آنانرا که کفر ورزیدند پس چگونه بود کیفرم آیا ندیدی که خدا فرستاد از آسمان آبی

فَاَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا اَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ اَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ

پس برون آوردیم بدان میوه‌هائی برنگهای گوناگون واز کوهها راههائی سفید وسرخ رنگارنگ وسیاههائی

سُودٌ ﴿٢٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَآبِّ وَالْاَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ اَلْوَانُهُ كَذٰلِكَ اِنَّمَا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ

تار واز مردم وجنبندگان ودامها برنگهای گوناگون بدینسان جز این نیست که میترسند خدارا از بندگانش

الْعُلَمٰٓؤُا اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ﴿٢٨﴾ اِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللّٰهِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْفَقُوا مِمَّا

دانشمندان همانا خداست عزتمند آمرزگار آنانکه خوانند کتاب خدارا وبپایدارند نمازرا ودهند از آنچه

رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ ﴿٢٩﴾ لِيُوَفِّيَهُمْ اُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ

روزیشان دادیم نهان وآشکارا امید دارند سوداگری را که هرگز تباه نگردد تا بپردازد بدیشان پاداش ایشانرا تمامی وبیفزایدشان

مِنْ فَضْلِهِ اِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٠﴾ وَالَّذِي اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا

از فضل خویش واوست آمرزنده سپاسگذار وآنچه وحی فرستادیم بسوی تو از کتاب آنست حق تصدیق کننده

لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٣١﴾ ثُمَّ اَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ

آنچه پیشروی آنست همانا خداوندست ببندگان خویش آگهی بینا سپس ارث دادیم کتاب را بدانانکه

اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ

برگزیدیم از بندگان خویش پس از ایشانست ستم کننده برجان خود واز ایشانست میانه روی واز ایشانست سبقت گیرنده بخوبیها

بِاِذْنِ اللّٰهِ ذٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ ﴿٣٢﴾ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ اَسَاوِرَ

بدستور خدا اینست آن فضل بزرگ بهشتهای جاودان درآنها درآیند آراسته شوند درآنها بازیورهائی

مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ ﴿٣٣﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ

از زر ودستبرنجهای زرین ومروارید وپوشاک ایشانست درآن حریر (ابریشم) وگفتند سپاس خدایرا که برد از ما اندوه را

اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِي اَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ

همانا پروردگار ماست آمرزنده سپاسگذار آنکو جایگزین ساخت مارا در سرای آرمیدن از فضل خویش نرسد مارا درآن خستگی

وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ﴿٣٥﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَى عَلَيْهِمْ

ونه مارا رسد درآن رنجی وآنانکه کفر ورزیدند ایشانراست آتش دوزخ نه گذرانیده شود برایشان

فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذٰلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ ﴿٣٦﴾ وَهُمْ

تا بمیرند ونه کاسته شود از ایشان از عذابش بدینسان پاداش دهیم بهر ناسپاسی وایشان

يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَآ اَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ اَوَلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَا

مینالند درآن پروردگارا برون آر مارا تا بکنیم کرداری شایسته جز آنچه بودیم میکردیم آیا عمر ندادیم شمارا آنچه

يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ ﴿٣٧﴾

یادآور شود درآن آنکه یادآور شود وبیامد شمارا ترساننده‌ای پس بچشید که نیست ستمگرانرا یاوری

فلیلحق ببصری وغویر وایشان ملوک غسانیون بودند وگفت من کان یرید الثیاب الرقاق والخیل العتاق وکنوز الارزاق والدم المهراق فلیلحق بارض العراق وایشان ملوک حیره وآل جذیمة الابرش بودند. ٢٧ جدد بیض جدد جمع جدة است بمعنی طریقه وجاده وجدد بمعنی خطوط نیز آمده است وغرابیب جمع غربیب است وآن سیاهی است که از شدت سواد رنگش برنگ غراب همیماند وقراء جمله غرابیب سود را در آیه بر سبیل تقدیم موصوف بر صفت دانسته واصل آنرا سود غرابیب گفته چه گویند اسود حالک یا غربیب ای شدید السواد. ٢٨ انما یخشی الله از امام ابی عبدالله صادق علیه السلام است که مراد از علما کسی است که فعلش قولش را تصدیق نماید وآنکس که چنین نیست عالم نباشد ودر حدیث است اعلمکم بالله اخوفکم لله یعنی داناترین شما بخدا بیمناکترین شماست از او ٢٩ وانفقوا مما رزقناهم از عبدالله بن عمیر لیثی است که مردی نزد پیمبر ص بیامد وگفت ای رسول خداوند مرا چه شود که مرگ را دوست ندارم پیمبر ص فرمود مگر ترا مال وخواسته است گفت آری

إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿۳۸﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ

همانا خداست داننده نهان آسمانها وزمین همانا اوست دانا بدانچه در سینه هاست اوست آنکه گردانید شمارا

خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ ۚ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ ۖ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ

جانشینانی در زمین پس آنکو کفر ورزد براوست کفرش ونیفزاید کافران را کفرشان

عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا ۖ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا ﴿۳۹﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ

نزد پروردگارشان مگر خشمی ونیفزاید کافران را کفرشان مگر زیانی بگو آیا دیدید

شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۖ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ

شریکان خویش را که خوانید جز خدا بنمایانیدم چه چیز آفریدند از زمین یا آنانراست شرکتی

فِي السَّمٰوَاتِ ۖ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتٍ مِنْهُ ۚ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ

در آسمانها یا دادیم بدیشان کتابی پس ایشانند بر روشنائی (یا نشانی) از آن بلکه وعده نمیدهند ستمگران برخی از ایشان

بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ﴿۴۰﴾ إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا ۚ وَلَئِنْ زَالَتَا

برخی را جز فریب همانا خدا نگهدارد آسمانها وزمین را از آنکه بیفتند و اگر بیفتند

إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ ۚ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ﴿۴۱﴾ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ

نگه ندارد آنهارا کسی پس از او همانا اوست بردبار آمرزگار وسوگند یاد کردند بخدا سخت ترین

أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ ۖ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ

سوگندان خویش را که اگر بیایدشان ترساننده‌ای هرآینه باشند راه یابنده‌تر از یکی از امتها پس هنگامیکه بیامدشان ترساننده‌ای

مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ﴿۴۲﴾ اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ ۚ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ

نیفزود ایشانرا جز رمیدنی (نفرتی) برتری جستنی در زمین ونیرنگ زشت و فرود نیاید نیرنگ

السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۚ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ ۖ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

زشت جز باهلش پس آیا جز شیوه پیشینیان را منتظرند که هرگز نیابی شیوه خدارا دگرگونی

وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ﴿۴۳﴾ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ

ونه هرگز یابی شیوه خدارا بازگشتنی آیا نگشتند در زمین تا بنگرند چگونه بود

عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۚ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ

فرجام آنانکه پیش از ایشان بودند بودند سخت تر از ایشان در نیرو و نبود خدا بعجز آرنده او چیزی

فِي السَّمٰوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۚ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ﴿۴۴﴾ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ

در آسمانها ونه در زمین همانا اوست دانای توانا واگر بگیرد خدا مردم را

بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَٰكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى ۚ فَإِذَا

بدانچه فراهم کردند نگذارد بر پشت آن جنبنده‌ای لیکن پس اندازدشان تا سرآمدی نامبرده پس گاهیکه

جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ﴿۴۵﴾

بیاید سرآمدشان همانا خداست به بندگان خویش بینا

سورة يس مكية وآياتها ثلاث وثمانون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

سورة ٣٦ — حروفها ٣٥٥٥ — كلماتها ٧٢٧

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يٰسٓ ﴿١﴾ وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾ اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣﴾ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤﴾ تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

سوگند بقران استوار که توئی همانا از فرستادگان بر راهی راست فرستادن خداوند عزیز مهربان

﴿٥﴾ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّا اُنْذِرَ اٰبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ ﴿٦﴾ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰى اَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا

تا بیم دهی قومی را که بیم داده نشدند پدران ایشان پس آنانند ناآگاهان همانا راست آمد (یا فرود آمد) سخن بر بیشتر ایشان پس ایشان

يُؤْمِنُونَ ﴿٧﴾ اِنَّا جَعَلْنَا فِي اَعْنَاقِهِمْ اَغْلَالًا فَهِيَ اِلَى الْاَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ ﴿٨﴾ وَجَعَلْنَا

ایمان نمیآرند همانا نهادیم در گردنهای ایشان زنجیرهائی پس دستهای ایشان بسوی چانه‌هاست پس ایشانند لگام زدگان (یا سر بالا نگاه داشتگان) و گذاردیم

مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿٩﴾ وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ

پیشروی ایشان سدی و از پشت سرشان سدی پس پوشانیدیمشان پس ایشان نه بینند و یکسان است بر ایشان

ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾ اِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمٰنَ بِالْغَيْبِ

چه بترسانیشان یا نترسانیشان ایمان نیارند جز این نیست که میترسانی آنرا که پیروی ذکر کند و بترسد خدای مهربان را بنهان

فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَاَجْرٍ كَرِيمٍ ﴿١١﴾ اِنَّا نَحْنُ نُحْيِ الْمَوْتٰى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَاٰثَارَهُمْ وَكُلَّ شَيْءٍ

پس مژده ده او را بآمرزشی و مزدی گرامی همانا ما زنده کنیم مردگان را و نویسیم آنچه پیش فرستادند و آثار ایشان را و هر چیزی را

اَحْصَيْنَاهُ فِي اِمَامٍ مُّبِينٍ ﴿١٢﴾ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا اَصْحَابَ الْقَرْيَةِ اِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ ﴿١٣﴾

فراهم کردیم در پیشوائی آشکار و بزن برای ایشان مثلی یاران شهر را هنگامی که آمدندش فرستادگان

اِذْ اَرْسَلْنَا اِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا اِنَّا اِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ ﴿١٤﴾ قَالُوا

هنگامی که فرستادیم بسوی آنان دو تن پس تکذیبشان کردند پس تقویت کردیم آنان را بسیمینی پس گفتند همانا مائیم بسوی شما فرستادگان گفتند

مَا اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا اَنْزَلَ الرَّحْمٰنُ مِنْ شَيْءٍ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا تَكْذِبُونَ ﴿١٥﴾ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ

نیستید شما جز مردمی مانند ما و نفرستاده است خدای مهربان چیزی را و نیستید شما جز دروغگویان گفتند پروردگار ما داند

اِنَّا اِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ ﴿١٦﴾ وَمَا عَلَيْنَا اِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿١٧﴾ قَالُوا اِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِنْ لَمْ

که مائیم بسوی شما هر آینه فرستادگان و نیست بر ما جز رساندن آشکار گفتند همانا بفال بد گرفتیم شما را اگر

تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِّنَّا عَذَابٌ اَلِيمٌ ﴿١٨﴾ قَالُوا طَائِرُكُمْ مَّعَكُمْ اَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ اَنْتُمْ

کوتاه نیائید هر آینه سنگسارتان کنیم و البته رسد شما را از ما شکنجه دردناک گفتند فال بد شما همراه شماست آیا اگر که یادآوری شوید بلکه شمائید

قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ ﴿١٩﴾ وَجَاءَ مِنْ اَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعٰى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٠﴾

گروهی فزونی جویان و آمد از دورترین جای شهر مردی میدوید گفت ای قوم من پیروی کنید فرستادگان را

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْئَلُكُمْ اَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا لِيَ لَا اَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢٢﴾

پیروی کنید آنان را که نخواهند از شما مزدی و ایشانند راه یافتگان و چه شود مرا که نپرستم آنرا که بیافریدم و بسوی او بازگردانیده شوید

ءَاَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ اٰلِهَةً اِنْ يُرِدْنِ الرَّحْمٰنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ ﴿٢٣﴾ اِنِّي

آیا برگیرم جز او خدایانی که اگر خواهدم خدای مهربان برنجی بی نیاز نگرداندم شفاعت ایشان بچیزی و نه رها سازندم همانا منم

اِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ اِنِّي اٰمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ﴿٢٥﴾ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾

آنهنگام در گمراهی آشکار همانا ایمان آوردم بپروردگار شما پس مرا بشنوید گفته شد ببهشت درآی گفت ایکاش قومم میدانستند

سورهٔ یس از پیغمبر است بروایت ابی بکر که در توریة این سوره بنام معمه خوانده شده و پرسیده شد چیست معمه گفت فرا میگیرد صاحبش را بخیر دنیا و آخرت و از او رنج دنیا و هول آخرت برمیدارد و هم بنام مدافعه قاضیه خوانده شود زیرا از صاحب خود هر شری را دور سازد و هر حاجتی روا دارد و از انس بن مالک است که پیغمبر فرمود هر چیز را قلبی است و قلب قرآن یس است و اخبار در فضیلت این سوره بحدی است که در هیچ سوره بلکه در تمام سور باستثنای آن نمیباشد فهی الی الاذقان ضمیر هی راجع است بایدی که از فحوای کلام مفهوم است یعنی دستهاشان با زنجیرها بسته بگردنهاشان است و از ابن عباس و ابن مسعود است که قرائت کردند انا جعلنا فی ایمانهم اغلالا و بعضی روایت کردند فی ایدیهم فهم مقمحون در لغت مقمح آنکس را گویند که پس از بلند ساختن سر دیده فرو بندد و قولی است که مقصود از مقمح مقنع است و آن کسی است که چانه‌اش محدب گردانند که بسینه چسبد و سپس سر را بلند گردانند و کانون را از ماههای رومی بنام ماه قماح خوانند کنایت از سردی آن چه شتر پس از ورود

الجزء (۲۳)

بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿۲۷﴾ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِنَ
که آمرزید مرا پروردگار من و گردانید مرا از گرامی داشتگان و نفرستادیم بر قومش پس از او لشکری از

السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ ﴿۲۸﴾ إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَامِدُونَ ﴿۲۹﴾ يَا حَسْرَةً
آسمان و نبودیم فرستندگان نبود آن جز یکخروش که ناگهان ایشانند مردگان افسوس

عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿۳۰﴾ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ
بر بندگان که نیاید شان پیمبری جز آنکه هستند بدو استهزا کنندگان آیا ندیدند بسا نابود کردیم پیش از ایشان

مِنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ ﴿۳۱﴾ وَإِنْ كُلٌّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿۳۲﴾ وَآيَةٌ لَهُمُ
از قرنها که آنان بسوی ایشان باز نگردند و هرآینه همگانند باهم بنزد ما احضار شدگان و آیتی برای ایشان

الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ ﴿۳۳﴾ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ نَخِيلٍ
زمین مرده است که زنده کردیمش و برون آوردیم از آن دانه که از آن میخورند و نهادیم در آن باغهائی از خرمابنها

وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ ﴿۳۴﴾ لِيَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿۳۵﴾
وانگورها و بشکافتیم در آن از چشمه‌ها تا خورند از میوه آن و آنچه بساختش دستهای ایشان پس آیا سپاس نگذارند

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ ﴿۳۶﴾ وَآيَةٌ
منزه است آنکه آفرید جفتها را همگی از آنچه میرویاند زمین و از خود ایشان و از آنچه نمیدانند و آیتی

لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ ﴿۳۷﴾ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ
برای ایشان شب است که برکنیم از آن روز را ناگاه ایشانند بتاریکی شدگان و خورشید روانست سوی آرامگاهی برایش اینست اندازه نهادن (یا مقرر داشتن) عزیز

الْعَلِيمِ ﴿۳۸﴾ وَالْقَمَرَ قَدَّرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ﴿۳۹﴾ لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا
دانا و ماه را گردانیدیم منزلهائی تا بازگشت چون شاخه خرمای کهن (خشکیده) نه مهر را سزد

أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ﴿۴۰﴾ وَآيَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا
که بماه رسد و نه شب است پیشی گیرنده بر روز و هر کدامند در گردونه شناوران و آیتی است برای ایشان آنکه ما سوار کردیم

ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿۴۱﴾ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ﴿۴۲﴾ وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ
نژاد ایشان را در کشتی انباشته و آفریدیم برای ایشان از نمونه آن آنچه را سوار شوند و اگر خواهیم غرقشان سازیم

فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقَذُونَ ﴿۴۳﴾ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ﴿۴۴﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا
تا نفریادرسی ایشان را باشد و نه رهانیده شوند جز رحمتی از ما و کامیابی تا زمانی و گاهیکه گفته شود بدیشان بترسید

مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۴۵﴾ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا
آنچه را پیشروی شما و آنچه پشت سر شماست شاید رحم شوید و نمیآیدشان آیتی از آیتهای پروردگارشان مگر

كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ﴿۴۶﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ
هستند از آن روی گردانان و گاهیکه گفته شود بدیشان دهید از آنچه روزیتان داده است خدا گویند آنانکه کفر ورزیدند بدانانکه

آمَنُوا أَنُطْعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطْعَمَهُ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿۴۷﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا
ایمان آوردند آیا خورانیم آنرا که اگر میخواست خدا میخورانیدش نیستید شما مگر در گمراهی آشکار و گویند چه هنگامست این

الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۴۸﴾ مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ ﴿۴۹﴾
وعده اگر هستید راستگویان ننگرند (چشم براه نیستند) جز یکخروش را که بگیردشان حالیکه ایشانند باهم ستیزه کنان

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَآ إِلَىٰٓ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ﴿٥٠﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ

پس نتوانند وصیت گذاردنی ونه بسوی خاندان خویش باز گردند (یا سخن گویند) ودمیده شد در صور که ناگاه ایشانند از گورها

إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنسِلُونَ ﴿٥١﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ

بسوی پروردگار خویش شتابندگان گویند وای برما که برانگیخت مارا از خوابگاه ما این است آنچه وعده داد خداوند مهربان وراست گفتند

الْمُرْسَلُونَ ﴿٥٢﴾ إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ﴿٥٣﴾ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ

فرستادگان نبود آن جز یکخروش که ناگهان ایشانند همگان باهم نزد ما احضار شدگان پس امروز نه ستم شود

نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٥٤﴾ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ فَاكِهُونَ

بکسی چیزی ونه پاداش داده شوید جز آنچه بودید میکردید همانا یاران بهشت امروز دست بکار کامرانید

﴿٥٥﴾ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَآئِكِ مُتَّكِئُونَ ﴿٥٦﴾ لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ

آنان وهمسرانشان در سایه‌هائی بر اریکه‌هایند تکیه کنندگان آنانراست در آن میوه وآنانراست در آن هرچه میخواهند

﴿٥٧﴾ سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ ﴿٥٨﴾ وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿٥٩﴾ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي

سلامی است گفتاری از پروردگار مهربان وجدا شوید امروز ای گنهکاران آیا اندرز ندادیم شمارا ای بنی آدم

آدَمَ أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٠﴾ وَأَنِ اعْبُدُونِي هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

که نپرستید شیطان را که او شماراست دشمنی آشکار وآنکه مرا پرستید اینست راهی راست

﴿٦١﴾ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ﴿٦٢﴾ هَٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ

وهرآینه گمراه ساخت از شما گروهی بسیار را آیا نبودید بخرد یابید این است دوزخی که بودید وعده داده میشدید

﴿٦٣﴾ اصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٦٤﴾ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ

بچشیدش امروز بدانچه بودید ناسپاسی میکردید امروز مهر نهیم بر دهانهای ایشان وسخن گویند با ما دستهای ایشان

وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٦٥﴾ وَلَوْ نَشَآءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰٓ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ

وگواهی دهند پاهای ایشان بدانچه بودند فراهم میکردند واگر میخواستیم میگرفتیم دیدگان ایشانرا پس سبقت گرفتند بسوی راه

فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَوْ نَشَآءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ ﴿٦٧﴾

ولی کجا بینند واگر میخواستیم هرآینه مسخ میکردیم ایشانرا (بپیکری دیگر میآوردیشان) با فرمانروائیشان پس نتوانند رفتن را ونه باز گردند

وَمَن نُّعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ﴿٦٨﴾ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا

وهرکه را سالمند گردانیم بکاهیمش در آفرینش آیا بخرد نیابند ونیاموختیم بدو شعر را ونه سزدش نیست آن جز

ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ ﴿٦٩﴾ لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧٠﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا

یادآوری وقرآنی آشکار تا بترساند آنرا که زنده است وفرود آید سخن بر کافران آیا ندیدند که ما آفریدیم

لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾

برای ایشان از آنچه ساخت دستهای ما چهارپایانی پس ایشانند آنهارا دارندگان ورام کردیم آنهارا برای ایشان پس از آنهاست سواری ایشان واز آنها میخورند

وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَاتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا

وبرای ایشانست در آنها سودهائی وآبشخورها (نوشابه‌هائی) پس آیا سپاس نگذارند وبگرفتند جز خدا خدایانی شاید یاری شوند

يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾

نتوانندشان یاری کردن وایشانند آنانرا لشکری فراخواندگان (احضار شدگان) پس اندوهگین نسازدت سخن ایشان همانا دانیم آنچه را نهان دارند وآنچه پدیدار کنند

اصحاب القریه ۱۳ مقصود شهر انطاکیه است ونام فرستادگان که عیسی ایشانرا فرستاد آن دو نخستین شمعون ویوحنا وسیمین بولس بود رجل یسعی نام این مرد چنانکه از اکثر مفسران است حبیب نجار بود ومسکنش نزد اقصی باب شهر بود ودر آغاز ورود رسل از ایشان معجزات دیده وبدیشان ایمان آورده بود وچون مردم را بایمان برخواند بروایتی چندانش لگد بر پیکر زدند تا بمرد واز ثعلبی است از عبدالرحمن ابن ابی لیلی باسنادش از پیمبر که گفت پیشوایان یا پیشروان امم سه تنند که بخدای باندازه یکچشم برهم زدن کفر نورزیدند علی علیه السلام وصاحب یس ومؤمن آل فرعون وایشانند صدیقون وعلی افضل آنهاست کالعرجون از علی بن ابراهیم است که ابو سعید مکاری واقفی المذهب بود وبر امام ابوالحسن الرضا در آمد وبدو گفت آیا کارت بدینجا رسیده که آنچه پدرت دعوی همیکرد تو نیز دعوی کنی ابوالحسن فرمود چه شود ترا خدا چراغت خموش گرداند وبینوائیت بدرون خانه آرد مگر ندانستی خدای بعمران وحی کرد که فرزندی بتو دهم شفا دهنده مرضی ودردمندان وبدو مریم را داد وبمریم عیسی را پس عیسی از مریم ومریم از عیسی بود وهر دو یکی بودند همینگونه من

اَوَلَمْ يَرَ الْاِنْسَانُ اَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَاِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ﴿۷۷﴾ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ

آیا ندیده است انسان که ما آفریدیمش از چکهٔ آبی پس ناگهان او است دشمنی (یا ستیزه جوئی) آشکار و بزد برای ما مثلی و فراموش کرد

خَلْقَهُ ؕ قَالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ ﴿۷۸﴾ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي اَنْشَاَهَا اَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ

آفرینش خود را گفت کیست که زنده کند استخوانها را حالیکه آنهایند خاکی پوسیده بگو زنده کند آنها را آنکه پدید آورد (یا بیافرید) آنها را نخستین بار و او است بهر

خَلْقٍ عَلِيمٌ ﴿۷۹﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْاَخْضَرِ نَارًا فَاِذَا اَنْتُمْ مِنْهُ تُوقِدُونَ ﴿۸۰﴾ اَوَلَيْسَ

آفرینش دانا آنکه نهاد برای شما از درخت سبز آتشی ناگهان شمائید از آن فروزندگان آیا نیست

الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ بِقَادِرٍ عَلٰى اَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلٰى وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ﴿۸۱﴾ اِنَّمَا

آنکه آفرید آسمانها و زمین را توانا بر آنکه بیافرد مانند ایشان را بلی و او است آفریننده دانا جز این نیست

اَمْرُهُ اِذَا اَرَادَ شَيْئًا اَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ﴿۸۲﴾ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿۸۳﴾

کار او گاهی که چیزی خواهد که بدو گوید بشو پس بشود پس منزه است آنکه بدستش پادشاهیهای همه چیز است و بسوی او بازگردانیده شوید

سورة الصافات مكية وآياتها مائة واثنتان وثمانون آية

سورة ۳۷ — حروفها ۳۸۲۶ — كلماتها ۸۶۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ﴿۱﴾ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ﴿۲﴾ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ﴿۳﴾ اِنَّ اِلٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ ﴿۴﴾

سوگند بدانانکه صف بندند صف بستنی و آنانکه برانند راندنی و بسرایندگان ذکر همانا خدای شما است هر آینه یکی

رَبُّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ﴿۵﴾ اِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ

پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنها است و پروردگار خاورها همانا آراستیم آسمان نزدیک را بزیور

الْكَوَاكِبِ ﴿۶﴾ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ ﴿۷﴾ لَا يَسَّمَّعُونَ اِلَى الْمَلَاِ الْاَعْلٰى وَيُقْذَفُونَ

ستارگان و نگهداشتیمش از هر شیطانی گردنکش نتوانند گوش دادن را بسوی گروه فرازین و پرتاب شوند

مِنْ كُلِّ جَانِبٍ ﴿۸﴾ دُحُورًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ ﴿۹﴾ اِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاَتْبَعَهُ شِهَابٌ

از هر سوی راندگانند و ایشان راست شکنجهٔ پیوسته مگر آنکو برباید ربودنی که از پیش رود شهابی

ثَاقِبٌ ﴿۱۰﴾ فَاسْتَفْتِهِمْ اَهُمْ اَشَدُّ خَلْقًا اَمْ مَنْ خَلَقْنَا ؕ اِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ ﴿۱۱﴾ بَلْ عَجِبْتَ

تیز پس بپرسشان آیا آنان سخت‌ترند در آفرینش یا آنکه ما آفریدیم همانا بیافریدیمشان از گلی چسبنده بلکه شگفت ماندی

وَيَسْخَرُونَ ﴿۱۲﴾ وَاِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ ﴿۱۳﴾ وَاِذَا رَاَوْا آيَةً يَسْتَسْخِرُونَ ﴿۱۴﴾ وَقَالُوا اِنْ هٰذَا

و مسخره کنند و گاهیکه یادآوری شوند یاد نیارند و گاهیکه ببینند آیتی بمسخره گیرند و گویند نیست این

اِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿۱۵﴾ ءَاِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا ءَاِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿۱۶﴾ اَوَآبَاؤُنَا الْاَوَّلُونَ

جز جادوئی آشکار آیا گاهی که مردیم و شدیم خاکی و استخوانهائی آیا مائیم برانگیختگان آیا و پدران ما پیشینیان

﴿۱۷﴾ قُلْ نَعَمْ وَاَنْتُمْ دَاخِرُونَ ﴿۱۸﴾ فَاِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَاِذَا هُمْ يَنْظُرُونَ ﴿۱۹﴾ وَقَالُوا

بگو آری و شمائید سرافکندگان جز این نیست که آن یک راندن (یا یک خروش) است که ناگهان ایشانند نگرانان و گفتند

يَا وَيْلَنَا هٰذَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿۲۰﴾ هٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿۲۱﴾

وای بر ما این است روز دین این است روز جدا شدن که بودید بدان تکذیب میکردید

حزب (۲)

اُحْشُرُوا الَّذِينَ ظَلَمُوا وَاَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا يَعْبُدُونَ ﴿٢٢﴾ مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَاهْدُوهُمْ اِلٰى صِرَاطِ

گرد آرید آنان را که ستم کردند و همه انشانرا و آنچه را بودند میپرستیدند جز خدا پس رهبریشان کنید بسوی راه

الْجَحِيمِ ﴿٢٣﴾ وَقِفُوهُمْ اِنَّهُمْ مَسْئُولُونَ ﴿٢٤﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنَاصَرُونَ ﴿٢٥﴾ بَلْ هُمُ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ ﴿٢٦﴾

دوزخ و باز داشتشان کنید که ایشانند پرسش شدگان چه شود شمارا که همدگر را یاری نکنید بلکه ایشانند در آنروز تسلیم شدگان

وَاَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٧﴾ قَالُوا اِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ ﴿٢٨﴾ قَالُوا بَلْ لَمْ

و روی آورد برخی از ایشان ببرخی پرسش کنان گفتند همانا شما بودید میآمدید مارا از راست گفتند بلکه

تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ﴿٢٩﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طَاغِينَ ﴿٣٠﴾ فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ

نبودید شما گروندگان و نبود مارا بر شما فرمانروائی بلکه بودید شما گروهی گردنکشان و راست آمد بر ما سخن

رَبِّنَا اِنَّا لَذَائِقُونَ ﴿٣١﴾ فَاَغْوَيْنَاكُمْ اِنَّا كُنَّا غَاوِينَ ﴿٣٢﴾ فَاِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٣﴾ اِنَّا

پروردگار ما که مائیم همانا چشندگان پس گمراهتان کردیم که بودیم ما گمراهان پس آنانند در آنروز در عذاب شریک شدگان همانا ما

كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٤﴾ اِنَّهُمْ كَانُوا اِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ يَسْتَكْبِرُونَ ﴿٣٥﴾ وَيَقُولُونَ ءَاِنَّا

بدینسان کنیم با گنهکاران که بودند گاهیکه گفته میشد بدیشان نیست خدائی جز خدا کبر میورزیدند و میگفتند آیا ما

لَتَارِكُوا اٰلِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَجْنُونٍ ﴿٣٦﴾ بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَّقَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٣٧﴾ اِنَّكُمْ لَذَائِقُوا الْعَذَابِ

رها کنیم خدایان خویش را برای شاعری دیوانه بلکه آمد براستی و تصدیق کرد بفرستادگان که شمائید همانا چشندگان عذاب

الْاَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَمَا تُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٩﴾ اِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٤٠﴾ اُولٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ

دردناک و کیفر نشوید جز آنچه بودید میکردید مگر بندگان خدارا ناآلودگان که آنانراست روزیی

مَعْلُومٌ ﴿٤١﴾ فَوَاكِهُ وَهُمْ مُكْرَمُونَ ﴿٤٢﴾ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٤٣﴾ عَلٰى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ ﴿٤٤﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ

دانسته میوه‌هائی و آنانند گرامی داشتگان در باغستان نعمتها بر تختهائی روی بروی گردانیده شود برایشان

بِكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ﴿٤٥﴾ بَيْضَاءَ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ ﴿٤٦﴾ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنْزَفُونَ ﴿٤٧﴾ وَعِنْدَهُمْ

جامی از باده پدیدار تابناکی خوشکامی برای نوشندگان نه در آنست مستی (بیهشی یا رنجی) و نه آنانند از آن بازگرفتگان و نزد ایشانست

قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ ﴿٤٨﴾ كَاَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ ﴿٤٩﴾ فَاَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلٰى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٥٠﴾

کوته مژگانی درشت چشمان گوئیا تخمهای ماکیانند بپرده پوشیدگان و روی آورد برخی از ایشان ببرخی پرسش کنان

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ اِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ ﴿٥١﴾ يَقُولُ ءَاِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ ﴿٥٢﴾ ءَاِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَ

گفت گوینده‌ای از ایشان که همانا بود مرا همنشینی میگفت آیا توئی از راست پنداران (تصدیق کنندگان) آیا گاهی که مردیم و شدیم خاکی و

عِظَامًا ءَاِنَّا لَمَدِينُونَ ﴿٥٣﴾ قَالَ هَلْ اَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ ﴿٥٤﴾ فَاطَّلَعَ فَرَاٰهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٥٥﴾ قَالَ تَاللّٰهِ

استخوانهائی آیا مائیم هرآینه کیفر دادگان گفت آیا شمائید سر برآرندگان پس سر برآورد پس نگریستش در میان دوزخ گفت بخدا سوگند

اِنْ كِدْتَ لَتُرْدِينِ ﴿٥٦﴾ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ﴿٥٧﴾ اَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ﴿٥٨﴾ اِلَّا مَوْتَتَنَا

همانا نزدیک بود مرا سرنگون کنی و اگر نبود نعمت پروردگار من هرآینه میبودم از احضار شدگان پس آیا نیستیم ما مردگان جز مرگ

الْاُولٰى وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ﴿٥٩﴾ اِنَّ هٰذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٦٠﴾ لِمِثْلِ هٰذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَامِلُونَ ﴿٦١﴾

نخستین را و نیستیم ما عذاب شدگان همانا این است آن رستگاری بزرگ بمانند این پس باید کنند کنندگان

اَذٰلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا اَمْ شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ﴿٦٢﴾ اِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ ﴿٦٣﴾ اِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي اَصْلِ الْجَحِيمِ ﴿٦٤﴾

آیا این بهتر است پیشکشی یا درخت تلخکام زقوم همانا ما گردانیدیمش گرفتاریی برای ستمگران هرآینه آن درختی است که برون آید در ته دوزخ

و مشتری در سرطان و شمس در حمل و قمر در ثور بود و این دلالت کند بر بودن شمس در حمل در عاشر از طالع در وسط السماء پس باید روز پیش از شب باشد و از قرآن آیت لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا اَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ برخی وَالصَّافَّاتِ صَفًّا بعضی گفتند مراد فرشتگانند که مانند نماز گذاران صف همی بندند و بعضی آنرا گروههای مؤمنان دانستند که صف نماز و جهاد همی بندند و زاجرات را نیز بعضی بملائکه موکله بر ابرها تفسیر کردند که آنها را همی رانند و بعضی بروادع و زواجر قرآن و بعضی ببانگهای مؤمنان که هنگام تلاوت قرآن بلند گردد و این با فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا بیشتر انسب باشد كَاَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ بعضی گفتند رؤس الشیاطین نام میوه درختی است که آنرا استن خوانند و بینی آدم شباهت دارد و از اصمعی است که آن درخت را صوم نیز خوانند و بعضی شیاطین را نوعی از حیات دانستند و خدای ثمره زقوم بسرهای آن نوع از مارها تشبیه نمود و بعضی آنرا از باب تشبیه بر متوهم شمردند چنانکه در انیاب اغوال است ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ از ابن عباس است که نژاد مردم همگی از فرزندان نوح باشد چنانکه

طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ ﴿٦٥﴾ فَإِنَّهُمْ لَآكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ ﴿٦٦﴾ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا

شکوفہ (بایوہ) آن ایشان سرہای دیوان (شیاطین) ہر آینہ ایشانند آنان خورندگان پس شکمہارا از آنند آکندگان سپس ایشانرا هست بر آن

لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ ﴿٦٧﴾ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى الْجَحِيمِ ﴿٦٨﴾ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا آبَاءَهُمْ ضَالِّينَ ﴿٦٩﴾ فَهُمْ عَلَىٰ آثَارِهِمْ

آمیخته از آبی جوشان پس بازگشت ایشان هست هاما بسوی دوزخ کو ایشان یافتند پدران خویش را گمراهان پس ایشانند در پی آنان (پدر)

يُهْرَعُونَ ﴿٧٠﴾ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ ﴿٧١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿٧٢﴾ فَانْظُرْ

شتابانند (بشتاب آنان) و هاما گمراه شدند پیش از ایشان بیشتر پیشینیان و هاما فرستادیم در ایشان ترساننده گانی پس بنگر

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿٧٤﴾ وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ ﴿٧٥﴾

چگونه بود فرجام بیم داد گان جز بندگان خدا آن پاکنده گان (از آلوده گان) و هاما خواند مارا نوح پس چه خوبند پاسخ دهنده گان

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿٧٦﴾ وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ ﴿٧٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ

ورهانیدیم او را و خاندانش را از اندوه بزرگ و گردانیدیم نژادش را بازماندگان و گذاردیم بر او

فِي الْآخِرِينَ ﴿٧٨﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ ﴿٧٩﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٨٠﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا

در پسین آیندگان سلامی بر نوح در جهانیان هاما چنین پاداش دهیم نیکوکاران کو او بست هاما از بندگان

الْمُؤْمِنِينَ ﴿٨١﴾ ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ ﴿٨٢﴾ وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لَإِبْرَاهِيمَ ﴿٨٣﴾ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

مؤمنان سپس غرق ساختیم دیگران را و هر آینه از پیروان دی هست ابراهیم گاهی که آمد پروردگار خویش را بدلی سالم

﴿٨٤﴾ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ ﴿٨٥﴾ أَئِفْكًا آلِهَةً دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ ﴿٨٦﴾ فَمَا

هنگامی که گفت بپدر خویش و قومش چرا بپرستید آیا بدروغ خدایانی را جز خدا خواهید آیا چیست

ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ ﴿٨٨﴾ فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ ﴿٨٩﴾ فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ

گمان شما بپروردگار جهانیان پس نگریست نگریستنی در ستارگان پس گفت هاما منم بیمار پس روی برگردانند از دی پشت کنده گان

﴿٩٠﴾ فَرَاغَ إِلَىٰ آلِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ﴿٩١﴾ مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ ﴿٩٢﴾ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا

پس خزامید (بجزبه) بسوی خدایان ایشان پس گفت چرا نمیخورید چه شود شمارا که سخن نگوئید پس روی آورد بر ایشان می نواخت

بِالْيَمِينِ ﴿٩٣﴾ فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ﴿٩٤﴾ قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ﴿٩٥﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا

باو دست راست پس روی آوردند بسوی او بانبوه دوندگان گفت آیا بپرستید آنچه را بتراشید و خدا آفریدتان با آنچه

تَعْمَلُونَ ﴿٩٦﴾ قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ﴿٩٧﴾ فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ﴿٩٨﴾

بسازید گفتند بنیاد نهید برایش بنیانی پس بیفکنیدش در دوزخ و خواستند بدو نیرنگی را پس گردانیدیم ایشان پست شده گان

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ ﴿٩٩﴾ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١٠٠﴾ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ ﴿١٠١﴾

گفت هاما میروم بسوی پروردگار خویش زود بست رهبریم کند پروردگارا ببخشی مرا از شایستگان پس نوید دادیم او را بپسری خردمند

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ

تا گاهی که رسید با دی کوشش (یاوری) گفت ای پسرک من هاما دیدم در خواب که میکشمت پس بنگر تا چه می بینی گفت

يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ﴿١٠٢﴾ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ﴿١٠٣﴾

ای پدر کن آنچه را فرمان میشوی زود بست بیابیم اگر خدا خواهد از شکیبایان تا گاهی که گردن نهادند و افکندش بپیشانی

وَنَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿١٠٤﴾ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ﴿١٠٦﴾

و خواندیمش ای ابراهیم هاما راست آوردی خوابرا ما بدینسان پاداش دهیم نیکوکاران بحقیقت هر آینه آن آزمایش آشکار

وَفَدَيْنَاهُ بِذِبْحٍ عَظِيمٍ ﴿١٠٧﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٠٨﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ ﴿١٠٩﴾ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

و فدیه دادیش بهشتیی بزرگ و بمانگذاردیم بر او در آیندگان سلامی بر ابراهیم چنین پاداش دهیم نیکوکاران را

﴿١١٠﴾ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١١١﴾ وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَٰقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿١١٢﴾ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَ

همانا او دست از بندگان ما مؤمنان و نوید دادیش باسحق پیمبری از شایستگان و برکت نهادیم براو و

عَلَىٰ إِسْحَٰقَ ۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ ﴿١١٣﴾ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١١٤﴾

بر اسحق و از نژاد آنان است نکوکاری و دستگری بخویشتن آشکار و همانا منت نهادیم بر موسی وهرون

وَنَجَّيْنَاهُمَا وَقَوْمَهُمَا مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ ﴿١١٥﴾ وَنَصَرْنَاهُمْ فَكَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ﴿١١٦﴾ وَآتَيْنَاهُمَا

رهانیدیم ایشانرا و قومشان را از اندوه بزرگ و یاریشان کردیم پس شدند چیرگان (ببرزمندان) و بدیشان دادیم

الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ ﴿١١٧﴾ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ﴿١١٨﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ ﴿١١٩﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ

نامهٔ روشن و براهبریشان کردیم براهی راست و بمانگذاردیم برایشان در بازماندگان سلام بر

مُوسَىٰ وَهَارُونَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٢١﴾ إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٢٢﴾ وَإِنَّ إِلْيَاسَ

موسی و هرون چنین پاداش دهیم نیکوکاران را همانا بودند آنان از بندگان ما گرویدگان و همانا الیاس

لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ ﴿١٢٥﴾

از فرستادگان که بیکه گفت بقوم خویش چرا پرهیزگاری نمیکنید آیا میخوانید بعل را وبگذارید (رها کنید) بهترین آفریدگان

اللَّهَ رَبَّكُمْ وَرَبَّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

خدا را پروردگار شما و پروردگار پدران شما پیشینیان پس دروغش پنداشتند و همانا ایشانند فراخوانده‌گان (حضار زندان) مگر بندگان خدا ناآلودگان

﴿١٢٨﴾ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ﴿١٢٩﴾ سَلَامٌ عَلَىٰ إِلْ يَاسِينَ ﴿١٣٠﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣١﴾

وبماندگذاردیم براو در آیندگان سلامی بر آل یاسین (خاندان الیاس) کرا بدینسان پاداش دهیم نیکوکاران

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٣﴾ إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ ﴿١٣٤﴾

همانا او است از بندگان ما گروندگان و همرآینه لوط است از فرستادگان هنگامیکه رهانیدیم خود وخاندانشرا همگان

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ﴿١٣٥﴾ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ﴿١٣٦﴾ وَإِنَّكُمْ لَتَمُرُّونَ عَلَيْهِم مُّصْبِحِينَ ﴿١٣٧﴾ وَ

مگر پیرزنی در بازماندگان سپس سرنگون ساختیم دگرانرا و همرآینه شما میگذرید بر ایشان بامداد و

بِاللَّيْلِ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٣٨﴾ وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ﴿١٤٠﴾ فَسَاهَمَ

بشب پس آیا بخرد نمیابید و همانا یونس است از فرستادگان گاهی که گریخت بسوی کشتی آکنده پس درگرفت

فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ﴿١٤١﴾ فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿١٤٢﴾ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾

پس شد از فروافتادگان (اندختگان) پس فروبرد ماهی او را وبود نکوهیده پس اگر نبود از تسبیح گویان

لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ﴿١٤٥﴾ وَأَنبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً

هرآینه بماند در شکم تا روزی که برانگیخته شوند پس افکندیش بدشت او بود بیمار و رویانیدیم بر او درختی را

مِّن يَقْطِينٍ ﴿١٤٦﴾ وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾ فَآمَنُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ ﴿١٤٨﴾

از کدو و فرستادیش بسوی صد هزارش یا میزدودند پس ایمان آوردند پس بهره‌مندشان ساختیم تا هنگامی را

فَاسْتَفْتِهِمْ أَلِرَبِّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبَنُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾

پس بپرسشان آیا پروردگار تو راست دختران و ایشانراست پسران یا آفریدیم فرشتگانرا ماده گانی و ایشان گواهان

أَلَآ إِنَّهُم مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ ٱللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَٰذِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصْطَفَى ٱلْبَنَاتِ عَلَى ٱلْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾
هانا ایشان از دروغ بهوا زبان گویند خدای راست فرزندی و هما ایشانند دروغگویان آیا برگزیدست دختران را بر پسران

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَٰنٌ مُّبِينٌ ﴿١٥٦﴾ فَأْتُوا۟ بِكِتَٰبِكُمْ
چرشود شمارا چگونه حکم کنید آیا یاد آور نمیشوید آیا شمارا راست فرمانروائی آشکار پس بیارید کتاب خویش را

إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا۟ بَيْنَهُۥ وَبَيْنَ ٱلْجِنَّةِ نَسَبًا ۚ وَلَقَدْ عَلِمَتِ ٱلْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾
اگر هستید راستگویان و بنهادند میان او و میان پریان پیوندی و هر آینه دانند پریان که ایشانند احضار شدگان

سُبْحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾ مَآ أَنتُمْ
پس منزه است خدا از آنچه میستایند مگر بندگان خدا ناآلودگان هما نا شما و آنچه میپرستید نیستید

عَلَيْهِ بِفَٰتِنِينَ ﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ ٱلْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ وَمَا مِنَّآ إِلَّا لَهُۥ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ ٱلصَّآفُّونَ ﴿١٦٥﴾
بر آن فریب دهندگان مگر آنرا که او بست چشنده دوزخ و نیست از ما مگر او بست جایگاهی دانسته و هر آینه ما نیم صف کشندگان

وَإِنَّا لَنَحْنُ ٱلْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٦﴾ وَإِن كَانُوا۟ لَيَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوْ أَنَّ عِندَنَا ذِكْرًا مِّنَ ٱلْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا
و هما نا ما نیم تسبیح کنندگان و هر چند (هانا) بودند میگفتند که اگر میبود نزد ما یاد آوری از پیشینیان هر آینه میبودیم

عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٩﴾ فَكَفَرُوا۟ بِهِۦ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾
بندگان خدا ناآلودگان پس کفر ورزیدند بدان پس زود دست بدانند و هر آینه سبقت گرفت سخن ما بندگان ما فرستادگان

إِنَّهُمْ لَهُمُ ٱلْمَنصُورُونَ ﴿١٧٢﴾ وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ ٱلْغَٰلِبُونَ ﴿١٧٣﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ
که ایشانند هانا یاری شدگان و هما نا سپاه ما آنانند پیروزمندان پس روی بزن از ایشان تا هنگامی و بنگرشان که زود بست

يُبْصِرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَآءَ صَبَاحُ ٱلْمُنذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ
بینگرند آیا بعذاب ما شتاب خواهند تا گاه بیکه فرود آید بساحت ایشان پس چه زشت است بامداد بیم داد گان و بشت کن بر ایشان

حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾ وَسَلَٰمٌ
تا زمانی و بنگر که زود است بینگرند منزه است پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه میستایند و سلامی

عَلَى ٱلْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ سورة ص مكية وهي ثمان وثمانون آية ﴿١٨٢﴾ وَٱلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ
بر فرستادگان و سپاس خدایرا پروردگار جهانیان

سورة ٣٨ حروفها ٣٠٥٩ كلماتها ٧٣١

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

صٓ وَٱلْقُرْءَانِ ذِى ٱلذِّكْرِ ﴿١﴾ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فِى عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ﴿٢﴾ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم
سوگند بقرآن دارنده ذکر بلکه آنانکه کفر ورزیدند در سرکشی و ستیزند چه بسا نابود کردیم پیش از ایشان

مِّن قَرْنٍ فَنَادَوا۟ وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٍ ﴿٣﴾ وَعَجِبُوٓا۟ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ ۖ وَقَالَ ٱلْكَٰفِرُونَ هَٰذَا
از قرنی که بانگ زدند و نبست گاه رهائی و شگفت ماندند که بیامدشان ترساننده از ایشان و گفتند کافران این بست

سَٰحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾ أَجَعَلَ ٱلْءَالِهَةَ إِلَٰهًا وَٰحِدًا ۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَىْءٌ عُجَّابٌ ﴿٥﴾ وَٱنطَلَقَ ٱلْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ ٱمْشُوا۟
جادوگری دروغگوئی آیا گردانید خدایان را خدای یکتا هما نا این هست چیزی شگفت و رفتند گروهی از ایشان (را ی دادند) که بروید

وَٱصْبِرُوا۟ عَلَىٰٓ ءَالِهَتِكُمْ ۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَىْءٌ يُرَادُ ﴿٦﴾ مَا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِى ٱلْمِلَّةِ ٱلْءَاخِرَةِ ۖ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا ٱخْتِلَٰقٌ ﴿٧﴾
و شکیبا شوید بر خدایان خویش هما نا این هست چیزی خواسته شنیدیم این در ملت باز پسین نیست جز آفرینه دروغ نوین

ءَاُنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا ؕ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي ۚ بَلْ لَّمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ؕ ﴿٨﴾ اَمْ عِنْدَهُمْ

آیا فرستاده شد بر او ذکر از میان ما بلکه ایشانند در شکی از ذکرم بلکه هنوز نچشیده‌اند عذاب مرا یا نزد ایشان است

خَزَآئِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ۚ ﴿٩﴾ اَمْ لَهُمْ مُّلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ فَلْيَرْتَقُوا فِي

گنجهای رحمت پروردگارت آن عزتمند بخشاینده یا ایشانراست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست پس بالا روند در

الْاَسْبَابِ ﴿١٠﴾ جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْاَحْزَابِ ﴿١١﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَ

درها (درهای آسمان) سپاهی اندک است آنجا شکست خورده از گروه‌ها تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و عاد و

فِرْعَوْنُ ذُو الْاَوْتَادِ ﴿١٢﴾ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَاَصْحَابُ لْـَٔيْكَةِ ؕ اُولٰٓئِكَ الْاَحْزَابُ ﴿١٣﴾ اِنْ كُلٌّ

فرعون دارنده ستونها (یا میخها) و ثمود و قوم لوط و یاران ایکه آنانند گروهها نیست هیچیک

اِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ ﴿١٤﴾ وَمَا يَنْظُرُ هٰٓؤُلَآءِ اِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ ﴿١٥﴾

جز آنکه تکذیب کرد فرستادگان را پس سزاوار گشت (یا فرود آمد) عذاب مرا چشم براه ندارند اینان جز یک خروش را که نیستش بریدنی (پایانی)

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ ﴿١٦﴾ اِصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُدَ

و گفتند پروردگارا بشتاب برای ما در بهره ما پیش از روز شمار شکیبا شو بر آنچه گویند و یاد کن بنده ما را داود

ذَا الْاَيْدِ ۚ اِنَّهُ اَوَّابٌ ﴿١٧﴾ اِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْاِشْرَاقِ ﴿١٨﴾ وَالطَّيْرَ

خداوند نیروها همانا او است بسیار بازگشت کننده هر آینه رام ساختیم کوهها را تسبیح گویند با وی شامگهان و بامداد (خورشید برآمدنگاه) و مرغان را

مَحْشُورَةً ؕ كُلٌّ لَّهُ اَوَّابٌ ﴿١٩﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَاٰتَيْنَاهُ الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ ﴿٢٠﴾ وَهَلْ

گرد آورده هر کدامند بسویش بازگشت کننده و استوار ساختیم پادشاهیش را و دادیمش حکمت را و فصل خطاب (داوری را) و آیا

اَتٰيكَ نَبَؤُا الْخَصْمِ ۘ اِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾ اِذْ دَخَلُوا عَلٰى دَاوُدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ ۚ

رسیدت داستان ستیزنده گاهیکه بالا رفتند بر دیوار پرستشگاه هنگامی که درآمدند بر داود پس هراسید از ایشان گفتند نترس

خَصْمَانِ بَغٰى بَعْضُنَا عَلٰى بَعْضٍ فَاحْكُمْ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ وَاهْدِنَآ اِلٰى سَوَآءِ الصِّرَاطِ ﴿٢٢﴾

ما دو ستیزه گریم ستم کرد است یکی از ما بر دیگری پس حکومت کن میان ما بحق و گزاف نگوی و رهبری کن ما را بسوی راه راست (میانه)

اِنَّ هٰذَآ اَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ اَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ ﴿٢٣﴾

همانا این برادر من است او راست نود و نه گوسفند و مراست یک گوسفند پس گفت بمن واگذارش و سرکشی کرد بر من در سخن

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ اِلٰى نِعَاجِهِ وَاِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَآءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلٰى

گفت هر آینه ستم بر تو کرد است بخواستن گوسفندت بسوی گوسفندان خویش و همانا بسیاری از شریکان (بهم آمیختگان) ستم ورزند بر خویشان بر

بَعْضٍ اِلَّا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ؕ وَظَنَّ دَاوُدُ اَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ

برخی مگر آنانکه ایمان آرند و کردار شایسته کنند و چه کمند آنان و پنداشت داود که آزمودیمش پس آمرزش خواست

رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَاَنَابَ ﴿٢٤﴾ فَغَفَرْنَا لَهُ ذٰلِكَ ؕ وَاِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفٰى وَحُسْنَ مَاٰبٍ ﴿٢٥﴾ يَا دَاوُدُ

از پروردگار خویش و بر روی در افتاد پرستش کننده و بازگشت کرد پس آمرزیدیم برایش آنرا و هر آینه برای او است نزد ما تقربگاهی و نکو بازگشتگاه ای داود

اِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْاَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوٰى فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ

همانا گردانیدیمت جانشینی در زمین پس حکم ران میان مردم بحق و پیروی مکن هوس را که گمراهت کند از راه

اللّٰهِ ؕ اِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

خدا همانا آنانکه گمشوند از راه خدا ایشانراست شکنجه سخت بدانچه فراموش کردند از روز شمار

سجده مندوبه

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَآءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ كَفَرُوا

و نیافریدیم آسمان و زمین و آنچه میان آنهاست بیهوده این است پندار آنانکه کفر ورزیدند پس وای بر آنانکه کفر ورزیدند

مِنَ النَّارِ ﴿٢٧﴾ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ

از آتش یا میگردانیم آنانرا که ایمان آوردند وکردار شایسته کردند مانند تبهکاران در زمین یا میگردانیم

الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ﴿٢٨﴾ كِتَابٌ أَنزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

پرهیزگاران را چون گنهکاران نامه‌ایست فرستادیمش بسوی فرخنده تا بیندیشند آیتهایش را و تا یاد آورشوند دارندگان خردها

﴿٢٩﴾ وَوَهَبْنَا لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ ۚ نِعْمَ الْعَبْدُ ۖ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٣٠﴾ إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ

و بخشیدیم بداود سلیمان را چه خوب بنده‌ایست او بسیار بازگشت کننده آنگاه که عرض شد براو شامگاهان اسبان صافات (بیاورند پیشش)

الْجِيَادُ ﴿٣١﴾ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي ۖ حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ﴿٣٢﴾ رُدُّوهَا عَلَيَّ

تیزتک گفت همانا خواهیدم برای دوست داشتن اسبان از یاد پروردگارم خویش تا نهان شد در پرده بازگردانیدشان بر

فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ

پس آغاز کرد دست سودن بساقها وگردنها و همانا آزمودیم سلیمان را و افکندیم بر تختش کالبدی سپس

أَنَابَ ﴿٣٤﴾ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَّا يَنبَغِي لِأَحَدٍ مِّن بَعْدِي ۖ إِنَّكَ أَنتَ الْوَهَّابُ ﴿٣٥﴾

بازگشت گفت پروردگارا بیامرز برایم و ارزانی دار برایم پادشاهی که نشود بسیار بخشنده

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ﴿٣٦﴾ وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ﴿٣٧﴾

پس رام ساختیم برایش بادرا روان بود بفرمانش بآرامی و نرمی هرجا میخواست و دیوان (شیاطین) را هر سازنده و هر فرورونده در آب

وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ﴿٣٨﴾ هَٰذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٩﴾ وَإِنَّ لَهُ

و دیگرانی بستگان بزنجیرها این است بخشش ما پس منت نه یا نگهدار بیشمار و همانا او راست

عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٤٠﴾ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ

نزدما تقرب‌گاهی و نکو بازگشتگاه و یاد کن بنده ما ایوب را گاهی خواند پروردگارخویش را که همانا رسانیده مرا شیطان

بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ﴿٤١﴾ ارْكُضْ بِرِجْلِكَ ۖ هَٰذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ﴿٤٢﴾ وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُم

رنج وشکنجه‌ای فرو بر پای خویش را اینست شستشوگاهی خنک ونوشابه و دادیم بدش خانواده‌اش را وهمانند آنها را

مَّعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٤٣﴾ وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِب بِّهِ وَلَا تَحْنَثْ ۗ إِنَّا وَجَدْنَاهُ

با آنان رحمتی ازما و یادآوردنی برای دارندگان خردها و بگیر بادست خویش دسته (بسته) پس بزن بان و مشکن همانا یافتیمش

صَابِرًا ۚ نِّعْمَ الْعَبْدُ ۖ إِنَّهُ أَوَّابٌ ﴿٤٤﴾ وَاذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولِي الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ

شکیبائی چه خوب بنده‌ای بست همانا او بسیار بازگشت کننده و یاد کن بندگان ما ابراهیم و اسحق و یعقوب را دارندگان نیروها و دیده‌ها

﴿٤٥﴾ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُم بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّهُمْ عِندَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٧﴾ وَاذْكُرْ

همانا مخصوص‌شان نمودیم بخالصه یادآوردن آنسرای و همانا ایشانند نزدما از برگزیدگان خوبان و یاد کن

إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ ۖ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ ﴿٤٨﴾ هَٰذَا ذِكْرٌ ۚ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَآبٍ ﴿٤٩﴾

اسمعیل و الیسع و ذوالکفل را و هرکدامند از نیکان اینست یادآوری و همانا پرهیزگاران راست نکو بازگشتگاه

جَنَّاتِ عَدْنٍ مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْأَبْوَابُ ﴿٥٠﴾ مُتَّكِئِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ ﴿٥١﴾

بهشتهای جاودان گشوده است برای ایشان فرا تکیه کنندگانند در آنجا خوانده شوند در آنجا بمیوه بسیار فراوان ونوشابه

وَعِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ أَتْرَابٌ ﴿٥٢﴾ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ﴿٥٣﴾ إِنَّ هَٰذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ

ونزد ایشان است زنان کوته مژگانی (که جز شوهر خویش را ننگرند) همسالان این است آنچه نوید داده میشوید برای روز شمار همانا این است روزی ما نیستش

مِنْ نَفَادٍ ﴿٥٤﴾ هَٰذَا ۚ وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَآبٍ ﴿٥٥﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمِهَادُ ﴿٥٦﴾ هَٰذَا فَلْيَذُوقُوهُ

پایانی این و همانا گردنکشان راست بد بازگشتگاهی دوزخ چشندش و چه زشت است آن بسترها این پس بچشیدش

حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ﴿٥٧﴾ وَآخَرُ مِنْ شَكْلِهِ أَزْوَاجٌ ﴿٥٨﴾ هَٰذَا فَوْجٌ مُقْتَحِمٌ مَعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ إِنَّهُمْ صَالُوا

آبی جوشان و چرکی گندآلود و دیگری همانندش جفتهائی این است گروهی فرورونده با شما نباد خوش آمد برایشان همانا آنانند چشندگان

النَّارِ ﴿٥٩﴾ قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ ۖ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَبِئْسَ الْقَرَارُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا

آتش گفتند بلکه شما نباد خوش آمد بر شما شما پیش فرستادید آنرا برای ما پس چه زشت است آن آرامگاه گفتند پروردگارا هر که پیش فرستاد برای ما

هَٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ ﴿٦١﴾ وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِنَ الْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾

این را بیفزایش عذابی دو برابر در آتش و گفتند چه شود ما را نه بینیم مردانی را که بودیم میشمردیمشان از بدان

أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ الْأَبْصَارُ ﴿٦٣﴾ إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ ﴿٦٤﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا

آیا گرفتیمشان بمسخره یا لغزید از ایشان دیدگان همانا اینست حق ستیزه کردن اهل آتش بگو جز این نیست که منم

مُنْذِرٌ ۖ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ

ترساننده و نیست خداوندی جز خدای یگانه خشم آور پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست مهتر

الْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾ قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾ أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾ مَا كَانَ لِيَ مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَإِ الْأَعْلَىٰ إِذْ

آمرزگار بگو آن داستانی است بزرگ که شمائید از او روی گردانان نیست مرا دانائی بگروه بالاگاهی که

يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾ إِنْ يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٧٠﴾ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي

میستیزند وحی نمیشود بمن جز آنکه منم ترساننده آشکار هنگامی که گفت پروردگارت بفرشتگان منم

خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ ﴿٧١﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٧٢﴾ فَسَجَدَ

آفریننده بشری از گل تا گاهیکه درستش کردم و دمیدم در او از روح خویش پس بیفتید برایش سجده کنان پس سجده کردند

الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿٧٣﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ ۖ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٧٤﴾ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ

فرشتگان همگی باهم مگر ابلیس که برتری جست و شد از کافران گفت ای ابلیس چه باز داشت ترا

أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ ۖ اسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ ﴿٧٥﴾ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ ۖ خَلَقْتَنِي

از آنچه سجده کنی برای آنچه با دستهایم آفریدم آیا گبر ورزیدی یا شدی از برتری جویان گفت من بهترم از او مرا آفریدی

مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ﴿٧٦﴾ قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ﴿٧٧﴾ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ

از آتش و آفریدی او را از گل گفت پس برون شو از آن که توئی رانده و همانا بر تو است لعن من تا روز دین

﴿٧٨﴾ قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ﴿٧٩﴾ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ﴿٨٠﴾ إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

گفت پروردگارا پس مهلتم ده تا روزی که برانگیخته شوند گفت همانا توئی از مهلت دادگان تا روز هنگام دانسته

﴿٨١﴾ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٢﴾ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ﴿٨٣﴾ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾

گفت پس بعزتت سوگند هر آینه گمراهشان سازم همگی جز بندگان تو از ایشان آن ناآلودگان گفت پس حق است و حق را گویم که

لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٨٥﴾ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿٨٦﴾

همانا آکنده سازم دوزخ را از تو و از آنانکه پیروی کنند از ایشان همگی بگو نپرسم شما را بر آن مزدی و نیستم من از رنج دهندگان

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ﴿٨٨﴾

نیست آن جز یادآوری برای جهانیان — و هرآینه بدانید داستانش را پس از زمانی

سورة الزمر مكية وهي خمس وسبعون آية

سورة ۳۹ — حروفها ۴۷۰۸ — كلماتها ۱۱۷۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا

فرستادن نامه از نزد خدای عزتمند حکیم همانا فرستادیم بسوی تو کتاب را بحق پس پرستش کن خدا را پاک کننده

لَهُ الدِّينَ ﴿٢﴾ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ

برای او دین را همانا برای خداست دین پاک و آنانکه بگرفتند جزوی دوستانی نمیپرستیمشان

إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ إِنَّ اللَّهَ

مگر تا نزدیک گردانند ما را بسوی خدا جایگاهی همانا خدا حکم کند میان ایشان در آنچه در آن اختلاف کنند همانا خدای

لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ ﴿٣﴾ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَاصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ سُبْحَانَهُ

راهبری نکند آنرا که اوست دروغگوی ناسپاس اگر میخواست خدا که بگیرد فرزندی هرآینه برمیگزید از آنچه میآفرید هرچه را میخواست منزه است او

هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ﴿٤﴾ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ

اوست خداوند یکتای خشم آور آفرید آسمانها و زمین را بحق میافکند شب را بر روز و میافکند

النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ﴿٥﴾

روز را بر شب و رام کرد مهر و ماه را هرکدام روان است بسوی سرآمدی نامبرده همانا اوست عزتمند آمرزگار

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ

آفرید شما را از یکتن پس قرار داد از آن جفتش را و فرستاد برای شما از دامها هشت جفت میآفرد شما را

فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا

در شکمهای مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی در تاریکیهای سه گانه این است خدا پروردگار شما ویراست پادشاهی نیست خدائی جز

هُوَ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ ﴿٦﴾ إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ

او پس بکجا گردانیده میشوید اگر کفر ورزید همانا خدا بی نیاز است از شما و نپسندد برای بندگان خود کفر را و اگر

تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ

سپاسگذارید پسندد برای شما و برندارد هیچ گنهباری بار گناه دیگری را سپس بسوی پروردگار شماست بازگشت شما تا آگهیتان دهد آنچه بودید

تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٧﴾ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ

میکردید همانا او داناست بدانچه در سینه هاست و گاهی که رسد انسان را رنجی خواند پروردگار خویش را زاری کنان بسویش

ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ

سپس هنگامی که دهدش نعمتی از خویش فراموش کند آنچه را بود میخواند بسوی آن از پیش و قرار دهد برای خدا همتایانی تا گمراه سازد از راهش

قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿٨﴾ أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ

بگو بهره مند باش بکفر خویش اندکی که توئی از یاران آتش آیا آنکه او فروتن است گاههای شب سجده کنان و ایستاده میترسد

الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٩﴾

از آخرت و امید دارد رحمت پروردگار خویش را بگو آیا یکسانند آنانکه میدانند و آنانکه نمیدانند جز این نیست که یادآور میشوند خردمندان

قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ ۚ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ ۗ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ ۗ

بگو ای بندگان من که ایمان آوردید بترسید پروردگار خویش را آنانرا که نکوئی کردند در این دنیا خوبی است و زمین خداست پهناور

إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿١٠﴾ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرْتُ

جز این نیست که پاداش داده شوند شکیبایان مزد خویش را بیشمار بگو هر آینه مامور شدم که پرستش کنم خدا را پاک دارنده برایش دین را و مامور شدم

لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿١٣﴾ قُلِ اللَّهَ

که باشم نخستین اسلام آوران بگو همانا ترسم اگر نافرمانی کنم پروردگار خویش را از عذاب روزی بزرگ بگو خدا را

أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي ﴿١٤﴾ فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِنْ دُونِهِ ۗ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ

می پرستم پاک دارنده برایش دین خویش را پس پرستش کنید هرچه خواهید جز او بگو همانا زیانکاران آنانند که زیان کردند خویش

وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ﴿١٥﴾ لَهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِنَ النَّارِ وَمِنْ تَحْتِهِمْ

و خاندان خویش را روز رستاخیز همانا این است آن زیان آشکار آنانراست از فرازشان پوشهائی از آتش و از زیرشان

ظُلَلٌ ۚ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهُ بِهِ عِبَادَهُ ۚ يَا عِبَادِ فَاتَّقُونِ ﴿١٦﴾ وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا

پوشهائی این است که میترساند خدا بدان بندگان خویش را ای بندگان من پس مرا بترسید و آنانکه دوری گزیدند از ستمگر سرکش که بپرستندش

وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ ۚ فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

و بازگشتند بسوی خدا ایشانراست مژده پس مژده ده بندگان مرا آنانکه میشنوند سخن را پس پیروی میکنند بهترش را آنانند که

هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٨﴾ أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ ۚ أَفَأَنْتَ تُنْقِذُ مَنْ

رهبریشان کرد خدا و آنانند دارندگان خردها آیا آنکه استوار شد براو سخن عذاب آیا تو میرهانی آنرا که

فِي النَّارِ ﴿١٩﴾ لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِنْ فَوْقِهَا غُرَفٌ مَبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ

در آتش است لیکن آنانکه ترسیدند پروردگار خویش را برای ایشانست غرفه هائی که از فراز آنهاست غرفه هائی ساخته روان است از زیر آنها جویها

وَعْدَ اللَّهِ ۚ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ﴿٢٠﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ

وعده خداست نشکند خدا وعده خویش را آیا ندیدی که خدا فرستاده است از آسمان آبی پس براندش بخزانه هائی در زمین

ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ

تا برون آرد بدان کشتی را که گوناگون است رنگهایش پس بخشکد که بینیش زرد شده سپس بگرداندش کوبیده همانا در این است یادآوری

لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿٢١﴾ أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِنْ رَبِّهِ ۚ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ

برای خردمندان آیا آنکه بگشود است خدا سینه اش را برای اسلام پس او است بر نشانیی از پروردگار خویش پس وای بر سنگین

قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ ۚ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٢٢﴾ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا مَثَانِيَ تَقْشَعِرُّ

دلان از یاد خدا آنانند در گمراهی آشکار خدا فرستاد نکوترین داستان را نامه همانند برگردانهائی که موی راست شود

مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ

از آن بر پیکر آنانکه میترسند پروردگار خویش را سپس نرم شود پوستها و دلهای ایشان بسوی یاد خدا اینست رهبری خدا که هدایت کند بدان هر که را

يَشَاءُ ۚ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٢٣﴾ أَفَمَنْ يَتَّقِي بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ

خواهد و آنرا که گمراه کند خدا پس نیستش راهنمائی آیا آنکه دور کند بروی خویش بدی عذاب را روز قیامت و گفته شد بستمگران

ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ﴿٢٤﴾ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾

بچشید آنچه را بودید فراهم میکردید تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس بیامدشان عذاب از جائیکه نمیدانستند

ورگهای رانهایش برجهیده و آشکارا شده بود و او با زنی بیمار زنا کرده بود و پیغمبر فرمود تا شاخه خشکیده که یکصد رشته از آن متفرع شده بود از خرما بن برکنده و بیاوردند و با آن هر کدام از آن زن و مرد را یکضربت بزد و این است معنی قوله تعالی وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَلَا تَحْنَثْ گویند سبب سوگند ایوب بر ضرب زوجه آن شد که از پی کاری رفته و معاودتش بدیر کشیده بود فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ مقصود از تاریکیهای سه گانه چنانکه از امام ابیجعفر باقر علیه السلام است ظلمت شکم و ظلمت رحم و ظلمت مشیمه یعنی زهدان میباشد ۱۷ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ عبدالرحمن بن زید این آیت را درباره موحدین جاهلیت دانسته و آنان سه تن بودند که در آن روزگار لا اله الا الله گفته و خدای یکتای همی پرستیدند: زید بن عمرو بن نفیل و ابوذر غفاری و سلمان فارسی اما از امام ابوعبدالله صادق علیه السلام است بروایت ابابصیر که گفت شمائید آنان چه هر کس جباری را اطاعت کند همانا وی را پرستیده باشد ۲۳ كِتَابًا مُتَشَابِهًا یعنی بعضی از قرآن شبیه بعضی

فَاَذَاقَهُمُ اللّٰهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ ۘ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ﴿۲۶﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا

پس چشانید خدا بدیشان خواری را در زندگانی دنیا و همانا عذاب آخرت است بزرگتر اگر بودند میدانستند و همانا زدیم

لِلنَّاسِ فِيْ هٰذَا الْقُرْاٰنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ ﴿۲۷﴾ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِيْ عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ

برای مردم در این قرآن از هر مثلی شاید یادآور شوند قرآنی است عربی نادارنده کجی شاید ایشان

يَتَّقُوْنَ ﴿۲۸﴾ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيْهِ شُرَكَآءُ مُتَشَاكِسُوْنَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ ؕ هَلْ يَسْتَوِيَانِ

پرهیز کنند بزد خدا مثلی را مردی که در او است شریکانی ستیزه جوی و مردی مختص بیکمرد آیا یکسانند

مَثَلًا ؕ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ ۚ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ﴿۲۹﴾ اِنَّكَ مَيِّتٌ وَّاِنَّهُمْ مَّيِّتُوْنَ ﴿۳۰﴾ ثُمَّ اِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عِنْدَ

در مثل سپاس خدا را بلکه بیشتر ایشان نمیدانند همانا تو مرده ای و ایشانند مردگان سپس شمائید روز رستاخیز نزد

رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُوْنَ ﴿۳۱﴾ فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللّٰهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ اِذْ جَآءَهٗ ؕ اَلَيْسَ فِيْ جَهَنَّمَ

پروردگار خویش ستیزه کنان پس کیست ستمگرتر از آنکه بست بر خدا دروغ را و دروغ پنداشت راست را هنگامیکه بیامدش آیا نیست در دوزخ

مَثْوًى لِّلْكَافِرِيْنَ ﴿۳۲﴾ وَالَّذِيْ جَآءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهٖٓ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُتَّقُوْنَ ﴿۳۳﴾ لَهُمْ مَّا يَشَآءُوْنَ

جایگاهی برای کافران و آنکه راستی آورد و راست پنداشتش آنانند پرهیزکاران ایشان راست آنچه خواهند

عِنْدَ رَبِّهِمْ ؕ ذٰلِكَ جَزَآءُ الْمُحْسِنِيْنَ ﴿۳۴﴾ لِيُكَفِّرَ اللّٰهُ عَنْهُمْ اَسْوَاَ الَّذِيْ عَمِلُوْا وَيَجْزِيَهُمْ اَجْرَهُمْ

نزد پروردگارشان این است پاداش نکوکاران تا بزداید خدا از ایشان زشت ترین کاری را که کردند و بپردازد بدیشان مزد ایشان را

بِاَحْسَنِ الَّذِيْ كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ﴿۳۵﴾ اَلَيْسَ اللّٰهُ بِكَافٍ عَبْدَهٗ ؕ وَيُخَوِّفُوْنَكَ بِالَّذِيْنَ مِنْ دُوْنِهٖ ؕ وَمَنْ يُّضْلِلِ

ببهتر آنچه بودند میکردند آیا نیست خدا کفایت کننده بنده خویش و میترسانندت بدانانکه جز اویند و آنرا که گمراه سازد

اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ هَادٍ ﴿۳۶﴾ وَمَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ مُّضِلٍّ ؕ اَلَيْسَ اللّٰهُ بِعَزِيْزٍ ذِي انْتِقَامٍ ﴿۳۷﴾ وَلَئِنْ

خدا نیستش راهنمائی و آنکو هدایت کندش خدا نیستش گمراه کننده آیا نیست خدا عزتمند انتقام جوی و اگر

سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ لَيَقُوْلُنَّ اللّٰهُ ؕ قُلْ اَفَرَاَيْتُمْ مَّا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ

پرسیشان که آفریدست آسمانها و زمین را هر آینه گویند خدا بگو آیا دیدید آنچه را میخواهید جز خدا اگر

اَرَادَنِيَ اللّٰهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهٖٓ اَوْ اَرَادَنِيْ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهٖ ؕ قُلْ

خواهدم خدا برنجی آیا هستند آنان گشاینده رنج او و اگر خواهدم برحمتی آیا هستند آنان بازدارنده رحمتش بگو

حَسْبِيَ اللّٰهُ ؕ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُوْنَ ﴿۳۸﴾ قُلْ يٰقَوْمِ اعْمَلُوْا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنِّيْ عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ﴿۳۹﴾

بس است مرا خدا براو توکل کنند توکل کنان بگو ای قوم عمل بکنید بر توانائی خویش همانا منم عمل کننده پس زود است بدانید

مَنْ يَّاْتِيْهِ عَذَابٌ يُّخْزِيْهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيْمٌ ﴿۴۰﴾ اِنَّآ اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ

که را آید عذابی که خوار سازدش و فرود آید براو عذابی پایدار همانا فرستادیم بر تو کتاب را برای مردم بحق پس آنکو

اهْتَدٰى فَلِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۚ وَمَآ اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيْلٍ ﴿۴۱﴾ اَللّٰهُ يَتَوَفَّى الْاَنْفُسَ حِيْنَ مَوْتِهَا

رهبری شود برای خویش است و آنکه گمراه شود جز این نیست که بر خویش گمراه شود و نیستی تو برایشان وکیل خدا دریابد جانها را هنگام مرگشان

وَالَّتِيْ لَمْ تَمُتْ فِيْ مَنَامِهَا ۚ فَيُمْسِكُ الَّتِيْ قَضٰى عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْاُخْرٰٓى اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ؕ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ

و آنکه نمرده است در خوابگاه خویش است پس نگاه دارد آنرا که مرگ را براو گذرانیده است و رها کند آن دیگر را تا سرآمدی نامبرده همانا در اینست آیتهائی

لِّقَوْمٍ يَّتَفَكَّرُوْنَ ﴿۴۲﴾ اَمِ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ شُفَعَآءَ ؕ قُلْ اَوَلَوْ كَانُوْا لَا يَمْلِكُوْنَ شَيْئًا وَّلَا يَعْقِلُوْنَ ﴿۴۳﴾

برای گروهی که بیندیشند آیا برگرفتند جز خدا شفیعانی بگو اگرچه باشند مالک نباشند چیزی را و نه بخرد یابند

الجزء ۲۴

قُلْ لِلّٰهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا ۖ لَّهُ مُلْكُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ۖ ثُمَّ اِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٤٤﴾ وَاِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ وَحْدَهُ

بگو از آن خداست شفاعت همگی او راست پادشاهی آسمانها و زمین سپس بسوی او بازگردانیده شوید و گاهی که نام خدا برده شود بتنهائی

اشْمَاَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ ۚ وَاِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ اِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿٤٥﴾

برنجد دلهای آنانکه ایمان ندارند بآخرت و هرگاه یاد شوند آنانکه جز اویند ناگاه ایشانند شادمانان

قُلِ اللّٰهُمَّ فَاطِرَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ اَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ

بگو بار خدایا پدید آرنده آسمانها و زمین دانای نهان و پدیدار تو حکم کنی میان بندگان خویش در آنچه بودند در آن

يَخْتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوْ اَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوٓءِ الْعَذَابِ

اختلاف میکردند و اگر باشد برای آنانکه ستم کردند آنچه در زمین است همگی و مانند آن با آن هر آینه بجای خویش دهند از بدی عذاب

يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۖ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللّٰهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ

روز قیامت و پدیدار شود برای ایشان از خدا آنچه را نبودند که بشمار آرند و نمودار شد برای ایشان بدیهای آنچه فراهم کردند و بگرفتشان

مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤٨﴾ فَاِذَا مَسَّ الْاِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ۖ ثُمَّ اِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا ۙ قَالَ اِنَّمَا

آنچه بودند بدان تمسخر میکردند و هرگاه رسد انسان را رنجی بخواند ما را تا گاهیکه دهیمش نعمتی از ما گوید جز این نیست

اُوتِيتُهُ عَلٰى عِلْمٍ ۖ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾ قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا اَغْنٰى

که داده شدمش بدانشی بلکه آنست آزمایشی ولیکن بیشترشان نمیدانند همانا گفتندش آنانکه پیش از ایشان بودند پس بی نیاز نکرد

عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾ فَاَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا ۖ وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هٰٓؤُلَاۤءِ سَيُصِيبُهُمْ

از ایشان آنچه بودند فراهم میکردند پس رسید بدیشان زشتیهای آنچه دست آوردند و آنانکه ستم کردند از ایشان زود است رسدشان

سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا ۙ وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾ اَوَلَمْ يَعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاۤءُ

زشتیهای آنچه دست آوردند و نیستند بعجز آرندگان آیا ندانستند که خدا فراخ گرداند روزی را برای هر که خواهد

وَيَقْدِرُ ۖ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اَسْرَفُوا عَلٰٓى اَنْفُسِهِمْ

و تنگ کند همانا در اینست آیتهائی برای قومی که ایمان آرند بگو ای بندگان من که اسراف کردید بر جان خویش

لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللّٰهِ ۖ اِنَّ اللّٰهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ۖ اِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ وَاَنِيبُوا اِلٰى

نومید نباشید از رحمت خدا همانا خدا بیامرزد گناهان را همگی همانا اوست آمرزگار مهربان و بازگردید بسوی

رَبِّكُمْ وَاَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَاْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنْصَرُونَ ﴿٥٤﴾ وَاتَّبِعُوا اَحْسَنَ مَا

پروردگار خویش و تسلیم شوید برایش پیش از آنکه بیاید شما را عذاب سپس یاری نشوید و پیروی کنید بهتر آنچه را

اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ اَنْ يَاْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَاَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ۙ ﴿٥٥﴾ اَنْ

فرستاده شد بسوی شما از پروردگار شما پیش از آنکه بیاید شما را عذاب ناگهان و شما ندانید که

تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتٰى عَلٰى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللّٰهِ وَاِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّاخِرِينَ ﴿٥٦﴾ اَوْ تَقُولَ لَوْ

گوید کسی دریغ بر آنچه کوتاه آمدم در باره خدا و هر آینه بودم من از مسخره کنندگان یا گوید اگر

اَنَّ اللّٰهَ هَدٰينِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ۙ ﴿٥٧﴾ اَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ اَنَّ لِي كَرَّةً فَاَكُونَ

خدا هدایتم میکرد همانا میشدم از پرهیزکاران یا گوید گاهیکه بیند عذاب را کاش مرا بازگشتی میبود تا بشوم

مِنَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٥٨﴾ بَلٰى قَدْ جَاۤءَتْكَ اٰيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿٥٩﴾

از نکوکاران بلی آمدت آیتهای من پس تکذیب کردی بدانها و کبر ورزیدی و شدی از کافران

بت غرق کرد بدو گفتند زنهار که خشم این بت بسی سخت گیر باشد خالد تبر بر بینی وی زد و گفت کفرانک لا سبحانک انی رأیت الله قد اهانک والتی لم تمت عطف است بر الانفس یعنی خدای در می یابد آن نفس را که هنگام مرگش نارسیده است در خوابگاه او و ابو المقدام عمرو بن ثابت از امام ابی جعفر باقر ع آورده است که هر که را خواب در یابد نفسش بسوی آسمان عروج کند و روح در کالبدش باقی همی ماند و بین نفس و روح او سببی مانند شعاع آفتاب باشد پس اگر خدای اذن فرماید در قبض ارواح روح او اجابت کند نفسش را و اگر برد روح فرماید نفس اجابت روح کند و اینست گفتار خدای تعالی الله یتوفی الانفس الخ پس آنچه در ملکوت آسمانها بیند آن خوابی است که تعبیر دارد و آنچه در مابین آسمان و زمین بیند از تخیلات شیطانی است و از برای آن تأویلی در کار نیست فاطر السموات از سعید بن مسیب است که میگفتی همانا میدانم من موضعی را در قرآن که هیچکس آنرا نخواند و از خدای حاجتی بطلبد مگر آنکه حاجتش داده و برآورده گردد و آن قوله تعالی قل اللهم فاطر است تا آخر این آیت علی علم یعنی آنکه بحیلت و پایمردی

وَيَوْمَ الْقِيٰمَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللّٰهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٦٠﴾
و روز قیامت بینی آنانرا که دروغ گفتند بر خدا روهاشان سیاه شده آیا نیست در دوزخ جایگاهی برای گردنکشان

وَيُنَجِّي اللّٰهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوٓءُ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٦١﴾ اَللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ
و رهاند خدا آنان را که پرهیزکردند رستگاریشان نرسد شان بدی و نه اندوه خورند شوند خداست آفریدگار هر چیزی و اوست

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ﴿٦٢﴾ لَهُ مَقَالِيدُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِاٰيٰتِ اللّٰهِ أُولٰٓئِكَ هُمُ
بر همه چیز وکیل و مر اوراست کلیدهای آسمانها و زمین و آنانکه کفر ورزیدند بآیتهای خدا ایشانند

الْخَاسِرُونَ ﴿٦٣﴾ قُلْ أَفَغَيْرَ اللّٰهِ تَأْمُرُوٓنِّيٓ أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ ﴿٦٤﴾ وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ
زیانکاران بگو آیا جز خدارا فرمان دهیدم که پرستم ای نادانان و بدرستیکه وحی شد بسوی تو و بسوی آنانکه

مِن قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٦٥﴾ بَلِ اللّٰهَ فَاعْبُدْ وَكُن مِّنَ
پیش از تو بودند که اگر شرک ورزی هرآینه تباه شود کردارت و هماناتوی از زیانکاران بلکه خدارا پرستش کن و باش از

الشّٰكِرِينَ ﴿٦٦﴾ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ وَالسَّمٰوٰتُ
سپاس گذاران و ارج نگذاشتند خدارا حق ارجمندیش و زمین همگی در چنگ اوست روز قیامت و آسمانها

مَطْوِيّٰتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٦٧﴾ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي السَّمٰوٰتِ وَمَن
پیچیده اند بدستش منزه و برتر است او از آنچه شرک ورزند و دمیده شد در صور پس بیهوش افتاده آنانکه در آسمانها و آنانکه

فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَآءَ اللّٰهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرٰى فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ ﴿٦٨﴾ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ
در زمینند مگر آنکه خواست خدا سپس دمیده شد در آن بار دیگر ناگاه ایشانند ایستادگانی نگران و درخشید زمین بنور

رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتٰبُ وَجِاْيٓءَ بِالنَّبِيِّـۧنَ وَالشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٦٩﴾ وَ
پروردگارخویش و گذارده شد کتاب و آورده شدند پیغمبران و گواهان و داوری شد میان ایشان بحق و ایشان ستم نشوند و

وُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ﴿٧٠﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوٓا إِلٰى جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتّٰٓى إِذَا
پرداخته شد هرکس را بآنچه کرد و او داناتر است بآنچه میکنند و رانده شدند آنانکه کفر ورزیدند بسوی دوزخ گروههای گروه گاهی که

جَآءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوٰبُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَآ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ اٰيٰتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ
بیامدند بدانش و گشوده شد درهایش و گفتند بدیشان نگهبانانش آیا نیامد شما را فرستادگانی از خودتان برایشند برشما آیتهای پروردگارتان و ترسانندتان

لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هٰذَا قَالُوا بَلٰى وَلٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكٰفِرِينَ ﴿٧١﴾ قِيلَ ادْخُلُوٓا أَبْوٰبَ جَهَنَّمَ
از رسیدن تان بدین روز گفتند بلی ولیکن برایت آمد سزاوشت عذاب بر کافران گفته شد درآیید بدرهای دوزخ

خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ﴿٧٢﴾ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتّٰٓى إِذَا جَآءُوهَا
جاودانان در آن چه زشت است جایگاه گردنکشان و رانده شدند آنانکه پرهیزکاری کردند بسوی بهشت گروههای گروه تا گاهیکه آمدندش

وَفُتِحَتْ أَبْوٰبُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ﴿٧٣﴾ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
و گشوده شد درهایش و گفتند بدیشان نگهبانانش سلام برشما خوش آمدید (پاک شدید) پس درآیید در آن جاودانان و گفتند سپاس خدایرا که

صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَآءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿٧٤﴾ وَتَرَى الْمَلٰٓئِكَةَ
راست آورد مارا وعده خویش وارث داد ما زمین را جای گیریم از بهشت هرجا که خواهیم و چه خوب است پاداش عمل کنندگان و بینی فرشتگان را

حَآفِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعٰلَمِينَ ﴿٧٥﴾
فراگرفتگان پیرامون عرش تسبیح کنند بسپاس پروردگارخویش و داوری شد میان ایشان بحق و گفته شد سپاس خدایرا پروردگار جهانیان



سورة المؤمن مكية وآياتها خمس وثمانون آية

سورة ۴۰ — حروفها ۴۹۶۰ — كلماتها ۱۱۹۹

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حٰمٓ ﴿۱﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿۲﴾ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي

فرستادن کتاب از خداوند عزتمند دانا آمرزنده گناه پذیرنده توبه سخت شکنجه خداوند

الطَّوْلِ ۖ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿۳﴾ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ

نیرومندی نیست خدائی جز او بسوی اوست بازگشت نستیزند در آیتهای خدا جز آنانکه کفر ورزیدند پس نفریبدت

تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ﴿۴﴾ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ ۖ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ

گردش آنان در شهرها تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و احزاب از پس ایشان و آهنگ کرد هر ملتی

بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

پیمبر خویش را تا بگیرندش و ستیزه کردند بوسیله باطل تا نابود کنند بدان حق را پس بگرفتیمشان پس چگونه بود مرا عقوبت

﴿۵﴾ وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿۶﴾ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ

و بدینسان راست آمد سخن پروردگارت بر آنانکه کفر ورزیدند که آنانند یاران آتش آنانکه بردارند

الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ

عرش را و آنانکه گرد آنند تسبیح کنند بسپاس پروردگار خویش و ایمان آرند بدو و آمرزش خواهند برای آنانکه ایمان آوردند پروردگارا فراگرفتی

كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿۷﴾ رَبَّنَا

همه چیز را برحمت و دانش پس بیامرز آنانرا که توبه کردند و پیروی کردند راه تورا و بازدارشان از عذاب دوزخ پروردگارا

وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ ۚ إِنَّكَ أَنْتَ

و درآور ایشانرا بهشتهای جاودانی که نوید دادی بدیشان و آنانکه شایسته شدند از پدران ایشان و همسران ایشان و فرزندان ایشان که توئی همانا

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۸﴾ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ ۖ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

عزتمند حکیم و دور سازشان از بدیها و آنرا که از بدیها دور ساختی آنروز همانا رحمتش آوردی و اینست آن رستگاری

الْعَظِيمُ ﴿۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى

بزرگ همانا آنانکه کفر ورزیدند بانگ داده شوند که همانا خشم خدا بزرگتر است از خشم شما خویشتن را گاهی که خوانده میشدید بسوی

الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ ﴿۱۰﴾ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ

ایمان پس کفر ورزیدید گفتند پروردگارا میراندی مارا دو بار و زنده ساختی مارا دو بار پس اعتراف کردیم بگناهان خویش آیا هست

إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ﴿۱۱﴾ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ ۖ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا ۚ

بسوی بازگشت راهی این بدانست که هرگاه خوانده میشد خدا بتنهائی کفر میورزیدید و اگر شرک ورزیده میشد بدو میگرویدید

فَالْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ﴿۱۲﴾ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا ۚ

پس حکومت از آن خدای برتر بزرگ است اوست آنکه بنماید بشما آیتهای خویشرا و فرستد برای شما از آسمان روزی

وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ﴿۱۳﴾ فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ﴿۱۴﴾

و یاد آور نشود مگر آنکه بازگشت کند پس بخوانید خدارا پاک دارنده برایش دین را و اگرچه ناخوش دارند کافران

سورة المؤمن ابو بریره اسلمی از رسول خدای صلی الله علیه و آله آورده است که هر که دوست دارد آنکه در بوستانها و باغستانهای بهشت بچرد سور حوامیم را در نماز شب خواند و نیز در لسان اخبار این سور با تعبیر از این قبیل یاد شده است مانند آنکه هر چیز را لباب و مغزی است و مغز قرآن حوامیم است و آنکه حوامیم دیباچه قرآن است یا آنکه حوامیم ریحان قرآن است و از ابن مسعود است که میگفتی چون بحوامیم میرسم چنانم که گوئی در مرغزارها و باغها انبوه و پیچیده تفرج میکنم امتنا اثنتین قولی است که مقصود از دو موت نخست مرگی که در دنیا پس از زندگانی است و دیگر در قبر قبل از قیامت و مقصود از دو حیوة یکی آنکه در قبر میشود از برای مسائلت نکیرین و دیگری حیوة در حشر است و قولی دیگر آنکه مرگ نخستین حالی است که نطفها بودند در اصلاب آباء و دومین مرگی که در این دنیا است پس از زندگی و حیوتین یکی حیوة دنیا و دیگری حیوة قیامت است قول سیم آنکه مراد حیوة دنیا و قبر و موت دنیا و قبر است پس از انجام سؤال

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ

بلند پایگاهها دارندهٔ عرش فرستد روح را از امر خویش بر هرکه خواهد از بندگان خویش تا بترساند از روز ملاقات

(۱۵) يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ (۱۶) الْيَوْمَ

روزی که ایشان نمودارند نهان نماند بر خدا از ایشان چیزی از آن کیست پادشاهی در آن روز از آن خداست یکتای چیرگی جوی امروز

تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۷) وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْآزِفَةِ

پاداش داده شود هر کس بدانچه فراهم کرده است نیست ستمی امروز همانا خداست شتابنده در شمار و بترسانشان از روز نزدیک

إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ (۱۸) يَعْلَمُ خَائِنَةَ

گاهی که دلها نزد گلوگاههاست خشم فرو خورندگان نیست ستمگران را دوست و نه شفاعتگری که فرمانبرداری شود می داند چشمک زدن

الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ (۱۹) وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ

دیدگان را و آنچه نهان دارند سینه ها و خدا داوری کند بحق و آنان را که خوانند جز وی داوری نکنند

بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۲۰) أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ

بچیزی همانا خداست شنوای بینا آیا نگشتند در زمین تا بنگرند چگونه بود است فرجام آنانکه

كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا

بودند پیش از ایشان بودند سخت تر از ایشان در نیرو و نشانیهای بجای مانده در زمین پس بگرفتشان خدا بگناهانشان

كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ (۲۱) ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا

و نبود ایشان را از خدا نگهبانی این بدانست که ایشان بودند میامدشان پیمبرانشان بنشانیها پس کفر ورزیدند

فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ (۲۲) وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ (۲۳)

پس بگرفتشان خدا که اوست نیرومند سخت شکنجه و همانا فرستادیم موسی را بآیتهای خویش و فرمانروائی آشکار

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ كَذَّابٌ (۲۴) فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا

بسوی فرعون و هامان و قارون پس گفتند جادوگری است دروغگوی تا گاهیکه بیامدشان بحق از نزد ما گفتند

اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ (۲۵) وَقَالَ

بکشید پسران آنان را که ایمان آوردند باوی و باز گذارید زنان ایشان را و نیست نیرنگ کافران جز در گمراهی و گفت

فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي

فرعون بگذارید مرا بکشم موسی را و بخواند پروردگار خویش را چه ترسم دگرگون کند کیش شما را یا آنکه پدید آرد در

الْأَرْضِ الْفَسَادَ (۲۶) وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ

زمین تباهی را و گفت موسی همانا پناه بردم بپروردگار خود و پروردگار شما از هر کهر ورزنده که نگرود بروز شمار

(۲۷) وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ

و گفت مرد مؤمنی از کسان فرعون که نهان میداشت ایمان خود را آیا میکشید مردی را بدانکه گوید پروردگار من خداست

وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ

حالیکه آورده است شما را بنشانیها از پروردگار خویش و اگر دروغگو باشد پس بر اوست دروغش و اگر

صَادِقًا يُصِبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ (۲۸)

راستگو باشد برسد شما را پاره آنچه وعده دهد بشما همانا خدا هدایت نکند آنرا که اوست فزونی جوینده دروغگوی

يَا قَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ

ای قوم من شما راست پادشاهی امروز چیره آیندگانید در زمین پس که یاری کند ما را از خشم خدا اگر بیاید ما را گفت

فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ﴿٢٩﴾ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي

فرعون ننمایم بشما جز آنچه بینم و نه رهبریتان کنم مگر براه راست و گفت آنکه ایمان آورده بود ای قوم همانا

أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾ مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ

ترسم بر شما مانند روز احزاب مانند شیوه قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه پس از ایشان بودند

وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ ﴿٣١﴾ وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ﴿٣٢﴾ يَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرِينَ

و نیست خدا خواهان ستمی بر بندگان و ای قوم همانا ترسم بر شما از روز فریاد روزیکه روی برتابید پشت کنان

مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ﴿٣٣﴾ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ

نیست شما را از خدا نگهدارنده‌ای و آنرا که گمراه کند خدا نباشدش راهنمائی و هر آینه بیامدتان یوسف پیش از این

بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا

بنشانیها پس ماندید پیوسته در شکی از آنچه بیاوردتان تا گاهیکه مرد گفتید هرگز نیانگیزد خدا پس از وی پیمبری

كَذَٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ ﴿٣٤﴾ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ

بدینسان گمراه کند خدا هر که را اوست فزونی خواه شک آورنده آنانکه میستیزند در آیتهای خدا بی فرمانروائی که

أَتَاهُمْ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ

دهدشان بزرگ کین ورزی است نزد خدا و نزد آنانکه ایمان آوردند چنین مهر نهد خدا بر هر دل برتری جوی گردن فراز

﴿٣٥﴾ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ ﴿٣٦﴾ أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ

و گفت فرعون ای هامان بنیاد کن برایم برجی (کاخی) شاید رسم بدرها درهای آسمانها پس سر برآرم

إِلَىٰ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَاذِبًا وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءُ عَمَلِهِ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيلِ

بخدای موسی و هر آینه گمان دارمش دروغگوی و بدینسان بیاراست برای فرعون زشتی کردارش و باز داشته شد از راه

وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

و نیست نیرنگ فرعون جز در تباهی و گفت آنکه ایمان آورد ای قوم مرا پیروی کنید رهبریتان کنم براه راست

﴿٣٨﴾ يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ﴿٣٩﴾ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ

ای قوم من جز این نیست که این زندگانی دنیاست بهره و همانا خانه آخرت است سرای آرامگاه هر که کردار زشت کند کیفر نشود

إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا

جز همانندش و هر که کردار شایسته کند از نر یا ماده حالیکه اوست مؤمن پس آنان ببهشت درآیند روزیمند شوند در آن

بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٤٠﴾ وَيَا قَوْمِ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى النَّجَاةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ ﴿٤١﴾ تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ

بیشمار و ای قوم چه شود مرا که خوانمتان بسوی نجات و شما خوانیدم بسوی آتش خوانیدم که کفر ورزم بخدا

وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ ﴿٤٢﴾ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ

و شریک گردانم باوی آنچه را نیستم بدان دانشی و من خوانمتان بسوی خداوند عزتمند آمرزگار ناگزیر آنچه مرا بسویش خوانید

لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ﴿٤٣﴾

نیستش دعوتی در دنیا و نه در آخرت و آنکه بازگشت ما بسوی خداست و آنکه فزونی خواهانند یاران آتش

زن فرعون و آنکس که وی را از نیرنگ دشمنان آگهی داد و بدو گفت: إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ يُصِبْكُمْ بَعْضُ از آن روی ایشان را از بعض مواعید موسی ترسانید یا آنکه بفرض راست گفتن او اینان بتمام آنچه او گفته بود دچار میشدند نه ببعض آن زیرا که وی ایشان را بنجات در صورت متابعت و بهلاک در صورت مخالفت با خویش وعده همیدادی و در صورت صدق او و مخالفت آنان بدیشان جز هلاک نمیرسیدی و آن بعض چیزی بود که موسی بدیشان وعده و وعید میدادی و ممکن است که بعض را بجای کل آورده باشد از راه تلطف و مماشاة با خصم یا بر سبیل توسع در کلام چنانکه در قول شاعر است قد یدرک المتأنی بعض حاجته وقد یکون مع المستعجل الزلل یوم الاحزاب مقصود از احزاب گروههائی است که بتکذیب انبیاء قیام نمودند و ممکن است که مراد از یوم هلاک ایشان باشد چه یوم بر نعمت و محنت هر دو اطلاق شده است

حزب (٣)

٢٥ علی کل قلب جمعی از قراء قلب را با تنوین و مشهور آنرا بی تنوین قرائت نموده‌اند و بنا بر قرائت نخستین

فَسَتَذْكُرُونَ مَآ اَقُولُ لَكُمْ ؕ وَاُفَوِّضُ اَمْرِيٓ اِلَى اللّٰهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ بَصِيرٌۢ بِالْعِبَادِ ﴿۴۴﴾ فَوَقٰىهُ

زود است یاد آرید آنچه را بشما گویم و بگذارم کار خویش را بخدا که خدا به بندگان است بینا پس نگهداشتش

اللّٰهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِاٰلِ فِرْعَوْنَ سُوٓءُ الْعَذَابِ ﴿۴۵﴾ النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا

خدا از بدیهای آنچه نیرنگ آوردند و فرود آمد بخاندان فرعون زشتی عذاب آتش عرض شوند بر آن بامدادان

وَعَشِيًّا ۚ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ ۖ اَدْخِلُوٓا اٰلَ فِرْعَوْنَ اَشَدَّ الْعَذَابِ ﴿۴۶﴾ وَاِذْ يَتَحَآجُّونَ فِي النَّارِ

و شامگاه و روزی که بپا شود ساعت در آرید خاندان فرعون را بسخت ترین عذاب و گاهیکه پرخاش کنند در آتش

فَيَقُولُ الضُّعَفٰٓؤُا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوٓا اِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ اَنْتُمْ مُّغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا

پس گویند ناتوانان بدانانکه کبر ورزیدند که ما بودیم شما را پیروانی آیا شمائید بی نیاز کنندگان از ما بهره ای را

مِّنَ النَّارِ ﴿۴۷﴾ قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوٓا اِنَّا كُلٌّ فِيهَآ اِنَّ اللّٰهَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ ﴿۴۸﴾

از آتش گفتند آنانکه کبر ورزیدند مائیم همگی در آن همانا خدا حکومت کرد میان بندگان

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ﴿۴۹﴾ قَالُوا

و گفتند آنانکه در آتشند بنگهبانان دوزخ بخوانید پروردگار خویش را بکاهد از ما روزی را از عذاب گفتند

اَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ؕ قَالُوا بَلٰى ؕ قَالُوا فَادْعُوا ۚ وَمَا دُعٰٓؤُا الْكَافِرِينَ

آیا نبود آنکه بیاید شما را پیمبرانتان بنشانیها گفتند بلی گفتند پس بخوانید که نیست خواندن کافران

اِلَّا فِي ضَلَالٍ ﴿۵۰﴾ اِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ اٰمَنُوا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْاَشْهَادُ ۙ

جز در گمراهی ما هر آینه یاری میکنیم فرستادگان خویش را و آنانرا که ایمان آوردند در زندگانی دنیا و روزی که بپا شوند گواهان

﴿۵۱﴾ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوٓءُ الدَّارِ ﴿۵۲﴾ وَلَقَدْ اٰتَيْنَا

روزی که سود ندهد ستمگرانرا بهانه جستن ایشان و ایشانراست لعنت و ایشانراست بدی آنسرای و همانا دادیم

مُوسَى الْهُدٰى وَاَوْرَثْنَا بَنِيٓ اِسْرَآئِيلَ الْكِتَابَ ﴿۵۳﴾ هُدًى وَذِكْرٰى لِاُولِي الْاَلْبَابِ ﴿۵۴﴾ فَاصْبِرْ

بموسی رهبری را وارث دادیم به بنی اسرائیل کتاب را هدایت و یادآوری برای دارندگان خردها پس شکیبا شو

اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْۢبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْاِبْكَارِ ﴿۵۵﴾ اِنَّ

که وعده خداست حق و آمرزش خواه برای گناه خویش و تسبیح گوی بسپاس پروردگار خود شامگاهان و بامداد همانا

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِيٓ اٰيَاتِ اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ اَتٰىهُمْ ۙ اِنْ فِي صُدُورِهِمْ اِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ

آنانکه میستیزند در آیتهای خدا نه بفرمانروائی که آمدستشان نیست در سینه های آنان جز کبر ورزی که نیستند

بِبَالِغِيهِ ۚ فَاسْتَعِذْ بِاللّٰهِ ؕ اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿۵۶﴾ لَخَلْقُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اَكْبَرُ

بدان رسیده پس پناه بر بخدا که اوست شنوای بینا همانا آفرینش آسمانها و زمین بزرگتر است

مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿۵۷﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْاَعْمٰى وَالْبَصِيرُ

از آفرینش مردم ولیکن بیشتر مردم نمیدانند و یکسان نیستند کور و بینا

وَالَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيٓءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ ﴿۵۸﴾

و آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند و نه بدکار بکمی یاد آور شوید

اِنَّ السَّاعَةَ لَاٰتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿۵۹﴾

همانا ساعت آینده است نیست شکی در آن ولیکن بیشتر مردم نمیگروند

وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

وگفت پروردگار شما بخوانیدم میپذیرم برای شما همانا آنانکه سرپیچند از پرستش من زود است درآیند دوزخ را سرافکندگان

(۶۰) اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى

خداست آنکه نهاد برای شما شب را تا بیارمید در آن و روز را بینا همانا خدا دارای فضل است بر

النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ (۶۱) ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

مردم ولیکن بیشتر مردم سپاس نگذارند این است خدا پروردگار شما آفریدگار همه چیز نیست خدائی جز او

فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ (۶۲) كَذَٰلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ (۶۳) اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ

پس کجا بدروغ رانده شوید چنین بدروغ رانده شدند آنانکه بودند آیتهای خدا را انکار میکردند خداست آنکه گردانید

لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ۚ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ

برای شما زمین را پایگاهی و آسمان را سازمانی و پیکر ساخت شما را پس نکو کرد پیکرهای شما را و روزی داد شما را از پاکیزه‌ها اینست خدا

رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (۶۴) هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

پروردگار شما پس بزرگ است خدا پروردگار جهانیان او است زنده نیست خدائی جز او پس بخوانیدش پاک دارندگان برایش دین را

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۶۵) قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ

سپاس خدا را پروردگار جهانیان بگو هر آینه بازداشته شدم از آنکه پرستم آنانرا که خوانید جز خدا هنگامیکه بیامدم

الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ (۶۶) هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ

نشانیها از پروردگارم و مامور شدم که تسلیم شوم برای پروردگار جهانیان او است آنکه بیافرید شما را از خاکی پس از

نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا ۚ وَمِنْكُمْ

چکه آبی پس از خونی بسته پس درآورد شما را کودکی سپس تا برسید بنیروهای خویش پس تا باشید پیرانی و از شماست

مَنْ يُتَوَفَّىٰ مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۶۷) هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ

آنکه بمیرد از پیش و تا برسید سرآمدی نامبرده را و شاید شما بخرد آئید او است آنکه زنده کند و بمیراند

فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (۶۸) أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ ۖ أَنَّىٰ

و گاهی که بگذراند کاری را جز این نیست که بگویدش بشو پس میشود آیا ندیدی آنانرا که ستیزه میکنند در آیتهای خدا کجا

يُصْرَفُونَ (۶۹) الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ (۷۰) إِذِ

رانده میشوند آنانکه تکذیب کردند کتاب را و آنچه فرستادیم بدان فرستادگان خویش را زود است میدانند گاهیکه

الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ (۷۱) فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ (۷۲) ثُمَّ

غلها در گردنهای آنان است و زنجیرها کشیده شوند در آب جوشان سپس در آتش افکنده شوند پس

قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ (۷۳) مِنْ دُونِ اللَّهِ ۖ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ نَدْعُو مِنْ

گفته شود بدیشان کجا بودید شرک میورزیدید جز خدا را گفتند گم شدند از ما بلکه نبودیم بخوانیم از

قَبْلُ شَيْئًا ۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ (۷۴) ذَٰلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ

پیش چیزی را بدینسان گمراه میکند خدا کافران را این بدانست که بودید شادی میکردید در زمین

بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ (۷۵) ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۖ فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ (۷۶)

بناحق و بدانچه بودید هوسرانی میکردید درآئید درهای دوزخ را جاودانان در آن چه زشت است جایگاه گردنفرازان

ادعونی استجب لکم از پیغمبر است که دعاء عبادت و پرستش میباشد و از معویة بن عمار است که با ابو عبدالله علیه السلام گفتم خدای مرا برخی تو گرداناد چه گوئی در باره دو مرد که بمسجد شدند یکی نماز بیشتر خواند و آن دیگر دعا بیشتر کرد کدام یک از آن دو افضل است فرمود هر دو نکو باشند گفتم دانستم اما خواستم بدانم کدامین افضل است فرمود آنکس که دعا بیشتر میکند مگر نشنیدی قوله تعالی ادعونی استجب لکم الی آخر الآیة و گفت همانا آن عبادت کبری میباشد و نیز زرارة از امام ابو جعفر باقر علیه السلام آورده است که مقصود از این آیت دعا است و افضل عبادت دعا کردن است و هم حنان بن سدیر از پدرش آورده است که با ابو جعفر گفتم کدامین عبادت افضل است فرمود هیچ چیز نزد خداوند دوستتر از آن نیست که خوانده شود و از آنچه نزد او است مسئلت شود و هیچکس نزد خدا مبغوض تر از آن نیست که از عبادتش سر پیچد و چیزی از او مسئلت نکند الحمد لله رب العالمین از ابن عباس است که هر که بگوید لا اله الا الله ویرا بایستی که از پس آن بگوید الحمد لله رب العالمین تمرحون در لغت فرح

فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَاِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ اَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَاِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ﴿۷۷﴾

پس شکیبا شو که وعده خدا حق است و اگر بنمائیمت پاره آنچه را وعده دهیمشان یا دریابیمت (بمیرانیمت) پس بسوی ما بازگردانیده شوند

وَلَقَدْ اَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَّنْ لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا

و هر آینه فرستادیم فرستادگانی پیش از تو از ایشانست آنانکه داستان سرودیم بر تو و از ایشان است آنانکه نخواندیم بداستان بر تو و

كَانَ لِرَسُولٍ اَنْ يَأْتِيَ بِاٰيَةٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ فَاِذَا جَاءَ اَمْرُ اللّٰهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ

نرسد پیمبری را که بیارد آیتی جز بدستور خدا تا هنگامی که درآید امر خدا داوری شود بحق و زیانکار شوند در آنجا تباه کاران

﴿۷۸﴾ اَللّٰهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿۷۹﴾ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ

خداست آنکه قرار داد برای شما دامها را تا سوار شوید از آنها و از آنها میخورید و شما راست در آن سودهائی

وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ﴿۸۰﴾ وَيُرِيكُمْ اٰيَاتِهِ

و تا برسید بدان نیازی را در سینه های خویش و بر آنها و بر کشتی سوار شوید و بنماید شما را آیتهای خویش

فَاَيَّ اٰيَاتِ اللّٰهِ تُنْكِرُونَ ﴿۸۱﴾ اَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ

پس کدامیک از آیتهای خدا را منکرید آیا نگشتند در زمین تا بنگرند چگونه بود است فرجام آنانکه

مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا اَكْثَرَ مِنْهُمْ وَاَشَدَّ قُوَّةً وَاٰثَارًا فِي الْاَرْضِ فَمَا اَغْنٰى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

پیش از ایشان بودند بودند بیشتر از ایشان و سخت تر در نیرو و نشانیهای جای گذارده در زمین پس بی نیاز نکرد از ایشان آنچه بودند فراهم میکردند

﴿۸۲﴾ فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و هنگامیکه بیامدشان فرستادگانشان بنشانیها شاد شدند بدانچه نزد ایشان بود از دانش و فرود آمد بدیشان آنچه بودند بدان مسخره میکردند

﴿۸۳﴾ فَلَمَّا رَاَوْا بَأْسَنَا قَالُوا اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ﴿۸۴﴾ فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ

تا گاهیکه دیدند خشم ما را گفتند ایمان آوردیم بخدا تنها و کفر ورزیدیم بدانچه بودیم بدان شرک ورزندگان و نبود سودشان دهد

اِيمَانُهُمْ لَمَّا رَاَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللّٰهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ﴿۸۵﴾

ایمانشان گاهی که دیدند خشم ما را شیوه خداست که گذشت در بندگانش و زیانکار شدند در آنجا کافران

سورة فصلت مكية وآياتها اربع وخمسون آية

سورة ۴۱ — حروفها ۳۳۵۰ — كلماتها ۷۹۶

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حٰمٓ ﴿۱﴾ تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ﴿۲﴾ كِتَابٌ فُصِّلَتْ اٰيَاتُهُ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۳﴾

فرستادنی است از خداوند بخشنده مهربان کتابی است جدا گردیده آیتهایش قرآنی عربی برای گروهی که بدانند

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَاَعْرَضَ اَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿۴﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي اَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا

نوید دهنده و بیم دهنده پس روی برتافتند بیشتر ایشان پس نمیشنوند و گفتند دلهای ما در پوششهائی است از آنچه میخوانید ما را

اِلَيْهِ وَفِي اٰذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ اِنَّنَا عَامِلُونَ ﴿۵﴾ قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ

بدان و در گوشهای ماست سنگینی و میان ما و تو است پرده ای پس عمل میکن که مائیم عمل کنندگان بگو همانا منم بشری

مِّثْلُكُمْ يُوحٰى اِلَيَّ اَنَّمَا اِلٰهُكُمْ اِلٰهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا اِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ﴿۶﴾

مانند شما وحی میشود بسویم که خدای شما خدای یکتاست پس استقامت کنید بسویش و آمرزش از او خواهید و وای بر مشرکان

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْاٰخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٧﴾ اِنَّ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ

آنانکه نمیدهند زکوة را وایشانند باخرت کافران همانا آنانکه ایمان آوردند وکردار شایسته کردند ایشانراست

اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٨﴾ قُلْ ءَاِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْاَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ اَنْدَادًا

مزدی بی منت (یا بی پایان) بگو آیا شما کفر میورزید بدانکه بیافرید است زمین را در دو روز وقرار دهید برایش همتایانی

ذٰلِكَ رَبُّ الْعٰلَمِينَ ﴿٩﴾ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبٰرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا اَقْوَاتَهَا

این است پروردگار جهانیان ونهاد است در آن لنگرهائی از فراز آن وبرکت نهاد است در آن ومقرر گردانید در آن روزیهایش را

فِي اَرْبَعَةِ اَيَّامٍ سَوَاءً لِلسَّائِلِينَ ﴿١٠﴾ ثُمَّ اسْتَوٰى اِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْاَرْضِ

در چهار روز یکسان (برابر) برای پرسش کنندگان سپس پرداخت بآسمان وبود آن دودی پس گفت بدان وبزمین

ائْتِيَا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا قَالَتَا اَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿١١﴾ فَقَضٰيهُنَّ سَبْعَ سَمٰوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَاَوْحٰى فِي كُلِّ

بیائید خواه وناخواه گفتند آمدیم فرمانبرداران پس گذراند آنها را هفت آسمان در دو روز ووحی کرد در هر

سَمَاءٍ اَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿١٢﴾ فَاِنْ اَعْرَضُوا

آسمانی امر آنرا وآراستیم آسمان نزدیک را بچراغهائی ونگهبانی را این است کارپردازی خداوند عزتمند دانا پس اگر روی برتابند

فَقُلْ اَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ ﴿١٣﴾ اِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ

بگو ترسانیدم شما را از صاعقه (آتش آسمانی) مانند صاعقهٔ عاد وثمود گاهیکه بیامدشان فرستادگان از پیشروی ایشان

وَمِنْ خَلْفِهِمْ اَلَّا تَعْبُدُوا اِلَّا اللّٰهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَاَنْزَلَ مَلٰئِكَةً فَاِنَّا بِمَا اُرْسِلْتُمْ بِهِ

واز پشت سر ایشان که نپرستید جز خدا را گفتند اگر میخواست پروردگار ما هرآینه میفرستاد فرشتگانی وهمانا مائیم بدانچه فرستاده شدید بدان

كَافِرُونَ ﴿١٤﴾ فَاَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ اَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً اَوَلَمْ يَرَوْا

کافران اما عاد پس کبر ورزیدند در زمین بناحق وگفتند کیست سختتر از ما بنیرو آیا ندیدند آنکه

اَنَّ اللّٰهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ اَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِاٰيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿١٥﴾ فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

خدائی که آفریدشان سختتر است از ایشان بنیرو وبودند بآیتهای ما انکار میکردند پس فرستادیم برایشان

رِيحًا صَرْصَرًا فِي اَيَّامٍ نَحِسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ

بادی سخت را در روزهائی شوم تا چشانیمشان عذاب خواری را در زندگانی دنیا وهرآینه عذاب آخرت است

اَخْزٰى وَهُمْ لَا يُنْصَرُونَ ﴿١٦﴾ وَاَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمٰى عَلَى الْهُدٰى فَاَخَذَتْهُمْ

خوارتر وایشان یاری نشوند واما ثمود پس راهنمائیشان کردیم پس برگزیدند گوری را بر رهبری پس بگرفتشان

صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٧﴾ وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ اٰمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿١٨﴾

صاعقهٔ شکنجهٔ خواری بدانچه بودند دست میآوردند ورهانیدیم آنانرا که ایمان آوردند وبودند پرهیز میکردند

وَيَوْمَ يُحْشَرُ اَعْدَاءُ اللّٰهِ اِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتّٰى اِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ

وروزی که گرد آورده شوند دشمنان خدا بسوی آتش پس ایشانند بازداشت شدگان تا گاهیکه آیندش گواهی دهد برایشان

سَمْعُهُمْ وَاَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾ وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ

گوششان ودیده هاشان وپوستهاشان بدانچه بودند میکردند وگفتند بپوستهای خویش چرا گواهی دادید

عَلَيْنَا قَالُوا اَنْطَقَنَا اللّٰهُ الَّذِي اَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾

برما گفتند بسخن آورد ما را خدائیکه بسخن آورد همه چیز را واو آفرید شما را نخستین بار وبسویش بازگردانیده شوید

حزب (۴)

وعکرمه از ابن عباس آورده است که پیغمبر گفت همانا خدای زمین را در روز یکشنبه و دوشنبه بیافرید و کوهها را روز سه شنبه و درختها و آبها و آبادانی و ویرانی را در روز چهارشنبه و آسمانها را در روز پنجشنبه و مهر و ماه و ستارگان و فرشتگان و آدم را همه در روز آدینه و بدین اشارت شده است بآیت دیگر فقضیهن سبع سموات فی یومین که بنابراین مجموع خلقت آسمان و زمین و ما بینهما همه در شش روز تمام گشته و عبارت آیه دوم فی اربعة ایام اگرچه در بادی نظر چنان آید که اینچهار روز بجز آن دو روز نخستین است اما مثلش مثل آنست که گوئی از بصره ببغداد شدم در ده روز و بکوفه در پانزده روز و معنی آنکه در پانزده روز بکوفه شدم در پانزده روز دیگر و نیز ظاهر عبارت آیت سیم ثم استوی الی آخره چنان مفید است که خلقت آسمان پس از زمین بود و این با آیت والارض بعد ذلک دحیها بظاهر مخالفت دارد مگر آنکه دحو ارض را پس از آفرینش آن و آفرینش آسمانها دانیم ریحا صرصرا یعنی بادی سخت و زنده و خروشان بنابر آنکه صرصر از صرة بمعنی صیحه باشد و محتمل است آنکه از صر بمعنی

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَٰكِنْ
و نبودید شمان دارید که گواهی دهد برشما گوشتان و نه دیدگانتان و نه پوستهایتان ولیکن
ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَذَٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ
پنداشتید که خدا نمیداند بسیاری را از آنچه میکنید و این پندار شما که گمان بردید بپروردگار خویش
أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ ۖ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ
نابود ساخت شمارا پس بامداد گردید از زیانکاران پس اگر شکیبا شوند آتش بهت جایگاه ایشان واگر بهانه آرند نباشند
مِنَ الْمُعْتَبِينَ ﴿٢٤﴾ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ
از بهانه پذیرفتگان (یا گرد آورده آمدگان) و برای ایشان همنشینانی بد پس آراستند برای ایشان آنچه پیش روی ایشان و آنچه پشت سرایشان بهت و راست آمد بر ایشان
الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ۖ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿٢٥﴾ وَقَالَ الَّذِينَ
سخن در ملتهائی که بگذشت پیش از ایشان از پری و آدمی که بودند زیانکاران و گفتند آنانکه
كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ﴿٢٦﴾ فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ
کفر ورزیدند گوش فرا ندهید باین قرآن و بیهوده گوئید در آن شاید چیره شوید هانا چشانیم آنانرا که
كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ ذَٰلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ
کفر ورزیدند عذابی سخت و هر آینه پاداشتان دهیم بدترین چیزی که بودند میکردند این است کیفر دشمنان
اللَّهِ النَّارُ ۖ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ ۖ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا
خدا آتش ایشانرا است در آنسرای جاودانی پاداشی بهر آنچه بودند آیتهای ما را پایمال میکردند و گفتند آنانکه کفر ورزیدند
رَبَّنَا أَرِنَا الَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ
پروردگارا بنمایان بما آن دو دن را که گمراه کردند ما را از پری و آدمی تا بگذاریمشان زیر پاهای خویش تا بگردند از پست تران
﴿٢٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا
هانا آنانکه گفتند پروردگار ما خداست و پس پایداری ورزیدند فرود آید برایشان فرشتگان که نترسید و نه
تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي
اندوهگین باشید و مژده باد شما را بهشتی که بودید نوید داده شدید ما بیم دوستان شما در زندگانی دنیا و در
الْآخِرَةِ ۖ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ﴿٣١﴾ نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ
آخرت و شما راست در آن آنچه هوس کند دلهای شما و شما راست در آن هرآنچه خواهید پیشکشی از نزد آمرزنده مهربان
﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا
و کیست نکوتر در سخن از آنکه بخواند بسوی خدا و کردار نیک کند و گوید من از اسلام آورندگان و نه
تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ۚ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ
یکسان خوبی و نه بدی دور کن بآنچه آنست نکوتر که ناگاه آنکه میان تو و او
عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ
دشمنی است گویا او است دوستی گرم و داده نشود شکیبا شدند جز آنانکه و داده نشود آن جز خداوند بهره
عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾ وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۖ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾
بزرگ و اگر بجنبد در دلت از شیطان وسوسه‌ئی پس پناه بر بخدا که او است هانا شنوای دانا

وَمِنْ اٰيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلّٰهِ

واز آیتهای اوست شب وروز ومهر وماه سجده نکنید برای مهر وماه وسجده کنید

الَّذِي خَلَقَهُنَّ اِنْ كُنْتُمْ اِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿۳۷﴾ فَاِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ

برای خداوندی که بیافرید آنها را اگر هستید اورا پرستش کنان پس اگر کبر ورزیدند همانا آنانکه نزد پروردگار تواند تسبیح گویند برایش

بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْئَمُونَ ﴿۳۸﴾ وَمِنْ اٰيَاتِهِ اَنَّكَ تَرَى الْاَرْضَ خَاشِعَةً فَاِذَا اَنْزَلْنَا عَلَيْهَا

بشب وروز وایشان خسته نشوند واز آیتهای اوست که ببینی زمین را پژمرده تا گاهی که فرستیم بر آن

الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ اِنَّ الَّذِي اَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتٰى اِنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۳۹﴾ اِنَّ الَّذِينَ

آب را بجنبد وبرآید همانا آنکه زنده سازدش زنده کننده مردگان است هر آینه اوست بر همه چیز توانا همانا آنانکه

يُلْحِدُونَ فِي اٰيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا اَفَمَنْ يُلْقٰى فِي النَّارِ خَيْرٌ اَمْ مَنْ يَأْتِي اٰمِنًا يَوْمَ الْقِيٰمَةِ اِعْمَلُوا مَا

خیرگی کنند در آیتهای ما پوشیده نیستند بر ما آیا آنکه افکنده شود در آتش بهتر است یا آنکه بیاید ایمن روز قیامت بکنید هر آنچه

شِئْتُمْ اِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿۴۰﴾ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَاِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

خواهید که او بدانچه کنید بیناست همانا آنانکه کفر ورزیدند بذکر گاهی که بیامدشان وهمانا آن است کتابی عزتمند

﴿۴۱﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿۴۲﴾ مَا يُقَالُ لَكَ اِلَّا

نیایدش نادرستی از پیشرویش ونه از پشت سرش فرستادنی از حکیمی ستوده گفته نمیشود بتو جز

مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ اِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ اَلِيمٍ ﴿۴۳﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ

آنچه گفته شد به پیمبران پیش از تو که همانا پروردگار تو دارای آمرزش است ودارای شکنجه دردناک واگر میگردانیدیمش

قُرْاٰنًا اَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ اٰيَاتُهُ ءَاَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ اٰمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ

قرآنی گنگ زبان (بزبان جز عربی) همانا میگفتند چرا جدا نشد آیتهایش آیا عجمی وعربی بگو آن برای آنانکه ایمان آوردند رهبری وبهبودی است

وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي اٰذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى اُولٰئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿۴۴﴾

وآنانکه ایمان نیاوردند در گوشهاشان سنگینی است وآنست برایشان کوری آنان خوانده میشوند از جایگاهی دور

وَلَقَدْ اٰتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ

وهمانا دادیم بموسی کتاب را پس اختلاف شد در آن واگر نبود سخنی که پیشی گرفت از پروردگارت هر آینه حکم میشد میان ایشان

وَاِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿۴۵﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ اَسَاءَ فَعَلَيْهَا

وهمانا ایشانند در شکی از آن شک آرنده آنکو نکوئی کند پس برای خویشتن است وآنکه بدی کند پس بر آن است

وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿۴۶﴾ اِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ

ونیست پروردگارت ستم کننده بر بندگان بسوی او بازگردانیده شود علم ساعت وآنچه برون آید از میوه ها از

اَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ اُنْثٰى وَلَا تَضَعُ اِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ اَيْنَ شُرَكَائِي

شکوفه های خویش ونه بارور شود ماده ونه بار نهد مگر بعلمش وروزی که خواندشان کجایند شریکان من

قَالُوا اٰذَنَّاكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ ﴿۴۷﴾ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ

گویند اعلام کنیمت که نیست از ما گواهی وگم شد از ایشان آنچه بودند میخواندند از پیش وپنداشتند نیستشان

مِنْ مَحِيصٍ ﴿۴۸﴾ لَا يَسْئَمُ الْاِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَاِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ ﴿۴۹﴾

گریزگاهی خسته نگردد انسان از خواهش خوب واگر رسدش بدی پس بسی نومید وبسی دلسرد است

واسجدوا ۳۷ از ابن عباس و بعضی دیگر مفسران

سجده واجبه

سجده قوله تعالی لا یسئمون ۳۸ است واختیار کرده دیگر آنکه موضع آن قوله تعالی ایاه تعبدون ۳۸ است همین نیز از ائمه ما علیهم السلام مروی میباشد. لا یأتیه الباطل ۴۲ از امامین صادقین علیهما السلام مروی است یعنی آنکه اخبار قرآن از گذشته وآینده بر حق است نه باطل وبدرستی وراستی است نه بدروغ و یاوه وقولی است که مقصود از باطل شیطان است ومعنی آنکه از هیچ سوی شیطان نتواند بقرآن راه برد وقول سیم آنکه نه پیش از آن کتابی آمده است که آنرا ابطال کند ونه پس از آن ناسخی از برای آن تواند آید وقول چهارم آنکه قرآن از هر کجی وکاستی وگزندی نگهدار شده است چنانکه در قوله تعالی

الجزء (۲۵)

نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون ۴۴ میباشد لولا فصلت آیاته یعنی چرا بزبان تازی نیامد و بزبان عرب در آوردن

وَلَئِنْ اَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَّآءَ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هٰذَا لِي وَمَآ اَظُنُّ السَّاعَةَ قَآئِمَةً

واگر چشانیمش رحمتی از خویش پس از سختی که بدو رسیده است هرآینه گوید این از آن من است و نپندارم ساعت را بپا شونده

وَلَئِنْ رُّجِعْتُ اِلٰى رَبِّيٓ اِنَّ لِي عِنْدَهُ لَلْحُسْنٰى فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ

واگر بازگردانیده شوم بسوی پروردگارم همانا مراست نزاو نکوئی پس آگاه سازیم همانا آنانرا که کفر ورزیدند بدانچه کردند و بچشانیمشان

مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿۵۰﴾ وَاِذَآ اَنْعَمْنَا عَلَى الْاِنْسَانِ اَعْرَضَ وَنَاٰ بِجَانِبِهِ وَاِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو

هرآینه از عذابی انبوه و هرگاه بخشایش کنیم بر انسان روی برتابد و دور گرداند پهلوی خویش را و هرگاه رسدش شری پس او است دارای

دُعَآءٍ عَرِيضٍ ﴿۵۱﴾ قُلْ اَرَاَيْتُمْ اِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ اَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي

دعائی پهناور بگو آیا دیده اید که اگر باشد از نزد خدا پس کفر ورزیدید بدان کیست گمراهتر از آنکه در ناسازگاری

شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿۵۲﴾ سَنُرِيهِمْ اٰيَاتِنَا فِي الْاٰفَاقِ وَفِيٓ اَنْفُسِهِمْ حَتّٰى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ اَوَلَمْ يَكْفِ

(ستیزه جوئی) است دور زود است بنمایانیمشان آیتهای خویش را در سراسر گیتی و در خود ایشان تا روشن شود برای ایشان که او است حق آیا بس نیست

بِرَبِّكَ اَنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿۵۳﴾ اَلَآ اِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لِّقَآءِ رَبِّهِمْ اَلَآ اِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ ﴿۵۴﴾

پروردگار تو که او بر همه چیز است گواه همانا ایشانند در تردیدی از ملاقات پروردگار خویش همانا او است بهمه چیز فراگیرنده

سورة الشورى مكية وآياتها ثلاث وخمسون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

سورة ۴۲ — حروفها ۳۵۸۸ — كلماتها ۸۶۰

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حٰمٓ ﴿۱﴾ عٓسٓقٓ ﴿۲﴾ كَذٰلِكَ يُوحِيٓ اِلَيْكَ وَاِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللّٰهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿۳﴾ لَهُ مَا فِي

بدینسان سروش فرستد بسوی تو و بسوی آنانکه پیش از تو بودند خداوند عزتمند حکیم او راست آنچه در

السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ ﴿۴﴾ تَكَادُ السَّمٰوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَ

آسمانها و آنچه در زمین است و او است فرازنده بزرگ نزدیکست آسمانها بشکافند (بپاشند) از فراز آنها و

الْمَلٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ اَلَآ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

فرشتگان تسبیح گویند بسپاس پروردگار خویش و آمرزش خواهند برای آنانکه در زمینند همانا او است آمرزگار بخشنده

﴿۵﴾ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ اَوْلِيَآءَ اللّٰهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَآ اَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ﴿۶﴾ وَكَذٰلِكَ

و آنانکه برگرفتند جزوی دوستانی خداست نگهبان برایشان و نیستی تو برایشان وکیل و بدینسان

اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لِّتُنْذِرَ اُمَّ الْقُرٰى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ الْجَمْعِ لَا رَيْبَ

وحی فرستادیم بسوی تو قرآنی عربی را تا بترسانی مادر شهرها را و آنانکه پیرامون آنند و بترسانی روز گرد آمدن را که نیست شکی

فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ﴿۷﴾ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَجَعَلَهُمْ اُمَّةً وَاحِدَةً وَ

در آن گروهی در بهشتند و گروهی در دوزخ و اگر میخواست خدا هرآینه میگردانیدشان یک ملت و

لٰكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَآءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِّنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿۸﴾ اَمِ اتَّخَذُوا

لیکن درآرد هرکه را خواهد در رحمتش و ستمگرانرا نیستشان یار و نه یاوری یا بگرفتند

مِنْ دُونِهِ اَوْلِيَآءَ فَاللّٰهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِ الْمَوْتٰى وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۹﴾

جز او دوستانی پس خداست دوست و او زنده کند مردگانرا و او است بهمه چیز توانا

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

وآنچه اختلاف کردید در آن از چیزی پس حکمش بسوی خداست این است خدا پروردگار من براو توکل کنم وبسوی او بازگردم

(۱۰) فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذْرَؤُكُمْ

پدید آرنده آسمانها و زمین قرار داد برای شما از خود شما همسرانی واز دامها جفتهائی میآفرد شما را

فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (۱۱) لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ

در آن نیست همانندش چیزی واوست شنوای بینا از آن وی است کلیدهای آسمانها وزمین بگشاید روزی را برای هرکه

يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ (۱۲) شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا

خواهد وتنگ گرداند همانا او بهمه چیز است دانا آئین نهاد برای شما از کیش آنچه اندرز داد بدان نوح را وآنچه وحی فرستادیم

إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ

بسوی تو وآنچه توصیه کردیم بدان ابراهیم وموسی وعیسی را که بپایدارید دین را و پراکنده نشوید در آن گران است

عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ (۱۳)

بر مشرکان آنچه خوانیشان بدان خدا گزیند بسوی خویش هرکه را خواهد ورهبری کند بخویش هرکه را بازگردد

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى

وپراکنده نشدند مگر پس از آنچه بیامدشان دانش بستم میان خویش واگر نبود سرنوشتی که پیشی گرفت از پروردگارت تا سرآمدی نامبرده

لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ (۱۴) فَلِذَٰلِكَ فَادْعُ

هرآینه گذرانیده میشد (داوری میشد) میان ایشان وهمانا آنانکه ارث داده شدند کتاب را پس از ایشان در شکی از آنند بشک اندازنده پس بسوی این برخوان

وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ

وپایداری کن چنانکه امر شدی وپیروی مکن هوسهای ایشان را وبگو ایمان آوردم بدانچه فرستاد خدا از کتاب و مامور شدم که دادگری کنم میان شما

اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ

خداست پروردگار ما وپروردگار شما ما راست کردارهای ما وشما راست کردارهای شما ونیست دستاویزی میان ما وشما (یا نیست ستیزشی) خدا گرد آورد

بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۱۵) وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ

میان ما وبسوی اوست بازگشت وآنانکه ستیزه کنند درباره خدا پس از آنچه پذیرفته شد برای ایشان دستاویزشان تباه است

عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ (۱۶) اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَ

نزد پروردگارشان وبرایشان است خشمی وایشان راست عذابی سخت خداست آنکه فرستاد کتاب را بحق و

الْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ (۱۷) يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ آمَنُوا

ترازو را وچه دانی تو (یا چه دانا سازدت) شاید ساعت است نزدیک شتاب جویند بدان آنانکه ایمان ندارند بدان وآنانکه ایمان آوردند

مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

هراسانند از آن ودانند که آن حق است همانا آنانکه شک دارند در ساعت هرآینه در گمراهی هستند دور

(۱۸) اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ (۱۹) مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ

خدا مهربان است ببندگان خویش روزی دهد هرکه را خواهد واوست توانای عزیز آنکو خواهد کشت

الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ (۲۰)

آخرت را بیفزائیمش در کشتش وآنکه کشت دنیا را خواهد دهیمش از آن ونیستش در آخرت بهره‌ای

بخواند از آنان باشد که فرشتگان براو نماز کنند واز برای وی آمرزش خواهند. ۱۵ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ در حدیث است ثلاث منجیات وثلاث مهلکات سه نجات دهنده وسه نابود کننده است اما آن سه نجات دهنده العدل فی الرضا والغضب والقصد فی الغنی والفقر وخشیة الله فی السر والعلانیة میانه روی بهنگام خوشنودی وخشمگینی واندازه نگهداشتن بهنگام تنگدستی وتوانگری وترس از خدا در آشکارا ونهان. واما آن سه نابود کننده شح مطاع وهوی متبع واعجاب المرء بنفسه از خوی زشت بخل فرمانبردن وپیروی از هوا وهوس کردن وخویشتن بینی وخود پسندیدن. ۲۳ إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ بعضی گفتند یعنی آنکه در نزدیک شدن وتقرب الی الله تعالی مؤمنین باهمدیگر دوستی کنند ولیکن اشهر آنکه مزد رسالت دوستی نزدیکان وخویشاوندان پیمبر باشد امین الاسلام طبرسی در مجمع البیان از سید ابو الحمد مهدی بن نزار الحسینی واو از حاکم ابو القاسم الحسکانی واو از قاضی ابو بکر حمیری واو از ابو العباس صنعی واو از حسن بن علی بن زیاد سری واو از یحیی بن عبد الحمید حمانی از حسین اشتر از قیس از اعمش از سعید بن جبیر از ابن

أَمْ لَهُمْ شُرَكَٰٓؤُا شَرَعُوا لَهُمْ مِّنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّ

یا ایشان راست شریکانی در دین بستند برای ایشان از آئین آنچه فرمان نداد بدان خدا و اگر نبود سرنوشت جدا کننده هر آینه داوری میشد میان ایشان و همانا

الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٢١﴾ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا

ستمگران راست عذابی دردناک بینی ستمگران را هراسان از آنچه فراهم کردند و آنست فرود آینده بر ایشان و آنانکه ایمان آوردند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ ۖ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

و کردار شایسته کردند در باغهای بهشت ایشان راست آنچه خواهند نزد پروردگار خویش اینست آن فضل بزرگ

﴿٢٢﴾ ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۗ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا

اینست آنچه نوید داد خدا بندگانش را آنانکه ایمان آوردند و کردار شایسته کردند بگو نپرسم شما را بر آن مزدی

إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۗ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾

جز دوستی را در نزدیکان (خویشاوندان) و آنکه فراهم کند نیکی را بیفزائیمش در آن نکوئی را همانا خداوند است آمرزنده سپاسگذار

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۖ فَإِنْ يَشَإِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ ۗ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ

یا گویند بست بر خدا دروغی پس اگر خواهد خدا مهر نهد بر دلت و نابود کند بیهده را و درست کند (راست آرد) درست را

بِكَلِمَاتِهِ ۚ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾ وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ

بسخنان خویش همانا او داناست بدانچه در سینه هاست و اوست آنکه پذیرد توبه را از بندگان خویش و درگذرد از بدیها

وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ ۗ

و داند آنچه را میکنید و می پذیرد از آنانکه ایمان آوردند و کردار نیک کردند و بیفزایدشان از فضل خویش

وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾ وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَٰكِنْ

و کافران راست عذابی سخت و اگر فراخ گرداند خدا روزی را برای بندگان خویش هر آینه سرکشی کنند در زمین ولیکن

يُنَزِّلُ بِقَدَرٍ مَا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا

فرستد باندازه هرچه خواهد همانا اوست به بندگان خویش آگاه بینا و اوست آنکه فرستد باران را پس از آنچه

قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ ۚ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٨﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ

نومید شدند و گستراند رحمت خویش را و اوست سرپرست ستوده و از آیتهای اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه گسترانید

فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ

در آنها از جنبندگان و اوست بر گرد آوردن آنان گاهی که خواهد توانا و آنچه بشما رسد از پیش آمدها پس بچیزی است که فراهم کردند

أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا

دستهای شما و درگذرد از بسیاری و نیستید شما بعجز آرندگان در زمین و نیست شما را جز خدا یار و نه

نَصِيرٍ ﴿٣١﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ﴿٣٢﴾ إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ

یاوری و از آیتهای اوست روندگان در دریا همانند کوهها اگر خواهد آرام گرداند باد را تا بمانند

رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ﴿٣٣﴾ أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا

بجای ایستادگان بر پشتش همانا در این است آیتهائی برای هر شکیبائی سپاسگذار یا نابود شان کند بدانچه

كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ ﴿٣٤﴾ وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ ﴿٣٥﴾

فراهم کردند و درگذرد از بسیاری و بدانند آنانکه ستیزه کنند در آیتهای ما که نیستشان گریزگاهی

حزب (۲)

فَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيْءٍ فَمَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ

پس آنچه داده شدید از چیزی همانا بهره زندگانی دنیاست و آنچه نزد خداست بهتر و پایدارتر است برای آنانکه ایمان آوردند و بپروردگار خویش

يَتَوَكَّلُونَ ﴿٣٦﴾ وَٱلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَٰحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا۟ هُمْ يَغْفِرُونَ ﴿٣٧﴾

توکل کنند و آنانکه دوری گزینند از بزرگیهای گناهان و بپوشی (از هش) و هرگاه خشم آرند بیامرزند

وَٱلَّذِينَ ٱسْتَجَابُوا۟ لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ ۖ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ

و آنانکه پذیرفتند برای پروردگار خود و بپاداشتند نماز را و کارشان مشورت است میان ایشان و از آنچه روزیشان دادیم بخشند

﴿٣٨﴾ وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ ٱلْبَغْىُ هُمْ يَنتَصِرُونَ ﴿٣٩﴾ وَجَزَٰٓؤُا۟ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا ۖ فَمَنْ عَفَا وَ

و آنانکه هرگاه رسد شان ستم و کیفر بد همانست مانندش و آنکه درگذرد و

أَصْلَحَ فَأَجْرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٤٠﴾ وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِم

اصلاح کند پس پاداشش بر خداست همانا او دوست ندارد ستمکاران را و همانا آنکه یاری جوید پس از ستمگری برادشو آنانرا نیست برایشان

مِّن سَبِيلٍ ﴿٤١﴾ إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ يَظْلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبْغُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ ۚ

راهی جز این نیست که راه بر آنان است که ستم کنند بر مردم و سرکشی کنند در زمین بناروا

أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤٢﴾ وَلَمَن صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ ﴿٤٣﴾ وَمَن يُضْلِلِ

ایشانرا است عذابی دردناک و هرکه شکیبا شود و آمرزش کند همانا آنست از عزیمت کارها و آنکرا گمراه سازد

ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن وَلِىٍّ مِّنۢ بَعْدِهِۦ ۗ وَتَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ لَمَّا رَأَوُا۟ ٱلْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ

خدا نباشدش دوستی پس از او و بینی ستمکارانرا گاهی که ببینند عذاب را گویند آیا هست بسوی بازگشت

مِّن سَبِيلٍ ﴿٤٤﴾ وَتَرَىٰهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَٰشِعِينَ مِنَ ٱلذُّلِّ يَنظُرُونَ مِن طَرْفٍ خَفِىٍّ ۗ وَقَالَ

راهی و بینی ایشان را عرضه شوند بر آن سرافکندگان از خواری بنگرند از گوشه چشم پنهانی و گفتند

ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّ ٱلْخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ أَلَآ إِنَّ ٱلظَّٰلِمِينَ فِى

آنانکه ایمان آوردند زیانکاران آنانند که زیان کردند خویشتن و خاندان خویش را روز رستاخیز همانا ستمکارانند همانا در

عَذَابٍ مُّقِيمٍ ﴿٤٥﴾ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنْ أَوْلِيَآءَ يَنصُرُونَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ ۗ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن

عذابی پایدار و نبود شان دوستانی که یاریشان کنند جز خدا و آنکرا گمراه سازد خدا پس نیست

سَبِيلٍ ﴿٤٦﴾ ٱسْتَجِيبُوا۟ لِرَبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِىَ يَوْمٌ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِ ۚ مَا لَكُم مِّن مَّلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ

راهی بپذیرید از پروردگارخود پیش از آنکه بیاید روزی که نیستش بازگشتی از خدا نیست شمارا پناهگاهی آنروز

وَمَا لَكُم مِّن نَّكِيرٍ ﴿٤٧﴾ فَإِنْ أَعْرَضُوا۟ فَمَآ أَرْسَلْنَٰكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۖ إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا ٱلْبَلَٰغُ ۗ

و نیستشان برابری کردن پس اگر روی برتافتند همانا نفرستادیمت نگهبانی نیست بر تو جز رسانیدن

وَإِنَّآ إِذَآ أَذَقْنَا ٱلْإِنسَٰنَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا ۖ وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ

و ما هرگاه چشانیم انسانرا از خود رحمتی شادمان شود بدان و اگر رسد شان بدی بدانچه پیش آورده دستهای ایشان همانا

ٱلْإِنسَٰنَ كَفُورٌ ﴿٤٨﴾ لِّلَّهِ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ يَهَبُ لِمَن يَشَآءُ إِنَٰثًا وَيَهَبُ لِمَن

انسان است بسی ناسپاس خداراست پادشاهی آسمانها و زمین بیافریند هرچه خواهد ببخشد هرکرا خواهد مادگانی و ببخشد بدانکه

يَشَآءُ ٱلذُّكُورَ ﴿٤٩﴾ أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنَٰثًا ۖ وَيَجْعَلُ مَن يَشَآءُ عَقِيمًا ۚ إِنَّهُۥ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

خواهد نرانی جفت کند شان نرانی و مادگانی و هرکرا خواهد نازا همانا او دانای توانا

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُكَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَحْيًا اَوْ مِنْ وَرَآئِ حِجَابٍ اَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بِاِذْنِهِ

ونبود است بشری را که سخن گویدش خدا مگر سروشی یا از پشت پرده یا فرستد پیکی پس وحی کند بدستورش

مَا يَشَآءُ ؕ اِنَّهُ عَلِيٌّ حَكِيمٌ ﴿۵۱﴾ وَكَذٰلِكَ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ رُوحًا مِّنْ اَمْرِنَا ؕ مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ

آنچه خواهد همانا اوست فرازنده حکیم و بدینسان وحی فرستادیم بسوی تو روحی (روانی) را از امر ما نبودی بدانی چیست کتاب

وَلَا الْاِيمَانُ وَلٰكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَّهْدِي بِهِ مَنْ نَّشَآءُ مِنْ عِبَادِنَا ؕ وَاِنَّكَ لَتَهْدِيٓ اِلٰى صِرَاطٍ

و نه ایمان ولیکن گردانیدیمش تابشی که رهبری کنیم بدان هر که را خواهیم از بندگان خود و همانا تو راهنمائی کنی بسوی راهی

مُّسْتَقِيمٍ ﴿۵۲﴾ صِرَاطِ اللّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ؕ اَلَآ اِلَى اللّٰهِ تَصِيرُ الْاُمُورُ ﴿۵۳﴾

راست راه خدائی که او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همانا بسوی خدا بازگردند کارها

سُورَةُ الزُّخْرُفِ مَكِّيَّةٌ وَاٰيَاتُهَا تِسْعٌ وَثَمَانُونَ اٰيَةً

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

سورة ۴۳ — حروفها ۳۴۰۰ — کلماتها ۸۳۳

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حٰمٓ ﴿۱﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾ اِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۳﴾ وَاِنَّهُ فِي اُمِّ

سوگند بکتاب آشکار که ما گردانیدیمش قرآنی عربی شاید شما بخرد یابید و همانا آنست در مادر

الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ﴿۴﴾ اَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ الذِّكْرَ صَفْحًا اَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ﴿۵﴾ وَكَمْ

کتاب نزد ما فرازنده حکیم آیا میزنیم از شما ذکر را (یادآوری را) کناری که شمائید قومی فزونی جویان و بسا

اَرْسَلْنَا مِنْ نَّبِيٍّ فِي الْاَوَّلِينَ ﴿۶﴾ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ نَّبِيٍّ اِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ﴿۷﴾ فَاَهْلَكْنَآ

فرستادیم پیمبری در پیشینیان و نیامدشان پیمبری جز آنکه بودند بدو مسخره کنان پس نابود ساختیم

اَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضٰى مَثَلُ الْاَوَّلِينَ ﴿۸﴾ وَلَئِنْ سَاَلْتَهُمْ مَّنْ خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ

سخت تر از ایشان را در نیرو (جنگ آوری) و گذشت مثل پیشینیان و اگر پرسیشان که آفریدست آسمانها و زمین را

لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿۹﴾ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْاَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا

هر آینه گویند آفرید آنها را خدای عزتمند دانا آنکه گردانید برای شما زمین را آرامگهی و نهاد برای شما در آن راههائی

لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿۱۰﴾ وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً بِقَدَرٍ فَاَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا ؕ كَذٰلِكَ

شاید رهبری شوید و آنکه فرستاد از آسمان آبی باندازه‌ای پس زنده ساختیم بدان شهری مرده را بدینگونه

تُخْرَجُونَ ﴿۱۱﴾ وَالَّذِي خَلَقَ الْاَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الْفُلْكِ وَالْاَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ

بیرون آورده شوید و آنکه آفرید جفتها را همگی و قرار داد برای شما از کشتی و دامها آنچه را سوار شوید

﴿۱۲﴾ لِتَسْتَوُوا عَلٰى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ اِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ

تا استوار شوید بر پشتهای آن پس یاد آرید نعمت پروردگار خویش را گاهی که استوار شدید بر آنها و گویند منزه است

الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿۱۳﴾ وَاِنَّآ اِلٰى رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿۱۴﴾ وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ

خدائی که رام کرد برای ما اینرا و نبودیم ما آنرا هماوردان و هر آینه مائیم بسوی پروردگار خویش بازگشتگان و قرار دادند برای او از

عِبَادِهِ جُزْءًا ؕ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿۱۵﴾ اَمِ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَاَصْفٰىكُمْ بِالْبَنِينَ ﴿۱۶﴾

بندگانش بخشی همانا انسان است ناسپاس آشکار یا بگرفت از آنچه بیافریدست دخترانی و برگزیدست شما را به پسران

وَاِذَا بُشِّرَ اَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمٰنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾ اَوَمَنْ يُنَشَّؤُا فِي

وگاهیکه مژده داده شود یکیشان بدانچه زده است برای خداوند مهربان مثلی گردد چهره او سیاه واو است خشم خورنده آیا آنکو آراسته گردد

الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾ وَجَعَلُوا الْمَلٰٓئِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمٰنِ اِنَاثًا

بزیور و او در ستیزه گری (یا دشمنان) است ناآشکار وقرار دادند فرشتگانرا که بندگان خدای مهربانند مادگانی

اَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْئَلُونَ ﴿١٩﴾ وَقَالُوا لَوْ شَآءَ الرَّحْمٰنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا

آیا گواه شدند آفرینش آنانرا زود است نوشته شود گواهیشان وپرسش شوند وگفتند اگر میخواست خداوند مهربان نمیپرستیدیمشان

لَهُمْ بِذٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ اِنْ هُمْ اِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٢٠﴾ اَمْ اٰتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِنْ قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ

نیستشان بدان دانشی نیستند آنان جز آنکه دروغ میگویند یا دادیم بدیشان کتابی پیش از آن پس ایشانند بدان چنگ زنندگان

﴿٢١﴾ بَلْ قَالُوٓا اِنَّا وَجَدْنَآ اٰبَآءَنَا عَلٰٓى اُمَّةٍ وَاِنَّا عَلٰٓى اٰثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ ﴿٢٢﴾ وَكَذٰلِكَ مَآ اَرْسَلْنَا

بلکه گفتند یافتیم پدران خویش را بر ملتی ومائیم همانا بر نشانیهای آنان پیروان وبدینسان نفرستادیم

مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ اِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَآ اِنَّا وَجَدْنَآ اٰبَآءَنَا عَلٰٓى اُمَّةٍ وَاِنَّا عَلٰٓى اٰثَارِهِمْ

پیش از تو در شهری ترساننده ای جز آنکه گفتند هوسرانانش که یافتیم همانا پدران خویش را بر ملتی ومائیم هرآینه بر نشانیهای آنان

مُقْتَدُونَ ﴿٢٣﴾ قَالَ اَوَلَوْ جِئْتُكُمْ بِاَهْدٰى مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ اٰبَآءَكُمْ قَالُوٓا اِنَّا بِمَآ اُرْسِلْتُمْ بِهِ

پیروان گفت واگرچه بیارم شمارا براهنماتر از آن که یافتید بر آن پدران خویش را گفتند همانا مائیم بدانچه فرستاده شدید بدان

كَافِرُونَ ﴿٢٤﴾ فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٥﴾ وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِيمُ لِاَبِيهِ

کافران پس انتقام گرفتیم از ایشان پس بنگر چگونه بود عاقبت تکذیب کنندگان وهنگامیکه گفت ابراهیم بپدر خویش

وَقَوْمِهٖٓ اِنَّنِي بَرَآءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾ اِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَاِنَّهُ سَيَهْدِينِ ﴿٢٧﴾ وَجَعَلَهَا كَلِمَةً

وقومش که منم همانا بیزار از آنچه میپرستید مگر آنکه مرا آفرید که او زود است رهبریم کند وگردانید آنرا سخنی

بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾ بَلْ مَتَّعْتُ هٰٓؤُلَآءِ وَاٰبَآءَهُمْ حَتّٰى جَآءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ

پایدار از پس خویش (یا در نژاد خویش) شاید ایشان بازگردند بلکه بهره مند ساختم ایشان وپدران ایشانرا تا بیامدشان حق وفرستاده

مُبِينٌ ﴿٢٩﴾ وَلَمَّا جَآءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ وَاِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٠﴾ وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هٰذَا الْقُرْاٰنُ

آشکار وهنگامیکه بیامدشان حق گفتند این است جادوئی وهمانا مائیم بدان کافران وگفتند چرا فرستاده نشد این قرآن

عَلٰى رَجُلٍ مِنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿٣١﴾ اَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ

بر مردی از دو شهر بزرگواری آیا آنان بخش کنند رحمت پروردگار ترا ما قسمت کردیم میان ایشان روزی ایشانرا

فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ

در زندگانی دنیا وبرتری دادیم برخی از ایشانرا بر برخی در پایه ها تا بگیرد بعضی از آنان بعضی را مسخره ورحمت پروردگار تو

خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾ وَلَوْلَآ اَنْ يَكُونَ النَّاسُ اُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمٰنِ لِبُيُوتِهِمْ

بهتر است از آنچه گرد آرند واگر نبود که میشدند مردم ملتی یگانه هرآینه قرار میدادیم برای آنانکه کفر ورزند بخدای مهربان برای خانه های آنان

سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ﴿٣٣﴾ وَلِبُيُوتِهِمْ اَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَّكِئُونَ ﴿٣٤﴾

پوششهائی از سیم ونردبانهائیکه بر آنها برآیند وبرای خانه های آنان درهائی وتختهائی که بر آنها تکیه زنند

وَزُخْرُفًا وَاِنْ كُلُّ ذٰلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾

وزیوری وهرآینه همه اینها بهره زندگانی دنیاست وآخرت است نزد پروردگار تو از آن پرهیزکاران

---

١٨ وهو في الخصام یعنی آنکه زنان در مقام حجاج واستدلال عاجز وناتوانند چنانکه از قتاده است که کمتر افتد آنکه زنی بحجت خویش زنان برگشاید وآن حجت بر علیه خویش تمام نکند وقوله است که من در اومن ینشؤا مفعول است از برای تعبدون محذوف یعنی آیا پرستش بتان کنید که با زیب وزیور پیکر آنها بیارایند اما بر سخن وگفتار قادر نباشند.

٢٨ وجعلها کلمة باقیة یعنی توحید را

حزب (٣)

گفتاری باقی وجاوید در خاندان خویش گذارد واز امام ابوعبدالله صادق علیه السلام است که کلمه باقیه در اعقاب ابراهیم ع همانا امامت بود علی رجل من القریتین مقصود از دو قریه مکه وطایف است که کفار عظماء آن دو قریه را اولی بنبوت دانستندی وبقولی ولید بن مغیره را از مکه وابا مسعود عروة بن مسعود ثقفی را از طایف وعتبة بن ابی ربیعه از مکه وابن عبد یالیل از طایف از برای این کار برگزیده وزیبنده وبرازنده شمردندی امة واحدة یعنی اگر نبود بیم آنکه مردم همگان بر کفر وشرک گرد وفراهم شوند واز امت مسلمه کسی بجای نماند هرآینه کفار را از سراسر آرزوهاشان برخوردار ساختمی

وَمَن يَعْشُ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَٰنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿۳۶﴾ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ

و هرکه روی برتابد از یاد خدای مهربان برمیانگیزیم برایش شیطانی پس اوست ویرا همنشین و بهناآگاهی بازدارندشان از راه

وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُم مُّهْتَدُونَ ﴿۳۷﴾ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ

و پندارند کو ایشانند راه یافتگان تا گاهیکه آید ما را گوید کاشکی میان من و تو دوری خاور و باختر بودی که چه زشت

الْقَرِينُ ﴿۳۸﴾ وَلَن يَنفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَّلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿۳۹﴾ أَفَأَنتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ

همنشینی هست و هرگز سودشان ندهد امروز گاهیکه ستم کردید که شایند در عذاب شرکت کنندگان پس آیا تو میشنوانی کران را یا

تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَن كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿۴۰﴾ فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُم مُّنتَقِمُونَ ﴿۴۱﴾

راهبری کنی کوران را و آنرا که او هست در گمراهی آشکار پس اگر ترا ببریم هانا ما ایشان از انتقام گیرندگان

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ ﴿۴۲﴾ فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ

یا نمایم ترا آنچه بدیشان وعده دادیم هانا ما ایم برایشان توانایان پس چنگ زن بدانچه وحی شد بسوی

إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿۴۳﴾ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿۴۴﴾ وَاسْأَلْ مَنْ

که تو فی هانا بر راه راست و هرآینه آن یادآوریست برای تو و قومت و زود باشد که پرسش شوید و بپرس آنرا که

أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ مِن رُّسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِن دُونِ الرَّحْمَٰنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ ﴿۴۵﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا

فرستادیم پیش از تو از فرستادگان خویش آیا فرادادیم جز خدایان مهربان خدایانی که پرستش شوند و هانا فرستادیم

مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۶﴾ فَلَمَّا جَاءَهُم بِآيَاتِنَا

موسی را با نشانهای خویش بسوی فرعون و کسانش پس گفت منم فرستاده پروردگار جهانیان تا گاهیکه بیاورد شان آیتهای ما

إِذَا هُم مِّنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿۴۷﴾ وَمَا نُرِيهِم مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ

ناگاه ایشانند بدان خنده زنان و ننمودیم بشان آیتی مگر آنست بزرگتر از خواهرش (دیگری) و گرفتیم شان بعذاب

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۴۸﴾ وَقَالُوا يَا أَيُّهَ السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ

باشد ایشان بازگردند و گفتند ای جادوگر بخوان برای ما پروردگار خویش را بدانچه نزد تو سپرده که ما ایم هانا هدایت شدگان

﴿۴۹﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنكُثُونَ ﴿۵۰﴾ وَنَادَىٰ فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ

پس هنگامیکه برداشتیم از ایشان عذاب را ناگاه ایشانند پیمان شکنان و بانگ برآورد فرعون در قوم خویش گفت ای قوم من آیا نیست

لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَٰذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿۵۱﴾ أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ

از آن من پادشاهی مصر و این جویها روانند از زیر آیا نمی بینید بلکه من بهترم از آن که اوست

مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿۵۲﴾ فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّن ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ

زبون و نیاردکه گویا گردد پس چرا افکنده نشد برو او دست بندهائی از زر یا بیایند با وی فرشتگان

مُقْتَرِنِينَ ﴿۵۳﴾ فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿۵۴﴾ فَلَمَّا آسَفُونَا انتَقَمْنَا مِنْهُمْ

برابر (دوشادوش) پس سبکسر ساخت قومش را پس فرمانبردارش گردند مگر بودند ایشان هانا گروهی نابکاران تا گاهیکه بخشم آوردند ما را کین کشیدیم از ایشان

فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿۵۵﴾ فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ ﴿۵۶﴾ وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ

پس غرق ساختیم ایشانرا همگی پس گردانیدیم ایشان گذشته و نمونه‌ای برای بازماندگان و گاهیکه زده شد پسر مریم مثلی ناگاه قومت

مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿۵۷﴾ وَقَالُوا أَآلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿۵۸﴾

ازو بازدارند (بر گردند) و گفتند آیا خدایان ما بهترند یا او نزدند مثل برای تو جز بستیزگی بلکه ایشانند گروهی ستیزه جویان

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿۵۹﴾ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ

نیست او جز بنده‌ای که بخشیدیم بدو و گردانیدیمش مثلی برای بنی اسرائیل و اگر میخواستیم قرار میدادیم بجای شما

مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿۶۰﴾ وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَٰذَا صِرَاطٌ

فرشتگانی در زمین جانشین شوند و همانا آن علمی است بساعت پس شک نورزید بدان و مرا پیروی کنید این است راهی

مُسْتَقِيمٌ ﴿۶۱﴾ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿۶۲﴾ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ

راست و باز ندارد شما را شیطان که او شما راست دشمنی آشکار و هنگامیکه بیامد عیسی بنشانیها

قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ﴿۶۳﴾

گفت همانا آوردم شما را بحکمت و تا بیان کنم برای شما پاره آنچه را در آن اختلاف دارید پس بترسید خدا را و مرا فرمانبرید

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿۶۴﴾ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ

همانا خداست پروردگار من و پروردگار شما پس بپرستیدش این است راهی راست پس اختلاف کردند احزاب از میان ایشان

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ أَلِيمٍ ﴿۶۵﴾ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ

پس وای برای آنانکه ستم کردند از عذاب روزی دردناک آیا چشم براهند جز ساعت را که بیاید شان ناگاه و ایشان

لَا يَشْعُرُونَ ﴿۶۶﴾ الْأَخِلَّاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿۶۷﴾ يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ

ندانند دوستان در آنروز بعضیشان بعضی را دشمنند مگر پرهیزکاران ای بندگان من نیست بیمی بر شما

الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ﴿۶۸﴾ الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿۶۹﴾ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ

امروز و نه اندوهگین باشید آنانکه ایمان آوردند بآیتهای ما و بودند اسلام آورندگان در آئید بهشت شما

وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿۷۰﴾ يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ

و همسرانتان شادمانان گردانیده شود برایشان جامهائی از زر و صراحیهائی و در آن است آنچه هوس کنند دلها

وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۷۱﴾ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۷۲﴾

و لذت برند دیدگان و شمائید در آن جاودانان و اینست بهشتی که ارث داده شدیدش بدانچه بودید میکردید

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿۷۳﴾ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿۷۴﴾ لَا

شما راست در آن میوه فراوان که از آن میخورید همانا گنهکاران در عذاب دوزخند جاودانان

يُفَتَّرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿۷۵﴾ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿۷۶﴾ وَنَادَوْا يَا مَالِكُ

بریده نگردد از ایشان و ایشانند در آن سرافکندگان و ستم نکردیم برایشان ولیکن بودند ایشان ستمکاران و بانگ برآوردند ای مالک

لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَاكِثُونَ ﴿۷۷﴾ لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ

حکم کند بر ما (یکسره کند کار ما را) پروردگارت گوید همانا شمائید ماندگان همانا آوردیم شما را بحق ولیکن بیشتر شمائید حق را ناخوش دارندگان

﴿۷۸﴾ أَمْ أَبْرَمُوا أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿۷۹﴾ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلُنَا

بلکه استوار کردند کاری را که مائیم همانا استوارکنان یا پندارند که ما نمیشنویم نهان ایشان و راز ایشان را بلی و فرستادگان ما

لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿۸۰﴾ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ﴿۸۱﴾ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

نزد ایشانند نویسندگان بگو اگر باشد خدا را فرزندی هر آینه منم نخستین پرستندگان منزه است پروردگار آسمانها و زمین

رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿۸۲﴾ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿۸۳﴾

پروردگار عرش از آنچه میستایند پس بگذارشان فرو روند و بازی کنند تا برسند روز خویش را آنروزی که وعده داده شوند

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ از سادات اهلبیت علیهم السلام روایت است که علی علیه السلام گفت روزی بنزد رسول خدای شدم و او را در انبوهی از قریش یافتم و چون مرا نگریست گفت ای علی همانا مثل تو در این امت مثل عیسی بن مریم است که برخی ویرا دوست داشتند و در دوستی او افراط کردند و نابود شدند و برخی دشمنش داشتند و چون در دشمنی او افراط کردند تباه شدند و گروهی در باره او میانه روی برگزیدند و نجات یافتند چون آن انبوه این سخن شنیدند بر ایشان گران و ناگوار آمد و از راه فسوس گفتند ویرا با پیمبران مانند میکند و در دم آیت إِلَٰهَنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ نازل شد * وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِلسَّاعَةِ یعنی آنکه فرود آمدن عیسی از اشراط ساعت و قیامت است و از جابر بن عبد الله است که شنیدم پیمبر را میگفت فرود شود عیسی بن مریم و بگوید امیرشان (مقصود این امت است) بیا تا با تو نماز گذاریم و او گوید بلکه بعضی از شما بر بعضی دیگر امیر هستید و این کرامت و بزرگ داشتی باشد از خدای در باره همین امت و این حدیث را مسلم در صحیح خویش بیاورده و هم در حدیث دیگر است چگونه باشید شما آنگاه که فرزند مریم فرود شود در شما و امام شما از خود شما باشد فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ۸۱ بعضی ان را و إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدٌ از برای نفی گرفتند

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَٰهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَٰهٌ ۚ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

واوست آنکه در آسمان خداست و در زمین خداست واوست حکیم دانا و فرخنده باد آنکه ویرا پادشاهی آسمانهاست

وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ ۖ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾ وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ

و زمین و آنچه میان آنهاست و نزد اوست علم ساعت و بسویش بازگردانیده شوید و دارا نیستند آنانکه جزوی خوانند

الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ

شفاعت را جز آنکو گواهی دهد بحق و ایشان میدانند و اگر پرسیشان که آفریدستشان هرآینه گویند خدا پس کجا

يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾ وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ ۚ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

بدروغ رانده میشوند و گفتارش که پروردگارا همانا اینانند گروهی ایمان نیارندگان پس درگذر از ایشان و بگو سلامی پس زود است بدانند

سورة الدخان مكية وآياتها تسع وخمسون آية

سورة ۴۴ — حروفها ۱۴۳۱ — كلماتها ۳۴۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حٰمٓ ﴿١﴾ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿٢﴾ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ ﴿٣﴾ فِيهَا يُفْرَقُ

سوگند بکتاب آشکار که ما فرستادیمش همانا در شبی فرخنده که ما بودیم هرآینه بیم دهندگان در آن جدا گردد

كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ﴿٤﴾ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا ۚ إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٥﴾ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ ۚ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ

هرکاری استوار کاری از نزد ما همانا مائیم فرستندگان رحمتی از پروردگار تو که اوست شنوای

الْعَلِيمُ ﴿٦﴾ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۖ إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿٧﴾ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَ

دانا پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست اگر هستید یقین دارندگان نیست خدائی جز او زنده کند و

يُمِيتُ ۖ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ ﴿٨﴾ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ﴿٩﴾ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ

و بمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران شما پیشینیان بلکه ایشانند در شکی بازیکنان پس چشم براه باش روزی را که بیارد آسمان

بِدُخَانٍ مُبِينٍ ﴿١٠﴾ يَغْشَى النَّاسَ ۖ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١١﴾ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ

دودی آشکار فراگیرد مردم را اینست عذابی دردناک پروردگارا بگشای از ما عذاب را که مائیم ایمان آرندگان

﴿١٢﴾ أَنَّىٰ لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ﴿١٣﴾ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ ﴿١٤﴾

کجاست ایشانرا یاد آوردن و بیامدشان فرستاده آشکار پس روی برتافتند از او و گفتند آموخته است دیوانه

إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ﴿١٥﴾ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنْتَقِمُونَ

همانا گشاینده ایم عذاب را اندکی همانا شمائید بازگشت کنان روزیکه خشم آریم خشم بزرگ را همانا مائیم انتقام گیرندگان

﴿١٦﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ﴿١٧﴾ أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ ۖ إِنِّي

و هرآینه آزمودیم پیش از ایشان قوم فرعون را و بیامدشان فرستاده گرامی که بسپرید بمن بندگان خدا را که منم

لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ﴿١٨﴾ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ ۖ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ﴿١٩﴾ وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي

برای شما فرستاده امین و آنکه گردنکشی نکنید بر خدا که آرنده ام شما را بفرمانروائی آشکار و همانا پناه بردم بپروردگار

وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ ﴿٢١﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ﴿٢٢﴾

و پروردگار شما از آنکه مرا بیفکنید و اگر نگرویدید بمن پس از من دوری گزینید پس خواند پروردگار خویش را که اینانند گروهی گنهکاران

حزب (۴)

فَاَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا اِنَّكُمْ مُّتَّبَعُونَ ﴿٢٣﴾ وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا اِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ ﴿٢٤﴾ كَمْ تَرَكُوا مِنْ

پس ببر بندگانم را در شب که شمائید پیروی شدگان و بگذار دریا را آرام که ایشانند سپاهی غرقشدگان بسا بازگذاردند از

جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٢٥﴾ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ﴿٢٦﴾ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ ﴿٢٧﴾ كَذَٰلِكَ وَاَوْرَثْنَاهَا

باغها و چشمه سارهائی و کشتزارها و جایگاهی گرامی و نعمتی که بودند در آن برخورداران بدینسان ارث دادیم آنها را

قَوْمًا اٰخَرِينَ ﴿٢٨﴾ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْاَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ﴿٢٩﴾ وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي اِسْرَائِيلَ

بگروهی دگران پس نگریست برایشان آسمان و زمین و نبودند مهلت دادگان و همانا رهانیدیم بنی اسرائیل را

مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ ﴿٣٠﴾ مِنْ فِرْعَوْنَ اِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ ﴿٣١﴾ وَلَقَدِ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ

از عذاب خوارکننده از فرعون که او بود همانا گردن فرازی از فزونی جویان و همانا برگزیدیمشان بر دانشی

عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٣٢﴾ وَاٰتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْاٰيَاتِ مَا فِيهِ بَلَاءٌ مُّبِينٌ ﴿٣٣﴾ اِنَّ هٰؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ﴿٣٤﴾ اِنْ هِيَ

بر جهانیان و دادیمشان از آیتها آنچه را در آنست آزمایشی آشکار همانا اینان گویند نیست آن

اِلَّا مَوْتَتُنَا الْاُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنْشَرِينَ ﴿٣٥﴾ فَأْتُوا بِاٰبَائِنَا اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٣٦﴾ اَهُمْ خَيْرٌ اَمْ قَوْمُ

جز مرگ نخستین ما و نیستیم ما گردآوردگان پس بیارید پدران ما را اگر هستید راستگویان آیا اینان بهترند یا قوم

تُبَّعٍ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ اَهْلَكْنَاهُمْ اِنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَمَا خَلَقْنَا السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

تبع و آنانکه پیش از ایشان بودند نابودشان کردیم که بودند ایشان همانا گنهکاران و نیافریدیم آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست

لَاعِبِينَ ﴿٣٨﴾ مَا خَلَقْنَاهُمَا اِلَّا بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾ اِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ

بازی کنان نیافریدیمشان جز بحق ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند همانا روز جدا کردن وعده گاه ایشان است

اَجْمَعِينَ ﴿٤٠﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَّوْلًى شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤١﴾ اِلَّا مَنْ رَّحِمَ اللّٰهُ اِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ

همگی روزیکه بی نیاز نگرداند دوستی از دوستی چیزی را و نه ایشان یاری شوند مگر آنکو رحم کند خدا که اوست همانا عزتمند

الرَّحِيمُ ﴿٤٢﴾ اِنَّ شَجَرَتَ الزَّقُّومِ ﴿٤٣﴾ طَعَامُ الْاَثِيمِ ﴿٤٤﴾ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ﴿٤٥﴾ كَغَلْيِ الْحَمِيمِ ﴿٤٦﴾

مهربان همانا درخت زقوم خوراک گنهکار است چون آهن گداخته جوشد در شکمها بسان جوشیدن آب جوشان

خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ اِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ ﴿٤٧﴾ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ﴿٤٨﴾ ذُقْ اِنَّكَ

بگیریدش پس بکشیدش بمیان دوزخ پس بریزید بر سرش از شکنجهٔ آب جوشان بچش که توئی

اَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ ﴿٤٩﴾ اِنَّ هٰذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ ﴿٥٠﴾ اِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ اَمِينٍ ﴿٥١﴾ فِي

همانا آن مهتر گرامی اینست آنچه بودید در آن شک میکردید همانا پرهیزکارانند در جایگهی آرام در

جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ﴿٥٢﴾ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَاِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِينَ ﴿٥٣﴾ كَذَٰلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ

باغها و چشمه سارهائی پوشند از سندس و استبرق روی بروی بدینگونه و همسر آوردیمشان

بِحُورٍ عِينٍ ﴿٥٤﴾ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ اٰمِنِينَ ﴿٥٥﴾ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ اِلَّا الْمَوْتَةَ

بحور عین خوانند در آن بهر میوه‌ای ایمن شدگان نچشند در آن مرگ را جز مرگ

الْاُولَىٰ وَوَقَاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿٥٦﴾ فَضْلًا مِّنْ رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٥٧﴾ فَاِنَّمَا

نخستین و نگهداشت ایشان را از عذاب دوزخ فضلی از پروردگار تو اینست آن رستگاری بزرگ جز این نیست

يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥٨﴾ فَارْتَقِبْ اِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ ﴿٥٩﴾

که روانش ساختیم بر زبانت شاید یادآور شوند پس منتظر باش که ایشانند هر آینه منتظران

٢٤ واترك البحر رهوا رهو در لغت بمعنی آرام و آسان است و قولی است که رهو بمعنی زمینی است که نه ریگزار باشد و نه هموار و معنی آیه آنکه دریا را چنانکه هست هموار و آرمیده بازگذار چه گویند موسی پس از گذشتن چنان خواست که عصا بدان نوازد تا همچنان بحال نخستین بهم آمده بازگردد بنادا فرعون ویرا تعاقب نماید از اینرو بدو گفته شد که مگر دریا را بدانسان که شده است بازگذار و آنرا بهم آمیخته مگردان ٢٩ فما بكت عليهم السماء این آیت از ابن عباس پرسیده شد و آنکه آیا آسمان و زمین بر کسی تواند گریست گفت آری مصلای او در زمین و جایگاه فراز شدن عملش از آسمان و از انس است که پیغمبر گفت هیچ مؤمن نیست جز آنکه ویرا بابی است که عملش از آن صعود کند و نیز بابی که رزقش از آن فرود شود و چون بمیرد هر دو بر او همیگریند و از سدی است که چون حسین بن علی علیه السلام کشته شد آسمان بگریست و گریه آن سرخی اطراف آن بود و هم از امام ابی عبدالله صادق علیه السلام است بروایت زرارة بن اعین که آسمان بر یحیی بن زکریا و حسین بن علی علیهما السلام چهل بامداد همیگریست

سورة الجاثية مكية وآياتها سبع وثلثون آية

سورة ۴۵ — حروفها ۲۱۹۱ — كلماتها ۴۸۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

پیام خداوند بخشاینده مهربان

حٰمٓ ﴿۱﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿۲﴾ إِنَّ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ

فرستادن کتاب از خداوند عزتمند حکیم همانا در آسمانها و زمین است آیتهائی برای ایمان آرندگان

﴿۳﴾ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿۴﴾ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و در آفرینش شما و آنچه میگستراند از جنبنده آیتهائی است برای قومی که یقین دارند و در گردش شبانه روز

وَمَا أَنْزَلَ اللّٰهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ آيَاتٌ

و آنچه فرستاد خدا از آسمان از روزیی که زنده کرد بدان زمین را پس از مردنش و گردانیدن بادها آیتهائیست

لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴿۵﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللّٰهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللّٰهِ وَآيَاتِهِ

برای قومی که بخرد یابند اینست آیتهای خدا همی خوانیمش بر تو بحق پس بکدام سخن پس از خدا و آیتهایش

يُؤْمِنُونَ ﴿۶﴾ وَيْلٌ لِكُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ ﴿۷﴾ يَسْمَعُ آيَاتِ اللّٰهِ تُتْلَى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَنْ

ایمان میآورند وای بر هر دروغگوی گنهکاری که میشنود آیتهای خدا را خوانده میشوند بر او پس اصرار ورزد برتری جویان چنانکه

لَمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۸﴾ وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولٰئِكَ لَهُمْ

گوئی نشنیدستش پس مژده ده او را بعذابی دردناک و گاهی که داند از آیتهای ما چیزی را برگیردش بریشخند برای ایشانست

عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿۹﴾ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ

عذابی خوارکننده از پس ایشان است دوزخ و بی نیاز نکند از ایشان آنچه فراهم کردند چیزی و نه آنچه برگرفتند جز

اللّٰهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿۱۰﴾ هٰذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ

خدا دوستانی و ایشان راست عذابی بزرگ این است راهنمائی و آنانکه کفر ورزیدند بآیتهای پروردگار خویش ایشان راست عذابی

مِنْ رِجْزٍ أَلِيمٌ ﴿۱۱﴾ اللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

از پلید دردناک خداست آنکه رام کرد برای شما دریا را تا روان شود در آن کشتی بفرمانش و تا بجوئید روزی را از فضلش

وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿۱۲﴾ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ

و شاید سپاسگذارید و رام کرد برای شما آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همگی از آن وی است

إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿۱۳﴾ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ

همانا در اینست آیتهائی برای گروهی که اندیشه کنند بگو بدانانکه ایمان آوردند بیامرزند برای آنانکه امید ندارند

أَيَّامَ اللّٰهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۱۴﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ

روزهای خدا را تا پاداش دهد گروهی را بدانچه بودند دست میآوردند آنکه کردار نیک کند پس برای خویش است و آنکه

أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ثُمَّ إِلَى رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿۱۵﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ

بدی کند پس بر آن است سپس بسوی پروردگار خویش بازگردانیده شوید و هر آینه دادیم ببنی اسرائیل کتاب

وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿۱۶﴾

و حکم و پیمبری را و روزیشان دادیم از پاکیزه‌ها و برتریشان دادیم بر جهانیان

وَاٰتَيْنٰهُمْ بَيِّنٰتٍ مِّنَ الْاَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوْٓا اِلَّا مِنْۢ بَعْدِ مَا جَآءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ۭ اِنَّ رَبَّكَ

و آوردیم ایشان را آیتهای (نشانها) از کار پس اختلاف نکردند مگر از پس آنکه بیامدشان دانش بستمکشی میان خویش همانا پروردگار تو

يَقْضِيْ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ فِيْمَا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ۝۱۷ ثُمَّ جَعَلْنٰكَ عَلٰي شَرِيْعَةٍ مِّنَ الْاَمْرِ

داوری کند میان ایشان روز رستاخیز در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند سپس قرار دادیم ترا بر آئینی از کار

فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَاۗءَ الَّذِيْنَ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝۱۸ اِنَّهُمْ لَنْ يُّغْنُوْا عَنْكَ مِنَ اللّٰهِ شَيْـــًٔا ۭ وَاِنَّ

پس پیروی کن و پیروی مکن هوسهای آنانرا که نمیدانند همانا ایشان بینیازت نکنند از خدا بچیزی و همانا

الظّٰلِمِيْنَ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاۗءُ بَعْضٍ ۚ وَاللّٰهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِيْنَ ۝۱۹ هٰذَا بَصَاۗىِٕرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَّرَحْمَةٌ

ستمکاران برخیشان دوستدارند برخی و خداست دوست پرهیزکاران این بینشهائی است برای مردم و راهنمائی و رحمتی

لِّقَوْمٍ يُّوْقِنُوْنَ ۝۲۰ اَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ اجْتَرَحُوا السَّيِّاٰتِ اَنْ نَّجْعَلَهُمْ كَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا

برای گروهی که یقین دارند یا پندارند آنانکه فراهم کردند بدیها را که بگردانیمشان مانند آنانکه ایمان آوردند و کردارهای

الصّٰلِحٰتِ سَوَاۗءً مَّحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ۭ سَاۗءَ مَا يَحْكُمُوْنَ ۝۲۱ وَخَلَقَ اللّٰهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ

شایسته کردند یکسان زندگانیشان و مردنشان چه زشت آنچه حکم کنند و آفرید خدا آسمانها و زمین را بحق

وَلِتُجْزٰى كُلُّ نَفْسٍۢ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُوْنَ ۝۲۲ اَفَرَءَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوٰىهُ وَاَضَلَّهُ

و تا پاداش داده شود هر کسی بدرآنچه دست آورد و ایشان ستم نشوند آیا دیدی آنرا که برگرفت خدای خویش را هوسش و گمراهش ساخت

اللّٰهُ عَلٰي عِلْمٍ وَّخَتَمَ عَلٰي سَمْعِهٖ وَقَلْبِهٖ وَجَعَلَ عَلٰي بَصَرِهٖ غِشٰوَةً فَمَنْ يَّهْدِيْهِ مِنْۢ بَعْدِ اللّٰهِ ۭ

خدا با دانائی و مهر نهاد بر گوش او و دلش و نهاد بر دیده او پرده پس کیست رهبریش کند پس از خدا

اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ۝۲۳ وَقَالُوْا مَا هِيَ اِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوْتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا اِلَّا الدَّهْرُ ۚ وَمَا

آیا یاد آور نمیشوند و گفتند نیست آن جز زندگانی نزدیک ما بمیریم و زنده شویم و نمیراند ما را جز روزگار و

لَهُمْ بِذٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ ۭ اِنْ هُمْ اِلَّا يَظُنُّوْنَ ۝۲۴ وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيَاتُنَا بَيِّنٰتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ

نیستشان بدین دانشی نیستند آنان جز پندارندگان و گاهی که خوانده شود برایشان آیتهای ما روشن نباشد دستاویز ایشان

اِلَّآ اَنْ قَالُوا ائْتُوْا بِاٰبَاۗىِٕنَآ اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ ۝۲۵ قُلِ اللّٰهُ يُحْيِيْكُمْ ثُمَّ يُمِيْتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ اِلٰى يَوْمِ

جز آنکه گویند بیارید پدران ما اگر هستید راستگویان بگو خدا زنده سازدشما را پس بمیراندتان سپس گرد آوردتان بسوی روز

الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيْهِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝۲۶ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَيَوْمَ تَقُوْمُ

رستاخیز نیست شکی در آن ولیکن بیشتر مردم نمیدانند و خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و روزیکه برپا شود

السَّاعَةُ يَوْمَىِٕذٍ يَّخْسَرُ الْمُبْطِلُوْنَ ۝۲۷ وَتَرٰى كُلَّ اُمَّةٍ جَاثِيَةً ۭ كُلُّ اُمَّةٍ تُدْعٰٓى اِلٰى كِتٰبِهَا

ساعت آنروز زیانکار شوند نادرستان و بینی هر ملتی را بزانو درآمده هر ملتی خوانده شود بسوی کتاب خویش

اَلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ۝۲۸ هٰذَا كِتٰبُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ ۭ اِنَّا كُنَّا نَسْتَنْسِخُ مَا كُنْتُمْ

امروز پاداش داده میشوید آنچه را بودید میکردید این است کتاب ما سخن گوی است برشما بحق همانا ما استنساخ میکردیم (مینوشتیم) آنچه را بودید

تَعْمَلُوْنَ ۝۲۹ فَاَمَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِيْ رَحْمَتِهٖ ۭ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

میکردید اما آنانکه ایمان آوردند و کردارهای نکو کردند پس درآرد ایشان را پروردگارشان در رحمت خویش این است آن رستگاری

الْمُبِيْنُ ۝۳۰ وَاَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۣ اَفَلَمْ تَكُنْ اٰيٰتِيْ تُتْلٰى عَلَيْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِيْنَ ۝۳۱

آشکار و اما آنانکه کفر ورزیدند آیا نبود آیتهای من خوانده و شنیده پس کبر ورزیدید و شدید گروهی گنهکاران

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا

و هرگاه گفته میشد که وعده خداست حق و ساعت نیست شکی در آن میگفتید ندانیم چیست ساعت نپنداریم جز گمانی

وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ ﴿٣٢﴾ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و نیستیم ما یقین دارندگان و پدیدار شد برای ایشان بدیهای آنچه کردند و فرود آمد بدیشان آنچه بودند بدان مسخره میکردند

﴿٣٣﴾ وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَاكُمْ كَمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا وَمَأْوَاكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ

و گفته شد امروز فراموش کنیم شما را بدانسان که فراموش کردید رسیدن را بروز خویش این و جایگاه شماست آتش و نیست شما را

مِنْ نَاصِرِينَ ﴿٣٤﴾ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّكُمُ اتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَغَرَّتْكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ

یارانی این بدان است که گرفتید آیتهای خدا را ریشخند و فریب داد شما را زندگانی دنیا پس امروز

لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ ﴿٣٥﴾ فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ

برون آورده نشوند از آن و نه بهانه پذیرفته شود از ایشان پس خدایراست سپاس پروردگار آسمانها و پروردگار زمین

رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٣٦﴾ وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٣٧﴾

پروردگار جهانیان و او راست برتری در آسمانها و زمین و او است عزتمند حکیم

سورة الأحقاف مكية وآياتها خمس وثلثون آية

سورة ٤٦ — حروفها ٢٦٠٠ — كلماتها ٦٤٤

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حٰمٓ ﴿١﴾ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿٢﴾ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

فرستادن کتاب از خداوند عزتمند حکیم نیافریدیم آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست

إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنْذِرُوا مُعْرِضُونَ ﴿٣﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ

جز بحق و سرآمدی نامبرده و آنانکه کفر ورزیدند هستند از آنچه بیم داده شدند روی گردانان بگو آیا دیدید آنچه را خوانید

دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ ائْتُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَٰذَا

جز خدا بنمائیدم چه چیز آفریدند از زمین یا ایشانراست شرکتی در آسمانها بیاریدم بکتابی از پیش از این

أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٤﴾ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ يَدْعُو مِنْ دُونِ اللَّهِ مَنْ لَا

یا بازمانده از دانش اگر هستید راستگویان و کیست گمراهتر از آنکه خواند جز خدا آنرا که

يَسْتَجِيبُ لَهُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَنْ دُعَائِهِمْ غَافِلُونَ ﴿٥﴾ وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ

نپذیرد برایش تا روز رستاخیز و ایشانند از خواندن آنان ناآگاهان و گاهیکه گرد آورده شوند مردم باشند ایشانرا

أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ ﴿٦﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

دشمنانی و باشند بپرستش ایشان کافران و گاهی که خوانده شود برایشان آیتهای ما روشن گویند آنانکه کفر ورزیدند

لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ هَٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ﴿٧﴾ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنِ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنَ

بحق گاهیکه بیامدشان اینست جادوئی آشکار یا گویند بدروغش آوردی بگو اگر دروغش آرم دارا نباشید برای من از

اللَّهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٨﴾

خدا چیزی را او داناتر است بدانچه فرو روید در آن بس است او گواهی میان من و شما و او است آمرزگار مهربان

الجزء (٢٦)

قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِّنَ الرُّسُلِ وَمَآ اَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ ؕ اِنْ اَتَّبِعُ اِلَّا مَا يُوحٰٓى اِلَيَّ وَمَآ

بگو نیستم من نو ظهوری (تازه درآمدی) از پیمبران و ندانم چه کرده میشود بمن و نه بشما پیروی نکنم جز آنچه را وحی شود بسویم و نیستم

اَنَا اِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٩﴾ قُلْ اَرَاَيْتُمْ اِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ وَكَفَرْتُمْ بِهٖ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْۢ بَنِيٓ

من جز ترساننده آشکار بگو آیا دیدید اگر باشد از نزد خدا و کفر ورزیدید بدان و گواهی دهد گواهی از بنی

اِسْرَآئِيلَ عَلٰى مِثْلِهٖ فَاٰمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ ﴿١٠﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

اسرائیل بر مانند آن پس ایمان آورد و شما کبر ورزیدید همانا خدا رهبری نکند گروه ستمگران را و گفتند آنانکه کفر ورزیدند

لِلَّذِينَ اٰمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَآ اِلَيْهِ ؕ وَاِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهٖ فَسَيَقُولُونَ هٰذَآ اِفْكٌ قَدِيمٌ

بدانانکه ایمان آوردند اگر خوبی میبود پیشی نمیگرفتند از ما بدان و چون رهبری نشدند بدان زود است گویند آن است دروغی کهن

﴿١١﴾ وَمِنْ قَبْلِهٖ كِتَابُ مُوسٰٓى اِمَامًا وَرَحْمَةً ؕ وَهٰذَا كِتَابٌ مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا

و از پیشش کتاب موسی پیشوا و رحمتی و این است کتابی تصدیق کننده بزبان عربی تا بترساند آنانرا که ستم کردند

وَبُشْرٰى لِلْمُحْسِنِينَ ﴿١٢﴾ اِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

و مژده است برای نکوکاران همانا آنانکه گفتند پروردگار ما خدا است و سپس پایدار ماندند نیست بیمی برایشان و نه اندوهگین شوند

﴿١٣﴾ اُولٰٓئِكَ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ جَزَآءًۢ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٤﴾ وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ

آنانند یاران بهشت جاودانان در آن پاداشی برابر آنچه بودند میکردند و پند دادیم انسانرا درباره پدر و مادرش

اِحْسَانًا ؕ حَمَلَتْهُ اُمُّهٗ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهٗ وَفِصَالُهٗ ثَلٰثُونَ شَهْرًا حَتّٰٓى اِذَا بَلَغَ اَشُدَّهٗ

به نیکی بارور شد بدو مادرش بناخواه و بنهادش بناخواه و بارورش و از شیر گرفتنش سی ماه تا گاهیکه رسید نیروهای خود را

وَبَلَغَ اَرْبَعِينَ سَنَةً ۙ قَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِيٓ اَنْ اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِيٓ اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ

و رسید بچهل سال گفت پروردگارا رهنمونم باش تا سپاس گذارم نعمت را آنرا که ارزانی داشتی بمن و بپدر و مادرم و تا کنم کرداری

صَالِحًا تَرْضٰىهُ وَاَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِيٓ ۚ اِنِّي تُبْتُ اِلَيْكَ وَاِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿١٥﴾ اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ

شایسته که بپسندیس و اصلاح کن برایم در فرزندانم همانا بازگشتم بسوی تو و همانا منم از اسلام آرندگان آنانند که پذیریم

عَنْهُمْ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِيٓ اَصْحَابِ الْجَنَّةِ ؕ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

از ایشان بهتر آنچه را کردند و درگذریم از بدیهای ایشان در یاران بهشت وعده راستی که بودند وعده داده میشدند

﴿١٦﴾ وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ اُفٍّ لَّكُمَآ اَتَعِدَانِنِيٓ اَنْ اُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ

و آنکه گفت بپدر و مادر خویش وای بر شما (آوخ از شما) آیا وعده دهیدم (بیم دهیدم) که برون آورده شوم حالیکه گذشتند قرنها پیش از من و آنان (پدر و مادر) بفریاد میخواندند

اللّٰهَ وَيْلَكَ اٰمِنْ ۖ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هٰذَآ اِلَّآ اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ ﴿١٧﴾ اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ

خدا را که وای بر تو ایمان آر زیرا وعده خدا است حق پس گفت نیست این جز افسانه‌های پیشینیان آنانند که راست آمد (فرود آمد) برایشان

الْقَوْلُ فِيٓ اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ ؕ اِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿١٨﴾ وَلِكُلٍّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ

سخن در ملتهائی که گذشتند پیش از ایشان از پری و آدمی که ایشانند همانا زیانکاران و هر کدام راست پایه‌هائی از آنچه عمل کردند و تا سراسر دهد

اَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٩﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ ؕ اَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ

بدیشان کردارهای ایشانرا و ستم نشوند و روزی که عرض شوند آنانکه کفر ورزیدند بر آتش بردید (بپایان رسانیدید) خوشیهای خویش را در زندگانی دنیای خویش و کامیاب شدید

بِهَا ۚ فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ﴿٢٠﴾

بدانها پس امروز کیفر داده شوید عذاب خواری را بدانچه بودید برتری میجستید در زمین بناروا و بدانچه بودید نافرمانی میکردید

شاهد من بنی اسرائیل بعضی گفتند مقصود از آن شاهد عبدالله بن سلام است و معنی علی مثله یعنی علیه و آن چنان باشد که گوئی همچو منی را نباید انکار کرد یا بر همچو چیزی نتوان گواهی داد و قولی است که مراد از علی مثله توریة میباشد و قول دیگر آنکه مقصود از شاهد موسی است که شهادت داد بر توریة چنانکه پیمبر بر قرآن و مبعد قول نخست آن است که این سوره بمکه نازل شد و عبدالله سلام در مدینه اسلام آورد ۲۰ اذهبتم طیباتکم از عمر خطاب است که از پیمبر رخصت خواستم و بر او درآمدم در شربه ام ابراهیم و ویرا خوابیده بر بالینی از برگ خرما یافتم حالیکه بعضی از پیکر او بر خاک بود و زیر سرش بالشی بود آکنده از لیف پس بر او سلام کردم و بنشستم و گفتم ای رسول الله تو پیمبر و برگزیده خداوند از آفریدگان او هستی و کسری و قیصر بر تختهای زر و فرشهای دیبا و پرنیان همی نشینند پیمبر گفت آنان قومی هستند که طیبات و نیکوئیهای ایشان هم اکنون بدیشان داده شده است و آن قریب الانقطاع میباشد و آنچه از آن ما است از برای ما نگهداشته شده و از امام ابی جعفر باقر علیه السلام است بروایت محمد بن قیس که علی علیه السلام همچون بندگان خوردی

وَاذْكُرْ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا

و یاد کن برادران عاد را گاهی که ترسانید قومش را در احقاف و هر آینه گذشته بودند ترسانندگان از پیش رویش و از پشت سرش که پرستش نکنید

إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿۲۱﴾ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا

جز خدا را همانا می ترسم بر شما از عذاب روزی بزرگ گفتند آیا آمدی ما را تا فریب دهی ما را از خدایان ما پس بیار ما را آنچه بیم دهی ما را

إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿۲۲﴾ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَٰكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا

اگر هستی از راستگویان گفت جز این نیست که دانش نزد خداست و میرسانم بشما آنچه فرستاده شدم بدان ولیکن بینم شما را گروهی

تَجْهَلُونَ ﴿۲۳﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَٰذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ مَا اسْتَعْجَلْتُمْ

نادانان تا گاهی که نگریستندش ابری روی آرنده بسوی دره هاشان گفتند این است ابری بارنده بر ما بلکه آنست آنچه شتاب میخواستید

بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۲۴﴾ تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَٰلِكَ نَجْزِي

بدان بادیست در آن عذابی دردناک سرنگون سازد هر چیز را بفرمان پروردگار خویش پس بامداد کردند دیده نمیشد جز نشیمنهای آنان بدینگونه پاداش دهیم

الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ﴿۲۵﴾ وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا وَأَبْصَارًا وَأَفْئِدَةً

بگروه گنهکاران و هر آینه فرمانروا شان ساختیم در آنچه فرمانروا نساختیم شما را در آن و قرار دادیم برای ایشان گوشی و دیدگانی و دلهائی

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَارُهُمْ وَلَا أَفْئِدَتُهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يَجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَحَاقَ بِهِمْ

پس بی نیاز نکرد از ایشان گوششان و نه دیدگانشان و نه دلهاشان چیزی را گاهی که بودند برابری (پایمال) کردند آیتهای خدا را و فرود آمد بدیشان

مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ﴿۲۶﴾ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿۲۷﴾

آنچه بودند بدان مسخره میکردند و همانا نابود ساختیم آنچه پیرامون شماست از شهرها و گردانیدیم (زیر و رو کردیم) آیتها را باشد آنان بازگردند

فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَٰلِكَ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

پس چرا یاریشان نکردند آنانکه برگرفتند جز خدا برای نزدیک شدن بخدا خدایانی بلکه گمشدند از ایشان و اینست دروغ ایشان (تهمت ایشان) و آنچه بودند دروغ میآوردند

﴿۲۸﴾ وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنْصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ

و گاهی که روی آور ساختیم بسویت تنی چند از پریان که قرآن را شنوند پس هنگامیکه نزدش آمدند (حضورش را دریافتند) گفتند خموش باشید تا گاهیکه پایان یافت بازگشتند بسوی

قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ ﴿۲۹﴾ قَالُوا يَا قَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنْزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي

قوم خویش بیم دهندگان گفتند ای قوم ما همانا شنیدیم کتابی را فرستاده شده بود پس از موسی تصدیق کننده آنچه پیشروی آنست رهبری کند

إِلَى الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۳۰﴾ يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ

بسوی حق و بسوی راهی راست ای قوم ما بپذیرید دعوت کننده خدا را و ایمان آرید بدو بیامرزد برای شما از گناهان شما و پناه دهد شما را

مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ﴿۳۱﴾ وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ

از عذابی دردناک و آنکو اجابت نکند دعوت خدا را پس نیست عاجز کننده در زمین و نیستش جز او دوستانی آنانند

فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿۳۲﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ

در گمراهی آشکار آیا ندیدند آنکه خداوندی که آفرید آسمانها و زمین را و خسته نگردید از آفریدن آنها

بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۳۳﴾ وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا

توانا است که زنده کند مردگان را بلی همانا اوست بر همه چیز توانا و روزیکه عرض شوند کافران

عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَٰذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿۳۴﴾

بر آتش آیا نیست این حق گفتند بلی سوگند بپروردگار ما گفت پس بچشید عذاب را بدانچه بودید کفر میورزیدید

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُوا الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَّهُمْ ۚ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ
پس شکیبائی کن چنانکه شکیبائی کردند گران عزم از پیغمبران و مشتاب مخواه برای ایشان گویا ایشان روزیکه بنگرند آنچیزرا که وعده داده میشوند

لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ ۚ بَلَاغٌ ۚ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٣٥﴾
نمانده اند جز ساعتی از روز ابلاغی (رسانده) آیا نابود شوند جز گروه نافرمانان

سورة محمد صلى الله عليه وسلم مدنية وآياتها ثمان وثلثون اية

سورة ٤٧ — حزبها ٢٣٤٩ — كلماتها ٥٣٩

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿١﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
آنانکه کفر ورزیدند وبازداشتند از راه خدا گمراه کرد کردارهایشانرا و آنانکه ایمان آوردند وکردار شایسته کردند

وَآمَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ ۙ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ ﴿٢﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ
وایمان آوردند بآنچه فرستاده شد بر محمد و آنست حق از پروردگارشان بزدود از ایشان بدیهای ایشانرا و بسازآورد کار وبارایشانرا این بدانست که

الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ ۚ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ
آنانکه کفر ورزیدند پیروی کردند باطل را و آنانکه ایمان آوردند پیروی کردند حق را از پروردگارشان همینسان زند خدا

لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ﴿٣﴾ فَإِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنتُمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَثَاقَ
برای مردم مثلهای ایشانرا پس هرگاه رسیدید بآنانکه کفر ورزیدند پس زدن تا گاهیکه بجوش آغشته سازیدشان پس استوار کنید بستن را

فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ۚ ذَٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ وَلَٰكِن
سپس یا منت نهادنی پس زدن و یا فدیه گرفتنی تا بگذارد جنگ بارهای خودرا این واگر بخواهد خدا هرآینه پیروزی بخشد ایشانرا (یا بدیگر سخن انتقام گیرد) لیکن

لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُم بِبَعْضٍ ۗ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿٤﴾ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ
نابازمایه گروهی ازشما را بگروهی و آنانکه کشته شدند در راه خدا گم نکند هرگز کردارایشانرا زودباشد راهبریشان و بسازآورد کار وبارایشانرا

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ
ودرآرد ایشان بهشت آگاهانیده بآنرا برای ایشان (یا بنامایشان حاجت) ای آنانکه ایمان آوردید اگر یاری کنید خدارا یاریتان کند واستوار سازد قدمهای شمارا

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَّهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ﴿٨﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٩﴾
وآنانکه کفر ورزیدند پس وای برایشان (رنج وبلا) وگم کرد کارهای ایشانرا این بدانست که ایشان ناخوش داشتند آنچه را فرستاد خدا پس بیاه ساخت کارهای ایشانرا

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۖ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۖ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا
آیا نمیروند در زمین تا بنگرند چگونه بود فرجام آنانکه پیش از ایشان بودند ویران کرد خدا بر ایشان و کافرانرا است نمونه های آنها

﴿١٠﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَىٰ لَهُمْ ﴿١١﴾ إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
این بدانست که خدا دوست آنانی است که ایمان آوردند و کافرانرا نیست دوستی (سرپرستی) همانا خدا درآورد آنانرا که ایمان آوردند وکردار

الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ
شایسته کردند باغهائی که روان است زیر آنها جویها و آنانکه کفر ورزیدند کامرانی کنند وخورند بدانسان که خورند دامها و آتش

مَثْوًى لَّهُمْ ﴿١٢﴾ وَكَأَيِّن مِّن قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّن قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجَتْكَ أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ ﴿١٣﴾
جایگاهی برای ایشان و بسا شهری که سخت تر بود در نیرو از شهرتو که بیرون راندت نابود کردیم ایشانرا پس نیست یاوری ایشانرا

أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُم ﴿١٤﴾ مَّثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ

آیا آنکه او است بر روشنائی (ایمانی) از نزد پروردگار خویش مانند آنست که بدیها بر ایش زینت کرده شد و پیروی کردند هوسهای خود را مثل بهشتی که وعده داده شده

الْمُتَّقُونَ ۖ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ

پرهیزگاران در آنست جویهائی از آبی ناگشته رنگ و جویهائی از شیر ناگشته مزه و جویهائی از باده خوشگوار

لِّلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى ۖ وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ

برای نوشندگان و جویهائی از انگبین پالوده و ایشانراست از همه میوه‌ها و آمرزشی از پروردگارشان مانند آنکه او است

خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ﴿١٥﴾ وَمِنْهُم مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِندِكَ

جاودان در آتش و نوشانیده شدند آبی جوشان که پاره پاره ساخت روده‌های آنان را و از ایشان هست آنکه گوش فرا دهد بسوی تو تا گاهیکه برون روند از نزد

قَالُوا لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ آنِفًا ۚ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ ﴿١٦﴾

گویند بدانانکه داده شدند دانش را چه گفت پیش آنانشد که مهر نهاد خدا بر دلهایشان و پیروی کردند هوسهای خویش را

وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ ﴿١٧﴾ فَهَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُم بَغْتَةً

و آنانکه راه یافتند بیفزود ایشانرا رهبری و داد بدیشان پرهیزگاری ایشانرا آیا چشم براهند جز ساعت را که بیاید بدشان ناگاه

فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا ۚ فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ ﴿١٨﴾ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ

چه هانا بیامد نشانهای آن پس کجا برای ایشان است آنگاه که بیاید بدشان یاد آوریشان پس بدان که نیست خدائی جز خدا و آمرزش خواه برای گناه خویش

وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ ﴿١٩﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ

و برای مردان و زنان مؤمن و خدا داند گردشگاه شما و آرامگاه شمارا و گویند آنانکه ایمان آوردند چرا فرو نیاید سوره

فَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ مُّحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ يَنظُرُونَ إِلَيْكَ

پس هرگاه فرستاده شود سوره‌ای محکم و یاد کرده شود در آن جنگ بینی آنانرا که در دلهایشان بیماری است نگرند بسوی

نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ ۖ فَأَوْلَىٰ لَهُمْ ﴿٢٠﴾ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ ۚ فَإِذَا عَزَمَ الْأَمْرُ ۚ فَلَوْ صَدَقُوا اللَّهَ

نگرستن بیهوش گشته از مرگ پس سزاوار بادشان (مرگ بادشان) فرمانبرداری و سخنی پسندیده تا گاهی که استوار شود کار پس اگر راست بگفتند خدارا

لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ ﴿٢١﴾ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴿٢٢﴾ أُولَٰئِكَ

هر آینه بهتر بود ایشانرا پس گر بایمید واریم (چنین باشد) که اگر بگردانیدیم کاری کرده شود آنگه بهنکاری گیرید در زمین و ببرید رشته خویشاوندهای خویش را آنانند

الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَىٰ أَبْصَارَهُمْ ﴿٢٣﴾ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا

که لعنشان کرد خدا پس کرشان گردانید و کور ساخت دیدگان ایشانرا آیا فرو نمیرند (تدبر نمیکنند) در قرآن یا بر دلهائی است قفلهای آنها

﴿٢٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى ۙ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ

هانا آنانکه برگشتند بر پشتهای خویش از پس آنکه آشکارشد برایشان هدایت شیطان بیاراست برای ایشان و فریفتشان

﴿٢٥﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ ۖ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ ﴿٢٦﴾

این بدانست که گفتند بدانانکه ناخوش داشتند آنچرا خدا فرستاد زود هست فرمانبرداری کنیم شمارا در پاره‌ای از کار و خدا داند نهان ایشان را

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ ﴿٢٧﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا

پس چگونه بیاشد گاهیکه بیاشد شان فرشتگان زنند روهای ایشان و پشتهای ایشانرا این بدانست که پیروی کردند آنچرا خدارا بخشم آورد و خوش نداشتند

رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٢٨﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ أَن لَّن يُخْرِجَ اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ ﴿٢٩﴾

خوشنودی او را پس تباه ساخت کردارهای ایشانرا یا بنداشتند آنانکه در دلهایشان بیماری است که هرگز برون نیارد خدا کینه‌های آنانرا

وَلَوْ شَآءَ لَاَرٰىكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمٰهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِيْ لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اَعْمَالَكُمْ ﴿٣٠﴾ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ

واگر خواستیم هر آینه بنمودیمی آنرا اگر بشناسیشان بآ چهره‌هاشان وبشناسیشان بر نهج در آهنگ گفتار وخدا داند کارهای شما وهر آینه بیازمائیم شما

حَتّٰى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِيْنَ مِنْكُمْ وَالصّٰبِرِيْنَ وَنَبْلُوَ اَخْبَارَكُمْ ﴿٣١﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْا عَنْ

تا بدانیم کوشندگان را از شما وشکیبایان را وبیازمائیم (باآگهیهای) شما را همانا آنانکه کفر ورزیدند وباز داشتند از

سَبِيْلِ اللّٰهِ وَشَآقُّوا الرَّسُوْلَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدٰى لَنْ يَّضُرُّوا اللّٰهَ شَيْـًٔا وَسَيُحْبِطُ اَعْمَالَهُمْ

راه خدا وستیزه کردند باپیمبر پس از آنکه روشن شد برای ایشان رهبری هرگز آسیب نرسانند خدا را چیزی وزود است تباه سازد کارهای آنها

﴿٣٢﴾ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ وَلَا تُبْطِلُوْۤا اَعْمَالَكُمْ ﴿٣٣﴾ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

ای آنانکه ایمان آوردید فرمان برید خدا را وفرمان برید پیمبر را وتباه نسازید کارهای خود را همانا آنانکه کفر ورزیدند

وَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ مَاتُوْا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَّغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ﴿٣٤﴾ فَلَا تَهِنُوْا وَتَدْعُوْۤا اِلَى السَّلْمِ وَاَنْتُمُ

وباز داشتند از راه خدا پس مردند حالیکه بودند کافران هرگز نیامرزد خدا آنانرا پس زبون (ست) نشوید که بخوانید بسوی سستی وشما بید

الْاَعْلَوْنَ وَاللّٰهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَّتِرَكُمْ اَعْمَالَكُمْ ﴿٣٥﴾ اِنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَّلَهْوٌ وَاِنْ تُؤْمِنُوْا وَتَتَّقُوْا يُؤْتِكُمْ

سرفرازان (چیره‌گان) وخدا باشماست وهرگز نکاهد از شما کارهای شما جز این نیست که زندگانی دنیا بازی وبیهوده‌ایست واگر ایمان آرید وبپرهیزگار گردید

اُجُوْرَكُمْ وَلَا يَسْـَٔلْكُمْ اَمْوَالَكُمْ ﴿٣٦﴾ اِنْ يَّسْـَٔلْكُمُوْهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوْا وَيُخْرِجْ اَضْغَانَكُمْ ﴿٣٧﴾

پاداشهای شما را وهرگز نخواهد خواهشهای شما را اگر بخواهد (بخواهد) آنها را از شما پس اصرار کند بر آن (سخن را رد نکند) خود دار گردید (بخل ورزید) وبیرون آرد (آشکار کند)

هٰۤاَنْتُمْ هٰۤؤُلَآءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَمِنْكُمْ مَّنْ يَّبْخَلُ وَمَنْ يَّبْخَلْ فَاِنَّمَا يَبْخَلُ عَنْ نَّفْسِهٖ

اینک شمائید که خوانده میشوید برای انفاق کردن در راه خدا پس از شماست آنکه خودداری کند (بخل ورزد) وهرکه خودداری کند جز این نیست که بر خویشتن خود داری کند

وَاللّٰهُ الْغَنِيُّ وَاَنْتُمُ الْفُقَرَآءُ وَاِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُوْنُوْۤا اَمْثَالَكُمْ ﴿٣٨﴾

وخدا بی نیازست وشمائید نیازمندان واگر پشت کنید بگیرد دیگرانی شما را جز شما پس نباشند مانند گان شما

سُوْرَةُ الْفَتْحِ مَدَنِيَّةٌ وَاٰيَاتُهَا تِسْعٌ وَعِشْرُوْنَ اٰيَةً

سورة ٤٨ — حروفها ٢٤٣٨ — کلماتها ٥٤٠

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِيْنًا ﴿١﴾ لِّيَغْفِرَ لَكَ اللّٰهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْۢبِكَ وَمَا تَاَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهٗ

ما ناهیدیم ترا پیروزی آشکار (یا بگزیدیم برایت گواهی آشکار) تا بیامرزد برایت خدا آنچه از گناهت پیش گرفت از گناهت وآنچه پس آمد وانجام رساند نعمتش را

عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا ﴿٢﴾ وَّيَنْصُرَكَ اللّٰهُ نَصْرًا عَزِيْزًا ﴿٣﴾ هُوَ الَّذِيْۤ اَنْزَلَ السَّكِيْنَةَ

برتو وراهبریت کند براهی راست ویاریت کند خدا یاری سرفراز (عزتمند) اوست آنکه فرستاد آرامش را

فِيْ قُلُوْبِ الْمُؤْمِنِيْنَ لِيَزْدَادُوْۤا اِيْمَانًا مَّعَ اِيْمَانِهِمْ وَلِلّٰهِ جُنُوْدُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ

در دلهای مؤمنان تا بیفزایند ایمانی بر ایمانشان وخداراست لشکرهای آسمانها وزمین وخداست

عَلِيْمًا حَكِيْمًا ﴿٤﴾ لِّيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ

دانای حکیم تا در آرد مردان وزنان مؤمن را بهشتهائی که روان است زیر آنها جویها

خٰلِدِيْنَ فِيْهَا وَيُكَفِّرَ عَنْهُمْ سَيِّاٰتِهِمْ وَكَانَ ذٰلِكَ عِنْدَ اللّٰهِ فَوْزًا عَظِيْمًا ﴿٥﴾

جاودانان در آنها ویزداید ازایشان بدیهای ایشانرا وآنست نزد خدا رستگاری بزرگ

وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ

وعذاب کند مردان وزنان منافق (دوروی) ومردان وزنان مشرک را آنانکه بخدا گمان بد برند برایشان باد

دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿۶﴾ وَلِلَّهِ جُنُودُ

گردش بد (پیش آمد بد) وخشم گیرد خدا برایشان ولعن کند ایشانرا وآماده سازد برای ایشان دوزخ را وچه زشتست جایگاهی وخدا راست لشکرهای

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۷﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ﴿۸﴾

آسمانها وزمین وخداست عزتمند حکیم همانا فرستادیمت گواهی مژده دهنده وترساننده

لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ

تا ایمان آرید بخدا وپیمبرش ویاریش کنید (گرامیش دارید) وارجمندش دارید وتسبیحش گوئید بامدادان وشب هنگام همانا آنانکه

يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ

با تو پیمان بندند (دست بیعت بتو دهند) جز این نیست که با خدا پیمان بندند دست خداست فراز دستهای ایشان پس هرکه پیمان شکنی کند جز این نیست که بر خویش پیمان شکند

وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿۱۰﴾ سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ

وآنکه پایدار ماند (وفا کند) بر آنچه پیمان بست با خدا بر آن زود است بدو دهد پاداشی گران (بزرگ) را زود است بتو گویند بازنشستگان از

الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ

دشت نشینان که سرگرم داشت ما را خواسته های ما وخاندانهای ما پس آمرزش خواه برای ما گویند بازبانهای خویش آنچه را نیست در دلهاشان

قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا

بگو پس که دارا گردد برای شما از خدا چیزی را اگر بخواهد بشما زیانی را یا بخواهد بشما سودی را بلکه خداست بدانچه

تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿۱۱﴾ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ

بدانچه میکنید آگاه بلکه پنداشتید که هرگز بازنگردند پیمبر ومؤمنان بسوی کسانشان هیچگاه وبیاراست

ذَٰلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ﴿۱۲﴾ وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَ

این در دلهای شما وگمان بردید گمان بد را وشدید قومی تباه وآنکه ایمان نیارد بخدا و

رَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا ﴿۱۳﴾ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ

پیمبرش همانا آماده ساختیم برای کافران آتش سوزان را خدایراست پادشاهی آسمانها وزمین بیامرزد برای هرکه خواهد

وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ﴿۱۴﴾ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ

وعذاب کند هرکه را خواهد وخداست آمرزنده مهربان زود است گویند بازنشستگان گاهیکه روان شوید بسوی

مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا

برده هائی که بچنگ آرید بگذارید از پی شما آئیم خواهند دگرگون کنند سخن خدا را بگو از پی ما نیائید هرگز

كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا

بدینسان گفت است خدا از پیش زود است گویند بلکه شما با ما حسادت ورزید بلکه آنان در نیابند جز اندکی را

﴿۱۵﴾ قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ

بگو به بازنشستگان از دشت نشینان زود است خوانده میشوید بسوی گروهی دارنده نیروئی سخت پیکارشان کنید

أَوْ يُسْلِمُونَ فَإِنْ تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ أَجْرًا حَسَنًا وَإِنْ تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُمْ مِنْ قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿۱۶﴾

یا (تا) اسلام آرند پس اگر فرمانبرداری کنید بدهد شما را خدا پاداش نیک واگر پشت کنید بدانسان که پشت کردید از پیش عذاب کند شما را عذابی دردناک

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمٰى حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْمَرِيْضِ حَرَجٌ ۭ وَمَنْ يُّطِعِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ

نیست بر کور بردوائی وبر لنگ بردوائی وبر بیمار بردوائی وآنکه فرمانبرداری کند خدا ورسولش را

يُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۚ وَمَنْ يَّتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا اَلِيْمًا ۝١٧ لَقَدْ رَضِيَ

درآرد اورا بهشتهائی که روان است زیر آنها جویها وآنکه پشت کند عذابش کند عذابی دردناک هانا خوشنود شد

اللّٰهُ عَنِ الْمُؤْمِنِيْنَ اِذْ يُبَايِعُوْنَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِيْ قُلُوْبِهِمْ فَاَنْزَلَ السَّكِيْنَةَ عَلَيْهِمْ

خدا از مؤمنان که بیعت میکردند با تو زیر آن درخت پس دانست آنچه در دلهای ایشانست پس فرود آورد آرامش را بر ایشان

وَاَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيْبًا ۝١٨ وَّمَغَانِمَ كَثِيْرَةً يَّاْخُذُوْنَهَا ۭ وَكَانَ اللّٰهُ عَزِيْزًا حَكِيْمًا ۝١٩ وَعَدَكُمُ اللّٰهُ

وباداش داد بدیشان پیروزی نزدیکرا برده غنائی فراوان که بگیرند آنرا وخداست غالب شونده حکیم وعده داد شمارا خدا

مَغَانِمَ كَثِيْرَةً تَاْخُذُوْنَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هٰذِهٖ وَكَفَّ اَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُوْنَ اٰيَةً لِّلْمُؤْمِنِيْنَ

غنیمتهائی (بودنی) فراوان که بگیرید آنرا پس شتاب برای شما دراین وبازداشت دستهای مردم را از شما وتا باشد آیتی برای مؤمنان

وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيْمًا ۝٢٠ وَّاُخْرٰى لَمْ تَقْدِرُوْا عَلَيْهَا قَدْ اَحَاطَ اللّٰهُ بِهَا ۭ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰي

وراهبری کند شمارا براهی راست ودیگری که توانا نبودید برآن هانا خدا فراگرفت آنرا وخداست بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرًا ۝٢١ وَلَوْ قٰتَلَكُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَوَلَّوُا الْاَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُوْنَ وَلِيًّا وَّلَا

برهمه چیز توانا واگر جنگ کنند باشما آنانکه کفر ورزیدند هرآینه برگردانند پشتهای خویش را سپس نیابند دوست ونه

نَصِيْرًا ۝٢٢ سُنَّةَ اللّٰهِ الَّتِيْ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ ۚ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللّٰهِ تَبْدِيْلًا ۝٢٣ وَهُوَ الَّذِيْ كَفَّ

یاوری را شیوه خدا که گذشت از پیش وهرگز بیابی برای شیوه خدا دگرگونی را وخداست آنکه بازداشت

اَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْۢ بَعْدِ اَنْ اَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا

دستهای ایشانرا از شما ودستهای شمارا از ایشان درشکم مکه از پس آنکه پیروزی داد شمارا برایشان وخداست بدانچه

تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرًا ۝٢٤ هُمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوْفًا اَنْ يَّبْلُغَ

کنید بینا آنانند که کفر ورزیدند وبازداشتند شمارا از مسجد حرام وقربانی را بسته ازآنکه

مَحِلَّهٗ ۭ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُّؤْمِنُوْنَ وَنِسَاۗءٌ مُّؤْمِنٰتٌ لَّمْ تَعْلَمُوْهُمْ اَنْ تَطَـــُٔوْهُمْ فَتُصِيْبَكُمْ مِّنْهُمْ مَّعَرَّةٌۢ

بجایگاه خود رسد واگر نبود مردان ومؤمن وزنان مؤمنه که نشناخته پایمال کنید پس برسد شمارا از ایشان گنهی

بِغَيْرِ عِلْمٍ ۚ لِيُدْخِلَ اللّٰهُ فِيْ رَحْمَتِهٖ مَنْ يَّشَاۗءُ ۚ لَوْ تَزَيَّلُوْا لَعَذَّبْنَا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا مِنْهُمْ عَذَابًا اَلِيْمًا

بنادانی تا درآرد خدا برحمت خویش هرکرا خواهد اگر جدا بمیلند هرآینه عذاب میکردیم آنانرا که کفر ورزیدند ازایشان عذابی دردناک

۝٢٥ اِذْ جَعَلَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فِيْ قُلُوْبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةِ فَاَنْزَلَ اللّٰهُ سَكِيْنَتَهٗ عَلٰي رَسُوْلِهٖ

گاهیکه نهادند آنانکه کفر ورزیدند درول خویش انفت گیری (حمیت) را خون گرمی جاهلیت پس فرستاد خدا آرامش خویش را بر پیغمبرش

وَعَلَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَاَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوٰى وَكَانُوْٓا اَحَقَّ بِهَا وَاَهْلَهَا ۭ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا

وبر مؤمنان وهمراه ایشان درنشست گفتار پرهیزکاری (کلمه تقوی) را وآنان سزاوارتر بدان واهل آن وخداست بهمه چیز دانا

۝٢٦ لَقَدْ صَدَقَ اللّٰهُ رَسُوْلَهُ الرُّءْيَا بِالْحَقِّ ۚ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ اِنْ شَاۗءَ اللّٰهُ اٰمِنِيْنَ ۙ مُحَلِّقِيْنَ

هانا راست آورد خدا بپیغمبر خویش خوابرا بدرست (بحق) که درآیید درمسجد حرام اگر خواهد خدا فرامن گردانندگان (ایمنان) نرساننده گان

رُءُوْسَكُمْ وَمُقَصِّرِيْنَ ۙ لَا تَخَافُوْنَ ۭ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوْا فَجَعَلَ مِنْ دُوْنِ ذٰلِكَ فَتْحًا قَرِيْبًا ۝٢٧ ۞

سرهای خویش گزاده گنندگان (چنین موی) نا هراسنده گان پس دانست آنچه نمیدانستید پس گذارد نزدیک آن پیروزی نزدیک را

فقط کتابهای سلیمان کاملا شده و کلام اهل بیت علیهم السلام در قرآن

حزب (٣١)

غالبون فتح در سال فتح مکه مسلمانان شدند بر قریش و دران عمارت است فتح روم و فارس و دیگر فتوحات مؤمنان را در آخرت چهار درجه است (چهارده صف) پیغمبر ما در چهارم است (چهاردهم) آن جایگاه خاص اوست و آن بهشت عدن است و آن میانه بهشت است و از آن روان شود جویهای بهشت و بالای آن عرش خدای است و آن بهشت فردوس است و آن بهشت اعلی است و آن بهشت مأوی است و آن بهشت نعیم است و آن بهشت خلد است و آن بهشت جنات است و آن بهشت قرار است و آن بهشت مقام امین است و آن بهشت مقعد صدق است و آن بهشت رضوان است و آن بهشت لقاء است و آن بهشت خلود است و آن بهشت سلام است و آن بهشت دار السلام است و آن بهشت دار القرار است و آن بهشت دار الجلال است و آن بهشت دار الاکرام است و آن بهشت دار الخلد است و آن بهشت دار الحیوان است و آن بهشت دار الحسنی است و آن بهشت دار الزلفی است و آن بهشت دار الثواب است و آن بهشت دار الجزاء است و آن بهشت دار الجنة است و آن بهشت دار الجنان است و آن بهشت دار الجنات است و آن بهشت دار الجنة العالیة است و آن بهشت دار الجنة الباقیة است و آن بهشت دار الجنة الخالدة است و آن بهشت دار الجنة الدائمة است و آن بهشت دار الجنة الخالصة است و آن بهشت دار الجنة الصافیة است و آن بهشت دار الجنة الطیبة است و آن بهشت دار الجنة الزاکیة است و آن بهشت دار الجنة الطاهرة است و آن بهشت دار الجنة المقدسة است و آن بهشت دار الجنة المطهرة است و آن بهشت دار الجنة المنزهة است و آن بهشت دار الجنة المبرأة است و آن بهشت دار الجنة المحفوظة است و آن بهشت دار الجنة المصونة است و آن بهشت دار الجنة المحروسة است و آن بهشت دار الجنة المحمیة است و آن بهشت دار الجنة المحفوظة است و آن بهشت دار الجنة المصونة است و آن بهشت دار الجنة المحروسة است و آن بهشت دار الجنة المحمیة است

هُوَ الَّذِيٓ اَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدٰى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ ۚ وَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيدًا ﴿۲۸﴾

اوست آنکه فرستاد پیمبر خود را برهبری و کیش حق تا چیره گرداندش بر کیشها همگی و بس است خدا گواهی

مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللّٰهِ ۚ وَالَّذِينَ مَعَهُ اَشِدَّآءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ تَرٰيهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ

محمد (صلی الله علیه و آله) فرستاده خداست و آنانکه با اویند سخت گیرانند بر کفار مهربانانند بخویشتن بینیشان رکوع گذاران و سجده کنان

فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا ۖ سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ اَثَرِ السُّجُودِ ۚ ذٰلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرٰيةِ

جویند فضلی از خدا و خوشنودی را نشانی (سیمای) ایشان در چهره های ایشان است از جای سجده اینست مثل آنان در توراة

وَمَثَلُهُمْ فِي الْاِنْجِيلِ كَزَرْعٍ اَخْرَجَ شَطْئَهُ فَاٰزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوٰى عَلٰى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ

و مثل آنان در انجیل چون کشتی است که برون دهد بوته های خود را پس استوارش کند تا سطبر گردد و بر پایه های خویش ایستد شگفت آرد برزگران را

لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ ۗ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَّغْفِرَةً وَاَجْرًا عَظِيمًا ﴿۲۹﴾

تا بخشم آرد بدیشان کافران را نوید داد خدا آنان را که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند از ایشان آمرزشی و پاداشی بزرگ را

سورة الحجرات مدنية وآياتها ثمان عشرة آية

سورة ۴۹ — حروفها ۱۴۷۶ — كلماتها ۳۴۳

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۚ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿۱﴾

ای آنانکه ایمان آوردید پیش نیفتید پیشروی خدا و پیمبرش و بترسید خدا را که خداست شنونده دانا

يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا تَرْفَعُوٓا اَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ

ای آنانکه ایمان آوردید بلند نکنید آواز خویش را بالای آواز پیمبر و بلند با وی سخن نگوئید مانند بلند سخن گفتن برخی از شما

لِبَعْضٍ اَنْ تَحْبَطَ اَعْمَالُكُمْ وَاَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿۲﴾ اِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ اَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ

با برخی نبادا تباه شود کارهای شما و شما در نیابید همانا آنانکه فرو کشند آوازهای خویش را نزد

رَسُولِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللّٰهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوٰى ۚ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ وَاَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿۳﴾ اِنَّ الَّذِينَ

پیمبر خدا آنانند که بیازمود است خدا دلهای ایشان را برای پرهیزکاری ایشان راست آمرزشی و پاداشی بزرگ همانا آنانکه

يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَآءِ الْحُجُرَاتِ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿۴﴾ وَلَوْ اَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتّٰى تَخْرُجَ اِلَيْهِمْ لَكَانَ

خوانندت از پس غرفه ها بیشترشان خردمند نباشند و اگر ایشان صبر میکردند تا برون آئی بر ایشان هر آینه

خَيْرًا لَّهُمْ ۗ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿۵﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوٓا اِنْ جَآءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَاٍ فَتَبَيَّنُوٓا اَنْ

بهتر بود آنان را و خداست آمرزگار مهربان ای آنانکه ایمان آوردید اگر بیاید شما را گنهکاری (فاسقی) بآگهی پس بازرسی کنید نبادا

تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ ﴿۶﴾ وَاعْلَمُوٓا اَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللّٰهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ

بکشید قومی را بنادانی پس بامداد کنید هر آنچه کردید پشیمانان و بدانید که در شماست پیمبر خدا اگر سخن شما را شنود (اطاعت شما کند)

فِي كَثِيرٍ مِّنَ الْاَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ حَبَّبَ اِلَيْكُمُ الْاِيمَانَ وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ اِلَيْكُمُ

در بسی از کارها هر آینه برنج افتید ولیکن خدا دوست (خوش آیند) کرد نزد شما ایمان را و بیاراستش در دلهای شما و ناخوش آیند کرد نزد شما

الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ ۚ اُولٰٓئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ ﴿۷﴾ فَضْلًا مِّنَ اللّٰهِ وَنِعْمَةً ۚ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿۸﴾

کفر و نافرمانی و سرکشی را آنانند راه یافتگان فضلی است از خدا و نعمتی و خداست دانای حکیم

وَاِنْ طَآئِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَاَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَاِنْ بَغَتْ اِحْدٰيهُمَا عَلَى الْاُخْرٰى فَقَاتِلُوا

واگر دو گروه از مؤمنان کارزار کردند پس آشتی افکنید میان آنان واگر ستم کرد یکیشان بر دیگری پس نبرد کنید

الَّتِي تَبْغِي حَتّٰى تَفِيٓءَ اِلٰٓى اَمْرِ اللّٰهِ فَاِنْ فَآءَتْ فَاَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَاَقْسِطُوا اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ

با آنکه ستمگر است تا برگردد بسوی فرمان خدا واگر بازگشت پس آشتی افکنید میان آنان بداد و دادگری کنید که خدا دوست دارد

الْمُقْسِطِينَ ﴿٩﴾ اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ فَاَصْلِحُوا بَيْنَ اَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿١٠﴾

دادگران را جز این نیست که مؤمنان برادرند پس آشتی افکنید میان برادران خویش و بترسید خدا را شاید رحم شوید

يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسٰٓى اَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَآءٌ مِّنْ نِّسَآءٍ

ای آنانکه ایمان آوردید مسخره نکنند گروهی از گروهی شاید باشند بهتر از ایشان و نه زنانی از زنانی

عَسٰٓى اَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوٓا اَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْاَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ

شاید باشند بهتر از ایشان و نکوهش نکنید خویشتن را و سرزنش نکنید همدیگر را بلقبها بدنامی است سرکشی پس از

الْاِيمَانِ وَمَنْ لَّمْ يَتُبْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿١١﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ

ایمان و آنکه توبه نکرد پس آنانند ستمگران ای آنانکه ایمان آوردید دوری گزینید از بسی گمانها

اِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ اِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا اَيُحِبُّ اَحَدُكُمْ اَنْ يَاْكُلَ لَحْمَ اَخِيهِ مَيْتًا

چه پاره از گمانها گناه است و کاوش در کار مردم نکنید و زشت نستایند پشت سر برخی از شما برخی آیا دوست دارد یکی از شما که خورد گوشت برادر خویش را مرده

فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿١٢﴾ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ ذَكَرٍ وَاُنْثٰى وَ

همانا ناخوش داشتیدش و بترسید خدا را که خداست فزون توبه پذیرنده مهربان ای مردم همانا ما آفریدیمتان از نری و ماده و

جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓا اِنَّ اَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰيكُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾

گردانیدیم شما را شاخه‌هائی و تیره‌هائی تا شناسا شوید همانا گرامیترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست همانا خداست دانای آگاه

قَالَتِ الْاَعْرَابُ اٰمَنَّا قُلْ لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلٰكِنْ قُولُوٓا اَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْاِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ

گفتند دشت نشینان ایمان آوردیم بگو ایمان نیاوردید ولیکن گوئید اسلام آوردیم و هنوز در نیامد (درون نشد) ایمان بدلهای شما

وَاِنْ تُطِيعُوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ اَعْمَالِكُمْ شَيْئًا اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٤﴾ اِنَّمَا

واگر فرمانبرید خدا و پیمبرش را نکاهد شما را از کارهای شما چیزی همانا خداست آمرزنده مهربان جز این نیست

الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ اٰمَنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِاَمْوَالِهِمْ وَاَنْفُسِهِمْ

که مؤمنان آنانند که ایمان آوردند بخدا و پیمبرش و سپس شک نیاوردند و کوشیدند (جهاد کردند) بخواسته‌ها و جانهای خویش

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ اُولٰٓئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿١٥﴾ قُلْ اَتُعَلِّمُونَ اللّٰهَ بِدِينِكُمْ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ

در راه خدا آنانند راستگویان بگو آیا میآموزید بخدا دین خویش را و خدا داند آنچه در آسمانها

وَمَا فِي الْاَرْضِ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿١٦﴾ يَمُنُّونَ عَلَيْكَ اَنْ اَسْلَمُوا قُلْ لَّا تَمُنُّوا

و آنچه در زمین است و خداست بهمه چیز دانا منت نهند بر تو که اسلام آوردند بگو منت نگذارید

عَلَيَّ اِسْلَامَكُمْ بَلِ اللّٰهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ اَنْ هَدٰيكُمْ لِلْاِيمَانِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٧﴾

بر من اسلام خویش را بلکه خدا منت نهد بر شما که رهبریتان کرد بسوی ایمان اگر هستید راستگویان

اِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاللّٰهُ بَصِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٨﴾

همانا خدا داند ناپیدای آسمانها و زمین را و خدا بیناست بدانچه میکنید

خدای آن بود که خداوند غنایم خیبر را از آن شاهدین و حاضرین وقعه حدیبیه گردانیده بود و ایمان بدین سخنان خواستندی که در آنها سهیم و شریک شوند و فرمان خدا را دگرگونه سازند و آنچه جبائی در این باره گفته و کلام خدا را قوله تعالی لن تخرجوا معی ابدا الی آخره گرفته است سخنی غلط باشد چه این سوره در سال ششم هجرت پس از بازگشت پیمبر صلعم از حدیبیه فرود آمد و آن آیت چهار سال پس از این درباره متخلفین از جنگ تبوک نازل شد و جنگ تبوک پس از جنگ حنین و طائف و آمدن پیمبر صلعم بمدینه و اقامت او

حزب (۴)

از ماه ذی الحجه تا رجب انجام گرفت و بازگشت او از تبوک در ماه رمضان از سال نهم هجری بود و دیگر از آن پس بجنگ و غزوه بیرون نشد تا اینجهان بدرود فرمود و اما قصه فتح حدیبیه که در این آیت بدان اشارت رفته بروایت ابن عباس آنکه پیمبر صلعم با اصحاب بجنگ مکه و عزیمت حج بیرون شد و چون بحدیبیه رسید ناقه او باز ایستاد و هر چند رجزش نمود برفتار باز نگشت و اصحاب پنداشتند مگر وی را بیماری فرا رسیده پیمبر صلعم

سورة ق مكية وآياتها خمس واربعون آية

سورة ۵۰ — حروفها ۱۴۷۴ — كلماتها ۳۲۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قٓ وَالْقُرْاٰنِ الْمَجِيدِ ۝١ بَلْ عَجِبُوٓا اَنْ جَآءَهُمْ مُّنْذِرٌ مِّنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هٰذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ

سوگند بقرآن گرامی بلکه شگفت ماندند که بیامدشان بیم دهنده از ایشان وگفتند کافران این است چیزی شگفت

۝٢ ءَاِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذٰلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ ۝٣ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْاَرْضُ مِنْهُمْ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ

آیا گاهیکه مردیم وشدیم خاکی این است بازگشتی دور هرآینه دانستیم آنچه را میکاهد زمین از ایشان ونزد ماست کتابی

حَفِيظٌ ۝٤ بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ فَهُمْ فِيٓ اَمْرٍ مَّرِيجٍ ۝٥ اَفَلَمْ يَنْظُرُوٓا اِلَى السَّمَآءِ فَوْقَهُمْ

نگهبان بلکه تکذیب کردند بحق گاهیکه بیامدشان پس آنانند در کاری آشفته آیا ننگریستند بسوی آسمان بر فراز ایشان

كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ ۝٦ وَالْاَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَاَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ

چگونه ساختیمش وآراستیمش ونیستش شکافهائی و زمین را گسترانیدیمش وافکندیم در آن لنگرهائی

وَاَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ۝٧ تَبْصِرَةً وَذِكْرٰى لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ۝٨ وَنَزَّلْنَا مِنَ

ورویانیدیم در آن از هر جفتی زیبا بینش ویادآوری برای هر بنده بازگشت کننده وفرستادیم (فرود آوردیم)

السَّمَآءِ مَآءً مُّبَارَكًا فَاَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ۝٩ وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ

از آسمان آبی خجسته را پس رویانیدیم بدان باغهائی ودانه درویده و خرمابنها را بلند اندام که آنهاراست شکوفه بهم پیوسته

۝١٠ رِزْقًا لِّلْعِبَادِ وَاَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذٰلِكَ الْخُرُوجُ ۝١١ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَاَصْحَابُ

روزی برای بندگان وزنده ساختیم بدان شهری مرده را چنین است برون آمدن تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح ویاران

الرَّسِّ وَثَمُودُ ۝١٢ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَاِخْوَانُ لُوطٍ ۝١٣ وَاَصْحَابُ الْاَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ كُلٌّ

رس وثمود وعاد وفرعون وبرادران لوط و یاران آیکه وقوم تبع هرکدام

كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ۝١٤ اَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْاَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝١٥ وَ

تکذیب کردند پیمبرانرا پس فرود آمد (یا سزاوار شد) بیم دادن مرا آیا خسته شدیم بآفرینش نخستین بلکه ایشانند در پرده (یا اشتباهی) از آفرینش نوین و

لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ اَقْرَبُ اِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ۝١٦

همانا آفریدیم انسان را ودانیم آنچه را میخلد در دلش وما نزدیکتریم بدو از بند ورید (رگ گردن)

اِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ۝١٧ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ اِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ

هنگامیکه دریابند آن دو دریابندگان از راست واز چپ نشسته بلب نراند سخنی را جز آنکه نزد اوست نگهبانی

عَتِيدٌ ۝١٨ وَجَآءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذٰلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ۝١٩ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ

آماده وآمد بیهشی مرگ بحق اینست آنچه بودی از آن گریزان ودمیده شد در صور

ذٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ ۝٢٠ وَجَآءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّعَهَا سَآئِقٌ وَشَهِيدٌ ۝٢١ لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ

این است روز بیم وآمد هر کسی با او راننده‌ای و گواهی همانا بودی در غفلتی از

هٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَآءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ ۝٢٢ وَقَالَ قَرِينُهُ هٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ۝٢٣

این پس برداشتیم از تو پرده‌ات را پس دیده تو امروز است تیز وگفت همنشینش این است آنچه نزد من است آماده

اَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ﴿٢٤﴾ مَنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍّ مُّرِيبٍ ﴿٢٥﴾ اَلَّذِي جَعَلَ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ

بیفکنید در دوزخ هر ناسپاس کین ورزی فراوان باز دارنده از خوبی تجاوزگری شک آور که قرار داد با خدا خدائی دیگر را

فَاَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ﴿٢٦﴾ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا اَطْغَيْتُهُ وَلٰكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

پس بیفکنیدش در شکنجه سخت گفت همنشین او پروردگارا من بسرکشیش وانداشتم لیکن بود او در گمراهی دور

﴿٢٧﴾ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ اِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ ﴿٢٨﴾ مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا اَنَا

گفت نستیزید نزد من حالیکه پیش فرستادم بسوی شما بیم دادن را دگرگون نگردد سخن نزد من و نیستم

بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ﴿٢٩﴾ يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ ﴿٣٠﴾ وَاُزْلِفَتِ

ستم کننده ببندگان روزی که گوئیم بدوزخ آیا پر شدی و گوید آیا هست بیشی و جایگاه شد

الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ﴿٣١﴾ هٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِكُلِّ اَوَّابٍ حَفِيظٍ ﴿٣٢﴾ مَنْ خَشِيَ الرَّحْمٰنَ

بهشت برای پرهیزکاران نه دور این است آنچه وعده داده شوید برای هر بازگشت کننده نگهدارنده آنکه بترسد خدای مهربان را

بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ ﴿٣٣﴾ اُدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ﴿٣٤﴾ لَهُمْ مَّا يَشَاءُونَ

بنهان و بیاید با دلی بازگشت کننده درآئید در آن بسلامی این است روز جاودانی آنانراست هرچه خواهند

فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ﴿٣٥﴾ وَكَمْ اَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ اَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي

در آن و نزد ماست فزونی و بسا نابود ساختیم پیش از ایشان قرنی که بودند سخت تر از ایشان در نیرو پس کاویدند در

الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِيصٍ ﴿٣٦﴾ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَذِكْرٰى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ اَوْ اَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ

شهرها آیا هست گریزگاهی همانا در اینست یادآوری برای هرکه ویرا دلی است یا گوش فرا دهد حالیکه او است

شَهِيدٌ ﴿٣٧﴾ وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُّغُوبٍ

گواه و همانا آفریدیم آسمانها و زمین و آنچه را میان آنهاست در شش روز و نرسید ما را خستگی

﴿٣٨﴾ فَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ﴿٣٩﴾ وَمِنَ

پس شکیبا شو بر آنچه گویند و تسبیح گوی بسپاس پروردگار خویش پیش از برآمدن خورشید و پیش از فرو رفتن و از

اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَاَدْبَارَ السُّجُودِ ﴿٤٠﴾ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ ﴿٤١﴾ يَوْمَ يَسْمَعُونَ

شب پس تسبیح گوی او را و از پس سجده ها و گوش فرادار بروزی که بانگ دهد بانگ دهنده از جایگاهی نزدیک روزی که شنوند

الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ ﴿٤٢﴾ اِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَاِلَيْنَا الْمَصِيرُ ﴿٤٣﴾ يَوْمَ تَشَقَّقُ

خروش را بحق آن است روز برون آمدن همانا ما زنده کنیم و بمیرانیم و بسوی ماست بازگشت روزیکه بشکافد

الْاَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ﴿٤٤﴾ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا اَنْتَ عَلَيْهِمْ

زمین از ایشان شتابندگان آنست برانگیختنی بر ما آسان ما داناتریم بدانچه گویند و نیستی تو بر ایشان

بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْاٰنِ

فرمانده پس یادآور بقرآن

سُورَةُ الذَّارِيَاتِ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ سِتُّونَ اٰيَةً

مَنْ يَخَافُ وَعِيدِ ﴿٤٥﴾

آنرا که بترسد از بیم دادن من

سورة ٥١ — حروفها ١٥٠٠ — كلماتها ٣٦٠

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا ﴿١﴾ فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا ﴿٢﴾ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا ﴿٣﴾ فَالْمُقَسِّمَاتِ اَمْرًا ﴿٤﴾

سوگند بپاشندگان پاشیدنی پس بردارندگان بسنگینی پس روندگان بآسانی پس بخش کنندگان کار

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ ۝٥ وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ ۝٦ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ۝٧ إِنَّكُمْ لَفِي

که آنچه وعده داده شوید همانا راست است و هر آینه دین است واقع سوگند باسمان تو در تو شمایند همانا در

قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ ۝٨ يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ ۝٩ قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ ۝١٠ الَّذِينَ هُمْ فِي غَمْرَةٍ سَاهُونَ ۝١١

گفتاری گوناگون بدروغ رانده شود از آن آنکه بدروغ رانده شود کشته شوند دروغ پرداران آنانکه ایشانند در گردابی (یا فرو رفتگی) فراموش کنان

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ ۝١٢ يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ ۝١٣ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَٰذَا

پرسند چه هنگام است روز دین روزیکه ایشان بر آتش آزموده شوند بچشید آزمایش خود را این است

الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ ۝١٤ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝١٥ آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ

آنچه بودید بدان میشتافتید همانا پرهیزکارانند در باغهائی و چشمه‌هائی گیرندگانند آنچه را دهدشان پروردگارشان

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ ۝١٦ كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ ۝١٧ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ

همانا ایشان بودند پیش از این نکوکاران بودند کمی از شب را میخوابیدند و در سحرها ایشان

يَسْتَغْفِرُونَ ۝١٨ وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ۝١٩ وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ ۝٢٠

آمرزش میخواستند و در مالهای ایشان بهره‌ای برای دریوزه و بینوا بود و در زمین است آیتهائی برای یقین دارندگان

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ۝٢١ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ ۝٢٢ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَ

و در جانهای شما آیا نمی‌نگرید و در آسمان است روزی شما و آنچه وعده داده شوید پس سوگند بپروردگار آسمان و

الْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ ۝٢٣ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ

زمین که همانا آن است حق مانند آنچه شما سخن گوئید آیا رسیدت داستان مهمانان ابراهیم آن گرامیان

۝٢٤ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ۝٢٥ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ

هنگامیکه براو درآمدند پس گفتند سلامی پس گفت سلامی گروهی ناشناختگان پس خزید بسوی خاندان خویش و بیاورد

بِعِجْلٍ سَمِينٍ ۝٢٦ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ۝٢٧ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ

گوساله فربه پس نزدیکش ساخت بدانان و گفت چرا نخورید پس بدل برداشت از ایشان هراسی گفتند نترس

وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ۝٢٨ فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ۝٢٩

و مژده دادندش بپسری دانشمند پس روی آورد زنش با فریاد پس سیلی نواخت بچهره خویش و گفت پیرزنی نازا

قَالُوا كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝٣٠ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ۝٣١ قَالُوا

گفتند چنین است گفتار پروردگارت که او است همانا حکیمی دانا گفت پس چیست کار شما ای فرستادگان گفتند

إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُجْرِمِينَ ۝٣٢ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ ۝٣٣ مُسَوَّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ

همانا فرستاده شدیم بسوی گروهی گنهکاران تا بفرستیم برایشان سنگی از گل نشان زده نزد پروردگار تو

لِلْمُسْرِفِينَ ۝٣٤ فَأَخْرَجْنَا مَنْ كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝٣٥ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ

برای فزونی خواهان پس برون آوردیم هر که را در آن بود از مؤمنان پس نیافتیم در آن جز خانه از

الْمُسْلِمِينَ ۝٣٦ وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝٣٧ وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ

اسلام آرندگان و بجا گذاشتیم در آن نشانه برای آنانکه ترسند از عذاب دردناک و در موسی گاهیکه فرستادیمش

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝٣٨ فَتَوَلَّىٰ بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ۝٣٩

بسوی فرعون با فرمانروائی آشکار پس برتافت روی (یا پشت) خود را و گفت جادوگری است یا دیوانه

الجزء (۲۷)

فَاَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ﴿٤٠﴾ وَفِي عَادٍ اِذْ اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ

پس گرفتیم او ولشکرهایش را پس بیفکندیمشان بدریا واو بود نکوهیده ودر عاد هنگامی که فرستادیم برایشان باد را

الْعَقِيمَ ﴿٤١﴾ مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ اَتَتْ عَلَيْهِ اِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ﴿٤٢﴾ وَفِي ثَمُودَ اِذْ قِيلَ لَهُمْ

نازا نمیگذارد چیزی را که میگذشت بر آن جز میگردانیدش مانند خاکی پوسیده ودر ثمود گاهیکه گفته شد بدیشان

تَمَتَّعُوا حَتَّى حِينٍ ﴿٤٣﴾ فَعَتَوْا عَنْ اَمْرِ رَبِّهِمْ فَاَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ﴿٤٤﴾

بهره مند باشید تا هنگامی پس سرکشیدند از فرمان پروردگار خویش پس بگرفتشان صاعقه وبودند نگرانان

فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا

پس نیارستند ایستادن را ونه بودند یاری جویان وقوم نوح را از پیش که بودند ایشان قومی

فَاسِقِينَ ﴿٤٦﴾ وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِاَيْدٍ وَاِنَّا لَمُوسِعُونَ ﴿٤٧﴾ وَالْاَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ

نافرمانان وآسمان را بنیاد نهادیم بنیروئی وهمانا مائیم فراخی دهندگان وزمین را گسترانیدیم پس چه خوبند گسترانندگان

﴿٤٨﴾ وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٤٩﴾ فَفِرُّوا اِلَى اللَّهِ اِنِّي لَكُمْ مِنْهُ

واز هر چیزی آفریدیم دو جفت شاید یادآور شوید پس بگریزید بسوی خدا که منم برای شما از او

نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٥٠﴾ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ اِلَهًا آخَرَ اِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿٥١﴾ كَذَلِكَ مَا

ترساننده آشکار وقرار ندهید با خدا خدائی دیگر همانا منم برای شما از او ترساننده آشکار بدینسان

اَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ اِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ اَوْ مَجْنُونٌ ﴿٥٢﴾ اَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ

نیامد آنان را که پیش از ایشان بودند فرستاده جز آنکه گفتند جادوگری است یا دیوانه آیا اندرز دادند یکدیگر را بدان بلکه ایشانند گروهی

طَاغُونَ ﴿٥٣﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا اَنْتَ بِمَلُومٍ ﴿٥٤﴾ وَذَكِّرْ فَاِنَّ الذِّكْرَى تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ﴿٥٥﴾

گردنکشان پس روی برتاب از ایشان که نیستی تو نکوهیده ویادآوری کن که یادآوری سود دهد بمؤمنان

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ اِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾ مَا اُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا اُرِيدُ اَنْ

ونیافریدم پری وآدمی را مگر تا پرستشم کنند نخواهم از آنان روزیی ونخواهم که

يُطْعِمُونِ ﴿٥٧﴾ اِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ﴿٥٨﴾ فَاِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِثْلَ

مرا خورانند همانا خداست روزی دهنده توانای نیرومند هرآینه آنانرا که ستم کردند بهره است مانند

ذَنُوبِ اَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ ﴿٥٩﴾ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٦٠﴾

بهره یارانشان پس شتاب نجویند از من پس وای از برای آنانکه کفر ورزیدند از روز ایشان که وعده داده شوند

سورة الطور مكية وآياتها تسع واربعون آية

سورة ٥٢ — حروفها ١٥٠٠ — كلماتها ٣١٢

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالطُّورِ ﴿١﴾ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ ﴿٢﴾ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ ﴿٣﴾ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ﴿٤﴾ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ

سوگند بطور ونامه نوشته در پوستی گسترده وخانه آبادان وپوش افراشته

﴿٥﴾ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ﴿٦﴾ اِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ ﴿٨﴾ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ﴿٩﴾

ودریای آکنده همانا عذاب پروردگار تو است فرود آینده نیستش دور کننده روزی که خزد آسمان خزیدنی

چنین تعظیمی که اصحاب محمد ص از وی کنند ندیده ام واکنون او راه اصلاحی پیشنهاد شما نموده است پس از او بپذیرید وسر برنهید که راه درست همان باشد این شد که سهیل بن عمرو از برای انجام عقد صلح بنزد پیمبر ص آمد وپیمبر ص علی ع را فرمود تا سر آغاز صلحنامه را بسم الله الرحمن الرحیم نویسد. سهیل گفت اما رحمن بخدا ندانم چه چیز است ولیکن بنویسید بسمک اللهم پیمبر ص فرمود تا همانا گفت نوشتند وسپس چنین نگاشتند این است آنچه قضاوت نمود بر آن محمد ص پیمبر خدای سهیل گفت اگر ما میدانستیم که تو پیمبر خدائی هرگز با تو از در کارزار نیامدیم ونه از خانه خدایت منع مینمودیم پس پیمبر ص علی ع را فرمود تا بنویسد محمد بن عبدالله وپیمبری او محو کند علی ع عذر آورد که مگر وی را تاب ستردن پیمبری وی از صحیفه نباشد لاجرم پیمبر ص خود نامه بگرفت وآنجمله محو کرد وروی بعلی ع کرد که همانا ترا نیز چنین حادثه رخ دهد که ناگزیر بمحو مقام ومنصب خویشتن گردی (واین حدیث در نامه تحکیم است) وهمانا بر تو در اینباره ستم خواهند ورزید چنانکه اکنون بر من روا داشتند وخلاصه مضمون آن نامه چنین شد که محمد بن عبدالله وسهیل بن عمرو تقاضی وصلح نمودند بر آنکه جنگ

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ﴿١٠﴾ فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ﴿١٢﴾ يَوْمَ

وروان شوند کوهها روان شدنی پس وای در آنروز بر تکذیب کنندگان آنانکه در سرگرمی بازی کنند روزیکه

يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ﴿١٣﴾ هَٰذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٤﴾ أَفَسِحْرٌ هَٰذَا أَمْ أَنتُمْ

رانده شوند بسوی آتش دوزخ رانده این است آن آتش که بودید بان تکذیب میکردید پس آیا جادو این است یا شما

لَا تُبْصِرُونَ ﴿١٥﴾ اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

نمی بینید بچشید سش کرشکیبا شوید یا نا شکیبا یکسان است برشما جز این نیست که بادادش داده میشوید آنچه را بودید میکردید

﴿١٦﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ﴿١٧﴾ فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ﴿١٨﴾

هما نا پرهیزکاران در باغها ونعمتها برخوردارند از آنچه داد ایشان وبازداشت ایشانرا پروردگارشان از عذاب دوزخ

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿١٩﴾ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ ۖ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ

بخورید وبیاشامید گوارا بآنچه بودید میکردید تکیه کنندگان بر تختهائی بصف آورده وهمسر کردیم ایشانرا باحوریان

عِينٍ ﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُم مِّنْ عَمَلِهِم

بفرد بسیان چشم (دشت) وآنانکه ایمان آوردند وپیروی کردندایشانرا فرزندانشان بایمان بپوستیم بایشان فرزندانشانرا ونکاستیم ایشان از کردار ایشان

مِّن شَيْءٍ ۚ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ﴿٢١﴾ وَأَمْدَدْنَاهُم بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢٢﴾ يَتَنَازَعُونَ

چیزی هر مردی است بدانچه فراهم آورد رهن گروگان ولک کردیشان بمیوه ولحوم آنچه هوس کنند برمیاندازند بهم

فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ ﴿٢٣﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ﴿٢٤﴾ وَأَقْبَلَ

جامی (بیفزینند باهم درمیان) که نه هرزه است درآن ونه بزه آوری وگرمش کنند برایشان سپرانی گوئی آنانند مرواریدهای پوشیده وروی آورد

بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ﴿٢٥﴾ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ﴿٢٦﴾ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا

بعضی از ایشان بر بعضی پرسش کنان گفتند بهانا بودیم پیش ازین در خاندان خویش هراسان پس منت نهاد خدا برما ونگهداشت ما

عَذَابَ السَّمُومِ ﴿٢٧﴾ إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُ ۖ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ﴿٢٨﴾ فَذَكِّرْ فَمَا أَنتَ بِنِعْمَتِ

از عذاب نفوذ کننده که ما بودیم از پیش بنیایش بهانا او است نکوکار مهربان پس یاد آوری کن که بمستی تو نیستی

رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ﴿٢٩﴾ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ ﴿٣٠﴾ قُلْ تَرَبَّصُوا

پروردگارت پیشگوئی نه دیوانه یا گویند شاعری است چشم براهیم بدو گردش روزگار را (بیش آمدهای مرگ) بگو چشم براه باشید

فَإِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُتَرَبِّصِينَ ﴿٣١﴾ أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُم بِهَٰذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ﴿٣٢﴾ أَمْ

که منهم باشما از چشم براهان یا دستور میدهد ایشان را خردهاشان این یا بلکه ایشانند گروهی گزافکن یا

يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ ۚ بَل لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٣﴾ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِن كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٣٤﴾ أَمْ خُلِقُوا

گویند برو افتد (پرداخته پیغمبر ما) بلکه ایمان ندارند پس بیارند داستانی مانند قرآن اگر هستند راستگویان یا آفریده شدند

مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ﴿٣٥﴾ أَمْ خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ﴿٣٦﴾ أَمْ عِندَهُمْ

بی هیچ چیزی یا ایشانند آفریننده گان یا آفریدند آسمانها وزمین را بلکه ایشان یقین ندارند یا نزد ایشان است

خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ ﴿٣٧﴾ أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ ۖ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُم بِسُلْطَانٍ

گنجهای پروردگار تو یا ایشانند فرمانروایان (وزمامداران) نردبانی که بآن گوش میدهند بر آن پس بیارد شنونده ایشان حجتی روشن

مُّبِينٍ ﴿٣٨﴾ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبَنُونَ ﴿٣٩﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ ﴿٤٠﴾

آشکار یا او راست دختران وشما راست پسران یا پرسیدیشان یا داشتی پس ایشانند از هزینه سنگین باران

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤١﴾ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ﴿٤٢﴾

یا نزد ایشان است ناپیدا پس ایشان مینویسند یا خواهند نیرنگی را پس آنانکه کفر ورزیدند ایشانند فریب دادگان

أَمْ لَهُمْ إِلَٰهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ﴿٤٣﴾ وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا

یا ایشانراست خدائی بجز خدا منزه است خدا از آنچه شرک میورزند واگر ببینند پاره را از آسمان فرود آینده گویند

سَحَابٌ مَرْكُومٌ ﴿٤٤﴾ فَذَرْهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ﴿٤٥﴾ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ

ابری است انبوه پس بگذارشان تا برسند بروزشان که در آن بصاعقه سوزند روزی که بی نیاز نگرداند از ایشان نیرنگشان

شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ﴿٤٦﴾ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَٰلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٧﴾

چیزی را و نه یاری شوند و همانا آنانرا که ستم کردند عذابی است نارسیده بدان (نزدیک بدان) ولیکن بیشترشان نمیدانند

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ ﴿٤٨﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ ﴿٤٩﴾

و شکیبا شو برای فرمان پروردگار خویش که توئی پیش چشم ما و تسبیح گوی بسپاس پروردگارت گاهیکه برخیزی و از شب پس تسبیح گویش و پشت سر ستارگان

سورة النجم مكية وآياتها اثنتان وستون آية

بسم الله الرحمن الرحيم — سورة ٥٣ — حروفها ١٤٠٥ — كلماتها ٣٦٠

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ﴿١﴾ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ﴿٢﴾ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٣﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ

سوگند بستاره گاهیکه فرود آید نه گمراه شد یار شما و نه گم گشت و نه سخن گوید از روی هوس نیست آن جز سروشی که

يُوحَىٰ ﴿٤﴾ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ﴿٥﴾ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ﴿٦﴾ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ﴿٧﴾ ثُمَّ دَنَا

وحی شود بیاموختش کسیکه سخت نیروهاست نیرومندی پس استوار شد و او است بر افق فراتر سپس نزدیک شد

فَتَدَلَّىٰ ﴿٨﴾ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ﴿٩﴾ فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ ﴿١٠﴾ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا

پس فرود آمد تا شد اندازه پهنای دو کمان یا نزدیکتر پس وحی فرستاد بسوی بنده خویش آنچه وحی فرستاد دروغ نگفت دل آنچه را

رَأَىٰ ﴿١١﴾ أَفَتُمَارُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ﴿١٢﴾ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ﴿١٣﴾ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ﴿١٤﴾

دید آیا ستیزه کنید با او بر آنچه می بیند و هر آینه دید او را باری دیگر نزد درخت سدرة المنتهی

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ﴿١٥﴾ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ﴿١٦﴾ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ﴿١٧﴾ لَقَدْ

که نزد آنست بهشت جایگاه گاهیکه پوشانید سدره را آنچه پوشانید نلغزید دیده و نه سرکشی کرد همانا

رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ﴿١٨﴾ أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ﴿١٩﴾ وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ ﴿٢٠﴾

دید از آیتهای پروردگار خویش بزرگتر را آیا دیدید شما لات و عزی و منوة سیمین دیگر را

أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنْثَىٰ ﴿٢١﴾ تِلْكَ إِذًا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ ﴿٢٢﴾ إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ

آیا شماراست نرینه و او راست مادینه اینست آنهنگام بخش کردنی ناهنجار نیست آن مگر نامهائی که نامیدید آنها را شما

وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَلَقَدْ

و پدران شما نفرستاده است خدا بدانها فرمانروائی پیروی نکنند جز گمان را و آنچه هوس کند دلها و هر آینه

جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ ﴿٢٣﴾ أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّىٰ ﴿٢٤﴾ فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ ﴿٢٥﴾

بیامدشان از پروردگارشان راهنما یا انسانراست آنچه آرزو کند پس خدا راست انجام و آغاز

حزب (٢)

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمٰوٰتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا اِلَّا مِنْ بَعْدِ اَنْ يَأْذَنَ اللّٰهُ لِمَنْ يَشَآءُ

وبسا فرشتگانی در آسمانها که بی نیاز نگرداند شفاعتشان چیزی را مگر پس از آنکه دستور دهد خدا بهرکه خواهد

وَيَرْضٰى ﴿۲۶﴾ اِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلٰٓئِكَةَ تَسْمِيَةَ الْاُنْثٰى ﴿۲۷﴾ وَمَا لَهُمْ

وخوشنود شود همانا آنانکه ایمان نیارند باخرت نامند فرشتگانرا بنام (نامیدن) ماده نیستشان

بِهِ مِنْ عِلْمٍ اِنْ يَتَّبِعُونَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا ﴿۲۸﴾ فَاَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلّٰى

بدان دانشی پیروی نکنند جز گمان را وهمانا گمان بی نیاز نگرداند از حق چیزی را پس روی برتاب از آنکه روی گردانید

عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ اِلَّا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ﴿۲۹﴾ ذٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ

از یاد ما ونخواست جز زندگانی دنیا را اینست اندازهٔ رسیدنشان بدانش همانا پروردگار تو داناترست بدانکه گم شود

عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدٰى ﴿۳۰﴾ وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ

از راهش واوست داناتر بدانکه راه یافت وخدا راست آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است تا پاداش دهد آنانرا که

اَسَآؤُا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ اَحْسَنُوا بِالْحُسْنٰى ﴿۳۱﴾ اَلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَآئِرَ الْاِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ

بد کردند بدانچه کردند وپاداش دهد آنانرا که نکو کردند بنکوئی آنانکه دوری گزینند گناهان بزرگ را وناشایسته ها را

اِلَّا اللَّمَمَ اِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ اَعْلَمُ بِكُمْ اِذْ اَنْشَاَكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَاِذْ اَنْتُمْ اَجِنَّةٌ فِي

جز اندیشهٔ گناه (یا گناه خرد) همانا پروردگار تو پهناورست آمرزش او واو داناترست بشما گاهیکه پدید آورد شمارا از زمین وگاهیکه شما نهان بودید در

بُطُونِ اُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوا اَنْفُسَكُمْ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقٰى ﴿۳۲﴾ اَفَرَاَيْتَ الَّذِي تَوَلّٰى ﴿۳۳﴾ وَاَعْطٰى قَلِيلًا

شکمهای مادران خویش پس خویشتن را نستایید (پاک نشمرید) اوست داناتر بدانکه پرهیز کرد آیا دیدی آنرا که روی برتافت وبخشید اندکی

وَاَكْدٰى ﴿۳۴﴾ اَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرٰى ﴿۳۵﴾ اَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسٰى ﴿۳۶﴾ وَاِبْرٰهِيمَ الَّذِي

وخودداری کرد آیا نزد اوست علم ناپیدا پس او می بیند یا آگهی داده نشد بدانچه در نامه های موسی است وابراهیم که

وَفّٰى ﴿۳۷﴾ اَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ اُخْرٰى ﴿۳۸﴾ وَاَنْ لَيْسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعٰى ﴿۳۹﴾ وَاَنَّ سَعْيَهُ

وفا کردارست که برندارد هیچ گنهباری بار دگری را وآنکه نیست انسانرا جز آنچه بکوشد (یا بدود) وآنکه کوشش او

سَوْفَ يُرٰى ﴿۴۰﴾ ثُمَّ يُجْزٰيهُ الْجَزَآءَ الْاَوْفٰى ﴿۴۱﴾ وَاَنَّ اِلٰى رَبِّكَ الْمُنْتَهٰى ﴿۴۲﴾ وَاَنَّهُ هُوَ اَضْحَكَ وَاَبْكٰى

زود است دیده شود پس پاداش داده شودش پاداش رساتر وآنکه بسوی پروردگار تو است پایان وآنکه اوست که بخندانید وبگریانید

﴿۴۳﴾ وَاَنَّهُ هُوَ اَمَاتَ وَاَحْيٰى ﴿۴۴﴾ وَاَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰى ﴿۴۵﴾ مِنْ نُطْفَةٍ اِذَا تُمْنٰى ﴿۴۶﴾

وآنکه اوست که میرانید وزنده ساخت وآنکه او آفرید دو جفت را نر وماده از چکهٔ آبی گاهیکه ریخته گردد

وَاَنَّ عَلَيْهِ النَّشْاَةَ الْاُخْرٰى ﴿۴۷﴾ وَاَنَّهُ هُوَ اَغْنٰى وَاَقْنٰى ﴿۴۸﴾ وَاَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشِّعْرٰى ﴿۴۹﴾ وَاَنَّهُ

وآنکه براوست پدید آوردن دیگر وآنکه او بی نیاز کرد ونگاهداشت وآنکه اوست پروردگار شعری (ستاره است) وآنکه او

اَهْلَكَ عَادًا الْاُولٰى ﴿۵۰﴾ وَثَمُودَ فَمَا اَبْقٰى ﴿۵۱﴾ وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ اِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ اَظْلَمَ وَاَطْغٰى

نابود ساخت عاد نخستین را وثمود را بجای نگذارد وقوم نوح را از پیش که ایشان بودند ستمگرتر وسرکش تر

﴿۵۲﴾ وَالْمُؤْتَفِكَةَ اَهْوٰى ﴿۵۳﴾ فَغَشّٰيهَا مَا غَشّٰى ﴿۵۴﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكَ تَتَمَارٰى ﴿۵۵﴾ هٰذَا نَذِيرٌ مِنَ النُّذُرِ

وبازگون شدگانرا فرود آورد پس پوشانیدش آنچه پوشانید پس بکدام نعمتهای پروردگار خویش میستیزی این است بیم دهنده از بیم دهندگان

الْاُولٰى ﴿۵۶﴾ اَزِفَتِ الْاٰزِفَةُ ﴿۵۷﴾ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللّٰهِ كَاشِفَةٌ ﴿۵۸﴾ اَفَمِنْ هٰذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ ﴿۵۹﴾

پیشین نزدیک گشت نزدیک شونده نیستش جز خدا گشاینده آیا از این داستان شگفت مانید

وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَبْكُونَ ﴿٦٠﴾ وَأَنْتُمْ سَامِدُونَ ﴿٦١﴾ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُوا ﴿٦٢﴾

و خندید و نه گریید و شمایید ناآگهان پس سجده کنید برای خدا و ستایش کنید

سُورَةُ الْقَمَرِ مَكِّيَّةٌ وَآيَاتُهَا خَمْسٌ وَخَمْسُونَ آيَةً

سورة ٥٤ — حروفها ١٤٢٢ — كلماتها ٣٤٢

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ ﴿١﴾ وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُسْتَمِرٌّ ﴿٢﴾ وَكَذَّبُوا

نزدیک شد ساعت و بشکافت ماه و اگر ببینند آیتی روی برتابند و گویند جادوئیست گذران (یا نیرومند) و تکذیب کردند

وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُسْتَقِرٌّ ﴿٣﴾ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ ﴿٤﴾ حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ

و پیروی کردند هوسهای خویش را و هر کاری است پایدار (جایگزین) و هر آینه بیامدشان از داستانها آنچه در آنست بازداشتنی حکمتی است رسا

فَمَا تُغْنِ النُّذُرُ ﴿٥﴾ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُكُرٍ ﴿٦﴾ خُشَّعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ

پس بی نیاز نکنند ترسانندگان پس روی برتاب از ایشان روزی که خواند خواننده بچیزی ناپسند سرافکنده است دیدگانشان برون آیند از

الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ ﴿٧﴾ مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَٰذَا يَوْمٌ عَسِرٌ ﴿٨﴾

گورها گوئیا آنانند ملخهای پراکنده شتابندگان بسوی خواننده گویند کافران امروز است روزی سخت

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ ﴿٩﴾ فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ

تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح پس تکذیب کردند بنده ما را و گفتند دیوانه است و آزرده شد پس خواند پروردگار خویش را که منم شکست خورده

فَانْتَصِرْ ﴿١٠﴾ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ ﴿١١﴾ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ

پس یاری کن پس گشودیم درهای آسمان را بآبی ریزنده و بشکافتیم زمین را چشمه‌هائی پس بهم پیوستند آبها بر کاری مقدر شده

﴿١٢﴾ وَحَمَلْنَاهُ عَلَىٰ ذَاتِ أَلْوَاحٍ وَدُسُرٍ ﴿١٣﴾ تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءً لِمَنْ كَانَ كُفِرَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا

و سوارش کردیم بر دارنده تخته‌ها و میخهائی روان میشد پیش چشم ما پاداشی برای آنکه کفران شد و همانا گذاردیم آنرا

آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ﴿١٥﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿١٦﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ

آیتی پس آیا هست یادآورنده پس چگونه بود عذابم و ترسانیدنم و همانا آسان ساختیم قرآن را برای یادآوردن پس آیا هست

مُدَّكِرٍ ﴿١٧﴾ كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿١٨﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ

یادآورنده تکذیب کردند عاد پس چگونه بود عذاب من و ترسانیدنم همانا فرستادیم برایشان تندبادی در روزی

نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ ﴿١٩﴾ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ ﴿٢٠﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿٢١﴾ وَلَقَدْ

شوم پیوسته برمیانداخت مردم را گوئیا آنانند بنهای نخلهای کنده شده پس چگونه بود عذاب من و ترسانیدنم و همانا

يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ﴿٢٢﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ ﴿٢٣﴾ فَقَالُوا أَبَشَرًا مِنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُ

هموار ساختیم قرآن را برای یادآوردن پس آیا هست یادآورنده دروغ پنداشتند ثمود ترسانندگان مرا پس گفتند آیا بشری را از خویش که یکتن است پیروی کنیم

إِنَّا إِذًا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿٢٤﴾ أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌ ﴿٢٥﴾ سَيَعْلَمُونَ

همانا مائیم آنهنگام در گمرهی و آتشهائی آیا افکنده شد بر او ذکر از میان ما بلکه او است دروغ پردازی برتری جوی زود است بدانند

غَدًا مَنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُ ﴿٢٦﴾ إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ ﴿٢٧﴾

فردا کیست دروغ پرداز برتری جوی ما فرستنده‌ایم اشتر ماده را آزمایشی برای ایشان پس بنگر ایشان را و شکیبا شو

سجدة واجبة

وَنَبِّئْهُمْ اَنَّ الْمَآءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُّحْتَضَرٌ ﴿۲۸﴾ فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطٰى

وآگهیشان ده که آب بخش است میان ایشان هر آبشخوری است حاضر شده پس خواندند یار خویشرا پس بیامد

فَعَقَرَ ﴿۲۹﴾ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿۳۰﴾ اِنَّآ اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَّاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ

پس پی کرد پس چگونه بود عذاب من و ترسانندگان من همانا فرستادیم برایشان خروشی را تا شدند مانند برگ خشکیده

الْمُحْتَظِرِ ﴿۳۱﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْاٰنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ ﴿۳۲﴾ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ ﴿۳۳﴾

کوخ سازنده و همانا آسان ساختیم قرآن را برای یادآوردن پس آیا هست یادآورنده تکذیب کردند قوم لوط ترسانندگانرا

اِنَّآ اَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا اِلَّآ اٰلَ لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ ﴿۳۴﴾ نِعْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا كَذٰلِكَ نَجْزِي

همانا فرستادیم برایشان سنگریزه جز خاندان لوط که رهائیشان دادیم بسحر نعمتی از نزد ما بدینسان پاداش دهیم

مَنْ شَكَرَ ﴿۳۵﴾ وَلَقَدْ اَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ ﴿۳۶﴾ وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ

آنرا که سپاس گذارد و هر آینه ترسانید ایشانرا از خشم ما پس ستیزه کردند با بیم دهندگان و همانا کام خواستندش از میهمانانش

فَطَمَسْنَآ اَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿۳۷﴾ وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ ﴿۳۸﴾

پس پوشیدیم دیدگان ایشانرا پس بچشید عذاب من و ترسانندگان مرا و همانا بامداد کرد برایشان بگاه عذابی جایگزین

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ ﴿۳۹﴾ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْاٰنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ ﴿۴۰﴾ وَلَقَدْ

پس بچشید عذاب من و ترسانندگان مرا و همانا آماده ساختیم قرآن را برای یادآوردن پس آیا هست یادآورنده و همانا

جَآءَ اٰلَ فِرْعَوْنَ النُّذُرُ ﴿۴۱﴾ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِنَا كُلِّهَا فَاَخَذْنَاهُمْ اَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿۴۲﴾

بیامدند خاندان فرعون را ترسانندگان پس تکذیب کردند بآیتهای ما همگی آنها پس گرفتیمشان گرفتن مهتری نیرومند

اَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ اُولٰٓئِكُمْ اَمْ لَكُمْ بَرَآءَةٌ فِي الزُّبُرِ ﴿۴۳﴾ اَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنْتَصِرٌ

آیا کافران شما بهترند از اینان یا شماراست بیزاری در کتب یا گویند مائیم همگی یاری شدگان

﴿۴۴﴾ سَيُهْزَمُ الْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ الدُّبُرَ ﴿۴۵﴾ بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ اَدْهٰى وَاَمَرُّ ﴿۴۶﴾

زود است شکست خورند گروه و بازگردانند پشتها را بلکه ساعت است وعده گاه ایشان و ساعت است هراسناکتر و تلختر

اِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ﴿۴۷﴾ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلٰى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا

همانا گنهکارانند در گمراهی و آتشهای سوزان روزی که کشیده شوند در آتش بر رویهای خویش بچشید

مَسَّ سَقَرَ ﴿۴۸﴾ اِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ ﴿۴۹﴾ وَمَآ اَمْرُنَآ اِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ﴿۵۰﴾

سودن دوزخ همانا ما همه چیزرا آفریدیم باندازه‌ای و نیست کار ما جز یکی مانند دیدنی بچشم (بهمزدن چشم)

وَلَقَدْ اَهْلَكْنَآ اَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُّدَّكِرٍ ﴿۵۱﴾ وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ ﴿۵۲﴾

و هر آینه نابود ساختیم پیروان شمارا پس آیا هست یادآورنده‌ای و هر چیزی که کردند در کتابهاست

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌ ﴿۵۳﴾ اِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ﴿۵۴﴾ فِي مَقْعَدِ

و هر کوچکی و بزرگی است نوشته همانا پرهیزکارانند در باغها و چشمه‌هائی در نشیمنی

صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ ﴿۵۵﴾

راست نزد پادشاهی نیرومند

سورة الرحمن مدنية وآياتها ثمان وسبعون آية



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

سورة ۵۵ — حروفها ۱۶۳۶ — کلماتها ۳۵۱

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَلرَّحْمٰنُ ۙ ﴿۱﴾ عَلَّمَ الْقُرْاٰنَ ؕ ﴿۲﴾ خَلَقَ الْاِنْسَانَ ﴿۳﴾ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ ﴿۴﴾ اَلشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ

خدای مهربان بیاموخت قرآن بیافرید انسان بیاموختش بیان مهر و ماه بشمارند

﴿۵﴾ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ﴿۶﴾ وَالسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ۙ ﴿۷﴾ اَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ

و ستاره و درخت سجده کنانند و آسمان را برافراشت و بنهاد ترازو را که سرکشی نکنید در سنجش

﴿۸﴾ وَاَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ﴿۹﴾ وَالْاَرْضَ وَضَعَهَا لِلْاَنَامِ ۙ ﴿۱۰﴾ فِيهَا فَاكِهَةٌ

و بپایدارید سنجش را بداد و نکاهید سنجش را و زمین را بنهادش برای جهانیان در آن است میوه

وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْاَكْمَامِ ﴿۱۱﴾ وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ۚ ﴿۱۲﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

و خرمابن دارندهٔ شکوفه‌ها و دانه دارندهٔ برگ و روزی پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب میکنید

﴿۱۳﴾ خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ۙ ﴿۱۴﴾ وَخَلَقَ الْجَآنَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ ۚ ﴿۱۵﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ

آفرید انسان را از گل خشکی مانند سفال پخته و آفرید پری را از آمیختهٔ از آتش پس آیا بکدامین نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۱۶﴾ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ﴿۱۷﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

شما (ای دو کس) تکذیب میکنید پروردگار خاوران و پروردگار باختران پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما (ای دو کس) تکذیب میکنید

﴿۱۸﴾ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ۙ ﴿۱۹﴾ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ ۚ ﴿۲۰﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۲۱﴾

آمیخت دو دریا را بهم رسنده که میان آنهاست فاصله (دیواری) تا ستم نکنند پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید

يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ۚ ﴿۲۲﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۲۳﴾ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَاٰتُ فِي الْبَحْرِ

برون آید از آنها مروارید و مرجان پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید و او راست رونده‌هائی برافراشته در دریا

كَالْاَعْلَامِ ﴿۲۴﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۲۵﴾ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ۚ ﴿۲۶﴾ وَيَبْقٰى وَجْهُ رَبِّكَ

مانند کوهها پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید هر کس بر آن است نابود شود و بجای ماند روی پروردگار تو

ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ ۚ ﴿۲۷﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۲۸﴾ يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ؕ

دارای مهتری و بزرگواری پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید پرسندش آنانکه در آسمانها و زمینند

كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَاْنٍ ۚ ﴿۲۹﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۳۰﴾ سَنَفْرُغُ لَكُمْ اَيُّهَ الثَّقَلَانِ ۚ ﴿۳۱﴾

هر روزی او است در کاری پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید زود است بپردازیم بشما ای سنگینان (ای دو گرانمایگان)

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۳۲﴾ يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنِ اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوا مِنْ اَقْطَارِ

پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید ای گروه جن و انس اگر توانستید درون روید از اطراف

السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ فَانْفُذُوا ؕ لَا تَنْفُذُونَ اِلَّا بِسُلْطَانٍ ۚ ﴿۳۳﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۳۴﴾

آسمانها و زمین (یا برون روید) پس بروید نمیروید مگر بفرمانروائی پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید

يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ۚ ﴿۳۵﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۳۶﴾ فَاِذَا

ریخته شود بر شما شراره (یا گداخته یا آمیخته) از آتش و مس پس یاری نشوید پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید تا گاهیکه

انْشَقَّتِ السَّمَآءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ۚ ﴿۳۷﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۳۸﴾

بشکافد آسمان پس گردد گلی رنگ چون روغن (روان) پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید

ان شاء الله آمنین ۲۷ از ابو العباس ثعلب است که خدای در آنچه میدانست استثنای مشیت فرمود تا شما در آنچه نمیدانید از گفتار آن قصور نورزید. ۲۲ محلقین رؤسکم این جمله چنانکه خدای وعده فرمود همه در عمرة القضاء در سال هفتم هجری بحقیقت پیوست که پیمبر ص با اصحاب احرام عمره بر گرفته و بمکه در آمدند و سه روز در آن اقامت نمودند و پیمبر ص جعفر بن ابیطالب بخواستگاری میمونه عامریه دخت حارث فرستاد و عباس بن عبد المطلب که شوی خواهر او بود وی را بازدواج پیمبر ص در آورد. لا ترفعوا اصواتکم این آیت درباره وفد تمیم فرود آمد مهتر ایشان عطارد بن حاجب بن زراره و با او گروهی از اشراف تمیم از قبیل اقرع بن حابس و زبرقان بن بدر و عمرو بن اهتم و قیس بن عاصم بودند و چون بمسجد در آمدند پیمبر ص از اندرون حجراتش بانگ زدن گرفتند که ای محمد ص برون شو تا با تو مفاخره کنیم و از امام ابیجعفر باقر علیه السلام است بروایت زرارة که نه شمشیرها از نیام برهنه شد و نه صفوف نماز و جنگ آراسته شد و نه بانگ اذان بلند

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ اِنْسٌ وَلَا جَآنٌّ ﴿۳۹﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۴۰﴾ يُعْرَفُ الْمُجْرِمُونَ

پس آن روز پرسش نشود از گناهش آدمی و نه پری پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید شناخته شوند گنهکاران

بِسِيمٰهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْاَقْدَامِ ﴿۴۱﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۴۲﴾ هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي

بنشانیشان (بچهره شان) پس گرفته شوند پیشانیها و قدمها پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید این است دوزخی که

يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ ﴿۴۳﴾ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ اٰنٍ ﴿۴۴﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۴۵﴾ وَلِمَنْ

تکذیب میکردند بدان گنهکاران گردش کنند میان آن و میان آب جوشانی گرم پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید و آنرا که

خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ ﴿۴۶﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۴۷﴾ ذَوَاتَآ اَفْنَانٍ ﴿۴۸﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا

بترسد جایگاه پروردگار خویش را دو بهشت است پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید دارندگان شاخسارها پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما

تُكَذِّبَانِ ﴿۴۹﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ ﴿۵۰﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۵۱﴾ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ

تکذیب میکنید در آنهاست دو چشمه روان پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید در آنهاست از هر میوه دو جفت

﴿۵۲﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۵۳﴾ مُتَّكِئِينَ عَلٰى فُرُشٍ بَطَآئِنُهَا مِنْ اِسْتَبْرَقٍ وَجَنَا الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ

پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید تکیه کنندگان بر جامه های خواب که آسترهای (یا لبه های) آنهاست از استبرق و میوه دو بهشت است نزدیک

﴿۵۴﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۵۵﴾ فِيهِنَّ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ ﴿۵۶﴾

پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید در آنهاست کوتاه چشمانی که نیامیخت است با آنان آدمی پیش از ایشان و نه پری

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۵۷﴾ كَاَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ﴿۵۸﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۵۹﴾

پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید گوئیا آنانند یاقوت و مرجان پس آیا بکدامین آیتهای پروردگار شما تکذیب میکنید

هَلْ جَزَآءُ الْاِحْسَانِ اِلَّا الْاِحْسَانُ ﴿۶۰﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۶۱﴾ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ ﴿۶۲﴾

آیا هست پاداش نکوکاری جز نکوکاری پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید و نزدیک آنهاست دو بهشت

فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۶۳﴾ مُدْهَآمَّتَانِ ﴿۶۴﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۶۵﴾ فِيهِمَا عَيْنَانِ

پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید دو بهشت سبز سیاه فام پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما را تکذیب میکنید در آنهاست دو چشمه

نَضَّاخَتَانِ ﴿۶۶﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۶۷﴾ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ﴿۶۸﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ

جوشان پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید در آنهاست میوه و خرمابنی و اناری پس آیا بکدامین نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۶۹﴾ فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ ﴿۷۰﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۷۱﴾ حُورٌ

پروردگار شما تکذیب میکنید در آنهاست نکو زنانی زیبایان پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید سفید پوستانی

مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ ﴿۷۲﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۷۳﴾ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ اِنْسٌ قَبْلَهُمْ

باز داشته در سراپرده ها پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید نیامیخته است با آنان آدمی پیش از ایشان

وَلَا جَآنٌّ ﴿۷۴﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۷۵﴾ مُتَّكِئِينَ عَلٰى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ

و نه پری پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید تکیه کنندگان بر بالشهای سبز و زرتارهائی

حِسَانٍ ﴿۷۶﴾ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ﴿۷۷﴾ تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ ﴿۷۸﴾

نکو (یا زیبا) پس آیا بکدامین نعمتهای پروردگار شما تکذیب میکنید فرخنده باد نام پروردگار تو خداوند شکوه و احترام

سورة الواقعة مكية وآياتها ست وتسعون آية

سورة ٥٦ — حروفها ١٧٠٣ — كلماتها ٣٧٨

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿١﴾ لَيْسَ لِوَقْعَتِهَا كَاذِبَةٌ ﴿٢﴾ خَافِضَةٌ رَّافِعَةٌ ﴿٣﴾ إِذَا رُجَّتِ الْأَرْضُ رَجًّا ﴿٤﴾

گاهیکه فرود آید فرود آینده نیست فرود آمدنش را دروغی فرود آرنده و بالا برنده گاهیکه بلرزد زمین لرزیدنی

وَبُسَّتِ الْجِبَالُ بَسًّا ﴿٥﴾ فَكَانَتْ هَبَاءً مُّنْبَثًّا ﴿٦﴾ وَكُنْتُمْ أَزْوَاجًا ثَلَاثَةً ﴿٧﴾ فَأَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ مَا

ورانده شوند کوهها راندنی پس گردند گردی پراکنده و شوید گروههائی سه گانه پس یاران راست چیست

أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿٨﴾ وَأَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿٩﴾ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ ﴿١٠﴾

یاران راست و یاران چپ چیست یاران چپ و پیش آهنگان (پیشی گیرندگان) آن پیش آهنگان

أُولَٰئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ﴿١١﴾ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿١٢﴾ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ وَقَلِيلٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿١٤﴾ عَلَىٰ سُرُرٍ

آنانند نزدیک گشتگان در بهشتهای نعمتها پاره از پیشینیان واندکی از آیندگان بر تختهائی

مَّوْضُونَةٍ ﴿١٥﴾ مُّتَّكِئِينَ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ ﴿١٦﴾ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ ﴿١٧﴾ بِأَكْوَابٍ

بافته تکیه کنندگان بر آنها روی بروی بگردند برایشان پسرانی جاودانان با جامها

وَأَبَارِيقَ وَكَأْسٍ مِّنْ مَّعِينٍ ﴿١٨﴾ لَّا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْزِفُونَ ﴿١٩﴾ وَفَاكِهَةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ

وصراحیها وجامی از باده نمایان نه درد سر گیرند از آن ونه از خرد افتند ومیوه از آنچه برگزینند

﴿٢٠﴾ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٢١﴾ وَحُورٌ عِينٌ ﴿٢٢﴾ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ﴿٢٣﴾ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وگوشت مرغی از آنچه هوس کنند وزنان سفید اندام فراخ چشمان مانندگان مروارید پوشیده پاداشی بدانچه بودند میکردند

﴿٢٤﴾ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ﴿٢٥﴾ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا سَلَامًا ﴿٢٦﴾ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ

نشنوند در آن بیهده ونه گناه بستنی را جز گفتار سلامی سلامی و یاران راست چه یاران

الْيَمِينِ ﴿٢٧﴾ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ ﴿٢٨﴾ وَطَلْحٍ مَّنْضُودٍ ﴿٢٩﴾ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ ﴿٣٠﴾ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ ﴿٣١﴾ وَفَاكِهَةٍ

راستی زیر درخت سدری بی خار وموزی بهم پیچیده وسایه کشیده وآبی ریزان ومیوه

كَثِيرَةٍ ﴿٣٢﴾ لَّا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ﴿٣٣﴾ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ ﴿٣٤﴾ إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً ﴿٣٥﴾ فَجَعَلْنَاهُنَّ

فراوان نابریده ونه بازداشته وزنانی افراشته (بلند بالا) همانا ما پدید آوردیمشان پدید آوردنی پس گردانیدیمشان

أَبْكَارًا ﴿٣٦﴾ عُرُبًا أَتْرَابًا ﴿٣٧﴾ لِّأَصْحَابِ الْيَمِينِ ﴿٣٨﴾ ثُلَّةٌ مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿٣٩﴾ وَثُلَّةٌ مِّنَ الْآخِرِينَ ﴿٤٠﴾

شوی نادیدگانی شوهر دوستانی همسالانی برای یاران راست گروهی از پیشینیان وگروهی از بازماندگان

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ ﴿٤١﴾ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ ﴿٤٢﴾ وَظِلٍّ مِّنْ يَحْمُومٍ ﴿٤٣﴾ لَّا بَارِدٍ

و یاران چپ چه یاران چپ در آتشی سوراخ کننده وآبی جوشان وسایه از دود سیاه نه خنک

وَلَا كَرِيمٍ ﴿٤٤﴾ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ ﴿٤٥﴾ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ ﴿٤٦﴾

ونه گرامی همانا ایشان بودند پیش از این هوسرانان وبودند اصرار میورزیدند بر گناه (یا پیمان شکنی) بزرگ

وَكَانُوا يَقُولُونَ أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ﴿٤٧﴾ أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ

وبودند میگفتند آیا گاهی که مردیم وشدیم خاکی واستخوانهائی آیا مائیم برانگیختگان آیا وپدران ما پیشینیان

﴿٤٨﴾ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ ﴿٤٩﴾ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ﴿٥٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ

بگو همانا پیشینیان و پسینیان گرد آورده شوند بسوی وعده گاه روزی دانسته سپس شما ای گمرهان تکذیب کنندگان

از پیش پیمبر ص را پرسیده بود که آیا در اینکار که از پی آن میروم چون تیغ بر آن باشم یا بمضمون الشاهد یری ما لا یراه الغائب عمل کنم و پیمبر ص ویرا بشق دوم فرموده بود لاجرم چون این بدید از سر آن مرد درگذشت و برگشت وان طائفتان این آیت درباره قوم عبدالله بن ابی بن سلول از خزرج و قوم عبدالله بن رواحه از اوس نازل شده و سبب آن بود که پیمبر ص بر بالای سر عبدالله بن ابی توقف فرمود و دراز گوشی که بر آن سوار بود سرگین انداخت عبدالله بیتی بگرفت و با پیمبر ص گستاخانه گفت از من دور شو عبدالله بن رواحه گفت همانا دراز گوش پیمبر ص خوشبوتر از تو و پدر تو میباشد و این سخن قوم عبدالله بن ابی را خشمگین ساخت و قوم عبدالله بن رواحه نیز بحمایت او برخواستند و بین هر دو گروه آتش کینه زبانه کشید اما از زد و خورد با دست و کفش و آهن تجاوز ننمود. لا یسخر قوم درباره ثابت بن قیس بن شماس نازل شد که گوشش سنگین بود و چون بمسجد آمدی مردم جای برایش گشادندی تا بنزد پیمبر ص نشستی و سخنش شنیدی تا چنان افتاد که روزی پس از انجام نماز و جای گرفتن مردم بمسجد آمد و بشیوه پیشین خواست تا

(۵۱) لَاٰكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زَقُّومٍ (۵۲) فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ (۵۳) فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ

همانا خورنده اید از درختی از زقوم پس آکنده اید از آن شکمها را پس آشامنده اید بر آن از آب جوشان

(۵۴) فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ (۵۵) هٰذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ (۵۶) نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ

پس نوشنده اید نوشیدن اشتران تشنگی زده این است پیشکش ایشان روز دین ما آفریدیمتان پس چرا تصدیق نمیکنید

(۵۷) أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ (۵۸) ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ (۵۹) نَحْنُ قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ

آیا دیدید آنچه را میریزید (آب منی) آیا شما میآفریدش یا مائیم آفرینندگان ما نهادیم میان شما مرگ را

وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ (۶۰) عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنْشِئَكُمْ فِيمَا لَا تَعْلَمُونَ (۶۱) وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ

و نیستیم پیشی گرفته شدگان بر آنکه تبدیل کنیم مانندگان شما را و پدید آوریمتان در آنچه نمیدانید و همانا دانستید

النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ (۶۲) أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ (۶۳) ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ

پیدایش نخستین را پس چرا یاد آور نشوید آیا دیدید آنچه را میکارید آیا شما کشتش کنید یا مائیم

الزَّارِعُونَ (۶۴) لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ (۶۵) إِنَّا لَمُغْرَمُونَ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ (۶۶)

کشت آوران اگر خواهیم گردانیمش خشک پس بمانید زمزمه کنان که مائیم زیانکاران بلکه مائیم ناکامان

(۶۷) أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ (۶۸) ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنْزِلُونَ (۶۹) لَوْ نَشَاءُ

آیا دیدید آبی را که نوشید آیا شما فرودش آوردید از ابر یا مائیم فرود آرندگان اگر میخواستیم

جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (۷۰) أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ (۷۱) ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ

میگردانیدیمش تلخکام پس چرا سپاس نگذارید آیا دیدید آتشی را که افروزید آیا شما پدید آوردید درختش را یا

نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ (۷۲) نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذْكِرَةً وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ (۷۳) فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۷۴)

مائیم پدید آرندگان ما گردانیدیمش یادآوری و بهره برای نیازمندان پس تسبیح گوی بنام پروردگار بزرگ خویش

فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ (۷۵) وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ (۷۶) إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ (۷۷) فِي كِتَابٍ

پس سوگند نخورم بفرودگاههای ستارگان و همانا آن است سوگندی اگر بدانید گران همانا آن است قرآنی گرامی در نامه

مَكْنُونٍ (۷۸) لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ (۷۹) تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۸۰) أَفَبِهٰذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ

پوشیده دست بدان نسایند جز پاک شدگان فرستادنی از پروردگار جهانیان پس آیا بدین داستان شمائید چاپلوسان

(۸۱) وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ تُكَذِّبُونَ (۸۲) فَلَوْلَا إِذَا بَلَغَتِ الْحُلْقُومَ (۸۳) وَأَنْتُمْ حِينَئِذٍ تَنْظُرُونَ

و قرار دهید روزی خود را که تکذیب کنید پس چرا گاهیکه رسد بگلوگاه و شمائید آنهنگام نگرانان

(۸۴) وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلٰكِنْ لَا تُبْصِرُونَ (۸۵) فَلَوْلَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ (۸۶) تَرْجِعُونَهَا إِنْ

و مائیم نزدیکتر بدو از شما ولیکن نه بینید پس چرا اگر هستید شما ناکیفر شدگان بازش گردانید اگر

كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۸۷) فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ (۸۸) فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتُ نَعِيمٍ (۸۹) وَأَمَّا إِنْ كَانَ

هستید راستگویان پس اگر بود از مقربان پس آرامشی و روزیی و بهشت نعمت و اما اگر بود

مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۰) فَسَلَامٌ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ (۹۱) وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ

از یاران راست پس سلامی ترا از یاران راست و اما اگر بود از تکذیب کنندگان گمراهان

(۹۲) فَنُزُلٌ مِنْ حَمِيمٍ (۹۳) وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ (۹۴) إِنَّ هٰذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ (۹۵) فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ (۹۶)

پس پیشکشی از آب جوشان و چشیدن دوزخ همانا این است حق یقین پس تسبیح گوی بنام پروردگار بزرگ خویش

سورة الحديد مدنية وآياتها تسع وعشرون آية

سوره ۵۷ — حروفها ۲۴۷۵ — کلماتها ۵۴۴

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ① لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَ

تسبیح کرد برای خدا آنچه در آسمانها وزمین است واوست عزتمند حکیم ویراست پادشاهی آسمانها وزمین زنده کند و

يُمِيتُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ② هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ③

بمیراند واوست بر همه چیز توانا اوست آغاز وانجام وپیدا ونهان واوست بهمه چیز دانا

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ

اوست آنکه آفرید آسمانها وزمین را در شش روز سپس استوار شد بر عرش میداند آنچه فرو رود در زمین

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

وآنچه برون آید ازآن وآنچه فرود آید از آسمان وآنچه بالا رود درآن واو باشماست هرجا باشید وخداست بدانچه میکنید

بَصِيرٌ ④ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللّٰهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ⑤ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ

بیناست اوراست پادشاهی آسمانها وزمین وبسوی خدا بازگردانیده شوند کارها فروبرد شب را در روز وفروبرد

النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ⑥ آمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ

روز را در شب واو داناست بدانچه در سینه هاست ایمان آرید بخدا وپیغمبرش وببخشید ازانچه گردانید شمارا

مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ⑦ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ

جانشینان درآن پس آنانکه ایمان آوردند ازشما وببخشایش کردند ازانست مزدی بزرگ وچه شود شمارا ایمان نیارید بخدا

وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ⑧ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ

وپیغمبر میخواند شما تا ایمان آرید بپروردگار خویش وهمانا بگرفت پیمان شمارا اگر هستید مؤمنان اوست آنکه فرستد

عَلٰى عَبْدِهِ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَإِنَّ اللّٰهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ⑨ وَمَا

بر بنده خویش آیتهای روشن تا بیرون آرد شما را از تاریکیها بسوی روشنائی وهمانا خداست بشما نوازنده مهربان وچه

لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَلِلّٰهِ مِيرَاثُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ

شود شمارا انفاق نکنید در راه خدا وخداراست میراث آسمانها وزمین نیکان نیستند از شماست آنکه انفاق کرد پیش از

الْفَتْحِ وَقَاتَلَ أُولٰئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنٰى وَ

پیروزی وکارزار کردند آنان بزرگتر مرتبه اند از آنانکه انفاق کردند پس ازاین وکارزار کردند وهریکرا وعده داد خدا نیکو

اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ⑩ مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ⑪

خداست بدانچه میکنید آگاه کیست آنکه وامی دهد خدارا وام نیکو پس چند برابرش کند برایش واوراست پاداشی گرامی

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعٰى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرٰيكُمُ

روزی که بینی مردان وزنان مؤمن را میدود نورشان پیشروی ایشان واز سوی راست ایشان مژده باد شمارا

الْيَوْمَ جَنّٰاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ⑫

امروز باغهائی که روان است زیرا نها جویها جاودانان درآنها اینست آن رستگاری بزرگ

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا

روزی که گویند مردان وزنان دوروی بدانانکه ایمان آوردند بنگرید بما تا بهره مند شویم بپرتوی از نور شما گفته شد بازگردید

وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ

پشت سر خویش پس بجوئید پرتوی پس زده شد میانشان حصاری (دیواری) که آنراست در اندرونش رحمت وبرونش از پیش آنست

الْعَذَابُ ﴿۱۳﴾ يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَى وَلَٰكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ

عذاب بانگ دهندشان آیا نبودیم باشما گفتند بلی ولیکن شما فریب دادید خویش را ودرنگ کاری نمودید وشک آوردید

وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ ﴿۱۴﴾ فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ

وسرگرمتان داشت آرزوها تا بیامد امر خدا وفریب داد شمارا بخدا فریبکار پس امروز گرفته نشود از شما بدلی

وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿۱۵﴾ أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ

ونه از آنانکه کفر ورزیدند جایگاه شما آتش است آنست دوست شما وچه زشت است آنجایگاه آیا هنگام آن نشده است برای آنانکه ایمان آوردند که فروتن

قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ

گردد دلهاشان برای یاد خدا وآنچه بیامد از حق ونباشند مانند آنانکه داده شدند کتاب را از پیش پس دراز شد برایشان

الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ ﴿۱۶﴾ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ

روزگار پس سنگین شد دلهای آنان وبسیاری از ایشانند نافرمانان بدانید که خدا زنده سازد زمین را پس از مرگش همانا

بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۱۷﴾ إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا

بیان کردیم برای شما آیتها را شاید بخرد آئید همانا مردان تصدیق کننده وزنان تصدیق کننده ووام دهندگان بخدا وامی

حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ﴿۱۸﴾ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَ

نکو افزوده شود برای ایشان وایشانراست پاداشی ارجمند وآنانکه ایمان آوردند بخدا وفرستادگانش آنانند راستگویان و

الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

گواهان نزد پروردگار خویش ایشانراست مزد ایشان ونورشان وآنانکه کفر ورزیدند وتکذیب کردند بآیتهای ما آنانند یاران دوزخ

﴿۱۹﴾ اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ

بدانید که زندگانی دنیا بازی وهوسرانی وخودآرائی وفخر کردن است برهمدیگر وبیشی جستن است درخواسته ها وفرزندان

كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ

مانند بارانی که شگفت آورد کافرانرا رستنی آن پس خشک شود تا بینیش زرد فام سپس کوبیده شود ودر آخرت عذابی است

شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ ﴿۲۰﴾ سَابِقُوا إِلَىٰ

سخت وآمرزشی از خدا وخوشنودی ونیست زندگانی دنیا جز مایه فریب پیشی جوئید برهمدیگر

مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ

بسوی آمرزشی از پروردگار خویش وبهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان وزمین است آماده شد برای آنانکه ایمان آوردند بخدا وفرستادگانش این است

فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿۲۱﴾ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي

فضل خدا دهدش بهرکه خواهد وخداست دارای فضلی بزرگ نرسد مصیبتی در

الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿۲۲﴾

زمین ونه در خود شما جز در کتابی است پیش از آنکه آفریمش همانا آن است بر خدا آسان

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ ﴿٢٣﴾ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ

تا دریغ نخورید (اندوهگین نشوید) بر آنچه از شما رود و نه شاد شوید بدانچه شما را آید و خدا دوست ندارد هر خرامان نازنده را آنانکه بخل ورزند

وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۗ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٢٤﴾ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ

و فرمان دهند مردم را ببخل ورزیدن و هر که روی برتابد همانا خداست بی نیاز ستوده همانا فرستادیم پیمبران خویش را بنشانیها

وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۖ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ

و فرستادیم با ایشان کتاب و ترازو را تا قیام کنند مردم بداد و فرستادیم آهن را در آن نیروئی سخت و

مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ ۚ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢٥﴾ وَلَقَدْ

و سودهائی برای مردم و تا بدانند خدا آنرا که یاری کند او و فرستادگانش را بنهان همانا خداست توانای عزتمند و همانا

أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ ۖ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ

فرستادیم نوح و ابراهیم را و نهادیم در نژادشان پیمبری و کتاب را پس از ایشان است رهبری و بسیاری از ایشانند

فَاسِقُونَ ﴿٢٦﴾ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَارِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَ

نافرمانان سپس از پی ایشان آوردیم فرستادگان خویش را و پشت سر ایشان آوردیم عیسی ابن مریم را و دادیم بدو انجیل را و

جَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ

نهادیم در دلهای آنانکه پیرویش کردند مهربانی و ترحمی را و گوشه گیری که از خویش در آوردند (بنو در آوردند) ننوشتیمش بر ایشان

إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا ۖ فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ

جز از پی خوشنودی خدا پس رعایتش نکردند حق رعایتش را پس دادیم بدانانکه ایمان آوردند از ایشان مزدشان را و بسیاری از ایشانند

فَاسِقُونَ ﴿٢٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ

نافرمانان ای آنانکه ایمان آوردید بترسید خدا را و ایمان آرید به پیمبرش دهد شما را دو بهره از رحمتش و قرار دهد

لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٢٨﴾ لِئَلَّا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ

برای شما تا بینی که راه روید بدان و بیامرزد شما را و خداست آمرزنده مهربان تا بدانند اهل کتاب که توانائی ندارند

عَلَىٰ شَيْءٍ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٢٩﴾

بر چیزی از فضل خدا و آنکه فضل بدست خداست دهدش بهر که خواهد و خداست دارنده فضلی بزرگ

سورة المجادلة مدنية وآياتها اثنتان وعشرون آية

سورة ٥٨ — حروفها ١٧٩٢ — كلماتها ٤٧٣

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا ۚ إِنَّ

هر آینه شنید خدا سخن آن زن را که با تو ستیزه میکرد در باره شویش و داوری میخواست از خدا و خدا میشنید گفتگوی شما را همانا

اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ﴿١﴾ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِنْ نِسَائِهِمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتِهِمْ ۖ إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا

خداست شنوای بینا آنانکه ظهار میکنند از شما از زنان خویش نیستند آن زنان مادران ایشان نیستند مادرانشان مگر

اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِنَ الْقَوْلِ وَزُورًا ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ﴿٢﴾

آنانکه زائیدندشان و هر آینه گویند ناپسندی از سخن و دروغی را و همانا خداست گذشت کننده آمرزشگر

سورة الرحمن از امام موسی جعفر کاظم است که پدران گرامی از پیغمبر آوردند که هر چیز را عروسی است و عروس قرآن سورة الرحمن است. سورة الواقعة چون عبدالله مسعود را مرض موت در رسید عثمان بعیادت وی شد او را پرسید که از چه چیز شکایت کنی گفت از گناهان خویش گفت اشتهای چه داری گفت رحمت پروردگار خود گفت آیا طبیب نیاریم گفت طبیب مرا بیمار ساخته گفت سهم ترا از عطا دهم گفت مرا از آن باز داشتی هنگام نیاز من بدان و اکنون که بی نیازم بمن خواهی دادن گفت از برای دختران تو ماند گفت آنان را بدان نیازی نیست چه ایشان را بتلاوت سورة واقعه فرموده ام زیرا شنیده ام رسول خدا گفت هر که سورة واقعه را در هر شام بخواند هیچگاه دچار درویشی و تنگدستی نشود. تجادلک فی زوجها در باره خوله بنت خویلد یا ثعلبه نازل شد

الجزء (٢٨)

که شویش اوس بن صامت بود و خوله خوش اندام و زیبا بود چنان افتاد که روزی وی را در سجده نماز نگریست و شهوتش بجنبید و پس از انجام نماز خواست تا با وی

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَن يَتَمَاسَّا ذَٰلِكُمْ
و آنانکه ظهار میکنند از زنان خویش پس باز میگردند بدانچه گفتند پس آزاد کردن بنده پیش از آنکه بهم نزدیک شوند اینرا
تُوعَظُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿٣﴾ فَمَن لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَن
پند داده شوید بدان و خدا بدانچه میکنید آگاه ﴿٣﴾ و آنکه نیافت پس روزه دو ماه پی در پی پیش از آنکه
يَتَمَاسَّا فَمَن لَّمْ يَسْتَطِعْ فَإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتِلْكَ حُدُودُ
بهم نزدیک شوند و آنکه نتوانست پس خوراک شصت تن بیخوا این تا ایمان آرید بخدا و پیغمبرش و درشتی مرزهای
اللَّهِ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٤﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِن
خدا و کافران را است عذابی دردناک ﴿٤﴾ آنانکه دشمنی کنند با خدا و پیغمبرش سرنگون شوند بدانسان که سرنگون شدند آنانکه
قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ ﴿٥﴾ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم
پیش از ایشان بودند و ما نشانهای آشکار فرستادیم و کافران را است عذابی خوار کننده ﴿٥﴾ روزی که برانگیزدشان خدا همگی پس آگاهشان دهد
بِمَا عَمِلُوا أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٦﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا
بدانچه کردند بشمرد شان خدا و فراموشش کردند و خدا است بر همه چیز گواه ﴿٦﴾ آیا ندیدی که خدا داند آنچه در آسمانها و آنچه
فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِن
در زمین است و نیست راز گوئی سه تن جز آنکه او است چهارمیشان و نه پنجتن جز آنکه او است ششمینشان و نه کمتر از
ذَٰلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ
این و نه بیشتر جز آنکه او است با ایشان هر جا باشند و پس آگاهشان دهد بدانچه کردند روز رستاخیز آنا خدا است بهر
شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ
چیزی دانا آیا ننگریستی بدانانکه نهی شدند از راز گفتن (بسته خرمن نمی شوی گفتن) پس باز گردند بدانچه نهی شدند از آن و راز گویند
بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ
بگناه و دشمنی و نافرمانی پیغمبر و هرگاه آیند درود گویند بدانچه درود نگفت بدان خدا و گویند
فِي أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
پیش خود چرا عذاب نکند ما را خدا بدانچه گوئیم بس است بایشان دوزخ چشند مش پس چه بد سرانجامگاه ﴿٨﴾ ای آنانکه
آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ
ایمان آورده اید گاهی که با هم راز گوئید راز مگوئید بگناه و دشمنی و نافرمانی پیغمبر و راز گوئید بنکوکاری و پرهیزگاری
وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٩﴾ إِنَّمَا النَّجْوَىٰ مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ
و بترسید خدائی را که بسویش گرد آورده شوید ﴿٩﴾ جز این نیست که راز گوئی از شیطان است تا اندوهگین سازد آنانرا که ایمان آورده اند و نیست
بِضَارِّهِمْ شَيْئًا إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٠﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا
زیان رساننده آنان چیزی جز بدستور خدا و بر خدا پس باید توکل کنند مؤمنان ﴿١٠﴾ ای آنانکه ایمان آورده هرگاه
قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانشُزُوا
گفته شود بشما جای باز کنید در نشستگاها پس جای دهید تا جای دهد شما را خدا و گاهی که گفته شود برخیزید پس برخیزید
يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿١١﴾
بالا برد خدا آنانرا که ایمان آورده اند از شما و آنانرا که داده شده دانش را پایه هائی و خدا است بدانچه میکنید آگاه ﴿١١﴾

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَاجَيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ

ای آنانکه ایمان آوردید هرگاه راز گویند با پیمبر پس پیش فرستید پیشروی راز گفتن خویش صدقه این بهتر است شما را

وَأَطْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٢﴾ أَأَشْفَقْتُمْ أَنْ تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ

و پاکتر پس اگر نداشتید همانا خداست آمرزنده مهربان آیا ترسیدید که پیش پردازید پیشروی راز گوئی خویش

صَدَقَاتٍ فَإِذْ لَمْ تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ

صدقه‌هائی اکنون که نکردید و توبه کرد خدا بر شما پس بپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و فرمانبرید خدا و پیمبرش را

وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَا هُمْ مِنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ

و خداست بدانچه کنید آگاه آیا ننگریستی بدانانکه دوستی کردند با گروهی که خشم گرفت خدا بر ایشان نیستند ایشان از شما و نه از ایشان و سوگند یاد کنند

عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿١٤﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٥﴾ اتَّخَذُوا

بر دروغ و خود میدانند آماده کرد خدا برای ایشان عذابی سخت همانا زشت است آنچه بودند میکردند بگرفتند

أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿١٦﴾ لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ

سوگندهای خود را سپری تا باز داشتند از راه خدا پس ایشان راست عذابی خوار کننده بی نیاز نگرداند از ایشان خواسته‌های ایشان و نه فرزندانشان

مِنَ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿١٧﴾ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ

از خدا چیزی را آنانند یاران آتش ایشانند در آن جاودانان روزیکه برانگیزد شان خدا همگی پس سوگند یاد کنند برایش

كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ ﴿١٨﴾ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ

چنانکه سوگند یاد کنند برای شما و گمان کنند که ایشانند بر چیزی همانا ایشانند دروغگویان چیره شد بر ایشان شیطان

فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَٰئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿١٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ

پس فراموششان کرد یاد خدا را آنانند حزب شیطان همانا حزب شیطانند زیانکاران همانا آنانکه

يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ﴿٢٠﴾ كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ

دشمنی کنند با خدا و پیمبرش آنانند در جرگه سرافکندگان نوشت خدا که پیروز میشوم من و فرستادگانم همانا خداست

قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿٢١﴾ لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

توانای عزیز نیابی گروهی را که ایمان آرند بخدا و روز بازپسین دوستی کنند با آنکه دشمنی کند با خدا و پیمبرش

وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَٰئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ

و هر چند باشند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا خویشاوندانشان آنان نوشت در دلهاشان

الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

ایمان را و کمک کرد ایشان را با روحی از خویش و در آرد شان باغهائی که روان است زیر آنها جویها جاودانان در آنها

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَٰئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿٢٢﴾

خوشنود باشد خدا از ایشان و خوشنود باشند از او آنانند حزب خدا همانا حزب خداوندند رستگاران

سورة الحشر مدنية وآياتها أربع وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

سورة ٥٩ — حروفها ١٩١٣ — كلماتها ٤٤٥

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ① هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا

تسبیح گفت خدای آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و او است عزیز و حکیم او است آنکه بیرون آورد آنانرا که کفر ورزیدند

مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ

از اهل کتاب از خانهای خویش در آغاز گرد آوردن گمان نبردید که بیرون روند و پنداشتند که بازدارنده است آنانرا دژهای ایشان

مِنَ اللّٰهِ فَأَتَاهُمُ اللّٰهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ

از خدا پس بیامدشان خدا از جایگه نمی پنداشتند و افکند در دلهای ایشان هراس را ویران میکردند خانهای خود بادستهای خود

وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ ② وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا

و دستهای مؤمنان پس عبرت گیرید ای دارندگان خرد (دیدگان) و اگر نبود اینکه نوشت بود خدا برایشان کوچ را هرآینه شکنجه میکرد ایشانرا در دنیا

وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ③ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللّٰهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللّٰهَ فَإِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ

و ایشانراست در آخرت عذاب آتش این بدانست که ستیزه کردند باخدا و پیمبرش و آنکه بستیزد باخدا همانا خداست سخت

الْعِقَابِ ④ مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَى أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللّٰهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ

عقوبت آنچه بریدید از خرمابنها یا بازگذاردیدآنها ایستاده بر بنهای خود پس بدستور خداست و تا خوارسازد نافرمانانرا

⑤ وَمَا أَفَاءَ اللّٰهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يُسَلِّطُ

و آنچه بهره داد خدا پیمبرخویش را ازایشان پس نتاختید برآن اسبان و نه اشترانی ولیکن خدا چیره گرداند

رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللّٰهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ⑥ مَا أَفَاءَ اللّٰهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى

فرستادگانش را بر هرکه خواهد و خداست بر همه چیز توانا و آنچه ارزانی داشت خدا بر پیمبرش از اهل شهرها

فَلِلّٰهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ

پس ازآن خداست و ازآن پیمبر و ازآن نزدیکان (خویشاوندان) و یتیمان و بینوایان و درماندگان راه تا نباشد دستخوش گردشی میان

الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ

توانگران شما و آنچه داد بشما پیمبر پس بگیرید و آنچه باز داشت شمارا ازان پس باز ایستید و بترسید خدارا که خداست

شَدِيدُ الْعِقَابِ ⑦ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا

سخت عقوبت برای بینوایان از مهاجران آنانند که بیرون رانده شدند از خانه ها و خواسته های خویش درپی فضلی

مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ أُولٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ⑧ وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ

از خدا و خوشنودی و یاری کنند خدا و پیمبرش را آنانند راستگویان و آنانکه جایگزین شدند خانه

وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا

و ایمان را پیش از ایشان دوست دارند کسانرا که هجرت کنند بسوی ایشان و نیابند در سینه های خویش نیازمندی بدانچه

أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولٰئِكَ

داده شدند و برگزینند بر خویش و هرچند باشد بدشان تنگدستی و آنکه نگهداشته شود از بخل خویش پس آنانند

هُمُ الْمُفْلِحُونَ ⑨ وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ

رستگاران و آنانکه آمدند از پس ایشان گویند پروردگارا بیامرز برای ما و برای برادران ما آنانکه

سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ⑩

پیشی گرفتند ما را بایمان و نگذار در دلهای ما کینی برای آنانکه ایمان آوردند پروردگارا همانا تو ای نوازنده مهربانی



اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِاِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ لَئِنْ اُخْرِجْتُمْ

آیا ننگریستی بدانانکه نفاق ورزیدند گویند ببرادران خویش آنانکه کفر ورزیدند از اهل کتاب اگر برون رانده شوید

لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ اَحَدًا اَبَدًا وَاِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

برون آئیم باشما و فرمان نبریم در شما کسیرا هیچگاه و اگر کارزار باشما شود هرآینه یاری کنیم شمارا و خدا گواهی دهد که ایشانند همانا دروغگویان

(١١) لَئِنْ اُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْاَدْبَارَ

اگر برون رانده شوند برون نروند باایشان و اگر نبرد باایشان شود یاریشان نکنند و اگر یاریشان کنند برتابند پشتهارا

ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ (١٢) لَاَنْتُمْ اَشَدُّ رَهْبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللّٰهِ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ

سپس یاری نشوند همانا شما ترسناکترید در سینه‌های ایشان از خدا این بدانست که ایشانند گروهی نادریابندگان

(١٣) لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا اِلَّا فِي قُرًى مُحَصَّنَةٍ اَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَاْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ

پیکار نکنند باشما همگی جز در شهرهای بارودار یا از پشت دیوارها ترس ایشان میان ایشان است سخت پنداریشان

جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتّٰى ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (١٤) كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا

پیوسته و دلهاشان پراکنده است این بدانست که ایشانند گروهی نابخردان مانند آنانکه پیش از ایشان بودند نزدیک چشیدند

وَبَالَ اَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ (١٥) كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ اِذْ قَالَ لِلْاِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ اِنِّي بَرِيءٌ

بدفرجامی کار خویش را و ایشانراست عذابی دردناک مانند شیطان گاهی که گفت بانسان کافر شو پس هنگامی که کفر ورزید گفت همانا من بیزارم

مِنْكَ اِنِّي اَخَافُ اللّٰهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ (١٦) فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا اَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذٰلِكَ

از تو همانا من ترسم خدارا پروردگار جهانیان پس شد فرجام آنان که هردو در آتشند جاودان در آن و اینست

جَزَاءُ الظَّالِمِينَ (١٧) يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللّٰهَ

کیفر ستمکاران ای آنانکه ایمان آوردید بترسید خدارا و باید بنگرد هرکس چه چیز پیش فرستاده است برای فردا و بترسد خدارا

اِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (١٨) وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللّٰهَ فَاَنْسٰيهُمْ اَنْفُسَهُمْ اُولٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

که خدا آگاه است بدانچه کنید و نباشید مانند آنانکه فراموش کردند خدارا پس فراموششان ساخت خویشتن را ایشانند نافرمانان

(١٩) لَا يَسْتَوِي اَصْحَابُ النَّارِ وَاَصْحَابُ الْجَنَّةِ اَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ (٢٠) لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا

یکسان نیستند یاران آتش و یاران بهشت یاران بهشتند رستگاران اگر میفرستادیم این

الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَرَاَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ

قرآن را بر کوهی هرآینه میدیدیش سرافکنده از هم پاشیده از ترس خدا و این مثلها را همی زنیم برای مردم

لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ (٢١) هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ

شاید اندیشه کنند اوست خدائی که نیست خدائی جز او دانای نهان و هویدا اوست بخشنده مهربان

(٢٢) هُوَ اللّٰهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ

اوست خدائی که نیست خدائی جز او پادشاه پاک سلام امان دهنده نگهبان عزتمند فرمانفرمای

الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ (٢٣) هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ

بزرگی جوی منزه است خدا از آنچه شرک ورزند اوست خداوند آفریدگار پدید آرنده پیکرساز او راست نامهای

الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٢٤)

نکو تسبیح گویدش آنچه در آسمانها و زمین است و اوست عزتمند حکیم

ایشان برانگیزانید و چون در دژهای خویش متحصن شدند بقطع اشجار و نخیل ایشان فرمود، بانگ برآوردند ای محمد تو از فحشا نهی همیکنی و خود نخیل برکنی و بسوزانی و آیت ما قطعتم من لینة در پاسخ ایشان فرود آمد و سرانجام با پیمبر پیمان صلح بستند بر آنکه از خانمان خویش برون شوند و باز رعات در شام روند و پیمبر بهر سه تن از ایشان اشتری و مشک آبی داد و همه را باز رعات و اریحا کوچانید جز دو خانواده خاندان ابی الحقیق و حیی بن اخطب که بخیبر ملحق شدند ما افاء الله در باره فدک که در سه میلی مدینه است و خیبر و عرینه و ینبع بیامد که پیمبر آنها را بخویش مخصوص گردانید و لو کان بهم خصاصة بروایتی در باره هفت تن بیامد که در جنگ احد دچار تشنگی بودند و آبی بقدر کفایت یکتن بدست آوردند و هر کدام بدیگری داد و بدینسان میان خویشتن بگردانیدند تا همگی از تشنگی بمردند و آن آب بماند و بروایت اصح روزی مردی گرسنه بر پیمبر درآمد و طعام خواست و او کس بسرای فرستاد تا خوراکی از برای او بیاورد در خانه چیزی

سورة الممتحنة مدنية وآياتها ثلاث عشرة آية

سورة ۶۰ — حروفها ۱۵۱۰ — كلماتها ۳۴۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ

ای آنانکه ایمان آوردید نگیرید دشمن من و دشمن خویش را دوستانی که افکنید با ایشان دوستی را و آنان

كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

کفر ورزیدند بدانچه بیامد شما را از حق برون رانند پیمبر را با شما از آنرو که ایمان آورید بپروردگار خویش اگر هستید شما

خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ

برون آیندگان برای جهاد در راه من و در پی خوشنودیهای من مینمایندشان بنهان دوستی را و منم داناتر بدانچه نهان دارید

وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ﴿١﴾ إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ

و آنچه آشکار سازید و آنکو بکند اینرا از شما همانا گم کرد است راه راست را اگر دست یابند بر شما باشند برای شما

أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُمْ بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ ﴿٢﴾ لَنْ تَنْفَعَكُمْ

دشمنانی و باز کنند بسوی شما دستهای خویش و زبانهای خویش را ببدی و دوست دارند کاش میشدید کافران سود ندهد شما را

أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٣﴾ قَدْ كَانَتْ

خویشاوندیهای شما و نه فرزندان شما روز قیامت جدائی افکند میان شما و خدا بدانچه کنید بیناست همانا بود

لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءَاءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ

برای شما پیروی نکوئی در ابراهیم و آنانکه با اویند گاهیکه گفتند بقوم خویش مائیم بیزاران از شما و از آنچه پرستید

مِنْ دُونِ اللّٰهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ

جز خدا کفر ورزیدیم بشما و پدیدار شد میان ما و شما دشمنی و کین همیشه مگر آنکه ایمان آرید بخدا

وَحْدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ

تنها بجز گفتار ابراهیم بپدرش که آمرزش خواهم البته برایت و دارا نیستم برای تو از خدا چیزی را پروردگارا بر تو

تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٤﴾ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاغْفِرْ لَنَا

توکل کردیم و بسوی تو بازگشتیم و بسوی تو است بازگشت پروردگارا نساز ما را دستخوش آنانکه کفر ورزیدند و بیامرز ما را

رَبَّنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٥﴾ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللّٰهَ وَالْيَوْمَ

پروردگارا توئی همانا عزتمند حکیم همانا بود برای شما در ایشان پیروی نکو برای آنکه امید دارد خدا و روز

الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ﴿٦﴾ عَسَى اللّٰهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ

بازپسین را و آنکه پشت کند همانا خداست بی نیاز ستوده امید است خدا نهد میان شما و میان آنانکه دشمنی کردید

مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللّٰهُ قَدِيرٌ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٧﴾ لَا يَنْهَاكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي

از ایشان دوستی و خدا تواناست و خداست آمرزنده مهربان باز ندارد شما را خدا از آنانکه جنگ با شما نکردند در

الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ﴿٨﴾

دین و برون نراندند شما را از خانه های خویش که نیکی کنید با آنان و از در دادگری با آنان درآئید همانا خدا دوست دارد دادگران را

إِنَّمَا يَنْهٰىكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ

جز این نیست که خدا باز دارد شما را از آنانکه پیکار کردند با شما در دین و برون راندند شما را از خانه های خویش و پشتیبانی کردند بر برون راندن شما

أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ

که دوستی با آنان کنید و آنکه دوستشان دارد همانا آنانند ستمکاران ای آنانکه ایمان آوردید اگر آمدند شما را زنان مؤمنان

مُهَاجِرَاتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ اللّٰهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى

هجرت کنندگان پس بیازمایندشان خدا داناتر است بایمان آنان پس اگر دانستید ایشان را ایمان آرندگان باز نگردانیدشان بسوی

الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُمْ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ

کافران نه اینان حلالند آنان را و نه آنان حلالند اینان را و بدهید بدیشان آنچه را هزینه کردند و نیست پروائی بر شما که

تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلْيَسْأَلُوا

کابین بندید بر آنان هرگاه دهید شان مزدهای ایشان را و چنگ نزنید (دل نبندید) بعصمتهای زنان کفر ورزنده و بخواهید آنچه هزینه کردید و باید خواهند

مَا أَنْفَقُوا ذٰلِكُمْ حُكْمُ اللّٰهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿١٠﴾ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ إِلَى

آنچه هزینه کردند اینست حکم خدا که حکم کند میان شما و خداست دانای حکیم و اگر از دست شما رفت چیزی از زنان شما بسوی

الْكُفَّارِ فَعَاقَبْتُمْ فَآتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَزْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ

کافران پس در برابر از آنان بر دگر گرفتید پس بپردازید بدانانکه رفتند همسرانشان مانند آنچه را هزینه کردند و بترسید خداوندی را که شمائید بدو

مُؤْمِنُونَ ﴿١١﴾ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعْنَكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللّٰهِ شَيْئًا

ایمان آرندگان ای پیمبر هرگاه آیندت زنان ایمان آورنده که با تو پیمان بندند (بیعت کنند) بر آنکه شرک نورزند بخدا چیزی را

وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ

و نه دزدی کنند و نه زنا کنند و نکشند فرزندان خویش را و نیارند دروغی (تهمتی) که بر بندندش در باره دستهای خویش

وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١٢﴾

و پایهای خویش و نافرمانیت نکنند در خوبی پس پیمان بند (بیعت کن) با ایشان و آمرزش خواه برای ایشان از خدا همانا خداست آمرزنده مهربان

﴿١٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ

ای آنانکه ایمان آوردید دوستی نکنید با گروهی که خشم آورد خدا بر ایشان همانا نومید شدند از آخرت چنانکه نومید شدند کافران از یاران گورستان

سورة الصف مدنية وآياتها أربع عشرة آية

(سورة ٦١) (حروفها ٩٢٦) (كلماتها ٢٢١)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

تسبیح گفت خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و اوست عزتمند حکیم ای آنانکه ایمان آوردید

لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٢﴾ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ ﴿٣﴾

چرا گوئید آنچه را نکنید گران است خشمی نزد خدا که گوئید آنچه را نکنید

إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ ﴿٤﴾

همانا خدا دوست دارد آنان را که پیکار کنند در راه خدا صف بستگان گوئیا ایشانند ساختمانی ریخته چون روی

داستان نامه کرد و بساره داد با جرت ده درهم تا بمکه برد و بمشرکین رساند اما پیغمبر ص آن بدانست و علی ع را با عمار و عمر و جمعی دیگر از پی او فرستاد تا در روضه خاخ بدو رسیدند پس از تفتیش بلیغ نامه با وی نیافتند و خواستند نومید باز گردند علی علیه السلام تیغ برآهیخت و گفت بخدای پیمبر ص با ما دروغ نگفته است راستی را بیار و گرنه هم اکنون گردنت بزنم او ناگزیر نامه از شکنج گیسوان بدر آورد و چون بنزد پیمبر ص آوردند حاطب را بخواست و لختی بنکوهش و سرزنش او پرداخت اما او بیکسی خاندان خویش یاد نموده و گفت مگر اینکار از جهت حفظ ایشان از شر مشرکین کردم و پیمبرش عذر بپذیرفت عمر دستوری خواست تا وی را بکشد لیکن پیمبرش باز داشت و گفت همانا ای عمر چه دانی تو شاید خدای حاضرین جنگ بدر را بیامرزیده است و اگرچه هر کار که خواهند بکنند فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ هنوز پیمبر ص در حدیبیه بود و تازه پیمان پیشین بسته که سبیعه دخت حارث اسلمیه بنزد وی آمد و اسلام آورد و همان دم نیز شویش مسافر مخزومی از پی او آمد و استرداد آن خواست و با پیمبر ص گفت هنوز مهر پیمان نامه نخشکیده و تو شکست

وَاِذْ قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهٖ يٰقَوْمِ لِمَ تُؤْذُوْنَنِيْ وَقَدْ تَعْلَمُوْنَ اَنِّيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ ؕ فَلَمَّا

و هنگامی که گفت موسی بقوم خویش ای قوم من چرا آزارم کنید و دانید شما که منم فرستادهٔ خدا بسوی شما پس هنگامی که

زَاغُوْٓا اَزَاغَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِيْنَ ﴿٥﴾ وَاِذْ قَالَ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ يٰ

لغزیدند لغزانید خدا دلهای ایشانرا و خدا رهبری نکند گروه نافرمانان را و هنگامی که گفت عیسی ابن مریم ای

بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ اِنِّيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَمُبَشِّرًۢا بِرَسُوْلٍ

بنی اسرائیل همانا منم فرستادهٔ خدا بسوی شما تصدیق کنندهٔ آنچه پیشروی من است از توریة و مژده دهنده بفرستادهٔ

يَّاْتِيْ مِنْۢ بَعْدِي اسْمُهٗٓ اَحْمَدُ ؕ فَلَمَّا جَآءَهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ قَالُوْا هٰذَا سِحْرٌ مُّبِيْنٌ ﴿٦﴾ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ

که بیاید پس از من نام او است احمد تا گاهیکه بیامدشان بتابشها (بنشانیها) گفتند این است جادوئی آشکار و کیست ستمگرتر از آنکه

افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعٰٓى اِلَى الْاِسْلَامِ ؕ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ ﴿٧﴾ يُرِيْدُوْنَ

بست بر خدا دروغرا و او خوانده میشود بسوی اسلام و خدا رهبری نکند گروه ستمگرانرا خواهند

لِيُطْفِـُٔوْا نُوْرَ اللّٰهِ بِاَفْوَاهِهِمْ وَاللّٰهُ مُتِمُّ نُوْرِهٖ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُوْنَ ﴿٨﴾ هُوَ الَّذِيْٓ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ

خموش کنند نور خدارا بادهانهای خویش و خدا است تمام کنندهٔ نور خویش و اگرچه ناخوش دارند کافران او است آنکه فرستاد پیمبر شرا

بِالْهُدٰى وَدِيْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهٗ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ ﴿٩﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا هَلْ

برهبری و کیش حق تا چیره گرداندش بر کیشها همگی و اگرچه ناخوش دارند شرک ورزان ای آنانکه ایمان آوردید آیا

اَدُلُّكُمْ عَلٰى تِجَارَةٍ تُنْجِيْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿١٠﴾ تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَتُجَاهِدُوْنَ فِيْ

راهنمائی نکنم شمارا بسوداگریی که برهاند شمارا از عذابی دردناک ایمان آرید بخدا و پیمبرش و کوشش کنید در

سَبِيْلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِكُمْ وَاَنْفُسِكُمْ ؕ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿١١﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوْبَكُمْ

راهش بخواستهها و جانهای خویش این بهتر است شمارا اگر باشید بدانید بیامرزد برای شما گناهان شمارا

وَيُدْخِلْكُمْ جَنّٰتٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ وَمَسٰكِنَ طَيِّبَةً فِيْ جَنّٰتِ عَدْنٍ ؕ ذٰلِكَ الْفَوْزُ

و در آرد شمارا بهشتهائی که روان است زیر آنها جویها و نشیمنهای پاک در بهشتهای جاودان اینست رستگاری

الْعَظِيْمُ ﴿١٢﴾ وَاُخْرٰى تُحِبُّوْنَهَا نَصْرٌ مِّنَ اللّٰهِ وَفَتْحٌ قَرِيْبٌ ؕ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ﴿١٣﴾ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا

بزرگ و دیگری که دوست داریدش یاریی از خدا و پیروزیی نزدیک و مژده ده بمؤمنان ای آنانکه ایمان آوردید

كُوْنُوْٓا اَنْصَارَ اللّٰهِ كَمَا قَالَ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّيْنَ مَنْ اَنْصَارِيْٓ اِلَى اللّٰهِ ؕ قَالَ الْحَوَارِيُّوْنَ

باشید یاوران خدا چنانکه گفت عیسی ابن مریم بحواریون کیست یاوران من بسوی خدا گفتند حواریون

نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ فَاٰمَنَتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْۢ بَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ وَكَفَرَتْ طَّآئِفَةٌ ۚ فَاَيَّدْنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا

مائیم یاوران خدا پس ایمان آوردند گروهی از بنی اسرائیل و کفر ورزیدند گروهی پس کمک کردیم آنانرا که ایمان آوردند

عَلٰى عَدُوِّهِمْ فَاَصْبَحُوْا ظَاهِرِيْنَ ﴿١٤﴾

بر دشمنشان پس بامداد کردند پیروزمندان

سورة الجمعة مدنية وهي احدى عشرة آية

سورة ٦٢ — حروفها ٧٤٨ — كلماتها ١٧٥

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوْسِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ ﴿١﴾

تسبیح گوید خدارا آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است پادشاه پاک عزتمند حکیم

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ

اوست آنکه برانگیخت در ناخوانان پیمبری را از ایشان بخواند برایشان آیتهای اورا و پاک سازد ایشانرا و بیاموزدشان کتاب و حکمت را

وَإِن كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٢﴾ وَآخَرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ

اگرچه بودند پیش از آن همانا در گمراهی آشکار و دیگران از ایشان که هنوز نپیوستند بدانان و اوست عزتمند

الْحَكِيمُ ﴿٣﴾ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴿٤﴾ مَثَلُ الَّذِينَ

حکیم این است فضل خدا دهدش بهرکه خواهد و خداست دارای فضلی بزرگ مثل آنانکه

حُمِّلُوا التَّوْرَاةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا ۚ بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا

بار شدند توریة را سپس برنداشتندش مانند خر است که بردارد کتابهائی زشتست مثل گروهی که تکذیب کردند

بِآيَاتِ اللَّهِ ۚ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٥﴾ قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِن زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ

آیتهای خدارا و خدا رهبری نکند گروه ستمگرانرا بگو ای آنانکه جهود شدید اگر پندارید که شما

أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِن دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ﴿٦﴾ وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا

دوستانید خدارا جز مردم پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راستگویان و آرزو نکنندش هرگز بدانچه

قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴿٧﴾ قُلْ إِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ

پیش آورده است دستهای آنان و خدا داناست بستمگران بگو همانا مرگی که از آن گریزانید رسنده است بشما

ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

سپس بازگردانیده شوید بسوی دانای نهان و هویدا تا آگهیتان دهد بدانچه بودید میکردید ای آنانکه

آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِن يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَٰلِكُمْ

ایمان آوردید هرگاه بانگ داده شود برای نماز از روز جمعه (آدینه) پس بشتابید بسوی یاد خدا و رها کنید سوداگری را این

خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٩﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن

بهتر است برای شما اگر بدانید سپس گاهی که پایان یافت نماز پس پراکنده شوید در زمین و بجوئید از

فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿١٠﴾ وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا

فضل خدا و یاد کنید خدارا بسیار شاید رستگار شوید و هرگاه بینند سوداگری یا هوسرانی بروند

إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا ۚ قُلْ مَا عِندَ اللَّهِ خَيْرٌ مِّنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ ﴿١١﴾

بسویش و بگذارندت ایستاده بگو آنچه نزد خداست بهتر است از هوسرانی و از سوداگری و خداست بهترین روزی دهندگان

سورة المنافقون مدنية وآياتها احدى عشرة آية

سورة ٦٣ — حروفها ٧٧٦ — كلماتها ١٧٩

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ ۗ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ

هرگاه آیندت دورویان گویند گواهی دهیم که توئی پیمبر خدا و خدا داند که توئی فرستاده او و خدا گواهی دهد که

الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ ﴿١﴾ اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۚ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

دورویانند همانا دروغگویان برگرفتند سوگندهای خویشرا سپری پس بازداشتند از راه خدا همانا زشت است آنچه بودند میکردند

چیزی چند پنهان برگرفته یوسفیان هم که در آنجای حاضر بود همه آن بدو حلال گردانید و در اینهنگام پیمبرش باز شناخت و بخندید و او از پیمبر عفو گناهان و جرایم خویش بخواست و چون پیمبر گفت ولا یزنین هند گفت مگر زن آزاد زنا همیکند و عمر را که با وی در جاهلیت سروکاری بود لبخندی بر دهان نمودار گشت و چون گفت ولا یقتلن اولادهن هند گفت ما تربیت آنان بکودکی کردیم اما تو آنانرا ببرنائی بکشتی و فرزندش حنظله را علی در جنگ بدر کشته بود

(سورة الجمعة) از امام ابی عبدالله صادق است بروایت منصور بن حازم که از فرائض هر مؤمنی که خود را شیعه ما میداند آنست که در شبهای آدینه (شاید مقصود نمازهای شام و خفتن باشد) سوره جمعه و سبح اسم ربک الاعلی بخواند و در نماز ظهر (شاید نماز ظهر روز آدینه باشد) سوره جمعه و منافقان بخواند که اگر چنین کند مانند آنست که عمل پیغمبر خدای کرده باشد آورده اند که چون پیمبر از مکه هجرت نمود نخست بقبا در سرای عمرو بن عوف فرود آمد و روز دوشنبه تا پنجشنبه مسجد قبا بساخت و روز آدینه آهنگ مدینه کرد و نماز جمعه در میان دره از آن بنی سالم بن

(۲) ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ اٰمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلٰى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ (۳) وَاِذَا رَاَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ

این بدانست که ایشان ایمان آوردند سپس کافر شدند پس مهر نهاد بر دلهاشان پس در نیابند و هرگاه بینیشان شگفت آردت

اَجْسَامُهُمْ ؕ وَاِنْ يَقُولُوا تَسْمَعْ لِقَوْلِهِمْ ؕ كَاَنَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ ؕ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ ؕ

کالبدهای آنان و اگر سخن گویند گوش دهی بگفتار ایشان گوئیا آنانند چوبهای تکیه داده شده پندارند هر فریادی را برایشان

هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرْهُمْ ؕ قَاتَلَهُمُ اللّٰهُ ۫ اَنّٰى يُؤْفَكُونَ (۴) وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ

ایشانند دشمن پس بترسشان بکشدشان خدا کجا بدروغ رانده شوند و گاهی که گفته شود بدیشان بیائید آمرزش خواهد برای شما

رَسُولُ اللّٰهِ لَوَّوْا رُؤُسَهُمْ وَرَاَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ (۵) سَوَاۤءٌ عَلَيْهِمْ اَسْتَغْفَرْتَ

پیمبر خدا بازگردانند سرهای خویش را و بینیشان بازمیدارند (یا دوری گزینند و ایشانند کبر ورزندگان یکسان است برایشان چه آمرزش خواهی

لَهُمْ اَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ ؕ لَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۶) هُمُ الَّذِينَ

برای ایشان یا آمرزش نخواهی برای ایشان هرگز نیامرزدشان خدا همانا خدا هدایت نکند گروه نافرمانان را آنانند که

يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلٰى مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ حَتّٰى يَنْفَضُّوا ؕ وَلِلّٰهِ خَزَاۤئِنُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ

گویند انفاق نکنید بر آنانکه نزد پیمبر خدایند تا پراکنده شوند و خدا راست گنجهای آسمانها و زمین

وَلٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ (۷) يَقُولُونَ لَئِنْ رَّجَعْنَاۤ اِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْاَعَزُّ مِنْهَا

ولیکن منافقان در نیابند گویند اگر بازگشتیم بسوی شهر همانا برون راند گرامی تر (عزیزتر) از آن

الْاَذَلَّ ؕ وَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ (۸) يَاۤ اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا

خوارتر را و از آن خداست عزت و از آن پیمبرش و از آن مؤمنان ولیکن منافقان نمیدانند ای آنانکه ایمان آوردید

لَا تُلْهِكُمْ اَمْوَالُكُمْ وَلَاۤ اَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ فَاُولٰۤئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

سرگرمتان نسازد خواسته های شما و نه فرزندان شما از یاد خدا و آنکه بکند اینرا پس آنانند زیانکاران

(۹) وَاَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَاۤ اَخَّرْتَنِيۤ اِلٰۤى اَجَلٍ

و بدهید از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آنکه آید یکی از شما را مرگ پس گوید پروردگارا کاش پس میانداختی مرا تا سرآمدی

قَرِيبٍ فَاَصَّدَّقَ وَاَكُنْ مِّنَ الصَّالِحِينَ (۱۰) وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللّٰهُ نَفْسًا اِذَا جَاۤءَ اَجَلُهَا وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۱)

نزدیک تا تصدق کنم و بشوم از شایستگان و هرگز پس نیندازد خدا جانی را گاهیکه بیاید سرآمدش و خدا آگاه است بدانچه میکنید

سورة التغابن مدنية وآياتها ثمان عشر آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

سورة ۶۴ — حروفها ۱۰۷۰ — كلماتها ۲۴۱

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۚ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ۫ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

تسبیح گوید برای خدا آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است او راست پادشاهی و از آن وی است سپاس و او است بر همه چیز توانا

(۱) هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (۲)

او است آنکه آفرید شما را پس از شما است کافری و از شما است مؤمنی و خدا بدانچه کنید بینا است

خَلَقَ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَاَحْسَنَ صُوَرَكُمْ ۚ وَاِلَيْهِ الْمَصِيرُ (۳)

آفرید آسمانها و زمین را بحق و پیکر ساخت شما را پس نکو ساخت پیکرهای شما را و بسوی او است بازگشت

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۚ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

داند آنچه در آسمانها و زمین هست و میداند آنچه را نهان دارید و آنچه آشکار کنید و خدا داناست بدانچه در سینه هاست

④ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ⑤ ذٰلِكَ

آیا نیامد شمارا داستان آنانکه کفر ورزیدند از پیش پس چشیدند بد فرجامی کار خود را و باشد ایشانرا هست عذاب دردناک این

بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى

بدانست که بودند میآمدند شان پیمبرانشان بنشانها پس گفتند آیا بشری مارا رهبری کند پس کفر ورزیدند و بینیازی گرفت

اللّٰهُ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ⑥ زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلٰى وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ

خدا و خداست بی نیاز ستوده پنداشتند آنانکه کفر ورزیدند که هرگز برانگیخته نشوند بگو بلی سوگند بپروردگارم هرآینه برانگیخته شوید سپس گاه بشما

بِمَا عَمِلْتُمْ ۚ وَذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ ⑦ فَآمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا ۚ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

بدانچه کردید و آنست بر خدا آسان پس ایمان آرید بخدا و بپیمبرش و روشنائی که فرستادیم و خداست بدانچه میکنید

خَبِيرٌ ⑧ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ۖ ذٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللّٰهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ

آگاه روزیکه گرد آورد شمارا برای روز گرد آوردن آنست روز فتابن (یاهوگی) و آنکه ایمان آرد بخدا و بکند کردار شایسته بزداید

عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۚ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

از او بدیهایش را و در آرد شش باغهائی که روان است زیر آنها جویها جاودانان در آنها همیشه این است آن رستگاری بزرگ

⑨ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

و آنانکه کفر ورزیدند و تکذیب کردند آیتهای مارا آنانند یاران آتش جاودانان در آن و چه زشت است آن جایگاه

⑩ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللّٰهِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللّٰهِ يَهْدِ قَلْبَهُ ۚ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

نرسد پیش آمدی جز بدستور خدا و آنکه ایمان آرد بخدا رهبری کند دلش را و خداست بهمه چیز دانا

⑪ وَأَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلٰى رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ⑫ اللّٰهُ

و فرمان برید خدا و فرمان برید پیمبرا پس اگر روی برتابید نباشد بر فرستاده ما جز رسانیدن آشکار خداوند

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ⑬ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ

بست خدائی جز او و بر خدا باید توکل کنند مؤمنان ای آنانکه ایمان آوردید هرآینه از زنان شما و فرزندان شما

عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ ۚ وَإِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ⑭ إِنَّمَا

دشمنی است شمارا پس بترسید شان و اگر درگذرید و چشم پوشی کنید و بیامرزید همانا خداست آمرزنده مهربان

أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۚ وَاللّٰهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ⑮ فَاتَّقُوا اللّٰهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا

جز این نیست که خواسته های شما و فرزندان شما آزمایشی است و خدا نزد اوست پاداشی بزرگ پس بترسید خدارا هرآنچه توانید و بشنوید

وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِأَنْفُسِكُمْ ۗ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ⑯ إِنْ تُقْرِضُوا

و فرمانبرداری کنید و بخشایش کنید بهتر است برای شما و آنکه نگهداشته شود بخل و رزی خویش را همانا آنانند رستگاران اگر وام دهید

اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۚ وَاللّٰهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ⑰ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ⑱

خدارا وامی نکو بپذیرایش برای شما و بیامرزد شمارا و خداست سپاسگذار بردبار دانای نهان و پیدا عزیز فرزانه

سورة الطلاق مدنية وآياتها اثنتا عشرة آية

حزب (۴)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

سورة ۶۵ — حروفها ۱۱۶۰ — کلماتها ۲۸۷

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللّٰهَ رَبَّكُمْ

ای پیمبر هرگاه طلاق گفتید زنان را پس طلاقشان گوئید برای عدهٔ آنان و بشمرید عده را و بترسید خدا را پروردگار خویش

لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللّٰهِ

برونشان نرانید از خانه‌های خویش و برون نروند مگر آنکه بیارند فحشائی آشکار و اینست مرزهای خدا

وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللّٰهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللّٰهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذٰلِكَ أَمْرًا ﴿۱﴾ فَإِذَا

و آنکه بگذرد از مرزهای خدا همانا ستم کرد خویش را ندانی شاید خدا پدید آرد پس از این کاری را تا گاهیکه

بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَيْ عَدْلٍ

رسیدند سرآمد خویش را پس نگاهشان دارید بخوشی یا دوری گزینید از ایشان بخوشی و گواه گیرید دو تن عدالتمند را

مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلّٰهِ ذٰلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللّٰهَ

از شما و بپایدارید گواهی را برای خدا بدین اندرز داده شود آنکو ایمان آرد بخدا و روز آخر و آنکه بترسد خدا را

يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿۲﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ

نهد برایش برونشد نگاهی و روزیش دهد از آنجا که در شمار نیارد و آنکو توکل کند بر خدا بس باشدش همانا

اللّٰهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ﴿۳﴾ وَاللَّائِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنِ

خداست رسنده کار او هر آینه نهاده است خدا برای هر چیزی اندازه‌ای را و آنانکه نومید شدند از خون دیدن از زنان شما اگر

ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّائِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ

شک آوردید پس عدهٔ ایشان سه ماه است و آنانکه حیض نشدند (خون ندیدند) و زنان باردار سرآمد ایشان آنست که

يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿۴﴾ ذٰلِكَ أَمْرُ اللّٰهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ

نهند بار خود را و آنکو بترسد خدا را قرار دهد برای او از کارش گشایشی این است امر خدا که فرستادش بسوی شما

وَمَنْ يَتَّقِ اللّٰهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ﴿۵﴾ أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ

و آنکو بترسد خدا را بسترد از او گناهانش را و بزرگ کند برایش پاداش را بنشانید زنان را آنجا که خود نشستید از

وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتِ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ

دارائی خویش (یا از گشایش خویش) و نیازارید شان که تنگ برایشان گیرید و اگر باشند بارداران پس هزینه کنید برایشان تا

يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ

بنهند بار خود را و اگر شیر دادند برای شما بپردازید بدیشان مزدهای ایشان را و بسازید با همدیگر بخوشی و اگر

تَعَاسَرْتُمْ فَسَتُرْضِعُ لَهُ أُخْرَىٰ ﴿۶﴾ لِيُنْفِقْ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ

سخت باشد شما را زود است شیر دهدش دیگری باید هزینه کند گشایشمند از گشایش خویش و آنکه تنگ شد است بر او روزی پس باید بدهد

مِمَّا آتَاهُ اللّٰهُ لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا ﴿۷﴾ وَكَأَيِّنْ

از آنچه خدایش داده است تکلیف نکند خدا کسی را جز آنچه بدادستش زود است نهد خدا پس از تنگی گشایشی و بسا

مِنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا ﴿۸﴾

شهری که سر پیچید از فرمان پروردگار خود و فرستادگانش پس رسیدیم حسابش را حسابی سخت و شکنجه کردیمش شکنجهٔ زشت

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا ﴿٩﴾ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فَاتَّقُوا اللَّهَ

پس چشید فرجام کار خویش را و شد پایان کار او زیانکاری آماده کرد خدا برای ایشان عذابی سخت پس بترسید خدا را

يَا أُولِي الْأَلْبَابِ الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا ﴿١٠﴾ رَسُولًا يَتْلُو عَلَيْكُمْ

ای خردمندان آنانکه ایمان آوردید همانا فرستاد خدا بسوی شما ذکری (یادداشتی) پیمبری که بسراید بر شما

آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَمَنْ يُؤْمِنْ

آیتهای خدا را روشن تا بیرون آورد آنانرا که ایمان آوردند و کردار شایسته کردند از تاریکیها بسوی روشنائی و آنکه ایمان آرد

بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا قَدْ

بخدا و بکند کاری شایسته در آردش باغهائی که روان است زیر آنها جویها جاودانان در آن همیشه براستی

أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا ﴿١١﴾ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ

نکو کرد است خدا برایش روزی را خداست آنکه آفرید هفت آسمان و از زمین مانند آنها فرود آید

الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ﴿١٢﴾

کار میان آنها تا بدانید که خدا بر همه چیز است توانا و آنکه خدا فراگرفت است همه چیز را بدانش

سورة التحريم مدنية وآياتها اثنتا عشرة آية

سورة ٦٦ — حروفها ١١٦٣ — كلماتها ٢٤٩

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١﴾

ای پیمبر چرا حرام میکنی آنچه را حلال کرد خدا برایت خواهی خشنودی همسران خویش را و خداست آمرزنده مهربان

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٢﴾ وَإِذْ أَسَرَّ

همانا خدا بایسته داشت بر شما حلال بودن سوگندهای شما را و خداست دوست شما و اوست دانای حکیم و گاهی که نهان داشت

النَّبِيُّ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ

پیمبر بسوی بعضی از زنان خویش داستانی را پس گاهی که آگهیش داد بدان و فاش ساختش خدا براو شناسانید پاره از آنرا و روی برتافت از پاره ای

فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَٰذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ ﴿٣﴾ إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ

و هنگامیکه آگهیش داد بدان گفت که ترا آگهی داد است بدین گفت آگهیم داد است خداوند دانای آگاه اگر توبه کنید ای دو زن بسوی خدا هر آینه گرویده است

قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَٰلِكَ

دلهای شما و اگر چیرگی کنید بر او همانا خداست دوست او و جبرئیل و شایستگان از مؤمنان و فرشتگانند پس

ظَهِيرٌ ﴿٤﴾ عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ

از آن پشتیبان امید است پروردگار او اگر طلاق گوید شما را تبدیلش کند زنانی نکوتر از شما مسلمانانی مؤمنانی فروتنانی توبه کنندگانی

عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا ﴿٥﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ

پرستندگانی رهروانی بیوه گانی و شوی نادیدگانی ای آنانکه ایمان آوردید بازدارید خود و خاندان خویش را از آتشی که سوخت آن مردمانست

وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾

و سنگ بر آنست فرشتگانی دژم (درشت خوی) سخت گیرانی که نافرمانی نکنند خدا را آنچه فرماید شان و بکنند آنچه را که فرموده شوند

(سورة التحريم) از عایشه است که پیمبر نزد زینب بنت جحش درنگ همیکردی و عسل نوشیدی و من با حفصه در میان نهادیم که چون پیمبر بر ما در آید هر کدام گوئیم بوی مغافیر (و آن شیره درخت عرفط و بدبو است) از تو همی یابیم پس پیمبر بر یکی از آن دو در آمد و آن سخن بدو گفت و دیر ار بوی بد پرهیز بودی چه فرشته وحی را آزرده همی ساختی لاجرم چون این سخن بشنید گفت همانا از آن عسل است که مینوشم و سوگند آورد که بدان معاودت نکند پس آیت لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ فرود آمد و نیز آورده اند که روزها را پیمبر بر زوجات خویش بخش کرده بود و چون روز حفصه شد از وی دستوری خواست تا بجهة حاجتی بخانه پدر خود عمر بن خطاب رود و چون دستوری بگرفت و برفت پیمبر کنیزک خویش ماریه قبطیه که مادر ابراهیم فرزند وی بود و مقوقس از برای او بهدیت فرستاده فراخواند و در خانه حفصه با وی در آمیخت و چون حفصه بازگشت در خانه بسته نگریست پس همانجا بنشست تا پیمبر کار بپرداخت و از خانه بیرون شد حالیکه خوی از رخسارش همی چکید و هنگامیکه حفصه را آن حال معلوم گشت آغاز

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ ۖ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

ای آنانکه کفر ورزیدید بهانه نیارید امروز جز این نیست که پاداش داده شوید آنچه را بودید میکردید ای آنانکه

آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَصُوحًا ۚ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ

ایمان آوردید توبه کنید بسوی خدا توبهٔ نصوح امید است پروردگار شما بسترد از شما بدیهای شما را و در آرد شما را

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۙ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ

باغهائی که روان است زیر آنها جویها روزی که خوار نگرداند خدا پیمبر و آنانرا که ایمان آوردند با او پرتو ایشان میدود

أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٨﴾ يَا أَيُّهَا

پیشروی ایشان و بر سوی راستشان گویند پروردگارا تمام گردان برای ما نور ما را و بیامرز ما را که توئی بر همه چیز توانا ای

النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٩﴾ ضَرَبَ اللَّهُ

پیمبر جهاد کن با کافران و منافقان و درشتی کن بر ایشان و جایگاه ایشانست دوزخ و چه زشت است آنجایگاه بر زد است خدا

مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ ۖ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ

مثلی برای آنانکه کفر ورزیدند زن نوح و زن لوط بودند زیر فرمان دو بنده از بندگان ما شایستگانی

فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ ﴿١٠﴾ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا

پس خیانت کردند با آنان پس بی‌نیاز نساختند شان از خدا چیزی را و گفته شد بآتش در آئید با در آیندگان و زده است خدا مثلی

لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ

برای آنانکه ایمان آوردند زن فرعون را گاهی که گفت پروردگارا بساز برایم نزد خویش خانه‌ای در بهشت و برهانم از فرعون و کردارش

وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿١١﴾ وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ

و برهانم از گروه ستمگران و مریم دخت عمران را که نگهداشت فرج خویش را تا دمیدیم در آن

(مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتُبِهِ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ ﴿١٢﴾)

از روح خویش و تصدیق کرد بسخنان پروردگار خود و کتابهای او و گشت از فروتنان

سورة الملك مكية وآياتها ثلثون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

سورة ۶۷ — حروفها ۱۳۱۳ — کلماتها ۳۳۵

بنام خداوند بخشاینده مهربان

تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ

خجسته باد آنکه بدستش پادشاهی است و او است بر همه چیز توانا آنکه آفرید مرگ و زندگی را تا بیازماید شما را

أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ ﴿٢﴾ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَٰنِ

کدامین نکوترید در کردار و او است عزتمند آمرزگار آنکه آفرید هفت آسمان تو در تو (یا پی در پی) نبینی در آفرینش خدای مهربان

مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَىٰ مِنْ فُطُورٍ ﴿٣﴾ ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا

تفاوتی (کم و بیشی) پس بگشای دیده را (یا بازگردان چشم را) آیا بینی شکافی را پس برگردان دیده را دو بار بازگردد بسویت چشم سرافکنده

وَهُوَ حَسِيرٌ ﴿٤﴾ وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ ﴿٥﴾

حالیکه آنست کند (یا خوار) و هر آینه آراستیم آسمان نزدیک را بچراغهائی و گردانیدیم آنها را پرتابهائی برای دیوان (شیاطین) و آماده ساختیم برای ایشان عذابی سوزان

الجزء (۲۹)

وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿٦﴾ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِيَ

و آنانرا که کفر ورزیدند بپروردگار خویش عذاب دوزخ است و چه زشت است آنجایگاه گاهی که افکنده شوند در آن بشنوند برایش دمیدنی (یا خروشی) و آنست

تَفُورُ ﴿٧﴾ تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ ۖ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

جوشان نزدیکست جدا شود از خشم هرگاه افکنده شوند در آن فوجی پرسندشان نگهبانانش آیا نیامد شمارا ترساننده‌ای

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ ﴿٨﴾ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

گفتند بلی بیامد مارا ترساننده‌ای پس تکذیب کردیم و گفتیم نفرستاده است خدا چیزی نیستید شما مگر در گمراهی

كَبِيرٍ ﴿٩﴾ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١٠﴾ فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ

گران و گفتند اگر بودیم میشنیدیم یا بخرد میبافتیم نمیشدیم در یاران آتش سوزان پس اقرار کردند بگناه خویش

فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿١١﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿١٢﴾

پس دور باد برای یاران آتش سوزان همانا آنانکه بترسند پروردگار خویشرا بنهان آنانراست آمرزشی و مزدی بزرگ

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ ۖ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿١٣﴾ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ ۖ وَهُوَ اللَّطِيفُ

نهان کنید سخن خویش را یا آشکار سازیدش همانا اوست دانا بدانچه در سینه‌هاست آیا نداند آنکه بیافریده است و اوست تیزبین

الْخَبِيرُ ﴿١٤﴾ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ ۖ وَإِلَيْهِ

کار آگاه اوست آنکه گردانید برای شما زمین را رام پس روان شوید بهر سویش و بخورید از روزیش و بسوی اوست

النُّشُورُ ﴿١٥﴾ ءَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ﴿١٦﴾ أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي

گرد آمدن آیا ایمن شدید از آنکه در آسمان است که فرو برد شمارا در زمین ناگاه آنست لرزنده یا ایمن شدید از آنکه در

السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ۖ فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ﴿١٧﴾ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

آسمان است که بفرستد بر شما سنگ ریزه پس زود است بدانید چگونه بود ترساننده من و همانا تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند

فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿١٨﴾ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ ۚ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَٰنُ ۚ

پس چگونه بود کین کشیدن من آیا ننگریستند بمرغان بر فراز ایشان بال گشایندگان و بازدارندگان بالهای خویش نگاه ندارد شان جز خداوند مهربان

إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ﴿١٩﴾ أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَٰنِ ۚ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا

همانا اوست بهمه چیز بینا آیا آنکه اوست سپاهی برای شما یاریتان کند جز خدای مهربان نیستند کافران مگر

فِي غُرُورٍ ﴿٢٠﴾ أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ ۚ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ﴿٢١﴾ أَفَمَنْ يَمْشِي

در فریب آیا آنکه او روزیتان همیدهد اگر باز دارد روزی خویش را بلکه خیره کی کردند در سرکشی و رمیدنی آیا آنکه روان است

مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٢٢﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ

افتاده بر روی خویش رهنمون تر است یا آنکه میرود استوار بر راهی راست بگو اوست آنکه پدید آورد شمارا و نهاد برای شما

السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ ﴿٢٣﴾ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

گوش و دیدگان و دلهارا بکمی سپاس گذارید بگو اوست آنکه آفرید شمارا در زمین و بسویش بازگردانیده شوید

﴿٢٤﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٢٥﴾ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُبِينٌ

و گویند کی است این وعده اگر هستید راستگویان بگو جز این نیست که علم نزد خداست و جز این نیست که منم ترساننده آشکار

﴿٢٦﴾ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ ﴿٢٧﴾

تا هنگامیکه دیدندش جایگزین (یا نزدیک) دژم گشت چهره‌های آنانکه کفر ورزیدند و گفته شد این است آنچه بودیدش بسختی میخواستید

و آورده‌اند که عبدالله بن رواحه از نقبای بشمار بودی و شبی زنش ویرا با کنیزکش بدید و متهمش داشت و بدو گفت اگر با او در نیامیختی ای لختی قرآن بخوان تا راستیت دانسته شود عبدالله ابیاتی خواندن گرفت که بظاهر قرآن را مانستی از آنجمله: شَهِدْتُ بِأَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ النَّارَ مَثْوَى الْكَافِرِينَا وَأَنَّ مُحَمَّدًا يَدْعُو بِحَقٍّ وَأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَا و چون زوجه وی آن بشنید از قرآن پنداشت و بیزاریش از آن تهمت باور داشت بامداد عبدالله بنزد پیمبر شد و ماجری بگفت پیمبر بخندید و گفت خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِ یعنی بهتر شما آنکس است که از برای زنان خویش بهتر باشد.

(سورة الملك) و این سوره را منجیه و وافیه نیز بخوانند چه از پیمبر است که از عذاب قبر حفظ همیکند

(سورة القلم) از امام ابی عبدالله صادق علیه السلام است بروایت علی بن میمون که هر که این سوره را در نماز فرض یا نافله بخواند خدای از تنگدستی و درویشی تا زنده است ایمنش دارد و چون بمیرد از فشار قبر نیز پناه دهدش. إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ گویند خوی پیمبر صلی الله علیه و آله از آن روی ستوده و بزرگ شمرده شد که با خلق بخلق عشرت ورزیدی و بقلب مزایلت گزیدی یعنی آنکه

قُلْ اَرَاَيْتُمْ اِنْ اَهْلَكَنِيَ اللّٰهُ وَمَنْ مَّعِيَ اَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُّجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ اَلِيمٍ

بگو آیا دیدستید اگر نابود سازدم خدا و آنکو با من است یا رحم کند بر ما که پناه دهد کافران را از عذابی دردناک

(۲۸) قُلْ هُوَ الرَّحْمٰنُ اٰمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

بگو اوست خدای مهربان ایمان آوردیم بدو و براو توکل کردیم زود است بدانید کیست آنکه اوست در گمراهی آشکار

(۲۹) قُلْ اَرَاَيْتُمْ اِنْ اَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَّاْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ (۳۰)

بگو آیا دیدستید اگر بامداد کند آب شما فرو رفته کیست که آورد شما را بآبی نمایان

سورة القلم مكية وآياتها اثنتان وخمسون آية

سورة ۶۸ — حروفها ۱۲۵۶ — كلماتها ۳۰۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

نٓ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ (۱) مَا اَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ (۲) وَاِنَّ لَكَ لَاَجْرًا غَيْرَ

سوگند بقلم و آنچه نویسند نیستی تو بنعمت پروردگارت دیوانه و همانا تراست مزدی بی

مَمْنُونٍ (۳) وَاِنَّكَ لَعَلٰى خُلُقٍ عَظِيمٍ (۴) فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ (۵) بِاَيِّكُمُ الْمَفْتُونُ (۶) اِنَّ

منت (یا بی پایان) و همانا توئی برخوئی بزرگ پس زود است بنگری و بنگرند کدام یک از شمائید فریب خورده (یا کم خرد) هر آینه

رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ (۷) فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ (۸)

پروردگارت داناتر است بدانکه گمراه است از راه او و اوست داناتر براه یافتگان پس فرمانبری مکن تکذیب کنندگان را

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ (۹) وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ (۱۰) هَمَّازٍ مَّشَّاءٍ بِنَمِيمٍ (۱۱) مَنَّاعٍ

دوست داشتند کنار آیی (چاپلوسی کنی) تا کنار آیند و فرمان نبر هر فراوان سوگند خورنده زبونی را نکوهش گری پوینده بسخن چینی بسیار باز دارنده

لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ اَثِيمٍ (۱۲) عُتُلٍّ بَعْدَ ذٰلِكَ زَنِيمٍ (۱۳) اَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ (۱۴) اِذَا تُتْلٰى

از نیکی تجاوز کننده گنهکاری درشتخوئی پس از آن بی تباری که هست دارای خواسته و فرزندانی هرگاه خوانده شود

عَلَيْهِ اٰيَاتُنَا قَالَ اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ (۱۵) سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرْطُومِ (۱۶) اِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا

براو آیتهای ما گوید افسانه های پیشینیان است زود است مهر نهیمش به پیشانی (یا داغ نهیمش بر بینی) همانا ما آزمودیم ایشان را چنانکه آزمودیم

اَصْحَابَ الْجَنَّةِ اِذْ اَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ (۱۷) وَلَا يَسْتَثْنُونَ (۱۸) فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ

یاران بهشت را گاهی که سوگند یاد کردند که برندش البته بامداد کنان و استثناء نکنند پس گردش کرد بر ایشان گردش کننده ای

مِّنْ رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ (۱۹) فَاَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ (۲۰) فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ (۲۱) اَنِ اغْدُوا عَلٰى

از پروردگار تو و بودند خسبیدگان پس بامداد کرد مانند شب تاریک (یا بریده) پس بانگ دادند همدگر را بامداد کنان که بامداد کنید (بروید) بر

حَرْثِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ (۲۲) فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ (۲۳) اَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ

کشت خود اگر هستید برندگان پس روی آوردند و بودند راز گویان که نبادا در آیدش امروز بر شما

مِّسْكِينٌ (۲۴) وَغَدَوْا عَلٰى حَرْدٍ قَادِرِينَ (۲۵) فَلَمَّا رَاَوْهَا قَالُوا اِنَّا لَضَالُّونَ (۲۶) بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

بینوائی و بامداد کردند بر باز داشتن بینوایان نیرومندان تا هنگامی که دیدندش گفتند همانا مائیم گمراهان بلکه مائیم بی بهره گان

(۲۷) قَالَ اَوْسَطُهُمْ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ (۲۸) قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا اِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ (۲۹)

گفت میانی ایشان آیا نگفتم بشما چرا تسبیح نکنید گفتند منزه است پروردگار ما همانا بودیم ما ستمگران

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ ﴿٣٠﴾ قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ ﴿٣١﴾ عَسَىٰ رَبُّنَا أَن يُبْدِلَنَا

پس روی آورد بعضشان ببعضی نکوهش کنان گفتند وای برما ما بودیم ما سرکشان امیدست پروردگار ما بدل کند ما را

خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿٣٢﴾ كَذَٰلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾

بهتر ازاین که مایم بسوی پروردگار خویش گرایندگان چنین است عذاب وهمانا عذاب آخرتست بزرگتر اگر باشند دانند

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ﴿٣٤﴾ أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٥﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

همانا پرهیزکاران راست نزد پروردگارشان بهشتهای نعمتها آیا گردانیم تسلیمان را چون گنهکاران چه شود شما را چگونه حکم کنید

﴿٣٦﴾ أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾ أَمْ لَكُمْ

یا شماراست کتابی که درآن درس خوانید همانا شماراست درآن آنچه برگزینید یا شماراست

أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۙ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ﴿٣٩﴾ سَلْهُمْ أَيُّهُم

برما سوگندهائی رسنده بروز قیامت که شماراست آنچه فرمان دهید پرسشان کدامین ازایشان

بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِن كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٤١﴾ يَوْمَ يُكْشَفُ

بدان گرومندگان (یا بفرمانزده) یا ایشرا شراست شرکیانی پس بیارند شرکیان خویش را اگر هستند راستگویان روزی که گشوده شود

عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۖ وَقَدْ

از ساق (یا روز روزی کار بزرگ شود) ودعوت شوند بسجده کردن پس نتوانند سرافکنده باشد دیدگانشان چیره گرد برایشان خواری ودرمانند

كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ﴿٤٣﴾ فَذَرْنِي وَمَن يُكَذِّبُ بِهَٰذَا الْحَدِيثِ ۖ سَنَسْتَدْرِجُهُم

بودند ودعوت میشدند بسجده کردن حالیکه بودند تندرستان پس بهل مرا با آنکه تکذیب کند بدین داستان زود باشد بآهستگیشان گیریم

مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾ وَأُمْلِي لَهُمْ ۚ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُم مِّن مَّغْرَمٍ

از آنجا که نمیدانند ونیرنگ کنم برای ایشان که نیرنگ من سخت استوار یا پرسیدشان پاداشی (مزدی) که ایشان از تاوان

مُّثْقَلُونَ ﴿٤٦﴾ أَمْ عِندَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤٧﴾ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُن كَصَاحِبِ

سنگین باران نامزد ایشان است ناچیدا پس ایشان بنویسند پس شکیبا شو برای فرمان پروردگار خویش ومباش

الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾ لَّوْلَا أَن تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ

ماهی که بانگ برآورد وابود از خشم گلو گیر اگر نه دریافته بودش نعمتی از پروردگارش هرآینه افکنده میشد بمیدان وهو دا

مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾ فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٥٠﴾ وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ

نکوهیده پس برگزیدش پروردگارش وگردانیدش از شایستگان وهمانا نزدیکست آنانکه کفر ورزیدند بلغزانند

بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾

بادیدگان خویش هنگامیکه شنیدند ذکررا وگویند اوست دیوانه ونیست او جز ذکری ازبرای جهانیان

سورة الحاقة مكية وآياتها اثنتان وخمسون آية

كلماتها	حروفها	شعبه
٢٥٤	١٠٨٣	٩٤

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

نام خداوند بخشاینده مهربان

الْحَاقَّةُ ﴿١﴾ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٢﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ﴿٣﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ﴿٤﴾

آن فرود آینده چیست آن فرود آینده وندانستی چیست فرود آینده تکذیب کردند ثمود وعاد کوبنده

حزب (٢٦)

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ ﴿۵﴾ وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ﴿۶﴾ سَخَّرَهَا

اما ثمود پس نابود شدند بسرکشنده واما عاد پس نابود شدند بباد تندوزنده سرکش بگمارد شان

عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ

براشان هفت شب وهشت روز پی درپی که بینی گروه را درآن بیهوش افتاده گویا آنانند تنهای نخل

خَاوِيَةٍ ﴿۷﴾ فَهَلْ تَرَىٰ لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ ﴿۸﴾ وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَاطِئَةِ

فروافتاده پس آیا بینگری برای ایشان بازماندگانی وآمد فرعون وآنانکه پیش ازاو بودند وبازگون شدگان بگناه

﴿۹﴾ فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً ﴿۱۰﴾ إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ

پس سرپیچیدند فرستاده پروردگارخویش پس گرفتشان گرفتنی سخت هانگاه که بیکران زدیم (گرفت کردیم) آب سوارتان کردیم درکشنده

﴿۱۱﴾ لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ ﴿۱۲﴾ فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ ﴿۱۳﴾

تا گردانیم آنرا برای شما یادآوری وبشنود آنرا گوشهای شنونده تاگاه یکبار دمیده شود درصور یک بار دمیدن

وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ﴿۱۴﴾ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ﴿۱۵﴾ وَانْشَقَّتِ

وبردارند شوند زمین وکوهها پس بکوبیده شوند یک کوبیدن درآنروز فرودآید فرودآینده وشکافت

السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ﴿۱۶﴾ وَالْمَلَكُ عَلَىٰ أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ

آسمان پس آنست درآنروز سست وفرشته بر اطراف آنست وبردارد عرش پروردگارترا برفراز ایشان درآنروز

ثَمَانِيَةٌ ﴿۱۷﴾ يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ﴿۱۸﴾ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ

هشت تن درآنروز عرض شوید نهان نماند ازشما نهان شونده اما آنکه داده شد کتابش براستش گوید

هَاؤُمُ اقْرَءُوا كِتَابِيَهْ ﴿۱۹﴾ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهْ ﴿۲۰﴾ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

ایکنک بخوانید نامهٔ مرا من می پنداشتم که رسنده ام بحساب خویش پس اوشد درزندگانی خشنود (پسندیده)

﴿۲۱﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿۲۲﴾ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ﴿۲۳﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ

در بهشتی بلند (فرشته) که چیده های آنست فرود وزدیک بخورید وبنوشید گوارا باد شمارا بدانچه گذشتید ازنیا در روزگاران

الْخَالِيَةِ ﴿۲۴﴾ وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهْ ﴿۲۵﴾ وَلَمْ أَدْرِ مَا

گذشته واما آنکه داده شد نامهٔ خویش را بچپش گوید کاشکیه داده نبودم نامهٔ خویش را وندانستم چیست

حِسَابِيَهْ ﴿۲۶﴾ يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ﴿۲۷﴾ مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهْ ﴿۲۸﴾ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهْ ﴿۲۹﴾ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ﴿۳۰﴾

حساب من کاشکیه بسود آن گذرنده سودی دارایم برفت ازمن فرمانروایم بگیرش پس بزنجیرش کنید

ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ﴿۳۱﴾ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ﴿۳۲﴾ إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ ﴿۳۳﴾

پس دوزخش درآرید پس در زنجیری که درازیش هفتاد ذراع است اورا بکشید که بدواد ایمان نیاورد بخدای بزرگ

وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿۳۴﴾ فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ ﴿۳۵﴾ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ ﴿۳۶﴾ لَا يَأْكُلُهُ

وزعیب بیکرد بخوراندن بینوا پس نیست امروز درراینجا دوستی ونه خوراکی جز ازچرک دوزخیان نخورندش

إِلَّا الْخَاطِئُونَ ﴿۳۷﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ ﴿۳۸﴾ وَمَا لَا تُبْصِرُونَ ﴿۳۹﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿۴۰﴾ وَمَا هُوَ

جز گنهکاران پس سوگند یاد میکنم بدانچه بینید وآنچه نبینید که گفت اینا سخن پیغمبری گرامی ونیست

بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ ﴿۴۱﴾ وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ﴿۴۲﴾ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۴۳﴾

گفتار شاعری کمی ایمان آورید ونه گفتار پیش گوئی کمی یاد آورید فرستادنی ست ازپروردگار عالمیان

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ ﴿۴۴﴾ لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ﴿۴۵﴾ ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ﴿۴۶﴾

و اگر میبست بر ما پاره سخنان را هر آینه میگرفتیم از او بدست راست و سپس میبریدیم از او رگ گردن را

فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ ﴿۴۷﴾ وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِلْمُتَّقِينَ ﴿۴۸﴾ وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ

و نبودش کسی از شما نگهدارنده و همانا آنست یادآوری برای پرهیزکاران و همانا دانیم که از شماست

مُكَذِّبِينَ ﴿۴۹﴾ وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿۵۰﴾ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ﴿۵۱﴾ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ ﴿۵۲﴾

تکذیب کنندگان و همانا آنست دریغی بر کافران و همانا آنست حق یقین پس تسبیح گوی بنام پروردگارت آن بزرگ

سورة المعارج مكية وآياتها اربع واربعون آية

سورة ۷۰ — حروفها ۸۶۱ — كلماتها ۲۱۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ﴿۱﴾ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ﴿۲﴾ مِنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ ﴿۳﴾ تَعْرُجُ

پرسید پرسش کننده‌ای از عذابی فرود آینده برای کافران نیستش باز دارنده از خدا خداوند نردبانها (معراجها) بالا روند

الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ﴿۴﴾ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ﴿۵﴾

فرشتگان و روح بسویش در روزی که اندازه آن است پنجاه هزار سال پس شکیبائی کن شکیبائی نکو

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ﴿۶﴾ وَنَرَاهُ قَرِيبًا ﴿۷﴾ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ ﴿۸﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ

که آنان بینندش دور و ما بینیمش نزدیک روزی که گردد آسمان چون روغن گداخته و گردند کوهها چون پشم

﴿۹﴾ وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا ﴿۱۰﴾ يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ ﴿۱۱﴾

و نپرسد دوستی دوستی را نمایانیده شوند بدیشان دوست دارد گناهکار کاش فدیه میداد از عذاب آن روز بپسرانش

وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ ﴿۱۲﴾ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ ﴿۱۳﴾ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ ﴿۱۴﴾ كَلَّا

و یارش (یا همسرش) و برادرش و خویشاوندانی که پناهش دهند و هر که در زمین است همگی پس برهاندش نه چنین است

إِنَّهَا لَظَىٰ ﴿۱۵﴾ نَزَّاعَةً لِلشَّوَىٰ ﴿۱۶﴾ تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ ﴿۱۷﴾ وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ ﴿۱۸﴾ إِنَّ الْإِنْسَانَ

همانا آنست شراره کننده پوست می خواند آنرا که پشت کرد و روی برتافت و گرد آورد پس نگهداشت همانا انسان

خُلِقَ هَلُوعًا ﴿۱۹﴾ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا ﴿۲۰﴾ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ﴿۲۱﴾ إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿۲۲﴾

آفریده شده است آزمند گاهی که رسدش بدی نالان و گاهی که رسدش خوبی خودداری کنان مگر نمازگذاران

الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿۲۳﴾ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ ﴿۲۴﴾ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿۲۵﴾

آنانکه بر نماز خویشند پیوستگان و آنانکه در خواسته‌های ایشانست بهره دانسته برای دریوزه و بینوا

وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿۲۶﴾ وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿۲۷﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ

و آنانکه تصدیق کنند بروز دین و آنانکه از عذاب پروردگار خویشند هراسان همانا عذاب پروردگار ایشانست

غَيْرُ مَأْمُونٍ ﴿۲۸﴾ وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ﴿۲۹﴾ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

نا ایمن شده و آنانکه برای فرجهای خویشند نگهدارندگان جز بر همسرانشان یا آنچه داراست

أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ﴿۳۰﴾ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ ﴿۳۱﴾

یمینهای ایشان که آنانند نانکوهیدگان و آنکه خواست جز این را پس آنانند تجاوزگران

نامی جداگانه باشد بدینگونه صن ضبر و بر مطفی الجمر مکفی الظعن الامر المؤتمر المعلل ۱۲

اذن واعیة طبرسی علیه الرحمة گوید آنکه مفید ابوالوفاء عبدالجبار بن عبدالله بن علی الرازی بخط خود بمن نگاشت از شیخ سعید ابوجعفر محمد بن حسن بن علی الطوسی و رئیس ابوالجوائز حسن بن علی بن محمد الکاتب و شیخ ابوعبدالله حسن بن احمد بن حبیب فارسی و همگان از ابوبکر محمد بن احمد مفید جرجانی که شنیدم ابا عمرو عثمان بن خطاب معمر معروف بابن ابی الدنیا اشج را روایت میکرد از علی علیه السلام که چون آیت وتعیها اذن واعیة فرود آمد پیمبر گفت همانا خدا را خواندم تا آنرا گوش تو گرداند ای علی. سأل سائل در اینکه آن سائل که بود سخنان گوناگونی است اما طبرسی علیه الرحمة روایت کرده است از سید ابوالحمد داود از حاکم ابوالقاسم حسکانی باسناد خود از امام ابیعبدالله صادق از پدران خویش در آنهنگام که پیمبر علی علیه السلام را بروز غدیر خم منصوب داشت یعنی برافراشت و فرمود من کنت مولاه فهذا علی

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ﴿۳۲﴾ وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَاتِهِمْ قَائِمُونَ ﴿۳۳﴾ وَالَّذِينَ هُمْ

و آنانکه برای سپردهای خویش و پیمان خویشند رعایت کنندگان و آنانکه بگواهیهای خویشند قیام کنندگان و آنانکه

عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ﴿۳۴﴾ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُكْرَمُونَ ﴿۳۵﴾ فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ

بر نماز خویشند محافظت کنندگان آنانند در باغهائی گرامیان چه شود آنانرا که کفر ورزیدند بنزد تو رمندگان

﴿۳۶﴾ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ﴿۳۷﴾ أَيَطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ﴿۳۸﴾ كَلَّا

از راست و از چپ گروههائی آیا امید دارد هر مردی از ایشان که درآورده شود ببهشت نعمتها نه چنین است

إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ ﴿۳۹﴾ فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ ﴿۴۰﴾ عَلَىٰ

همانا ما آفریدیمشان از آنچه میدانند پس سوگند یاد نکنم بپروردگار خاورها و باخترها که مائیم توانایان بر

أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ ﴿۴۱﴾ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا

آنکه تبدیل کنیم بهتر از ایشان را و نیستیم ما پیشی گرفتگان پس بگذارشان فرو روند و بازی کنند تا برسند

يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿۴۲﴾ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ

بروزشان آنی که وعده داده شوند روزی که برون آیند از گورها شتابان گوئیا آنانند بسوی پایهای نشانه روان

﴿۴۳﴾ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ﴿۴۴﴾

سرافکنده است دیدگانشان فراگیردشان خواری این است روزی که بودند وعده داده میشدند

سورة نوح مكية وآياتها ثمان وعشرون آية

سوره ۷۱ حروفها ۹۵۰ کلماتها ۲۲۴

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿۱﴾ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي

همانا فرستادیم نوح را بسوی قومش که بترسان قومت را پیش از آنکه بیایدشان عذابی دردناک گفت ای قوم همانا منم

لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ﴿۲﴾ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ ﴿۳﴾ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ

برای شما ترساننده آشکار که پرستش کنید خدا را و بترسیدش و مرا فرمانبرید تا بیامرزد برای شما از گناهانتان و پس اندازد شما را

إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۴﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا

تا سرآمدی نامبرده که هرگاه سرآمد خدا بیاید پس انداخته نشود اگر بدانید گفت پروردگارا همانا خواندم قوم خویش را

وَنَهَارًا ﴿۵﴾ فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا ﴿۶﴾ وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي

شب و روز پس نیفزودشان خواندنم جز گریختنی و آنکه هرگاه خواندمشان تا بیامرزی برای ایشان نهادند انگشتان خویش را در

آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا ﴿۷﴾ ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ﴿۸﴾

گوشهای خویش و پوشیدند خویشتن را با جامهای خویش و اصرار کردند و کبر ورزیدند کبر ورزیدنی سپس هر آینه بخواندمشان من بآواز بلند (یا آشکار)

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا ﴿۹﴾ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ﴿۱۰﴾ يُرْسِلِ

پس آشکار ساختم برای ایشان و نهان داشتم نهان داشتنی پس گفتم آمرزش خواهید از پروردگار خویش همانا اوست بسیار آمرزنده فرستد

السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ﴿۱۱﴾ وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا ﴿۱۲﴾

آسمانرا بر شما ریزنده و کمک کند شما را بخواستهها و فرزندان و قرار دهد برای شما باغهائی و قرار دهد برای شما جویهائی

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلّٰهِ وَقَارًا ﴿١٣﴾ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ﴿١٤﴾ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللّٰهُ سَبْعَ سَمٰوَاتٍ

چه شود شما را امید نمی دارید برای خدا وقاری (بزرگی) و هر آینه بیافرید شمارا گوناگون آیا ندیدید چگونه آفرید خدا هفت آسمان را

طِبَاقًا ﴿١٥﴾ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ﴿١٦﴾ وَاللّٰهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا

تو در تو و گردانید ماه را در آنها نوری و گردانید مهر را چراغی و خدا رویانید شمارا از زمین رویدنی

﴿١٧﴾ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ﴿١٨﴾ وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا ﴿١٩﴾ لِتَسْلُكُوا مِنْهَا

پس باز گرداند شمارا در آن و بیرون آورد شما را بیرون آوردنی و گردانید خدا برای شما زمین را بستری (گسترشی) تا بروید در آن

سُبُلًا فِجَاجًا ﴿٢٠﴾ قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا

راههائی کشاده (گشاده) گفت نوح پروردگارا ایشان عصیانم کردند و پیروی کردند آنرا که نیفزود مر شانرا مالش و فرزندش مگر زیانی

﴿٢١﴾ وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا ﴿٢٢﴾ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا

و نیرنگ آوردند نیرنگ گرانی و گفتند مرو مگذارید خدایان خویش را و مرها مکنید وَدّ را و نه سواع را و نه

يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ﴿٢٣﴾ وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ﴿٢٤﴾ مِمَّا

یغوث را و نه یعوق را و نه نسرا و بدرست گمراه کردند بسیاری را و نیفزای ستمکاران را جز گمراهی بس از

خَطِيئَاتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِنْ دُونِ اللّٰهِ أَنْصَارًا ﴿٢٥﴾ وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ

گناهان شان غرق شدند پس در آورده شدند آتشی را و نیافتند برای خویش جز از خدا یارانی و گفت نوح پروردگارا

لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا ﴿٢٦﴾ إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ

مگذار بر زمین از کافران بازماری که اگر بگذاری شان گمراه کنند بندگانت را

وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا ﴿٢٧﴾ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ

و نزایند جز گنهکار ناسپاسی پروردگارا بیامرز مرا و پدر و مادرم را و آنرا که بخانه ام درآید مؤمن و مردان مؤمن

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا ﴿٢٨﴾

و زنان مؤمنه را و نیفزای ستمکارانرا مگر تباهی

سُورَةُ الْجِنِّ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ ثَمَانٍ وَعِشْرُونَ آيَةً

سورة ٧٢ حروفها ٢٥٩ کلماتها ٢٨٥

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا ﴿١﴾ يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ

بگو وحی شد بسوی من که گوش فرا داشتند تنی چند از جن (پریان) پس گفتند بدرستی ما شنیدیم قرآنی شگفت را که راهبری میکند بسوی درستی (راه خدا)

فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا ﴿٢﴾ وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ﴿٣﴾

پس ایمان آوردیم بآن و هرگز شرک نوریم بپروردگار خویش کسیرا و آنکه برترشد پایه پروردگار ما که نگرفت همسری و نه فرزندی را

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللّٰهِ شَطَطًا ﴿٤﴾ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا

و آنکه بود سفلت کم خرد ما بر خدا باوه (بیهوده) را و آنکه ما پنداشتیم هرگز نگویند آدمی و پری بر خدا دروغی را

﴿٥﴾ وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ﴿٦﴾ وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ

و آنکه بودند مردانی از آدمیان پناه میبردند بمردانی از پریان پس میفزودند شان گناه را و آنکه آنان پنداشتند چنانکه پنداشتید

أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللّٰهُ أَحَدًا ﴿٧﴾ وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا ﴿٨﴾

که هرگز برنانگیزد خدا کسیرا و آنکه ما آسمانرا سودیم پس یافتیمش پر شده بهت نگهبانانی سرسخت و شهابهائی

ربع (٣)

سورة الجن

(در اول سورت بیان شناساندن خود از سیصد جن چیزی که ایشان پیغامبر را شنیدند چون فرود آمدند بر آنان پیغمبر یکی از اصحاب خویش را چون بگاه (نام سالی) بازاری بود از آن عرب ایشان را شد و جن خبر یافتند از آسمان طرد شده و دور داشته و از اخبار

وَاَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ ۖ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْاٰنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا ۙ ﴿۹﴾ وَاَنَّا لَا نَدْرِيٓ اَشَرٌّ

وآنکه ما بودیم می نشستیم از ایشان نشستنگاههائی برای شنیدن پس هرکس گوش فرادارد اکنون بیابد برای خویش شهابی را بکمین وآنکه ما ندانیم آیا بدی

اُرِيدَ بِمَنْ فِي الْاَرْضِ اَمْ اَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ۙ ﴿۱۰﴾ وَاَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذٰلِكَ ۖ كُنَّا

خواسته شد آنانکه در زمینند یا خواست ایشان پروردگارشان نیکی را وآنکه از ما شایستگانند واز ما کمتر از آن بوده‌ایم

طَرَآئِقَ قِدَدًا ۙ ﴿۱۱﴾ وَاَنَّا ظَنَنَّآ اَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللّٰهَ فِي الْاَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ هَرَبًا ۙ ﴿۱۲﴾ وَاَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدٰٓى

گروههائی گوناگون وآنکه ما دانستیم که هرگز بعجز نیاریم خدا را در زمین وهرگز بعجزش نیاریم بگریختن وآنکه ما گاهیکه شنیدیم راهنمائی را

اٰمَنَّا بِهِ ۖ فَمَنْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ۙ ﴿۱۳﴾ وَاَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ ۖ

ایمان آوردیم بدان پس هرکه ایمان آورد بپروردگار خویش نترسد کاهش ونه ستمی را وآنکه از ما مسلمانانند واز ما کجروان

فَمَنْ اَسْلَمَ فَاُولٰٓئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿۱۴﴾ وَاَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ۙ ﴿۱۵﴾ وَاَنْ

پس آنکو اسلام آورد آنانند که در پی بوده‌اند راستی ودرستی را واما کجروان پس بوده‌اند دوزخ را هیزم وآنکه

لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَاَسْقَيْنَاهُمْ مَّآءً غَدَقًا ۙ ﴿۱۶﴾ لِّنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ

اگر پایدار میشدند بر روش هرآینه مینوشانیدیمشان آبی فراوان تا بیازمائیمشان در آن وآنکه روی برتابد از یاد پروردگار خویش

يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿۱۷﴾ وَاَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلّٰهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللّٰهِ اَحَدًا ۙ ﴿۱۸﴾ وَاَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللّٰهِ

ببروش در عذابی سخت وآنکه سجده‌گاهها از آن خداست پس نخوانید با خدا کسی را وآنکه هنگامیکه بپای خاست بنده خدا

يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۖ ﴿۱۹﴾ قُلْ اِنَّمَآ اَدْعُوا رَبِّي وَلَآ اُشْرِكُ بِهِ اَحَدًا ﴿۲۰﴾ قُلْ اِنِّي

تا بخواندش نزدیک بود بشوند براو انبوههائی بگو جز این نیست که خوانم پروردگار خویش را وشرک نورزم بدو کسی را بگو همانا من

لَآ اَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿۲۱﴾ قُلْ اِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللّٰهِ اَحَدٌ وَلَنْ اَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ۙ ﴿۲۲﴾

ندارم برای شما زیان ونه سودی را بگو همانا مرا پناه ندهد هرگز از خدا کسی ونه هرگز یابم جز او پناهگاهی را

اِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِسَالَاتِهِ ۖ وَمَنْ يَعْصِ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ فَاِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَآ اَبَدًا ۖ

جز رساندنی از خدا وپیامهایش وآنکه نافرمانی کند خدا وپیمبرش را هرآینه او راست آتش دوزخ جاودان در آن همیشه

﴿۲۳﴾ حَتّٰٓى اِذَا رَاَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ اَضْعَفُ نَاصِرًا وَاَقَلُّ عَدَدًا ﴿۲۴﴾ قُلْ اِنْ اَدْرِيٓ

تا گاهی که دیدند آنچه را وعده داده شوند زود است بدانند کیست ناتوان‌تر یاور وکیست کمتر بشمار بگو ندانم

اَقَرِيبٌ مَّا تُوعَدُونَ اَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّيٓ اَمَدًا ﴿۲۵﴾ عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلٰى غَيْبِهِ اَحَدًا ۙ ﴿۲۶﴾

آیا نزدیک است آنچه وعده داده شوید یا برنهد برایش پروردگارم سرآمدی را دانای نهان پس آگاه (یا چیره) نگرداند بر نهان خویش کسی را

اِلَّا مَنِ ارْتَضٰى مِنْ رَّسُولٍ فَاِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ۙ ﴿۲۷﴾ لِيَعْلَمَ

جز آنکو پسندد از فرستاده‌ای که میرود پیش رویش و از پشت سرش نگهبانی تا بداند

اَنْ قَدْ اَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَاَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَاَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ﴿۲۸﴾

که همانا رساندند پیامهای پروردگار خویش را و فراگرفت است بدانچه نزد ایشانست وبشمرد (یا بپایان رساند) است همه چیز را بشمار

سورة المزمل مكية وآياتها عشرون آية

سورة ۷۳ — حروفها ۸۳۸ — كلماتها ۱۹۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ ① قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ② نِّصْفَهُ أَوِ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا ③ أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ

ای جامہ بخود پیچیدہ بپای خیز شب را جز اندکی نیمش را یا بگاہ از آن اندکی یا بیفزای بر آن و

رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا ④ إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ⑤ إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ

بر ای قرآن را بسیار درنگ ہانا زود بہ است افگنیم بر تو گفتاری سنگین ہانا بہ پیدایش شب بر پیکر نہ است

وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلًا ⑥ إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ⑦ وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ

دستوارتر بہ است درگفتار ہانا نزاہت در روز شناوری دراز (بند) و یاد کن نام پروردگار خویش را و بہ پرش کوای

تَبْتِيلًا ⑧ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ⑨ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ

گرایندنی پروردگار خاور و باختر بہ است جز او پس برگیرش وکیل و شکیبا شو بر آنچہ گویند

وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا ⑩ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ⑪ إِنَّ

و دوری گزین از ایشان دوری بہ ستی نکو و بہ پیل مرا باتکذیب کنندگان دارندگان نعمت و مہلتشان دہ اندکی ہانا

لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا ⑫ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا ⑬ يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ

نزد ماہ است شکنجہ ہائی و دوزخی و خوراکی گلوگیر و عذابی دردناک روزی کہ بلرزد زمین و کوہہا

وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلًا ⑭ إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا

و بگردند کوہہا بشتہ پاشیدہ (پراکندہ) ہانا فرستادیم بہ پیمبری کہ گواہ است بر شما چنانکہ فرستادیم

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ⑮ فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا ⑯ فَكَيْفَ

بسوی فرعون پیمبری پس عصیان کرد فرعون پیمبر را پس گرفتنش سخت پس چگونہ

تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا ⑰ السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا

پرہیزید اگر کفر ورزید روزی را کہ بگرداند کودکانرا پیر آسمان است شکافتہ بدان بودہ بہ است وعدہ شدنی

⑱ إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ⑲ إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ

ہانا این بہ است یادآوردنی تا ہر کہ خواہد گیرد بسوی پروردگارش راہی ہانا پروردگارتو داند کہ برمیخیزی

أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثَيِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ

کمتر از دوثلث شب را و نیمی ازان و سہ یکی ازان و گروہی از آنانکہ باتو ہستند و خدا بہ است اندازہ دہند (اللہ کنشا بہ)

وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَن لَّن تُحْصُوهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ

و روز دانست کہ ہرگز فرانگیرید شمش پس توبہ کرد برشما پس بخوانید ہر چہ دست بہم دہد از قرآن دانست برزودی باشد

مِنكُم مَّرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ

ازشما بیمارانی و دیگرانی کہ بگردند در زمین درپی فضل خدا و دیگرانی کہ پیکار کنند

فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا

در راہ خدا پس بخوانید آنچہ فراہم شود ازآن و بپای دارید نماز را و بدہید زکوۃ را و وام دہید

اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا

خدا را وامی نکو و آنچہ پیش فرستید برای خویش از نیکی بیابیدش نزد خدا بہتر

وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ⑳

سورۃ المدثر مکیۃ وھی ست وخمسون اٰیۃ وثلث رکوعات

و بزرگ پاداشش و آمرزش خواہید از خدا کہ خدا بہ است ہانا آمرزندہ مہربان

ازان پس بہ است ... دستی ... است برتر از ... ایشان بہ ... ای ... ای ... ای

سورۃ ۷۴ | حروفہا ۱۰۱۰ | کلماتہا ۲۵۵

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يٰٓاَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ۝١ قُمْ فَاَنْذِرْ ۝٢ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ۝٣ وَثِيَابَكَ فَطَهِّرْ ۝٤ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ ۝٥

ای بجامه خواب رفته برپای شو بیم بترسان وپروردگار خویش را بزرگ شمر وجامهای خویش را پاک ساز وچرک را دوری گزین

وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ ۝٦ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ ۝٧ فَاِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُوْرِ ۝٨ فَذٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَّوْمٌ

ومنت منه که فزونی جوئی وبرای پروردگار خویش شکیب پس گاهی که دمیده شد در صور آنست آنروز روزی

عَسِيْرٌ ۝٩ عَلَى الْكٰفِرِيْنَ غَيْرُ يَسِيْرٍ ۝١٠ ذَرْنِيْ وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيْدًا ۝١١ وَّجَعَلْتُ لَهٗ مَالًا

دشوار برکافران ناهموار بامن هرا باآنکه آفریدم تنها ونهادیم برایش مال

مَّمْدُوْدًا ۝١٢ وَّبَنِيْنَ شُهُوْدًا ۝١٣ وَّمَهَّدْتُّ لَهٗ تَمْهِيْدًا ۝١٤ ثُمَّ يَطْمَعُ اَنْ اَّزِيْدَ ۝١٥ كَلَّا اِنَّهٗ كَانَ

پسران دانا وبهرانی گرامان وآماده کردم برایش آمادگی پس امید دارد که بیفزایم نه چنین است همانا او

لِاٰيٰتِنَا عَنِيْدًا ۝١٦ سَاُرْهِقُهٗ صَعُوْدًا ۝١٧ اِنَّهٗ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ۝١٨ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۝١٩ ثُمَّ

آیتهای ما را دشمن زود باشد که خواهم فرمودش بعذابی سخت همانا او اندیشید وسنجید (از خود گفت) پس کشته شود چگونه سنجید پس

قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ۝٢٠ ثُمَّ نَظَرَ ۝٢١ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ۝٢٢ ثُمَّ اَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ ۝٢٣ فَقَالَ اِنْ

کشته شود چگونه سنجید پس نگریست پس چهره درهم کشید وروی درهم کشید پس پشت کرد وکبر ورزید پس گفت نیست

هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ يُّؤْثَرُ ۝٢٤ اِنْ هٰذَآ اِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ ۝٢٥ سَاُصْلِيْهِ سَقَرَ ۝٢٦ وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا

این جز جادوئی گردنده نیست این جز گفتار بشر دوزخ چشانیمش ودرآتش اندازیمش وتو چه دانی

سَقَرُ ۝٢٧ لَا تُبْقِيْ وَلَا تَذَرُ ۝٢٨ لَوَّاحَةٌ لِّلْبَشَرِ ۝٢٩ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ ۝٣٠ وَمَا جَعَلْنَآ اَصْحٰبَ النَّارِ

دوزخ نه بجای گذارد ونه فرو نهد دگرگون سازد پوست را برآن است نوزده تن ونگردانیدیم یاران آتش را

اِلَّا مَلٰٓئِكَةً ۙ وَّمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ اِلَّا فِتْنَةً لِّلَّذِيْنَ كَفَرُوْا ۙ لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ

مگر فرشتگان ونگردانیدیم شمار آنانرا جز آزمایش برای آنانکه کفر ورزیدند تا یقین رسانند آنانکه کتاب را داده شدند

وَيَزْدَادَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِيْمَانًا وَّلَا يَرْتَابَ الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ وَالْمُؤْمِنُوْنَ ۙ وَلِيَقُوْلَ

وبیفزایند آنانکه ایمان آوردند ایمانی ودودل نگردند آنانکه داده شدند کتاب را ومؤمنان وتا گویند

الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ وَّالْكٰفِرُوْنَ مَاذَآ اَرَادَ اللّٰهُ بِهٰذَا مَثَلًا ۭ كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ

آنانکه در دلهاشان بیماری است وکافران چه چیز خواست خدا بدین مثل چنین گمراه سازد خدا هرکرا

يَّشَآءُ وَيَهْدِيْ مَنْ يَّشَآءُ ۭ وَمَا يَعْلَمُ جُنُوْدَ رَبِّكَ اِلَّا هُوَ ۭ وَمَا هِيَ اِلَّا ذِكْرٰى لِلْبَشَرِ ۝٣١ كَلَّا

گمراه خواهد ونمیداند لشکرهای پروردگارت را جز او ونیست آن جز یادآوری برای بشر نه چنین است

وَالْقَمَرِ ۝٣٢ وَالَّيْلِ اِذْ اَدْبَرَ ۝٣٣ وَالصُّبْحِ اِذَآ اَسْفَرَ ۝٣٤ اِنَّهَا لَاِحْدَى الْكُبَرِ ۝٣٥ نَذِيْرًا

سوگند بماه وشب گاهی که روی برتابد وبامداد گاهی که روشن گردد که آنست همانا یکی از گرانها نرساننده

لِّلْبَشَرِ ۝٣٦ لِمَنْ شَآءَ مِنْكُمْ اَنْ يَّتَقَدَّمَ اَوْ يَتَاَخَّرَ ۝٣٧ كُلُّ نَفْسٍۢ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ ۝٣٨

برای بشر برای هرکه بخواهد از شما پیش رود یا پس آید هرکس بدانچه بدست آورد گروگان است

اِلَّآ اَصْحٰبَ الْيَمِيْنِ ۝٣٩ فِيْ جَنّٰتٍ ۛ يَتَسَآءَلُوْنَ ۝٤٠ عَنِ الْمُجْرِمِيْنَ ۝٤١ مَا سَلَكَكُمْ فِيْ سَقَرَ ۝٤٢

مگر یاران راست در باغهائی پرسش کنند از گنهکاران که چه چیز شمارا درآورد بدوزخ

قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ ﴿٤٣﴾ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ ﴿٤٤﴾ وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ﴿٤٥﴾ وَ
گویند نبودیم از نمازگذاران و نبودیم بخورانیم بناتوان و بودیم فرو میرفتیم با فرو روندگان و

كُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿٤٦﴾ حَتَّىٰ أَتَانَا الْيَقِينُ ﴿٤٧﴾ فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ﴿٤٨﴾ فَمَا لَهُمْ
بودیم تکذیب میکردیم بروز دین تا بیامد مارا یقین پس سود ندهدشان شفاعت شفاعتگران پس چه شودشان

عَنِ التَّذْكِرَةِ مُعْرِضِينَ ﴿٤٩﴾ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنفِرَةٌ ﴿٥٠﴾ فَرَّتْ مِن قَسْوَرَةٍ ﴿٥١﴾ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ
که از یاد آوردنند روی گردانان گوئیا آنانند خران رمنده که گریخته اند از شیری ژیان بلکه خواهد هر مردی از ایشان

أَن يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنَشَّرَةً ﴿٥٢﴾ كَلَّا بَل لَّا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ﴿٥٣﴾ كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ ﴿٥٤﴾ فَمَن
که داده شود نامه‌هائی گشاده (پهناور) نه چنین است بلکه بیم ندارند آخرت را نچنین است همانا آن یادآوریست که هر که

شَاءَ ذَكَرَهُ ﴿٥٥﴾ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ﴿٥٦﴾
خواهد یادآوردش و یادآور نشوند جز آنکه بخواهد خدا اوست اهل پرهیزکاری و اهل آمرزیدن

سُورَةُ الْقِيَامَةِ مَكِّيَّةٌ وَآيَاتُهَا أَرْبَعُونَ آيَةً

سورة ٧٥ — حروفها ٦٥٢ — كلماتها ١٦٥

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ﴿١﴾ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ ﴿٢﴾ أَيَحْسَبُ الْإِنسَانُ أَلَّن نَّجْمَعَ عِظَامَهُ ﴿٣﴾
سوگند یاد نکنم بروز رستاخیز و نه سوگند آرم بنهاد (بروان) سرزنشگر آیا پندارد انسان که هرگز گرد نیاریم استخوانهایش را

بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَن نُّسَوِّيَ بَنَانَهُ ﴿٤﴾ بَلْ يُرِيدُ الْإِنسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ﴿٥﴾ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ
بلی توانائیم بر آنکه راست کنیم سر انگشتانش را بلکه خواهد انسان که باز کند پیشرویش را پرسد کی است روز قیامت

﴿٦﴾ فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ﴿٧﴾ وَخَسَفَ الْقَمَرُ ﴿٨﴾ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ ﴿٩﴾ يَقُولُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ
تا گاهی که بدرخشد دیده و بگیرد ماه و گرد آورده شوند مهر و ماه گوید انسان در آنروز کجاست

الْمَفَرُّ ﴿١٠﴾ كَلَّا لَا وَزَرَ ﴿١١﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ﴿١٢﴾ يُنَبَّأُ الْإِنسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ
گریزگاه نچنین است نیست گریزگاه بسوی پروردگار تو است در آنروز آرامشگاه آگاه شود انسان در آنروز بدانچه پیش فرستاد

وَأَخَّرَ ﴿١٣﴾ بَلِ الْإِنسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ﴿١٤﴾ وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ ﴿١٥﴾ لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ
و پس انداخت بلکه انسان است بر جان خویشتن بینا و هر چند بیفکند بهانه‌های خویش را مجنبان بدان زبانت را

لِتَعْجَلَ بِهِ ﴿١٦﴾ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ﴿١٧﴾ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ﴿١٨﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾
تا بشتابی بدان که همانا بر ماست گرد آوردنش و خواندنش تا گاهیکه خوانیمش پس پیروی کن از خواندنش سپس همانا بر ماست بیانش

كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾ وَتَذَرُونَ الْآخِرَةَ ﴿٢١﴾ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ ﴿٢٢﴾ إِلَىٰ رَبِّهَا
نه چنین است بلکه دوست دارید شتابان را و رها کنید پایان را چهره‌هائی است در آنروز خرم بسوی پروردگار خویش

نَاظِرَةٌ ﴿٢٣﴾ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ بَاسِرَةٌ ﴿٢٤﴾ تَظُنُّ أَن يُفْعَلَ بِهَا فَاقِرَةٌ ﴿٢٥﴾ كَلَّا إِذَا بَلَغَتِ التَّرَاقِيَ ﴿٢٦﴾
نگران و چهره‌هائی است در آنروز دژم پندارند که کرده نشود با ایشان کاری کمرشکن نچنین است بلکه گاهی که برسد گلوگاهها را

وَقِيلَ مَن رَّاقٍ ﴿٢٧﴾ وَظَنَّ أَنَّهُ الْفِرَاقُ ﴿٢٨﴾ وَالْتَفَّتِ السَّاقُ بِالسَّاقِ ﴿٢٩﴾ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ ﴿٣٠﴾
و گفته شود کیست درمان بخش (یا فسونگر) و پندارد که آنست جدائی و بپیچد ساق بساق بسوی پروردگار تو است در آنروز شدنگاه

گفتند گوئیم دیوانه است اینسخن نیز پسنده نداشت تا گفتند وی را بجادو و سحر نسبت دهیم پس اینسخن پسندید و گفت تا همگان پیمبر را بدین نام خوانده و آزرده داشتند تا این آیات فرود آمد

(سورة الانسان) بعضی اینسوره را بنام سورة دهر خوانند و بعضی سورة ابرار و بعضی سورة فاتحه و خاص و عام متفقند بر اینکه آیات آن از إِنَّ الْأَبْرَارَ تا كَانَ سَعْيُكُم مَّشْكُورًا درباره علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام و کنیزکی ایشان را بنام فضه فرود آمد و مجمل داستان آن بود که حسنین علیهما السلام را بیماری فرا رسید و دنیای والا تبار ایشان با وجوه و سران عرب بعیادت ایشان آمدند و علی علیه السلام را خواستند تا بهبودی فرزندان را نذری فرض ذمت کند پس علی روزه سه روز بر خویش نذر کرد و فاطمه علیها السلام نیز چنان کرد و فضه هم با ایشان پیروی نمود و خدای کودکان را بهبودی بخشید اما از مال دنیای دون چیزی بنزد آنخاندان نبود تا بدان توانند بر وفاء نذر قوی گردند لاجرم علی سه صاع جو از جهودی بوام گرفت و بروایتی آن در مزد

فَلَا صَدَّقَ وَلَا صَلّٰى ﴿٣١﴾ وَلٰكِنْ كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ﴿٣٢﴾ ثُمَّ ذَهَبَ اِلٰٓى اَهْلِهٖ يَتَمَطّٰى ﴿٣٣﴾ اَوْلٰى

پس نه تصدیق کرد و نه نماز گزارد ولیکن تکذیب کرد و روی برتافت پس روان شد بسوی خاندان خویش خرامان (عمارزکنان)

لَكَ فَاَوْلٰى ﴿٣٤﴾ ثُمَّ اَوْلٰى لَكَ فَاَوْلٰى ﴿٣٥﴾ اَيَحْسَبُ الْاِنْسَانُ اَنْ يُّتْرَكَ سُدًى ﴿٣٦﴾ اَلَمْ

تراسزد پس تراسزد سپس تراسزد پس تراسزد اپا پندارد انسان که گزارده شود رها آیا

يَكُ نُطْفَةً مِّنْ مَّنِيٍّ يُّمْنٰى ﴿٣٧﴾ ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوّٰى ﴿٣٨﴾ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ

نبود چکه از منی که ریخته شود پس گردید خونی بسته پس بیافرید پس بپیرایست پس گردانید ازاو دو جفت را

* الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰى ﴿٣٩﴾ اَلَيْسَ ذٰلِكَ بِقٰدِرٍ عَلٰٓى اَنْ يُّحْيِۦَ الْمَوْتٰى ﴿٤٠﴾ *

نر و ماده آیا نیست آن توانا بر آنکه زنده سازد مرده گانرا

سُوْرَةُ الْاِنْسَانِ مَدَنِيَّةٌ وَّاٰيَاتُهَا اِحْدٰى وَثَلٰثُوْنَ اٰيَةً

سورة ٧٦	حروفها ١٠٥٢	كلماتها ٢٤٢

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ *

بنام خداوند بخشاینده مهربان

هَلْ اَتٰى عَلَى الْاِنْسَانِ حِيْنٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْـًٔا مَّذْكُوْرًا ﴿١﴾ اِنَّا خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ

آیا گزشت بر انسان گاهی از روزگار که نبود چیزی یاد آورده هانا ما آفریدیم انسانرا

مِنْ نُّطْفَةٍ اَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيْهِ فَجَعَلْنٰهُ سَمِيْعًا بَصِيْرًا ﴿٢﴾ اِنَّا هَدَيْنٰهُ السَّبِيْلَ اِمَّا شَاكِرًا

از چکانه آبی بهم آمیخته که میآزمودیمش پس گردانیدیمش شنوائی بینا هانا راهبریش کردیم راه را یا سپاسگذار

وَّاِمَّا كَفُوْرًا ﴿٣﴾ اِنَّا اَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ سَلٰسِلَا۠ وَاَغْلٰلًا وَّسَعِيْرًا ﴿٤﴾ اِنَّ الْاَبْرَارَ يَشْرَبُوْنَ

و یا ناسپاس هانا ما آماده ساختیم برای کافران زنجیرهائی و گندهائی و آتشی سوزان هانا نیکان میاشامند

مِنْ كَاْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُوْرًا ﴿٥﴾ عَيْنًا يَّشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللّٰهِ يُفَجِّرُوْنَهَا تَفْجِيْرًا ﴿٦﴾ يُوْفُوْنَ

از جامی که آمیزشش کافور چشمه‌ای که نوشند ازان بندگان خدا بشگافندش شگافتنی باید دانست

بِالنَّذْرِ وَيَخَافُوْنَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهٗ مُسْتَطِيْرًا ﴿٧﴾ وَيُطْعِمُوْنَ الطَّعَامَ عَلٰى حُبِّهٖ مِسْكِيْنًا وَّ

بر نذر وترسند روزی را که بدی آنست بگزنان وخورانند خوراک را باوجود دوستیش بدرویش و

يَتِيْمًا وَّاَسِيْرًا ﴿٨﴾ اِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللّٰهِ لَا نُرِيْدُ مِنْكُمْ جَزَآءً وَّلَا شُكُوْرًا ﴿٩﴾ اِنَّا نَخَافُ

یتیمی و برده‌ای جز این نیست گفتارشان شما را برای روی خدا نخواهیم از شما پاداشی ونه سپاسی هانا ترسیم

مِنْ رَّبِّنَا يَوْمًا عَبُوْسًا قَمْطَرِيْرًا ﴿١٠﴾ فَوَقٰىهُمُ اللّٰهُ شَرَّ ذٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقّٰىهُمْ نَضْرَةً وَّسُرُوْرًا

از پروردگارمان روزی ترشروی وزشت خوی آشفته روی پس نگهدارد ایشان را خدا از بدی آن روز ودرخشان گرداند رخسار و شادمانی

﴿١١﴾ وَجَزٰىهُمْ بِمَا صَبَرُوْا جَنَّةً وَّحَرِيْرًا ﴿١٢﴾ مُّتَّكِـِٕيْنَ فِيْهَا عَلَى الْاَرَآئِكِ لَا يَرَوْنَ فِيْهَا شَمْسًا

وپاداش ایشان داد بدانچه شکیبائی کردند بهشتی وحریری تکیه کنان در آن بر بالینها نبینند در آن آفتابی

وَّلَا زَمْهَرِيْرًا ﴿١٣﴾ وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلٰلُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوْفُهَا تَذْلِيْلًا ﴿١٤﴾ وَيُطَافُ

ونه سرمائی ونزدیک است بدیشان سایه‌هایش ورام گردیده میوه‌هایش وگردش داده شود

عَلَيْهِمْ بِاٰنِيَةٍ مِّنْ فِضَّةٍ وَّاَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيْرَا ﴿١٥﴾ قَوَارِيْرَا مِنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوْهَا تَقْدِيْرًا ﴿١٦﴾

بر ایشان جامهائی از سیم وپیمانه‌ها (باصراحهای) گشاده آبگینه‌ها از سیم که پرداختند پرداختنش

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا ﴿١٧﴾ عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّىٰ سَلْسَبِيلًا ﴿١٨﴾ وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ
و نوشانیده شوند در آن جامی را که باشد آمیزش آن زنجبیل چشمه‌ای در آن که نامیده شود سلسبیل و گردش کنند بر ایشان

وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنْثُورًا ﴿١٩﴾ وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا
پسرانی جاودانی گاهی که بنگریشان پنداریشان مرواریدهای پوشیده و گاهی که بنگری آنجا بینی نعمتهائی

وَمُلْكًا كَبِيرًا ﴿٢٠﴾ عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ
و پادشاهی بزرگ برایشان (فرازیشان) است جامه‌های سندس سبزی و استبرقی و زیب داده شدند بادست بندهائی از سیم

وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا ﴿٢١﴾ إِنَّ هَٰذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُورًا ﴿٢٢﴾
و نوشانیدشان پروردگارشان نوشابهٔ پاک کننده همانا اینست شمارا پاداشی و بوده است کوشش شما سپاسگذارده

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا ﴿٢٣﴾ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا ﴿٢٤﴾
همانا ما فرستادیم برتو قرآن را فرستادنی پس شکیبا شو برای حکم پروردگار خویش و فرمانبرداری مکن از ایشان گنهکاری را یا ناسپاسی

وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٢٥﴾ وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا ﴿٢٦﴾ إِنَّ
و ببر نام پروردگارت را بامدادان و شب هنگام و از شب پس سجده کن برایش و تسبیحش گوی شبی دراز همانا

هَٰؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا ﴿٢٧﴾ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا
اینان دوست دارند شتابان را و بگذارند پشت سر خویش روزی سنگین را ما آفریدیمشان و استوار ساختیم

أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ تَبْدِيلًا ﴿٢٨﴾ إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ
آفرینش ایشانرا و هرگاه خواهیم تبدیل کنیم بمانندگان ایشان تبدیلی همانا اینست یادآوری تا هرکه

شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ﴿٢٩﴾ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
خواهد برگیرد بسوی پروردگار خویش راهی را و نخواهید جز آنکه خواهد خدا همانا بوده است خدا

عَلِيمًا حَكِيمًا ﴿٣٠﴾ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿٣١﴾
دانشمند حکیم در آرد هرکه را خواهد برحمت خویش و ستمگرانرا آماده ساخت برای ایشان عذابی دردناک

سورة المرسلات مكية وآياتها خمسون آية

سورة ٧٧ — حروفها ٨١٦ — كلماتها ١١٨

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ﴿١﴾ فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا ﴿٢﴾ وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا ﴿٣﴾ فَالْفَارِقَاتِ
سوگند بفرستادگان پیاپی (انبوه چون یال اسب) پس تند وزندگان از بادها وزیدنی تند و بگسترانندگان گسترانیدنی پس بجدا کنندگان

فَرْقًا ﴿٤﴾ فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ﴿٥﴾ عُذْرًا أَوْ نُذْرًا ﴿٦﴾ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ ﴿٧﴾ فَإِذَا
جدا کردنی پس بافکنندگان ذکر بهانه‌ای یا بیمی را که آنچه وعده داده شوید فرود آینده است پس گاهیکه

النُّجُومُ طُمِسَتْ ﴿٨﴾ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ ﴿٩﴾ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ﴿١٠﴾ وَإِذَا الرُّسُلُ
ستارگان نابود شوند و گاهی که آسمان شکافته شود و گاهیکه کوهها برافکنده شوند و گاهیکه فرستادگان

أُقِّتَتْ ﴿١١﴾ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ ﴿١٢﴾ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ﴿١٣﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ ﴿١٤﴾
وقت داده شوند برای چه روزی پس انداخته شده است برای روز جدا شدن و ندانستت چیست روز جدا شدن

اهل بیت ساخته و این سوره را مکیه خوانده و نزول آنرا در باره داستانی که در مدینه بهم رسیده است ممتنع شمرند بیهوده نباید گوش داد و ما چند خبر زیر را اگرچه بطول انجامد بیاریم تا کذب آنان آشکار بسازیم و بهره فزون و فراوانتر آریم: امین الاسلام طبرسی از سید ابو الحمد مهدی بن نزار حسینی قاینی و او از حاکم ابو القاسم عبید الله بن عبد الله حسکانی و او از ابو نصر مفسر از عم خویش ابو حامد که بر او املاء کرد از فزاری ابو یوسف یعقوب بن محمد مقری و او از محمد بن یزید سلمی از زید بن موسی از عمرو بن هارون از عثمان بن عطا از پدر خویش از ابن عباس چنین آورده است که سوری که در مکه فرود آمد نخست اقرأ و سپس بترتیب اینها بود: ن - مزمل - مدثر - تبت - اذا الشمس اعلی - واللیل - والفجر - والضحی - انشراح - والعصر - والعادیات - کوثر - تکاثر - ارأیت - کافرون - الم تر - فلق - ناس - توحید - والنجم - عبس - قدر - والشمس - بروج - والتین - لایلاف - قارعه - قیامت - همزه - والمرسلات - ق - بلد - طارق - اقتربت - ص - اعراف - قل اوحی - یس - فرقان - ملائکه - کهیعص - طه - واقعه - شعراء - نمل - قصص - بنی اسرائیل - یونس - هود - یوسف - حجر - انعام - صافات - لقمان - قمر

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٥﴾ أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦﴾ ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ﴿١٧﴾

وای در آنروز برای تکذیب کنندگان آیا نابود نساختیم پیشینیان را پس پیرو کردیمشان پسینیان را

كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ﴿١٨﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٩﴾ أَلَمْ نَخْلُقكُّم مِّن مَّاءٍ

چنین کنیم به گنهکاران وای در آنروز برای تکذیب کنندگان آیا نیافریدیمتان از آبی

مَّهِينٍ ﴿٢٠﴾ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ﴿٢١﴾ إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ﴿٢٢﴾ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ

خوار و زبون پس نهادیمش در آرامگهی جایدار تا اندازه دانسته پس اندازه نهادیم پس چه خوبند اندازه نهان

﴿٢٣﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٤﴾ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ﴿٢٥﴾ أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا ﴿٢٦﴾

وای در آنروز برای تکذیب کنندگان آیا نگردانیدیم زمین را فراگیرنده زندگانرا و مردگانرا

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُم مَّاءً فُرَاتًا ﴿٢٧﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٢٨﴾

و نهادیم در آن لنگرهائی افراشته و نوشانیدیمتان آبی گوارا وای در آنروز برای تکذیب کنندگان

انطَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿٢٩﴾ انطَلِقُوا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ ﴿٣٠﴾ لَّا

بروید بسوی آنچه بودید بدان تکذیب میکردید بروید بسوی سایهٔ سه شعبه که نه

ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ ﴿٣١﴾ إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ ﴿٣٢﴾ كَأَنَّهُ جِمَالَتٌ صُفْرٌ

سایه افکن است و نه بی‌نیاز کند از شرارهٔ آتش پرتاب کند همانا شراره‌هائی چون کاخ گوئیا آنست اشتری زرد فام

﴿٣٣﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٤﴾ هَٰذَا يَوْمُ لَا يَنطِقُونَ ﴿٣٥﴾ وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ

وای در آنروز برای تکذیب کنندگان اینست روزی که سخن نگویند و نه دستور داده شوند تا بهانه آرند

﴿٣٦﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٣٧﴾ هَٰذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوَّلِينَ ﴿٣٨﴾ فَإِن

وای در آنروز برای تکذیب کنندگان اینست روز جدا کردن گرد آوردیم شما را و پیشینیان اگر

كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونِ ﴿٣٩﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٠﴾ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي

شما راست نیرنگی پس آهنگم کنید وای در آنروز برای تکذیب کنندگان همانا پرهیزکارانند در

ظِلَالٍ وَعُيُونٍ ﴿٤١﴾ وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ ﴿٤٢﴾ كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

سایه‌ها و چشمه سارهائی و میوه‌ای از آنچه هوس کنند بخورید و بنوشید نوش باد بدانچه بودید میکردید

﴿٤٣﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ﴿٤٤﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٥﴾ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا

همانا ما بدینگونه پاداش دهیم نیکوکاران وای در آنروز برای تکذیب کنندگان بخورید و برخوردار شوید

قَلِيلًا إِنَّكُم مُّجْرِمُونَ ﴿٤٦﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٧﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا

اندکی که شمائید گنهکاران وای در آنروز برای تکذیب کنندگان و هرگاه گفته شود بدیشان رکوع بگذارید

لَا يَرْكَعُونَ ﴿٤٨﴾ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ﴿٤٩﴾ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٠﴾

نگذارند وای در آنروز برای تکذیب کنندگان پس بکدام داستانند پس از این ایمان آرندگان

سورة النبأ مكية وآياتها اربعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

سورة ۷۸ حروفها ۷۷۰ کلماتها ۱۷۳

بنام خداوند بخشاینده مهربان

عَمَّ يَتَسَآءَلُونَ ① عَنِ النَّبَإِ الْعَظِيمِ ② الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ③ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ④
ازچه چیز مند پرسش کنان از داستان (آگهی) بزرگ آنکه آنانند درآن اختلاف کنان بچنین است زود دست بدانند

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ⑤ أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا ⑥ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ⑦ وَخَلَقْنَاكُمْ
پس بچنین است زود دانند بدانند آیا نگردانیدیم زمین را آرامگاهی وکوهها را میخهائی وآفریدیم شمارا

أَزْوَاجًا ⑧ وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا ⑨ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا ⑩ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا
جفتهائی وگردانیدیم خواب شمارا بهشی (باآسایش) وگردانیدیم شب را پوشاک وگردانیدیم روزرا روزبهی

⑪ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ⑫ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ⑬ وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ
وبنیاد نهادیم فراز شما هفتگانه استوار ونهادیم چراغی درخشان وفرستادیم از فشرده ها

مَاءً ثَجَّاجًا ⑭ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ⑮ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ⑯ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ
آبی ریزان تا برون آریم بدان دانه ورستنی وبوستانهای پیچا پیچ همانا روز جدا شدن است

مِيقَاتًا ⑰ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ⑱ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ⑲
وعده گاهی روزیکه دمیده شود درصور پس آیند گروه گروه وگشوده شود آسمان پس گردد درهائی

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ⑳ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ㉑ لِلطَّاغِينَ مَآبًا ㉒
وراننده شوند کوهها پس شوند سرابی همانا دوزخ است کمینگاهی برای سرکشان بازگشتگاهی

لَابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا ㉓ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ㉔ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ㉕
مانندگان درآن سالهائی نچشند درآن خنکی ونه نوشابهای مگر آبی جوشان وچرکی

جَزَاءً وِفَاقًا ㉖ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ㉗ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَّابًا ㉘ وَكُلَّ
کیفری برابر کهبودند ازایشان امیدنداشتند حسابی وتکذیب کردند آیتهای ما را تکذیبی وهر

شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ㉙ فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا ㉚ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ㉛
چیزی را فراآوردیم درنامهای پس بچشید که هرگز نیفزائیم شما را جز عذابی همانا برای پرهیزکاران است رستگاهی

حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ㉜ وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا ㉝ وَكَأْسًا دِهَاقًا ㉞ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا
باغهائی وتاکهائی وزنانی پستان برآمده همسالانی وجامی لبریز نشنوند درآن

لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا ㉟ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ㊱ رَّبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ
باوه ونه تکذیبی پاداشی از پروردگارت بخششی بشمار پروردگار آسمانها وزمین

وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ㊲ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ
وآنچه میان آنهاست خداوند مهربان کودارا نیستند ازاو خطابی (سخنی) روزیکه بپای ایستند روح ودوستگان

صَفًّا لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَٰنُ وَقَالَ صَوَابًا ㊳ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ
بصفی سخن نگویند جز آنکه دستوری دهدش خداوند مهربان وگوید درستی آنست روز حق

فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ مَآبًا ㊴ إِنَّا أَنذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنظُرُ
تا هرکه خواهد برگیرد بسوی پروردگارش بازگشتگاهی همانا بیم دادیم شما را ازعذابی نزدیک روزیکه بنگرد

الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنتُ تُرَابًا ㊵
مرد آنچه را پیش فرستاده دودستش وگوید کافر کاشکی بیمودم خاکی

الجزء (٣٠)

اول سوره نبأ مکی است و آن چهل جمله و صد و شصت و شش حرف و سیصد و شصت کلمه است

بسم الله الرحمن الرحیم

دربست و پنج حرف فرو فرستاده شد

خلاصه تفسیر سوره نبأ

بدانکه این سوره را سوره عمّ یتساءلون نیز گویند و سوره نبأ و سوره معصرات و سوره مآب و سوره نازعات نیز گویند و سوره عمّ یتساءلون را سوره نبأ گویند بدان که در او ذکر نبأ عظیم است یعنی خبر بزرگ و سوره معصرات را سوره مآب گویند بدان که در او ذکر مآب است یعنی بازگشتن و سوره نازعات را سوره طامّة الکبری گویند بدان که در او ذکر طامّة الکبری است یعنی قیامت و سوره نبأ مکی است و آن چهل آیت است و صد و شصت و شش حرف و سیصد و شصت کلمه است و بیست و پنج حرف فرو فرستاده شد

بسم الله الرحمن الرحیم

عمّ یتساءلون عن النبأ العظیم الذی هم فیه مختلفون کلّا سیعلمون ثمّ کلّا سیعلمون الم نجعل الارض مهادا والجبال اوتادا وخلقناکم ازواجا وجعلنا نومکم سباتا وجعلنا اللیل لباسا وجعلنا النهار معاشا وبنینا فوقکم سبعا شدادا وجعلنا سراجا وهّاجا وانزلنا من المعصرات ماء ثجّاجا لنخرج به حبّا ونباتا وجنّات الفافا ان یوم الفصل کان میقاتا یوم ینفخ فی الصور فتأتون افواجا وفتحت السماء فکانت ابوابا وسیّرت الجبال فکانت سرابا ان جهنّم کانت مرصادا للطاغین مآبا لابثین فیها احقابا لا یذوقون فیها بردا ولا شرابا الّا حمیما وغسّاقا جزاء وفاقا انّهم کانوا لا یرجون حسابا وکذّبوا بآیاتنا کذّابا وکلّ شیء احصیناه کتابا فذوقوا فلن نزیدکم الّا عذابا ان للمتّقین مفازا حدائق واعنابا وکواعب اترابا وکأسا دهاقا لا یسمعون فیها لغوا ولا کذّابا جزاء من ربّک عطاء حسابا ربّ السموات والارض وما بینهما الرحمن لا یملکون منه خطابا یوم یقوم الروح والملئکة صفّا لا یتکلّمون الّا من اذن له الرحمن وقال صوابا ذلک الیوم الحقّ فمن شاء اتّخذ الی ربّه مآبا انّا انذرناکم عذابا قریبا یوم ینظر المرء ما قدّمت یداه ویقول الکافر یا لیتنی کنت ترابا

ترجمه

بسم الله الرحمن الرحیم

از چه چیز مند پرسش کنان از داستان (آگهی) بزرگ آنکه آنانند درآن اختلاف کنان بچنین است زود دست بدانند پس بچنین است زود دانند آیا نگردانیدیم زمین را آرامگاهی وکوهها را میخهائی وآفریدیم شمارا جفتهائی وگردانیدیم خواب شمارا بهشی (باآسایش) وگردانیدیم شب را پوشاک وگردانیدیم روزرا روزبهی ودنیاد نهادیم فراز شما هفتگانه استوار ونهادیم چراغی درخشان وفرستادیم از فشرده ها آبی ریزان تا برون آریم بدان دانه ورستنی وبوستانهای پیچا پیچ همانا روز جدا شدن است وعده گاهی روزیکه دمیده شود درصور پس آیند گروه گروه وگشوده شود آسمان پس گردد درهائی وراننده شوند کوهها پس شوند سرابی همانا دوزخ است کمینگاهی برای سرکشان بازگشتگاهی مانندگان درآن سالهائی نچشند درآن خنکی ونه نوشابهای مگر آبی جوشان وچرکی کیفری برابر کهبودند ازایشان امیدنداشتند حسابی وتکذیب کردند آیتهای ما را تکذیبی وهر چیزی را فراآوردیم درنامهای پس بچشید که هرگز نیفزائیم شما را جز عذابی همانا برای پرهیزکاران است رستگاهی باغهائی وتاکهائی وزنانی پستان برآمده همسالانی وجامی لبریز نشنوند درآن باوه ونه تکذیبی پاداشی از پروردگارت بخششی بشمار پروردگار آسمانها وزمین وآنچه میان آنهاست خداوند مهربان کودارا نیستند ازاو خطابی (سخنی) روزیکه بپای ایستند روح ودوستگان بصفی سخن نگویند جز آنکه دستوری دهدش خداوند مهربان وگوید درستی آنست روز حق تا هرکه خواهد برگیرد بسوی پروردگارش بازگشتگاهی همانا بیم دادیم شما را ازعذابی نزدیک روزیکه بنگرد مرد آنچه پیش فرستاده دودستش وگوید کافر کاشکی بیمودم خاکی

سورة النازعات مكية وآياتها ست واربعون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة ۷۹ — حروفها ۷۵۳ — كلماتها ۱۷۹

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالنّٰازِعٰاتِ غَرْقًا ۙ ﴿۱﴾ وَالنّٰاشِطٰاتِ نَشْطًا ﴿۲﴾ وَالسّٰابِحٰاتِ سَبْحًا ۙ ﴿۳﴾ فَالسّٰابِقٰاتِ سَبْقًا ۙ

سوگند ببرکنندگان بقوت و بکشندگان کشیدنی (یا جهندگان جهشی) و بشناورکنان شناوری پس پیشی گیرندگان پیشی گرفتنی

﴿۴﴾ فَالْمُدَبِّرٰاتِ اَمْرًا ۘ ﴿۵﴾ يَوْمَ تَرْجُفُ الرّٰاجِفَةُ ۙ ﴿۶﴾ تَتْبَعُهَا الرّٰادِفَةُ ؕ ﴿۷﴾ قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ

پس کاربردازان کاری روزی که بلرزد لرزنده از پیش آید پی درآینده دلهائی است در آن روز

وٰاجِفَةٌ ۙ ﴿۸﴾ اَبْصٰارُهٰا خٰاشِعَةٌ ۘ ﴿۹﴾ يَقُولُونَ ءَاِنّٰا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحٰافِرَةِ ؕ ﴿۱۰﴾ ءَاِذٰا كُنّٰا

هراسان دیدگان آنهاست سرافکنده گویند آیا مائیم بازگردانیده در گور (یا در حال نخستین) آیا گاهی که گردیدیم

عِظٰامًا نَّخِرَةً ؕ ﴿۱۱﴾ قٰالُوا تِلْكَ اِذًا كَرَّةٌ خٰاسِرَةٌ ۘ ﴿۱۲﴾ فَاِنَّمٰا هِيَ زَجْرَةٌ وٰاحِدَةٌ ۙ ﴿۱۳﴾ فَاِذٰا هُمْ

استخوانهائی پوسیده گویند آنست آنهنگام بازگشتی زیانمند پس جز این نیست که خروشی (یا راندنی) است یگانه ناگهان ایشانند

بِالسّٰاهِرَةِ ؕ ﴿۱۴﴾ هَلْ اَتٰيكَ حَدِيثُ مُوسٰى ۘ ﴿۱۵﴾ اِذْ نٰادٰيهُ رَبُّهُ بِالْوٰادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۚ ﴿۱۶﴾

بروی زمین آیا بیامدت داستان موسی گاهی که بانگ دادش پروردگارش بر درهٔ مقدس طوی

اِذْهَبْ اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰى ۫ ﴿۱۷﴾ فَقُلْ هَلْ لَكَ اِلٰى اَنْ تَزَكّٰى ۙ ﴿۱۸﴾ وَاَهْدِيَكَ اِلٰى رَبِّكَ

برو بسوی فرعون که او سرکشی کرد پس بگو آیا تراست بسوی آنکه پاکی جوئی و راهبریت کنم بسوی پروردگارت

فَتَخْشٰى ۚ ﴿۱۹﴾ فَاَرٰيهُ الْاٰيَةَ الْكُبْرٰى ﴿۲۰﴾ فَكَذَّبَ وَعَصٰى ۫ ﴿۲۱﴾ ثُمَّ اَدْبَرَ يَسْعٰى ۫ ﴿۲۲﴾ فَحَشَرَ

پس بترسی پس نمایاندش آیت بزرگ را پس تکذیب کرد و سرپیچید سپس پشت کرد میدوید پس گرد آورد

فَنٰادٰى ۫ ﴿۲۳﴾ فَقٰالَ اَنَا رَبُّكُمُ الْاَعْلٰى ۫ ﴿۲۴﴾ فَاَخَذَهُ اللّٰهُ نَكٰالَ الْاٰخِرَةِ وَالْاُولٰى ؕ ﴿۲۵﴾ اِنَّ فِي

پس برخواند پس گفت منم پروردگار بزرگتر شما پس گرفتش خدا بکیفر انجام و آغاز همانا در

ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَخْشٰى ؕ ﴿۲۶﴾ ءَاَنْتُمْ اَشَدُّ خَلْقًا اَمِ السَّمٰاءُ ؕ بَنٰيهٰا ۗ ﴿۲۷﴾ رَفَعَ سَمْكَهٰا فَسَوّٰيهٰا ۙ

اینست عبرتی برای آنکه بترسد آیا شما سخت ترید در آفرینش یا آسمان که ساختش برافراشت پوشش را پس بیاراستش

﴿۲۸﴾ وَاَغْطَشَ لَيْلَهٰا وَاَخْرَجَ ضُحٰيهٰا ۖ ﴿۲۹﴾ وَالْاَرْضَ بَعْدَ ذٰلِكَ دَحٰيهٰا ؕ ﴿۳۰﴾ اَخْرَجَ مِنْهٰا

و تاریک ساخت شبش را و برآورد روزش و زمین را از آن پس گسترانیدش برون آورد از آن

مٰاءَهٰا وَمَرْعٰيهٰا ۖ ﴿۳۱﴾ وَالْجِبٰالَ اَرْسٰيهٰا ۙ ﴿۳۲﴾ مَتٰاعًا لَّكُمْ وَلِاَنْعٰامِكُمْ ؕ ﴿۳۳﴾ فَاِذٰا جٰاءَتِ

آبش را و چراگاهش و کوهها را لنگر گردانیدش بهره مندیی برای شما و برای دامهای شما پس گاهی که آید

الطّٰامَّةُ الْكُبْرٰى ۫ ﴿۳۴﴾ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْاِنْسٰانُ مٰا سَعٰى ۙ ﴿۳۵﴾ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِمَنْ يَرٰى ﴿۳۶﴾

فرود آینده بزرگتر روزی که یاد آورد انسان آنچه را کوشیده است و آشکار گردد در دوزخ برای هر که بیند

فَاَمّٰا مَنْ طَغٰى ۙ ﴿۳۷﴾ وَاٰثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيٰا ۙ ﴿۳۸﴾ فَاِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَاْوٰى ؕ ﴿۳۹﴾ وَاَمّٰا مَنْ خٰافَ مَقٰامَ

پس اما آنکه سرپیچید و زندگانی دنیا را برگزید همانا دوزخست جایگاهش و اما آنکه بترسد جایگاه

رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوٰى ۙ ﴿۴۰﴾ فَاِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَاْوٰى ؕ ﴿۴۱﴾ يَسْئَلُونَكَ عَنِ السّٰاعَةِ اَيّٰانَ مُرْسٰيهٰا ؕ

پروردگار خویش را و بازدارد خویشتن را از هوسها همانا بهشت است جایگاهش پرسندت از ساعت کی است لنگرگاهش

(٤٢) فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرٰيهَا (٤٣) إِلٰى رَبِّكَ مُنْتَهٰيهَا (٤٤) إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرُ مَنْ يَخْشٰيهَا (٤٥) كَأَنَّهُمْ

در چیستی تو از یادآوردنش بسوی پروردگار تو است پایانش جز این نیست که تو ئی ترساننده آنکه بترسدش گوئیا ایشان

يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا (٤٦) إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحٰيهَا

روزی که بینندش نماندند جز شبی یا روزش

سُورَةُ عَبَسَ مَكِّيَّةٌ وَهِيَ اثْنَتَانِ وَأَرْبَعُونَ آيَةً

سورة ٨٠ — حروفها ٥٣٣ — كلماتها ١٣٣

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

عَبَسَ وَتَوَلّٰى (١) أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمٰى (٢) وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكّٰى (٣) أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ

روی درهم کشید و پشت کرد که آمدش کور و چه دانستت شاید او پاکی جوید یا یادآور شود پس سود دهدش

الذِّكْرٰى (٤) أَمَّا مَنِ اسْتَغْنٰى (٥) فَأَنْتَ لَهُ تَصَدّٰى (٦) وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكّٰى (٧) وَأَمَّا مَنْ

یادآوردن اما آنکه بی‌نیازی جست پس تو اش پذیرفتی و نیست بر تو که او پاکی نجوید و اما آنکو

جَاءَكَ يَسْعٰى (٨) وَهُوَ يَخْشٰى (٩) فَأَنْتَ عَنْهُ تَلَهّٰى (١٠) كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ (١١) فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ

بیامدت میدوید و او میترسید پس تو از او سرگرمی جستی نچنین است همانا آنست یادآوری که هرکه خواهد یادآوردش

(١٢) فِي صُحُفٍ مُكَرَّمَةٍ (١٣) مَرْفُوعَةٍ مُطَهَّرَةٍ (١٤) بِأَيْدِي سَفَرَةٍ (١٥) كِرَامٍ بَرَرَةٍ (١٦) قُتِلَ

در نامه‌هائی گرامی برافراشته پاک شده بدستهای پیام آورانی گرامیانی نیکانی کشته باد

الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ (١٧) مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (١٨) مِنْ نُطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ (١٩) ثُمَّ

انسان چه ناسپاس است از چه چیز آفریدش از نطفه بیافریدش پس مقدر داشتش (اندازه نهادش) سپس

السَّبِيلَ يَسَّرَهُ (٢٠) ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ (٢١) ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ (٢٢) كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ

راه را آماده ساختش پس میرانیدش و بگور بردش سپس هرگاه خواست برون آردش نچنین است هنوز نگذارد آنچه فرمودش

(٢٣) فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلٰى طَعَامِهِ (٢٤) أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا (٢٥) ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا

پس بنگرد انسان بسوی خوراکش که ریختیم ما آب را ریزشی پس شکافتیم زمین را شکافتنی

(٢٦) فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا (٢٧) وَعِنَبًا وَقَضْبًا (٢٨) وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا (٢٩) وَحَدَائِقَ غُلْبًا (٣٠) وَ

پس رویانیدیم در آن دانه و انگوری و خرمائی و زیتونی و خرمابنی و باغچه‌هائی پیچیده و

فَاكِهَةً وَأَبًّا (٣١) مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ (٣٢) فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاخَّةُ (٣٣) يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ

میوه و چمنی بهره‌ای برای شما و برای دامهای شما پس گاهیکه آید خروش کر سازنده روزیکه گریزد مرد

مِنْ أَخِيهِ (٣٤) وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ (٣٥) وَصَاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ (٣٦) لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ

از برادرش و مادرش و پدرش و همسرش و فرزندانش هر مردی از ایشان راست

يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ (٣٧) وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ (٣٨) ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ (٣٩) وَ

در آن روز کاری که بخود داد آردش چهره‌هائی است در آن روز گشوده خندان شادان و

وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ (٤١) تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ (٤٢) أُولٰئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ (٤٣)

و چهره‌هائی در آن روز بر آنهاست گردی دستخوش سازدش پریشانی آنانند کافران پرده دران

سُورَةُ التَّكْوِيرِ مَكِّيَّةٌ وَآيَاتُهَا تِسْعٌ وَعِشْرُونَ آيَةً

یعنی گمان باستیفا کشید و بعضی گفتند نازعات اختران و ستارگان است که کنده شود و از افقی بافق دیگر شود. از ابو عبیده است که گفت تنزع من مطالعها و تغرق فی مغاربها و ناشطات نیز از نشط بمعنی نزع و برکندن میباشد و سابحات را بملائکه نیز تفسیر کردند که ارواح مؤمنین بآنرا می بکشند و سپس بگذارندش تا برآساید مانند آنکس که چیزی در آب شناوری دهد و سابقات را نیز بفرشتگان تفسیر کردند که ارواح مؤمنین باشتاب بهشت برند. عبس و تولی گویند این سوره درباره عبدالله بن ام مکتوم فرود شد و داستان آن بود که روزی پیغمبر با عتبة بن ربیعه و ابوجهل بن هشام و عباس بن عبدالمطلب و ابی و امیه فرزندان خلف سخن بنجوی و راز همی گفتی و بسوی اسلام دعوت مینمودی و امید آن از ایشان داشتی در اینهنگام ابن ام مکتوم که مردی نابینا و کور بود از در درآمد و بانگ برآورد که ای پیغمبر مرا بیاموز آنچه خدایت بیاموخت و از اینگونه بانگها متوالی و متکرر کرد و نمیدانست آنکه پیغمبر با دیگری بسخن گفتن اندر است چندانکه اثر کراهت بر چهره همایون وی پدیدار شد و مگر پیش خود گفتی

سورة ٨١ | حروفها ٤٢٥ | كلماتها ١٠٤

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاينده مهربان

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ۝١ وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ ۝٢ وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ ۝٣ وَإِذَا الْعِشَارُ

گاهى كه خورشيد بپيچد و بى فروغ گردد وگاهى كه ستارگان تيره شوند وگاهى كه كوهها رانده شوند وگاهيكه شتران آبستن (با ده ماهگى)

عُطِّلَتْ ۝٤ وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۝٥ وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۝٦ وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ ۝٧ وَ

رها كرده شوند وگاهى كه وحشيان گرد آورده شوند وگاهى كه دريها بهم آميخته شوند وگاهيكه نفوس جفت گرده شوند و

إِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ ۝٨ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ ۝٩ وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۝١٠ وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ ۝

گاهى كه گورشده پرسيده شود بكدام گناه كشته شد وگاهى كه نامها گشوده شود وگاهى كه آسمان برگنده شود

١١ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ ۝١٢ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ۝١٣ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ ۝١٤ فَلَا أُقْسِمُ

وگاهى كه دوزخ افروخته شود وگاهى كه بهشت آماده (نزديك) شود بداند هركسى آنچه احضار كرده است پس سوگند ياد نكنم

بِالْخُنَّسِ ۝١٥ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ۝١٦ وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ۝١٧ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ۝١٨ إِنَّهُ لَقَوْلُ

بفروزندگان روندگان نهان شدگان وشب گاهى كه بتاريكى پشت كند وبامداد گاهى كه بدرخشد كه آنست هماناگفتار

رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝١٩ ذِي قُوَّةٍ عِندَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ۝٢٠ مُّطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ ۝٢١ وَمَا صَاحِبُكُم

فرستاده گرامى توانائى نزد خداوند عرش ارجمند (با حق و دلى) فرمانروائى آنجا امينى ونيست يار شما

بِمَجْنُونٍ ۝٢٢ وَلَقَدْ رَآهُ بِالْأُفُقِ الْمُبِينِ ۝٢٣ وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ ۝٢٤ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ

ديوانه وهر آينه بديدش در افق آشكار ونيست او بر ناپيدا بخيل ونيست آن سخن

شَيْطَانٍ رَّجِيمٍ ۝٢٥ فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ ۝٢٦ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ ۝٢٧

شيطان رانده شده پس كجا ميرويد نيست آن جز يادآورى براى جهانيان

لِمَن شَاءَ مِنكُمْ أَن يَسْتَقِيمَ ۝٢٨ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝٢٩

براى آنكه خواهد از شما كه راستى گيرد (پايدار گردد) ونخواهيد جز آنكه بخواهد خداى پروردگار جهانيان

سورة الانفطار مكية وآياتها تسع عشرة آية

سورة ٨٢ | حروفها ٣٢٧ | كلماتها ٨٠

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاينده مهربان

إِذَا السَّمَاءُ انفَطَرَتْ ۝١ وَإِذَا الْكَوَاكِبُ انتَثَرَتْ ۝٢ وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ۝٣ وَإِذَا الْقُبُورُ

گاهى كه آسمان بشكافد وگاهى كه ستارگان بپاشند (بپريزد) وگاهى كه دريها شكافته شود وگاهيكه گورها

بُعْثِرَتْ ۝٤ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ ۝٥ يَا أَيُّهَا الْإِنسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ ۝٦

برانگيخته شود داند كسى چه پيش فرستاده و چه پس افكنده است اى انسان چه چيز ترا فريفته (با پروردگار كريمت)

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ ۝٧ فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ ۝٨ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُونَ بِالدِّينِ ۝

آنكه آفريدت پس راست آورد پس معتدلت ساخت بهر پيكرى كه خواست ترا برد بخت نه چنين است بلكه تكذيب ميكنيد بدين

٩ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ۝١٠ كِرَامًا كَاتِبِينَ ۝١١ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ۝١٢ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ۝١٣

وهماناً برشما نگهبانانى گرامى نويسندگانى دانند آنچه ميكنيد هماناً نيكاكاند در نعمتها

سورة التكوير ٨١ | ٢٩ آيات | ١ ركوع

جزء ٣٠

وَاِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ ﴿١٤﴾ يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ الدِّينِ ﴿١٥﴾ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ ﴿١٦﴾ وَمَا اَدْرٰيكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ

و همانا گنهکارانند در دوزخ چشندش روز دین و نیستند ایشان از آن ناپدیدان و ندانی تو چیست روز دین

﴿١٧﴾ ثُمَّ مَا اَدْرٰيكَ مَا يَوْمُ الدِّينِ ﴿١٨﴾ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْاَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلّٰهِ ﴿١٩﴾

پس ندانی تو چیست روز دین روزی که دارائیست کسی برای کسی چیزی و کار در آن روز خدا راست

سُورَةُ الْمُطَفِّفِينَ مَكِّيَّةٌ وَاٰيَاتُهَا سِتٌّ وَثَلٰثُونَ اٰيَةً

سورة ٨٣ — حروفها ٧٣٠ — کلماتها ١٦٩

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ ﴿١﴾ الَّذِينَ اِذَا اكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ ﴿٢﴾ وَاِذَا كَالُوهُمْ اَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ

وای برای کم فروشان آنانکه هرگاه پیمایند بر مردم تمام بردارند و هرگاه پیمایند شان یا سنجند شان کم دهند

﴿٣﴾ اَلَا يَظُنُّ اُولٰئِكَ اَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ ﴿٤﴾ لِيَوْمٍ عَظِيمٍ ﴿٥﴾ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

آیا نپندارند که ایشان برانگیختگانند برای روزی بزرگ روزی که بپای خیزند مردم برای پروردگار جهانیان

﴿٦﴾ كَلَّا اِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴿٧﴾ وَمَا اَدْرٰيكَ مَا سِجِّينٌ ﴿٨﴾ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ﴿٩﴾ وَيْلٌ

نه چنین است همانا نامهٔ گنهکاران است در سجین و دانستت چیست سجین نامه ایست نوشته وای

يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ يُكَذِّبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿١١﴾ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ اِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ

در آن روز بر تکذیب کنندگان آنانکه تکذیب کنند بروز دین و تکذیب نکند بدان جز هر تجاوزگری

اَثِيمٍ ﴿١٢﴾ اِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِ اٰيَاتُنَا قَالَ اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ ﴿١٣﴾ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلٰى قُلُوبِهِمْ مَا

گنهکار که هرگاه خوانده شود براو آیتهای ما گوید اینست افسانه‌های پیشینیان نچنین است بلکه چیره گشت بر دلهای ایشان آنچه

كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ كَلَّا اِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَحْجُوبُونَ ﴿١٥﴾ ثُمَّ اِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ ﴿١٦﴾

بودند فراهم میکردند نه چنین است همانا ایشانند از پروردگارشان آن روز راندگان سپس ایشانند همانا چشندگان دوزخ

ثُمَّ يُقَالُ هٰذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ﴿١٧﴾ كَلَّا اِنَّ كِتَابَ الْاَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ ﴿١٨﴾ وَمَا

پس گفته شود اینست آنچه بودید بدان تکذیب میکردید نچنین است همانا نامهٔ نیکان است در علیین و چه

اَدْرٰيكَ مَا عِلِّيُّونَ ﴿١٩﴾ كِتَابٌ مَرْقُومٌ ﴿٢٠﴾ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢١﴾ اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ ﴿٢٢﴾

دانستت چیست علیون نامهٔ نوشته که گواهیش دهند نزدیکان همانا نیکانند در نعمتها

عَلَى الْاَرَائِكِ يَنْظُرُونَ ﴿٢٣﴾ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ ﴿٢٤﴾ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَخْتُومٍ ﴿٢٥﴾

بر بالشها (یا تختها) نگران بشناسی در چهره‌هاشان خرمی نعمتها نوشانیده شوند از جامی مهرزده

خِتَامُهُ مِسْكٌ وَفِي ذٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ ﴿٢٦﴾ وَمِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ ﴿٢٧﴾ عَيْنًا يَشْرَبُ

مهر آنست مشک و بدین پس باید بگروند گروندگان و آمیزش آنست از تسنیم چشمه‌ای که نوشند

بِهَا الْمُقَرَّبُونَ ﴿٢٨﴾ اِنَّ الَّذِينَ اَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ اٰمَنُوا يَضْحَكُونَ ﴿٢٩﴾ وَاِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ

از آن نزدیکان همانا آنانکه گنهکارند بودند بر آنانکه ایمان آوردند خنده زنان و هرگاه میگذشتند بر آنان چشمک میزدند

﴿٣٠﴾ وَاِذَا انْقَلَبُوا اِلٰى اَهْلِهِمُ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ﴿٣١﴾ وَاِذَا رَاَوْهُمْ قَالُوا اِنَّ هٰؤُلَاءِ لَضَالُّونَ ﴿٣٢﴾

و هرگاه باز میگشتند بسوی خاندان خویش باز میگشتند لبخند زنان و هرگاه میدیدندشان میگفتند همانا اینانند گمراهان

بدانکه علی علیه السلام پیغمبر صلعم را غسل میداد و بر گونهٔ مبارکش چند موی سفید نگریست.

(سورة المطففين) در آنهنگام که پیغمبر صلعم بمدینه هجرت نمود در آن شهر مردی بود بنام ابو جهینه که دو پیمانه داشتی با یکی از برای دیگران کیل نمودی و با دیگری از برای خویش اکتیال همیکردی پس این آیات در اینباره فرود آمد.

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ از سلیم بن عامر است از مقداد بن اسود که شنیدم پیغمبر صلعم میگفت چون روز قیامت شود چندان خورشید بندگان نزدیک گردد که مسافت او با ایشان بقدر یک میل یا دو میل شود و سلیم گفت ندانم مقصود میل مساحت و مسافت است یا میل سرمه کشیدن و سپس پیغمبر صلعم گفت چنان آفتاب بر ایشان بتابد که در خوی همی فرو روند هر کس بحسب اعمال خویش چنانکه بعضی را عرق تا پاشنه پای فرا گیرد و بعضی را لگام بر دهان زند و اشارت بر دهان خویش میکرد بَلْ رَانَ عَلٰى رَيْنٍ یعنی کدورت و زنگار باشد و عیاشی از زراره آورده است که امام ابو جعفر باقر علیه السلام فرمود هیچ بنده‌ای نیست جز آنکه بر دلش نقطهٔ سفیدی است و چون گناهی از او سر زند در آن سفیدی لکه سیاهی پدید آید

وَمَآ اُرْسِلُوْا عَلَيْهِمْ حٰفِظِيْنَ ﴿٣٣﴾ فَالْيَوْمَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُوْنَ ﴿٣٤﴾

و فرستاده بودند برایشان نگهبانان پس امروز آنانکه ایمان آوردند بکفار میخندند خندهٔ زنان

عَلَى الْاَرَآئِكِ يَنْظُرُوْنَ ﴿٣٥﴾ هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوْا يَفْعَلُوْنَ ﴿٣٦﴾

بر بالشها بنشینند نگران آیا پاداش داده شدند کفار آنچه را بودند میکردند

سورة الانشقاق مكية وهي اثنتان وعشرون آية

سورهٔ ٨٤ | حروفها ٤٣٠ | كلماتها ١٠٧

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اِذَا السَّمَآءُ انْشَقَّتْ ﴿١﴾ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٢﴾ وَاِذَا الْاَرْضُ مُدَّتْ ﴿٣﴾ وَاَلْقَتْ مَا فِيْهَا

گاهیکه آسمان بشکافت و فرمان برد برای پروردگار خویش و سزاوار شد و گاهی که زمین کشیده (هموار) شد و بیفکند آنچه در آن است

وَتَخَلَّتْ ﴿٤﴾ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ﴿٥﴾ يٰٓاَيُّهَا الْاِنْسَانُ اِنَّكَ كَادِحٌ اِلٰى رَبِّكَ كَدْحًا

و تهی شد و فرمانبرد پروردگار خویش و سزاوار شد ای انسان همانا تو ای رنج برنده بسوی پروردگار خویش رنجی را

فَمُلٰقِيْهِ ﴿٦﴾ فَاَمَّا مَنْ اُوْتِيَ كِتٰبَهٗ بِيَمِيْنِهٖ ﴿٧﴾ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَّسِيْرًا ﴿٨﴾ وَّيَنْقَلِبُ

پس سنده روی بدان و اما آنکه داده شود نامهٔ خویش را براستش پس زود است حساب شود حسابی آسان و بازگردد

اِلٰٓى اَهْلِهٖ مَسْرُوْرًا ﴿٩﴾ وَاَمَّا مَنْ اُوْتِيَ كِتٰبَهٗ وَرَآءَ ظَهْرِهٖ ﴿١٠﴾ فَسَوْفَ يَدْعُوْا ثُبُوْرًا ﴿١١﴾ وَّيَصْلٰى

بسوی خاندان خویش شادان و اما آنکه داده شود نامهٔ خویش را از پشت سرش پس زود است بخواند مرگ را و بچشد

سَعِيْرًا ﴿١٢﴾ اِنَّهٗ كَانَ فِيْٓ اَهْلِهٖ مَسْرُوْرًا ﴿١٣﴾ اِنَّهٗ ظَنَّ اَنْ لَّنْ يَّحُوْرَ ﴿١٤﴾ بَلٰٓى اِنَّ رَبَّهٗ كَانَ بِهٖ

آتش را که بود او همانا در خاندان خود شادان او همانا پندارست که هرگز باز نگردد بلکه پروردگار او است بدو

بَصِيْرًا ﴿١٥﴾ فَلَآ اُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ﴿١٦﴾ وَالَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ﴿١٧﴾ وَالْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ ﴿١٨﴾ لَتَرْكَبُنَّ

بیناست پس سوگند یارم بخون گاه (شفق) و شب و آنچه فراگیرد و ماه گاهی که تمام شود که هر آینه سوار گردید

طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ﴿١٩﴾ فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ ﴿٢٠﴾ وَاِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْاٰنُ لَا يَسْجُدُوْنَ ﴿٢١﴾ بَلِ

پشتی بر پشتی (طبقه طبق طبقه) پس چیست شان که ایمان نیارند و گاهی که خوانده شود بر ایشان قرآن سجده نکنند بلکه

الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُكَذِّبُوْنَ ﴿٢٢﴾ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا يُوْعُوْنَ ﴿٢٣﴾ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ﴿٢٤﴾ اِلَّا الَّذِيْنَ

آنانکه کفر ورزیدند تکذیب کنند و خدا داناست بدانچه در خویشتن نهان دارند پس مژده ده ایشان را بعذابی دردناک مگر آنانکه

اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُوْنٍ ﴿٢٥﴾

ایمان آوردند و کردار شایسته کردند (ارشاد نهایت مزدی بی پایان (پایان ندهد))

سورة البروج مكية وهي اثنتان وعشرون آية

سورهٔ ٨٥ | حروفها ٤٥٨ | كلماتها ١٠٩

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الْبُرُوْجِ ﴿١﴾ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُوْدِ ﴿٢﴾ وَشَاهِدٍ وَّمَشْهُوْدٍ ﴿٣﴾ قُتِلَ اَصْحٰبُ الْاُخْدُوْدِ ﴿٤﴾

سوگند بآسمان دارندهٔ برجها و بروز وعده شده و بگواهی شده و گواهی شده کشته شوند یاران حفره (٧)

النَّارِ ذَاتِ الْوَقُوْدِ ﴿٥﴾ اِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُوْدٌ ﴿٦﴾ وَّهُمْ عَلٰى مَا يَفْعَلُوْنَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ شُهُوْدٌ ﴿٧﴾

آن آتش فروزان (یا دارندهٔ سوخت) گاهی که ایشانند بر آن نشستگان و آنانند بر آنچه بمؤمنان کنند گواهان

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ﴿٨﴾ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

وخشم نگرفتند برایشان جز ازآنرو که ایمان آوردند بخدای عزتمند ستوده آنکه ویراست پادشاهی آسمانها وزمین

وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا

وخداست بر همه چیز گواه همانا آنانکه فریب دادند مردان و زنان مؤمن را سپس توبه نکردند

فَلَهُمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ ﴿١٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ

ایشانراست عذاب دوزخ وایشانراست عذاب سوزان همانا آنانکه ایمان آوردند وکردار شایسته کردند ایشانراست باغهائی

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ ﴿١١﴾ إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ

که روان است زیرآنها جویها اینست رستگاری بزرگ همانا خشم آوری پروردگار تو است سخت همانا

هُوَ يُبْدِئُ وَيُعِيدُ ﴿١٣﴾ وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ ﴿١٤﴾ ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ ﴿١٥﴾ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ

او پدید آرد و بازگرداند واوست آمرزگار دوست دار دارنده عرش گرامی کننده هرآنچه خواهد

﴿١٦﴾ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ ﴿١٧﴾ فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ ﴿١٨﴾ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ

آیا بیامدت داستان لشکرها فرعون و ثمود بلکه آنانکه کفر ورزیدند در تکذیبند

﴿١٩﴾ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ ﴿٢٠﴾ بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ ﴿٢١﴾ فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ ﴿٢٢﴾

وخداست از پشت سرشان فراگیرنده بلکه آن قرآنی است گرامی در لوحی نگهداشته

سورة الطارق مكية وآياتها سبع عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

سورة ٨٦ — حروفها ٢٤٦ — كلماتها ٦١

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾ إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَمَّا

سوگند باسمان وبشب درآینده وچه دانستت چیست شب درآینده آن ستاره تابنده نیست کسی جز

عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ

براوست نگهبانی پس بنگرد انسان ازچه شد آفریده آفریده شد ازآبی جهنده که برون آید ازمیان کمر و

التَّرَائِبِ ﴿٧﴾ إِنَّهُ عَلَىٰ رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾

استخوانهای سینه همانا اوست بر بازگردانیدنش توانا روزیکه فاش شوند رازهای درون پس نیستش نیروئی ونه یاوری

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ﴿١٤﴾

سوگند بآسمان دارای (برگشت یا) باران وبزمین دارای شکاف که آنست همانا گفتاری جدا سازنده ونیست آن یاوه (شوخی)

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهِّلِ الْكَافِرِينَ أَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا ﴿١٧﴾

همانا ایشان نیرنگ آرند نیرنگی ونیرنگ آرم نیرنگی پس مهلت ده کافران را مهلتشان ده اندکی

سورة الأعلى مكية وآياتها تسع عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

سورة ٨٧ — حروفها ٢٧١ — كلماتها ٧٢

بنام خداوند بخشاینده مهربان



سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْاَعْلَى ۙ ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ فَسَوّٰى ۙ ﴿٢﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدٰى ۙ ﴿٣﴾ وَالَّذِي اَخْرَجَ
تسبیح گوی نام پروردگار خویش را آن برتر آنکه آفرید پس راست کرد و آنکه تقدیر کرد پس هدایت کرد و آنکو برون آورد

الْمَرْعٰى ۙ ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً اَحْوٰى ؕ ﴿٥﴾ سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسٰٓى ۙ ﴿٦﴾ اِلَّا مَا شَاءَ اللّٰهُ ؕ اِنَّهُ يَعْلَمُ
چراگاه را پس گردانیدش خشک سیاه زود است بخوانیم بر تو (یا خوانا گردانیمت) تا فراموش نکنی مگر آنچه خواهد خدا که او میداند

الْجَهْرَ وَمَا يَخْفٰى ؕ ﴿٧﴾ وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرٰى ۚ ﴿٨﴾ فَذَكِّرْ اِنْ نَّفَعَتِ الذِّكْرٰى ؕ ﴿٩﴾ سَيَذَّكَّرُ
آشکار را و آنچه نهان شود و روان گردانیمت بسوی آسانی پس یادآوری کن اگر سود دهد یادآوردن زود است یاد آورد

مَنْ يَخْشٰى ۙ ﴿١٠﴾ وَيَتَجَنَّبُهَا الْاَشْقَى ۙ ﴿١١﴾ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرٰى ۚ ﴿١٢﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَ
آنکه میترسد و دوری گزیندش بدبخت تری که میچشد آتش بزرگتر را پس نمیرد در آن و

لَا يَحْيٰى ﴿١٣﴾ قَدْ اَفْلَحَ مَنْ تَزَكّٰى ۙ ﴿١٤﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلّٰى ؕ ﴿١٥﴾ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ۙ
نه زنده شود همانا رستگار شد آنکه پاکی جست و یاد کرد نام پروردگارش را پس نماز گذارد بلکه برمیگزینید زندگانی دنیا را

﴿١٦﴾ وَالْاٰخِرَةُ خَيْرٌ وَاَبْقٰى ؕ ﴿١٧﴾ اِنَّ هٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْاُولٰى ۙ ﴿١٨﴾ صُحُفِ اِبْرٰهِيمَ وَمُوسٰى ﴿١٩﴾
و آخرت بهتر است و پایدارتر همانا این است در نامه‌های نخستین نامه‌های ابراهیم و موسی

سورة الغاشية مكية وآياتها ست وعشرون آية

سورة ٨٨ — حروفها ٣٨١ — كلماتها ٩٢

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

هَلْ اَتٰيكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ؕ ﴿١﴾ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۙ ﴿٢﴾ عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ۙ ﴿٣﴾ تَصْلٰى نَارًا
آیا بیامدت داستان فراگیرنده رویهائی است در آن روز سرافکنده کارکننده‌اند رنجبرنده چشند آتشی

حَامِيَةً ۙ ﴿٤﴾ تُسْقٰى مِنْ عَيْنٍ اٰنِيَةٍ ؕ ﴿٥﴾ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ اِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ ۙ ﴿٦﴾ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي
سوزان نوشانیده شوند از چشمهٔ جوشان نیستشان خوراکی جز از خار نه فربه سازد و نه بی نیاز کند

مِنْ جُوعٍ ؕ ﴿٧﴾ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ ۙ ﴿٨﴾ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ۙ ﴿٩﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۙ ﴿١٠﴾ لَا تَسْمَعُ
از گرسنگی رویهائی است در آن روز شاداب از کوشش خویشند خشنود در بهشتی فرازنده نشنوند

فِيهَا لَاغِيَةً ؕ ﴿١١﴾ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۘ ﴿١٢﴾ فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ۙ ﴿١٣﴾ وَاَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ ۙ
در آن یاوه‌ای در آنست چشمهٔ روان در آنست تختهائی افراشته و جامهائی نهاده

﴿١٤﴾ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ۙ ﴿١٥﴾ وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ؕ ﴿١٦﴾ اَفَلَا يَنْظُرُونَ اِلَى الْاِبِلِ كَيْفَ
و بالشهائی چیده (صف آورده) و پرده‌هائی گسترده آیا ننگرند بسوی اشتر چگونه

خُلِقَتْ قف ﴿١٧﴾ وَاِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ قف ﴿١٨﴾ وَاِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ قف ﴿١٩﴾ وَاِلَى الْاَرْضِ
آفریده شد و بسوی آسمان چگونه افراشته شد و بسوی کوهها چگونه نشانده شد و بسوی زمین

كَيْفَ سُطِحَتْ قف ﴿٢٠﴾ فَذَكِّرْ اِنَّمَا اَنْتَ مُذَكِّرٌ ؕ ﴿٢١﴾ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ ۙ ﴿٢٢﴾ اِلَّا مَنْ تَوَلّٰى وَ
چگونه گسترده شد پس یادآوری کن جز این نیست توئی یادآورنده نیستی برایشان فرمانده مگر آنکو روی برتافت و

كَفَرَ ۙ ﴿٢٣﴾ فَيُعَذِّبُهُ اللّٰهُ الْعَذَابَ الْاَكْبَرَ ؕ ﴿٢٤﴾ اِنَّ اِلَيْنَا اِيَابَهُمْ ۙ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ اِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٦﴾
کفر ورزید که عذاب کندش خدا آن عذاب بزرگتر همانا بسوی ماست بازگشتشان سپس همانا بر ماست حسابشان

سورة الفجر مكية وآياتها ثلثون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة ٨٩ — حروفها ٥٩٧ — كلماتها ١٣٧

خداوند بخشاینده مهربان

بنام

وَالْفَجْرِ ﴿١﴾ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿٣﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ﴿٤﴾ هَلْ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٌ

سوگند ببامداد و شبهای ده گانه و جفت و تک و بشب گاهی که برود آیا هست در این سوگندی

لِّذِي حِجْرٍ ﴿٥﴾ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي

برای خردمند آیا ندیدی چه کرد پروردگار تو بعاد ارم دارای ستون آنی که آفریده نشد مانندش در

الْبِلَادِ ﴿٨﴾ وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿٩﴾ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿١٠﴾ الَّذِينَ طَغَوْا

شهرها و ثمودی که بریدند سنگ را بدره و فرعون دارنده ستونها (یا میخها) آنانکه سرکشی کردند

فِي الْبِلَادِ ﴿١١﴾ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿١٢﴾ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٣﴾ إِنَّ رَبَّكَ

در شهرها پس فراوان کردند در آنها تبهکاری را پس بریخت بر آنان پروردگار تو تازیانه عذاب همانا پروردگار تو است

لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا الْإِنسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ

در کمینگاه اما انسان هرگاه بیازمایدش پروردگارش پس گرامیش دارد و نعمتش دهد گوید پروردگارم گرامیم داشت

﴿١٥﴾ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ﴿١٦﴾ كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ

و اما هرگاه بیازمایدش پس تنگ گیرد براو روزیش را گوید پروردگارم خوارم ساخت نچنین است بلکه گرامی ندارید

الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿١٨﴾ وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿١٩﴾ وَتُحِبُّونَ

یتیم را و ترغیب نکنید بر خورانیدن بینوا و خورید میراث را خوردنی گوارا (یا انبوه) و دوست دارید

الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾

مال را دوستی فراوان نچنین است هرگاه کوبیده شود زمین کوبیدنی کوبیدنی و بیاید پروردگار تو با فرشتگان صفی صفی

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ﴿٢٣﴾ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي

و آورده شود آنروز دوزخ در آنروز یادآور شود انسان و کجاستش یادآوری گوید کاش

قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾ يَا أَيَّتُهَا

پیش میفرستادم برای زندگانی خویش پس در آنروز عذاب نشود چون عذاب او کسی و بسته نشود چون بستن او کسی ای

النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٨﴾ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

روان آسوده (یا ای نفس آرمیده) باز گرد بسوی پروردگار خویش خشنود خشنود شده پس درآی در بندگانم و درآی در بهشتم

سورة البلد مكية وآياتها عشرون آية

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة ٩٠ — حروفها ٣٣١ — كلماتها ٨٢

خداوند بخشاینده مهربان

بنام

لَا أُقْسِمُ بِهَٰذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾ وَأَنتَ حِلٌّ بِهَٰذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ ﴿٣﴾

سوگند نیارم بدین شهر و توئی جای گزین در این شهر و پدری و آنچه فرزند نهاد

بخوان فرستاد و او را از اصحاب اخدود باز پرسید و چون پاسخ او درست نبود امیر علیه السلام خود بیان آن داستان کرد و خلاصه آنکه پیمبری بر حبشیان مبعوث گشت و آنان سرکشی گرفتند و از برای او و پیروانش آتش افروخته و آنان در آن بیفکندند از آنمیان زنی کودک بآغوش گرفته بیامد اما دلش بر فرزند خویش بسوخت و نیارست در آتش شدن پس فرزند او که یکماه بیش نداشت بانگ برآورد که ای مادر سوختن در راه خدا اندک و ناچیز است نترس و خویشتن با من در آتش بیفکن و آن زن چنان کرد و با فرزند بسوخت و هم از میثم تمار است که شنیدم علی علیه السلام را ذکر اصحاب اخدود کرد و گفت آنان ده تن بودند و همانند ایشان نیز ده تن دیگر باشند که در همین بازار کشته میشوند.

* إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ داستانی وهب بن منبه آورده است که بروزگار معاویه اشتری از عبدالله بن قلابه گم شد و او بجستجوی گم شده بدشت عدن رفت و در آن بیابان شهری دید درهای آن مرصع با یاقوت سرخ و سفید خانه‌ها و غرفه‌ها از سیم و زر ریگهای کویها و شاهراهها از مشک و زعفران ساخته و از اینگونه افسانه‌ها و چون بازگشت و آگهی بمعاویه رسید وی را بخواست و کعب را از آنجمله باز پرسید او گفت همانا این بهشت شداد بود است و در کتب است که بروزگار تو مردی بدان

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾ أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٥﴾ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا
که آفریدیم انسانرا در رنج آیا پندارد که توانائی ندارد هرگز براو کسی گوید تباه کردم مالی انبوه را

﴿٦﴾ أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيْنَاهُ
آیا پندارد که ندیدش کسی آیا ننهادیم برایش دیدگانی وزبانی ولبانی ورهبریش کردیم بدان

النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾ فَكُّ رَقَبَةٍ ﴿١٣﴾ أَوْ إِطْعَامٌ
دو پشته پس برنیامد (یا نگذشت) برآن پشته وچه دانستت چیست آن پشته آزاد کردن یک بنده یا خورانیدنی

فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ﴿١٥﴾ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا
در روز پریشانی (یا روزی دارنده گرسنگی) بیتیمی خویشاوند یا بینوائی خاکسار (یا نیازمند) سپس گشت از آنانکه ایمان آوردند

وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ﴿١٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا
وسفارش کردند بشکیبائی وسفارش کردند بمهربانی کردن آنانند یاران راست وآنانکه کفر ورزیدند بآیتهای ما

هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ ﴿٢٠﴾
آنانند یاران چپ (یا شومی) برایشانست آتش افروخته (یا انبوه یا پوشیده)

سورة الشمس مكية وهي خمس عشرة آية

سورة ٩١ — حروفها ٢٤٧ — كلماتها ٥٤

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ﴿١﴾ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا ﴿٢﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا ﴿٣﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا
سوگند بخورشید وپرتوش (یا آفتابش) وبماه گاهیکه از پیش آید وبروز گاهیکه تابناکش سازد وبشب گاهیکه بپوشدش

﴿٤﴾ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿٥﴾ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ﴿٦﴾ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾ فَأَلْهَمَهَا
وبآسمان وآنچه (یا آنکه) بساختش وبزمین وآنچه گستردش وبروان وآنچه راست آوردش پس سروشش فرستاد

فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿١٠﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ
گنهکاریش وپرهیزش همانا رستگار شد آنکه پاک ساختش وهمانا زیان کرد آنکه بفریفتش (یا نهان داشتش) تکذیب کرد ثمود

بِطَغْوَاهَا ﴿١١﴾ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾
بسرکشیش گاهی که برانگیخت بدنهادتر (یا تیره بخت ترش) پس گفت بدیشان پیمبر خدا اشتر خدارا وآبشخورش

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾
پس تکذیبش کردند پس پی کردندش پس برآشفت بر ایشان پروردگارشان بگناهشان پس یکسانش کرد ونهراسد از فرجامش

سورة الليل مكية وآياتها إحدى وعشرون آية

سورة ٩٢ — حروفها ٣١٠ — كلماتها ٧١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ﴿١﴾ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ﴿٢﴾ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ ﴿٣﴾ إِنَّ سَعْيَكُمْ
سوگند بشب گاهی که فراگیرد وروز گاهیکه برتابد وآنچه (یا آنکه) آفرید نر وماده را که کوشش شماست

لَشَتَّىٰ ﴿٤﴾ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ﴿٦﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ﴿٧﴾
همانا گوناگون پس اما آنکه بخشید وپرهیزکاری کرد وتصدیق به نکوکاری کرد زود است رهنمونش شویم بسوی گشایش

وَاَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنٰى ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنٰى ﴿٩﴾ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرٰى ﴿١٠﴾ وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ

واما آنکه بخل ورزید وبی‌نیازی گرفت وتکذیب به نیکوکاری کرد پس زود است برانیمش بسوی دشواری وبی نیاز نکند ازاو مالش

اِذَا تَرَدّٰى ﴿١١﴾ اِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدٰى ﴿١٢﴾ وَاِنَّ لَنَا لَلْاٰخِرَةَ وَالْاُولٰى ﴿١٣﴾ فَاَنْذَرْتُكُمْ نَارًا

گاهی که تباه شود همانا برماست هدایت وهمانا برای ماست بازپسین ونخستین پس ترسانیدم شمارا از آتش

تَلَظّٰى ﴿١٤﴾ لَا يَصْلٰيهَا اِلَّا الْاَشْقَى ﴿١٥﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلّٰى ﴿١٦﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا الْاَتْقَى ﴿١٧﴾ الَّذِي يُؤْتِي

که زبانه کشد نچشدش جز بدبخت تری که تکذیب کند وپشت کند وزود است دور شودش پرهیزکارتری که دهد

مَالَهُ يَتَزَكّٰى ﴿١٨﴾ وَمَا لِاَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزٰى ﴿١٩﴾ اِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْاَعْلٰى ﴿٢٠﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضٰى ﴿٢١﴾

مالش را پاکی جوید ونیست کسیرا نزدش نعمتی که پاداش داده شود جز در پی روی پروردگار برترش وهمانا بزودی خشنود شود

سورة الضحى مكية وآياتها احدى عشر آية

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة ۹۳ — حروفها ۱۷۲ — کلماتها ۴۰

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالضُّحٰى ﴿١﴾ وَاللَّيْلِ اِذَا سَجٰى ﴿٢﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلٰى ﴿٣﴾ وَلَلْاٰخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْاُولٰى ﴿٤﴾

سوگند بچاشتگاه (یا روز) وبشب گاهی که تیرگی افکند بدرودت نگفت پروردگارت ونه خشمگین شد وهمانا انجام بهتر است ترا از آغاز

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضٰى ﴿٥﴾ اَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَاٰوٰى ﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدٰى ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ

وهرآینه زود است دهدت پروردگارت تا خشنود شوی آیا نیافتت یتیمی پس جای داد ویافتت سربگمی پس رهبری کرد ویافتت

عَائِلًا فَاَغْنٰى ﴿٨﴾ فَاَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿٩﴾ وَاَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾ وَاَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١١﴾

گرانباری (عیالمند) پس بی‌نیاز کرد اما یتیم را پس خشم نیار واما دریوزه را پس نران (یا نهیب نزن) واما بنعمت پروردگار خویش پس زبان بگشای

سورة الانشراح مكية وآياتها ثمان

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة ۹۴ — حروفها ۱۰۳ — کلماتها ۲۷

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾ الَّذِي اَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ

آیا فراخ نگردانیدیم (یا گشاده نداشتیم) برایت سینه‌ات را ونهادیم از تو بارت را آنرا که بشکست پشتت را وبلند ساختیم برایت

ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَاِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ فَاِذَا فَرَغْتَ فَانْصَبْ ﴿٧﴾ وَاِلٰى رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿٨﴾

نامت (یا سخنت) را همانا با سختی است گشایشی همانا با سختی است گشایشی پس هرگاه که فراغت یافتی بایست (یا بکوش) وبسوی پروردگار خویش بگرای

سورة التين مكية وآياتها ثمان

بسم الله الرحمن الرحيم

سورة ۹۵ — حروفها ۱۵۰ — کلماتها ۳۴

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالتِّينِ وَالزَّيْتُونِ ﴿١﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾ وَهٰذَا الْبَلَدِ الْاَمِينِ ﴿٣﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِي اَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾

سوگند بانجیر وزیتون وطور سینین (یا سینا) واین شهر آرام (یا ایمن) که آفریدیم انسانرا در نکوتر اندام

حزب (۴)

در قبه بازرهان پرسید مگر عتق نسمه وفک رقبه یکی نباشد پیمبر گفت نه بلکه عتق نسمه آن باشد که تو خود تنها بنده آزاد کنی و فک رقبه آنست که در آزادی اعانت نمائی و دیگر آنکه بر خویشاوند جفاکار وستمگر خود احسان کنی واگر این نبود گرسنه سیر گردان وتشنه بنوشان وبمعروف امر واز منکر نهی فرمای واگر این نیارستی پس زبان جز از خیر باز مدار . وهم از پیمبر است که یکی از موجبات آمرزش اطعام مؤمن سغبان یعنی گرسنه میباشد . فاما من اعطی مردی توانگر را خرمابنی بود که شاخسار آن بر سرای مردی بینوا وتنگدست فرو افتاده وبسا خرما از آن بیفتادی وکودکان آن مرد درویش بشتافتندی وآن بدهان نهادندی وصاحب خرما بن بیامدی ودست بدهان وگرد لبان آن درویش زادگان فرو کردی وخرمای نیم جویده برون آوردی پس مرد بینوا شکایت را بنزد پیمبر شد واو از صاحب نخل خواست تا خرمابن بدو بگذارد وبجای آن خرمابنی در بهشت بستاند او نپذیرفته واز نزد پیمبر برفت ابو دحداح آنجا نشسته بود روی به پیمبر کرد که اگر این خرمابن از این مرد پست بخرم وبتو بازگذارم خرمابنی از بهشت مرا خواهی دادن پیمبر فرمود

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
سپس بازگردانیدیمش فرود فرودین مگر آنانکه ایمان آوردند وکردار شایسته کردند

فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالدِّينِ ﴿٧﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴿٨﴾
که ایشانراست مزدی بی پایان پس چه چیز تکذیب کند ترا ازین پس بدین آیا نیست خدا حکم کننده ترین حکم کنندگان

سورة العلق مكية وهي أول سورة نزلت من القرآن وآياتها تسع عشرة

سورة ٩٦ — حروفها ٢٧٠ — كلماتها ٧٢

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾
بخوان بنام پروردگار خویش که آفرید آفرید انسان را از خون بسته بخوان وپروردگار تو است مهتر

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾ كَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَىٰ ﴿٦﴾ أَن رَّآهُ
آنکه بیاموخت قلم را آموخت بانسان آنچه را ندانست نه چنین است همانا انسان سرکشی کند که بیندش

اسْتَغْنَىٰ ﴿٧﴾ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ﴿٨﴾ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ﴿٩﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّىٰ ﴿١٠﴾
بی نیاز شود همانا بسوی پروردگار تو است بازگشت آیا دیدی آنرا که بازدارد بنده‌ای را گاهیکه نماز گذارد

أَرَأَيْتَ إِن كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ﴿١١﴾ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ﴿١٢﴾ أَرَأَيْتَ إِن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٣﴾ أَلَمْ
آیا دیدی اگر بود بر هدایت یا فرمود بپرهیزگاری آیا دیدی اگر تکذیب کرد وپشت کرد آیا

يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿١٤﴾ كَلَّا لَئِن لَّمْ يَنتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ
ندانست که خدا می بیند نه چنین است همانا اگر دست برنداشت کشانیمش به پیشانی پیشانیی دروغگوی

خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ﴿١٧﴾ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١٨﴾ كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِب ﴿١٩﴾
لغزش کار پس بخواند انجمنش را زود است بخوانیم دوزخ را (یا نگهبانان دوزخ را) نه چنین است فرمانبرداریش مکن وسجده کن ونزدیک شو (یا چشم براه باش)

سجدة واجبة

(ذکر سجده:) لا إله إلا الله حقا حقا لا إله إلا الله إيمانا وتصديقا لا إله إلا الله عبودية ورقا سجدت لك يا رب تعبدا ورقا

سورة القدر مكية وآياتها خمس

سورة ٩٧ — حروفها ١١٢ — كلماتها ٣٢

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِنَّا أَنزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ
همانا فرستادیمش در شب قدر وچه دانستت چیست شب قدر شب قدر بهتر است از هزار

شَهْرٍ ﴿٣﴾ تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾
ماه فرود آیند فرشتگان وروح در آن بدستور پروردگارشان در هر کار سلامی است آن تا برآمدن بامداد

سورة البينة مدنية وآياتها ثمان

سورة ٩٨ — حروفها ٣٩٦ — كلماتها ٩٤

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ
بنام خداوند بخشاینده مهربان

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ① رَسُولٌ

نبودند آنانکه کفر ورزیدند از اهل کتاب ومشرکان دست بردارندگان تا بیاید شان نشانی فرستاده

مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ② فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ ③ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا

از خدا که میخواند نامه‌هائی پاک شده در آنها هست نوشته‌های استوار و پراکنده نشدند آنانکه داده شدند کتاب را مگر

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ ④ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ

پس از آنکه بیاید شان نشانی وفرموده نشدند مگر آنکه بپرستند خدا را پاک دارندگان برای او دین را یکتا پرستان

وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ⑤ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

وبپای دارند نماز را وبدهند زکوة را واین است دین استوار هانا آنانکه کفر ورزیدند از

أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَٰئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ⑥ إِنَّ الَّذِينَ

اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخند جاودانیان در آن آنانند بدترین جانیان هانا آنانکه

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ⑦ جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي

ایمان آوردند وکردار شایسته کردند آنانند بهترین جانیان پاداششان نزد پروردگارشان بهشتهای جاودانی است که روانست

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ⑧

از زیر آنها جویها جاودانان در آنها همیشه خشنود شد خدا از ایشان وخشنود شدند از او این برای آنست که ترسید از پروردگار

سورة الزلزلة مدنية وآياتها ثمان

سورهٔ ۹۹ حروفها ۱۴۹ کلماتها ۳۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ① وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ② وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ③

گاهی که بلرزد زمین لرزشش را و برون آرد زمین گرانیهایش را (یعنی گنجها و گورها) و گوید انسان چیست آنرا

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ④ بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَىٰ لَهَا ⑤ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا

آنروز بشمارد داستانهایش را که پروردگارت سروش فرستاد بدان آنروز برون آیند مردم گونا گون نامایندهٔ

أَعْمَالَهُمْ ⑥ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ⑦ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ⑧

کردارهای خویشتن پس هرکه کند سنگینی ذرهٔ نیکی بیندش وهرکه کند سنگینی ذرهٔ بدی بیندش

سورة العاديات مكية وآياتها احد عشرة

سورهٔ ۱۰۰ حروفها ۱۶۳ کلماتها ۴۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالْعَادِيَاتِ ضَبْحًا ① فَالْمُورِيَاتِ قَدْحًا ② فَالْمُغِيرَاتِ صُبْحًا ③ فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا ④ فَوَسَطْنَ

سوگند بدوندگان بنفسها در آدمان پس آتش افروزندگان بزنهای سم پس تاخت آورندگان بهنگام بامداد پس برانگیزند بدان گردی

بِهِ جَمْعًا ⑤ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ ⑥ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ لَشَهِيدٌ ⑦ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ ⑧

درمیان گروهی هانا انسان هست پروردگار خویش ناسپاس و هانا او هست بر این گواه و هانا او دوستی خواستهٔ (یا سیار) سخت

(٨) أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ (٩) وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ (١٠) إِنَّ رَبَّهُم بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ (١١)

پس آیا نداند کاهی که انگیخته شود آنچه در گورهاست و وداهم شود آنچه در سینه‌هاست که پروردگارانست بدیشان آگاه

سورة القارعة مكية وآياتها احد عشر آية

سورهٔ ١٠١ | حروفها ١٥٢ | كلماتها ٣٥

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الْقَارِعَةُ (١) مَا الْقَارِعَةُ (٢) وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ (٣) يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ (٤)

آن کوبنده چیست کوبنده وچه دانست ترا چیست کوبنده روزی که باشند مردم چون پروانه‌های پراکنده

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنفُوشِ (٥) فَأَمَّا مَن ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ (٦) فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَّاضِيَةٍ (٧)

وباشند کوهها مانند پشم زده پس اما آنکه سنگین آید سنجشهایش (ترازوهایش) پس اوست در زندگی پسندیده

وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ (٨) فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ (٩) وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَهْ (١٠) نَارٌ حَامِيَةٌ (١١)

واما آنکه سبک گردد ترازوهایش پس مادرش هاویه وچیست آن آتشی است سوزنده

سورة التكاثر مكية وآياتها ثمان آية

سورهٔ ١٠٢ | حروفها ١٢٣ | كلماتها ٢٨

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ (١) حَتَّىٰ زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ (٢) كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (٣) ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ (٤) كَلَّا

بغفلت شمارا (ای گروه مشرکان) فرو فگذاشت تکاثر بسیار طلبی در نعمت تا بسیدید بگورستان بچنین نیست زود است بدانید پس چنین نیست زود است بدانید بچنین نیست

لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ (٥) لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ (٦) ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ (٧) ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ

اگر بدانید دانستن یقین هرآینه بینید البته دوزخ را پس بینیدش البته عین یقین (یعنی عیان) پس پرسیده شوید هانا

يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ (٨)

در آنروز از نعمتها

سورة العصر مكية وهي ثلاث آيات

سورهٔ ١٠٣ | حروفها ٦٨ | كلماتها ١٤

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالْعَصْرِ (١) إِنَّ الْإِنسَانَ لَفِي خُسْرٍ (٢) إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ

سوگند بعصر (روزگار بهین) که هانا انسان بست در زیانکاری مگر آنانکه ایمان آوردند وکردار شایسته کردند وسفارش کردند بحق (یعنی

وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ (٣)

وسفارش کردند بشکیب

سورة الهمزة مكية وهي تسع آيات

سورهٔ ١٠٤ | حروفها ١٣٣ | كلماتها ٣٣

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ (١) الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ (٢) يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ (٣)

وای بر هر نکوهشگری عیب جوی آنکه گرد آورد مالی را وشمردش پندارد که مالش جاودان دارد

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ ﴿٤﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ ﴿٥﴾ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ﴿٦﴾

نچنین است همانا انداخته شود در حطمه و ندانستت چیست حطمه آتش خدای افروخته

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ﴿٧﴾ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُؤْصَدَةٌ ﴿٨﴾ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ﴿٩﴾

که چیره گردد بر دلها همانا آنست برایشان افروخته (یا پوشیده) در ستونهائی کشیده

سورة الفيل مكية وآياتها خمس

سورة ١٠٥ — حروفها ٩٦ — كلماتها ٢٣

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ﴿١﴾ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ﴿٢﴾

آیا ندیدی چه کرد پروردگار تو بیاران (یا خداوندان) فیل آیا نگردانید نیرنگ آنانرا در گمگشتگی

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ﴿٣﴾ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ ﴿٥﴾

و فرستاد برایشان مرغانی گروه گروه میافکندند برایشان (بر آنها سنگی) سنگی را از سجیل پس گردانیدشان مانند خوشه (یا برگی) خورده شده

سورة قريش مكية وآياتها اربع

سورة ١٠٦ — حروفها ٧٣ — كلماتها ١٧

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ ﴿١﴾ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ﴿٢﴾ فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ

برای جایدادن (یا الفت گرفتن) قریش الفت ایشان بکوچیدن زمستان و تابستان پس باید پرستش کنند پروردگار

هَٰذَا الْبَيْتِ ﴿٣﴾ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ﴿٤﴾

این خانه را که خورانیدشان پس از گرسنگی و ایمنشان ساخت پس از ترس

سورة الماعون الثلاث الاول مكية والباقي مدنية وآياتها سبع

سورة ١٠٧ — حروفها ١١١ — كلماتها ٢٥

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ ﴿١﴾ فَذَٰلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ ﴿٢﴾ وَ

آیا دیدی آنرا که تکذیب کند بدین پس آنست که میراند یتیم را و

لَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣﴾ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ

ترغیب نکند بر خوراک بینوا پس وای بر نمازگذاران آنانکه از

صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ﴿٦﴾ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ ﴿٧﴾

نماز خویشند غفلت کنندگان آنانکه خودنمائی کنند و باز دارند زکوة را (یا خیر را)

سورة الكوثر مكية وآياتها ثلاث

فی الحطمة یکی از نامهای دوزخ است و بدانش نامند چرا که استخوانهای مردم بمانند خرمن همیکوبد

(سورة الفيل) این سوره در بارهٔ ابرهة بن الصباح الاشرم پادشاه و فرمانروای یمن فرود آمد و ملوک یمن را تابعه گفتندی و این ابرهه را کیش ترسایان بودی و در یمن کعبه ساخته و مردم را بدان فرمودی تا چنان شد که اعرابی پنهان اندرون آن قبه رفت و پلیدی کرد و چون سخن آن بگوش ابرهه رسید برآشفت و بآهنگ ویران کردن کعبه رهسپار مکه گشت و بامداد آن روزی که بدین کار خاستی دست فرا برد فیل پیشاهنگ سپاه از رفتن باز ایستاد و چون بزدندش خویشتن بخاک مالید و چون روی او بسوی یمن کردند برخاست و دوید گرفت و اینکار چند بار مکرر کردند بدان امید که چاره فیل توانند نمود و بدانکار اندر بودند که خورشید برآمد و برایشان بتافت ناگهان مرغانی بر فراز ایشان پر زدن گرفتند و هر کدام از آن پرندگان را در منقار سنگی و در چنگالها دو سنگ بودی و چون آن سنگ بیفکندی ناپدید شدی و دیگری از جنس او پدیدار شدی و آن سنگها بر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سورۃ ۱۰۸ | حروفہا ۴۳ | کلمانہا ۱۰

بنام خداوند بخشایندہ مہربان

اِنَّآ اَعْطَيْنٰكَ الْكَوْثَرَ ۝١ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۝٢ اِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْاَبْتَرُ ۝٣

آنا ازانی دستیبت کوثر پس نماز گذار برای پروردگار خویش و قربان کن (بجوز گوسفند) آنا هرچه او نوبت دشمنان بریده

سورۃ الکافرون مکیۃ وآیاتہا ست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سورۃ ۱۰۹ | حروفہا ۹۴ | کلمانہا ۲۶

بنام خداوند بخشایندہ مہربان

قُلْ يٰٓاَيُّهَا الْكٰفِرُوْنَ ۝١ لَآ اَعْبُدُ مَا تَعْبُدُوْنَ ۝٢ وَلَآ اَنْتُمْ عٰبِدُوْنَ مَآ اَعْبُدُ ۝٣

بگو ای گروہ کافران نہ پرستم آنچہ را پرستید و نہ شما پرستندگانید آنچہ را پرستم

وَلَآ اَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُّمْ ۝٤ وَلَآ اَنْتُمْ عٰبِدُوْنَ مَآ اَعْبُدُ ۝٥ لَكُمْ دِيْنُكُمْ وَلِيَ دِيْنِ ۝٦

و نہ منم پرستندہ آنچہ پرستش کردید و نہ شما پرستندگانید آنچہ را پرستم شمارا دین خویش و مرا دین خویش

سورۃ النصر مدنیۃ فی حجۃ الوداع وہی آخر سورۃ نزلت جملۃ واللہ اعلم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سورۃ ۱۱۰ | حروفہا ۷۹ | کلمانہا ۱۹

بنام خداوند بخشایندہ مہربان

اِذَا جَآءَ نَصْرُ اللّٰهِ وَالْفَتْحُ ۝١ وَرَاَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُوْنَ فِيْ دِيْنِ اللّٰهِ اَفْوَاجًا ۝٢

گاہی کہ آید یاری خدا و پیروزی و ببینی مردم را درآیند در دین خدا گروہ گروہ

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ اِنَّهٗ كَانَ تَوَّابًا ۝٣

پس تسبیح کن بسپاس پروردگار خویش و آمرزش خواہش کن او ہست ہمانا آمرزگار

سورۃ المسد مکیۃ وآیاتہا خمس

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سورۃ ۱۱۱ | حروفہا ۸۱ | کلمانہا ۲۳

بنام خداوند بخشایندہ مہربان

تَبَّتْ يَدَآ اَبِيْ لَهَبٍ وَّتَبَّ ۝١ مَآ اَغْنٰى عَنْهُ مَالُهٗ وَمَا كَسَبَ ۝٢ سَيَصْلٰى نَارًا

بریده باد دستہای ابی لہب و بریده باد بی نیاز نکرد ازاو مالش و آنچہ فراہم کرد زود ہست بچشد آتشی

ذَاتَ لَهَبٍ ۝٣ وَّامْرَاَتُهٗ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ۝٤ فِيْ جِيْدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ ۝٥

شعله ور و زن او بردارنده ہیزم در گردنش بندی ہست از لیف خرما

سورۃ الاخلاص مکیۃ وآیاتہا اربع

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

سورۃ ۱۱۲ | حروفہا ۴۷ | کلمانہا ۱۵

بنام خداوند بخشایندہ مہربان

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ① اَللّٰهُ الصَّمَدُ ② لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُوْلَدْ ③ وَلَمْ يَكُنْ لَّهٗ كُفُوًا اَحَدٌ ④

بگو اوست خدای یکتا خداوند بیت صمد نه زاییده ونه زاده شده وهیچ نبود مثل او کسی

سورة الفلق مدنية وآياتها خمس

سورة ١١٣ حروفها ٧٣ كلماتها ٢٣

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ① مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ② وَمِنْ شَرِّ غَاسِقٍ اِذَا وَقَبَ ③

بگو پناه برم بپروردگار بامداد (شکاف صبح) از بدی آنچه آفرید و از بدی تاریکی گاهی که فراگیرد (بازفرود)

وَمِنْ شَرِّ النَّفّٰثٰتِ فِى الْعُقَدِ ④ وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ اِذَا حَسَدَ ⑤

و از بدی زنان دمنده در گره ها و از بدی حسود گاهی که حسد ورزد

سورة الناس مدنية وآياتها ست

سورة ١١٤ حروفها ٨٠ كلماتها ٢٠

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ ① مَلِكِ النَّاسِ ② اِلٰهِ النَّاسِ ③ مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ

بگو پناه برم بپروردگار مردم پادشاه مردم خدای مردم از بدی وسوسه کننده

الْخَنَّاسِ ④ الَّذِىْ يُوَسْوِسُ فِىْ صُدُوْرِ النَّاسِ ⑤ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ ⑥

خنان شونده آنکه وسوسه کند در سینه های مردم از پریان و مردم

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَّعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهٖ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ

صَدَقَ اللّٰهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ وَصَدَقَ رَسُوْلُهُ النَّبِيُّ الْاَمِيْنُ الْكَرِيْمُ

وَنَحْنُ عَلٰى ذٰلِكَ مِنَ الشَّاهِدِيْنَ وَالشَّاكِرِيْنَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ

الْعٰلَمِيْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّاٰلِهِ الطَّيِّبِيْنَ الطَّاهِرِيْنَ

الحمد لله اولا وآخرا

دعای ختم قرآن ماثور از حضرت امیر المومنین علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحیم

اللّٰهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْاٰنِ صَدْرِیْ وَاسْتَعْمِلْ بِالْقُرْاٰنِ بَدَنِیْ وَنَوِّرْ بِالْقُرْاٰنِ بَصَرِیْ وَ اَطْلِقْ بِالْقُرْاٰنِ لِسَانِیْ وَاَعِنِّیْ عَلَیْهِ مَا اَبْقَیْتَنِیْ فَاِنَّهٗ لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِكَ

(ایضاً منقول از حضرت امیر المومنین علیه السلام)

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ اِخْبَاتَ الْمُخْبِتِیْنَ وَاِخْلَاصَ الْمُوْقِنِیْنَ وَمُرَافَقَةَ الْاَبْرَارِ وَاسْتِحْقَاقَ حَقَائِقِ الْاِیْمَانِ وَالْغَنِیْمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَوُجُوْبَ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ

(ایضاً منقول از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام)

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ قَدْ قَرَاْتُ مَا قَضَیْتَ مِنْ كِتَابِكَ الَّذِیْ اَنْزَلْتَهٗ عَلٰی نَبِیِّكَ الصَّادِقِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ مِمَّنْ یُحِلُّ حَلَالَهٗ وَیُحَرِّمُ حَرَامَهٗ وَیُؤْمِنُ بِمُحْكَمِهٖ وَمُتَشَابِهِهٖ وَاجْعَلْهُ لِیْ اَنِیْسًا فِیْ قَبْرِیْ وَاُنْسًا فِیْ حَشْرِیْ وَاجْعَلْنِیْ مِمَّنْ تُرْفِیْهِ بِكُلِّ اٰیَةٍ قَرَاَهَا دَرَجَةً فِیْ اَعْلَا عِلِّیِّیْنَ اٰمِیْنَ رَبَّ الْعَالَمِیْنَ

یا ایّدہ حضرت ذوالجلال جل جلالہ ولا یزال قبرہ مہبط رحمۃ الاقبال ہزار
وسیصد ہفتاد و پنج ہجری مصادف باعید شریف و اولی مسعود حضرت
حجی مرتبت و برادر کرزن مبنی بشیر و یگانہ شخصیت برخطب جہان صفا قرآن خانہ بہمران
علیہ و الہ الاف التحیۃ و الثناء بخط ابن بندہ عاصی و زر تقصیر و خطا اقل الحاج ظاہر
جوشقوہی تبریزی ابن المرحوم المغفور الحاج عبد الرحمن غفر اللہ تعالی ذنوبہما
برحسب خواہش جناب مستطاب اقای حاج سید محمود اقا کاملجی بندہ کاپفروشی
علیہ سلامتہ بقلم طہران ایدہ اللہ تعالی و رفعہ فی الدارین صورہ اجتناء بدیرف

اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِیْنَ وَالْمُسْلِمَاتِ بِحَقِّ الْقُرْاٰنِ الْعَظِیْمِ الَّذِیْ لَا

فہرست سورہ قرآن شریف

اعداد السور	اسماء السور	اعداد الصفحہ
۱	فاتحۃ الکتاب الکتاب وطا اسماء اخر	۲
۲	البقرۃ	۳
۳	آل عمران	۳۲
۴	النساء	۴۷
۵	المائدۃ	۶۵
۶	الأنعام	۷۸
۷	الأعراف	۹۲
۸	الانفال	۱۰۷
۹	التوبۃ البرأئۃ وطہا اسماء اخر	۱۱۳
۱۰	یونس علیہ السلام	۱۲۶
۱۱	ہود علیہ السلام	۱۳۴
۱۲	یوسف علیہ السلام	۱۴۳
۱۳	الرعد	۱۵۱
۱۴	ابراہیم	۱۵۵
۱۵	الحجر	۱۵۹
۱۶	النحل	۱۶۲
۱۷	الاسراء بنی اسرائیل	۱۷۰
۱۸	الکہف	۱۷۸
۱۹	مریم	۱۸۵
۲۰	طٰہٰ	۱۸۹
۲۱	الانبیاء	۱۹۵
۲۲	الحج	۲۰۱
۲۳	المؤمنون	۲۰۷
۲۴	النور	۲۱۲
۲۵	الفرقان	۲۱۸
۲۶	الشعراء	۲۲۳
۲۷	النمل	۲۲۹
۲۸	القصص	۲۳۵
۲۹	العنکبوت	۲۴۱
۳۰	الروم	۲۴۶
۳۱	لقمٰن	۲۵۰
۳۲	السجدۃ	۲۵۲
۳۳	الأحزاب	۲۵۴
۳۴	سبا	۲۶۰
۳۵	الفاطر - الملٰئکۃ	۲۶۴
۳۶	یٰس صلی اللہ علیہ وآلہ	۲۶۸
۳۷	الصافات	۲۷۱
۳۸	صٓ	۲۷۵
۳۹	الزمر	۲۷۹
۴۰	المؤمن - الغافر	۲۸۴
۴۱	فصلت - السجدۃ	۲۸۹
۴۲	الشوریٰ حمعسق	۲۹۳
۴۳	الزخرف	۲۹۷
۴۴	الدخان	۳۰۱
۴۵	الجاثیۃ	۳۰۳
۴۶	الاحقاف	۳۰۵
۴۷	محمد صلی اللہ علیہ وآلہ	۳۰۸
۴۸	الفتح	۳۱۰
۴۹	الحجرات	۳۱۳
۵۰	قٓ	۳۱۵
۵۱	الذاریات	۳۱۶
۵۲	الطور	۳۱۸
۵۳	النجم	۳۲۰
۵۴	القمر	۳۲۲
۵۵	الرحمٰن	۳۲۴
۵۶	الواقعۃ	۳۲۶
۵۷	الحدید	۳۲۸
۵۸	المجادلہ	۳۳۰
۵۹	الحشر	۳۳۲
۶۰	الممتحنۃ	۳۳۵
۶۱	الصف	۳۳۶
۶۲	الجمعۃ	۳۳۷
۶۳	المنافقون	۳۳۸
۶۴	التغابن	۳۳۹
۶۵	الطلاق	۳۴۱
۶۶	التحریم	۳۴۲
۶۷	الملک	۳۴۳
۶۸	القلم - النون	۳۴۵
۶۹	الحاقۃ	۳۴۶
۷۰	المعارج - سئل سائل	۳۴۸
۷۱	نوح علیہ السلام	۳۴۹
۷۲	الجن	۳۵۰
۷۳	المزمل	۳۵۱
۷۴	المدثر	۳۵۳
۷۵	القیمۃ	۳۵۴
۷۶	الدہر - الانسان	۳۵۵
۷۷	المرسلات	۳۵۶
۷۸	النبأ	۳۵۷
۷۹	النازعات	۳۵۹
۸۰	عبس - الاعمیٰ	۳۶۰
۸۱	التکویر - کورت	۳۶۱
۸۲	الانفطار	۳۶۱
۸۳	المطففین	۳۶۲
۸۴	الانشقاق	۳۶۳
۸۵	البروج	۳۶۳
۸۶	الطارق	۳۶۴
۸۷	الأعلیٰ	۳۶۴
۸۸	الغاشیۃ	۳۶۵
۸۹	الفجر	۳۶۶
۹۰	البلد	۳۶۶
۹۱	الشمس	۳۶۷
۹۲	اللیل	۳۶۷
۹۳	الضحیٰ	۳۶۸
۹۴	الانشراح	۳۶۸
۹۵	التین	۳۶۸
۹۶	العلق	۳۶۹
۹۷	القدر	۳۶۹
۹۸	البینۃ	۳۶۹
۹۹	الزلزلۃ - الزلزال	۳۷۰
۱۰۰	العادیات	۳۷۰
۱۰۱	القارعۃ	۳۷۱
۱۰۲	التکاثر	۳۷۱
۱۰۳	العصر	۳۷۱
۱۰۴	الہمزۃ	۳۷۱
۱۰۵	الفیل	۳۷۲
۱۰۶	القریش	۳۷۲
۱۰۷	الماعون	۳۷۲
۱۰۸	الکوثر	۳۷۳
۱۰۹	الکافرون	۳۷۳
۱۱۰	النصر	۳۷۳
۱۱۱	تبت	۳۷۳
۱۱۲	الاخلاص	۳۷۳
۱۱۳	الفلق	۳۷۴
۱۱۴	الناس	۳۷۴

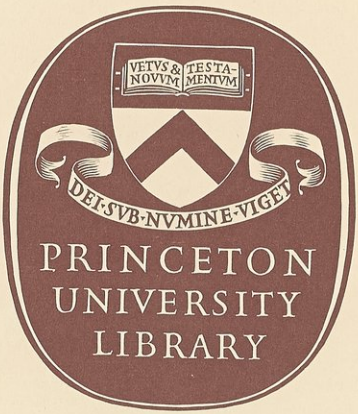
VETVS & NOVVM
TESTA-MENTVM
DEI·SVB·NVMINE·VIGET
PRINCETON
UNIVERSITY
LIBRARY

Princeton University Library
32101 047107121